



انتشارات دانشگاه تهران
۱۹۲۲-۱۹۲۳

مرآة البلدان

تأليف

محمد حسن خان اعتماد السلطنه

باصحاحات وحواشی و تفاريس
بکوشش

دکتر عبدالحسين بنیانی و ميرهاشم محدث

جلد دوم — سوم

بهاء دورۂ سہ جلدی ۱۰۰۰ تومان



مرآة البلدان

تأليف

محمد حسن خان اعتماد السلطنه

جلد دوم

با تصحيحات و حواشی و فهراس

به کوشش

میرهاشم محدث

و

دکتر عبدالحسین نوالی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

انتشارات دانشگاه تهران

شماره ۱۹۲۲

شماره مسلسل ۲۶۴۵

ناشر: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران

تاریخ انتشار اسفندماه ۱۳۶۷

تیراژ چاپ : ۳۳۰۰ نسخه

چاپ مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران

مسئولیت صحت مطالب کتاب با مؤلف است

کلیه حقوق برای دانشگاه تهران محفوظ است

هو

مخفی نماناد این بنده مؤلف را بدو قصد و اراده جازمه این بود که تمام وقایع سلطنت و صادرات يك قرن سعادت قرین سلطان اعلیٰ- حضرت قدر قدرت اقدس همایون شهریارى خلدالله تعالی ملکه و دولته را در این سال نوشته و به خاتمت آورده در طى تاریخ و جغرافیای دارالخلافة تهران که متمم جلد اول مرآة البلدان ناصری منطبعة سنه ماضیه است به حلیه طبع متحلی سازد. چون تألیف و تحریر تواریخ و سیر بی تحقیق کامل و توفیق اسباب، خود را به معرض خطر انداختن و مصداق من صنف فقد استهدف ساختن است علی الخصوص نگارش تاریخ عصر و تألیف شرح حال معاصر. چه اکثر اشخاصی که اسامی آنها در ذیل وقایع سلطنت ابد مدت شهریار تاجدار گردون اقتدار ضبط و ثبت است یا خودشان حیات دارند یا اولاد امجاد و اعقاب و الانژادشان در قید حیات و مشغول خدمات دولت می باشند. پس شرح حال هریک را به طورى نگاشتم که از دقایق حالات، چیزی فوت نشود و با لباس صدق و راستی بروفق مراد آید و مورد ایراد نگردد.

بس صعب و کثیر الزحمه بود لهذا به وسیله و توفیق بعضی اطلاعات خارجیه که از حضور نواب مستطاب اشرف والا اعتضاد السلطنه وزیر علوم مدظله العالی تحصیل و اخذ و اقتباس نموده و به معاونت و دستیاری اسناد معتبره صحیحه از قبیل جلد دوم تاریخ روضة الصفاى ناصری من تألیفات مرحوم مبرور خلدآشیان امیر الشعراء رضاقلی خان لله باشی

روح‌الله‌روحه و تاریخ قاجاریه از مجلدات ناسخ‌التواریخ من مصنفات قدوة‌الفضلاء، زبده‌الفصحاء، دانشمند بی‌نظیر فاضل‌نحیر جناب لسان-الملک دام مجده‌العالی و روزنامه‌های دولتی به‌علاوه بعضی ثبتها و مرقومات دولتی از قبیل فرامین و احکام وعهدنامه‌ها که از دارالانشاء دولتی و دفترخانه مبارکه و وزارتخانه‌های دیگر برای این تألیف مبارک در مدت نه‌ماه به‌دست آورده شروع براین مهم نمود. ولی چون زیاده از سه ماه مدت و مهلت نداشت و نگاشتن وقایع یک‌قرن با این شروح و بدین شروط با این قلت مجال، امری محال می‌نمود خاصه که شرح هر سالی مزین است به وقایع و حوادث عظیمه تمام اقطار عالم و کلیه دول روی زمین به ثبت و ترقیم وقایع پانزده ساله در این جلد قناعت و اکتفا رفت. امیدوار بعون خدای تعالی چنان است که در سال دیگر بقیه تاریخ قرن و وقایع پانزده سال اخیر را که البته به واسطه حدوث وقایع معظمه داخله و خارجه از این جلد مبسوط‌تر و مشروح‌تر خواهد بود به‌پایان آورد و منطبق سازد.

اگر در ذکر القاب رجال، طریق ایجاز و اجمال را اختیار کرده و جز القاب مختصره مخصوصه شاهزادگان والاتباء و وزرای عالی‌مقدار، دیگری را کسوت لقب نپوشانیده یکی به ملاحظه اختصار این تاریخ که فرع و تابع جغرافیاست و دیگر به متابعت و موافقت سبک روزنامه دولتی است که همه‌جا به اسامی فقط اکتفا می‌نماید. امید است با این عذر مقبول در این نکته، احدی را ایراد و نقض و شکایتی نباشد.

همچنین اگر بعضی از معاصرین که در این عصر همایون به حسن خدمت و وفور کفایت به مرور زمان مدارج و مراتب نوکری و چاکری را طی کرده و الحال در حضرت گردون بسطت پادشاهی قرب و منزلتی به کمال دارند و به مناصب عالی و مشاغل معظمه دولت منصوب و مشغول هستند به اقتضای وضع تاریخ‌نگاری و روزنامه‌نویسی، ذکری از مراتب و مدارج متوسطه یا نازله آنها در طی این کتاب مستطاب شده باشد نباید خاطر هیچیک از این فقره قرین کراهت و کدورت شود بلکه شخص را کمال شرف و افتخار است نه‌مایه ننگ و عار که شرافت نسب و امتیازات و شئون موروثی را از خود سلب کرده قدم همت پیش نهد و مدارج ترقی را به پای خویش بسپرد تا به‌اعلی مقام ترقی نایل و واصل شود چنان که

دربسیاری از امثال و شرح حال متقدمین مذکور و مسطور است که اشخاصی که مسبوق به خدمت و معروف حضرت سلاطین نبوده و در زوایای خمول خفته بوده اند عاقبت به وفور عقل و دانش و حصافت رأی و علو همت و جمال خدمت به مقام منیع وزارت رسیده اند. از اینجاست که حکیم فردوسی رحمه الله فرموده: هنر بهتر از گوهر نامدار.

العبد الفانی محمد حسن بن علی المراغه ای
الملقب به صنیع الدوله
ربیع الاول ۱۲۹۵

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سال اول

۱۳۶۴

جلوس ابد مانوس همایون اعلی حضرت اقدس خسرو صاحبقران، شاهنشاه کل ممالك محروسه ایران، شهریار عادل باذل، ظل الله الممدود، السلطان بن السلطان بن السلطان والخاقان بن الخاقان ناصر الدین - شاه قاجار ادام الله تعالی ایام ملکه و متعنا الله و جمیع المسلمین بطول بقائه بر تختگاه سلطنت و سریر پادشاهی آبای بزرگوار واجداد امجاد تاجدار خود در دار الخلافه باهره در شب شنبه بیست و دویم شهر ذیقعد الحرام سنه هزار و دویست و شصت و چهار هجری اتفاق افتاد. شکوه سلطنت افزود و دولت علیه حلیه عظمت در بر نمود. و روزی که تاج خلافت خسروی به تارک مبارک مزین و مفتخر گردید، سال عمر همایون - که امتداد آن شرف ادوار و قرون باد - به هجده رسیده، بارای پیرو بخت جوان پایه سریر گردون مسیر را بر روی مبانی معدلت و دعایم نصفت قرار داده قواعد و ارکان آنرا استحکامی زایدأ ماکان عنایت و مرحمت فرمود.

شب ششم شهر صفر المظفر هزار و دویست و چهل و هفت هجری شب عید ولادت باسعادت شاهنشاه جمجاه اسلامپناه است که همه ساله جشن این عید سعید مقرر و موجب سرور عموم اهل مملکت و کشور می باشد. و چون در این سال فیروزی مآل سنین ملک و سلطنت شهریار کامکار به مبارکی و سعادت به سی رسیده و در یک قرن پادشاهی مآثر و نتایج خاطر الهام ذخایر که لاتعد و لاتحصی است ممالك را در زیور آراستگی و کمال

معمور نموده و به اصابت رای عالم آرا، بلاد و عباد را مرفه و معمور فرموده این جمله را اقتضا این است که در مجلدی خاص جمع و موجب روشنی و بهجت بصر و سمع مطالعه کنندگان حال و استقبال نماید و آن را نازل منزله شکر نعمای الهی و ادای حقوق عظیمه ولی نعمت خود و کل اهالی ممالک محروسه ایران شیدالله تعالی دعایم ملکه و دولته قرار دهد. لهذا شروع به شرح سلطنت سی ساله نموده هر سالی را بابیانی وافی خالی از اطناب ممل و عاری از ایجاز مخل می نگارد و در ذیل احوال هر سال وقایع و سوانح بزرگی که در کل روی زمین سانش شده به ترقیم آن تکمیل حظ و استیفای نصیب ناظرین می نماید. بعون الله تعالی و حسن توفیقه.

شرح سلطنت سی ساله اعلیحضرت اقدس

شاهنشاه جمجاه روحانفاده

چون شهریار مبرور ماضی انارالله تعالی برهانه شب ششم شوال هزار و دویست و شصت و چهار از قصر محمدیه شمیران به ملاء اعلی و ریاض قدس در پیوست نوبت خسروی این خدیو یگانه و پادشاه عادل فرزانه آمد.

قبل از انتقال شهریار مبرور اسکنه الله تعالی فی دارالسرور ذات ملکوتی صفات مقدس - که ولایت عهد آن حضرت رضوان جایگاه داشتند - در دارالسلطنه تبریز در انتظام امور مملکت آذربایجان و تکمیل موجبات آسایش اهالی و رعایای آن سامان تجشم می فرمودند و در زمان اشتداد مرض شهریار فردوس قرار از جانب امنا و وزرای دولت و حضرت عرایض و چاپار پی در پی روانه تبریز می شد و بعد از وقوع غایله هایلله شهریار ماضی طاب الله ثراه نیز مسرعی از طرف نواب مهدعلیا طیب الله تربته اعلام را به آذربایجان شتافت. نواب مهدعلیا دخترزاده خاقان مغفور فتحعلی شاه و فرزند امیر محمد قاسم خان بن سلیمان خان قاجار قوانلو والدۀ اعلیحضرت شاهنشاه جمجاه روحانفاده بودند و نواب معظم الیها به نظم شهر و توابع دارالخلافه و تمهید مقدمات جلوس ابدمانوس پادشاهی دام ملکه رای و تدبیر صایبه فرموده نواب والا شاهزاده علیقلی

میرزا را که زیور فضل و دانش داشته و دارند به وزارت خود اختیار و طرف مشورت در امور قرار دادند.

نیز در هشتم شهر شوال سنه مسطوره نوشته حاجی میرزا آقاسی به علی خان ماکوئی سردار آذربایجان رسید که به حرکت موکب فیروزی کوکب اقدس اعلی آنها نموده بود. وزرای مختار روس و انگلیس هم به قونسولهای خود این مطلب را نگاشته و ابتدا نامه دالغورکی وزیر مختار روس به آنشکوف که در تبریز قونسول بود رسید و اونیم شبی به سمع اقدس رسانید.

بالاخره مطلب معلوم خواص گردید و پس از اقدام کارگزاران (۱) به انجام شرایط و لوازم کار و جمع آوری افواج و سواره و غیره شب چهاردهم شوال المکرم و بهروایتی شب هجدهم ماه مسطوره ولیعهد کامکار در تبریز به مبارکی جلوس فرمودند و علمای آن بلد و امرا حاضر شده جلوس مبارک را تهنیت گفتند. و از شاهزادگان بزرگ حسنعلی میرزای شجاع السلطنه و محمدتقی میرزای حسام السلطنه (۲) به تقبیل عتبه علیه سربلند گردیدند و میرزا تقی خان فراهانی وزیر نظام و میرزا جعفر خان مشیرالدوله به تجهیز لشکر و تهیه سفر و روانگی موکب همایون به دارالخلافه باهره پرداختند. و فرمان صادر شد که میرزا جعفر خان متوقف تبریز و مأمور امور دول خارجه باشد.

بالجمله موکب اعلی روز نوزدهم شوال سنه هزار و دویست و شصت و چهارده بار دوی مرکب از ده هزار نفر لشکری و خدام آسمان احتشام از شهر تبریز نهضت فرموده به باسمنج نزول اجلال کرده و از آنجا شد رحال و قطع منازل می فرمودند. و همه جا چهارده عراده توپ باقورخانه از پیش روی لشکر می رفت و دو عراده توپ سبک وزن همراه موکب منصور بود. و چون مردم تبریز و طهران از طایفه ماکوئی و حاجی میرزا آقاسی

۱- متن: کارگذار.

۲- این دو شاهزاده جزو عده دیگری از فرزندان و نوادگان فتحعلی شاه از سال ۱۲۵۰ مدتی در قلعه اردبیل و سپس در زندان تبریز محبوس بودند تا این که به میمنت جلوس ناصر الدین شاه آزاد شدند. ظاهراً وساطت مهدعلیا نیز در آزادی آنان مؤثر بوده. زیرا مادر مهدعلیا خواهر تنی شجاع السلطنه بود و مهدعلیا آزادی دایی کور خود را از شاه جوان خواستار شده بود.

رنجیدگی داشتند، علی‌خان ماکوئی را که به‌سردار آذربایجان معروف بود دخیلی دراین خدمت ندادند و میرزا فضل‌الله‌خان نصیرالملک به‌پیشکاری مشغول بود و میرزاتقی‌خان وزیرنظام به‌رتق وفتق امورلشکر می‌پرداخت. و چون محمدخان زنگنه امیرنظام دراین وقت درگذشت (۳) میرزاتقی‌خان منصب امیرنظامی یافت.

واز این طرف خیالات حکام و امرامتشنت بود و حاجی میرزا آقاسی که بزرگان ایران را از خود رنجیده‌خاطر می‌دید و از همه مایوس بود، بعد از آن که فضان آقای سرتیپ توپخانه که در آن وقت وجود او را در امور مدخلیتی درست بود، برای او پیغام داد که من از حکم نواب مهدعلیا و صوابدید او بیرون نشوم و باتو موافقت نکنم، به‌امامزاده عبدالعظیم حسنی پناه برده بستی شد و هر جاکه یکی از بزرگان ماکوئی حاکم بود مردم بر آن بشوریدند و امرای ایران که قابل مقامی بودند ظاهراً باهم موافق و باطناً جزنفاق نداشتند و در خفا هریک به‌راه مصلحت خویش می‌رفتند و منتظر مقدم فرخنده شیم مبارک بودند و احیاناً اگر فسادى در داخل و خارج می‌دیدند به‌قدر قوه در اصلاح آن می‌کوشیدند و قطع و فصل احکام به‌دست نواب مهدعلیا طابت تربتها بود و اصابت رای نواب معظم‌الیه و مساعی ایشان دخل و فایدتی عظیم در کار مملکت و تشیید مبانی دولت و سلطنت داشت و مردم را استظهاری کامل به‌خصایل معدلت شمایل شاهنشاه اسلام پناه می‌داد. منشورها مرقوم فرمودند و ملاحظات منظور شد. حاجی‌علی‌خان والد مؤلف را که دراین وقت از زیارت بیت‌الله‌الحرام مراجعت کرده بود برای نظم و حکومت به‌گیلان فرستادند و عباسقلی‌خان جوانشیر به‌ضبط قرای خالصه پرداخت تادرغله و حبوب دیوانی حیف و میلی نشود. چون خزانه از اصفهان به‌دارالخلافه می‌آمد، جعفرقلی‌خان قراجه‌داغی را با صدوپنجاه سوار جلو فرستادند که آن‌را به‌سلامت به‌طهران آرند.

و دراین وقت میرزا آقاخان وزیر لشکر که بابرادر خود میرزا

۳- میرزا محمدخان زنگنه در سال ۱۲۵۷ فوت کرده بود. اعتمادالسلطنه خرد درسته‌نظم

ناصری، در حوادث سال مذکور، بدین نکته اشاره کرده ولی نام وی را به‌اشتباه «محمدخان امیر تومان» نوشته.

فضل‌الله‌نوری امیردیوان به‌توقف دارالامان قم و کاشان محکوم بودند، بعد از اطمینان از التفات نواب مهدعلیا و به‌فرموده ایشان، به‌دارالخلافه طهران آمده در عمارت خورشیدمنزل یافت و کارگزاران نواب معظم‌الیها او را مهمان‌پذیر شدند. او با بزرگان مازندران دست اتحاد داده مردم را به‌ریاست و وزارت خود خواند و دور او ازدحامی پدید آمد. میرزا - نظرعلی قزوینی حکیم‌باشی که نیز در قم ساکن بود به‌قزوین رفت که تقبیل رکاب اعلی نماید.

بالجمله موکب همایون کوچ بر کوچ به‌سلطانیه رسید و در هر منزل بزرگان و وجوه اهل مملکت به‌اردوی معلی پیوستند. از جمله در میانه زنجان و سلطانیه خسروخان گرجی به‌اتفاق علی‌خان سرتیپ قراگوزلو و دوفوج سرباز به‌تقبیل رکاب مبارک سرافراز گردیدند و روز ورود زنجان دوفوج قدیم و جدید خمره با هزار و پانصد سوار، نیز پانصد سوار شاهسون از راه رسیده از سان‌نظر مهرآثر گذشته فوج خمره مأمور توقف زنجان و فوج قراگوزلو مرخص‌خانه شدند که تهیه‌سفر خراسان کنند. نواب عبدالله‌میرزا (۴) عم شاهنشاه ایران به‌وزارت میرزا شفیع توپسرکانی حکومت خمره یافت.

هنگام ورود به‌قزوین میرزا نظرعلی حکیم‌باشی به‌استقبال موکب منصور مستعد آمد و میرزاتقی‌خان امیرنظام بی‌رخست آمدن او را نیز ورود میرزا آقاخان وزیر لشکر را به‌دارالخلافه بی‌اذن جسارتی شمرده هردو را از این مبادرت منع و مورد مؤاخذه داشت. میرزا نظرعلی را به‌قم بردند و میرزا آقاخان به‌بعضی از امان و رجال دولت متوسل شده مقرر گردید که درخانه خود نشسته بیرون نیاید. هم به‌محمدحسن‌خان سردار ماکوئی تهدیدی رفت که درخانه خود نشیند تا موکب اعلی به‌دارالخلافه نزول اجلال گزیند. و در این ایام میرزا نصرالله اردبیلی صدرالممالک خود را صدراعظم دولت می‌شمرد و چنان می‌پنداشت که به‌مجرد وصول اردوی معلی این منصب به او تفویض خواهد شد.

نیز در این اوان، سیف‌الملک میرزا ولداکبر ظل‌السلطان (۵) که در

۴- عبدالله‌میرزا پسر بیست و ششم عباس‌میرزا، برادر محمدشاه و عموی ناصرالدین‌شاه بود.

۵- علی‌خان ظل‌السلطان برادر تنی عباس‌میرزا بود که در فاصله آمدن محمد شاه از

تبریز به‌تهران، چون میر نوروزی، چند روزی بساط سلطنت چید و به‌نام خویش سکه زد.

قزوین موقوف بود و ساوس نفسانی بر او غالب شده به میان قبایل که در نواحی قزوین ساکن بود رفته بنای سرکشی گذارده به هوس پادشاهی افتاد و ارقام به اطراف فرستاد. ولی سلیمان خان افشار او را در بقعه امامزاده معروف به گازرسنگ دریافت و دستگیر نمود و اعوان او متفرق و خود او را به دارالخلافه آورد.

هم در این ایام، میرزا محمد علی خان شیرازی (۶) از سفارت پاریس مراجعت کرده در دارالخلافه بود تا اردوی همایون در منزل یافت آباد از ابنیه حاجی میرزا آقاسی که قریب به دارالخلافه است قرار گرفت. شاهزادگان و بزرگان درگاه به خاک بوس آستان مبارک سرافراز شدند. در این محل پیشکاری میرزا تقی خان امیر نظام معلوم همه کس گردید و میرزا محمد سعید انصاری کاتب اسرار مکتومه و منشی رسایل خاصه گردید.

ذکر ورود موكب منصور به دارالخلافه و جلوس همایون بر سریر سلطنت این دولت روز افزون و بعضی وقایع دیگر

روز بیست و یکم شهر ذیقعدة الحرام سنه هزار و دویست و شصت و چهار، اعلیحضرت شاهنشاه کل ممالك محروسه با فر و شکوهی فراوان دارالخلافه طهران را به قدوم سعادت لزوم مبارک مزین فرمودند. سروری عام و نشاطی خاص عموم اهل این مملکت را دست داد و به لوازم شکر گزاری (۷) کوشیدند و از زیارت حال مهر مثال مقدس قرین حصول آمال آمدند. و در شب شنبه بیست و دویم همین ماه، در سرای سلطنتی، پیش روی کلاه فرنگی هفت ساعت و بیست دقیقه از شب گذشته، جلوس بزرگ روی

۶- خواهرزاده سیرزا ابراهیم خان اعتمادالدوله شیرازی.

۷- متن همه جا شکرگذاری.

داد. و در این جلوس میرزا تقی خان به لقب اتابیکی و منصب صدارت عظمی نایل گردید و به خلعتی فاخر مخلص آمد.

روزشنبه بیست و چهارم این ماه، سلام عام در تالار تخت مرمر انعقاد یافت و بزرگان ایران به شرف حضور باهرالنور اعلی مشرف شده تهنیت گفتند. قلوب آسایش و نفوس تسلیت یافت و هم از آن روز میرزا تقی خان اتابیک اعظم به تدابیر امور ممالك محروسه و تعدیل دخل و خرج دولت و مخصوصاً به فکر نظم خراسان افتاد (۸) و پرداخت و هر منصبی را به شخصی شایسته واگذار کرد و بامیرزا آقاخان وزیر لشکر که در امور عراق و بعضی ممالك دیگر بصیرتی داشت راه اتحاد گرفت. اسکندر-میرزا به وزارت میرزا موسی تفرشی مستوفی به حکومت قزوین رفت. شاهرخ میرزا ولد فرمانفرما (۹) مرحوم حاکم کاشان شد و محمد کاظم-خان کاشانی وزارت او یافت.

در دوازدهم ذیحجه نعلش شهریار مبرور (۱۰) طاب الله ثراه را به دارالایمان نقل و تحویل دادند و چون اغلب بلاد و ایلات بی شایبۀ غایله و فتنه نبود گماشتگان و کارگزاران آستان آسمان جاه همایون به تصفیۀ مشارب و حسم مواد طغیان پرداختند.

ذکر توجه قشون ظفرنمون به نظم بلاد خراسان

از جمله اشخاصی که به نظم و انتظام بلاد مامور شدند حاجی نور-محمدخان سردار و سلیمان خان افشار بودند که به اصلاح امور خراسان

۸- چون خراسان به مناسبت شورش محمدحسن خان معروف به «سالار» سخت آشفته بود. سالار پسر الله یارخان آصف الدوله و دخترزاده فتحعلی شاه بود.

۹- یعنی حسینعلی میرزا. پنجمین پسر فتحعلی شاه که از ۱۲۱۴ تا ۱۲۵۰ حاکم فارس بود. او نیز پس از مرگ فتحعلی شاه کوس استقلال زد و سکه و خطبه به نام خویش کرد. اما بزودی مغلوب و دستگیر شد و همراه برادر خود حسینعلی میرزا به تهران منتقل گردید. درکناره گرد، گماشتگان محمدشاه حسینعلی میرزا را کور کردند و هردو را به تهران بردند. حسینعلی میرزا در برج نوش زندانی شد و اندکی بعد در ویای عمومی، از بی غذایی و بی دوائی، در تنهایی درگذشت.

۱۰- غرض از شهریار مبرور محمد شاه پدر ناصرالدین شاه است.

روانه شدند و چون به سبزوار رسیدند اطمینان نامه نوشته برای سالار و جعفرقلی خان فرستادند. (اسم سالار حسن خان ولد آصف الدوله اللهیار- خان قاجار دولو است واللهیارخان خال شهریارمبرور ماضی طاب الله ثراه بوده). ولی سالار در اوان فترت قوتی گرفته و نواب والا حمزه- میرزا (۱۱) را ضعف حاصل شده به موافقت یارمحمدخان از ظاهر مشهد مقدس به هرات شده بود و بلاد خراسان محکوم سالارگردیده. لهذا آن نوشته را واقعی ننهاد. اما چون سالار به تاخت به تربت حیدریه رفت، جعفرقلی خان به جانب نیشابور آمد و در ورود او سلیمان خان او را پذیرایی کرد و سخنها با او در میان آورد و روی دل او را به جانب دولت گردانید و از او عریضه گرفته به دارالخلافة فرستاد. ولی چون سالار به سبزوار آمد سخنان عم خود نورمحمدخان را نشنید و در این وقت سامخان ایلخانی بن رضاقلی خان زعفرانلو که در طهران مقیم و موقوف بود موقعی درست برای خدمت این دولت جاوید شوکت و طلب نام نیک و حسن مقام به دست آورده از دارالخلافة، فرادا به جانب خوشان رفته نواب شاهزاده سلطان مراد میرزا که به لقب «حسام السلطنة» اختصاص یافتند نیز از جانب اعلیحضرت شاهنشاهی مأمور خراسان شده و مصمم تسخیر بوزنجر و تخریب اسفراین بود. نورمحمدخان و سلیمان خان در چهارشنبه سلخ صفر بهاردوی نواب والا حسام السلطنة آمده و جعفرقلی خان به بهانه حفظ خانه خود از سالار اذن خواسته به منزل روئین دز درآمد و مجدداً با سلیمان خان ملاقات و مقالات نموده در عزیمت دارالخلافة یک دل و در غرّه ربیع الاول روانه طهران شدند. پس از ورود، معفو و مورد رحمت شاهانه گردید و از جانب دولت نواب سلطان مراد میرزا بالشکری جرار، در پنجم ذیحجه، راه خراسان گرفته به سبزوار رسید و لشکر را به محاصره شهر فرمان داد. و در این زمان سامخان زعفرانلو باششصد سوار کرد از خوشان بهاردوی والا آمدند و لطفعلی خان بغایری و اللهیارخان و امیرحیدرخان طالش و کوچک آقای برادرزاده سلیمان خان دره جزی باجمعی سواران به موافقت سامخان بهاردو آمده مورد لطف شدند. در این ایام برفهای شدیدی می بارید

۱۱- نواب معظم الیه والا ملقب به حشمة الدوله والان حکمران عربستان و لرستان

می باشند (اع).

و آذوقه قشون نایاب و کار تنگ بود. لهذا به خیال ترك محاصره و عزم شاهرود افتادند. اما سامخان منع این خیال نموده نواب والا و سپاه را به خبوشان میلداد و متعهد آذوقه و علوقه اردو شد و از عهده عهد به واجبی برآمد و هنگام عبور به جانب خبوشان از راه سرولایت نیشابور، شاهان دز نام قلعه که در میان راه بود از شلیک توپ متزلزل گردید و صاحب قلعه محمدخان بغایری فرار کرده به محال بام و جهان ارغیان گریخت و اهالی قلعه امان یافته بیرون آمدند و آذوقه و علوقه که در آنجا انبار بود به تصرف عساکر منصوره درآمد، وصفی آباد نیز مفتوح گردید، و محمدخان بغایری به شفاعت سامخان به خدمت آمد و نواب حسام السلطنه به اراضی اسفراین رفتند.

و در این وقت حیدرقلی خان برادر جعفرقلی خان در قلعه میان آباد بود و از این قلعه به روئین دز نزد جعفرقلی خان شتافت و جعفرقلی خان هنوز به دارالخلافه نرفته بود. از اینجا مطمئن شده روبه طهران نهاد. و نواب والا آهنگ جوین و قلعه جغتای کرد و سالار، به حمایت اللهیارخان جوینی، به اردوی والا نزدیک شد. روزی که اهالی اردو در مراتع جوین به طلب آذوقه متفرق بودند، سالار خبر شده هزار سوار برسر سیصد نفر سرباز که با دو عراده توپ در آنجا می بودند فرستاد. چون صدای توپ بلند شد، سواران عراقی از هر طرف به لشکر خود پیوستند و سالار نیز سواران خود را امر به تاختن کرد و خود نیز براند و این قلیل سرباز مدت شش ساعت با سپاه خراسان جنگ می کردند تا نواب حسام السلطنه (۱۲) آگاه شد با لشکر به رزمگاه آمد و جنگی بزرگ در گرفت و دویست تن از سپاه سالار مقتول شد و خود او فرار کرد و چهار فرسنگ پس نشست. و نواب والا آق قلعه را محصور و مسخر نموده قلعه جغتای نیز به تصرف درآمد. سلیمان آقای قلیچ به سالار پیوست و محمد ابراهیم خان قاجار از جانب نواب والا حسام السلطنه حکومت جوین یافت و نواب معظم الیه قصد تسخیر سبزوار کرد. اما سالار مبادرت نموده به سبزوار شد و میرزا محمدخان برادر خود و امیراصلان خان پسر خود را در آنجا

۱۲- سلطان مراد میرزا پسر سیزدهم عباس میرزا نایب السلطنه که پس از فتح هرات

به حسام السلطنه ملقب گردید.

گذاشته جمعی را گروهی گرفته به نیشابور رفت و نواب حسام السلطنه در نیم فرسخی شهر سبزوار در قلعه خسروگرد خیمه زده ده روز با سواران سالار زد و خورد می کردند.

در این وقت، یحیی خان تبریزی از دارالخلافه بادو سه هزار سوار و سه عراده توپ و خزانه درخور و نشانهای التفات برای سام خان و دیگران که خدمتی کرده بودند در رسید و جعفرقلی خان ترشیزی به اظهار خدمتگزاری (۱۳) عریضه فرستاد. و خبر رسید که یعقوب علی خان تربتی را اهل تربت محاصره کرده و مستدعی اند که اسکندر خان قاجار را که سابقاً سرتیپ افواج آنها بوده روانه دارید تا تربت را به او سپاریم. نواب حسام السلطنه او را باش عراده توپ و قشون روانه کرده او به تربت رفت. ترشیز را مسخر کرده سرباز مراغه را برداشته و صد و پنجاه تن از طایفه عرب و عجم را به حفظ ترشیز گذاشته و جعفرقلی خان ترشیزی را با خود همراه برد. چون به تربت رسید، یعقوبعلی خان به محولات رفت؛ هم آخر او را اطمینان داده با خود باز آورد.

بعد از اسکندر خان، نواب حسام السلطنه از خسروگرد کوچ کرده به سبزوار آمد و دروازه های شهر را بر سپاه تقسیم کرده به برآوردن سنگر و حفر ماریچ و مورچال و لوازم محاصره فرمان داد. در این وقت مصطفی - قلی خان تربتی برادر یعقوبعلی خان تربتی با دو بیست نفر سرباز تربتی به محارست ارگ سبزوار مخصوص بود. وقتی که او قبول خدمت کرد و با اسکندر خان بساخت نامه به برادر خود نوشت که من قبول خدمت دیوان اعلی کرده ام تو نیز بامن موافقت کن و ارگ سبزوار را تسلیم گماشتگان نواب والا حسام السلطنه نمای. مصطفی قلی خان این نوشته را با عریضه خود خدمت نواب حسام السلطنه فرستاد و استدعا کرد شخصی را مامور کنند تا ارگ مزبور را به آن شخص سپارد. نواب والا فرج الله خان عرب را با تبعه او مامور کردند و او به سرعت روانه شده روز چهاردهم ارگ سبزوار را گرفتند و مردم شهر سراسیمه شدند. امیراصلان خان قفل دروازه را شکسته به در رفت و میرزا محمد خان بیگلریگی و شاهزاده محمد یوسف افغان هراتی و سلیمان آقای قلیجی گرفتار شدند و آنها را به یحیی خان تبریزی سپردند که مغولان به دارالخلافه آورد.

ونواب حسام السلطنه، بعد از فتح سبزوار در بیستم شهر ربیع الثانی، عزیمت نیشابور کرد و امام‌ویردی خان بیات که از جانب نواب والا حشمة الدوله حمزه میرزا (۱۴) حکومت نیشابور داشت و در این مدت به سالار خدمت و موافقتی نکرده بود در این موقع به استقبال آمده استدعا نمود که جمعی را معین فرمایند تا به نیشابور درآمده شهر را به ایشان سپارم. در این ایام که عید نوروز فیروز بود نیشابور را نیز تصرف کردند.

ذکر بعضی وقایع دیگر که در این سال خیرمآل واقع گردید

هم از وقایع این سال (هزار و دویست و شصت و چهار)، مأموریت میرزا جعفر خان مشیرالدوله است به سرحد بغداد که به اتفاق وکلای دولت روس و انگلیس و عثمانی از آنجا به محمره (۱۵) رفته حدود اراضی دولتین را تشخیص دهند. و این سفری طولانی بود که حاصل آن در ضمن نگارش احوال مراجعت سفیر مزبور مسطور خواهد شد.

نیز در این سال، حکام بلاد را تجدید نمودند و اصقاع ممالک غالباً از شوایب آشوب مصفی گردید و برای رفع آشفتگی کرمان، نواب والا - مؤیدالدوله طهماسب میرزا (۱۶) را به حکومت آن سامان فرستادند و فضلعلی خان را از آنجا طلبیدند دوست علی خان حاکم یزد به دارالخلافه آمد و محمد عبدالله نامی از اشرار آن ولایت مداخله در کار حکومت می کرد تا اعلیحضرت شاهنشاه بر سریر گردون مستقل گردیدند و حاجی بیژن خان گرجی را که ریش سفید عملۀ خلوت بود به حکومت یزد فرستادند و نواب والا معزالدوله بهرام میرزا (۱۷) به ایالت فارس و نواب والا رکنالدوله

۱۴- حمزه میرزا حشمة الدوله پسر بیست و یکم عباس میرزا نایب السلطنه.

۱۵- خرمشهر کنونی.

۱۶- دومین پسر محمدعلی میرزا دولتشاه است. دولتشاه نخستین پسر فتحعلی شاه و

سالیان دراز حکمران کرمانشاه بود (متولد در هفتم ربیع الثانی در ۱۲۰۳ و متوفی در ۲۶ صفر ۱۲۳۷ ه. ق. شرح حالی از او به قلم خود او به دست ما رسیده در پایان کتاب چاپ می شود.

۱۷- دومین پسر عباس میرزا نایب السلطنه.

اردشیر میرزا (۱۸) به لرستان و خوزستان به حکمرانی رفتند و خان خانان سلیمان خان حاکم اصفهان شد. و چون حاجی بیژن خان متابعت رای محمد - عبدالله می نمود به زودی از حکومت معزول شد.

و در این سال، نواب والاخان میرزا (۱۹) را از مازندران خواسته به بروجرد فرستادند و مازندران را به برادرش نواب مهدی قلی میرزا (۲۰) سپردند و در زمان او فتنه طایفه بابیه در مازندران موجب هلاکت جمعی کثیر شد و شرح فتنه این طایفه باسرها در زیر نگاشته خواهد شد.

هم در این سال در اوایل جلوس ابدمانوس همایون، میرزا تقی خان صدراعظم به مصاهرت شاهنشاه سرافراز گردیده (۲۱) ترقیات فوق العاده او مورث رشک بعضی امرای درباری گردید و بعضی افواج را بر او بشورانیدند و او ناچار از ارگ و خانه حاجی میرزا آقاسی به شهر نقل مکان کرد و به سعی بعضی از امنای دولت خاصه عباسقلی خان جوانشیر و عیسی خان بیگلریگی افواج شوریده آرמידند. و میرزا تقی خان از خانه میرزا آقاخان که اعتمادالدوله لقب یافته بود به مکان خود بازگشت و از نو به منصب خود مستقل گردید و در این وقت حاج علی خان والد مؤلف منصب فراش - باشیگری یافت.

هم در این سال، فی مابین علمای تبریز اختلافی پدید آمد و مریدها ماده خلاف را غلیظ کرده به مصاف کشیدند و نواب ملک قاسم میرزا (۲۲) حکمران تبریز به اصلاح پرداخت و عوام آرام گرفتند.

و در این سال میرزا احمد شاملوی خوشنویس در گذشت.

نیز در این سال حاجی میرزا آقاسی که چهارده سال صدارت شهریار مبرور طاب الله ثراه را داشت استدعا و استیذان زیارت عتبات عالیات طلب نموده نصرالله خان یوزباشی لك با پنجاه سوار مأمور شدند که او را حافظ

۱۸ - هفتمین پسر عباس میرزا نایب السلطنه .

۱۹ - هفدهمین پسر عباس میرزا نایب السلطنه .

۲۰ - بیستمین پسر عباس میرزا نایب السلطنه .

۲۱ - خواهر ناصرالدین شاه به نام ملک زاده خانم ملقب به عزة الدوله در روز جمعه

بیست و دوم ربیع الاول ۱۲۶۵ به حباله نکاح میرزا تقی خان درآمد.

۲۲ - پسر بیست و چهارم فتحعلی شاه.

و همراه باشند و در سیم ذیحجه الحرام عازم مقصد شده نایل به مقصود گردید.

ومیرزا نصرالله صدرالممالک اردبیلی را، بعد از شورش افواج، مغرضین متهم نموده به قم رفت واز آنجا او را روانه کرمانشاه کردند و آگاهبرام قراباغی را نیز مخدولا به کرمانشهان برده سپردند و جمعی از امرا که مورث فتنه و شورش برضد میرزاتقی خان بودند تنبیه شدند.

شرح فتنه طایفه بابیه

اگر چه تمامی فتنه طایفه مزبوره متعلق به این سال نیست بلکه بعضی به سالهای سابق و برخی لاحق تعلق دارد، ولی محض این که رشته مطلب گسسته نشود این غایله را با سرها در این مورد می نگارد و هی هده:

سیدعلی محمد معروف به باب پسر میرزا رضا از سادات شیراز که آباء واعمام او به تجارت و بزازی در شیراز ویزد معاملتی داشتند، بعد از آن که چندی در عتبات عالیات در حوزة درس علما خاصه حاجی سید کاظم رشتی بود، به بندر بوشهر آمده مدتی در این بندر سربرهنه در آفتاب ریاضت کشیده رطوبت دماغش تمام شده ابتدا مدتی مدعی نیابت امام غایب عجل الله تعالی فرجه شد و بعدها کم کم برنردبان دعوی صعود نموده ادعای صاحب الامری کرده آخر الامر خود را از قرآن کریم افصح و ابلغ می شمرد. حسین خان آجودان باشی حاکم فارس در سال هزار و دویست و شصت و دو او را از بوشهر به شیراز طلبیده در خلوت با او نشسته و دروغی به او اظهار ارادت کرد و او را بر آن داشت که در مجلس علما عقاید و دعاوی خود را آشکار کند و او در روز نوزدهم رمضان در مجلس علماء به اعتماد بر حسین خان آنچه در دل داشت بر زبان آورد و اختلال حواس او بر همه معلوم شده به حرمت سیادت، به جای سیاست کلی، چوب زیادی به پاهای او زدند و روی او را سیاه کرده به مسجد وکیل بردند. او اظهار ندامت و توبه کرده

به خود لعن نمود. آنگاه او را حبس کردند و شش ماه در حبس بود تا منوچهرخان معتمدالدوله از اصفهان سواران به طلب او فرستاد و او را به اصفهان آوردند، و منوچهرخان به او گمان‌ها می‌برد و او را در اصفهان پنهان داشت. تا سال هزار و دویست و شصت و سه که منوچهرخان در اصفهان درگذشت و سید علی محمد را از اصفهان احضار و به چهریق آذربایجان برده و در آن قلعه گذاشتند و جمعی نگاهبان بر او گماشتند. و سیدی حیی پسر آقاسید جعفر معروف به کشفی اصطهباناتی که از خواص مریدهای او بود به یزد رفت و معتقدین او در بلاد و ممالک محروسه متفرق و بنای دعوت و عوام‌فریبی نهادند. از جمله ملاحسین بشرویه - که از علما و بهامیدریاست تابع او شده بود - در مشهد مقدس در میان هنگامه سالاری بازاری آشفته دید مشغول فریب جمعی بود که سامخان سرتیپ روسی که در خدمت این دولت جاوید شوکت بود مطلع شده عریضه خدمت نواب والا حشمت الدوله والی خراسان که در چمن رادکان به مدافعه سالار می‌پرداختند نوشته اظهار داشت که عن قریب فریب خوردگان ملاحسین فتنه برپا خواهند کرد. والی خراسان حکم کرد ملاحسین را با قراول به اردو آوردند و حبس کردند. بعد از چندی، در حرکت اردو فرار کرده بهمازندان رفت و سیصد چهارصد تن از فریب خوردگان به او وصل شدند که به آذربایجان به یاری سید علی محمد روند. چون حبس باب در چهریق مایه گفتگوی عوام شد در وقتی که به حکم شهریار مبرور ماضی (محمد شاه) طاب الله ثراه حضرت ولیعهد ابدمهد دولت علیه ایران (شاهنشاه جم‌جاه دام‌ملکه) به حکمرانی آذربایجان و مضافات مأمور بودند، مقرر شد سید را از چهریق به تبریز آورند و در حضور حضرت معظم ولیعهد، علما حاضر شوند و با سید گفتگو نمایند تا ابطال او مشهود عالمیان گردد.

هم در این سال - که سال هزار و دویست و شصت و سه باشد - بر حسب امر اقدس در حضور حضرت ولیعهد گردون مهد، مجلسی منعقد شد و علمای اعلام حاضر شدند. آخوند ملا محمد ممقانی و حاجی مرتضی - قلی‌مروندی ملقب به علم‌الهدی و حاجی میرزا علی‌اصغر شیخ‌الاسلام و حاجی میرزا محمود نظام‌العلماء، سید علی محمد را محترماً به مجلس آورده سؤال و جواب در هرباب با او نمودند. اصلاً رایحه‌ای از علم و معرفت از او استشمام نشد و بطلان دعاوی او بر خاص و عام ظاهر گردید. پس از

چندی توقف در تبریز و يك مرتبه چوب خوردن به امر اقدس حضرت وليعهد و فتوای علماء باز او را به چهریق برده حبس کردند و تابعین او در هر جا در پرده بنای فساد و عوام فریبی گذاردند. از جمله دختر حاجی صالح برقانی پیرو این طایفه شد و عم خود مرحوم حاجی ملاتقی برقانی را که از علماء و منکر این طایفه بود به دست دوسه تن باییه به قتل رسانیده و به قره العین ملقب و مشهور شد و حاجی محمد علی نام بارفروشی که در مکه سید علی محمد را دیده و حسن ظنی به او حاصل نموده او نیز یکی از مشاهیر این طایفه گردید. و در انتقال شهریار مبرور انارالله برهانه ملا حسین بشرویه - که به وضع مسطور از خراسان به سمت مازندران بگریخت - با جمعی روی به بارفروش نموده در خارج شهر، در حوالی بحرارم معروف به سبزمیدان، اقامت کردند و ظاهراً مشغول معاملات و باطناً به فریب مردم پرداختند. سعیدالعلماء خبر شده امر به اخراج آنها نمود و کار به منازعه کشید. سعیدالعلماء، عباسقلی خان سردار لاریجانی را اطلاع داده وی محمدبیک یاور فوج را با سیصد نفر تفنگچی لاریجانی به دفع فرقه مبتدعه فرستاد و در این نزاع دوازده نفر از باییه کشته شد و چند نفر نیز از این طرف زخم دار گردیدند و باییه درسبزمیدان متحصن گشتند. و بعد از چندی ملا حسین و حاجی محمد علی با اتباع خود عزم عراق کردند و چون در راه مورد دست اندازی گردیدند، در محوطه مقبره شیخ طبرسی - که از معارف فضلالی محدثین و مشایخ طبرستان (۱) است - تحصن جستند و در آنجا قلعه ای به شکل مثنی از خشت بنا کردند و بروج عالی به در آن وضع نمودند و لوازم حصانت را به آن دادند و گاو و گوسفند و شلتوک و هر گونه مأكولات غارت کرده به قلعه بردند و جمعیت متابعان به دو هزار رسید و باکسان که از پیشگاه خلافت به دفع این فتنه مامور می شدند به نزاع برمی خاستند و ملا حسین بنفسه رشادتی می کرد. لهذا نواب مهدی قلی میرزا و عباسقلی خان سردار لاریجانی و میرزا کریم خان اشرفی و محسن خان هزار جریبی و بعضی خوانین و سرکردگان دیگر مازندران به دفع این غایله مامور شدند و به دور قلعه مزبور آمدند.

۱- ظاهراً اشتباه است و طبرسی به کسر راء منسوب است به طبرس (تفرش). نگاه کنید

به بحث جامع دکتر حسین کریمان در کتاب «طبرسی و مجمع البیان» جلد اول ص ۱۶۶ به بعد

(انتشارات دانشگاه، ۱۳۴۰ شمسی).

شبى، سه ساعت به طلوع فجر مانده، فرقه مطروده به اردوى مامورين شبيخون آورده هنگامه برپا شد و چون خيکهای نفت براماکن چوبى سپاهيان ريخته آتش مى زدند صحرا شعله زارى به نظر مى آمد و ملاحسين بشرويه که اسم خود را سيدعلى اعظم نهاده بود، درميان جنگ با عمامه سبز و لباس سفيد، اتباع خود را ترغيب به جنگ مى کرد هدف گلوله شده بعد از وصول به قلعه درگذشت و جسد او را نهانى در بن ديوارى از مقبره شيخ طبرسى به خاک کردند و ميريدهاى او را به گمان اين که تن او در خلوتخانه به امانت است و به زودى دوباره زنده خواهد شد و بعد از او حاجى محمدعلى که به قول ملاحسين على اعلى نام گرفته در مقام عصيان ثبات قدم به خرج مى داد. و مدتى خونها به ناحق ريخته شد تا عاقبت سليمان خان افشار قاسمى از دربار معدلت مدار مأمور مازندران شده به دفع اين طايفه پرداخت و قشون دارالمرز به غلبه قلعه را گرفته بآبى را مقهور و جمعى از آنها را که شرعا و عقلا واجب القتل بودند بکشتند و حاجى محمدعلى رئيس آن جماعت را به خواهش جناب سعيدالعلماء و ساير فضلا به بارفروش بردند و پس از سؤال و جواب و عذرهای ناصواب بر خرنشاند در شهر بگردانيدند و ازدحام عام شده او را با شمشير ريز کردند و قلعه جديده شيخ طبرسى را با خاک يکسان نمودند.

نيز از فتنه های اين قوم مطرود يکى خروج ملامحمدعلى زنجانى بود. اين مرد از تلامذه مرحوم شريف العلماء و بعد از چندی تحصيل ميل او به رياست فوق العاده و مشاجره با علما معلوم [شد]. در زمان فتنه بابيه، او نيز موقع را مناسب ديده با سيدعلى محمد مکاتبات رد و بدل نموده طريقه او را قبول کرد و مردم را به او دعوت نمود و جمعى کثير دور او گرد آمدند و به رياست او پادر راه ترمذ نهادند و سيدعلى خان سرتيپ فيروزکوهى با جمعى ديگر به تنبيه اين طايفه مامور و روانه شدند. و چون استعداد ملامحمدعلى در زنجان از هر جهت زياد شده بود، چندی محاصره زنجان امتداد يافت و خونها ريخته شد. محمدخان بيگلريگى بن فتحعلى خان ابن هداية الله خان گيلانى به تسخير زنجان و دفع آن طغيان روانه شد و باز مدتى شهر در بند محاصره بود و از جانبين بر شمار کشتگان مى افزود تا وقتى که به ضرب گلوله دست ملامحمدعلى شکسته و پس از هفته اى بمرد و فرقه مردوده بى سردار ماندند و لابد از دراستيمان در آمدند و آنها که

نهایت راه عصیان رفته و قاتل مقتولین اردو بودند به قتل و قصاص رسیدند و معلوم اولیای دولت شد که اصل شعب فساد، سیدعلی محمد است. لهذا به فتوای علمای اعلام او را با دونفر از مریدهای او از چهاریق به تبریز آوردند و به یک دسته از فوج بهادران نصرانی سپرده بیاویختند و افواج دیگر نیز حاضر شده خلق به اجماع او را تیرباران کردند. چون در افتاد، او را به ضرب نیزه بکشتند و جسد او را در خندق انداختند تا شب هنگام طعمه کلاب شد (۲) و این واقعه در هزار و دویست و شصت و شش رونمود. فتنه دیگر خروج سیدیحیی پسر آقاسید جعفر اصطهباناتی بود که برخلاف طریقه پدر به سبب نیل به ریاست به سیدعلی محمد گرویده و در نیریز فارس خروج نمود و چون وقتی او به نیریز آمد و مردم را بفریفت که اهالی نیریز از حاکم خود حاجی زین العابدین خان بن محمد حسین خان رنجیده و او را از نیریز بیرون کرده و از خوف او جویای ملاذی بودند. این موقع برای سیدیحیی مناسب و مساعد بود و مردم به او رغبتی کردند و علی اصغر خان برادر کوچک حاجی زین العابدین خان که با سیدیحیی از در مخالفت درآمده، با چندتن از اقوام و عشایر و اولاد و نبایر، به اشاره سیدیحیی کشته شدند. لهذا دیوان بیگی محمدعلی خان بن حاجی - شکرالله خان نوری و مصطفی قلی خان قراگوزلوی سرتیپ به حکم نواب والانصرت الدوله فیروز میرزا حکمران فارس به دفع سیدیحیی و اتباع او مأمور شدند و به نیریز آمده بعد از مقابله و مقاتله بر آنها غلبه کرده و سیدیحیی را دستگیر نموده به شیراز آوردند و در شیراز ورثه مقتولین سابق الذکر او را به حکم قصاص بکشتند و حاجی زین العابدین خان در نیریز به حکومت خود استقلال به هم رسانید و هم در اواخر پس از چندی او را در گرمابه بکشتند.

تذیل

مؤلف گوید محض استیفای کامل مطالعه کنندگان از جلد دوم کتاب مرآة البلدان ناصری شرح وقایع هرسالی از سلطنت سی ساله

۲- در خصوص اقوال مختلف در مورد جنازه سید علی محمد باب، رجوع شود به کتاب

«فتنه باب» مقاله اول صفحه ۱۳۹ تا ۱۴۶ (انتشارات بابک، ۱۳۶۲).

اعلیحضرت اقدس شاهنشاه جمجاه ادامالله ایامملکه وسلطنتهرا مذیل می‌نماید به‌حوادث عمده‌ای که در آن سال در تمام روی زمین اتفاق افتاده و به‌ترتیب حروف تهجی، نه از روی درجات و شان وعظمت، اسامی ممالک و دول را نگاشته معظمت مقاصد تاریخی آنرا در ذیل به‌طور اختصار ایراد می‌نماید بعون‌الله‌تعالی وحسن‌توفیق.

و چون آن وقایع مورخ به‌تاریخ مسیحی است سنوات تاریخ مسیحی شمسی در تطبیق آن با سنین تاریخ هجری که قمری است به‌قدر مقدور جهد و سعی می‌شود. ولی از آنجا که این مطابقه طابق‌النعل بالنعل امکان نداشت و شاید که در مدت سی سال تفاوت و اختلافی غیر عمده پیدا شود و ملحوظ ملاحظه‌کنندگان گردد خود اقدام و مبادرت به‌معذرت نمود. جلوس میمنت مانوس اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی صان‌الله‌تعالی ملکه عن‌التناهی روز ششم ماه‌سپتامبر سنه هزار و هشتصد و چهل‌وهشت مسیحی است مطابق با چهاردهم شهر شوال هزار و دویست و شصت و چهار هجری.

اتائونی (۳) ینگیدنیا (۴):

در این سال مابین اتائونی و مکزیك جنگی سخت روی داد و قشون اتائونی، مکزیکه (۵) پایتخت مکزیك را فتح کرد.

اسپانیول:

هم در این سال (۱۲۶۴) در داخله اسپانیول اغتشاش و بی‌نظمی بروز کرده و در میان رجال آن دولت عداوت افتاد.

اطریش:

دخل دولت اطریش در این سال (۱۲۶۴) سیصدوسی و پنج کروور و دویست و سی‌وهشت هزار فلرن (۶) و خرج سیصد و سی‌وهفت کروور و دویست و نود و هشت فلرن بود. (فلرن معادل دوهزار و پانصد دیناریول ایران است).

۳- اتائونی = Etats-unis یا به‌انگلیسی United states

۴- ینگیدنیا به‌معنای جدید است و منظور از ینگیدنیا قاره آمریکا.

•- Mexico

۶- Florin

آلمان:

در این سال اشارار قسمتی از لهستان که در تصرف پروس است به واسطه شورشی که در سال قبل نموده بودند تنبیه شدند.

انگلیس:

در این سال حبوبات در انگلیس تسعیری به هم رسانید و پنبه از ینگی دنیا نیامد. پول کم شد.

اکنل (۷) که از معارف ایرلند بود وفات نمود.

اقتدار انگلیس در افغانستان و لاهور روبه ترقی نهاد.

میانه دولت چین و انگلیس مجادله در گرفت و این دولت، چین را به تصرف کانتن که بندر چین است تهدید کرد و بعضی امتیازات از دولت چین به جهت دخول مال التجاره خود حاصل نمود.

ایطالیا:

ورود اول سفیر دولت عثمانی به دربار پاپ در این سال بود و همچنین به طبع رسانیدن خرج و دخل دولت پاپ اول دفعه.

پرتوغال:

عجز دولت پرتوغال از نظم و رفع شورش داخله مملکت واستعانت نمودن از دولت انگلیس در این سال بود.

روس:

در این سال قحط و غلا در فرنگستان نمودار شده غلات و حبوبات دولت روس در آن ممالك به قیمت و مبالغ گزاف به فروش رسید و این فقره موجب مکنت و آبادی روس شده طلای زیادی نیز از معادن کوههای اورال عاید روس گردید.

سوئیس:

در این سال، هفت ایالت سوئیس که مذهب کاتولیکی دارند در بعضی مسائل که راجع به مذهب است با وکلای تمام ایالت ممالك سوئیس که در برن پایتخت مجتمع شده مخالفت نمودند. دول اطیش و فرانسه هم در

باطن اهالی این چند ایالت کاتولیکی مذهب را محرك و تقویت می کنند. لیکن دولت جمهوری سویس ژنرال دفور (۸) را با پنجاه هزار نفر به جنگ اهالی آن هفت ایالت مامور ساخت و در ظرف نوزده روز آن هفت ایالت را منظم نمود.

فرانسه:

در این سال در فرانسه قحطی حبوبات و غلات و شورش در بعضی ایالات آن روی داد. اما گندم روس که از بندر ادسا حمل به کشتیهای فرانسه شد افاقه کلی به حال اهالی مملکت فرانسه نمود.

مارشال سولت (۹) از خدمت دولت استعفا نمود.

مسیو گیزو (۱۰) منصب صدارت یافت.

پرنسس آدلاید (۱۱) خواهر لوئی فیلیپ پادشاه فرانسه وفات کرد.

امیر عبدالقادر به مارك (۱۲) فرار نمود.

دوک دومال (۱۳) پسر پادشاه فرانسه حاکم الجزایر گردید. در

مارك، امیر عبدالقادر را به حکم سلطان مارك گرفته به سردار فرانسه تسلیم نمودند.

دخل دولت فرانسه در این سال دویست و هفتاد و هفت کروور و بیست

و پنج هزار و شصت و هشت تومان و پنج هزار رایج ایران و خرج سیصد و

بیست و یک کروور و سی هزار و دویست و شصت و هشت تومان و پنج هزار

بوده.

افتتاح راه آهن از آمین (۱۴) به بولن (۱۵) هم در این سال شد.

هائیتی ینگ دنیا:

در این سال، ریشه (۱۶) رئیس جمهوری وفات یافت و سلوک (۱۷)

که از جنس سیاهان بود به ریاست برقرار گردید.

۸- Dufour

۹- Sout (Nicolas)

۱۰- Guizot

۱۱- Adélaïde d'Orléans

۱۲- غرض از مارك Maroc همان مراکش است یعنی کشور مغرب.

۱۳- Duc d'Aumale

۱۴- Amiens

۱۵- Boulogne

۱۶- Riché (Jean-Baptiste)

۱۷- Soulouque (Faustin)

وقایع سالِ دوم
سلطنت اعلیحضرت شاهنشاه جم‌جاه
دام ملکه و عز نصره مطابق سال هزار
و دویست و شصت و پنج هجری تخاقوی ئیل ترکی

شب چهارشنبه بیست و پنجم شهر ربیع‌الثانی دوساعت و دوازده دقیقه از شب گذشته آفتاب جهان تاب از برج حوت به حمل تحویل نمود. شرایط سلام خاص وعام در این تحویل وعیدفیروزی دلیل در دربار معدلت مدار به عمل آمد.

در این ایام، مطلبی که در انظار اولیای دولت گردون اقتدار اهمیت داشت رفع فتنه خراسان ومحمدحسن خان سالار بود وهمت بر اصلاح آن مفاصد می گماشتند وچنان که در وقایع سنه هزارودویست و شصت وچهار مسطور شد، نواب والا حشمةالدوله حمزه میرزا عم شاهنشاه جم‌جاه بایارمحمدخان افغان حکمران هرات به هرات می شد و دربند فریمون (قلعه فریمون) از جلوس همایون آگاهی یافته زیارت دستخط مبارک موجب سرافرازی واطمینان نواب معظم‌الیه گردید. ولی عساکر ایران را شوق شرفیابی خاکپای فرقدسا وهوای وطن مألوف متوزع البال نمود وروبه طرف نیشابور وعراق نهادند. خلاصه نواب حشمةالدوله متوجه هرات گردید در دوفرسخی غوریان، در ارض شیش، لشکرگاه قشلاقی اختیار نمود. زیرا که در آن زمستان نزدیکی جنگل ودرختان سبب راحت اهل اردو بود. از نیمه محرم تا اواخر ربیع‌الثانی اتراق کردند ویار – محمدخان ازبابت مالیات هرات نقداً جنساً تقدیم خدمات نموده چون

نواب حشمةالدوله از ماموریت نواب والاحسام السلطنه خبردار شد به جانب نیشابور آمده بابرادر دیدار تازه کرد ودراین محل، فرمان احضار نواب معظم الیه و حکمرانی نواب والاحسام السلطنه شرف وصول یافت و نواب والاحشمةالدوله روانه دارالخلافه شده غره ماه رجب وارد و پس از شرفیابی از حضور باهرالنور اقدس به حکمرانی آذربایجان مأمور گردید و میرزا محمد مستوفی ولد میرزا تقی قوامالدوله به وزارت ایشان اختصاص یافت.

ودراین ایام چراغعلی خان را برای کشف امور خراسان و استمالت سالار بدان ساحت روانه نمودند و او بی نیل مرام مراجعت کرد چنان که ذکر آن بیاید.

بالجمله نواب حسام السلطنه سلیمان خان دره جزی را فرمان داد تا کلات را تصرف نماید و خود از سر راه ولایت نیشابور رو به مشهد مقدس کرد. دراین وقت عبدالجبار خان افغان، از جانب یار محمد خان، با هزار سوار افغان به اردوی والایپوست و به چناران رفتند و در آنجا معلوم شد که سواران تراکمه در تربت و قرائی نهب و غارتی نموده اند. لهذا هزار و دویست نفر فوج قرائی که در رکاب والا بودند برای حراست متعلقین به خانمان خود رفتند. تفرقه این فوج و رفتن نواب حشمةالدوله به دارالخلافه اهل خراسان را دل قوی کرد. دراین ایام، نواب حسام السلطنه مراسله به حاجی میرزا هاشم و حاجی میرزا حسن که از علما بودند به مشهد مرقوم نموده مضمون این که چراغعلی خان زنگنه از جانب اولیای دولت علیه به ملاقات شما مامور است. اگر از شرارت جهال درامان است نزد شما آید. ایشان ایمنی او را متقبل شدند و روز هجدهم جمادی الاولی با پنج سوار به مشهد مقدس رفت. سالار، برای این که استعداد خود را به او بنماید، حکم کرد پنج هزار نفر سواره و پنج هزار پیاده با نه عراده توپ و توپچیان مکمل همراه اعیان و بزرگان بلدتانی فرسخی شهر او را استقبال کنند. چراغعلی خان وارد شده در خانه سالار منزل کرد و با سالار و علمای مذکور دوسه مجلس گفتگو نمود و پیغامهای امیر نظام را که مبتنی بر وعده و وعید بود تبلیغ کرد و سودمند نیفتاد. پس از آن، روزی جمعی از اشرار به قصد قتل چراغعلی خان هجوم آوردند. رجب مروی مهماندار او خواست منع کند؛ از عهده بر نیامد و برخی زخمی شدند.

آخر الامر سالار وحاجی میرزاهاشم رفع این غایله کردند و این قضیه موجب هراس چراغعلی خان شده خدعه و تدبیری اندیشیده به رجب مروی گفت اگر سالار عریضه چاکرانه به دربار شاهنشاهی فرستد من این لشکر را از چناران کوچ دهم و در خدمت امیر نظام عرضه دارم که يك سال حکومت خراسان را به سالار واگذار نماید و او را مورد تلافیات خسروانه کرده بعد از يك سال به دارالخلافه بخواند. رجب مروی همان شب مراتب را به سالار اظهار کرده موافق طبع او آمده گفت ابتدا اردو را حرکت دهد. وی قبول کرد. وقت صبحی چندتن از رؤسای قبایل را با پانزده سوار به همراهی چراغعلی خان روانه ساخت که سالماً به مقصد رسد. همراهان فرسخی با اردو رفته باز گشتند جز يك نفر سوار که با خود به اردو برد و به صحبت او نوشته برای سالار فرستاد که من دروغ نگفتم که چون به اردو رسم کوچ دهم. حسب الوعه فردا کوچ می کنند. اما به طرف شهر می آیند. شما مستعد حرب باشید.

بالجمله بعد از روانه کردن چراغعلی خان به مشهد، نواب والا حسام السلطنه چند روز در چمن کوباغ اتراق کردند که شاید فتح شاهان— دز بدون خونریزی میسر شود و يك نفر را به نصیحت به قلعه فرستادند. اهالی او را کشته و سر او را برای سالار فرستادند و مہیای مقاتله گردیدند. ناچار نواب والا فرمان داده جعفر قلی خان بن اسکندر خان سردار قاجار با فوج نصرت و سه عراده توپ و سواران شاهسون دره گزی پیادگان را ردیف خود ساخته تا دروازه شاهان دز راندند و لدی الوصول مشغول محاربه شدند. مجملاً چهارصدتن از اهل شهر مشهد و شاهان دز و صدتن از سربازان در این جدال به قتل رسیدند. سکنه قلعه منهزم و افواج برجی را که در ظاهر قلعه بود تصرف نمودند و بیست و شش نفر شمشالچی را که در آنجا بودند سر بریدند و توپها را به قلعه بستند. قلعگیان از دراستیمان درآمدند و شب سیم رجب از قلعه بیرون و افواج داخل شهر گشتند و یوزباشی حسن و یوزباشی هادی سر کرده شمشالچیان را به حکم نواب والا به دهن توپ بسته هردو را در هوا متلاشی کردند و اردو از شاهان دز به چمن قهقهه نزول کرد و در اینجا خبر تصرف سلیمان خان در کلات رسید و نواب والا چراغعلی خان را روانه دارالخلافه نمودند و خود از چمن قهقهه به خارج مشهد مقدس رفتند. هم در زمان ورود قشون ظفرنمون

ده هزار نفر از شهر بیرون آمده و بامقدمه لشکر جنگ دریوستند. چون نواب والا از خیرگی شهریان خبر شد، فرمان دادند که دوهزار نفر مقدمه را به توپ و قشون امداد نمایند و این رزم چهار ساعت امتداد یافت. آخر الامر طوری شهریان را عقب نشاندند که جمعی به خندق ریختند و مجال بستن دروازه نمودند و لشکر منصور دویست نفر تفنگچی را دستگیر کرده زنده به حضور نواب والا آوردند و نواب معظم الیه برای رفع وحشت خلایق آنها را مرخص نموده به شهر رفتند. و نواب والا در میان شمال و مغرب شهر منزل نموده سران سپاه در اطراف شهر برابر دروازه ها سنگر بستند و اردو زدند و همه روزه نایره قتال از طرفی اشتغال داشت. در اوایل شهر شعبان، سه هزار سوار ترکمان سرخی به کمک سالار رسیدند و با جمعیت شهری از دروازه پایین خیابان به طرف شرقی سنگر سام خان زعفران لو تاختند. ابوالفیض خان برادر سام خان و میر - محسن خان تیموری که قراول سنگر او بودند به محاربه سواران پرداختند. سالار مشغول بودن آنها را بایکدیگر موقع وفوزی عظیم دانسته باتمام جمعیت شهری به سنگر سام خان یورش برد و از بالای برج نیز شمشالچیان و توپچیان و تفنگچیان مشغول تیراندازی شدند. از جمله اول سالار فوج ترشیزی از سنگر سام خان عقب نشست. چون سام خان از دور این بدید شمشیر برکشیده به منع فوج مزبور پرداخت. از طرف دیگر نواب والا و افواج و توپخانه در رسیدند. ولی آن روزکاری از پیش نرفته فقط در انتظام امور لشکر اهتمام کردند. روز دیگر پانزده هزار نفر از سپاهی و ارباب حرف از شهر با سالار بیرون آمدند و به جانب سنگر بالا خیابان و سراپ راندند. کم کم پیش می رفتند و تفنگ می انداختند. مردم سنگر که مجرب بودند دست نگاه داشتند تا مردم و قشون شهری به جای تیررس رسیدند. فوج مخبران و ماکوئی به ترتیب مشغول شلیک توپ و تفنگ شدند. در شلیک اول صد نفر از پادرا آمده و شهریان راه هزیمت پیش گرفتند و چون بسیاری از آنها کشته شد دیگر تا ده روز از شهر بیرون نیامدند. شب سیزدهم رمضان، قصد شبیخون زدن به اردو نمود و سلطان خان افغان را برای تفحص و تحقیق حال اردو فرستاد تا منازل اشخاص را مشخص نماید. چون او به اردو نزدیک شد پیشقراولان او را هدف گلوله نمودند. همراهان او جسد او را برداشته نزد سالار بردند. سالار که این

بدید فسخ عزم شبیخون کرده به شهر رفت وبا سپاه خود معاهده نمود که جنگ بزرگی نماید و کار را يك طرفی سازد. صبحگاهی با لشکر وتوپ از شهر بیرون آمده در برابر سپاه منصور تا هنگام غروب کارزار کرد و جمعی از طرفین کشته شدند. وقت شب که عزم معاودت کرد، لشکر او را تعاقب کرده او را شکسته داخل شهر نمودند. نیز روز دیگر پیش از طلوع آفتاب از شهر خارج شده و تا شام نبرد کرده شبانگاه باز به شهر رفتند. روز سیم عهد نمود که تا اردو را متفرق ننماید دست از قتال نکشد و راه معاودت نییمايد. آن روز مصافی سخت دادند. پیادگان سنگرها را بهمدد اردو خواندند. سالار حکم داد پیاده ها از جانب جنوب لشکرگاه و سواران از طرف شمال بر سنگرها یورش برند حسام السلطنه مقرر داشتند که سوار با سواره و پیاده با پیاده روبرو شوند. سربازان فوج مخبران بر میسرۀ سالار حمله بردند و سربازان دیگر غیرت کرده با فوج مخبران همدسته شده بر تنگچیان شهری تاختند و آنها را منهزم کردند. سواران نیز بر سوارهای سالار غالب آمده سیل خون جاری شد. مقارن غروب آفتاب سپاه سالار را منهزم ساختند و عساکر منصوره پانصد نفر از ایشان را دستگیر و اسیر نموده به سنگرها عود کردند. و در این شب، به حکم نواب والا حسام السلطنه، حسین پاشا خان با افواج مراغه، در کنار باغستان شهر، سنگری در معبر سپاه سالار ساخت. روز دیگر که سالار بیرون آمد توپی از سنگر حسین پاشا خان خالی شده دو سوار را بر بود. سالار فسخ عزیمت کرده به شهر باز گشت و تا پنجم ذیحجه به عزم رزم از شهر بیرون نیامد و به محصوریت تن در داد و برای مخارج سپاه تنگدستی دامنگیر او شد و به خیال تصرف خزانه حرم حضرت رضوی علیه السلام افتاده مردی شریر معروف به باقر نازک را که در این وقت باقر سردار می گفتند بخواست و به این خدمت مأمور نمود. او با زمره ای فرومایه که در ربقۀ تبعیت خود داشت به حرم محترم رفت و به ملازم خود گفت این در را بشکن. ملازم انکار بلیغ نمود. وی خنجر بر سینه ملازم زده از پشتش بدرآمد و جان بداد و باقر خود به ضرب لگد در را شکسته هر چه در آنجا بود برداشته نزد سالار برد و بر بالای باره رفته که تماشای اردو نماید. ناگاه توپی از لشکرگاه رها شد و بر سینه او آمد و نیمه تن او را به هوا برد. سالار با مشاهده آن کرامت باهره پند نگرفت و نادم

نشده اما در این عمل از علما و خدام ضریح مقدس اندیشه داشت و در کار ایشان کاوش می‌کرد.

و در این حال مکتوبی از حاجی میرزا عسکری امام جمعه به دست او افتاد که به نواب‌والا حسام‌السلطنه نوشته بود. لهذا اولاً امام جمعه را گرفته به مریدها سپرد که چهار هزار تومان از او مصادره بگیرند و حاجی میرزا هاشم را به لشکر جای داد و میرزا صادق ناظر حضرت رضوی (ع) را با حاجی میرزا عبدالوهاب مشرف و حاجی میرزا کریم وکیل و میرزا تقی متولی به ولی‌خان دره جزی سپرد که در حبس دارد و قنادیل طلا و نقره قبه مبارکه را برداشته به ضرابخانه فرستاد تا مسكوك کردند و حبوبات انبار خاصه حرم را به جای علوفه به لشکریان داد و بیست و دوهزار تومان زر مسكوك از اشیاء طلا و نقره بدست آمد و بسیاری از اثاث و اسباب حرمخانه و خزانه به غارت رفت. عجبت آن که چون از مال حضرت و خزینه حرم برمی‌داشت ادای آنها را برگردن علمای محبوس می‌گذاشت و از ایشان تمسکی به مهر و خط آنها می‌گرفت و به متولی و خدام می‌سپرد و این کار را بازیچه می‌شمرد و غافل که روزی بدان حرم محترم پناه آورد و خدام او را قبول نکنند. خلاصه فقره سنگر سام خان به عرض خدام آستان سپهر نشان رسیده لشکری از نو به خراسان فرستادند که معاون اردو و متابع صمصام خان سرتیپ باشند و آن لشکر عبارت بود از عباسقلی خان بن ابراهیم خان بادکوبه و فوج خوئی و علی خان قراگوزلو و فوج همدانی و حسنعلی خان سرتیپ که الحال وزیر فواید است (۱) با فوج گروسی و جمعی از سواران کرد و ترك آذربایجان و عبدالعلی خان مراغه‌ای سرهنگ توپخانه با چهار عراده توپ و برخی دیگر از قشون ظفرنمون.

خلاصه این اردو نیز راه پیمود تا به چمن قهقهه رسیدند و در پنجم ذیقعه در نیم فرسخی شهر با کوه سنگی نزول کردند و در آن روز سالار با سپاه از شهر بیرون آمده ولی بدون محاربه بازگشت. بعد از

۱- حسنعلی خان امیر نظام‌گروسی سالار لشکر (متوفی در ۱۳۱۷ ه. ق).

چند روز که صمصام خان (۲) و لشکریان از کوه سنگی کوچ کرده برابر درب ارگ منزل گرفتند. سالار با سپاهی فراوان و چند عراده توپ از دروازه نوقان بیرون آمده و در برابر صمصام خان و عساکر نصرت اقتران صف کشیده و از دو جانب محاربتی عظیم در گرفت. گلوله شمشال و توپ مثل تگرگ برایشان می بارید و کار چنان شده بود که از لشکری که در رکاب نواب والا حسام السلطنه بودند امداد قشون تازه رسید درحیز اشکال بود با این که قورخانه این لشکر در عقب وهنوز نرسیده بود ثبات قدمی سخت نمودند و از وقت ظهر تا دو ساعت از غروب گذشته جنگ امتداد داشت. آخر شهریان عقب کشیدند و لشکر نصرت اثر از دنبال سالار تا کنار خندق قتال کنان همی رفتند. چون آن سپاه از خندق بگذشت بازگشتند و شب را مانده روز به لشکرگاه نواب والا حسام السلطنه پیوسته به طرفی از آن اردو منزل گرفتند. پس از چند روز، سالار دیگر باره با پیاده و سواره از دروازه نوقان بیرون آمده طرح جنگ ریخت. لشکر حسام السلطنه و سپاه صمصام خان موافقت کرده سالار و همراهان و جمعیت او را هزیمت دادند و تا کنار دروازه تعاقب کردند. هم در شب نهم ذیقعه چهار هزار کس به چناران به تاخت و یغما رفتند. قراولان که در دروازه سراب بودند خبر به اردو فرستادند. سام خان با سوار جرار از قفای تراکمه و سپاه شهری رفت و در وقتی که دو قریه را تاخته و صد و پنجاه نفر مرد و زن اسیر ساخته بودند بهایشان تلاقی نموده دولشکر درهم افتادند و تنور قتال گرم شد. آخر الامر سام خان ظفر یافته سپاه سالار بگریختند، اسیران آزاد و به جای ایشان هفتصد نفر از طرف مقابل اسیر شده آنان را به اردو آوردند. نواب والا حسام السلطنه حکم نمودند سلاح و حربۀ شهریان را گرفته خود آنها را رها نمودند و دویست نفر از اسرا را که ترکمان بودند در حضور والا سیاست نمودند. بعد از این سانحه، سواران سالار

۲- صمصام خان اصلاروسی و موسوم به ساسون خان بود و دختر والی سابق گرجستان رادرخانه

داشت. وی از دولت تزار روس روی برگردانده مانند دیگر فراریان سپاه تزار به ایران پناه آورده بود. عباس میرزا از این فراریان فوجی به نام «بهادران» ترتیب داده و ریاست آن فوج را به صمصام خان واگذار کرده بود.

را قدرت بیرون آمدن از شهر و با لشکر حسام السلطنه رزم کردن نماند. ولی از بالای باره و برج به واسطه توپ و تفنگ معارضتی می کردند و گاهگاهی انتهاز فرصتی نموده برسنگرها یورش می آوردند و حاصلی جز انهزام نمی یافتند. ولی از کار پیکار روزی آسوده نبودند و شبی بدون این فکر و اندیشه نمی غنودند و زیاده از یک سال بود که سالار با عساکر دولت دم از مبارزت می زد و هنوز پا می فشرد و جنون او را به راه ثبات قدم می برد.

بالجمله در این ایام، قشون قضانظام به انتظام امور محاصره پرداختند و در افزودن سنگرها و بستن معبرها سعی وافی به عمل آوردند. برجها بساختند و در آنها تفنگچی و قراول سرباز گذاشتند. در این موقع سه هزار نفر سوار ترکمان مروی به کمک سالار آمده در میل ایاز شش فرسنگی مشهد مقدس بودند که به حکم نواب والا حسام السلطنه، عباسقلی خان سرتیپ بادکوبه با شش عراده توپ و دوهزار سوار رزم دیده به اتفاق سام خان و سواران خراسانی و عراقی و آذربایجانی راه برگرفتند. سحرگاهی از گرد راه به محاربه و مضاربه مشغول شدند. جنگ بزرگی روی داد. محمد شیخ سردار تراکمه منهزم شده سیصد نفر از تراکمه گرفتار و صد نفر مقتول شدند و امرا مظفر و منصور به اردو بازآمدند. خبر این فتح را با عریضه حسام السلطنه به دارالخلافه بردند. هم از دارالخلافه حاجی یوسف خان سرتیپ فوج قراداغی و توکل خان با فوج خمسه و چهارصد نفر سوار کلیائی و پانصد بار قورخانه و سه عراده به اردو ملحق شد و به حکم والا، در میانه اردو و سنگر دروازه نوقان، بنیان سنگری جدید کردند و باستیانی رفیع که مشرف به شهر بود بساختند و توپی هجده پوند بالای آن بردند که گلوله آن بنیان سراهای شهر را ویران می کرد. واز جانب سالار نیز برابر هر سنگری از سنگرهای اردو برکنار خندق برای محافظت خندق سنگری محکم برپای کردند و تفنگچیان زبردست در آنها نشاندند و همه روزه سالار و پسرش امیراصلان خان بیرون آمده با لشکر فیروزی اثر محاربه و مضاربه می نمودند و زیاده از دویست نوبت با سپاه منصور کارزار شده بود که امتداد آن از وقت صبح تا هنگام شام می بود.

خلاصه در این ایام از جانب امنای دولت قوی شوکت، اسکندر-
 خان قاجار که در خراسان بود به دارالخلافه احضار شد و محمد ناصر خان
 (که الحال ظهیرالدوله است) دولو بن ابراهیم خان سردار بن حاجی-
 جان محمد خان به سرداری سپاه خراسان اختصاص یافت و عباسقلی خان بن
 محمد زکی خان نوری که در این وقت سر تپ افواج بود و حیدر علی خان
 سر هنگ فوج ششم تبریزی با چند عراده توپ روانه مشهد مقدس شدند. روز
 چهاردهم ماه صفر وارد عسکریه گردیده در هفدهم جمعی از جانب نواب والا
 به استقبال رفته که سردار را به اردو آورده باشند. نوشته ای نیز برای انهای
 این مطلب به سردار فرستادند. ولی این خط وقتی به سردار رسید که از
 منزل کوچ کرده و راه می سپرد. سالار دید که از جانب عسکریه لشکری
 در حرکت است و از اردو سپاهی بدو برای پذیره نپیوسته. این امر را
 فوزی عظیم دانسته با توپخانه و سوارو پیاده از شهر بیرون رفته و راه را
 بر سردار بسته از دو طرف صدای شلیک توپ بلند شد. نواب حسام السلطنه
 از استماع بانگ توپ برقضیه واقف گردیدند و فرمان دادند که سوار و
 توپخانه از اردو به معاونت سردار حرکت کنند. علی خان قراگوزلو و
 عبدالعلی خان با چهار عراده توپ برفتند و خود نواب والا نیز دنبال آنها
 را گرفتند. وقتی سپاه و توپ رسید که سواره شهری بر پیاده افواج
 حمله برده و داخل شده بودند. از پشت سر سالار نعره توپ اردو و تفتنگ
 سربازان بلند شد و سپاه سالار یک مرتبه به محاربه درآمدند و روی بدین سو
 کردند. امیر اصلا ن خان پسر سالار و عباسقلی خان دره جزی از غایت
 جلادت پیاده شده پیشاپیش لشکر اقدام به جنگ می کردند. در این اثنا،
 نواب والا حسام السلطنه در رسید و جنگ بزرگ شد و از دو جانب اسب
 و سوار را گلوله توپ با خاک یکسان می کرد. آخر الامر سپاه سالار را
 منهزم نموده و تا اراضی با با قدرت تعاقب کردند و این وقت سه ساعت
 از شب رفته بود. سالار به شهر داخل شد و سردار بماند و نواب والا چنان
 مصلحت دیدند که سردار بعد از سه روز به اردو آید و در عسکریه بماند
 و حسب الحکم در اردوی سردار سنگری محکم ببستند. چون سه روز
 بگذشت قرار شد که لشکر سردار از عسکریه حرکت نموده از جانب
 کوه سنگی گذشته به طرف دروازه آمده و بروی ارگ را محاصره نمایند.
 از زمان حرکت سردار تا زمان ورود، میانه شهری و سردار گیردار و

کارزار بود و اسماع برسییل استمرار استماع صدای شلیک توپ و تفنگ می نمود تا به کوه سنگی رسیدند و نزول کردند. بعد از ورود سردار به کوه سنگی، نواب والاحسام السلطنه سردار را به اردوی خود برده عباسقلی خان سرتیپ را به حفظ و حراست اردوی کوه سنگی مامور نمودند و از این پس مصلحت دیدند که اردوی سردار به محاصره اطراف ارگ و دروازه ارگ مشغول باشند. لهذا آنان را از کوه سنگی حرکت داده دریک میدانی ارگ که توپرس نبود مقام دادند و بنای سنگر گذاشتند و سالار نیز در برابر سنگر آنها گفت دوسنگر خاکی بساختند که آمد و شد مابین مردم سنگر سرابی را به سنگر ارگ مانع شوند و روز به روز از طرفین در تقویت کار خود سنگر و سیه و برج و باستیان (۳) محکم می کردند و عرصه براهالی شهر تنگ و دلها از طول مدت محاربه و محاصره ملول گردید.

از وقایع این سال نیز یکی فتنه ملا محمد علی مجتهد زنجانی بود که به طریقه بابیه رفته و ماتفصیل آن را بتمامه در ذیل نگارش سال قبل درج نموده ایم.

هم در این سال در تبریز شورش برخواست و تفصیل آن این که در شهر تبریز میدانی است که آن را میدان صاحب الزمان (ع) می گویند. گویند در آخر آن میدان بقعه ای است معروف به بقعه صاحب الامر علیه السلام. و عقیده اهالی این است که در سوابق ایام یکی از مشایخ طریقت، در عالم رؤیا یا مراقبت، آن حضرت عجل الله تعالی فرجه را در آن محل مشغول نماز دیده. بنابراین مردم تبریز آن محل را محترم می دارند و موسوم به اسم مسطور نموده اند و جعفرقلی خان دنبلی در آنجا بقعه ای بنا کرده و خادم و متولی برای آن قرار داده اند و طلب حاجت از آن می نمایند. در این اوان قصابی گاوی به مذهبی که در آن میدان است برده که ذبح نماید. گاو خود را از دست قصاب رهانیده و به دهلیز بقعه صاحب الامر (ع) رفت. قصاب در پی گاو شتافته خواست در همان دهلیز او را ذبح کند. از قرار مذکور همان وقت از پا افتاده چند قطره خون از بینی او برفت و بمرد. گاونیز از آنجا فرار کرده به خانه میرزا حسن متولی آن بقعه آمد. مردم از این واقعه در عجب شده نقاره خانه شهر را بدانجا برده بنواختند

و جشنی گرفتند و قربانی و نذورات تقدیم نمودند و از دهات و قصبات دور و نزدیک به زیارت آمدند و غوغای عوام و ازدحام مردم مورث شور و شروم و هم فتنه و خطر گردید. محمدرضاخان فراهانی که در این وقت وزارت آذربایجان داشت به دستیاری چند نفر از علمای شهر آن غوغا را فرونشاند.

نیز از وقایع این سال رفتن عزیزخان آجودان باشی است به ایروان برای تهنیت ورود حضرت ولیعهد دولت روس. تبیین آن که چون در این اوان حضرت ولیعهد دولت روس الکساندر پسر مرحوم امپراطور نیکلا که الحال اعلیحضرت امپراطور الکساندر دوم هستند برای نظم حدود قفقاز و مملکت گرجستان به ایروان می آمدند - بنا بر مصافاتی که بین دولتین علیتین بود - به صوابدید میرزا تقی خان امیر نظام، عزیزخان آجودان باشی - که بعدها به منصب سرداری کل عساکر منصوبه نایل گردید - از دربار اعلیحضرت اقدس همایون مأمور شده نامه مودت ختامه با تمثالی مهر مثال مرصع و مکمل به الماسهای قیمتی بایک رشته حمایل آسمان رنگ به همراهی معزی الیه برای حضرت ولیعهد مزبور انفاذ فرمودند. و اسماعیل خان خزانه دار نظام نایب اول سفیر دولت شده حامل هدیه و تحف امیر نظام برای فرمانفرمای گرجستان گردید. خلاصه عزیزخان از دارالخلافه به زنجان شد و چند روزی در آنجا به دفع ملا محمد علی مشغول بود. بعدها به کنار رود ارس رفت و از جانب کارگذاران دولت روس نیز مهمانداری از برای او در رسیده شرایط پذیرایی او را کاملاً معمول داشتند و از آنجا روانه شده هشت روز قبل از ورود حضرت ولیعهد به ایروان وی بدان بلد رسید. حاکم ایروان با احترام تام و تمام او را با همراهان پذیرفت. روز دیگر، اسماعیل خان نایب اول سفارت به تفلیس رفت و هدایای امیر نظام را به فرمانفرمای گرجستان رسانیده شش روزه مأموریت خود را انجام داده مراجعت نمود. روز هشتم وصول عزیزخان، حضرت ولیعهد دولت روس وارد ایروان شدند و دو ساعت بعد از ورود، ایشیک اقا سی و آجودان مخصوص خود را با کالسکه مخصوص نزد عزیزخان فرستاده او را نزد خود خواندند. او به اتفاق اجزای سفارت به حضور حضرت معظم رفته حمایل و تمثال همایون را تسلیم کرده تبلیغ مراتب و داد و درجه مخالفت و اتحاد

اعلیحضرت شاهنشاهی را نمود. حضرت ولیعهد، در اخذ اشیاء، تکریمی به سزا منظور نموده عزیزخان وهریک از اجزای سفارت را مورد تفقد و ملاطفتی خاص داشتند و بههریک عطیه‌ای جداگانه بدادند و جواب منشور خسروانه را نیز باشرحی مبنی بر کمال مهر و حفاظت نگاشته برسانیدند. عزیزخان بعد از انجام ماموریت به تبریز آمده اسماعیلخان را برای بازدید افواج مراغه بدان بلد فرستاد و خود روانه آستان همایون گردید.

هم از سوانح این سال طغیان بعضی از اشرار اصفهان است. تفصیل این اجمال آن که چون سلیمانخان خان‌خانان را از حکومت اصفهان به دربار معدلت مدار احضار فرمودند، حکومت اصفهان به غلامحسین— خان سپهدار تفویض شد و او محمد حسین خان خلیج را از پیش به نیابت بدان بلد فرستاد. تقریباً ماهی بعد از ورود محمد حسین خان به اصفهان، روز جمعه مرحوم میرزا سید محمد امام جمعه اصفهان به مسجد شاه آمده که نماز بگزارد (ع). یکی از اصحاب او درب مسجد بایک نفر سرباز آغاز مخاصمت نمود و برای جانبین مدد رسیده هنگامه در گرفت. امام جمعه از مسجد بیرون آمد که آتش فتنه را بنشانند. سربازان چنان که باید رعایت حرمت او نمودند. امام جمعه به هم برآمده به خانه سپهدار رفته اظهار تشکی نمود. قرار شد که فردا سپهدار به میدان شاه آید و سربازان را تنبیه کند و امام جمعه به خانه خود رفت. مردم هنگامه طلب، خاصه احمد میرزا که از طرف مادر نسبش به سلاطین صفویه می‌رسید، قضیه را شنیده بر آن شدند که هم امام جمعه را به مخالفت اولیای دولت منسوب و هم در امر حکومت سپهدار خللی اندازند. لهذا صبح دیگر، عوام و بازاریهارا شورانیده در مسجد جامع جمع شدند که ما پاداش توهمین امام جمعه را خواهیم نمود و انتقام خواهیم کشید. سپهدار خبر شده محمد حسین خان نایب را به اصلاح و رفع این غایله فرستاد به مسجد جامع. بعد از رسیدن او به جمع سخنی نگفته احمد میرزا با او به مناقشه برخاست و کار از مناقشه به مباحثه رسید. چوبی که در دست داشت بر سر او زد و اشرار را به کشتن او خواند. امام جمعه منع نتوانست نمود و اشرار

چند زخم به او زدند. او خود را در حوض مسجد انداخت. آخر الامر امام جمعه محمدحسین خان را از حوض بیرون آورده به خانه یکی از خویشان خود برد و به مداوا پرداخت. روز دیگر سپهدار کس فرستاده او را به دارالحکومه آورد. بعد از دو روز درگذشت. احمد میرزا که باعث عمده قتل محمدحسین خان بود با میرزا عبدالحسین مستوفی و محمدعلی خان و ابراهیم خان در خفیه هم عهدشده مخالفت سپهدار را اختیار نمودند و جمعی از اشرار دور خود جمع کردند. سپهدار حسن آقای سرهنگ را با دسته ای سرباز به دفع احمد میرزا فرستاد. وی چون قوه مقابله نداشت، با اهل و عیال و اموال، به مسجد جامع پناه برد. سربازان به خانه او رفته آن خانه را نهب و خراب کردند. از آن طرف امام جمعه که باطناً با احمد میرزا از قدیم صفایی نداشت از او حمایتی نکرد. لابد احمد میرزا از آنجا به خانه میرزا زین العابدین پسر مرحوم حاجی سید محمدباقر اعلی الله مقامه نقل نمود و در آنجا جمعیتی به هم بسته همه روزه تاحوالی میدان شاه می تاخت و سربازان و توپچیان به مدافعه پرداخته ایشان را تا مسجد مرحوم سید رحمه الله باز پس می بردند. در این هنگام، میرزا عبدالحسین، نیز میرزا ابوالقاسم طغیان خود را آشکار کردند. سپهدار که این بدید حاجی سید اسدالله ولد مرحوم حاجی سید محمدباقر رحمه الله و آقا محمد مهدی ولد مرحوم حاجی محمد ابراهیم کرباسی و سایر علمارا دعوت کرده با ایشان سخن نمود. ایشان گفتند هر کس برخلاف پادشاه اسلام باشد خون او مباح است و ما این قوم را واجب القتل شناخته ایم و بر طبق این گفته خطی نوشته مهر کرده به سپهدار دادند و به منازل خود معاودت نمودند و حاجی سید اسدالله بعد از مراجعت برادر خود میرزا زین العابدین را از حمایت اشرار منع بلیغ کرد و او نپذیرفت. لهذا حاجی سید اسدالله سرخویش گرفته با جماعتی روانه عتبات عالیات شد و ماده شرارت اشرار غلظت یافت و سپهدار به دفع آنها پرداخت و بنای زدو خورد گذاشتند و شیخ علی خان با جمعی به حکم سپهدار راه کوچه عباس آباد گرفته سنگرها که اشرار در کوچه ها داشتند بگرفتند تا به خانه میرزا عبدالحسین رسیدند و داخل خانه شدند و سربازان به نهب پرداختند. میرزا زین العابدین که حامی اشرار بود خبر شده دسته تفنگچی به خانه میرزا عبدالحسین فرستاده شیخ علی خان و سربازان را هدف گلوله نمودند و او را با چند تن

سرباز به قتل رسانیدند و چون کار بدینجا کشید، سپهدار مراتب را به عرض اولیای دولت علیه رسانید و جمعی مأمور رفع این غایله شدند و حاجی سید اسدالله که روانه عتبات شده به خواهش امنای دولت از گلپایگان به اصفهان مراجعت فرمود و پس از مجادله زیاد و قتل نفوس بر اشرار معلوم شد که طغیان ایشان را جز خذلان نتیجه نیست. لهذا آرا بر این اتفاق نمود که مقصرین در خدمت آقای حاجی سید اسدالله به دربار معدلت مدار آیند و به شفاعت جناب معظم تقصیرات ایشان معفو شود. و چون از شهر خارج شدند و به مورچه خورت رسیدند، حاجی کیکاوس میرزا - که در اصفهان به جهت ضبط تیول و سیورغال خود جای داشت - اخذ مقصرین را داوطلب شده با جمعی سپاهی و توپ به مورچه خورت بر سر آنها رسید. احمد میرزا و میرزا عبدالحسین و بعضی دیگر باز بنای جدال گذاشتند. ولی چون صدای توپ بلند شد هر کس اسبی داشت سوار شده فرار کرد و بسیاری از اشرار دستگیر شدند. احمد میرزا و برادرانش به دارالامان قم پناه بردند و در آنجا پسرهای محمد حسین خان خلیج به قصاص خون پدر یک شب در صحن مقدس ایشان را هدف گلوله کردند و پسر حیدر میرزا برادر بزرگ احمد میرزا مقتول شد. میرزا - عبدالحسین که به اراضی کاشان گریخته بود چندی در قریه قمصر پنهان بود. از آنجا به کاشان رفته به آقا سید مهدی پسر حاجی سید تقی پشت مشهدی پناه برد. معظم الیه فرمود من مخالف پادشاه اسلام را حامی نشوم. به هر جا که خواهی برو. میرزا عبدالحسین دیگر باره به طرف اصفهان رفت و در قریه دهنو به خانه علی نام که ملازم او بود منزل نمود. علی ملازمان سپهدار را از این مطلب خبر داده رفتند میرزا عبدالحسین را گرفته به شهر بردند و پس از چند روز به حکم اولیای دولت او را به سرای دیگر روانه نمودند و بعد از رفع این غایله، چراغ علی خان به حکومت اصفهان مأمور شد.

هم در این سال، نواب احتشام الدوله خانلر میرزا حکمران عربستان و لرستان و بروجرد خسرو خان لک را گرفته مغولاً به دارالخلافه فرستاد و عباسقلی خان جوانشیر به حکومت اردبیل و مشکین مأمور شد و آن صفحات را نظم داد.

و از حادثات این سال، وفات شاهنشاهزاده سلطان محمود میرزا بود

که به ولیعهدی منصوب می‌بود و در صغر سن رحلت کرد.

و در این سال حاجی میرزا آقاسی ایروانی صدراعظم شهریار مبرور ماضی (محمدشاه) طاب‌الله‌شاه که در عتبات عالیات اقامت داشت در شب جمعه دوازدهم ماه رمضان المبارک به عالم باقی روانه شد. گویند باوجود صحت یک‌هفته قبل از فوت خود خبر داده بود. العلم‌عندالله. هم در این سال، محمدحسن‌خان سردار ایروانی حکومت یزد یافت و آقاخان ایروانی که از اقارب او بود به نیابت حکومت او درآمد و محمدعبدالله که در این وقت بازدم از خودسری می‌زد و اشرار دور او جمع آمده تمکین از نایب‌الحکومه نمی‌کرد گه‌گاهی قصد مقابله و مقاتله می‌نمود و چیزی نگذشت که سیدیحیی - که شرح حالش در وقایع سال قبل مسطور شد - به یزد آمد و محمد عبدالله از احزاب او شد و بنای شرارت و فتنه گذاشت. اما کاری از پیش سیدیحیی نرفت و از یزد راه شیراز گرفت. و همچنین آقاخان از نیابت یزد معزول و شیخعلی‌خان عم‌زاده محمدحسن‌خان سردار به جای او منصوب شد و به یزد آمده محمدعبدالله را بخواند و بنواخت و خلعتی داد. چون خواست از منزل شیخعلی‌خان بیرون رود، یکی از ملازمان شیخعلی‌خان او را دعوت کرد و در منزل او، محمداسماعیل نام غلام ایروانی خنجری برشانه او زد و دیگری نیز او را هدف گلوله تفنگ کرد و اهل یزد از شر محمدعبدالله آسوده [شدند] و شهر نظم گرفت.

هم در این سال، به صوابدید میرزا تقی‌خان امیرنظام، ابراهیم خلیل‌خان را از دارالخلافه باهره به اردبیل کوچ دادند.

وقایعی که در این سال (۱۳۶۵) در ممالک خارج و اقطار عالم اتفاق افتاد

اتانونی ینگ دنیا:

در این سال هزار و دویست و شصت و پنج هجری که مطابق است با هزار و هشتصد و چهل و هشت مسیحی، مهندسی از اهالی ینگ دنیا معدن

طلائی در سواحل رودخانه‌های ساکرمانتو و سان ژواکن (۱) در ایالت کالیفرنیا انکشاف نمود. جنرال تیلور (۲) به ریاست جمهوری منتخب و برقرار گردید. فی‌مابین اتائونی و مکزیکی عهد صلح منعقد گشت. نول کالیفرنیا (۳) را مکزیکی به مبلغ شانزده کرور و یک صد هزار تومان وجه رایج ایران واگذار کرد به اتائونی.

اسپانیول:

در این سال، شورش در مادرید پایتخت اسپانیول برپا نمودند و الوزا که یکی از شورشیان بود محبوس شد.

میان دولت اسپانیول و دولت انگلیس به جهت تفتین سفیر انگلیس قطع مراوده شد.

اول خط راه آهن در اسپانیول به مسافت بیست و پنج هزار ذرع که از بارسلون (۴) الی ماتائو (۵) باشد ایجاد و ابداع شد.

اطریش (از ممالك آلمان):

در این سال، تعیین وزرای مجارستان شده و معین گردید که از وزرای مملکت اطریش مجزی باشند.

در وین، پایتخت اطریش، شورش برپا و مسیو مترنیک وزیر اعظم معزول شد. امپراطور اطریش به سبب شورش اهالی وین و بعضی ولایات دیگر توقف نمودن در شهر انسبورگ را غیر لازم دانسته از آنجا مهاجرت کرد.

عساکر اطریش که در خاک ایتالیا بودند شهر فرار (۶) را که جزو روم و در تصرف پاپ بود به غلبه متصرف شدند. امپراطور اطریش بعد از چندی وارد وین شد.

مملکت مجارستان که یکی از ممالك اطریش است به دولت شوریده کونت لامبرگ (۷) سپهسالار خود را که از طرف دولت اطریش مأمور

۱- در متن: سالرمانتو و سان ژوانیک Sacramento, San Joaquin

۲- Taylor

۳- Nouvelle Californie

۴- Barcelon

۵- Matao

۶- Ferrare

۷- Lamberg

بود به قتل رسانیدند. و نیز دروین کونت لاتور (۸) وزیر جنگ را شورشیان کشتند. امپراطور مجبوراً ازوین به الموتز (۹) فرار کرد و سه روز، برسبیل استمرار، قشون دولتی به شهروین گلوله توپ و نارنجک می انداختند تا روز سیم شهر تسلیم شد. امپراطور فردیناند اول از سلطنت استعفا نموده اعلیحضرت فرانسوا ژوزف برادرزاده خود را که در این وقت هجده ساله بود به جای خود منصوب نمودند.

انگلیس:

در این سال در بعضی از شهرهای ایرلاند شورشی پدیدار آمد. لورد بان تنگ (۱۰) که از معارف رجال دولت بود درگذشت.

ایتالیا:

در این سال، در جزیره سیسیل، همچنین در ولایت ناپل، شورشی برپا شد. فی مابین دولت اتریش و ساردین (۱۱) و لمباردی (۱۲) منازعه در گرفت. سفاین جنگی پادشاهان ناپل و ساردین به بندر طریست از بنادر اتریش وارد شد. ایالتین ساردین و لمباردی یکی شده سلطنت شارل - آلبر (۱۳) پادشاه پیم (۱۴) را اختیار کردند. شهر میلان که به تصرف شارل آلبر درآمده بود و از تصرف اتریش خارج گردیده، به واسطه نفاق جمهوری طلبان به ریاست مازینی (۱۵) از تصرف شارل آلبر بیرون شد و مجدداً به تصرف اتریش درآمد. شهروین و توابع اعلان جمهوری نمودند. پاپ بعد از قتل مسیوروسی (۱۶) صدر اعظم خود از اهالی روم سوء ظن حاصل کرده به ناپل رفت.

باویر (از ممالك آلمان):

در این سال لوئی پادشاه باویر (۱۷) از سلطنت استعفا کرده ولد خود ماکسیمیلیان دوم (۱۸) را به جای خود نصب کرد.

۸- Comte Latour

۹- Olmutz

۱- ظاهراً اشتباه است و مقصود لرد بابینگتون Babington است.

۱۱- Sardaigne

۱۲- Lombardie

۱۲- Charles Albert

۱۴- Piémont

۱۵- Mazzini

۱۶- Rossi

۱۷- Bavière

۱۸- Maximilien II

پروس (از ممالك آلمان):

در این سال در برلن پایتخت پروس مختصر شورشى به ظهور رسید.
دانمارك:

در این سال، کریستیان هشتم پادشاه دانمارك درگذشت و سلطنت به فردريك هفتم ولد ارشد او رسید.

ایالات اسلشویك وهولستن (۱۹) شورش نمودند. قشون پروس به این ایالت وارد و رانژل سردار پروس چند شهر از این دو ایالت را تصرف کرد. دولت فرانسه وانگلیس و روس در این جنگ مداخله نموده حمایت از دولت دانمارك کردند.

روس:

در این سال در اغلب بلاد ممالك روس وبای شدیدی ظاهر شد و در بعضی نقاط خشکسالی سبب مشقت اهالی گردید.

سود:

در این سال، سلاطین سود و دانمارك با یکدیگر ملاقات کردند و پادشاه دانمارك را، در نظم ایالات یاغیه، سلطان سود امداد نمود.
برزیلیوس ★ شیمیست معروف درگذشت.

سوئیس:

در این سال، شهر برن پایتخت دولت و مرکز جمهور گردید و مقرر شد موقوفات کلیسا به اطلاع رجال دولت جمهور به مخارج مقرره برسد.

عثمانی:

در این سال رشیدپاشا صدراعظم عثمانی بی مقدمه از صدارت عظمی عزل و صارمپاشا نصب گردید. مجدداً بعد از پنج ماه، نصب رشیدپاشا. در افلاق بغداد شورش نمودند و قشون روس به بهانه نظم این دو ایالت آمده تا بوکارست پایتخت رفت.

فرانسه:

در این سال، لوئی فیلیپ (۲۰) پادشاه فرانسه، به واسطه شورش

مردم، خود را از سلطنت خلع نموده پسرزاده خود را به جای خود پادشاه نمود. اهالی پاریس تمکین این مطلب نکرده به شورش افزودند. لوئی-فیلیپ غفلةً فرار به مملکت انگلیس نمود. اهالی شهر به هم ریخته خونریزی شدیدی در حوالی عمارت سلطنتی شد و عمارت سلطنتی را که موسوم به تویلری (۲۱) بود غارت کردند. آنگاه اهالی فرانسه چندی دولت موقتی وضع نمودند. بعد تمام اهل مملکت جمهوری طلب شدند. لوئی ناپلئون برادرزاده ناپلئون اول که در مملکت انگلیس و فراری بود وارد پاریس شده دوسه ایالت او را به سمت وکالت خود در مجلس شوری منتخب نمودند. آرشوک (۲۳) پاریسی که اعظم قسیسین (۲۳) آن شهر بود با چند نفر جنرال دریکی از جنگها که اهالی شهر با هم می کردند کشته شدند. آخر الامر لولی ناپلئون به ریاست چهارساله جمهوری برقرار شد.

راه آهن از پاریس الی بندر دیپ در این سال کشیده شد.
شاتوبریاند که شاعر معروف و نویسنده مشهور فرانسه بود و به سن هشتاد سالگی در این سال در گذشت.

مصر :

در این سال مرض محمد علی پاشای مصری اشتداد یافت و ابراهیم-پاشا ولد محمد علی پاشا والی شد و چیزی نگذشت که در گذشت و عباس-پاشا برادرزاده محمد علی پاشا به والیگری رسید.

هولاند:

در این سال، در مملکت هولاند، قرار آزادی ادیان شده به این معنی که هر کس در هر مذهبی باشد در کمال آسودگی و رفاهیت می تواند در این مملکت زیست و زندگی نماید.

وقایع سال سیم

سلطنت و تاجداری اعلیحضرت اقدس خسرو صاحبقران
ادام الله ایام ملکه و سنین سلطنته مطابق سال هزار و
دویست و شصت و شش هجری ایتئیل ترکی

تحويل نیراعظم از برج حوت به حمل در این سال خیرمآل هشت
ساعت و يك دقیقه از شب پنج شنبه ششم شهر جمادی الاولی گذشته
بود و مراسم جشن و تحويل سلام عید به وجهی شایان باشکوهی نمایان
به عمل آمد.

نظم ممالك در این سال به درجه کمال رسید. عمده اختلالی که در
کار کشور به نظر می آمد فتنه سالار و اغتشاش کار خراسان بود که از توجه
اولیای دولت جاوید نظام مبدل به انتظام شده صورت اختتام یافت. تبیین
این مقال آن که چون محمد ناصر خان ظهیرالدوله چند روزی در ظاهر
مشهد مقدس بماند و نواب والا حسام السلطنه به مشاورت وی کار محاصره
را منظم نمود و چند بار با شهریان کارزار کردند و شهریان را هزیمت
داده به شهر دوانیدند و مسافتی از خندق را برای یورش بردن به شهر
و تسخیر قلعه بینباشتند، کار بر سالار و اتباع او نهایت دشوار شد و رای
مصالحه و مسالمت نیز قوت نگرفت. بنابراین، ابتدا حسین پاشا خان
سرتیپ شبی نیم ساعت از غروب گذشته با جلادت و رشادتی تمام بر آن
دوسنکر یورش برده هردو سنکر را با صد و پنجاه نفر از شمشالچیان
سالار مسخر و دستگیر نمود. جماعتی از شهر به مدافعه سرتیپ مزبور
آمدند. محمد ناصر خان با دسته قشون کاری به کمک سرتیپ مزبور
رفته در محافظت سنکر تا روز کوشید و صاحب منصبان لشکر هر يك

به فکر خدمتی افتادند و به زحمتی تن دردادند و موافقان سالار را رعب غالب آمد و قصد اطاعت و متابعت نواب والا حسام السلطنه کردند. عباسقلی خان دره جزی نامه به سام خان ایلخانی نوشته اظهار خیرخواهی دولت علیه نمود. روز دیگر، ایلخانی به دروازه نوقان رفته با عباسقلی خان مکالمات کرد و او را آسوده خاطر ساخت. روز بعد از آن روز، سام خان ایلخانی و صمصام خان روسی و چراغعلی خان و عباسقلی خان کرد جهان بیگلو و حسین پاشا خان به دروازه شهر رفتند. عباسقلی خان دره جزی و بهادر خان جامی و آقا بابا خان فراش باشی و کریم دادخان هزاره و اراض خان سرخسی در حوالی دروازه نوقان مجلس مصالحه آراستند و پس از هر گونه گفتگو، اطمینان خواستند. نواب حسام السلطنه ایشان را امان دادند و قرار بر این شد که از گذشته درگذرند و جان و مال شهریان در امان باشد و سالار را به دست ندهند. این شرط را بزرگان اردو قبول نکرده گفتند یا سالار به دار الخلافه رود یا به هرات یا محمد خان را شفیع قرار دهد یا رو به هر طرف که خواهد نهد، اما عیال و اولاد او را که منتسبان دولت اند با خود نبرد و هر روز به آلاچیق ترکمانی به طور خواری نزول ننماید. بالاخره اکابر مسطور در فوق به اردوی والا آمدند دستخطی مبتنی بر این شروط گرفتند و مخلع به شهر باز شدند. عباسقلی خان دره جزی قرارداد که فردا صبح علی الطلیعه صمصام خان و چراغعلی خان به دروازه آیند تا دروازه را به تصرف دهند. و چنان کردند و چهار صد نفر سرباز قرایی را به دروازه راه و در بالای برج جای دادند و دهان توپها را که به جانب اردو بود به طرف شهر نمودند و صد نفر تفنگچی سام خان برکنار دروازه صف کشیدند و عباسقلی خان صمصام خان را به دروازه بالا خیابان برده و سام خان به دروازه پایین خیابان رفت. سالار از این قضیه خبردار شده ناچار با برادر و پسر به درون صحن مقدس پناه برد و هواخواهان او متفرق شدند و هریک به طرفی رفتند و شهر مشهد در نهم جمادی الاولی این سال به تصرف عساکر منصوره درآمد و رجب مروی با سام خان به اردوی ایلخانی رفت و خود را در آن محل بکشت. میرزا عسکری امام جمعه و علما و متولیان بقعه و روضه مبارکه نزد سالار آمده او را از جسارت های رفته ملامت کردند و گفتند تو برای این روضه مقدسه حرمتی باقی نگذاشتی که اکنون پناه بدان آورده ای.

چه جماعتی از سربازان اثنی عشری را که بدین مقام کریم پناه آورده بودند به زور بیرون بردی و به ظلم هلاک کردی و چندین هزار مسلمان را به تراکمه مرو و سرخس بخشیدی. برخیز و به دیگر جای رو که تو را در اینجا پناهی نخواهد بود. او لختی سخنان سراسیمه بگفت و سودی نکرد. علما برفتند و تنها ماند. امیراصلان خان سپهسالار گفت دوشب پیش ترا نگفتم در توقف این شهر و محصور ماندن خیری نیست؛ بهتر آن است که بیرون رویم و راه بیابان گیریم تا چه پیش آید. از من پذیرفتی و اکنون ما را ببندند و به کسان حسام السلطنه سپارند. در این گفتگو بودند که چراغ علی خان از جانب نواب والا حسام السلطنه نزد سالار آمد و با او سخنها گفت و او را با دو پسرش امیراصلان خان و یزدان بخش میرزا و محمدعلی خان برادرش بر چهار اسب پالانی نشانده به لشکرگاه برد و بعد از چهار روز، به حکم نواب والا حسام السلطنه، حسین پاشا خان آن چهار تن را به منزل خود برده جمعی را مستحفظ آنها قرارداد و اعلام را چاپاری راه دارالخلافه گرفت. توپهای شهر را به اردو آوردند و محاصره را ترك نمودند. راه آمد و شد مفتوح و ابواب مخالفت مسدود گردید. نواب والا به اهالی هرسنگر انعام و اکرام زیاد نمودند و به عزم زیارت وارد شهر شدند و تقبیل آستان ملایک پاسبان حضرت رضوی سلام الله علیه و علی ابائنه الطاهرین و ابنائنه المعصومین نمودند و درباغ آصف الدوله منزل کردند و هر خدمتی را برعهده شخصی مناسب معین و مقرر داشتند و از هفتصد خانوار مروی که در مشهد مقدس متوقف بودند، به حکم والا، سام خان سیصد خانوار را کوچ داده در خوشان ساکن کرد و دویست خانوار را مهدیقلی خان قرائی به تربت برد و دویست خانوار دیگر در اراضی و قرای ارض اقدس پراکنده مکان یافتند. آنگاه مجلس شورای عسکریه در اردو تشکیل یافت و خیانت سالار بدین دولت ثابت گردید و خود به جرایم خود اقرار نمود. بنابراین، اجزای شوری حکم به سیاست سالار نمودند و نواب والا حسام السلطنه بر طبق آرای بزرگان اردو و سران سپاه ظفر همراه سیاست سالار را به حسین پاشا خان محول داشتند. سالار و محمدعلی خان برادر سالار و امیراصلان خان پسر او را که مادرش ترکمان بود به سزا رسانید و یزدان بخش میرزا پسر دیگر سالار برای حفظ عیال او باقی

ماند و این غایله در عصر يكشنبه پانزدهم شهر جمادی الثانیة هزار و دویست و شصت و شش اتفاق افتاد و موجب عبرت ناظرین و سامعین شد. و میرزا - محمدخان برادر دیگر سالار را که در سبزوار گرفتار شده بود به دارالخلافه بردند و در شب چهارشنبه نهم رجب، او نیز به مرگ خدایی درگذشت. بعد از انجام این خدمت، نواب حسام السلطنه به نشان تمثال بی مثال همایون و شمشیر مرصع و همین لقب مفتخر و نایل گردید و محمد ناصر خان سردار نشان الماس یافت و هریک از چاکران خدمتگزار به اندازه لیاقت و خدمت مورد مرحمت شده دارای خلعت و نشان گردیدند و بعضی از توپها و افواج را روانه دارالخلافه نمودند و چراغعلی خان، بعد از ورود، قولر آقاسی گشت و نواب حسام السلطنه در خراسان مستقل شد.

نیز در این سال فتنه سید یحیی رفع و به انتها رسید و شرح آن در ذیل وقایع سال اول نگاشته شد.

و در این سال، نواب والانصره الدوله حکمران فارس شیخ نصرخان پسر شیخ عبدالرسول خان دریاییگی را که حکومت بوشهر داشت معزولاً به دارالخلافه فرستادند و میرزا حسنعلی خان ولد حاجی قوام الملک را به جای او حکومت دادند. شیخ حسین خان عم شیخ نصرخان بترسید که این حکومت موروته از این سلسله بیرون رود. اعراب را به امداد خواست و راه حاکم جدید را بیست و در بندر بوشهر نشست. چون این اخبار به شیراز رسید، مصطفی قلی خان قراگوزلوی سرتیپ با افواج خود به معاونت میرزا حسنعلی خان و مدافعت شیخ حسین خان برفت و مخالفت او را ظاهر دید. نامه به تجار و متوطنین بندر بوشهر نوشت و به وعده و وعید و امید و تهدید مردم را از دور شیخ حسین خان پراکنده نمود. شیخ - حسین خان که موافقین را متفرق دید از بیم در کشتی نشسته به دریا راند و سرتیپ با میرزا حسنعلی خان دریاییگی بی زحمت قتال و جدال وارد بوشهر شدند.

مصطفی قلی خان سرتیپ به ازای این حسن خدمت به منصب میرپنجگی نایل و میرزا حسنعلی خان سالها در آن ولایت با سبکی پسندیده و سلوکی خوش بماند.

هم از وقایع این سال ۱۲۶۶، طغیان میرزا قوام‌الدین بهبهانی برادر میرزا منصور خان طباطبائی است که سالها در کوه گیلویه حکومت داشتند و وی را حکومت بهبهان به جهت بی‌مبالاتی صافی نگشت. روزگاری نزد معتمدالدوله منوچهر خان و پیش از آن در خدمت امین‌الدوله عبدالله خان به سر می‌برد. چون حکمرانی فارس به نواب والا بهرام میرزا (معزالدوله) رسید، محمد کریم خان قاجار ایالت کوه گیلویه یافت. امور آن صفحات نظمی نگرفت والوار سکنه آن بلاد دورگردی گزیدند. میرزا قوام بدانجانب رفته به معاونت اعراب و موافقت بعضی دیگر دست تصرف در اموال و ائقال خلائق دراز کرده و قلعه‌های محکمه گل و گلاب را تعمیر کرده راه خودسری پیش گرفت و به قطع طرق و راه‌زدن قوافل پرداخت و بر قرابت با اعراب افزود. و در وقتی که نواب والا اردشیر میرزا به حکومت لرستان و عربستان مأمور بود و اشرار قبایل را به دارالخلافه می‌فرستاد، سلیمان خان گرجی ملقب به سهام‌الدوله را باتوپخانه و لشکر به نظم امور رامهرمز و تنبیه اعراب آن سرحد مأمور داشت و خود دنبال او عزیمت آن حدود کرد و بر سهام‌الدوله روشن شد که فتنه آن ولایت از میرزا قوام است و دیگران تبعه او هستند و دیده بر او دارند. لهذا با لشکر بر سر او رفت و او در قلعه چم‌ملا بود. اعراب اتفاق کرده شیخ حاکم و حداد شاه و شیخ‌قادر و شیخ‌جابر و شیخ‌عبدالله خان جمعیت خود را برداشته به کنار لشکرگاه سهام‌الدوله آمدند و میرزا رضا پسر میرزا-قوام هم، روز دیگر با جمعیتی، به دو فرسنگی اردوی سهام‌الدوله آمده در تپه اتراق کردند و فی‌الحقیقه دور سهام‌الدوله را گرفتند. چون نواب والا اردشیر میرزا این بدانست شیخ سلمان را با نامه عربی که به خط خود نواب والا بود به اعراب فرستاد و شیخ مشارالیه به وعده و وعید هر یک را به خدمت سرکار والا مستمال بگردانید و هر یک مورد مرحمت و خلعتی شده به مساکن خود رفتند و از حمایت میرزا قوام و خدمت نواب والا هر یک به عذری معتذر گردیدند و روی به ایلات خود کردند. لاجرم سهام‌الدوله دنبال آنها رفته و حدادشاه و شیخ حاکم و شیخ جابر را گرفته نزد نواب والا فرستاد و در قلعه سلاسل شوستر حبس شدند و سهام‌الدوله بایسر میرزا قوام محاربتی در داده او را بشکست و میرزا قوام به مدد پسر از قلعه بیرون آمد و بدو پیوست و شب هنگام به امروالا، علیرضاخان

به‌ختیاری و توشمالخان فیلی با هشتصد نفر از آب رود عبور کرده بر قلعه یورش بردند و قلعه را به‌تصرف درآوردند و خراب کردند و توپهای آنجا را به‌چنگ آوردند و توپی بزرگ نادرشاهی در آن قلعه بود. آن را خرد و درهم شکستند. و میرزا قوام را چون این قلعه از دست برفت کارش را قوامی نماند و راه بهبهان گرفت و پسرش به قبایل الوار ممسنی گریخت. غضبا [ن] خان که از خصمای میرزا قوام بود به حکومت آن محال مأمور و سهام الدوله عزیمت بهبهان کرد و چهار ماه به محاربه و محاصره گذشت و برادرزادگان میرزا قوام - میرزا سلطان محمدخان و میرزا کمال پسران میرزا منصورخان - که در شهر بودند ناچار به دست سهام الدوله افتاده و میرزا قوام از آنجا به قلعه گل و گلاب که در چهار فرسنگی بهبهان واز قلاع مشهوره است گریخت و متحصن شد. مرادعلی نام که مقدم مستحفظین قلعه بود، در مراجعت از میان الوار ممسنی، گرفتار سهام الدوله شد و اهل و عیال او را به عنوان گروی به اردو خواند و او را به گرفتن قلعه و تسلیم نمودن به گماشتگان دیوان راضی ساخت و او به قلعه رفت و بنابر مواضعه مسطور، شبی در قلعه را بگشاد و به تصرف داد. میرزا قوام از گل به گلاب گریخت و در این وقت از جانب نواب فیروز میرزای نصره الدوله حکمران فارس، عباسقلی خان سردار لاریجانی به‌نظم کوه‌گیلویه و اخذ میرزا قوام مأمور شد. آبی را که از قلعه گل به قلعه گلاب می‌رود بستند. میرزا قوام از بی‌آبی از قلعه فرار کرد و خود را به معقلی رساند. در راه به دست کسان عباسقلی خان سردار گرفتار شد و او را به شیراز و از شیراز به دارالخلافه آوردند و در بیست و دویم ربیع‌الثانی حسب الامر محبوس گردید و محمدباقرخان نوئی نیز به دست سردار مزبور افتاده مغلول شد.

هم در این اوقات. نواب والا احتشام الدوله خانلر میرزا در بلاد عراق سفری نموده جمعی از اشرار را دستگیر و معاقل ایشان را خراب نموده به بروجرد بازگشت.

نیز در این اوان، نواب والا مؤید الدوله طهماسب میرزا حکمران کرمان عبدالله خان صارم الدوله قراگوزلو را به‌نظم و انتظام بلوچستان فرستاد و او امور آن حدود را منظم کرد.

هم از وقایع این سال، مراجعت سامخان ایلخانی و عباسقلی خان

میرپنج و میرزا عبدالباقی متولی باشی است به خراسان که از دارالخلافه رخصت یافتند و در روز بیستم ربیع الثانی به مشهد مقدس وارد گردیدند و بر حسب امر همایون شاهنشاهی در آن بلد سی جا قراولخانه‌ها بنیاد نهادند و به تسخیر سرخس تصمیم نیت دادند.

هم در این سال، سلیمان خان دنبلی به حکومت تربت رفت و محمد تقی خان جوانشیر حاکم شاهرود و بسطام گردید و مرتضی قلی خان عرب معزول شد و محمد رضا خان قاجار به حکومت اردبیل و محمد حسین خان نوری به کارپردازی مشکین نایل شد و قاسم خان قاجار جارجی باشی حکومت قراجه داغ یافت و حکمرانی ارومی به نواب مصطفی قلی میرزا مفوض شد و محبعلی خان ماکویی منصب میرپنجگی یافت. محمد علی بیگ ناظر شاهنشاه مبرور به سرتیپی ایلات قزوین رفت ولی اجل او را مهلت نداد.

نظارت اعلی حضرت اقدس همایون به نصرالله خان ولد امیر کبیر قاسم خان خال شاهنشاه مفوض شد.

فوج مصطفی قلی خان به پاشا خان مکرری (مظفرالدوله) سپرده آمد. موکب فیروزی کوکب اقدس اعلی عزیمت قم و بعضی از نواحی عراق فرمودند.

در خاتمت این سال، از آنجا که اقطاع ممالک محروسه بالنسبه به زیور امن و امان آراسته و مشارب صافی از کدورات گردیده بود، خیال امنای دولت علیه متوجه حصول ترقیات و تمهید قواعد متقنه و تأسیس قوانین محکمه برای آسایش رعایا و مزید انتظام بلاد و موجبات امنیت طرق و شوارع و اطمینان قوافل و معابر و ترویج صنایع مملکتی گردید و شرح این جمله در وقایع سال آینده هریک در محل خود نگارش خواهد یافت. بعون الله تعالی و حسن توفیقه.

وقایعی که در این سال (۱۲۶۶) در ممالك خارجه واقطار عالم اتفاق افتاد

اتائونی ینگى دنيا:

در این سال، در ممالك اتائونی گفتگو درباب آزادی سیاهان که در بعضی از ایالات این ممالك برده بودند نمودند وصیت انکشاف معادن طلا در کالیفرنیا به اطراف رسیده از هرطرف جمعیتی روبه کالیفرنیا آوردند. اول وقتی که امتعه چین مستقیماً علی الخصوص چای به پاناما وارد شد این سال بود. در ایالت کارولین اتائونی شروع به زراعت چای نمودند.

اطریش:

در این سال اهالی مجارستان به دولت اطریش یاغی شدند. سردار اطریش از طرف امپراطور این مملکت و اندیسکراتز مامور به نظم مجارستان و تنبیه اشرار و یاغیان شد و در وسط زمستان قشون به مجارستان کشیده وارد شهر بود (۱) پایتخت آن مملکت گردید. عساکر روس که در والاشی بودند، به کمک امپراطور اطریش، وارد مجارستان شدند. ولی اهالی مجارستان بعضی شهرها را که به تصرف قشون دولت بود متصرف شده کوسوت (۲) نام را رئیس جمهور قرار داده اتفاق کرده مجارستان را خارج از مملکت اطریش اعلان نمودند و شهر پست (۳) که در حوالی شهر بود پایتخت می باشد به تصرف یاغیان درآمد. اعلیحضرت امپراطور اطریش بشخصه سرداری عساکر خود را متقبل واردوی خود را در شهر پرسبورک قرارداد. عساکر روس که در افلاق بغداد (۴) بودند، به ملاحظه این که مبدا شورش اهالی مجارستان امتدادی یافته به سمت لهستان روس سرایت نماید، مجدداً مصمم حمایت امپراطور

۱- Bude

۲- Kossuth, Louis

۳- Peste

۴- افلاق همان والاشی است و بغداد (بوغدان) همان سولداوی (Valachie, Moldavie)

اطریش شده قشون به کمک امپراطور اطریش به مجارستان فرستادند.

نیز در این سال، لشکر اطریش در ایتالیا فتح نموده و قلعه مدن (۵) را متصرف شد. سردار بزرگ اطریش رادتزکی (۶) نام درنوار (۷) پادشاه ساردین را مغلوب کرد و پادشاه ساردین از سلطنت استعفا نموده ارشد اولاد خود را به سلطنت انتخاب و برقرار داشت. سردار مذکور اغلب شهرهای ایتالیا حتی فلورانس و غیره را متصرف شد و مملکت لومباردی را که از ممالک ایتالیاست بعلاوه و نیز کلیه به تصرف اطریش درآورد. یک دسته از قشون فرانسه وارد بندر سیویتاویشیا (۸) بندر ایالت روم شد. بعد از فتوحات مذکوره در ایتالیا جرأت عساکر اطریش در مجارستان زیاد شده در دفع اشرار (۹) آنجا ظن قریب به یقین حاصل نمودند. یک صد هزار قشون از روس مجدداً وارد مجارستان شده به کمک امپراطور اطریش آمدند. سردار این قشون بسکاوویچ (۱۰) بود. اعلیحضرت امپراطور روس نیکلای مرحوم بشخصه به کراکوی (۱۱) به کمک امپراطور اطریش آمد. یاغیهای مجارستان مستاصل شده فرار برقرار اختیار کردند و پناه به خاک عثمانی بردند. بالاخره بعد از یک سال یاغیگری و شورش در مجارستان، نظم و آرامی در آن ایالت حاصل شد.

آلمان :

هم در این سال اجزاء پارلمان که در شهر فرانکفور جلوس می نمودند ریاست دول متعاهده آلمان را که تا آن زمان با دولت اطریش

۵- Modéne

۶- Radetzky

۷- Novara

۸- Civitavecchia

۹- اعتماد السلطنه همه استقلال طلبان و آزادیخواهان را که در مقابل قدرت مطلقه

سلطین به مبارزه برخاسته بودند «اشرار» و «یاغی» می نامید.

۱۰- همان پاسکیویچ که در جنگهای دوره دوم ایران و روس، سپاه عباس میرزا را

مغلوب کرد و ایروان و قراباغ و اران را از ایران جدا کرد و عهد نامه ننگین ترکمان چای را به دربار قاجار تحمیل نمود.

۱۱- Cracovie

بود مسترد ساخته و کلای پارلمان متفق القول امپراطور اطریش را از ریاست دول متعاهدۀ آلمان خلع نمودند و این ریاست را به پادشاه پروس که در آن وقت فردریک گیوم بود تسلیم کردند. پادشاه پروس جواب صریح در رد یا قبول این شغل نداده اما از آن طرف امپراطور اطریش به مجلس و کلای پارلمان آلمان اطلاع داد که ایشان از حدود معینۀ خودشان تجاوز نموده اند و وکلای مملکت اطریش را که جزو سایر وکلا در این پارلمان بودند احضار به وین نموده دولتین ورتمبرگ (۱۲) و باویر (۱۳) که از دول معظمۀ آلمان می باشند تمکین و قبول نکردند که ریاست با پادشاه پروس باشد. پادشاه پروس هم بالطبع مایل این کار نبود و قبول نفرمود. به واسطۀ عدم قبول پادشاه پروس ریاست دول آلمان را که خلل به احکام مجلس فرانکفور وارد آمده در مملکت هانور (۱۴) که نیز از دول آلمان است و در بعضی ممالک دیگر آلمان بنای شورش شد. علی الخصوص در مملکت ساکس (۱۵) از دول آلمان شورش سختی کردند. مردم برضد خانوادۀ سلطنت شدند. قشون پروس تا درزد (۱۶) پایتخت آن دولت حمله برده شورشیان را متفرق ساخته پادشاه ساکس را در سلطنت خود مستقل نمود. در ایالت باد (۱۷) نیز بنای شورش شد. بعد از چندی پادشاه پروس به ریاست دول آلمان راضی شد مشروط که به واسطۀ عهدنامه، سلاطین ساکس و هانور قبول این فقره نمایند و برعهده گرفت که داخلۀ مملکت آلمان را منتظم سازد و دست دشمن خارجی را از ممالک آلمان کوتاه نماید. سردار پروس جنرال پوکر با کمال رشادت و سختی در مملکت باد با شورشیان جنگ داد. در پاییز این سال سلاطین اطریش و پروس و ساکس باهم ملاقات نمودند و مابین سلاطین اطریش و پادشاه پروس چنین معاهده شد که از هر طرف دونفر به جهت ریاست ممالک آلمان تعیین شود که فی الواقع ریاست کلیه از آن به بعد میان دولت اطریش و پروس مشترک باشد.

۱۲- Wurttemberg

۱۳- Baviere (Bavaria)

۱۴- Hanover

۱۵- Saxe

۱۶- Dresde

۱۷- Bade

انگلیس :

هم در این سال بندر عدن در عربستان که متعلق به دولت انگلیس است به جهت تجارت تمام روی زمین باز شد. ایالت گینه را که در آفریقا است انگلیس از پورتغال ابتیاع نمود. نیز جنگ انگلیس با افغانه و هندیهای لاهور مسمی به سیک و فتح‌ملتان و حمله افغانه به پنجاب و فتح پنجاب به دست عساکر انگلیس و تصرف آنجا از وقایع این سال است. هم در این سال به جهت عبور کالسکه راه آهن بر روی دریا در بوغاز منی (؟) پل بستند که جزیره انگلیزی (۱۸) وصل به کارنارون (۱۹) شد.

جمعیت انگلیس در این سال پنجاه و هشت کرور بوده .

ایطالیا :

نیز در این سال اعلان جمهوری در شهر روم و ضبط موقوفات کلیسا به دست جمهوریان اتفاق افتاد. جلوس ویکتور امانوئل بر سریر سلطنت ساردین و شورش اهالی ژن به پادشاه تازه از وقایع این سال است. والی سابق درپارم به اعانت اطیش مستقل شد. دول اطیش و فرانسه و اسپانیول و ناپل پاپ را اعانت نمودند که از شر جمهوریان روم محروس باشد. چهار هزار قشون اسپانیول به سرداری جنرال کوردوا (۲۰) به کمک پاپ آمدند و اهالی روم بنای مخاصمه با قشون فرانسه گذاردند. روم محاصره و در اواسط تابستان مفتوح شد. ریاست جمهوریان با گاریبالدی و مازینی بود. سلطنت ظاهری پاپ در مملکت روم به توسط فرانسه استقلال یافت. شارل آلبرت پادشاه سابق ساردین در یکی از شهرهای پرتوغال درگذشت. مابین پادشاه ساردین و ویکتور امانوئل و امپراطور اطیش در میلان انعقاد مصالحه شد. پاپ از گائت (۲۱) که آنجا را مأمن خود قرار داده بود به روم مراجعت کرد.

دانمارک :

هم در این سال، مابین دانمارک و عساکر آلمان که به کمک شورشیان

۱۸- Anglessy

۱۹- Caernaroon

۲۰- Ferdinand Cordova

۲۱- Gaète

اسلشویک هولستن آمده بودند شروع به منازعه شد و دو کشتی جنگی دانمارک را غرق کردند. قشون دانمارک عساکر پروس را که به کمک یاغیها آمده بودند شکست دادند و شش ماهه مابین یاغیان و دولت دانمارک متارکه اتفاق افتاد. نیز در این سال به وساطت دولت انگلیس مابین دانمارک و پروس و سایر دول آلمان انعقاد مصالحه شد.

روس :

و در این سال، دولت روس به اطریش در شورش مجارستان کمک نمود و خرج این امداد شصت کرور منات شد.

در این سال، اعلیحضرت امپراطور روس فرمان دادند که طایفه یهود که در ممالک روس متوقفند یا باید به لباس روس ملبس شوند یا ملبوس جدید فرانسه را اختیار کنند یا هر سال مبلغی مالیات بدهند.

جمعیت چهل و نه ایالت مملکت وسیعه روس در این سال یک صد و هشت کرور ونود و دوهزار و سیصد نفر بود.

هم از وقایع این سال این است که جمعی که در صدد قتل اعلیحضرت امپراطور روس بودند به دست می آیند و بیست و یک نفر آنها را که از عدالتخانه حکم قتل آنها صادر شده بود امپراطور از قتل آنها در گذشته حبس مؤبد می کنند.

سویس :

هم در این سال در مملکت سویس اوزان و مقادیر به طرز فرانسه قبول می شود.

عثمانی :

در این سال، دولت عثمانی با دولت روس در خصوص افلاق بغداد معاهده می بندد و در این معاهده قید شده که حکام افلاق بغداد را عثمانی معین خواهد کرد مشروط که حاکم عیسوی باشد و مدت حکومت هفت سال. پرنس شیکا والی افلاق بغداد گردید.

نیز در این سال دولت اطریش و روس با دولت عثمانی کدورت حاصل نموده که چرا فراریهای لهستانی و مجارستان را که پناه به خاک او برده بودند پس نمی دهد و دولتین انگلیس و فرانسه رفع این کدورت

را توسط نمودند. امیرال انگلیس پارکر با کشتیهای جنگی انگلیس به کمک عثمانی وارد داردافل شد.

فرانسه:

در اوایل این سال، لوئی ناپلیون برادرزاده ناپلیون بزرگ که در چهارده کرور منتخبین، یازده کرور ویک صد هزار نفر اورا به ریاست جمهوری منتخب نمودند به این شغل برقرار شد و عمارت الیزه را مسکن او قرار دادند.

هم در این سال در فرانسه مدت دوماه وبای شدیدی بروز کرد و مارشال بوژو (۲۲) از این مرض درگذشت. سرداران فرانسه جنرال اودینو (۲۳) و جنرال والیان (۲۴) روم را مسخر نمودند. فوت مارشال مولیتور (۲۵) که از سرداران رشید بزرگ فرانسه بود نیز در این سال اتفاق افتاد.

مصر:

در این سال محمد علی پاشای مصری درگذشت.

هلاند:

در این سال گیلیوم دویم پادشاه هلاند درگذشت و پسر او گیلیوم سیم در اوایل بهار به جای او جلوس نمود.

ینگى دنیای جنوبی:

در این سال، جنرال روزا (۲۶) در ریاست جمهور ایالت بنوزر (۲۷) استقلال تام و تمام به هم رسانید و این ایالت با انگلیس به همان قرار که با فرانسه عهد تجارت و دوستی بسته است معاهده نمود.

۲۲- Bugeau

۲۲- Oudinot

۲۴- Vaillant

۲۵- Molitor

۲۶- Rosas

۲۷- این کلمه را اعتماد السلطنه بر اساس تلفظ حروف فرانسه خوانده است که چنین

نام آنوس سی نماید. در حالی که این کلمه نام پایتخت کشور آرژانتین است یعنی بوئنوس آیرس

Buenos Aires

وقایع سال چهارم
سلطنت جاوید عدت اعلی حضرت اقدس خسرو
صاحبقران عزنصره مطابق هزار و دویست
و شصت و هفت هجری سنه تنگوزئیل ترکی

تحويل آفتاب جهان تاب از حوت به حمل در این سال سعادت مآل
روز جمعه هفدهم جمادی الاولی يك ساعت و پنجاه دقیقه از طلوع آفتاب
گذشته بود.

چون تراکمه سرخس بعضی از محال مشهد مقدس را گاهی غارت
و دستبرد می زدند و در این باب محمد امین خان والی خیوق نیز ایشان
را محرك بود، بنابراین در آغاز این سال خیر مآل حکم همایون شرف
صدور یافت که نواب و الاحسام السلطنه والی خراسان به تدمیر فرقه
مزبوره پردازد. و نواب معظم الیه با جماعتی از عساكر منصوره دوماه بعد
از عید نوروز از راه دهنه مزدوران که راهی نهایت صعب است روانه
سرخس شدند و به قدر امکان در دفع غایله مسطوره کوشیده آن نواحی را
مصفا نموده مراجعت به ارض اقدس نمودند.

هم در این سال، چراغعلی خان زنگنه قوللر آقاسی (که بعد لقب
سراج الملکی یافت) مأمور نظم اصفهان شد و بعد از چندی نایل به حکومت
آن بلد گردیده بقیة السیف اشرار آن سامان را دستگیر و به تدمیر ایشان
پرداخت.

هم در ایام حکومت چراغعلی خان در اصفهان، جماعتی از پیروان

میرزا محمد علی باب دور هم جمع شده دوازده نفر را از میان خود انتخاب کرده ایشان را ائمه اثنی عشر نامیدند و مہیای شورش و فتنه بودند که چراغ علی خان خبر شده آنها را دستگیر نمود و پس از آن که عقاید فاسده آنها معلوم علما گردید به فتوای شرع به سزای خود رسیدند.

هم در این سال، محمد امین خان والی خیوق - که بعد از برادر خود را خوارزمشاه می خواند - آتانیاز محرم (۲۸) را - که از نزدیکان او بود - به سفارت ایران و تهنیت شاهنشاه جم جہاہ روحنا فداه مامور کرد. او بود به سفارت ایران و تهنیت شاهنشاه جم جہاہ روحنا فداه مامور کرد. مشارالیه روز یک شنبہ ہفتم ربیع الثانی وارد دارالخلافہ شدہ روز بیست و یکم شرف اندوز حضور مبارک گردید و ہدایایی کہ حامل بود از پایہ سریر اعلی گذرانید و مقرر شد کہ شخصی از چاکران کافی آستان سپہر نشان بہ ہمراہی او بہ خوارزم سفارت کند و بعضی مطالب را انجام دہد. بر حسب امر ہمایون (۲۹)، مرحوم رضا قلی خان للہ باشی را کہ یکی از اعیان کاردانان خدام دربار معدلت مدار و مردی خبیر و بصیر و نگارندہ ای فاضل و بی نظیر بود انتخاب نمودند و او عازم این سفر شدہ وقایع مسافرت خود را من البدوالی الختم نگاشته. چون حاوی مہمات مطالب جغرافی و تاریخ است ما ہمان رانخبہ نمودہ در این مورد ایراد می نماییم:

شرح مسافرت مرحوم رضا قلی خان للہ باشی بہ خوارزم

روز پنجم ماہ جمادی الاخرہ بہ باغ جنت کہ در خارج شہر طہران است نقل مکان نمودیم. آتانیاز محرم نیز بامن قصد مراجعت کرد. روز نهم از راہ فیروز کوہ و ساری قصد استراباد و خوارزم نمودیم. از رود جاجرود عبور و بہ تلال البرز رسیدیم.

۲۸- محرم بہ اصطلاح اہل خوارزم، پیش خدمت است (اع).

۲۹- انتخاب رضا قلی خان ہدایت بہ سفارت خوارزم بنابر تشخیص میرزا تقی خان امیر کبیر بود. ولی اعتماد السلطنہ آن مطلب را «بہ امر ہمایون» منسوب می دارد: (رک مجلہ یادگار سال ۴ شماره ۴ ص ۹ تا ۱۴ تحت عنوان «امیر کبیر و مرحوم ہدایت» کہ مطلبی است دربارہ حسن تشخیص امیر در انتخاب وی بہ سفارت از قول پسرش جعفر قلی خان نیرالملک. در ہمین مقالہ، دستور العمل خاصی کہ در مورد ہمین سفارت برای ہدایت نوشتہ نیز آمدہ است.

در ذکر کوه عام مشهور به قاف و معروف به البرز

کوهی که در حدود ری و مازندران است و آن را جبل عام والبرز خوانند. کوهی عظیم و ممتد است و آن را «کوه قارن» و «کوه قاف» نیز گفته‌اند و پیوسته از بسیاری سبزه چون قطعه‌ای است از زمرد واقع در وسط مایل به جنوبی طبرستان. گویند ابتدای این کوه از جبل القمر است در مملکت سنار از بلاد سودان وزنگبار در اواسط خط استوا. و منبع رود نیل از آنجاست. [پس دوشعبه می‌گردد یکی به طرف شمال ممتد شده از ملک سودان گذشته به اقلیم صعید و مصر آمده از اقلیم دوم و سیم گذشته از وسط اقلیم چهارم به جانب مغرب کشیده به دریای محیط منتهی می‌شود. و دیگری به طرف جنوب امتداد یافته] (۳۰) از بلاد سودان گذشته نزدیک قاهره مصر مایل به سمت مشرق شده قریب به هشت منزل طی کرده بعد به جانب شمال ممتد می‌شود و قریب یک ماه راه طی می‌نماید. آنگاه به ارمینیه کبری و قرامان و اناطولی آمده چون به وسط اقلیم رابع می‌رسد به جانب مشرق ممتد می‌گردد و از بلاد داغستان و گرجستان و آذربایجان و شیروان و گیلان گذشته از شمالی دارالملک طهران مرور کرده [از جنوب] (۳۱) دیار طبرستان و خراسان و کابل و زابل و سیاه پوشان می‌گذرد و جنوبی بلاد ترکستان و بدخشان را قطع می‌نماید [و از تمام بلاد کشمیر و تبت می‌گذرد.] (۳۲) آنگاه از غربی ملک تنکتاب ختاوختن و چین گذشته از شرقی هندوستان و تیپال و بنگاله مرور کرده به دریای محیط منتهی می‌شود و طول این کوه را هزار و پانصد فرسخ دانسته‌اند و دوازده هزار شهر و ولایت در قرب و جوانب آن آباد می‌باشد و به سبب قرب هر ولایت به اسمی جداگانه موسوم شده است. و سیاحان نوشته‌اند نزدیک هفتاد لغت اسم آن کوه را شنیده‌ایم و زیاده از دویست

۳- به جای قسمت بین دو قلاب در سفرنامه چاپ شده چنین آمده: [به طرف جبال

ممتد شده ...].

۳۱- در نسخه چاپی نیست.

۳۲- نسخه چاپی: [در تمام بلاد کشمیر و تبت می‌گیرد (?)]. شاید هم می‌گردد.

طایفه اطراف آن دیده‌ایم که به لغات و لسان مختلفه تکلم می‌کرده‌اند و نزدیک سیصد فرقه دیده‌ایم که هر یک مذهبی علی‌حده داشته‌اند. حاصل از جلگای ری داخل این کوه شدیم و از رود جاجرود که رودی معروف است و به‌زیادتی آب و سیل موصوف، از راه پل عبور نمودیم. بعد از طی هشت فرسنگ در نشیب و فراز به‌قریه استلک رسیدیم. یک‌شنبه دهم قصد منزل آئینه ورزان کردیم. در بین راه باریدن گرفت هوا سرد شد. به‌رود بومهن رسیدیم پل را سیل برده بود. ناچار به آب زده عبور کردیم. گاهی در زمین هموار و زمانی در قلل کوهسار [باوحشت یاران از باران] به‌قلعه گیلارد نزدیک شدیم (۳۳) و به‌میل رفیقان در آن قلعه منزل کردیم. روز دوازدهم از قلعه گیلارد روانه شده بعد از طی دو فرسخ راه قریه آئینه ورزان نمایان شد و برطرف شمال راه باغستان و اشجار و بیوت و انهار پدید آمد. آئینه ورزان در دامنه کوهی واقع و طرف یمینش زمینی واسع و از نوادر آن که از قلعه کوه رفیع دایماً نهری آب صافی روان و به‌مرور دهور کوه را خراشیده چنان‌که گویی جویی تراشیده‌اند. در کنار آن جویبار درختان بلند سایه افکن است. از اینجا به‌قریه سربندان که از توابع دماوند و شکارگاهی بی‌مانند است رفتیم.

ذکر کوه دماوند و بلوک آن به‌طور اجمال

کوه دماوند کوهی است مشهور واقع در دو منزلی ری در طرف شرقی ری و اصل آن دنیاوند است یعنی ظرف دنیا. زیرا که در پارسی آوند به‌معنی ظرف است. گویند ارتفاع آن کوه از زمین چهار فرسنگ است و بلندترین کوههای عراق می‌باشد و از مسافت بعیده مسافرین آن را مشاهده می‌نمایند. در قلعه آن سی جریب زمین هموار است. از آن روشنی تابد. گویند چاهی است که آن روشنی از آن برآید و شبها آن روشنی از خیلی راه نمایان است و روز دود از آن متصاعد شود. مشهور

۳۳- نسخه چاپی: [واز کثرت باران و محنت یاران و قطع و نشیب و فراز کوههای

پست و دراز به‌ستوه آمدیم تا نزدیک به‌قریه گیلارد شدیم].

است که حضرت سلیمان (ع) صخره جنی را در آن حبس فرموده. و گویند فریدون ضحاک را در آن بند کرده. و بعضی گویند آنجا معدن گوگرد است و به شب آتش نماید و روز دود از آن برآید. آنچه از قراین خارجه معلوم می شود کوه آتشفشان است که آتش آن را شکافته متصاعد شده است و چاه به نظر می آید. و چنین کوه در فرنگستان وینگی دنیا (۳۴) بسیار است و جمعی دیده اند. صاحب تاریخ طبرستان گوید سی سوراخ چاه مانند برسر این کوه است که از آن آتش کبریت برآید و هیچ حیوان بر آن قرار نتواند گرفت از سختی بادهای که وزد و بر جوانب او برف باشد و ظاهر است. در حوالی آن کوه قریه ای است آباد و خرم و به نام آن کوه معروف. و سیب آن قریه به صفت خوبی موصوف. خلاصه از سربندان پیشتر رفته در پهلوی باغ شاه که از بناهای شاه شهید آقا محمد شاه طاب الله ثراه است و مخصوص توقف ایام شکار بنیاد نهاده خیمه برپا کردیم.

ذکر باغ شاه

باغی است وسیع با عمارتی فوقانی و رفیع. خیابانی عریض از دروازه تا منتهای باغ آراسته مشتمل بر بید و صنوبر. از وسط باغ نیز خیابانی دیگر و چهار طرف خیابان اشجار مثمر است. تخمیناً نیم فرسخ کمتر دور دیوار آن باغ می باشد و میوه های آن در کمال حلاوت و لطافت. شاه شهید طاب الله ثراه آن را بنا نموده. روزه طرف شکارگاه دلی چای توجه و شب را در آن باغ بسر می برده اند. شکار کبک و بز و میش در آن صحرا و کوه از اندازه بیش است.

روز دوازدهم از این منزل حرکت و روانه فیروز کوه شدیم. بعد از طی دو فرسخ راه به شکارگاه مزبور رسیدیم. دامن کوهی است با فسحت و صحرایی با وسعت. دو کوه از دو کنار و فی مابین مکان شکار و بعد از نیم فرسنگ راه فاصله دو کوه کم و تنگ می شود. آنگاه سراسیمه دره

دلی چای. قریب رودخانه دلی چای روبه فراز نهادیم و از آن رود گذشته قدم به پیشه گذاشتیم. تل و جبل و پست و بلند طی کرده به رباط امین آباد آمدیم. از آنجا هم تجاوز و روبه دره موسوم به سربند نمودیم. از آن نیز تعدی جسته به لب رودخانه موسوم به غازان چای فرود آمدیم و پس از آسایش به قصبه فیروز کوه رانیدیم. طرف دست راست کوهی تافیروز کوه کشیده قلل آن بلند و پراز آثار سنگر و بروج و باره از هم فرو ریخته. قریب به قصبه فیروز کوه پشته ای بلند بود که اوقاتی که حضرت خاقان (۳۵) انارالله برهانه به شکار آن کوهسار می پرداخت از شاخ گوزنان آن پشته بلند را گویی جنگلی پر از شاخه های درختان کرده بود وقتی شاخها را شمردند از پنجهزار افزون بود. هم در آن حوالی چمنی است که به قدر صد چشمه بزرگ و کوچک آب در آن جریان دارد و باب رود و اشی می پیوندد و داخل تنگ فیروز کوه شده از طرف یمین رفته باب موسوم به گور سفید یکی شده به بل رود و از آنجا به ورامین می رود.

در ذکر چمن موسوم به واشی

در دوفر سنجی طرف شمالی فیروز کوه چمنی و تنگی و دره ای است با کمال صفا و لطافت با آبی نهایت خوب و گوارا چنان که از همه آبها به وزن سبکتر است. و از آن دره راهی است که دوطرف کوه است و از میان آن دره و آب معبر و بعد از عبور از آن تنگ چمنی است دلگشا که محل سراپرده خاقان مغفور بوده و در آن کوه تمثال مبارک خود را امر فرموده در سنگ نقاری کرده اند و چون بالای آن کوه روند تمام جنگل مازندران و دریای خزر در نظر است.

در ذکر قصبه فیروز کوه

فیروز کوه از قصبات قدیمه و اکنون نیز معمور است. و آن برزخ عراق و طبرستان می باشد. و قرای آن بعضی قریب به سمنان. کوهی بلند

است و برقله آن کوه عمارات کهنه غریبه قدیمه هنوز باقی. آسیای بادی و حمام و دز عالی و چاه سنگی داشته که از فراز کوه تراشیده‌اند تا به زمین که قریب پانصد ذرع است رسیده بود و آب از رودی که به طرف کوه است به چاه می‌رفته و از شیب چاه به فراز کوه می‌کشیده‌اند و با سلاطین عهد تحصن و تمرد می‌گزیده. قلعه‌ای قدیمی در دامن کوه بوده و هنوز بعضی رعایا در آن ساکنند. اکنون طرف رودی [را] که از این کوه می‌گذرد آباد کرده‌اند و بیوتات و عمارات و گرمابه‌ها ساخته‌اند و چهارصد مرد در آنجا متوطن شده. آثار قدیمه در آن حوالی بسیار است. تفصیل حال آنها در تاریخ مازندران مشهور به تاریخ طبری که یکی از سادات نوشته (۳۶) مسطور است. و از توابع این بلوک قریب چهل قریه است و در اواخر دولت شاه شهید آقامحمدشاه رضوان جایگاه، چندی ضبط و حکومت آن باین غلام بود.

روز چهارشنبه سیزدهم از فیروزکوه روانه شده قریب سه فرسخ رانده به رباط پای گدوک مازندران رسیدیم و از آنجا فرسخی رانده به رباط سرگدوک (۳۷) آمدیم. از آنجا راه تنگ شد و سرایش عبور نمودیم. چون از دهنه آن تنگ که به عباس‌آباد معروف است - و گویند دیوسفید راهدار مرزبان مازندران در این مقام بوده است - عبور نمودیم قومی غریب الخلقه دیدیم باروهای سیاه. پس از تحقیق معلوم شد این جماعت جنگل را بریده هیزم می‌کنند و سوزانیده زغال می‌سازند و سیاهی روی و اندام ایشان از گرد زغال است. الحاصل میان آن دره آبی اندک بود که هرچه پیش می‌رفت زیاد می‌شد. تخمیناً هشت فرسخ سرایش راه پیمودیم، از دو طرف کوه و آب در میان و از این حد اول بلوک سوادکوه و ابتدای مازندران است. همه راه پر آب و درخت و جنگلهای سخت و گله‌اوشکوفه‌ها و ریاحین رنگین زیاده از حد و مرغان نغمه‌سنج نیز بسیارند. خلاصه از قرای سوادکوه گذشته به سرخ رباط رسیدیم و از آنجا عبور کرده در تنگی که به دو آب موسوم است در آمدیم و شب در رسیده

۳۶- ظاهراً منظور تاریخ طبرستان است تألیف سید ظهیرالدین سرعشی.

۳۷- گدوک به اصطلاح اهل آن ولایت، بلندی‌ای را گویند که از آنجا راه سرازیر می‌شود

و چنین موضعی را تنگ نیز گویند (اع).

توقف کردیم. همانا ده فرسخ راه بریده بودیم. شب را آسودیم. پنج‌شنبه چهاردهم از منزل میان دو آب پنج‌فرسخ راه طی کرده به‌مکان موسوم به‌زیرآب رسیدیم. جوی کوچکی که از اول دره تنگ‌هاز اطراف می‌زاید و سرازیر می‌شود، از تداخل چشمه‌سار و تقاطر امطار، دراین چند منزل رودی عظیم می‌شود و نامش تالار است و از آن نمی‌توان گذشت. پلی وسیع و محکم بر آن بسته و موسوم به‌پل سفید است از آن عبور کرده به‌امامزاده ابوطالب آمدیم و شب جمعه را در آن محل آسودیم و دعا و زیارت نمودیم.

جمعه پانزدهم قصد منزل شیرگاه کردیم. راه پرجوی و جدول و چشمه ورود و نشیب و فراز و جنگل و بیشه بود. درختهای شمشاد و نارون بسیار بلند و سبزه‌های باصفا دیدیم. چون در راه باتلاق و جای فرورفتن مال و مواشی بسیار بوده شاه عباس صفوی که از این راه گذشته از حدود شیرگاه الی ساری و بارفروش و از آنجا تا اشرف (۳۸) و استراباد حکم نموده درختان را بریده خیابانی از سنگ و گچ راست ساخته‌اند. از راه خیابان عزم ساری کردیم. قریب هفت فرسخ راههای سخت و جنگلهای پردرخت قطع نمودیم و در بیشه شیرگاه آسودیم. الحق جای بدی بود. شب تشنگی کشیدیم. وقت سحر باز روانه شدیم.

شب شانزدهم به‌فضای دلگشای علی‌آباد رسیدیم و به‌مقبره شیخ - طبرسی نزدیک و از حوالی آن گذشتیم. درامامزاده خارج علی‌آباد (۳۹) منزل کردیم. از این محل نیز روانه شده از راه خیابان‌شاهی به‌ساری رسیدیم. از شیرگاه تا شهر هفت فرسخ مسافت داشت. امیرزاده مهدیقلی - میرزا حاکم مازندران (۴۰) در سواحل خزر مشغول انتظام بود. گماشتگان او ما را پذیرفتند. هم‌مکتبان سابق را که به‌واسطه چهل سال توطن در شیراز ملاقات نکرده بودیم دیده از صحبت و دیدار هم‌خورسندی حاصل کردیم.

۳۸- اکنون بارفروش را بابل می‌گویند و اشرف (= اشرف‌البلاد) را به‌شهر.

۳۹- علی‌آباد همان شاهی سابق است و قائم‌شهر فعلی.

۴۰- پسر هفتم عباس میرزا نایب‌السلطنه.

در ذکر مجملی از ولایت طبرستان و مازندران

طبرستان ولایتی است مشتمل بر بلاد قدیمه و قصبات عظیمه، جبال سخت و بییشه‌های پردرخت. به کثرت آب و رطوبت هوا مشهور و تمام آن بلاد از اقلیم چهارم است. هوای بعضی از بلاد آن مایل به گرمی و بیشتر شهرهای آن را هوائی معتدل. میوه‌های گرمسیری و سردسیری در آن بسیار. به زعم بعضی طهمورث در آن بنای آبادی نهاده آمل و ساری و قلعه موز از قدیم بوده و در عهد افراسیاب و کی قباد همین نام داشته و این مملکت را از آن مازندران گویند که ماز نام کوهی است در آن. منوچهری گفته:

برآمد ز کوه ابر مازندران چو مار شکنجی و مازندران
سابقاً آنجا را بیشه مازون (۴۱) نیز گفته‌اند. [محمد بن حسن بن اسفندیار صاحب تاریخ مازندران که در سنه ششصد و شش بوده نوشته مازندران شهری بوده به حد مغرب و نامی که اکنون بر مازندران استعمال کنند جدید است (۴۲) و کوه آنجا را موزوماز خوانند و آنچه در درون آن کوه است موزاندرون گویند. و آن کوه از حد گیلان کشیده تا به لارو قصران و تا جاجرم و آنچه را طبرستان خوانند از دینار جاری شرقی تا به ملاط باشد و این مواضع در قدیم جنگل بوده بیشه را تراشیده و در آن شهرها ساختند.] (۴۳) و قدیم‌تر شهر آن لاریجان می‌باشد و فریدون در آنجا تربیت یافت [و دارالملک وی بعد از سلطنت تمیشه بود و آن را «بیشه مازون» می‌خواندند] (۴۳) و به مرور دهور بیست و چهار

۴۱- نسخه چاپی: «بیشه نارون».

۴۲- «مازندران محدث است به حکم آن که مازندران به حد مغرب است...» تاریخ

طبرستان ابن اسفندیار جلد اول صفحه ۵۶. در خصوص این مطلب که مازندران فعلی همان مازندران شاهنامه نیست دکتر صادق کیا تحقیقی ارزنده دارد به نام «شاهنامه و مازندران».

نگاه کنید به «سخن رانیهای نخستین دوره جلسات سخنرانی و بحث درباره شاهنامه».

فردوسی (۱۳۵۰)، صفحات ۱۵۲ تا ۱۸۵. این رساله جداگانه نیز چاپ شده (۱۳۵۳).

۴۳- قسمتهای بین دو قلاب از تبعات اعتماد السلطنه است و در سفرنامه نیست.

شهر مشهور در مازندران معمور شد که حالا غالباً ویران است. [نیز محمد بن حسن سابق‌الذکر گوید در قدیم آذربایجان و اهارو گیل و دیلم‌وری و قومس و دامغان و گرگان را طبرستان می‌گفته‌اند. وجه تسمیه] (۴۴) آن که حربۀ ایشان تبر بود و الآن کماکان، و طبر معرب تبر است. [و تحقیق من بنده (۴۵) این است که تبره و تبرک در لغت پهلوی مازندری و فارسی به معنی پشته و تل و کوه است. چنان که قلعه‌ای بر تل شهر اصفهان بوده و آن را تبرک می‌خوانده‌اند. و قلعه‌ای دیگر در حوالی شهرری کهنه بر بالای کوه بوده که آن را طبرو می‌نامیده‌اند. و تبرستان به تائ فارسی به معنی کوهستان است و دخلی به حربۀ تبر ندارد. چنان که وقتی یکی از خلفا شخصی به تفحص بلاد طبرستان فرستاد، وی بعد از ملاحظه امتعه و وفور نعمای آن ولایت مراجعت نموده به خلیفه گفت طبرستان را برای کثرت ارتفاعات و معموریت فراوان تبرستان باید خواند به کسر تاء و سکون باء به معنی زرستان. یعنی معدن زر نه تبرستان به فتح تاء و باء. علی‌ای حال حمدالله مستوفی و جمعی] (۴۶) گفته‌اند مازندران هفت بلوک است: جرجان، موردستان، استرآباد، آمل، رستم‌دار و رویان، رعد، سیاه‌رستاق. و چنان که گذشت گویند طبرستان را ولایت چند است از جمله بسطام و سمنان و دامغان و فیروزکوه خرقان. و چون مدتی در تصرف ملوک خراسان بوده لهذا داخل خراسان می‌شمارند مانند مملکت قهستان و سیستان و مفاز که ولایتی جداگانه بوده و اکنون داخل خراسان شده و اهالی مازندران و طبرستان در بدو دولت ابد مدت قاجاریه زیاده از اندازه خدمت کرده‌اند و حضرت شاه شهید و خاقان مغفور طاب‌الله تراهما به‌اعالی وادانی این طایفه سیورغالات عطا و مناصبی‌عالیه تفویض کرده‌اند.

ذکر شهر سارویه مشهور به ساری

ساری از بلاد قدیمه است. گویند طوس نوذر بنیاد نهاد و طوسان نام

۴- در سفرنامه چابی به جای قسمت بین دو قلاب آمده: «وجه تسمیه طبرستان».

۵- یعنی تحقیقات اعتماد السلطنه.

۶- در سفرنامه نیست.

کرد. چون خراب‌شدن‌انیا ساختند و ساری‌نامیدند. فرخان بزرگ و مازیار درآبادی آن کوشیدند. شهرکی است دلنشین مشتمل بر بیوتات و عمارات پادشاهی حمام و بازار و مساجد و مدارس. آبادانی این بلده در این اواخر از شاه شهید و خاقان مغفور مبرور است و ملک‌آرا (۴۷) و اولاد او بر آن افزوده‌اند.

شهر بار فروش

در قدیم دیهی بوده و بارهائی که با کشتی از حاجی‌ترخان به بندر مشهد سر می‌آوردند به آن دیه حمل نموده و می‌فروخته‌اند. لهذا این قریه موسوم به بار فروش ده شده. به تدریج جماعتی از تجاران ساکن شدند و آباد شد و در این وقت آبادی زیاد دارد. و در تاریخ مازندران مسطور است که در زمان خلفای ثلاثه، حضرت امام حسن بن علی علیه السلام به تسخیر مازندران تشریف آورده در یکی از اماکن متزهه آن که آبگیرها و شکوفه‌ها و گلها و مرغها و بقعه مرتفع داشت فرمود: بقعه طیبه ماعوطیر. در آن وقت آبادانی آن مختصر بود و در عهد محمد بن خالد بازار و عمارت یافت. در سال صد و شصت مازیار بن قارن مسجد جامع بنیاد کرد. و همانا که بار فروش اکنون آن محل است که شهری آباد شده و چون اطرافش جنگل است باره و برج بر نمی‌تابد و مشتمل است بر مساجد و عمارات و مدارس و دکاکین و سراها و بیوتات. جمعیت آن زیاد و از ساری به دریا نزدیکتر است و این بنده (۴۸) مدت هشت سال در ایام طفولیت در این شهر می‌زیسته‌ام. خلاصه در خارج شهر میدانی است اخضر موسوم به سبز میدان و مردابی وسیع در آنجا واقع و در وسط مرداب زمینی مشتمل بر عمارات عالیّه رفیع و بدیع معروف به بحرارم. اصل بنای آن از سلاطین صفویه و آبادیش از پادشاهان قاجاریه است.

بندر مشهدستر

مکانی است بر لب دریای خضر و محل عبور و مرور سفاین.

۴۷- محمد قلی میرزا ملک‌آرا پسر دوم فتحعلی شاه که حکومت مازندران داشت.

۴۸- یعنی رضا قلی خان هدایت.

آمل

از شهرهای قدیمهٔ مازندران بوده طهمورث آن را بنا کرده و فریدون دارالملک ساخت حالا چندان آباد نیست. حکما و فضلا و شعرای زیاد از آنجا برخاسته‌اند از جمله سیدحیدر آملی قدس سره و محمدبن جریرطبری مشهور صاحب تاریخ از آنجا بوده. ولایت مازندران سالها در حکم سادات زیدیه بوده و با سلاطین عهد مخالفت نموده‌اند و به زحمت بسیار سلاطین بر آنجا غلبه نموده و سیاحان انگلیس گفته‌اند که در همهٔ عالم جزیره و ملکی محکم‌تر از مازندران ندیده‌ایم. واللہ اعلم (۴۹).

باز رجوع نمائیم به شرح مسافرت: روز بیستم ماه جمادی‌الثانیه با سفیرخان خوارزم عزم اشرف کردیم. ابتدا از رودپل پادشاهی عبور کرده در گذشتیم و بار دیگر وارد جنگل و خیابان گشتیم. بعضی از جاهای خیابان شکسته و از پهلوی آن معبر شده. بعضی معابر دیگر را درختان گرفته، چنان که باید بر روی اسب خم شد و عبور کرد فرسخی چند راه طی کردیم. چون از روز خیلی برآمده بود و باروبنه عقب مانده و جمعی مردم خوارزم و اهالی خوقند که از مکه مراجعت کرده مزید همراهان شده رعایت جانب آنها را در منزل نگاه ماندیم. چهار فرسخ راه آمده و پنج دیگر تا اشرف مانده است و تمام راه در نهایت صفا. آب و سبزه و درختان بزرگ نارون و شمشاد و آزاد چندان که احصا نتوان کرد. روز بیست و یکم از راهی به وصف مسطور راه نور دیده به اشرف آمدیم. اشرف بر کوهی بلند واقع و دریا در برابر پیداست. شاه عباس در آنجا باغ و عمارت بیرونی و اندرونی ساخته حوضی بزرگ داشته. مشهور است که آب آن را از دماوند همه جا از فراز کوهسار آورده‌اند. حق این است که اشرف جائی با صفا و هوای آن در زمستان و پائیز مفرح است. اما باغ

۴۹- در مورد شهرهای ساری و بارفروش و آمل و مشهد سر، اعتماد السلطنه هر چند

تصریح کرده که مطالب را از «شرح سفارت خوارزم» برداشته ولی عملا تحقیقات خود را نیز بدان افزوده و گاه مطالبی نوشته که در «شرح سفارت» وجود ندارد. تحقیقات وی نیز تنها ذکر و نقل مطالب تاریخ طبرستان ابن اسفندیار است. ضمنا باید گفت که بارفروش همان (بابل) است و مشهد سر همان بابل سر.

اشرف آنچه پس از دویست سال برقرار است این است که نخست چون داخل باغ شوند، جوئی در وسط باغ که کف و هردو طرف آن از سنگ صافی تا منتهای باغ تخمیناً چهارصد قدم است و بر دو طرف آن نهر دو خیابان که روی به وسط باغ و آخر عمارت می رود و در هردو طرف خیابان و نهر دو رویه سروهای ممتاز است که از بیست الی سی ذرع بلندی دارند و پشت سر آنها درختهای نارنج صف به صف و اغلب بلندتر از نارون و عقب آنها تا دیوار باغ درختهای مرکبات دیگر اما غالباً نارنگی و لیمو بوده است. در وسط باغ تالار مرتفع دورویه و در پهلوی آن دو اطاق به طور قرینه و دوبالاخانه که به هر طرف باغ نظر دارد و باغ و کوه و صحرا و دریا تماماً پیداست. ارتفاع تالار دوازده سیزده ذرع و در هر طرفش پنج ستون بزرگ محکم برپاست. حوض بزرگی در پیش تالار و زمین باغ شش هفت مرتبه و طبقه می شود و در زیر هر آبشاری حوضه وسطی از آب که از طرف بالای باغ آب روان شدی و هر حوضه پرگشتی و جاری آمدی تا مرتبه به مرتبه به حوض و دریاچه بزرگ وسط تالار رسیدی و از آن حوض لبریز شده از سینه عمارت تالار لبریز سرازیر گردیده به حوض پیش عمارت ریختی و از آن نهرها رفتی تا از باغ بیرون شدی. در یمین و یسار این باغ قلعه ای مستحکم مشتمل بر بیوتات و اشجار و باغستان و نارنجستان و سایر فواکه به طور وفور. همانا یکی از آن دو حرمخانه خاص پادشاه بوده و در اطراف این باغ و عمارت، امرا و امانا منازل داشته و آثار بعضی برقرار است. وقت رسیدن بنده بدین باغ هنوز نارنجها بر درختان بود و می درخشید. افسوس خوردم که بنیاد خیابان شاه عباسی و باغ اشرف روی به ویرانی نهاده.

روز بیست و دویم از اشرف روانه شدیم در عرصه کلباد رانندیم همه راه فالیز و بوستان و گلهای خود روی خوش رنگ نیز بسیار بود. به حوالی خانه میرزا محمدخان کلبادی که حاکم آنجا بود رسیدیم. در طرف یمین راهی بود که به کوهی بلند صعود می نمود. در کمرکوه پشته و جریبی زمین مسطح واقع و اطرافش از بلندی آیندگان را مانع. عمارت و اندرونی و اصطبل و مطبخ و مهمانخانه و غیره هر چه باید در آنجا ساخته اند. قلعه ای است خدا آفرین و منظر آن دشت و سبزه و درخت و دریا و سفاین به خوبی نیز مشهود است. چون صاحب خانه غایب بود در آنجا

توقف نمودیم و از میان جنگلستان سخت و عرصه‌های پردرخت به حفرة کنده که موسوم به جرکلباد و از بناهای صفویه است رسیدیم. جردر لغت فارسی جایی دریده و بریده و کنده را گویند. در زمان سلاطین صفویه، طایفه تراکمه از سمت گرگان و استرآباد به حوالی اشرف به دزدی می‌آمدند. شاه عباس فرمان داد از حد کوه تالب دریا خندق عمیق طولانی چهار فرسخ و عمقاً ده ذرع کنند و راهی باریک از معبر خیابان که دوطرف آن جنگل است گذاشتند و در آنجا مستحفظین گماشت. در واقع سد طرق تراکمه بود و سواره و پیاده به جمعیت نمی‌توانستند از آن جانب به استرآباد و کلباد و اشرف و غیرهم ترک‌تاز آرند. حالا به مرور دهور آن جرانباشته شده و اشجار رسته. مع ذلك عبور از آن به صعوبت ممکن می‌شود. الحاصل از بلوک‌انزان گذشته وارد نوکنده گشتیم.

بیست و سیم در نوکنده که اصل انزان است به سر بردیم و فردای آن روز علی‌الصباح روانه کرد محله شدیم. همه‌جا در خیابان شاه عباس عبور نموده به خانه رضاقلی‌خان سدن رستاقی آمدیم. بامداد از آنجاء راه استرآباد گرفتیم. چون چند فرسخ راه طی کردیم به امامزاده رسیده فرود آمدیم و در ناپار آسایشی نموده بعد از نماز عصر به جانب استرآباد رفتیم خانه و آلایقه‌های ترکمان از دور نمایان بود. جنگل و درخت کم شد و زمینها سبز و چمنها زیاد. بالاخره وارد استرآباد شده در وسط باغی در عمارت کلاه فرنگی که از بناهای بدیع‌الزمان میرزا ولد مرحوم ملک آرا و بر فراز آن عمارتی چهارفصل ساخته بودند منزل نمودیم. برای فرستاده‌خان خوارزم نیز قریب به همین محل اطاق تحتانی معین شده بود.

ذکر شهر استرآباد

استرآباد شهری است از اقلیم چهارم به جرجان و قاعده آن ملک است. چون گرگین میلاد شهر گرگان آباد کرد مساحت دایره او چهار فرسنگ بود و آنرا نشستگاه خود قرار داد. خربندگان و استران او به مرتعی و چراخوری آمدند و در آن متوقف شدند و به طول مدت خانه‌ها ساختند و آن را استرآباد خواندند [و به مرور آباد شد و گرگان آبادماند. بالجمله استرآباد گاهی به واسطه همسایگی مورد زحمت و خرابی وزمانی

رو به رونق و آبادی می‌نهاده] (۱) در دولت آل قابوس نهایت معمور بوده. در زمان نادرشاه آق قلعہ عمارت یافته و بعضی از قاجاریه در آن متمکن بوده‌اند. اکنون آن محل ویران و استراباد را حالت متوسط است فرضه دریای خزر که روس و تراکمه را معبر و رهگذر است در نزدیکی استراباد واقع می‌باشد و بندرگاه آن قریه گز است و آبسکون اسم رودی است که از سه فرسخی استراباد از جانب خوارزم آمده به دریای خزر می‌ریزد و محل ریختن آن را نیز آبسکون می‌گویند. و جزیره‌ای در آن حوالی است به این اسم موسوم و آبسکون مخفف آبسکون می‌باشد. در بعضی کتب قدیمه نوشته‌اند جرجان معرب گرگان است و قصبه آن آبسکون بوده اکنون استراباد است.

روز هشتم رجب بنه و ملازمان را بر لب رود گرگان روانه کرده بعد از فاصله‌ای بیرون آمدیم به اتفاق قراخان اتابای که ایل واوبه او بر لب رود گرگان می‌زیسته‌اند به سیاه‌بالا رسیدیم و وارد اردو و آلاچیق بیگلربیگی استراباد شدیم. مشارالیه شرایط مهربانی به جای آورد و گوگجه‌بای جعفربایی را به همراهی و بلدیت معین کرد و لوازم سفارش و اهتمام در باب سفر خوارزم به جای آورد. آنگاه وداع نموده روانه گرگان شدیم و قریب به غروب وارد اوبه قراخان شدیم. در راه قلی‌خان و بعضی از ریش‌سفیدان ترکمان استقبال نمودند.

نهم رجب بر لب رود گرگان اقامت داشتیم. زنان و اطفال ایل روزی دوسه مرتبه از اوبه به رود می‌آیند و آب‌بازی می‌کنند. عجبتز این که اطفال شش هفت ساله ایشان از فراز رود که آب شش هفت ذرع بود خود را به آب پرتاب می‌کردند و مرغابی‌وار در روی آب بودند.

ذکر رود گرگان

چون این رود در زمین گرگان واقع شده به نام آن موسوم است

۱- نسخه چاپی: [گرگان ویران شد و استراباد هنوز به جاست... در قدیمه الايام آباد

بوده و بعضی اوقات روی به ویرانی نهاده به مضمون آن کد گفته‌اند همسایه بد مباد کس را، با طوایف ترکمانیه قریب است و بیشتر خراییش از این روست].

ورودی می‌باشد وسیع، پهنای آن کما بیش به تفاوت معابر پانزده ذرع الی بیست ذرع. از طرف کوکلان به جانب دریای استراباد (خزر) جاری است. در زمستان عبور از آن با كلك و خيك و ناوه‌های بزرگ و كوچك و در تابستان به‌شنا از آن عبور می‌کنند و در آن ماهیان بزرگ دیده‌اند. در بهار چنان مملو شود که آب قریب شش ذرع از دیوار لب رود بالا آید و گاهی به‌صحرا افتد. الحق صحرای گرگان بهترین اراضی است از وفور آب و قوه زمین و استعداد خاك و حاصل آن را کمال ریع است. ولی ترکمانان احیاناً به‌قدر احتیاج زراعتی نمایند و اگر رعایای زارع در آنجا نشینند وزراعت کنند حاصل آن ولایت مملکتی را کفایت کند. چنان‌که در زمان سلطان محمود و مسعود غزنوی آبادی و ازدحام گرگان ضرب‌المثل بود و امیر قابوس و شمگیر و اولاد او به حکومت گرگان دم از سروری می‌زدند. و گنبد قابوس در صحرای ترکمان هنوز در نهایت استحکام است و آن مقبره اوست که پسرش منوچهر برای او ساخته و تاریخ آن قریب به ششصد سال است. باری تراکمه اتابای که رئیس ایشان قراخان است بر لب گرگان سکنی دارند و طایفه جعفریای در اطراف دریای استراباد به‌سر می‌برند.

ذکر دریای استراباد مشهور به بحر خزر

خزر پسر یافث بن نوح علیه السلام است. وی در هنگام سیاحت بر شمالی آن دریا عبور کرد و به کنار رود اتل (۱) رسیده در آبادی آنجا کوشید و شهری به نام خود در آنجا بنا نمود و دریا به اسم آن شهر مشهور شد. بعد از آن گرگان و جیلان و بلاد دیگر در اطراف آن آباد گشته دریا را به اسم هریک خواندند. چنان‌که آمویه شهری است بر لب جیحون و جیحون را نیز به اسم آن شهر خوانده‌اند. طولش از مشرق به مغرب دویست و شصت فرسخ و عرض دویست فرسخ و بسیار رودها در آن ریزد از جمله نهر گرگان و جیحون و ارس و کرواتل است و این دریا را جزر و مد نیست. زیرا که به بحر محیط متصل نیست و گرداب عظیم دارد و موج

۱- اتل = ولگا. در نسخه چاپی این کلمه به صورت «آتل» آمده.

آن بسیار است. و بر طرف شرقی این دریا خوارزم و بلغار و سقسین، و بر شمالی آن قبچاق و دشت خزر و بر غرب قزلب و شیروان و الان و بر جنوبی گیلان و طالش و مازندران و استراباد. و بعضی از طوایف تراکهه بر این کنار فرضه واقع شده‌اند.

دهم رجب از لب رود گرگان حرکت کرده تقریباً دوفرسخ که رفتیم به آق قلعه رسیدیم. از این شهر قلیل آثاری مانده است ولی آثار دروازه و جای عمارات و خیابان و اصطبل و ابنیه بزرگ و بازار ازقرینه و قیاس معلوم می‌شود. این بلد در زمین خوبی قریب به رود گرگان بوده از میان شهر عبور کرده به لب گرگان که محل عبور بود رسیدیم. از آب گذشتیم. با حاجیان خوقندی و سایر همراهان زیاده بردویست سواره و شتر و پیاده بودیم. تخمیناً فرسخی نیز آن طرف رود راه پیموده فرود آمدیم. روزیازدهم رجب، خوانین ترکمان که باما بدین سوی گرگان آمده بودند و به قدر قوه خدمت کرده به آنها قباهای زری داده ایشان را باز گرداندیم، حسن جیقان نیز در رسیده با قلی خان آق (۱) و جمعی دیگر شبی در خیمه ما آسودند و صبح روانه مقصد شدند و قاضی تراکهه که خود را از اولاد مغول و چنگیز خان می‌شمرد نیز وداع کرده به اوبه خود رفت. ما نیز راه بیابان گرفتیم. کوه استراباد در دنبال سرمانده روز دیگر ناپدید شد و همه راه قبله در پشت سرماند و رو به شمال همی آمدیم. در راه پای اسب علیقلی (۲) فرزند من بنده به سوراخ موشی فرو شده به ناگاه اسب به سردر آمد و او در زیر اسب کوفته شد و صدمه شدیدی بر کمر و روی و پای او وارد آمد. بعد از آن که از بیخودی به خود آمد از سواری اسب معذور بود. ناچار شتر کجاوه که خالی رفتی بخواستیم و او را در کجاوه نشاندیم؛ مومیائی که احتیاط همراه بود به او خورانیدیم. چون شباهنگام شد فرود آمدیم.

۱- نسخه چاپی: چغان... قلی خان و...

۲- علیقلی اشاره است به جناب مخیرالدوله علی قلی خان که اکنون وزیر تلگرافخانه‌های

کل ممالک محروسه ایران و دارای نشان تیشال بی‌مثال عدا یون و لقب جنابی می‌باشند (ع.ا)

ذکر طایفه تراکمه یموت

تراکمه طایفه‌ای بی‌حساب‌اند. تعداد آنها بس مشکل است. زیرا که شهری ندارند که در آن محصور شوند و در جائی دایم وقایم باشند که کسی تخمین کند. دردشت گرگان و خوارزم که صحرائی است بی‌کنار متفرق. بعضی آنها را صدهزار دانند و بعضی کمتر و بیشتر خوانند و از استرabad تا خیوق که به‌عرض صحرا بیست‌روز زیاده شبانه‌روزی دو منزل آیند و در حقیقت چهل منزل و سیصد فرسنگ است نشسته‌اند و به‌سمت دیگر استرabad طوایف ککلان که با این طایفه عداوت و دشمنی دارند متوقف‌اند و اگر شعبه و تیره‌های راس این طایفه را بخواهیم ذکر کنیم مایهٔ تطویل است. هر طایفه خود سرند و اطاعت طایفهٔ دیگر نمی‌نمایند، بلکه ادنی‌شتر بان هیچ ایلی به‌رئیس و خان ایل خود اعتنا نمی‌نماید. بسیار شبیه‌اند به‌اعراب بادیه و از هر حیث مناسبت بدان طایفه دارند. الا این که لسان آنها عربی است و زبان اینها ترکی. و بعضی گفته‌اند ترکمان ترك نیستند به‌ترك می‌مانند و مفهوم این اسم نیز همان است. مدار معاش ایشان به‌سرقت و غارت و شترداری و شتربانی و شیر شتر و گوشت شتر است و بعضی گوسفند دارند و شال و غالی و تنك و توبره بافتن مخصوص زنان این طایفه است. در اصل حنفی مذهب [می‌باشند]. ولی از آن نیز خبری ندارند. دوازدهم رجب از این منزل که تراکمه «این چکه» می‌نامیدند شباهنگام بار بستیم و همی رفتیم. در وقت ظهر به‌رود اترك رسیدیم. آبی تلخ و شور داشت و رودی بزرگ بود. از رود گذشتیم و برآن سوی رود فرود آمدیم. رؤسای ترکمان که همراه ما آمده بودند و قریب پنجاه سوار بودند توقعی که داشتند به‌عمل آورده آنها را معاودت دادیم و نوشته به‌بیگلربیگی استرabad نوشته او را از سلامتی خود و گزارش آگاه نمودیم. آنگاه مجدداً سوار شده قریب به‌غروب به‌صحرای غریبی رسیدیم. تراکمه آن زمین را کوه کی‌می‌نامند. مخفی‌نماند که این صحرای بی‌کنار را نه‌آبادی نه‌شجر و حجر و علامتی است. فراسخ آن نیز معین نمی‌باشد. شب و روز در حرکت بودیم و به‌زمینی که می‌رسیدیم به‌محض ورود اسباب حرکت فراهم بود و هر زمینی را به‌نامی می‌خواندند. چاههای آب شیرین

را در هرجا هست خود می‌دانند. در حقیقت هر روز سه منزل قطع کردیم و در مدت بیست و دو روز به خویوق رسیدیم و آنچه رنج و سختی بود در راه دیدیم. سیزدهم رجب از منزل کوه کی حرکت کرده صبح به‌آله رسیدیم. از آنجا گذشته به کسیک منار آمدیم و آن مناری بوده سرش افکنده. در طرف دست چپ آن آثار شهری نشان می‌دادند که آن را «مشهد مصریان» می‌نامیدند و حالا ویران است. در حوالی مناره پاره‌آجر بسیار بود و دلالت می‌کرد که سابقاً جائی آباد بوده.

چهاردهم، شب رفتیم و صبح به سرچاه موسوم به داش‌وردی فرود آمدیم و از اینجا تا بزنجرد راهی است که به پنج منزل می‌روند و کوه بلخان که محل طوایف‌یموت است در دست چپ افتاده. در این منزل قریب سی‌چاه بود که آب شیرین متوسط دارد. ولی در نظر جلوۀ کوثر و تسنیم داشت. خیک‌های بزرگ و کوچک پر کرده روانه شدیم.

پانزدهم، از سر این چاه تا چهار منزل رانیدیم و بیابان شوره‌زار و ریگ‌زار قطع نموده به چشمه موسوم به اودون‌آتا رسیدیم.

ذکر حال اودون‌آتا

اودون‌آتا از مشایخ اتراک بوده و مریدزنگی آتاست و زنگی آتا مرید حکیم آتا. اینها در میان تراکمه‌شأن عالی دارند و قبور ایشان در صحرای خوارزم زیارتگاه این طایفه. اما بجز نامی از ایشان نمی‌دانند. چون قبر اودون‌آتا در این منزل است، چشمه به نام او شهرت یافته. و در دست راست این منزل کوهی بود. مذکور نمودند که بوزنجرد که معروف به بجنورد است پشت این کوه واقع می‌باشد.

هفدهم و هجدهم چهار منزل بریده به چشمه موسوم قراتکک رسیدیم. چهار فرسخ به منزل مانده رودخانه آب‌شوری دیدیم که اول خاک خوارزم بود و مردابی ایستاده بود. همراهان خوارزمی اظهار نمودند که سابقاً رود جیحون از اینجا می‌گذشته و بعد از آن که مغول راه آن را گردانیدند، هرچه در این زمین شوره‌زار مقعر آب باقی مانده به واسطه زمین شور آب شده. قریب دو فرسخ از اطراف وجوانب این آب‌راه پیمودیم تا این رود در طرف دست چپ ماند و از او گذشته به اصل منزل که قراتکک بود

رسیدیم. چشمهٔ بزرگ و آب ایستاده و آب آن شیرین بود کارسازی کرده طرف عصر از آن گذشتیم. در این راه جایی بود مذکور شد که توپی از توپهای محمدرحیم‌خان خوارزمی حین مراجعت از سفر گرگان و استراباد مانده است. چون توپچی به خان خوارزم عرض کرد توپ یاتدی (یعنی خوابید) آن زمین به این اسم موسوم شده. در این منزل اتانیاژ محرم سواری به خوارزم فرستاده از آمدن من بنده و خود شرحی عرضه داشت و پیغامی داد و اخباری کرد. همانا خان حرکت کرده بود و سوار در عرض راه به او رسید.

نوزدهم و بیستم به منزل بگ ارسلان که کوهی بلند بود رفتیم و از آنجا به قویمت آتاشدیم. در این منزل نیز چشمهٔ آب شیرین و تلخ بود. بیست و یکم به منزل قریمان آتا نام که صحرائی بی گیاه بود رسیدیم. همان آب تلخ در آنجا به هم می‌رسید و به شیرینی خوردیم. بیست و دوم به منزل کوکلان قوئی رسیدیم و آب تلخی در آن سرزمین دیدیم.

بیست و سیم چهار منزل قطع کردیم و از کوه قاپلان قری بفرار آمدیم. کوهی بلند بود و تنگنائی صعب داشت به زبرکوه بنشستیم و تمام بارواستران و کاروان را بگذرانیدیم و در چرشی (۱) وارد شدیم. در این منزل آب شیرین بود.

بیست و چهارم، در عرض راه چند نفر ترکمان یموت دیدیم که از اوبهی به اوبهی می‌رفتند. به صحرائی شوره‌زار رسیدیم که خارتی (۲) داشت. از دیدن سبزه مسرتی حاصل شد. آب تلخ خیلی نیز در آنجا بود و نام آنجا را «غغه‌چاشکن» می‌خواندند.

بیست و پنجم بیابان خشکی طی کردیم که هم‌ریگ بود. به جایی فرود آمدیم که آن را «شاه‌صنم» می‌خواندند. همانا سابقاً قلعهٔ آبادی بوده است از آن نام بزرگ خوب و از آن زمین ریگ بدحیرتی کردیم و معنی اسم بی‌مسمی را دانستیم. آبی تلخ‌تر از شیرۀ حنظل در آنجا به هم رسید.

۱- نسخهٔ چاپی: چرشی.

۲- ایضاً: خارشتی.

بیست و هشتم دشتی شوره‌زار و کوهی سفید از گچ قطع کرده از زمین پست به صحرایی بلند رسیدیم. مذکور شد که از این دشت به جانب روس راهی است و خوارزمیان آب و آذوقه برداشته عبور می‌کنند. شب بادی تند وزید و هر چه رمل و ریگ در صحرا بود بر سر ما ریخت. طناب خیمه ما گسیخت و چراغ خاموش شده ستونها شکست. گفتم نام این صحرا چیست گفتند سقرچکه. تصدیق کردم که در سقر بهتراز این نخواهد گذشت.

بیست و هفتم از گرمی هوا و جمعیت همراهان و رعایت آن تشنگان آب شیرین خوراکی من بنده به اتمام رسید. رفیق راه و فرستاده خوارزم شاه آگاه شده کوزه‌ای آب شیرین که از آب گرگان ذخیره کرده بود به جهت من هدیه فرستاد. الحق چنان بود که به من عالمی عطا کرده باشند. بعد از قطع مسافت بسیار، به منزلی رسیدیم که آن را اوشاق قویسی (۳) می‌خواندند. در آنجا آب شیرین تحصیل شد.

بیست و هشتم منزل آیرتام نام داشت. در این منزل اسب عربی من بنده فروماند. جلوداری که او را می‌آورد شب در صحرا گم شد. علی‌بای ترکمان را با آب شیرین فرستادیم؛ او را در وقتی که مشرف به هلاکت بود دریافته آب داده آورده در منزل قراقلاغ با اسب به ما رسانید. قبایی‌زری و شالی کرمانی به آن ترکمان خلعت دادم.

بیست و نهم به ما مژده دادند که در این منزل اول آبادی خیقو است. جویی آب از جیحون بدینجا می‌آید و ایلات نشسته‌اند. هر چه لازم شود مهیاست چون بدانجایی که به شغری نام داشت رسیدیم جویی خشک دیدیم. معلوم شد که آن آب را برگردانیده‌اند و بدانجا نمی‌آید. چند آلاچیق دیدیم. چیزی به هم نمی‌رسید.

سلخ شهر رجب به اول خیقو رسیدیم. نهرهای آب و درختان بسیار و سفیدار بی‌شمار از دور پدیدار شد. گفتم این کجاست؟ گفتند منزل قراقلاغ و ابتدای آبادی این سمت است. آتانیاز محرم پیش‌رفته تهیه منزلی به جهت من بنده و خود نمود و جمعی را به استقبال من فرستاد. به منزلی با صفا رسیدیم که خانه‌ای وسیع و حوضی عمیق و درختان نارون بلند و بید

گرداگرد حوض سایه انداخته بود. در برابر رواق باغی طویل و عریض در نهایت قاعده و قانون و خیابانهای پردرخت. صاحب این خانه یموتی بود موسوم به ملا پیرنفس. مردی مکرم و مطعم بود. روز بعد از آنجا روانه شده. روز غره شعبان یوسف جان آقا از بزرگ زادگان ملازمان خان خوارزم به اشاره معظم‌الیه با سواران به استقبال من بنده آمد و پرسش و اکرام کرده به طریق مهمانداری همراه بنده همی بود. از نزدیکی منزل و باغ پیشتر رفته چون به دروازه باغ رسیدیم دیدیم آنجا ایستاده اظهار شرمساری می کند و عذر می خواهد. بعد از ورود قندروس و چای و نقل که از شهر آورده بودند بابعضی میوه های نورس و نارس آن باغ به مجلس آورده پس از مصرف چای و نقل و میوه محقق شد که خان جلیل الشان خیوه قرب هفته ای است که به سفر مرو رفته اند. علی الصباح روبه راه نهاده از بسیاری انهار و اشجار خشکی بیابان فراموش شد. نهرها بریدیم تا به حوالی خیوق رسیدیم. جمعی به استقبال آمدند. داخل دروازه شده اجمالا تماشایی از شهر نمودیم و از دروازه دیگر بیرون شدیم و در باغ و خانه ای که معین کرده بودند نزول کردیم. رحمت الله دیوان خان سرکار مهتر که مستوفی خان خیوق است با ناظر مهتر آقا شرط مهمانداری و خدمتگزاری به جای آوردند. ولی چون منزل چندان باصفا نبود شکایتی رفت و آن را برای سرکار خان در عرض راه حکایت کردند. از آنجا حکم شد به باغ و عمارت شاهانه مرحوم محمد رحیم خان که در خارج شهر در زمین موسوم به گندم کان است نقل نماییم.

ذکر عمارت خانی و منزل ثانی

نخست فضائی دارد که حوضه ای در آن است. درختان نارون بلند انبوه پس دروازه رفیع که در دو جنب دوبرج وسیع دارد و چون از دالان پیش آیند فضایی دیگر و دری دیگر است پس در دیگر و در راستش خلوتی وسط مشتمل بر اطاق بزرگ و بالاخانه ای منقح که منسوب به مهتر آقای وزیر سابق بوده است پس دالانی دیگر و دری دیگر و اطاقی در دالان به جهت منزل چاکران و دری دیگر که از آن داخل به عمارت خانی می شوند مشتمل بر اطاقهای بزرگ بسیار و اطاقها در اطاقها ساخته که در زمستان گرم و در تابستان خنک خواهد بود و در پیش هر اطاقی

ایوانی وسیع و سقفی رفیع و در زیر هرایوانی ستونی تراشیده به ترکیب سرو و پای هرستونی برسنگ تراشیده بزرگ مخروطی امرودی ترکیب گذاشته و در دوطرف آن دیوانخانه اطاقهای دیگر و برفراز هر اطاقی بالاخانه‌های طولانی و درپیش هر بالاخانه ستونهای بلند نصب کرده و درمیان فضا حوضه آبی و برگردان درختان نارون به قدر چنار و در زیر سایه آنها بر اطراف حوض تختی بسته. پس از این فضا دری دیگر به خلوت دیگر، آن نیز مشتمل بر دو اطاق منقش تودرتو. درپیش اطاق اول ایوانی افراشته و ستونی سطر و دراز به ترکیب سرو و تمام ستون منبت کرده و پای ستون برسنگی بزرگ سفید منبت کرده نهاده و دو ستون دیگر به همین طور در زیر دو سقف دو اطاق جنبین نهاده زمین فضا آجر فرش و در وسط باغچه‌ای، پردرختان میوه‌دار و صنوبرهای بسیار بلند و از آنجا راهی به باغچه دیگر و حوض دیگر نیز برگرد حوض نارونهای بزرگ بلند و بریک سو عمارت چهاردری موسوم به کوشک و بر سه طرف آن ستونهای چوبی بر زیر سنگ تراشیده نهاده سرها در زیر سقف محکم نموده و زمینی به قدر دو ذرع ساخته و تخت کرده بر اطراف آن سنگ گذاشته از دوطرف پنج پله از آجر و گچ به جهت بالا رفتن این تخت مهیا کرده. قطر دیوار یک ذرع واصل بنای اطاق از گل و ارتفاع آن به پنج ذرع و اطاق دیگر بر بالای آن از همین قرار بنا کرده‌اند و از چهار سوی آن چهار در که باغچه و حوض زیرین پدیدار است و اطاق دیگر به همین وضع بالای اطاق دویم که بام اطراف آن سقف تختگاه اطاق زیرین است و بر پهلوی اطاق سیمین نردبانی بلند و پله‌های پهن نهاده که از این نردبان به بالای بام سیمین برآیند و از تخت تافوق بیست و چهار پله و تا بالای بام آخرین بیست و هشت ذرع و فراز بام محل خوابگاه. نیمه آن مسقف و نیمه دیگر بدون سقف که از آنجا تمام صحرا و بساتین و باغها و کشتزارهای اطراف شهر و بیوتات اغلب شهر در نظر پیداست و بر سه جانب این کوشک باغی است وسیع و در وسط آن نیز حوضه و عمارت‌های چهاردری بزرگ و رفیع. تخمیناً سی جریب باغ است. قطارهای نارون به یک اندازه از بیست ذرع الی چهل ذرع و همچنین درخت‌های صنوبر که سفیدار و تبریزی گویند در کمال راستی و بلندی و درختان میوه‌دار از انجیر و انار و توت و انگور و هلو و شفتالو و شلیل و سیب و به ممتاز است. باری

در این عمارت منزل کردیم و از خستگی راه آسودیم.

ذکر بعضی از وقایع ایام شهر شعبان

رفیق راه، آتانیاز محرم که از دنبال خان خیوق رفته بود باز آمد و چون در طهران روزی او را ضیافت کرده بودم او هم به اذن خان مرا به مهمانی به خانه خود خواند. سوار شده به شهر و به خانه اورفتم. نهایت اعزاز کرد و قریب سی تن از علمای شهر و عالیجناب آخوند آقاخان ملقب به اعلم که در بخارا تحصیل کرده و هم به روس رفته و زبان فارسی را نیکو می دانست اجزای مجلس بودند. با مولانا اعلم از هرجا صحبتی نموده به قاعده. پس از آن مجلس در شهر من بنده نادان به دانایی مشهور شدم. و در این ایام گاهی سوار شده به تماشای بساتین خارج شهر می رفتم. از جمله روزی به تفرج صحرا رفته بودم. گفتند باغ محمد امین بهادر خان - خوارزمشاه در همین حوالی است. به تماشای آن باغ رفتم. خارج باغ جای با صفای پر آب و سبزه ای است. عمارت این باغ کمتر از باغ گندم کان است ولی روحی در این باغ است که در باغهای دیگر نیست. خیابانهای وسیع منظم، درختهای با ترتیب، آبگیرهای متعدد با صفا و نارون و سفیدارهای بلند مشرف. و باغبان شرط تکریم به جا آورده زردآلو و گیلاس زیاد آوردند. الحق این باغ باروح و شباهتی به باغهای ایران دارد. در این ایام تنگری قلی توره از اولاد محمد رحیم خان به حکم نیابت در خیوق مانده.

هم در این اوان فرستاده خان خوقند خدایار خان به خیوق آمد و چون خان به سفر مرو بود او نیز ناچار توقف نمود.

هم در این اوقات، از یکی از اسرا شنیدم که مدعی است که از شاهزادگان ایرانم. حالش معلوم کردم چون صرف دروغگو و شاید بود دروغ او و او نمودم و کذب او بر همه کس واضح شد.

نیز در این اوان، نور مهدی نام بخارایی که از جانب امیر نصرالله خان حاکم بخارا به روم رفته بود و در مراجعت به دار الخلافه طهران آمده و از آنجا عازم مقصد شده بود، همانا در راه خراسان به دره جز آمد و آتانیاز

محرم به خان خیوق اظهار کرد که نورمهدی از روم آمده و انقیه دانی مرصع از خوندگار روم به امیر بخارا به رسم نشان همی برد و امیر بخارا و خان خیوه، اگرچه هر دو از امرای اوزبکند، ولی با هم عداوت دارند. بنابراین، به اشاره سرکار خان، طایفه تکه بر سر او ریختند و اموال او را غارت کردند و او را اسیروار به خیوق آوردند و او به اصب احوال در خیوق می زیست مگر خان آید و گری از کار او گشاید.

بالجمله روز دهم شوال سرکار خان از مرو مراجعت کرده وارد خیوق شد. بعضی چاکران را به تماشا و فهم وضع و عدت فرستاد و خان نیز بعد از ورود آتانیاز محرم را که بامن همسفر و در آن اوقات مباشر معاملات کهنه اور گنج بود طلبید و پس از چند روزی در باغ انگور - نیک مشهور به انگریک با آتانیاز و ترجمان و دیلماج به خدمت خان رسیدیم. سلام کردم جواب داد. پرسش نمود. مکالمات رفت. از حال اعلی حضرت شاهنشاه جمجاه و اوضاع ممالک محروسه سؤالات وافی نمود و جوابهای کافی شنید. بعدها به منزل معاودت کردیم. روزی نیز به بازدید مهتر یعقوب وزیر رفتیم. ملا محمد نظر دیوان که فارسی دان بود و با آتانیاز محرم و یک دوتن دیگر سخن کردیم. ناهار آوردند. اما طعام ایشان برنج باروغن کنجد بجوشانند و گوشت گوسفند را نیم پخته بیاورند و فراشباشی طعام چیند و پیشخدمت با کاردی که در طرف چپ بر کمر بسته و آویخته گوشتها را از استخوانها بریده بر روی طعام نهد و کله گوسفند با پاچه مودار سم دار نیم پخته در ظرفی کرده بگذارند و آشی از برنج پخته به قدر شبری روغن کنجد روی آن ریزند و در میان آن زردآلوی خشک و آلوبخارا و امثال آن کنند و گوشتی نیز ناپخته دارد و خربزه و انگور و انجیر یا زردآلو از هر میوه که باشد بر خوان نهند و قندارسی درست و نبات سفید و گلاب در ظرفی کرده در میان سفره نهند و گوشت را با پیاز پخته آن را چلا و نامند و بهترین خورشهای ایشان است. و چون فراغت از خوردن یابند، دست خود را با سفره پاک کنند. آفتابه لگن همراه من بنده بود. بیاوردند. دست شستم. اسباب قهوه خوری همراه بود. قهوه پخته آوردند و فنجان به هر یک دادند. چون معمول آنجانیست از بی خبری ملا محمد نظر یک دفعه در دهان ریخت. دهن او بسوخت. نیز از تلخی قهوه متأذی شد. قلیان بلور با نی پیچ که همراه داشتیم آوردند. نهایت

اسباب تعجب حضار شد. بعد از رفع مجلس قند خشك و نبات و گلاب و شیرینی که در سفره حاضر بود به گماشتگان خود داده به منزل من آوردند. پس از يك دو روز بيك نياز محرم دیوان بیگی که او را وزیر دول خارجه نیز خوانند وزکات رعایای آن ولایت ابواب جمع او است و محمد شریف بای برادر کهتر اوبه نیابت وی در ولایت رفته تحصیل نماید، به همچشمی مهتر آقا وزیر خان، مرا دعوت کرد. چون برادر او مأمور به همراهی من بود اجابت کردم. دو سه روز دیگر مهتر نياز محرم و ملا محمد نظر دیوان و آتانیاز محرم را به مهمانی طلبیدم و گفتم خورشهای گوناگون ایرانی و اغذیه و اطعمه لذیذه انواع و اقسام حاضر کردند. بعد از آن مهمانی دیگر کسی اقدام به دعوت و ضیافت من نکرد بلکه از دعوت سابق خجل بودند. روزی کاروان باشی که در آن ولایت به منزله ملك التجار است و در معاملات دیوانی دخیل و نهایت معتبر، بادونفر دیگر آمده بقچه و کیسه‌ای نزد من گذاشت که این خلعت و انعام خوارزمشاه است و عذرخواهی بسیار نمود. در قبول آن مرا مسامحه و او را اصرار بود. سربقچه بگشود قبایی اطلس مشجر و جبه‌ای زری اعلی بود. مرا خنده آمد و او را تحیر و به ابرام خلعت را به دوش من افکنده گفت تنخواه را نیز تصرف کنید. گفتم چاکران برگیرند. زرنقد پانصد تومان بود. بیش از پنجاه تومان به حاملین انعام دادم. الحاصل بعد از کشف مطالب و درك مسائل موقع معاودت از سفر خوارزم شد. در این وقت خان خیوق پیام داد که سیداحمد نقیب بخارائی منسوب امیربخارا را اراده مکه معظمه است. او را باجمعی از علما و فضلالی کاشغر و فرغانه و خوقند و خیوق به طهران برده روانه نمایید. قبول نمودم. خواجه سیداحمد پسر عمه امیر نصرالله خان بخارائی است و از نجبای آن ولایت و منصب نقابت دربخارا نازل منزله امارت است. چون این شخص باوجود احترام زیاد در سواری و شکار زبردستی و تهور دارد و آثار نجابت از ناصیه او ظاهر است و امیر بخارا مردی با سوء ظن باوی دل بد کرده او را محبوس خواست. وی فرار کرده به خوارزم آمد. اینك بعد از چندی مجالست با خان خیوق، دوپسر خود را برداشته با من بنده روانه ری شد. مردی است بسیار بامکنت، از تواریخ باخبر و در موسیقی ماهر. خلاصه روزی چند به تدارك سفر پرداختیم. دوازده شتر خریدیم و ده نیز از

ساربان کاروان یموت کرایه کردیم و آب و آذوقه پانزده اسب و بیست و دو شتر و بیست و پنج آدم تهیه کرده دیگر باره خان خیوق را ملاقات نموده وداع کردیم. و باز آمده از خیوق که دارالملک خوانین خوارزم است مصمم منزل راه اورگنج الی اورگنج کهنه شدیم که شهر قدیم آنجا بوده و سپاه مغول آنجا را ویران نمودند و در این محل همان به که مختصری از بلاد و قلاع و قواعد و رسوم آن ولایت بنگاریم و مشهودات را مزید معلومات نمائیم.

در ذکر خوارزم

خوارزم را قلعه‌ها و شهرها بوده و هست. وجه تسمیه این مملکت به خوارزم این که در زمان کیخسرو بن سیاوش بن کیکاوس که با جد خود افراسیاب دعوی خونخواهی پدر خود سیاوش همی کرد و مکرر در میان ایرانی و تورانی جنگهای بزرگ شد، از جمله وقتی افراسیاب لشکری به سرداری شیده پسر خود که خال کیخسرو بود به جنگ ایران فرستاد. کیخسرو نیز با لشکر بسیار حرکت کرده بربل جیحون در زمینی وسیع و صاف تلاقی دو لشکر شده چون شیده به شجاعت خود مستظهر بود خواهش کرد کیخسرو بنفسه با او جنگ کند هر کدام کشته شدند بقیه لشکر در امان باشند و بی نزاع برگردند. کیخسرو پسندیده در این باب عهد کرد. امرا و پهلوانان ایران چون از شجاعت کیخسرو بی خبر بودند از این کار تشویش داشتند و هر چه منع کردند کیخسرو نپذیرفت. خلاصه هر دو بشخصه با هم رزم کردند و کیخسرو برشیده غالب شده او را بکشت و پس از قتل عزاداری کرده سپاه ترکستان را معاف از مصاف نموده و رخصت انصراف داد. چون در لغت فارسی خوار به معنی سهل و کم و آسان و کار بی مایه و زحمت آمده لهذا کیخسرو گفت در این زمین خوار رزمی شد. بنابر قاعده پارسیان که چون يك حرف مکرر و در پهلوی هم یکی را حذف و به یکی اقتصار می نمایند آن زمین به خوارزم موسوم شد و به واسطه قرب به آب جیحون به مرور دهور مردم در آنجا جمع و خانه بساختند و هر جا قلعه و شهری بنا کردند تا آباد شد.

خوارزم را از اقلیم پنجم گرفته‌اند در عهد سلاطین خوارزمیه خاصه سلطان محمد خوارزمشاه که ایران و توران در حکم او درآمده بود آن ملک در نهایت آبادانی و معموریت بود. در زمان مغول خراب شد. بعد باز به تدریج رو به آبادانی نهاد و اکنون آباد است. قرای خوب و قلاع مرغوب دارد و پنج قلعه حاکم‌نشین خیوق و هزار اسب و اورگنج و کات و خانگاه از بلاد قدیمه آن مملکت بوده است.

ذکر هزار اسب

از شهرهای مشهور خوارزم و معرب به هزار اسف از قلاع محکمه و در بلندی واقع شده دو دروازه دارد و قریب ده هزار کس در آن ساکن‌اند. در عهد سلطان محمود غزنوی، خوارزمشاه باوی معارضه کرده سلطان لشکر به خوارزم کشید و هزار اسب را مفتوح نمود و حکیم ابوالحسن فرخی سیستانی در مدح سلطان محمود گفته:

به هزار اسب فزون از دو هزار اسب گرفت
همه را ترشده از خون خداوندان تنگ

در عهد سلاجقه، خوارزمشاهیه که از اولاد نوشتکین غرچه غلام ملکاتکین از مماليك سلطان ملک‌شاه سلجوقی بوده، ترقی نموده‌اند و اتسازین قطب‌الدین محمد بن نوشتکین از سنجریاگی شده سلطان سنجر از مرو قصد خوارزم کرده اتسز در هزار اسب متحصن شد. انوری ابیوردی در اردوی سلطان سنجر بود. این رباعی در مدح سنجر گفته نوشته به تیری بسته در قلعه هزار اسب انداختند.

ای شاه همه ملک جهان حسب تو راست
واز دولت اقبال شهی کسب تو راست
امروز به یک حمله هزار اسب بگیر
فردا خوارزم و صد هزار اسب تو راست

چون اتسز این بشنید به رشیدالدین و طواط بلخی حکم نمود جواب گفته به اردوی سنجر انداختند:

ای شاه به جامت می صاف است نه درد
 اعدای تورا ز غصه خون باید خورد
 گر دشمنت ای شاه شود رستم گرد
 يك خر ز هزار اسب نتواند برد

سلطان سنجر قسم خورد که چون قلعه مفتوح شود و طواط را به هفت پاره کنم و بعد از گریختن اتسز و گرفتن قلعه، و طواط به شفاعت بدیع منشی خلاص شد. الحاصل از مرو به هزار اسب راهی است کم آب ولی چاههای آب در بعضی بیابان است که اهل آن مملکت اطلاع دارند و ده دوازده روز راه زیاده تا مرو نمی باشد و تا خیوق سه منزل است و تا لبرودجیحون چهار فرسخ. سیب هزار اسب در همه عالم نظیر ندارد و سایر میوه هایش نیز نیکو است.

ذکر قلعه خانگاه

از قلاع خمسۀ خوارزم و درمیانه هزار اسب مذکور و خیوق است. هنگامی که نادرشاه از بخارا به جانب یلبارس خان والی خوارزم لشکر کشید اول به هزار اسب آمد. چون قلعه محکم و آب جیحون اطراف آن را داشت نادرشاه به فتح آن نپرداخت و به خیوق راند. یلبارس خان از هزار اسب بیرون آمده سواره یموت و تکه به لشکر نادری کشید. نادر مشغول جنگ شده یلبارس منهدماً به قلعه خانگاه رفت. روز دیگر جنگ در انداختند. یلبارس و بیست نفر از اعظم به دست آمده مقتول شدند و از آنجا به خیوق آمد. چهار روز توپ به قلعه زدند. قلعگیان امان خواستند. دوازده هزار کس از اسرای خراسان که در خیوق بودند نجات یافتند و ده هزار خوارزمی کشته شد و خاک خیوق را در چهار فرسخی ایبورد برده قلعه خیوه آباد ساخت (دارالملک خیوه). خیوق معرب آن است. سابقاً که گرگانج مشهور به اورگنج معمور و دارالملک خوارزمشاهیه بود خیوه قلعه ای از قلاع خمسۀ خوارزم محسوب می شد. بعد از خرابی اورگنج، خیوه رو به آبادانی نهاد. گویند به حساب هندسه تاریخ بنای او نام او است. ششصد هفتصد سال است که ساخته شده. اکنون در همه

خوارزم از خیوه معمورتری نیست و دارالملک خوانین ازبکیه واز ایام محمد رحیم خان تاکنون خوانین درآبادی آن کوشیده مساجد و مدارس و عمارات عالیّه درآن ساخته. شهری است که حصار آن در کمال متانت ولی خندقی برگرد آن نیست و باوجود نهرهای بسیار از آب جیحون که در اطراف آن شهر است حاجت به خندق ندارد. دور آن شهر تخمیناً یک فرسخ است و ارگی دریک طرف آن ساخته‌اند. پنج دروازه دارد. بعد از عبور از مقداری راه به دروازه ارگ رسند و برشهر قدیم آن شهر جدیدی ساخته‌اند و عمارات عالیّه درآن بنیاد نموده‌اند. دکانین و بازار دارد و قریب ده هزار کس درآن متوطن‌اند که غالباً ازبکند و هوای شهر نهایت گرم است و توقف درآن به صعوبت ممکن است. لهذا بزرگان این شهر بیشتر در خارج شهر که صحرائی است پرآب و سبزه و انهار و اشجار و باغها و خانه‌های وسیع ساخته در آنجا به سر می‌برند. و دراین شهر بربک طرف باغی از بناهای الله‌قلی خان است که فینک خوانند و ابنیه عالیّه فوقانی و تحتانی زیاد دارد و در خیوه بهتر از آن باغی نیست. بلکه نظیر باغهای خوب ایران می‌تواند بود و در طرف دیگر فینک نیز باغی تازه از بناهای محمد امین خان بن الله‌قلی خان، خان‌حالیّه خوارزم، است که در آن عمارات تحتانی و فوقانی بلند ساخته‌اند واز میان عمارات و زیر آن نهری بزرگ از آب جیحون همیشه روان است و قوشخانه سرکاری نیز دراین باغ است و درشهر خیوق میدان در اطراف دروازه بسیار است. واز میدانهای بسیار بزرگ میدانی است که محل اجتماع عراده‌کشان است و زیاده از دوهزار عراده به اسب بسته درآن جمع است که هرکس بخواهد به جهت بارکشی و سواری کرایه می‌کند. عراده‌کشان ایرانی‌اند. میدان و بازار وسیع دیگری است که اسب فروشند. هم درجایی معین است که شتر فروشند و نیز در بازاری معین اسیر فروشند. و معامله بازار آن ولایت در روز دوشنبه و جمعه است و در سایر ایام هفته بیشتر کسبه به باغها روند و عشرت کنند و در هر قریه روزی معین بازار و معامله دارند و تا کهنه اورگنج از این قرار مقرر است.

واز مزارهای خیوه یکی مقبره پهلوان محمود خوارزمی پسر پوریای ولی است و پهلوان محمود را از اولیا دانند و حضرت پهلوان خوانند. دیگر چهارشهباز که آن را نیز از اولیا دانسته زیارت کنند

و اغلب اوقات فقرای بخارا و خیوق و غربای هردیار در آن دو مزار به سر برند.

ذکر مراجعت از خیوق به جانب جرجانیه مشهور به گرگانج

روز پنجشنبه شانزدهم ذیقعدة الحرام، از منزل مقرر به خلوت دیگر نقل مکان کرده روز جمعه به اتفاق محمد شریفبای روانه شده چند فرسخ طی کردیم و به منزل شاه آباد نزول اتفاق افتاد. شب در منزل توره اتالیق که باغ باصفا داشت به ضیافت گذشت.

شنبه هجدهم به منزل موسوم به تاش حوض رفتیم. باغ و عمارتی وسیع و رفیع از بناهای خوانین خوارزم در آنجا هست.

یکشنبه نوزدهم به هلالین رانیدیم. اینجا نیز باغ و عمارتی از بناهای خان دیدیم که الحق در خور توصیف بود.

دوشنبه بیستم به آق تپه آمدیم و در باغی از ابنیه خوانین خوارزم آسودیم.

سهشنبه بیست و یکم به منزل خان آباد در باغ خان کرد حوضه منزل نمودیم. در همه منازل باغی بدین نزهت و اسلوب دیده نشده. زمین آن یکصد جریب و بر اطراف خیابان آن سپیدارها صف کشیده از هر خیابانی به حوضه‌ای راه و از هر حوضه‌ای به خیابانی معبر. دیگر بار چهار خیابان به چهار سو آراسته نام آن باغ چهارچمن بود. چندان گنجشک بر شاخ درختان نشسته بودند که چون رمیده و برخاستندی آواز و بانگی غریب از پرواز ایشان بگوش رسیدی.

چهارشنبه بیست و دوم روانه کهنه اور گنج شدیم. نهری بزرگ از جیحون به صحرا افتاده در زمینهای پست تادوسه منزل رفتی و جمعی از تراکمه‌ی موت در زمینهای آن سکونت گرفته زراعت می‌کرده‌اند. کار به جائی می‌رسد که طاعی شده زکات به خان خیوق نمی‌دادند و از کثرت جمعیت دم از خودسری می‌زدند. کار گزاران این نهر را برگردانیده بعد از دوسه سال آن طایفه به ستوه آمده در دهات خوارزم

متفرق گردیدند. خلاصه از پهلوی گرگانج که دارالملک سلاطین خوارزمشاهیه بود و لشکر مغول خراب کرده گذشتیم و به کهنه اورگنج نو وارد گشتیم. آتانیاز محرم که متصدی آنجاست استقبال کرده درباغی تازه منزل داد. دوسه روز توقف کردیم تا همسفران از عقب رسیدند.

پنجشنبه بیست و سیم قصد تماشای کهنه اورگنج و آثار قدیمه و زیارت مزار قطب المحققین شیخ ابوالجناب طامة الکبری نجم الدین احمد بن عمر الخیوقی که از مشاهیر مشایخ بوده نمودیم. قاضی عبدالله خوقندی که بامن سابقه آشنائی داشت و در اورگنج امامت می کرد، بامحمد - شریف بای همراه، به مرقد شیخ نجم الدین کبری قدس سره رفتیم فاتحه خواندیم. یاد سلطان محمد خوارزمشاه و چنگیز نمودیم و از تصاریف روزگار عبرت گرفتیم.

گفتی که کجا رفتند آن تاجوران اینک
زایشان شکم خاک است آبستن جاویدان

ذکر شیخ نجم الدین کبری

اصل او از خیوق بوده در جوانی از کثرت علم باهر کس مباحثه کردی براو فایق آمدی لهذا اورا «طامة الکبری» خواندند. بعد از آن طامه را حذف و او را فقط کبری گفتند و به جهت اجتناب از دنیا ابوالجنابش نیز نامیدند. گویند این لقب را در خواب از حضرت رسول صلی الله علیه و آله یافته. بعد از مسافرت بسیار درک صحبت مشایخ عصر کرده تکمیل شده به خوارزم آمد و دوازده نفر از مریدان او به درجه ارشاد رسیده اند. چون به حکم سلطان محمد خوارزمشاه، مجدالدین بغدادی را که از مریدهای نجم الدین بود در رود جیحون انداختند، شیخ، خوارزمشاه را نفرین کرد و لشکر تاتار به خوارزم آمدند و قتل و غارت می کردند. از جمله شصت نفر به گرگانج به خانقاه شیخ ریختند و شیخ نیز جهاد کرده تاشهید شد. از مزار شیخ گذشته به مزار خواجه علی رامینی معروف به عزیزان رسیدیم. اصل خواجه از قریه رامیتن از اعمال بخارا است و از مریدان خواجه محمود غنوی و بر طریق اکابر نقشبندیه است.

از آنجا به خوارزم آمده ساکن شد. بعد از آن مزار دیگر نمودند که به امام فخر رازی منسوب بود.

ذکر امام فخر رازی

فخرالدین ابو عبدالله محمد بن حسن القرشی التیمی البکری از مشاهیر فضلا و حکمای عهد خود بوده ولادت او در سنه پانصد و چهل و چهار و رحلتش در سال ششصد و شصت اتفاق افتاده است. مزارش در کهنه اور گنج صاحب تصنیفات و تألیفات معروفه و گاهی نظم فارسی نیز دارد و این رباعی از آن جمله است:

هرگز دل من ز علم محروم نشد
کم ماند ز اسرار که مفهوم نشد
هفتاد و دو سال فکر کردم شب و روز
معلوم شد که هیچ معلوم نشد

بعضی گویند این قبر از فخرالدین رازی نیست. قبر ابن حاجب را نیز در آنجا نشان دادند. رغبتی به دیدن آن نشد. در آن حوالی آثار بناهای عالی بسیار بود. از جمله مناری که قریب شصت ذرع ارتفاع داشت و قطر آن چهل ذرع بود. گویند وقتی لشکر مغول آن منار را از دوسه منزلی دیدند راه را نزدیک فرض کرده به غارت گرگانج و خوارزم تاختند. بعد از دوسه روز بدانجا رسیدند. لهذا خشمناک شده منار را خراب نمودند و آنچه هست بقیه منار است نه تمام آن. چند مزار دیگر که یکی شیخ شرف نام و دیگری را قراقپی می خواندند دیده شد. نیز از آثار قدیمه گنبدی مرتفع کاشی کاری در کمال متانت و علوصفا و استحکام دیده شد. مذکور نمودند قبر توره بای خانم دختر قتلقل سلطان بوده است. کهنه اور گنج در این وقت به اتمام محمد امین خان روی به آبادانی نهاده است. بعضی از سواران قزاق و قراقلیاق بالباس غریب و کلاه عجیب در آنجا دیده شد. بالجمله در آن حدود قری و قلاع معروف و غیر معروف بسیار است.

ذکرات

از شهرهای خوارزم و از قلاع خمسۀ آن بوده. سابقاً آبادی تمام داشته اکنون حدوسط است. مهتر یعقوب پسر مهتر یوسف وزیر خوانین خیوق از آنجا است. محمدرحیم خان در آنجا عمارتها نموده. زمخشر قریه و قلعه‌ای بوده در قدیم آباد. فاضل زمخشری از این قریه می‌باشد. قنقرات شهری و قلعه‌ای است از بلاد خوارزم و طایفه قنقرات از طوایف ازبک در آنجا سکنی دارند و اصل خوانین خیوه از ازبکیۀ قنقرات بوده و طایفه قیات نیز در آنجا سکونت دارند. حکیم آتا نام محلی است بر لب رود جیحون که حکیم در آن مدفون شده و او از مشایخ ترك و متعلقین سلسله نقشبندیه بوده است. باری ولایت خوارزم و قرای آن اغلب بر لب رود جیحون واقع شده. تالب جیحون سه فرسخ چهار فرسخ کمابیش فاصله است و حکیم آتا انتهای آبادی خوارزم است. بحیره جند خوارزم دور آن یک صد فرسخ و قطر ش سی و دو فرسخ و جیحون و خوارزم و سیحون چاچ و فرغانه در این بحیره می‌ریزد.

در ذکر خوانین خیوه

بعد از نادر شاه، هرج و مرج در اوضاع سلطنت اغلب سلاطین روی داد. ترکمانیۀ یموت دست استیلا بر بقاع و قلاع خوارزم بگشادند و مدتی بر این منوال بود تا از اولاد مغول طایفه ازبک که در قنقرات سکنی داشتند لوای حکمرانی برافراشتند. اول آنها التذرین عوض ایناق بن محمد امین ایناق بن فاضل ایناق قنقرات بن ابوالغازی بن اسفندیار بن عرب محمد سلطان معاصر صفویه ابن حاجم خان بن یونس خان که از جانب صفویه به حکومت خراسان رسیده‌اند و سلسله ایشان متجدد گشته پنج نفر بوده‌اند: اول التذرخان در هزار و دویست و یازده در قنقرات خروج کرد و طایفه یموت را از گرگانج و خوارزم بیرون نمود و در هزار و دویست و سیزده برمسند خانی نشست و مدت ملکیش دو سال بود.

دویم محمدرحیم خان برادر کهترالتذرخان. او کمر همت برای نظم خوارزم بست با بخارا ویموت و تکه نزاعها کرد و بر همه غالب شد. بعد از بیست و هفت سال حکمرانی در هزار و دویست و چهل درگذشت.

سیم الله قلی خان بن محمد رحیم خان به جای پدر نشست و هجده سال به عیش حکمرانی کرد و در هزار و دویست و پنجاه و هشت درگذشت.

چهارم رحیم قلی خان بن الله قلی خان به خانی رسید. و رحمن - قلی توره در مقام اینا قی یعنی مرتبه وزارت و امارت یافت. مدت ملك رحیم قلی خان پنج سال بوده. بعد از آن برادر کهتر او محمد - امین خان بن الله قلی خان منصب خانی یافت و تا کنون که سال هزار و دویست و شصت و هشت است - شش سال می باشد که حکمرانی می نماید و از اولاد محمدرحیم خان و الله قلی خان جمعی هستند که توره یعنی شاهزاده اند. از جمله پسری است دوازده ساله به فربهی و بزرگی پهلوان سی ساله و اسب از سنگینی پیکرا و به ستوه است.

شنبه بیست و پنجم ذیقعدة الحرام از کهنه اور گنج مصمم شده خیکها از آب جیحون پر کرده تدارکات دیگر دیده بعد از طی چهار فرسنگ به منزل غاتقر رسیدیم. اینجا نیز باغی تازه مغروس از مستحدثات خان خیوق دیده شد. ملا مختار فرستاده مهتر آقای وزیر خوارزم که از خیوق بامن همراه بود و مهماندار عرض راه، او را بادلای خوش از آنجا معاودت دادم و از همان راهی که از استراباد آمده بودیم مراجعت کرده منزل می سپردیم. در چرشلی مسموع شد که طایفه یموت گرگان نشین استراباد بر محمد بیگلربیگی قاجار حاکم خود طغیان نموده اند. از این خبر دغدغه در خاطرها رونمود. چیزی نگذشت که آشفته گی راه گرگان محقق شد. بالجمله در خوف و رجا راه می سپردیم تا به منزل موسوم به کسک منار و مشهد مصریان رسیدیم.

مخفی نماند که از گرگانج تا گرگان آثار شهرهای ویران بسیار است و معلوم می شود که غالباً در فتنه مغول از آبادی افتاده. از جمله آثار شهر عظیمی در این محل در کنار راه است که عمارات و بقاع و گنبد های بزرگ و کوچک و متوسط از آجر و گچ در آن مشهود می شود. در گنبدی عظیم که نهایت مرتفع بود داخل شده آثار خطی برگرد اطلاق دیدیم

که به خط کوفی شبیه بود و در پهلوی آن اطاقی دیدیم که دری کوچک داشت. خواستیم داخل شویم از غرایب اتفاقات آن که ماری بر در آن اطاق رفته در میان در حلقه زده نشست. چندان که های و هوئی کردند نرفت. ما در او و او در ما می نگرست. چون بسیار نزدیک می شدیم سر بر می داشت و مستعد جستن می گشت. در میان در بود تا قدری واپس آمدیم. او هم از میان در پشت در رفت. باز نزدیک آمدیم مار هم از پشت در بیرون آمده در میان راه نشست. او را به حال خود گذاشته روانه شدیم و به منزل آمدیم. القصه همه جا در راه خبر طغیان یموت می رسید و معلوم شد که انتظار مرا می کشند که از رفتن ممانعت کنند.

باری بعد از وصول به حوالی رود اترک - که غالب تراکمه در آن حدود سکنی دارند - شب غذائی خورده و خواب را نامناسب شمرده سوار شده رانیدیم. چون اندکی راه رفتیم، نشان سم اسب سواران ظاهر شد که معلوم شد عده کثیری هستند و از حوالی ما گذشته. وارد رود اترک شدیم. از دست چپ راه که زمینی نمک زار بود عبور کرده خائفاً راه طی می نمودیم. چون هنگام رفتن در لب رود گرگان به اوبه قراخان یموت آتابای که اباعن جد خدمتگزار این دولت بودند منزل کرده و نان و نمک خورده بودیم و با بعضی از ریش سفیدان ایلات آق و قاضی یموت آتابای آشنا شده بودیم انسب دانستیم که به خانه قراخان و قلی خان یا خانه قاضی منزل گزینیم و خبر از کار استراباد نداشتیم. در این اثنا که از دست راست بدان راه می رفتیم قاصدی از برابر آمد. از او قصه پرسیدند. گفت قراخان را بیگلربیگی گرفته حبس نموده و هزار سوار یاغی اکنون در پیش روی شما به خرابی بندر و گرگان رفته اند. فرستاده خان خیره و دیگران از این خبر به هم برآمده متحیر شدند. یکی گفت از دست چپ که راه متداول نیست رفتن اولی است. زیرا که سواران در پیش رو به ما نرسند و دردی قلیچ خان نیز در این طرف اوبه دارد؛ ورود ما را مغتنم می شمارد و اگر لازم شود در رفتن به استراباد خود با سواران همراهی کند. چندانکه و الا حقیق از دور نمودار شد بیگانگان را آشنا گمان کرده روبه آنها همی رفتیم. بعد معلوم شد که الا حقیقها از تراکمه یاغی است. گفتند قانون تراکمه آن است که هر که به هر خانه آنها رود ایمن بود. ناچار برایشان وارد شدیم. نانی بیاوردند و اظهار خدمتی کردند. از آنجا

بهزودی حرکت کردیم آنها خبر به دشمنان دادند و خود باما به راه افتادند. ناگاه غبار از دست چپ بلند و سوار متوالی در رسید و بر بنه ما حمله کرد و از هر جا دستشان به چیزی رسید بردند. من خواستم اسب به جانب آنها تازم، رفقا گفتند این همه برای تو است. به پای خود چرا به طرف هلاک روی؟ ناچار قدری باز پس راندم. ملازمان را به مدافعه تحریض می کردم و خود در انجام کار متحیر. آخر الامر نام مرا برده گفتند فلان را به ما بسپارید و باقی را آسوده بگذرید. چون بزرگان ما را گرفته اند و گوسفندان را برده او را نگاه می داریم تا آنها مستخلص گردند. رفقا بامن همدست شده به این معنی رضا دادند و شتران را بخسبانیند و زنان و پیران را در میان بداشتند و جوانان و دلیران در اطراف با اسلحه مهبای مدافعه شدند. زد و خورد می کردند و دما دم از اطراف سواران طوایف ترکمان به موافقت و حمایت ایشان همی رسیدند. قدری از ظهر گذشته بود معلوم شد که چون شب در رسد دوست از دشمن شناخته نگردد از هرسوی بتازند و کار ما را بسازند. خلاصه در میان آن جماعت باخوف و هراس حرکت مذبوح می کردیم.

چون که عادت کرده بود این پاک جیب

در هزیمت رخت بردن سوی غیب

پناه به ذات اقدس بی چون برده طریق توسل می پیمودم که خادم آمده گفت قاضی یموت که هنگام رفتن با شما در خانه قراخان بلکه تا اترک همراه بود آمده باشا ملاقات می خواهد. دانستم که تفضلی از خدا است. گفتم بیاید. قاضی باز آمد و سلام کرد. گفتم ایها القاضی شما هم چشم از دوستی سابق و سابقه پوشیده با ترکمانان به گرفتن من آمده ای؟ گفت لاوالله من از این ماجرابی خبر و در لب رود گرگان در اوبه خود بودم این خبر موخس شنیده آمدم. حال هر چه این طاغیان را نصیحت می کنم اثر نمی کند. گفتم هر جا سخن عاقلان را وقتی نیست اجتماع جهال را اثر خواهد بود. اگر راستگویی آدمی به ایل و اوبه خود و قراخان و قلی خان آق که بامن الفت و میثاق داشتند بفرست و بهرهایی من سواران آتابای و آق را بخوان. قاضی فوراً برادر خود را فرستاد و به اوبه پیامی داد. خواهر قراخان آتابای که در حباله علی خان یموت بنی عم او بود، بعد از گرفتاری قراخان و اولاد او، در استراباد و گرگان در اوبه برادر

مختار بود. چون شنید که من به خیال اوبه قراخان حرکت کرده‌ام جمعی را برانگیزانیده سوار شدند و نزد ما آمده گفتند در توقف مصلحت نیست و اگر شب در اینجا بمانید صبح از کثرت تراکمه مجال رستن نیست. لهذا حرکت کردیم و سواران تراکمه از همه طوایف برگرد ما و بنه ما همی رفتند و منتهز فرصت بودند. ولی مجال ترک تازی نکردند و هر وقت نزدیک می‌شدند سواران آتابای بر آنها دشنام می‌دادند و نام خود را می‌گفتند. آنها می‌رمیدند و تا فرسخی با ما به راه آمدند و حاصلی ندیدند. اندک اندک دور شدند و متفرق گشتند. نیمی از شب گذشته به اوبه قراخان آمدم. اهل اوبه خاصه آن زن مسطور پذیرایی و مهمانی کردند. شب چیزی خورده بخفتیم. صبح برخاسته بزرگان یموت به دیدن آمدند. بعد از دو شب و یک روز از اوبه قراخان حرکت کردیم. محمد قلی خان و قلیچ خان و التذر سردار و سایر خوانین آتابای و آق و منسوبان قاضی با سوار زیادی با ما همی آمدند و چون به حوالی گرگان رسیدیم، خوانین جعفر بای و سواران ایشان استقبال کردند و سواران آتابای را رخصت دادیم رفتند.

بیان بند گرگان

به تماشای این بند رفتیم. پنجاه شصت ذرع طول و پانزده ذرع عرض آن بود. الحق خان بیگلربیگی در مدت قلیل بندی محکم بر چنان رودی بسته فواید و منافع آن بند بسیار است. چون از بند گرگان گذشتیم سرکردگان استرابادی به استقبال ما آمدند. اردوی بیگلربیگی در پهلوی جعفرآباد بود. من با همسفران در تپه جعفرآباد در نزدیکی اردو منزل کردیم. شب با محمد شریف بای مهمان بیگلربیگی بودیم و آنچه باید و لازم بود در امور آن صفحات گفتیم و شنودیم. علی الصبح حرکت کرده به شهر استراباد آمدم. چند روزی بماندیم. بعد از رفع خستگی از راه خوارزم روز غره محرم از استراباد حرکت کرده منازل پیموده بیست و هفتم همین ماه به اتفاق محمد شریف بای و سید احمد بخارایی نقیب وارد شهر دارالخلافه شدیم. پس از چند روز محمد شریف بای به اتفاق من بنده به حضور مهر ظهور اعلی حضرت شاهنشاه جم‌جاه مشرف شده هدایای محمد امین خان را از لحاظ نظر مبارک گذراندند. خواجه سید احمد نقیب

هم دوبهله قوش طرلان و قزل شکاری به حضور حضرت اقدس همایون به رسم پیشکش آورده استدعای مرخصی زیارت مکه معظمه زادالله تعالی شرفاً و تعظیماً نمودند مخلع و مرخص شد و این بنده به عواطف مخصوص سربلند گردید. انتهى.

هم در این سال، در این دولت جاوید عدت یعنی دارالخلافه باهره، روزنامه دولتی حاوی اخبار داخله و خارجه و بعضی اعلانات تجارتی و غیره ایجاد شد و اول نمره این روزنامه که از طبع خارج گردید مورخ به تاریخ روز جمعه ربیع الثانی سنه هزار و دویست و شصت و هفت بود.

نیز در این سال، به واسطه قراولخانه که در هر نقطه شهر دارالخلافه ساخته شده بود به نظم شهرافزود و مقرر شد که در سایر بلاد نیز دارالخلافه ها بسازند.

نیز در این سال، به واسطه باریدن برف زیاد در دارالخلافه و موجود بودن دوازده هزار خروار غله مال دیوان در انبار در دارالخلافه چیزی برتسعیر جنس نیفزود.

مصطفی قلی خان قرارگوزلو نظر به خدماتی که کرده بود منصب میرپنجی یافت.

آقاخان ماکوئی سرتیپ سواره قزوین گردید.

پاشاخان مکری (حالا مظفرالدوله است) سرتیپ افواج سمنان و دامغان شد.

سلیمان خان دنبلی حکومت تربت یافت.

یوسف خان افشار را منصب سرهنگی فوج جدید افشار ارومی دادند.

رضاقلی خان ولد سلیمان خان افشار صاین قلعه به نیابت حکومت صاین قلعه برقرار آمد.

هم در این سال مقرر شد که ماهی دومرتبه یکی روز غره و مرتبه دیگر در پانزدهم ماه چاپار به آذربایجان و فارس و گیلان و مازندران و کرمان و خراسان و استرآباد و کرمانشاهان رفته مراجعت کند.

محمدتقی خان جوانشیر حاکم شاهرود و بسطام گردید.

نواب والا خانلر میرزا حکمران عربستان و لرستان از بروجرد

به‌مقر حکومت خود روانه گردید.

نیز در این سال، کارگزاران دولت علیه در خوبی شال کرمان اهتمام نمودند.

استاد عبدالحمید نامی شکر مازندران را طوری تصفیه نمود که مثل شکر هندوستان شد.

شفیع خان نایب اول آجودان‌باشی مأمور مصلحت‌گزاری و اقامت لندن شد.

میرزا حسین خان ولد میرزا نبی خان امیردیوان مأمور بمبئی و کارپرداز امور تجارت رعایای ایران که در هندوستان بودند شد (مقصود جناب اشرف حاجی میرزا حسین خان مشیرالدوله سپهسالار اعظم وزیر جنگ و وزیر امور خارجه می‌باشند. جناب معظم‌الیه از همین وقت که ابتدای مأموریت و خدمت ایشان به دولت علیه بود هم‌روزه در مدارج ترقیات کامله صعود نموده آن‌آقا مراتب کفایت و کمال عقل خود را ظاهر و معلوم ساخته سفر و سفارتهای بزرگ و وزیر مختاری کرده بعد از خدمات جلیله به این دولت جاوید شوکت در خارجه و مراجعت به داخله به تفویض وزارت عدلیه عظمی نایل و از آن مقام منبع ارتقا جسته سپهسالار اعظم و از سپهسالاری به مسند جلالت صدراعظمی ایران قعود نمودند. هم‌اکنون سپهسالار اعظم وزیر جنگ و وزیر امور خارجه می‌باشند و شرح صدارت ایشان بیاید).

هم در این سال، بنای کارخانه چینی‌سازی در طهران و بنای کارخانه بلورسازی در قم نهادند.

مفتول دوزی در لباس اهل نظام که تا آن وقت در ایران معمول نبود، زنی طهرانیه مسماة به خورشیدخانم نمونه‌ای از آن دوخته به نظر اولیای دولت رسانید و حکم شد مفتول دوزی سردست و یقۀ صاحب‌منصبان را در ایران بدوزند. شال‌چوخای مازندران نیز در این سال طوری تکمیل شد که برای لباس سرباز بسیار بکار می‌خورد.

زمستان این سال خیلی سرد شد.

حکومت اردبیل به محمد رضا خان قاجار تفویض آمد.

محمد حسن خان نوری به حکومت مشکین و ایلات آنجا رفت.

قاسم خان قاجار جارچی باشی حکومت قراجه داغ یافت.
میرزا زین العابدین تبریزی مأمور تعدیل مالیات گیلان و فومن
من اعمال گیلان شد.

میرزا هدایت الله مستوفی به تعدیل مالیات صاین قلعه و رسیدگی
به مواجب سوار آنجا رفت (جناب میرزا هدایت الله مشارالیه از آن وقت
الی الان یوما فیوما در مدارج ترقیات کامله بود تا چند سال قبل وزیر-
لشکر شده اینک وزارت جلیله دفتر باجناب معزی الیه است و یکی از
کفات و بزرگان رجال این دولت فیروزی مآل می باشند).

میرزا حسن خان وزیر نظام برادر جناب میرزا اتقی خان اتابیک اعظم
حکمرانی عراق یافت.

محبعلی خان ماکوئی را منصب میرپنجگی دادند و حسن خان
یوزباشی ولد مشارالیه سرهنگ و مأمور شد که از اردبیل و مشکین یک
فوج سرباز جدید بگیرد.

حسنعلی خان سرهنگ از گروس یک فوج سرباز گرفت (جناب
حسنعلی خان از همان زمان به خدمات بزرگ این دولت مأمور و چند سال
از جانب دولت علیه در پایتخت فرانسه به سفارت مقیم و وزیر مختار
بودند و به درجات عالیّه نایل شده اکنون وزیر فواید و از بزرگان رجال
این دولت جاوید شوکت اند).

از فراهان و کزاز دو فوج جدید و از مراغه نیز یک فوج به سرتیپی
جعفرقلی خان قاجار و از خلخال یک فوج به سرهنگی محمدعلی خان و
از کرمان یک فوج به سرکردگی امامعلی خان گرفتند.

اصلاح سلطان از طایفه افشار خرقان منصب یآوری یافت.

مصطفی قلی میرزا (۱) به حکومت ارومی رفت.

نواب والا شاهزاده مؤیدالدوله (۲) حکمران کرمان و بلوچستان

شد.

۱- پسر درازدغم عباس میرزا نایب السلطنه .

۲- طهماسب میرزا مؤیدالدوله پسر دوم محمد علی میرزا دولت شاه .

حکومت یزد به محمد حسن خان سردار و نیابت حکومت معزی‌الیه به شیخ علی خان ایروانی مقرر شد.

کلب حسین خان آجودان باشی مأمور سرپرستی قشون آذربایجان گردید.

علیق‌لی خان شقاقی سرهنگ فوج دامغان شد.

هم در این سال مقرر شد چهارده فوج از عساکر منصوره همیشه متوقف دارالخلافه باشند و چون پیش از این رسم بود مأمور دیوانی به هر جا می‌رفت از رعیت عنفاً سیورسات می‌گرفتند حکم شد من بعد به احدی سیورسات ندهند. هر کس به هر جا مأمور است وجه نقد داده هر چه می‌خواهد امتیاع نماید.

آبله کوبیدن اطفال که در ایران رسم نبود و از این جهت غالب یاتلف می‌شدند یا معیوب می‌گردیدند حسب‌الحکم در تمام بلاد معمول شد (۳).

در بعضی از منازل راه خراسان مثل الهاک و زیدر که راه عبور و مرور ترکمان بود ورعیت آنجا متفرق شده بود بنای قلعه گذاشتند و تفنچگی و مستحفظ قرار دادند و رعایا دوباره به جای خود آمدند.

ایجاد تذکره عبور و مرور در جمیع بلاد ایران که مترددین از بلدی به بلد دیگر بی‌تذکره عبور و مرور نمایند نیز در این سال شد.

هم در این سال کاروانسرای معروف به کاروانسرای امیر مشتمل بر سیصد و شش حجره تحتانی و فوقانی در دارالخلافه بنا شد.

محمد رحیم خان نسقچی‌باشی به حکومت خوی مأمور و روانه شد (جناب محمد رحیم خان علاء الدوله هم از آن وقت به واسطه خدمات جلیله این دولت ابد مدت تحصیل مراتب اعتبارات کامله روز به روز به مقامی منیع و درجه‌ای رفیع رسیده تقریباً چهار سال قبل یکی از وزرای سته و بعد از آن منصب وزارت دربار یافتند. اینک نیز از بزرگان و وزرای

۳- در خصوص آبله کوبی در ایران ند بدسی میرزا تقی‌خان امیر‌نبیر مرسوم و معمول

گردید، رجوع شود به مقاله شادروان عباس «قبایل آشتیانی، تحت عنوان «آبله‌کوبی» (مجله

یادگار، سال چهارم شماره سوم ص ۶۸ تا ۷۲).

جلیل‌الشان دولت علیه می‌باشند و شرح ترقیات و افتخارات ایشان بیاید). هم در این سال فوج جدید خلخال با سه فوج دیگر در تبریز قرار شد همیشه حاضر مشق نظامی باشند.

امر معدن مس قراجه‌داغ نظم گرفت.

محمدباقرخان نوئی را که از خوانین متمرّد پشت کوه فارس بود و در قلعه صعبی متحصّن، عباسقلی‌خان سردار لاریجانی حاکم بهبهان به واسطه نوکرو صاحب‌منصب لاریجانی او را به چنگ آورده به سزای خود رسانید.

شال کرمانی به طوری خوب شد که مشتبّه به شال کشمیری گردید.

نواب ایلدرم‌میرزا (۴) برادر کوچک نواب والاخان‌میرزا (۵) از جانب ایشان نایب‌الحکومه لرستان شد.

عبدالله‌خان صارم‌الدوله مأمور بمپور و آن حدود را نظم کلی داد. طایفه بلوچ سیستان که شرارت می‌نمودند یار محمدخان ظهیرالدوله به امر اولیای دولت علیه جمیتی از هرات بر سر آنها فرستاده آنها را تنبیه کرد.

بسیاری از اهل مملکت برفایده روزنامه دولتی خبیر شده مشتری آن شدند.

آقا اسماعیل سرهنگ تحویلدار جیره و ملبوس و چادر کل اهل نظام شد.

مطلب بیک تفنگدار سر کرده صد نفر سوار و صد نفر پیاده شده به حراست راه خراسان مأمور شد.

در مشهد مقدس شروع به ساختن قراولخانه نمودند.

هفتاد باب خانه در لنگرود آتش گرفته از جمله خانه منجم‌باشی

بود.

قطران که به جهت مصارف توپخانه از روس می‌آوردند در رحمت

آباد گیلان به قدر کفایت به خوبی ساختند.

۴- پسر نیست و دوم عباس میرزا نایب السلطنه.

۵- پسر هفتم عباس میرزا نایب السلطنه.

يك فوج سرباز جديد از نيشابور به سرهنگی محمودخان كركری گرفته شد.

دهم جمادی‌الاولی در تبریز زلزله سختی شد ولی چندان خرابی نکرد و بعد از آن برف و بوران شدیدی کرده هوا به‌اُعلی درجهٔ برودت رسید.

جوادخان بادکوبه که در عربستان و لرستان خدمتها کرده بود سرهنگ فوج جدید بروجرد شد.

نصرالله‌خان ولد مرحوم میرزا نبی‌خان امیردیوان سرهنگ فوج گلپایگان گردید (اینک سرتیپ اول افواج قزوین و زنجان و ملقب به‌نصرالملک و دارای نشان تمثال همایون‌است).

هاشم خان قراباغی سرهنگ فوج کمره شد.

جبریل‌خان پسر صمصام‌خان سرهنگی فوج جدید نصاری ارومی و سلماس یافت.

ضعیفه‌ای درخاند میرزا محمد نایینی از بام نذرعی افتاده عیب نکرد.

هم دراین سال، موکب همایون عزم سیاحت ولایات عراق و اصفهان فرمود. حسنعلی‌خان گروسی را به‌دارالخلافه احضار فرموده منصب سرتیپی دادند.

چون اهل‌دارالخلافه از آب تنگی داشتند مجرای بزرگی که از بالای نگارستان حفر شده بود که آب از رودخانه کرج به‌شهر بیاورند و قریب ده سنگ آب‌گیری دارد و دراین وقت مرمت می‌خواست مبلغی دیوان اعلی خرج تعمیرات کرده آن‌نهر لبالب از آب و ده شبانه‌روز اهالی شهر را به‌طور فراوانی سیراب کرد و آب انبارها و حوضهای خانه‌ها از آب مملو گردید.

محمدتقی‌خان جوانشیر حاکم شاهرود و بسطام مرحوم و حسینعلی—خان جوانشیر منسوب او به‌جای او حکومت یافت.

کوچه‌های شهر تبریز را به‌حکم نواب والا حشمة‌الدوله سنگفرش کرده نظافت دادند.

بارندگیهای نافع در دارالخلافه و خراسان و سایر بلاد شد.

قانون نظام منقح و به رونق آن افزود.

حکومت گلپایگان و خوانسار از عربستان و لرستان مجزی و محول به نواب والا احمد میرزا (۶) شد.

بهرام خان برادر کهتر حسنعلی خان سرتیپ سرهنگ فوج گروسی شد.

سیصد چهارصد خانوار مشهدی و هراتی که در ایام انقلاب آن شهر به هرات رفته به واسطه امنیت این بلد عود نمودند و کار زراعت خراسان نیز منسق شد.

پسران امام وردی خان نیشابوری که به اطمینان قلعه های خود حسین آباد و توزنده جان دم از خود سری می زدند، اللهقلی خان حاکم نیشابور با معدودی از سپاه منصور آنها را دستگیر نموده قلاع ایشان را کوبید.

صد نفر ریش سفیدان و کدخدایان معتبر سرخس خدمت نواب والا حسام السلطنه حکمران خراسان آمده متعهد خدمتگزاری و اطاعت شدند.

ظهيرالدوله میرزا محمدعلی برادر میرزانجف خان را از هرات با عریضه به دربار همایون فرستاد.

اهالی لارستان فارس را که به واسطه قلاع مستحکمه و جبال شامخه راه طغیان می سپردند نواب والا نصره الدوله حکمران فارس مقهور و مطیع نموده بعد از گرفتن هفت قلعه از آنها باز جمعی در قلعه بهده که چهار هزار ذرع دور آن است و در سر کوهی که هشتصد ذرع ارتفاع دارد واقع متحصن بودند آن قلعه را نیز به ضرب توپ و جلادت فوج سیلاخوری مسخر کرده آن نواحی کاملاً امن شد.

موکب همایون اعلی روز سه شنبه نوزدهم جمادی الثانیه به قصر قاجار نقل مکان فرمود که در ماه رجب تشریف فرمای صفحات اصفهان شوند.

محمدحسن خان سرتیپ افواج فراهانی که مأمور گرفتن يك فوج سرباز جدید بود آن فوج را تماماً گرفت.

میرزا حسن خان وزیر نظام که حاکم عراق بود به انتظام امور قشون آذربایجان رفت و بعد از انجام این خدمت مقرر شد که در اصفهان به رکاب اعلی پیوندند.

سوار و سرباز جدید از خمسه گرفته مشغول مشق شدند. قلعه وارگی تازه به معماری عبدالله خان معمارباشی بنا کردند. عمارات دیوانی اصفهان را برای ورود موکب همایون تعمیر نمودند. شب هفتم ماه جمادی الثانیه در تبریز جزئی زلزله شد، بعد از آن چند روز متولی بارش آمد و موافق نوشتجات اسلامبول در همین ایام در یونان چند زلزله سخت شد.

قریب چهارصد نفر سواره چگنی مأمور خراسان شدند. پانصد نفر سواره شاهسون بغدادی و دویست و پنجاه نفر سواره اصائلو که اسب همه را داغ کرده و جمعی را موجب داده بودند در کمال خوبی سان دیدند.

محمد تقی خان برادر محمدحسن خان سرتیپ فراهانی را سرهنگی فوج جدید فراهان دادند. محمد ولی خان حاکم نهاوند معزول و مهدیقلی خان نایب آجودان — باشی به جای او حکومت یافت.

حکام و مباشرین سابق کرمان در خالصه صیفی کاشته به رعایا طرح می کردند. این رسم را نواب والا مؤیدالدوله برانداخت.

قلعه ابرندگان را عبدالله خان صارم الدوله از تصرف محمدعلی خان بلوچ خارج کرده به مددخان سپرد.

قلعه نه گنبد و حسین آباد در راه یزد چون دزدگاه و خراب بود شیخعلی خان نایب الحکومه یزد آب آنجا را بیرون آورده بیست خانوار در آنجا سکنی داد که عابریین از آنجا به سلامت بگذرند.

در یکی از قرای زنجان برق زده يك نفر آدم و يك اسب را کشته و يك نفر را هم سوزانیده ولی هلاک نشده.

روز شنبه غره شهر رجب موكب همایون از مقر خلافت عظمی روانه یافت آباد شده كه تشریف فرمای قزوین شوند و از آنجا از راه سلطان آباد و بروجرد به سمت اصفهان نهضت فرمایند. ملتزمین ركاب اعلی از شاهزادگان: نواب عباس میرزا (۷) و نواب کیومرث میرزای ایلخانی و نواب والا علیقلی میرزا (نواب معظم‌الیه والا شاهزاده اعتضاد السلطنه الآن وزیر علوم و معادن می‌باشند و احكام دیوانخانه عدلیه عظمی نیز موكول به‌صحه و صوابدید ایشان است) و نواب محمدرضا میرزا و نواب بهاء الدوله و نواب امامقلی میرزا (این شاهزاده ملقب به عمادالدوله شده زیاده از بیست سال مستمر و مقتدر از جانب اولیای دولت علیه به‌حکومت کرمانشهان و سنقر و کلیائی و سرحداری عراقین مأمور بود و چند سال حکومت نهانند و لرستان نیز ضمیمه حکومت ایشان گردید. سالی هم در دارالخلافه به وزارت عدلیه عظمی منصوب بودند. قریب يك سال ونیم است كه به جوار رحمت الهی رفته) و نواب صاحبقران میرزا (۸). و از امراء و وزراء جناب اتابيك اعظم امیر نظام و جناب اعتمادالدوله میرزا- آقاخان و میرزا محمد شفیع صاحب دیوان و محمد حسن خان سردار و معیرالممالك و ملك الكتاب و مستوفی‌الممالك و بعضی از مستوفیان و فضلعلی خان میرپنجه و محمدخان میرپنجه و فوج گروس ابوابجمعی حسنعلی خان سرتیپ و فوج ناصریه ابوابجمع محمد آقای سرهنگ و توپخانه با اللهوردی خان سرهنگ و زنبورخانه با نصرالله خان و از سایر خدم و حشم نیز به قدر ضرورت بودند. عزیزخان آجودان‌باشی مأمور توقف دارالخلافه وارگ و نظم قشون شد.

هشتصد و پنجاه و دونفر سواره شاهسون دویرن كه جمیع ملبوس آنها یك‌رنگ و نهایت خوش آیند بود و در مشق نظامی نیز درجه

۷- عباس میرزا ملقب به نایب السلطنه پسر دوم محمد شاه. برای اطلاع بر شرح حال وی كه مورد بغض و عداوت ناصرالدین شاه و مادرش مهدعلیا قرار داشت، رجوع شود به كتابی كه وی خود در شرح حال خویش نوشته و مقدمه بسیار ارزنده‌ای شادروان اقبال آشتیانی بر آن نوشته. آن كتاب به وسیله نگارنده این سطور چاپ شده است تحت عنوان «شرح حال عباس میرزا ملك‌آرا».

۸- صاحبقران میرزا پسر پنجاهم فتحعلی شاه.

امتیاز داشتند به سرکردگی سیف‌الله‌خان مأمور خراسان گردیدند.
سواره چهار دلی عراق ابواب‌جمع سلیمان‌خان سرتیپ افشار شد.
پانصد نفر سواره افشار ابواب‌جمع سلیمان‌خان مأمور اصفهان گردید.
محمودخان کلانتر مواظب تنظیف شهر دارالخلافه شد.

موکب همایون روز سیم رجب در کرج در منزل سلیمانیه اطراق
نموده روز چهارم به منزل قاسم‌آباد نزول اجلال فرمود و از اینجا منزل
به منزل عازم قزوین شدند و اردو نهایت منظم واحدی از اهل اردو را
جرات تعدی به ادنی رعیتی نبود.

میرعلینقی‌خان پسر میرسعدالله خان فندرسکی را منصب سرهنگی
دادند.

هادی‌خان حاکم ساوجبلاغ و مکرری معزول و عباسقلی‌خان گروسی
به جای او حکومت یافت.

عباسقلی‌خان بادکوبه سرتیپ فوج دهم خوئی به میرپنجه‌گی فوج
مزبور و چهار فوج کرمانشاه نایل گردید.

سواره بایروند که سیصد نفر بودند و ابواب‌جمع قلی‌خان مامور و
روانۀ خراسان شدند.

قشونی باجعفر قلی‌خان میرپنجه مامور گرگان گردید. فوج
قراجه‌داغی ابواب‌جمع سرخای‌خان ولد مشارالیه با چهار عراده توپ
ضمیمه قشون مزبور شدند. سواره سلیمان‌خان که مامور اصفهان بودند
مجدداً حکم شد سیصد نفر از آنها با جعفرقلی‌خان روانۀ گرگان شوند.
اردوی جعفرقلی‌خان مرکب است از فوج قراجه‌داغی و فوج بیات زرند و
سواره قراچورلوی آذربایجان و عراق که درخوار و ورامین سکنی دارند
با چهار عراده توپ در روز نوزدهم رجب روانۀ گرگان شدند.

روز نهم رجب وزیرمختار انگلیس و سفیر روم (۹) از دارالخلافه
روانۀ اصفهان گردیدند و روز یازدهم وزیر مختار روس نیز به همان
صوب عزم کرد.

فرج الله خان سرهنگ يك فوج سرباز از ترشيز گرفت.
اردوی مصطفى قلی خان میرپنجه که به دشتی رفته با کمال نظم حرکت می نمایند.

روز هشتم رجب موكب همایون وارد قزوین شد و علما و اشراف واعیان لازمه تشریفات را به عمل آوردند.

کتاب نظام ناصری در علم نظام از مولفات نواب والا بهرام میرزا (معزالدوله) که در این علم فرد و ماهر می باشند تمام و چهار صد جلد از آن در دارالخلافه طبع شده منتشر و موجب بصیرت اهل نظام گردید.

در یازدهم رجب بعد از ظهر تا عصر باد بسیار شدید در دارالخلافه وزید.

برج و باره شهر دارالخلافه تعمیر شد.

موكب همایون اعلی روز هجدهم رجب از قزوین تشریف فرمای صفحات عراق شدند.

حاجی علی خان فراشباشی والد مؤلف را اداره و اختیار عمارات دیوانی کل ممالك محروسه دادند.

آقاخان سرتیپ سواره قزوین هزاروپانصد نفر سوار در کمال خوبی سان داد.

فوج جدید که از افشار برکشوی قدیم گرفته بودند در قزوین سان دادند.

در شیراز ملخ خوارگی شده ولی مرغ سفیدی به هم رسید که ملخ را تلف می کرد.

علی آقای شکاک از اشرار ارومی را به حکم نواب مصطفى قلی میرزا حاکم آن ولایت با اتباع گرفته به رکاب همایون فرستادند.

در مراغه سیدی عراقی صفحه های از آهن ساخت که گلوله بر آن کار نمی کرد و مدعی بود که با همین آهن زره می سازد که گلوله را در آن اثری نیست. نسبت دعوی صنایع غریبه نیز به او می دادند.

موكب همایون به تاریخ پنجم شعبان در بلوك ساوه تشریف دارند. چون سیل در قزوین خرابی کرده بود، حکم شد جلو سیل را سد سدید

ببندند و هرچه خرج آن شد از دیوان همایون اعلی محض آسایش رعایا و اهالی داده شود.

مهربلیت دروازه های دارالخلافه به محمودخان نایب اول آجودانباشی سپرده شد که نوکر و اهل نظام به تصدیق آجودانباشی و کسبه ورعیت به تصدیق محمودخان کلاتر تذکره از مشارالیه گرفته بروند و این بلیت مجاناً داده می شد.

سربازان فوج سوادکوهی را که نواب مهدیقلی میرزا فرستاده بود در دارالخلافه سان دادند.

محمودلی خان بیگلربیگی استرآباد به قصد تدبیر تراکمه با سه هزار نفر سواره و پیاده دریک فرسخی شهر که قریه تازه می سازند رفته اقامت نمود.

موکب همایون به تاریخ دوازدهم شعبان تشریف فرمای سلطان آباد است. در این سفر در منزل آشتیان مولودی ذکور از صلب مبارک شاهنشاهی روشنی بخش ابصار گردید.

نواب والابهرام میرزا در نظم دارالخلافه سعی می باشند. عمارات دیوانی بروجرد را با باغ شاه از برای ورود موکب اعلی تعمیر کردند.

در بلاد ممالک محروسه عموماً و در دارالخلافه خصوصاً در دایر نمودن جباخانه و ساختن اسلحه سعی شدند. شمشیر و تفنگهای خوب ساختند.

ساختن مهتاب به جهت آتش دادن توپ را تکمیل کردند که در زیر آب هم می سوزد و خاموش نمی شود. به حکم امنای دولت در جباخانه دارالخلافه شروع به ساختن چند عراده کالسکه نمودند.

هم در این اوقات زلزله جزئی در مشهد مقدس و زلزله عظیمی در قوچان شده یک ربع از خانه های قوچان یا به کلی منهدم یا قریباً لانهدام شد.

موکب همایون روز نهم شعبان وارد بروجرد شده باغ شاه به ورود مسعود مزین گردید. اهل شهر از علما و اعیان استقبال و پذیرائی کامل

نمودند و حکام ولایات از کرمانشاه و نهاوند و ملایر و کردستان و همدان به تقبیل آستان مقدس مشرف گردیدند.

حاجی محمد حسین کاشانی پارچه از پنبه و کج (۱۰) در کاشان ترتیب داده و بافته که ضخامتش از ماهوت کمتر نیست و لطافتش بیشتر و دوامش به مراتب زیاده است. امنای دولت این پارچه را پسندیده زاید الوصف توصیف کرده قیمت دوهزار ثوب کلیجه برای اهل نظام به رسم علی الحساب به حاج مشارالیه دادند که تمام کند. هر ثوب کلیجه چهار هزار و پانصد دینار تمام می شود.

در هوای دار الخلافه به سبب کثرت و زیاد شدن باغات و اشجار و انهار حوالی نسبت به سابق سلامت و اعتدالی محسوس پدید آمده. فوج جدید افشار به سرهنگی یوسف خان به قراولی رکاب ظفر- انتساب و فوج جدید خمسه حسب الامر دوماه در سلطانیه مشغول مشق بود.

میرزا ابراهیم خان سرتیپ خمسه هشتصد نفر سواره خمسه را سان داده مقرر شد هزار نفر سوار و دوفوج سرباز که هر فوجی هزار و پنجاه نفر باشد از خمسه گرفته مواجب آنها را داده حاضر باشند. فوج سربندی در بروجرد مشغول مشق گردید.

سیصد نفر نوکر دودانگه را مهدیقلی میرزا مواجب و ملبوس داد. فوج جدید خواجهوند عبدالملکی، تمام گرفته در ساری حاضر شد. خان کشی بیک حاکم اشرف را مهدیقلی میرزا منصب دیگر داده سلطان حسین میرزا ولد مرحوم ملک آرا را به جای او حاکم اشرف کرد. از اتفاقات غریبه این سال آن که گاوی در رشت حامله بوده و وضع حملش نمی شده صاحب گاو به توهم این که مبادا بمیرد آن را ذبح نموده شکمش را شکافته گوساله ای بیرون آمده که دوسر داشته یکی بزرگتر دیگری فی الجمله کوچکتر. تا گردن که چسبیده به شانه است دوتا بوده و دست و پا و سینه و شکم موافق قاعده یکی و دم آن باز دوتا بود. دکتر شلیمر آن گوساله را گرفت که تشریح نماید. در پشته انزلی طفلی خواب بوده ماری آمده بر روی سینه او

می‌خواهد. طفل که بیدار شده مار را می‌بیند از ترس می‌میرد.
 موکب همایون روز شنبه بیست و یکم شعبان از بروجرد به عزم
 اصفهان انتهاز فرمود. جعبه جواهری در دارالخلافة از حرمخانه گم
 شده دزد را که دلاله زنی بود پیدا و جعبه را بازپس گرفتند.
 اهالی طهران چون تنگی از آب می‌کشیدند به حکم دیوان آب از
 رود کرج به شهر آورده مردم را سیراب و آسوده کردند. جبرئیل خان
 سرهنگ فوج نصارای ارومی مأمور گرفتن فوج مزبور شده این خدمت را
 به انجام رسانید.

در سلماس وارومی تگرگ شدید بارید.
 در مازندران امسال کمتر از سالهای دیگر باران آمد. ایضاً در
 مشهد مقدس وقوچان و تربت زلزله شدید شد.

کربلایی نورمحمد آبله کوب در مازندران برحسب امر اولیای
 دولت سیصد چهارصد نفر طفل را آبله کوبیده همچنین میرزا ابوالقاسم
 آبله کوب در گیلان آبله جمعی اطفال را کوبید.

روز بیست و سیم شعبان وقت شام رعد و برق و بارش شدیدی در
 تبریز شده يك نفر را در محله باغ میشه برق زده هلاک کرد و از این
 بارندگی سیلی برخاسته که در این سنوات نظیر آن دیده نشده بود. در
 کردستان نیز تگرگ زیاد که موجب سیلی عظیم شد آمد.
 آقاباباخان یوزباشی حکومت صاین قلعه یافت.

سیصد و چهل نفر سرباز جدید کسر فوج ناصریه را شاه محمدیك
 گرفت.

موکب همایون اوایل رمضان را تشریف فرمای چمن قهیز بود.
 دوازده هزار تومان به کرمانشاه و چهار هزار تومان به ملایر
 تخفیف مرحمت شد.

اشار فوج قهرمانیه که چندی قبل به همراهی فوج دیگر طغیانی
 نموده بودند در تبریز هریک به اندازه تقصیر خود تنبیه شدند.

محمد ولی خان بیگلریگی استرabad با اردوی معتبری در میان
 طایفه ترکمان خواجه نفس رفته آن حدود را مصفی و تراکمه را مطیع
 و منقاد نمود.

سرهنگی فوج جدید کردستان را بهامان الله خان والی کردستان مرحمت فرمودند.

سواره شاهسون اردبیل به سرکردگی شیخعلی خان روانه گریان شد.

سرکردگی سواره سنجابی و حکومت طایفه مزبوره را به علاوه منصب سرهنگی به اسدالله خان گوران دادند.

در ماه رمضان این سال امامزاده زید را بسته امتعه و اسباب تحفه در آن خرید و فروش نمودند.

اربویی مرکب از هشت فوج سرباز و سه هزار سوار در بیرون شهر مشهد تشکیل یافته مہیای روانگی به تدبیر تراکمه هستند.

موکب همایون اعلیحضرت شاهنشاهی روز پانزدهم شهر رمضان شهر اصفهان را به قدوم بهجت لزوم مبارک مزین فرمود. این سفر خیریت اثر زایدالوصف متضمن صلاح حال رعیت بود. زیرا که بر نظم بلاد افزود و هر جا حسب الاستحقاق به قدر لزوم تخفیفی مرحمت فرمودند.

فوج علی خان سرتیپ مأمور و روانه کرمان شد.

عبدالله خان صارم الدوله با سرباز ابواب جمعی خود عازم تقبیل آستان معلی گردید.

اهل مازندران که از نیامدن باران مضطرب شده بودند نزول رحمت الهی رفع اضطراب آنها نمود.

آبله کوبی در یزد متداول شد.

زوجه آقا بابانام شاهرودی بعد از يك سال حمل مولودی آورد که يك چشم نداشت و جای آن صاف بود و پاهایش به رانش چسبیده و پارچه گوشتی به اندازه يك وجب از مغز سر او بیرون آمده چشم هایش دریده و درشت و خون آلود که رؤیت آن موجب وحشت بود. اما آن طفل نماند.

موقف موکب منصور در اصفهان در عمارت سلطنتی شهر واعیان و ارکان حضرت در انبیهای نزدیک دربار همایون و سایر اهل اردو از اهل نظام و غیره در عمارت هفت دست و در کنار رودخانه زاینده رود چادر زده بودند. تابستان اصفهان در این سال فوق العاده گرم بود.

حاجی علی خان والد مؤلف در خدمات مرجوعه حسن سبک و اهتمامی منظور و مشهود نموده مورد مرحمت مخصوص گردید. طفلی ده ساله در دارالخلافه خود را از دیوار بسیار بلندی بر زمین انداخته هیچ عیب نکرد. نیز طفلی ده ساله در چاهی سی ذرعی افتاده آن هم سلامت نمود.

مطابق دستخط همایون در رمضان این سال میرزا محمدعلی خان (۱۱) به منصب وزارت دول خارجه نایل گردید. سلام عام روز عید صیام در اصفهان با شکوهی تمام انعقاد یافت. عمارات سلطنتی دارالخلافه را برای معاودت موبکب اعلی تعمیر و بعضی ابنیه تازه بنا کردند.

نواب والا بهرام میرزا (معزالدوله) در این باب و در سایر امور دارالخلافه جهدی کامل می نمودند.

در تبریز قراولخانه ساخته سرباز در آن گذارده مدیر این کار محمدعلی خان جوانشیر می بود.

سرحداث طرف ارومی و سلدوز به مراقبت عسکرخان سرتیپ ارومی وافواج وسواره ابواب جمعی او امن واز تعرض طایفه بلباس محفوظ شد. محمد ولی خان بیگلریگی استرabad قلعه خواجه نفس را تمام و حمزه خان انزابی را به مستحفظی آنجا گذاشت و به جهت ساختن بند گریان به سربند آمده به انجام این مقصد مشغول شد و نواحی گریان و استرabad نظمی کامل یافت.

کتابهای معتبری که تا این سال در ایران طبع شده تفسیر صافی، شرح لمعه، قوانین، شرح الزیاره، تصریح، شاهنامه فردوسی، قاموس، مجمع البحرین، معراج السعاده، زبدة المعارف، تاریخ پطرکبیر، جامع التمثیل و بعضی کتب مقدماتی بود.

دوازده سال قبل طایفه بختیاری اسبابی از نواب امامقلی میرزا به سرقت برده بودند دراین سال قاموسی را که از جمله اسباب مسروقه بود نواب والا خانلر میرزا حکمران عربستان و لرستان و بختیاری به دست آورده و در صدد تحصیل باقی اسباب است.

میرزا احمد کارپرداز ارزنقالروم بهرکاب اعلی آمده نیابت دویم وزارت دول خارجه یافت.

محمدقلی خان ایل بیگی فارس و ابوالفیض خان برادر سام خان ایلخانی با دویمت نفر سوار غلام خراسانی در اصفهان به تقبیل رکاب اعلی فایز شدند. مقرر شد سه فوج سرباز از توابع اصفهان بگیرند.

بنای جبهه خانه در اصفهان نموده که در هر ماهی سیصد قبضه تفنگ و هزار دست فانسقه و اسباب سربازی در آن تمام می شود. و نظر به رعایت حال صنف نساج اصفهان امر شد سالی پنجاه هزار دست ملبوس نظامی در اصفهان دوخته شود.

فوج فریدنی از نظر اولیة دولت گذشته بسیار باشکوه بودند. نظر به لیاقت میرزا احمد وکیل دیوانخانه مبارکه به منصب ناظم دیوانی و به لقب خانی او را سرافراز فرمودند.

نواب مهدیقلی میرزا از حکومت مازندران در ماه شوال معزول و جان محمدخان قاجار به جای او حاکم گردید.

عمل زراعت حوالی دارالخلافه طهران و غرس اشجار در باغات ترقی کرده بنای تریاک کاری گذاردند و تخم و نهال و قلمه از سایر بلاد آورده به زدن پیوند پرداختند و اغلب میوه هارا به وفور عمل آوردند.

یار محمدخان ظهیرالدوله یک شبانه روز در سبزوار ناخوش شده در گذشت و پسرش صید محمدخان به جای او متمکن و عریضه و مطالب خود را خدمت نواب والاحسام السلطنه فرستاد که به عرض اولیای دولت برساند.

درنارین قلعه یزد بنای آب انباری بزرگ نمودند.

محمد علی خان سرکرده جمازه سواران، مستحفظ راه رباط پشت بادام یزد، آن راه را از دست اندازی بلوچ و غیره امن دارد. فوج بندپی ساخلو یزد بسیار خوب حرکت می کنند. سیف الدین خان بلوچ از روسا و حکام طایفه بلوچ خدمت نواب والا مؤیدالدوله حکمران کرمان و بلوچستان متعهد خدمتگزاری گردید.

پرویزخان سرتیپ سواره چهار دولی را در تبریز حاضر کرده اسبهای آنها را داغ نمودند. بسیار سواره خوبی بودند.

موکب همایون از اصفهان به مقر خلافت عظمی معاودت فرموده روز هشتم ماه ذیحجه به دارالخلافت باهره نزول اجلال فرمودند و در همین روز سلام عام در تالار تخت مرمر منعقد گردید. اهل دارالخلافت به زیارت جمال مهر مثال مقدس شادیاها نموده فی الحقیقه عید گرفتند.

چون میل مبارک متوجه تسهیل امور واستراحت عمومی است مقرر فرمودند که هرکس برای سواری خود بتواند کالسکه راه بیندازد مرخص است و در دارالخلافت و دارالسلطنه اصفهان کالسکه ها ساختند که به خوبی کالسکه های ممتاز فرنگ بود.

مصطفی قلی میرزا که سابق حاکم ارومی بود به حکومت مازندران مامور شد.

میرزا محمد حسین صدر دیوانخانه به ایلچی گری مخصوص با صاحب منصبان و اجزاء به روس رفت.

فوج قراگوزلوی همدان ابواب جمع علی خان سرتیپ که در کرمان بود مامور گرمسیرات فارس گردید.

سه فوج از افواج آذربایجان که فوج خاصه ابواب جمع محمد علی خان جوانشیر سرهنگ و فوج جدید مراغه ابواب جمع حسین پاشا خان میرپنجه باشد به دارالخلافت طلبیدند که مشغول مشق و قراولی باشند.

حاجی میرزا علی خان خوئی به منصب سرهنگی نایل و در دیوانخانه مبارکه به امور قشون رسیدگی می نماید.

چهاردهم ذیقعه در انزلی دو ساعت به غروب مانده، خانه میرزا غفار خان آجودان توپخانه که در پشت توپخانه بوده آتش گرفته و با شش خانه دیگر در جنب او تمام سوخت. این غایله برای قورخانه موهم خطر بود. ولی توپچیان و قورخانه چیان آتش را خاموش کرده به قورخانه آسیبی نرسید.

ایضاً از کتابهای طبع شده در ایران تا این وقت دیوان خواجه، مجالس، حمله (۱)، تحفه حکیم مومن، معالم، خمسه نظامی، مطول، کشکول، حدیقه الشیعه، حیات القلوب جلد سیم، زاد المعاد، زینه المجالس،

۱- ظاهراً منظور «حمله حیدری» است در شرح مناقب حضرت سولی الموالی علی (ع)

فصول خوارزمی، تحفة المجالس، قصص الانبیاست.
 کوچه‌های ارگ پادشاهی دارالخلافه را شروع به هموار کردن و
 سنگفرش نمودن نمودند که راه کالسکه روصاف باشد.
 در سمت شرقی میدان ارگ تذکره خانه ساخته و حاجی میرزا جبار
 امین تذکره در آنجا نشسته تذکره مرور می‌داد.
 میرزاتقی وزیر سابق عراق به منصب استیفا و مباحثی کل وظایف
 ممالك محروسه برقرار گردید.
 ابراهیم آقاسرهنک فوج نهم خویی به منصب سرتیپی فوج مزبور
 و فوج جدید افشار بکشلوی قزوین نایل گشت.
 به محمودخان کلانتر نشان از مرتبه اول سرهنگی و خلعت مرحمت
 شد.

در اواخر ذیقعد، طوایف ترکمانان دشت گرگان متفق شده با
 قشون دولتی بنای مجادله گذارده جعفرقلی خان میرپنجه آنها را شکستی
 فاحش داده متفرق نمود.

جمعی از طایفه بلوچ متعرض زواری که از کرمان به مشهد مقدس
 می‌رفتند شدند. حاجی بیک نخعی باتفنگچی ابواب جمعی خود به تدمیر آن
 جمع پرداخته بعضی را مقتول و برخی را گریزانید.

محض اشاعه خیرکثیر و نفع اهل مملکت امر همایون شرف انفاذ
 یافته بود که بندکنار پل شوستر را ببندند و سدی هم در نهر مشهور
 به هاشم بسته شود. آن بند و سد را این اوان نزدیک به اتمام است.

عربستان به اتمام نواب والا خانلر میرزاخیلی منظم شد.
 در نور آباد از محال خمسه تگرکی بارید به درشتی تخم مرغ و تادو
 روز در خرمنها بود. در مشمیا نیز همان وقت تگرکی شدید آمده و سیل
 برخاست.

مجار جنرال سرهنری بطون مشهور به لنزی (۲) صاحب که
 خدمات جلیله به دولت علیه کرده بود و در دولت شهریار مبرور محمد
 شاه طاب الله همراه منصب امیر تومانی یافته روز چهارشنبه هفدهم ربیع الثانی

۱۲۶۷ در گذشته او را به عزت و احترام تمام برداشتند. هم در این سال، در ارگ همایون مدرسه مبارکه دارالفنون ساخته شد. اگر چه شروع به ساختن و اقدام به بنایی این محل منیف و مکان رفیع فی الحقیقه در سال قبل شد، ولی در این سال خجسته مال ساخته آمد. طرح این بنارا میرزا رضای مهندس باشی کرد و به معماری محمدتقی خان معمار باشی بنامودند و سمت شرقی آنرا به اتمام رسانیدند و معلمین از برای تعلیم علوم جدید و انکشافات تازه و السنه مختلفه دول اروپا از فرنگستان طلبیدند و شرح این جمله در وقایع اوایل سال آینده مفصلاً نگاشته خواهد شد.

وقایعی که در این سال در ممالك خارجه و اقطار عالم اتفاق افتاد

اتائونی ینگى دنیا:

در این سال این دولت با دولت انگلیس به جهت ساختن نهر بحری درپاناما نقطه مرکزی ینگى دنیا که دو محیط را به هم وصل می نماید معاهده نمود.

مسیوتیلور (۳) رئیس جمهوری در اواسط تابستان این سال در گذشت و مسیو فیلمور (۴) به جای او ریاست یافت. کلدی نام که یکی از وکلای ملت بود به مجلس اظهار داشت که نگاهداشتن سیاهان به طور بنده و خرید و فروش آنها که در بعضی ایالات اتائونی رسم و معمول است در همان ایالات محدود باشد و این ظلم به سایر ایالات اتائونی سرایت نکند و دولت مانع باشد. مجلس وکلای دولت قبول این تکلیف نمودند و لهذا پرورش نگاهداری غلام و برده زیاد در اتائونی رواج گرفت و شیوع این عمل در ایالات جنوبی اتائونی مثل ایالت ویرژینی (۵) و کارولین (۶) به درجه ای رسید که تجارتی بزرگ از خرید و فروش سیاهان دایر گردید.

۳- Taylor

۴- Fillmore

۵- Virginie, Vignia

۶- Caroline = Carolina

تقویت دولت در رواج وانتشار این عمل قبیح به حدی بود که احکام اکیده صادر نمودند که اگر از بردگان و سیاهان که بنده بودند از سوء سلوک و ظلم مالکین خود فرار کرده به ایالتی که این رسم شنیع در آن مرسوم نیست رفته پناه بجویند حتماً باید آن ایالات آنها را به صاحبان خودشان مسترد نمایند. در ایالات شمالی اشخاصی که برضد این رسم و منکر خرید و فروش برده بودند بنای شورش گذاردند. جمعیت اتائونی در این سال به چهل و شش کرور و دو بیست و چهل و شش هزار و سی و یک نفر رسیده که در ظرف ده سال دوازده کرور به واسطه مهاجرین فرنگ بر جمعیت آن مملکت افزوده و علاوه شده بود. ژنرال ارلنستا در مکزیك به ریاست برقرار شد.

بعضی از مطالعه کنندگان که چندان خبیر و بصیر در وقایع و حوادث عالم نیستند و تفصیلی را که مادر باب سیاهان که در ینگی دنیا برده بودند نوشته ایم درست ملتفت نشده شاید از روی عدم بصیرت و اطلاع به ما ایراد کنند که مقصود چه بود یا این که جمعی طالبان علم و اطلاع از تواریخ واقعاً بخواهند بصیرتی حاصل نمایند لهذا لازم بود که قدری از جاده وقایع نگاری تمام عالم در ضمن این سال که هزار و دو بیست و شصت و هفت هجری است قدم بیرون گذاشته تاریخ بنده گرفتن و خرید و فروش آن را که در تمام عالم چه وقت رسم شد و چه شد که در اتائونی ینگی دنیا در سنه هزار و هشتصد و شصت و پنج مسیحی مطابق هزار و دو بیست و هشتاد و دو هجری بعد از خونریزی زیاد این عمل شنیع را موقوف نمودند بنگاریم اما چون این تفصیل را موقعی بهتر از این هست در آن موقع ذکر خواهد شد.

اسپانیا:

مراوده و دوستی این دولت با انگلیس بعد از آن که چندی بود مقطوع شده مجدداً در این سال برقرار شد. ژنرال لوپز (۷) نام جمعی رجاله و او باش ینگی دنیا را با خود متفق نموده که جزیره کوبای ینگی دنیا را که در تصرف اسپانیول است تصرف نماید. ولی کوشش او بی فایده شده و متمرثمیری نگشت.

آلمان:

در این سال در مملکت اتریش ایجاد قانون جدید شد. پادشاه پروس مخالفت امپراطور اتریش را در بعضی مسایل راجعه به آلمان آشکارا جرأت اظهار نمی نمود و از آن طرف دولت اتریش از عظمت دولت پروس وحشت داشت. بیست ایالت از ایالات نمره دوم آلمان با پروس متحد شدند. در شهر فرانکفور مجلس پارلمان تمام ممالک آلمان به واسطه کنت دنون مأمور اتریش مفتوح شد. در شهر ورشو لهستان مجلس گفتگویی منعقد شد که امپراطور نیکلای مرحوم پادشاه ممالک روس و پرنس شوارتزنبرگ (۸) وزیر اعظم اتریش و چند نفر از شاهزادگان پروس قراری در اتحاد آلمان و دوستی بین الدول این مملکت بدهند. دولت پروس خیال فرستادن وکیل در مجلس پارلمان که در شهر فرانکفور منعقد است ندارد. نزاع مابین دولتین پروس و اتریش نزدیک شد که در بگردد. مسیو رادویز (۹) به وزارت خارجه پروس برقرار شد. ملاقات امپراطور اتریش و پرنس شارل پروس و کونت براندوتووک وزیر اول پروس و مرحوم امپراطور نیکلا در پائیز این سال بود. استعفای مسیو رادویز پولیتیک پروس را تغییر داده از صرافت مخاصمه با اتریش افتاد. وزرای اعظم پروس و اتریش به جهت انعقاد مصالحه در اولموتز (۱۰) ملاقات کردند. به واسطه نزاع مابین دانمارک و ایالت هولستن در برلن مجلس کنفرانسی به خواهش دولت انگلیس منعقد شد. یاغیان هولستن از عساکر دانمارک شکست خوردند. دول انگلیس و فرانسه و اتریش واسطه اصلاح مابین دولت دانمارک و یاغیان هولستن شدند. دولت پروس قبول میانجی گری و اصلاح نمی کند.

جمعیت مملکت پروس در این سال به سی و دو کرویر و سیصد هزار و یک صد و هشتاد و شش نفر رسید.

محض قناعت در مخارج دولت، در اتریش هشتاد هزار از قشون خود کسر نمودند.

انگلیس:

لورد پالمستون که در این سال وزارت خارجه این دولت را داشت

در بعضی مسائل جزئی به دولت یونان ایراد وارد آورد و یک دسته کشتی جنگی انگلیس تا پیره بندریونان رفت و آنجا لنگر انداخته دولت یونان را تهدید به جنگ نمود. دولت فرانسه میانجی شده انگلیس قبول وساطت او را ننمود. دولت فرانسه سفیر خود را از لندن احضار کرد. ولی زیاده از یک ماه نشد که میان فرانسه و انگلیس اصلاح شد.

سیر روبرت پیل (۱۱) که از معارف انگلیس بود در تابستان این سال از اسب بر زمین خورده هلاک شد.

سیم تلگراف بحری که فرانسه و انگلیس را از کاله (۱۲) به دوور (۱۳) به هم اتصال می دهند ایجاد شد. بنای عمارت بلور به جهت اکسپوزیسیون آینده در انگلیس نیز در این سال شد.

ایتالیا:

در مجلس شورای ملتی قرار گذاردند که در ممالک ایتالیا که متعلق به ویکتور امانوئل است علمای دین به هیچ وجه نباید مداخله به اجرای قانون و صدور احکام نمایند. قانون همان قانون دولتی است و همه مطیع آن هستند. نیز بست در معابد و کلیساها موقوف باشد. کاردینال آنتونلی صدراعظم بر ضد این قرارداد، احکام از طرف پاپ به کشیشان صادر نمود. کشیش اعظم چون اطاعت این احکام نکرد مغلولاً در قلعه این شهر حبس شد. کونت کاوور که از روزنامه نویسیها بود جزء وزرا شد. شش هزار نفر از عساکر اطیش در ایالت تسکان (۱۴) به جهت حفظ خانواده والی متوقف هستند. پاپ که فراراً از روم مهاجرت کرده بود اوایل بهار وارد رم شد.

پورتوغال:

دو کشتی جنگی وارد دهنه رودخانه تاج که از وسط لیزبون پایتخت می گذرد شده دولت را تهدید کرد که قراری در چند مسئله که از قدیم در میان اتائونی و پورتوغال مابین النزاع بود بگذارد. پادشاه سود (۱۵) ونروژ بین دولتین حکم شد.

۱۱- Sir Robert Peel

۱۲- Calais

۱۳- Douvre

۱۴- Toscane

۱۵- Suède

چین:

در این سال امپراطور چین طاو کوانک در حیدی (؟) در گذشت و پسر چهارم او ایشنک که نوزده ساله بود به جای پدر بر سریر سلطنت چین جلوس نمود.

دانمارک:

با وجود وساطت فرانسه و انگلیس و اطیش و سودونروژ و حضور سفاین جنگی روس در سواحل دانمارک به جهت کمک این دولت و اثبات حقوق او در دویالت اسلشویک و هولستن که با او یاغی هستند، باز یاغیگری برجا و اهالی آلمان علی الخصوص پروس محرک یاغیان است و از فرستادن قشون و آنچه لازمه تقویت است برای یاغیان کوتاهی ندارد.

روس:

در این سال دولت روس با طایفه چرکس و لگزی که رئیس ایشان شامیل است منازعه سختی نمود و اول و هله شامیل بر عساکر روس غلبه کرد. اما بعد مغلوب و به کوههای داغستان فراری شد. شورش رعایا به ارباب خود در بعضی ایالات در این سال بود.

سوئز: (۱۶)

اول بروز و با در این مملکت در این سال بود.

سویس:

در این سال بعضی آزادی طلبان آلمان و فرانسه در این مملکت پناه یافتند.

اول صعود به کوه یزینان (۱۷) که چهار هزار و پنجاه و دو ذرع از سطح دریا ارتفاع دارد در این سال بود.

تمام جمعیت سویس در این سال چهار کرور و سیصد و نود و سه هزار و نهصد و سی و یک نفر است.

عشانی:

در این سال وبای شدیدی در تونس و طرابلس بروز کرد.

فرانسه:

ایجاد قانون در تعلیم و تعلم که در هر ایالت باید يك مجمع - العلوم (۱۸) باشد در این سال بود.

پرنس لوئی ناپلیون رئیس جمهوری فرانسه به ایالات شرقی و نورماندی مسافرت کرد.

لوئی فیلیپ پادشاه سابق فرانسه در سن هفتاد و هفت سالگی در قصر کلارسون در انگلیس درگذشت.

بالزاک که از نویسندگان معروف بود درگذشت.
ژروم بوناپارت که عموی پرنس لوئی ناپلیون بود به منصب مارشالی فرانسه مامور آمد.

و در این سال مواجب رئیس جمهوری در سال به مبلغ دویست و شانزده هزار تومان معین گردید.

ورود اول کشتی بخار مستقیماً از نویرك (۱۹) ینگى دنیا به بندر هاور (۲۰) فرانسه در پائیز این سال بود.

مکزیک:

ژنرال اریستا در این سال به ریاست جمهور تعیین و منتخب شد.
وبای شدید در مكزیک بروز کرد.

مصر:

بروز وبای شدید در این مملکت در این سال شد.

شرح سال پنجم سلطنت

اعلیحضرت اقدس شاهنشاه جمجاه روحانفداه مطابق
با سال هزار و دویست و شصت و هشت هجری
تنگوزئیل ترکی

ذات ملکوتی صفات مقدس دامملکه از بدو این سال خیرمال مزید
آسایش رعیت ممالک محروسه و نظم بلاد و تربیت و ترقی عمومی را وجهه
همت ملوکانه فرموده به عدل و نصفیت متمسک و متقلد اعمال سلطنتی بودند.
شفیع خان چپرچی باشی التزام داد که مکتوبات بلاد به نظم به
صاحبان برسد و چاپاران زیاده از حق خود مطالبه نکنند.
میرزا مصطفی مستوفی ملقب به امین‌الملک شد.
خبرتتبییه و مخدول کردن سپاه منصور، طوایف تراکمه یاغیه را در
صحرای گرگان و استراباد به دارالخلافه رسید.
در سمنان زنی مولود ذکور آورد که دو دهان و دو دماغ و دو
گوش و سه چشم داشت. ولی آن مولود نماند.
در کرمانشاه ناخوشی وبا بروز کرد و بعد از چندی باران آمده
پس از نزول رحمت ناخوشی به کلی تمام شد.
میرزاغفارخان به نیابت دویم وزارت جلیه خارجه برقرار شد.
میرزا سعیدخان به لقب مؤتمن‌الملک نایل و به‌مراحم مخصوصه
سر بلند شد.

فوج زنگنه کرمانشاه که تازه گرفته شده وارد دارالخلافه شد.
نورالله خان شاطرانلو نایب آجودان باشی را سرهنگ فوج خواجه‌وند
عبدالملکی فرمودند.

صیدمحمدخان حاکم هرات پسر ظهیرالدوله که میرزا بزرگ را با
پیشکش به‌دربار معدلت مدار فرستاده بود محض بذل عاطفت و تسلیت
او در فوت ظهیرالدوله میرزا احمدناظم دیوان را روانه هرات واسبی
یراق طلا و کاردی مکمل و خلعتی فاخر برای صید محمدخان عنایت
وارسال فرمودند.

از خراسان خبر رسید که پنج شش هزار سوار ترکمان سرخی
به‌نهب تربت حیدریه آمده نواب والا حسام‌السلطنه خبر شده جمعی را
برسر آنها فرستاده جنگی عظیم درگرفته تراکمه را مقهور و بسیاری
از ایشان را مقتول زیاده از دویست و پنجاه نفر اسیر و سربهدست قشون
ظفرنمون افتاده باقی فرار کردند.

نواب والانصره‌الدوله حکمران فارس بامحمدقلی خان ایل‌بیگی
برای نظم و سرکشی به‌طرف کوه گیلویه و بهبهان رفتند.
میرزا باقرخان امیر طبس به‌یزد آمد.

یکی از کشیش‌های ینگه‌دنیائی ساکن ارومی تخم‌پنبه ینگه‌دنیایی
در ارومی کاشته حاصل آن بسیار خوب شد. لهذا قراردادند که از این
تخم بسیار بکارند و این زراعت را رواج دهند.

برای این که مردم بی‌سر رشته خود را طبیب قلم ندهند و به‌طبابت
فوج داخل نشوند مقرر شد اطبای فوج در اداره دکتر کازولانی حکیم—
باشی نظام باشند و به‌تصدیق مشارالیه طبیب هر فوج مشخص شود.
محمدخان که نایب‌الحکومه مازندران بود به‌حکومت ارومی برقرار
گردید.

ریش‌سفیدان تراکمه سرخس در خدمت نواب والاحسام‌السلطنه
منتقل انقیاد و خدمتگزاری شده با عباسقلی خان بیگلربیگی شهر مشهد
که مأمور حکومت سرخس گردیده بود روانه آن محل گردیدند.

شب چهارشنبه چهارم محرم در تبریز دوساعت از شب گذشته
زلزله شدید شده نزدیک صبح نیز مجدداً زلزله می‌شود. قبل از زلزله

سه چهار روز برف زیاد آمده و بعد باران بسیار بارید.

از وقایع این سال آن که روز بیست و پنجم ماه محرم به اقتضای رای صواب نمای همایون و نظر به مصالح ملکی میرزا تقی خان اتابیک اعظم از منصب امارت نظام و وزارت عظمی و لقب اتابیکی و سایر مشاغل و مناصب به کلی خلع و معزول شده و میرزا آقاخان اعتمادالدوله به جای او به تفویض منصب صدارت عظمی انتخاب و مفتخر گردید.

مساعی جمیله برای نظم راه خراسان و آسایش زوار نمودند. این اوقات يك شب سیلی عظیم در تبریز آمد ولی خرابی به شهر وارد نیاورد.

و چون اکثر اوقات فی مابین جدیدالاسلام آرامنه و یهود و گبرها در باب اموال متوفی گفتگو بود حکم شد رسیدگی به این مرافعه مخصوص به دارالخلافه و دیوانخانه بزرگ پادشاهی باشد واحدی از حکام شرع و عرف ولایات مداخله در این کار نکنند.

چاپارخانه ها خوب منظم شد.

سیصد نفر ملازم از اهل اشرف و توابع مامور مستحفظی دروازه های شهر دارالخلافه شدند.

قراولخانه برای مستحفظین در راه و معابر تراکمه دشت گرگان و استرآباد ساخته شد.

اعتمادالدوله صدراعظم به عصائی مکمل به الماس و یک ثوب جبّه ترمه شمسه مرصع و بند کاغذ شرابه مروارید نشانه صدارت عظمی نایل گردید.

محمد حسن خان سردار به اعطای يك قطعه نشان تمثال همایون سرافراز گشت.

حاجی بیجن خان را به منصب پیشخدمت باشی گری و ریش سفیدی عمله خلوت و تفنگدار باشی گری مفتخر فرمودند.

نواب والا خانلر میرزا که در حکمرانی عربستان و لرستان و بروجرد و بختیاری و تعمیر پل شوشتر و بستن بند نهرها و سایر خدمات، مساعی جمیله مبذول داشته بود ملقب به احتشامالدوله شد. منصب امیر نظامی حسب الامر متروک شد.

عزیزخان آجودان باشی در خدمات مرجوعه مستقل ویک قبضه شمشیر به او عطا فرمودند.

خانه نزول که در لرستان رسم بود حسب الامر منسوخ و حکم شد برای حاکم و نوکر عمارت دیوانی بسازند و نهر آبی از سمت بالای شهر به شهر بیاورند و به جهت آسایش قوافل از دزفول تا خاک بروجرد در هر منزل قلعه بسازند.

برای تنظیف شهر دارالخلافه قراری مجدداً گذاردند.

ساختن تفنگ و چخماق در اصفهان ترقی کرد.

در باب آبله کوبی اطفال قدغن اکید شد.

نارین قلعه حسب الامر در شیراز بنا نمودند.

اسدالله خان امیر آخور به اعطای یک قبضه شمشیر نایل و مورد مراحم مخصوصه شد.

میرزا فتح الله برادرزاده جناب صدراعظم را لشکر نویس باشی فرمودند.

وحاجی علی خان والد مؤلف که از اول دولت به منصب فراشباشی - گری برقرار و بعد مهام خیامخانه و تعمیر و بنائی باغات و عمارات دیوانی دارالخلافه و سایر ممالک مخروسه و عزل و نصب فراشباشیان عموم ولایات و انتظام امر مهمانخانه دولتی به عهده مشارالیه محول شده در جمیع این خدمات نیز در ساختن سربازخانه ها و قراولخانه های شهر کمال کفایت را به کار برده ملقب به حاجب الدوله شد و یک قبضه قمه مرصع به او مرحمت فرمودند.

بسیاری از افواج و سواره مامور خراسان اخضار به دارالخلافه شده به همه مواجب داده و بذل مراحم نموده مرخص شدند که چندی آسوده باشند.

مبلغی وجه نقد به جهت قشون استرآباد فرستاده شد. برای قشون مأمور و متوقف خراسان نیز وجهی فرستاده شد.

رودخانه کرخه که سابق به ولایت حویزه می رفت و چند سال است به مسیر دیگر افتاده مقرر فرمودند آن را به واسطه سدی در مجرای اول جاری کنند.

عمارت ملکی محمدخان مصلحت گذار اسلامبول واقع در شهر

مزبور را مشارالیه به دولت علیه به ده هزار تومان فروخته و قرار دادند سفارتخانه برای سفرای ایران که مامور آن پایتخت می‌شوند باشد. بندگان اعلیحضرت همایون محض بذل عاطفتی خاص درباره جناب صدراعظم به خانه معظم‌الیه تشریف‌فرما شده جناب صدراعظم حد تشریفات و احترامات را به عمل آوردند.

سرتیپی افواج جدید اصفهان را به مصطفی‌قلی‌خان قاجار تفویض فرمودند.

بعضی قلاع صعبه لارستان و گرمسیرات فارس که مسکن طاغیان بود به اتمام نواب والانصره الدوله مفتوح و خراب شد و از آن جمله قلعه سفید معروف بود و قلعه شهریار که از دروازه آن تابالای کوه تقریباً ربع فرسخ بود و جمیع آن را با سنگ و گچ ساخته بودند و چند برج و هر برجی موسوم به اسمی چنان که برج سمت شرقی موسوم به غراب و برج سمت غربی موسوم به دولاب و برجی در سمت شمال از ساروج موسوم به لیلی و مجنون و برجی در وسط کوه موسوم به برج حاکم گیر.

شیخ حسین عرب که با میرزا حسنعلی‌خان حاکم بندر بوشهر از در تمرد برآمده به جزیره خارك رفته بود میرزا حسنعلی‌خان جزیره را متصرف و شیخ حسین فرار به کسبا که جزء محمره است نمود. استادحسن نام تبریزی دو صندوق خزینه بسیار خوب ساخت که مثل صندوقهای خوب فرنگی بود و یکی يك خروار وزن داشت. عید مولود مسعود همایون را در تمام بلاد ممالك محروسه با کمال شادی و شکوه گرفتند.

بنای افتتاح مدرسه مبارکه دارالفنون شد.

تشبیب دربنای مدرسه مبارکه دارالفنون و دایر شدن آن

پوشیده نیست که در قرون و اعصار قدیمه، بلاد و ممالك محروسه ایران مجمع علوم عالیه و گنجینه صنایع شریفه و مسکن حکمای بزرگوار و موطن فضایل فرخنده آثار و ملت آن مقدم ملل و دولت آن را بر سایر دول برتری بوده. علاوه براین که متون تواریخ و سیرشاهد این مدعا

است کتب حکم و نصایح بعضی سلاطین و بزرگان قدیم این مملکت از قبیل جاماسب و هوشنگ و غیره هنوز باقی و به السنهٔ مختلفه ترجمه شده محل تمجید و توصیف اکابر و دانشمندان زمان می باشد و آثار باقیهٔ تخت جمشید نیز اقوی دلیل است که در عهد قدیم محترفهٔ عجم دارای صنعت حجاری و نقاری و علم هندسه و جراثقال و مناظر و مرایا و بعض علوم و صنایع دیگر را به کمال داشته اند. و اگر از علمای آن قرون کتب و نسخ عدیده به دست نیست - برخلاف مصنفین لاتین و یونان و مولفین هندی و برهمنان و غیرهم که نتایج افکار آنها باقی و دفاتر مؤلفهٔ ایشان موجود است - این معنی را حمل بر خالی بودن ایران از حکما و فضلا و اطبا و شعرا نمی توان کرد بلکه اسباب و علل این امر بر مطالعه کنندگان اخبار سلف معلوم و جهت معین است. یکی آن که قبل از اسکندر یونانی، روسای مذهب عجم مقتدر و در کلیهٔ امور مداخله داشتند و حتم بود که ارباب مناصب از این طبقه باشند. چنان که اطبای سلاطین از مغان و این معنی سبب اختلاط علوم عقلیه و نقلیه گردیده هر دو در یک مدرسه تحصیل می کردند. مدارس متعدد نبود و جای کتب جز در معابد نه. چون اسکندر بردار را غالب آمد، معبد چهل منارهٔ اصطخر را بسوخت و تمام کتب علمیه آتش گرفته برباد فنا رفت و کتابها که در امتداد زمان سلطنت کیان در آن معبد جمع شده و از عدم اسباب انتشار از قبیل کاغذ محرر تا چه رسد به دارالطباعه و طبع کننده، هر نسخه منحصر به فرد بود نابود شد و پس از اسکندر کار به ملوک الطوائف می گذشت و سلطانی مستقل نبود که مشوق اهل علم شود و فضل و هنر قوت و رواج گیرد و علوم طامسه احیا گردد. سلاطین اشکانی اگر چه اقتداری داشتند و غالباً باقیاصرهٔ رومه الکبری مقابلی کرده بر آنها غلبه می نمودند، اما تمام همت آنها حصر در حفظ ثغور و حدود خود بود و مجال توجه و اقدام به تربیت علما و نشر علوم و فضایل نکرده ناچار از این مرحله برکنار به راه ضرورات دیگر می رفتند. چون دور سلطنت بد ساسانیان رسید، مملکت را از سمت عراق عرب و آن نواحی بسطی حاصل و اعراب حیره و شامات را به تدریج استعدادی مهیا شد و پایتخت قیاصره از رومه الکبری منتقل به قسطنطنیه و قرب جوار مورث زحمت بسیار گردیده این طبقه سلاطین نیز دایماً در سرحدات آناتولی باقیاصره در جدال بودند و بنا بر مصلحت وقت پایتخت

و مرکز سلطنت را تغییر داده تارک عراق عجم [شدند] و عراق عرب را دارالملک خود قرار دادند و شهر طیسفون را بنا کردند. این اتفاق نیز سبب تغییر وضع و تربیت علوم عجم و تفاوتی کلی در این کار پدید آمد. یعنی بقیه علم این ملت با معلومات جدید عرب، نیز با علوم یونانی و رومی مختلط و مرکب گردید. طرح و سبک حجاری طاق‌بستان (وستام) و تباین آن با وضع تخت‌جمشید می‌نماید که استادان این دو صنعت اهل یک مملکت نبوده و کاری که در طاق‌بستان شده به صنایع کارکنان یونان بیشتر شبیه است و موید این قول روایت یا قوت حموی است که در معجم‌البلدان گوید حجار طاق‌بستان قطوس بن سنمار بوده. همچنین اسامی معماران معروف معاصر سلاطین ساسانی از قبیل سنمار و شید که خورنق و سدیر را بنا کردند و بنا بر عقیده آنها که ایرن معروف به شیرین زوجه خسرو پرویز را دختر امپراطور روم مریس (۱) دانند، نکسا و باربد دونفر معلم علم موسیقی بودند که با شیرین به ایران آمده در رواج این علم کوشیدند.

بهر تقدیر در اختلاط علم عجم با عرب و روم و یونان ریسی نیست و آن را نیز در استیلای عرب بر عجم حسنا کلام الله گفته سوزانیدند و این عمل شنیع مکرر شد. چنان که طاهر ذوالیمینین نیز در جرق کتب ابرامی داشت. اما با عروض این سوانح و آفات، بعضی از خلفای بنی‌امیه خاصه عمر بن عبدالعزیز مهیا و مجد در تجدید مراسم علوم گردید و چون دور بنی عباس شد به تخصیص هارون الرشید و مأمون جهدی کردند و به نشر علوم و فضایل پرداختند. کتب علمی یونانی به عربی ترجمه شد و مدارس و کتابخانه‌ها در بغداد ساخته و به سعی این دو خلیفه و سایر در عراق عرب بیشتر و در ممالک عجم کمتر مجدداً علم را رونقی حاصل آمد. ولی تدوین آن مخصوص به زبان عرب شد و از آن وقت علمای نامی و حکمای بزرگ و شعرای ناقد مثل معلم ثانی حکیم فارابی و رئیس - الحکماء شیخ ابوعلی و ابوعلی مسکویه و خواجه نصیرالدین و قطب‌الدین و اسحق بن حنین و قرشی (؟) و فردوسی و مسعود سعد سلمان و انوری و شیخ سعدی و امثالهم به درجه کمال رسیدند. ولی فقط دو چیز مانع کلی و سبب نقصان بود: یکی سرعت زوال ملک طبقه‌ای به سبب غلبه و اقتدار

طایفه دیگر وقت دوام و بقای سلطنت دريك خاندان. ثانی ضیق مجال و وقت برای مقارنت علم و عمل. و فی الحقیقه این منقصت نیز راجع به علت اولی بود و غرض از علوم که فوز به منافع و دفع مضار و فواید عمومی است در حجاب توارى مستور بود و چون این مأمول قرین حصول نمی شد، غالباً اهل مملکت محتاج به عالمان و صنعتگران ممالك خارجه می شدند. چنان که در زمان صفویه معماران ابنیه ایران و نقاشها فرنگی بودند بلکه بیشتر نقاشی عمارات اصفهان و مازندران را که در آن اوان بنا شده نقاشان هندی و کشمیری کرده اند. راه شوسه که در مازندران صفویه ساختند مباشرتیک نفر مهندس هلاندی بوده. پلها که در راه مشهور مازندران ساخته بودند از طرز آنها می توان دانست که کار معماران ایران نیست. بالجمله زمان درك این سعادت و مساعدت اسباب و اقتران نتایج با مقدمات بنابر حکمت و مشیت حضرت واهب العطا یا مخصوص به اوان شهر یاری این خسرو عادل صاحبقران بود که به یمن همت شاهانه آب رفته به جوی آرد و رسوم منظمه را مجدد نماید. اگرچه اجداد امجاد پادشاهی - که تربت ریحان نکه تشان به آب رضوان و مغفرت سیر آب باد - نهال این ثمر نشانده و تخم این امل افشانده اند، اما خواست خداوندی جمع این حاصل و ضبط این محصول را مخصوص ذات ملکوتی صفات مقدس خواست و این صحیفه به نام همایون او آراست. کاری که خدا کرد یقین مصلحتی راست.

نتیجه این که از اول جلوس ابد مأنوس محض استیفا و بهره کامل علوم اهالی ممالك مجروسه از فواید و منافع علم و تربیت، هم همایون بر نشر علوم جدیدۀ ریاضی و طبیعی و شیمی و قواعد متعلقه به نظام سواره و پیاده و توپخانه و سایر انکشافات علمای فرنگ مقصور آمد و چنان که در شرح سال قبل ذکر شد بنای مدرسه مبارکه دارالفنون در ارگ پادشاهی در محلی که اکنون واقع در میان خیابان ناصریه و خیابان الماسیه است نهاده و معلمین برای هر علمی از دولت استریه طلبیده و مسیو جان داود مترجم اول دولت علیه که به این ماموریت به وینه رفته بود اعلیحضرت امپراطور استریه او را با نیل مرام معاودت داده چند نفر معلم با او همراه نمودند و او را به ازای این خدمت به عطای یک رشته حمایل سرخ

سرتیپی سربلند فرموده. اسامی معلمین از این قرار است (۱):

مسیو بارون گومونس (۲) معلم پیاده، مسیو اوکشت کی ژیر (۳) معلم توپخانه، مسیو کولوسطی (۴) معلم مهندس، مسیو مرو معلم (۵) سواره - نظام، دکتر پولاک معلم طب (۶) و جراحی، مسیو چارتوتا معلم علم - معدن (۷)، مسیو کوکاتی معلم علم دواسازی (۸).

بعد از آن که معلمین مزبور به دارالخلافه رسیدند و طرف شرقی مدرسه مبارکه نیز تمام شد، روز یکشنبه پنجم ماه ربیع الاول این سال یکصد نفر از اولاد شاهزادگان عظام و امرا و اعیان و رجال دولت که برای تحصیل در این مدرسه منتخب شده بودند، به توسط میرزا محمد علی خان وزیر دول خارجه، شرف اندوز خاک پای مبارک شده بعد از آن به مدرسه مبارکه آمده به میمنت شروع به تحصیل کردند و در این روز دارالفنون افتتاح یافت و حسب الرسم تشریفات معمول عمل آمد. و ابتدا علمی که شروع شد مشق پیاده نظام و مشق توپخانه و مشق سواره نظام و هندسه و طب و جراحی و علم دواسازی و علم معدن بود و مقرر شد هر دسته لباس علی حده بپوشند که فقط از وضع لباس شغل هر یک معلوم شود و قراردادند مترجمین از برای مدرسه تعیین کنند و از آن روز علوم جدید و انکشافات نافعه ملل فرنگ که در چند مائه به زحمت بسیار و مشقت بی شمار معلوم شده بود در این مملکت شروع به انتشار نمود. و از آنجا که نگارنده اوراق خود در این مدرسه فردوس رواق سالها به شرف تحصیل مشرف بوده بر ذمت خود لازم نمود که اسامی اشخاص معروفی که در این مدرسه

۱- نام این معلمین به صورتهای مختلف و همه مغلوط در کتابها آمده. صورت درست

این نامها بر اساس کتاب دکتر پولاک چنین است:

۲- Gumonos (گومونس) ۳- Kreziz (کرزیز) ۴- Zattie (زاتی)
۵- Remiro (ریرو) ۶- Polak (پولاک) ۷- Czarnotta (چارنوتا)

۸- این کلمه نیز تصحیفی است از نام فولتی. درین خصوص رجوع شود به کتاب

«امیر کبیر و ایران» تألیف فریدون آدمیت فصل ۱۷ قسمت اول (دارالفنون).

مبارکه تحصیل نموده و تربیت شده و به خدمات بزرگ دولت نایل و به مناصب عالیّه فایز شده‌اند در ذیل ثبت نماید تا بر مطالعه کنندگان معلوم شود که ایجاد این بنا چه مایه سودمند و مثمرثمر و منتج اثر بوده و خواهد بود.

نواب مستطاب والا شاهزاده آزاده علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه بن خاقان مغفور فتحعلی شاه طاب الله ثراه که عالمی یگانه و جامع جمیع مراتب علمیه می باشند، اگرچه در سنه هزار و دویست و هفتاد و دو رسماً به وزارت علوم و صنایع برقرار شدند، ولیکن از ابتدای ایجاد مدرسه هرکس رئیس بود در حل و عقد امور به دستور العمل نواب معظم‌الیه رفتار می کرد.

رضاقلی خان امیرالشعراء متخلص به هدایت هزارجریبی مازندرانی که از امرای زمان شهریار مبرور ماضی محمدشاه طاب الله ثراه بود و شرح مسافرت و سفارت ایشان به خوارزم در ضمن نگارش سائ قبل مسطور شد بعد از مراجعت از خوارزم، به نیابت وزارت علوم و ریاست مدرسه مبارکه دارالفنون نایل و مدت هجده سال با کفایتی تمام و درایتی عالی به مزاولت این عمل برقرار بود. بعد از آن، نظر به کمال اعتماد و اطمینان به مراتب عقل و دیانت و خصال حمیده معزی‌الیه، منصب‌الله‌باشی گری حضرت شاهنشاه - زاده اعظم ولیعهد گردون مهد دولت علیه ایران مظفرالدین میرزا ادام‌الله تعالی اقباله‌العالی را به ایشان تفویض فرموده که در ادب نفس و درس حضرت مستطاب معظم‌الیه مراقب و ساعی باشند. لهذا به آذربایجان رفته چند سال در آنجا به این خدمت مشغول و بعد به دارالخلافه مراجعت کرده در سال هزار و دویست و هشتاد و هشت به رحمت ایزدی پیوست. مرحوم مشارالیه روح‌الله روحه دایم به تصنیف کتابی و تألیف دفتری مشغول و مصنفات ایشان بسیار و اسامی آن کتب نفیسه از این قرار است:

انوارالولایه به وزن مخزن الاسرار، گلستان ارم معروف به بکتاش‌نامه، بحرالحقایق به وزن حدیقه، انیس‌العاشقین، خرم بهشت به وزن تقارب، هدایت‌نامه به وزن رمل، منهج‌الهدایه، رساله مدارج‌البلاغه، مظاهر - الانوار، مفتاح‌الکنوز، لطایف‌المعارف، فهرست‌التواریخ، اجمل‌التواریخ، تذکره ریاض‌العارفین، نژادنامه، تذکره مجمع‌الفصحاء، اصول‌الفصول فی حصول‌الاصول، فرهنگ انجمن آرای ناصری، سه جلد روضه‌الصفای

ناصری. از مرحوم رضاقلی خان طابت تربته دوپسر ماند: یکی علیقلی خان ملقب به مخبرالدوله که از معلمین اول این مدرسه مبارکه و متدرجاً به شغل کتابداری و بعد به منصب آجودانی رسیده در سنه هزار و دویست و هفتاد و دو، که شروع به امتداد سیم تلگراف از طهران به سلطانیه می شد، ریاست مأمورین این کار به ایشان مفوض و از فرط کفایت در مدارج ترقی بودند تا اکنون که وزیر تلگرافخانه های کل ممالک محروسه ایران گردیدند، در عساکر منصوره سرتیپ اول و در مجمع وزرا وزیر تلگراف و به خطاب جنابی مفتخر و دارای تمثال بی مثال همایون هستند. و در سال هزار و دویست و نود که موکب همایون به فرنگستان تشریف فرما شد ملتزم رکاب اعلی و چندین نشان از دول فرنگ به ایشان داده شد.

پسر دویم جعفرقلی خان نیز از شاگردهای اول مدرسه و از متعلمین علم هندسه و ریاضی و در فنون مزبوره تحصیل کامل نموده و در زبان فرانسه به درجه ای رسیدند که در لسان مذکور تحریرات ایشان را درجه ای لایق و خالی از اغلاط املائی و غیره است. معزی الیه نیز پیوسته در طریق ترقی و از روی امتحان و قابلیت ارتقاء جسته جالا رئیس مدرسه دارالفنون و در نظام رتبه سرتیپی اول و حمایل و نشان این رتبه را دارا می باشند.

محمدحسین خان ولد محمدحسن خان اصفهانی که از اعظام نجبا و از بزرگان آن سامان می باشند بدو از متعلمین علم توپخانه بودند. پس از مدتی تحصیل و دریافت بهره وافیه از مراتب علمیه چون شخصی کافی و مجرب و مردی قابل و مهذب است به مرتبه آجودانی رسیده و از این مرتبه نیز بعد از چهار سال ارتقاء جسته ناظم مدرسه مبارکه دارالفنون و تاکنون به این مرتبه و به منصب سرتیپی سیم سرافراز است.

محمدتقی میرزا ولد شاهزاده شیردل میرزا معروف به شاهزاده آخوند که از متعلمین علم نظام بود، چون فرط ذکا و فطانت و سیاق اطوار پسندیده و رفتار درست او در زمان تحصیل معلوم و مشهود گردید پس از فراغ از تحصیل به منصب سرهنگی و آجودانی مدرسه مبارکه نایل و برقرار آمد. مؤلف گوید پس از این تشبیب، به جهت بسط و اطلاع ناظرین در این فصول، جمیع طبقات اهل مدرسه مبارکه را از معلم و متعلم به ترتیبی که باید در ذیل می نگاریم و محض تسهیل عمل مطالعه کنندگان در نگارش اسامی هر طبقه رعایت حروف تهجی را نمودم، ملاحظه شان را نکرده و

آن خود در ضمن به اعتبار علم و منصب و مقام و ماموریت و حکومت و غیره مفهوم می شود.

و پوشیده نباشد که در افتتاح مدرسه مبارکه، مرحوم عزیزخان سردار کل به ریاست مدرسه برقرار و کفایت این امر مهم می نمود و عبدالحسین خان ولد علینقی خان آجودان از جانب سردار کل نیابت داشت و جناب مخبرالدوله آجودان و کتابدار مدرسه بودند و بعد از مرحوم عزیزخان، مرحوم محمدخان امیرتومان چندی این منصب جلیل را دارا بود و در این امتداد مدت نواب مستطاب اشرف والا اعتضاد السلطنه وزیر علوم به اتفاق فحل فاضل عالم اوحد مرحوم آخوند ملا علی محمد اصفهانی که در حساب و ریاضی و علوم غربیه و سایر مراتب علمیه مردی فرید و ثانی اثین غیاث الدین جمشید بود و در حضرت وزارت علوم محلی منبع داشت غالباً برای امتحان به مدرسه مبارکه آمده عیار و معیار کار را سنجیده و دیده و به جزئی و کلی امور رسیده دستور العملی لازم می دادند و تشدید قواعد را بنیانی نیکو می نهادند تا در سال هزار و دویست و هفتاد و دو از جانب سنی الجوانب همایون یکباره کفایت مهمام مدرسه مبارکه بر عهده نواب مستطاب معظم الیه موکول آمد و از آن زمان الی الان به خوبترین قانون و اسلوبی مهمات این عمل را کفایت کرده اند.

معلمین قدیم و جدید فرنگی

مسیو اندرنی (۱) معلم پیاده نظام - اواسط .
 بارون صاحب از اهل سویس که در خدمت دولت اطریش بود، معلم پیاده نظام - قدیم.

دکتر پیولاک نمساوی معلم علم طب - قدیم.
 مسیو بهلر (۲) فرانسوی معلم علم ریاضی - قدیم.
 مسیو بنزک فرانسوی معلم علم هندسه - اواسط .
 مسیو پشه (۳) ایتالیائی معلم پیاده نظام - قدیم.
 مسیو پتی (۴) فرانسوی معلم پیاده نظام - قدیم.

مسیو پروسکی (۵) که به منصب آجودانی وزارت عسکریه رسیده حالادارای منصب سرتیپی است معلم زبان فرانسه وجغرافی وشرح خدمات والد او مسیو بروسکی امیرتومان که از بزرگ زادگان «له» بود بیاید. مسیو چارنتا نساوی معلم علم معدن.

مسیوریشارخان فرانسوی سرتیپ معلم زبان فرانسه از فضایی معلمین وازقدیم تابه حال به معلمی وتالیفات رایقه مشغول ومردی از همه جا آگاه است.

مسیوساتی ایتالیایی معلم علم هندسه - قدیم.
دکتر شلیمر (۶) از فضایی اطبا وحکیمی مجرب صاحب تصنیفات عالمانه - قدیم.

مسیو طیلر (۷) معلم زبان انگلیسی - حال.
مسیو غراف غراچای (۸) اطریشی معلم علم تاکتیک - قدیم.
مسیو فوکتی (۹) ایتالیایی معلم علم طبیعی - قدیم.
مسیو کرشیش نساوی معلم علم توپخانه - قدیم.
مسیو گاژریلو ایتالیائی معلم نقاشی - قدیم.
مسیو کنستان (۱۰) معلم نقاشی - واسط.
مسیولمر (۱۱) معلم علم موزیک - حال.
کلنل ماتلانسو (۱۲) معلم پیاده نظام - قدیم.
مسیوپش فرانسوی معلم زبان فرانسه - قدیم.
میرزا ملکم خان اصفهانی معلم علم حساب وهندسه قدیم حالا ملقب به ناظم الملك و در لندن وزیرمختار دولت علیه ایران است.
میرزا مادروس خان از اهل جلفای اصفهان در طفولیت به مسکو رفته چند سال تحصیل زبان روسی وفرانسه نموده اینک در مترجمی این دوزبان حدمهارت وفرط ذکاوت دارد ودر مدرسه مبارکه به معلمی زبان روسی مشغول است.

مسیو نمیرونساوی معلم سواره نظام - قدیم.
مسیو نیکلای (۱۳) فرانسوی معلم توپخانه.

۶- Borousky	۷- Schlimmer	۸- Karaczay
۹- Foquetti	۱۰- Constant	۱۱- Lemaire
۱۲- Matrazzo	۱۳- Nicolas	

نظر آقا اهل ارومی معلم جغرافیا، حالا در پاریس وزیر مختار دولت علیه ایران است.
 مسیو وویلیه (۱۴) معلم علم معدن - حالا.
 مسیو هوری بلژیکی معلم زبان فرانسه - قدیم.

معلمین قدیم و جدید ایرانی

میرزا احمد حکیم‌باشی کاشانی معلم علم طب - قدیم.
 میرزا ابوالقاسم حکیم‌باشی از فحول علمای طب معلم علم طب - حالا.
 میرزا اسدالله مردی فاضل و معلم فارسی و عربی و پیش‌نماز مدرسه - حالا.
 ملاحسین معلم فارسی و عربی - اواسط.
 مرحوم میرزا رضای دکتر که در علم طب فرنگی عالمی یگانه و دکتري بی‌نظیر بود و در فرنگستان تحصیل کرده معلم علم طب.
 شیخ صالح معلم فارسی و عربی و پیش‌نماز - قدیم.
 میرزا عبدالغفار نجم‌الملک ولد مرحوم آخوند ملاعلی محمد اصفهانی دارای فضایل و علوم عالیه و رتبه منجم‌باشی گری اعلی حضرت اقدس همایون و منصب سرتیپی معلم کل علوم ریاضی - اواسط تا حال.
 میرزا علی اکبر خان (۱۵) نقاش باشی اعلی حضرت اقدس همایون که مدتی در فرنگستان به تحصیل و تکمیل علم و عمل نقاشی پرداخته و فی الحقیقه این صنعت بزرگ را به حد کمال دارا است و در علم زبان فرانسه نیز کامل معلم مشق نقاشی و زبان فرانسه - حال.
 میرزا علی دکتر همدانی که پس از تحصیل کلی حکیم‌باشی گری حضرت اشرف امجد شاه شاهزاده والا تائب السلطنه امیر کبیر را داشت به فرنگستان رفته تکمیل علوم خود نموده تصدیق مرتبه دکتري از علمای

پاریس گرفته بعد از مراجعت در سلك اطباء حضور همایون منسلک معلم علم طب فرنگی - حال.

علی خان نواده مرحوم رضاقلی خان روح الله روحه که در فنون علم هندسه و غیره متبحر و چندی در فرنگستان به تکمیل مراتب علمیۀ خود مشغول و بدرجۀ تحصیل افزوده معلم توپخانه - حال.

میرزا محمد کاظم محلاتی که در علم طبیعی و شیمی و غیره خلاصۀ اعصار و یگانۀ ادوار است و باجدی موفور مدتی در فرنگستان به تکمیل معلومات مجربۀ خود پرداخته و به رتبه عالی رسیده معلم فیزیک و شیمی - اواسط تا حال.

میرزا محمد خلیفه - قدیم تا اواسط :

مترجمین مدرسه مبارکہ دارالفنون

میرزا آقا.

میرزا جعفر.

محمد حسین خان قاجار.

میرزا رضا.

میرزا زکی خان.

حاجی شیخ محسن خان که الآن ملقب به لقب معین الملکی و از

کفایت رجال دولت علیه و مامور سفارت اسلامبول و در آن پایتخت مقیم است.

مبشرین مدرسه مبارکہ

میرزا اسحق، میرزا تقی، میرزا.... (۱) رئیس الکتاب.

میرزا یوسف لشکر نویس.

اسدالله خان کتابدار.

شاگردان مرتبه اول علم هندسه قدیم

میرزا اسماعیل نوری مدتی در مدرسه تحصیل کرده بعد خارج شد.
میرزا ابوتراب منسوب مهندس باشی مدتی در مدرسه تحصیل نموده
بعد خارج شد.

میرزا باقر تبریزی پس از مأموریت هرات همانجا مرحوم شد.
میرزا باقر ولد میرزا احمد مهندس.
جعفر قلی خان ولد مرحوم رضا قلی خان که شرح حالش ذکر شد.
حالا سرتیپ اول ورئیس مدرسه مبارکه می باشند.
میرزا جبار ولد میرزا رضای میزان آقاسی مشغول خدمات دیوانی
است.

میرزا جواد ولد میرزا کاظم پس از مدتی تحصیل از مدرسه
خارج شد.
ذوالفقار خان ولد رمضان خان به منصب سرهنگی فوج مهندس
برقرار و مدتها مأمور سیستان و بلوچستان بود. حالا نیز مشغول خدمات
دیوانی است.

رضا خان ولد شاهرخ بیک به منصب سرهنگی نایل و مأمور خدمت
تلگراف است.

زردشت خان ولد عباس قلی خان مأمور تبریز و در آنجا مرحوم شد.
شریف میرزا ولد فتح الله میرزا بعد از مدتی تحصیل در مدرسه
خارج شد.

عبدالرسول خان ولد عبدالخسین خان اصفهانی به منصب سرتیپی اول
و حمایل و نشان از این درجه رسید. مشارالیه در زبان فرانسه و علم ریاضی
کامل و به ریاست چهل نفر از جوانان معتبر ایران که مأمور به تحصیل
فرنگستان بودند روانه فرنگ شد و هشت سال توقف نموده مراجعت کرد
و بعد از مأموریتها و حکومت ملایر و نیابت حکومت گیلان در سال هزار
ودویست و نود و یک مرحوم شد.

میرزا عباس خان ولد میرزا رضای مهندس باشی بعد از تحصیل
مقدمات در مدرسه مدت هشت سال تمام در پاریس در مدرسه پلی تکنیک

تحصیل علوم ریاضی نموده بعد از مراجعت از فرنگستان به بعضی خدمات سرحدی مأمور و به منصب سرتیپی دوم برقرار و حالا به سمت تشریفاتچی نظام و سفرا و مخاطب به مهندس مخصوص حضور است.

میرزا علی محمد برادر میرزا زین العابدین مستوفی مدتی در مدرسه تحصیل نموده بعد خارج شد.

علی خان قاجار مرحوم شد.

میرزا علی اکبر شیرازی مرحوم شد.

میرزا محمد علی شیرازی به منصب سرهنگی سرافراز و حاضر خدمت دیوان است.

عباسقلی خان ولد اسفندیاریک بعد از تحصیل مدرسه شش سال هم در پاریس تحصیل می کرد و حال در خدمت حضرت اجل اعظم والایاب السلطنه امیر کبیر است.

میرزا فرج الله ولد آقاغلامعلی مهندس مازندران و به خدمات آن صفحات مشغول است.

میرزا محمود ولد میرزا احمد قمی بعد از تحصیل کامل در مدرسه مأمور فرنگستان شده علم نجوم را کاملاً معلوم نموده بعد از مراجعت از فرنگ به لقب خانی و منصب سرهنگی سرافراز و پس از چندی به نیابت در تلگرافخانه مبارکه حالا جنرال قونسول طرابوزان و مقیم آنجا است. میرزا مهدی قاینی در علم هندسه تحصیل کامل نموده مأمور کرمان و سالها در آنجا مشغول خدمت بود دارای منصب سرهنگی و حالا در دارالخلافه است.

میرزا مهدی ولد محمود میرزا در علم ریاضی ماهر و در نقشه کشی براقران فایق و به منصب سرهنگی سرافراز و حاضر خدمت دیوان است. میرزا منصور ولد میرزا کاظم پس از مدتی تحصیل از مدرسه خارج شد.

میرزا نصرالله ولد میرزا مهدی مستوفی به لقب خانی و منصب سرتیپی سیم برقرار و حاضر خدمت دیوان است.

نجفقلی خان برادر زردشت خان جزء صاحب منصبان مهاجر است. میرزا نصرالله نوری در مأموریت خراسان مرحوم شد.

شاگردان درجه اول مهندس که بعد از طبقه اول بودند

احمدخان ولد محمدعلی خان قاجار مأمور خدمات دیوان است.
احمدخان ولد محمودخان ملک الشعراء مشغول خدمات دیوان است.
اسکندر خان ولد میرزا یعقوب خان پس از مدتی تحصیل مشغول خدمات خارج مدرسه شد.

میرزا باقرنوری مرحوم شد.

محمدتقی خان ولد رضاقلی خان بعد از مدتی تحصیل از مدرسه خارج شده غالباً به خدمت نواب والا حسام السلطنه مشغول است.

میرزا جوادخان ولد حاجی میرزا جبار ناظم المهام شخصی زیرک و با درایت و سالها به ریاست تلگرافخانه آذربایجان برقرار و الحال دارای منصب سرتیپی دویم و رئیس مدرسه نظام آذربایجان و در این سال که هزار و دویست و نود و چهار می باشد به مأموریت کمیسر جنرالی دولت علیه در اسپوزیسیون پاریس است.

محمدحسن میرزا ولد کیخسرو میرزا به منصب سرهنگی سرافراز و مشغول خدمات دولت است.

محمدحسین میرزای شاهرخ شاهی در خدمت شاهنشاه زاده اجل اعظم نایب السلطنه مأمور خدمات شهر طهران است.

حسینقلی خان زند ولد محمدعلی خان قاجار حاضر خدمت دیوان است.

میرزا حسین قمی ولد میرزا اسماعیل مشغول خدمت تلگراف است.
میرزا حسن اصفهانی.

محمدحسن خان ولد محمد رضاخان.

محمدحسن خان ولد محمد باقرخان قاجار حاضر خدمت دیوان است.

سلیمان خان مسیحی ولد میرزا داودخان حکیم فارغ التحصیل و به منصب سرهنگی سرافراز و حاضر خدمات دیوان همایون است.

میرزا سلیمان ولد وقایع‌نگار در خدمت حضرت مستطاب امجد شاهنشاه‌زاده اعظم ولیعهد گردون مهد دولت علیه مشغول خدمتگزاری است.

سلیمان قلی‌خان ولد حاجی محمد جعفر خان به منصب سرهنگی سرافراز و حاضر خدمت دیوان است.

شاه‌مراد میرزا ولد حاجی عباس‌قلی میرزا مشغول خدمت تلگراف است.

میرزا عباس‌خان ولد حاجی میرزا جبار ناظم‌المهام به لقب خانی و منصب سرهنگی و ریاست تلگرافخانه آذربایجان برقرار است.

علی‌خان ولد قاسم‌خان بعد از تحصیل مدرسه به جهت تکمیل علم و عمل توپخانه در رکاب قدوسی انتساب مبارک بدپاریس رفته از آنجا چون مراجعت نمود به معلمی توپخانه سرافراز گردید.

میرزا علی‌اشرف خان تبریزی به منصب سرهنگی سرافراز و حاضر خدمت دیوان است.

علی‌خان ولد محمود خان ملك الشعراء جزء مهندسین فارغ‌التحصیل در مدرسه و حاضر خدمت دیوان است.

عباس‌قلی‌خان ولد حاجی نجف‌قلی‌خان به منصب سرهنگی سرافراز و حاضر خدمت است.

میرزا علی‌اکبر ولد میرزا علی حاضر خدمت دیوان است.

عباس‌قلی میرزا ولد محمدرضا میرزا مشغول خدمت تلگراف است.

تکه محمد خان ولد نواب ملك ایرج میرزا مأمور معلمی مدرسه تبریز است.

میرزا مهدی ولد میرزا جعفر خان کاشانی حاضر خدمت دیوان است.

میرزا محمد اصفهانی و میرزا محمد نائینی و میرزا محمد و چند نفر

دیگر هم بودند. اینک داخل در مرحومین اند.

شاگردان مهندس که مشغول تحصیل اند

- اسدالله خان ولد محمد حسن خان مقدم خلیفہ درس ریاضی است.
 آقاخان ولد شیرزاد میرزا خلیفہ درس ریاضی است.
 میرزا احمد ولد میرزا حسن خلیفہ درس ریاضی است.
 امان الله میرزا ولد شکرالله میرزا.
 احمد میرزا ولد حاجی محمد میرزا.
 اسدالله خان ولد محمد خان.
 میرزا اسماعیل ولد میرزا موسی.
 حاجی آقا ولد حاجی نوروز.
 محمد آقا ولد حاجی نجفقلی خان.
 محمد باقر خان ولد میرزا احمد.
 میرزا تقی ولد میرزا محمود.
 محمد حسین میرزا ولد کیوان میرزا.
 سیف الله خان ولد ذوالفقار خان.
 عبدالله خان ولد حاجی محمد جعفر خان.
 علی خان ولد محمود خان.
 میرزا علی اکبر ولد میرزا صادق.
 عبدالرشید میرزا ولد امیر تیمور میرزا.
 عبدالحسین میرزا ولد ایضاً.
 عزیزالدین میرزا ولد مرحوم جلال الدین میرزا پس از مدتی
 تحصیل، در خدمت نواب والا نصرۃ الدولہ فرمانفرما مامور عراق شد.
 میرزا غلامعلی ولد میرزا محمود وزیر دارالخلافہ بعد از تحصیل
 چند ماہ بہ دفتر خانہ مبارکہ رفت.
 غلامحسین خان ولد شاہرخ بیک بہ جهت تکمیل تحصیل بہ فرنگستان
 رفت.
 کاظم خان ولد محمد تقی میرزا سرہنگ و آجودان مدرسہ.
 مہدیقلی خان ولد حاجی محمد بیک یاور توپخانہ.
 میرزا موسی ولد میرزا اسدالله.

میرزا محمدخان ولد رستم خان.
 میرزا ولی ولد میرزا جبار.
 میرزا یوسف خان ولد محمدحسن خان.
 میرزا یعقوب ولد میرزا تقی روزنامه نگار.

شاگردان توپخانه مرتبه اول که قدیمی و همه فارغ التحصیل اند

ابوطالب خان ولد صارم الملك به منصب سرتیپی مفتخر و در توپخانه مبارکه مشغول خدمت دیوان است.
 ابوالقاسم خان ولد ابوالفتح خان به منصب سلطانی مفتخر و در توپخانه مشغول خدمت است.
 اسدالله خان ولد محمد طاهر خان جزء مهندسین وزارت خارجه است.
 اکبرخان ولد هادی خان پس از مدتی تحصیل جزء صاحب منصبان تلگرافی و بعد فوت شد.
 محمدباقرخان ولد ابراهیم خان بیگلریگی سابق اصفهان در اصفهان مشغول خدمات حضرت اجل اعظم شاهنشاه زاده ظل السلطان است.
 محمدتقی خان ولد محمدحسن خان پس از تکمیل تحصیل در پاریس به منصب سرهنگی سرافراز و در قورخانه مشغول خدمت است.
 محمدتقی خان ولد هادی خان پس از مدتی تحصیل جزء صاحب منصبان تلگرافی مقرر و مشغول خدمت است.
 حسن خان ولد سپهدار بعد از منصب سرهنگی توپخانه از نوکری استعفا کرده مجاور عتبات عالیات شد.
 محمدحسین خان ولد محمدحسن خان بعد از چند سال تحصیل و حصول مراتب ترقی به منصب سرتیپی سیم مفتخر و ناظم مدرسه مبارکه دارالفنون است.
 محمد حسن خان مقدم به منصب سرهنگی توپخانه سرافراز و پس از مدتی مرحوم شد.

حسن خان ولد قاسم خان به منصب نایب آجودانی سرافراز و پس از چندی مرحوم شد.

ذوالفقار خان محلاتی به منصب سرهنگی مفتخر و مدتها مأمور خدمت سیستان و بلوچستان و الحال جزء مهندسین حاضر و مشغول خدمات دیوان است.

محمدرضا خان ولد بهرام خان پس از تحصیل به منصب نایب ایشیک آقاسی باشیگری سرافراز و پس از مدتی مرحوم شد.
رضاعلی خان ولد محمد ولی خان قاجار پس از چندی تحصیل از مدرسه خارج و مرحوم شد.

رحیم خان ولد آقا رضا خان آجودان باشی در اوقات تحصیل مرحوم شد.

محمدصادق خان ولد محمد حسین خان قاجار سرتیپ به منصب سرتیپی برقرار و ملقب به امین نظام و مشغول خدمات عمده دیوان است.
عباس میرزا ولد اسماعیل میرزا بعد از مدتی تحصیل در توپخانه به منصب یآوری سرافراز شد.

عباسقلی خان ولد سلیمان خان دنبلی در اوقات تحصیل مرحوم شد.
میرزا عبدالرحیم خان ولد میرزا غفار خان صدیق الملک پس از مدتی تحصیل به مهندس باشیگری خطوط تلگرافی برقرار شد و این اوقات در اداره وزارت جلیله خارجه است.

علی اصغر خان برادر قاسم خان صاحب جمع مشغول خدمت تلگراف است.

میرزا فضل الله ولد میرزا محمد حسین دامغانی به لقب خانی و منصب سرتیپی سیم مفتخر و مأمور خدمت تلگراف است.

میرزا فتح الله خان ولد نصیر الملک سرتیپ سیم و در توپخانه مبارکه مشغول خدمت است.

مصطفی قلی خان ولد مرتضی خان سرهنگ و معلم توپخانه شد و بعدها مرحوم گشت.

محمد خان ولد مرحوم قاسم خان والی بعد از چندی تحصیل در مدرسه مبارکه دارالفنون و در پاریس به منصب سرتیپی اول برقرار و

الحال ملقب به والی و به حکومت یزد برقرار و دارای شئونات و درجات عالیّه است.

محمد مهدی میرزا ولد اردشیر میرزا مشغول خدمت تلگراف است.

محمد آقا ولد محمد حسین بیک قاپوچی باشی پس از مدتی تحصیل در مدرسه جزء آجودانهای سپهسالار مرحوم شد و بعد از فوت پدر حالا به منصب قاپوچی باشیگری دربار همایون سرافراز است.

نصرالله خان ولد خدادادخان سرهنگ و مأمور خدمت تلگراف است.

نجفقلی خان ولد شاهرخ بیک یاور و به معلمی مدرسه تبریز مأمور است.

هادی خان مشغول خدمت تلگراف است.

شاگردان مرتبه دوم

تهمتن میرزا ولد محمود میرزا در اوقات تحصیل مرحوم شد.
چنگیز میرزا ولد حاجی سیفالدوله میرزا به منصب آجودانی سرافراز و پس از مدتی مرحوم شد.

محمد جعفر خان ولد محمدولی خان بیگلریگی استرabad مشغول خدمات دیوان است.

خلیل میرزا ولد بدیع الزمان میرزا جزء صاحب منصبان تلگرافی مشغول خدمت است.

میرزا حبیب الله ولد کریم خان مأمور آذربایجان گردیده، پس از مدتی فوت شد.

حسین خان ولد قاسم خان پس از مدتی تحصیل به فرنگستان مأمور شده چون [= چدن] ریزی آموخت حال به خدمات دیوانی مشغول است.
خلیل میرزا ولد بدیع الزمان میرزا جزء صاحب منصبان تلگرافی مشغول خدمت است.

خلیل خان ولد محمد رحیم خان قاجار پس از مدتی تحصیل از مدرسه خارج شد.

داود میرزا ولد اسماعیل میرزا در تلگرافخانه مبارکه مشغول خدمت است.

ذوالفقار میرزا ولد کیکاوس میرزا از مدرسه خارج شد.
رستم خان ولد میرزا گرگین خان حال نایب آجودان است.
زین العابدین میرزا ولد شیردل میرزا معروف به شاهزاده آخوند مأمور خراسان است.

میرزا عبدالله برادر میرزا یوسف لشکر نویس در مدرسه خلیفه درس زبان فرانسه شده بعد از چندی فوت شد.
عباسقلی خان ولد محمد حسن خان پس از مدتی تحصیل از مدرسه خارج شد.

میرزا علی برادر میرزا صادق خان حکیم پس از مدتی تحصیل از مدرسه خارج شد.
میرزا عباس قمی ولد میرزا حسین پس از مدتی تحصیل مأمور خدمت تلگرافخانه شد.

محمد بیگ قراجه داغی در تلگرافخانه مبارکه مشغول خدمت است.
مهدی خان ولد محمد حسن بیگ یوزباشی بعد از مدتی تحصیل از مدرسه خارج شد.

مطلب آقا برادر زاده فضاں آقا در اوقات تحصیل مرحوم شد.
نصرالله خان ولد قاسم آقای قاجار اوقات تحصیل مرحوم شد.

شاگردان پیاده نظام مرتبه اول

احمد خان ولد ابراهیم خان از خدام صندوقخانه مبارکه است.
اسدالله خان ولد محمد تقی خان قاجار پس از فراغت از تحصیل مأمور مشاقتی افواج ساخلو خراسان و در آنجا مرحوم شد.
آقا خان ولد سلیمان خان پس از مدتی تحصیل از مدرسه خارج و حالا به منصب نایب آجودانی سرافراز است.
اسماعیل میرزا ولد محمد رضا میرزا پس از مدتی تحصیل به منصب نایب آجودانی سرافراز و بعد فوت شد.
احمد خان خمه.

میرزا آقای کاشانی به منصب نایب آجودانی سرافراز و مشغول خدمت است.

محمد باقر خان ولد مرحوم محمد خان امیر تومان به لقب شجاع – السلطنه ملقب و به منصب سرتیپی اول مفتخر و صاحب فوج است.

بیوک خان ولد مرحوم محمد خان امیر تومان بعد از فوت امیر تومان از مدرسه خارج شده در سلك صاحب منصبان نظامی مشغول خدمت است. محمد تقی میرزا ولد شاهزاده شیردل میرزا معروف به شاهزاده آخوند بعد از فراغت از تحصیل بنابر لیاقت به منصب سرهنگی و آجودانی مدرسه سرافراز و برقرار است.

محمد تقی خان ولد علی رضا خان کرمانی آجودان و مشغول خدمات نظامی است.

محمد حسن خان ولد مرحوم اعتماد السلطنه که بنده مؤلف باشد و از یم تحصیل این مدرسه مبارکه الان به نگارش این کتاب نایل است گزارش حالم مطابق نگاشته نواب مستطاب اشرف والا اعتضاد السلطنه وزیر علوم و معادن از قرار ذیل است:

شرح حال مؤلف

محمد حسن خان صنیع الدوله ولد مرحوم حاجی علی خان اعتماد – السلطنه که امّا نواده مرحوم مصطفی خان قاجار قوائلو برادر شاه شهید آقامحمد شاه قاجار طاب الله ثراه است در اوایل سلطنت همایون به سمت فراش باشی گری مرحوم سلطان محمود میرزا ولیعهد دولت علیه سرافراز بود بعد از ایجاد مدرسه دارالفنون جزء متعلمین گردید. مدت دوازده سال در مدرسه تحصیل زبان فرانسه و علم پیاده نظام نمود. چهار امتحان که در ظرف این دوازده سال رو داد، در هر یک از آنها علماً و عملاً مرتبه اول بود، از مدال مس که در اول امتحان دادند و مدال نقره و مطلا و طلا که در آخر امتحان داده [می] شد در هر امتحان به او داده شد. بعد از فراغت از تحصیل در مدرسه که از درجه و کیلی متدرجاً ترقی نموده بود به منصب سرهنگی برقرار و در جزء ملتزمین محمد قاسم خان مرحوم

ولیعهد گردون مهد دولت علیه ایران سمت آجودانی مخصوص یافت. بعد از فوت ولیعهد مرحوم، درسفر سلطانیه سنه ۱۲۸۵ جزء صاحب - منصبان با اردوی میرزا محمدخان سپهسالار مرحوم بهسلطانیه رفت. مرحوم اعتمادالسلطنه (۱) که بهحکمرانی عربستان ولرستان برقرار شدند از طرف وزارت جنگ، مشق و نظم عساکر منصوره متوقف آن سرحد بهعهده صنیعالدوله گردید. بعد از سه سال توقف درآن سرحد که غالباً بهسمت نیابت حکومت عربستان ویک سال بهسمت نیابت حکومت لرستان برقرار بود با والدخود که احضار بهدارالخلافه شده بود بهطهران آمد. در ازای خدمات عربستان ولرستان بهمنصب جنرال آجودان حضور همایون سرافراز وحمایل و نشان سرهنگی یافت. درسنه ۱۲۸۰ بهسمت نیابت دویم سفارت ایران مقیم پاریس مأمور فرنگستان شد. مدت سه سال ونیم درپاریس مشغول خدمت دیوان وتکمیل زبان فرانسه بود. درمراجعت از فرنگستان جزء خدام خلوت همایونی بهسمت پیشخدمتی سرافراز شده درسفر خراسان ملتزم رکاب بود. بعد از چندی علاوه برپیشخدمتی سمت مترجمی حضور مبارک را یافته سفرأ حضرا ملتزم رکاب مبارک است. بعد از مراجعت از فرنگستان بهریاست دارالطباعه و دارالترجمه دولتی برقرار و نشان از درجه دویم شیروخورشید بهاو مرحمت شد. درصدارت جناب اشرف امجد حاجی میرزااحسین خان سپهسالار اعظم، بهمیل ایشان واجازه وزارت علوم، ایجاد مدرسه مشیریه در دارالترجمه نمود که اغلب از بزرگزادگان و اولاد رجال دولت وشاهزادگان در آن مدرسه بهتحصیل زبان فرانسه وانگلیس وهندسه وجغرافی مشغول بودند. این مدرسه تازمان صدارت جناب سپهسالار اعظم برقرار بود و دوسه امتحان شاگردان این مدرسه دادند که از طرف دولت قوی شوکت بهآنها مدال وامتیازات دیگر عطا شد. بعد از استعفای سپهسالار اعظم از صدارت عظمی، متعلمین این مدرسه که مقدمات را کاملاً تحصیل نموده بودند تکمیل تحصیل را در مدرسه دارالفنون نمودند.

درسفر فرنگستان ملتزم رکاب ظفر انتساب همایون بوده دراین سفر بهنیابت ایشیک آقاسی باشیگری در دربار دول فرنگ معرفی شد و از اغلب دول فرنگ موافق تفصیل ذیل دارای نشان است:

دولت پروس نشان سنت‌آنا از درجهٔ سیم.
 دولت آلمان نشان کورن از درجهٔ دویم.
 دولت اتریش نشان کودن‌دفر از درجهٔ دویم.
 دولت فرانسه نشان لژیون دنور از درجهٔ چهارم.
 دولت عثمانی نشان مجیدیه از درجهٔ دویم.
 دولت بلژیک درجهٔ سیم.
 دولت ایتالیا سنت‌مریس دلازار از درجهٔ سیم.
 جمهوری ونه‌زوئلا ینگ‌دینا از درجهٔ دویم.
 دولت اسپانیول درجهٔ سیم.
 تونس درجهٔ دویم.

[در] مراجعت از فرنگستان مدیر باغات و عمارات دیوانی دارالخلافه گردیده احتساب شهر و معابر عمدهٔ دارالخلافه به او سپرده شد و در دیوانخانهٔ عدلیه به سمت معاونی و وکالت الی‌اواسط سنهٔ هزار و دویست و نود و چهار برقرار بود نشان و حمایل سرخ از درجهٔ سرتیپی دویم به او مرحمت شد.

کتبی که تالیف و ترجمه نموده

انکشاف ینگ‌دینا که به طبع رسیده.
 گرامر فرانسه که به جهت تحصیل متعلمین مدرسهٔ دارالفنون ترجمه نموده به طبع رسیده.
 مکالمه از فرانسه به فارسی که به حکم دولت جهت مسافرتین و سیاحان که به فرنگستان می‌روند.
 مختصر ژغرافیای عمومی دنیا که به طبع نرسیده.
 ترجمهٔ مسافرت کاپیتان اطراس به قطب شمال که در روزنامه به طبع رسیده.
 ترجمهٔ شرح حال روبن‌سون در روزنامه به طبع رسیده.
 تاریخ ایران از ابتدای وضع سلطنت تاکنون تالیف نموده از قرار تحریر مورخین فرنگ و ایران در سالنامهٔ سنهٔ ۱۲۹۲ به طبع رسیده.
 کتاب مرآة البلدان ناصری که جلد اول در سال گذشته منتشر شده

و جلد دوم این است که طبع می شود.

حسنعلی خان قراجه داغی مشغول خدمات سرحدیه آذربایجان است.
حسینعلی بیگ ولد محمود خان قراگوزلو.

محمد حسن میرزا ولد شاهزاده شیردل میرزا معروف به شاهزاده
آخوند پس از فراغ از تحصیل به خلیفگی و معلمی شاگردان پیاده نظام
مدرسه برقرار و به منصب سرهنگی سرافراز آمده مامور خراسان شد.

میرزا حسین ولد میرزا عباس مشغول خدمت تلگراف است.

محمد حسن خان ولد جناب جلالت مآب علاءالدوله بعد از چندی
تحصیل به منصب نسقچی باشیگری و فراش باشیگری سرافراز و برقرار
است.

محمد حسین میرزا ولد نصرالله میرزا پس از مدتی تحصیل از مدرسه
خارج شد.

حسین خان برادر حسن خان نیز كذلك.

خان بابا خان ولد سیدعلی خان فیروزکوهی از مدرسه خارج شده
اکنون در خدمت شاهنشاهزاده اجل اعظم ولیعهد دولت علیه ایران
مشغول خدمت است.

حاجی خان ولد اسکندر خان قاجار پس از مدتی تحصیل حالا
خلیفه زبان فرانسه و مواظب متعلمین مبتدی است.

میرزا رضی خان برادر میرزا جعفر خان کردستانی به منصب سرهنگی
نایل و در محاصره هرات کشته شد.

محمد میرزا ولد اردشیر میرزا از مدرسه خارج و مشغول خدمت
تلگراف است.

رحیم خان برادر محمدتقی خان حاجبالدوله پس از مدتی تحصیل
از مدرسه خارج شد.

سنجر میرزا ولد نواب مستطاب اشرف والا اعتضاد السلطنه وزیر علوم
و معادن در اوقات تحصیل مرحوم شد.

سلطان مجید میرزا ولد نواب والاعضادالدوله پس از مدتی تحصیل
از مدرسه خارج و حالا در آذربایجان است.
سلیم خان.

میرزا سلیمان ولد میرزا غلامرضا از مدرسه خارج و مشغول خدمت تلگراف است.

میرزا شکرالله ولد میرزا محمدقلی در طهران مشغول خدمات نظام است.

طهماسبقلی خان ولد مصطفیقلی خان سمنانی به منصب نایب آجودانی سرافراز و پس از چندی خدمت در خدمت سپهسالار مرحوم به دست تراکمه مقتول شد.

عبدالحسین خان ولد مرحوم اعتماد السلطنه (۱)، پس از مدتی تحصیل، به مترجمی معلم پیاده نظام که کلنل ماتراتسو بود برقرار شد. مدتی بعد از مرخصی معلم مزبور، خود بشخصه معلم علم پیاده نظام و درمیدان مشق معلم کل افواج قاهره بود. بعد به سرتیپی فوج خلخال سرافراز و پنج سال قبل مرحوم شد.

علیقلی خان برادر محمدحسن خان سردار به سرهنگی فوج سمنان سرافراز و پس از مدتی خدمت مرحوم شد. علی محمدخان ولد ابراهیم خان قاجار مشغول مشاقتی افواج قاهره است.

میرزا علی اصغر برادر حاجی میرزا رضای وکیل الرعایا به منصب نایب آجودانی سرافراز و مشغول تعلیم افواج قاهره است. علی آقا ولد حاجی محمد آقا پس از مدتی تحصیل به جهت تکمیل مأمور به فرنگستان شده بعد از مراجعت به منصب سرهنگی سرافراز و مأمور کرمان گشته در این سال مرحوم شد.

محمد علی آقا که حال محمد علی خان است پس از مأموریت فرنگستان به منصب سرتیپی سرافراز و مشغول خدمت دیوان است. عسکرخان شقاقی به منصب سرهنگی سرافراز و مشغول خدمت دیوان است.

عیسی خان ولد مرحوم میرزا آقاخان اعتمادالدوله صدراعظم بعد از چندی تحصیل مرحوم شد.

عبدالله خان ولد جناب جلالت مآب علاءالدوله پس از چندی

۱- اعتماد السلطنه یعنی حاجی علی خان پدر محمد حسن خان اعتماد السلطنه. عبدالحسین-

خان برادر محمد حسن خان بود.

تحصیل، الحال به منصب قوللر آقاسی باشیگری سرافراز و غلامان خاصه همایون سپرده به ایشان است.

عبدالرشید میرزای ملایری ولد شیخ علی میرزای شیخ الملوک پس از مدتی تحصیل از مدرسه خارج وفوت شد.

عسکرخان ولد محبعلی خان بعد از چندی تحصیل از مدرسه خارج شد.

کریم خان ولد محمد حسین خان فیروز کوهی پس از مدتی تحصیل از مدرسه خارج و حالا به منصب سرتیپی سرافراز و فوج فیروز کوهی سپرده به ایشان است.

لطفعلی خان ولد فضلعلی خان امیر تومان بعد از مدتی تحصیل از مدرسه خارج شد.

مرتضی قلی خان ولد مرحوم محمد اسماعیل خان وکیل الملك حالا به لقب وکیل الملكی سرافراز و حکمران کرمان و بلوچستان و دارای شئون عالیه است.

محمد آقا ولد حاجی شیخ کاظم نایب اول جناب وزیر فواید و سرتیپ فوج طهران است.

مرتضی قلی آقا ولد بهاء الدین آقا به منصب سرهنگی سرافراز و مشغول خدمت است.

مرتضی قلی خان ولد مصطفی قلی خان سمنانی به منصب سرهنگی سرافراز و مشغول خدمت دیوان است.

محمد خان ولد مرحوم حاجی سعدالدوله به منصب نایب آجودانی سرافراز و پس از مدتی مرحوم شد.

مصطفی قلی خان ولد حاجی حسن خان قاجار پس از فراغت از تحصیل به مشاقتی افواج مشغول است.

محمود آقا ولد حاجی محمد آقا پس از مدتی تحصیل به جهت تکمیل به فرنگستان رفته بعد از مراجعت به معلمی پیاده نظام مدرسه سرافراز و پس از دو سال به سرهنگی فوج خلیج مفتخر و بعد مرحوم شد.

آقاسید میرزای کاشانی که ابتدا به منصب پیشخدمتی سرافراز بود پس از مدتی تحصیل و تکمیل به سرهنگی یکی از افواج قاهره منصوب و چندی در خراسان مشغول خدمت بود. حال در طهران جزء عساکر

منصوره مشغول خدمت است.

محمدخان قاجار ولد محمدزمان خان در تبریز مشغول خدمت است.
مصطفی خان ولد شریف خان بعد از مدتی تحصیل از مدرسه خارج
و بعد فوت شد.

مسعود میرزا ولد نواب حاجی محمد ولی میرزا پس از مدتی تحصیل
از مدرسه خارج شد.
نجفقلی خان ولد محمدباقر خان جزء وزارت جلیله امور خارجه
است.

نصرالله میرزا ولد هرمز میرزا در اوقات تحصیل وفات کرد.
نصیرخان ولد قاسم خان پس از چندی تحصیل از مدرسه خارج
وبه مشاقتی افواج قاهره مشغول می باشد.
ولی خان ولد امیرآخور.

شاگردان مرتبه دویم که حاضر مدرسه و مشغول تحصیل اند

آقاسردار ولد محمدخان سرتیپ.
میرزا ابوتراب ولد میرزا کلبعلی.
ابوالخیر میرزا ولد حاجی اسماعیل میرزا.
میرزا ابراهیم خان ولد میرزا احمدخان.
میرزا احمدخان ولد ابوالقاسم خان جزو متعلمین اقاماثر شد.
میر ابوالقاسم خان ولد میرحسین خان.
میرزا احمدعلی ولد حاجی میرزا جعفر.
میرزا باقر ولد حاجی میرزا حسین.
تقی خان ولد شیخ علی خان.
حسن خان ولد حاجی کریم خان به دستورالعمل مسیولسو مواظب
مشق توپچیان حاضر دارالخلافه است.
حسینقلی آقا ولد حسن بیک در مدرسه مواظب مشق شاگردان جدید
ودر میدان مشق نیز مشاق است.
میرزا حسنعلی ولد حاجی میرزا جعفر.
حسن خان ولد حاجی رئیس.
میرزا حسن ولد میرزا حسین محلاتی.

امیرزاده محمدحسن میرزا ولد نواب مستطاب اشرف والا اعتضاد – السلطنه وزیر علوم و معادن.

حسن خان ولد محمدجعفریك.

میرزا حسین ولد میرزایعقوب.

حسینقلی خان ولد رضاقلی خان.

میرزا حسین ولد میرزا عباس.

حسن خان ولد حاجی اسماعیل از مدرسه خارج شد.

محمدحسن خان ولد مصطفی خان جزء شاگردان اقاماثر شد.

خداداد خان ولد حاجی مهدی خان.

رحمة الله خان ولد امان الله خان بعد از فوت سيف الملك از مدرسه

خارج و به منصب نایب آجودانی سرافراز است.

سهراب خان ولد علی اکبر خان.

شریف خان ولد محمدخان قاجار چون باید در ركاب مبارك سوار

شود از مدرسه خارج شد.

طهماسب خان ولد میرزا یوسف خان.

میرزا علی اکبر ولد حاجی آقاییك در مدرسه مبارکه مواظب يك

طبقه از شاگردان جدید و در میدان مشق نیز مشاق است.

عیسی خان ولد میرزا محمدعلی خان نواب.

میرزا محمدعلی ولد حاجی آقاییك مشغول تحصیل و در میدان مشق

نیز مشاق است.

میرزا عبدالله ولد حاجی نوروز.

عبدالحسین خان ولد علیقلی خان.

میرزا علی اصغر ولد حبیب الله بیك.

محمدعلی خان ولد حاجی نجفقلی خان.

میرزا علی اکبر ولد میرزا علی اصغر.

علی خان ولد علی اکبر خان.

میرزا علی ولد جعفرقلی خان.

میرزا عبدالکریم ولد میرزا محمود.

عبدالحسین خان ولد آقاخان.

میرزا عبدالرحیم ولد میرزا تقی روزنامه نگار.

میرزا محمدعلی ولد میرزا حبیب‌الله.
 علیرضاخان ولد محمدتقی‌خان جزء متعلمین اتام‌اثر شد.
 غلامحسین‌خان ولد علی‌خان قاجار در مدرسه مبارکه مشغول
 تحصیل و در میدان مشق نیز مشاق است.
 غلامحسین‌خان ولد صادق‌خان.
 غفارخان ولد اسدالله‌خان به منصب‌ی‌آوری سرافراز و به معلمی پیاده
 نظام مدرسه تبریز برقرار است.
 فضل‌الله میرزا ولد شکرالله میرزا.
 قزل‌ارسلان میرزا ولد سنجر میرزا.
 کریم‌خان ولد آقاخان در مدرسه مبارکه خلیفه متعلمین پیاده نظام
 و مشغول خدمات مدرسه اتام‌اثر و در میدان مشق نیز مشاق افواج قاهره
 است.
 کریم‌خان ولد شاهزاده شیردل میرزا معروف به شاهزاده آخوند.
 لطفعلی‌خان ولد محمدخان امیرتومان.
 مصطفی‌خان ولد مرتضی‌قلی میرزا مشغول تحصیل و در میدان
 مشق نیز مشاق است.
 محمدخان ولد ابوالقاسم‌خان.
 مصطفی‌خان ولد ابوالقاسم‌خان.
 محمدآقا ولد محمودآقا.
 میرمحمدخان ولد میرزا صادق‌خان چون پدرش مأمور تبریز بود
 مرخصی او را گرفته همراه برد.
 میرزا مسعودخان ولد سیف‌الملک از مدرسه خارج و به منصب نایب
 آجودانی سرافراز است.
 نصرالله‌خان ولد علیرضاخان.
 نقی‌خان ولد شیخ‌علی‌خان.
 یدالله میرزا ولد شکرالله میرزا.
 یحیی‌خان ولد شریف‌خان مشغول تحصیل و در میدان مشق نیز
 مشاق است.

اطباء

میرزا آقابرگ ولد آقامهدی نواب پس از مدتی تحصیل در مدرسه به جهت تکمیل مأمور فرنگستان شد و بعد از مراجعت مأمور کرمان گشت. اکنون در همانجا مشغول معالجه است.

اسکندر میرزا ولد نواب حاجی محمدولی میرزا پس از فراغت از تحصیل به طبابت عامه مردم پرداخت. حالا در اصفهان است. میرزا اسماعیل کاشانی مدتی تحصیل کرده بعد از مدرسه خارج و جزء محاسبین و نویسندگان تلگراف شد.

میرزا احمد ولد میرزا علی، پس از مدتی تحصیل علم طب، شوقش به علوم طبیعی زیاد شد و تحصیل عمده در این علوم نموده و صنعت عکاسی را بدون این که معلمی دیده باشد کامل کرده اکنون به همان صنعت اشتغال دارد.

میرزا ابوالقاسم ولد میرزا محمدعلی پس از چندی تحصیل از مدرسه خارج شد.

امان الله خان ولد اسدالله مشغول تحصیل است.

میرزا ابراهیم ولد حاجی خان پس از فراغت از تحصیل به طبابت مشغول گردیده و حالا خلیفه درس طب مدرسه است.

میرزا ابوالحسن ولد میرزا عبدالوهاب، پس از فراغت از تحصیل، همواره مأمور خدمات دیوان همایون و حکیم باشی کشیکخانه مبارکه است. میرزا اسدالله ولد میرزا محمد تنکابنی بعد از چندی تحصیل از مدرسه خارج شد.

میرزا ابوالقاسم ولد میرزا احمد مشغول تحصیل است.

میرزا ابوالحسن ولد آقایوسف مشغول تحصیل است.

میرزا ابوالقاسم ولد جناب پس از چندی تحصیل مقدمات به مدرسه اتاثر رفت.

میرزا ابوالقاسم ولد سید تقی، چون پدرش با اهل و عیال به مشهد مقدس رفت نتوانست تحصیل خود را تمام نماید.

میرزا احمد ولد شریف الحکماء مشغول تحصیل مقدمات است.

میرزا احمد ولد میرزا کاظم در تحصیل مقدمات است.
 میرزا احمد ولد حاجی محمد حسین در تحصیل مقدمات است.
 میرزا ابوالحسن عرب مشغول تحصیل است.
 میرزا سید احمد کاشانی مشغول تحصیل است.
 محمد باقر خان ولد محمد حسین خان قاجار پس از فراغت از تحصیل
 به طبابت عامه مردم پرداخت و اکنون در دارالخلافه مشغول معالجه و
 حاضر خدمت دیوان است.
 میرزا باقر ولد آقا یوسف پس از چندی تحصیل فوت شد.
 میرزا سید باقر ولد میرزا اسدالله در تحصیل مقدمات است.
 میرزا بزرگ ولد میرزا سید محمد در تحصیل مقدمات است.
 میرزا تقی ولد میرزا هاشم پس از فراغت از تحصیل چند نوبت
 به ولایات خارج و داخل مأمور خدمت شده حال به لقب خانی و نشان و
 حمایل سرهنگی و حکیمباشی گری حضرت اشرف امجد و الاطل السلطان
 سرافراز است.
 میرزا تقی ولد میرزا محمد.
 شیخ جلیل پس از فراغت از تحصیل و سفر فرنگستان در خدمت
 وزارت جلیله علوم مأمور طبابت صاحب منصبان و عمله جات تلگرافخانه
 بود. بعد جزء اطبای درباری برقرار و در رکاب همایون به جاجرود
 رفته در آب رودخانه غرق شد.
 محمد جعفر میرزا ولد اردشیر میرزا پس از تحصیل به طبابت عامه
 مردم پرداخت و اکنون در دارالخلافه مشغول معالجات است.
 محمد جعفر خان ولد محمود خان ملك الشعراء پس از فراغت از
 تحصیل به طبابت عامه مردم پرداخت و چند نوبت مأمور ولایات گردید.
 حال به معلمی طب و طبیعی مدرسه تبریز برقرار است.
 میرزا جعفر ولد محمد صادق بیک پس از چندی تحصیل از مدرسه
 خارج و جزء اجزای تلگراف شد.
 میرزا حسین ولد میرزا احمد افشار پس از مدتی تحصیل در مدرسه
 به جهت تکمیل به فرنگستان مأمور شده بعد از حصول اجازه دکتری
 و مراجعت به حکیمباشی گری حضور مبارك مفتخر و بعد از چندی
 فوت شد.

میرزا حسین ولد میرزا آقابرگ از شاگردان مرتبه اول طب و پس از فراغ از تحصیل در اسفار قشونی مأمور خدمت بود و حال در خدمت نواب والا معتمدالدوله است.

میرزا حسین ولد میرزا احمد تنکابنی از شاگردان مرتبه اول طب و در طب ایرانی کمال مهارت را داشت پس از فراغت از تحصیل چند سال مشغول خدمات دیوانی بود تا فوت شد.

میرزا حسین ولد میرزا نوروز علی پس از فراغت از تحصیل به طبابت فوج سوادکوهی مأمور و بعد از مدتی فوت کرد.

میرزا حبیب الله ولد میرزا احمد حکیمباشی پس از فراغت از تحصیل به حکیمباشی گری همدان مأمور و مدتی در آنجا مشغول معالجه مردم بود. حال احضار به دار الخلافه شده است.

میرزا حسین جراح پس از مدتی تحصیل از مدرسه خارج و مشغول جراحی است.

میرزا محمد حسین ولد میرزا باقر اصفهانی پس از فراغت از تحصیل همواره مأمور خدمات مرجوعه دیوانی بوده و حال مأمور عربستان است.

محمد حسن خان ولد اسدالله خان پس از فراغت از تحصیل به طبابت عامه مردم پرداخت پس از آن به طبابت مریضخانه مبارکه مخصوص و حال مشغول خدمت است.

میرزا حسنعلی شیخ الاطباء در طب ایرانی کمال مهارت را دارد مدتها نیز در مدرسه تحصیل طب فرنگی نموده الحال در جرگه طبای خاص حضور همایون است.

میرزا حسن ولد میرزا ابوالحسن پس از فراغت از تحصیل به طبابت فوج همدان جمعی احمدخان سرهنگ منتخب و مشغول خدمت است.

میرزا حسین ولد میرزا محمد علی از عهده درس طب بر نیامده به مشق نقاشی پرداخت.

میرزا حسنعلی ولد میرزا عباس پس از فراغت از تحصیل و چند فقره مأموریت ولایات فوت نمود.

حیدر میرزای شاهرخ شاهی مشغول تحصیل است.
حبیب‌الله خان ولد میرزا رضاخان.
میرزا حسین ولد جناب پس از چندی تحصیل به مدرسه اتماژر رفت.

میرزا محمدحسین ولد حاجی میرزا تقی کلانتر پس از مدتی تحصیل بر حسب امر حضرت اشرف امجد اعظم والا نایب السلطنه از مدرسه خارج و به منصب کدخدائی محله عودلاجان سرافراز گردید.

میرزا سیدحسن هندی مشغول تحصیل است.
میرزا حسین ولد آقا محمدنبی مشغول تحصیل است.
میرزا حسن ولد میرزا ابراهیم در تحصیل مقدمات است.
میرزا حسین ولد میرزا بزرگ تفرشی در تحصیل مقدمات است.
سید حسن ولد میرزا اسماعیل در تحصیل مقدمات است.
میرزا خلیل ولد میرزا علی قمی مشغول تحصیل است.
میرزا رضای دکتر ولد حاجی میرزا مقیم احوالش جزء معلمین نگاشته شد.

میرزا رضای مازندرانی پس از فراغ از تحصیل در خدمت جناب جلالت‌مآب علاء الدوله مأمور اسلامبول شد و بعد از مراجعت به حکیمباشی گری زنجان و خمسه برقرار است.

رضاخان ولد محمد حسین قاجار مشغول تحصیل است.
میرزا زین‌العابدین ولد میرزا محمد کاشانی پس از فراغت از تحصیل مدتی مشغول خدمات محوله بود بر حسب خواهش مرحوم عماد الدوله مأمور کرمانشهان گردید. بعد از چند سال احضار به دارالخلافه شده در سلك اطبای حضور همایون منسلک و جزء اجزای حافظ الصبحه و به تصدیق جناب دکتر طولوزان حکیمباشی مخصوص اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی دام ملکه در علم و عمل جراحی اول شخص است.

میرزا زین‌العابدین ولد میرزا محمد فخرالاطباء پس از مدتی تحصیل به تبریز رفته جزء عمله‌جات حضرت اجل اعظم ولیعهد دولت علیه گردید.

شهبازخان ولد محمد تقی میرزا در تحصیل مقدمات است.
 شاه صفی هراتی مدتی در مدرسه تحصیل کرده مراجعت کرد.
 میرزا صادق ولد آقا یوسف همدانی در تحصیل مقدمات است.
 میرزا ضیاء ولد میرزا یحیی ندیم‌باشی در تحصیل مقدمات است.
 میرزا طالع پس از چندی تحصیل از مدرسه خارج شد.

میرزا علینقی حکیم‌الممالک ولد حاجی آقا اسماعیل پیشخدمت-
 باشی سلام از متعلمین اول مدرسه است. بعد از چندسال تحصیل علم طب
 در مدرسه دارالفنون، در سفارت کبرای مرحوم فرخ‌خان امین‌الدوله
 به سمت نیابت دویم مامور پاریس گردید. بعد از ورود پاریس کارهای
 رسمی خود را کنار گذاشته به تحصیل علم طب پرداخت و بعد از هفت
 سال اقامت در آن مملکت و دادن امتحانهای متعدد و گرفتن تصدیق
 از جمیع اطباء فرانسه که دکتر و دانشمند در علم طب است به ایران
 مراجعت کرده به نیابت مرحوم والد خود سالها برقرار بود و از طبای
 خاصه همایونی محسوب می‌شد. کتاب سفرنامه خراسان از تألیفات
 اوست. در جزء وزرای دارالشوری منسلک و بعد از فوت مرحوم حاجی-
 آقا اسماعیل به پیشخدمت باشیگری سلام مفتخر و دارای شئونات و
 امتیازات مخصوص است چنان که در ذیل شرح سلطنت سی‌ساله خواهد
 آمد.

میرزا عبدالوهاب ولد مرحوم محمودخان احتساب‌الملک پس از
 چندی تحصیل در مدرسه به جهت تکمیل به فرنگستان مامور شد و بعد از
 گرفتن اجازه دکتري و مراجعت به حکیم‌باشی‌گری حضرت اشرف اعظم
 ظل‌السلطان مفتخر و بعد از مدتی فوت شد.

میرزا سیدعلی در طب ایرانی کمال مهارت را داشت و به جهت
 تحصیل طب فرنگی مدتی در مدرسه تحصیل نمود و بعد به معلمی طب
 ایرانی در مدرسه برقرار و پس از مدتی مامور بندر بوشهر گردید.
 اکنون طبیب حافظ‌الصحة فارس و صاحب نشان سرتیپی است.

میرزا عبدالعلی ولد میرزا محمدحسین دامغانی پس از فراغ از
 تحصیل مشغول خدمات دیوان شده، اکنون در تبریز است.

میرزا عبدالکریم ولد میرزا اسماعیل در طب ایرانی مهارت داشت.

طب فرنگی را نیز در مدرسه تحصیل و تکمیل نمود بعد از فراغت مشغول طبابت و از حذاق اطبا است.

میرزا عبدالجواد ولد میرزا حسین حکیم‌باشی پس از فراغت از تحصیل به طبابت عامه مردم پرداخت و بعد از چندی فوت شد. میرزا علی دکتر داخل معلمین نگاشته شد.

میرزا محمد علی ولد حاجی محمد رضای خراسانی پس از مدتی تحصیل به خراسان رفت.

میرزا عبدالله ولد میرزا محمد علی سرکارات پس از فراغ از تحصیل مشغول خدمات مرجوعه دیوان بوده و به طبابت اجزای وزارت امور خارجه اختصاص دارد. اکنون به جهت معالجه یکی از علمای اعلام مأمور عتبات عالیات.

میرزا علی‌اکبر ولد حاجی میرزا حسن کرمانی پس از فراغت از تحصیل مدتی خلیفه علم طب در مدرسه مبارکه بود بعد به حکیم‌باشی گری مریضخانه مبارکه سرافراز شد.

میرزا عزیزالله ولد میرزا علی‌اکبر به علت ضعف بصر از عهده درس طب برنیامده مخصوص درس زبان شد.

میرزا عبدالحسین ولد حاجی لطفعلی پس از مدتی تحصیل از مدرسه خارج شد.

میرزا عبدالحسین ولد حاجی لطفعلی پس از مدتی تحصیل از مدرسه خارج شد.

میرزا محمدعلی ولد محمد حسن بیک پس از چندی تحصیل از مدرسه خارج شد.

میرزا علی‌خان ولد مهدی‌خان پس از فراغت از تحصیل مشغول خدمات دیوان بود حالا در مدرسه مبارکه معلم افواج و غیره است.

میرزا عبدالمناف دامغانی پس از مدتی تحصیل از مدرسه خارج شد. میرزا عباس ولد میرزا نصرالله.

علی‌آقا ولد کاظم بیک یوزباشی پس از مدتی تحصیل از مدرسه خارج شد.

میرزا عبدالحسین ولد آقا سیدعیسی.
میرزا عبدالکریم ولد میرزا یحیی نوری.

میرزا محمد علی ولد حاجی میرزا تقی کلاتر پس از مدتی تحصیل از مدرسه خارج شد.

میرزا علی اکبر ولد صدر شیرازی در تحصیل است.
میرزا علی اصغر ولد حاجی میرزا حسین کرمانشاهی در تحصیل است.

میرزا سید علینقی ولد میرزا احمد در تحصیل مقدمات است.
میرزا غفور ولد میرزا یوسف جراح پس از مدتی تحصیل جزء عملجات تلگرافخانه شد.

میرزا کاظم ولد میرزا ابوالحسن مشغول تحصیل است.
مهدی خان منسوب قاسم خان از شاگردان مرتبه اول طب بود و در اوقات تحصیل وفات کرد.

میرزا موسی ولد میرزا عقیل اصفهانی از شاگردان اول و پس از فراغت از تحصیل مشغول خدمات دیوان و چند سال مأمور کرمان بود اکنون در اصفهان است.

میرزا سید محمد تنکابنی پس از فراغت از تحصیل به طبابت افواج قاهره مأمور گشت. اکنون نیز مشغول خدمت است.

میرزا مصطفی ولد میرزا عقیل پس از فراغ از تحصیل به حکیمباشی - گری مرحوم جلال الدوله مفتخر و حال به حکیمباشی گری شهر مشهد مقدس برقرار و مشغول معالجه مردم است.

میرزا مسیح ولد میرزا علی پس از فراغت از تحصیل مشغول خدمات دیوان و چند سال حکیمباشی نواب مهد علیا طاب الله ثراها بود. بعد از چندی فوت کرد.

میرزا محمد ولد حاجی میرزا محمود طبیب پس از مدتی تحصیل از مدرسه خارج شده به معالجه مردم پرداخت و از حذاق اطبا است.

میرزا مصطفی ولد میرزا احمد مشغول تحصیل است.
میرزا محمد کرمانشاهی پس از چندی تحصیل مأمور کرمانشاهان شد.

میرزا محمد ولد میرزا محمود پس از چندی تحصیل فوت شد.
میرزا مجید ولد میرزا حسن پس از چندی تحصیل از مدرسه خارج شد.

میرزا مومن ولد میرزا محمود پس از فراغت از تحصیل غالباً مامور خدمات مرجوعه دیوان واکنون مأمور کردستان است. میرزا شیخ محمد ولد میرزا علی محمد مشغول تحصیل است. میرزا محمد ولد ملا محمد علی شمیرانی پس از مدتی تحصیل از مدرسه خارج شد.

میرزا محمد ولد میرزا کاظم از مدرسه خارج شد. میرزا محمد ولد میرزا محمد حسین تفرشی مشغول تحصیل است. میرزا سید مهدی ولد آقا سید حسین مشغول تحصیل است. میرزا مرتضی ولد میرزا محمد مشغول تحصیل است. میرزا محسن ولد مولاییک در تحصیل است. میرزا محمد ولد میرزا غلامعلی در تحصیل مقدمات است. نصرالله میرزا ولد نواب حاجی سیف‌الدوله میرزا از شاگردان مرتبه اول طب و پس از فراغت از تحصیل به نیابت وزارت علوم مقرر و همواره مشغول خدمات مرجوعه می‌باشد.

میرزا نصرالله ولد میرزا احمد تنکابنی حکیمباشی پس از فراغت از تحصیل همواره حاضر خدمات مرجوعه دیوان بوده بعد به حکیمباشی - گری قم مامور و بعد از چندی توقف احضار شده به ولایات متفرقه نیز ماموریت حاصل کرده اکنون در طهران مشغول معالجه عامه مردم و از طبای حاذق عالم و به خدمات محوله مشغول است.

میرزا نصرالله ولد حکیم الهی پس از فراغت از تحصیل مدتی به طبابت عامه مردم پرداخته بعد مامور تبریز گشت و در همانجا درگذشت. میرزا نصرت ولد محمد صادق بیک پس از فراغت از تحصیل به طبابت مریضخانه مقرر و طبیب مخصوص مدرسه مبارکه دارالفنون و در جنب مدرسه با حذاقت تمام به معالجه عموم مردم می‌پردازد.

میرزا هدایت اصفهانی پس از فراغت از تحصیل غالباً مامور خدمات مرجوعه دیوان اعلی و صاحب‌نشان و حمایل سرهنگی و بعد از چندی فوت نمود.

میرزا یوسف ولد میرزا محمود در تحصیل است. انتهی.

هم در این سال میرزا احمدنایب دوم وزارت خارجه بملقب‌خانی و نشان شیروخورشید از مرتبه اول سرهنگی باحمایل سفید نایل گردید.

میرزا فضل‌الله برادر جناب صدراعظم به منصب جلیل وزارت کل نظام سرافراز و روانه آذربایجان گردید.

فوج اول خاصه که احضار به دارالخلافه شده بود با محمدعلی‌خان سرتیپ و سایر صاحب‌منصبان وارد طهران شدند.

فوج جدید خلخال به سرهنگی محمدقلی‌خان جوانشیر نیز وارد دارالخلافه گردیدند.

سواره افشار قزوین که از خراسان مراجعت کرده بودند موجب گرفتند.

دو دسته غلام چلبیانلو ابواب‌جمعی جوادخان و محمودخان مامور نظم طرق شاهرود و بسطام شدند.

عباسقلی‌خان سرتیپ افواج قزوین و سایر سرکردگان که در خراسان خدمت کرده بودند هریک به انعام و خلعت همایون مفتخر گردیدند.

اسکندرخان قراپاپاق به نیابت اول آجودانباشی‌گری برقرار آمد. عبدالحسین‌خان و میرزا محمدخان و آقارضاخان و نریمان‌خان و لطفعلی‌خان که مدتی مشغول مشق نظام بودند هریک به منصب نایب آجودانباشی‌گری نایل شدند.

کاظم‌خان قراپاپاق به سرتیپی سواره قراپاپاق سرافراز و به سیصد تومان اضافه موجب سرافراز شد.

حسن‌خان قراپاپاق نیز سرکردگی سواره قراپاپاق یافت. هم در این سال، به حکم نواب والا نصرالدوله حکمران فارس، پانزده باب چاپارخانه در عرض راه این مملکت ساختند و دزدان بختیاری که در راه شولکستان شرارت می‌کردند تنبیه شدند.

دویست فروند کشتی تجارتی در شط محمره لنگر انداخت. میرزا نصرالله به لشکرنویسی آذربایجان و میرزا عبدالله برای ضبط و ربط حساب گمرک آنجا و فتحعلی‌بیگ نیابت آجودانباشی‌گری گرفتند. حکیم کازولانی به حکیمباشی‌گری کل افواج قاهره سرافراز شد. حکیم دلودخان مسیحی که خدمات به دولت علیه کرده بود در ماه ربیع‌الاول این سال وفات نموده به احترام او را به خاک سپردند.

سوارهٔ مقدم به سرکردگی علی خان مرخص خائه شدند.
نواب والا نصرۃالدوله حکمران فارس به یک ثوب جبۃ ترمهٔ شمس
الماس خلعت همایون مفتخر گردید.
نظم سرخس به اهتمام عباسقلی خان بیگلربیگی دره جزی درجۃ
کمال یافت.

در بلوک نایب مازندران تصفیۃ آهن را به درجۃ کمال رسانیدند
که از آهن حاجی ترخان نرمتر و به استعمال نزدیکتر و مثل آهن حاجی—
ترخان تخته کرده به دارالخلافه آوردند و امر به تشویق و تکمیل این
عمل و عاملین شد. نیز در مازندران به اهتمام مصطفی قلی میرزا حکمران
مازندران و به مباشری استاد عبدالحمید قنادی که استادی قابل است شکر
مازندران را در کمال خوبی سفید کردند.

راه استرآباد به واسطه قراولخانه‌ها که ساخته‌اند و مواظبت
مستحفظین کمال امنیت یافت.

روز هفدهم ربیع الاول که عید مولود مسعود حضرت رسالت پناهی
صلی الله علیه و آله می باشد شرایط احترامات این روز کاملاً به عمل آمد.
شاهزاده مصطفی قلی میرزا حکمران مازندران به اعطای یک ثوب
جبۃ ترمهٔ خلعت همایون مفتخر گردید.

نجفقلی خان پسر محمد طاهر خان وکیل چون خط و ربطی داشت
درسلک ارباب قلم منسلک گردید.

مسیو جان داود مسیحی مترجم اول دولت علیه جزء اجزای سفارت
پطرزبورغ گردید.

پیش از این افواج که مرخص خانه می شدند سرتیپان و سرهنگان
آنها گاهی در دارالخلافه توقف می کردند. این اوقات حکم همایون
شد که سرهنگ و سرتیپ هر فوج مرخص شده تا محل موطن حتماً با فوج
همراه باشند که مایهٔ بی نظمی نشود.

علیقلی ولد محمد طاهر خان وکیل نایب آجودانباشی شد.
فوج ششم تبریز که دو سال در خراسان مأمور و مشغول خدمت بودند
مراجعت به دارالخلافه کرده مواجب گرفته مرخص خانه شدند.

راهزنان ایلات لرستان و پشتکوه به اهتمام نواب والا خانلر میرزا
حکمران عربستان و لرستان تنبیه شدند و مخصوصاً نصیرخان جودکی

که متعرض قوافل و عابرین دزفول و عربستان می شد به سزای خود رسید و از دزفول تا خرم آباد رباطات ساختند.

خدمات نواب حشمت الدوله حکمران آذربایجان منظور نظر مهر اثر شده يك ثوب جبۀ ترمه شمسۀ مرصع مصحوب نواب شاهزاده ملك قاسم میرزا به افتخار معظم الیه انفاذ تبریز شد.

حکومت سمنان و دامغان را به میرزا محمدخان کشیکچی باشی واگذار فرمودند و امامقلی خان از جانب معزی الیه نیابت یافت و علی خان قیراط را حکومت جوین دادند و محمد ولی خان قاجار به حکومت نهاوند برقرار شد.

شفیع خان چپرچی باشی ملتزم حسن رفتار چاپاران گردید. عباسقلی خان سرتیپ به ازای خدمات که در خراسان کرده بود به اعطای يك رشته حمایل سرتیپی سرافراز شد. عبدالقادرخان شکی مامور بجنورد با سوارۀ ابواب جمعی خود حاضر رکاب اعلی گردید.

میرزا کوچک دماوندی یاور به لقب خانی و منصب سرهنگی نایل آمد. قلیچ خان مافی که مامور خراسان بود با سوارۀ ابواب جمعی خود به دار الخلافه معاودت کرده مواجب گرفته مرخص خانه شدند. این اوقات ماهی هزار قبضۀ تفنگ در جبهه خانۀ دار الخلافه می سازند. پنبۀ ینگ دنیا که در ارومی کاشته بودند خوب به عمل آمد. کلو که صاحب حکیم باشی جمعی را در خانۀ خود درس جراحی داده و مقدمۀ تکمیل این علم می باشد.

هم در این سال، که هزار و دویست و شصت و هشت است، در هجدهم ماه ربیع الاول میرزا تقی خان که سابقاً امیر نظام و شخص اول این دولت ابد انتظام بود در کاشان وفات کرد.

میر هاشم خان حاکم ملایر و توپسیرکان به جبۀ ترمۀ خلعت همایون سرافراز گردید.

محمد تقی خان قاجار - که سابق سرکرده سوارۀ خزل بود - مجدداً به این منصب برقرار آمد.

افواج قدیم و جدید گروس در تعلیمات نظامی مهارت کامل به هم رسانیدند.

درخوشان برق زده چند باب دکان را سوزانیده بعد زلزله شدید شده خرابی زیاد کرد.

خوانسار از شر اشرار به اهتمام نواب والا احمد میرزا آسوده شد. شوارع کرمان به خراسان از اهتمام اولیای دولت امنیت یافت. جناب اعتمادالدوله صدراعظم را به یک ثوب جبهه ترمه قرین مفاخرت فرمودند.

میرزا محمد علی خان وزیر دول خارجه نیز به اعطای یک ثوب جبهه ترمه کرمانی مفتخر گردید.

جناب صدراعظم به بازدید مدرسه مبارکه دارالفنون رفته بعد از امتحان متعلمین و حصول اطمینان به ترقی آنها هریک را تشویق نمودند. یک ثوب جبهه ترمه به رسم خلعت برای نواب والا حسام السلطنه حکمران خراسان فرستادند.

عزیز خان آجودان باشی که در تعلیم و نظام و مشق افواج اهتمامات نموده بود به یک ثوب قبای نظامی زردوز از ملابس خاصه مخلع گردید. نبی بیک نایب سرکرده سواره مقدم لقب خانی یافت. نصرالله خان پسر میرزا اسمعیل خان بندپی به سرهنگی فوج بندپی سرافراز شد.

جوادخان ولد اسکندر خان قاجار حاکم کرمانشهان را سرهنگ فوج سیم مراغه فرمودند.

چرخ منگنه که خارا و اقمشه ابریشمی را موج می دهد در یزد متداول نبود و منسوجات ابریشمی یزد را به کاشان برده منگنه می کردند و اسباب تعویق بلکه تضییع بود. میرزا عباس نایب الحکومه یزد چرخ منگنه ای تمام نموده در کمال خوبی و اقمشه را به آن موج می دهند که از قماش فرنگی فرق نمی توان کرد.

در این سال خبر دادند که در بلوک رفسنجان کرمان جوانی است نوزده ساله که بر روی سینه و شکم او به شکل آدم طفلی مستوی الخلقه آفریده شده که دوپای آن در شکم آن جوان و سایر اعضای او بر روی شکم جوان می باشد.

در هفدهم ذی القعدة این سال ولدنی ذکور از صلب مقدس شاهنشاهی فروغ بخش ابصار گردیده موسوم به معین الدین میرزا شد.

میرزا محمدخان کشیچکی باشی به اعطای یک قبضه شمشیر مرصع مفتخر گردید.

روز دوشنبه هجدهم ربیع الثانی میرزا محمدعلی خان وزیر دول خارجه مرحوم شد.

محمد یوسف خان به منصب سرتیپی و یک ثوب جبۀ ترمۀ اعلی سرافراز شد. سیداحمد نانکلی کرمانشهان باسوارۀ ابواب جمعی خود از سان حضور همایون گذشته سیصد نفر از سوارۀ او منتخب و داخل قشون ظفرنمون برقرار شدند.

قلیچ خان سرتیپ سوارۀ مافی که از خدمت خراسان برگشته بود یک ثوب جبۀ ترمه به او مرحمت فرمودند. فضلعلی خان سرکردۀ سوارۀ شاهسواری نیز از خدمت خراسان معاودت کرده به اعطای یک طاقه شال سرافراز شد.

میرزا علی اکبر سرهنگ قورخانه استاد فتح الله آهنگر باشی قورخانه را به ماسوله برای ساختن آهن تخته فرستاده ده خروار آهن ساخته به قورخانه آورد و از آهن مزبور لولۀ تفنگ ساختند و بسیار نرم و خوب به عمل آمده حکم شد در معدن مزبور کار کنند.

حاجی خان و شیرخان را که دونفر از اشرار دهخوارقان بودند نواب والاحشمة الدوله حکمران آذربایجان به سزای خود رسانیدند. نیز به حکم نواب معظم الیه چند باب قراولخانه علاوه بر قراولخانه های سابق ساختند.

موکب اقدس همایون پنجشنبه بیست و یکم ربیع الثانی تشریف فرمای شکار جاجرود گردیدند.

هم در این سال چون بعضی حاصل کرمان مورد آفات شده بود محض رعایت رعیت آن ولایات تقریباً شش هزار تومان نقد و سه هزار خروار جنس به آنها تخفیف مرحمت فرمودند.

عبدالقادر خان شکی که از خدمت خراسان معاودت نموده به منصب سرتیپی سرافراز و مخلع گردید.

جعفرقلی خان سرتیپ افواج مراغه که یک سال در رکاب اعلی بود مرخص آذربایجان شد.

ابراهیم آقای سرتیپ ماکوئی که به منصب سرتیپی فوج شانزدهم

شقای سرافراز شده بود به جهت نظم فوج مزبور روانه آذربایجان گردید.
رحمت الله خان نایب آجودان باشی سرهنگ فوج شانزدهم مخلع و
مأمور آذربایجان شد که عمل فوج مزبور را صورت دهد.
سواره شاهسون افشار موجب شش ماهه گرفته که روانه خراسان
شوند.

استاد علی اکبر تفنگ ساز که حسب الامر به خراسان رفته بود که
تفنگ سربازی بسازد این اوقات پانصد ششصد قبضه تفنگ ممتاز ساخته
که همه کس پسند نموده و تشویق او کردند.
در حوالی شهر کرمان قناتی احداث کردند که اهل شهر از آب
رفاهیت داشته باشند.

در بلوک شوشتر موسوم به عقیلی نیشکر به عمل آوردند که قد آن سه
ذرع و نیم ذرع از نیشکرهای مازندران بلندتر بود.
روز غره جمادی الاولی بندگان سرکار اعلیحضرت شاهنشاهی
به مدرسه مبارکه دارالفنون تشریف فرما شده متعلمین را که دز اندک
وقت زیاد ترقی کرده اند سرکشی و تشویق فرمودند.
میرزا کاظم خان مستوفی ولد جناب صدراعظم را به لقب جلیل
نظام الملکی و خلعتی خاص قرین اختصاص فرمودند.
محمد ناصر خان ظهیرالدوله را به منصب ایشیک آقاسی باشیگری
دربار همایون که از مناصب جلیله است و به اعطای عصای مرصع که
مخصوص این منصب است مفتخر فرمودند.

میرزا محمد سعید مؤتمن الملک به لقب خانی و منصب دبیری مهم
خارج که قائم مقام وزارت دول خارجه است سرافراز و مخلع گردید.
حاجی میرزا جبار رئیس تذکره به لقب ناظم المهای و خدمت
رسیدگی به امور معادن و کارخانه های بلور سازی و چینی سازی دارالخلافه
و غیرها را به او محول داشتند و به خلعت همایون سرافراز شد.
رجبعلی بیگ یاور توپخانه به منصب سرهنگی و لقب خانی و خلعت
همایون نایل شد.

این اوقات ماهی یک دستگاه کالسکه به اهتمام معیر الممالک و مراقبت
محمد قلی بیگ کالسکه چی ساخته می شود که کمال امتیاز را دارد.
آقا مهدی ملک التجار به یک ثوب جبه ترمه مخلع گردید.

اسدالله خان امیر قاین به یک ثوب جبۀ ترمه خلعت همایون مفتخر و روانۀ خراسان شد.

جعفرقلی خان میرپنجه که در استرآباد و گرگان مامور تنبیه اشرار تراکمه بود رؤسا و ریش سفیدان طایفه مزبوره را به راه انقیاد درآورده و به اجازه امنای دولت آنها را با خود به دربار همایون می آورد به عطای یک ثوب جبۀ ترمه مفتخر و مخلع گردید.

مرتضی قلی خان حاکم شاهرود و بسطام مجدداً به حکومت بسطام و به یک ثوب جبۀ ترمه مخلع و سرافراز گردید.

روز چهارشنبه چهاردهم جمادی الاولی محض اظهار عبودیت اشخاص مسطوره در ذیل با عریضه و پیشکش به تقییل عتبه علیه سرافراز گردیدند: محمدحسین خان برادر کریم دادخان بیگلریگی هزاره با عریضه کریم دادخان، سید علی خواجه فرستاده حکومت خان والی میمنه با عریضه والی، محمد ولی خان پسر مرحوم ابراهیم خان بیگلر بیگی سابق هزاره، اللهیارخان برادرزاده او، عبدالحمید بهادر فرستاده حسن سردار هزاره پساکوهی با عریضه او، عبدالکریم بیک فرستاده ابراهیم خان سردار تایمنی با عریضه، خان میرزا بیک فرستاده ابراهیم خان واکرم خان فیروزکوهی با عریضه، شادمان بیک فرستاده نصیرخان جمشیدی با عریضه، رضا بهادر (؟)، ارباب خالق ریش سفید طایفه ایجکه، علی بهادر ریش سفید طایفه قیرستان، عظیم بیک ریش سفید طایفه قهقچه، ملا حسین ریش سفید طایفه دهه زنگی.

حکیم کازولانی (۱) حکیمباشی نظام صاحب نشان دویم شیر و خورشید دولت علیه و صاحب نشان دویم سنت استانیس لاس دولت روس روز بیست و سیم ربیع الثانی وفات کرد. او را با احترام تمام دفن و کفن کردند.

جبه خانه اصفهان ترقی نموده آلات حرب بسیار ممتاز از قبیل لوله تفنگ و چقماق و سرنیزه و شیپور و غیره می سازند.

از قوت صید محمدخان حاکم هرات کاسته امیرافضل خان پسر کهنل خان قندهاری با جمعی افاغنه برسر فراه و سبزار آمده این دو

شهر را گرفتند و در حوالی هرات امنیتی نیست.

در عقیلی بلوک شوشتر تگرگ به قدر گلوله توپ آمده چرخها که در صحرا برای مرمت و تقیه قنوات بوده بکلی خرد کرده است.

نواب شاهزاده بهرام میرزا که در تشریف فرمائی موکب همایون به سفر اصفهان از جانب سنی الجوانب پادشاهی نیابت داشتند و خدمات نمایان نموده به نشان تمثال بی مثال مبارک قرین افتخار گردیدند.

جناب صدراعظم به سرکشی کارخانه بلورسازی رفته عملیات را انعام داده تشویق کردند و از طرف قرین الشرف ملوکانه نیز به استادان کارخانه بذل مراحم شد.

میرزا عبدالوهاب پسر مرحوم میرزا محمد علی خان وزیر دول خارجه به منصب نیابت دویم وزارت دول خارجه و یک ثوب جبه ترمه مخلع و نایل گردید.

از اصفهان تا منزل مقصود بیک در راه فارس همچنین از اصفهان الی کاشان حسب الامر قراولخانه ها در راه ساخته مایه مزید امنیت گردید.

به طایفه ککلان در استرabad که به قشون مأمور آن نواحی خدمت کرده بودند دوهزار تومان تخفیف مرحمت شد.

میرزا محمدولی طبیب حکیمباشی کل افواج قاهره گردید. اسماعیل میرزا ولد نواب شاهزاده بهرام میرزا منصب سرهنگی یافت.

فوج پانزدهم شقاقی که از خدمت خراسان برگشته بود از وجوه خزانه مواجب آنها را داده و مرخص خانه فرمودند که چندی آسوده باشند.

محمدخان میرپنجه و بیگلریگی آذربایجان به دارالخلافه آمده شرفیاب حضور مبارک گردیدند.

وزیرنظام در آذربایجان در خدمات مرجوعه مساعی جمیله دارد. نواب والا نصرالدوله حکمران فارس با سه عراده توپ و چهارصد سوار و دوست نفر سرباز همدانی به نظم گرمسیرات رفتند و پیش از این که خود عازم شوند سه عراده توپ و پانصد نفر سرباز و سه هزار سوار

با فضل‌الله‌خان میرپنجه و جعفرقلی‌بیگ یاور اول توپخانه به گرمسیرات فرستادند. این اوقات قلعه سفید را گرفته ساکنین را در ربقه اطاعت درآورده به‌ازای این خدمت جعفرقلی‌بیگ به لقب‌خانی ملقب گردید.

عبدالله‌خان صارم‌الدوله که در کرمان و بلوچستان خدمات کرده بود مورد مرحمت شد. فوج خدابنده‌لو را ابواب‌جمع او فرمودند و به‌یک قبضه شمشیر مرصع سرافراز گردیده مأمور شد که کسری فوج ملایر و توپسرها را بکشد.

سیداحمد و سیدایازخان نانکلی کرمانشهان مخلع گشتند.

چون آخر سال تنگ‌وزئیل است حسب‌الامرسان‌قشون حاضر رکاب را دیدند.

این اوقات مبلغی از جوهری که در هرات به‌اسم همایون سکه زده بودند و عریضه صید محمدخان باجمعی از معارف هرات به‌دربار همایون رسید.

از قرار آنکه ذکر نمودیم چون این اوقات سید محمد ولی‌خان قندهاری و خوشدل‌خان و غلام محیی‌الدین پسر کهندل‌خان باجمعی مشاهیر دیگر و دوهزار سوار و دوهزار نفر پیاده و هفت عراده توپ و یک لوله زنبورک به‌فراه آمده آنجا را تصرف کردند و محمدصدیق‌خان پسر کهندل‌خان نیز در تعاقب آنها باجمعی کثیر و توپخانه اراده اسفزار دارد و بر سر اسفزار آمده و قریب‌الوصول است و از قرار مسطور خود کهندل‌خان نیز به‌خاک هرات خواهد آمد، لهذا اوضاع هرات قدری مغشوش است و ایالات و عشایر حول و حوش هرات که این بی‌نظمی را دیده بنای تاخت و تاز گذاشته‌اند و به‌اتفاق بعضی تراکمه نهبندگان را چاپیده‌اند. در کرمانشهان بارندگی زیاد شده در منزل قهرود پنج روز علی‌التوالی طوری برف آمده که راه عبور و مرور مسدود می‌بود.

این ایام در رحمت‌آباد گیلان به‌اهتمام میرزا علی‌اکبر سرهنگ قورخانه قطران زیاد می‌سازند.

فوج جدید مراغه ابواب‌جمع اسکندرخان سرهنگ و فوج خلج ساوه جیره و علیق گرفته با هزار نفر سواره شاهسون افشار و ایلات قزوین

مامور خراسان شدند.

دو هزار و پانصد دست فانسقه که در قورخانه ساخته شده و دو هزار قبضه تفنگ طرح انگلیسی که در جبهه‌خانه دارالخلافه ساخته‌اند بار بسته که به خراسان ببرند.

هریک از افواج که کسری دارند حسب الامر کسری آنها گرفته می‌شود.

نواب والا حسام السلطنه والی خراسان عباسقلی خان میرپنجه را با سه فوج سرباز و سواره و توپخانه روانه تربت جام نمودند که مشغول حراست ثغور و نظم آن صفحات باشند.

فتحعلی بیگ نایب آجودانباشی را نواب والا حشمةالدوله حکمران آذربایجان مأمور نظم امور نظام مراغه نمودند.

کتاب قاموس و تاریخ پطرکبیر طبع شده و می‌فروشند.

روزشنبه بیست و هشتم جمادی الاولی هفت ساعت وسی و شش دقیقه از روز گذشته آفتاب عالمتاب از برج حوت به حمل تحویل نمود و سلام عام در تالار تخت مرمر باشکوهی وافر منعقد گردید و قریب سی نفر از اعیان وریش سفیدان هزاره و تفرشی و جمشیدی در این سلام مخلع گردیدند.

شب عید جناب صدراعظم به یک قطعه نشان تمثال بی‌مثال همایون مکمل به الماس برلیان مفتخر شدند و یک ثوب جبّه ترمه دوره مروارید روزی که ذات ملک صفات همایون به عمارت جدید تشریف فرما می‌شدند به جناب معظم‌الیه مرحمت فرمودند.

در این ایام، نواب شاهزاده امامقلی میرزا به حکومت کرمانشهان و خلعت همایون سرافراز گردید.

خسروخان والی را خلعت و حکومت قزوین دادند.

بعد از آمدن جعفرقلی خان میرپنجه با افواج و قشونی که مأمور صفحات گریان و استراباد بودند به دارالخلافه معدودی از اشرار تکه آن صفحات را خالی از قشون فرض کرده قصد تاخت و تاز کرده بودند ولی قراولان آن نواحی ایشان را به سزای خود رسانیدند.

از غریب که در کرمان اتفاق افتاده این که در ارزویه بزی چهل روز دیوانه شده و سه‌بچه زائیده که یکی از آنها شباهت به سگ داشته

بخصوص دست وپای او که خیلی شبیه بهسگ بوده است.
این اوقات بارندگی زیاد در کرمان شده بعد از بارندگی وقت عصری
صاعقه در سرای گلشن فرود آمده است.
در خمره باران زیادی آمد.
قشونی که از استرabad آمده موجب سالیانه آنها را داده مرخص
خانه شدند.

فوج بکشلوی افشار را ابواب جمع عباسقلی خان سرتیپ افواج قدیم
و جدید قزوین فرمودند.
جمعی از تراکمه که در خراسان بهتاخت آمده دچار محمدرحیم—
خان شده سه نفر سردار بهاسم و بیست نفر دیگر از ایشان را قشون ظفرنمون
مقتول نمودند.

نواب والا مویدالدوله با بزرگان سیستان گفتگو نموده که در
ترش آب و در دهنة نهبدان قرار قراولخانه و مستحفظ بگذارند که
طرق و شوارع از دست اندازی بلوچها محفوظ ماند.
قراولخانه های شهر اصفهان تمام شده و سرباز در آن قرار گرفته و
این فقره موجب مزید نظم و انتظام است.

بارندگی زیاد در اصفهان شده روز پنجشنبه دهم جمادی الثانیه
که روز سیزده عید بود موکب همایون به عزم توقف چند شبه تشریف—
فرمای قصر قاجار گردیدند.
در دارالخلافه بارانهای به موقع آمد.

حکومت ساوجبلاغ آذربایجان را به کریم خان مگری محول فرمودند.
نواب والا حشمةالدوله به اجازه اولیای دولت نجفقلی خان پسر
مهدی خان قراپاپاق را مأمور سرپرستی قراپاپاق نمودند.

این اوقات حکم شد هر کس معدنی در ممالک محروسه پیدا کند
وبه واسطه حاجی میرزا جبار ناظم المهام به عرض اولیای دولت برساند
اذن کار کردن در آن معدن را به او خواهند داد و تا پنج سال هرچه آن
منفعت حاصل نماید مال خود او است و هر کس بی اذن در معدنی کار
کند منافع آن ضبط دیوان می شود.

کسر سواره را حسب الامر می گیرند که به دفعات دوازده هزار و
پانصد نفر سواره حاضر رکاب اعلی شوند.
در شوشتر و دزفول و آن صفحات بارندگی کامل شده نصیرخان

از طایفه جودکی لرستان را که از اشرار و راهزنان بود نواب والا احتشام‌الدوله گرفته به‌سزای خود رسانیدند.
در قزوین هفت‌شبهانه‌روز مستمر باران آمد.
سواره ایلات قزوین به‌دارالخلافة احضار شدند.
کتاب فصول خوارزمی والفلیلة وحدیقه حکیم سنایی طبع شده می‌فروشند.

چون جمعیت دارالخلافة زیاد شده حکم شد هر که بخواهد بیرون دروازه‌خانه بنامد. بنابراین دویست‌باب خانه تاکنون بناموده‌اند.
این اوقات بارندگی که در دارالخلافة شده رعد و برق نمودار و صاعقه فرود آمده به‌بادگیر خانه حاجی‌محمدحسین طهرانی گرفته به‌قدر گلوله شمشال سوراخ کرده و فرورفته.

افواج و سواره که در آذربایجان بودند احضار به‌دارالخلافة شدند.
کرمی مار مانند در شکم مرغها در صفحات کرمانشهان و عربستان پیدا شده مرغ دیوانه می‌شود و خوردن گوشت او نیز مضر است.

نواب والا مؤیدالدوله حکمران کرمان و بلوچستان که به سفر بلوچستان رفته بودند خوانین و اعیان بلوچستان از قبیل رشیدخان و سیف‌الدین‌خان و سالار مهدی‌خان و اعظم‌خان و غیرهم از روی انقیاد خدمات به‌نواب معظم نموده‌اند و مدد علی‌خان سرحدی نیز مخلص و مأمور شد که سایر بزرگان بلوچرا به‌خدمت نواب مؤیدالدوله بیاورد.
میرزا محمد علی‌خان ناظم‌الملک از جانب نواب والا نصره‌الدوله حکمران فارس به‌گرمسیرات رفته سه قلعه محکم بلوک اهرم را که یکی در صحرا و دو در کوه بود گرفته و خراب کرده حاجی ابوالحسن اهرمی را نیز که به‌واسطه استظهار بر قلاع مزبوره شرارت می‌نمود به‌سزای خود رسانید. دوسه قلعه دیگر نیز که در بلوک جویم و بیدشهر و در تصرف اشرار بود مستخلص شده آن حدود نظم یافت.

طرح اجناس غیر مرغوب از حکام جهرم و قیر و کارزین و داراب و ابکاء و غیره به‌رعیت معمول بود حسب‌الامر موقوف شد.
نصرالله‌خان بیگلربیگی سابق لار و قبادخان شقائی و احمدخان بهارلو که از حکام سابق روگردان بودند استمالت شده به‌خدمت گرویدند.

در گرمسیرات فارس بارندگی شده.

تاریخ جهانگشای نادری و کتاب جامی طبع شده می‌فروشند. حکومت خوی را بدشاهزاده محمدرحیم میرزا مرحمت فرمودند. حکومت ولایت خلخال را به‌نواب شاهرخ میرزا مرحمت فرمودند. چون اختیار حکومت عراق را در هذهلسنه سیچقان‌ئیل به‌جناب مستوفی‌الممالك واگذار فرموده‌اند لطفعلی‌خان نایب‌الجودانباشی حسب‌الامر از جانب معظم‌الیه به‌نیابت حکومت عراق معین و روانه گردید.

عباسقلی‌خان سرتیپ نوری که در خراسان خدمات کرده بود به‌یک رشته حمایل سرخ از مرتبه سرتیپی اول نایل گردید. سکه قدیم در شوش مسکوک به‌نقش کلمه طیبه لاله‌الاله و آیات شریفه قرانی پیدا کرده به‌دارالخلافه آوردند و شرحی میرزا جعفرخان مشیرالدوله همراه مسکوکات نوشته و ارسال داشته که صورت آن از قرار ذیل است:

در شهر قدیم شوش واقع در چهار فرسخی شوشتر آثار عمارات عالیه از زیر خاک نمودار شده از جمله عمارت اردشیر درازدست است که آن عبارت از سی و شش ستون سنگ یک‌پارچه و فاصله هرستون هفت ذرع و بلندی ستونها به‌علت افتادن و شکستن معلوم نیست. لکن از زیر ستون و سرستون که اکثر صورت گوساله و غیره دارد معلوم می‌شود که ستونها بسیار بلند بوده باوجود این که در صحرای عربستان یک‌پارچه سنگ پیدا نمی‌شود، سی و شش زیر ستون هم در پیش روی همین عمارت روبه‌شمال او پیدا شده و دلیل است که اینجا جای سلام بوده. این عمارت در طرح و وضع مثل تخت جمشید است. در بعضی از ستونها عبارات به‌خط سریانی و کلدانی منقور است. آجرها به‌وزن شصت و هشت من در اینجا کار کرده‌اند. در بالای یک عمارت قدیمی پول سفید مسکوک به‌خط کوفی بیرون آمده معلوم می‌شود بعد از غلبه عرب این پولها را دفن کرده‌اند و این پولها سکه بصره و دمشق و واسط و مرو و هرات و نیشابور و دارابجرد و اصطخر بوده. تاریخ سکه پول یک‌صد و پنجاه هجری است و تعجب است که چگونه در این مدت مدید پولها به‌این صفا و تازگی مانده.

شهر خرم‌آباد که آب‌جاری نداشت و مردم از آب تنگی می‌کشیدند و در یک فرسخی شهر آثار نهری بود، به‌حکم نواب والا احتشام‌الدوله

نهر را حفر و مرمت نموده به واسطه آن شهر خرم آباد را دارای آب جاری کردند.

بلوك عقيلي شوشتر که خرابی داشت به قدر لزوم به رعایای آن تخفیف مرحمت شد. پل شوشتر را می سازند. ضرابخانه شوشتر که چندی بود سکه نمی زدند حکم شد دایر کنند.

نواب بهادر میرزا (۱) مرحوم شد.

نظر به لیاقت میرزا محمد مستوفی او را به لقب قوام الدوله ملقب فرمودند.

از دربار دولت روس نشان سنت آنا از مرتبه دویم دوره الماس به حکیم کلو که حکیمبازی مرحمت شد.

قلعه نسکن و قلعه سرباز بلوچستان مفتوح و صاحب منصبان و افراد قشون به قدر لیاقت مورد مرحمت شدند.

یک صد نفر سرباز افشار ابواب جمع سلیمان خان افشار را داخل سواره نمودند.

شش صد نفر سواره افشار شاهسون و سیصد نفر سوار ایلات قزوین موجب گرفته مأمور خراسان شدند.

فوج دماوند احضار دارالخلافه شده موجب گرفته مأمور اصفهان شدند.

هزار و یک صد نفر توپچیان آذربایجان احضار شده که به سرحدات روانه شوند و توپچیان سابق سرحدات را مرخص کردند.

کهن دل خان که لشکر به هرات کشیده بود منهزم شده به هرات و اسفزار رفته کمک از کابل و قندهار طلبیده است.

در چمن قهقهه سه فرسخی شهر مشهد مقدس شش مرغ به هم رسیده که هریکی از گوسفندی بزرگتر می باشند.

به اهتمام شاهزاده مصطفی قلی میرزا شکر مازندران را طوری سفید کرده اند که مثل شکر لاهور شده.

در مازندران باران کامل آمده.

عمارات جدید سلطانی در دارالخلافه ساخته مزید بر عمارات قدیم نمودند و حکم شد مریضخانه مابین قراولخانه های دروازه دولت

ودروازه قزوین که جای چهارصد نفر مریض و منزل اطبا و مطبخ و غیره داشته باشد بسازند و عدۀ توپها چون زیاد شده انباری جدید نیز پهلوی انبار قدیم ساخته شد و باغات و عمارات بیرون شهر را از قبیل لاله‌زار و نگارستان و قصر قاجار در کمال خوبی تعمیر کنند. و عمارات جدید سلطانی در قصبۀ نیاوران بنانمایند و بازاری مشتمل بر یک صد باب دکان در نیاوران نیز بسازند.

شفیع‌خان مصلحت‌گذار دولت علیه ایران مقیم لندن این اوقات با اجزای خود به حضور اعلیحضرت پادشاه انگلستان مشرف شد.

نواب شاهزاده نصرالدوله حکمران فارس به‌نشان مرتبۀ اول میرپنجگی و حمایل سرخ و سفید مخصوص این رتبه مفتخر گردید و اشخاصی که به‌همراهی نواب معظم‌الیه در گرمسیر خدمت کرده بودند هر یک مورد مرحمتی لایق گردیدند.

فوج بهادران به‌سرهنگی آقاخان خان که قدیمی و نظام‌دان است در کمال انتظام و آراستگی از آذربایجان به‌دارالخلافه آمدند.

عباسقلی‌خان سرتیپ افواج قزوین به‌جهت گرفتن کسری افواج قزوین و فوج جدید افشار بکشلو روانۀ قزوین شد.

یوسف‌خان سرتیپ افواج خواجه‌وند و عبدالملکی مامور گرفتن و نظم افواج مزبوره شد.

خان باباخان پسر عباسقلی‌خان سرتیپ افواج قزوین به‌منصب سرهنگی فوج قدیم قزوین و خلعت همایون سرافراز شد.

آقاخان سرتیپ نیز به‌گرفتن کسری افواج ایلات قزوین و سایر امور متعلقه به‌افواج مزبوره و سوارۀ ایلات ابواب‌جمعی خود به‌قزوین رفت.

دراکثر ولایات ممالک محروسه بارندگی شده.

به‌رعایای اصفهان یازده هزار تومان تخفیف مرحمت فرمودند و صنف علاف و خباز اصفهان که از مالیات معاف بودند - اما حکام به‌آنها تعدی می‌کردند - قدغن بلیغ شد که کسی متعرض این دو صنف نشود. شب پنجم ماه رجب، زلزله شدیدی در شاهرود شد.

مرتضی‌قلی‌خان در تنقیۀ قنوات شاهرود و تعمیر قلعه و قنات رحمت‌آباد اهتمام می‌نماید.

ابراهیم خان پسر عبدالرزاق خان یزدی به حکومت کاشان و خلعت همایون سرافراز گردید.

خسروخان کرمانی حکومت قراجه‌داغ یافته مخلع شد.

میرزا عبدالرحیم پسر مرحوم میرزا محمد تبریزی آجودان وزارت امور خارجه شد.

ریش سفیدان ترکمان کوکلان و یموت که محض سبقت درانقیاد به دربار همایون آمده بودند مخلع و مرخص شدند و برای سایر ریش سفیدان ترکمان که در اماکن خود بودند خلعت مبذول و انفاذ شد.

فوج جدید فیروزکوهی ابواب جمعی مصطفی قلی خان میرپنجه به سرهنگی علیرضاخان وارد دارالخلافه شدند و حکم همایون شد که کل صاحب منصبان قشون کلیجه نظامی و شلوار تنگ بپوشند که در وقت مشق چابک باشند.

پیران فوج فدوی از خدمت معاف شدند.

روز عید نوروز، در شیراز تگرگ غریبی باریده که دانه‌های آن به درشتی نارنج بوده و یک دانه از آنها به سر یک نفر خورده چشمهای او از حدقه بیرون افتاده و مغز او از هم پاشیده، گوسفند و مال و مواشی زیاد در صحراها تلف کرده و بعضی از درشتی دانه‌های تگرگ چیزها می‌گویند که به اغراق شبیه است.

دو رشته قنات دریم و نرماشیر احداث کرده‌اند که باغستان به عمل آرند. بعضی ایلات رودباری و غیره کرمان که متفرق شده بودند استمالت شده قراردادند به اماکن خود برگردند و تا چهار سال از مالیات معاف باشند.

آب زاینده رود اصفهان زیاد شده و مایه مسرت زارعین است. سه فوج سرباز جدید اصفهان عازم دارالخلافه می‌باشند.

روز پنجشنبه هفتم شعبان بندگان اعلیحضرت شاهنشاهی دام ملکه ابتدا سوار شده به سرکشی و بازدید مشق افواج قاهره تشریف فرما شدند. بعد از آن عزیمت نیاوران نموده پس از تماشای آن اماکن، عمارت سلطنتی ارگ را مزین داشتند.

خدمات میرزا فضل‌الله وزیر نظام منظور نظر اقدس شده یک قطعه

نشان مرتبه اول سرتیپی و یک رشته حمایل سرخ مخصوص این مرتبه مصحوب میرزا مصطفی قلی ولد معزی‌الیه به افتخار ایشان انفاذ تبریز شد. میرزا ابراهیم مسیحی اصفهانی مترجم سفارت دولت علیه ایران مقیم لندن به لقب خانی سرافراز شد.

هشت فوج از افواج قاهره را ابواب جمع محمد حسن خان سردار فرمودند و عبدالله خان ولد مشارالیه به منصب میرپنجگی سرافراز شد. بیگلر خان سرهنگ بزچلو که پیرمرد و عازم مکه معظمه بود حسب الاستدعای او منصب سرهنگی او را به عباسقلی خان پسر او مرحمت فرمودند.

فوج مخبران شقاقی ابواب جمعی قاسم خان سرتیپ قراباغی وارد دارالخلافه شدند.

فوج شانزدهم شقاقی که از آذربایجان احضار دارالخلافه شده بود نیز وارد گردید.

دربلند دزفول یک روز مقارن غروب انقلاب غریبی در هوا نمودار شده تگرگی شدید بارید و طوری سیل برخاست که اکثر گاو والاغ که مردم از صحرا به خانه می‌آوردند سیل برد و بسیاری از خانه‌ها نیز از لطمهٔ رعد و برق و سیل خراب شد.

سدبند شهر قزوین را که سال گذشته خراب شده بود خسروخان والی حاکم قزوین می‌سازد.

درماه رجب، بیست دقیقه تگرگ شدیدی در قزوین باریده که سه روز در زمین باقی بود.

روز پنجشنبه چهاردهم شعبان، ذات ملکوتی صفات مقدس در قریهٔ دربند شمیران میهمان میرزا محمدخان کشیکچی‌باشی بودند و مشارالیه لوازم پذیرائی مقدم مبارک را کاملاً به عمل آورده شب پانزدهم که شب عید ولادت با سعادت حضرت صاحب‌الامر عجل‌الله‌تعالی فرجه بود در قصر قاجار توقف فرمودند و آتشبازی کاملی شد. نواب محسن-میرزا را به یک ثوب جبّه ترمهٔ لاکی مخلص فرمودند.

کارخانهٔ بلورسازی در دارالخلافه ترقی کرده است.

مشهدی حسن نام صندوق‌ساز تبریزی دو صندوق آهنی ساخته که وزن آن دو خروار و در بستن و گشادن آن صنایع غریبه بکار برده و از

قرار تصديق تجار جز در دوسه كارخانه از كارخانه‌هاى فرنگ نظير آن ساخته نمى‌شود مورد توجه شده سيصد تومان و يك طاقه شال به‌او مرحمت فرمودند.

فوج مخبران شقاقى به‌سرتيپى قاسم‌خان مامور فارس شد.
فوج هفتم و هشتم افشار ابواب جمع عسكرخان سرتيپ از آذربايجان به‌ركاب اعلى احضار شدند.

سواران ميرزا ابراهيم‌خان سرتيپ كه احضار ركاب اعلى شده بودند نهصد و پنجاه نفر در كمال آراستگى مى‌باشند.

سربازان فوج خرقان مامور ساخلو يزد شدند كه فوج بندپيى، عوض آنها مراجعت كنند.

فوج شانزدهم شقاقى به‌سرهنگى رحمت‌الله‌خان وارد دارالخلافه شده مامور خراسان شدند.

نواب امامقلى ميرزا حكمران كرمانشهان پنجاه سوار به‌حراست طرق و شوارع آن صفحات برقرار نمودند.

در خراسان بارندگى كامل شده است. در نيشابور يك نفر در بام بوده برق به‌سر او زده او را هلاك و سقف را شكافته يك نفر را هم در اطاق كشته.

در قريهٔ جز، در كنار دريائى استراباد، بادى آمده كه اغلب خانه‌هاى آنجا را خراب نموده.

موكب همايون روز يك‌شنبه بيست و چهارم شعبان باشكوهى تمام عزيمت بيلاق فرموده تشریف فرماى قصر نياوران شدند. قصبهٔ نياوران رونقى حاصل نموده است. در ايام ماه مبارك رمضان، به‌جهت فراغت طبقات خدم براى عبادت، عصرها را موقع شرفيابى به‌دربار قرار دادند.

تخم‌پنبهٔ ینگى‌دنيائى به‌زارعين دارالخلافه همچنين به‌رايائى تبريز داده شد كه امتحان نمايند كه در كجا خوب به‌عمل مى‌آيد.
در كرمان باران آمده و هوا معتدل است.

سارى‌خان تركمان يموت كه مصدر شرارت بود در استراباد نزد محمد ولى‌خان بيگلريگى آمده اظهار پشيمانى و اطاعت نمود.
تگرگ زياد در همدان باريده.

امامزاده زید را در این ماه مبارك به انواع امتعه تزئین دادند. فضلعلی خان میرپنجه و بیگلربیگی را به منصب امیرتومانی سرافراز فرمودند.

عبدالله خان جوانشیر به سرهنگی فوج اول خاصه سرافراز شد. فوج جدید بر خوار و ماریین اصفهان را چراغعلی خان بهرکاب اعلی فرستاده نهایت آراسته بودند و حکم شد مشغول مشق باشند. کلیه افواج قاهره در ماه رمضان از مشق معافند. نادرقلی خان سرکرده سواره ایلات که مأمور خراسان بود با سوار ابواب جمعی خود در کمال نظم به محل ماموریت رفت. زنی در خراسان طفلی زائیده بعینه میمون ولی دم ندارد. خوانین سیستان عریضه نوشته اظهار انقیاد می نمایند. علیقلی خان میرپنجه و عسکرخان سرتیپ و دو فوج افشار و هزار نفر سوار خمسه به انتظام صفحات خراسان مامور شدند. امیر علینقی خان وکیل طبس به حکومت ولایت طبس و خلعت همایون سرافراز شد.

اسکندر خان زند حکومت مرنند و گرگر یافت. شب هفتم رمضان بندگان سرکار اعلیحضرت همایون در منزل جناب صدراعظم افطار میل فرمودند و جناب معظم حد تشریفات را به عمل آوردند.

میرزا علی اکبر مباشر قورخانه به منصب سرهنگی و خلعت همایون و دو بیست تومان اضافه مواجب نایل گردید. میرزا محمدعلی سر رشته دار اول فوج خاصه سر رشته دار کل توپخانه ممالك محروسه شد.

امامقلی خان ملقب به بیوک خان برادر عسکرخان سرتیپ به منصب سرهنگی فوج هفتم افشار سرافراز و با فوج مزبور روانه خراسان شد. فوج گلپایگانی و بزچلو و فوج جدید خلخال مرخص خانه شدند. روز شنبه پانزدهم رمضان، اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی دامملکه از قصر نیاوران تشریف فرمای شهر شده به صحن مقدس امامزاده زید توجه فرموده تجار و اهل صناعه که در این زاویه مقدسه به فروش امتعه خود مشغول اند هرکس متاعی نفیس و مصنوعی ممتاز داشت معروض

و ملحوظ نظر انور ذات معدلت صفات مقدس هرچه را پسند فرموده خریداری شد.

هرات که چندی بود از تصرف سلاطین ایران خارج شده به میل خاطر منقاد و در تحت تصرف آمد.

هزار و دویست تومان بر مواجب نواب و الانصره الدوله افزودند. ریش سفیدی خلوت و منصب تفنگدار باشیگری دربار همایون را مجدداً به آقا محمد حسن مهرداد مرحمت فرمودند.

چهارصد نفر سوار تکه در نواحی استرآباد به عزم تاخت قلعه کھسار آمده بودند جمعیت بر سر آنها رفته برخی را مقتول و بقیه منهزم شدند. نواب مسعود میرزا حاکم بار فروش شد.

کارخانه شکر سازی در میدان ارك ساری تمام شده در اوایل ماه شعبان قند سفیدی از شکر سرخ آنجا ریختند.

حکومت گلپایگان و خوانسار را به آجودانباشی واگذار فرمودند. فوج کمره ابواب جمع هاشم خان احضار رکاب شد.

چون اعراب بادیه نشین بغداد تعدی به زوار می کردند به صوابدید علمای اعلام رفتن زوار به عتبات قدغن شد.

چون حدود خراسان به اهتمام اولیای دولت علیه انتظام یافته عریضه تشکر صید محمد خان سردار حاکم هرات و اعیان و اشراف آنجا به صحبت عالی جناب ملا فیض الله مفتی به دربار همایون رسید.

دور قلعه عنایت آباد و میامی که در سرحد ترکمان است حکم شد قلعه خندق و شیر حاجی بنا کنند.

دور حنظل آباد از دهات پشتکوه بلوک تبادکان را نیز مقرر شد قلعه بسازند.

فوج قمیشه و سمیرم و چهار محالی را چراغعلی خان از اصفهان روانه دارالخلافه نمود.

عمارات دیوانی کرمانشاه خاصه عرش آئین را نواب امامقلی میرزا تعمیر کاملی نموده است.

روز دوشنبه غره شوال، که عید رمضان است، در عمارت جدید

نیاوران، سلام عام منعقد و طبقات خدام به خاکپای مبارك مشرف شدند. و در این سلام يك قبضه شمشیر مرصع و يك ثوب جبۀ شمسۀ مرصع به جناب صدراعظم مرحمت فرمودند.

ساسان میرزا ولد نواب بهاء الدوله بهللی نواب شاهنشاهزاده معینالدین میرزا اختصاص یافت.

پرویزخان سرتیپ سوارۀ چهاردولی با سوارۀ خود بهرکاب اعلی آمد.

محمدقلیخان ولد مرحوم حسینخان سردار که غلام پیشخدمت بود به یوزباشی گری غلامان مأمور کرمان برقرار شد.

دو فوج خمره را به دارالخلافه احضار فرمودند.

در استرآباد بارندگی زیاد شده است.

پانصد نفر سوار از سرخس به عزم تاخت وارد خاک جام شده بودند سوارۀ جامی آنها را جلو گرفته و با زدو خورد ایشان را از خاک جام بیرون نموده.

خان خیوق که به عزم گرفتن زکات به مرو آمده، مرویها تمکین نکرده کار به مدافعه کشیده است.

عباسقلیخان بیگلربیگی که با هزار سوار و هزار نفر سرباز و دو عراده توپ مأمور تعمیر خرابی بروج آق و دربند و قراولخانههای مزدوران و غیره شده بود آنها را تعمیر نموده است.

درسرجام بارندگی زیاد شده و بعد تگرگی بسیار که تخمیناً هردانه چهارده سیروزن داشته آمده و چهارپنج روز روی زمین مانده است.

شنبه ششم شوال موبک همایون، از نیاوران انتهاز فرموده محض تشویق و بازدید متعلمین و امور مدرسۀ مبارکه تشریف فرمای دارالفنون شدند. بعدها برای سرکشی افواج قاهره میدان مشق خارج دروازه دولت را به مقدم مبارك آراسته وقت عصر مراجعت به نیاوران فرمودند.

میرزا رفیعخان فورکی نظر به حصانت قلعه فورک - که از قلاع محکمۀ خراسان است - دم از خودسری میزد. نواب والا حسامالسلطنه والی خراسان پاشاخان سرتیپ را با دو فوج سرباز سمنان و دامغان و میراسداللهخان حاکم قاینات را با عدهای از سواره و پیاده خراسانی به انتظام آن صفحات مأمور کرده آن حصن حصین را که سه قلعه تودرتو

بود مسخر نمودند و مثل سایر قلعه‌جات خراسان ساخلوی در آن گذاشتند. میرزا رفیع‌خان به هرات رفته صید محمدخان سردار حاکم هرات راشفیع خود قرار داده شفاعت معزی‌الیه در دربار همایون عزقبول افتاده تقصیر میرزا رفیع‌خان معفو و قشون و صاحب‌منصبان که در گرفتن قلعه فورک جلادت و خدمت کرده بودند هر یک به قدر استحقاق مورد مرحمت شدند.

اهالی قلعه گزیک و طاقان از قلاع خراسان نیز ترك خودسری نموده از در اطاعت درآمدند.

محمدحسن‌خان سردار به حکومت کرمان و بلوچستان و یزد سرافراز و به یک ثوب جبّه ترمه شمسه مرصع مخلع گردید. احمدخان نوائی کارپرداز اول دولت علیه در تغلیس احضار به دارالخلافه شد.

قاسم‌خان غلام پیشخدمت خاصه به جای او رفت. علی‌خان پسر عزیزخان آجودان‌باشی که به مهمانداری مشیرالدوله و مامورین دول خارجه مأمور بود روانه سردشت شد. نواب مصطفی‌قلی میرزا حکمران مازندران به یک قطعه نشان از مرتبه اول سرهنگی و یک رشته حمایل سفید مخصوص این رتبه نایل گردید.

خدمات چراغعلی‌خان نایب‌الحکومه اصفهان در امور حکومتی و تمام کردن ملبوس نظام مشهود امنای دولت گردیده مورد مراحم شاهانه گردید.

جناب صدراعظم باغ‌ارغونیه (۱) را موسوم به داودیه کرده در

۱- این باغ از مستحدثات یا املاک حسنعلی میرزا پسر فتحعلی شاه بود که به نام پسرش ارغونیه نام نهاده بود. ارغونیه پس از گردش روزگار و زوال قدرت و مکتب حسنعلی میرزا، به ملکیت میرزا آقاخان نوری درآمد و صدراعظم نوری آن را داودیه نام نهاد، به نام پسر دوم خویش داودخان. پسر اولش کاظم‌خان نظام‌الملک بود. صدراعظم در داخل تهران، در ضلع جنوبی میدان بهارستان فعلی، عمارتی زیبار باغی پهناور بنا نهاده بود، موسوم به نظامیه. در کتاب «گنج شایگان» ضمن مدایح صدراعظم، وصف نظامیه آمده است و یکی از شعرا ماده تاریخ بنای نظامیه را «این نظامیه بعینوماند» یافته. از آن کاخ مینو مانند، امروز تنها کوچه تنگ

آنجا عمارت بنا نموده و بروسعت و خوبی آن باغ افزودند.
میرپنجگی پنج فوج از افواج قاهره را به عبدالله خان ولد محمد-
حسن خان سردار مرحمت فرمودند.

در سیم ماه شوال در قلعه نرق از قلاع خراسان سی نفر زن
حسب الرسم که از روز عید تا چند روز به تعیش مشغول اند به محلی موسوم
به مسجد نور که تقریباً نیم فرسخ از قلعه دور است رفته بودند و مردهای
آنها به جمع آوری محصول می پرداختند، ناگاه چهل و شش نفر ترکمان
از طایفه آخالی و تکه طرنی به عزم تاخت تربت شیخ جام آمده تمام نسوان
مسطوره را اسیر کرده بردند. کریم دادخان بیگلریگی هزاره خبر شده
باجمعی ده پانزده فرسخ آنها را تعاقب کرده جمیعاً را دستگیر کرده و
اسرا را رها کردند.

صید محمدخان حاکم هرات قشون به فراه که قندهاری تصرف
نموده بود فرستاده قلعه گاه را که هشت فرسخی فراه است به یورش
گرفته اند.

خان خوارزم به حدود مرو آمده و در این اوان خلیفه عبدالرحمن
وفات کرده طوایف سالور و ساروق پسر او را به جای او خلیفه ساخته با
خوارزمی به مجادله پرداخته اند و آنها را از حوالی قلعه مرو عقب
نشانده اند.

مهدیقلی خان سرکرده سواره شاهسون افشار با سواره ابواب جمعی
خود در چمن کال یا قوتی دوفرسخی مشهد مقدس چادر زده اند.

از وقایع معظمه این سال آن که جمعی از اتباع سیدعلی محمدباب
علیهم اللعنة والعذاب، به ریاست ملا شیخعلی نام ترشیزی که خود را ملقب
به «عظیم» نموده نایب باب می دانست، بنای فساد نهاده جمعی در خانه
حاجی سلیمان خان تبریزی - که خود از معتقدین فرقه ضاله بود - جمع
و قصد گزند و آسیب وجود مسعود مبارک شاهنشاهی را که بقای آن موجب
وجود فراغ و امن و اشاعه عدل و انصاف و برانداختن رسم ظلم و اعتساف

→ و زشتی مانده به نام کوچه نظامیه !!

در کتاب منتظم ناصری نام این باغ ارغونیه آمده ولی در متن مرآة البلدان «ارغوانیه»

ذکر شده و ظاهراً ارغونیه درستتر است.

است نمودند و دوازده نفر که داوطلب شدند هریک به سلاحی مسلح گردیدند که به نیاوران آمده در کمین و منتظر وقت باشند و باقی در خانه سلیمان خان مهیا بودند که اگر موقع فساد شود بیرون تازند و به نهب اموال و سفک دمای مسلمین پردازند و به اضلال عوام و ترویج عقاید فاسده باطله خود کوشند. بنابراین روزیک شب به بیست و هشتم شوال، در وقتی که بندگان اعلیحضرت اقدس شاهنشاه جمجاه خلدالله تعالی ملکه و سلطانه از قصر نیاوران به عزم شکار سوار شده بودند، سه نفر از فرقه مطروده که در زیر جامه خود به طپانچه و قمه مسلح شده درزی متظلمین و عارضین - در محلی که هنوز ملتزمین رکاب اعلی تماماً به هم نپیوسته - جلوا سب سواری و راه آمده چند طپانچه خالی کردند. ولی تیرها خطا کرده مگر یکی از آنها که ساچمه داشت چند ساچمه آن بعضی از قطعات بدن مبارک را خراشید. چاکران از قبیل اسدالله خان امیر آخور و نظام - الملك (۲) و کشیکچی باشی (۳) و سایر اعظام و معارف، دونفر از آن سه نفر مطرود ملحد را گرفته و یکی را در میان هنگامه به ضرب تیغ و سنگ و چوب روانه جهنم نمودند. بعد از آن، سرکار اعلیحضرت شاهنشاه روحانفاده عزیمت شکار را موقوف داشتند و حسب الامر عزیز خان آجودان باشی و حاجب الدوله والد مؤلف و کلانتر و کدخدایان به تفحص و جستجوی رؤسای فرقه ضاله پرداختند و والد - غفره الله - فراشان شاهی و غیره را بر آن داشت که استعلامی نمایند و آنها معلوم نمودند که مکن و مجمع جماعت مطروده خانه حاجی سلیمان خان است. بدانجا شتافتند و حاجی سلیمان خان را بادوازده نفر از اشرار دستگیر کردند و از این دوازده نفر سایر رفقای ایشان را معلوم نمودند و آنها را نیز بگرفتند. و از خدمات بزرگ که در این وقت والد مؤلف نمود به دست آوردن ملاشیخعلی بود و معلوم شد محمد صادق نامی که خود را به اسب سواری همایون رسانید و طپانچه خود را خالی کرد نوکر این ملعون بوده و اسباب و اسلحه حرب را او به آن خبیث داده. خلاصه سی و دونفر از فرقه مطروده گرفتار شدند و شرعاً عرفاً و جوب قتل آنها ثابت و عموم اهل ملت کشتن آنها را

۲- میرزا کاظم خان پسر اول میرزا آقاخان نوری، صدراعظم که عنوان «شخص دوم»

داشت. عنوان «شخص اول» از آن صدراعظم نوری بود.

۳- میرزا محمد خان کشیکچی باشی که بعداً سپهسالار نیز لقب یافت.

فرض عین و وسیله فوز و فلاح و عین مصلحت و صلاح دانسته ملاشیخعلی که خود را حضرت عظیم می خواند و سرمنشأ فتنه بود، علما و فضلا او را به سزای خود رسانیده و باقی را چاکران دربار و اصناف و کسبه و تجار مقتول و به دارالبوار فرستادند (۴) و مژده سلامتی وجود مسعود مبارک را عاجلا چاپاران به اصقاع بلاد ممالک محروسه رسانیدند و برای آن که ذات ملکوتی صفات همایون از این فتنه و خطر محروس ماند عموم اهالی ایران جشنها گرفتند و شهرها را آئین بسته چراغان کردند و زبان حال جمله از قول مؤلف بدین بیت لطیف که از کریمه کلام الله مجید اقتباسی منیف است رطب اللسان آمد:

یریدالمشرکون لیطفؤها ویأیی الله الا ان یشاء (۵)

بسیاری از سواره و افواج حکم شد حاضر رکاب اعلی شوند و اسب و اسلحه آنها را با رسیدم واجب شش ماهه رسیدگی نمایند.

چون مجدداً محمد ولی خان بیگلریگی و حکمران استراباد و حمزه خان انزانی در تدمیر تراکمه طاغیه شهامت و جلادتی نموده بودند، بیگلریگی به یک ثوب جبه ترمه مخلع و حمزه خان به اعطای یک قبضه شمشیر یراق طلا سرافراز شده.

روز عید قربان سلام عام منعقد و عموم خدم و حشم و غیره به زیارت جمال مهر مثال مقدس فایز گردیدند.

مهدی خان صاحب جمع وجوه خارجه ده عراده کالسکه چهاراسبه خوب به اتمام رسانیده و محض کرایه است و هر کس هر جا بخواهد برود ساعتی یک قران کرایه می دهد.

۴- هریک از اصناف متناسب حرفه و اسباب کار خویش آن جماعت را به زجر و شکنجه تمام کشتند. شرح این ماجری را در کتاب نیکولا به نام «سیدعلی محمد ملقب به باب» و کتاب «ملل و نحل در آسیای مرکزی» کنت دوگوبینو می توان یافت و نیز رجوع شود به کتاب «فتنه باب» متضمن شرح حال و دعوت باب از کتاب المتنبیین اعتضاد السلطنه همراه با توضیحات و تعلیقات به قلم عبدالحسین نوائی.

۵- مأخوذ از آیه شریفه یریدون ان یطفؤا نوره الله بافواههم و یأیی الله الا ان یتنوره (توبه ۳۲) و آیه یریدون لیطفؤا نوره الله بافواههم و الله متم نوره (الصف ۷).

محمودخان کلاتر به عطای يك ثوب جبۀ ترمه مفتخر گردید.
محمدباقرخان پسر محمدخان میرپنجه سرهنگ فوج ششم تبریز و
مخلع شد.

محمد مرادخان سرهنگ فوج بیات زرند به منصب سرتیپی و خلعت
سرافراز شد.

زنی در تبریز در محله سرو مولودی هشت ماهه آورد که چشمهایش
در پیشانی بود و ابرو نداشت. دو دندان در زیر و دوشاخ در پشت گوش
وزبانش مثل زبان گاو و موی سرش هم مثل موی سر گاو و از کمر به پائین
سفید و از سر تا کمر سیاه و دهان بسیار کوچک گردی داشته يك ساعت
بعد از تولد مرده است.

تراکمۀ تکه که به سمت ککلان رفته بودند جماعت ککلان آنها را
متفرق و مغلوب نموده اند.

روز يك شنبه هجدهم ذیحجه الحرام که روز عید غدیر بود سلام عام
منعقد گردید.

میرزا احمدخان ناظم دیوان که در مأموریت هرات خدمت کرده
بود به يك ثوب جبۀ ترمه مخلع شد.

میرزا محمدخان کارپرداز حاجی ترخان چون در مدت مأموریت
کفایت خود را ظاهر نموده به عطای يك ثوب جبۀ ترمه مخلع شد.
میرزا عبدالوهاب گیلانی به مستوفی گری و سررشته داری گیلان و
خلعت همایون نایل گردید.

عمارات دیوانی یزد را محمدحسن خان سردار حاکم یزد و کرمان
تعمیر می نماید.

قنات نه گنبد میانه یزد و اصفهان را نیز تنقیه می کنند.
نارین قلعه شیراز را که حسب الامر بنا نهادند در کار تمام کردن
آن هستند.

هم در این سال، در شانزدهم رمضان المبارک، در محمره غباری
ظاهر و روزبه روز در تزايد بود و چنان غلیظ شد که اکثر روزها از صبح
تا شام آفتاب پیدا نمی شد و بعضی روزها طوری روشنی کم بود که در
ده قدم آدم را ممکن نبود تشخیص بدهند مگر به آواز و صدا. اما از دو
ساعت از شب گذشته غبار برکنار رفته و در هوا جوهر و اعتدالی نمودار

می‌شد. ولی با این غلظت غبار و احتباس چون گرمای زیاد نبود چندان مورث صدمه نشد.

به‌جهت اطفال ارامنه تبریز در حیاط کلیسا حکم شد مدرسه بسازند.

میرزا فضل‌الله وزیر نظام، که دو عراده توپ سه‌پوند بلندقد در تبریز ریخته پیشکش کرد و الحق توپهای خوبی بود، به‌یک ثوب جبهه ترمه مخلع و سرافراز گردید.

حسب‌الامر مقرر شد تومان بندی کل افواج قاهره را نمایند و روی بیرقها اسم و عدد تومان و افواج نقش شود. نیز بعضی از افواج قاهره را به‌میرپنجه‌ها سپردند که درانتظام کار آنها سعی باشند.

با آن که پنج سال است در فارس ملخ‌خوارگی می‌شود انواع نعمای الهی در آن مملکت وافر است.

در جبه‌خانه شیراز تفنگهای خوب می‌سازند.

درکازرون مولودی متولد شده که سر آن به‌شکل گریه و بدنش تمام مثل پلنگ منقش و انگشته‌ها به‌هم‌بافته یک‌پای او بلند و یک‌پای دیگر کوتاه و قد او یک‌وجوب و نیم. دندان‌هم داشته گاهی گریه می‌کرده بعد از یک‌روز مرده است.

انجام امور قورخانه و جبه‌خانه و مدرسه دارالفنون و ملبوس نظام را به‌عهده محمدخان بیگلربیگی و میرپنجه محول و موکول فرمودند.

حاجی مبارک به‌لقب خانی و منصب سرتیپی سواره نانکلی وهداوند وکنگرلو نایل گردید.

پادری‌یحیی، پیشوای مذهب کاتولیکی عیسوی، در جلفای اصفهان درگذشت و چون نهایت آدم خوبی بود ارامنه و مسلمان همه متأسف شدند.

وقایع عمده که در این سال در ممالك خارجه و اقطار عالم اتفاق افتاده

اتانونی ینگ دنیا:

در این سال ایجاد راه آهن مابین کانادا و بستن شد. کتابخانه دولت در این سال آتش گرفت.

اسپانیا:

وکلای ملت در این سال عزل شدند. ناروايز صدراعظم دولت اسپانیا استعفا نموده موری لو به جای او نصب شد. ژنرال لوپز که به قصد تسخیر جزیره کوبا از متصرفات ینگ دنیا ئی اسپانیول به آنجا رفته بود گرفتار شده در هاوان پایتخت جزیره کوبا مقتول شد. شاهزاده خانمی از ملکه اسپانیا متولد شد.

آلمان:

در این سال، مجسمه فردريك اعظم پادشاه پروس را در برلن برپا کردند. ایالات ههن زلرن (۱) به مملکت پروس الحاق شد. طایفه یهود با عیسویان در باویر حقوق و درجه مساوات به هم رسانیدند و حال آن که تا آن زمان دارای این امتیاز نبودند. ارنست اگوست (۲) پادشاه هانور در سن هشتادویک سالگی در گذشت و ژرژ پسرش - با آن که کور مادرزاد بود - به سن سی و دوسالگی به جای او جلوس نمود.

انگلیس:

در این سال در انگلیس، قبول کردن از طایفه یهود را به سمت و کالت رعیت مجلس پارلمان تصدیق کرده بود. ولی مجلس لردها قبول نکرده رد نمودند.

اکسپوزیسیون عمومی در لندن در عمارت بلور در هایدپارک که از باغات بزرگ عمومی شهر لندن است افتتاح یافت و مدت پنج ماه این اکسپوزیسیون برقرار بود.

لرد پالمرستون وزیر امور خارجه استعفا نمود.
در شمال دماغه امید در آفریقا که از متصرفات انگلیس است جنگی

سخت فی مابین حاکم آنجا با طایفه کافر (۳) اتفاق افتاده.
 عهدنامه دوستی و تجارتی با جزایر سندویچ (۴) بسته شد.
 معدن طلا در کوهستان شرقی استرالی منکشف گردید.
 تلگراف بحری از انگلیس به فرانسه از زیر دریای مانش که بندر
 دوور و کاله را به هم وصل می کند امتداد یافت.
 از اهالی ایرلند مهاجرین زیاد به سمت ینگینیا رفتند، چنان که
 در این سال شصت و پنج هزار خانه آنجا بی سکنه بود و تمام اهالی خانه
 های مزبوره به ینگینیا رفته بودند.
 لنگارد مورخ فوت شد.

جمعیت تمام جزایر انگلیس در این سال پنجاه و پنج کرور و دو بیست
 و سی و هشت هزار و نهصد و چهار نفر و جمعیت شهر لندن چهار کرور
 و سیصد و پنجاه و نه هزار و شش صد و چهل نفر است.

پرتغال:

در این سال مارشال سالدنا (۵) که برضد وزرای پرتغال می بود به
 زور اسلحه دولت را مجبور کرد که کن تمار (۶) (۷) صدراعظم را معزول
 کنند و خود به جای او به صدارت منصوب شد.

دانمارک:

ایجاد مجلس و کلای رعیت و بنیان قانون جدید ایزلند (۷) که
 متعلق به دانمارک است. ارستت (۸) معلم علم طبیعی درگذشت. مابین
 دولت دانمارک و ایالتین اسلشویک و هلستن صلح شد.

روس:

در این سال، دولت روس مصمم است از دشت قرقیز به سمت خیوه
 قشون کشی نماید.

سود و نروج:

در این سال در ایالت نروج طایفه یهود را قبول نمودند.

۳- مأخوذ از کلمه «کافر» که بر قبایل عرب غیر مسلمان افریقای شرقی اطلاق می شود

۴- Sandwich = Havai

۵- Saldanha Oliveira

۶- در متن چنین آمده ولی اقدام سالدانها برضد رقیب خویش بود به نام Costa Cabral

۷- Islande

۸- Oersted (Jean Crist ian -)

عثمانی:

در این سال نقاری مابین دولت عثمانی و اتریش به جهت آزاد کردن کسوت که از اشرار مجارستان بود و پناه به خاک عثمانی برده حاصل شد. امیر بشیر از روسای لیبان [= لبنان] فوت شد.

در این سال کسوف آفتاب را عثمانیها به فال بد گرفتند و هرچه منجمین خواستند ثابت کنند که آن را اثری نیست مردم اعتقاد نکردند.

فرانسه:

در این سال ژنرال شان گارنیه از سرداری قشون پاریس معزول شد. در پاریس و بعضی دیگر بلاد فرانسه شورش برپا گردید. دور شهر پاریس ایجاد راه آهن نمودند.

برای صاحب منصبان و سربازان که در جنگ ناپلئون اول زخمی شده و از کار افتاده بودند ولی در حال حیاطند مرسومات تعیین نمودند (۹).

برای تنبیه طایفه قبیلی که از اعراب الجزایرند قشون فرستادند. مارشال سباستیانی (۱۰) و مارشال سولت (۱۱) که از سرداران ناپلئون اول بودند فوت شدند. راه آهن تور (۱۲) و پواتیه (۱۳) برقرار و دایر شد.

بنای بازار فروش مأكولات (۱۴) در پاریس نمودند.

یک صد و هشتاد هزار تومان لوی ناپلئون رئیس جمهوری علاوه بر آنچه معمول بود مطالبه کرده و کلای ملت قبول ننموده رد کردند. و کلای ملت عزل و انتخاب و کلای تازه و تعیین وضع جدید در دولت به میل عامه ملت نمودند.

پانزده کرور رعیت فرانسه مدت ریاست لوئی ناپلئون رئیس جمهور را ده سال قرار دادند.

۹- یعنی مستمری و وظیفه قرار دادند، برای مجروحین و معلولین فرانسوی در جنگهای

ناپلئون بناپارت.

۱۰- Sebastiani

۱۱- Soult

۱۲- Tours

۱۳- Poitiers

۱۴- Les Halles

جمعیت فرانسه در این سال هفتاد و یک کرویر و دویست و هشتاد و یک هزار و هشتصد و بیست و یک نفر بود.

مصر:

ایالت مصر قبول تنظیمات جدید را نمی‌نمایند. به‌توسط کمپانی انگلیس راه‌آهن از اسکندریه به قاهره ایجاد شد.

مکزیک:

شورش و انقلاب در اغلب بلاد این مملکت پدیدار آمد. دولت انگلیس با کمال تشدد مطالبه طلب خود را می‌نماید.

ینگ‌دنیای جنوبی:

ژنرال اشنیک در پرو ریاست یافت.
عهدنامه مابین منتوید [تو] (۱۵) و برزیل برقرار گردید.

وقایع سال ششم سلطنت
وتاجداری اعلیحضرت قدر قدرت شاهنشاه جم‌جاه
خسرو صاحبقران روح‌افاده مطابق سال هزار
ودویست و شصت و نه هجری سیچقان‌ئیل ترکی

توجهات خاطر خطیر همایون شیدالله تعالی دعایم ملکه وامنای
دولت علیه دراین سال خیر مآل زایدآ ماکان به فراغت عموم رعایای
ممالك محروسه و آسایش عباد و معموریت و رونق بلاد بود.

هم دراین سال، اراض‌خان ترکمان باشصت‌نفر از رؤسا و ریش-
سفیدان تراکمه سرخس برای تعهد خدمتگزاری به مشهد مقدس آمده
در خدمت نواب والا حسام‌السلطنه والی خراسان با حضور علیقلی‌خان-
میرپنجه و سام‌خان ایلخانی و عباسقلی‌خان دره‌جزی بیگلربیگی قرار
دادند که اراض‌خان با پنجاه نفر دیگر از آنها غلام پیشخدمت و غلام بوده
مشهد مقدس باشند و پنجاه نفر دیگر از آنها غلام پیشخدمت و غلام بوده
اسبهای خود را داغ کنند. و همیشه مشغول خدمت باشند و یک‌صد نفر
دیگر از آنها در قراولخانه‌های آن صفحات مستحفظ و مشغول حراست
راهها شوند و از جانب نواب معظم والی خراسان نسبت به آنها هرگونه
التفات مبذول شد.

فوج لرستانی از لحاظ نظر مهر اثر مبارک گذشته مورد تحسین
شد.

اشرار لرستان را نواب والا احتشام‌الدوله تنبیه نمودند.

عمارات مرحوم عبدالله میرزا (۱) را در زنجان همچنین دروازه‌های شهر را که در مقدمه طایفه ضالّه بایه خراب شده بود حسب الامر امیر-اصلان خان حاکم خمه تعمیر می‌نماید.

آلات حرب و اسباب نظامی را این اوقات در قورخانه و جبه‌خانه دارالخلافه بهتر از سابق می‌سازند. نیز در کارخانه بلورسازی و چینی-سازی خوب کار می‌کنند و مخصوصاً در باب این دو کارخانه سفارشات به محمدخان میرپنجه شد که در ترقی و تشویق عملجات اهتمام نماید. صد و پنجاه نفر از تراکمه به اطراف خبوشان برای تاخت آمده بودند. یزدان وردی‌خان برادر سام‌خان ایلخانی آنها را منهزم و چند نفر را نیز مقتول ساخت. محمد کریم میرزا از جانب علی‌خان سیستانی عریضه خدمت نواب والا حسام السلطنه نوشته که او را به خدمتگزاری (۲) دولت علیه قبول کنند و یک بیرق نشان شیروخورشید برای سواره او مرحمت شود که معلوم باشد از عساکر منصوره‌اند و پس از نهج این دو مرام متقبل گردید که هفتاد و دو راه که محل عبور بلوچ است نظم آن برعهده او موکول و اگر خلاف نظمی شود مسئول باشد. همچنین کریم‌دادخان بیگلربیگی هزاره دوهزار خانوار هزاره و باخرزی [را] با پسر خلیفه مرو و کدخدایان ساروق و سالور روانه به طرف ارض اقدس نمود.

ناخوشی و با ازخوی و سلماس به تبریز سرایت کرده.

شب پنج‌شنبه ششم شهر صفر المظفر که شب عید مولود مسعود اعلی حضرت شاهنشاهی دام ملکه بود در دارالخلافه و سایر بلاد و ممالک محروسه جشن گرفته چراغان و آتشبازی و سایر لوازم عید را معمول داشتند.

جمعی از سرکردگان که از خدمت خراسان مراجعت کرده بودند هریک به فراخور به انعام و خلعت خسروانه نایل گردیدند.

نواب احمد علی میرزا (۳) به جوار رحمت الهی پیوست.

فوج جدید خمه به سرتیپی میرزا ابراهیم خان خمه‌ای سان داده

۱- عبدالله میرزا پسر یازدهم فتحعلی شاه.

۲- متن همدا: گذاری.

۳- پسر نوزدهم فتحعلی شاه و پدر نخستین همسر ناصرالدین شاه.

مقرر شد تفنگ و فانسقه واسباب به آنها داده شود که مشغول مشق شوند. سرکردگان آذربایجانی که احضار رکاب اعلی شده بودند مخلع گردیدند.

از غریب آن که در مزرعة برف آباد از توابع هارون آباد من اعمال کرمانشاه خرمی که پنجاه خروار گندم پاك کرده داشته و صاحبان آن حاضر شده که حمل نمایند يك دفعه مانند سنگ آسیا به چرخ افتاده به زمین فرو رفته بطوری که روز دیگر چند ذرع زمین را کنند آثار فی الجمله از گندم بود. بعد آن آثار هم به کلی محو و معدوم شد. و اشخاصی که حاضر بودند تا این واقعه را دیدند طوری وحشت و دهشت بر آنها غالب شد که يك نفر از ایشان بمرد و باقی مدهوش شدند. چاپارخانه در ساری و اشرف می سازند.

پنج سیر تخم پنبه دانه ینگى دنیائی در بلوك خوار کاشتند و يك خروار و پنجاه من جوزق برداشته و دانه های جوزق را که در بعضی از بته های او شمرده بودند دویست و پنجاه و دویست و هشتاد بلکه سیصد دانه جوزق داشته.

میرزا سعیدخان مؤتمن الملك دبیر مهمام خارجه به يك قطعه نشان مکمل به الماس از مرتبه سرتیپی اول و حمایل سرخ از مرتبه مزبوره سرافراز شد.

جمعی از تراکمه به تاخت صفحات خراسان آمده بودند. محمد رحیم خان حاکم بجنورد خبر شده آنها را منهزم و بعضی را مقتول نمود. بعضی از طایفه کاکاوند و خالدوند لرستانی را که مصدر شرارت بودند، نواب ایلدرم میرزا (۴) به حکم نواب والا احتشام الدوله تنبیه نمود و به عطای يك جبه ترمه خلعت همایون سرافراز گردید.

امیرزاده ابراهیم میرزا (۵) که در انتظام امور عربستان و ساختن نهر هاشم و بستن سد و غیره خدمات کرده بود نیز به يك ثوب جبه ترمه خلعت همایون مفتخر گشت.

۴- پسر یست و دوم عباس میرزا نایب السلطنه. نام کامل وی ایلدرم بایزید میرزا

بود.

۵- پسر خانلر میرزا احتشام الدوله.

حاجی قوام‌الملک (۶) به‌عصای مرصع مفتخر گردید. مدرسه مبارکه دارالفنون را رونقی زایدماً ماکان است. متعلمین را سالی سه مرتبه امتحان می‌کنند و اغلب امتحانات در حضور باهرالنور مبارک است. شاگردها خوب ترقی کرده‌اند. عمل جبه‌خانه دارالخلافه نیز به‌اهتمام حاجی محمدحسین جبه‌دار- باشی نهایت منظم و ماهی یک هزار قبضه تفنگ بسیار اعلی در آن ساخته می‌شود. نواب والا امامقلی میرزا حکمران کرمانشهان را ملقب به‌عمادالدوله فرمودند.

چراغعلی خان نایب‌الحکومه اصفهان به‌یک قطعه نشان از مرتبه اول سرتیپی با یک رشته حمایل سرخ که مخصوص این رتبه است نایل گردید. محال فریدن به‌اهتمام چراغعلی خان انتظام یافته و قلعه علی- محمد خان را که حصانت آن موجب شرارت مشارالیه می‌شد کوبیدند. موکب همایون روز شنبه هفتم ربیع‌الاول عزیمت شکار کن و سولقان فرموده چند روز در آنجا توقف نمودند. جناب صدراعظم ملتزم رکاب می‌باشد.

سربازان پشت کوهی را که همه جوانهای رشید خوش‌اندام بودند عباسقلی خان پسر احمد خان والی از سان نظر انور گذرانید. زین‌العابدین خان بیرانوند چهارصد نفر سرباز جدید از طایفه بیرانوند گرفته از سان نظر اقدس اعلی گذراند. چند نفر از خوانین بلوچ که انقیادی نداشتند به‌وسایط نزد محمد- حسن خان سردار حکمران کرمان و بلوچستان متقبل خدمت و اطاعت شدند.

امور گیلان به‌اهتمام عیسی خان (۷) والی حکمران گیلان منظم است.

۶- علی اکبرخان پسر میرزا ابراهیم خان کلاتر شیرازی اعتمادالدوله. حاجی قوام - الملک سالیان دراز کلاتر شیراز بود.

۷- عیسی خان قوانلو برادر مهدعلیا و دایی ناصرالدین شاه. عباس میرزا ملک‌آرا در آغاز خاطرات خود از این مرد به‌بدی یاد می‌کند و صریحاً او را به‌داشتن روابطی خاص به‌خواهرش متهم می‌نماید.

میرزا فرجالله خان آجودان توپخانه حسب الامر مامور ساختن برجی جدید در انزلی و ریختن نه عراده توپ شده برجی بزرگ در کمال خوبی و استحکام بساخت و دولوله از توپها را ریخته زایدالوصف پاکیزه و صاف است.

محمد ناصر خان ایشیک آقاسی باشی (جناب ظهیرالدوله) به یک ثوب جبّه ترمه مخلع گردیدند.

میرزازکی سر رشته دار اصفهان نیز به یک ثوب جبّه ترمه کرمانی نایل گردید.

تقی خان پسر حاجی حسنعلی خان به منصب سرهنگی توپخانه سرافراز و مخلع شد.

چهارصد نفر سرباز فوج بهادران به اتفاق اصلا ن بیک یاور مأمور بندر بوشهر شدند.

در شیراز بارانهای زیاد باریده است. نقاره خانه سردرب ارك جدید — البنای شیراز را در کمال شکوه ساختند.

چند نفر از ریش سفیدان طایفه آخال تراکمه در ارض اقدس خدمت نواب والا حسام السلطنه والی خراسان رفته از جانب کل تراکمه مزبوره متعهد خدمت و مستدعی شدند که داخل در عساکر منصوره باشند. بیست و پنج نفر سوار ترکمان طژنی به عزم تاخت به سمت کلات آمده جعفر آقای کلاتی آنها را منهزم و بعضی را مقتول کرد.

در ماه ربیع الثانی این سال میرزا سعیدخان مؤتمن الملک به منصب جلیل وزارت امور خارجه و لقب جنابی و خلعت همایون سرافراز شد. محمدخان مصلحت گزار دولت علیه مقیم اسلامبول مرحوم شده حاجی میرزا احمدخان نایب دویم وزارت دول خارجه مخلع شده به جای او رفت.

میرزا بزرگ قزوینی که سابقاً پیشکار مرحوم حاجی میرزا آقاسی بود به منصب کارپردازی ارزنة الروم برقرار و مخلع گردید.

میرزا ربیع مستوفی بروجرد به یک ثوب جبّه ترمه کرمانی سرافراز گشت.

جان محمدخان حاکم ارومی نیز به خلعت همایون سربلند آمد.

جناب نظام‌الملک به اعطای یک ثوب لباده ترمه بطانه خز قرین اعزاز گردید.

نواب والا احتشام‌الدوله به اعطای یک قطعه نشان مرتبه اول میرپنجگی و یک رشته حمایل سرخ مخصوص این رتبه مفتخر گردید. احمدخان نوایی کار پرداز سابق تفلیس به یک ثوب جبه ترمه درجه افتخار یافت.

مریضخانه دایر و مرضی رادرآن بخوبی معالجه می کنند مخصوصاً میرزا محمدولی حکیمباشی نظام عدّه کثیری از مرضای افواج و سایر عساکر منصوره و غیره را با حذاقت علاج نموده.

صاحب‌منصبان بزرگ نظام حسب‌الامر روزها بعد از فراغ از مشق به مدرسه مبارکه دارالفنون آمده نزد کلنل معلم کل، علم‌جنگ می خوانند. شیرخان (۸) ولدخان خانان اعتضادالدوله به منصب سرتیپی سواره استرabad و خلعت همایون سرافراز شد.

سرکردگی سواره شاهسون مشکین را به بیوکخان ولد قاسمخان که اباعن جد به منصب ایل‌بیگی گری شاهسون مشکین منصوب است مرحمت فرموده مشارالیه مخلص گردید.

میرزا علی اکبرخان سرهنگ قورخانه به اعطای یک طاقه‌شال سرافراز گردید.

نواب والا عمادالدوله حکمران کرمانشهان تخم‌برنج عنبر بوی مازندران را به زارعین کرمانشهان داده کاشته‌اند و بسیار خوب عمل آمده است.

روز یک‌شنبه سیزدهم ربیع‌الثانی بندگان سرکار اعلیحضرت همایون تشریف‌فرمای مدرسه مبارکه دارالفنون شده متعلمین درحضور مبارک امتحان داداند. و دراین امتحان، باین که مؤلف صغیر السن بوده باطلاقت لسان امتحان داده مورد مرحمت گردید.

۸- شیرخان برادرزاده مهدعلیاست. عزةالدوله دختر مهدعلیا و خواهر ناصرالدین‌شاه

که نخست زن میرزا تقی‌خان امیرکبیر بود، پس از کشته شدن وی به اجبار ناصرالدین‌شاه به

حباله نکاح میرزا کاظم‌خان پسر صدر اعظم نوری درآمد. اما به محض سقوط صدر اعظم نوری،

وی از شوهر خود طلاق گرفت و زن شیرخان پسر دایی خویش شد.

میر عزیز خان به لقب دریاییگی ملقب و مخلع شد.
چون ایل شاهسون از طهماسب‌قلی خان ایل بیگی شاکی شدند او
معزول و رستم خان به خلعت همایون نایل و به جای او منصوب شد.
قراولخانه‌های دارالخلافه سپرده به مصطفی قلی خان و سربازان
مشارالیه شد.

نصرالله خان پسر مرحوم حاتم خان شهاب‌الملک به منصب سرهنگی
خارج از فوج سرافراز شد.

ناخوشی وبای آذربایجان رفع گردید.
در نائیج مازندران گلوله‌های بسیار خوب ریختند.
یک صد نفر سواره بلوچ به سر راه یزد و کرمان آمده بودند
شیخعلی خان نایب‌الحکومه آنها را منهزم و برخی را مقتول نمود.

دختری در کرمان متولد شد که سه سر داشت و پاهای آن کج و
کفپای او با پشت پامثل هم و یک ساعت زنده بود.

در کرمانشاه کره الاغی متولد شد که یک سر و دوتن داشت و تمام
اعضای دوتن از هم منفصل بوده دارای چهار دست و چهارپا و دو دم
ولکن زنده نمانده است.

محمود خان قراگوزلو (جناب ناصرالملک) نایب اول سفیر مخصوص
دولت علیه مأمور سنت پترزبورگ که احضار شده بود نظر به خدمات
لایقه به اعطای یک قطعه نشان سرتیپی از درجه اول باحمایل سرخ
سرافراز گردید.

محمد صدیق خان پسر یار محمد خان حاکم هرات و جمعی از خوانین
افغان و غیره که به دربار همایون آمده بودند به خلاع فاخره مفتخر
گردیدند.

سلیمان خان سهام‌الدوله مسیحی که از قدیم خدمتگزار این دولت
علیه بود مرحوم شده به احترام تمام او را دفن کردند.

مسیو بربره مأمور تعلیم افواج کرمانشهان چون درست از عهد
این خدمت بر نیامد احضار شده بیشین صاحب به جای او مأمور شد.
در گیلان ناخوشی وبا بروز نمود.

هفتاد نفر رؤسای تراکمه مرو به خراسان آمده استدعای نوکری و
خدمت به دولت علیه نموده مستمال مراجعت کردند.

روز پنجشنبه بیست و چهارم ربیع الثانی موبک همایون تشریف فرمای جاجرود گردیده جناب صدراعظم و خواص رجال و خدم در رکاب اعلی بودند. روز چهارشنبه سلخ موبک ظفر کوب خسروانه به مقرر خلافت عظمی معاودت فرمود.

میرزا فتحعلی خان مستوفی به یک ثوب جبۀ ترمه مخلع گردید. روز پنجشنبه سیم جمادی الاولی متعلمین مدرسه مبارکه دارالفنون در حضور مبارک امتحان دادند.

بارن گومنس صاحب منصب دولت استریه که دوساله به خدمت این دولت آمده بود، قبل از انقضای وقت، مستدعی شد که او را رخصت معاودت دهند. لهذا پانصد تومان انعام و شصت تومان قیمت یک طاقه شال علاوه بر سایر مراجع در حق او مبذول و او را مرخص فرمودند. سواره بختیاری و باجلان را ابواب جمع نورمحمدخان سرتیپ نمودند.

در این اوان بارندگی زیاد در دارالخلافت شد. درسندج کردستان زوجه سیدمحمدنام در حالتی که حامله بود ناخوشی غریبی به او عارض شده به این معنی که از بن موهای سر او خون جاری بود. اطبا از معالجه او عاجز شده حکیم حق نظر ولد حکیم اسماعیل گفت او را فصد کنید. بعد از فصد هم رعاف خواهد کرد و رفع ناخوشی او خواهد شد. او را فصد کردند و چنان شد که حکیم مشارالیه گفته بود و شفا یافت.

یک ثوب قبای نظامی میرپنجگی و یک قطعه نشان نقره از مرتبه اول این منصب و یک رشته حمایل سرخ و سفید مخصوص این مرتبه از طرف قرین الشرف ملوکانه به نواب والا احتشام الدوله خانلر میرزا صاحب اختیار بروجرد و عربستان و لرستان و بختیاری مرحمت شد.

حاجی علی خان حاجب الدوله والد مولف به اعطای یک ثوب خرقة ابرۀ ترمه بطانه پوست مفتخر گردید.

محمدتقی خان معمارباشی چون در ساختن توپخانه جدید و تعمیر عمارات دیوانی خدمات کرده بود به یک ثوب جبۀ ترمه مباهی گشت. محمودخان سرتیپ نایب اول آجودانباشی (جناب ناصرالملک)

مورد مراحم ملوکانه شد. فوج جدید قراگوزلو ابواب جمعی احمدخان ولد معزی‌الیه را و سواره نظام به سرکردگی امان‌الله خان (بهاء الملك) برادر محمودخان را به معزی‌الیه سپردند.

نورمحمدخان قاجار به منصب سرتیپی سرافراز و مخلص شد. زین‌العابدین خان بیرانوند که به منصب سرهنگی سرافراز گردیده به عطای یک طاقه شال مفتخر گردید.

عبدالحسین خان اشرفی نایب‌ایشیک آقاسی‌باشی شده مخلص گردید. مسیو ستانیو طبیب فرنگی که در آذربایجان مواظبت تمام در معالجه مرضی نموده بود پنجاه تومان بر مقررری سالیانه سابق او که دویست و پنجاه تومان بود افزودند و صد تومان هم به عنوان پول دوا قرار شد هر ساله به او مرحمت شود و به یک طاقه شال ترمه نیز مخلص گردید. یک جعبه تفنگ انگلیسی بسیار ممتاز به سام‌خان ایلخانی خراسان مرحمت فرمودند.

نواب والا نصره الدوله حکمران فارس حسب الامر به انتظام گرمسیرات رفتند و حاجی قوام‌الملک را نیز به سمت دشتستان فرستادند.

افراسیاب خان نردینی با سواره ترکمان که به تاخت و تاز آن صفحات آمده بودند محاربه کرده بعضی را مقتول و برخی را زنده دستگیر و بقیه را منهزم کرد.

نواب والا عماد الدوله حاکم کرمانشهان به سرکشی سرحدات رفت. چون مأموریت محصلین به حکام جزء موجب ایذای آنها و آزار و اضرار رعایا بود، حسب الامر مأمور شدن محصل چه از دربار همایون و چه از حکام ممالک به ولایات ابواب جمعی خود موقوف و ارسال و مرسل احکام قضا نظام مقرر شد به توسط چاپاران باشد.

روز نوزدهم جمادی الاولی جناب کلنل شیل (۹) ایلچی و وزیر مختار دولت انگلیس از دارالخلافه روانه مملکت انگلیس شده طامسن صاحب به منصب شارژدافری دولت انگلیس در دارالخلافه با همره اقامت نمود. میرزا فضل‌الله وزیر نظام از آذربایجان به دربار همایون آمده بعد از شرفیابی به مراحم مخصوصه و عطای یک ثوب جبه ترمه اعلی

سرافراز گردید و مقرر شد زياده از پانزده روز توقف در دارالخلافه ننمايد و به جهت انتظام امر قشون آذربايجان به آن مملكت معاودت كند. ملك الكتاب (۱۰) نيز به اعطای يك ثوب جبۀ ترمه نایل و مفتخر گردید.

نمیرا صاحب معلم سواره نظام كه هر روز پانصد نفر سواره نظام را در میدان در كمال خوبی مشق می دهد بعد از فراغت از مشق سوارۀ مزبوره هر روز به دارالفنون آمده از روی كتاب به صاحب منصبان و چند نفر شاگردان مدرسه تعلیم مشق سواری می نماید.

چون در ایامی كه در ارومى ناخوشى وبا بروز كرد اهالى آنجا مورد بعضى خسارات شدند، محض رعایت آنها چهار هزار تومان نقد و دو بیست خروار جنس تخفیف به ایشان مرحمت شد.

ابراهیم خان نوری سرهنگ فوج قزوین كه سالها خدمت كرده بود به منصب سرتیپی فوج برخوار و ماربین و فریدن اصفهان سرافراز و مخلع گردید.

عباسقلی خان را سرتیپ فوج دلفان و پشت كوه فرموده و به اعطای خلعت همایون مباحی شد.

امان الله خان سر كرده سوارۀ قراگوزلو به خلعت همایون نایل گشت. در مازندران و اصفهان و خراسان بارندگی زیاد شده. ماهی هزار من شكر سفید بسیار خوب از مازندران حمل به دارالخلافه می شود.

مرحوم اعتماد السلطنه والد مؤلف كه در آن وقت حاجب الدوله لقب داشت در این سال مأمور ساختن عمارت دوشان تپه گردیده در روی تپۀ مزبوره عمارتی بنا نمود و چون در انجام این خدمت مساعی جمیله نموده بود روز يكشنبه دویم ماه جمادی الثانیه كه موكب همایون تشریف فرمای دوشان تپه گردیدند بعد از ورود به عمارت جدید يك ثوب كلیجۀ

۱. - مسلماً باید منظور میرزا محمد مهدی ملقب به ملك الكتاب و متخلص به «عشرت»

باشد كه از مردم فراهان و از خویشان نسبة دور میرزا عیسی قائم مقام بود. در خصوص شرح حال وی رجوع شود به حدیقه الشعراى میرزا احمد دیوان بیگی و مقاله جهانگیر قائم مقامی تحت عنوان «ملك الكتاب عشرت فراهانی» (مجله یادگار سال ۴ شماره ۸). عشرت در سال ۱۲۷۰ در سنی قریب به هشتاد و هشت درگذشته .

تن پوش مبارك را به حاجب الدوله مرحمت فرمودند و از آن اوان الی الان بر عمارات دوشان تپه افزوده شده و صورت ابنیه و عمارات عالیّه این است (۱۱). هم در آن روز موکب همایون از دوشان تپه تشریف فرمای قصر قاجار شدند.

کل قشون متوقف دارالخلافه از توپچی و افواج قاهره و سواره نظام در نزدیکی قصر قاجار حاضر بودند و در حضور همایون مشق و حرکت نمودند و سبك و حرکت مشق آنها زایدالوصف پسند خاطر همایون شد. اولاً يك ثوب کلیجه ملبوس تن مبارك را به آجودانباشی مرحمت فرمودند و بعد چون معلمین فرنگی در فنون مشق قشون ظفرنمون اهتمام کرده بودند، يك طاقه شال کشمیری به کلنل مطرات سو معلم کل و يك طاقه شال کشمیری نیز به کرشیش صاحب معلم توپخانه و يك راس اسب از اسبهای خاصه به نمیرا صاحب مرحمت فرمودند و نمیرا صاحب يك دست زین و ویراق که به جهت نمونه از برای سواره نظام ساخته بود به حضور مبارك آورده پسند افتاد و سواره نظام که به لباس ماهوت و کلاه برنجی (که همان روز به آنها داده شده بود) ملبس گردیده باشکوه و آراستگی تمام به نظر آمده مورد تحسین شدند.

این اوقات يك روز جناب صدراعظم و جناب نظام الملک و آجودانباشی و جمعی از امرا و صاحب منصبان بزرگ نظام به مجمع الصنایع که حسب الامر حسینعلی خان معیر الممالک دایر نموده رفتند و پیش از وقت داخل کارخانه کالسکه سازی که به مباشری محمد قلی بیگ در آن کالسکه های خوب ساخته می شد شدند و پس از ملاحظه، خدمات مشارالیه را تحسین و تشویق نمودند. پس از آن در کارخانه مجمع الصنایع رسیدگی به صنایع صاحب صنعتان نمودند و در حجره خواجه احمد ساعت سازیزی که از مشاهیر صاحب صنعتان مملکت ایران است نشسته چای و شیرینی صرف نمودند. و چون حسن صنایع خواجه مشارالیه در نظر جناب صدراعظم و امنای دولت جلوه زیادی کرده کمال تحسین و تمجید را نموده يك صد تومان بر مواجب او افزودند. در این کارخانه اغلب صنایع

از قبیل آپلیت سازی (۱۲) و زر دوزی ملبوس نظام و بریدن و دوختن آن و مليله سازی عمل چین که زرکشی و زردوزی مخصوص ممتازی است و نقاشیهای بسیار اعلی و تفنگ سازی و چقماق سازی و قداره سازی بسیار خوب رونق گرفته و معیر الممالک در ترقی کلیه صنایع مسطوره سعی می باشند.

در این اوقات چون سام خان ایلخانی عزم تقبیل عتبه علیه کرده بود، اشرار تراکمه سرحد قوچان را خالی از تراکمه فرض کرده قصد تاخت و تاز آن نواحی نموده بودند. یزدان و یردی خان خبر شده جلو آنها را گرفته بسیاری را مقتول و باقی را منہزم نمود.

شب دوشنبه دهم جمادی الثانیه یک ساعت و بیست و پنج دقیقه از شب گذشته آفتاب از برج حوت به حمل تحویل نمود و هنگام تحویل، سلام خاص در حضور همایون منعقد گردید. روز دوشنبه که روز عید نوروز بود سلام عام انعقاد یافت و خاص و عام به زیارت جمال مهر مثال شاهنشاهی فایز شدند.

اسکندر خان سردار را به حکومت خوی منصوب فرمودند. میر هاشم خان حکومت نهاوند یافت. و سرکردگی سواره خزل به میر مطلب خان پسر هاشم خان تفویض شد.

چون سال گذشته پنجاه هزار تومان تخفیف به رعایای فارس که به واسطه ملخ خوارگی خسارت کشیده بودند مرحمت شده بود، میرزا - عبدالله خان را مأمور فرمودند که به آن مملکت رفته رسیدگی کند که مبلغ مزبور به اهل استحقاق رسیده یا نه؟ همچنین تحقیقی از مستمریات و وظایف نماید که به صاحبان آنها چگونه می رسد. همچنین میرزا حسین ممیز را به نهاوند مأمور کردند که او نیز رسیدگی به حساب آن ولایت نماید و معلوم کند تخفیفی که به رعایای نهاوند مرحمت شده به ارباب استحقاق رسیده یا حیف و میلی در آن شده است.

چون در سنه ماضیه در آذربایجان رعایا به واسطه بروز ناخوشی و با مبتلا به ضرر و خسارت شده بودند، محض تفضل درباره آنها، ده هزار تومان نقد و هزار خروار جنس از مالیات سال گذشته سیچقان نیل و ده هزار تومان نقد و هزار خروار جنس نیز در هذله السنه اود نیل تخفیف به ایشان مرحمت شد.

نیز يك هزار تومان به اسكندر خان سردار مرحمت فرمودند كه عمارات ديوانی خوی را كه قریب الانهدام بود تعمیر نماید.

خلیفه عبدالرحمن خلیفه مرو پسر خود را با پنجاه نفر از روسا و كدخدایان مروی خدمت نواب والاحسام السلطنه حكمران خراسان فرستاده اظهار انقیاد می نماید و مستدعی است حاكمی از برای مرو از جانب اولیای دولت علیه تعیین شود.

اردوئی كه با عبدالله خان میرپنجه به بلوچستان رفته بود از بمپور و قلعه سرباز و تمامی خاك بلوچستان تجاوز کرده به قلعه سورمیچ حوالی مكران رسیده و در هر جا طایفه بلوچ از بادیه نشین و غیره به تقدیم خدمات پرداخته اند.

سردار علی خان سیستانی كه همیشه اظهار انقیاد به كارگذاران این دولت جاوید شوكت می نماید، این اوقات كه امیر علم خان قاینی و حسن خان جلیلوند به سیستان وارد شده اند، بیرق دولت علیه را در سر قلعه كوهه كه از قلاع معظمه سیستان و محل توقف خود سردار علی خان است نصب کرده و پسر خود را با پسران دوست محمد خان و ابراهیم خان سیستانی به اسم گروهی به میر علم خان سپرده خود را یکباره در ظل حمایت و ربهه انقیاد این دولت ابد آیت کشید.

چون شاهنشاه زاده اعظم معین الدین میرزا به منصب ولقب ولیعهدی اختصاص یافته بود در این اوان رسماً این معنی انتشار یافته در تمام ولایات ممالك محروسه جشن گرفتند.

محمد حسن بیک پسر مرحوم محمد خان مصلحت گذار سابق دولت علیه مقیم اسلامبول به منصب نیابت مصلحت گذاری اسلامبول سرافراز شد. حاجی محمد رحیم خان را مأمور بندر عباسی و انتظام آن صفحات فرمودند.

نواب والا مؤید الدوله را حکمرانی ولایت همدان دادند. از غرایب آن كه در بروجرد در اول حوت (۱۳) هوا فوق العاده گرم شده و سه روز به عید نوروز مانده برف شدیدی باریده كه پیر مردان

نظیر آن را به خاطر ندارند. و بعد از این برف بارانهای به موقع باریده مایه اطمینان رعایای آن صفحات شده است.

در خاك فارس احمدخان تنگستانی که دم از خودسری می زد، بعد از ورود حاجی قوام‌الملک و آقاخان خان سرهنگ فوج بهادران به دشتستان، چون مفری ندید پناه به توپخانه مبارکه برده اظهار عبودیت نمود.

دولتمرادخان ترکمان که از معتبرین ریش سفیدان طایفه ساروق است با بیست نفر دیگر به ارض اقدس خدمت نواب والا حسام‌السلطنه آمده مستدعی است که به خدمتگزاری این دولت علیه قبول شود و چون سایر تراکمه که در خدمت این دولت اند مشغول خدمتگزاری گردد. مسیو پشه که به جهت تعلیم قشون کرمانشاه که در این وقت در سرحد زهاب می باشند رفته نهایت در خدمات مرجوعه ساعی است.

میرزا محمدخان سرکشیکچی باشی غلامان سرکاری را با اسب و اسلحه بسیار ممتاز از سان مبارک گذرانده به اعطای کلیجه تن پوش مبارک مفتخر گردید.

مبلغ پانصد تومان بر مواجب نواب مصطفی قلی میرزا حکمران مازندران افزودند.

نواب شاهزاده جهانگیر میرزا (۱۴) مرخص شد که به زیارت مکه معظمه زاده الله تعالی شرفاً و تعظیماً مشرف شود.

کتاب طبع شده: مجالس المتقین و حاشیه شیخ محمدتقی برمعالم، و سماء عالم جلد چهارم بحار و مجمع البیان و تفسیر حضرت امام حسن عسکری علیه السلام و شاهنامه و خمسة نظامی، و دبستان المذاهب است. داودخان به حکومت ارامنه و نصارای سرحدات ارومی و سلماس و خوی سرافراز گردید.

سلیمان خان چون خدمات به دولت علیه کرده بود، بعد از وفات او، جهانگیرخان و نریمان خان ولدان او مورد مرحمت شده جهانگیرخان

۱۴- پسر سوم عباس میرزا نایب السلطنه که با برادر تنی خود خسرو میرزا به اغوای

قائم مقام و دستور محمد شاه کور شده بود. احمد میرزا و مصطفی قلی میرزا نیز با آنان برادر تنی بودند.

را به منصب سرتیپی و نریمان خان (۱۵) را به نیابت اول آجودانباشی مفتخر فرمودند.

حاجی میرزا علینقی باغمیشه به کلانتری تبریز برقرار شد. محمودخان سرتیپ نایب اول آجودانباشی مأمور سنت پترزبورغ این اوقات حسب الامر به محل مأموریت خود روانه می شود. صد و دوازده نفر از مرضای افواج قاهره این اوقات در مریضخانه دولتی به اهتمام میرزا محمد ولی حکیمباشی نظام صحت یافتند.

گرگ آدمخوار در محالات خمسه همیشه اوقات هست. این اوان زیاد شده چنان که طفلی دوازده ساله را در زنجان گرفته خورده است. قشون ظفرنمون که به طرف مکران رفته بودند قلعه مکران را که از قلاع صعبه مستحکمه است تصرف نموده و سردار دین محمدخان که مقدم بزرگان بلوچ است بدون اظهار مخالفت و اقدام به خلاف از در تمکین و اطاعت درآمد است. تاکنون به صفحات مکران کسی قشون نبرده بود. در قلاع و نواحی مکران قریب دویست هزار ایل تمکن دادند.

روز چهاردهم ماه رجب در میدان اسبدوانی در حضور همایون اسبدوانی بسیار خوبی نمودند.

سلیم خان و حاجی جابر خان مأمور خدمت محمره و آن حدود در مأموریت و نظم آن نواحی ساعی می باشند.

ذوالفقارخان خمسه به سرکردگی سوار خمسه برقرار و مخلع شد. در شهر کرمان و حوالی، با وصف بودن آب، زارعین در غرس اشجار مساهله می نمودند. لهذا تیر و تخته در آن بلد کمیاب بود. این اوقات محمدحسن خان سردار حاکم یزد و کرمان قدغن کرده که در شهر و بلوکات اشجار زیاد غرس نمایند.

روز سه شنبه شانزدهم رجب، بندگان اعلیحضرت شاهنشاهی تشریف فرمای مدرسه مبارکه دارالفنون گردیده متعلمین در حضور همایون امتحان دادند.

در دارالخلافه این اوقات بارانهای خوب آمده.

۱۵- نریمان خان بعد از لقب قوام السلطنه و منصب سفارت ایران در وین (اتریش)

یافت و جهانگیر خان وزیر صنایع شد.

منصب سرتیپی فوج نصاری را به حسن خان پسر حاجی بیجن خان مرحمت کردند.

مالیات قپان بلدۀ سبزوار را به کلی بخشیدند.

روز دوشنبه هفتم شعبان موكب همايون بدعزم توقف چندروزه بهیلاق امامه که از قرای لواسان می باشد تشریف فرما گردیدند.

نواب والا اردشیر میرزا (۱۶) را حکومت دارالخلافۀ باهره دادند. میرزا موسی وزیر دارالخلافه است. مرض وبا در دارالخلافه بروز کرده است. روز سه شنبه هشتم دو ساعت به غروب مانده سیلی از کوهستان شمیران جاری و از قنات مهر کرد داخل ارگ و از قنات سنگلج داخل محله سنگلج گردید. اما قبل از آن که به جائی خرابی کلی رساند او را گردانیده به خندق انداختند. چند روز بعد باز سیلی آمده اما خرابی نرساند.

شب چهارشنبه بیست و پنجم رجب در شیراز زلزله سختی شده و خرابی زیاد رسانیده. به این معنی که صدای زمین که از زلزله مسموع می شد مثل صدای رعد و صدای خراب شدن دیوارها مزید آن گردیده طوری این زلزله شدت داشت که بعضی خانه ها از جای خود کنده شده و به جای آن آب متعفن پدید آمده تا چند روز مردم به بیرون آوردن نعشها مشغول بوده تقریباً زیاده از دوازده هزار نفر تلف شده اند.

صاحب منصبان و آحاد و افراد قشونی که به همراهی عبدالله خان میرپنجه در فتح قلاع کیج و مکران بلوچستان رشادتی کرده بودند هر یک به فراخور استحقاق به نشان و انعام و خلعت همايون سرافراز شدند.

چون قاسم آقا یاور فوج قدیم کرمان ابواب جمعی امامعلی خان سرهنگ در این مقدمه مقتول شده بود علی اکبر خان را به جای او منصب یاوری دادند.

در یزد يك روز سه ساعت به غروب مانده بادی از سمت شمال وزیده ابتدا زرد رنگ و بعد سرخ و بعد سیاه گشته و هوا را چنان تاریک نموده که هیچکس جائی و کسی رانمی دیده در بازارها چراغ روشن کردند و

۱۶- اردشیر میرزا که بعدها لقب رکن الدوله یافت، پسر نهم عباس میرزا نایب-

السلطنه بود. وی مردی ادیب و شاعر بود و «آگاه» تخلص می کرد.

چند موضع از بازار خراب شده و چنار مدرسه‌خان را از ریشه بیرون آورده در وسط وزیدن باد، تگرگ بسیار آمده و بعد از تگرگ باران باریده. از ابتدای وزیدن باد تا آخر دو ساعت طول کشیده. در خلخال و خمسه ناخوشی وبا بروز کرده. آقا اسماعیل تحویلدار عساکر منصوره به‌خزانه‌داری کل نظام و لقب‌خانی سرافراز گردید.

چون مردم دارالخلافه، به واسطه ناخوشی از شهر به شمیرانات می‌روند، محمدعلی‌خان سرتیپ را به‌نظم شمیرانات امر فرمودند و مشارالیه دوچادر مریضخانه در کنار کاشانک زده و یک طبیب معین کرده که هر یک از سربازان و سکنه دهات شمیران مبتلا به ناخوشی می‌شوند در آنجا مشغول مداوا و معالجه می‌گردند. هوای دارالخلافه امسال خیلی مختلف است و اغلب بارندگی ورعد و برق و گاهی گرم و گاهی خنک است. بهار آذربایجان خیلی خوب شده و باران زیاد باریده است. چراغعلی‌خان نایب‌الحکومه اصفهان مخلص گردید.

در آخر سامان دشتی که تابندر کنگان سه فرسخ است تگرگ غریبی باریده و خرابی زیاد نموده دانه کوچکتز آن ده‌سیر وزن داشت. یک دانه آن بر سر زنی خورده فی‌الفور او را هلاک نموده است. در بعضی قرای شمیران از قبیل تجریش و جماران و نیاوران و ازگل نیز وبا بروز کرده.

در اواخر شعبان نیز به جهت بارندگی، سیل از دهات ونک، واوین جاری و به شهر رسید. اما چندان قوتی نداشت. مع ذلك به قنوت خرابی رسانید و از این جهت آب کمتر به شهر می‌رسد. نواب والا اردشیر میرزا برای تنگدستی مردم از آب چند نفر را گماشته که از آب کرج و بعضی آبهای شمیران به شهر بیاورند که مردم مرفه باشند.

علی‌خان سوادکوهی که قراولی ارگ پادشاهی و خزانه و حفظ وجود مبارک به او مقرر بود مرحوم شده او را به اعزاز دفن نمودند و خدمات او را کلاً رجوع به میرزا کریم‌خان (۱۷) سرهنگ فوج سوادکوهی

۱۷- میرزا کریم‌خان فیروزکوهی امیرتومان ملقب به سردار منتظم و سردار فیروز از

رجال خوب و خیر عصر قاجاری که موقوفات مفصلی دارد من جمله مدرسه فیروزکوهی.

فرمودند. معزی‌الیه به خلعت همایون سرافراز گردید.

فضان آقای سرتیپ توپخانه مبارکه باتوپچیان متوقف شهر دارالخلافة وفوج فدوی قراگوزلو ابواب جمعی مصطفی قلی‌خان میرپنجه قراول قراولخانه‌های شهراند وسایر قشون ظفرنمون و افواج قاهره مرخص شده که در اوان ناخوشی وبا به جاهای خوش آب وهوا نقل و سکنی گیرند.

نصرالله‌خان سرهنگ فوج گلپایگانی با فوج خود مامور فارس شد. تگرگی در جیرفت از بلوک کرمان آمده که دانه‌ای پنج سیر وزن داشته ویک گله گوسفند را در صحرا هلاک نموده و بعضی مردم را هم ناقص‌الاعضا کرده است. چند راس گاو هم تلف شده.

بدنه و برج شهر کرمان که خرابی داشت محمدحسن‌خان سردار حاکم یزد و کرمان حکم به ساختن آن نموده. از غریب آن که در کرمان جوجه مرغ خانگی از تخم درآمده که دو سر داشته دریک سر سه چشم و سه منقار و در سر دیگر نه چشم و نه منقار داشته و سایر اعضای او مستوی‌الخلق و چند روز زنده بوده و دانه می‌خورده بعد از آن مرده است.

نهر دولتخانه و نهر کهریز در کرمانشهان که خراب بود نواب والاعمالالدوله حکمران کرمانشهان حکم به تنقیه آن نموده‌اند که آب از آنها جاری شود و در تابستان اهل شهر کرمانشاه از آب تنگدستی نکشند.

مطلب‌خان تفنگدار خاصه و سرکرده سواره گوداری و بسطامی مأمور محافظت زوار وقوافل راه خراسان در خدمت مرجوعه اهتمام دارد. در بعضی دهات سمت لواسان، چند نفر به مرض وبا در گذشته‌اند. اما این ناخوشی در آنجاها شدت نداشته. در قم و کاشان و اصفهان و مازندران نیز این ناخوشی هست و مخصوصاً چندی قبل در مازندران کمال شدت را نموده.

میرعزیزخان دریاییگی به اعطای یک قطعه نشان شیروخورشید از مرتبه اول سرهنگی سرافراز شد.

این اوقات عمارات مبارکات سلطانی را به معماری محمدتقی‌خان

معمارباشی و اهتمام حاجبالدوله والد مؤلف تعمیر می کنند و از عمارات جدیدالبناء که در این روزها ساخته می شود عمارت باغ نواب امام - ویردی میرزا (۱۸) است که به طرح خوب ساخته شده و مشغول سفید کردن و گچبری و نقاشی آن هستند. و شهر دارالخلافه از بابت ابنیه و عمارات دولتی و غیره نسبت به چند سال قبل یکایک فرق کرده و برآبادی و صفا و رونق آن افزوده است.

هزار نفر سوار از تراکمه به عزم تاخت زوار به طرف شاهرود آمده محمد رحیم خان خبر شده باجمعی سواره و پیاده سرراه بر آنها گرفته چهل نفر را مقتول و پانزده نفر را زنده دستگیر و باقی را هزیمت داده. موکب همایون روز هشتم رمضان از امامه عزیمت بیلاق لار فرمود. مسیو نیرو معلم سواره نظام به عطای یک قطعه نشان نقره از مرتبه اول یابوری نایل و سه ماهه مرخص شد که به استریه (۱۹) وطن خود رفته عیال خو را برداشته مراجعت به دارالخلافه نماید.

حاجی محمد حسین جبه دارباشی پیوسته تفنگ سربازی خوب تمام می کند و هر روز دسته دسته به امتحان می رساند.

تفنگهای فوج قزوین را این روزها از جبه خانه مبارک دادند.

نواب مصطفی قلی میرزا حکمران مازندران به خلعت همایون سرافراز گردید.

کالسکه که به صحبت شعبانعلی خان به افتخار صید محمد خان ظهیرالدوله مرحمت شده بود چون به یک فرسخی هرات رسید معزی الیه استقبال نموده شرایط تعظیمات و احترامات را نموده در کالسکه نشسته داخل شهر هرات شد.

در حول و حوش قزوین ناخوشی وبا شدت دارد. در محال طالقان هم این مرض هست. در قریه امامه نیز بعد از رفتن اردوی همایون وبای شدیدی بروز نمود. در کن و سولقان هم چند نفری مبتلا به این ناخوشی شدند. و چون در میان بعضی افواج وبا افتاده محبعلی خان میرپنجه از طرف قرین الشرف ملوکانه به احوال پرسی کل قشون که در

۱۸- پسر دوازدهم فتحعلی شاه.

۱۹- یعنی اتریش. در کتب عصر قاجاریه از اتریش به صورت «نسه» نیز یاد شده.

این نواحی هستند و اظهار تفقادات پادشاهی نسبت به آحاد و افراد مأمور گردید و مبلغی خطیر وجه تصدق به فقراء و مساکین بذل فرمودند.
نواب والانصره الدوله (۲۰) حکمران فارس و بعض اعیان فارس نیز به خلعت همایون مفتخر شدند.
نواب والاعمال الدوله حکمران کرمانشهان نیز به خلعت همایون سرافراز گردید.

زرگری اسلامبولی در دارالخلافة در کمال خوبی کار می کند و یک قطعه جیقه فرنگی ساز حسب الامر ساخته که نهایت ممتاز و پنجاه هزار تومان تمام شده است.

اوایل ماه شوال، نواب والانصره الدوله از حکمرانی فارس استعفا نموده نواب والاموید الدوله را به حکمرانی فارس مفتخر فرموده به خلعت همایون سرافراز شد.
اسدالله خان امیرآخور به حکومت همدان و خلعت همایون سرافراز گردید.

جهانسوز میرزا (۲۱) به منصب امیرآخوری مفتخر گشت.
محمدحسن خان سردار - حاکم یزد و کرمان - به خلعت همایون سرافراز شد.

زنی در کرمانشهان با آن که شوهر نداشته به یک شکم چهار طفل آورده. از پدر اطفال سؤال نمودند گفته بود در حمامی که مردانه بود بعد زنانه شده رفته ام و در آنجا آبستن شده ام. بالجمله آن چهار طفل هیچ یک بیش از چهار ساعت زنده نبودند. در کرمانشاه چهار ساعت تگرگ آمد که به درشتی نصف تخم مرغ بود.

نواب والا احتشام الدوله خانلر میرزا حکمران بروجرد و عربستان و لرستان و بختیاری به خلعت همایون سرافراز گردیدند و نواب معظم امیرزاده جلال الدین میرزا را نایب الحکومه لرستان نمودند.

۲- فیروز میرزا ملقب به نصرت الدوله که بعدها «فرمان فرما» لقب یافت پسر شانزدهم

عباس میرزا نایب السلطنه بود.

۳- پسر پنجاه و یکم فتحعلی شاه که ناشر حسینی بود و او را به یاد حسینی خان

برادر آقا محمدخان «جهانسوز میرزا» می گفتند.

عزیزخان آجودانباشی (۲۲) را منصب سرداری کل عساکر منصوره عطا فرمودند.

موکب همایون اواسط ماه ذیقعدہ عزیمت چمن سلطانیہ فرمود. ناخوشی وبا که در اردو بود از منزل ضیاء آباد به آن طرف به کلی رفع شده در اواسط ذیحجه در دارالخلافتہ نیز اثری از ناخوشی مزبور نیست.

نواب والا اردشیر میرزا حکمران دارالخلافتہ در رسیدگی به کلیه امور و سرکشی مدرسه مبارکه دارالفنون اهتمام می‌نماید. میرزاموسی وزیر دارالخلافتہ نیز به امور اصناف و ارباب صنایع رسیدگی کامل می‌نماید. میرزا محمدخان بیگلربیگی شیراز ولد حاجی قوام‌الملک مرحوم شده میرزا علی‌خان ولد او را به جای او بیگلربیگی و مخلع فرمودند. نیز یک‌ثوب جبّه ترمه به حاجی قوام‌الملک خلعت مرحمت شد.

میرزا علی‌اکبر سرهنگ قورخانه به لقب‌خانی نایل گردید. سواره شقاقی ابواب جمع‌جوادخان از آذربایجان احضار و مأمور خراسان شدند.

سواره کرد و ترک را نواب مصطفی قلی میرزا در شیرگاه سان دیده به رکاب همایون فرستادند.

خان خیوه که برسر مرو آمده بود شکست‌خورده علاوه در اردوی او ناخوشی وبا افتاده به طرف خیوه کوچیده است.

اردوی مبارک در چمن سلطانیہ و عدّه ملتزمین رکاب به شصت هفتاد هزار نفر می‌رسد. روز عید قربان سلام عام باشکوه تمام منعقد گردید و به جناب صدراعظم در این سلام اظهار مراحم مخصوصه فرمودند. عزیزخان سردارکل و آجودانباشی چون قبل از ورود موکب همایون به چمن سلطانیہ در نظم اردو خدمات کرده بود یک راس اسب خاصه چغان از اسبهای خاصه به او مرحمت فرمودند. روز هشتم ذیحجه و روز چهاردهم موکب اقدس اعلی به سرچشمه چمن سلطانیہ به تفرج تشریف فرما شدند و در روز آخر جناب صدراعظم و بعضی از خواص چاکران

۲۲- دو خصوص عزیزخان آجودانباشی رجوع شود به مقاله مفصل شادروان عباس

اقبال تحت عنوان «عزیزخان سردارکل مکر» (مجله یادگار سال ۴ شماره اول و دوم صفحه

۳۷ تا ۶۲) و شرح حال رجال ایران تألیف مهدی بامداد (ج ۲ ص ۳۲۶ تا ۳۳۰).

دربار در رکاب همایون بودند. جناب طامسن صاحب شارژدافر دولت انگلیس روانه اردوی پادشاهی گردید.

از کارهای خیر که این اوقات به‌اهتمام دکتر پولاک معلم علم طب دایر شده بیرون آوردن سنگ مثانه است که مشارالیه به‌شاگردهای خود به‌خوبی آموخته و تقریباً در عرض يك سال خود بیست و سه سنگ مثانه بیرون آورده که بیست نفر از آنها یعنی کسانی که سنگ مثانه داشتند از جنس ذکور و سه نفر از جنس اناث بوده‌اند و از همه این بیست و سه نفر يك نفر تلف شده است. گذشته از این عمل، اعمال یدی دیگر از دکتر پولاک به‌ظهور رسیده که همه درخور تحسین زیاد است.

در شیراز این اوقات مجدداً زلزله شده ولی خرابی ننموده. اهل شیراز مشغول مرمت خرابی زلزله سابق‌اند.

موکب همایون که تشریف‌فرمای چمن سلطانیه بود از آنجا عزیمت دارالخلافت باهره فرموده روز بیست و هفتم ذیحجه الحرام از دروازه شمیران، شهر طهران را به‌ورود مسعود مزین فرموده به‌عمارات مبارکات سلطنتی نزول اجلال فرمودند. اهالی دارالخلافت باشوق و شغفی تمام و مسرتی مالا‌کلام از موکب منصور ایده‌الله تعالی بنصره استقبال نموده به‌تقدیم قربانی‌ها و دعاوثنای وجود مبارک پرداختند و ذات همایون در تالار تخت مرمر جلوس فرموده سلام عام منعقد و قاطبه خدام آستان به‌زیارت جمال بی‌مثال خسروانه فایز و سربلند گردیدند.

حاجب‌الدوله والد مولف که در این سفر خدمات شایان نموده بود به‌عطای يك ثوب کلیجه تن‌پوش مبارک مفتخر گردید.

زرگر اسلامبولی آپلیت گرانبهائی حسب‌الامر از جواهر خزانه مبارکه ساخته روز عید غدیر در چمن سلطانیه به‌حضور مبارک برده مورد تحسین شد و اهل خبره آن را بیست و پنج هزار تومان قیمت کردند.

نواب والا حشمة‌الدوله حکمران آذربایجان که به‌چمن سلطانیه رفته به‌رکاب اعلی پیوست تا قزوین ملتزم رکاب همایون بود از آنجا مرخص شده به‌محل حکمرانی خود رفتند. و برحسب استدعای نواب معظم پانصد تومان به‌صنف شعرباف تبریز تخفیف مرحمت شد.

میرزا احمدخان پسر مرحوم میرزا تقی‌خان اتابیک اعظم نیز در سلطانیه به‌حضور باهرالنور مبارک مشرف شده مورد مرحام گردید و بعد

از رخصت از خاکپای همایون به آذربایجان رفت.

میرزا مصطفی مباشرمهام خارجه از تبریز احضار شد و حاجی میرزا - محمدخان نایب اول وزارت دول خارجه به لقب دبیر مهام و خلعت همایون سرافراز و از قزوین در خدمت نواب والا حشمةالدوله به آذربایجان رفت. قنبرعلی خان که بیگلربیگی و حاکم شهر تبریز بود احضار و احمدخان نوائی که دیوان بیگی اردوی همایون بود به جای او مأمور و روانه شد.

کلب حسین خان نایب اول آجودانباشی چون اهل آذربایجان از رفتار او رضایت داشتند به لقب امین نظام ملقب و به خلعت همایون سرافراز شد.

عیسی خان والی حکمران گیلان که با اعیان و اشراف گیلان در چمن سلطانیه به رکاب اعلی مشرف شده بود از قزوین به محل حکمرانی خود معاودت نمود.

امیرزاده علیقلی میرزا (صارم الدوله) ولد عمادالدوله که سرباز کلیائی را در چمن سلطانیه به اردوی معلی آورده بود مرخص شده به کرمانشهان رفت.

اخبار و وقایعی که در این سال در معالک و ولایات خارجه اتفاق افتاد

اتائونی ینگ دنیا:

از وقایع این سال، اول کشتی که در ظرف نه روز و سه ربع ساعت از نیویورک ینگ دنیا به لیورپل (۱) بندر انگلیس آمد کشتی موسوم به آرٹیک (۲) بود و این سفر در ماه دلو (۳) اتفاق افتاد.

جمهوری اتائونی در صدد فرستادن جمعی از دانشمندان به خاک ژاپن می باشد و غرض از این مسافرت انکشاف مسائل جدید می باشد.

زیرا که بنادر ژاپن تا آن وقت برای هیچیک از ملل خارجه باز نبود. از اهالی چین چند هزار نفر به جهت کار کردن در معدن طلای کالیفرنیا از مملکت خود به اتائونی می آیند. در این سال کلیسنا (؟) از معارف اتائونی درگذشت. فرانسه و انگلیس هر قدر خواستند اتائونی را با خود متحد کنند که دولت اسپانیا را در نگاهداشتن جزیره کوبا تقویت نمایند قبول نکرد. کشتی های جنگی اتائونی در این سال سی و شش فروند بود.

اسپانیا:

در این سال شخصی قصد قتل ملکه اسپانیا نموده او را مجروح ساخت.

کاستن از معارف اسپانیا درگذشت.

غربای اسپانیا که دارای ادیان مختلفه هستند به موجب حکم سخت دولت به حسب ظاهر جز به طریقه کاتولیکی نمی توانند عبادت نمایند. وزرای تازه در اسپانیا به صدارت رن کالی برقرار شدند. در جزیره کوبا و مانیل زلزله سخت شد.

اما تفصیل شخصی که قصد قتل ملکه نمود از قرار ذیل است: ملکه بعد از وضع حمل نذر کرده بود به کلیسای اتشا رفته عبادتی نماید. وقت بعد از ظهری بود و هنوز موقع رفتن به آن کلیسا نرسیده در یکی از دالانهای معتبر عمارت گردش می کرد. جمعیت زیادی که باید تا کلیسای مزبور ملکه را همراهی کنند حاضر بودند. شاهزادگان خانواده سلطنت اناثاً ذکوراً، همچنین سردارهای بزرگ اسپانیا در دالان در دو طرف ایستاده بودند. وقتی که به جهت حرکت معین شده بود در رسید. از همین دالان می بایستی به دهلیز عمارت بیایند و از آنجا به کالسه نشسته به کلیسا بروند. ملکه به شوهر خود گفت از دحام و جمعیت راه را چنان تنگ کرده که ایلچی حضرت پاپ که باید با من ردیف بیاید مجبور است که از عقب بیاید. این کلام ملکه تمام نشده شخصی به لباس کشیشان ملبس از پشت سر سربازها خود را در وسط راه انداخت و روبروی ملکه زانو به زمین زد مثل این که می خواهد دست ملکه را ببوسد. سربازها گمان کردند این شخص حامل عریضه ای است که می خواهد در این موقع آن عریضه را به ملکه بدهد. این شخص که موسوم به مارتن مرینو بود به محض این که

خود را به ملکه نزدیک رسانید از بغل خنجر برندهای بیرون آورده به پهلوی راست ملکه فروبرد. ملکه فریادی زد و خنجر را به دست خود از پهلوی بیرون کشید. قاتل خنجر را برداشته فریاد کرد امروز همین کافی است و کردم آنچه مقصود بود. مردم دور ملکه را گرفته و او تکیه بر دیوار بالان داده خون زیادی از وی جاری می‌بود. مردم فی‌الغور قاتل را گرفته و می‌خواستند همانجا او را به قتل رسانند. لکن رجال دولت مانع شده تا از او تحقیقات نمایند. قاتل شصت و سه ساله بود و اقرار به خیانت خود کرد و می‌گفت اگر مثل من دوازده نفر در روی زمین پیدا می‌شدند نسل این ظالمها را برمی‌انداختیم. زخم ملکه منکر نبود و بعد از چند روزی علاج شد.

افریقا:

در این سال بعضی از سیاهان که در امریکا بودند مهاجرت نموده به لی‌بریا (L) که یکی از نقاط افریقا است آمده در این ناحیه یک جمهوری شبیه به جمهوری ینگی دنیا تشکیل داده‌اند. ناحیه لی‌بریا را که در این سال هزار و دویست ونود و چهار، هفتصد هزار سکنه اصلی دارد که سیاه‌پوست‌اند و شانزده هزار از آن سیاه‌هائی هستند که از ینگی دنیا مهاجرت نموده به این ساحت آمده‌اند. دول اتائونی و انگلیس و بلژیک و پروس و برزیل و فرانسه به یک ایالت جمهوری افریق شناختند (۵).

آلمان:

در این سال، اعلیحضرت امپراطور اطریش به ممالکی که در ایتالیا متصرف بود سفر نمود.

پرنس شوارت زن برگ صدر اعظم اطریش در سن پنجاه و دو سالگی به مرگ فجاء درگذشت.

نیز اعلیحضرت امپراطور به مجارستان سفر نمود.

عهدنامه تجارتی مابین این دولت و دولت عثمانی بسته شد.

۴۰ Liberia

۰- عبارت سبهم است. ظاهراً منظور این است که دول اتائونی و انگلیس ... کشور

لیبریا را به عنوان یک کشور جمهوری در افریقا به رسمیت شناختند.

صد و شصت و شش کرور فلرن (۶) مجدداً در این سال دولت قرض کرد. نیز اعلیحضرت امپراطور اطریش به برلن سفر کرده با اعلیحضرت پادشاهان پروس و هانور و غیره ملاقات نمودند.

هم در این سال، در لهستان متعلق پروس و با بروز کرده و از آنجا به مملکت پروس سرایت نمود.

پادشاه ایالت باد، شارل لئوپلد فردریک به سن شصت و یک سالگی در گذشت و پسر بزرگ او لوئی، چون که مبتلا به ناخوشی صرع می باشد، به شراکت پسر دویم پادشاه مرحوم فردریک، بر تخت سلطنت جلوس نمود. کرنل یوس و واکش تر از نقاشهای معروف آلمان وفات نمود.

جمعیت پروس در این سال سی و دو کرور و پنجاه و پنج هزار و یازده نفر می باشد.

انگلیس:

در این سال، ژن روسل (۷) صدراعظم دولت انگلیس تکلیف کرد که علاوه بر قشون معمول دولت باید صد و بیست هزار لشکر چریک به طور ذخیره داشته باشد که هنگام لزوم به آنها اسلحه و لوازم جنگ بدهند و آنها را به خدمت مامور کنند.

وزرای دسته ویگ (۸) استعفا کرده وزرای توری (۹) برقرار گردید. لرد دربی منصب صدارت یافت. ولینگتن (۱۰) سردار و وزیر معروف انگلیس در سن هشتاد و سه سالگی وفات کرد و عزای عام در مملکت انگلیس به جهت فوت او گرفتند.

مجلس پارلمنت برضد دسته وزرای جدید است. وزرای دسته ویگ مجدداً منصوب شدند.

جنگ انگلیس با ایالت کافر در افریق هنوز به اتمام نرسیده است. دولت انگلیس به بیرمان اعلان جنگ نموده و عساکر از کلکته و

۶- Florin

۷- John Russell

۸- Whig

۹- Tory

۱۰- Wellington

مدرس به‌بیرمان فرستاده و فتوحات در آن مملکت نموده است.
به‌جهت انکشاف معدن طلا هشتاد و هفت هزار نفر از انگلیس در
مدت يك سال به‌استرالی مهاجرت کردند.

کشتی‌های جنگی انگلیس که در این وقت موجود می‌باشد صد و سی
وسه فروند است. آنچه در کشتی‌سازخانه دولتی می‌سازند بیست و يك
فروند است.

در این تاریخ، در جزایر انگلیس یازده هزار و صد و پنج هزار ذرع
یعنی هزار و صد و پنج کیلومتر راه آهن دایر است. در ظرف یازده‌ماه
بعد از انکشاف معدن طلا تا این وقت معادل چهل کرور طلا وارد انگلیس
شده.

توماس‌مور (۱۱) شاعر معروف ایرلندی در این سال فوت شد.

ایتالیا:

در این سال کونت‌کاوور (۱۲) به‌وزارت مالیه و بعد به‌وزارت
بحریه آخر الامر به‌منصب صدارت پادشاه پیم (۱۳) برقرار شد.

در ساردین و بعضی جاهای دیگر شورش نمودند.
مجلس شورای مملکتی در روم منعقد گردید.
کوه آتشفشان اتنا طغیان نمود.

پرتغال:

در این سال، بایک کمپانی معاهده نمودند که از لیزبن پایتخت
مملکت تا سرحد اسپانیا خط راه آهنی ممتد نمایند.

بلژیک:

در این سال، بلژیک عهدنامه تجارتي پر ضرری با فرانسه بست.

وزرای تازه به‌صدارت بروکر (۱) نام تعیین شدند.

روزنامه‌های بلژیک را سخت ممانعت نمودند که نسبت به شخص سلاطین خارجه الفاظ مستهجن و بد نویسند و این فقره به‌خواهش دولت فرانسه بود و ابتدا قبول نمی‌شد ولی آخر موقع قبول یافت.

دانمارک:

در این سال، ایالتین اسلشویک و هلستن دارای وزرای مخصوص و پارلمنت مخصوص هستند که دخی به‌وزرا و پارلمنت دانمارک ندارند.

روس:

در این سال، اعلیحضرت امپراطور روس با اعلیحضرت امپراطور اطریش و با اعلیحضرت پادشاه پروس برادر زوجه خود در برلن ملاقات نمودند.

پرنس دولوشتان برگ (۲) داماد اعلیحضرت امپراطور وفات نمود. در اواخر پائیز در سنت پترزبورگ وبا بروز کرد. راه‌آهن دولت روس در این سال سیصد و بیست هزار ذرع است.

عثمانی:

در این سال، رشیدپاشا صدراعظم عثمانی در ظرف سه‌ماه عزل و نصب شد.

در شامات دزدی و راهزنی بی‌حد است. علی‌پاشا به‌جای رشیدپاشا صدراعظم شد. فؤاد افندی به‌منصب وزارت خارجه رسید. ابتدای خیال استقراض دولت از خارجه و معادل ده کرور تومان پول ایران و این فقره به‌واسطه عدم رضایت روس و اطریش و بعضی از اهالی خود عثمانی انجام نمی‌یابد. به‌ایالت مصر اجازه می‌دهند که مستقلاً از انگلیس قرض کند.

شورش طایفه دروز در شامات و شورش اهالی منتگرو (۱) و هرزگوین (۲) که مالیات نمی‌دهند. مأموریت عمر پاشا با بیست و پنج هزار قشون به‌تنبیه اهالی منتگرو و هرزگوین.

فرانسه:

در این سال، دربرقهای فرانسه علامت و تصویر عقاب را که ناپلئون اول اختراع کرده بود و مدتی متروک بود برقرار نمودند. مسکوکات به‌اسم و تصویر پرنس لوئی ناپلئون رئیس‌جمهور منقوش خواهد بود. ریاست ده‌ساله پرنس لوئی ناپلئون را عموماً قبول نمودند. مجلس سنا که عبارت از مجلس اعیان و اشراف و نجبای مملکت باشد برقرار گردید.

املاك و اموال لوئی فیلیپ پادشاه سابق فرانسه و اولاد او را حکم به‌ضبط و فروش نمودند. ریاست مجلس سنا به‌پرنس ژرم (۳) عموی رئیس‌جمهوری قرار می‌گیرد. قانون دولتی موسوم به‌قانون ناپلئون می‌شود. روز پانزدهم ماه اد (۴) که روز مولود ناپلئون بوده جشن می‌گیرند. رئیس‌جمهوری فرانسه به‌ایالات جنوب بورژ، لین، بردو و تور (۵) سفر نموده و مردم او را امپراطور خطاب می‌کنند. امیر - عبدالقادر والی الجزایر که در حبس فرانسه بود رئیس‌جمهور، در عبور از شهر آمبواز (۶)، او را از حبس بیرون آورد و به‌بروسا از خاک عثمانی می‌فرستد. ورود رئیس‌جمهور به‌پاریس با کمال شوکت و جلال در عمارت سنت کلو و فرستادن وکلای ملت جمعی را به‌حضور او و تمنا کردن که قبول ریاست‌جمهور را مادام‌العمر نماید. بالاخره در ماه قوس این سال اغلب اهالی فرانسه جمع شده پرنس لوئی ناپلئون رئیس‌جمهوری را ناپلئون سیم امپراطور فرانسه خواندند و پرنس ژرم عموی لوئی ناپلئون را ولیعهد او قراردادند.

مارشال ژرار و مارشال اکزل‌مان فوت شدند.

۱ - Montenegro

۲ - Herzégovine

۳ - Jérôme

۴ - Août

۵ - Bourge, Lyon, Bordeau, Tours

۶ - Amboise

کشتی‌های جنگی فرانسه در این سال يك صد و هشت فروند بود.

هلاند:

کشتی‌های جنگی هلاند در این سال چهل فروند است.

ینگ‌دنیای جنوبی:

برزیل:

ابتدا خیال مردم در حرکت بر روی شط‌آمازون با کشتی‌های بخار در این سال بود.

خرید و فروش غلام و کنیز در دولت برزیل به‌وساطت انگلیس موقوف شد. توضیح آن که شط‌آمازون از تمام شط‌های روی زمین عظیم‌تر و بزرگتر است حتی از نیل. سرچشمهٔ این شط از جبال آند است. بعد از طی پنج هزار و چهارصد هزار ذرع مسافت در محاذی خط استوا به‌محیط (۱) آتلانتیک می‌ریزد. در حوالی سرچشمه درجاها که عرض این شط خیلی کم است سه الی پنج هزار ذرع است اما نزدیک به‌دریا عرض این شط دویست و هشتاد و هشت هزار ذرع می‌باشد و عمقش سیصد و بیست و پنج ذرع. زیادی آب این شط به‌حدی است که وقتی که به‌محیط می‌ریزد به‌مسافت صد و سی و پنج هزار ذرع در دریا طعم آب به‌هیچ‌وجه تغییر نکرده شیرین است و مخلوط به‌آب دریا نمی‌شود. انکشاف این شط در سنهٔ هزار و پانصد عیسوی مطابق نهصد و شش هجری شد.

یونان:

در این سال، اهالی یونان تمکین نمی‌کنند که متابعت کشیش بزرگی که در اسلامبول است نمایند و به‌واسطهٔ تکلیفی که دولت به‌آنها می‌نماید، در بعضی ایالات شورش می‌شود.

در سواحل یونان در این سال طوفان سختی شد.

وقایع سال هفتم

سلطنت اعلیحضرت اقدس شاهنشاه جم‌جاه روحانفاده مطابق
سنه هزار ودویست وهفتاد اودئیل ترکی

دراین سال خیرمال کلیه توجہات خاطر خطیر همایون به تربیت
وترقی اهالی ممالک محروسه وامنیت بلاد وآسایش عباد است.
چون میرزا محمدخان سرکشیکچی‌باشی در سفر خیریت اثر
سلطانیہ خدمات کرده بود به یک ثوب کلیجه ترمه تن‌پوش مبارک سرافراز
گردید.

بعضی ولایات خراسان از قبیل مرو و سرخس، که به جهت دوردستی
از شهر مشهد مقدس که دراین اوان قاعده و دارالملک خراسان است
پیش به سبب قلت تسلط حکام سابق طوری که باید و شاید نظمى نداشت،
اما حالا به اتمام اولیای دولت منظم و اهالی شایق و راغب رعیتی و
خدمتگزاری این دولت ابدایت می‌باشند. و این ایام حکم همایون شرف
صدور یافت که قلعه مضبوطی در مرو ساخته به قدر ضرورت ساخلو
قشونی در آن گذارده شود.

خلیفه مرو که عریضه‌ای مشعر بر اظهار عبودیت به دربار معدلت —
مدار فرستاده بود، از جانب سنی الجوانب خسروانه، فرمان همایون مبنی
بر شمول مراحم اعلیحضرت شاهنشاهی دام ملکه خطاب به معزی‌الیه صادر
ویک ثوب جبۀ ترمه به رسم خلعت و سیصد تومان نقد انعام به افتخار خلیفه
مبذول و مرحمت شد و چون خوارزمیها محصول وزراعات آنها را چرانیده
وبه واسطه کمی غله در صفحات مرو عسرتی حاصل است امر فرمودند

هزار خروار غله به آنها بدهند که از این رهگذر آسوده باشند.

بهادرخان پسر مرحوم عباسقلی خان دره جزی و حسن خان سبزواری که در مرو مشغول خدمت بودند، يك ثوب جبۀ ترمۀ کشمیری در حق بهادرخان و يك ثوب جبۀ ترمۀ سلسله دار به حسن خان مرحمت فرموده و ارسال شد. هزار و پانصد تومان نیز به رسم انعام به علیقلی خان میرپنجه که در خراسان مشغول خدمت است مبدول فرمودند.

چون عباسقلی خان جهان بیگلو میرپنجه در سفر سلطانیه مرحوم شد، افواج ثلاثۀ خراسان را ابواب جمع علیقلی خان میرپنجه فرمودند. مبلغ سیصد تومان به عسکرخان سرتیپ که در سفر خراسان خدمت کرده بود مبدول شد.

این اوقات فی مابین دولت روس و عثمانی بنای جنگ است. لهذا سردار کل عساکر منصوره مأمور آذربایجان شد که در آن سرحدات اغتشاش و بی نظمی حادث نشود.

جناب ابت (۱) صاحب قنصل دولت انگلیس مقیم دارالخلافه که به مرخصی آن دولت چندی به وطن خود رفته بود این اوقات مجدداً به دارالخلافه مراجعت نمود.

هادی خان ولد مرحوم عباسقلی خان میرپنجه را به سرتیپی افواج نیشابور و تربت سرافراز فرموده روانۀ خراسان شد که افواج مزبوره را سرکشی نماید.

حیدر علی خان نایب دویم آجودان باشی به سرهنگی فوج ترشیز مفتخر گردید.

علی خان سرهنگ فوج چهارم تبریز به منصب سرتیپی و نایب اول آجودان باشیگری سرافراز شد.

ناخوشی وبا مجدداً در تبریز شدت نموده است.

میرزا زین العابدین مباشر و سررشته دار نوکر مهاجر و سواره نظام به منصب لشکر نویسی رسید.

جبرئیل خان پسر آقاالرخان گرجی نایب دویم آجودان باشی و مخلص گردید.

علیقلی میرزا پسر نواب والا عمادالدوله حکمران کرمانشهان بر حسب استدعای نواب معظم به منصب سرتیپی سرافراز و از جانب نواب - عمادالدوله به حکومت کلیائی رفت.

شب ششم ماه صفر که عید سعید ولادت اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی می باشد در دارالخلافت باهره و تمام ولایات ممالک محروسه جشن گرفتند و چراغان و آتش بازی کامل نمودند.

عبدالله خان میرپنجه در ازای خدمات بلوچستان و تسخیر قلعه بافتان به نشان میرپنجگی سرافراز گشت.

ناخوشی وبا که در کرمان بروز کرده بود رفع شده اما هنوز در سیرجان وبم ونرماشیر و شهر بابک باقی است.

بر حسب استدعای اهالی یزد، محمدحسن خان سردار حکمران یزد و کرمان از جانب خود محمد یوسف خان سرتیپ را به پیشکاری میرزا - کوچک خان سرهنگ فوج جدید کرمانی به حکومت یزد فرستاد.

دوستاره این اوقات در دارالعباده یزد یکی مقارن غروب آفتاب و یکی در شب ظاهر گردیده و در جو محترق شده و هنگام احتراق روشنایی آنها از ماه بیشتر بوده و به قدر هندوانه به نظر آمده و هریک تقریباً دو دقیقه ظاهر بوده بعد محترق شده اند.

ناخوشی وبا که در یزد بود رفع شده.

سرپرستی ایل شکاک ارومی را به حسنعلی خان پیشخدمت خاصه واگذار فرمودند.

اسدالله خان حاکم همدان به لقب معتمدالملکی ملقب و مفتخر گردید.

ناخوشی وبای مازندران رفع گردیده است.

به قدر پانصد ششصد نفر از طایفه ضالّه بایبه در نیریز جمع شده و در کوه نزدیک نیریز سنگرها به جهت خود ساخته و باعیال در آن کوه سرمی بردند. نواب والا مؤیدالدوله حکمران فارس میرزانعیم لشکرنویس و حاکم نیریز و لطفعلی خان سرتیپ را با فوج قشقائی و فوج حومه فارس و چند عراده توپ مأمور دفع آنها نموده جنگی سخت با آنها کردند و دویست سیصد سنگر که در کوه ساخته بودند از آنها گرفتند و تقریباً

صدنفر مقتول و باقی دستگیر شده به شیراز فرستادند. و در واقع ریشه فساد آنها از آن حدود قلع گردید.

میرزا جعفر نائینی در بلوک قهپایه من اعمال اصفهان امامزاده [ای] را مأمن خود ساخته و از ایام حکومت منوچهرخان معتمدالدوله دم از خودسری می‌زد و تمکین حکام نمی‌کرد. چراغعلی خان نایب‌الحکومه اصفهان او را از در انقیاد در آورد.

حاجی یوسف خان سرتیپ ایل بیگی مغان شد.
عباسقلی خان هشترودی حکومت هشتروید یافت.
ناخوشی وبا که در عربستان شیوعی داشت رفع شده.

میرزا ابوالقاسم تفرشی به منصب سر رشته داری دفتر استیفا سرافراز و دویت تومان بر مواجب سابق او افزودند.

میرزا محمد حسین صدر سفیر مخصوص که به سفارت سنت پترزبورغ رفته بود معاودت کرده او را با کمال احترام وارد دارالخلافه کردند.

قافله بخارا که عازم مرو و مشهد مقدس بود، میراحمدخان جمشیدی با هزار نفر سوار ازبک و غیره به جلو آنها رفته و قافله مزبوره در چهارجو مانده بهادرخان، حسن خان سبزواری را با سیصد نفر سوار به دفع میراحمدخان فرستاده سواره میراحمدخان را منهزم و برخی را مقتول نمودند و قافله مزبوره بدون آسیبی به مرو آمد.

بر حسب استدعای خلیفه مرو و مرویها، علاوه بر قشونی که سابق مأمور مرو شد، این اوقات نواب والاحسام السلطنه والی خراسان سه فوج سرباز و پانصد نفر سوار و پنج عراده توپ و خمپاره با قورخانه روانه مرو نمودند که آن ولایات را از تعرضات اورگنجی محروس دارند و نظر به مراتب اهتماماتی که نواب معظم‌الیه در این باب و سایر خدمات خراسان کرده بودند به اعطای یک ثوب کلیجه ترمه تن‌پوش مبارک مباحی گردیدند.

دو هزار سوار بخارائی و غیره که در نزدیکی مرو سکنی داشتند و دست‌اندازی به مال و حال مردم می‌کردند فرار نموده‌اند و رعایای آن نواحی آسوده شده.

روز چهارشنبه چهارم ربیع‌الثانی بندگان اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی عز‌نصره تشریف‌فرمای مدرسه مبارکه دارالفنون شده متعلمین

هر علمی در حضور باهرالنور مبارک امتحانی شایان داده هریک از معلمین و متعلمین علی قدر مراتبهم مورد مراحم ملوکانه شدند.

چون مابین شیرعلی خان پسر امیر دوست محمد خان حاکم کابل و سردار کهندل خان سردار قندهار نقاری حاصل شده بود عبدالله خان سیستانی را با فرامین و احکام مأمور آن صفحات فرمودند که آنها را به راه مودت و اتحاد دلالت کنند و آن نقار را از میانه رفع نماید. سردار سلطانعلی خان پسر سردار کهندل خان که به خاکپای مبارک آمده بود مورد نوازش و مراحم ملوکانه گردیده این اوقات که رخصت معاودت حاصل نمود، او را به لقب مظفرالدوله ملقب و مخلع فرموده به صحابت او، خلایع فاخره و انعامات شاهانه برای سردار کهندل خان و رحمدل خان و مهردل خان و سایر خوانین مبذول داشتند و به خود مظفرالدوله نیز بخششهای لایق فرمودند.

نظر به خدمات خسرو خان والی حاکم قزوین به عطای یک ثوب کلیجه ترمه تن پوش مبارک سرافراز گردید.

کتاب شرح ابن ابی الحدید بر نهج البلاغه به اهتمام میرزا ابراهیم نواب طهرانی که از معارف اعیان دار الخلافه و بدایع نگار دولت علیه ایران است در کمال صحت و امتیاز به طبع رسید.

نظر به خدمات میرزا محمد حسین صدر دیوان خانه معزی الیه را ملقب به عضدالملک فرمودند.

ناخوشی وبای تبریز بالمره رفع شده است.

نواب والاحسام السلطنه والی خراسان چندی قبل دو یست نفر سواره ممتاز و یک بیرق شیرو خورشید قبه طلا از جانب دولت علیه به صحابت محمد خان کندیلی و امامقلی بیگ روانه نموده بودند. این اوقات امامقلی بیگ مراجعت کرده اظهار داشت که به طایفه ساروق بدمی گذشت و بنای تفرقه داشتند. بعد از آن که سواره و بیرق دولتی رسید به مراحم اولیای دولت علیه مستظهر شده از صرافت کوچ کردن افتادند.

کارمک صاحب حکیمباشی آذربایجان به عطای یک قطعه نشان سرهنگی از درجه اول نایل گردید.

برجیس صاحب مباشر روزنامه و مترجم دیوان و میرزا عبدالله روزنامه‌نویس به خلعت همایون سرافراز گردیدند.

حاجی بابا پسر مرحوم آقا حسین ملک‌التجار بادکوبه‌ای، به عطا یك قطعه نشان شیروخورشید از درجهٔ دویم سرهنگی مفتخر گردید.

کپتان زطی صاحب منصب مهندس از اهل استریه که در نوکری دولت علیه بود وفات نموده او را به اعزاز دفن نمودند.

مسیو چارنوطا معلم علم معدن نیز وفات کرده به احترام او رابه‌خاک سپردند.

قاسم‌خان صاحب‌جمع به یك قطعه نشان سرهنگی از درجهٔ اول و یك رشته حمایل سفید و یك ثوب جبهٔ ترمهٔ کرمانی سرافراز شد.

این اوقات محض رعایت کامل درباب احقاق حقوق رعایا و مزید درستکاری و استقصای اجزای دیوانخانهٔ عدلیه مقرر شد پرده‌ای موشح به تمثال بی‌مثال همایون در دیوانخانهٔ مبارکهٔ عدلیهٔ عظمی منصوب داشته پرده بر روی آن باشد و در مواقع اجرای احکام آن پرده را بردارند تا مذکر عدل و انصاف و مؤید غوررسی و انکشاف شود.

دکتر پولاک معلم علم طب و جراحی کتابی در تشریح بدن انسانی نوشته مصور به صور اعضا و ابعاض و مشغول طبع آن می‌باشند.

یك ثوب خرقه ترمهٔ بطانه‌خزتن‌پوش مبارك به نواب‌والا فریدون (۱) میرزا فرمانفرما مرحمت فرمودند.

امیرزاده عبدالباقی میرزا ولد نواب‌والا مؤیدالدوله حکمران فارس چون درغیاب نواب معظم شهر شیراز را خوب منظم نگاهداشته بود به خلعت همایون سرافراز شد.

عالی‌جاه ملااکرم مستوفی هرات چند راس اسب به رسم پیشکشی از جانب صید محمدخان حاکم هرات به خاکپای مبارك آورده مورد تفقادات شاهانه گردید.

عبدالله‌خان صارم‌الدوله با فوج مأمور فارس شد. شاهزاده عباسقلی میرزا حاکم خلخال در نظم آن نواحی مراقبت کامل می‌نماید.

در اطراف خلخال سیلهای زیاد برخاسته اما به کسی آسیبی نرساند. قشون مأمور مرو را جمعیت کلی از تراکمه سرخس استقبال کرده و منتهای خدمتگزاری را از آنها نموده از جمله پسر اراض خان و پسر صوفی خز و رحمان قلی بیگ و سفرك که از معارف تکه سرخس نشین هستند سواره خود را برداشته همه جا همراه واز میان مال و ایل سرخس نشین به آسودگی عبور کرده و ترکمانان همه جا اظهار خوشوقتی نموده و دو بیست نفر سواره تراکمه سرخس تامرو همراه اردو رفته اند. ترکمانان طرّنی نیز خدمت نواب والا حسام السلطنه والی خراسان آمده و نواب معظم از جانب دولت ابد مدت همه را مشمول مرحمت نموده اند.

شیرخان ناظر به لقب جلیل عین الملکی و یک قطعه گل کمر مرصع از جانب سنی الجوانب همایون مفتخر گردید.

جهانسوز خان امیر آخور به یک ثوب کلیجه ترمه بطانه خزتن پوش مبارک سرافراز شد.

آقا محمد حسن صندوق دار به عطای یک ثوب لباده ترمه بطانه پوست مباحی گردید.

آقامهدی ملک التجار حسب الامر در اطاقی از اطاقهای کاروانسرای امیر بعضی روزها مجلسی از اعیان تجار منعقد نموده در امور تجارتی مذاکره می نمایند.

ناخوشی وبا که در بار فروش شدت داشت رفع شده در مازندران بارندگی زیاد شده در ساری و بعضی جاهای کنار دریا نیم ذرع برف آمده.

محمد علی خان بختیاری هفت لنگ که به دزدی و شرارت معروف بود و در یکی از قلاع صعبه آنجا متحصن شده دم از خود سری می زد. نواب والا احتشام الدوله حکمران عربستان و لرستان و بختیاری و بروجرد امیرزاده ابراهیم میرزا نایب الحکومه عربستان را با سوار بختیاری و باجلان و فوج لرستان به گرفتن او مأمور نموده او را مستاصل کرده اتباع او را دستگیر نمودند و خود او گریخته پناه به خانه حاجی شیخ جعفر مجتهد برد.

نواب والا مؤید الدوله حکمران فارس برای نظم گرمسیرات این

مملکت بدان صفحات رفتند و از جانب نواب معظم میرزا هادی خان مأمور صفحات لارستان و هاشم خان یوزباشی با جمعی غلام به سرحدات اقلید و آباده و فریدون خان تولی نیز با جمعی غلام به محارست طرق سرحدات کرمان و شهر بابک رفت.

نواب والا حسام السلطنه والی خراسان به آق در بند رفته اند. قشون مأمور مرو وارد مرو شده مرویها استقبال و پذیرائی را از آنها به عمل آورده اند.

در یک منزلی مرو یک هزار سوار قریابی جلو قشون مزبور را گرفته عساکر منصوره بر آنها تاخته برخی را مقتول و باقی را منهزم نموده اند. در اواخر ربیع الثانی یک شب تگرگی شدید به درشتی فندق بارید. ولی چون شب بود به کسی اذیتی نرسانید.

نظر به خدمات نواب والا مؤید الدوله حکمران فارس یک قطعه نشان امیرتومانی و حمایل مخصوص این رتبه و یک ثوب جبهه ترمه از جانب سنی الجوانب همایون مباحی گردیدند.

نواب والا فریدون میرزا فرمانفرما به حکمرانی خراسان نایل و هادی خان سرتیپ فوج تربت و نیشابور و حیدرعلی خان سرهنگ فوج ترشیز به اتفاق نواب معظم الیه عازم خراسان می باشند.

میرزا فضل الله وزیر نظام را متولی باشی حضرت رضوی سلام الله علیه و پیشکار امور خراسان فرمودند.

نواب شاهنشاه زاده اعظم امیر قاسم خان را منصب امارت نظام مرحمت فرمودند (۱).

۱- محمد قاسم میرزا پسر ناصرالدین شاه شب دو شنبه پنجم جمادی الاولی ۱۳۶۹

متولد شد و ناصرالدین شاه او را به نام جد سادری خویش نامید. سپهر در تاریخ قاجاریه می نویسد:

«چون از همان روزگار کودکی جلادتی از جبین او مطالعه می رفت! و شجاعتی به کمال از جمال او مشاهده می افتاد، شاهنشاه کارگاه امارت نظام را به نام او بلند آواز ساخت! ... روز چهارشنبه هشتم جمادی الآخره قواد لشکر و صنایع سپاه و صاحب منصبان نظام ... رده برکشیدند و جناب اشرف صدراعظم امیر نظام را برداشته به میان سیدان عبور داد». در این تشریفات سن شاهزاده محمد قاسم میرزا امیر نظام یکساعت و دوسه روز بود!!

نواب والانصره الدوله به نیابت نواب مستطاب ولیعهد دولت علیه مأمور به حکومت آذربایجان گردیدند.

میرزا صادق مستوفی به لقب قائم مقامی و پیشکاری کل امور آذربایجان سرافراز گردید.

زمستان کرمان امسال سخت گشته در بلوک جیرفت که هرگز برف نمی آمد سه شبانه روز برف باریده و بعضی مال و مواشی از سرما تلف شده اند.

سالار مهدی خان و ولد ملوک و سالار لله بلوچستانی نزد محمد حسن خان سردار حکمران کرمان و یزد آمده اظهار انقیاد و خدمتگزاری به دولت علیه می نمایند.

شاهزاده مصطفی قلی میرزا حکمران مازندران به یک قطعه نشان سرتیپی و حمایل مخصوص این رتبه سرافراز گردید. چندی قبل که شاهزاده معزی الیه به مشهد سر رفته بودند از آنجا به معادن گلوله ریزی نائیج آمده امور گلوله ریزی آنجا را نظم کامل دادند.

شال بافی کرمان خیلی ترقی کرده است.

شب سه شنبه بیست و یکم جمادی الثانیه هفت ساعت و هفده دقیقه از شب گذشته آفتاب از برج حوت به حمل تحویل نموده سلام خاص در پیشگاه حضور مهر ظهور اعلیحضرت شاهنشاهی دام ملکه منعقد و روز چهارشنبه بیست و دوم در تالار تخت مرمر ذات ملکوتی صفات مقدس به جهت سلام عام بر سریر مهر مسیر جلوس فرمودند.

بندر عباس که از بنادر فارس و حکومت آن از جانب اولیای دولت علیه به عهده شیخ یوسف خان محول بود چون سال گذشته شیخ یوسف خان وفات نمود شیخ عبدالرحمن و بعضی از مشایخ دیگر بندر مزبور به خیال خود سری افتاده صید ثوینی پسر امام مسقط را به بندر آورده با او عهد و میثاقی کردند و دور بندر خندقی حفر و آذوقه و توپ و قورخانه و جمعیت از امام مسقط و صید ثوینی دریافت نموده بیست و هفت عراده توپ بزرگ در بروج و بدنه داشتند سوای توپهایی که در جهازات متعدده از امام مسقط در روی دریا بود و به سنگر قشون دولت علیه گلوله می انداختند. نواب والا مؤید الدوله، امیرزاده ابوالقاسم خان را با توپخانه

و فوج گلیپایگانی ابواب جمعی نصر اللہ خان و فوج قشقایی لطفعلی خان با مصطفی قلی خان یوزباشی و تفنگچی لاری مأمور به محاصره بندر عباس نموده ابتدا سنگرها و خانه های شهر را به تصرف در آوردند. از آن طرف هم صید محمد برادرزاده امام مسقط با چند جهاز و جمعیت و زیاده از پنجاه عراده توپ به امداد آنها آمده تادر روز هشتم ماه جمادی الثانیه قشون ظفر نمون یورش برده به قهر و غلبه شهر را مسخر کردند و قشونی که به کمک مشایخ آمده بودند چنان سراسیمه شده که اغلب از بیم جان نتوانستند خود را به بغله و جهاز برسانند و به دریا افتاده غرق شدند.

همچنین قلعه گهیز که از قلاع بسیار صعبه گرمسیرات کرمان است و به هوای بندر عباس اهالی آن نیز دم از خود سری می زدند، روز ششم همین ماه به تصرف رضاقلی خان عرب و امامعلی خان که با فوج عرب و فوج کرمانی از جانب محمد حسن خان سردار حاکم یزد و کرمان به گرفتن آن قلعه مأمور بودند درآمد.

جناب صدراعظم به یک قطعه نشان امیر نویانی اعظم و یک رشته حمایل سبز که اول نشان این دولت علیه است و مخصوص «شخص اول» و تاکنون به هیچیک از وزرای سابق مرحمت نشده از طرف قرین الشرف ملوکانه سرافراز و نیز یک قطعه شرابه بند کاغذ مکمل به الماس و مروارید که ریشه آن مرواریدهای بسیار درشت داشت و قبه های آن به الماس بریلیان مرصع به جناب معظم الیه مرحمت فرمودند.

ماه رمضان امسال در سبزمیدان که تازه در کمال خوبی ساخته شده دکاکین ترتیب داده و حجرات را به اقمشه نفیسه و امنعه ثمینه از ظروف چینی و فرنگی و بلور آلات و غیره مزین نموده اند.

حاجی جابر خان از حکومت محمره معزول و حکومت آنجا را به شیخ حاکم که محصل مالیات شط العرب است مفوض نمودند. قیمت گندم در فارس به جهت ملخ خوارگی چند ساله به خرواری پنج تومان رسیده.

جناب مسیو انچکوف شارژدافر دولت روس روز شانزدهم رمضان وارد دارالخلافه باهره گردیده روز هجدهم به اتفاق پرنس دالغاروکی وزیرمختار سابق آن دولت و سایر صاحب منصبان سفارت به حضور

باهرالنور مبارك تشرف جسته همگی مورد مراحم ملوكانه شدند.
چندی بعد از فتح بندرعباس، شیخ‌صیدبن سالم که از اشرار مشایخ
عرب است با چند کشتی جنگی و چند عراده توپ عازم تسخیر بندر مزبور
گردید. قشون ظفرنمون به‌چندتیر توپ کشتی‌های او را شکسته و او
ناچار مخدولا مراجعت کرده است.

رئیس خسرو نامی که اطاعت از حکام فارس نمی‌کرد نواب والا
مؤیدالدوله او را گرفته به‌سزای عمل خود رسانیدند.

خلعت‌عیدی برای حکام بلاد وممالك محروسه فرستاده شد.
کلاه بلند که معمول بود روبه‌متروك شدن نهاده مردم کلاههای
خود را کوتاه می‌کنند.

روز عیدفطر سلام عام در نیاوران انعقاد یافت.

حاجی محمد تاجر تبریزی - که برحسب امر اولیای دولت علیه با
چند نفر از ارباب صنایع ایران سه‌سال بود برای اکتساب صنعت بلور-
سازی و شکرریزی و ریخته‌گری و نجاری و آهنگری و چیلان‌گری (۱)
به‌سنت‌پترزبورغ رفته بود - این اوقات مراجعت کرده همگی مورد
تفقدات امنای دولت ابدایت شدند و مقرر شد عجاله برای دو دستگاه
چرخ دستی کاغذ سازی که همراه آورده‌اند کارخانه ساخته شود و
چرخها [را] راه بیندازند و به‌محمودخان (جناب ناصرالملک) مصلحت
گذار مقیم سنت پترزبورغ نوشتند که دو دستگاه دیگر از همان چرخ
کاغذ سازی از آنجا خریده ارسال نماید و حاج مشارالیه از دربارهمایون
به‌مازندران رفت که بنای کارخانه شکر سازی در آنجا بنماید. و دراین
اوان شکر سفید از مازندران آوردند که بهتر از شکر دوزیز بسیار خوب
هندی بود.

عبائی در کاشان از ابریشم به‌عمل آورده‌اند که مثل عباهای خوب
نجف اشرف و کربلای معلی‌ست و حکم شد از این عباها بیافند.
دلاورخان فرستاده سردار رحمدل‌خان برادر سردار کهندل‌خان
سردار قندهار باعریضه این اوقات به‌دربار همایون آمد.

حاجی محمد شریف خان قاجار به حکومت ارومی و حیدرعلی خان شادلو به حکومت اردبیل و یحیی خان ایلخانی به حکومت مراغه نایل گردید.

در بعضی بلوک اصفهان سن خوارگی شده است. وزارت وظایف و اوقاف کل ممالك محروسه را تفویض به میرزا-محمد حسین عضدالملک فرمودند.

مدرسه دارالفنون رو به ترقی و صاحب منصبان نظام را ترقیات علمی حاصل شده. از جمله علی خان سرتیپ قراگوزلو کتابی بسیار خوب در علم نظام تالیف نموده و کلنل صاحب بر خوبی وصحت آن تصدیق نموده. محمد ولی خان بیگلربیگی حاکم استرآباد به نظم ککلان رفته و بعد از مراجعت به استرآباد به خلعت همایون مفتخر گردید.

گویند در سمنان يك گرگ و چند کلاغ دیوانه شده بعد از آن که چند نفر را آن گرگ دریده مردم به تیر تفنگ او را کشته اند. اما کلاغها سر به عقب مردم گذاشته هر که را دنبال می کرده اند او نیز دیوانه می شده و سی چهل نفر بدین منوال مبتلا به جنون شده بعد از ده دوازده روز کلاغها از آنجا رفته اند.

سید محمد خان ظهیرالدوله حاکم هرات چند رأس اسب به عنوان پیشکش به اتفاق سردار صالح خان به دربار همایون فرستاد.

امیر دوست محمد خان حکمران کابل نیز جعفر قلی خان کابلی را چون با عریضه به دربار معدلت مدار فرستاده بود، بعد از شمول مراجع کامله و انعامات شایسته در حق جعفر قلی خان و همراهان او، او را مرخص فرموده و يك ثوب جبۀ ترمۀ پولک دوز شمشه مرصع و يك رأس اسب عربی ممتاز از اصطبل خاصه به انضمام زین و یراق تمام طلا برای امیر دوست محمد خان و دو ثوب جبۀ ترمۀ زنجیره دار برای پسران امیر-معزی الیه محمد افضل خان که در سمت ترکستان است و غلام حیدر خان به صحابت جعفر قلی خان انفاذ فرمودند.

سواره شاهسون قورت بیگلو مأمور خراسان شدند.

از اول سال تا چندگاه در کرمان عصرها طوری باد گرم می وزید که مردم در کوچه و بازار آمد و شد نمی توانستند نمود.

نواب والا احتشام الدوله خانلر ميرزا حکمران عربستان و لرستان و بروجرد و بختیاری را به عطای نشان تمثال بی مثال همایون مفتخر فرمودند.

این اوقات در کرمان سرای گنجعلی خان را تعمیر می نمودند. در سردابه آن سرای دو کله انسان پیدا شد که از سر مردمان این زمان بزرگتر بود. شخص زراعی که زیاده از یک صدسال عمر دارد گوید دو نفر بقال تنومند قوی هیکل قدیم در این محل مشغول بقالی بودند. چون شهر کرمان به تصرف قشون شاه شهید (آقامحمدشاه) طاب الله ثراه درآمد، آن دو نفر بقال در آن واقعه مقتول شدند و در اینجا آنها را دفن کردند. این دو کله از آن دو نفر بقال است.

حاجی محمدرضای شادلو که از جانب نواب والا فریدون میرزا فرمانفرما حکمران خراسان مأمور سان سواره و پیاده و خانوار هزاره که سابقاً لاحقاً به شهر نو آمده اند و به بازدید قراولخانه های جام و باخرو و خواف و کاریز شده بود در مراجعت ده دوازده نفر از ریش سفیدان هزاره را همراه خود خدمت نواب معظم الیه آورده هریک موردالتفات و به همراه اولیای دولت علیه امیدواری کامل حاصل نمودند.

این اوقات سالار مهدی خان با عریضه از جانب خوانین بلوچ نزد محمدحسن خان سردار حاکم یزد و کرمان آمده از جانب آنها اظهار انقیاد نمود. ولی از قرار مذکور، امیر علم خان حاکم دزک جمازه سواری نزد ابراهیم خان ضابط و مستحفظ بمپور فرستاده اظهار نموده که آزادخان خارانی جمعیتی جمع کرده که به سردزک بیاید. ابراهیم خان نیز خوانین بلوچ را به بمپور خواسته و نوکر را اخبار نموده که اگر این فقره راست باشد مہیای مدافعه باشند.

بعضی قنوات منازل عرض راه خراسان را جناب صدراعظم امر به تنقیه نموده اند.

محمدحسن خان پسر سردار علی خان سیستانی و شاه پسندخان و میرکمال خان این اوقات از سیستان به دربار همایون آمده علی قدر مرتبتهم مورد الطاف ملوکانه شدند.

بعضی خوانین و اشخاصی که در قلعه گهیز فارس و قلاع بلوچستان

خدمت کرده بودند این اوقات از قرار ذیل در حق ایشان نشان و خلعت مرحمت شد:

میرعلی خان دیزکی يك قبضه شمشیر یراق طلا.
خوانین بلوچ هشت نفر هشت قبضه کارد دسته طلا.
آزادخان خراسانی يك قطعه نشان یاوری نقره از مرتبهٔ دوم.
ابراهیم خان ضابط بمپور و سرکردهٔ جمازه سوار يك قطعه نشان
یاوری.

سیدعلی خان سرکرده نوکریمی يك قطعه نشان مطلا.
برای فوج کرمانی ابواب جمعی امامعلی خان نشان یاوری يك
قطعه، نشان سلطانی سه قطعه، نشان نایی پنج قطعه، نشان نقره چهل و يك
قطعه.

برای فوج کرمانی ابواب جمعی میرزا كوچك خان نشان یاوری يك
قطعه، نشان سلطانی دو قطعه، نشان یاوری سه قطعه، سایر سیزده قطعه.
نشان به جهت غلامان مهاجر هشت قطعه.
نشان به جهت توپچیان پانزده قطعه.
نشان به جهت سوارهٔ خراسانی پنج قطعه.
برای خوانین بلوچ سه نفر، شال و قبا سه دست.

این اوقات حسب الامر اطاقی مخصوص ساخته برای اسلحه و آلات
حربیۀ سلاطین ماضیه انارالله براهینهم که در خزینۀ دولت علیه بوده و
آنچه در این عهد ابد مهد داخل خزینۀ عامره شده از قبیل تفنگهای رومی
و فرنگی که اغلب مکمل و مزین به یراقهای طلا است و طپانچه‌ها و
قرامیناها (قرینه) (۱) عمل استادان قدیم و شمشیرهای گرانبها که
بعضی از آنها بالتمام مکمل و بعض دیگر مرصع است، باتیغهای جوهری
هندی و مصری و خراسانی و قداره‌های بی نظیر که مانند آنها در روی
زمین کمتر به هم می‌رسد و زره‌های مخصوص و کلاه‌خودها و چهارآیینها
و قولچاقهای جوهری که اغلب آنها زیب برودوش سلاطین باتمکین بوده
و سپرهای مرصع و کرگ و غیره و گرزهای دانه نشان و تبرزینهای
مخصوص و بعضی آلات حرب دیگر را با کمال آراستگی و نظم در آن

۱- قرینه همان Carabine است به معنای تفنگ کوتاه سوار نظام.

گذارده‌اند و هریک از آلات و ادوات مزبوره مرمتی لازم داشته در نهایت خوبی تعمیر نموده‌اند.

نیز کتب و مرقعات خزانه مبارکه را که به خطوط اساتید بزرگوار است حکم شد در کتابخانه مخصوص علی‌حده به ترتیبی مناسب و شایسته بگذارند و اطاقی بسیار ممتاز برای این کار ساختند.

جناب صدراعظم به‌القاب مخصوص امیرنویانی که به‌زبان فرانسه آلتس (۱) باشد اختصاص یافتند.

راه عتبات عالیات برای زوار مفتوح شد.

یک صد و پنجاه تومان از مالیات ارامنه جلفای (جولاهه) اصفهان راسه ساله بخشیدند. نیز به ارامنه ساکن بلوک فریدن مبلغی از بابت قیمت جنس که در عوض مالیات می‌دهند تخفیف مرحمت فرمودند.

این اوقات، طایفه ترکمانیه از ریش سفیدان قلاع و قراء و او به جات تکه‌اتک نشین باهم هم‌قسم شده پانصد نفر سواره به عزم تاخت و تاز به قریه افریزه که یکی از قرای سرحدی قوش خانه است آمده اما اهالی قریه مزبوره به مدافعه پرداخته چون تراکمه از غلبه برآبادی مأیوس شده به چرانیدن و سوزانیدن محصولات پرداخته در این بین یزدان - وردی خان برادر سام‌خان ایلخانی مخبر شده سواره شمشالچی هرچه ممکن بوده به‌امداد حاجی‌خان بیک نایب قوش‌خانه و اهالی افریزه فرستاده سواره مزبوره سواره سرحد قوش‌خانه را نیز جمع کرده به کمک سکنه افریزه رفته و تراکمه به کلی از گرفتن قلعه افریزه یأس حاصل نموده به سوزانیدن و چرانیدن محصولات قناعت کرده‌اند. اما یزدان - وردی خان به فرستادن سواره شمشالچی مزبور مطمئن نشده قدرت‌الله آقا را بادسته سواره شمشالچی دیگر از عقب آنها روانه کرده از آن طرف هم ترکمانان تدبیری اندیشیده قریب سه هزار سوار بایل و کلنگ و نردبان بر سر قلعه خیرآباد که در بحبوحه سرحد قوش‌خانه است آمده و اطراف قلعه را گرفته از نردبانها بالا رفته که قلعه را تصرف کنند. مردان این قلعه چون به کمک اهالی افریزه رفته بودند، زنان جلالت در مدافعه کرده بروج را از دست آنها گرفته و سی نفر از آنها را زخمی نموده بعد

از مجادله زیادتر اکهه از گرفتن قلعه مایوس و مراجعت کردند. بعد از مراجعت آنها، قدرت الله آقا با حاجی خان بیک و سایر سرکردگان که در افریزه بوده از واقعه مستحضر شده سواره و شمشالچی حاضر را برداشته جلو آنها را گرفته و با آن که جمعیت قشون ظفرنمون زیاده از چهارصد نفر نبود آن سه هزار نفر ترکمان را منهزم و متفرق نمودند. نظر به این حسن خدمت، یزدان وردی خان یک ثوب جبۀ ترمه و یک قطعه نشان از مرتبۀ اول سرهنگی و یک رشته حمایل سفید مخصوص این رتبه از طرف قرین الشرف ملوکانه برای معزی الیه انفاذ و مرحمت شد.

نواب مهدی قلی میرزا که از جانب نواب والا شاهنشاهزاده اعظم امیر قاسم خان به حکومت عراق رفته بود مرحوم شد. و میرزا حسن خان برادر مرحوم میرزا تقی خان به نیابت حکومت عراق منصوب گردید.

حبیب الله خان پسر خسرو خان کرمانی که رؤسای اشرار بلوچ را به دار الخلافه آورده بود به عطای یک طاقه شال ترمه و یک ثوب قبای زرین مفتخر گردید.

یک دسته از ترکمان اتک نشین در بعضی از حدود خراسان بنای قلعه ساختن گذارده بودند. محمد رحیم خان نایب الحکومه بجنورد مستحضر شده بر سر آنها رفته آنها را متفرق کرده و قلعه که ساخته بودند به کلی خالی مانده ارگ و عمارات و ابنیه دیوانی مشهد مقدس را تعمیر می کنند. شب پانزدهم ماه شوال زلزله شدیدی در شیراز شده ولی بحمد الله آسیبی به جائی نرسانده.

شب بیست و نهم ماه ذیقعد، جناب احمد و فقی افندی ایلچی کبیر دولت عثمانی از دربار همایون رخصت انصراف حاصل کرده وحیدر - افندی مستشار خود را در غیاب خود به مصلحت گزاری برقرار نمود.

حاجی علی خان حاجب الدوله و الدمولفرا به یک ثوب جبۀ ترمه تن - پوش مبارک مفتخر فرمودند.

محمد باقر خان سرهنگ فوج دوم تومان دوم تبریز که چندی فوج او قراول ارگ و عمارات مبارکات دار الخلافه بود به یک قطعه نشان سرهنگی و یک طاقه شال سرافراز و یک قطعه نشان یآوری نیز به پاشا بیک یاور فوج مزبور مرحمت شد.

عباسقلی خان یاور توپخانه به منصب سرهنگی توپخانه مفتخر گردید. راه کتل بالای افجه که به مازندران می رود و از این راه زغال و برنج از مازندران به دارالخلافه می آوردند چون راهی صعب بود و هر سال مال زیاد بلکه در بعضی سنوات آدم هم در راه مزبور تلف می شد چندی است به حکم جناب صدراعظم آن راه را به خوبی می سازند و این اوقات قریب الاتمام است.

امامزاده لواسان را که در قریه باران است نیز می سازند. در اوایل ماه ذیقعد، باد و طوفانی بسیار شدید در صفحات گرمسیرات فارس اتفاق افتاده تقریباً صد هزار نخل از نخلستانهای قیر و کارزین و لارستان را از ریشه کنده و هوا طوری تیره و تار شده که روز روشن مثل شب تاریک گردیده بعد از آن شروع به باریدن تگرگ نموده و سیل در رودخانه ها جاری گشته است.

شاهزاده محمد یوسف که نوکر و خدمتگزار این دولت است و نظم حدود جام را به او محول فرموده اند سواره مزدورانی را به دفع تراکمه که قصد تاخت و تاز آن حدود داشتند فرستاده تراکمه را مخدول و متفرق نموده اند.

چون جعفر آقای کلاتی چندی بود که به ظاهر اظهار انقیاد نسبت به این دولت ابد بنیاد و در باطن مخالفت می نمود، لهذا حسب الامر نواب والا فرمانفرما حکمران خراسان و میرزا فضل الله قشون و توپخانه و استعدادی به طرف کلات فرستاده کلات را متصرف و جعفر آقا با چند نفر از کسان خود فرار کرده و گرفتن کلات که از کارهای بسیار سخت مشکل است به آسانی برای قشون ظفرنمون میسر شد. و نواب والا فرمانفرما، نیز بعد از فتح کلات، به آن حدود رفته که قرار و نظم درستی در امور آنجا دهند و نظر به حسن خدمات نواب معظم و وزیر نظام، خلایق فاخره همایون از طرف قرین الشرف ملوکانه برای ایشان ارسال شد.

روز یکشنبه نهم ذیحجه الحرام موکب اقدس اعلی از نیاوران تشریف فرمای داودیه گردیده از جانب جناب صدراعظم تقدیم قربانی و پذیرائیهای کامل از مقدم فرخنده شیم همایون به عمل آمد و فردای آن روز که روز عید قربان بود در داودیه سلام عام منعقد گردید. جناب احمد و فقیق افندی ایلچی کبیر دولت عثمانی که رخصت

انصراف از آستان همایون حاصل کرده بود به عطای یک قطعه نشان تمثال بی مثال همایون مکمل به الماس که از اجله نشانهای دولتی است باحمایل آبی مفتخر و همراهان او نیز هریک به عطیه ای درخور مقام نایل گردیدند و روز ششم همین ماه از راه بغداد عازم مقصد گردید.

سنگ مرمری در کمال صفا وزینت با خطوط خوش به جهت مزار مزیت آثار خاقان خلدآشیان (فتحعلی شاه) نورالله مضجعه تمام نموده با تشریفات کامل به صحبت میرزا اسدالله روانه قم داشتند.

اسماعیل خان ولد مرحوم بشیرالدوله چاپارچی باشی دربار و مخلع گردید و مواجب و جیره مرحوم بشیرالدوله را در حق او برقرار و مواجب اسماعیل خان را به سایر اولاد بشیرالدوله مرحمت فرمودند.

روز عید غدیر سلام عام در داودیه منعقد و عموم چاکران بار حضور معدلت ظهور شاهانه یافتند.

بهادرخان و رحیم خان و آقارضاخان که در فتح کلات خدمت کرده بودند مخلع شدند.

مسترید از صاحب منصبان انگلیسی که خدمات به این دولت ابدایت کرده بود شب چهاردهم ذیحجه الحرام وفات نموده او را به اعزاز به خاک سپردند.

خلیفه طاطاوس که بزرگ ملت ارامنه جلغا است به دربار همایون آمده عرض کرد بعضی از حکام و عمال ولایات نسبت به ارامنه چنان که باید به رسم عدل و اعتدال حرکت نمی کنند. لهذا فرامین و احکام مؤکده به حکام ولایات صادر شده که نسبت به جمیع ملل که رعایای دولت علیه اند رعایت کامل عدل و انصاف را بنمایند و خلیفه مزبور را مخلع و امیدوار اجازه انصراف دادند.

روزیست و ششم ذیحجه الحرام موکب همایون از داودیه تشریف فرمای شهر گردید.

سوانح و وقایعی که در این سال در تمام ممالك عالم و اقطار کره ارض اتفاق افتاده

توضیح:

قبل از اقدام به نگارش اخبار اظهار می‌دارد که بعد از این هر جا
ذکری از مسئله شرقیه شد مقصود از جنگ دولت روس و دولت عثمانی
است که در سنه هزار و دویست و هفتاد شروع شد و عهدنامه‌ای که در صلح
منعقد شده و قراری که دول متحابه عثمانی در حفظ حدود و ثغور و عدم
مداخله دول دیگر به کار داخله دولت عثمانی داده‌اند و شروطی که
دولت عثمانی نموده است که نسبت به رعایای خودش کلیه، علی‌الخصوص
به عیسویان تبعه خود، چه قسم رفتار نماید و بعضی مسائل و مطالب دیگر
که باز راجع به دولت عثمانی است. اینها را مسئله شرقیه می‌نامند. و از
اینجا که بنای نگارش اخبار ممالك بر ترتیب حروف تهجی است که در
اسم آن مملکت رعایت می‌شود و بنابراین که این مسئله تعلق کامل
به عثمانی دارد به جای حرف عین نگاشته می‌شود.

اتائونی ینگلیزها:

رئیس تازه جمهوری ژنرال پیرس (۱) در صدد وسعت مملکت و
آبادی است.

نقار جمهوری اتائونی با دولت اطیش به جهت حبس يك نفر از
تبعه اتائونی.

اکسپوزیسیون عمومی در نیویورک.

اسپانیا:

فوت دن ذکرتس (۱) از فصحا و علما که در این وقت سمت سفارت کبری را در پاریس داشت. ناروائز (۲) که جلای وطن یافته بود اجازهٔ مراجعت یافت.
افتتاح راه آهن از اران ژواز (۳) به تانبلک (۴).

آلمان:

فوت ژنرال رادو ویدس.
اهالی شهر میلان ایتالیا که جزء مملکت اتریش است به تحریک مازینی بنای یاغیگری می گذارند.
یکی از اهل مجارستان خیال قتل امپراطور را می کند.
بهمه جراین پیمن که در میلان بودند از طرف دولت اتریش کمال سختی می رسد. ویکتور امانوئل پادشاه ساردین و پیمن از این فقره به دول فرنگ شکایت می کند.
قطع مراوده و دوستی مابین اتریش و سویس.
تاج سلطنت مجارستان و فرقه سن اتین (۵) را که یکی از ائمه عیسویان است یاغی های مجار در سه سال قبل از این سرقت نموده پنهان کرده بودند مکشوف می گردد و به دست دولت اتریش می افتد.
در مملکت ساکس (۶) عروسی پرنس آلبر (۷) ولیعهد آن دولت. تفصیل قصد قتل امپراطور اتریش از این قرار است: و این تفصیلی است که از روی روزنامه معروف گازت دوین (۸) در بیستم فوریه هزار و هشتصد و پنجاه و سه نوشته شده است:

اعلیحضرت امپراطور و آجودانش کنت ادنل (۹) بالای دیوار شهر وین خم شده پائین میان خندق را تماشا می کردند که یک دسته قشون در میان خندق مشغول مشق بود. بعد از تماشای مشق، امپراطور بالای

۱- Donoso Cortes

۲- Narvaez

۳- Aranjuez

۴- Vallecas

۵- St. Etienne

۶- Saxe

۷- Albert

۸- Gazette de vienne

۹- Comte O'donnell

همان دیوار دور قلعه مشغول گردش شد. شخصی از اهل مجار علی‌الغفله بیرون آمده با کارد ضربتی به پشت گردن امپراطور اطریش زد. امپراطور شمشیر خود را کشید که به قاتل بزند. کنت ادنل آجودان، خود را بر روی ضارب انداخته کارد را از دست او گرفته بر زمینش افکند. جمعی رعیت که از آنجا می‌گذشتند آجودان مزبور را کمک نموده قاتل را گرفتند. امپراطور به دست خودش دهنة زخم را نگاه داشته بود که خون زیاد از او نرود. عمارت آرشیدوک آلبر که در آن حوالی بود امپراطور خود را به آنجا رسانید. بعد از آن که قدری آرام گرفت به کالسکه نشسته به قصر سلطنتی رفت و بعد از دوسه روز کلیه بهبودی یافت. اسم ضارب لبنی. دولت اطریش يك دسته قشون به سرحد عثمانی مامور می‌کند که حمایت منتگرو و هرزگوینیها را نمایند در حالتی که عمرپاشا با منتگرو و هرزگوین در جنگ است.

انگلیس:

کنت کلارندون (۱) به وزارت خارجه برقرار شد. امتداد خط تلگرافی از مملکت انگلیس به هلاند و بلژیک از زیر دریا. افتتاح اکسپوزیسیون بزرگی در دبلن (۲). طایفه کافر که در سمت افریقا با دولت انگلیس در جنگ بودند طالب صلح شدند.

کشتی جنگی بخاری که صدوسی توپ در او بود به اسم دوک - ولنکتن موسوم شد.

جنگ با بیرمان در کمال تشدد و گرمی است. افتتاح راه آهن هندوستان در بمبئی. فوت کک‌بورن (۳) که از طرف دولت انگلیس مأمور به بردن ناپلئون به جزیره سنت هلن بود و پتی (۴) فاتح سند.

ایتالیا:

سفر برادر پادشاه دوک دوژن (۵) به پاریس و لندن. جزئی شورش در تورن پایتخت و درآ است (۶).

بلژیک:

دوك دبرابان كه الحال لئوپلددویم است بهسن بلوغ عرفی كد هجده سال باشد رسیده باپدر خود پادشاه بلژیک سفری بهبرلن و وین و ساكس نموده آرشی دوشس ماری دختر یکی از شاهزاده‌های بزرگ مجارستان را به حبالهٔ نكاح آورد. پادشاه بلژیک و پسر و عروسش به انگلیس سفر کردند.

پرتغال:

دناماری ملکهٔ پرتغال در وضع حمل اولاد هشتم می‌میرد. پسر بزرگ ملکه دن پدرو پنجم كه شانزده سال دارد به جای مادر پادشاه می‌گردد.

چین:

شورشیان از جنوب به سمت شمال حرکت کردند. شهر نانکن را گرفتند و راس رئیس یاغیان تین ته كه خود را از طایفهٔ مغول و از اولاد قبلاي قان می‌داند و سلطنت چین را حق خودش فرض می‌نماید كان تن شهر دیگر را می‌گیرد. شهر آموی را ضبط می‌کند و تا حوالی پکن می‌راند.

دانمارك:

به واسطه نداشتن اولاد ذكور پادشاه دانمارك ولایتعهد را به برادر — زادهٔ خود كرستین (۱) می‌دهد.

روس:

ضبط املاك و بیوتات لهستانیها كه برضد دولت هستند. افتتاح راه آهن از سنت پترزبورغ الی ورشو. بسط مملكت و فتوحات در تركستان. فتح خیوه و فرارخان خیوه به بخارا. فوت اتن ژر نویسنده معروف.

سوئد و نروج:

وبای شدید در نروج علی‌الخصوص در کریس تیانیا پایتخت آن مملكت.

سویس:

جمهوری سویس مضایقه در قبول تکلیف بعضی دول می‌نماید که روزنامه‌نویسان آن مملکت را مانع شوند نسبت به سایر ملل و سلاطین خارجه بدنویسند. روزنامه‌ها را آزاد می‌دانند.

از برای هنگام لزوم بیست و هشت هزار قشون حاضر می‌کند.

ابتدای مسئله شرقیه

عثمانی:

دولت روس در ایالت سربستان (۱) محرك کشیهای اسلاو است برضد پرنس الکساندر والی آن مملکت.

استعفای پرنس شیکا والی افلاق بغداد به واسطه بودن عساکر روس در آن مملکت.

اهالی قرا داغ عثمانی در شورش‌اند برضد دولت و دولت اطریش حمایت از آنها می‌کند. سفیری مخصوصاً از وین به اسلامبول به جهت تکلیف بعضی مطالب که راجع به قرا داغ است می‌رود. دولت عثمانی قبول این تکالیف را می‌نماید.

دولت روس طالب آزادی و رفاهیت تمام عیسویان تبعه دولت عثمانی است. پرنس منچیکف وزیر بحریه روس مأمور به اسلامبول و حامل نوشته سختی است برای سلطان عثمانی. دولت انگلیس و فرانسه محض اطلاع از این نوشته سخت دولت روس که تهدید به جنگ است سفاین جنگی خود را به خلیج بزیکا که از آنجا به اسلامبول سی و شش ساعت مسافت بیشتر نیست روانه می‌دارند. پرنس گرشاکف سردار روس از رودخانه پروت که سرحد روس و عثمانی است تجاوز کرده تابستان این سال وارد خاک افلاق بغداد می‌شود. دروین پایتخت اطریش مجلس مشاوره دول

که عبارت از کنفرانس باشد تشکیل می‌یابد. سفرای کبار پروس و اطریش و فرانسه و انگلیس در مسئله شرقیه گفتگو می‌نمایند. لایحه به‌طور یادداشت از این مجلس نوشته می‌شود. تکالیفی که در این لایحه ضبط بود، دولت روس قبول می‌کند. اما دولت عثمانی رد می‌نماید. کشتی‌های جنگی فرانسه و انگلیس که جنگ میانه عثمانی و روس را قریب به یقین دیدند در پائیز ورود به اسلامبول می‌کنند. قشون عثمانی به‌سرداری عمرپاشا از دانوب عبور کرده در حوالی اولتپزا و تورکالی با قشون روس مقابلی کرده آنها را شکست می‌دهد و در همان وقت شروع مخاصمه در آناتولیا می‌شود. دربندر سینپ (۱) یک قسمت عمده کشتی‌های جنگی عثمانی را روسها شکسته غرق می‌سازند. رعایت عیسویها که تبعه عثمانی بودند و روس طالب بود، فی‌الواقع می‌خواست به‌این اسم آنها را در تحت حمایت خود درآورد. در این قسمت مملکت فرنگستان عثمانی که سی کرور جمعیت شمرده می‌شدند بیست و دو کرور آنها عیسوی و باقی مسلمان یا ملل دیگراند. پرنس منچیکف وزیر بحریه روس قبل از ورود اسلامبول در سواستاپل (۲) بیست و هفت کشتی جنگی روس را سان دید و مسئله عمده که اسباب نقار شد و اعلان جنگ از طرفین کردند، این بود که دولت عثمانی مصر براین بود که قشون روس از افلاق بغداد خارج شوند و دولت روس این فقره را نمی‌خواست. قشون عثمانی در سمت آناتولیا چند شکست خوردند، در سمت از میر، طایفه ینی‌قادرچی بنای دزدی و غارت را گذاشتند.

عباس پاشا والی مصر برضد روس و خدمتگزار عثمانی است و قدغن بلیغ نمود که از مصر حبوبات به‌خارج نبرند. دول فرنگ بطلان این حکم را از دولت عثمانی خواستند که به‌محض تکلیف به‌عباس پاشا قبول نمود.

فرانسه:

مزاوجت اعلیحضرت امپراطور ناپلیون با اوژنی (۱) صبیۀ یکی از سرداران و بزرگان اسپانیا.

به واسطۀ بدی حاصل این سال، از اطراف به حکم اعلیحضرت ناپلیون غلۀ زیادی به مملکت فرانسه آوردند.

سدی که در شربورگ هفتاد سال بود بنا کرده بودند تمام شد. در استانی (۲) نول کالدنی (۳) به تصرف فرانسه آمد.

فتوحات ژنرال بسکه (۴) و ژنرال ماکماهون (۵) در الجزایر.

مکزیک:

آریستا (۶) رئیس جمهور اضطراراً استعفا نموده از مکزیك خارج می شود و سان تاآنا (۷) به جای او منصوب و قوانین جدید ایجاد می کند و قشون را منظم می سازد و تمنای این را از ملت دارد که مادام العمر رئیس بوده ولیعهدش که باید بعد از فوتش به جای او باشد خود معین کند.

هلاند:

بنادر جزایر ملوک که از متصرفات هلاند است به تجارت جمیع دول باز می شود.

یونان:

زلزلۀ سخت در شهر تب (۸) می شود.

۱- Augénie, Marie de Montijo	۲- Océanie (اوقیانوسیه)
۳- Nouvelle Calédonie	۴- Bosquet
۵- Macmahon	۶- Arista
۷- Santa Anna	۸- Thèbes

شرح سال هشتم

سلطنت و تاجداری اعلیحضرت اقدس شاهنشاه جم‌جاه

خسرو صاحبقران شیدالله تعالی دعایم ملکه

مطابق سنه هزار و دویست و هفتاد و یک هجری

پارس نایل ترکی

چون خاطر الهام ذخایر مقدس همواره متوجه رعایت و آسایش
کشوری و لشکری و قاطبه رعیت و کلیه اهل مملکت است، بعد از فتح
کلات و سرکشی نواب والا فریدون میرزا فرمانفرمای مملکت خراسان
آن قلعه و نواحی را، حکم همایون شد که سیورسات قشون ساخلوی کلات
را که از افواج خمسه و فراهانی و غیره می‌باشد درست به آنها برسانند و
همیشه آذوقه پنج شش ماهه خود را در آنجا حاضر و آماده داشته باشند
و از آذوقه تنگی نکشند و اهالی کلات را چنان که باید مشمول مرحمت
و توجهات این دولت ابدایت نموده که آنها نیز از هر جهت آسوده خاطر
باشند.

برج و باره کرمان و ارگ بم را تعمیر می‌نمایند.

نواب والا فریدون میرزا فرمانفرما حکمران خراسان که با جمعیت
و توپخانه و استعداد تمام به طرف سرخس رفته‌اند ریش سفیدان و رؤسای
تراکمه سرخس از طایفه اوتمش و تقمش که هر طایفه دوازده تیره و
هر تیره هزار خانوارند به خدمت نواب معظم‌الیه آمده اظهار انقیاد و
استدعای خدمتگزاری به این دولت علیه را نموده قرار و مداری که باید
داده راه اطاعت می‌پیمایند.

قلعه روئین دز نهانند را تعمیر کردند.

نواب سیف‌الله میرزا به حکمرانی قزوین برقرار گردید.

شب عید مولود مسعود اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی دام‌ملکه در تمام بلاد ممالک محروسه عموماً و دردارالخلافة خصوصاً جشن گرفتند و چراغان و آتشبازی کردند و روز عید سلام عام در تخت مرمر اتفاق افتاد.

نواب مصطفی‌قلی میرزا حکمران مازندران به رحمت ایزدی پیوست و نظر به خدمات مرحوم مزبور و ظهور شایستگی نواب احمد میرزا، معزی‌الیه را به حکومت مازندران خلعت همایون سرافراز فرمودند و میرزا اسدالله مستوفی نیز به وزارت و پیشکاری مازندران برقرار و مخلع گردید.

محمدعلی‌خان سرتیپ افواج فارسی را به لقب شجاع‌الملکی و خلعت همایون مفتخر و جمیع قشون فارسی را ابواب جمع مشارالیه فرمودند.

میرزا عبدالرحیم آجودان وزارت خارجه به منصب نیابت اول سفارت دولت علیه مقیم اسلامبول به لقب خانی سرافراز و مخلع شده عازم محل ماموریت است.

قاسم‌خان کارپرداز اول دولت علیه مقیم تفلیس احضار دربار همایون شده میرزا حسین‌خان کارپرداز سابق دولت علیه دربندر بمبئی را (جناب مستطاب اشرف سپهسالار اعظم وزیر جنگ و وزیر امور خارجه) به منصب جنرال قونسولی مأمور تفلیس فرموده به اعطای جبهه ترمه از ملابس خاصه همایون سرافراز فرمودند.

سیف‌الله‌خان شاهسون مرحوم و سرکردگی سواره شاهسون را به برادر او لطف‌الله‌خان مرحمت فرمودند و به خلعت همایون نایل گردید و برادر کوچکتر مرحوم مشارالیه، هدایه‌الله‌خان به منصب ایل‌بیگی‌گری طایفه مزبوره برقرار و مخلع گشت.

جناب حاجی ملا اسدالله معروف به حجة الاسلام از علمای معتبر بروجرد به مرض مطبقه به جوار رحمت الهی پیوست.

آقاخان سرتیپ که در انتظام امور سواره ایلات قزوین ابواب جمعی

خود مساعی لایقه نموده بود دوفوج سربندی و بزچلو را علاوه بر سواره مزبور ابواب جمع مشارالیه فرمودند.

چون از کمی آب حوض سلطان به عابریں بدمی گذشت، در آنجا به حکم جناب صدراعظم اصطخرهای آب می سازند. عمارات دیوانی اصفهان را تعمیر می نمایند.

نواب والا فریدون میرزا فرمانفرما بعد از نظم سرحدات و حول وحوش کلات به طرف آخال رفته که آن حدود را هم نظم درستی بدهند. حسن خان یاور توپخانه به منصب سرهنگی توپخانه مبارکه سرافراز گردید.

حیدر علی خان سرهنگ که در سفر خراسان و هرات و غیره خدمات کرده به منصب نیابت اول آجودانیاشی سرافراز و مقرر شد به آذربایجان رفته به خدمات نظامی مشغول باشد.

روز شنبه چهارم ماه ربیع الاول بندگان سرکار اعلیحضرت شاهنشاه جمجاه روحانفاده تشریف فرمای مدرسه مبارکه دارالفنون گردیده متعلمین امتحان مفصلی در حضور باهرالنور مبارک دادند و هریک مستحق خلعت و انعام یا موجب و نشان بودند فی الفور به عطای آن سرافراز گردیدند و معلمین نیز به قدر استحقاق به خلعت فاخره و انعامات شاهانه و مناصب فایز گشتند و محمدخان میرپنجه که در تربیت شاگردان مدرسه مراقبت کرده بود به یک ثوب کلیجه ترمه تن پوش مبارک سرافراز گردید و رضاقلی خان (۱) ناظم مدرسه نیز به خلعت همایون مفتخر گشت.

گنبد مطهر حضرت امامزاده عبدالعظیم علیه السلام را حسب الامر همایون تعمیر نموده طلا کردند.

شب هجدهم محرم در بوشهر زلزله شدیدی شد ولی آسیبی به کسی نرسید.

نواب والا فرمانفرمای خراسان که به طرف آخال رفته بودند، چون به عشق آباد که اول خاک اتک نشین است رسیدند، بعضی سوارهای ترکمان سرراه برامیرخان سرکرده سواره قورت بیگلو که پیشقراول بودند گرفته و به آجودان سرکرده سواره شقاقی جنگ و جدال اتفاق می افتد.

عساكر منصوره غالب و تركمانان فرار می کنند. نواب معظم‌الیه نیز باتوپ و سواره و پیاده از عقب می‌رسند و در عشق آباد توقف می‌کنند و روز بعد به هر طرف از اطراف اتك كه محل سكنای تركمانان اتك‌نشین است می‌فرستند احدی از تراكمه یافت نمی‌شود و كلا فرار کرده لهذا نواب والا حكم نموده جميع قلعه‌جات آنها را كه سی‌وشش قلعه بوده با آذوقه و اسبابی كه در آنجا داشته‌اند خراب کرده و سوزانیده‌اند و بعد از چند روز معاودت می‌نمایند و بنا بر اهتمامات نواب معظم در آن صفحات به يك ثوب قبای ترمه تن‌پوش مبارك و يك قبضه كارد دسته مرصع مكلل به الماس از جانب سنی الجوانب همایون برای نواب والا فرمانفرما مرحمت می‌شود و از قرار ذیل ملتزمین خدمت و همراهان نواب معظم به عواطف و خلاع فاخره سرافراز شدند:

میرزا ابراهیم‌خان سرتیپ خمه جبه ترمه ثوب.
 محمدحسن‌خان سرتیپ فراهانی نشان و حمایل سرتیپی.
 امیر حسین‌خان برادر سام‌خان ایلخانی جبه ترمه ثوب.
 سعادتقلی‌خان پسر مرحوم سلیمان‌خان درجزی فرمان حکومت دره‌جز و جبه ترمه ثوب.

جوادخان سرکرده سواره شقاقی شال طاقه‌قبا ثوب.
 صفرعلی‌بیك یاور توپخانه مبارکه نشان یاوری اول قطعه.
 یعقوب‌بیك یاور نشان یاوری دویم قطعه.
 حسینعلی‌بیك یاور نشان یاوری دویم قطعه.
 باقریك نایب توپخانه مبارکه نشان مطلای نایبی قطعه.

جناب حاجی میرزا باقر مجتهد و امام جمعه تبریز مرحوم شد.
 موسی‌خان سرحددار بم و نرماشیر مامور سفر بمپور و بلوچستان باتوپخانه و قورخانه به محل مأموریت خود روانه شد.

غله كه فی‌الجمله ترقی در دارالخلافه باهره کرده و اسباب وحشت مردم شده بود يك هزار خروار از انبار دیوان غله به مردم فروختند و از اطراف قزوین و غیره نیز علی‌التوالی حسب الامر غله به دارالخلافه می‌آید و چون يك دوباران هم آمده موجب امیدواری و اطمینان خلق گردیده.

قافله‌ای از هرات به مشهد مقدس می‌آمده و قافله‌ای هم از مشهد

به هرات می‌رفته مابین کوهستان هرات و کاریز جمعی از سواره قریایی بامحمدشیر به‌چپو آمده بودند. خبر به‌سرخی رسید و رئیس آنها پانصد نفر سواره همراه خود برداشته باباخان هزاره را هم اخبار کرده بود که من بنا بر اطاعتی که به دولت علیه دارم کاری به شما ندارم. برای محافظت قافله از تاخت و تاز محمدشیر می‌روم. قافله‌ای که از مشهد می‌رفته‌اند در قلعه مشهدریزه که از توابع باخرز است و نواب والا فرمانفرما آن را امسال تعمیر نموده‌اند توقف نموده و باباخان و محمدرضاخان هزاره آنها را نگاهداری کرده لکن قافله‌ای که از هرات به مشهد مقدس می‌آمده گرفتار محمدشیر و اسیر شده‌اند. و خبر به‌صید محمدخان ظهیرالدوله رسیده جمعیتی را به‌استخلاص آن قافله فرستاده سواره جامی و خوافی و هزاره به‌امداد جمعیت هراتی رفته با همراهان محمدشیر جدال نموده برخی را مقتول و بسیاری را منهزم و اسرا را خلاص نموده فراریها را تعاقب کردند. اسرا و گوسفندانی که از ترکمانان پس گرفتند متعلق به رعایای دولت علیه بودند. نواب والا فرمانفرما و وزیر نظام به‌صید محمدخان نوشته بودند که قدغن نماید سواره هراتی اسرا و گوسفندان را رد نمایند. از قرار مذکور پنجاه و یک اسیر را در هرات تسلیم گماشته وزیر نظام کرده‌اند اما بیست و پنج هزار گوسفند که استرداد نموده هنوز پس نداده‌اند.

محمدعلی‌خان بختیاری چهارلنگ که مدتی بود مصدر شرارت شده و در قلعه دز که از قلاع محکمه‌است متحصن گردیده امیرزاده ابراهیم میرزا به‌جهت دفع شرارت او استعدادی فراهم آورده با دویست نفر از فوج محمد مرادخان سرتیپ و خود مشارالیه روانه به‌جانب قلعه دز شدند و به‌حسینقلی‌خان بختیاری هم تاکید نموده که بدان طرف بیاید. بعد از ورود امیرزاده با فوج و جمعیت بختیاری بدانجا حکم به محاصره دز کرده تا سه چهار روز در پای قلعه مشغول مجادله بودند و راه و ورخته‌ها را از دست محمدعلی‌خان گرفته و عرصه را براو تنگ نموده آخر الامر یک شب ساعت شش یورش به دروازه‌ای که محل نشیمن خود محمدعلی‌خان بود برده چندی از جمعیت محمدعلی‌خان مقتول و مجروح و خود او چون کار را سخت دید در همان شب با طناب از قلعه دز پایین آمده فرار کرد. فردای آن شب امیرزاده چند نفر از عقب او روانه کرد که او را دستگیر

نمایند وامیرزاده معزی‌الیه بنابر شادتی که در این خدمت به ظهور رسانیده به یک ثوب جبهه ترمه خلعت همایون مفتخر گردید.
چون محمد ولی‌خان بیگلریگی حکمران استرآباد در انتظام آن صفحات مساعی جمیله نموده به یک قبضه شمشیر یراق طلا گل مرصع از طرف قرین‌الشرف ملو کانه به معزی‌الیه مرحمت شد.

جعفر آقای کلاتی که بعد از فتح کلات فرار به خیوه کرده بود به قریاب شتافته و با هزار سوار قریابی به طرف کلات آمده و قصد داخل شدن کلات داشته. سربازان و قراولان خبر شده بنای شلیک را می‌گذارند و میرزا ابراهیم‌خان سرتیپ را مطلع می‌نمایند. معزی‌الیه دسته سربازی به کمک سربازان مزبور فرستاده بعد از پنج شش ساعت زدو خورد شکست فاحشی به سواره قریابی داده با آن که شب بوده آنها را مقهور و متفرق می‌نمایند. از قرار مذکور یک برادر جعفر آقا نیز زخم گلوله برداشته. دوست محمدخان و شکوریک فرستادگان سردار کهن‌دل‌خان حکمران قندهار با عریضه مشارالیه که به دربار همایون عرض کرده بود به کرمان آمده محمد حسن‌خان سردار حکمران یزد و کرمان آنها را پذیرائی و مهمانداری نموده عرایض آنها را به دربار معدلت مدار فرستاده و جواب آنها را دریافت نموده آنها را مقضی‌المرام با انعام و اخراجات و بذل سایر تفقدات معاودت دادند.

پل خواجوی اصفهان را تعمیر کرده‌اند.
شیلات مازندران و استرآباد را به میرعلی‌اکبرخان دریاییگی و میر عبدالصمدخان دادند و مشارالیهما مخلع شدند.
جناب استیونس صاحب قونسول دولت انگلیس که سابق مقیم تبریز بود مأمور اقامت دارالخلافه گردید.

میرزا حسن‌خان نایب‌الحکومه عراق داکین شهر سلطان آباد را مرمت نموده و عمارات دیوانی را تعمیر کرده و از قم و بروجرد و همدان و اطراف از هر قبیل ارباب صنایع به این شهر آورده و سکنی داده است و باغ شاهی بیرون دروازه ارگ را نیز که خرابی داشته اشجار نشانده و آباد کرده.

سد ناصری حویزه در کمال استحکام و به‌اعلی درجه خوبی به اتمام رسیده و به قدری آب به حویزه آمده که بی‌زورق عبور از آن ممکن نیست.

از قاین به محمد حسن خان سردار حکمران یزد و کرمان خبر دادند که بلوچ زیادی از رودبار سیستان به عزم تاخت و تاز قاینات آمده در آنجا کاری نکرده به طرف هفتاد راه شتافته‌اند. معزی‌الیه فی‌الفور به‌همه دهنه‌جات آدم فرستاده و خود نیز باجمعی به‌خیبص که متصل به‌لوت است رفته و از آنجا جمعی را مأمور لوت کرده آنها چند نفری در حوض نادر که درپانزده فرسخی خیبص است گذارده خود تابه‌گذار بارو و نقاره‌خانه که بیست و پنج فرسخ آن طرف حوض نادر است رفته و بلوچها را متفرق و اسیر و زخمی کرده‌اند.

نظر به خدمات عیسی‌خان والی حکمران گیلان يك قبضه کارد دسته مرصع و يك ثوب کلیجه ترمه تن‌پوش مبارك از جانب سنی‌الجوانب همایون برای معزی‌الیه فرستاده شد.

منصب تحویل‌داری قورخانه را به حاجی میرزا موسی‌خان واگذار فرموده مشارالیه به يك ثوب جبّه ترمه کرمانی مخلع گردید. درازای خدمات بندرعباس يك قطعه نشان سرتیپی اول و يك رشته حمایل سرخ و يك ثوب جبّه ترمه به‌امیرزاده عبدالباقی میرزا (۱) ولد نواب والا مؤیدالدوله و يك قطعه نشان میرپنجی و يك ثوب جبّه ترمه به‌عبدالله‌خان - صارم‌الدوله مرحمت شد. همچنین به سایر صاحب‌منصبان از قرار ذیل بذل مراحم شد:

ابدال‌خان یاور فوج ملایری نشان سرهنگی قطعه، شال طاقه قبا ثوب.

عبدالحسین‌خان سلطان فوج ملایری نشان طلای سلطانی قطعه.

۱- عبدالباقی میرزا فرزند طهماسب میرزا مؤیدالدوله شاهزاده‌ای بود بسیار دانشمند و

هنرور. شعر خوب می‌گفت و «عشرت» تخلص می‌کرد و خط خوشی داشت. نمونه اشعار او در گنج شایگان آمده و در عرصه رزم نیز مردی دلیر و در کارها کوشا بود. با این همه فضایل، سردی فاسق و فاجر و جامع معاصی و مقابح بود و همچون پدر خود بسیار متکبر و متفرعن و از خود راضی. چون از رفتار و کردار او هرروزه به ناصرالدین شاه شکایت می‌رسید، ناصرالدین شاه به شوخی او را «عبدالفاضل» خواند تا مگر این تغییر نام در خلق خوی او تغییری ندهد. ولی شاهزاده همچنان در فسق و فجور باقی ماند و تغییر نام اثری در رفتار و گفتار او نکرد و هم در جوانی درگذشت (۱۳۸۰ ه. ق.).

مصطفی قلی سلطان صوبه دار توپخانه مبارکه نشان طلای سلطانی
قطعه شال کرمانی طاقه.

سال گذشته رضاقلی خان سرهنگ فوج عرب نظر به خدمات او در
فتح بندرعباس او را به منصب سرتیپی سرافراز فرمودند. ولیکن بعد از
آن که مقرر شد فوج ابواب جمعی او در بندر ساخلو باشند، فوج تقاعد
واهمال نمود. لهذا حکم شد فرمان سرتیپی را از او پس بگیرند. در این
سال چون فوج او مجدداً در بندرعباس خدمات نمایان کردند باز
رضاقلی خان به سرتیپی نایل گردید.

محمد ابراهیم خان سرتیپ افواج اصفهان چون امیر احمدخان اوزی
را که از جمله اشرار فارس بود گرفته و قلعه او را خراب کرده به موجب
این خدمتگزاری به یک ثوب جبه ترمه خلعت همایون سرافراز گردید.
قبادخان قشقائی را که چندی بود به راهزنی و شرارت می پرداخت
نیز لطفعلی خان سرتیپ قشقائی گرفته دفع شر او را نموده لهذا سرتیپ
مشارالیه نیز به یک ثوب جبه ترمه مخلع گردید.

بعضی تراکمه عزم تاخت و تاز نواحی خراسان داشتند. حکام و
سرکردگان آن صفحات به تدمیر و تأدیب آنها پرداخته ایشان را مخدول
و پراکنده نمودند.

شیخ فارس خان حاکم چعب و مضافات در خدمات دیوان مواظبت
کامل می نماید.

نواب جهانسوز میرزا به منصب سرتیپی دو فوج عرب و عجم نایل
و به خلعت همایون مفتخر گردید.

شاهمراد ایناق از متعلقان خان خیوه با دوهزار سوار و دوعراده
توپ و قوش بیک نیز با هزار سوار بر سر مرو آمده نواب والا فریدون—
میرزا فرمانفرمای خراسان احکام به جمیع ولایات خراسان نوشته اند که
سواره و پیاده قشون ظفرنمون در هر جا مستعد باشند که هنگام احضار
بدون معطلی حاضر باشند. خان خیوه نیز به قریایب واز آنجا به مرو آمده
لهذا نواب والا فرمانفرمای خراسان محمدحسن خان سرتیپ افواج
فراهمان را با دو فوج فراهمان و یک فوج گروس و پانصد سوار و دو
عراده توپ روانه آق دربند نموده خود نواب معظمالیه نیز عازم آن صفحات

می‌باشند. اما نظر به این که این اتفاق خالی از عظمی نیست فی‌الجمله به‌سبب آن می‌پردازد.

ذکر محاربه قشون ظفرنمون با محمدامین خان

خان خیره و کشته شدن خان خیره

مملکت خوارزم که قاعده و دارالملک سابق آن گرگانج مشهور به اورگنج بود و شهر مشهور حالیه آن خیره است و عرب آن را معرب کرده خیوق می‌گویند از طرف جنوب غربی متصل به استراباد است و از سمت جنوب شرقی به مرو اتصال دارد و از آنجا که از قدیم الایام رود جیحون به این طرف همیشه داخل خاک ایران بوده آنجا نیز در تحت اداره و اختیار اوامر و نواهی سلاطین ایران بود و حکام آنجا هم اگر چه از جماعت ازبک‌یه بودند لیکن متابعت و انقیاد سلاطین ایران می‌نمودند و اگر یک وقتی یکی از آنها به استظهار بعد مسافت و صعوبت راه خیال خودسری می‌کرد پاداش و کیفر خود را می‌دید. چنان که در عهد سلطان محمد صفوی، جلال‌خان پسر محمدخان ازبک که حاکم خوارزم بود لوای خودسری برافراشت و به دست مرتضی قلی‌خان حاکم مشهد مقدس به قتل رسید و حاکم دیگر در آنجا تعیین کردند. همچنین وقتی که عبدالله‌خان سیستانی (۱) به خوارزم استیلا یافت حاجی محمدخان حاکم آمده به شاه عباس صفوی پناه آورد و در سنه یک هزار و شش شاه عباس به خراسان رفته غاصبین آن مملکت را به قتل رسانده حاجی محمدخان و عرب سلطان پسرش را به حکومت آنجا برقرار کرد و سایر حکام آن مملکت نیز همه در اطاعت پادشاهان ایران بودند تا بعد از عهد صفویه فترات و انقلابات موجب خودرایی آنها گردید. در زمانی که نادرشاه استقلال و اقتداری یافت همت به تنبیه آنها گماشت و حکمرانی خوارزم در آن زمان به اولاد

۱- کلمه سیستانی بی‌سورد به نظر می‌رسد ظاهراً کلمه «شیانی» بوده. زیرا عبدالله‌خان

از اولاد شیک‌خان (شیانی‌خان) بود.

فاضل‌ایناق و محمدامین‌ایناق بود. نادرشاه در سنه هزار و یک صد و پنجاه (۲) عزیمت آن طرف نموده خان خوارزم را کشته محمد طاهر خان پسر ولی محمدخان ازبک را حاکم کرد. بعد از نادرشاه، در سنه هزار و دو بیست و یازده، سردار ایلتنذر بن عوض‌ایناق بن محمدامین‌ایناق حاکم آنجا شد و همیشه افتخار آنها به خدمت و برگزیدگی سلاطین ایران بوده و به همین واسطه چند سال بود که اولاد سردار ایلتنذر در حکومت آنجا متمکن بودند. چنان که بعد از ایلتنذر، محمد رحیم خان بود. بعد پسرش الله‌قلی خان بود. بعد از آن رحیم قلی خان که در عهد خاقان خلدآشیان فتح‌علی شاه طاب‌الله ثراه بود و در کمال خدمتگزاری و اطاعت و هرگز در عرض عرایض و ارسال رسل و انفاذ پیشکش تسامح و فرو گذاشتی نداشت. بعد از رحیم قلی خان، که حکومت به برادرش محمدامین خان رسید، در زمان شاهنشاه مبرور ماضی انارالله برهانه این دولت به وسایط چند اعتنایی به او نکرده او نیز فرصت یافته و غنیمت شمرده از خدمت دولت کناره گرفت، سهل است پس از چندی به خیال تصرف مرو که رعیت مخصوص این دولت ابدایت است افتاده و اسباب تسخیر مرو را فراهم آورده هر دو سه سال یک مرتبه به مرو می‌آمد و از آنجا چیزی به اسم زکوة می‌گرفت و معاودت می‌کرد و اولیای دولت و حکام خراسان اعتنایی نکرده او از این بی‌اعتنایی جری گردید. تا در این عهد فرخنده مهد در سنه هزار و دو بیست و شصت و نه که نواب و الاحسام السلطنه والی خراسان بودند محمدامین خان از خبوه برای اخذ زکوة به مرو لشکر کشید و نواب معظم‌الیه بر حسب امر همایون چند فوج از افواج قاهره را با توپخانه مأمور مرو نموده به حمایت مروی شکست فاحشی به او دادند و او بی‌نیل مقصود مخدول و منکوب معاودت کرد. قشون دولتی هم مدتی در مرو بود. اگرچه اولیای دولت علیه خیال مأموریت قشون برای تنبیه و انتظام آن حدود داشتند لیکن به جهت قحط و غلای شدیدی که در مرو بروز کرده بود و ذخیره و آذوقه به کلی نایاب، قشون مزبور را از مرو معاودت داده و تنبیه محمد امین خان به عهده تعویق افتاد و منتهز فرصت بودند. در این بین، سودا پر سر محمدامین خان زده بیست هزار قشون اورگنجی و خیوقی جمع کرده در

۲- متن: هزار و یک صد و سه. این تاریخ غلط است. نادرشاه در حین بازگشت از هند

به نواحی بخارا و خبوه حمله برد.

اواخر سنهٔ پارس‌نیل که فرمانفرمائی خراسان برعهدهٔ نواب‌والا فریدون— میرزا بود به‌مرو آمده واز آنجا بلاتأمل قشون به‌سرخس که رعیت مخصوص وایل ترخان این دولت است فرستاد. اهالی سرخس مراتب را به‌نواب والا فرمانفرمای خراسان معروض داشتند و استمداد و استعانت جستند. نواب معظم‌الیه نیز، به‌اذن و اجازهٔ اولیای دولت قاهره، ابتدا حسن‌خان سبزواری را باسید سوار خراسانی مقدمه‌الجیش فرستادند و متعاقب آن محمدحسن‌خان سرتیپ فوج فراهانی را با دو فوج فراهانی و یک فوج گروسی و چهار عراده توپ و هزار سوار فرستادند که پانصد نفر از آن سوار را به‌ایلغار مسرعاً به‌حسن‌خان سبزواری برساند و پانصد نفر دیگر باخود داشته همراه پیاده‌نظام و توپخانه ببرد. محمدحسن‌خان سرتیپ نیز به‌همین دستورالعمل رفتار کرده و به‌آق دربندرفت. نواب— والا فرمانفرما هم روز هفدهم جمادی‌الثانیه با افواج و سوارهٔ عراقی و خراسانی وده عراده توپ حرکت کرده به‌جانب سرخس راندند.

در ورود حسن‌خان سبزواری به‌سرخس لشکر خیوه خبردار شده دوهزار سوار ازبک از سرخس گذشته سوارهٔ حسن‌خان را جلوگیری کردند. این سواره باعدد کم پای ثبات درمیدان جلادت فشرده خصم را شکست فاحش دادند و بی‌هیچ آسیبی وارد سرخس شدند. روز دیگر نیز آن پانصد سوار متعاقب به‌سرخس رسید. خبر رسیدن سوارهٔ دولتی به‌سرخس و آمدن محمدحسن‌خان سرتیپ و افواج و توپخانه به‌آق دربند به‌خان خیوق رسید. خواست پیشدستی کند. فوراً جمعیت کثیری به‌امداد قشون سابق خود فرستاده حکم به‌تسخیر سرخس داد. خود نیز متعاقب آنها با قشون زیاد که قریب چهل هزار نفر بود واز طوایف و اویماقات جمشیدی وقرایابی و تیمنی و میمنه و شبرغان و سالور و سایر طوایف تراکمه حرکت کرده به‌جانب سرخس روانه شد. چند روز قبل از رسیدن او به‌دور سرخس که سواره و پیادهٔ او در آنجا جنگ می‌کردند، همه روزه سوارهٔ خراسانی و سرخسی بیرون آمده محاربات دلیرانه می‌کردند و دراین چند روزه، چند عراده توپ معتبر و پانصد قبضه شمشال و اسب و شتر بسیار از آنها به‌چنگ عساکر منصوره می‌افتاد. در روز ورود خان خیوق به‌دور سرخس، نواب‌والا فرمانفرما با قشون ظفرنمون به‌آق دربند وارد شدند و محمدحسن‌خان سرتیپ با افواج و توپخانه به‌شش

فرسخی سرخس رسید و چون نواب والا يك روز بعد از ورود به آق دربند که خبر عزیمت خان خیوق و جمعیت او را شنیدند در شب دوشنبه سلخ جمادی الثانیه نواب مهدیقلی میرزا و سام خان ایلخانی و شاهزاده محمد یوسف افغان و امیرخان سرتیپ قورت بیگلو و محمدحسین خان هزاره را با دوهزار سوار صوبه شبانگاه از آق دربند که تا سرخس پانزده فرسخ خراسانی است روانه ساختند. خان خیوق نیز همان روز دوشنبه با جمعیت مزبور که زیاده از چهل هزار بودند به دور سرخس آمده اقدام به محاربه نمود که شاید قبل از رسیدن کلیه قشون و توپخانه دولتی کاری از پیش ببرد و قشون خود را حکم به تسخیر سرخس داد و خود در سرتلی که مشهور به قانلو تپه می باشد و در سمت شرقی سرخس واقع است و دوهزار قدم تا سرخس مسافت دارد چادری برافراشته با خواص و اعوان و اصحاب خود در آن چادر قرار گرفت. از قلعه سرخس هم اول وهله حسن خان سبزواری با سواران خراسانی از طرف دروازه جنوبی که غلبه قشون خوارزمی بود بیرون آمده پيشتازی کرد. سرخسی هم غیرت و عصبیت کرده به هیئت اجتماع اناؤذکوراً نیمی از دروازه جنوبی سرخس و نیم دیگر از دروازه شمالی بیرون آمده دست به مقاتله و مقابله گشودند و قشون خیوقی را منهزم ساخته قریب سه هزار سر با اسب و شتر بسیار و شمشال و تفنگ بی شمار و يك عراده توپ هجده پوند بزرگ و شانزده عراده صف شکن و دو بیرق از آنها گرفته و از جانبین جنوب و شمال قشون خیوقی را منهزم ساختند و از تپه ای که خان خیوق در آن قرار داشت گذرانیدند و حمله های مردانه کردند. خان خیوق صحرا را از سیلاب خون نظیر جیحون دید و خود را در غرقاب فنا. اسب خواست که فرار کند و جان به سلامت برد. چون یراق اسبش را مکلل به جواهر کرده بود بلکه به قاعده سلاطین گوی طلا به دم اسب خود استوار کرده شجاعان خراسانی و سرخسی اسب او را شناخته به قدر دو بیست سوار بر روی تپه تاختند و هنگامی که خان خیوق تازه بر رکیب قرار گرفته بود خود را به او رساندند. اصحاب و اعوان که نزد او بودند هریک اسب حاضر داشتند و سوار بودند فرار نمودند و آنها که دسترسی به اسب نداشتند طعمه شمشیر آبدار شدند و خان خیوه باسی و دونفر از بنی اعمام و محارم و خواص خود مقتول شد و سرخان راصحت نیازخان پسر اراض خان که از رؤسای

سرخس است از بدن جدا کرد و سر سایرین را دلیران دیگر بردند. و این واقعه در سلخ جمادی الثانیة سنه هزار و دویست و هفتاد و یک بود و آنچه به تحقیق پیوست دویست و هفتاد نفر از صاحب منصبان خان کشته شدند و امیر احمد خان جمشیدی زخم کاری برداشت. روز چهارشنبه دویم رجب که روز عید نوروز سال همایون فال توشقان تیل بود سرهای مزبور را به اردو خدمت نواب والا فرمانفرمای خراسان آوردند و آن دو هزار سوار که نواب معظم الیه بهایلغار فرستاده بودند در وقت غروب روز دوشنبه سلخ که خان خیوق مقتول و قشون او منکوب و مخدول شده بودند به سرخس رسیدند و به جهت خستگی راکب و مرکوب شب را آرام گرفته صبح به تعاقب قشون شکسته خیوقی شتافتند. نواب والا - فرمانفرما نیز سرها را به صحبت رضاقلی خان نایب ایشیک آقاسی باشی به چاپاری روانه دربار همایون نمودند.

شب سیزدهم رجب که شب عید مولود مسعود حضرت امیر المؤمنین علی بن ابی طالب سلام الله علیه بود خبر قتل خان خیوق به دارالخلافة باهره رسید و شب پانزدهم رضاقلی خان با سرها وارد گردیده روز شنبه نوزدهم در سلام عام به عرض خاکپای همایون رسانیدند. ذات ملکوتی صفات مقدس شاهنشاه روحانفاده پاس خدمات اجداد خان را به سلاطین باتمکین ایران و بزرگزادگی او را منظور فرموده احضار سر او و کسان او را به حضور همایون اجازه ندادند و امر فرمودند آنها را با کمال احترام تغسیل و تکفین نمایند و در جائی مناسب دفن کنند. لهذا سری که سودای خوارزمشاهی چندگاهی در آن تمکن داشت در دل خاک جای گرفت و میرزا محمد علی - خان شمس الشعراى اصفهانی المتخلص به سروش در این معنی گفته است:

افسر خوارزمشه که سود به کیوان با سرش آمد بدین مبارک ایوان
اسامی و تعداد خواص محمد امین خان که کشته شدند از قرار ذیل است:

بنی اعمام خان که مشهور به توره اند چهارده نفر، قاضی خوارزم، عبدالله محرم، داروغه محرم، خدایارلی که یکی از صاحب منصبان معتبر بوده، دولت یارلی، بیگ خان دیوان بیگی، سردار بیک خان، نیازقلی - بینک باشی، اللهقلی یوزباشی، حق نظر بینک باشی، دولت نیاز یوزباشی، پسر نیاز محمدبای که سابقاً پدرش حاکم مرو بود، ویسبای آق سقال خیره،

پسر حکومت خان حاکم میمنه که با هزار سوار به کمک آمده بود، بیگ – مرادبای تکه قرایب نشین، سلطان تکه از رؤسای قرایب، محمد شیخ سردار که تازه به تاخت خراسان بادو هزار سوار می آمد، پسر عباس بای تکه که از مشاهیر قرایب بود.

نواب والا احتشام الدوله خانلر میرزا که در کلیه امور حکمرانی خاصه دربستن سد نادری در حویزه مساعی جمیله مبذول داشته بودند به یک قبضه شمشیر مرصع از جانب سنی الجوانب همایون مفتخر گردیدند.

از غرایب این که نخیلات شط العرب امسال دومرتبه ثمر داده اگر چه ثمر ثانی به حلاوت و رسیدگی ثمر اول نبوده ولی باز خیلی به مصرف رسیده و به کار خورده. زیرا که گندم و جو در آن ولایت تسعیری داشته. حاجب الدوله والد مؤلف که در تعمیر و طلا کردن گنبد مطهر امامزاده عبدالعظیم علیه السلام مساعی وافیه نموده بود مورد مراحم مخصوصه گردید.

دویست نیزه سروشست نفر اسیر و دو عراده توپ و یک عراده خمپاره که قشون کرمانی مأمور بندر عباس با عبدالله خان میرپنجه هنگام فتح بندر عباس گرفته بودند به دارالخلافه آوردند.

عمارات و آبادی دارالخلافه دیوانی و غیره این اوقات خیلی زیاد شده است و بروج و بدنه ارگ و شهر هرجا خرابی داشته می سازند.

در این اوان، محض مزید نظم و انتظام امور قشون دستخطی به قلم معجر رقم همایون شرف صدور یافت که سواد آن زیور این کتاب است:

سواد دستخط جهان مطاع مبارک

جناب صدراعظم! الزم واعظم امور ملک و دولت نظم قشون است و قشون ایران بطور دلخواه و مکنون خاطر مانظم کامل ندارد و این بی نظمی نیست مگر از عدم تسلط رئیس کل قشون و در حقیقت تسلط رئیس کل قشون با شماست. اگر چه با آن عشقی که شما در انتظام امور کلیه مملکت دارید هرگز راضی بر بی تسلطی رئیس قشون و بی نظمی امر لشکر نخواهید شد از آن جهت می باید شما برای تسلط سردار کل این فقرات

ثلاثه را قرار بدهید که در کار خود تسلط تمام داشته باشد. بعد از این هم مراقب باشید که از این حالت استقلال نیفتد و هر کس تخلف کند فوراً مورد مواخذه شود و پاداش داده شود: اولاً مواجب قشون را از نظام و غیرنظام و توپخانه و سواره و پیاده رسیدگی کند و به دقت برساند که سرکرده و صاحب منصب و این و آن حیف و میل نکنند و هر کس از سرکردگان را بفهمد از مال نوکر خورده است حکماً تنبیه کند و مواجب نوکر را گرفته برساند والا اگر معلوم شود در مواجب نوکر کسی افراط و تفریطی کرده است و سردار از او مواخذه و تنبیه ننموده است خود سردار مورد مواخذه و عتاب خواهد شد.

ثانیاً از دولت در حقیقت مواجبی که به صاحب منصبان و سرکردگان قشون عموماً داده می شود از اول تا به حال محض تفضل و رحمت ملوکانه بوده است به امید این که در وقت خدمت به کار آیند. این مرحمت را در حق آنها فرموده و می فرمائیم. لکن اینها چنان معلوم می شود که خود را بشخصه قابل و مستحق این مرحمت می دانند و در هنگام ماموریت جزئی توقعات کلی بی جامی کنند. اغلب سرهنگان به مرتبه سرتیپی و سرتیپان به مرتبه میرپنجگی و میرپنجگان به مرتبه امیرتومانی و سرداری حرکت می کنند و در مشق نظام و درس مدرسه کوتاهی و غفلت دارند و هیچ سعی و تلاش در کار خدمت نمی کنند. به موجب همین دستخط باید سردار کل این فقره را به کل صاحب منصبان و سرکردگان حالی کند که بعد از این مادام که خدمتی از صاحب منصبان و سرکردگان ظاهر نشود و در جنگ و محاربه با خصم جلادت و رشادت از آنها به ظهور نرسیده باشد ابداً زیادتیی مواجب و منصب و نشان و حمایل به احدی داده نخواهد شد و البته شما هم اذن ندارید بدهید. مگر مثل صارم الدوله که در تسخیر و فتح بندرعباسی خود بر جمیع آحاد و افراد قشون سبقت جسته رشادت و جلادت نموده. به این طور اگر از کسی خدمت ظاهر شود مورد عطا و عطا خواهد شد والا بعد از این دیگر زیادتیی منصب و مواجب در حق احدی مرحمت نخواهد شد.

ثالثاً در صدور بروات مواجب و سیورسات واحکام نظام قشون کلاً باید به صحت و مهر سردار کل بگذرد و اگر سردار معلوم کند که از صاحب منصبان و محررین و مشرفین کسی برات غلط گذرانده است خود تنبیه نماید و از لشکر نویسان اگر کسی چنین عملی را مرتکب شود و برات غلط صادر کند به شما بگویند یا در حضور عرض کند تا در مقام مؤاخذه و تنبیه درآوریم. البته می باید سردار کل از این قرار در کار خودش تسلط تام داشته باشد و امور قشون را من حیث المجموع منتظم و مضبوط نماید. تحریر آ فی شهر جمادی الثانی پارس ثیل سنه ۱۲۷۱.

روز چهارشنبه دویم رجب یک ساعت و چهار دقیقه از طلوع آفتاب گذشته مهرجهان تاب از برج حوت به حمل تحویل نمود و ابتدای سال خیرمآل توشقان ثیل شد. سلام خاص در کلاه فرنگی عمارت باغ و فردای آن روز سلام عام در تخت مرمر در پیشگاه حضور باهرالنور اقدس شاهنشاهی خلدالله ملکه و سلطانه منعقد گردید.

نواب والا علیقلی میرزا (اعتضادالسلطنه) به یک قطعه گل کمر مکمل به الماس از جانب سنی الجوانب همایون مفتخر گردیدند.

میرزا محمدصادق قائم مقام [که] بر حسب استدعای خود معزی الیه از تبریز احضار شده بود شرفیاب حضور مهر ظهور مقدس گردید. در مازندران باران زیاد آمده.

میرزا فضل الله وزیر نظام متولی باشی پیشکار خراسان چهار زوج در نقره که هر یک دو ذرع طول و یک ذرع و سه چارک عرض دارد، به جهت اطراف حرم محترم رضوی شرفها الله تعالی مزین به نام همایون، تمام و نصب نمود.

در محمره که مدتی بود باران نیامده بود بارندگی کامل شد. جناب مسیو اینچکاف شارژدافر دولت روس مقیم دارالخلافه به یک قطعه نشان دوره الماس مصور به تمثال همایون از جانب سنی – الجوانب مقدس سرافراز گردید.

در این اوقات، چون رسماً از سفارت دولت روس فوت مرحوم

امپراطور روس نیکلای (۱) را اعلام نمودند و جلوس اعلیحضرت الکسندر (۲) ولیعهد دولت مشارالیه را نیز اظهار داشتند از جانب اعلیحضرت همایون شاهنشاه میرزا محمدحسین عضدالملک به سفارتخانه سنیة روس رفته در حالتی که کل صاحب منصبان سفارت حاضر بودند به جناب مسیو اینچکاف شارژدافر دولت روس اظهار افسوس از فوت مرحوم اعلیحضرت امپراطور نموده معزی الیه وصاحب منصبان سفارت را حسب الامر دعوت به حضور مهرظهور مبارک کرده به اتفاق عضدالملک شرفیاب حضور همایون شدند. اعلیحضرت اقدس شاهنشاه بعد از اظهار تاسف زیاد از وفات مرحوم اعلیحضرت امپراطور، تهنیت جلوس اعلیحضرت امپراطور الکسندر را بر سریر سلطنت کل ممالک روس به لفظ گوهرنثار مبارک ادا فرمودند. بعد از تفقدات شاهانه اجزای سفارت را اجازه انصراف دادند.

نظر به خدمات میرزا محمدصادق قائم مقام به یک جام آئینه تمثال همایون که بزرگترین اسباب مفاخرت است معزی الیه را مفتخر فرمودند. در کرمان بارندگی زیاد شده محمدحسن خان سردار در سمت دروازه ارگ و شهر کرمان تازه باغی غرس واحداث کرده موسوم به باغ ناصریه نموده است.

در فارس بارندگی کامل شده باستانی در بوشهر قرینه چهار برج مشهور آنجا که دارالحکومه است حسب الامر در نهایت استحکام ساختند.

شب سیزدهم رجب که عید مولود مسعود حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام می باشد در دارالخلافه چراغان و آتش بازی کاملی نموده روز این عید سعید سلام عام انعقاد یافت. در خراسان علی التوالی ده پانزده روز باران آمده. میرزا شفیع تویسرکانی وزیر کرمان است.

پل خرابی بر روی رودخانه قزل اوزن که از خاک گروس می گذرد بود. این اوقات آن را مجدداً در کمال استحکام ساختند. در یزد بارندگی خوبی شده.

۱- نیکولای اول پسر الکساندر اول تزار روس.

۲- تزار الکساندر دوم پسر الکساندر اول.

دکتر برتلمی فرانسوی که از فحول طبابت در سلك چاکران دربار منسلک گردید.

برجیس صاحب مترجم دولت علیه که مباشر روزنامه دولتی بود چون غلیل شده يك ساله مرخص شد که به مملکت انگلیس برود.

حاجی محمدحسین جبهه دارباشی مرحوم ومیرزا نصرالله ولد مشارالیه جبهه دار باشی ومخلع گردید.

فوج جدید حسب الامر از شقاقی گرفتند.

بیست لوله خمپاره ۶۶ پوند و ۴۲ پوند و ۳۲ و ۲۴ پوند ریخته مشغول سوار کردن آنها می باشند.

توپهای بزرگ وسط میدان را پیاده نموده پرداخت و مرمت کرده دوباره سوار می نمایند.

چهارصد دست اسباب توپ کشی سوای اسباب توپ کشی سابق که در انبار بود حسب الامر دوخته تحویل انبار قورخانه کردند.

جناب چارلس آگنس مری وزیر مختار و ایلچی مخصوص دولت انگلیس که مأمور این دربار دولت علیه می باشد، بپذیرائی های معموله از جانب کارگزاران این دولت ابدایت، وارد دارالخلافه گردیده روز بیست و نهم رجب شرف اندوز حضور مهرظهور همایون و مورد تفقدات خاصه خسروانه آمد.

بارندگیهای خوب مایه اطمینان اهالی دارالخلافه گشته.

محمودلی خان بیگلربیگی حکمران استرabad این اوقات روانه ککلان شده با نوکرانزانی وسه عراده توپ در نوده ورامیان است و آن صفحات رانظم کامل داده مشغول وصول مالیات طوایف كوچك وایمروقان وتاتار ودوچی وغیره است ومحمدجعفرخان ولد معزیالیه به جای ایشان در استرabad می باشد.

میرزا زکی رشتی وزیر اصفهان است ودرنهایت خوبی رفتار می نماید.

در لار فارس که از نیامدن باران وحشت داشتند بارندگی زیاد شده.

در اواخر ماه جمادی الثانیه، شش جهاز تجارتی و چند بکاره در بندر لنگه به واسطه وزیدن باد قوس وطوفان شدیدی شکسته وغرق شده

و تقریباً دویست هزار تومان به تجار خسارت وارد آمده.

در کرمانشهان بارندگی خوبی شده.

میرزا محمد صادق قائم مقام را به یک قطعه نشان تمثال بی مثال همایون مکمل به الماس مفتخر و مرخص فرمودند که به آذربایجان معاودت کند.

میرزا صادق خان ولد مشیرالدوله به سرهنگی فوج جدید شقاقی و خلعت همایون سرافراز گردید.

حسن خان سرهنگ فوج اردبیل و مشکین معزول و سرهنگی فوج مزبور را به حسنعلی خان پیشخدمت خاصه مرحمت فرمودند و مرخص شد باقیم مقام روانه آذربایجان شود.

وزیر نظام حوض بزرگی به جهت صحن جدید روضه مطهر حضرت رضوی سلام الله علیه می سازد.

پل آق دربند را نیز فرستاده اند که در کمال استحکام بسازند. عمارت هزار جریب اصفهان را چراغعلی خان نایب الحکومه تعمیر می نماید.

طایفه سگوند لرستانی که مصدر شرارت بودند و جمعی دیگر را نیز با خود متفق نموده نواب والا احتشام الدوله علیقلی خان سرتیپ را مأمور نموده آنها را تأدیب و تنبیه کاملی نمودند.

در بروجرд و آن صفحات نزول باران کامل رفع وحشت مردم نمود. متعلمین مدرسه مبارکه دارالفنون امتحان خوبی در حضور همایون دادند.

بعضی مستدعیات میرزا محمد صادق قائم مقام در خاکپای همایون قرین نبح و حصول گردید و تفصیل آن از قرار ذیل است:

حکومت خوی به نواب محمد رحیم میرزا (۱).

حکومت ارومی به نواب سلطان احمد میرزا (۲).

حکومت اردبیل به امیرزاده اکبر میرزا.

حکومت مشکین به حیدر قلی خان بجنوردی.

۱- محمد رحیم میرزا فرزند نوزدهم عباس میرزا نایب السلطنه.

۲- سلطان احمد میرزا فرزند چهل و نهم فتحعلی شاه.

آقا جانی خان سرهنگ فوج بهادران به منصب سرتیپی.
اسماعیل بیک یاور توپخانه به منصب سرهنگی توپخانه مبارکه.
الهیاری خان یاور فوج شقاقی به منصب سرهنگی.
مرتضی قلی خان به منصب سرهنگی.
وبعضی مناصب و مواجب و تخفیف.

میرزا محمدخان سرکشیکچی باشی غلامان سرکاری ابواب جمعی
خود را سان داده چون در کمال شکوه بود به اعطای یک ثوب کلیجه
ترمه تن پوش مبارک مفتخر گردید. و مسیو بربری معلم غلامان نظام نیز
به خلعت همایون سرافراز شد.

مواجب محمد اسماعیل خان چاپارچی باشی سیصد تومان بود.
دویست تومان بر آن افزودند.

نظر به خدمات و مساعی جناب نظام الملک، در اتمام دستور العمل
سال نو حکام ولایات، یک رشته شرابه مروارید مرصع آویزه زمرد از
طرف قرین الشرف ملوکانه به جناب معزی الیه مرحمت شد. و میرزا رحیم
پیشخدمت و محصل کل محاسبات که در این خدمت کمال جهد را نموده
بود به یک قطعه نشان از مرتبه اول سرهنگی و خلعت همایون نایل شد.
میرزا فتح الله لشکر نویس باشی را به اعطای یک هزار تومان اضافه
مواجب و کلیجه ترمه تن پوش مبارک سرافراز فرمودند.

کل محمدخان از اشرار و متمردين بلوچ، قلعه اپرندجان را محکم
نموده و در آن متحصن شده دم از خود سری می زد. محمد حسن خان
سردار حکمران یزد و کرمان جمعیتی فرستاده قلعه مزبوره را تسخیر
نموده متمردين [را] مخدول و مقتول نمودند.

امام علی خان سرهنگ را نیز سردار معزی الیه مأمور خدمات بلوک
اربعه بم نمود.

نواب والا عبدالصمد میرزا (۱) (عزالدوله) از جانب سنی الجوانب
همایون به حکومت قزوین برقرار و حاجی حسن علی خان خوئی آجودان باشی
سابق را وزارت نواب معظم الیه دادند.

۱- عبدالصمد میرزا پسر محمد شاه و برادر ناصرالدین شاه است. وقتی این پسر بدینا

آمد، پدرش محمدشاه از حاجی میرزا آقاسی مرشد خویش خواست تاناسی نیکو بر وی نهد. حاجی
نیز نام استاد و سراد خود ملا عبدالصمد همدانی را بروی نهاد.

حکومت ملایر و تویسرکان را به‌نواب سیف‌الله میرزا مرحمت فرمودند.

مبلغی وجه نقد از دارالخلافه به‌جهت مواجب نوکرانی که در استرabad هستند فرستاده شد.

عیسی‌خان والی گیلان که به‌رکاب مبارک آمده بود و حسب‌الامر معاونت به‌مقر حکومت خود می‌نمود به‌یک قطعه نشان تمثال بی‌مثال همایون و یک‌ثوب جبۀ‌ترمه مفتخر گردید.

محمد علی‌خان جوانشیر سرتیپ فوج اول خاصۀ شریفه مجاورت عتبات عالیات اختیار کرده محمدقلی‌خان سرهنگ جوانشیر برادر او به‌منصب سرتیپی فوج مزبور سرافراز گردید.

قاسم‌خان سرهنگ فوج اخلاص افشار در مأموریت فارس دربندر بوشهر مرحوم شد و خانلرخان ولد کلبعلی‌خان افشار به‌منصب سرهنگی فوج مزبور منصوب گردید.

چشمهای حیاتقلی‌خان سرهنگ فوج کردند به‌سبب امراض مزمنه نابینا شده لهذا منصب سرهنگی او را به‌ملك نیازخان ولد مشارالیه مرحمت فرمودند.

چون رعایای دره جز از سعادتقلی‌خان حاکم دره جز ولد مرحوم سلیمان‌خان دره جزی شاکی شدند او را معزول و برادر کوچکتر او اللهیارآقا [را] که به‌حسن‌سلوک موصوف بود به‌جای او منصوب فرمودند. محمودخان سرتیپ و مصلحت‌گزار سنت پطرزبورغ (جناب ناصرالملک) به‌لقب جنابی مفتخر گردید.

قشون ظفرنمون که دراین سال خیرمآل مجدداً در فتح بندرعباس خدمت کرده بودند هریک از سرکرده و صاحب‌منصب به‌فراخور استحقاق به‌منصبی و عطائی نایل شدند از جمله عبدالله‌خان میرپنجه بود که به‌نشان اول میرپنجگی و حمایل سرخ و سفید سرافراز گردید و آن‌را مسطور داشتیم. عواطف مبذوله درحق سایرین از این قرار است که در ذیل مرقوم می‌گردد:

امامقلی‌خان سرهنگ ماکوئی به‌منصب سرتیپی و نشان از درجه دوم سرتیپی.

مسیو سلمیز (شلیمر) حکیم قشون کرمانی نشان دویم سرهنگی و پنجاه تومان انعام مستمری.

فوج هفتم کرمانی نشان طلای سلطانی ده قطعه، نشان مطلا سیزده قطعه، نشان نقره صد قطعه.

امامعلی خان سرهنگ، نشان سرتیپی از مرتبه دویم.

غلامان طایفه افشار، نشان نقره یازده قطعه.

سواره طایفه جبال بارزی نشان نقره شش قطعه.

فهم خان سیستانی فرمان موجب شصت تومان.

امیر سعید خان بلوچ سیستانی کارد دسته طلا قبضه.

قاسم آقای بادکوبه نشان از مرتبه دویم یاوری.

سواره مهاجر نشان مطلا چهار قطعه.

نوروزعلی بیک که سراز بلوچ آورده بود انعام پنجاه تومان، شال کرمانی طاقه.

خداویردی بیک مهاجر اضافه موجب چهل تومان.

جهانگیر خان جبال بارزی موجب چهل تومان.

شاهسوار خان نشان سلطانی طلا قطعه.

کمال خان سیستانی اضافه موجب بیست تومان.

اسدالله خان نایب اول توپخانه نشان سلطانی طلا قطعه.

میرزا نصرالله خان یاور فوج کرمانی نشان از مرتبه اول یاوری.

اصلان بیک یاور توپخانه مبارک نشان از مرتبه اول یاوری.

سهراب بیک پسر امامقلی خان سرتیپ لقب خانی و نشان از مرتبه

دویم یاوری.

چون ده دوازده هزار خانوار از اشرار تراکمه و اویماقات آن صفحات در قریاب جمع شده و در آن اطراف و حول و حوش بلکه گاهی در بعضی ولایات خراسان تاخت و تاز می کردند، بعد از شکست لشکر خوارزم و قتل خان خیوه، نواب والا فریدون میرزا فرمانفرمای خراسان که از سرخس به مرو رفته بودند بر سر قریاب رفته اشرار مزبور که قریاب را محکمه و سقناقی برای خود قرار داده بودند و به حصانت خود مستظهر چون استعداد قشون ظفرنمون را دیدند دانستند که در مقابله و مقاتله امید سودی نیست از دراستیمان درآمدند. نواب معظم الیه آنها را

از قتل و نهب امان داده حکم به تخریب قلعه آنها نمودند و آن جمعیت را از آنجا کوچانیده به موطن خود معاودت دادند و هشتاد خانوار باخانه و کوچ از معتبرین مرو گروی گرفته خان سوار سلطان هزاره را در آنجا به حکومت منصوب کرده به مشهد مقدس معاودت نمودند و از جانب سنی الجوانب همایون برای نواب والا فرمانفرما و همراهان ایشان از قرار ذیل خلاع و نشان مرحمت و ارسال شد:

نواب والا فرمانفرما نشان تمثال همایون مکلل به الماس قطعه. جبهه ترمه زنجیره دار، ثوب (۱).

میرزا فضل الله وزیر نظام عصای مرصع عدد، جبهه ترمه، ثوب.
 سام خان ایلخانی جبهه ترمه، ثوب.
 شاهزاده محمد یوسف هراتی جبهه ترمه کرمانی، ثوب.
 امیرزاده جعفرقلی میرزا جبهه ترمه کرمانی، ثوب.
 امیرزاده مهدیقلی میرزا جبهه ترمه کرمانی، ثوب.
 محمدحسین خان سرتیپ افواج فراهانی جبهه ترمه کرمانی، ثوب.
 امیرخان سرهنگ شاهسون نشان اول سرهنگی باحمایل سفید.
 محمد حسین خان قوللر آقاسی هزاره جبهه ترمه کرمانی، ثوب.
 محمودخان سرهنگ فوج نشابوری شال کرمانی، طاقه.
 کاظم خان سرهنگ فوج ترشیزی شال کرمانی، طاقه.
 محمدتقی خان سرهنگ فوج جدید فراهانی شال کرمانی، طاقه.
 عباسقلی خان گروسی شال کرمانی، طاقه.
 امیرحسین خان برادر سام خان ایلخانی شال و قبا، دست (۲).
 حاجی فتحعلی خان یوزباشی غلامان خراسانی شال و قبا، دست.
 بهادرخان شال و قبا، دست.
 عبدالباقی خان افغان جبهه کرمانی، ثوب.
 محمدرضا تیموری شال و قبا، دست.
 سیدعلی خان خوافی شال و قبا، دست.

۱- یعنی: نشان یک قطعه و جبه یک ثوب.

۲- یعنی یک دست شال و قبا. این کلمه امروز نیز برای لباس سردانه هنوز به کار می رود و گفته می شود یک دست کت و شلوار و جلیقه.

نصرالله بجنوردی شال و قبا، دست.
 میر منصورخان خوافی شال و قبا، دست.
 محمد ابراهیمخان قاجار حاکم جویین جبۀ ترمۀ کرمانی، ثوب.
 مهدیقلیخان یاور فوج قدیم فراهانی، نشان اول یآوری.
 صفرعلی بیک یاور اول توپخانه، نشان اول یآوری.
 محمدعلی بیک یاور فوج گروسی نشان دوم یآوری.
 یعقوب بیک یاور فوج قرائی شال کرمانی طاقه.
 حسنعلی بیک یاور فوج قرائی شال کرمانی طاقه.
 اولاد عبدالرحیمخان سنگ بستی از بابت مواجب پدرشان مواجب
 صد تومان.

عطا محمدخان برادر کلارفیعیخان فورکی مواجب پنجاه تومان.
 حسنخان سبزواری که در جمیع محاربات بوده و بهرکاب همایون
 نیز آمده بود اضافه مواجب پنجاه تومان، انعام پنجاه تومان، نشان یآوری،
 قطعه، شال کرمانی، طاقه.

سیم شعبان در دشتستان تگرگ شدیدی که هردانۀ آن بهقدر تخم
 مرغ بوده آمده و تقریباً بیست نفر از اهالی آنجا و بسیاری از دواب و
 اغنام را تلف نموده.

دویم شعبان در شیراز برق بهخانۀ صفر سلطان که یکی از سلطانهای
 فوج شیرازی است زده یک نفر جاریه و دو رأس اسب را هلاک نموده.
 خانه را هم خراب کرده.

نواب والا مؤیدالدوله حکمران فارس یک فوج از گرمسیر فارس
 که ششصد نفر آنها تنگستانی و غیره و چهارصد نفر لاری می باشند
 بهسرهنگی باقرخان تنگستانی گرفته بهبندرعباس فرستادند که با فوج
 عرب ابواب جمعی رضا قلیخان سرتیپ ساخلو بندرعباس باشند.
 امیرزاده عبدالباقی میرزا حاکم بندرعباس صفحات شمل و میناب
 و سایر نواحی را خوب منظم نموده است.

جناب جنرال بروسیلف که از جانب اعلیحضرت امپراطور دولت
 روس با نامۀ مودت ختامۀ اعلان جلوس اعلیحضرت امپراطور بهتخت
 سلطنت مأمور دارالخلافه بود، به همراهی بارتولمه پولکونیک که او نیز
 از طرف جلالت مآب مراویف جانشین جدید ممالک قفقاز با مراسلۀ

مخالصت عازم دربار معدلت مدار می‌باشد، بعد از ورود به سرحد ایران، نواب والا نصره‌الدوله حکمران آذربایجان، قاسم‌خان سرتیپ را به مهمانداری ایشان مأمور و به اعزاز تمام وارد تبریز شدند. و علینقی‌خان سرتیپ از طرف قرین‌الشرف ملوکانه به مهمانداری معزی‌الیهما مأمور شده از تبریز الی دارالخلافة مراقبت تمام از جانب سرتیپ مشارالیه و مباشرین و کارگزاران نسبت در مراعات احترام ایشان به عمل آمده، روز یکشنبه هفدهم رمضان، چادر دولتی در قریه طرشت زده شد و محمدخان بیگلریگی و میرپنجه و محمدرضاخان سرتیپ از جانب سنی‌الجوانب همایون و خان‌باباخان سرهنگ از طرف جناب صدراعظم و میرزا عبدالغفارخان نایب دویم وزارت امور خارجه و محمودخان کلانتر و کدخدایان شهر و استقبالچی بسیار از غلام و غیره به استقبال ایشان رفته به احترام تمام وارد باغ دولتی مشهور به باغ میرزا نبی‌خان - امیردیوان که قبل از وقت برای ایشان منزل معین شده بود گردیدند و احترامات و تشریفات معموله به طور اکمل در حق ایشان به عمل آمد. و روز دوشنبه بیست و پنجم رمضان محمدحسن‌خان نایب‌ایشیک آقاسی‌باشی از طرف قرین‌الشرف خسروانه به منزل جناب بروسلیف و همراهان اورفته ایشان را دعوت به حضور مبارک کرده به رسم معمول باتشریفات متداوله جناب معزی‌الیه و همه اجزای سفارت و نامه مودت ختامه به حضور باهرالنور مبارک مشرف و مورد تفقادات خاصه شاهنشاهی گردیدند.

امیرزاده لطفعلی‌خان (۱) حاکم بهبهان بعضی مفسدین آن ولایت را به واسطه لطفعلی‌خان سرتیپ فوج شقاقی دستگیر و تنبیه کامل نموده. محض رفاه رعایای جزیره خارک، وجوه نخیلات آن جزیره را معاف نمودند.

نواب والاحشمةالدوله را به حکمرانی اصفهان و خلعت همایون مفتخر فرمودند و میرزا زکی گیلانی پیشکار سابق اصفهان کمافی - السابق به پیشکاری نواب معظم‌الیه برقرار و مخلص گردید.

عرایض که در سواری موکب همایون رعایا و غیره می‌دهند عباس‌خان سرتیپ که از امنای دیوانخانه است و در رکاب مبارک سوار می‌شود می‌گیرد.

يك صد تومان بر مواجب ميرزا محمد علی سر رشته دار توپخانه افزوده شد.

چون رعایای شاهرود و بسطام از حاجی سلیمان خان حاکم خود شاکی بودند او معزول و عباسقلی خان پسیان که سابقاً حاکم کاشان بود به جای او منصوب گردید.

همچنین بنابر سوء سلوک ابراهیم خان حاکم کاشان او را معزول و محمد حسن خان پیشخدمت را به جای او منصوب نمودند. نواب والا فرمانفرمای خراسان این اوقات پانصد نفر سوار دیگر به جهت ساخلوی مرو فرستادند.

شیخ فارس خان حاکم محمره مخلع و برادر او شیخ حاکم خان به يك قبضه شمشیر ته غلاف و کرمک طلا نایل گردید.

بنابر کمال مودت دولتین ایران و روس، بعد از جلوس اعلیحضرت امپراطور بر تخت سلطنت روس، لازم نمود سفیری از جانب سنی الجوانب همایون به دربار آن دولت مأمور و اظهار تأسفات ذات ملکوتی صفات شاهنشاهی را از وفات اعلیحضرت امپراطور مرحوم و تهنیت جلوس اعلیحضرت امپراطور را ادا نماید. لهذا جناب سیف الملک عباسقلی خان میرپنجه (۱) را، بعد از اعطای القاب و نشان و حمایل میرپنجگی و خلعت و شمشیر و کمر مرصع و دیگر مرحمتهای شایان، به رتبه ایلچیگری کبیر با نامه مهر علامه به دربار آن دولت مأمور فرمودند و قاسم خان که سابقاً رتبه کارپردازی اول دولت علیه متوقف تفلیس بود به مستشاری سفارت کبری با جناب سفیر کبیر مأمور سنت پترزبورغ شد و علاوه بر مستشاری سفارت کبری معزی الیه را مقرر فرمودند که به جناب جلالت مآب جانشین مملکت قفقاز از جانب سنی الجوانب همایون تهنیت تفویض شدن مناصب عالیه و مشاغل عظیمه را به عهده کفایت ایشان ادا نماید.

جناب مسیو باره وزیر مختار و ایلچی مخصوص دولت فرانسه که مأمور به سفارت دربار دولت علیه ایران بود به بندر بوشهر وارد و از آنجا به اتفاق مهماندار مخصوص از جانب دولت علیه ورعایت شرایط

۱- عباسقلی پسر محمد زکی خان سردار نوری بود و پسر عم صدراعظم نوری میرزا

احترامات کامله از جناب وزیر مختار معزى‌الیه و اجزای سفارت سنیه عازم دارالخلافه شده شب هجدهم شوال درقریه یخشی‌آباد چادر دولتی زده شد و علی‌خان میرپنج افشار و نصرالله‌خان سرتیپ از جانب سنی‌الجوانب همایون و خانباباخان سرهنگ از طرف جناب صدراعظم و میرزا عبدالغفارخان نایب دویم وزارت امور خارجه و محمودخان کلانتر و کدخدایان شهر و مستقبلین زیاد از غلام و غیره به استقبال جناب معزى‌الیه رفته و به احترام تمام وارد سفارتخانه خود شدند و احترامات لازمه پذیرایی سفر را بطور اکمل به عمل آمد. روز بیست و پنجم ماه مزبور محمدحسن‌خان نوری نایب ایشیک آقاسی‌باشی از طرف قرین‌الشرف ملوکانه به سفارتخانه رفته جناب معزى‌الیه را با اجزاء سفارت به حضور همایون دعوت کرده با نامه مودت ختامه شرفیاب حضور مهرظهور مقدس گردیده مورد تفقيدات خاصه خسروانه گردیدند.

در گله‌دار که بلوکی است در اواخر گرمسیرات فارس مرض طاعون بروز کرده ولی به جای دیگر سرایت نکرده.

در اسدآباد همدان تگرگ بسیار شدیدی که هردانه آن به قدر گردوئی بوده آمده و به باغات و محصولات خسارت وارد آمده.

امیرزاده عبدالباقی میرزا حاکم بندرعباس به منصب سرتیپی و خلعت همایون سرافراز گردید.

علیقلی‌خان میرپنج که در سفر خراسان مصدر خدمات عمده شده بود به اعطای نشان و حمایل از درجه اول میرپنجی و خلعت همایون مفتخر گشت.

نواب والا اردشیر میرزا حکمران دارالخلافه و میرزا موسی وزیر دارالخلافه به جهت مساعی جمیله در امور حکمرانی شهر و توابع مورد مراحم اعلیحضرت شاهنشاهی دام ملکه گردیدند.

پاشاخان سرتیپ با سواره ابواب جمعی خود مأمور خراسان گردیدند.

فوج بندپی جمعی نصرالله‌خان سرهنگ ساخلو اصفهان شدند. فوج تخته قاپوی قراجه داغی جمعی محمدعلی‌خان سرتیپ مأمور ساخلو فارس گردیدند.

یازده عراده توپ باقورخانه مأمور فارس شدند که به بندربوشهر

بروند. چهار عراده توپ با قورخانه نیز به عربستان مامور گشتند.
 کلب حسین خان نایب اول آجودانباشی به منصب سرتیپی قورخانه مبارکه و خلعت همایون سرافراز گردید.
 جعفر آقای کلاتی که منشأ فساد و غالباً او خان خیوه را محرک به تاخت و تاز بود، بعد از شکست قشون اورگنجی و قتل خان خیوه، به خیوه گریخت. از قراری که نوشته اند سر او را در خیوه بریده اند.
 محمد قاسم خان که سابقاً به کارپردازی اول مأمور اقامت تفلیس بود و در هذلسنه به مستشاری وزارت کبری و بعد از آن به رتبه مصلحت گزاری مأمور توقف سنت پترزبورغ گردید، این اوقات به یک قطعه نشان سرتیپی از درجه اول با حمایل سرخ از طرف قرین الشرف ملوکانه سرافراز و عازم محل ماموریت خود خواهد گردید.
 باباییک افشار و رضاییک لک یاوران توپخانه مبارکه به منصب سرهنگی توپخانه سرافراز گردیدند.
 میرزا هاشم خان حاکم سراب و گرمروود حکومت خلخال یافت.
 جناب جنرال بروسلیف ایلچی دولت روس مرخصی از دربار همایون حاصل نموده معاودت کرد.
 عمارات مبارکه ارگ و غیره در کار بنائی و تعمیر می باشند و این اوقات بنائی دیوانی و غیره در دارالخلافه بسیار می شود.
 فتحعلی بیگ نایب آجودانباشی به سرهنگی فوج نیشابور و لقب خانی سرافراز شد.
 و کریم خان سرهنگ فوج قدیم نصاری نیز به سرهنگی فوج ترشیزی و خلعت همایون سرافراز گردید.
 حاجی شکرالله بیگ یاور توپخانه به منصب سرهنگی توپخانه مبارکه و خلعت همایون نایل گشت.
 سید نور محمد شاه و سید جمال شاه قندهاری که از جانب سردار کهن دل خان حکمران قندهار با عریضه و پیشکش به دربار همایون می آمدند، این اوقات وارد دارالخلافه شدند.
 امان الله خان والی کردستان در امور آن ولایت اهتمام می نماید.
 روز دهم ذیحجه که روز عید اضحی بود اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی دام ملکه چون در قریه افجه متعلق به جناب صدراعظم

تشریف فرما بودند در همانجا سلام عام منعقد گردید.

ذوالفقارخان ولد جناب صدراعظم حاکم قم و محمد یوسف خان سرتیپ نایبالحکومه یزد در امور حکمرانی خود مساعی کامله دارند. گل کمری مکمل به الماس بریلیان حسب الامر آقامحمدحسن صندوقدار بهزرگرومی دستورالعمل داده و ساخته است. از قراری که قیمت کرده اند دویست هزار تومان ارزش دارد.

میرزا علی اکبر آجودانباشی توپخانه به تحویل داری کل توپخانه مبارکه و اصطبل توپخانه و صد تومان اضافه مواجب نایل گردید.

عباس خان زیراهی به حصانت قلعه زیراه (از اعمال فارس وصل به شبانکاره) مغرور شده دم از خود سری می زد. لهذا جمعیتی بر سر او فرستاده قلعه او را گرفته و خود او با اتباع مخدولا فرار نمود.

دیوار حصار بوشهر را که به سمت دریاست می سازند. میرزا حسنعلی خان دریاییگی بندر بوشهر و محمدباقرخان سرهنگ فوج فریدن و محمدکریم خان یاور را بایک سلطان و یک دسته سرباز به جزیره خارک فرستاده و قرار داده است قلعه آنجا را تعمیر کنند و یک عراده توپ شش پوند و پنج قبضه جزایر و به قدر لزوم قورخانه با توپچی و قورخانهچی متعاقب آنها روانه جزیره مزبوره کرده است.

محمدحسن خان سردار حکمران یزد و کرمان در ماه ذیحجه مرحوم

شد.

روز سلخ ذیحجه الحرام موبد اقدس همایون از بیلاق تشریف فرمای شهر دارالخلافه گردیدند.

سوانح و وقایعی که در این سال در ممالك خارجه و اقطار عالم اتفاق افتاد

اتائونی ینگی دنیا:

کدورت مابین این دولت با اسپانیا به جهت حبس یکی از کشتی‌های
اتائونی در هاوان به دست کارگزاران دولت اسپانیا.
عهدنامه تجارتي با دولت ژاپن.

دولت اتائونی درصدد است که میان دول متحابه و روس واسطه
شود. دولت انگلیس از اهالی اتائونی داوطلب به جهت مأموریت به جنگ
مشرق زمین می‌خواهد.

در مجلس شوری گفتگوی سخت به جهت آزاد کردن غلامان می‌شود.
درایالت ویرژینی تب زرد حالت وبائی (۱) به هم رسانیده.
معادل شش کرور لنگه (کیسه) پنبه از اتائونی به خارج حمل شده.

اسپانیا:

تولد دختری از ملکه اسپانیا و فوت او به فاصله سه روز.

اخراج بلد نمودن اغلبی از سرداران قشون. بی‌پولی دولت به شدت.
دوهزار سواری که متوقف پایتخت بودند شوریده به یکی از سردارانی
که اخراج بلد شده بودند می‌پیوندند. شورش در اغلب بلاد. سردارها را
که اخراج بلد کرده بودند معاودت دادند. مادر ملکه را شورشیان جلای
وطن دادند. روز حرکت او از مادرید پایتخت شورش زیادی در شهر
روی داد. بروز وبا در بعضی از شهرها. شورش مختصری در مادرید
برضد دولت. شدت وبا در جنوب این مملکت. فوت دن کارلس.

آلمان:

ازدواج اعلیحضرت امپراطور اطریش با الیزابت از انجب نجبای
باویر.

وزیر جنگ مملکت پروس اتحاد دولت خود را با روس مصلحت ندانسته از وزارت معزول می‌شود.

فوت فردریک اگوست چهارم پادشاه ساکس به واسطه زمین خوردن از اسب. سلطنت ژان برادر پادشاه به جای او.

افتتاح اکسپوزیسیون صنایع در منیک (۱) پایتخت باویر. در آخر این سال اعلیحضرت امپراطور اطریش رادختری متولد شد. ابتدای راه آهن از مملکت بوهم (۲) به مجارستان به توسط کمپانی فرانسوی.

انگلیس:

فرستادن یک دسته کشتی جنگی معتبر به دریای بالتیک به سرداری امیرالپنی.

اجزای مجلس پارلمان قبول نمی‌کنند که از طایفه یهود جزء وکلای ملت بشوند.

مراجعت کاپیتان ماکلور (۳) که راهی به دو محیط (۴) در سمت شمال و مغربی ینگ دنیا انکشاف کرده بود. فوت دکتر بارت (۵) و وادنگتن (۶) دومی سفری که در وسط آفریقا سفر کرده و انکشاف تازه نموده بودند.

ایتالیا:

در ایالت پارم، والی آنجا را که موسوم به دوک دو پارم بود مقتول نمودند و زوجه او که خواهر کنت شامبرد (۷) است طفل شش ساله خود را والی نموده و خود نیابت سلطنت را اختیار می‌کند تا کبیر شدن او. بروز وبا در ژن و مسین. فوت مادر پادشاه و زن پادشاه به فاصله ده روز و دوک دوژن برادر پادشاه به فاصله پانزده روز از سایر.

فوت جنرال الکسندر هارمازا سردار در سوستاپول به مرض وبا.

۱- München, Munich (مونخ)

۲- Boheme

۳- Sir Robert John Mac Clure

۴- محیط به معنای اوقیانوس

۵- Barth

۶- Waddington

۷- Chambord

ناپل (ایتالیا):

بروز وبا وقحطی و دزدی و شرارت و راهزنی به علاوه تعدی دولت بر رعیت.

در روم آنطونلی صدراعظم را می خواهند هلاک سازند.
اگر چه پادشاه ناپل کمال بی طرفی را در جنگ روس و سایر دول
متحده منظور کرده اما چون باطناً طرفدار روس است دول فرانسه و
انگلیس کمال ناراضامندی را دارند.

پرتغال:

پادشاه جوان این مملکت به سیاحت فرنگ می رود. در مراجعت
چون به سن بلوغ رسیده است خود بدون قیم به امور سلطنت رسیدگی
می نماید.

بلژیک:

شورش مردم در تمام مملکت به جهت گرانی مأكولات علی الخصوص
گندم. اهالی پایتخت هم در شورش اند. مسافرت ولیعهد و زوجه او
به اطیش و بعدها ولیعهد تمام فرنگستان را سیاحت نموده الی مصر
می رود.

چین:

یاغیها که برضد دولت بودند در صدد رساندن صدمه به قونسولخانه
فرانسه که در شانگائی (۱) است می شوند به این واسطه عساکر فرانسه با
قشون دولتی شریک شده یاغیها را از شانگائی خارج کرده شهر را به تصرف
کارگزاران چینی می دهند. اهالی کان تون که نیز یاغی شده بودند تسلیم
دولت چین شدند.

دانمارک:

عموی پادشاه پرنس فردیناند که هم ولیعهد دولت است مغضوب
می گردد.

روس:

فوت اعلیحضرت امپراطور نیکلا بعد از قلیل مدت مرض در ماه

حوت این سال. ولد ارشد مرحوم امپراطور، الکسندر دویم که ولیعهد بودند، قبل از جلوس برسریر سلطنت، وعده اجرای خیالات پتر کبیر و سلاطین عظیم‌الشان روس را الی زمان سلطنت والد ماجد خود می‌دهد. امر به احضار قشون زیاد از ممالك روس می‌شود. هر هزار نفر از نفوس دوازده نفر مرد باید به اردوها بفرستند.

تمام راه آهن روس در این سال زیاده از هزار و چهل و پنج هزار ذرع شده بود.

عثمانی:

فرمان اعلیحضرت سلطان عثمانی که باید عیسویها هم جزء قشون و سایر ادارات مشغول خدمت باشند.

دولت عثمانی قبول خیال مسیو لیسپس (۱) فرانسوی را در حفر نهر مجمع‌البحرین (۲) سوئز نموده و اجازه این کار را می‌دهد. احمدپاشا والی تونس (۳) فوت می‌نماید.

مسئله شرقیه:

کشتی‌های جنگی فرانسه و انگلیس، در اوایل زمستان، وارد قرادنگیز (۴) می‌شود. در سرحد دانوب عثمانی‌ها به قشون روس حمله می‌برند. نوشته تهدید آمیز انگلیس و فرانسه به روس که حتماً افلاق‌بغدان را خالی نموده به تصرف عثمانی بدهد. اعلان جنگ اعلیحضرت امپراطور روس به جمیع ممالك خود. اظهار بی‌طرفی دولت ایران و دول سود و دانمارک در این جنگ. نوشتجات مخفی که مابین روس و انگلیس در باب تقسیم ممالك عثمانی مبادله شده بود، انگلیس آن نوشتجات را به طبع رسانیده منتشر می‌کند. عهدنامه مابین عثمانی از یک طرف و دول فرانسه و انگلیس از یک طرف که دولت عثمانی من بعد نسبت به رعایای عیسوی خود رفاهیت منظور دارد و رفع ظلم و تعدی از آنها کند و ایجاد قانونی در

۱- Ferdinand de Lesseps

۲- نهر مجمع‌البحرین یعنی راه‌آبی که بحر احمر را به مدیترانه متصل می‌سازد و به عبارت

دیگر: کانال سوئز Suez

۳- بتن: تونس.

۴- «قرا» به معنای سیاه است و دنکیز (دنیز) به معنای دریا و روی هم رفته دریای سیاه.

مملکت عثمانی شود که همه تبعه او امن و آسوده باشند. قطع مراوده عثمانی بایونان. ورود یک دسته قشون فرانسه به پیره (۱) بندر یونان. فرستادن مأموری از طرف شامیل داغستانی به اسلا مبول. قشون روس در افلاق بغداد با کمال تسلط زیست می کنند. در محاصره قلعه سلستری (۲) شکستی به قشون روس وارد می آید. جنرال بسکویچ (۳) سردار روس کاری از پیش نبرده جنرال گورچاکف در این سمت دانوب به جای او به سرداری مأمور می شود. قشون فرانسه وانگلیس که در وارنا متوقف بودند، وبای سختی در اردوی آنها افتاده آنها را متفرق می نماید. لرد لگران (۴) سردار انگلیس و مارشال سنتارند (۵) سردار قشون فرانسه وانگلیس هستند. قشون روس بعد از مهاجرت از افلاق بغداد، به میل دول متحابه وامضای دولت عثمانی، یک دسته قشون دولت اطیش موقه در آنجا متوقف می شوند. شکست عثمانی در بایزید وقارص. تکلیف صلح مابین روس و عثمانی به وساطت دولت اطیش. قبول نکردن اعلیحضرت امپراطور روس تکالیف صلح را. ورود پنجاه هزار قشون فرانسه وانگلیس در اواخر تابستان به قرم (۶) فتوحات قشون فرانسه در کنار رودخانه آلمان که با پنجاه هزار قشون روس جنگیده فتح کردند. سردار قشون روس پرنس منچیکف است. فوت مارشال سنتارند سردار قشون فرانسه از مرض وبا و نصب ژنرال کانربر به جای او. جنگ در بالا خلوا. قتل زیاد سواره انگلیس که با قشون عثمانی متفقاً می جنگیدند. دوپسر اعلیحضرت امپراطور روس گراندوک میشل و گراندوک نیکلا با قشون تازه که منچیکف رفته آورده بود در انکرمان (۷) با عساکر انگلیس و فرانسه در کمال سختی جنگ می کنند. فتح قشون فرانسه وانگلیس و شکست روس. طوفان سخت در دریا و بیم غرق شدن سفاین جنگی فرانسه وانگلیس. دولت پروس هم باطناً با دول فرانسه وانگلیس و اطیش که برضد روس اند موافقت می کند. کشتی های جنگی انگلیس قلعه سخت بمارسوند را که متعلق به روس و در جزیره آلان در دریای بالتیک واقع

۱- Pirec

۲- Silistrie

۳- Paskievitch

۴- Lord Raglan

۵- Saint Arnaud

۶- Crimée (شبه جزیره کریمه - قرم)

۷- Inkermann

است باکمال سختی با گلوله توپ و نارنجك ویران می‌سازد. استحکامات سواستاپل به واسطه تعلیمات تتلوبن (۱) مهندس روس به قدری سخت است که حمله‌های پی‌درپی عساکر فرانسه و انگلیس رد شده بی‌فایده می‌گردد. انعقاد مجلس کنفرانس در وین. دولت پروس می‌خواهد داخل این مجلس شود اما اطریش قبول نکرده می‌گوید چون عساکر خود را برضد روس با ما حاضر نکردی حق ورود به این مجلس را نداری. دولت ساردین (ایتالیا) بیست هزار نفر از عساکر خود را به جنگ روس و به کمک عساکر فرانسه و انگلیس می‌فرستد. فوت مرحوم امپراطور نیکلا که در ماه حوت اتفاق افتاده به هیچوجه وضع جنگ را تغییر نمی‌دهد. عمرپاشا سردار عثمانی از طرف دولت خود به کمک عساکر دول متحده وارد سواستاپل می‌گردد. در کنفرانس وین دولت اطریش را که مقصود انعقاد مقدمات صلح مابین دولتین عثمانی و روس بود، به واسطه عدم قبول دولت روس که در قراردنگیز سفاین جنگی نداشته باشد، کنفرانس وین مثمر ثمری نگردید. دولت اطریش يك صد هزار قشون ذخیره که حاضر کرده بود مرخص می‌کند و وضع خود را در انتظار طور دیگر جلوه می‌دهد که مداخله در مسئله شرقیه نمی‌خواهد بکند. جنرال پلیسیه (۲) سپهسالار کل عساکر فرانسه شده وارد سواستاپل می‌گردد. چند سفینه جنگی فرانسه و انگلیس به دریای آزوف ورود می‌کنند و فتوحات نمایان از آنها معروف می‌شود. اوایل تابستان کار محاصره سواستاپل در نهایت گرمی است. نقاطی که در تصرف عساکر دول متحده است خیلی نزدیک به قلعه و به جهت یورش مساعد است. لورد راکلان سپهسالار انگلیس به مرض وبا - که شدت دارد - در سواستاپل فوت می‌شود. فتح قلعه معروف به مالاکوف به واسطه عساکر فرانسه به سرداری جنرال بوسکه و جنرال ماکماهون که فی‌الواقع فتح سواستاپول از همان شد. در اوایل پائیز جنرال گورچاکف سردار روس بعضی از سفاین جنگی دولت خود را به واسطه این که مبادا به تصرف دشمن درآید غرق می‌سازد. جنرال پلیسیه سردار فرانسه به منصب مارشالی می‌رسد. قلعه‌جات و سنگرها و استحکامات که در سواستاپل بود تماماً معدوم و بازمین مساوی گشت. در

کامشاتکا (۱) یکی از قلعه‌جات روس را سفاین جنگی انگلیس و فرانسه خراب می‌کنند و الی دهنة رود آمور (۲) می‌تازند. در مملکت فنلاند متعلق به روس قلعه‌ای را به ضرب نارنجك متصرف می‌گردند. امپراطور جدید روس اعلیحضرت اسکندر دویم به‌نی‌کلایف (۳) می‌آید. زمستان بسیار سخت امسال به‌جهت عساکر دول متحده اسباب کمال زحمت است. فوت امیرال فرانسه بروا (۴)، دردريا از مرض وبا. موراویف (۵) سردار روس قلعه قارص را که مهندسین انگلیس محکم ساخته‌اند محاصره نمود. مأموریت عمر پاشا به طرف باش‌آچق. فتح قارص در اوایل زمستان به دست سردار روس. اتحاد دولت سود و نروژ با دول انگلیس و فرانسه.

فرانسه:

به‌جهت مصارف جنگ، دولت فرانسه معادل پنجاه کرور تومان پول ایران استقراض می‌کند و ملت زیاده از صد کرور تومان حاضر می‌کند. مالیات دولت که عاید خزانه شده است سیصد و بیست کرور تومان پول ایران است و مخارج دولت که وکلا معین کرده‌اند که باید از آن قرار باشد سیصد و دوازده کرور و کسری تومان پول ایران است. هشتصد هزار تومان وجه نقد دولت به مصارف مقرر که در وصیت‌نامه ناپلئون اول است در جزیره سنت هلن می‌رساند.

شدت مرض وبا در پاریس.

اعلیحضرت ناپلئون و امپراطریس به‌لندن به‌بازدید پادشاه انگلستان می‌روند.

شخص ایطالیائی که در پاریس در صدد قتل ناپلئون است به‌چنگ آمده مقتول می‌شود. تبیین این مقال آن‌که شخص مزبور را نام بیانوری ومدتی در پاریس بود. عصر روز بیست و هشتم آوریل اعلیحضرت امپراطور در خیابان شانزله‌لیزه بادونفر از آجودانهای خود گردش می‌کردند. شخصی ملبس به لباس خوب غفلة از میان مردم بیرون آمده دوتیر طپانچه به طرف ناپلئون خالی کرد و هیچیک از گلوله‌ها به ناپلئون نخورد. ناپلئون با اشخاصی که به واسطه این مقدمه نزدیک آمده بودند با کلاه و

۱- Kamtchat-ka

۲- Amor

۳- Nicolaïev

۴- Bruat

۵- Moraviev

دست‌سلام داده به آرامی اسب خود را می‌رانند تا به امپراطریس که در کالسکه بود رسیدند. شخصی که مرتکب این عمل شده بود حکم به قتل او صادر شد.

در نطق افتتاح مجلس، اعلیحضرت ناپلئون اظهار نارضائی از رفتار دولت اطریش در مسئله شرقیه می‌نمایند.

پادشاه ساردین (ایتالیا) با وزیر اعظم خود کونت کاوور به پاریس آمده. در عمارت تویلری، ناپلئون آن پادشاه را پذیرفت. افتتاح اکسپوزیسیون صنایع عمومی در پاریس که پنج ماه امتداد دارد.

در پاریس کمیسیون به جهت حفر نهر مجمع‌البحرین سوئز مصر تشکیل یافت.

مصر:

عباس‌پاشا والی مصر، به جهت قساوت قلب و میلی که به خونریزی داشت، دوفتر از غلامهای او را خفه می‌کنند. عموی او سعیدپاشا که بزرگترین اولاد محمد علی‌پاشا و در فرنگستان تربیت شده بود در آن وقت به جای او والی مصر می‌شود.

مکزیک:

در حوالی ماتاموروسان لوئی قشون به دولت یاغی شده شورش می‌نمایند. فرار رئیس جمهور. قرار وضع دولت موقتی.

هند:

منع خرید و فروش غلام و کنیز در جزایر سمت هندوستان که متعلق به این دولت است. عهدنامه تجارتی بادولت ژاپن.

ینگه دنیای جنوبی:

افتتاح راه آهن جدید در برزیل. از جزایر کوچک شنکاس (۱) که متعلق به مملکت پرو است که چندین هزار سال بود طیور دریائی آنجا سکنی داشته فضلات خود را

آنجا ریخته بودند و تا آن زمان فرنگیها این انکشاف را نکرده بودند و تمامی اراضی این جزایر بهچندین ذرع قطر از فضولات طیور بحری است از برای رشوه زمین خیلی مثمرتر می باشد. دراین سال انکشاف کرده کشتی کشتی بهبلاد فرنگک وسایر بلاد ینگیدنیا بردند.

افتتاح راه آهن از شاکرالی پاناما بعد از پنج سال از شروع هشتاد هزار ذرع باهفت کروور تومان پول ایران مخارج. شورش شدید در مونتویدو.

ینگیدنیای مرکزی:

در شهر سان سالوادر که در برزیل واقع است زلزله سختی شده خرابی زیاد وارد می آورد.

یونان:

دزدی و راهزنی به شدت دراین مملکت. وزیر جنگ که بادولت روس عداوت دارد به پادشاه خود که دوست روسها است کلمات مستهجن می گوید.

شرح سال نهم

سلطنت و تاجداری اعلیحضرت اقدس شاهنشاه جم‌جاه
صاحبقران دام‌ملکه و عز‌نصره مطابق هزار و دویست و
هفتاد و دو هجری توشقان‌نیل‌ترکی

موکب اقدس همایون‌شهریاری روحانفاده در داودیه (۱) به‌مهام‌ملکی
و دولتی توجه می‌فرمایند و کلیه بلاد و عباد را به‌شمول عدل و نصفت
آسوده و مرفه می‌دارند.

جناب سیف‌الملک سفیر کبیر دولت علیه ایران مامور سنت‌پترزبورغ
که در نوزدهم ذیحجه وارد تبریز شده دوازدهم محرم از تبریز با اجزای
سفارت سنیه روانه مقصد گردیدند.

حکومت استراباد را به‌جعفرقلی‌خان ایلخانی مرحمت فرمودند
و به‌یک‌ثوب جبه ترمه کشمیری خلعت همایون سرافراز گردید و میرزا

۱- برای این که روشن شود چرا ناصرالدین شاه در داودیه جا خوش کرده بود، به این
عریضه میرزا آقاخان نوری به‌قبله عالم! توجه فرمائید:

«هوا سرد است. ممکن است به‌وجود مبارک صدمه‌ای برسد. دوتا خانم بردارید ببرید
ارغونیه (داودیه) عیش کنید.» این یادداشت را روزی جناب صدراعظم برای شاه قاجار فرستاده
که وی قصد داشته از نزد پردگیان حرم بیرون آید و به‌سان سپاه برود. در مورد اقامت شاه قاجار
در سال ۱۲۷۰ در داودیه نیز یادداشتی دیگر وجود دارد:

«آن جا پشت کوه قاف است. سه شب متوالی عیش پفرمائید.»

در همین سال ۱۲۷۲ در داودیه، شاه در ششم صفر جشن تولد خویش را می‌گیرد همراه
با شب زفاف. (سیاستگران دوره قاجار تألیف خان ملک ساسانی ج ۱ ص ۲۰/۱۹).

اسماعیل خان که سابقاً در استراباد مباشر مهام خارجه بود به علاوه این منصب به پیشکاری استراباد خلعت همایون نایل گشت.

عبدالله خان میرپنجه ولد مرحوم محمد حسن خان سردار از کرمان به دربار معدلتمدار آمده به خلعت التغات مفتخر گردید.

روز هفدهم محرم جناب سیف‌الملک سفیر کبیر دولت علیه مامور سنت پترزبورغ وارد سرحد شده صاحب منصبان دولت مفخمه روس یعنی کاخانوف سرهنگ توپخانه و بوره شیوف مترجم و بارطانوف نایب و مراجانوف حاکم نخجوان و کلبعلی خان پسر احسان خان و ژوکوف و مرتیس حکیمباشی و جمعی سالدات و سواره و صاحب منصبان دیگر با ده عراده کالسکه و ده عراده درشکه چند روز قبل وارد شده منتظر ورود جناب مشارالیه بودند. بعد از ورود به این طرف رود ارس جمعی صاحب منصب به مبارکباد ورود فرستاده کمال توقیر و احترام به عمل آوردند. روز دیگر که به آن طرف رود ارس رفتند، صاحب منصبان مزبور به دیدن آمده نهایت پذیرائی و اعزاز را مرعی داشته جناب سیف‌الملک نیز با هریک به مخالفت تمام و مودت کامل برخورد کرده روز نوزدهم روانه سنت پترزبورغ شدند.

چون صید محمد خان ظهیرالدوله حکمران هرات بنای سوء سلوک با اهالی هرات گذاشته اهالی وادانی را از خود رنجانیده از جمله کریم - دادخان هزاره را بی‌موجبی به قتل رسانیده و از سفر قورات که برگشته توپ به بروج و بدنه شهر بسته سبب این حرکت را از او پرسیده بودند گفته بود می‌خواهم بدانم هرات را با توپ می‌توان خراب کرد یا نه؟ نتیجه این اعمال آن که اهالی آن ولایت هزاره را به شهر کشیده و صید محمد خان را گرفته و در جزء به شاهزاده محمدیوسف که در خراسان مشغول خدمت بودند نوشتند که خود را به تعجیل به هرات برساند. مشارالیه نیز به وصول این خبر فوراً بدون این که کسی را خبر نماید یا این که نواب والا فرمانفرما حکمران خراسان مطلع شود به هرات شتافته و اهالی شهر از افغان و هزاره و غیره او را به حکومت خود تعیین کردند و الآن مشغول حکومت آن ولایت است.

رستم خان سلطان بهیاوری توپخانه مبارکه سرافراز گردیده مأمور ساخلو عربستان شد.

حاجی ملامحمود نظامالعلماء بهرحمت ایزدی پیوست.
مرض وبا در دارالخلافه طهران بروز کرده است.
نادرقلیخان مافی از جانب حکومت آذربایجان بهحکومت ارواق
وانزاب مأمور شد.

محمدقلیخان ایلخانی فارس در انتظام ایلات سعی است.
شبپنجشنبه ششم صفر که عید مولود همایون اعلیحضرت شاهنشاهی
عز نصره می باشد در تمام ولایات و ایالات ممالک محروسه جشن گرفتند
وروز عید سلام عام در داودیه در حضور مبارک منعقد گردید.

محمد علیخان شجاعالملک را بهاعطای یکقطعه نشان از مرتبه سیم
میرپنجگی سرافراز فرمودند.
در چهاردهم ماه صفر موبک همایون از داودیه تشریف فرمای
نگارستان گردید.

میرزا اسماعیلخان پیشکار استرآباد و مباشر مهمام خارجه آن ولایات
بهیک قطعه نشان از درجه اول سرهنگی سرافراز گردید.
میدان توپخانه و نقاره خانه کرمانشهان را نواب والا عمادالدوله در
کمال خوبی مرمت می نمایند.
میرزا نصرالله اردبیلی مشهور بهصدرالممالک در کرمانشهان مرحوم
شد.

روز ورود سیفالملک سفیر کبیر دولت علیه ایران بهتفلیس انواع
تشریفات کامله و پذیرایی های شایان و اعزاز و احترامات نمایان کار –
گزاران مملکت قفقاز نسبت بهجناب معزالیه منظور داشتند.
نصراللهخان خالوی اعلیحضرت اقدس شهریار دامملکه بهمنصب
نظامالعلمائی و خلعت همایون سرافراز گردید.
میرزا فضل الله وزیر نظام را از خراسان بهدربار همایون احضار
ومیرزا محمد قوامالدوله را بهوزارت خراسان برقرار و مخلع فرمودند.
آقاخان سرتیپ ایلات قزوین بهمنصب میرپنجگی و خلعت همایون
مفتخر گردید.

میرزامحمدحسین عضدالملک بهمنصب متولی باشیگری حضرت
رضوی سلام الله علیه نایل و مخلع گردید.
عباسقلیخان میرپنجه مأمور گرفتن یک فوج جدید امیریه است.

فرمان همایون که به سرافرازی اراض خان و سایر ترکمانان سرخس شرف صدور یافته بود نهایت مایه امیدواری آنها گردیده پنج شش هزار خانوار با صداقت به انقیاد و اطاعت و خدمتگزاری دولت علیه می باشند.

حکیم کلوکه (۱) فرانسوی که در دربار همایون منصب حکیم - باشیگری داشت وفات یافته حکیم پولاک به جای او به منصب حکیم باشیگری حضور همایون برقرار و به یک کمرالماس و یک طاقه شال کشمیری سرافراز شد.

محمدتقی بیک پیشخدمت به لقب خانی نایل گردید.

روز یکشنبه چهاردهم ربیع الاول بندگان سرکار اعلیحضرت اقدس همایون تشریف فرمای مدرسه مبارکه دارالفنون شده متعلمین هر علمی امتحان خوبی در حضور مبارک دادند و مقرر شد شاگردان جدید به جهت توپخانه مبارکه معین شود و شاگردان دواساز عملی که علم دواسازی آموخته بودند به منصب ظهور رسانیده به انعام شاهانه سرافراز گردیدند. چند نفر از شاگردان توپخانه نیز که مواظب ساختن سنگر بودند مورد انعام شدند.

یک طاقه شال هفت رنگ به قیمت صد و پنجاه تومان و طاقه دیگر سفید و آبی به قیمت صد تومان به دستورالعمل مرحوم محمدحسن خان سردار در کرمان بافته بودند به دارالخلافه آورده باشالهای خوب کشمیری که به همین قیمت است هیچ فرقی ندارد.

در قم و کاشان و بروجرد ناخوشی وبا بروز کرده.

محمودخان کلانتر به یک رشته حمایل سفید از مرتبه اول سرهنگی و یک ثوب جبه ترمه سرافراز شد.

محمدقلی خان نوری غلام پیشخدمت به حکومت تربت حیدریه برقرار گردید.

جمعی سوار افاغنه به تاخت و تاز قایمات رفته بودند. میرعلم خان پسر امیرقاین آنها را شکست داده و سرواسیر از آنها گرفته. لهذا امیرقاین مخلص و میرعلم خان به نشان از مرتبه اول سرهنگی سرافراز شد.

در شهر سلطان آباد يك روز دومرتبه زلزله شديد شده اما خرابی به جایی نرسانیده.

غلامحسین خان سپهدار را به حکومت کرمان و مضافات و يك ثوب جبۀ ترمه دور زنجیره و يك ثوب قبای ترمه از ملابس خاصه مفتخر و میرزا محمد مستوفی سرکارات را نیز به وزارت و پیشکاری کرمان و خلعت همایون سرافراز فرمودند.

چون سوارۀ اوصانلوی خوار، به جهت بی مبالاتی جلیل خان سر کرده سوارۀ مزبوره، چنان که باید منظم نبودند آنها را ابواب جمع محمد - حسین خان پسر میرزا فتحعلی خان مستوفی کردند.

مطلب خان سر کرده سواره و پیاده گوداری و بسطامی را احضار رکاب اعلی فرموده عبدالکریم بیک غلام پیشخدمت پسیان برادر عباسقلی خان حاکم شاهرود و بسطام را به سرکردگی سواره و پیاده مزبوره مفتخر فرمودند.

به موجب روزنامه جات خراسان، امیر دوست محمد خان سردار کابل به تحریک همسایگان قشون بر سر قندهار کشیده آنجا را متصرف شد و اراده تصرف هرات را دارد و اولیای دولت علیه استقلال حکومت هرات را که از حکام کابل و قندهار به آنجا دست اندازی نشود به جهت حفظ انتظام داخلۀ خراسان بلکه نظم بلوچستان و کرمان لازم دانسته لهذا لابد باید قشون مستعد به جهت دفاع و تنظیم داخله و سرحدات خود به هرات فرستند و آن مملکت را از تطاول امیر دوست محمد خان محفوظ دارند و حکومت هرات را نگذارند به دست غیر انتقال یابد.

میرزا عبدالله خان را به منصب جلیل استیفای خاصه و خلعت همایون سرافراز فرمودند.

میرزا جانی لشکر نویس مرحوم و میرزا باقر برادرزاده او به جای او به منصب لشکر نویسی برقرار و مخلع شد.

آقا جبار پیشخدمت به لقب خانی نایل گردید.

شخصی در فهرج نرماشیر ناخوش بود. در حالت نزع وصیت کرد که بعد از مردن شکم مرا بشکافید جانوری در آن هست. بعد از فوت او شکم او را شکافتند جانوری به ترکیب چلیپاسه که تخمیناً سه چهار يك وزن داشت از شکم او بیرون آمد.

میرزا فتح‌الله لشکرنویس‌باشی که به‌عبارات عالیات رفته بود در کرمانشهان مرحوم گردید.

میرزا محمدعلی‌آبادی وزیر کرمان به‌منصب استیفای دیوان اعلی سرافراز گردید که مادام مأموریت وبعد از آن در سلك مستوفیان باشد. فرخ‌خان صندوق‌دار وجوه خاصه به‌یک قطعه گل کمر مکلل به‌الماس سرافراز گردید.

شیخ ابوتراب امام جمعه شیراز که از اجله علما بود در ماه ربیع‌الاولی در شیراز به‌رحمت الهی پیوست.

بندی از بندهای بلوک کربال در فارس که از بناهای عضدالدوله دیلمی است و به‌مرور خرابی به‌هم رسانیده چهل‌پنجاه پارچه دهکده بی‌آب و لہ‌یزرع مانده بود نواب والا مؤیدالدوله حکمران فارس مخارج ساختن آن را داده در کمال استحکام آن بند را می‌بندند.

چون جمعیت دارالخلافت باهره روز به‌روز زیاد می‌شود و برای متوطنین به‌جهت ضیق مکان صعوبت حاصل است، محض توسعه منزل و مقام آنها، از قلعه دارالخلافت بعضی اراضی خالصه باغات را که تقریباً چهل هزار ذرع می‌شود و معروف به‌باغ خسروخانی و باغ قورخانه و باغ امان‌الله‌خانی است با کل‌مای‌تعلق به‌ابه محمدتقی‌خان معمارباشی واکذار کردند که هرکس از آن اراضی بخواهد از مشارالیه ابتیاع نماید.

نواب والا فریدون میرزا فرمانفرمای خراسان که مریض بودند در شانزدهم ربیع‌الثانی در ارض فیض قرین مشهد داعی‌حق را لبیک اجابت گفتند و ایالت و حکمرانی مملکت خراسان از طرف قرین‌الشرف ملوکانه به‌نواب والا حسام‌السلطنه مفوض و به‌یک ثوب خرقة ترمه تن‌پوش مبارک سرافراز گردیدند.

شمس‌الشعرا میرزا محمدعلی متخلص به‌سروش به‌لقب‌خانی و خلعت همایون مفتخر گردید.

شیخ مشکور مجتهد نجفی که از اجله علما بود و به‌جوار رحمت الهی پیوسته دردارالخلافت فاتحه‌خوانی مجلی برای آن مرحوم اعلی‌الله مقامه گذاردند.

هفتصد خانوار باخرزی که در ازمنه سابقه به هرات رفته و در آنجا ساکن شده بودند این اوقات به وطن خود معاودت کردند.

میرزا محمدخان (۱) دبیر مهمام خارجه به اعطای يك قطعه نشان شیروخورشید از مرتبه اول سرتیپی و حمایل سرخ سرافراز گردید.

نواب شاهزاده لطف الله میرزا را به حکومت مازندران و يك ثوب جبه ترمه دور زنجیره از ملابس خاصه مفتخر فرمودند.

حاجی میرزا محسن (۲) از اجزای سفارت کبری مأمور سنت - پطرزبورغ به لقب خانی و خلعت همایون سرافراز شد.

میرزا عباس جناب معاون الملك منشی اول وزارت امور خارجه به اعطای لقب خانی و يك قطعه نشان شیروخورشید از مرتبه اول سرهنگی و حمایل سفیدقرین مباحات گردید.

میرزا عبدالرحیم خان آجودان وزارت خارجه که به نیابت اول سفارت اسلامبول مأمور شده بود به يك قطعه نشان شیروخورشید از درجه اول یآوری سرافراز گردید.

حاشیه ترمه در کرمان بافته اند که بعینه مثل حاشیه عبدالعظیم - خانی است.

محمدخان میرپنجه که در خدمات مرجوعه خاصه انتظام امور مدرسه مبارکه دارالفنون اهتمام کامل نموده به منصب امیرتومانی و جنرال آجودانی خاصه همایون سرافراز شد که همواره مهمات اهل نظام را عموماً به عرض خاکپای همایون برساند.

روز نوزدهم ربیع الاول، جناب سیف الملك سفیر کبیر دولت علیه مأمور سنت پطرزبورغ با اجزای سفارت سنیه وارد مسکو شده جنرال کنیازی که از جانب اعلیحضرت امپراطور مأمور پذیرائی سفارت کبری بود، با حاکم و قلعه بیگی مسکو و جنرالها و اعیان شهر، از جناب معزی الیه استقبال کرده شرایط اعزاز و احترام و تشریفات را کاملاً منظور داشتند. روز بیست و سیم ماه مزبور امان الله خان از اجزای سفارت کبری

۱- محمدخان سینکی ملقب به مسجد الملك صاحب رساله مجدیه و پدر میرزا علی خان

امین الدوله .

۲- حاجی محسن خان شیرالدوله که بعدها به وزارت خارجه نیز رسید.

در مسکو مرحوم شد (۱).

روز بیست و هفتم ربیع الاول جناب سفیر کبیر از مسکو روانهٔ سنت پترزبورغ گردیده به توسط راه آهن و پذیرائی های لایقۀ کامله به آن پایتخت رسیده روز بیست و نهم با جناب غراف نسلرود (۲) صدراعظم دولت روس ملاقات نموده و بعدها به حضور اعلیحضرت امپراطوری تشریف جسته از جانب اعلیحضرت همایون رسوم تعزیت و تهنیت را ادا نموده اعلیحضرت امپراطور کلمات مودت آیات نسبت به اعلیحضرت همایون بیان فرمودند.

امیرزاده ابراهیم میرزا نایب الحکومۀ عربستان به یک قطعه نشان از مرتبۀ اول سرهنگی و حمایل و یک ثوب جبۀ ترمه سرافراز گردید. ولی خان سرتیپ فوج سیلاخوری مرحوم شد و رستم خان پسر او به منصب سرهنگی فوج مزبور و خلعت همایون نایل گردید.

عباسقلی خان پسیان که به حکومت شاهرود و بسطام مأمور بود در روز بیست و هفتم جمادی الاولی از شاهرود به بسطام می رفته جمعی از اشرار غفلة دوتیر به او خالی کرده او را مقتول نمودند. لهذا چراغعلی خان نایب الحکومۀ سابق اصفهان به حکومت شاهرود و بسطام مأمور و مخلع گردید. و مقرر شد قاتلین عباسقلی خان را دستگیر نموده به دربار همایون بفرستد تا قصاص و سیاست شوند.

عمارتی جدید به طرح تازه در جنب عمارت اندرونی سلطنتی در دارالخلافة مشتمل بر هشتاد و دو باب اطاق تحتانی و فوقانی در کمال شکوه و امتیاز حسب الامر ساختند و انجام این خدمت چون بر عهدهٔ حاجب الدوله و الدمؤلف غفره الله مقرر گردیده و مساعی جمیله نموده بود مورد عواطف مخصوصۀ شاهنشاهی گردید.

میرزا ملکم سرهنگ مهندس اتاماژرو مترجم دولت علیه که در خدمات مرجوعه کفایت خود را ظاهر ساخته و هنگام انعقاد عهدنامهٔ مبارکه فی مابین دولتین علیتین ایران و فرانسه از اجزای محاوره و اسباب انعقاد معاهده بود به اعطای یک قطعه نشان شیروخورشید از درجۀ

۱- امان الله خان پسر سیف الملک بود که در مسکو بر اثر گاز زغال درگذشت (ناسخ -

التواریخ قسمت قاجاریه ج ۴ ص ۱۲۲).

اول سرهنگی و حمایل سفید قرین مباحات آمد.

باروط کوب خانه قزوین که سابقاً خرابی به هم رسانیده بود حاجی حسنعلی خان پیشکار قزوین آن را مرمت کرده و یک صد خروار باروط تاکنون در آن ساخته اند.

بعد از رفتن جناب مسترموره وزیر مختار دولت انگلیس از دارالخلافه به تبریز، بعضی سوانح در افغانستان اتفاق افتاده که ضرر کلی به جهت داخله خراسان دارد و برای دولت علیه لازم شد که از برای حفظ انضباط حکومت قندهار و هرات چنان که موافق قرارداد سابق خودشان بود تدابیر لازمه بکار برند که هم رفع آن فتنه ها بشود و هم آن دو ولایت به حالت حکومت علی حده برقرار بماند بی مداخله احدی.

اما تفصیل سوانح مزبوره این که بعد از فوت سردار کهندل خان سردار قندهار به جهت ریاست و حکومت آنجا فی مابین اخوان و اولاد او خشونت فی الجمله ظاهر گردیده و برای دولت علیه منظور داشتند به جهت بستگی کامل که مرحوم مزبور به دولت علیه داشت برای تسلیت آنها و رفع خشونت مابین و اصلاح، مأموری روانه نمایند. در این بین، امیر - دوست محمد خان خبر وفات کهندل خان و اغتشاش هرات را شنیده فرصت یافته به بهانه تعزیت و اصلاح ذات البین خود را به قندهار رسانیده آنها هم چنان دانستند که محض دلسوزی و اخوت است و باز معاودت خواهد کرد. لهذا او را اکرام و استقبال نمودند. لکن امیر دوست محمد خان با قشون و استعداد زیاد از حد قدرت او که همیشه مشاهده می شد آمده لدی الورود به جمیع دروازه ها قشون خود را گذاشته و در مقام تصاحب قندهار برآمده و اخوان و اولاد و کسان سردار کهندل خان را بی دخل و بری نموده متواری ساخت و هریک به طرفی رفته درجائی سکنی گرفتند و از آنها رحمدل خان و میرافضل خان و محمد صدیق خان و محمد عمر خان و سلطانعلی خان مظفرالدوله که دو سال قبل به سمت نوکری به دربار همایون آمده به لقب مظفرالدولگی و منصب سرتیپی سرافراز شده و غلام محیی الدین خان و عبدالله خان و خوشدل خان و یحیی خان و صاحبزاده و محمد علم خان و فتحی محمد خان و سایر وابستگان او عریضه به حضور اقدس شاهنشاهی نوشته و از تطاول و دست اندازی امیر دوست محمد خان به خانواده آنها اظهار تظلم نموده به جهت رفع تعرض امیر دوست محمد خان

وبقاي حالت حكومت ومحل حكومت خودشان به احوال سابق استعانت از اوليای دولت عليه جستند. وامير دوستمحمدخان بعد از تصاحب وتصرف قندهار عزيمت هرات را تصميم نموده از شاهزاده محمديوسف وعموم رؤساء و علماء واعيان هرات نيز عريضه جات متعدده به اوليای دولت رسيده در مقام تظلم برآمدند و كم مانده بود كه هرات بشكند. و از اين طرف هم سردار علي خان از سه كوهه سيستان خاك اين دولت عريضه به دربار همایون به تعجيل فرستاده كه امير دوستمحمدخان يكي از پسران خود را به تاخت و تاز سيستان و بلوچستان فرستاده. چون اوليای دولت عليه اين حرکات ناشايسته امير دوستمحمدخان راديدند و ملاحظه اين كه نزديك است اوضاع آن صفحات و داخله خراسان منقلب شود، لهذا قشونی مأمور هرات نمودند كه به جهت محافظت هرات و نظم خراسان قشون دولت هم در آن صفحات بوده متوجه حفظ و حراست هرات و تأمین اهالی آنجا باشد كه امير دوستمحمدخان هوس عزيمت هرات و آمدن آن صفحات را ننماید و به سرداری كابل كه داشت قانع شود و از مداخله در كار هرات وقندهار درگذرد. چون اين اوقات، قشون به سمت هرات رفت بعد از اين هم در باب قندهار و حفظ اولاد كهندل خان و نظم حكومت ايشان مذاكره خواهد شد.

قاتلين عباسقلي خان پسيان را كه از اشرار نوكر گوداري بودند چراغعلي خان حاكم شاهرود و بسطام دستگير کرده به دارالخلافت باهره فرستاده سياست شدند.

محمد رضا خان سرتيپ به منصب آجودان خاصگی ويك رشته حمايل قرمز ويك قطعه نشان اول سرتيپی سرافراز شد.

عبدالعلي خان سرهنگ توپخانه به منصب سرتيپی توپخانه مباركه و خلعت همایون مفتخر گرديد.

شغل براتنویسی وعمل كل اصطليل توپخانه مباركه را به ميرزا محمدعلي سر رشته دار كل توپخانه مباركه واصطليل توپخانه واگذار نمودند.

اصطليل توپخانه مباركه را به اصلان بيك ياور اول توپخانه واگذار نمودند.

دربیرون شهر سمنان در موضعی که مشهور به ستادره است قریب به هزار مار در پشته‌ای که در آنجا واقع است بیرون آمده اهالی آنجا به تماشا رفته اطفال و غیره آنها را به سنگ و چوب هلاک می‌کردند. ولی مارها به کسی اذیت نمی‌رسانیده و بالاخره از کثرت اذیت اطفال متواری شدند.

امیراصلاحان خان را به حکومت گیلان مفتخر و یک ثوب جبّه ترمه دور زنجیره از ملبوس خانّه خاص به امیرالامراء معظم‌الیه مرحمت فرمودند.

محمدابراهیم خان سرتیپ به یک قطعه نشان سرتیپی از درجه اول و یک رشته حمایل سرخ مخصوص این رتبه سرافراز گردید. شاهزاده لطف‌الله میرزا حکمران مازندران علی‌خان مهندس را به فرح‌آباد فرستاده مکان برج و بدنه و غیره آنجاها را تشخیص داده و معمار و بنا و عمله و مصالح کار مهیا نموده و به حفر خندق و نهرزاغ مرز و اصلاح خندق حسین‌آباد و حفر خندق جنب قلعه مبارکه ناصرآباد رفتند. وزارت همدان را به حاجی میرزا عزیز تفویض فرموده به خلعت همایون سرافراز گردید.

قرار طبع روزنامه ملتی در دارالخلافه دادند.

چراغعلی‌خان حاکم شاهرود و بسطام به یک قطعه نشان از مرتبه اول سرتیپی و یک رشته حمایل سرخ و یک ثوب جبّه ترمه سرافراز گردید. مروی‌ها و سرخسی‌ها کمال خدمتگزاری را نسبت به اولیای دولت علیه می‌نمایند و از قرار مذکور کار اورگنجی‌ها بسیار پریشان است و برادرخان خیوه را که به جای او در اورگنج حاکم شده بود طایفه یموت ترکمان مقتول نموده و بالفعل یموت به جماعت اورگنجی فایق و عرصه را به آنها تنگ کرده‌اند.

از اتفاقات حسنه این که عید نوروز فیروز امسال و عید مولود مسعود حضرت امیرالمومنین علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام در یک روز است. لهذا شب پنج‌شنبه سیزدهم رجب که شب عیدین سعیدین است در دارالخلافه جشن گرفته چراغان و آتشبازی نمودند و روز پنج‌شنبه قبل از ظهر سلام مخصوصی به جهت عید مولود حضرت امیرالمومنین علیه‌السلام انعقاد یافت. و چون شش ساعت و پنجاه و چهار دقیقه از روز مزبور

گذشت، آفتاب جهانتاب از برج حوت به حمل تحویل نموده سلام خاص تحویل منعقد شد و فردای این روز سلام عام عید نوروز در تالار تخت-مرمر باشکوهی تمام اتفاق افتاد.

جناب صدراعظم به اعطای يك قطعه قلمدان مکمل به الماس بسیار ثمین ممتاز اعلی که علامت بزرگ شخص اولی و صدارت ایران بود شرف اختصاص عنایت فرمودند.

شجاع‌الملک در فارس غرس اشجار توت نموده که ابریشم به عمل آورد.

چراغعلی‌خان حاکم شاهرود و بسطام را طلبیدند که به حکومت خمسه مأمور نمایند.

میرزا حسنعلی‌خان دریاییگی بندر بوشهر به يك قطعه نشان از مرتبهٔ دویم سرتیپی سرافراز گردید.

نواب والا عمادالدوله حکمران کرمانشهان به اعطای يك قطعه نشان تمثال بی‌مثال همایون مکمل به الماس مفتخر گردید.

حکومت نهاوند را به محمد رحیم‌خان نسقچی‌باشی (جناب علاء - الدوله) مرحمت فرموده و به يك ثوب جبهٔ ترمه معزی‌الیه مفتخر گردید و سوارهٔ خزل را نیز به عبدالله‌خان ولد ایشان ابواب جمع داشتند. میرزا محمد صادق قائم مقام از آذربایجان به دربار همایون آمد. در اصفهان بارندگی زیاد شده سیل رود زاینده‌رود به حدی است که نادر این طور دیده می‌شود.

در ماه شعبان این سال نواب والا علیقلی‌میرزا را ملقب به اعتضاد - السلطنه (۱) فرمودند و به يك ثوب قبای ترمهٔ تن‌پوش نواب معظم‌الیه مفتخر گردیدند.

حاجب‌الدوله والد مؤلف به يك قطعه نشان تمثال بی‌مثال همایون مکمل به الماس از درجهٔ سیم سرافراز شد.

محمدقلی‌خان یوزباشی که با صدوپنجاه نفر غلام به همراهی چراغعلی‌خان مأمور بسطام شده بود و در گرفتن مقصرین و قاتلین

۱- علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه از پسران فتحعلی‌شاه متولد در حدود ۱۲۳۴ و متوفی

در شب عاشورای ۱۲۹۸ هـ. ق از دانشمندان قاجار و نخستین وزیر علوم.

عباسقلی خان خدمت کرده به یک طاقه شال کشمیری و یک ثوب قباي پولك دوز سرافراز آمد.

یحیی خان (۲) (جناب معتمد الملك) به منصب مترجمی وزارت امور خارجه برقرار گردید.

حاجی باقرخان سرهنگ فوج فریدن و میرزا عبدالوهاب خان سرهنگ فوج سدهی به نشان سرهنگی از درجهٔ دویم نایل گردیدند.

جمعی ترکمانان از خوارزم به عزم خدمتگزاری این دولت ابد آیت می آمدند. طایفهٔ تکه در سر راه به ممانعت آنها برخاسته جعفرقلی خان ایلخانی حکمران استرabad خبر شده با سواره چگنی و بجنوردی و بسطامی و نردینی ویموت و ککلان بر سر طایفهٔ تکه رفته تنبیهی کامل و به سزا از آنها نمود.

عبدالله خان صارم الدوله به منصب میرپنجگی و یک ثوب کلیجه از ملابس خاص مفتخر شد.

امیراصلانخان حاکم گیلان به لقب عمیدالملکی ملقب گردید. معادن گلوله ریزی مازندران خوب کار می کنند و اهل این ولایت نیز در کاشتن نیشکر و عمل آوردن شکر اهتمام می نمایند. جان محمدخان قاجار به حکومت شاهرود و بسطام و خلعت همایون سرافراز گردید.

چون تکمیل هر علمی منظور انور همایون است، مقرر فرمودند تواریخ ایران را از جائی که تاریخ روضه الصفا ختم نموده و خاتمه در زمان سلطان حسین بایقراي گورکانی بوده و از آن وقت تاکنون سیصد و هفتاد و دو سال گذشته تاریخ این مدت را رضاقلی خان ناظم مدرسهٔ مبارکه دارالفنون که از اجلهٔ امراء و در تواریخ سلف و حوادث ایام و سنوات تتبع تام و تمام دارد در سه جلد نگاشته ضمیمهٔ هفت جلد روضه - الصفا نماید و فهرستی بر طبقات انبیاء و سلاطین الی الآن قرار دهد که تأخیر و تقدیم طبقات و عدد و زمان ملک ایشان به سهولت معین و واضح باشد و یک هزار نسخه از این کتاب که موسوم به «روضه الصفاي ناصری»

۲- برادر میرزا حسین خان سپهسالار قزوینی. یحیی خان که ابتدا وزیر مخصوص لقب

داشت، پس از مرگ سپهسالار، لقب شیرالدوله نیز یافت و به وزارت خارجه نیز رسید.

گردید و عبارت از ده جلد است یعنی هفت جلد سابق و سه جلد لاحق به حلیه طبع درآوردند.

میرزا ملکم خان سرهنگ اتاماژر و مترجم مخصوص دولت علیه مأمور به سفارتخانه این دولت قوی شوکت در اسلامبول گردید.

چراغعلی خان حاکم خمسه به یک قطعه نشان از مرتبه سیم میرپنجگی مفتخر شد.

مبلغی تخفیف به رعایای گیلان مرحمت فرمودند.

محمد ابراهیم خان یزدی به حکومت خوانسار و گلپایگان و خلعت همایون سرافراز گشت.

در ساوه انقلاب هوایی فوق العاده شده رعد و برق نمودار و باران طوری نزول نموده که در نیم ساعت سیل عظیمی برخاست و یک صد و پنجاه باب خانه در خود ساوه خراب کرد و بسیار خانه ها نیز از سیلاب پر شد.

طفلی در دارالخلافه تولد نمود که سه سر داشت. یک سر به صورت متعارفی انسانی که همه چیزش درست مگر یک چشم نداشت که جای چشم بود و بی تخم چشم و دو دندان و زبانی زبر و کوچک مثل زبان خروس داشت. سر دیگر به قدر نارنج بزرگی بود و بی مو و بدون هیچ آثار علامت. سر سیم به قدر هندوانه قراباغی و آن هم بی آثار و علامت. دستهای پیچیده سک (؟) دست و پاهایش نیز پیچیده و در دستها چهارده انگشت داشت و آلت رجولیت نداشت ولی خصیتین داشت. ممر بولش سوراخ کوچکی بود. آوازش مانند آواز جوجه خروس. بیست و چهار ساعت زنده بود بعد فوت شد.

مرتضی قلی خان (جناب و کیل الملک) ولد محمد اسماعیل خان نوری (مرحوم و کیل الملک) به منصب سرهنگی سرافراز گردید.

روز عید سعید فطر سلام عام در تالار تخت مرمر انعقاد یافته عموم چاکران آستان سپهر نشان همایون به زیارت جمال مهر مثال مقدس سرافراز گردیدند.

میرزا محمد صادق قائم مقام به یک حلقه انگشتری الماس گران بها و یک ثوب جبه ترمه از ملابسات خاص و حمایل و نشان امیرتومانی مفتخر و

مرخص شد که معاودت به آذربایجان نماید.
 فرخ خان صندوقدار خاصه به لقب جلیل امین الملکی و یک قطعه نشان
 تمثال همایون مکمل به الماس مفتخر گردید.
 میرزا صادق کاشانی به لقب خانی و درجهٔ سیم سرهنگی و منصب
 نیابت اول کارپردازخانهٔ بمبئی سرافراز گردید.
 جعفرقلی خان قاجار سرتیپ افواج مراغه به منصب میرپنجگی
 مفتخر گردید.

در زهاب من اعمال کرمانشهان تگرگی باریده که از قرار مذکور
 هردانه به قدر نارنجی کوچک بوده و بعضی مال و مواشی را تلف نموده.
 محمدتقی خان پسر حاجی محمدهاشم خان امیر دیوان فارس
 به سرهنگی فوج حومهٔ شیراز برقرار گردید.
 سلطانعلی خان مظفرالدوله پسر سردار کهندل خان حاکم قندهار
 که سابقاً به رکاب مبارک آمده بود، بعد از تعرضات و سوء سلوک امیر -
 دوست محمد خان که اولاد سردار کهندل خان مرحوم متواری و فراری
 شدند و آنچه داشتند از آنها گرفتند، معزای الیه با برادرش سردار -
 عبدالله خان و جمعی خوانین آچکزائی با اهل و عیال با امیدواری تمام
 پناه به این دربار معدلت مدار آورده مقرر فرمودند که در خراسان جا
 و مسکن شایسته به جهت خود و عیالشان معین نمایند و از نقد و جنس
 به جهت اخراجاتشان مرحمت شد.

چون قورخانهٔ شیراز کوچک و مختصر بود، حسب الامر نواب والا
 مؤیدالدوله حکمران فارس قورخانهٔ خوبی می سازند.
 محمودخان قراگوزلو (جناب ناصرالملک) به منصب میرپنجگی
 و خلعت همایون سرافراز گردید.
 میرزا جعفرخان یاور توپخانهٔ مبارکه به منصب سرهنگی توپخانه
 نایل و مخلع گشت.

آخوند ملاکاظم که از جملهٔ فقها و مجتهدین دارالخلافه بود در
 اواخر ماه شوال داعی حق را لبیک گفت.
 نواب والا اردشیر میرزا حکمران دارالخلافهٔ باهره به یک ثوب
 جبّهٔ ترمهٔ زمردی حاشیه دار و میرزا موسی وزیر دارالخلافه به عصای
 مرصع به جواهر مفتخر گردیدند.

علی آقا نایب آجودانباشی به منصب سرهنگی سرافراز گردید.

میدان نقش جهان اصفهان را حسب الامر تعمیر می کنند.

چون مابین سلاطین با تمکین دول اروپا معمول است که معتبرترین نشانهای دولت خودشان را به جهت دلیل و علامت کمال اتحاد با هم به یکدیگر اهدا می نمایند و بنابر مودت کامله مابین دولتین ایران و فرانسه این اوقات اعلیحضرت ناپلئون امپراطور ممالك فرانسه اعظم نشانهای دولت خودشان را از درجه اول (لژیون دنر) (۱) مرصع به الماس باحمایل و لوازم آن به انضمام نامه مهر علامه نزد جناب مسیو بوره وزیر - مختار وایلچی مخصوص دولت فرانسه مقیم دربار دولت علیه ارسال و جناب معزی الیه را مأمور تبلیغ آن به انجمن حضور سرکار اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی داشتند. روز هفتم ماه ذیقعه جناب معزی الیه در قصر نیاوران به اتفاق مسیولژن نایب سفارت که مخصوصاً از سفارت حامل نشان شده و اجزای سفارت به حضور همایون تقدیم نموده و از جانب اولیای دولت علیه شرایط احترامات و تشریفات چنان که شاید و باید به وجه اکمل در قبول این هدیه سینه به عمل آمد.

روز یازدهم ذیقعه موکب همایون از بیلاق نیاوران به سمت دماوند و فیروزکوه تشریف فرما شدند.

هم دراین روز جناب امین الملک فرخ خان که به وصف ایلچی گری کبیر از طرف قرین الشرف ملوکانه مأمور به دربار دولت فرانسه بود با نامه مهر علامه همایون از دربار معدلت مدار مرخص شده عازم صوب مقصد گردید. نیز به جناب امین الملک مأموریت مخصوص و جداگانه دادند که از جانب سنی الجوانب اعلیحضرت شهریاری بعضی مکنونات خاطر همایون که شفاهاً به ایلچی کبیر القا شده بلاواسطه در اسلامبول به حضور اعلیحضرت سلطان عثمانی تبلیغ نماید.

ذوالفقارخان حاکم قم و ساوه به منصب جلیل استیفا سرافراز گردید.

مهر علی خان شجاع الملک به یک قطعه نشان از درجه اول میرپنجگی مفتخر شد.

عیسی‌خان بیگلربیگی قاجار به حکومت ملایر و تویسرکان و خلعت همایون نایل گشت.

عمارت علی‌قاپی اصفهان را که معظم عمارات است شکستگی در تالار او به هم رسیده حسب الامر نواب والا حشمةالدوله حکمران اصفهان تعمیر می‌نمایند.

عبدالحسین‌خان برادر مؤلف که از شاگردهای پیاده نظام و درس زبان مدرسه دارالفنون بود به منصب سرهنگی خارج از فوج سرافراز گردید و یک صد تومان بر مواجب سابق او افزودند.

جناب سیف‌الملک سفیر کبیر دولت علیه از پطرزبورغ با تشریفات کامله که از جانب دولت روس در حق معزی‌الیه به عمل آورده‌اند با اجزای سفارت به تفلیس مراجعت کرده و از تفلیس نیز از راه خداآفرین رود ارس عازم دارالخلافة باهره شده‌اند.

در این ایام، در اصفهان بدون این که ابری ظاهر شود روشنی برق مانند تابیده چنان که تمام شهر را روشن کرده و دیگر چیزی معلوم نشد. بعد از دو سه روز طرف عصر صدای مهیبی مثل آواز توپ در آسمان ظاهر و پس از آن روشنی مثل شعله آتش که بسیاری از اهالی شهر عیان دیدند. و آن روشنی سه پارچه شده دو پارچه آن طوری به زمین فرورفت که اثری از آنها ظاهر نشده یک پارچه را که به قدر دو ذرع به زمین فرو رفته بود بیرون آوردند و آن پارچه سنگی بود به وزن چهار من تبریز.

میرزا محمد زمان به منصب امارت دیوانخانه و خلعت همایون سرافراز شد.

طوایف تکه جمعیتی کثیر جمع و قصد تاخت و تاز را نمودند. جعفرقلی‌خان ایلخانی حکمران استرabad با جمعی از قشون ظفرنمون بر سر آنها رفته شکست فاحشی به آنها داده نظر به جلادت و رشادتی که از معزی‌الیه به ظهور رسیده به یک قبضه شمشیر مرصع از جانب سنی‌الجوانب همایون مفتخر گردید.

محمدشاه‌خان سبی و نادرشاه خان پسرش قلعه سب را در بلوچستان حصین شمرده نظر به این که بیست و شش خشت بدنه و سی و دو ذرع ارتفاع دیوار قلعه سب است که بیست ذرع خاکریز دارد دم از خودسری می‌زد.

سپهدار حکمران کرمان امامعلی خان سرتیپ افواج کرمانی را با قشون کرمانی و خلیج و غیره مأمور بلوچستان نموده آن قلعه را محاصره و یک بدنه آن قلعه را به ضرب توپ ویران و نقب به زیر برج زده و قلعه را مسخر و محمدشاه خان را با نادرشاه خان و اتباع آنها دستگیر کردند.

پاشا خان پیشخدمت خاصه همایون به لقب امین صره گی قشون نظام و غیر نظام ملقب گردید.

میرزا محمدتقی مستوفی متخلص به سپهر که علاوه بر سایر خدمات دیوانی کتاب «ناسخ التواریخ» را که مشحون بر احوال انبیاء علیهم السلام و جمیع سلاطین روی زمین و عموم علما و حکما و غیره است تألیف نموده نیز کتاب موسوم به «براهین العجم» را در قواعد شعر فارسی که از قرون ماضیه مستور مانده نگاشته از طرف قرین الشرف همایون ملقب به لسان الملك گردید.

شب عید قربان جناب صدراعظم را به اعطای جبه شمسه دار سنگین و عصای مرصع مباحی فرمودند.

میرزا صادق لشکر نویس آذربایجان و میرزا احمد مشرف توپخانه آذربایجان که احضار به دربار همایون شده بودند مخلص گردیده مرخص و روانه آذربایجان شدند.

در بندر بوشهر از پانزده بدنه لب دریا که حسب الامر مقرر شد بسازند هشت بدنه را تا کنون ساخته و مشغول باقی هستند.

اصلاحات خان یاور توپخانه مبارکه به منصب سرهنگی و خلعت همایون مفتخر گردید.

موکب همایون روز دوشنبه سلخ ذیحجه الحرام از بیلاق افجه و لواسان تشریف فرمای نیاوران گردیدند.

وقایع و سوانحی که در این سال در تمام روی زمین و اقطار عالم اتفاق افتاده

اتائونی ینگیدنیا:

مجادله شدید در مجلس مابین و کلاء که مایل به آزادی غلامها بودند و آنهایی که نبودند. انتساب بوکانان (۱) نام به ریاست جمهوری که طالب عدم آزادی غلامان سیاه‌اند که در بعضی ایالات اتائونی به‌طور وحوش و چهار پایان با آنها رفتار می‌شود و به‌زخم تازیانه و زجر بی‌رحمانه آنها را به کارهای پرزحمت وامی‌دارند و به‌وجه مملوک آنها را مبیعه می‌نمایند برقرار گردید.

اسپانیا:

شورش در اغلب از نقاط مملکت علی‌الخصوص در مادرید پایتخت. انتشار کلمات مستهجنه نسبت به‌مادر ملکه. ضبط املاک مادر ملکه و بعد از چندی رد کردن. بروز شورش درمالاکا.

افریقا:

فوت سلطان مسقط سعیدنام که پنجاه سال تمام سلطنت کرده بود درزنگبار. این شخص مملکت عمان را در عربستان از دست تطاول طایفه وهابیه انتزاع داد و با دول انگلیس و فرانسه و اتائونی ینگیدنیا معاهدات تجارتی بست.

آلمان:

تولد دختر اعلیحضرت امپراطور اطریش در بهار. مسافرت اعلیحضرت امپراطور و امپراطریس به ایتالیا. در ایالت باد، عروسی برادر والی - که به واسطه عدم لیاقت برادر بزرگ‌ولایت به‌او تعلق گرفته است - با شاهزاده خانم لوئیز دختر برادر پادشاه پروس که الحال امپراطور آلمان است.

انگلیس:

خبر مصالحه روس و عثمانی را تمام مملکت انگلیس با کمال میل و رغبت پذیرفتند.

دوک دوکامبریج از منسوبان پادشاه انگلستان که در جنگ سواستاپول حضور داشته به منصب سپهسالاری کل عساکر انگلیس برقرار شد.

مسافرت شاهزاده فردریک پروس (همین شاهزاده حالا ولیعهد است) به انگلیس به خواستگاری دختر بزرگ پادشاه انگلیس.

در هندوستان پادشاه مملکت اود (۱) را دولت انگلیس از سلطنت خلع نموده آنجا را متصرف شده جنرال اطرام (۲) به حکومت آنجا مأمور گردید.

جمعیت این ایالت هشت کرور است.

اعلان جنگ با دولت ایران در اول نوامبر پائیز و این مطابق است با اوایل سنه هزار و دویست و هفتاد و سه و شرح آن بیاید.
لونغستن (۳) مسافر و سیاح انگلیسی بعد از سیاحت کامل در داخله افریقا صحیح و سالم به جزایر انگلیس معاودت می کند.

ایطالیا:

شش کرور تومان دولت به جهت مخارجی که در جنگ سواستاپول نموده است قرض می خواهد.

کنت کاوور وزیر اعظم دولت در مجلس کنگره پاریس از برای دولت خود بعضی امتیازات می طلبد و می گیرد (توضیح آن که مقصود از کنگره (۴) که از زبان لاتین اقتباس شده به معنی انعقاد مجلس به جهت شورا در امورات معظمه است. اجزاء این چنین مجلسی باید شخص سلاطین یا سفرای کبار ایشان که اقوال و اعمالشان همان اثر اقوال و اعمال سلاطین را داشته باشد).

ایجاد اسپوزیسیون مختصری در روم.

۱- Oude

۲- Sir James Outram

۳- Livingston

۴- متن: کونگره

جمعی قصد قتل پادشاه ایتالیا نموده‌اند. رئیس این اشخاص که یکی از اهالی سیسیل بود به دست آمده مقتول شد.

پرتغال:

شورش و ازدحام سخت در لیزین (۱) پایتخت این دولت به جهت گرانی نان. افتتاح راه آهن از لیزین به کارکاد طرف سرحد اسپانیا.

چین:

زلزله شدید در پوچنگ. عمارت سلطنتی واقع در پنج فرسخی پایتخت. یکی از اولاد خاقان که در آنجا متوطن بود زیر آوار رفته تلف می‌شود.

روس:

فوت پرنس پسکویچ معروف در ورشو در زمستان. حکومت پرنس گرچاکف در لهستان به جای پسکویچ که حاکم بود. کنت ارلوف (۲) به منصب صدارت برقرار می‌شود. کنت نسلرود از وزارت خارجه استعفا نموده پرنس الکساندر گرچاکف به جای او منصوب می‌شود.

جشن تاجگذاری اعلیحضرت امپراطور در مسکو در ماه عقرب (۳) قرارداد با يك کمپانی معتبر که در چهار نقطه مملکت بنیان راه آهن نماید. اول از ورشو به پطر، دویم از مسکو به نیژنی نوگورد (۴)، سیم از مسکو به کافا (۵)، چهارم از کورسک (۶) به سمت کورلاند.

سود و نروج:

افتتاح راه آهن از نری به اربرو (۷). آزادی مذهب در این مملکت.

سوئیس:

گفتگوی سخت مابین ایالت جمهوری سوئیس با دولت پروس. تهیه جنگ طرفین. دولت وورتبرگ (۸) و اطیش مایل به این جنگ نیستند.

۱- Lisbonne

۲- Orlov

۳- آبان ماه و تقریباً مقارن نوامبر سال فرنگی.

۴- Nijni - Novogorod

۵- Kaffa (کافا)

۶- Kursk

۷- Orbero

۸- Wurtemberg

عثمانی:

انتشار فرمان اعلیحضرت سلطان که مشتمل بر بیست و یک فصل است در آزادی و رفاهیت عیسویان تبعه خود. مسلمانهای تبعه عثمانی از این فرمان کمال نارضایتی را دارند. در سمت آسیای خاگ عثمانی اذیت زیاد عیسویها از مسلمانان می بینند.

اهالی ملداوی و والاشی (مقصود افلاق بغداد است) طالبانند که یک ایالت شوند.

در مصر راه آهن از اسکندریه به قاهره افتتاح می یابد. مهندسین که به جهت حفر نهر مجمع البحرین سوئز به مصر آمده بودند این طور مقرر داشتند که از بندر سوئز واقعه در ساحل بحر سفید الی پلوز (۱) که در ساحل بحر احمر است نهر مستقیمی بدون اعوجاج حفر نمایند. در جزیره قندی (۲) زلزله سخت رونمود.

مسئله شرقیه:

دولت انگلیس مشغول تدارکات زیاد است که از دریا به بندر کرونشتاد (۳) روس حمله برد.

شورای عسکریه دول متعاهده در عمارت طویلری با حضور اعلیحضرت امپراطور ناپلئون سیم در فقره جنگ با دولت روس. بروز مرض تیفوس در میان عساکر دول متعاهده.

دولت اطریش که ابرام زیاد در مصالحه دارد، دولت روس را بر این داشت که مقدمات شروع مصالحه را قبول کند. انعقاد مجلس کنگره در پاریس و صورت اجزای مجلس از این قرار بود: کنت والفسکی (۴) وزیر امور خارجه فرانسه که ریاست مجلس هم براو قرار گرفت. از طرف دولت اطریش کنت بوئول (۵) و بارون هوبنر (۶). از طرف دولت انگلیس لرد کلارندون (۷) و لرد کولی (۸). از طرف دولت روس بارون برونف و کنت ارلوف. از طرف دولت ساردین و ایتالیا کنت کاوور. از طرف دولت عثمانی عالی پاشا. مأمور دولت پروس بعد از چندی قبول

۱- Péluse

۲- Candie (= جزیره کرت)

۳- Kronshtadt

۴- Walewski

۵- Buol

۶- Hübner

۷- Clarendon

۸- Cowley

شد. ابتدا حضور نداشت. انعقاد مصالحه مابین دول متعاهده و عثمانی در یک طرف و دولت روس از طرف دیگر در اواسط بهار. دولت عثمانی از این به بعد در تحت حمایت دول معظمه فرنگ خواهد بود.

قرادنگیز به جهت تجارت جمیع دول آزاد خواهد بود و کشتی جنگی هیچ دولتی در آنجا وارد نخواهد شد. در تابستان، قشون متعاهده سواستاپل را تخلیه کرده به تصرف کارگزاران دولت روس دادند و از آن طرف عساکر روس قارص را به تصرف عثمانی. عزل عالی پاشا و نصب رشید پاشا.

دول انگلیس و فرانسه پادشاه ناپل را تهدید براین می کنند که اگر آزادی به رعایای خود ندهد سفاین جنگی این دو دولت به زودی ورود به ناپل خواهند نمود. دولت روس در این تهدید متألم شد.

فرانسه:

افتتاح مجلس پارلمان که در بهار واقع شد و نطق اعلیحضرت امپراطور ناپلئون که امید به صلح می دهد سبب خوشحالی عامه گردید. باوجود این نطق صلح آمیز یک صد و چهل هزار قشون علاوه بر معمول حاضر رکاب شدند.

تولد پسری از امپراطریس فرانسه در بهار.

سردارانی که به منصب مارشالی برقرار شدند: جنرال کان روبر (۱)، بوسکه، راندن (۲) که این آخری حاکم الجزایر بود.

انعقاد مصالحه مابین دولت روس و عثمانی به اطلاع و وساطت دول متعاهده در اواسط بهار.

کنت ارلف سفیر کبیر روس به اعلیحضرت امپراطور ناپلئون رسماً جلوس اعلیحضرت الکساندر دویم را به تخت سلطنت روس اظهار می دارد. اتحاد و مراده دوستی مابین دولت روس و فرانسه. سفارت کنت مرنی (۳) در مملکت روس به جهت تهنیت جلوس اعلیحضرت الکساندر دویم امپراطور روس.

نود و پنج هزار نفر از قشون فرانسه در این جنگ سواستاپل چه از زخم و چه از امراض مختلفه به هلاکت رسیدند.

دولت فرانسه معادل بیست کرور تومان ایران به‌اشخاص وعده می‌دهد که اراضی باتلاقی که در مملکت فرانسه است و قابل زراعت نیست آنها را خشک کنند و حاضر از برای هر نوع زراعت نمایند و هر کس در این فقره اختراعی کرده باشد که به‌آسانی بتوانند این قبیل اراضی را خشک نمایند علاوه حقی هم داده خواهد شد.

کتابچه خرج و دخل دولت که در مجلس خوانده شد دخل تقریباً سیصد و سی و نه کرور تومان پول ایران و خرج دولت تقریباً سیصد و چهل کرور.

طغیان رودخانه‌های رن ولوار در اوایل تابستان و خرابی زیاد ایالاتی که در سواحل این رودخانه‌ها واقع شده. اعلیحضرت امپراطور ناپلئون بشخصه به سرکشی این ایالات می‌رود.

سفر اعلیحضرت امپراطور به دریای شمال. نیابت سلطنت در غیبت امپراطور ناپلئون با امپراطریس زوجه ایشان است.

قشون فرانسه کلیه از خاک عثمانی مهاجرت کرده وارد اوطان خود می‌شوند. قریب سیصد هزار نفر قشون فرانسه در سواستاپل و سایر نقاط خاک عثمانی در این جنگ باروس حاضر بودند. مارشال پلیسیه که قلعه مالاکف سواستاپول را فتح کرد به لقب «دوک دمالاکف» برقرار و ده هزار تومان همه ساله مواجب خواهد داشت.

در الجزایر زلزله سخت علی‌الخصوص در شهر فلیپویل (۱).

یگ‌دنیای جنوبی - برزیل :

تعداد نفوس پانزده کرور و دویست و هفتاد و هفت هزار و هشتصد نفر.

یونان:

کوشش دولت برای دفع راهزنان و اشرار.

شرح سال دهم

سلطنت و تاجداری اعلی حضرت شاهنشاه جم‌جاه

خسرو صاحبقران ادام‌الله تعالی ایام‌ملکه

مطابق سنه هزار و دویست و هفتاد و سه هجری

لوی‌نیل‌ترکی

از بدو این سال خیرمآل ذات‌ملکوتی صفات مقدس رأی صواب-
نمای همایون را متوجه مهام امور سلطنتی و جلب منافع و دفع مضار کشور
ولشکر می‌فرمودند و هریک از چاکران را به اندازه لیاقت مشمول عواطف
و مکارم خسروانه می‌داشتند.

حاجی قوام‌الملک که در صفحات فارس خاصه در انتظام بندربوشهر
خدمات لایقه نموده بود به یک قطعه نشان تمثال همایون مفتخر گردید.
دهه عاشورا تکیه مبارکه دولتی را که در جنب قصر نیاوران بنا
نموده‌اند در کمال شکوه بسته در آنجا تعزیه‌داری و روضه‌خوانی می‌نمایند.
نواب والامؤید [الدوله] حکمران فارس حسب الامر بقعه متبرکه
امامزاده شاه میرحمزه علیه السلام و عمارات تکیه خواجه حافظ علیه الرحمة
و شاه‌داعی و باباکوهی را تعمیر می‌نمایند.

حاجی محمدعلی جراح نظام جراح‌باشی نظام شد.

موکب همایون روز پنج‌شنبه بیست و چهارم محرم چون میزان (۱)

داخل شده و هوای دارالخلافه اعتدال یافته از بیلاق نیاوران تشریف فرمای قصر نگارستان گردیدند.

میرزا رفیع و کیل نواب والا احتشام الدوله به منصب جلیل مستوفی گری نایل گردید.

جناب سیف‌الملک سفیر کبیر دولت علیه ایران که به سنت پترزبورغ رفته بودند مراجعت کردند و به اعزاز تمام وارد دارالخلافه شده جواب نامه اعلیحضرت همایون را که اعلیحضرت الکساندر دویم امپراطور روس انفاذ داشته بودند تبلیغ نمودند.

میرزا عبدالغفار خان نایب وزارت امور خارجه به یک قطعه نشان از درجه اول سرهنگی با حمایل این رتبه سرافراز گردید. محمدقلی خان ایلخانی فارس به یک قبضه کارد مکلل به الماس مفتخر شد.

میرزا ابوالحسن خان مشیرالملک وزیر فارس به خلعت همایون نایل گشت.

محمدخان ولد مرحوم محمدحسن خان سردار به منصب جلیل میرپنجگی و یک هزار و پانصد تومان مواجب سرافراز آمد و ویوسف خان سرتیپ و حاکم یزد ولد دیگر مرحوم مشارالیه نیز به هشتصد تومان مواجب و ایضاً ابوالفتح خان و عبدالحسین خان ولدان مرحوم سردار هر یکی به هفتصد و پنجاه تومان مواجب نایل گردیدند.

باد بسیار گرمی در خراسان وزیده جمعی را تلف نمود.

سردار سلطانعلی خان مظفرالدوله پسر مرحوم سردار کهندل خان باخانه و عیال از قندهار به عزم خدمتگزاری این دولت جاوید آیت به ارض اقدس آمده محمد اکرم خان رئیس و بزرگ آچکزائی را به رکاب مبارک فرستاده مشارالیه به خلعت همایون نایل و خلعتی هم برای مظفرالدوله و برای سایر ریش سفیدان آچکزائی هم خلایع مرحمت شد و اخراجات آنها را نیز قرار دادند که در ارض اقدس بدهند و همانجا مشغول خدمتگزاری باشند.

تیمور قلی خان هزاره نیز با چند نفر از ریش سفیدان طایفه خود به دربار معدلت مدار آمده قرار نوکری آنها را اولیای دولت علیه داده

به خلعت و انعام ملوکانه نایل و از آستان مبارک رخصت انصراف حاصل نمودند.

میرزا عنایت‌الله امین لشکر به یک قطعه نشان از مرتبه اول میرپنجگی و حمایل مخصوص این رتبه مفتخر گردید.

سید سعیدخان امام مسقط که به بندرعباس آمده مشمول عنایت اولیای دولت ابد مدت شده معاودت به بندر مسقط کرده و روز ورود به آن بندر محض مسرت از ظهور مراحم امنای دولت علیه برخورد عید سعید قرار داده و مباحات کلیه و تقدیم بعضی خدمات نموده است.

جناب سیف‌الملک میرپنج که در مأموریت و سفارت کبرای سنت – پطرزبورغ در تشیید مبانی مودت و مخالفت دولتین ذی شوکتین لازمه کفایت را به ظهور رسانیده به یک قطعه نشان تمثال همایون مکلل به الماس مفتخر گردید.

جناب مسیو بوره ایلچی مخصوص و وزیر مختار بعد از حصول اجازه موقه به فرانسه معاودت کرد.

در ماه صفر زلزله شدیدی در تبریز شد ولی به جائی اذیت نرسانید. معصوم خان یوزباشی غلامان شهریاری مرحوم و شکرالله خان نوری به جای او به منصب یوزباشی گری سرافراز گردید.

در استراباد زلزله شدیدی شده و بعد از آن باد شدیدی وزیده همان روز ناخوشی وبا بروز نمود.

محمدخان پسر حاجی جابرخان به منصب سرهنگی سرافراز و مأمور گرفتن فوج جدید عرب گردید.

شب عید مولود مسعود همایون در دارالخلافة باهره و تمام ولایات جشن گرفتند و شرایط روز عید نیز به عمل آمد.

جناب امین‌الملک فرخ‌خان ایلچی کبیر دولت علیه به سرحد دولت عثمانی رسیده کمال‌پذیرائی و احترامات را درباره او مبذول داشته‌اند.

روز دوشنبه چهارم ربیع‌الاول مژده فتح هرات را معروض خاکپای همایون نمودند و تفصیل آن از قرار ذیل است:

مجاربه و محاصره عساكر منصوره هرات را
 وفتح آن بلد وجاهای دیگر به دست قشون
 ظفرنمون به سرداری نواب والاحسام السلطنه
 والی خراسان

سابقاً اشارتی از سوء سلوک صید محمدخان ظهیرالدوله و شوریدن اهالی هرات براو و طلبیدن شاهزاده محمد یوسف بن شاهزاده قاسم بن فیروزالدین که سالها در خدمتگزاری این دولت جاوید شوکت در خراسان بود و به جای ظهیرالدوله برقرار گردید نمودیم. شاهزاده محمدیوسف همین که به جای صید محمدخان برقرار شد عریضه به دربار معدلت مدار شاهنشاهی عرض کرده تشکرات از نعمای ولی نعمت کل ممالک محروسه نموده نیز عریضه ای که محمد حسن قاضی و امین محکمه شرع و محمد عثمان قاضی و فیض الله مفتی و میرزا ابوالقاسم صوفی بن - صوفی اسلام کرخی و قاضی ابوالخیر و شیخ مرتضی و کیل افاغنه و فیض - محمد مدرس و سردار عیسی خان بردرانی و جمعی علمای هرات نوشته و مهر نموده که ظهیرالدوله را امراض دماغی دامنگیر است و ماتمکین به حکومت شاهزاده محمدیوسف داریم و مستدعی امضای همایون و تشریف و منشور مهر ظهور اعلی دربارۀ معزی الیه می باشیم. استدعای آنها موقع قبول افتاده حسب الامر الاقدس فرمانفرمای خراسان خلعت و فرمان حاکم هرات را به عباسقلی خان گروسی داده روانه داشتند و شاهزاده محمد یوسف، مجیدخان سردار سرحد غوریان را با پانصد سوار و یک عراده توپ به استقبال خلعت همایون فرستاد و بعد از ورود به کوهستان هرات، میرزا محمدعلی خان هروی به استقبال آمد و چون قدری نزدیکتر شدند، خود شاهزاده محمدیوسف باده هزار پیاده و سوار آراسته استقبال کرده و در بقعۀ عبدالرحمن جامی خلعت پوشیده شرایط احترامات و تعظیفات را به عمل آوردند و به هرات مراجعت کرده در حکمرانی هرات استقلالی تمام یافت و به تقدیم بعضی خدمات پرداخت ولی تسویلات نفسانی بعد از آن او را به کارهای شنیع بداشت. اولاً ظهیرالدوله را بکشت به عذر این که قاتل کامران است؛ و ثانیاً برخلاف شرع، بدون به سر بردن مدت عده، زوجۀ ظهیرالدوله را در حبالۀ نکاح خود درآورد و با او همبستر شد. ثالثاً دو خواهر

ظهیرالدوله را نیز با مادر پیری بی گناه به قتل آورد و چندان نگذشت که امیردوست محمدخان امیر کابل قصد قندهار نموده آن را تصاحب کرد و به تسخیر فراه و سبزارکس فرستاده خاطر در فتح هرات بست. شاهزاده محمدیوسف متوحش شده عریضه به دارالخلافه عرض کرده مستدعی اعانت شد. مخصوصاً سامخان ایلخانی را بخواست و استدعای او قبول شده و سامخان با هزار سوار و پانصد شمشالچی روانه هرات گشت و مقرر شد که اگر لشکر کابل روبه هرات نهد باز از قشون ظفرنمون به سرداری والی خراسان به امداد بدان صوب شتابند و مدافعه نمایند. امیردوست محمدخان که خبر ورود سامخان را شنید ودانست عساکر منصوره آهنگ هرات نموده اند دانست که دراین صورت کاری ازپیش او نخواهد رفت. لهذا خیال و تدابیر اندیشید و بعضی افاغنه را به وعده و وعید مستمال نمود و اعظم آنها را با سامخان ایلخانی بددل کرد و او را از نزول به ارگ هرات عذر خواسته به باغ شاه منزل دادند و در آنجانب به توقف رضا نداده به قلعه ملک که در دوفرسنگی شهر هرات است روانه اش نمودند. چون بدانجا رفت جمعی را به قتلش گماشتند و به خارج شدن از خاک هرات مجبورش کردند و اظهار عدم احتیاج به معاونت این دولت نمودند. چون سامخان ایلخانی به شکیبان در رسید، عریضه به نواب و الاحسام السلطنه فرمانفرمای خراسان نوشته که افاغنه در راه و بیراه قصد قتل من دارند. اگر ممکن باشد مرا از این گروه برهانید. نواب معظم الیه پاشا خان سرتیپ را با جمعی سوار به ایلغار روانه شکیبان نمودند و سامخان را با همراهان او مستخلص ساخته ولی در غوریان باز جمعی بر سر راه ایلخانی و پاشا خان آمدند و بنای مجادله گذاشتند و این خبر به نواب و الاحسام السلطنه که در جام بودند رسید. با جمعیتی که همراه داشتند عزیمت آن صوب نمودند.

مقارن این حال، عریضه‌ای از سردار علی خان سیستانی از سه کوهه رسید که امیردوست محمدخان یکی از فرزندان خود را به تسخیر و غارت سیستان فرستاده. این حرکات امیردوست محمدخان که قبل از این ما بم عرایض و هدایا را به دربار معدلت مدار می فرستاد اولیای دولت را مایه حیرت شده نیز حرکت افاغنه در هرات سبب شد که امنای دولت جاوید شوکت حکم فرمودند که نواب و الاحسام السلطنه والی خراسان دفع این

مفاسد را به محاصره هرات پردازد و قشون ظفرنمون مأمور خراسان مشرقی گردیدند و افواج و سواره مزبور از قرار ذیل است:

فوج نصرت به سرتیپی محمدرضاخان کرکری تبریزی، فوج مخبران شقاقی جمعی قاسم خان، فوج خوئی به سرهنگی باقراقا، فوج جدید مراغه ابواب جمع اسکندر خان سرهنگ، فوج شقاقی جمعی ابوالفتح خان، فوج شقاقی به سرتیپی رحمة الله خان، فوج جدید افشار ارومی جمعی یوسف خان سرتیپ، فوج جدید طهران ایضاً جمعی محمدرضاخان - کرکری، فوج بزچلو جمعی عباسقلی خان سرهنگ، فوج قدیم قزوین متعلق به عباسقلی خان سیف الملک، فوج جدید قزوین جمعی خاناباخان - سرهنگ پسر مشارالیه، فوج افشارتکلو به سرهنگی فرج الله خان، فوج قدیم و جدید خمه جمعی میرزا ابراهیم خان سرتیپ، فوج ششم تبریز به سرهنگی باقرخان بن محمدخان امیرتومان، فوج جدید خدابنده لو به سرهنگی جعفرقلی خان، دوفوج عرب و عجم بسطامی به سرتیپی نواب جهانسوز میرزا، آقاخان میرپنجه و امیر علم خان سرتیپ و میر حسن خان و حسن خان باسواران خراسان و پیاده فوج ترشیزی و فوج قرائی و فوج نیشابوری خود در خراسان حاضر بوده اند، از توپچیان زیاده از هزار نفر به سرتیپی عبدالعلی خان واللهویردی خان سرهنگ، سواره خمه جمعی ذوالفقارخان بن حسینقلی خان خمه، سواره شاهسون افشار جمعی محمدتقی خان، سواره شاهسون دویرن جمعی لطف الله خان، جماعت قزاق جمعی پاشاخان، سواره افشار تکلو جمعی محمد صالح خان، سواره افشار اینانلو جمعی صفرعلی خان، سواره قراگوزلو و آدینه وند و عبدالوند و سواره غلام پیشخدمتان جمعی ابوالقاسم خان سرتیپ غلامان خراسانی، از تربیت یافتگان دارالفنون که در علم توپخانه و هندسه و سایر متعلقات عسکریه استحضاری دارند چندتن، توپ قورخانه و لوازم به قدری که باید.

این جمله از نقاطی که متوقف بودند به راه افتاده به زودی ملحق به اردوی نواب و الاحسام السلطنه شدند. در این وقت اردوی والادریغوریان بود و چنان اتفاق افتاد که روز نهم رجب بی اطلاع قراولان قورخانه، آتش به قورخانه افتاده يك صدمبار باروط و گلوله يك باره آتش گرفت.

روز سه شنبه یازدهم اللهویردی خان سرهنگ توپخانه با چند عراده

توپ و هفتاد بار قورخانه از مشهد مقدس روانه غوریان شد. از آن طرف شاهزاده محمدیوسف سردار احمدخان قلعه‌گاهی را بادو هزار سوار افغان به اتفاق شاهزاده محسن درانی به محاربه قشون ظفرنمون فرستاد. این خبر به سمع والا رسیده سامخان ایلخانی را با سواره خراسانی و هزاره و صفر علی‌خان سرتیپ شاهسون و فوج ترشیزی و دوعراده توپ به استقبال افغانه فرستاده روز دیگر دو سپاه در کنار قلعه زنده جان تلاقی کرده سپاه افغان را شکستی فاحش داد و تادو فرسخی هرات تعاقب کردند. و این اول فتح عساکر منصوره بود و از آن پس فتوحات تواتریافت و نواب والاحسام السلطنه حکم به محاصره غوریان دادند.

روز بیست و یکم رجب حسنعلی‌خان سرتیپ گروسی (وزیر فواید) با فوج خود به لشکرگاه پیوست و کاربر قلعه‌گیان سخت شد. سردار مجیدخان افغان که حاکم غوریان و داماد سرتیپ عیسی‌خان کارگزار هرات بود، چون راه چاره را مسدود دید، با خضوع و لابه از در استیمان درآمد و امان یافت و غوریان به تصرف قشون نصرت نمون درآمد. چون این خبر به هرات رسید تزلزلی در ارکان خیالات بزرگان افغانه افتاده بسیاری به اردوی والا آمده اظهار انقیاد کردند و به اماکن و قبایل خود رفتند.

روز بیست و ششم رجب اردوی والا از کنار غوریان به طرف هرات کوچ کرد و امیر حسین‌خان برادر سامخان با پانصد سوار خراسانی و دو عراده توپ بر منقلای (۱) سپاه و هزار و دویست تن سواره عراقی بایک عراده توپ بر ساقه لشکر مأمور شدند.

روز دوشنبه غره شعبان نواب والا به یک فرسنگی هرات نزول کردند و زمین مصلی را لشکرگاه قرار دادند.

روز چهارشنبه سیم شعبان سامخان ایلخانی با پانصد سوار خراسانی واکراد و پاشا خان مکرری با دو فوج سمنانی و دامغانی و سواره کردو ترک و چهار عراده توپ تا چمن سنگ سفید که تیر پرتابی به شهر مسافت دارد رفتند و با سپاه افغانه که در تلال و وهاد آن محل کمین کرده بودند جنگ در گرفت. نواب والاحسام السلطنه خبر شده با سایر قشون ظفرنمون

بدین ساحت شتافته پس از ساعتی قتال، افغانه را شکست داده و فراریان را تعاقب کرده بسیاری از هزیمت یافتگان از بیم جان خود را به خندق انداختند. زن و فرزند شاهزاده محمدیوسف که تا این اوان به مشهد مقدس بودند پناه به حرم رضوی شرفها الله تعالی برده بستی شدند و میرزا - محمد حسین عضدالملک متولی‌باشی مستحفظ گماشت که از آن محل فرار نکنند. چون شاهزاده محمدیوسف کار را سخت دید به نواب والا پیامی عرضه کرده که من پروردهٔ نعمت اولیای دولت علیّهٔ ایرانم و از زلتی که رفته پشیمان و برآنم که شاهزاده محمدرضا را با وجوه اعظم هرات به رسم گروی به اردوی والافرستم. استدعا آن که این لشکر از کنار هرات به غوریان حرکت نماید و ترک محاصره کند تا خود از قفای اردو به حضور والاتشرف جویم و به دارالخلافه روم. امر امر اعلیحضرت شاهنشاه ایران است.

روز سیزدهم شعبان شاهزاده محمدرضا با گروهی انبوه از بزرگان هرات بیرون آمده دوعراده توپ که یکی را هنگام محاصرهٔ هرات از لشکر شهریار مبرور ماضی طاب الله ثراه هرویان برده بودند و دیگری را نواب والا حشمةالدوله به ظهیرالدوله یار محمدخان داده بودند بایبرقی که در این ایام از بیرق‌دار نیشابوری گرفته بودند انفاذ داشته و روانهٔ اردوی والا شدند و در باب استدعای شاهزاده محمد یوسف الحاح نمودند. نواب والا را که غرضی در این باب جز حفظ مصالح دولت علیه نبود آن مسئول را قبول واردو را حرکت داده هفت فرسنگ باز پس آمده در چمن شاه ده قرار گرفتند. اما شاهزاده محمد یوسف غدر کرده بود و به وعده وفا ننمود و مجدداً به تهیهٔ کارزار و حصانت دادن به حصار کوشید. در این وقت سردار مجیدخان داماد عیسی‌خان سرتیپ ملتزم خدمت والا بود. کس به هرات فرستاد و بر حسب امر والا، از عیسی‌خان تقدیم این خدمت بخواست. وی معروض داشت که اگر اردوی والا به غوریان باز پس رود، من شاهزاده محمدیوسف و برادرزادهٔ او شاهزاده محسن و سایر مفسدین را بند نهاده به لشکرگاه فرستم که با اعیان هرات به رسم گروی در دارالخلافه بمانند. لهذا نواب والا به دوفرسنگی غوریان نزول کردند و منتظر وفای وعدهٔ سرتیپ عیسی‌خان بودند. از آن طرف شاهزاده محمدیوسف استشمام رایحهٔ مطلب سرتیپ عیسی‌خان کرده با حاجی

غلامخان مواضعه درباب قتل سرتیپ مزبور نمود و روز بیستم شعبان حاجی غلامخان با جماعتی از طایفه خود بهخانه سرتیپ عیسیخان رفت که کار او را تمام کند. سرتیپ نیز مردم خود را جمع داشت. دو جماعت بهم ریخته حاجی غلامخان را پس از چند زخم منکر گرفته حبس کردند و روبهسرای شاهزاده محمدیوسف نهادند و او را و شاهزاده محسن و حاجی غلامخان افغان و پیرمحمدخان را دست بسته بهدست اماننیاخان و سواری چند داده بهاردوی والا آورده محبوس نمودند.

بعد از این مقدمه، سرتیپ عیسیخان رأیت استبداد برافراشت و بههوس حکمرانی هرات در حفظ برج و باره اهتمامی می کرد و به دوستمحمدخان از این کار مژده داد. چون مطلب معلوم نواب والا - حسام السلطنه شد و دانستند که عیسیخان بهاغوای دوستمحمدخان خیال خودسری دارد، اردوی والا را بهظاهر هرات نزول دادند و بهیورش و جنگ عرصه برشهریان تنگ کردند و مردم چندان که توانستند از شهر هرات فرار و بسیاری گرفتار سپاه منصور شدند. ازجمله شب چهارشنبه چهارم ذیحجهالحرام، اللهقلیخان برادر عبداللهخان جمشیدی با پانصد تن از جمشیدی و فیروزکوهی و بردرانی براسب و استر نشسته فرار می کردند که دچار قشون ظفر نمون گشته بسیاری از آنها کشته و بعضی دستگیر شده خود اللهقلیخان با چهار سوار جان بهدربرد.

وصول این خبر بههرات خاطر شهریان را آشفته نمود و بهحکم والا رحمهاللهخان و امیرعلمخان قاینی با سپاهی در خور بهفتح اسفزار مشهور به سبزار مأمور شدند و سردار علیخان سیستانی نیز با آنها همراه شد و قلعه لاش را بگرفتند و خیراللهخان که از جانب امیردوست - محمدخان حکومت فراه داشت برای رحمهاللهخان پیام داد که اگر با معدودی سپاه بدین سوگرایی فراه را بهتو سپارم و تابع و خدمتگزار دولت ایران شوم. لهذا رحمهاللهخان و امیرعلمخان آهنگ قلعه نجا که پنج فرسخی فراه است نمودند و این قلعه را مسخر کردند. نیز نواب والا حسام السلطنه آقاخان میرپنج را با پنج هزار کس بهسبزار فرستاده اهل سبزار تسلیم شدند. میرعلمخان و رحمهاللهخان نیز بهسبزار آمدند. بعد از آن نواب والا حکومت سبزار را بهمحمدعمرخان پسر سردار کهندل - خان واگذاشتند و میرعلمخان را بهتوقف نزد او امر نمودند.

روز پنجشنبه نوزدهم ذیحجه شاهزاده محمد یوسف و شاهزاده محمد رضا و حاجی غلام خان افغان را به همراهی بهادر خان جامی و جمعی سوار نواب والا به مشهد مقدس فرستادند و هرات دربند محاصره بود و امیر عباس خان هراتی که قبول خدمت این دولت ابدایت کرده بود مساعی جمیله در گرفتن هرات به ظهور می‌رسانید و نایره جدال اشتعال داشت و میرزا احمد مهندس که از تربیت یافتگان مدرسه دارالفنون و بدانجا مأمور بود به واسطه خدماتی که از او به ظهور رسید منصب سرهنگی یافت. آخر الامر سرتیپ عیسی خان دست خود را از دامن چاره دور دید و دانست که عساکر منصوره به قهر و غلبه شهر را مسخر خواهند نمود، لابد عریضه خدمت نواب والا حسام السلطنه نوشته اظهار انقیاد نمود. چون این بار برخلاف سابق راستی سخن او آشکار بود گوش به مطالب او دادند و ایلخانی به هرات رفته پس از مفاوضات، سرتیپ عیسی خان را مطمئن نموده روز شنبه بیست و پنجم صفر سرتیپ عیسی خان و عبدالله خان جمشیدی و بیگلربیگی و فتح‌الله خان فیروز کوهی به مرافقت سام‌خان - ایلخانی روانه اردوی والا شدند و نواب والا امر به پذیرائی ایشان نمود.

چون سرتیپ عیسی خان شرفیابی حاصل کرد نوشتجاتی که امیر دوست محمد خان در باب نگاهداری هرات به او نوشته بود به نظر والا رسانید و سپرد و مورد اشفاق شایسته گردید. روز دیگر خوانین هرات از قبیل محمد خان و خان محمد خان و امان نیاز ترکمان و سایر اعیان و اشراف به خدمت نواب والا پیوستند و کمر اطاعت بستند.

روز جمعه غره ربیع الاول سنه هزار و دویست و هفتاد و سه دو ساعت به غروب آفتاب مانده نواب والا حسام السلطنه و قوام الدوله و سران لشکر و چهار فوج افشار و مراغه و قزوین و خوی و ششصد سوار از دروازه قندهار داخل شهر هرات شدند و در ارگ قرار گرفتند و بزرگان و اعظم هرات را بنواختند و به عواطف اعلی حضرت شاهنشاهی مستظهر نمودند. و سام خان ایلخانی و حسین خان یوزباشی به جامع هرات درآمده خطیب به منبر صعود کرد و خطبه به نام همایون خواند و حضار به دعا و ثنا پرداختند. روز دیگر نواب والا به عمارت موسوم به چهارباغ که در میان شهر است آمده برمسند ایالت نشستند و اهالی هرات هریک در خدمت ایشان به مقام خود قیام نمودند و خطبه به نام

اعلیحضرت ظل‌اللهی خواندند و میرزا فتح‌الله بسطامی متخلص به «ذوقی» که از بلغاء شعراء و مترسلین است قصیده‌ای در فتح هرات انشاد نمود و میرزا سرخوش هروی را نیز قصیده‌ای در تهنیت این فتح است که مطلع آن این است:

گرچه شد فتح هری دیر ای حسام‌السلطنه
عاقبت کردیش تسخیر ای حسام‌السلطنه

وبه‌ملاحظه دیر و تسخیر که مجهول و معلوم است باید گفت حسن معانی به‌قبح قافیه ارزد.

بالجمله پس از آن که هرات مفتوح سپاه منصور گردید، نواب والا حسام‌السلطنه حسن‌بیک صندوقدار خود را با عریضه به‌دربار معدلت‌مدار فرستادند و او در چهارم ربیع‌الاول به‌دارالخلافة رسید. روز دیگر امیرحسین‌خان زعفران‌لو رسید و مژده ضبط و تصرف شهر را آورد. چون بعد از فتح هرات مبلغی خطیر بلافاصله زرناپ در دارالضرب هرات به‌اسم مبارک اعلیحضرت شاهنشاهی سکه کردند حسین‌خان یوزباشی حامل آن زر مسکوک گردیده با مجیدخان روانه دارالخلافة شد و سرتیپ عیسی‌خان عریضه ضراعت به‌درگاه آسمان‌جاه عرض کرد.

روز پنج‌شنبه هفتم ربیع‌الاول در دارالخلافة باهره جشن گرفتند و چراغانی کردند. روز هفتم سلام عام در تالار تخت‌مرمر منعقد گردیده عریضه نواب والا حسام‌السلطنه را میرزا محمدتقی مستوفی ملقب به لسان‌الملک در پیشگاه حضور مهر ظهور خسروانه قرائت کرد. خطابات ملهمات به‌جناب صدراعظم از خدمات نواب والا حسام‌السلطنه سلطان—مراد میرزا والی مملکت خراسان و قوام‌الدوله و سام‌خان ایلخانی و سایر سرکردگان سپاه فرمودند و میرزا محمدعلی‌خان اصفهانی ملقب به‌شمس‌الشعراء و متخلص به‌سروش قصیده‌ای در تهنیت این فتح عرض کرده بود که مطلع آن این است:

شهر هری مسخر شاه و ستاره یار ای‌غیرت ستاره بدین مژده می‌بیار

نظر به‌تدابیر صایبه جناب صدراعظم که در کار این جنگ کرده بودند یک ثوب کاتبی سمور ابره رضائی چهل‌بند بسیار اعلی که بندهای آن مرصع به‌جواهر ثمینه بود از ملابس خاص همایون به‌جناب معظم

مرحمت و اظهار مرحام کامله فرمودند و پاشا خان پیشخدمت امین صره (امین‌الملک) که ابتدا مؤدیه ورود چاپار حامل فتح‌نامه را به عرض خاکپای مبارک رسانیده به هزار تومان انعام ملوکانه نایل گردید و سه هزار تومان به اجله علما و سادات دارالخلافه و بعضی از قاجاریه مرحمت شد و علاوه بر ده هزار تومان که سابقاً به جناب آقا شیخ عبدالحسین مجتهد برای تعمیر عتبات عالیات داده بودند و روانه فرموده در این روز ده هزار تومان دیگر مبذول فرمودند و یک قبضه عصای مرصع به نواب والا حاجی محمد ولی میرزا مرحمت شد و جمعی دیگر از عوطف و انعامات ملوکانه بهره‌یاب گشتند.

میرزا محمد حسین دبیرالملک و احکام‌نویس نظام به یک ثوب جبهه ترمه کشمیری و یک قطعه نشان از مرتبه اول سرتیپی و یک رشته حمایل مخصوص این رتبه سرافراز گردید. میرزا عباس‌خان منشی اول وزارت امور خارجه نیز به خلعت همایون مفتخر گشت.

ذکرانفاذ خلعت و انعام از دارالخلافه برای نواب والا حسام‌السلطنه و اکابر سپاه

پس از آن که شرحی به لفظ گوهریار مبارک اظهار مرحام نسبت به نواب والا حسام‌السلطنه و سران سپاه عموماً فرمودند برای هر یک خلعت فاخره از ثياب ثمينه خاص و نشان و منصب و مواجب و انعام و لقب معين و مرحمت شد. چنان که برای نواب والا حسام‌السلطنه والی خراسان یک قطعه گل کمر مرصع به جواهر گرانبها و دشنه بانیام زرین و قبائی زربافت و چهار هزار تومان انعام مبذول داشتند و میرزا محمد قوام‌الدوله ولد مرحوم میرزا محمد تقی قوام‌الدوله وزیر خراسان و سام‌خان ایلخانی را به خلعت قیمتی مفتخر فرمودند و سام‌خان ملقب به شجاع‌الدوله گشت. و هزار و سیصد و پنجاه قطعه نشان طلا و نقره به بیاورها و سلطانهای افواج و سربازانی که رشادتی نموده بودند مرحمت شد و امیر حسین‌خان برادر سام‌خان ایلخانی و حسین خان یوزباشی را که به حضرت دارالخلافه آمده بودند مرسوم و مواجب مضاعف گردید و حسین‌خان یوزباشی

به منصب سرتیپی مفتخر گردید (۱) و حسن بیک فرستاده نواب والا حسام السلطنه به منصب سرهنگی و لقب خانی و خلعت همایون سرافراز شد.

علاوه بر خلاع و مناصب و نشانها که به سرکردگان مبذول شد نیز خوانین و سرداران هرات و صاحب منصبان و فضلا و قضات جداگانه به خلعتها و نشانها سربلند شدند و هفتاد هزار تومان وجه نقد به جهت مخارج و انعام و مساعدت مردم هرات و سپاه مأمور به هرات انفاذ شد و حامل این وجه حسین خان یوزباشی بود که منصب سرتیپی یافت و چون به خراسان رسید فوجی دو باجمعی سوار با خود همراه برد و در نواحی جام سواران سرخسی و قریاب و آخال سرراه براو گرفتند و قصد دستبرد داشتند. قشون همراه حسین خان با آنها مجادله نموده آن جمعیت کثیر را متفرق ساخته بلکه بعضی مال و حشم و اسیر که نهب کرده بودند مسترد نموده تا مسافت زیادی ایشان را تعاقب کردند و بسیاری از تراکمه مقتول و مجروح شدند و روز هفدهم جمادی الاول حسین خان با خلاع شاهنشاهی و وجوه مزبوره وارد هرات شد. نواب والا حسام السلطنه و بزرگان لشکر و اعظم شهر تا یک فرسنگی شهر خلعت مهر طلعت همایون را استقبال کردند و در باغ شاه خارج شهر جشنی عظیم برپا داشتند و هریک پیکر خود را از خلعتهای گران بها قرین افتخار و اعتبار داشتند. و بعد از رتق و فتق بسیاری از امور آن ولایت نواب والا در هرات بماند و قوام الدوله با نیمی از عساکر منصوره به مشهد مقدس مراجعت نمود. و چون بعضی از تراکمه گمان کرده بودند که مشهد مقدس و نواحی آن این اوان خالی از قشون است، روبدین سمت نموده که در این موقع از چپو و غارتی منتفع شوند. چندی از صاحب منصبان سپاه منصور با چند دسته قشون ظفر نمون بر سر آنها تاخته بعضی اسیر و گوسفند که به غارت برده بودند از آنها مسترد ساخته برخی را مقتول و باقی منهزم شدند.

۱- حسین خان یوزباشی که به منصب سرتیپی رسید بعدها در مدارج ترقیات کامله بود

تا به لقب شهاب الملکی نایل و حکومت کرمان یافت و آخر الامر ملقب به نظام الدوله شد و والی

خراسان گردید. سالی دومی باشد که مرحوم شده است (اع).

تذیل:

سابقاً اشارتی رفت که شاهزاده محمد یوسف حکمران هرات را به مشهد مقدس و از آنجا روانه دارالخلافه داشتند. چون به دارالخلافه رسید، بنابراین که منشأ تقصیرات بزرگ شده بود و مقرر بود که او را به حضور معدلت ظهور شاهنشاهی حاضر و به مؤاخذه اعمال و شراست خوی وی او را سیاست کنند، ولی در روز ششم صفرالمظفر که روز عید میلاد سعادت بنیاد همایون است جناب صدراعظم درپایه سریر معلى لب به شفاعت گشوده الحاح نمودند و ذات ملکوتی صفات مقدس بنابر سجدت کریمانه جرایم او را عفو فرمودند. ولی چندی نگذشت که ورثه صیدمحمدخان ظهیرالدوله او را به قصاص خون ظهیرالدوله و خواهران و مادر ظهیرالدوله و درآمیختن او به محارم ظهیرالدوله بدون ملاحظه شرعیه به سرای دیگر فرستادند و رخت به دیار عدم کشید.

نیز از وقایع ملالت انگیز این سال که در چهارم ماه صفر اتفاق افتاد این بود که مرغ روح شاهنشاهزاده معظم ولیعهد دولت ابد مهدعلیه معین الدین میرزا به شاخسار جنان پرواز نمود.

جناب میرزا سعیدخان وزیر امور خارجه به يك قطعه نشان تمثال بی مثال همایون مکمل به الماس قرین مفاخرت گردید.

حاجی میرزا محمدخان دبیر مهمام خارجه نیز به خلعت همایون سرافراز شد.

عمارات دیوانی و توپخانه و قورخانه استرآباد را تعمیر کردند. روز جمعه هفدهم شهر صفر جناب سفیر کبیر دولت علیه امین الملک با اجزای سفارت کبری وارد اسلامبول گردیدند و از جانب دولت عثمانی پذیرائیها و تشریفات که به جهت ورود ایلچیان کبیر دول معظمه معمول است به وجه اکمل و اتم درباره جناب سفیر کبیر معزی الیه به عمل آوردند.

نواب والا حشمةالدوله حکمران اصفهان به يك قطعه نشان تمثال بی مثال همایون مکمل به الماس مفتخر گردیدند و میرزا زکی مستوفی وزیر اصفهان نیز مخلع گردید.

یحیی خان مترجم وزارت امور خارجه (جناب معتمدالملک) به منصب آجودان صدارت عظمی نایل گردید.

شیخ عبدالله با عریضه و پیشکش از جانب صید سعیدخان امام مسقط وارد شیراز شد.

میرزا داودخان ولد جناب صدراعظم به منصب وزارت لشکر و خلعت همایون مفتخر گشت.

چون تمثال شمایل مبارک حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام که در عصر آن حضرت از روی چهره مبارک آن بزرگوار ساخته اند از خزائن ملوک سلف به خزینه این دولت جاوید عدت انتقال یافته بر حسب امر همایون میرزا ابوالحسن خان نقاش باشی که در این صنعت وحید اعصار و فرید ادوار است از روی آن تمثالی عظیم المثال ساخته به جواهرآبدار قرصیص کردند و به لئالی شاهوار علاقه بستند، روز چهارشنبه بیست و هفتم ربیع الاول نظر به حسن عقیدت و خلوص توسل شاهانه آن تمثال مبارک را از پیکر خسروانی خود آویختند و جشن و سروری باشکوه و سلام عام منعقد گردید و بخششهای ملوکانه فرمودند.

هم در این سال، نظر به کدورتی که فی مابین دولتین ایران و انگلیس حاصل شده، در اوایل ماه ربیع الثانی کشتیهای جنگی انگلیس به خلیج فارس و نزدیکی بندر بوشهر آمد و چندگاهی قبل از ورود جهازهای جنگی مذکور سفیر و کارگزاران آن دولت از خاک ایران بیرون رفتند و علم دولت خود را خوابانیدند. در هشتم این ماه مهر علی خان شجاع الملک از شیراز با چند فوج و چند عراده توپ روانه بندر بوشهر گردید و میرزا محمدخان کشیکچی باشی ولد مرحوم امیرخان سردار قاجار نیز از دارالخلافه باهره مأمور فارس شده روز پنجشنبه چهارم جمادی الاولی روانه گردید و چند فروند جهاز جنگی انگلیس نیز به محمره رفت و عساکر دولتین مشغول محاربه شدند و چندی نگذشت که رفع منازعه شده جناب امین الملک سفیر کبیر دولت علیه ایران در پاریس به خواهش اعلیحضرت ناپلئون سیم به تاریخ هفتم رجب همین سال گفتگوی مصالحه را به پایان رسانیدند و صورت عهدنامه جدید در جلد اول کتاب مرآة البلدان ناصری در ذیل لغت بوشهر ثبت و ضبط شده است. در شیراز گنبد شاه چراغ علیه السلام و محراب صحن را که از زلزله خراب شده نواب والا مؤیدالدوله حکمران فارس حسب الامر می سازند.

جناب کنت دگوبینو (۱) شارژدافر دولت فرانسه که به‌دارالخلافت باهره آمده بود با ترتیب و شرایط معموله و اعزاز شایان به حضور معذلت- ظهور شاهانه تشریف حاصل نمود.

رضاقلی خان سرتیپ فوج عرب به یک قطعه نشان از مرتبه اول سرتیپی و یک رشته حمایل سرخ و خلعت همایون مفتخر گردید. حاجی میرزا احمدخان مصلحت‌گزار دولت علیه مقیم اسلامبول به منصب وزیر مقیمی دربار دولت عثمانی برقرار گردید.

کتاب موسوم به انوارناصیه در علم حکمت و طبابت از مصنفات میرزا محمد حکیمباشی کل طبع شده به فروش می‌رسد.

کتاب جراحی که رساله در کحالی ضمیمه دارد از مصنفات حکیمباشی خاصه دکتر پولاک نمساوی به طبع می‌رسد.

فوج چهارمحال اصفهان را نیز به محمدابراهیم خان سرتیپ افواج فریدن و سدهی ابواب جمع فرمودند.

فوج کمره را به علی‌آقای سرهنگ خارج از فوج و نایب آجودان- باشی ابواب جمع فرموده مأمور کرمان نمودند.

بند نیمور را در عراق میرزا حسن خان حاکم عراق بست. آقارضاخان نایب‌دویم آجودان‌باشی به منصب نیابت اول آجودان- باشی نایل گردید.

حاجی عبدالله گماشته امام مسقط با پیشکش و هدایا که از جمله یک رشته تسبیح مروارید اعلی بود و دو رأس اسب بسیار ممتاز عربی و غیره به دربار همایون آمد.

شی‌دین محمدخان حاکم مکران وفات یافته شی‌عبدالله خان پسرش را به جای او حکومت دادند.

کنل شندلاکر سفیر دولت آستریه از جانب اعلیحضرت امپراطور دولت آستریه به‌دارالخلافت باهره آمده از او پذیرائی کامل نمودند و به حضور همایون با اعزاز وافر تشریف حاصل نمود. از جمله تحف و هدایائی که از جانب اعلیحضرت امپراطور دولت آستریه تبلیغ و تقدیم حضور باهرالنور اعلیحضرت شاهنشاهی نمود یک قطعه نشان تمثال مکل

به‌الماس اعلیحضرت امپراطور آستریه و يك جلد كتاب تصوير اعلیحضرت امپراطور معظم‌الیه و خانواده سلطنتی و اكابر دولت و جار بزرگ بلور بلند ساقه رنگین كه انواع صنعت و نظافت در آن به كار رفته و بعضی اشیاء نفیسه دیگر می‌بود.

میرزا شفیع وزیر یزد به‌منصب جلیل استیغای خاصه و خلعت همایون مفتخر گردید.

حسنعلی خان افشار سرهنگ فوج اردبیل و مشکین به‌منصب سرتیپی سرفراز شد.

قورخانه و جبه‌خانه اصفهان خوب كار می‌کنند.

مرتضی‌قلی‌خان سرحددار انزلی به‌مرض فالج مبتلا شده برادر مشارالیه جعفرقلی‌خان به‌سرحداری انزلی برقرار گردید.

میرزا اسماعیل‌خان میزان آقاسی شیلات گیلان وفات یافته محمودخان پسر او به‌مباشری شیلات مقرر شد.

آزادخان خارانی نوكر این دولت جاوید شوكت به‌يك ثوب جبّه ترمه تمام زنجیره و يك قبضه شمشیر تمام اسباب طلا سرافراز گردید.

میرزا محمدتقی مشرف دارالنظاره به‌نیابت نظارتخانه مباركه مفتخر گردید.

میرزا ابوالحسن‌خان نقاش‌باشی غفاری كه در این فن اعلی‌درجه مهارت را به‌هم رسانیده و از اجله صاحب‌صنعتان این زمان و وحید عصر و فرید و یگانه دهر می‌باشد چون در تصویر تمثال حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام حد صنعت و استادی را به‌كار برده يك جعبه رنگ نقاشی طلا كه در وسط گل‌الماس دارد و بسیار گرانبها و ثمین است به‌معزیه‌الیه مرحمت فرمودند.

میرزا محمد رضای متولی باشی حضرت معصومه سلام‌الله علیها مرحوم شده جناب میرزا سید حسین ولد آن مرحوم به‌جای پدرش به‌منصب متولی‌باشیگری بقعه متبركه سرافراز شد.

میرزا محمد صادق قائم‌مقام از آذربایجان احضار و میرزا فضل‌الله وزیر نظام كه سابقاً در آذربایجان بود مجدداً مأمور آن مملكت گردید.

نواب محسن میرزا (۱) امیرآخور به خلعت همایون سرافراز گردید. جناب امین‌الملک سفیر کبیر دولت علیه ایران شب دوشنبه بیست و چهارم جمادی‌الاولی با اتباع سفارت کبری وارد پاریس شده پذیرائیها که از جانب دول متحابه نسبت به وزرای مختار و ایلچیان بزرگ دول معظمه معمول است از جانب دولت فرانسه نسبت به جناب معزی‌الیه به وجه اکمل به عمل آمد. روز پنجم ورود نیز با شرایط و رسوم معینه به حضور اعلیحضرت ناپلئون سیم مشرف شده نامه مهر ختامه اعلیحضرت همایون را تسلیم کرده اعلیحضرت ناپلئون نهایت اظهار شغف از مودت کامله اعلیحضرت شاهنشاهی دام ملکه از عهدنامه تجارتي که فی مابین دولت ایران و فرانسه بسته شده نمودند و هدایای اعلیحضرت همایون را که عبارت از تمثال بی‌مثال مبارک برای اعلیحضرت ناپلئون و تصویر و گردن‌بند برای علیاحضرت امپراطریس و شمشیر مرصع برای نواب ولیعهد بود جناب سفیر کبیر تقدیم و تبلیغ نمودند.

آقا علی آشتیانی پیشخدمت خاصه و محصل وجوه خاصه به خلعت همایون مفتخر گردید.

شب شنبه بیست و چهارم رجب چهل و دو دقیقه از شب گذشته آفتاب جهان‌تاب از برج حوت به حمل تحویل کرده سلام خاص تحویل در پیشگاه آسمان‌جاه همایون منعقد و فردای آن روز که عید نوروز بود سلام عام در تالار تخت مرمر انعقاد یافت.

امیر اصلان‌خان عمیدالملک حکمران گیلان به یک قطعه نشان تمثال همایون مکمل به الماس سرافراز گردید.

جناب کینیاز باراتینسکی که تازه از جانب اعلیحضرت امپراطور روس به جانشینی مملکت قفقاز منصوب گردید جنرال کینیاز ملیکوف را با هفده نفر از صاحب‌منصبان محترم و جمعی دیگر به دربار دولت علیه روانه نموده که مأموریت خود را اظهار دارد. جناب مشارالیه به دارالخلافه باهره آمده از جانب اولیای دولت پذیرائیهای شایان معمول به عمل آمد.

۱- پسر عبدالله میرزا دارا پسر فتح‌علی‌شاه. وی در عربیت و ادبیت دستی توانا داشت و

منشآت نیز ازو چاپ شده که گویای احاطه او بر دقایق نویسندگی و توف وی بر ظرایف ادب

فارسی و عربی است.

سردار علی‌خان حاکم سیستان به‌عزم عتبه‌بوسی آستان مبارک به‌دارالخلافه آمد.

مهر علی‌خان شجاع‌الملک به‌نشان امیرتومانی و یک‌رشته حمایل وسط‌آبی کنار قرمز و یک قبضه شمشیر مرصع به‌الماس مفتخر گردید. محمدقلی‌خان ایلخانی فارس به‌نشان از مرتبهٔ سیم میرپنجگی و خلعت همایون سرافراز شد.

علی‌خان سرتیپ قراگوزلو به‌نشان از مرتبهٔ سیم میرپنجگی و محمدقلی‌خان سرتیپ به‌نشان از درجهٔ اول سرتیپی و عبدالله‌خان سرهنگ فوج خاصه به‌نشان از درجهٔ اول سرهنگی و حمایل همین رتبه و محمد-طاهرخان سرهنگ فوج تبریزی به‌نشان از مرتبهٔ دوم سرهنگی و میرزا علی محمدخان ولد حاجی قوام‌الملک به‌نشان از مرتبهٔ اول سرهنگی و حمایل سفید مفتخر گردیدند. و لطفعلی‌خان سرتیپ فوج قشقائی به‌یک قبضه شمشیر یراق طلا نایل گشت. همچنین ابوالفتح‌خان سرتیپ فوج شقاقی و پرویزخان سرتیپ سوارهٔ چهاردولی هریک به‌یک قبضه شمشیر یراق طلا سرافراز شدند.

احمدخان نوائی نایب ایشیک‌آقاسی به‌حکومت بندر بوشهر برقرار گردید.

عزیزخان سردار کل معزول شد.

نواب غفران مآب والدۀ حضرت شهریار مبرور ماضی محمدشاه انارالله برهانه روز پنج‌شنبه بیست و پنجم شوال‌المکرم این سال به‌غرفات جنان انتقال نمود.

نواب والا رکن‌الدوله (۱) به حکمرانی آذربایجان سرافراز گشتند و نواب والا محمدتقی (۲) میرزا به حکمرانی دارالخلافه برقرار گردیدند.

نواب والا عبدالصمد میرزا حکمران قزوین می‌باشند. در یزد ناخوشی وبا بروز کرده.

۱- اردشیر میرزا پسر عباس میرزا نایب‌السلطنه.

۲- محمد تقی میرزا برادر ناصرالدین شاه که بعد رکن‌الدوله لقب یافت.

کاروانسرای موسوم به کاروانسرای شاه بلنده ساری را حسب الامر مرمت می کنند.

جناب مستر موره وزیر مختار وایلچی مخصوص دولت انگلیس با شرایط اعزاز روز بیست و یکم ذیقعدہ با اجزای سفارت خود به دارلخلافت باهره آمد.

حسنعلی خان سرتیپ فوج اردبیل و مشکین که به قراولی و ساخلو دیوانخانه مبارکه حرمانه در نیاوران برقرار بود مرخص و عباسقلی - خان سردار لاریجانی به این خدمت سرافراز گردید. در تبریز زلزله سختی شده است.

احمدخان نوائی حاکم بندر بوشهر به لقب دریاییگی بحر فارس و نشان از درجه اول سرتیپی و حمایل سرخ از این مرتبه سرافراز شد. محمدخان امیرتومان به یک قبضه شمشیر مرصع و اسباب طلا و هزار تومان انعام نایل گردید.

چراغعلی خان حاکم خمسه عمارات دیوانی آنجا را حسب الامر تعمیر می کنند.

حکم همایون شد که جمیع ملل که رعیت این دولت ابد آیت اند کاملاً در رفاهیت و امنیت باشند و اگر اجامه به آنها دست تعرض و صدمه دراز کنند تنبیه شوند.

جناب حیدرافندی شارژدافر دولت عثمانی که موقه از آن دولت اجازه معاودت به مملکت خود حاصل نموده شرفیاب حضور بآهران نور مبارک شده رخصت انصراف حاصل نموده مورد مرحام ملوکانه گشته یک قطعه نشان تمثال همایون از درجه دویم مکمل به الماس به معزی الیه مرحمت شد. جناب توفیق افندی به جای جناب حیدر افندی به شارژدافری برقرار است.

مسیو جان داودخان مترجم اول دولت علیه به نشان سرهنگی اول و حمایل سفید مخصوص این رتبه خلعت همایون نایل گردید. جناب مسیو لاغوفسکی شارژدافر دولت روس را به یک قطعه نشان شیر و خورشید از درجه اول و حمایل سبز سیر مخصوص آن مورد مرحام خاص فرمودند.

فرستادگان ولایات و سرداران کابل و قندهار و اتالیغ بیک والی قندز و گنجعلی خان حاکم سابق تاش غورقان باعرایض ارادت آمیز خدمت نواب والاحسام الدوله آمدند.

آقا اسماعیل پیشخدمت باشی سلام به یک قطعه نشان شیر و خورشید از مرتبه اول سرهنگی با یک رشته حمایل سفید مخصوص این رتبه سرافراز گردید.

محمدعلی بیک یاور فوج دماوندی به منصب سرهنگی و خطاب خانی سرافراز گردید.

هادی خان سرتیپ به یک قطعه نشان سرتیپی و یک رشته حمایل سرخ مخصوص این رتبه مفتخر گشت.

عسکرخان سرتیپ افشار ارومی مرحوم و یوسف خان برادرش به جای او به منصب سرتیپی رسید.

نریمان خان نایب آجودان باشی حامل عهدنامه مصالحه دولتین ایران و انگلیس به درجه سرتیپی رسید و چون از اجزای سفارت کبرای مأمور پاریس است روانه محل مأموریت خود گردید.

کینیاژملیکوف و سایر صاحب منصبان دولت روس که از جانب جناب کینیاژ باراتینسکی جانشین جدید قفقازیه به دربار همایون آمده بودند اجازه انصراف حاصل کرده یک قطعه نشان شیر و خورشید از درجه اول به کینیاژملیکوف مرحمت فرمودند و سایر صاحب منصبان که همراه معزی الیه بودند به هر یک علی قدر مراتبهم نشان به موجب فرمان همایون مبدول شد.

میرزا عباس خان منشی اول وزارت امور خارجه به منصب نیابت وزارت امور خارجه سرافراز گردید.

جناب امین الملک سفیر کبیر دولت علیه ایران از پاریس به لندن رفتند و در آنجا پذیرائیهای شایان که از سفرای مختار و ایلچیان بزرگ دولت معظمه رسم است نسبت به جناب معزی الیه به وجه کامل از جانب دولت انگلیس به عمل آمد.

روضه مطهره حضرت معصومه سلام الله علیها را حسب الامر ذوالفقارخان حاکم قم تعمیر می نماید و سد رودخانه قم را می سازد و سد پل دلاک و خود پل دلاک و کاروانسرای آنجا را و کاروانسرای حوض

را مرمت می‌کند. و در کاروانسرای حوض سلطان حوض بزرگی تازه ساخته می‌شود.

الله‌وردی‌خان یاور توپخانه به‌منصب سرهنگی توپخانه مبارکه سرافراز گردید.

بعضی اشرار تراکمه سرخسی و قریایب باسوار زیاد به‌عزم تاخت نواحی نیشابور آمده بودند. قشون مأمور سرحد آنها را شکسته و بسیاری از آنها را کشته معدودی فرار کردند.

نواب والا شاهزاده علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه برحسب اشاره علیه کتاب تاریخ افغانستان را در بهترین سبکی حاوی فنون فضایل تصنیف نمودند.

آقامحمدحسن مهردار به‌یک قطعه‌نشان تصویر مبارک مکمل به‌الماس مفتخر گردید.

کتاب شرح قاموس فارسی را در نهایت امتیاز میرزا عبدالله طبری منشی دیوان‌اعلی طبع نموده به‌فروش می‌رسد.

نواب والا اردشیر میرزا حکمران دارالخلافه به‌لقب رکن‌الدوله ملقب گردید.

محمد ابراهیم خان سرتیپ افواج ثلاثه اصفهان به‌لقب سهام‌الملکی و خلعت همایون مفتخر گردید.

خسروخان والی پنجم ذیحجه مرحوم شد.

میرزا حسن برادر میرزا حسین سررشته‌دار قورخانه مبارکه به‌منصب جبه‌دارباشیگری و مباحثی جبه‌دارخانه مبارکه سرافراز شد.

سردار علی‌خان سیستانی به‌مصاهرت نواب والا بهرام‌میرزا معزالدوله مباهی گردید.

میرزا زمان امیر دیوان به‌یک قطعه نشان شیر و خورشید از مرتبه اول سرتیپی و یک‌رشته حمایل سرخ مخصوص این منصب و خلعت همایون مفتخر گشت.

امسال در دارالخلافه باهره چه از جانب دیوان‌اعلی و چه از طرف امنای دولت علیه وسایر خلق بنائی زیاد می‌شود و روزبه‌روز جمعیت

دارالخلافة روبه‌تزايد است و در بیرون دروازه دولت و دروازه شمیران
 عمارات خوب ساخته‌اند.
 مسجد جامع قزوین را مرمت کرده‌اند.

سوانح و وقایع عظیمه که در این سال در تمام عالم و اقطار کرهٔ ارض اتفاق افتاده

اتانونی ینگ‌دنیا:

قحط و غلای سخت در ایالت میشیگان (۱).
 در شهر نیویورک منازعهٔ سخت و خونریزی مابین قشون دولت و
 احتساب شهری.
 کمی پول به‌حدی که بانک نیویورک و بوستن از دادن پول به‌برات‌دار
 مضایقه نمودند.

اسپانیا:

شورش سختی در مالاگا و به‌دست‌آوردن جمعی از شورشیان را
 در مادرید پایتخت. در ایالت سویل ایضاً شورش.
 عزل نارواثز صدراعظم و نصب امیرال‌ادمز.
 تولد پسری از ملکه در پائیز موسوم به‌النفس (۲).
 رودخانهٔ ابر (۳) را دولت در صدداست که به‌عرض و عمقش بیفزاید
 تاکشتیه‌های بزرگ به‌آسانی در آنجا سیر نماید.
 جمعیت تمام اسپانیا در این سال سی‌ودو کرور و سیصد و چهل‌هزار
 نفر می‌باشد.

آلمان:

ایجاد قانون تجارتی به‌جهت تمام ممالك آلمان. هنگام سفر

اعلیحضرت امپراطور اطیش به ممالك ایتالیائی متصرفی خود، جنرال رادتسکی سردار پیر که فی الواقع فتوحات این ایالات به دست او شده بود از منصب حکمرانی استعفا نمود و حکومت ایالت مذکوره منتقل به ماکسیمیلین برادر امپراطور می گردد.

در مملکت پروس، طایفه یهود را منع می کنند که قانون دولت تحصیل نمایند.

افتتاح راه آهن از میلان به ونیز.

اعلیحضرت پادشاه پروس که به شدت ناخوش انداختار سلطنت را موقه سه ماهه به برادر کهتر خود که سنأ دوسال کوچکتر است و ولیعهد می باشد واگذار می کنند و این سه ماه چندین مرتبه تجدید یافت.

انگلیس:

عزل وکلای ملت به واسطه اختلافی که بارجال دولت داشتند. تعیین وکلای جدید که اغلب بالزدپالمرستون صدراعظم خیالشان مطابق است.

فرمان اعلیحضرت پادشاه انگلستان در مجلس قرائت شد که پرنس آلبرت شوهر این پادشاه بعد از این مخاطب به «پرنس شوهر» خواهد بود.

گفتگوی مصالحه مابین جناب امین الملك فرخ خان و لردکولی سفرای کبار دولتین ایران و انگلیس در پاریس.

شورش عسکر انگلیس در بنگاله به واسطه دخالت دولت در طریقه ملتی و مذهبی آنها. این شورش به اغلب نقاط هندوستان سرایت نموده قتل و غارت زیاد بی حد و حساب نسبت به اهالی انگلیس می شود. در دهلی یاغیهای یکی از اولاد سلاطین گورکانیه خودشان را به پادشاهی برمی دارند. افواج انگلیس را در کلکته یراق چینی (۱) می کنند. قشون مملکت عود (۲) و گوالیور (۳) به دولت انگلیس می شورند.

۱- یراق چین کردن به معنای خلع سلاح کردن.

۲- مملکت اود.

در ناحیه کاونپور (۱) علی‌الخصوص نهنه صاحب (۲) رئیس آنها کمال وحشیگری را نسبت به اهالی انگلیس می‌نماید. جنگ سخت یاغیها در حوالی آگره در بمبئی. طایفه سیک از طوایف هند نسبت به انگلیسها نمی‌شورند. شهر دهلی بعد از زحمت زیاد و خونریزی بسیار مفتوح گردید و در این جنگ خیلی از قشون انگلیس تلف شد. پادشاه دهلی که نودساله بود در حین فرار دستگیر شده دوپسرش اسیر و مقتول گردیده و اغلب شاهزاده‌های خانواده سلطنت را در دهلی هلاک ساختند.

تصرف دولت انگلیس جزیره پیرن (۳) را در دریای احمر مابین عدن ومخا.

موافق عهدنامه‌ای که با دولت مارك (۴) بسته شده این دولت حق دارد بعد از این در بنادر داخله مملکت انگلیس قونسول روانه کند.

کشتیهای جنگی انگلیس در این سال هشتاد و چهار فروند بوده است.

ایتالیا:

قشون اطیش بعد از هشت سال توقف در ایالت پارم بیرون رفتند.

در شهر لیوررن (۵) مردم بنای شورش دارند. محرك جمیع شورشیان مازینی است.

مسافرت حضرت پاپ به فلورانس.

شروع به‌کندن دالایی (۶) از عرض کوه منسنی (۷) به جهت عبور راه آهن از خاک فرانسه به ایتالیا. در افتتاح این کار بزرگ پادشاه ساردن و کتور امانوئل (۸) و پرنس ناپلئون برادرزاده امپراطور فرانسه حضور داشتند.

زلزله شدید در ایالت سالرن (۹).

۱- Cawnpore (در متن: گاونپور)

۲- Nana Sahib

۳- Périn

۴- Livorne

۵- منظور مراکش (مغرب) است.

۶- غرض تونل است برای حرکت ترن.

۷- Mont-Cenis

۸- Victor Emmanuel

۹- Salerne = Salerno

پرتوغال:

اعلیحضرت پادشاه پدرو پنجم بشخصه افتتاح مجلس پارلمان می کند و این سال اول است که این پادشاه جوان خود بشخصه افتتاح مجلس می کند. در لیزبن پایتخت حمای زرد و حصه وبائیت به هم رسانیده جمعیت زیادی را می کشد.

بلژیک:

عروسی دختر اعلیحضرت پادشاه شاهزاده خانم شارلت (۱) با برادر امپراطور اطریش ماکسیمیلین (۲).

چین:

کشتیهای جنگی این دولت، باوجود عدم استحکام، بعد از استقامت درمقابل سفاین جنگی انگلیس و خسارت کلی رسانیدن به آنها، بالاخره شکست یافتند. جزیره هونان رادر محاذی کانتون مأمورین فرانسه و انگلیس متصرف شدند و بهشهر کانتن حملات پی در پی برده بعضی از سنگرهای خارج شهر را متصرف شدند.

دانمارک:

طایفه اسکاندیناو که بیشتر اهالی سودونروج و دانمارک از این طایفه هستند میل براتحاد دول ثلاثه تحت سلطنت یک پادشاه دارند و پادشاه سودرا بهجهت این کار انتخاب نمودند. وحشت پادشاه دانمارک از این فقره ونوشتجات رسمی بهدربار دول فرنگ فرستادن و اظهار وحشت نمودن.

اجزای مجلس شورای ایالت اسلشویک وضع قانون ایالت خود را بهسبک آلمان طالباند ومضایقه ای در دادن مالیات بهدولت دانمارک می نمایند. به هم زدن حاکم اسلشویک بهحکم پادشاه دانمارک مجلس شورای این ایالت را. مطالبه مالیات از رعیت بهزور. دول اطریش وپروس از این عمل ناراضی اند. دولت روس باپادشاه دانمارک مساعد و حامی است.

روس:

اعلیحضرت امپراطور روس درصدد آزاد کردن رعایای روس است که نسبت بهنجبا وملاك و اربابان خود حالتعبودیت ومملوکیته داشتند. شروع این خیال بزرگ ابتداء از ایالت لیتوانی شد و تا دوازده سال تمام مقرر شد از این تاریخ بهبعد متدرجاً این حالت مذمومه از میان اهالیروس مندفع شود.

برادر اعلیحضرت امپراطور روس قسطنطین که سمت امارت بحری دارد بهبنادر نظامی دول فرنگک بهسیاحت رفت علیالخصوص درتولون و شربورگ بنادر جنگی و نظامی فرانسه. ملاقات شاهزاده معزالییه با اعلیحضرت پادشاه انگلستان. عهدنامه تجارتي با ژاپن.

عروسی گراندوكمیشل برادر كهتر اعلیحضرت امپراطور باشاهزاده خانم سسیل (۱) دختر والی باد (۲). افتتاح راه آهن از پطره ورشو.

سود:

پادشاه این مملکت بهواسطه سوء مزاج قدرت بهسلطنت نداشت، پسر خود را که ولیعهد بود بهنیابت سلطنت مقرر داشت.

سویس:

جنگ با پروس بهواسطه میانجیگری فرانسه مبدل بهصلح شد. جمیع دول فرنگک در مجلس گفتگوی این مصالحه که در پاریس واقع شد مأمور فرستادند. اعلیحضرت پادشاه پروس از داعیه سلطنت شهر نفشاتل (۳) که متعلق بهسویس است دست کشیده حتی تنخواهی را که از سویس مطالبه می نمودند از آن تنخواه هم صرف نظر نمودند. عهدنامه ای بهامضای طرفین وبهامضای جمیع دول فرنگک در تابستان این سال در پاریس منعقد می گردد.

عثمانی:

در مصر تغییر وضع وصول مالیات. سفر والی مصر به سمت سودان.

تعیین مخارج معین برای شخص والی.

والی مصر به این راضی نشد که یک دسته از علمای انگلیس و فرانسه و آلمان که به جهت انکشاف سرچشمه نیل به مصر آمده بودند خیالات خود را در اجرای این عمل به انجام رسانند.

در تونس قتل یک نفر یهودی که به دین اسلام بی احترامی کرده بود. والی قدیم ملداوی شیکا که در این وقت در پاریس بود خود را می کشد.

عیسویان هرزگوین و بسنی و آلبانی که از طرف مسلمانها به آنها صدمه می رسد می شورند.

بقیه مسئله شرقیه:

الحاق به ایالت ملداوی بلغراد (۱). وا گذاشتن به دولت عثمانی جزیره ماران (۲) را و اختیار مصب رود دانوب را به قراردنگیز نیز به دولت عثمانی تخلیه قشون اطیش ایالات افلاق بغداد را موافق عهدنامه ای که موسوم به عهدنامه پاریس است. حدروس و عثمانی در سمت اروپا بس عربی (۳) خواهد بود. سفیر بلژیک مقیم در دربار دولت عثمانی متهم به این شد که اهالی افلاق بغداد را محرك شده که پسر کهتر پادشاه بلژیک را به سلطنت خود اختیار نمایند. عزل رشید پاشای صدراعظم و صدارت عالی پاشا. قطع مراوده ایلچیهای فرانسه و انگلیس و اطیش و روس با وزارت خارجه عثمانی به طور کدورت. دول انگلیس و اطیش عهدنامه مخفی می بندند. مسافرت اعلیحضرت ناپلئون امپراطور فرانسه به انگلیس و ملاقات ایشان با اعلیحضرت پادشاه انگلستان در قصر ازبرن (۴). تجدید مراوده سفرای مذکوره به فاصله چهارده روز با وزارت خارجه عثمانی. ملاقات اعلیحضرت ناپلئون فرانسه و اعلیحضرت امپراطور روس در استوت گارد (۵) پایتخت مملکت و ورتبرگ در عمارت سلطنتی پادشاه آنجا و ملاقات اعلیحضرت امپراطور روس و اطیش در ویمار.

۱- Bolgrade

۲- Ile des Serpents

۳- Bessarabie

۴- Osborne

۵- Stuttgart

فرانسه:

قتل کشیش بزرگ پاریس سیبور (۱) نام به دست یکی از کشیشهای درجه پست ورژر (۲) هنگام عبادت در کلیسای سن اتین (۳).
ایجاد قانون جدید نظامی.

صد هزار نفر قشون ذخیره فرانسه هنگام صلح موجود خواهد بود.
هرسی و پنج نفر از رعایای فرانسه حق فرستادن يك وکیل به دارالشوری دارند.

در لندن مازینی نام ایتالیائی محرك جمعی است که اعلیحضرت ناپلئون امپراطور فرانسه را به قتل رسانند.

دولت فرانسه مابین دول پروس و سویس میانجی شده پرنس ناپلئون به سمت میانجیگری به برلن پایتخت پروس می رود.

آمدن برادر امپراطور روس قسطنطین و آمدن پادشاه باویر به پاریس.

فوت جنرال کاویناک فجأة.

دو هزار تومان دولت فرانسه به اشخاصی که در الجزایر خوب پنبه به عمل آورده اند انعام داد.

مأموریت بیست و پنج هزار قشون به سرداری ماگماهون به جنگ طوایف صحرانشین قبیلی.

امتداد سیم تلگرافی بحری از مارسیل به الجزایر.

جمعیت فرنگی که در الجزیره است صد و شصت و هفت هزار و ششصد و هفتاد نفر قلمداد شده است.

در جزیره ماداگاسکر، فرانسه ها را از پایتخت آن جزیره اخراج می کنند.

عهدنامه تجارتی و دوستی با دولت سیام. خیال ساختن راهی از زیر دریای مانس مابین فرانسه و انگلیس.

۱- Sibour

۲- Verger

۳- St. Etienne du Mont

فوت شاعر معروف الفردموس (۴).
تعداد نفوس جمعیت فرانسه به هفتاد و دو کرویر و سی و نه هزار
وسیصد و شصت و چهار نفر رسیده.

مکزیك:

شورش سخت در این ایالت علی الخصوص در وراکروس (۵).

ینگى دنیای جنوبی:

شدت مرض تب زرد در منتویدئو (۶).

وقایع سال یازدهم

سلطنت و تاجداری اعلیحضرت اقدس شاهنشاه
جم‌جاه خسرو صاحبقران خداالله تعالی ملکه
ودولته مطابق سنه هزار و دویست و هفتاد
و چهار هجری ثیلان ثیل ترکی

در این سال خیریت مآل کما فی السابق کلیه توجه خاطر خطیر
همایون به انتظام امور کشور و لشکر و اشاعه عدل و انصاف در میان جمیع
رعایای این دولت ابدایت است.

تعزیه خوانی دولتی در تکیه مبارکه نیاوران می‌شود.
میرزا اسماعیل خان منشی مهم‌خارجة استرآباد احضار به دارالخلافه
شده میرزا محمد که سابق مسبوق به این خدمت بود به جای او منصوب و
به اعطای يك قطعه نشان شیر و خورشید از درجه دویم سرهنگی سرافراز
و به اتفاق جعفرقلی خان حکمران استرآباد روائه محل مأموریت خود
گردید.

چون میزان سابق تبریز كوچك بود حسب الامر میزان وسیعی با
انبارهای بزرگ ساختند.

علیقلی خان به منصب بیگلربیگی گری تبریز سرافراز شد.
عمارت دیوانی تبریز را میرزا فضل‌الله وزیر نظام تعمیر می‌نمایند.
قلعه خرم‌آباد و باغ سروستان علی‌آباد را که به مرور دهور خرابی
به هم رسانیده بود حسب الامر مجدداً آباد و اشجار غرس نموده‌اند.
حسن خان سرکرده سواره قراپاق که در تدمیر ترکمانان فی مابین

خواف و غوریان و بعضی نواحی دیگر خراسان رشادت زیادی نموده بود به یک قطعه نشان شیروخورشید از درجه اول سرهنگی و حمایل سفید مخصوص آن رتبه سرافراز گردید.

حرم مطهر حضرت رضوی علیه السلام را حسب الامر آئینه کاری می نمایند.

یک قطعه نشان تمثال همایون مکمل به الماس از درجه اول با حمایل آبی به صحابت مسیو جان داودخان سرتیپ مترجم اول این دولت علیه از جانب سنی الجوانب همایون با نامه مهر علامه برای جناب ایالت نصاب کینیاز آلکسندر باراتینسکی که از جانب اعلیحضرت امپراطور روس به جانشینی مملکت قفقاز و سپهسالاری قشون قفقازیه مأمور شده اند انفاذ شد.

عمارات دیوانی اصفهان خاصه میدان نقش جهان و میدان چهار حوض را حسب الامر تعمیر می نمایند.

درغیاب جعفرقلی خان ایلخانی حکمران استراباد و اوان توقف او به دارالخلافه تراکمه آن نواحی را خالی از قشون و گمان موقع مناسبی از برای تاخت و تاز کرده آق محمد سردار رئیس آنها بازپاده از چهارهزار نفر به سمت بجنورد می آیند. سبحانقلی خان نایب الحکومه و برادر ایلخانی حکمران خبر شده با سیصد و پنجاه نفر سوار و یک صد نفر شمشالچی به مقابله و مقاتله با آنها پرداخته تراکمه را منهزم و بسیاری از آنها مقتول می شوند.

شب ششم شهر صفر المظفر که شب عید مولود مسعود اعلیحضرت شاهنشاهی دام ملکه می باشد در دارالخلافه ناصری و سایر بلاد ممالک محروسه جشن بزرگی برپا نموده و روز عید سعید سلام عام درنیاوران منعقد گردید.

حاجی جابر خان حاکم محمره به منصب جلیل میرپنجگی و پانصد تومان اضافه موجب خلعت همایون سرافراز گردید.

راه خیابان مازندران را حسب الامر تعمیر می نمایند.

میرزا فضل الله وزیر نظام پیشکار آذربایجان به یک قطعه نشان تمثال همایون سرافراز گردید.

غلامحسین خان سپهدار حکمران کرمان نیز به یک قطعه نشان تمثال بی مثال همایون مفتخر شد.

علیقلی خان میرپنج به منصب آجودان باشیگری کل عساکر نظام و غیره برقرار آمد.

محمد اسماعیل خان چاپارچی باشی ملقب به بشیرالدوله شد. میرزا سید محمد پسر میرزا صادق لشکرنویس به منصب لشکرنویسی سرافراز شد.

در اوایل عشر دوم ربیع الاول نواب مستطاب شاهنشاه زاده اعظم امیر محمد قاسم خان را ولایت عهد این دولت ابدمهد عنایت فرمودند (۱) و از شب چهاردهم تا شب هفدهم که شب عید مولود مسعود حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله می باشد در دارالخلافت باهره جشن بزرگ گرفتند.

تراب خان نایب آجودان باشی به منصب سرهنگی سواره نظام مفتخر گردید.

یک قطعه فیروزه خوب درشت بی عدیل و نظیر از معدن فیروزه نیشابور پیدا کرده به قیمت نازلی یعنی صد و هشتاد تومان به آقاسید میرزا حاکم نیشابور فروخته و مشارالیه نیز به قوام الدوله پیشکار خراسان به همان قیمت فروخت. قوام الدوله آن را به دربار معدلت مدار فرستاده داخل جواهر نفیسه خزانه مبارکه گردید.

میرزا حسن خان حاکم عراق به یک قطعه نشان از مرتبه اول میرپنجگی و یک رشته حمایل سرخ و سفید که مخصوص آن مرتبه است سرافراز گردید.

یک قطعه نشان از مرتبه اول سرتیپی به انضمام یک رشته حمایل سرخ مخصوص این رتبه به نواب محمدرحیم میرزا حاکم خوی و سلماس مرحمت فرمودند.

میرزا بزرگ کارپرداز دولت علیه مقیم ارزنة الروم به لقب خانی و خلعت همایون برقرار شد.

۱- در باب ولیعهدهای ناصرالدین شاه: محمود میرزا، معین الدین میرزا، محمد قاسم

میرزا رجوع شود به مقاله عبدالحسین نوائی تحت عنوان «ولیعهدهای ناصرالدین شاه» (مجله

یادگار، سال سوم شماره دهم صفحات ۴۰ تا ۴۷).

آقامحمدحسن مهردار در بیست و یکم ربیع الثانی مرحوم شد.
موسی خان پسر جناب صدراعظم که به زیارت عتبات عالیات روانه شده در ملایر مرحوم شد.

بعد از مرحوم شدن آقامحمدحسن مهردار، مناصب او را از مهرداری و غیره به آقاعبدالله رخت دارباشی ولد آن مرحوم مرحمت فرمودند و منصب رخت دارباشیگری را به آقا ابراهیم برادرزاده آن مرحوم واگذار فرمودند.

در خوی زلزله شدیدی اتفاق افتاد.
چون حسینقلی خان سرهنگ فوج عجم در ماه محرم فوت شد این اوقات محمدعلی خان ولد ارشد آن مرحوم به سرهنگی فوج عجم سرافراز شد.

میرزا علی پسر مرحوم میرزا ابوالقاسم قائم مقام به منصب استیفای دیوان همایون مفتخر گردید.

ریاست کل مدرسه مبارکه دارالفنون را در ماه جمادی الاولی به نواب والاعتضادالسلطنه واگذار و نواب معظم الیه را به خلعت همایون سرافراز فرمودند.

میرزا عبدالله مستوفی میزان که سابقاً مأمور آذربایجان بود به لقب ناظم میزان ممالک محروسه ملقب و مخلع گردید.

علی خان سرتیپ افواج قراگوزلو به منصب میرپنجگی و خلعت همایون مفتخر گردید.

جعفرقلی خان ایلخانی بیگلربیگی استرآباد در تنبیه اشرار ترکمانیه به جعفربای ترکمان مساعی جمیله نموده به یک قبضه شمشیر مکلل به الماس سرافراز شد.

نشان تمثال همایون که برای صید ثوینی امام مسقط فرستاده بودند حین ورود به مسقط صید ثوینی در محل صحار که از علاقه جات عمان است بوده صید محمدبن سالم که قائم مقام او در مسقط بود لوازم استقبال و تکریم را به عمل آورده بیست و یک تیر توپ شلیک کرده خود امام مسقط نیز به مجرد استماع قشونی که برای استیصال صید ترکی برادر کوچک خود جمع کرده بود در صحار عمان گذاشته به تعجیل به مسقط آمده لوازم جشن و توقیر و احترام نشان مهرلمعان همایون پرداخته و یزۀ پیکر افتخار

خود نمود و مخالفتی هم که میان معزی‌الیه و صیدترکی بود از قرار رقم نواب والا مؤیدالدوله حکمران فارس به‌اصلاح انجامید.

جناب مسیودوبنشون وزیر مختار وایلچی مخصوص دولت فرانسه مأمور به‌اقامت دربار دولت علیه از اول ورود به‌خاک ممالک محروسه از طرف آذربایجان همه‌جا جناب معزی‌الیه را مأمورین مخصوص این دولت ابدمدت چنان که باید پذیرفته به‌اعزاز ولوازم معموله وشرایط مقرره وارد دارالخلافه گردید.

جناب مسیو قبنو شارژدافر دولت فرانسه که به‌یک قطعه نشان تمثال همایون مکمل به‌الماس مفتخر گردیده بود برحسب احضار دولت متبوعه خود از حضور مهرظهور همایون مرخصی حاصل نموده مقارن روانگی به‌موطن خود نیز یک قطعه نشان از درجه اول خارجه باحمایل سبز ویک طاقه شال رضائی اعلی به‌معزی‌الیه مرحمت فرمودند.

چند قبضه تفنگ سربازی سبک دست خزانه‌دار بسیار خوب کار جبه‌خانه اصفهان به‌دارالخلافه آورده مقرر شد عجاله هشتصد قبضه از این تفنگ بسازند.

در رشت اجناس تسعیری دارد.

میرزا عبدالوهاب‌خان شیرازی (جناب نصیرالدوله) به‌خلعت همایون سرافراز وداخل در دیوان وزارت امور خارجه گردید (۱).

میرزا عبدالله مستوفی ناظم گمرک چون حسب‌الامر روانه آذربایجان گردید میرزا سید رضی که شغل سررشته‌داری گمرکخانه‌های ممالک محروسه به او مفوض بود به‌نیابت معزی‌الیه برقرار گردیدند. رکن‌الدین میرزا امیر توپخانه در ماه‌رجب مرحوم شد.

دراین اوقات برحسب اشاره علیه حکمی نظامی جناب صدراعظم به‌جهت تعیین بعضی حدود و قوانین برای اهل نظام ترقیم نموده صدر آن موشح به‌دستخط جهان مطاع همایون گردید که صورت آن حکم نظامی از قرار ذیل است:

۱- جناب میرزا عبدالوهاب‌خان نصیرالدوله که الان به‌وزارت تجارت ممالک محروسه

برقرار می‌باشند پدر بر پدر از بزرگ زادگان فارس و خدمتگزاران این دربار معدلت مدار و

همواره در مدارج ترقیات کامله بوده دارای مقامات و شئونات عالییه می‌باشند. (اع).

چون منظور نظر اکسیر اثر و مکنون ضمیر منیر مرحمت — تخمیر سر کار اعلیٰ حضرت قدر قدرت شاهنشاه جم‌جاه عالمیان — پناه روح‌العالمین فداه تنظیم لشکر و تربیت کافه نوکر است تا هر يك از طبقات نوکر را حدی در کار باشد و بدان قسم سلوك و رفتار نمایند و ارباب قلم را از اصحاب سیف امتیاز باشد و کافه لشکر از حیثیت لباس و اساس از دیگران ممتاز آیند و نظر به این که البسه متداوله ایران خاصه کلاههای بلند از صلابت و سطوت و مهابت که خاصه لشکریان است دور و به لطافت و نظافت که مخصوص اصحاب طاق و رواق است نزدیک بود و برای قشون و ارباب مناصب تلبس به این لباس مناسب نبود و تأسیس این اساس دور از صرافت می‌نمود و حال این که مایه تفرقه حواس و خیالشان بود — بدیهی است که باید حواس ارباب منصب جمع تنظیم سپاه باشد نه در خیال تقطیع کلیجه و کلاه — لهذا امر و مقرر فرمودند که غازیان عساکر منصوره از ملتزمین رکاب ظفر انتساب همایون و مأمورین و متوقفین ممالك محروسه از ارباب مناصب و تائین از این پس قرار کلاه و لباس و چادر و نوکر خود را از این قرار بگذارند و اندازه کار و اخراجات خود را مرعی دارند. به موجب همین حکم نظامی که بر حسب امر قدر قدر مرقوم شده است:

قرار لباس غازیان مفصله

آقایان قاجار و خوانین قاجار، اهالی کشیکخانه عموماً از غلام پیشخدمت و غلام و غیره، نسقچیان و جارچیان و یساول و عمله حضور، فراشان و چاپاران و عمله اصطبل، عساکر منصوره از امیران و میران پنجه و سرتیپان و سرهنگان و صاحب منصبان و سرکردگان از توپخانه و زنبورکخانه و قورخانه و سرباز و سوار عموماً از نظام و غیر نظام و معلمین و متعلمین مدرسه دارالفنون و نایبان آجودان‌باشی و غیره. کلاه جمیع اشخاص

مفصله فوق باید دورویه باشد مثل کلاه خراسانی از صاحب منصبان و رؤسا از دو تومان و پنج هزار دینار زیادتیر قیمت نداشته باشد کمتر را مختارند. از قایین و آحاد و افراد از دو تومان باشد الی سه هزار دینار.

کلیجه زمستانی و بهاری کلا می باید ابره آنها غیر از برک و ماهوت چیز دیگر نباشد. به کلی کلیجه ترمه کشمیری و کرمانی را موقوف دارند. تابین کلیجه قدک و لنگه بپوشند لاغیر.

قبای صاحب منصبان و رؤسا دارائی و صوف یزدی و قدک در تابستان و در زمستان ماهوت و برک باشد لاغیر. از تابین عموماً قدک باشد مگر ملبوس نظامی ماهوت که از دیوان اعلی داده می شود.

قرار چادر نوکر

چادرپوش از میرپنجه به پائین کسی نباید در اردو بزدارد. امیرتومان و میرپنجه یا کسی که در سلك شمشیربند شأن میرپنجهگی داشته باشد مختار است. سرتیپان چادر بی پوش سرتیپی مثال ابره چیت یا قلمکار یا دارائی هرچه بکند مختار است. لکن پوش نباید داشته باشد و سرهنگ هم چادر سرهنگی یک سر، طبل میانش را هرچه بکند مختار است. این در صورتی است که سرتیپ و سرهنگ همراه اردوئی سفر کنند که تابع آن اردو باشند. لکن اگر سرتیپ را رئیس اردو کنند یا قشونی به او بسپارند و به جائی مأمور کنند که بزرگتر از آن در آن اردو و قشون نباشد در آن صورت از دیوان اعلی چادرپوش به او داده خواهد شد که بعد از معاودت از سفر به خیامخانه مبارکه پس بدهد. امیرتومان و میرپنجه در برداشتن چادرپوش مختارند. خواه با اردوئی بزرگ یا منفرد باشند. سرتیپها می توانند در روی چادر یک سر طبل خودشان

پوش کوچکی بی‌هندی و تجیر عرقچین طور علاوه نمایند که تمیز میانه سرهنگ و سرتیپ را بدهد و هم حفظ باران و سرما کند و اگر هم نگذارند مجبور نخواهند بود.

از امیران تومان و میران پنجه و سرتیپان و سرهنگان و صاحب‌منصبان قرار قراول آنها این است که هر یک به‌قدر فوجی که ابواب جمعی دارند و از هر فوجی دونفر آردل داشته باشند مثلاً سرتیپ دوفوج دارد چهار نفر آردل داشته باشد و سرتیپ یک فوج دونفر. علی‌هذا زیاده از این آردل در جلو خود نیندازند و نوکر هم در شهر و کوچه و بازار و غیره زیاده از قرار تفصیل ذیل همراه خود برندارند.

امیرتومان هشت نفر

میرپنجه شش نفر

سرتیپ پنج نفر

سرهنگ چهار نفر

یاور دونفر

نایب آجودان‌باشی از مرتبه اول و دویم و سیم مثل سرتیپ و سرهنگ و یاور است. زیاده از این نباید نوکر همراه خود بردارند و سایر نوکران شمشیربند هم از این قرار موافق شأن هر یک از درجات که هستند می‌توانند با خود بردارند. زیاده از این برندارند. مجبورند. لکن در کمتر مختارند.

قرار مفصله مزبوره فوق را از حال تحریر لغایت مدت یک ماه در جمیع ممالک محروسه معمول و مجری دارند و دقیقه‌ای از دقایق آنها را مهمل و متروک نگذارند. عالی‌جاه مقرب‌الخاقان امیرالامراء العظام عباسقلی‌خان سیف‌الملک میرپنجه می‌باید حسب‌الامر تا مدت یک ماه این خدمت را انجام داده قرار لباس و چادر و نوکر هر کس را از چاکران دربار همایون بر نهج مقرر گذارد و صورت این حکم محکم را مقرب‌الخاقان سیف‌الملک به جمیع ولایات و اردوها که قشون جمع هستند و جمیع سرحدات به‌توسط و صحابت چاپار بفرستد والتزام عدم تخلف این حکم محکم را بیاورند و محتسبین

در دارالخلافه و سایر ممالك محروسه مأمور دارد که هریک از این قرار تخلف و تجاوز نماید معروض دارد تا به معرض مؤاخذه و عتاب درآید و اگر آن مقربالخاقان نیز در اجرای احکام مرقومه تعلل و تسامح نماید مورد مؤاخذه و عقوبت قهرمانی خواهد بود. تحریراً فی شهر رجب المرجب سنه ۱۲۷۴.

نواب والا حسام السلطنه حکمران خراسان با قشون ظفرنمون در سه فرسخی مرو و مفسدین ترکمانان سرخس و مرو که سابقاً منشأ شرارت بودند تنبیه شدند و در راه درست رفتاری هستند. شب یکشنبه پنجم شهر شعبان شش ساعت وسی دقیقه از شب گذشته آفتاب عالم تاب از برج حوت به حمل نموده مجلس تحویل باشکوهی تمام در دربار همایون منعقد گردید و فردا سلام عام در تالار تخت مرمر انعقاد یافت.

شب پانزدهم شعبان که شب عید مولود مسعود حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه می باشد و این عید سابقاً معمول نبود و سال گذشته به امر همایون دایر گردید. جشن بزرگی در دارالخلافه گرفتند. محمدرضاییک یاور اول توپخانه پسر مرحوم زینل بیک یاور افشار که در جنگ هرات به صدمه گلوله توپ مقتول گردید نظریه حقوق او و لیاقت محمدرضاییک، معزی الیه به منصب سرهنگی توپخانه مبارکه سرافراز شد.

نواب والا حشمة الدوله حکمران اصفهان را احضار به دربار همایون نموده عیسی خان والی را به حکمرانی اصفهان مأمور و سرافراز نمودند. نواب والا نصره الدوله را به حکمرانی عراق مفتخر فرمودند. میرزا ذوالفقار خان مستوفی حاکم قم به یک قطعه نشان از مرتبه اول میرپنجگی به انضمام حمایل سرخ و سفید این رتبه سرافراز گردید و میرزا ابوالقاسم خان ولد معزی الیه به انشاء دیوان اعلی برقرار شد. اختیار حکومت خلخال و شاطرانلو را به میرزا فضل الله وزیر نظام مرحمت فرمودند.

میرزا هاشم خان حاکم سابق خلخال به حکومت سراب و گرم رود و شقاقی برقرار آمد.

مکتب‌خانهٔ اطفال ارامنهٔ تبریز به‌اهتمام میرزا عباس منشی رونقی دارد و شاگردان آن مدرسه که مشغول تحصیل زبان فرانسه و فارسی و عربی و جغرافی و غیره می‌باشند ترقی نموده‌اند.

سیل شدیدی در قزوین آمده و قدری خرابی کرده است. نواب‌والا عمادالدوله حکمران کرمانشهان که احضار دربار معدلت-مدار گردیده بودند این اوقات که مرخص شده به محل حکمرانی خود معاودت می‌نمایند به‌اعطای يك قطعه گل کمر مکمل به‌الماس مفتخر گردیدند و برای هریک از آقایان و اعظم کرمانشاه خلایع ثمینة مرحمت شد.

نظم عمل چاپارخانه‌های ممالك محروسه را به حسین‌خان سرتیپ محول فرمودند.

چند عراده توپ که در سنهٔ ماضیه ریخته بودند آجودان باشی و فضان آقای میرپنجهٔ توپخانهٔ مبارکه آنها را امتحان نموده نهایت خوب و بی‌عیب بودند.

سیل شدیدی در اردبیل جاری شده به‌علاوه از چاههای خانه‌ها آب در فوران آمده و روان گردیده.

نمونه‌ای از تلگراف از عمارت سلطنتی شهر الی باغ لاله‌زار به‌اهتمام نواب‌والا اعتضادالسلطنه و مراقبت مسیو کرشش معلم توپخانه که متصدی بنای تلگراف در دارالخلافه بوده به‌مترجمی میرزا زکی به‌اتمام رسانیده‌اند علی‌هذا معلم مشارالیه به‌یک رشته حمایل سفید سرهنگی و خلعت همایون مفتخر گردید.

حسینقلی‌خان بختیاری به‌یک ثوب جبّه ترمه و یک قبضه شمشیر ته‌غلاف طلا مفتخر گردید.

شیخ سلطان حاکم رامهرمز که به‌دربار همایون آمده بود نیز مخلع گردید.

روز بیست و دوم شعبان، حسینعلی‌خان معیرالممالك داعی حق را لبیک اجابت گفته منصب خزانهداری و معیرالممالکی را که از جلالیل مهم دولتی است به دوستعلی‌خان ولد آن مرحوم مرحمت فرمودند.

امیرزاده علیقلی میرزای سرتیپ و حاکم سنقر و کلیائی به‌یک قطعه

نشان از مرتبهٔ اول سرتیپی و یک رشته حمایل سرخ مخصوص این منصب سرافراز شد.

باقرخان سرهنگ تنگستانی به خلعت همایون و حسن خان ولد او به یک قبضه شمشیر ته غلاف طلا مفتخر گردیدند.

چون مناصب مرحوم آقا محمدحسن صندوقدار را از قبیل صندوقداری و مهرداری و رختداری و تفنگدارباشیگری و ریش سفیدی عمه خلوت و رسیدگی امور جواهرخانه و زرگرخانه را به آقا عبدالله ولد آن مرحوم مفوض فرمودند و مشارالیه را به اسم پدر او آقا محمد حسن نامیدند.

اشارت تراکمهٔ سرخس که دم از خود سری می زدند و نواب والا حسام السلطنه حکمران خراسان با عساکر نصرت مآثر مأمور تنبیه آنها شده چون از توجه نواب معظم‌الیه باخبر شده سرخس را خالی و به مرو رفته حصاری گردیدند. نواب والا آنها را تعاقب و در مرو محصور کرده چندی به حصانت حصار و سورت سرما و قلت آذوقه قشون ظفرنمون استظهاری داشتند. آخر الامر مایوس شده از در استیمن درآمدند و امان یافتند و نواب والا حسام السلطنه حکمران خراسان بعد از نجات مرام به مقرر حکمرانی خود معاودت کردند.

نواب والا رکن الدوله اردشیر میرزا حکمران آذربایجان به یک قطعه نشان از مرتبهٔ اول امیرتومانی و یک رشته حمایل سبز و قرمز که مخصوص این درجه است و یک هزار تومان اضافه موجب سرافراز شدند.

میرزا فضل‌الله وزیر نظام وزیر آذربایجان نیز به یک قطعه نشان از مرتبهٔ اول امیر تومانی و یک رشته حمایل سبز و قرمز و یک ثوب جبهٔ ترمهٔ شمسهٔ مرصع مفتخر گردیده از رکاب اعلیٰ مرخص و معاودت به آذربایجان نمود.

میرزا مصطفی قلی مستوفی دیوان و پیشکار محاسبات آذربایجان به یک قطعه نشان از مرتبهٔ اول سرتیپی و یک رشته حمایل قرمز و خلعت همایون نایل گردید.

صنف خباز آذربایجان را از مالیات معاف فرمودند.

میرزا فضل‌الله نایب ایشیک آقاسی‌باشی به‌منصب بیگلربیگی تبریز و لقب خانی خلعت همایون مفتخر گشت.

میرزا نصیر کدخدا باشی سابق تبریز به‌منصب مستوفیگری آذربایجان برقرار شد.

میرزا ذولفقارخان حاکم قم و ساوه به‌یک قطعه نشان از مرتبه اول سرتیپی و یک رشته حمایل سرخ مخصوص این رتبه سرافراز شد.

مسیوکرشش معلم و سرهنگ توپخانه به‌منصب سرتیپی نایل گردید.

دو دسته سواره ترکمانیه تکه و قاری قلعه که یک دسته آنها ششصد نفر بوده به‌تاخت بعضی نواحی خراسان آمده محمد رحیم‌خان آنها را مخدول و متفرق نمود.

روز یک شنبه غره ذیقعه الحرام چون هوای شهر دارالخلافه گرم شده موکب همایون تشریف‌فرما به‌بیلاق نیاوران گردیدند. مجدداً ششصد نفر از تراکمه که عزم تاخت‌وتاز بعضی محالات خراسان داشتند، درچشمه کبک سواره، سردار شاه دولت‌خان و سواره شاهسون و چهارصد نفر از فوج دویم نصرت و چهارصد نفر از فوج طهران آنها را کاملاً تأدیب و متفرق نمودند.

میرزا محمدعلی مباشر امور خارجه گیلان به‌یک قطعه نشان از درجه دویم سرهنگی و خلعت همایون سرافراز شد.

روز سه شنبه هجدهم ذیقعه الحرام طایر روح نواب شاهنشاه زاده اعظم امیر قاسم‌خان ولیعهد دولت علیه پرواز به‌خلد برین نموده در زاویه مقدسه حضرت امامزاده عبدالعظیم (ع) بقعه‌ای مخصوص برای مضجع پاک آن گوهر تابناک اختیار شد و آن را بعدها بساختند و در اندک وقتی به انواع تزئینات مزین گردید.

جناب فرخ‌خان امین‌الملک ایلچی کبیر دولت علیه که به‌سفارت کبری به‌دربار دول اروپا رفته بودند به‌اسلامبول مراجعت کرده چندی به‌سمت سفارت کبری دراین پایتخت خواهند بود.

موکب همایون دراین اوقات تشریف‌فرمای رودبار و شهرستانک

گردیده و یک راس اسب عربی خاصه بایراق مرصع مکرر به جواهر به جناب صدراعظم مرحمت فرمودند.
حاجی حسین خان بروجرودی به نیابت اول ایشیک آقاسی باشی گری و خلعت همایون سرافراز شد.

وقایع و سوانحی که در این سال در تمام کره ارض واقطار عالم اتفاق افتاده

اتانونی ینگی دنیا:

اختراع وضع تلگراف جدید به توسط دکتر مورس (۱) از اهل اتانونی که به اسم همان شخص این تلگراف الحال موسوم است. دولت انگلیس چهل هزار تومان حق السعی و انعام به این شخص می دهد.

اسپانیا:

اختلاف آراء مابین وزراء .

اعلی حضرت پادشاه انگلستان با کمال سختی با دولت اسپانیا در خرید و فروش سیاهان گفتگو دارد.
افتتاح راه آهن از مادرید به الی کانت (۲).

افریقا:

در شمال دماغه امید چندین سال قبل از ملل مختلفه فرنگ علی الخصوص هلندیها در سواحل رودخانه ترانس وال سکنی گرفتند. بیست و دو سال بود که دولت انگلیس لاینقطع با آنها در منازعه بود بلکه آنها را جزء رعایای خود که در افریقا دارد نماید ممکن نشد تا در این سال دولت انگلیس این جمهوری مختصر را شناخت به جمهوری ترانس وال (۳). بهف نام هلندی به انتخاب عامه اهالی ترانس وال مدت هفت سال ریاست یافت.

الکانت:

فوت مارشال رادتسکی.

قرض دولت اطریش در این سال معادل هزار و دویست کرور تومان پول ایران است.

تولد پسر از امپراطور اطریش.

در میلان ایتالیا متصرفی دولت اطریش اهالی بنای شورش گذاشته آشکارا سلطنت اعلیحضرت ویکتور امانوئل پادشاه ساردن را طالباند.

پسر اعلیحضرت پادشاه پروس دختر بزرگ اعلیحضرت پادشاه انگلیس را به ازدواج خود درآورد.

افتتاح راه آهن از کنیزبرگ شهر پروس الی سرحد روس.

پرنس گیوم برادر اعلیحضرت پادشاه پروس مستقلاً بدون تردید وبدون تعیین وقت به نیابت سلطنت به واسطه سوء مزاج اعلیحضرت پادشاه که برادر بزرگ است برقرار شد.

انگلیس:

عزل وزرای ویک و نصب وزرای طایفه توری به ریاست لرددربی (۱).

عود اعلیحضرت پادشاه انگلستان به هندوستان وفوت پسر دویم آن پادشاه در هندوستان.

پادشاه گورکانی دهلی را انگلیس حبساً به جزیره اندمان (۲) می فرستد. حکومت و فرمانفرمائی هندوستان که تا این زمان به تصرف کمپانی بود نه به اختیار دولت، لردپالمرستون (۳) در اواخر صدارت ولرددربی در اوایل صدارت در ظرف این سال تکلیف به دولت می کنند که این وضع کمپانی را موقوف داشته هندوستان را یکی از ایالات معظمه معتبره انگلیس تصور نمایند و یک وزیری به سمت وزارت هند در دسته وزراء مقرر شود. سیر کامبل (۴) به امداد راجه نیال با پنجاه هزار قشون شهر لکهنوی هندوستان را به تصرف درآورد. بیست و پنج هزار نفر از یانغیها به سمت بنارس فرار کردند. به جهت فتوحات نمایان کامبل سپهسالاری هند ولقب لردکلیدی (۵) از طرف دولت انگلیس به او داده می شود. لرداستلی کاننگ (۶) که از طرف کمپانی حکومت

۱- Derby

۲- Andaman

۳- Palmerstone

۴- Sir Colin Campell

۵- Clyde

۶- Stanley Canning

هند داشت به سمت فرمانفرمائی و نیابت سلطنت در هندوستان برقرار شد. در جزیره نول کالدونی متعلق به انگلیس معادن طلای خیلی بامکنت منکشف شد. مجلس لردها بعد از هفت سال گفتگو بالاخره قبول کردند که از طایفه یهود در مجلس پارلمنت به سمت و کالت رعیت حضور به هم رسانند. رچل (۷) صراف معروف یهودی در مجلس قبول شد. رترنام (۸) از اهالی آلمان ایجاد روزنامه تلگرافی عمومی کرد.

ایتالیا:

کاوور صدراعظم ساردین (ایتالیا) مصر براین است که باید با فرانسه اتحادی داشت.

برزیل:

ابتدای راه آهن جدیدی موسوم به راه دن پدرو.

پرتغال:

ازدواج اعلیحضرت پادشاه بایکی از شاهزاده خانمهای پروس.

بلژیک:

دولت در صدد ساختن قلعه محکمی در بندر آنورس (۹) برآمد.

چین:

حاکم ایالت کانتون، یه (۱۰) نام و سپهسالار چین از طایفه تاتار به دست عساکر انگلیس محبوس گردید. حاکم مزبور که به کلکته به محبس فرستاده می شود معترف به این است که در این چهار سال که از طرف دولت چین مأمور به حکومت این ولایت است شصت هزار نفر آدم از یاغیها را به قتل رسانیده است. مأمورین فرانسه و انگلیس به امید این که بلکه بتوانند با دربار پکن گفتگو نمایند تا کیانک سو می روند. گفتگوی بی فایده در مصالحه بعد از نا امیدی از مصالحه عساکر فرانسه و انگلیس در خلیج پت شلی (۱۱) وارد می شود. در این خلیج رودخانه پیهو (۱۲) که يك شعبه اش از میان شهر پکن پایتخت می گذرد می ریزد. چینیها در ساحل این خلیج و دهنه این رودخانه قلعه جات خیلی سخت محکم

۷- Rotshild (Mayer)

۸- Reuter

۹- Anvers

۱- Yé

۱۱۰- Pé-Tchili

۱۲- Péhu

دارند. بعضی از قلعه‌جات آنها را که صدوسی و هشت توپ زیاد یا کم داشتند عساکر متفقہ گرفتند. دهنه رودخانه به دست آمده بالا رفته شهر تین‌سین (۱۳) را هم متصرف شدند. مأمور روس در این مقدمه، عهدنامه دوستی با دولت چین منعقد کرده جمیع بنادر چین را از برای سفاین روس بازو آزاد دانسته در سمت رودآمور تقریباً پانصد میل مسافت از سرحد سبیر ضمیمه مملکت روس شده بعد عهدنامه دوستی چینیه در تین‌سین با فرانسه وانگلیس بستند. سفرای انگلیس و فرانسه در پکن و سفرای چین در لندن و پاریس متوقف خواهند بود. ده کرویر تومان پول ایران، خسارت دولت چین به دولت انگلیس خواهد داد و سه کرویر ایران به فرانسه. مسافرین و سیاحان فرنگ و چین آزاد خواهند بود که در تمام ممالک چین گردش کنند. مذهب عیسوی در تمام ممالک چین محترم خواهد بود. تجارت تریاک حق فرنگیه خواهد بود.

روس:

انعقاد مجلسی به حکم اعلیحضرت امپراطور به جهت آزاد نمودن رعایا. در مملکت روس آنچه به تعداد آمده صد و نه هزار ارباب است. از این عدد هزار و چهار صد نفر از هزار الی ده هزار رعیت دارند که این رعایا به منزله مملوک هستند و خرید و فروش می‌شوند. فی الواقع اعلیحضرت امپراطور روس جمعیتی که مشتمل بر چهل و یک کرویر و دویست و پنجاه هزار نفر بود آزاد کرد که در حقیقت رعایای مملوک به حکم امپراطور آزاد شدند.

ژاپن:

عهدنامه تجارتی با اتائونی وانگلیس و روس و فرانسه.

سود:

به واسطه یانقین سختی قسمت عمده‌ای از پایتخت می‌سوزد.

سویس:

افتتاح راه آهن از ژنو به نوآن (۱۴).

عثمانی:

خیال اتحاد ایالتین والاشی و ملداوی (افلاق بغداد) در تحت یک

حکومت چون از برای اقتدار روس در این نواحی بیشتر مفید بود دولت عثمانی قبول ننمود. به این واسطه باز مابین روس و عثمانی نزدیک به ترک مراد شده. لهذا مجلس شورای مجددی در پاریس از مأمورین جمیع دول منعقد گردید. بعضی قرارهای جدید در عمل اتحاد افلاق بغداد و قراداغ عثمانی و بعضی جاها گذاشته شد.

سیرهانری بلور (۱۵) به سفارت انگلیس در دربار عثمانی به جای لرد ریکلیف (۱۶) برقرار شد.
فوت رشید پاشا فجأة.

شورش سخت در ایالت هرزگوین و منتگرو در بوسنی. فتوحات عمر پاشا با اعراب بدوی در حوالی بغداد.
باریدن باران سخت در شامات و خرابی رسانیدن.

در جزیره کاندی به جهت زیادی مالیات اهالی شوریدند. مسلمانها عیسوی زیاد در این جزیره به قتل رسانیدند.

در بندر جدّه فرنگی زیاد به قتل رسید من جمله قونسولهای فرانسه و انگلیس بودند. کشتیهای جنگی دولتین فرانسه و انگلیس به ضرب گلوله نارنجک خرابی زیادی به جدّه وارد می آورند. دولت عثمانی جمعی را به جهت تحقیق این فقره مأمور به جدّه نموده ده نفر از مقصرین که محرک مردم بودند در این قتل و نهب به دست آورده می کشند.

ایجاد مجلس وکلای ملت در بلغراد و سربستان (۱۷). وکلای ملت این ایالت عزل قارازارش ژویش (۱۸) را طالباند که از طرف دولت عثمانی والی بوده و ابرنویچ (۱۹).

ولیعهد مصر احمد پاشا پسر ابراهیم پاشا در نیل غرق شده هلاک می گردد.

در تونس ایجاد یک بانک.

ایجاد اول راه آهن در خاک عثمانی از از میر به آیدین.

۱۵- Bulver Lytton

۱۶- Stratford Redcliffe

۱۷- متن: سربستان. غرض ناحیه ای است به نام serbie.

۱۸- Karageorgevitch

۱۹- Obrenovitch

فرانسه:

جمعی از اهالی ایتالیا که رئیس آنها ارسینی (۲۰) نام بود قصد قتل اعلیحضرت ناپلئون امپراطور فرانسه کردند و شبی در مدخل تماشاخانه بزرگ سهارنچك به سمت امپراطور انداخته شد. صدوپنجاه و شش نفر مجروح و هشت نفر مقتول و به امپراطور نیز جزئی زخمی وارد آمد. تفصیل این سانحه از این قرار است:

ارسینی که شخص مؤسس این فتنه بود بیست و هفت سال تمام بود که در جمیع انقلاب و حوادث عمده که در ایتالیا روی می داد داخل بود. در این اواخر او را اخراج بلد نموده به انگلیس فرستاده بودند و او با سه نفر همدست، از راه بلجیک به قصد قتل امپراطور، به خاک فرانسه ورود کرد. نارنجکی اختراع کرده بود از آهن، به زمین که می زدند اجزائی که پنجاه مرتبه حدتش زیادت از باروط است به همان خوردن نارنجك به زمین مشتعل شده نارنجك را ترکانده پارچه های او را به اطراف متفرق می کرد. شبی که مرتکب این عمل می شده صبح آن سه نفر را که با او آمده بودند خواسته اظهار داشت که امشب ناپلئون به تماشاخانه خواهد رفت. کار او را باید ساخت. به دست هریک از آن سه نفر يك نارنجك داد و خود دو نارنجك برداشت. مقارن غروب از منزل راه افتادند. دو ساعت از شب رفته که کالسکه های درباری رسیدند، در کالسکه اول بعضی صاحب منصبان بودند و گذشته در کالسکه دویم اعلیحضرت امپراطور و امپراطریس نشسته بودند. همین که به محاذی او رسیدند نارنجك را به زمین زد و به صورت اعلیحضرت امپراطور چنان که مذکور شد زخمی رسید و خود ارسینی که نارنجك را انداخته بود زخمی شد. دو نفر از آن چهار نفر به دست آمدند و دو نفر دیگر فردا گرفتار شدند. بعد از آن که تحقیقات به عمل آمد حکم قتل این چهار نفر صادر شد. شبی که صبحش ارسینی را می بایست سیاست کنند عریضه به اعلیحضرت ناپلئون نوشت که وطن من که ایتالیاست به بدترین وضعها گرفتار است. مگر اعلیحضرت شما همتی بکنید و دولت ایتالیا را دولتی بسازید.

موافق فرمان اعلیحضرت امپراطور ناپلئون در زمان غیبت اعلیحضرت ایشان از فرانسه نیابت سلطنت با امپراطریس خواهد بود.

جنرال شان گارنیه (۲۱) و جنرال بدو (۲۲) که از خاک فرانسه اخراج شده بودند اجازه یافتند که وارد شوند.
سفارت کبرای دوکدمالاکف به انگلیس.

از برای زینت شهر پاریس در ظرف ده سال دولت مقرر داشت سی و شش کرویر تومان ایران خرج شود که از این مبلغ ده کرویر دولت کمک خواهد کرد مابقی را اهل شهر.

فوت مادر کنت دوپاریس نوۀ لوئی فیلیپ پادشاه فرانسه و ولیعهد او در انگلیس.

وزارت الجزایر و تمام ممالکی که دولت فرانسه در خارج از مملکت فرانسه مالک است به پرنس ناپلئون عموزادۀ امپراطور مقرر شد.

حکومت جنرال ماک ماهون به الجزایر.

مملکت سیام قبول قونسول فرانسه نمودند.

جزئی کدورتی با دولت پرتغال. ترضیه خواستن دولت پرتغال و عفو دولت فرانسه.

به جهت حفر مجمع البحرین سوئز کمپانی این عمل در پاریس افتتاح استقراض کرد.

آمدن اعلیحضرت پادشاه انگلستان به شربورغ بندر فرانسه و ملاقات نمودن با اعلیحضرت امپراطور فرانسه. فوت راشل بازیگر معروف.

ینگى دنیای جنوبی:

شورش سختی در جمهوری پرو و رفع آن.

ینگى دنیای شمالی:

بعد از دومرتبه تلاش بیهوده، در مرتبۀ ثالث مابین والان تیا (۲۳) شهر ایرلند انگلیس و سنت ژان (۲۴) شهر ینگى دنیای امتداد سیم تلگراف بحری شد. اول مخابرۀ تلگراف تهنیت آمیز مابین رئیس جمهوری اتائونی و اعلیحضرت پادشاه انگلستان بود وقتی که در ساعت شهر والان تیا دو

۲۱- Changarnier

۲۲- Bedeau

۲۳- Valencia

۲۴- St. John

ساعت و چهل و پنج دقیقه از ظهر گذشته بود در شهر سنت ژان ظهر و اختلاف افق به این قدر. اما به زودی این سیم بحری پاره و قطع مراوده مابین یروپ و ینگى دنیا گردید.

یونان:

ایجاد موزه در آتن پایتخت این دولت. بروز زلزله در آتیک. خرابی شهر کرنٹ (۲۵) به واسطه زلزله. جزیره کرفو (۲۶) را دولت انگلیس مایل به تصرف است لیکن اهالی جزیره زیاده تر میل دارند که جزء یونان باشند.

شرح سال دوازدهم

سلطنت و تاجداری اعلیحضرت اقدس شاهنشاه جم‌جاه
خسرو صاحبقران خلدالله ملکه و دولته مطابق سنه
هزار و دویست و هفتاد و پنج یونت‌ئیل ترکی

در این سال خیرمآل، ذات ملکوتی صفات اقدس اعلی به نفس نفیس
مبارک غور و تعمقی در کلیه امور دولتی و ترفیه آحاد و افراد خدم و حشم
و جمیع طوایف و ملی که رعایای این دولت جاوید شوکت‌اند می‌فرمایند.
تعزیه‌خوانی دولتی در تکیه مبارکه نیاوران برپاست.
متعلمین مدرسه مبارکه دارالفنون را در مدت يك ماه امتحانی
به دقت نموده شاگردان خوب ترقی کرده‌اند.

جناب مسیو انچکوف که از جانب اعلیحضرت امپراطور روس
به سمت ایلچیگری و وزیر مختاری مأمور به دربار معدلت مدار همایون
بودند، از اول ورود به خاک ایران جمیع شرایط پذیرائی و اعزاز و
مهمان‌داری و استقبال و احترامات معموله درباره سفرای مختار دول بزرگ
درباره معزی‌الیه به وجه اکمل به عمل آمده، روز یازدهم محرم وارد
دارالخلافه باهره گردیدند و روز چهاردهم محرم از قریه زرگنده که
منزل بیلاقی سفرای مختار دولت روس است دعوت به حضور باهرالنور
مبارک شده در قصر نیاوران تشریف جستند و مورد عواطف مخصوصه
گردیده تبلیغ نامه مودت ختامه اعلیحضرت امپراطور روس را نمودند.
میرزا زکی معلم توپخانه — که به منصب یآوری توپخانه سرافراز
بود — در امتحان آخری مدرسه مبارکه دارالفنون به منصب سرهنگی
توپخانه مفتخر گشت.

به تاریخ شنبه بیستم شهر محرم الحرام، دستخط جهان مطاع مبارك خطاب به جناب صدراعظم شرف صدور یافت و با وجود صورت این دستخط مبارك حاجت به تفصیل و نگارش نیست:

سواد دستخط جهان مطاع

جناب صدراعظم! چون شما جمیع امورات دولتی را به عهده خود گرفتید و احدی را شريك و سهیم خود قرار نمی دادید معلوم شد قوه يك شخص شما از عهده جمیع خدمات ما بر نیامد و در این بین خطبها و خطاها اتفاق افتاد و کم کم امورات دولت معوق ماند و شما البته در دولتخواهی راضی نمی شوید که ما در این حالت مجبور باشیم و امورات را غیر منظم ملاحظه فرمائیم. لهذا امروز که روز بیستم محرم الحرام است شما را از منصب صدارت و نظام الملك وزیر لشکر را از مناصب خود معزول فرمودیم. در خانه خودت آسوده باش در نهایت اطمینان و امنیت از جانب ما. یقیناً بجز التفات در حق شماها ابداً کاری نخواهیم کرد. التفاتهای زبانی و اطمینان ما هم آنچه لازم بود و مکنون قلب ما به حاجب الدوله فرمودیم که به شما بگوید. سنه ۱۲۷۵.

چون رأی صواب نمای همایون چنین اقتضا فرمود که مشاغل و مهام عظیمه دولتی مثل سابق راجع به فرد و شخص واحد نباشد، لهذا محض نظم و انتظام و امکان رسیدگی تام و تمام به امور مملکتی و توجه از عموم اهالی ممالك محروسه مهام و مشاغل را تجزیه نموده شش وزارتخانه حسب الامر الاقدس الاعلی ترتیب یافت:

- اول: وزارت داخله.
- دویم: وزارت خارجه.
- سیم: وزارت جنگ.
- چهارم: وزارت مالیه.
- پنجم: وزارت عدلیه.

ششم: وزارت وظایف.

اسامی و اشخاص وزراء و حدود و تكالیف والقاب هريك از قرار ذیل است:

جناب میرزا محمد صادق قائم مقام ملقب به امین الدوله شده به وزارت داخله سرافراز شدند.

وزارت خارجه کماکان به عهده کفایت جناب مؤتمن الملك میرزا - سعیدخان است.

جناب میرزا محمدخان کشیکچی باشی به لقب جلیل سپهسالاری و وزارت جنگ مفتخر گردید.

وزارت مالیه بر عهده کفایت جناب اجل میرزا یوسف مستوفی الممالك مفوض آمد.

جناب عباسقلی خان والی جوانشیر ملقب به معتمد الدوله شده وزارت عدلیه به عهده کفایت ایشان محول گشت.

وزارت وظایف و اوقاف کل ممالك محروسه تعلق به میرزا - فضل الله نصیر الملك یافت و میرزا عنایة الله امین لشکر کماکان مشغول ضبط و ربط دفتر لشکر خواهد بود.

وزرای عظام مزبوره هريك در کارهای مخصوص خود کمال استقلال را دارند و اگر مهمی از برای دولت پیش آید، کل وزراء و امناء باید شوری نموده گفتگو در مصالح آن امر نمایند. در هر حال امضای کل امور با نفس نفیس مبارك است و بدون استیذان و اجازه از جانب سنی الجوانب همایون حکمی نفاذ نمی یابد.

چون حاجب الدوله والد مؤلف را از مناصب و خدمات خود معزول فرمودند حاجی محمدخان پیش خدمت خاصه را روز بیست و سیم محرم به لقب حاجب الدولگی و منصب فراشباشیگری سرافراز و سایر خدمات که بر عهده والد بود تفویض به معززی الیه شد.

چاپارخانه های خوی و عرض راه را تعمیر می کنند.

منصب ریاست مجلس شوری را به میرزا جعفرخان مشیرالدوله مرحمت فرموده و دستخط مبارك در این باب شرف صدور یافت که صورت آن از قرار ذیل است:

صورت دستخط مبارك

چون مشیرالدوله را در صداقت و دولتخواهی بارها آزمایش فرموده‌ایم و کمال وثوق و اعتماد به کفایت و کاردانی او داریم و او را خیرخواه و مخلص می‌دانیم علی‌هذا ریاست شورای دولت را که از امورات معظمه است به عهده کفایت او محول می‌فرمائیم که در این امر روز به روز صداقت و دولتخواهی و غیرت خود را به عرصه ظهور رساند و بدان واسطه التفات و مرحمت ما را در حق خود بیفزاید. ششم شهر صفر المظفر سنه ۱۲۷۵.

حساب یزد و بروجرد نیز بر عهده میرزا رفیع مستوفی برقرار و مقرر شد که با شال و کلاه بعد از این به سلام مشرف شود. یحیی‌خان (جناب معتمدالملک) که اباً عن جد به خدمات جلیه این دولت مفتخر و سرافراز بوده به منصب آجودان مخصوص و مترجمی حضور باهرالنور و خلعت همایون سرافراز گردید.

در شب ششم شهر صفر که شب عید مولود مسعود همایون می‌باشد در دارالخلافه باهره و سایر بلاد ممالک محروسه جشن گرفته روز عید سلام عام در قصر نیاوران اتفاق افتاد.

محمدصادق‌خان قاجار سرهنگ توپخانه و مصطفی‌قلی‌خان یاور توپخانه و میرزا فتح‌الله پسر نصیرالملک و عسکرخان برادر صاحب‌جمع به جهت گرفتن ارتفاع کوه دماوند بدانجا رفته از آب گرم لاریجان يك روز اول طلوع آفتاب روانه کوه دماوند شده در کمال صعوبت تا سه ساعت به غروب مانده قریب دوفرسخ بالا رفته در زیر سنگی که مشهور به بارگاه است و فی‌الجمله وسعتی دارد توقف نموده شب را در آنجا به سر بردند و پهلوی آن سنگ نهر آبی به قدر سه چهار سنگ جاری بود. يك ساعت به غروب مانده نهر به آن عظمت منجمد گردید و چون از این معنی غفلت داشتند شب را بی‌آبی کشیده با گداخته برف و یخ سر کردند و باد شدید که می‌وزید مانع طبع و تحصیل روشنائی بود. فردا اول طلوع فجر

به سمت مقصد حرکت کرده بعد از طی نیم فرسخ به اول برف رسیده از این مکان به قدریک فرسخ بالا رفته به جائی که مشهور به «بند حکیم صاحب» است رسیده. و این بند به اسم حکیم صاحب از آن جهت معروف شده است که چهار سال قبل یکی از حکمای فرنگ به عزم سیاحت به آن مکان رفته و از آنجا تجاوز نتوانسته است بنماید. در اینجا دوسه نفر از بلدهای همراه بد حال شده نتوانستند دیگر همراهی کنند. از اینجا به امداد هفت نفر دیگر به هرنحوبود مسافتی طی کرده به مکان مشهور به «بامشی-بند» رسیده درجه ارتفاع این محل را که تعیین کردند پنج هزار و چهارصد و شصت ذرع مرتفع تر از سطح شهر طهران یافتند. از بامشی بند به قدر هزار قدم به استراحت بالا رفته به اول دودکوه می رسد. در آنجا تپه مانند جائی است و بخار رقیقی متصاعد است و ارتفاع آن به قدر سیصد قدم می باشد و از آن حد به بالا معدن گوگرد است. در آخر دود کوه، زاغه ای است کم وسعت به قدر سه قدم گود و به فاصله صد قدم دورتر زاغه دیگری هست از زاغه اول بزرگتر و از هر دو بخار متصاعد است. پشت زاغه دویم گودالی است حوض مانند که از اطراف آن برف آب شده در میان آن حوض جمع می شود و آبش ترش مزه و قدری گوگرد نیز دارد و در میان آن آب کرمهای سفید نازک به هم می رسد. بالای کوه جائی است وسیع و وسط آن گودالی است بزرگ و پر از برف و غرق گودال را کسی تاکنون ندیده. سه سمت قله برف دارد و یک سمت که معدن گوگرد است و بخار دارد بی برف است. در اینجا زیاده از پنج دقیقه زیستن آنها را میسر نشد و حالت انقلاب به ایشان دست داد. سه نفر از بلدها را امر به کندن گوگرد نموده و مراجعت کردند. اعمال دیگر به جهت وزیدن باد شدید ممکن نشد. دو ساعت به غروب مانده به قریه کرنا که در پای کوه است وارد شدند. مختصر ارتفاع قله دماوند از سطح طهران پنج هزار و پانصد و نود ذرع و از سطح دریا شش هزار و ششصد و سیزده ذرع است به موجب تشخیص اشخاص مسطوره.

روز يك شنبه هفدهم صفر که هوا تعدیلی یافته بود، موکب خسروانه از بیلاق نیاوران به عزم عمارات سلطنتی شهر نهضت فرما گردیدند و در بین راه به کارخانه ریسمان ریزی که قدری بالاتر از قصر قاجار دایر می نمایند تشریف فرما شده سرکشی و بازدید فرمودند. بنا و عمله زیاد

در اینجا کار می‌کنند و این کارخانه نزدیک به اتمام است.
نواب والامحمدتقی میرزا حکمران دارالخلافة به خلعت همایون
نایل شد.

حاجی میرزا علی اکبر قوام‌الملک با بعضی وابستگان خود که
به‌دربار معدلت مدارهمایون آمده بود بعد از آن که رخصت انصراف
حاصل نمودند از قرار ذیل به مناصب و مراحم شاهانه سرافراز شدند:
حاجی میرزا علی اکبر قوام‌الملک به حمایل میرپنجگی و خلعت همایون.
میرزا حسنعلی خان ولد قوام‌الملک دریابیگی سابق بندر بوشهر
به منصب استیفای مملکت فارس و خلعت همایون.

میرزا علی محمدخان ولد قوام‌الملک به منصب و کالت رعایای فارس
و خلعت همایون.

میرزا علی خان ولد میرزا محمدخان بیگلربیگی فارس به خلعت
همایون.

سفیری به سمت شارژ دافری دولت بلجیک با شرایط پذیرائیهای
معموله واعزاز به دارالخلافة باهره آمد.

میرزا ابراهیم خان سرتیپ به منصب سرتیپی اول و حمایل و نشان
مخصوص این رتبه سرافراز شد.

میرزا حسن‌الله‌باشی به منصب ریش‌سفیدی درب جمیع حرمخانه
و خلعت همایون سرافراز شد.

مصطفی قلی‌خان حاکم سبزوار به خلعت همایون و یک قبضه شمشیر
ته‌غلاف طلا نایل گردید.

قوانین لازمه به جهت رونق تجارت و زراعت و صناعت و معادن
ممالک محروسه معین و برقرار فرمودند.

جناب شیخ عبدالحسین مجتهد که در عتبات عالیات مشغول دعاگوئی
و تعمیرات از جانب سنی‌الجوانب همایون هستند یک ثوب عبای ترمه از
جامه‌خانه خاص برای جناب معزی‌الیه انفاذ داشتند.

نیز برای جناب حاجی سید جواد امام جمعه کرمان یک قبضه عصای
سر مرصع ارسال فرمودند.

میرزا محمدعلی خان حاکم لاهیجان مخلع گردید.

جان محمدخان سرهنگ فوج خلیج ساوه به منصب سرتیپی سیم سرافراز شد.

حسین خان نظام الدوله به منصب جلیل امیرتومانی و خلعت همایون سرافراز شد.

جناب فرخ خان امین‌الملک مأمور به سفارت کبری و معاهده عهد مودت بابعض دول اروپا بعد از اتمام مأموریت مراجعت نموده در ماه ربیع‌الاول وارد دارالخلافه شده به زیارت خاکپای همایون سرافراز و از انواع فخرو شرف بهره‌یاب گردیدند و هنگام ورود به دارالخلافه، حسب الامر استقبالی شایان از جناب معزی‌الیه نمودند و یک قطعه گل کمر مرصع به جواهر گرانبها و یک ثوب جبّه ترمه کشمیری حاشیه‌دار دور زنجیره از ملابس خاص به ایشان مرحمت فرمودند. میرزا شفیع شیرازی به منصب استیفا و خلعت همایون سرافراز گردید.

دیوانخانه‌های عدلیه در ولایات برقرار فرمودند. بعضی از شاگردهای مدرسه دارالفنون که ترقی کلی نموده و تحصیل خود را کامل کرده و نواب والا اعتضاد السلطنه وزیر علوم تصدیق داده مقرر شد جناب سپهسالار به قدر علم و عمل و شایستگی منصب دهند و دسته دیگر شاگرد از نجیب‌زادگان انتخاب کرده در مدرسه مبارکه به جای آنها بگذارند.

یحیی خان آجودان مخصوص و مترجم حضور همایون به یک رشته حمایل سفید از مرتبه سرهنگی سرافراز شد. بعضی از صاحب‌منصبان، جناب فرخ خان امین‌الملک از فرنگستان برای بعضی از خدمات دولت علیه همراه آورده‌اند.

میرزا ملکم خان سرهنگ اتا‌ماژر مترجم مخصوص دولت علیه و آجودان حضور همایون که [با] منصب مستشاری در سفارت جناب امین‌الملک به اروپا مأمور شد به منصب سرتیپی و نشان شیر و خورشید از درجه اول سرتیپی با حمایل سرخ مخصوص مفتخر گردید.

نواب والا شاهزاده بهرم میرزا را به لقب معزالدوله مفتخر و به صاحب‌اختیاری مملکت آذربایجان و یک قطعه نشان مکلل به الماس از مرتبه امیرتومانی و یک رشته حمایل سبز و سرخ که متعلق به این منصب

است سرافراز فرمودند.

عزیزخان سردار کل را به‌نشان و حمایل و خطابات که سابقاً داشت مجدداً برقرار فرموده ریاست کلیه و نظم امور مملکت و قشونی آذربایجان را به‌عهد معزی‌الیه موکول و به‌خلعت همایون سرافراز فرمودند که در خدمت نواب والا معزالدوله روانه آذربایجان شوند.

میرزا ابوالقاسم مستوفی به‌لقب معین‌الملکی ملقب گردید.

میرزا عباس‌خان نایب وزارت خارجه به‌منصب نیابت اول و لقب معاون وزارت امور خارجه و خلعت همایون سرافراز شد که به‌موجب دستورالعمل اولیای دولت علیه مستقلاً به‌مهام خارجه آذربایجان رسیدگی نماید.

امیرالامراء العظام عیسی‌خان والی حاکم اصفهان به‌اعطای لقب جلیل اعتمادالدولگی سرافراز گردید.

محمودخان میرپنجه به‌لقب نبیل ناصرالملکی مفتخر گشت و انتظام مهام سواره نظام ملتزم رکاب همایون به‌معزی‌الیه تفویض شد.

نواب والا حشمة‌الدوله را به‌حکمرانی خراسان و به‌اعطای یک‌ثوب قبای مقتول دوز نظامی تن‌پوش مبارک و یک رشته حمایل سبز و آبی که مخصوص منصب سرداری است سرافراز فرمودند.

نواب عبدالله‌میرزا (۱) را به‌حکومت تربت و نواب پرویز میرزا را به‌حکومت نیشابور و محمدرحیم خان قاجار را به‌حکومت ترشیز مفتخر فرمودند.

میرزا محمد قوام‌الدوله وزیر خراسان به‌یک رشته حمایل سبز و قرمز از مرتبه امیرتومانی نایل گردید.

میرزا جعفرخان مشیرالدوله را به‌اعطای یک قبضه عصای مرصع قرین اعزاز فرمودند.

میرزا محمد منشی اول خاصه وزارت امور خارجه به‌ریاست دفترخانه وزارت خارجه سرافراز و به‌نشان درجه اول سرهنگی و حمایل مخصوص آن مفتخر گردید.

شیخعلی‌خان سرهنگ که نسبت به‌فوج خلخال بی‌اعتدالی کرده

بود معزول و سرهنگی این فوج را به عبدالحسین خان برادر مؤلف مرحمت فرمودند.

محمد آقا سرهنگ سابق فوج قرائی به سرهنگی فوج حومه شیراز برقرار گردید.

جناب میرزا فتحعلی خان صاحب دیوان (۲) به حکومت یزد مفتخر آمد.

میرزا صادق خان که سابق نایب اول کارپردازخانه دولت علیه مقیم بمبئی بود به منشی گری مهم خارجة گیلان سرافراز و به اعطای يك قطعه نشان از درجه اول سرهنگی با حمایل مخصوص آن و خلعت همایون نایل گردید.

سه فوج قزوین [را] که سابقاً سپرده به عباسقلی خان بود به محمدخان امیر تومان مرحمت فرمودند.

یوسف خان سرتیپ افواج افشار ارومی به يك قطعه نشان از مرتبة دویم سرتیپی و يك رشته حمایل مخصوص آن مرتبه مفتخر گشت.

هنگام مراجعت جناب امین‌الملک سفیرکبیر دولت علیه ایران بعضی هدایا و تحف لایقه از جانب اعلیحضرت ناپلئون سیم امپراطور فرانسه و دول متحابه آمریکا و ساردین و بلجیک برای حضور باهرالنور مبارک اهدا نموده بودند که دراین اوان عز وصول یافت و از آن جمله يك حلقه انگشتری الماس كوچك می‌باشد که وسط نگین آن تصویر اعلیحضرت ناپلئون امپراطور فرانسه است و يك جلد کتاب شاهنامه که در پاریس به زبان فرانسه ترجمه شده است.

محمودلی خان قاجار بیگلریگی سابق استرabad به منصب سرداری قشون خراسان مفتخر گردید و سیصد و بیست نفر غلامان قراول خراسان را ابواب جمع محمدهاشم خان پسر مشارالیه فرمودند.

میرزا احمد خان پسر مرحوم میرزا تقی خان امیرکبیر به منصب سرتیپی اول سرافراز گردید.

فوج ملایر را به مرتضی قلی خان (جناب وکیل‌الملک) سپردند. جناب فرخ خان امین‌الملک به وزارت حضور و منصب مهرباری

مهر مبارک وریش سفیدی و ریاست عمله خلوت برقرار گردید و دستخط جهان مطاع مبارک شرف صدور یافته صورت آن از این قرار است:

صورت دستخط همایون

منصب مهرداری که از اجله مناصب دولت ماست و ریاست عمله خلوت که هم از مناصب بزرگ دولت است بالقب وزارت حضور که از القاب عمده ایران است به امین‌الملک التفات فرمودیم که در کمال سرافرازی مشغول خدمات حضور و فرمایشات ما باشد. فرمان صادر شود. پانزده جمادی‌الثانیه ۱۳۲۵.

نشان مجیدیه از درجه کوماندِر (۱) به جناب میرزا حسین خان وزیر مختار دولت علیه در اسلامبول از جانب اعلیحضرت سلطان عثمانی مرحمت شده به اجازه اعلیحضرت شاهنشاهی دام ملکه قبول آن نشان نمودند.

میرزا علی‌خان ولد میرزا مصطفی‌خان افشار به منصب سرهنگی سرافراز شد.

نظر به موالات و اتحاد دولتین ایران و روس، اعلیحضرت امپراطور روس يك قبضه شمشیر مرصع برای اعلیحضرت همایون اهدا نموده جناب مسیو انیشکوف وزیر مختار و سفیر مخصوص دولت روس بالوازم تشریفات لایقه به حضور باهرالنور مبارک رسانیدند.

فوج نهاندی را به محمدرضاخان سرتیپ زنگنه سپردند.

نواب والا معزالدوله بهرام‌میرزا که به حکومت آذربایجان سرافراز شدند روانه آذربایجان گردیدند.

میرزا هدایه‌الله پسر نصیرالملک به منصب استیفای وظایف ممالک محروسه برقرار گردید.

حاجی میرزا عبدالله خان ولد مرحوم میرزا نبی خان امیر دیوان به منصب استیفای دیوان همایون سرافراز شد.

در ماه رجب این سال حکم شد سیم تلگراف از دارالخلافه باهره الی عمارت سلطانیه و از آنجا تا تبریز بکشند. نواب والا اعتضادالسلطنه که مدرسه مبارکه دارالفنون سپرده به ایشان است مشغول انجام این خدمت می باشند و این اول تلگرافی است که در ایران کشیده می شود و به مرور به همه سرحدات خواهند کشید.

چهل و دونفر از جوانان قابل ایران انتخاب شده اند که در مدارس علمیه پاریس مشغول تحصیل فنون مختلفه شوند.

حسنعلی خان سرتیپ جنرال آجودان خاص حضور همایون به منصب وزیرمختاری و ایلچیگری مخصوص دولت علیه ایران مأمور به اقامت دربار دولتین انگلیس و فرانسه و حامل نامه جات دوستی علامات گردیده به خلعت مهر طلعت همایون سرافراز شد و حاجی محسن خان سرهنگ به نیابت اول و میرزا صادق خان به نیابت دویم و نظراقا (۱) به مترجمی اول و میرزا بزرگ به منشیگری سفارت مزبوره برقرار گردیدند و شاگردان مزبوره که باید در پاریس مشغول تحصیل شوند سپرده به جناب حسنعلی خان وزیرمختار گردیدند که پس از ورود به پاریس قرار تعلیم و تعلم آنها را بدهند.

میرزا عبدالرحیم خان که در اوقات توقف اسلامبول به طور کفایت حرکت کرده بود به منصب کارپردازی اول دولت علیه منصوب و به اقامت تفلیس مأمور گردیده به اعطای یک قطعه نشان سرتیپی و حمایل و خلعت همایون سرافراز شد.

میرزا عبدالوهاب خان به منصب نیابت اول کارپردازخانه تفلیس برقرار گردید.

نصراالله خان سرتیپ به یک قطعه نشان از درجه سیم سرتیپی سرافراز شد.

امامعلی خان سرتیپ فوج کرمان در خبیص مرحوم شد. این اوقات مقرر شد که پنج هزار قبضه تفنگ خان دار از

۱- بعدها در روزگار مظفرالدین شاه و محمد علی شاه وی بنین السلطنه لقب یافت و سالها

سفیر ایران در فرانسه بود.

کارخانجات بلجیک بخرند.

حکومت کرمان را به نواب کیومرث میرزا (۲) و وزارت کرمان را به محمد اسماعیل خان مفوض فرموده اوایل شهر شعبان به محل حکمرانی خود می روند.

جناب میرزا حسین خان (جناب اشرف سپهسالار اعظم) به منصب وزیر مختاری و اقامت اسلامبول و خلعت خاص همایون سرافراز گردیده اجزای سفارت کبری که با جناب معظم الیه روانه می شوند از قرار ذیل است: نریمان خان سرتیپ مستشار سفارت.

میرزا سلیمان خان پسر مؤتمن الملك وزیر امور خارجه نایب اول. میرزا حسن نایب دویم.

میرزا زمان خان به سمت قونسول جنرالی مأمور به اقامت مصر.

میرزا مهدی به منصب کارپردازی ارزنةالروم.

میرزا حسین به منصب کارپردازی مأمور به اقامت طرابزون.

حاجی میربهاالدین به منصب کارپردازی شام.

یحیی خان پسر جناب حسنعلی خان وزیر مختار به سرهنگی فوج اول گروس سرافراز و سرپرستی افواج گروس را به نیابت جناب حسنعلی خان به مشارالیه واگذار فرمودند.

نواب والا عمادالدوله به یک قطعه نشان امیرتومانی و حمایل سبز و آبی که مخصوص این منصب است سرافراز گردیدند.

قوامالدوله وزیر خراسان نیز به یک قطعه نشان امیرتومانی مفتخر گشت.

الله ویردی خان سرهنگ توپخانه به منصب سرتیپی سیم توپخانه برقرار گردید.

حسنعلی خان سرتیپ افشار به یک قطعه نشان دویم سرتیپی و حمایل سرخ مخصوص این رتبه نایل گشت.

محمدباقر خان سرهنگ فوج ششم به یک قطعه نشان از مرتبه اول سرهنگی و حمایل سفید مباحی شد.

علیمرادخان پسر اسدالله خان سرتیپ فوج گوران چون این اوقات

۲- کیومرث میرزا پسر سی و دوم فتحعلی شاه بود و ابوالملوک میرزا خوانده می شد. وی

لقب ملک آرا یافت.

اشرار آن سامان پدرش را غفلة به قتل رسانیدند و قاتلین او را گرفتند خود او به منصب سرهنگی فوج مزبور برقرار شد.

عزت‌الله خان شاهسون به منصب ایل بیگی گری شاهسون دویرن نایل آمد.

مصطفی خان یوزباشی ولد مرحوم عباسقلی خان به سرهنگی فوج قرائی برقرار گردید.

امان‌الله خان والی کردستان را به یک قطعه گل کمر مرصع به الماس مفتخر فرمودند.

شاهزاده احمد میرزا به حکومت گلپایگان و خوانسار رفت. حکومت ملایر و توپسرکان را نیز به نواب والا نصره الدوله حکمران عراق مرحمت فرمودند.

حاجی حسن خان قاجار به وزارت قزوین منصوب گردید. میرزا اسدالله مستوفی به منصب وزارت دارلمرز سرافراز گردید. تحویل‌داری جنس انبار غله دیوانی را به میرزا نصرالله متصدی خالصه جات دیوانی واگذار نمودند. میرزا محمد رضای نوری لقب خانی یافت.

کاظم خان سرهنگ فوج ناصریه به منصب سرتیپی سرافراز گشته ایل حاجی علی‌لوی قراجه داغ را هم به معزی الیه واگذار فرموده مقرر شد پنجاه نفر سوار رشید خوب هم از ایلات قراجه داغ بگیرد و ابواب جمع او باشد.

سواره سنجابی را نیز ابواب جمع میرزا احمد خان زنگنه نمودند. روز دوشنبه شانزدهم شعبان، قلیلی از طلوع آفتاب گذشته، مهر جهان تاب از برج حوت به حمل تحویل نمود. سلام خاص در وقت تحویل در کلاه فرنگی بود. فردای این روز سلام عام در تالار تخت مرمر اتفاق افتاد.

نواب والا نصره الدوله را به حکومت دارالخلافة سرافراز فرمودند. چون موکب همایون عازم سلطانیه است، در ایام غیبت اردوی معلی، ریاست قشون متوقفة دارالخلافة و قورخانه و جبهه خانه مبارکه را به جناب ناصرالملک تفویض فرمودند.

میزان آذربایجان به میرزا عبدالرحیم میزان آقاسی واگذار شد.
جنس در تبریز تسعیری دارد.

روز دوشنبه بیست و هشتم شهر شعبان نواب اشرف والا شاهنشاهزاده
امجد افخم کامران میرزا (نایب السلطنه امیرکبیر) را به نیابت سلطنت
کبری و خلافت عظمی سربلند فرمودند.

حکمرانی فارس را به نواب والا حسام السلطنه تفویض داشتند.
مسیو پشه ایتالیائی معلم افواج قاهره حاضر دارالخلافه می باشد.
مقارن انتهاز اردوی همایون از راه قم به سلطانیه دستخطی به
افتخار نواب والا نصره الدوله شرف صدور یافت که صورت آن از این
قرار است :

صورت دستخط مبارک

نصره الدوله باید کمال استقلال را داشته باشد و هیچیک
از نوکران مأمور و متوقف طهران نباید از کرده و صوابدید
شاهزاده تخلف کنند. هر کس تخلف کند مورد سیاست خواهد
بود. در حقیقت نصره الدوله در غیاب ما در امورات محوله به
خود کمال اختیار و تسلط را دارد. دستورالعمل نصره الدوله از
این قرار است که نوشته شده است. همه مأمورین دارالخلافه
باید آنی از خدمات دیوانی غفلت نکنند و نصره الدوله شب و
روز باید مراقب نظم دارالخلافه و نواحی باشد و در حقیقت نظم
ممالک اطراف هم با نصره الدوله است و باید مواظب باشد. ۲۷
شهر شعبان المعظم سنه ۱۷۲۵.

روز بیست و نهم شعبان، موکب مسعود همایون از مقر خلافت
عظمی به عزم زیارت حضرت معصومه سلام الله علیها و تشریف فرمائی
به سلطانیه انتهاز فرموده یافت آباد محل نزول اردوی معلی گردید.

محمد رحیم خان نسقچی باشی (جناب غلاء الدوله) پیوسته مشغول
حفظ و حراست و تنظیم و آراستگی اردو می باشند.

علیقلی خان آجودان‌باشی مأمور نظم قراولان سرپرده شاهانه و حراست شب است.

روز جمعه چهارم رمضان قریه آدران که جدید مخصوص همایون ابتیاع شده و از جمله قراء معظمه است و عمارات خوب سلطانی دارد مخیم اردوی همایون شد.

حاجی میرزا محمدخان دبیر مهمام خارجه نایب اول وزارت امور خارجه به جهت انجام خدمات مقرر و تسویه قراردادهائی که فی مابین ایلچی کبیر دولت علیه و اولیای دولت عثمانی در اسلامبول سمت اتمام یافته به سمت مأموریت مخصوصه مأمور بغداد گردید. در ضمن اداره انتظام امورات تبعه دولت علیه که در عراق عرب اقامت و عبور می نمایند من حیث المجموع به عهده معزی‌الیه واگذار و مخلع گردید و میرزا علی خان (۱) پسر او به منصب منشی‌گری وزارت امور خارجه و اعطای مواجب سربلند و به اتفاق مشارالیه روانه عراق عرب شد.

میرزا محمد صادق امین‌الدوله که به وزارت امور داخله سرافراز بود مزاجش علیل شده هنگام عزیمت سفر سلطانیه ایشان را از منصب مزبور معاف فرمودند.

شاگردهای مدرسه مبارکه دارالفنون که مأمور پاریس بودند و سپرده به جناب حسنعلی خان وزیر مختار و ایلچی مخصوص دولت علیه روز پنجم شهر رمضان روانه آذربایجان شدند و عبدالرسول خان نواده مرحوم صدر اصفهانی رئیس آنهاست.

سیم تلگراف که باید تا سلطانیه کشیده شود الی سلیمانیه شش فرسخی دارالخلافه امتداد یافته و گفتگو می نماید و نواب والا اعتضاد السلطنه اهتمام دارند که قبل از ورود موکب همایون به سلطانیه سیم مزبور به آنجا رسیده باشد.

امان‌الله خان والی کردستان به یک قطعه نشان از مرتبه دویم سرتیپی باحمایل مخصوص این رتبه سرافراز گردید.

۱- همان که بعدها امین‌الدوله لقب یافت و در سلطنت ناصرالدین شاه به وزارت و در

روزگار مظفرالدین شاه به صدارت هم رسید. وی مردی خوش خط و خوش انشا بود و سفرنامه‌ای هم ازو باقی مانده است.

شب چهارشنبه نهم رمضان منزل حوض مقر موكب همایون بود. قناتی که در منزل حوض به جهت آسایش عابرين احداث نموده اند زاید الوصف موجب رفاهیت قوافل و اهل اردو است. نواب والاحسام السلطنة به يك قطعه نشان مكلل به الماس از درجه دویم امیرنویانی و يك رشته حمایل سبز و آبی خلعت همایون سرافراز گردیدند.

جناب فرخ خان امین الملك را به لقب امین الدولگی ملقب و علاوه بر مناصب سابقه مقرر فرمودند که عرایض و مطالب علما و شاهزادگان عظام را جناب معزی الیه معروض حضور مبارك دارد و عزل و نصب حکام ولایات ممالك محروسه هم به مشاورت و صوابدید ایشان باشد.

روز پنجشنبه دهم رمضان موكب همایون تشریف فرمای قم گردیدند و بعد از فوز زیارت حضرت معصومه سلام الله علیها از راه همدان عزیمت سلطانیه فرمودند.

میرزا زمان خان که به سرپرستی تبعه دولت علیه مأمور اقامت قاهره مصر بود به يك قطعه نشان از درجه اول سرهنگی سرافراز شد.

روز بیست و سیم رمضان محلات محل نزول اجلال موكب معلی گردید و هفت روز در آنجا توقف فرموده بعدها روانه همدان شدند.

سرپرستی طایفه مجوس یزد را محول به جناب معتمد الدوله فرمودند که آن طایفه کاملاً آسوده باشند.

امیرزاده سلطان حمید میرزا ولد نواب والانصره الدوله به منصب سرهنگی خارج از فوج برقرار گردید.

مدرسه نظام تبریز به اهتمام محمد صادق خان سرهنگ رونق کاملی دارد.

جمعی از تراکمه به عزم تاخت و تاز نواحی بجنورد آمده بودند. کسان جعفرقلی خان ایلخانی حکمران استرآباد سر راه بر آنها گرفته جنگی شدیدی نموده يك صد نفر از آنها را کشته باقی را منهزم و متفرق نمودند. نواب والاحشمة الدوله حکمران خراسان روانه سرخس شدند.

امیرزاده ساسان میرزا به منصب سرهنگی نایل و بیگلربیگی تبریز

شد.

بعضی اجناس در مازندران تسعیری دارد.

موکب همایون از راه همدان تشریف‌فرمای سنندج شده سه روز در آنجا توقف فرمودند و عمارات والی‌نشین آنجا را مقرر شد تعمیر نمایند. و چون از عهود سالفه در این ولایت معمول‌ولایه بود که صاحبان املاک تصرف مالکانه در ملک و مایملک خود چنان که باید نداشتند حکم همایون بر منع این رسم شنیع صادر و مقرر شد عموم رعایا نسلا بعدنسل مالک قاهر اموال موروث و مکتسب خود باشند و شرح فرمان همایون را در مسجد دارالاحسان قرائت و در سنگ مرمر بزرگی نقش و در سردر مسجد مزبور نصب نمودند و موکب معلى از سنندج انتهاز فرموده به ساحات گروس و دربیجار نزول اجلال فرمود و بعد از دو روز توقف عازم سلطانیه شده در منزل چنگ‌باز که اول خاک خمسه است چراغ‌علی‌خان حاکم خمسه به رکاب‌اعلى مشرف گردید.

روز دوم ماه ذیحجه سلطانیه مخیم اردوی کیوان شکوه خسروانه گشت واردوی نظامی که حسب‌الامر در سلطانیه منتظر ورود مسعود همایون بود به زیارت جمال مهرمثال مبارک نایل آمد و جناب سپهسالار و امین‌لشکر و حسین‌خان نظام‌الدوله و محمدخان امیرتومان و سلیمان‌خان - افشار و عبدالعلی‌خان سرتیپ توپخانه مبارکه و سایر سرکردگان مورد مراجع مخصوصه گردیدند.

روز ششم ماه ذیحجه چون علف چمنهای اطراف سلطانیه تمام شده غیر از پنج هزار سوار که باید ملتزم رکاب همایون باشند سایر عساکر منصوره را بعد از سان دادن مرخص فرمودند.

چون حسب‌الامر مقرر بود تا ورود موکب معلى به سلطانیه سیم تلگراف از دارالخلافه الی سلطانیه امتداد یابد، باوجود ضیق وقت، نواب والاعتضادالسلطنه بیست و ششم رمضان برای انجام این کار بزرگ از دارالخلافه بیرون آمده تا ورود موکب مسعود آن را به سلطانیه رساندند و روز نهم ذیحجه به نفس نفیس همایون از سلطانیه با دارالخلافه به واسطه تلگراف مخابرات شاهانه فرمودند و نواب والاعتضادالسلطنه را مورد مراجع خاصه فرموده به یک قطعه نشان تمثال همایون مکلل به الماس گرانها و یک هزار تومان انعام مفتخر فرمودند و منصب و لقب وزارت علوم را نیز به نواب معظم‌الیه مخصوص داشتند و مقرر شد از سلطانیه

به زنجان نیز به زودی سیم تلگراف را امتداد دهند و مسیو فوکتی که در خدمت تلگراف اهتمام کرده بود مورد مرحمت و مخلص گردید.

روز دوشنبه دهم ذیحجه که عید اضحی بود در عمارت سلطانیه سلام عام انعقاد یافت و در این سلام چهل هزار نفر از عساکر نظام و غیر نظام حاضر بودند.

قاسم خان وزیر مقیم دولت علیه متوقف سنت پترزبورغ به منصب ایلچی مخصوص و وزیر مختاری سرافراز گردید.

نواب والا احتشام الدوله خانلر میرزا به حکومت اصفهان و نواب والا عضد الدوله سلطان احمد میرزا به حکومت بروجرد سرافراز شدند.

حکومت لرستان را ضمیمه حکومت کرمانشهان نموده به نواب والا عماد الدوله مرحمت فرمودند.

والد مؤلف حاجی علی خان را به لقب ضیاء الملك ملقب و به حکومت ایالت عربستان سرافراز داشتند.

نظر به ارتباط امور حکومتی مازندران و استرآباد حکمرانی این دو ولایت را به نواب شاهزاده حاجی کیومرث میرزا ایلخانی ایل جلیل قاجار مرحمت فرموده نواب معزی الیه را ملقب به ملک آرا نمودند و نیابت این ایالت به امیرزاده هوشنگ میرزا پسر نواب ملک آرا تفویض شد.

محمد مهدی خان پسر جناب سپهسالار به منصب کشیکچی باشیگری مفتخر گردید.

امیر اصلاخان عمیدالملك حکمران گیلان که شرفاندوز خاکپای مبارک و به سلطانیه آمده به لقب مجدالدولگی ملقب گردید.

پاشاخان سرتیپ اول شجاعالملك لقب یافت.

نواب والا حشمة الدوله حکمران خراسان که مأمور سرخس و تعمیر قلعه قدیم آنجا بودند چون باقاعده هندسی که در این وقت ترقی کرده و تکمیل یافته قلعه قدیم موافق نبود به اجازه علیه قلعه جدیدی محکم و بزرگ به قاعده مقرر هندسه بنانموده اند و به قدر سه چهار هزار خانوار از ایلات داخله خراسان برای سکناي آن قلعه معین شده است.

سوانح و وقایعی که در این سال در تمام عالم واقطار کره ارض واقع گردید

اتائونی یتگی دنیا:

شورش سیاههای برده در ایالت ورژینی که تقریباً بیست و پنج فرسخ تا پایتخت مسافت دارد. اختلاف سخت مابین رجال دولت و وکلای ملت که بعضی طالب آزادی غلامها بودند و بعضی برضد. شورش سیاهها در ایالت سنت لوئی. رئیس جمهور مساعد طرفی است که آزادی بردهها را طالب نیستند.

اسپانیا:

افتتاح راه آهن از مادرید به ساراگس (۱). میل عامه مردم به جنگ بادلوت مرقش (۲). سرداری ادنل (۳) در این جنگ. جنگ سخت مابین قشون اسپانیا و مرقش. ائتلاف قشون اسپانیائی به واسطه امراض وبائی. فتح قشون اسپانیا و شکست فاحش قشون مرقش در اوایل زمستان. هنگام منازعه اسپانیا با دولت مرقش دولت انگلیس با اسپانیا شرط می نماید که بندرتان ژر (۴) را بعد از فتح آن قدر نگاه دارد که امضای عهدنامه صلح بشود.

افریقا:

فوت مولوی عبدالرحمن سلطان مرقش در سن هشتاد سالگی و بعد از سی و هفت سال سلطنت. پس از این سلطان، چهار نفر از کسان او داعیه سلطنت مرقش را دارند. جنگ داخله.

آلمان:

تزلزل دولت اطریش از بروز جنگ در اوایل این سال مابین این

۱- Saragosse

۲- یعنی مراکش.

۳- O'Donnell

۴- Tanger (طنجه)

دولت وایطالیا و فرانسه. فرستادن اطریش یک دسته قشون به سرستان (۵) خاک عثمانی. ابتدای کدورت مابین دولت فرانسه و اطریش و کلمات سخت اعلیحضرت ناپلئون امپراطور فرانسه به دولت اطریش در اول ژانویه به توسط سفیر اطریش. دولت اطریش تهیه جنگی در ایالات متصرفی خود در ایطالیا می نماید. گفتگوی سخت مابین دولت اطریش و ایطالیا. دولت روس از برای رفع غایله به دول فرنگ تکلیف انعقاد مجلس کنگره می نماید و قبول نمی شود. دولت اطریش اعلیحضرت ویکتور امانوئل پادشاه ساردن (ایطالیا) را تهدید می کند که به طور حتم تهیه جنگی که دیده متفرق نماید و عساکر خود را مرخص کند و سه روز مهلت به او می دهد. دولت فرانسه از این تهدید متألم شده سرداران خود را به حمایت ساردن به سرحدات ایطالیا مأمور می سازد. شروع منازعه مابین فرانسه و اطریش در مملکت ایطالیا. کمک بعضی ایالات کوچک ایطالیا به دولت اطریش و بی طرفی بعضی. بی طرفی حضرت پاپ در این جنگ. روس و پروس تهیه قشون می بینند بدون مداخله در جنگ. میانجیگری دولت انگلیس که بی ثمر شد. نطق اعلیحضرت ناپلئون امپراطور فرانسه که مقصود از جنگ اتحاد و آزادی ایطالیا است. حرکت اعلیحضرت ناپلئون از پاریس در اواسط بهار به سمت میدان جنگ و ورود ایشان به ژن (۶) شهر ایطالیا و قبول کردن سرداری کل عساکر فرانسه و ایطالیا را. اعلیحضرت ویکتور امانوئل پادشاه ساردن به نیابت اعلیحضرت ناپلئون در این جنگ مقرر است. گاریبالدی (۷) در این جنگ دخالت دارد. شکست قشون اطریش در والانزا. توپی که از فرانسه آورده بودند و گلوله او دوهزار و ششصد ذرع می رفت سبب فتح شد. جنگ سخت چپال - دینی (۸) سردار اعلیحضرت ویکتور امانوئل در مرترا. فتح ماژنتا (۹) و شکست سخت قشون اطریش به دست قشون فرانسه. رشادت جنرال ماک ماهون. در این جنگ، بیست هزار مقتول و هفت هزار اسیر و چهار

۰- متن: سروستان.

۱- Gênes = Genova

۷- Garibaldi

۸- Cialdini

۹- این کلمه را اعتماد السلطنه بنا بر سیاق زبان فرانسه، ماژانتا خوانده و نوشته ولی

ماژنتا درست است به کسر حرف «ژ» Magenta

توپ و دوبیرق در این جنگ نصیب قشون فرانسه شد و در همین جنگ، جنرال ماک ماهون به منصب مارشالی و لقب دوک دماژانتا برقرار گردید. ورود اعلیحضرت امپراطور ویکتور امانوئل به میلان در اوایل تابستان. شکست سردار اطریش بندک (۱۰). شکست قشون اطریش از هر نقطه. ورود اعلیحضرت امپراطور اطریش به اردوی خود در ودان. تهیه جنگ پروس که دویست و پنجاه هزار قشون حاضر می‌کند. شکست یافتن قشون فرانسه و ایتالیا به دست اعلیحضرت امپراطور اطریش. جنگ سخت بزرگ در سلفرین. قشون اعلیحضرت امپراطور اطریش صد و هفتاد هزار و قشون اعلیحضرت ناپلئون فرانسه و پادشاه ساردن صد و چهل و پنج هزار و در گرمای سخت شانزده ساعت این جنگ طول کشید و قشون فرانسه فتح کرد و سه بیرق و سه توپ و شش هزار اسیر به دست قشون فرانسه افتاد. از عساکر فرانسه در این جنگ پانزده هزار و از عساکر ساردن پنج هزار و پانصد نفر تلف شدند. جنرال نیل (۱۱) سردار قشون فرانسه به منصب مارشالی برقرار شد. فرستادن چند کشتی جنگی به سمت ونیز. اهالی آلمان از این فتوحات فرانسه چندان مشغوف نیستند. شورش در مجارستان برضد دولت اطریش. دولت پروس، انگلیس و روس را به میانجیگری میان فرانسه و اطریش می‌طلبند. متارکه قشون فرانسه و اطریش. ملاقات اعلیحضرت امپراطور فرانسه و اعلیحضرت امپراطور اطریش در ویلا فرانکا و گفتگوی مصالحه. عمده شروط مصالحه این بوده است که دولت اطریش حق سلطنتی که در ایالت لمباردی ایتالیا دارد واگذار به اعلیحضرت ناپلئون فرانسه نماید و ناپلئون نیز سلطنت لمباردی را به اعلیحضرت ویکتور امانوئل پادشاه ساردن تفویض نماید. جمیع دول فرنگ خاصه اهالی فرانسه تعجب از این داشتند که با وجود فتوحات پی‌درپی، اعلیحضرت امپراطور فرانسه را چه بر این داشت که تعجیل در مصالحه نماید؟ خود اعلیحضرت امپراطور به این عذر متعذر شدند که به واسطه حرارت هوا و امراض وبائی و بعضی جهات دیگر من جمله شراکت کردن جمهوری‌طلبان ایتالیا با ما در این جنگ بود. من نخواستیم امتدادی در این جنگ بدهم. علاوه بر این، چون جمیع دول فرنگ در ابتدای جنگ به وجه غیر عادلانه با ما حرکت کردند

وبعضی مضامین گفتند خواستم بعد از ظاهر نمودن شوکت و قدرت ملت فرانسه را بر اطریش بدون دخالت دولت دیگر مصالحه نمایم. اضطراب دولت انگلیس از این که مبدا این مصالحه فوری فرانسه با اطریش سبب منازعه مابین فرانسه و انگلیس گردد. پنجاه هزار عساکر فرانسه با مارشال وایان سردار متوقف ایتالیا خواهند بود. صلح مابین فرانسه و اطریش و ایتالیا (ساردن) در رودیک منعقد شد. عزل کنت دبوآل (۱۲) و نصب رشبک به جای او.

بی پولی شدید در مملکت اطریش. استقراض سی کرویر تومان پول ایران.

فوت وزیر بزرگ پرنس مترنیک در تابستان به سن پیری.
تولد پسری در پروس از پسر نایب السلطنه.

فوت الکساندر حنبل (۱۳) [هومبولت] عالم متبحر در برلن.
فوت کارل ریتتر (۱۴) جغرافی دان معروف.

انگلیس:

مسافرت نواب ولیعهد دولت انگلیس در اقطاع فرنگ الی جزیره مالت. تعیین پنجاب به چهارم ایالت هندوستان. در این ایالت چهارم هندوستان که پنجاب و دهلی جزء این ایالت شمرده می شود چهل و چهار کرویر رعیت انگلیس دارد.

عزل وزرای توری. نصب وزرای ویک و صدارت لرد پالمرستون.
شورش عمه جات (۱۵) در لندن.

منسوخ نمودن دولت انگلیس تنبیه سربازان مقصر را با شلاق.
نقار جزئی با اتائونی ینگ دنیا.

مسافرت ماکلتن (۱۶) به قطب شمال و انکشاف دریای قطبی و یقین بر فوت فرانکلن (۱۷) سیاح قطبی که در سنه هزار و دویست و شصت و پنج به قطب شمال سفر کرده و مفقود شده بود و تاکنون دولت

انگلیس در جستجوی او بود تا این وقت که یقین به فوت او و همراهان او نمود.

فوت هلام (۱۸) مورخ و بروئل مهندس (۱۹).

اهالی جزیره کرفو با وجود اصراری که دولت انگلیس در الحاق آن جزیره به مملکت خود دارد قبول ننموده تبعیت یونان را اختیار کردند. ایتالیا:

قبول نمودن اعلیحضرت ویکتور امانوئل سرداری قشون خود را در جنگ اطریش.

جمهوری طلبان ایتالیا گاریبالدی را به ریاست و سرداری خود اختیار کردند.

ملکه پارم (ایتالیا) پسر خود را برداشته به سمت سویس فرار می کند. والی مودن (۲۰) نیز مملکت خود را گذاشته فرار می کند و از جانب اعلیحضرت ویکتور امانوئل حاکم آنجا تعیین می شود. ایالت توسکان نیز جزء مملکت ساردن شد.

فوت پادشاه ناپل فردیناند دوم در سن چهل و نه سالگی که مدتها مریض بود و جلوس پسر این پادشاه فرانسوای دوم که یکی از خواهر - های ملکه اطریش را در حباله نکاح دارد.

استعفای کنت دکاور از صدارت و نصب کنت دوآرز که یکی از دوستان اعلیحضرت ناپلئون امپراطور فرانسه است. ورود فتح آمیز پادشاه ویکتور امانوئل به شهر میلان. تظلم پسر والی توسکان در دربار فرانسه و قبول نکردن اعلیحضرت امپراطور فرانسه ناپلئون تظلم او را. اهالی ایتالیا عموماً سلطنت جسمانی حضرت پاپ را مانع اند.

جمع ایالات ایتالیا سکه و بیرق پادشاه ساردن ویکتور امانوئل را قبول کردند. اخراج نمودن حضرت پاپ ایلچی ویکتور امانوئل را از رم. اغتشاش سخت در ایالت رم.

ازدواج شاهزاده خانم کلتیلد (۲۱) با پرنس ناپلئون عموزاده اعلیحضرت امپراطور فرانسه. ده کرورتومان ایران دولت ساردن

استقراض نموده برای تهیه جنگ با اطریش. احضار کنت دوکاوور
صدراعظم اعلیحضرت ویکتور امانوئل به پاریس و گفتگو و دستورالعمل
اعلیحضرت امپراطور ناپلئون فرانسه با او در اوایل بهار.

پروس:

اعلیحضرت امپراطور روس از شهر ورشو به شهر برسل (۲۲) آمده
بانواب نایب السلطنه پروس خالوی خود ملاقات کرده. عهدی مخفی بین
دولتین باکمال سختی منعقد می گردد.

پرتوغال:

فوت علیاحضرت ملکه در تابستان.

برزیل:

مسافرت شش ماهه اعلیحضرت امپراطور به داخله مملکت برزیل.

بلژیک:

تولد پسری از نواب ولیعهد این مملکت موسوم به کنت دوهن.
گفتگو در مجلس شوری در استحکام بندر آنورس.

چین:

فوت حاکم کانتن یه که اسیر انگلیسها بود در کلکته.
خفت دادن به سفرای انگلیس و فرانسه و ینگیدنیا در این مملکت
و نپذیرفتن اعلیحضرت خاقان چین ایشان را درحضور خود.

روس:

عهدنامه جدید دولت روس باچین. حبس شامیل با چهارصد نفر از
مریدها به دست پرنس باراتینسکی (۲۳).

ژاپن:

جز بندر یوکوهاما از برای ورود سفاین ملل فرنگ باز نبود. هنوز
بهیدو (۲۴) پایتخت ورود نکردند.

سود:

فوت اسکار (۲۵) پادشاه این مملکت و جلوس شارل پانزدهم ولد اکبر او در سن سی و سه سالگی.

عثمانی:

ایالات افلاق بغدادان معاً پرنس کوزا (۲۶) را به ریاست خود منتخب کردند. مشارالیه وعده می‌دهد که از روی قانون حکومت کند. دولت عثمانی حکومت پرنس کوزا را امضا نمود.

در سروستان، میشل پسر میلش (۲۷) به ولایت منصوب و برقرار شد. فوت والی تونس سید محمد و ولایت سید صادق به جای او.

قانون جدید عثمانی که حکم به قتل در حق مقصرین پولیتیکی نخواهد شد و به جلای وطن تنها اکتفا می‌شود. اول شخصی که به جلای وطن رفت عمرپاشای معروف است.

عزل قبرس لی‌پاشا صدراعظم که مداخله در مخارج حرمخانه و دربار می‌خواهد نماید و از وجه معینی که سلطان ماخوذ می‌دارد میل دارد کم و کسر کند. در مجلس کنفرانس پاریس که به جهت گفتگوی افلاق بغداد منعقد شده بود ایلچی عثمانی صراحة گفت که دولت عثمانی موقه پرنس کوزا را به والیگری دو ایالت می‌شناسد.

فرانسه:

بعد از ازدواج پرنس ناپلئون عموزاده اعلیحضرت امپراطور ناپلئون فرانسه با دختر اعلیحضرت پادشاه ایتالیا دویست و بیست هزار تومان موجب در حق او برقرار می‌شود. عزل پرنس ناپلئون از وزارت الجزایر و نصب شاسلوب‌لوبا (۲۸).

دولت يكصد کرویر تومان پول ایران از رعیت استقراض نمود. همین که ملت میل دولت را در استقراض دید متجاوز از پانصد کرویر وجه نقد به جهت دولت حاضر شد.

در زمان غیبت اعلیحضرت امپراطور ناپلئون از فرانسه که مشغول

جنگ ایتالیا بود، علیاحضرت امپراطریس زوجۀ ایشان به نیابت سلطنت مقرر و پرنس ژروم عمومی اعلیحضرت ناپلئون به مستشاری علیاحضرت امپراطریس برقرار گردید. جشن اهالی پاریس در مراجعت اعلیحضرت امپراطور ناپلئون از جنگ ایتالیا.

توسیع شهر پاریس که هفت هزار و هشتصد و دو جریب است. در نول کالدونی از متصرفات فرانسه، به اغوای سنفرا انگلیسی، اهالی به دولت فرانسه شوریدند.

معاهده دوستی و تجارتی با ژاپن.

مأموریت پرنس مترنیخ (۲۹) نزد اعلیحضرت ناپلئون فرانسه در آبهای معدنی پیرنه (۳۰). اعلیحضرت پادشاه بلجیک به واسطه نسبتی که با خانواده سلطنت اطریش دارد دربندر بیارایتس (۳۱) با اعلیحضرت ناپلئون فرانسه ملاقات نموده در استحکام مودت دولتین فرانسه و اطریش گفتگو می نمایند.

ماچین:

قشون دولت فرانسه و اسپانیا سواحل رودخانه توران (۳۲) را متصرف شده حو (۳۳) را نیز تصرف کردند.

مکزیک:

ژوارز (۳۴) رئیس جمهوری تمام موقوفات کلیسا را ضبط می کند. جنگ و اغتشاش سخت در داخله.

ینگلی دلیای جنوبی:

خرابی شهر کیتو (۳۵) به یک زلزله سخت. شورش در ونزوئلا و در شیلی. منازعه اهالی پلاتا و آرژانتین.

۲۹- Metternich (مترنیخ دوم، پسر مترنیخ صدر اعظم اتریش).

۳۰- Pyrenées

۳۱- Biarritz

۳۲- Tourane

۳۳- Hué

۳۴- Juarez

۳۵- Quito (پایتخت کشور اکواتور).

وقایع سال سیزدهم
سلطنت و تاجداری اعلیحضرت اقدس همایون
شاهنشاه جم‌جاه خسرو صاحبقران شیدالله تعالی
دعایم ملکه مطابق سنه هزار و دویست و هفتاد -
وشش هجری قوی نیل ترکی

موکب ظفر کوکب همایون در اول محرم الحرام در سلطانیه بالیمن
والسعاده اقامت دارد و تعزیه داری دولتی در اینجا در زیر چادری بزرگ
باشکوهی تمام به عمل آمد.

روز چهاردهم محرم به عزم تشریف فرمائی آذربایجان انتهاز
فرموده روز پنجشنبه بیست و پنجم وارد چمن اوجان شدند.
چراغعلی خان حاکم خمسه به لقب سراج الملکی مفتخر گردید و از
منزل آق کند مرخص شده به محل حکومت خود رفت.

روز ورود موکب مسعود همایون به اوجان دوازده فوج از افواج
قاهره و هزار سوار و ده عراده توپ در اینجا اردوی منظمی داشتند.
سردار کل عساکر منصوره عزیزخان مورد مراحم خاصه گردیده
موکب همایون پنج شب در اوجان توقف فرمود.

حسنعلی خان شاهسون که در سیستان خدمت کرده بود به یک قطعه
نشان از مرتبه دویم سرتیپی و یک رشته حمایل سرخ و یک قبضه شمشیر
یراق طلا مفتخر گردید.

محمد صالح خان کردبچه نیز که به اتفاق سردار علی خان سیستانی
به سیستان رفته و در نظم آنجا خدمات نموده به منصب سرتیپی و خلعت
همایون نایل شد.

جناب مستوفی الممالك بهيك قطعه نشان تمثال همایون مكلل به الماس سرافراز شدند.

جمعی از اعظم سیستان که در سلطانیه به خاکپای مبارك مشرف شده بودند مرخص و روانه دارالخلافه گشتند.

موكب همایون غره شهر صفرالمظفر از اوجان انتهاض فرموده روز سیم ماه تشریف‌فرمای تبریز گردیدند.

نواب والامعزالدوله حکمران آذربایجان و معین‌الملک و میرزا - عباس‌خان معاون وزارت مهمام خارجه در نزدیکی باسمنج به تقبیل رکاب اعلی مستسعد شدند.

اهالی تبریز در ورود موكب مسعود نهایت جانفشانی نموده شب ششم شهر صفرالمظفر که شب عید مولود همایون بود جشن بزرگی گرفتند. چون هوای شهر تبریز به اقتضای فصل قدری گرم است باغ‌شمال که نهایت باصفا و وسیع است و در محلات واقع در بیرون شهر می‌باشد از روز دهم صفر محل توقف بندگان سرکار اعلیحضرت شاهنشاهی دام‌ملکه می‌باشد.

رضا قلی‌خان که حسب‌الامر مراقب نظم مدرسه مبارکه دارالفنون می‌باشد این اوقات نیز در عمل تلگراف لازمه خدمتگزاری را به عمل آورده به نیابت وزارت علوم برقرار گردید و علی‌قلی‌خان پسر رضا قلی‌خان (جناب مخبرالدوله) به منصب سرهنگی تلگراف سرافراز شد. جعفر - قلی‌خان پسر دیگر رضا قلی‌خان به منصب کتابداری مدرسه مبارکه دارالفنون نایل گردید و بعضی دیگر از شاگردان فارغ‌التحصیل مدرسه در خدمات تلگراف هریک به منصبی مناسب حال خود رسیدند.

سیم تلگراف به اتمام نواب والاعتضاد السلطنه وزیر علوم به زنجان رسیده و حکم شد تا سه ماه دیگر تا تبریز امتداد دهند.

دوستعلی‌خان معیر الممالك به اعطای يك قطعه نشان از مرتبه اول سرتیپی و يك رشته حمایل سرخ و سفید مخصوص این رتبه سرافراز شد.

درب طلائی حسب‌الامر برای روضه مقدسه رضوی علیه‌السلام عضدالملک متولی‌باشی تمام نموده نصب کرد.

چون غله در تبریز تسعیری دارد يك هزار خروار گندم بهوزن هزار مثقال فرمودند بهفقرا بذل شود.

سردار كل عساكر منصوره بهيك قبضه شمشير مرصع مفتخر گردید. میرزا احمدخان سرتیپ اول توپخانه مبارکه بهلقب ساعد – الملكی (۱) ملقب و مخلص گردید.

روز بیست ودویم صفر موكب ظفر كوكب اعلى از تبریز بهسمت مراغه توجه فرموده روز بیستوششم تشریف فرمای مراغه گردیدند.

میرزا عباسخان معاون وزارت امور خارجه بهيك قطعه نشان از مرتبه دویم سرتیپی و يك رشته حمایل سرخ سرافراز گردید.

مهمانخانه زوار در مشهد مقدس چون كوچك بود حسب الامر میرزا محمدحسین عضدالملك متولى باشی مهمانخانه وسیع بسیار خوبی ساخته آب انبار ممتازی هم نزدیک آن بنا نهاده اند. لوازم مهمانخانه را نیز از مطبخ و شربت خانه وغیره وسعت داده اند.

میرزا نصرالله لشكرنویس به منصب لشكرنویس باشیگری آذربایجان و خلعت همایون سرافراز شد.

میرزا عبدالوهابخان شیرازی (جناب نصیرالدوله) منشی خاصه وزارت خارجه به منصب نیابت وزارت امور خارجه و خلعت همایون سرافراز گردید.

روز دویم ربیع الاول موكب مسعود همایون از مراغه نهضت فرموده از راه هشتروند تشریف فرما گردیده روز بیست ودویم دارالخلافه باهره به مقدم بهجت شیم مبارك مزین گردید.

نواب والانصره الدوله حکمران دارالخلافه بهيك قطعه نشان تمثال همایون مكمل به الماس و يك ثوب قباى ترمه نظامی دور گلابتون تكمه طلا سرافراز گردیدند.

مجلس شورای دولتی برقرار و اجزای مجلس از قرار ذیل است:

نواب والا اعتضاد السلطنه وزیر علوم (۱).
نواب والانصره الدوله (۲) حاکم دارالخلافه و عراق و ملایر و
تویسرکان.

جناب سپهسالار (۳).

جناب آقای مستوفی الممالک (۴).

جناب معتمد الدوله عباسقلی خان جوانشیر وزیر عدلیه.

جناب امین الدوله (۵).

جناب میرزا سعیدخان وزیر امور خارجه.

سپهدار (۶).

مشیر الدوله (۷).

جناب ناصرالملک (۸) وزیر تجارت و صنایع.

جناب دبیرالملک (۹).

چون آب اهالی قم کم بود مقرر فرمودند جهانسوزخان حاکم قم
یک رشته قنات احداث و جاری به شهر نماید و آن قنات جاری و با آب
زیاد داخل شهر می شود.

عین الملک به یک قطعه نشان از مرتبه سرتیپی و یک رشته حمایل
سرخ و سفید سرافراز گردید.

حسین خان سرتیپ که چاپارخانه های ممالک محروسه سپرده به او
می باشد به لقب شهاب الملکی ملقب گردید.

علاوه بر مجلس شورای دولتی حسب الامر مجلس مصلحت خانه
برای امور دولت ترتیب یافته عیسی خان اعتماد الدوله را به ریاست آن

۱- علیقلی میرزا.

۲- فیروز میرزا.

۳- محمدخان کشیکچی باشی.

۴- میرزا یوسف آشتیانی.

۵- فرخ خان کاشانی.

۶- غلامحسین خان سپهدار.

۷- سید جعفرخان مشیرالدوله.

۸- محمود خان قراگزلو.

۹- محمد حسین خان فراهانی.

مجلس برقرار و مقرر فرمودند که هم‌روزه از صبح تا چهار ساعت به‌غروب مانده در مجلس مخصوص اجزای مسطوره در ذیل بنشینند و گفتگو در مهام کشور و لشکر نمایند و انتظام کلیه امور و آسایش رعیت و آبادی مملکت و ترقی دولت را در مدنظر داشته باشند. صورت اجزای مصلحت‌خانه از این قرار است:

عیسی‌خان اعتمادالدوله رئیس مجلس.

میرزا موسی وزیر دارالخلافه.

اسکندر خان.

حسین‌خان نظام‌الدوله.

مجدالاشراف.

ملك الكتاب.

ملاباشی.

نسقچی‌باشی جناب علاء الدوله.

میرزا اتقی سپهر لسان‌الملک.

میرزا غفار خان.

میرزا مصطفی‌خان شهاب‌الملک.

رضاقلی‌خان رئیس مدرسه دارالفنون.

میرزا رضای مهندس‌باشی.

احمدخان نوائی.

محمدابراهیم‌خان یزدی.

میرزا عبدالوهاب‌خان (جناب نصیرالدوله).

بدایع‌نگار.

میرزا محمد وزیر سابق کرمان.

میرزا اسدالله مستوفی.

میرزا محمدعلی سرکارات.

حاجی میرزا محمدخان طسوجی.

شاطر‌باشی.

حاجی میرزا جبار ناظم‌المهام.

آقا اسماعیل پیشخدمت‌باشی سلام مبلغ احکام شاهنشاهی

به مصلحت‌خانه.

نواب والا فرهاد میرزای نایب‌الایاله به یک قطعه نشان میرپنجگی و یک رشته حمایل مخصوص آن رتبه سرافراز شدند.

محمود خان احتساب آقاسی به لقب احتساب الملکی و خلعت همایون سرافراز شد.

میرزا علی‌اکبر آجودان‌باشی به لقب خانی و خلعت همایون نایل گردید.

چون غله در تبریز کم شده حسب الامر، قنبر علی خان که ملقب به سعد الملك گردیده روانه تبریز شد که هزار خروار از غله دیوان در شهر تبریز بفروشد و از ولایات خمسه و گروس هرچه ممکن شود حمل به تبریز کند و هرکس نیز گندم احتکار کرده باشد حکماً بیرون آورده به مردم بفروشند.

میرزا عنایة‌الله امین لشکر به یک قطعه نشان از مرتبه اول امیر-تومانی و یک رشته حمایل مخصوص این رتبه سرافراز گردید.

جناب محمود خان ناصر الملك وزیر تجار و صنایع به یک قطعه نشان تمثال همایون مکمل به الماس از مرتبه دوم سرافراز گردید.

پاشا خان پیشخدمت خاصه و امین صره به یک قطعه نشان از مرتبه اول سرتیپی و یک رشته حمایل زرد و قرمز که در غیر نظام مخصوص به آن مرتبه است مفتخر گردید.

میرزا عبدالرحیم منشی‌باشی دیوانخانه مبارکه به منصب مستوفی-گری دیوان اعلی و خلعت همایون سرافراز شد.

مسیوجان داودخان سرتیپ و مترجم اول دولت علیه که یک سال قبل به رسالت از جانب سنی‌الجوانب همایون مأمور دربار دولت نمسه و حامل نامه مودت ختامه مبارکه و نشان تمثال همایون به اعلیحضرت امپراطور دولت نمسه بود بعد از ورود به دربار آن دولت لازمه احترام و پذیرائی را نسبت به مشارالیه نموده مأموریت خود را به طور شایستگی به انجام رسانیده مراجعت نمود و روز بیستم شهر ربیع الثانی به اعزاز وارد دارالخلافه شده روز بیست و یکم شرفیاب حضور باهرالنور مبارک شده جواب نامه همایون را بایک قطعه نشان اول فرانسوا ژوزف از طرف اعلیحضرت امپراطور دولت مشارالیها تبلیغ نمود.

محمدخان پسر قاسم خان وزیر مختار دولت علیه مقیم پترزبورغ به نیابت سفارت مزبوره برقرار گردید.

شهر جدید که در سرخس بنا نمودند به اتمام رسیده و تراکمه طژنی والامان که در حوالی ونواحی مصدر شرارت بودند نواب والا حشمةالدوله حکمران خراسان آنها را تنبیه درستی نموده اند و بعد از اتمام شهر مزبور چهار فوج عرب و عجم و نیشابوری و ترشیزی را با پانصد نفر سوار خوافی در آنجا گذاشته محمد ولی خان سردار خراسان را به ریاست آنجا برقرار و از قرار ذیل خلایع و انعامات شاهانه مصحوب حاجی طالب بیک - تفنگدار برای هریک انفاذ آن سامان گردید:

نواب والا حشمةالدوله حکمران خراسان قمه مرصع و جبۀ ترمه پولک دوز تن پوش مبارک.

قوامالدوله وزیر خراسان خرقة ترمه تن پوش مبارک.

محمد ولی خان سردار خراسان شمشیر گل مرصع و خلعت همایون.
جعفرقلی خان سرتیپ اول مراغه لقب نصره الملکی و شمشیر گل مرصع و خلعت همایون.

لقب فوج مظفر در حق فوج قدیم مراغه و دویست تومان انعام.

یوسف خان سرتیپ افشار منصب سرتیپی دویم و خلعت همایون.

افواج افشار لقب افواج هیبت و دویست تومان انعام.

حسنعلی خان سرتیپ فوج اردبیل و مشکین نشان و حمایل از درجۀ دویم سرتیپی و خلعت همایون.

خدادادخان سرهنگ فوج مراغه حمایل و نشان سرهنگی و خلعت همایون.

جعفرقلی خان سرهنگ فوج افشار نشان و حمایل سرهنگی و خلعت همایون.

حاجی عسکر آقا سرهنگ توپخانه حمایل و نشان سرهنگی و خلعت همایون.

فتحعلی خان سرکرده سواره بغدادی حمایل و نشان سرهنگی و خلعت همایون.

میرزا مهدی مهندس منصب سرهنگی خارج از فوج و خلعت همایون.

حیدرقلی خان سرتیپ فوج نیشابوری نشان و حمایل سرتیپی سیم و صد تومان انعام.

عباس خان سرتیپ فوج ترشیزی نشان و حمایل سرتیپی سیم و صد تومان انعام.

بهادر خان بیگلریگی نشان و حمایل سرهنگی و خلعت همایون. و سایر صاحب منصبان و افواج و توپچیان نیز به خلعت و انعامات شاهانه نایل گردیدند.

جناب سپهسالار را به يك قطعه نشان امیرنویانی از مرتبه اول و يك رشته حمایل سبز مخصوص این منصب سرافراز فرمودند.

عبدالعلی خان پیشخدمت خاصه برادر مؤلف، ملقب به ادیب‌الملک، به خلعت همایون مفتخر گردید.

وجه شاهی اشرفی عید از بابت مالیات که قبل از عید به حکام ولایات حواله می‌شد قدغن سخت در برانداختن و متروک داشتن این رسم نمودند.

جناب جنرال رلنسن (۱) وزیر مختار وایلچی مخصوص دولت انگلیس با نامه مهر علامه اعلیحضرت پادشاه انگلستان بعد از تقدیم جمیع شرایط معموله و پذیرائیه‌های شایان در خاک ایران روز پنج‌شنبه دوازدهم جمادی‌الاولی به اعزاز تمام وارد دارالخلافه گردید.

محمد باقر خان سرهنگ فوج ششم که در خراسان و ایام مأموریت مرو و محمودآباد خدمات کرده بود به يك قطعه نشان از مرتبه سیم سرتیپی و يك رشته حمایل قرمز و سفید مخصوص این رتبه سرافراز شد و صاحب منصبان فوج او نیز به مناصب و انعامات مناسب حال خودشان نایل گردیدند.

نواب شاهزاده احمد میرزا حاکم گلپایگان ملقب به معین‌الدوله گردید.

میرزا محمد ابراهیم بدایع نگار وقایع ده سال عهد جاوید مهد را

کتابی نموده موسوم به «عقد اللئالی» و نهایت مطبوع طبع اقدس اعلی و بجز تاریخ بدایع دولت که مشغول است تاریخ دیگر مبسوط از ابتدای دولت قوی شوکت شروع نموده در کمال فصاحت و سلاست و چند جزء آن را به نظر انور ملوکانه رسانده مقرر فرمودند که آن تاریخ را نیز مشغول باشد و به ملاحظه علم و فضل، مشار الیه به منصب نیابت اول وزارت علوم و خلعت همایون سرافراز گردید.

میرزا اسدالله نوائی ولد مرحوم میرزا مهدی لشکر نویس منشی مخصوص وزارت امور خارجه به منصب منشی گری اول وزارت امور - خارجه و اعطای يك قطعه نشان از درجه اول سرهنگی سرافراز گردید.

قصر نیاوران که در شمیران بنا شده - اگر چه از هر حیثیت نهایت امتیاز را دارد و چشم انداز جنوبی آن به اعلی درجه صفا، ولی چون در دامنه کوه البرز واقع است شمال آن به علت ارتفاع کوه مزبور مسدود می باشد، بنابراین منظور نظر بلند همایون این بود که در شمیران عمارتی سلطنتی بنا شود که از همه طرف باز و در صفا و دلگشائی از سایر عمارات بیلاقات ممتاز باشد و جلگه نزدیک به قریه رستم آباد برای مکان این بنای مبارک منتخب شده بود و از دو سال قبل معماران قابل و مهندسين لایق اقدام به ساختن این عمارت مبارک نموده این اوقات عمارت بیرونی آن به اتمام رسیده و مقرر شد که در سمت شرقی این عمارت حرمخانه بزرگی نهایت عالی ساخته شود و از اطراف و اکناف ولایات اقسام و انواع گل و ریاحین و اشجار مثمر بیاورند و در باغ این عمارت غرس کنند و این بنای همایون موسوم به «سلطنت آباد» گردید.

جان محمدخان سرتیپ به يك رشته حمایل سرخ و نشان سرتیپی دویم سرافراز شد.

آقارضاخان نایب آجودان باشی به منصب آجودان باشی گری اردوی خراسان و خلعت همایون سرافراز شد.

عزیزخان سردار کل از اجزای شورای وزراء گردید.

چون جانکی گرمسیر متصل به شوشتر بود حکومت آن را نیز به والد مؤلف ضیاءالملک مرحمت و ضمیمه حکومت عربستان فرمودند.

میرزا یوسف‌خان کارپرداز دولت علیه مقیم حاجی‌ترخان به اعطای يك قطعه نشان شیروخورشید سرتیپی از درجۀ سیم با حمایل زرد و سرخ سرافراز شد.

سام‌خان شجاع‌الدوله ایلخانی زعفران‌لو يك فوج جدید از ایل زعفران‌لو گرفته امیرحسین‌خان برادر معزی‌الیه را که منصب و مواجب سرهنگی داشت و فوج نداشت به سرهنگی این فوج برقرار فرمودند. يك دسته قشون مأمور خراسان شد و صورت دستجات مأمورین از این قرار است:

دو فوج فراهان به سرتیپی محمدحسن‌خان فراهانی.
سوارۀ قورت‌بیگلوشاهسون به سرکردگی رضاقلی‌خان پسر امیرخان مرحوم.

توپ چهار عراده، قورخانه و چادر و ملبوس سربازی سیصد و پنجاه بار.

پول نقد چهل هزار و دویست تومان.

این يك دسته قشون همراه حسین‌خان شهاب‌الملک مأمور گردید.
حاجی مطلب‌خان تفنگدار به سرکردگی سوارۀ خوی و سرپرستی ایلات توابع خوی و سلماس سرافراز شد.

الله‌یارخان حاکم دره‌جز به جهت بی‌اعتدالی معزول و بهادرخان دره‌جزی که از همان سلسله و به درستی موصوف است به جای او منصوب گردید.

حریربافی کارخانه‌های کاشان ترقی و رونقی دارد.
يك دستۀ دیگر قشون مطابق تفصیل ذیل مأمور خراسان شد:
عبدالعلی‌خان سرتیپ توپخانه با عراده توپ و سیصد نفر توپچی و قورخانه.

فوج نهم خوی جمعی جمشیدخان سرتیپ به همراهی تقی‌خان سرهنگ.

فوج سربندی جمعی ابوالفتح‌خان سرهنگ سربندی.
پانصد نفر سوارۀ چهاردولی به سرکردگی پرویزخان سرتیپ.
به فاصلۀ سه روز دسته‌ای دیگر مأمور خراسان شدند از این قرار:
پاشاخان مکرری شجاع‌الملک با فوج بهادران و فوج قهرمانیه جمعی

خود و چهار عراده توپ نه‌پوند، پانصد نفر سواره ایلات قزوین ابواب جمعی محمد رحیم‌خان زند.

علیقلی‌خان ماکوئی که سالها در مدرسه مبارکه دارالفنون مشغول تحصیل بوده به‌سرهنگی فوج فریدن برقرار شد.

زین‌العابدین‌خان حاکم گروس به‌یک قطعه نشان سرتیپی ویک رشته حمایل مخصوص این رتبه سرافراز گردید.

دسته دیگر قشون از قرار تفصیل ذیل مأمور خراسان شد:

فوج شقاقی جمعی محمد صادق‌خان سرتیپ پسر مشیرالدوله.

سواره مکرری هفتاد نفر.

سواره بختیاری صد و هفتاد نفر.

سواره شاهسون شیخان‌لو پنجاه نفر.

توپ چهار عراده با قورخانه و سایر لوازم.

پول نقد سی‌هزار تومان مصحوب قهرمان بیک تفنگدار خاصه و چهل نفر غلامان خاصه رکابی.

حاجی محمدخان حاجب‌الدوله به‌یک قطعه نشان از درجه اول سرتیپی و حمایل مخصوص آن رتبه سرافراز گردید.

میرزا محمدعلی‌خان نایب‌اجودان باشی پسر مرحوم میرزا ابراهیم خان که بعد از فوت والد خود مأمور کارپردازى بغداد بود به منصب کارپردازى بندر بمبئی و یک قطعه نشان سرهنگی اول و یک رشته حمایل سفید مخصوص این رتبه و خلعت همایون مفتخر گردید.

میرزا عبدالرسول نویسنده وزارت امور خارجه به‌نیابت و منشی‌گری کارپردازخانه بمبئی برقرار شد.

کتاب «حل مال‌الینحل» در جواب مسائل لاینحل آخر «خلاصه - الحساب» مرحوم شیخ‌بهائی رحمه‌الله علیه میرزا عبدالغفار که از متعلمین مدرسه مبارکه و ولد جناب آخوند ملاعلی محمد اصفهانی که از اجله علمای ریاضی و حساب و ادب و غیره می‌باشد تألیف نموده و به طبع رسیده است.

دراین اوان، چون ضیاع‌الملک والد مؤلف به‌حکومت عربستان مشغول بود بنده مؤلف نیابت حکومت شوشتر را داشت.

عمارت اسبدوانی سابقاً محقر بود. امسال حسب‌الامر عمارتی عالی

و جدید در کمال استحکام در این محل بنا نمودند.
نواب والا رکن الدوله اردشیر میرزا به حکومت گیلان و مضافات
مفتخر گردیدند و میرزا زکی رشتی مستوفی نیز به وزارت این ولایت
برقرار شد.

عبدالحسین خان غلام پیشخدمت که سابقاً تحویلدار وجوه خزانه
اصفهان بود به تحویلداری کل گیلان سرافراز آمد.
اعتمادالدوله عیسی خان والی به حکومت ولایت یزد نایل و به خلعت
همایون مباحی گشت.
مجدالدوله امیراصلاحان خان را حکومت ولایت خمره مرحمت
فرمودند.

کارخانه‌ای برای ساختن تفنگ خان نادر حسب الامر در طهران بنا
شده از ماه ذی‌قعدة الحرام مقرر است که ماهی یک هزار قبضه تفنگ
خان‌دار دنگی در کارخانه مزبوره بسازند و تفنگ جمیع افواج، خان‌دار
باشد.

عمل باروط سازی نیز تکمیل شده قرار شد باروطها که از سابق
در قورخانه مبارکه است دوباره به سبک جدید بکوبند.
حکومت مملکت لرستان را نیز ضمیمه عربستان نموده جزء حکمرانی
ضیاء الملك والد مؤلف نمودند.

اراضی شهر ری را با سه رشته قنات آن که خاصه دیوان اعلی بود
به دبیر الملك سپرده مقرر فرمودند که به حلیه آبادی درآورد.
نواب جهانسوز میرزا سرتیپ افواج عرب و عجم به یک قطعه نشان
از درجه دویم سرتیپی باحمایل مخصوص این رتبه سرافراز گردید.
میرزا بزرگ خان کارپرداز سابق ارزنةالروم به کارپردازی اول و
مخصوص این دولت مأمور اقامت بغداد گردید.

بنابر اتحاد دولتن علیتین ایران و عثمانی، سرکار اعلی حضرت اقدس
شاهنشاهی دام‌ملکه نشان اول و مخصوص سلطنتی خودشان را باحمایل
خاصه و نامه مبارک برای اعلی حضرت سلطان عظیم الشان عثمانی نزد جناب
میرزا حسین خان وزیر مختار وایلچی مخصوص این دولت مقیم اسلامبول
اهدا فرمودند که به محفل سلطانی موصول نمایند و چون محض احترام
نشان سلطنت عظمی باید یکی از خواص چاکران دربار همایون حامل

آن باشد یحیی خان آجودان حضور مبارك مأمور این خدمت روانه اسلامبول گردید. ویک قطعه نشان شیروخورشید از درجه اول مکرر به الماس با حمایل سبز مخصوص نیز برای جناب قوادپاشا ناظر امور خارجه انفاذ داشتند.

اسدالله خان معتمدالملک حاکم همدان مرحوم و محمدحسین خان پسر آن مرحوم را به جای او به حکومت همدان برقرار فرمودند.

جناب مسیو بارون وزیر مقیم دولت پروس در دربار دولت علیه از اول ورود به خاک ایران همه جا شرایط اعزاز و احترام مرسومه دربار سفرای دول بزرگ را کارگزاران و مأمورین مخصوص این دولت جاوید شوکت دربار جناب مشارالیه به وجه اکمل به عمل آورده روز پانزدهم شوال وارد دارالخلافه شد. تفصیل هدایائی که به صحابت مسیو بارون، اعلیحضرت پادشاه پروس به جهت حضور همایون اهدا نموده بودند از قرار ذیل است: تصویر نواب نایب السلطنه پروس در پرده بزرگ با چارچوبه واسباب شایسته، گلدانهای چینی بزرگ و کوچک منقش که بسیار امتیاز دارد، نشان سلطنتی دولت پروس.

میرزا احمدخان نایب وزارت امور خارجه به نیابت اول وزارت خارجه و نشان از درجه دویم سرتیپی و حمایل مخصوص این رتبه سرافراز گردید.

شاهزاده سیف الدوله سلطان محمد میرزا (۱) به منصب جلیل سرتیپی اول در افواج نظام و خلعت همایون مفتخر گردید.

حکومت بروجرد را ضمیمه حکمرانی اصفهان نموده به نواب والا احتشام الدوله خانلر میرزا مرحمت فرمودند.

نواب والاعضد الدوله (۲) حکمران سابق بروجرد را به حکومت ملایر و تویسرکان مأمور فرمودند.

۱- پسر بزرگ سلطان احمد میرزا عضد الدوله. این شاهزاده را به مناسبت آن که داماد

محمدخان سپهسالار بود «شاهزاده داماد» می گفتند.

۲- سلطان احمد میرزا پسر فتحعلی شاه ملقب به عضد الدوله نویسنده کتاب «تاریخ-

عضدی». وی سه پسر داشت به نامهای سلطان محمد میرزا سیف الدوله، وجیه الله میرزا سیف الملک

عبدالمجید میرزا عین الدوله. دختر عضد الدوله نیز در حرم ناصرالدین شاه بود.

میرزا محمدعلی خان حاکم لاهیجان به لقب امین دیوانی و یک قبضه قمه مرصع مفتخر گردید.

سردار کل عساکر منصوره عزیزخان به یک قطعه نشان امیرنویانی مکمل به الماس باحمایل مخصوص این رتبه سرافراز و این علامت افتخار را از دربار همایون به آذربایجان برای معزی‌الیه انفاذ داشتند.

رستم خان و فرضی خان ایل بیگیان ایل شاهسون اردبیل و مشکین که حسب الامر در تخته قاپو کردن (۳) ایلات و عشایر شاهسون اردبیل و مشکین خدمات کرده بودند به مواجب سرتیپی و نشان و حمایل سرتیپی سیم نایل شدند.

میرزا ابوالقاسم معین‌الملک پیشکار محاسبات آذربایجان به یک قطعه نشان و حمایل سرتیپی اول سرافراز شد.

محمدصادق خان قاجار سرهنگ توپخانه مبارکه به یک قطعه نشان سرهنگی از مرتبه اول باحمایل مخصوص آن مفتخر گردید.

محمد اسماعیل خان وزیر کرمان به لقب وکیل‌الملکی ملقب آمد.

چون بعضی از تراکمه که در بعضی از قطعات خراسان و گرگان هستند بنا بر عادت و جبلت اغلب به تاخت و تاز قصد می‌نمایند و در این ایام مرو شاه جهان را محکمه و محل اجتماع خود قرار داده‌اند حسب الامر قشونی به تنبیه آنها مأمور خراسان شدند و نواب والاحشمة - الدوله حکمران خراسان و سردار قشون این مملکت با آن قشون به طرف مرو حرکت نمود.

درهریک از ولایات ممالک محروسه حسب الامر مجلس مصلحت‌خانه برقرار و گفتگو در مصالح ولایتی می‌نمایند.

۳- تخته قاپو کردن ایلات به معنای اسکان دادن افراد ایل است در شهر و به عبارت

دیگر افراد ایل را در شهر یا دیه یا هر محل ثابتی مقیم کردن و از حرکت به ییلاق و قشلاق و ییابان‌گردی باز داشتن.

وقایع و سوانحی که در این سال در تمام عالم واقطار کره ارض اتفاق افتاده

اتائونی ینگی دنیا:

ورود سفیر ژاپن به واشنگتن (۴). نصب ابراهیم لنکلن (۵) به ریاست جمهور و عزل بوکانان که مدت ریاست او به انتها رسیده بود. رئیس جمهوری تازه آزادی غلامان را طالب است. بعضی ایالات که غلامان سیاه داشتند از انتخاب رئیس تازه خوشحالی ندارند و طالب این هستند که از جرگه ایالات متحده اتائونی خود را خارج کنند. از ایالاتی که ابتدا سوا شدند و مجدداً بر این هستند که نگاه داشتن غلام از واجبات است کارولین جنوب (۶) است. اهالی این ایالت بعضی امکان را که مخصوص دولت بود از جبهه خانه و چاپارخانه و قورخانه و گمرکخانه متصرف شدند و بنای شورش گذاشتند.

اسپانیا:

منازعه سخت این دولت با مرکش. سردار قشون اسپانیول ادنل است. فتح شهر تیتوان (۷) از شهرهای مرکش به دست سردار مذکور. ملاقات بی فایده سردار مذکور با برادر پادشاه مرکش برای صلح. حرکت قشون اسپانیا به سمت تان ژر. اضطراب اهالی مرکش و عجله در صلح و قبول ادای بیست کرور تومان ایران و قبول پذیرائی یک نفر ایلچی اسپانیا در فز (۸) پایتخت مرکش.

شورش و فتنه اشخاصی که طالب سلطنت دن کارلوس که یکی از بنی اعمام علیاحضرت ملکه است می باشند. حبس بعضی از معارف که باطناً با دن کارلوس مراوده داشتند.

محبوس نمودن پنج نفر از کشیشهای پرتستانی مذهب که در صدد رواج این مذهب در اسپانیول هستند.

مسافرت علیاحضرت ملکه به ایالات شرقی.
افتتاح راه آهن از والادلید به بورقس (۹)

۴- Washington

۵- Abraham Lincoln

۶- South Carolina

۷- Tetouan

۸- Fez (این شهر را سملین فاس می گویند)

۹- Burgos

طغیان آب در بعضی نقاط و خرابی زیاد رسانیدن. جمعیت اسپانیا در این سال سیویک کروور و صد و هفتاد و سه هزار و پانصد و سی و شش نفر است.

این دولت بعد از فتوحات نمایان که در مرکش کرده به توسط دولت فرانسه می‌خواهد جزء نمره اول دول فرنگ شمرده شود. لیکن دولت اطریش از ترس این که مبادا بعد از امضای این مسئله ویکتور امانوئل پادشاه پیمن نیز همین داعیه را داشته باشد قبول نمی‌کند.

افریقا:

اغتشاش داخله در مملکت حبش. منازعه مابین نقوسیه (۱۰) پادشاه واقعی و تادرس (۱۱) شخص اجنبی که داعیه سلطنت دارد. ورود روسل نام از صاحب منصبان بحری فرانسه به داخله حبشه و صحیح و سالم مراجعت کردن.

آلمان:

نواب نایب السلطنه پروس در افتتاح راه آهن ساربروک حضور بهم رسانیده در مجلس جشنی که از برای این کار منعقد شده صراحة اظهار داشت که ملت آلمان متفقاً و تماماً راضی بر این نمی‌شوند که به قدریک بند انگشت از دولت آلمان به تصرف خارجی درآید.

بعد از تصرف نیس و ساووا (۱۲)، اعلیحضرت ناپلئون امپراطور فرانسه به مملکت باد رفته بانواب نایب السلطنه پروس و سلاطین باویر و وورتبرگ و باد و ساکس و هانور ملاقات می‌نماید و اظهار دوستی می‌کند.

ملاقات اعلیحضرت امپراطور پروس و اعلیحضرت امپراطور روس و اعلیحضرت امپراطور اطریش با یکدیگر و ملاقات نواب نایب السلطنه پروس با اعلیحضرت پادشاه انگلستان در اکس لاشاپل (۱۳). ایضاً ملاقات سلاطین ثلاثه روس و پروس و اطریش در ورشو.

اظهار عداوت نمودن پادشاه باویر با ویکتور امانوئل. وحشت پروس از اتحادی که دولت روس و فرانسه در نظر دارند.

۱۰- Negus (نگوس، نجاشی)

۱۱- Theodoros

۱۲- Nice, Savoie (متن: ساوا)

۱۳- Aix - La - Chapelle

در مجلس و کلا دولت بعضی تکالیف که راجع به قشون است می‌نماید و تمام این تکالیف مقبول می‌شود.

ملاقات پادشاه باویر با بعضی از سلاطین آلمان و گفتگوی اتحاد در میان آوردن. ملاقات اعلیحضرت امپراطور اطریش بانواب نایب – السلطنه پروس.

وحشت اهالی آلمان از دولت فرانسه و تدارك جنگ دیدن.

اتحاد مابین دولت اطریش و باویر.

افتتاح راه آهن از وینه پایتخت اطریش به مونیخ پایتخت باویر.

فوت نویسنده معروف مجاراس زشنی و عزای عمومی در این مملکت.

استقراض سیصد کرویر تومان ایران از برای بعضی مخارج لازمه

اطریش. عزل وزیر مالیه بارون بروک. اتهام این وزیر به تقلب و بعد از اشتهار این خبر بلافاصله خود را هلاک می‌سازد.

حکومت جنرال بندک به مجارستان.

قرض دولت اطریش در این سال دوهزار و سیصد و سی و یک کرویر

تومان ایران بوده است.

اهالی مجار طالب خودسری و آزادی‌اند. انقلاب و شورش در

مجارستان. در اواسط پائیز عزل جنرال بندک از حکومت مجارستان و

نصب او به حکومت و نیز. فوت بارون استن که عالم به السنه شرقیه بوده است.

انگلیس:

اتهام ایلچی انگلیس لردکولی که مأمور در دربار فرانسه بود

به دوستی با دولت فرانسه و مکتوم داشتن بعضی اسرار دولتی را که تکلیف

او اظهار آنها به دولت متبوعه خود بود محض دوستی با دولت فرانسه و

احضار او به لندن و جواب دادن در مجلس وزرا به لردنرماندی که او را

متهم ساخته بود و مجاب نمودن لردنرماندی [را] و مجدداً معاودت

به دولت فرانسه نمودن به همان سمت سفارت.

هفتاد هزار نفر داوطلب حاضر خدمت دولت انگلیس می‌شود.

اختراع توپ جدید دورزن در مملکت انگلیس موسوم به ویتورت.

سان دیدن اعلیحضرت پادشاه انگلستان داوطلبان جدید را در

یکی از باغات لندن. از این حاضر شدن داوطلبان و گفتگوهای در

مجلس قدری استشمام کدورت مابین دولتین انگلیس و فرانسه می‌شود. اهالی منچستر نقار دولت انگلیس را با فرانسه صلاح نمی‌دانند. مسافرت نواب ولیعهد انگلیس به بحر سفید و مراجعت نمودن به انگلیس و مجدداً در ظرف همین سال سفر کردن به کانادای ینگى دنیا و اتائونى.

• مالیات بستن به تباکو و نمك در هندوستان. سفر اول كشتى بزرگ معروف به نیر اعظم از سوت‌هامتن (۱) بندر انگلیس به نیویورك ینگى دنیا در تابستان. فوت امیرالناپیه (۲) ولرد دال‌هوزى (۳) که فرمانفرمای هند بود. وکلای ملت انگلیس برضد این خیال هستند که دولت فرانسه نیس و ساووا را که جزء مملکت ایتالیا بوده درصدد الحاق به مملکت خود است. اگر چه در افتتاح پارلمنت فرانسه، اعلیحضرت ناپلئون فرانسه بالصراحه الحاق این ایالت را به مملکت فرانسه اظهار می‌نمایند. از این الحاق دولت پروس نیز متغیر است و دولت اطریش و روس ساکت و بی‌طرف‌اند. دولت سود با انگلیس و پروس شریك است.

ایتالیا:

مسیو کاوور صدراعظم، وکلای ملت پیمین و لمباردى را (۴) دريك مجلس جمع می‌نماید. نجبای رم با پاپ متفق‌اند و استقلال جسمانی او را طالب. اهالی تسكان تبعیت پادشاه ایتالیا را طالب‌اند. حکومت پرنس‌کارى‌نیان (۵) از اقوام پادشاه به ایالت تسكان. اغتشاش در مملکت ناپل.

لعنت نمودن حضرت پاپ اشخاصی را که درصدد گرفتن مملکت روم از او هستند. گاریبالدى از اعلیحضرت ویکتور امانوئل به واسطهٔ واگذاشتن نیس و ساووا به فرانسه رنجید. ورود پادشاه ساردن به فلورانس در بهار. جنرال لامرسیر از سرداران

۱- Southampton

۲- Napier

۳- Lord Dalhousie

۴- Lombardie

۵- Carignan

فرانسه که در جلوس اعلیحضرت ناپلئون به سلطنت مملکت فرانسه اخراج بلدشده بود قبول سرداری عساکر پاپ را می کند.

پادشاه ناپل ویکتور امانوئل را متهم براین می سازد که گاریبالدی به تحریک او بنای اغتشاش در سرحد مملکت ناپل گذاشته. پادشاه ناپل از دول فرنگ طلب رعایت و حمایت می کند ولی اضطراراً به توسط دولت فرانسه قبول تبعیت ویکتور امانوئل را می نماید و رنگ بیرق این پادشاه را قبول نموده بالای عمارت سلطنتی ناپل بیرق سهرنگ ویکتور امانوئل افراشته شد. شورش و انقلاب سخت در ایالت ناپل و در شهر ناپل علی الخصوص. محارم و هواخواهان پادشاه ناپل او را تنها گذاشته به سمت ویکتور امانوئل می روند حتی عموی پادشاه کنت دمیراکوس. گاریبالدی و مازینی اولی با شمشر و دویمی با قلم تمام ایالت ایتالیا را به شورش و انقلاب دارند.

یکی از اعمام پادشاه ناپل کنت داکیلن به اتهام این که با گاریبالدی مراوده دارد، پادشاه او را از مملکت ناپل می دواند. نزدیک شدن گاریبالدی به حوالی شهر ناپل و فرار پادشاه از راه دریا. ورود گاریبالدی با فتح و نصرت در اوایل پائیز به شهر ناپل و خطبه به نام اعلیحضرت ویکتور امانوئل پادشاه تمام ایتالیا خواندن. اعلیحضرت ناپلئون سیم امپراطور فرانسه باطناً مایل به این است که مملکت ناپل - که در زمان سلطنت ناپلئون اول از آن پرنس مورا شوهر همشیره ناپلئون اول بود - حالا نیز بر حسب ارث به اولاد او تعلق گیرد. اضطراب دولت ایتالیا از این خیال. تهدید نمودن عساکر ایتالیا حضرت پاپ را که قشون ملل خارجه را از رم اخراج نماید. گاریبالدی اعلان می کند مادامی که پادشاه ایتالیا در عمارت کری نال (۱) که یکی از عمارات حضرت پاپ است در شهر رم جلوس ننماید، حل و عقد مطالب و مسائلی که راجع به اتحاد مملکت ایتالیاست نخواهد شد و از این کلام چنین مفهوم می شود که گاریبالدی میل به تصرف رم دارد و از هیچ چیز متألم نیست مگر از سلطنت جسمانی پاپ و الحاق نیس و ساووا به مملکت فرانسه. فرستادن دو فوج جدید از مملکت فرانسه به جهت حفظ حضرت پاپ به رم. رنجش دولت فرانسه از

این کلمات و احضار سفیری که در ایتالیا داشت. پناه جستن پادشاه ناپل در شهر گائت. مغلوب شدن عساکر پاپ به سرداری جنرال لامرسیر سردار فرانسوی و اسیر شدن جنرال مزبور به دست سردار ایتالیا.

گاریبالدی وعده می‌دهد که هر کس فرانسوی دویم پادشاه ناپل را مقتول نماید مبلغ گزافی همه ساله به عیال و اولاد او داده خواهد شد. عساکر ایتالیا تایلک فرسخی شهر رم تاختند و به واسطه بودن قشون فرانسه در شهر رم تجاوز از آن مکان را صلاح ندیدند. در یکی از جنگهای با پادشاه ناپل، شخص پادشاه با بیست هزار مرد با گاریبالدی جنگید. سفرای دول خارجه که در دربار ناپل بودند پادشاه ناپل را در گائت گذاشته در رم نزد مادر پادشاه رفتند. ورود فتح آمیز ویکتورامانوئل به شهر ناپل. پادشاه ناپل به جمیع سلاطین فرنگ اظهار تظلم می‌نماید ولیکن این تظلم بی‌فایده می‌شود. محاصره شهر گائت به توسط چپال دینی سردار ایتالیا. کاغذ اعلیحضرت ناپلئون امپراطور فرانسه به پادشاه سابق ناپل که زیاده بر این در صدد منازعه با پادشاه ایتالیا بر نیامده جان خود را در تحت حمایت فرانسه دانسته با کشتیهای فرانسه دور از مملکت خود شود. پادشاه ناپل قبول ننموده در شهر گائت متوقف می‌شود. ورود گاریبالدی و قشون داوطلبی که مطیع او بودند به سیسیل. حرکت گاریبالدی به سمت ناپل. قشون فرستادن فرانسه در رم به جهت حفظ حضرت پاپ. احضار دولت روس ایلچی خود را از ایتالیا.

بلیک:

رضایت مردم از پادشاه خود وعید جلوس او را با کمال شکوه برپاداشتن.

چین:

منازعه مابین چین و دول انگلیس و فرانسه. دوازده هزار قشون انگلیس به سرداری امیرال‌هپ (۱) و جنرال گران ویک دسته قشون فرانسه به سرداری جنرال منت‌بان (۲) در بهار این سال شروع به جنگ می‌نمایند و در همین بین یاغیهای پی‌پنگ بعضی از ایالات چین را قتل و غارت می‌نمودند و تا حوالی شانگای راندند. فتح قلعه پتانگ به دست

قشون متفقه. یورش به قلعه‌جات پیئو. فتح قلعه‌جات پیهو و به دست آوردن توپخانه زیاد. فتح شهر تین‌سین که سیصد هزار جمعیت دارد. حرکت قشون متفقه به سمت پکن پایتخت. شکست دادن سردار چینی که از طایفه تاتار و موسوم به سان‌کولن بود. فتح پالی‌کائو (۳) در یک فرسخی پکن. شکست چهل هزار چینی در این نقطه. فرار خاقان چین به سمت مکدن (۴). ورود قشون فرانسه به شهر تنگ‌چو که چهارصد هزار جمعیت دارد. غارت نمودن یکی از عمارات بیلاقی سلطنتی. ورود قشون متفقه به حوالی پکن. مصالحه مابین دولت چین و دول فرانسه و انگلیس در پکن. در این مصالحه تین‌سین مفتوح از برای تجارت دول مزبوره خواهد بود. از این تاریخ به بعد دول فرانسه و انگلیس حق داشتن ایلچی در شهر پکن خواهند داشت. مطالبه خسارت جنگ گزاف دول متفقه از چین. جنرال اگنائیف (۵) مأمور روس از پرنس کنگ (۶) برادر خاقان که سمت صدارت داشت بعضی امتیازات از برای دولت خود گرفت.

دانمارک:

جمعیت این مملکت در این سال سه کرو و صد و پنج هزار نفر است.

روس:

افتتاح رامآهن از پطر به دونابورگ هفتصد هزار ذرع. فوت مادر اعلیحضرت امپراطور در سن شصت و دو سالگی. دولت روس پنجاه هزار قشون به ساحل پروت سرحد عثمانی روانه می‌کند. عمرپاشا از طرف دولت عثمانی او را استقبال می‌نماید. دولت فرانسه دولت عثمانی را تهدید می‌کند که قوانین جدید در رفاهیت عیسویان تبعه خود ایجاد سازد.

ژاپن:

قتل یکی از مترجمین سفارت انگلیس. در یک روز هفده نفر به نایب‌السلطنه حمله برده بدن او را مجروح می‌سازند.

سود و نروج:

جلوس شارل پانزدهم به سلطنت.

عثمانی:

انعقاد مجلس به ریاست محمد پاشا صدراعظم به جهت قرارداد لازم که عیسویان تبعه عثمانی در رفاهیت و آسودگی باشند.

در کوه‌لیبان (۷) شام منازعه سخت‌مابین طایفه دروز و مارونیت (۸). در روزها که مسلمان هستند دهات مارونیتها را که عیسوی هستند می‌سوزانند و اهالی را قتل می‌نمایند. قشون دولتی نیز در این عمل شنیع با آنها شریک است. در صعیدا (۹) و بیروت و دمشق و دیرالقمربست به عیسویها قتل و غارت سختی واقع می‌شود. نسبت به قونسولهای دول فرنگ نیز بی‌احترامی سخت وارد می‌آید. در شهر دمشق مدت پنج روز متوالیاً مسلمانها هر کجا عیسویها را گیر می‌آوردند به قتل می‌رسانند. حتی قونسول هلاند مقتول و قونسول ینگینا مجروح گردید. قشون دولت عثمانی رفع غایله نکرده بلکه کمک می‌نمایند. امیر عبدالقادر - الجزایری که در دمشق مسکن داشت جمعی از عیسویان را از قتل نجات داده در تحت حمایت خود نگاه می‌دارد. اعلیحضرت سلطان به محض شنیدن این اخبار وزیر امور خارجه خود فؤادپاشا را مأمور دمشق می‌نماید. دولت فرانسه جداً در صدد تحقیق این عمل است و دول فرنگ را با خود شریک می‌سازد. ورود فؤادپاشا در بیروت و حبس جمعی از اشرار و قتل بعضی از آنها. علی‌الخصوص خورشید پاشا والی شام که متهم به این عمل است محبوس می‌شود. بعضی از سردارهای بزرگ و مشیرهای معتبر که هفتاد نفر تقریباً می‌شدند به حکم فؤادپاشا به سیاست می‌رسند. ورود عساکر فرانسه از راه دریا به بیروت. مأمورین دول فرنگ از برای تحقیق این مقدمه در تمام ایالت شام گردش می‌کنند. بالاخره بعد از تنبیه اشرار، خسارتی که به طایفه مارونیت وارد آمده است علی‌التخمین به شش کرور تومان ایران مقرر می‌دارند که چهار کرور دولت عثمانی از خزانه و دو کرور طایفه دروز بدهند. از سی هزار نفر دروز که مرتکب این اعمال

شنیعه شدند هزار ودویست نفر بیشتر سبب شرارت و قتل بودند. این مبلغ را این هزار ودویست نفر باید بدهند.

شورش در ایالت آلبانی و قتل والی منتتگرو دانیل (۱۰). نصب برادرزاده او در سن نوزده سالگی به جای او.

فوت والی سروی (۱۱) میلش و ولایت پسرش میشل به جای او. ایجاد قانون در مملکت تونس.

افتتاح راه آهن به قسنتجه (۱۲). کسوف شمس بالتمام در هجدهم ژوئیه، اوایل تابستان، که عثمانیها این را دلیل شومی دانستند.

اما تفصیل قتل عیسویان لیان از این قرار است:

در کوهستان لیان دوطایفه سکنی دارند: یکی دروز و دیگری مارونیت. اولاً اصل ونسب این طایفه از این قرار است:

دروز: یکی از طوایف شام که در سمت شمال عکه (۱۳) در ناحیه‌ای که ممتد است از بعلبک به آرنون در ساحل بحر سفید (۱۴) سکنی دارند و علی‌التحقیق جمعیت دروزها به صد و بیست هزار نفر می‌رسد. چهل هزار نفر از اینها قابل حمل اسلحه و جنگی هستند. جنگجو و مهمان‌نواز می‌باشند. مذهب اسلام را تبعیت دارند، لیکن الحاکم بامرالله مصری را پرستش می‌کنند و عقیده ایشان این است که خداوند تبارک و تعالی در جسم الحاکم بامرالله حلول کرده بود و به این لباس به هدایت مردم آمده بود. بعضی عقاید ملل متفرقه را نیز دروزها جزء دین خود کرده‌اند. رئیس این طایفه در دیر القمر سکنی دارد. اینها را دروز به این جهت می‌گویند که دروز نام که از خواص الحاکم بامرالله بود سمت اجتهاد به اینها داشت و در تحت لوای همین دروز این طایفه از مصر مهاجرت کرده به کوهستان لیان پناه جستند و مدتها به دولت عثمانی یاغی بودند تا در سنه هزار و پانصد و هشتاد و هشت مسیحی مطابق نهصد و نود و هفت

۱۰- Daniel

۱۱- منظور «سربی» است یعنی سربستان.

۱۲- Constantine

۱۳- همان شهر عکا در کنار مدیترانه شرقی.

۱۴- یعنی مدیترانه. ظاهراً همان است که مسلمین دریای اعظم خوانده‌اند.

هجری سلطان مرادسیم آنها را ایل (۱۵) نمود.

مارونیت: یکی از طوایف شام که در سمت طرابلس شرقی سکنی دارند و بادرزها هم کوش (?) اند و صدوپنجاه هزار نفر تحقیقاً عدد این طایفه است. اطاعت به یک امیری که در بیکلس سکنی دارد می نمایند. در سنه ششصد و سی و چهار مسیحی مطابق سنه سیزده هجری در زمان خلافت خلیفه دویم وقتی که قشون عرب فتح شامات را کرد یوسف نام که از اعیان بیکلس بود و عیسوی مذهب باتبعه خود به کوه لیان پناه جست و از آن وقت تا کنون در آنجا سکنی دارند و کاتولیکی مذهب و تابع پاپ هستند.

تاسنه هزار و هشتصد و چهل مسیحی مطابق هزار و دویست و پنجاه و شش هجری رقابت دوطایفه مزبوره چندان معلوم نمی شد و ظهوری نداشت. چرا که هروقت مخاصمتی در میان آنها رو می داد شاهزاده بشیر (۱۶) که آن وقت ریاست موروئی به آنها داشته در صدد دفع و رفع آن بر می آمد. تسلط و ریاستش بر عیسویها و مسلمانهای آنجا یکسان بود و دولت عثمانی را نمی گذاشت که در مقام تقویت مسلمانها بر آید و به طایفه طرف مقابل اذیت برساند. تا در سنه هزار و هشتصد و چهل و چهار مسیحی مطابق هزار و دویست و شصت هجری، دول همه مد - علیرغم دولت فرانسه - دوباره شام را از محمد علی پاشای مصری انتزاع نموده جزء دولت عثمانی کردند. دولت عثمانی ایالت لیان را جزء شامات نمود تا خراج گزار (۱۷) به واسطه بشود و بنفسه ایالتی شمرده نشود و این کار را برای این کرد که به طایفه در روز محض هم دینی رعایتی نکند و از آنها تقویت نماید. فی الواقع در الحاق کردن لیان به شام پولتیکی در نظر داشت. این پولتیک عثمانی آخر کار به جائی منجر شد که ایالت لیان منقسم به دو قائم مقام شد: یکی قائم مقامی مارونیت که عبارت از عیسویان واقع در

۱۵- ایل به معنای مطیع.

۱۶- ظاهراً «شاهزاده» ترجمه سطحی کلمه «پرنس» است. اعتماد السلطنه بدون اطلاع

عمیق از تاریخ عثمانی، پرنس را شاهزاده ترجمه کرده در حالی که ترجمه صحیح آن «امیر» است. امیر بشیر شهرت فراوان دارد.

۱۷- بتن: خراجگذار.

سمت شمال کوههای لیبان باشد و دیگری قائم مقامی در روز که عبارت از مسلمین واقعه در طرف جنوب جبال مزبوره باشد. قائم مقامی در روز (۱۸) باوجودی که در سنه هزار و هشتصد و چهل و یک عیسوی و در سنه هزار و هشتصد و چهل و پنج به خونریزی عیسویان پرداخته بود، مجدداً در سنه هزار و هشتصد و شصت زاید بر دو دفعه سابقه اقدام به این عمل شنیع نمود. طایفه مارونیت، پس از آن که بیچاره ماندند و از هر طرفی از آنها می‌کشتند و قاتلشان را دولت عثمانی به هیچوجه مؤاخذه و سیاست نمی‌کرد، ملجأ شده در بیروت مجلسی از عیسویان برای دادرسی خود ترتیب دادند. ولی غافل از این که اعتنائی به دادخواهی مجلس مزبور نمی‌شود. پس از این که در چندجا عثمانیها به عیسویان مارونیت تاختند و آنها را به قتل رسانیدند و دهاتشان را غارت کرده و آتش زدند، طایفه مزبوره همین که خود را ذلیل و بیچاره و از خانه و زندگانی آواره دیدند اضطراراً به داخله مملکت رفتند که بلکه در امان باشند. باز در صعیدا (۱۹) دیدند که ترکهای عثمانی و طایفه در روز اتفاق کرده در صدد قتل آنها برمی‌آیند. بالاخره عثمانیها، محض تقویت و همراهی به طایفه در روز دو شهر حسیبه و راشیه را به آنها واگذار نمودند و آنها را در تسخیر شهر زاهل که طایفه مارونیت می‌توانستند حفظ و حراست نمایند حمایت کردند. در دیزالقر به کلی عداوت در روزها و رغبت آنها به خونریزی طایفه مارونیت واضح گشت. عیسویهایی که در آنجا محصور بودند، چون آذوقه و مایحتاج آنها به انتها رسید و به قول و قرارداد و اطمینان طاهر پاشای سرتیپ مطمئن شده تسلیم شدند، پس از تسلیم، به چنگ طایفه در روز وقشون عثمانی افتاده به قتل رسیدند و تقریباً سهربع از اموال منهبه آنها نیز قسمت و نصیب طایفه در روز وقشونی گشت. ابتدا عثمانیها قدری جبن کردند که مبدا فقره قتل و نهب عیسویان در تمام ولایات شام منتشر بشود، ولی در آخر اعتنائی در این کار نکردند. در دمشق نیز مسلمانها به عیسویان تاختند و در مدت ده روز شش هزار نفر از آنها به قتل رسانیدند و باوجودی که احمد پاشای مشیرو سردار اکرم آنجا

بود به هیچوجه در مقام ممانعت مرتکبین برنیامد. دوازده هزار نفر از عیسویان را امیر عبدالقادر الجزایری که آن وقت در دمشق ساکن بود نجات داد. امیر مزبور هزار و دویست نفر از اهل الجزایر در آنجا محکوم داشت. همه را مأمور می‌کرد که دسته دسته در کوچه‌ها و برزندهای دمشق گردش کنند و عیسویان را از چنگ مسلمانها نجات بدهند. بالمآل حالت غیظ و طیش مسلمانها به درجه‌ای رسید که به فرنگیها هم تاختند و معابد و کلیساها و قونسولگری آنها را غارت نموده آتش زدند.

قشون فرستادن دولت فرانسه در سنه هزار و هشتصد و شصت تا سنه هزار و هشتصد و شصت و یک و منظم ساختن ایالت لیان را در سنه هزار و هشتصد و شصت و یک

پس از آن که خبر قتل و غارت عیسویان شام و دمشق منتشر شد اسباب افسردگی تمام دول فرنگستان گشت. اعلیحضرت ناپلئون سیم امپراطور فرانسه معجلا از سلطان عثمانی ترضیه و جبران این کار را خواست. در این بین‌ها باز قتل و غارت مجددی شد. این دفعه دولت فرانسه به عثمانی و به پنج دولتی که مصالحه منعقد در پاریس را امضاء نموده بودند اظهار کرد که قراری در این باب بگذارند. چون برای نظم و نسق شام و دمشق لازم بود قشونی از فرنگستان برود و به اتفاق مأمورین دولت عثمانی در اخذ و قید مرتکبین بکوشند و قرار نظم آنجا را بدهند، لهذا دولت فرانسه متعهد شد که چنین قشونی را از خود مأمور سازد. ولکن دولت عثمانی به ملاحظه دولت انگلیس که هیچوقت راضی نمی‌شود که قشون فرانسه در سمت شرق ظاهر شود در مقام طفره برآمد. اعلیحضرت ناپلئون سیم به مسیو پرستیگی وزیر مختار دولت خودش که مقیم لندن بود نوشت و در آن کاغذ او را وادار به رفع سوء ظن انگلیس در این مقام نمود. او نیز حسب الامر اعلیحضرت امپراطور کار را از پیش برده در چندین مجلس انگلیس غلبه کرد تا این که در قرار مأموریت قشون اطمینان حاصل کرد.

در سیم ماه او (۱) سنه هزار و هشتصد و شصت، جمیع دول

فرنگستان قرار دادند که قشونی که مرکب از دوازده هزار نفر باشد به‌شام فرستاده شود نصف قشون مزبور را فرانسه بدهد. و نیز قرار دادند که مجلسی که اجزایش وکلای دول فرنگستان باشد تشکیل داده قرار حکومت ایالت لیبان را بدهند و در تغییر و تبدیل قراردادها و احکامی که در سنه هزار و هشتصد و چهل و دو در لیبان مقرر شده بود بکوشند. قشونی که دولت فرانسه برای مأموریت به‌شام معین کرده بود جزئی از قشون اردوی شالون بود. در زمانی که قشون حرکت می‌کرد اعلیحضرت ناپلئون سیم امپراطور فرانسه خطاب به آنها کرده مضمون ذیل را ادا نمود: شما که مأمور به این خدمت هستید چندان جمعیت و عدد نفوس زیادی ندارید. ولی رشادت و جرئت و حسن نیت شما، شما را در آن صفحات خیلی عظیم در نظرها جلوه خواهد داد. قشون فرانسه در شانزدهم ماه او، سنه هزار و هشتصد و شصت، وارد به‌مملکت شام شده و به‌تنهایی و خودی خود مأمورین دولت عثمانی را محرك به‌اخذ و قید و تنبیه و سیاست اشرار و مرتکبین قتل عیسویان شدند.

در هفدهم ماه ژوئیه، فؤاد پاشا که با تسلط بلانهایت و اختیار تامه از اسلامبول برای اصلاح امور عیسویان و قلع و قمع قاتلین آنها مأمور شده بود، از کشتی بیرون آمده و در بیست و نهم ماه ژوئیه داخل دمشق شد. سه هزار نفر نیز از قشونی و غیره به‌همراه داشت. لدی‌الورود هفتصد نفر از اشرار دمشق را که زیاده از دیگران بانی قتل عیسویان شده بودند دستگیر نمود. احمد پاشای مشیر و حکمران دوشهر حسیبه و راشیه را نیزه پیچ کردند. به‌موجب تصدیق وکلای دول فرنگستان، دو هزار و چهارصد و نود و یک نفر از طایفه دروز را به‌طریپولی (۱) فرستادند که تا مدت پنج سال در آنجا باشند و مرتکبین از عثمانیها را نیز به‌جزایر مختلفه بحرایض (۲) فرستادند و در حق هریک به‌فراخور تقصیر تعیین نسقی و مدت حبسی کردند. در میان طایفه دروز، اشخاصی از رؤسای آنها که بیش از همه مرتکب شرارت شده بودند و زیاده سیاست را مستوجب می‌بودند فرار کردند و از سیاست و مؤاخذه جستند.

۱ - Tripoli (= طرابلس)

۲ - یعنی مدیترانه.

ژنرال دبو فور آنها را تعاقب کرد تا در میانه تنگنای جبال موطن خودشان آنها را احاطه نمود. لیکن غافل از این بود که قشونی را که به همراه خود آورده عثمانی می‌باشند و آنها برحسب هم‌مذهبی راضی به دستگیری مقصرین نیستند و از قشون فرانسه هم که همراه ندارد. علانیه قشون عثمانی صف نظامی خود را گشوده و آنها را راه فرار دادند که به وادی غیردی زرع (۳) حوران فراری شوند و همین کار را هم کردند. مأمورین دول فرنگستان، با زحمت و گفتگوی زیاد، دولت عثمانی را مجبور کردند که مبلغ چهار کرور و بیست و پنج هزار تومان تقریباً پول ایران در عوض ضرر و خسارت و خونبهای طایفه مارونیت و سایر عیسویان دمشق و غیرها بدهد. دول فرنگستان در مقام امداد و اعانت عیسویان شرقی عثمانی برآمدند. از جمله دولت فرانسه مبلغ دویست و پنجاه هزار تومان پول ایران وجه اعانه به آنها داد. همین قدر شد که طایفه مارونیت دوباره خانه‌های مخروبه و ویران خود را برپا کردند و اسباب کسب و فلاح خود را فراهم آوردند.

بی‌اعتنائی مأمورین عثمانی اسباب تعویق اصلاح امور شد و تا پنجم ماه ژوئن سنه هزار و هشتصد و شصت و یک طول کشید و معاودت قشون فرانسه را زیاده برشش ماه به عهده تأخیر انداخت. دولت فرانسه در کمال میل حاضر بود که دائماً قشونش را در سمت شرق عثمانی نگاه دارد. ولیکن باب‌عالی به صوابدید انگلیس - که دائماً سوء ظنی در ظهور و توقف قشون فرانسه در سمت شرق داشت - در صدد قبول قرارداد و همه تکالیف وارده برآمد و مراجعت قشون فرانسه را خواش نمود. مسیو تووئل وزیر امور خارجه فرانسه در جواب باب‌عالی نوشت چون قشون ما از جانب همه دول فرنگستان مأمور به شام شده است باید زمان و روز مراجعتش را نیز همه دول تعیین نمایند و بعد از آن دولت فرانسه آزاد می‌شود و به خودی خود تکلیف خود را معمول خواهد داشت. باری پس از قرارداد و اصلاح امور آن سامان، قشون فرانسه از شام حرکت کرده معاودت نمود. کلیه مقصود دولت فرانسه در رفاه و فراغت لیان

۳- اصطلاح «وادی غیر دی زرع» مأخوذ از آیه ۳۷ است از سوره ابراهیم در قرآن

کریم: ربنا انی اسکت من ذریتی بواد غیر دی زرع عند بیتک المحرم ربنا لیقیموا الصلوة فاجعل افئدة من الناس تهوی الیهم وارزقهم من الثمرات لعلهم یشکرون.

بود و مقصود داشت که یکی از خود اهالی لییان را بر سایر ایالت مزبوره والی نماید. در مجلس وکلای دول فرنگستان چنین صلاح دیدند که این والی را از باب عالی تعیین نمایند و باید والی مزبور عیسوی باشد و تا سه سال هم معزول نگردد. و نیز قراردادند که جزء اعظم از سکنه لییان عیسوی باشند. قرار مجلسی نیز در مرکز ایالت مزبوره دادند که مرکب از دوازده نفر باشد و هرچند نفر از آنها از جانب طایفه و قبیللهای وکیل باشند. همه ایالت لییان را منقسم به شش محال کردند و هر محالی را منقسم به چند کدخدائی نمودند و در هر کدخدائی از هر طایفه يك کدخدا قرارداد نمودند و به آنها اختیار رسیدگی در امور دادند و دیرالقدر را حکومت و والی نشین کردند. والیائی که ابتدا به والیگری آنجا نامیده شد یکی از ارامنه کاتولیکی مذهب موسوم به داودپاشا بود. این والی را به موجب تعیین دولت فرانسه از باب عالی مأموریت داده بودند. پس از انقضای سه سال مجدداً والیگری به خود پاشای مشارالیه تفویض گردید. خلاصه کلام ایالت لییان به حالت اول آمده و اهلش باهم تجدید اتفاق نموده به زندگانی و تحصیل معیشت مشغول شدند. انصافاً اهالی لییان باید خیلی ممنون و مرهون دولت فرانسه باشند. چرا که درمیانه جمیع دول فرنگستان فقط دولت فرانسه در هیچ جهت قصور نکرد و از پولتیکی که در سنه هزار و هشتصد و شصت به خرج داد ندامت حاصل نمود.

فرانسه:

استعفای مسیو والفسکی (۱) از وزارت خارجه و نصب توونل که سابقاً در اسلامبول سفیر کبیر بود به جای او.
ورود آخر دسته قشون فرانسه به پاریس از ایتالیا به اتفاق مارشال وایان (۲).

فوت گران دوشس استفانی از اقوام مادری اعلیحضرت امپراطور ناپلئون سیم که دختر خوانده اعلیحضرت ناپلئون اول بود.

۱- کنت والفسکی فرزند غیر مشروع ناپلئون بود از ماری والوسکای کتس لهستانی

(Marie Walewsca)

فوت پرنس ژرم برادر اعلیحضرت ناپلئون اول و عموی اعلیحضرت ناپلئون سیم در سن هفتاد و شش سالگی.
مسافرت اعلیحضرت امپراطور به نیس و ساووا و به کرس (۳) و به الجزایر.

ملاقات والی تونس در الجزایر با اعلیحضرت امپراطور. ایجاد قانون ملمع در الجزایر که هم ملت اسلام الجزایر مطیع آن قانون هستند و هم عیسویان.

در سنگال که پادشاه آنجا به دست برادرزادگان خود مقتول می شود و پسر آن پادشاه منصوب شده قاتلین پدر را به دست آورده به سزا می رساند، این قتل و این اغتشاش از شوکت و اقتدار فرانسه در آن سمت نمی کاهد. عهدنامه تجارتی با بیرمان. فتوحات در ماچین (۴).

فوت خواهر علیاحضرت امپراطریس دوشس دالب. مسافرت مشارالیها به انگلیس و پذیرفتن اعلیحضرت پادشاه انگلستان او را در وندزر (۵). موقوف داشتن تذکره عبور مابین انگلیس و فرانسه.

منافع و مداخل شهر پاریس به تنهائی در این سال بیست کرور و سیصد هزار تومان ایران است.

ینگی دنیای جنوبی:

سلطنت یکی از تبعه فرانسه آنتوان نام در ایالت اروگائی (۶) که خود را به آنتوان اول موسوم کرده بود.

۲- Corse

۴- ماچین (مهاچین - چین بزرگ) ناحیه جنوب شرقی چین است که امروزه هندوچین

گفته می شود.

۱۰- Windsor

۱۰- Uruguay

شرح سال چهاردهم

سلطنت و تاجداری اعلیحضرت قوی شوکت شاهنشاه
جم‌جاه خسرو صاحبقران ادام‌الله تعالی ایام ملکه
مطابق سنه هزار و دویست و هفتاد و هفت
پیچی‌ئیل ترکی

در این سال خیرمآل جمیع توجه خاطر خطیر همایون به اشاعه عدل و انصاف و رسیدگی به عرایض وزراء و رؤسای ادارات و آسوده داشتن کل رعایا و برپایاست.

تعزیه خوانی دولتی در تکیه مبارکه نیاوران است.

مصطفی قلی‌خان حاکم سبزوار فوج جدیدی از سبزوار گرفته و محمد هاشم‌خان ولد معزی‌الیه به سرهنگی فوج مزبور برقرار گردید.

حسب الامر نواب ملک‌آرا حکمران مازندران و استرآباد با بعضی از قشون مأمور استرآباد تراکمه‌داز را تنبیه سختی نموده ولی محمدخان یاور افواج خمسه که تاسافت زیادی ترکمانان را تعاقب کرده بود مقتول شد. بعد از آن شاهزاده ملک‌آرا تا قتلک که بحبوحه ترکمن است رانده تدمیری به سزا از اشرار این طایفه به عمل آمده است.

میرزا رضا و میرزا حسین از شاگردانی که مأمور تحصیل در پاریس بودند خوب ترقی کرده و معلمین فرنگی به آنها اجازه طبابت داده‌اند.

محض رسیدگی کامل به عرایض ملهوفین و متظلمین و احقاق حقوق و مزید آسایش آنها روزهای یکشنبه را قرار دادند، سفر آحضرا

در جائی مخصوص به دیوان مظالم ، ذات ملکوتی صفات مقدس به نفس نفیس همایون جلوس فرمایند و بار عام به عارضین از هر صنف و هر ملت دهند و دستخط جهان مطاع مبارک مبتنی بر شرح این قانون معدلت نمون شرف صدور یافت که صورت آن از قرار ذیل است:

سواد دستخط جهان مطاع مبارک

دستورالعمل و قاعده و وضع عارضین عموم مردم از بزرگ و کوچک هر کس که باشد روزهای یکشنبه از صبح زود الی غروب که ما خود به دقت گوش به عرض آنها خواهیم داد از این قرار است:

روزهای یکشنبه نباید وزراء و غیره عرض خارجی بکنند از قبیل نوشتجات ولایات و غیره و غیره. این روز مخصوص است از برای رسیدگی عرایض و مطالب عموم مردم مگر امر بسیار واجبی روی دهد. البته باید به عرض برسد. و در این روز، نایبان ایشیک آقاسی باشی کلا و نسقچیان و نایبان همه باید حاضر دربخانه باشند با ایشیک آقاسی باشی.

معتمدالدوله و نایب‌الصدر باید در این روز از صبح زود در حضور حاضر باشند که احکام عارضین را به معتمدالدوله بفرومائیم و نایب‌الصدر ثبت عرایض و حکم را بردارد و بخصوصه یک کتابچه سفیدباید معتمدالدوله همراه داشته باشد که نایب‌الصدر در آنجا عرض و جواب هر دو را ثبت کند. نظم آوردن عارضین به حضور و بردن بیرون به عهد محمد رحیم خان نسقچی باشی (۱) و حاجب‌الدوله و آجودان باشی است که در آن روز هر سه از اول صبح باید دربخانه حاضر باشند.

وضع آمدن عرضه‌چیان به حضور:

آنها نباید در نزدیکی دربخانه اجتماع کنند. باید اگر در شهر است، یا در میدان یا در کوچه ارگ، اگر شمران و بیلاق است در صحرا باشند و یک یک و دو دو بیایند دربخانه. عرضه چی اگر عددش از دونفر بالاتر است باید از حریم اولی تجاوز نکند و یک نفر از جانب خودشان وکیل کرده به حضور بفرستند. اگر عدد از دو نفر بالاتر نیست همان دونفر مأذون هستند بیایند حضور و عرضشان را بکنند. و در حضور همین که یک دسته که عبارت از دونفر باشد عرضش به اتمام رسید و مرخص شد، بعد از رفتن آنها، عرضه چی مجدد بیاید نه این که عرض تمام نشده دستۀ دیگر حاضر حضور باشند.

در این روز، فوج قراول دربخانه باید بالباس خوب از اول صبح الی تمام عرض عارضین حاضر باش کرده بایستند با ترتیب با سرهنگ همان فوج و یک دسته قراول مخصوص سواد کوهی با سلطان آن دسته زیر پله عمارت باشند با لباس خوب و بیست نفر تفنگدار زیر تالار عمارت بایستند و فراش خلوتان و پیشخدمتان کشیک آن روز همه باید حاضر باشند و همچنین صد نفر فراش با نایبان دربخانه حاضر باشند.

اگر از عرضه چیان در محل اجتماع قال و قیلی شود مورد تنبیه سخت خواهند شد. باید اعلام کرده آنها که در وقت اجتماع و عرض و غیره ساکت باشند.

غرض از رسیدن به عرض عارضین رفع ظلم از مظلوم است نه این که هر کس به خیال خود شبها فکر کرده در آن روز عرض کند مثلاً خواهش موجب و اضافه مستمری و تیول بی معنی. باید اعلام کنند هر کس این گونه عرضی کند همان در حضور مورد تنبیه خواهد شد.

چون منظور نظر مبارك غوررسی و رفع ظلم و اجحاف از ضعفا و مظلومین است لهذا هر کس در ولایات بعیده باشد و دسترس به دربار همایون نداشته باشد باید عرض خود را در عریضه ای نوشته سرش را بسته سربهمهر به ضابط چاپار همان

ولایت بسپارد. او هم بی آن که کسی مطلع شود سربسته عریضه آن کس را به چاپار بدهد که در جزء نوشتجات ولایات به عرض خاکپای همایون برسد و موافق عدل و انصاف حکم شود. انتهى.

چندی میرزا حسین مستوفی به پیشکاری دارالخلافه برقرار بود ولی این اوقات مجدداً وزارت دارالخلافه را به میرزا موسی مرحمت فرمودند.

شب ششم صفر که شب عید مولود مسعود همایون اعلیحضرت شاهنشاهی دامملکه می باشد در تمام ولایات ممالک محروسه جشن گرفتند و روز این عید سعید سلام عام در قصر نیاوران منعقد گردید.

ریاست دارالطباعه دولتی و طبع روزنامه جات را به میرزا ابوالحسن خان نقاش باشی غفاری که مقدم اساتید و یگانه زمان است تفویض فرمودند و روزنامه دولتی مصور شد.

بعد از مأموریت نواب والا حشمةالدوله حکمران خراسان و قوام الدوله وزیر آن ایالت با عساکر منصوره به مرو، همین که نزدیک به قلعه شهر قدیم مرو موسوم به قلعه محمد نیازخان می رسند، تراکمه یک مرتبه در جلو اردو درآمد ولی چون مقاومت باقشون ظفرنمون را فوق قوت و طاقت خود می بینند بعد از یک فقره شکست، عیال و اطفال و احوال و اثقال خود را برداشته در تاریکی شب از قلعه بیرون می آورند. فردای آن روز سپاه منصور وارد قلعه شده آنجا را خالی از سکنه دیده ولی آذوقه بسیار در آنجا بوده که نصیب قشون نصرت نمون گردید. بعد از آن عزم تسخیر یلاتن کرده این قلعه را نیز مسخر کرده و طایفه سالور را منقاد نموده اند.

صفر علی خان سرتیپ سواره اینانلو را نیز با هفتصد نفر سواره ابوابجمعی خود و یک عراده توپ تتخواهی به جهت عساکر اردوی مرو از دارالخلافه می برد و مشارالیه به منصب سرتیپی اول سواره و خلعت همایون سرافراز گردید.

عباسقلی خان معتمدالدوله به یک قطعه نشان تمثال بی مثال همایون سرافراز گردید.

شاهزاده جلال‌الدین میرزا (۱) به منصب آجودانی مخصوص حضور مبارك سرافراز گردید.

در این اوان که حکومت عربستان و لرستان با ضیاء الملك والد مؤلف است این بنده نایب‌الحکومه عربستان می‌باشد.

مسیو روس در دارالخلافه تفنگهای شش‌خان بسیار خوب ساخته. همچنین در دارالخلافه چاشنی خیلی ممتاز برای این تفنگها می‌سازند. طرقه‌ای نیز برای توپ مسیو روس اختراع کرده که دیگر احتیاج به فیتله و مهتاب و آتش ندارد. يك پارچه سیمی به طرقه وصل کرده و ریسمانی به آن سیم متصل و در دست توپچی است. به محض حرکت طرقه آتش می‌گیرد و در کمال سهولت توپ را آتش می‌دهد.

نواب والا حشمة‌الدوله و قوام‌الدوله را از خراسان احضار فرمودند (۲) و نواب والا حشام‌السلطنه به حکمرانی خراسان مأمور و محمدناصر خان ایشیک آقاسی‌باشی را به لقب ظهیرالدوله ملقب و به سمت پیشکاری و سرداری آنجا مقرر فرمودند و محمدابراهیم خان پسر جناب ظهیرالدوله را نیابت اول ایشیک آقاسی‌باشی دادند.

نواب والا مؤیدالدوله به حکمرانی فارس منصوب گردیدند.

محمد ابراهیم خان سرتیپ اول افواج خمرسه به لقب مظفرالدوله سرافراز گردید.

در مشورتخانه خاصه وزراء حسب الامر قانونی برای نظم کلیه قشون و جبهه‌خانه و قورخانه و غیره نوشته می‌شود.

حسین خان حاکم همدان به خلعت همایون نایل شد.

نواب کیومرث میرزا حکمران کرمان ملقب به عمیدالدوله گردید.

۱- از آخرین فرزندان فتحعلی شاه که در زیبایی صورت و اندام شهره شهر بود. وی در سلک طرفداران فرهنگ غربی بود و در این راه به افراط گرائید. جلال‌الدین میرزا از طرفداران نویسندگی به فارسی سره بود. و کتابی به پارسی سره در تاریخ ایران نوشته به نام «نامه خسروان» و در این کار، امامقلی خان زند متخلص به «غارت» او را یاری کرده. این شاهزاده که زبان فرانسه را خوب می‌دانسته و به هنر شاعری نیز آراسته بوده و «جلال» تخلص می‌کرده و عضو مجمع فراماسون نیز بوده در سال ۱۲۸۷ درگذشته.

۲- احضار شاهزاده و وزیر به علت شکستی بود که از ترکمانان خوردند و سپاه ایران نابود شد و افراد سپاه اسیر ترکمانان شدند و سالیان دراز در اسارت ماندند.

جناب شیخ عبدالحسین مجتهد که از جانب سنی الجوانب همایون مأمور به ساختن و وسعت دادن صحن مقدس و تعمیر گنبد مطهر حضرت سیدالشهداء علیه السلام می باشند به قدر هزار ذرع زمین از خانه های نزدیک به صحن خریده و خرابه کرده و بر صحن مقدس افزوده و در جمیع اطراف آن حجرات تحتانی و فوقانی ساخته که به جهت زوار محل سکنی باشد و گنبد مطهر را نیز به خوبی تعمیر کرده همچنین بقعه منوره حضرت عباس را مرمت نموده اند.

در دارالخلافة باهره و در اصفهان جنس و غله تسعیری دارد و از سایر ولایات ممالك محروسه به این دو ولایت گندم و برنج و غیره حمل می نمایند.

میرزا غفار خان صدیق الملک نایب اول وزارت امور خارجه به منصب وزیر مختاری وایلچی مخصوص این دولت سرافراز و مأمور اقامت سنت پترزبورغ گردیده به یک قبضه شمشیر مرصع و خلعت همایون نایل گشت و میرزا جوادخان ولد مشارالیه مأمور رسیدگی امور تجارتی دول خارجه که محول به صدیق الملک بود شد.

میرزا رضای نامه نگار به اعطای یک قطعه نشان از درجه اول سرهنگی ویک رشته حمایل زرد قرین مباحات آمد.

حاجی نورمحمد آقای تاجر تبریزی به لقب مشیرالتجاری مفتخر گشت.

میرزا نصرالله لشکر نویس باشی به اعطای یک قطعه نشان سرتیپی ویک رشته حمایل مخصوص این رتبه مباحی گردید.

میرزا رضا پسر مرحوم حاجی میرزا مقیم مستوفی که در پاریس مشغول تحصیل علوم طب و جراحی بود تصدیق دکتری گرفته به دارالخلافة مراجعت نمود.

جناب میرزا محمدحسین دبیرالملک به یک قطعه نشان تمثال همایون مکمل به الماس مفتخر گردید.

یحیی خان آجودان مخصوص سرکار اعلیحضرت همایون که از اسلامبول مراجعت نموده از جانب اعلیحضرت سلطان عثمانی نشان از درجه اول مجیدیه برای امنای این دولت جاوید شوکت ابلاغ نمود و

امنای مسطوره از شاهزادگان عظام نواب والانصرهالدوله ونواب – والااعتضادالسلطنه و از وزرا جناب آقای مستوفیالممالك و جناب عباسقلیخان معتمدالدوله وجناب سپهسالار وجناب مؤتمنالملک وزیر امور خارجه بودند.

سیم تلگراف که حسب الامر مقرر بود از دارالخلافه الی تبریز کشیده شود بهاهتمام نواب والا اعتضادالسلطنه وزیر علوم در ماه رجب این سال بهاتمام رسیده است ونواب معظمالیه بهاعطای یک ثوب خرقة زری تنپوش مبارك ویک قبضه قمه مرصع مفتخر گردیدند.

میرزا محمدحسین پسر مرحوم میرزا احمد طیب افشار بعد از مدت پنج سال تحصیل علوم طبیه در پاریس تصدیق دکتری از حکمای فرانسه گرفته بهدارالخلافه باهره معاودت نمود.

علیقلیخان رئیس کل تلگرافخانه ممالك محروسه و نایب دویم وزیر علوم بهنشان وحمایل سرهنگی از درجه اول و خلعت همایون مفتخر گردید و سایر صاحب منصبان تلگرافخانه بهمناصب وخلاع و انعامات شاهانه نایل شدند.

والد مؤلف ضیاء الملك حکمران عربستان و لرستان بهاعطای یک قطعه نشان ویک رشته حمایل از درجه امیر تومانی ویک ثوب کلیجه ترمه تنپوش مبارك مباهی گردید.

نواب والاحسامالسلطنه که بهحکمرانی خراسان منصوب گردیده بودند روانه محل حکمرانی خود شدند.

حاجی قاسم تاجر طهرانی که چند سال است در ارض اقدس زندگانی می نماید بهمنصب ملك التجاری خراسان برقرار گردید.

در ماه شعبان این سال هشت شبانه روز در سنج لاینقطع برف آمد و بهاختلاف مواضع از هشت ذرع الی سه ذرع برف در اماکن نشسته وراه عبور ومرو بر مردم بهکلی بسته شد.

روز هشتم رمضان وقت غروب آفتاب، نیراعظم از برج حوت بهحمل تحویل نمود.

حضرت اجل اعظم شاهنشاهزاده والاسلطان مسعود میرزا را بهلقب یمینالدوله ملقب وبهحکمرانی ایالت مازندران واستراباد منصوب فرمودند.

عين الملك خوانسالار بهيك قطعه نشان تمثال همایون مفتخر گردید.
میرزا زکی رشتی به منصب مستوفیگری دیوان اعلی و وزارت خمسہ
سرافراز شد.

دوستعلی خان معیر الممالک بهيك قطعه نشان تمثال همایون قرین
مفاخرت آمد.

میرزا ابوالقاسم معین الملك به منصب لشکرنویس باشی کل ممالک
محروسه برقرار گردید.

روز شنبه نهم شوال سه ساعت به غروب مانده در دارالخلافه بنای
بارندگی شدید گذارده دريك ساعت ونیم سیلی عظیم برخاسته جمیع
صحرا و دشت را گرفت. شهر دارالخلافه به واسطه خندق محروس ماند
ولی به محلات بیرون شهر خرابی رسانید و محض این که سیل بعدها
به شهر طهران صدمه نرساند حسب الامر مقرر شد در بالای شهر سدی
ببندند که مانع سیل باشد.

میرزا مصطفی خان افشار به وزارت مازندران و استرآباد برقرار گردید.
امان الله خان والی سابق کردستان مجدداً به ایالت کردستان و يك
قطعه نشان تمثال همایون سرافراز گردید.

حسین خان شهاب الملك به منصب اول سرتیپی و اعطای يك قبضه
قمه دسته مرصع مفتخر آمد.

حضرت اجل اعظم والا شاهنشاه زاده افخم کامکار مظفرالدین –
میرزا به ایالت آذربایجان منصوب و عزیز خان سردار کل عساکر منصوره
را به پیشکاری حضرت معظم الیه برقرار فرمودند.

و حضرت اجل اعظم شاهنشاه زاده والا نایب السلطنه را به حکمرانی
دارالخلافه باهره مأمور فرمودند.

محمد حسن خان سرهنگ فوج کلهر به اعطای يك قطعه نشان از
درجه اول سرهنگی باحمایل مخصوص آن رتبه سرافراز شد.

حسب الامر سیم تلگراف از شهر دارالخلافه به شمیران کشیدند.
وزارت تجارت و صنایع و معادن را علاوه بر وزارت علوم و اختیار
مدرسه های نظام و تلگرافخانه های مبارکه تفویض به نواب والا اعتضاد –
السلطنه فرمودند.

موکب همایون بعد از گرم شدن بیلاقات شمیران به جانب لار نهضت فرما گردیده ولی چون هوای لار بسیار سرد بود از آنجا عطف عنان به جانب دماوند فرمودند.

وقایع و سوانحی که در این سال در تمام روی زمین واقطار کره ارض اتفاق افتاده

اتائونی ینگ دلیا:

هفده ایالت از ایالات اتائونی که جمعیت ایشان بر روی هم سی و هفت کرور می شد - و از این سی و هفت کرور، هشت کرور غلام و کنیز سیاه بودند - بعد از اطلاع از حکم رئیس جدید اتائونی که باید غلام و کنیزها آزاد باشند در مملکت، این هفده ایالت از سایر ایالات خود را مجزی کردند و ایجاد دولت موقتی از برای خود به ریاست یک رئیس که مدت ریاست او شش سال باشد نمودند. رئیس این هفده ایالت ژفرسن داویس (۱) است که از سردارهای با علم مجرب اتائونی می باشد. رئیس تازه اتائونی را که ابراهیم لنکلن باشد بعضی از معاندین در شهر ماریلان (۲) می خواستند به قتل رسانند. ایالات اتائونی دو قسمت شدند: جنوبی و شمالی. جنوبی آنها که میل به بندگی غلام و کنیز دارند و شمالی آنها که میل به آزادی غلام و کنیز دارند. هفتادوپنج هزار قشون ایالات شمالی از برای منازعه ایالات جنوب تهیه می بینند. ایالات جنوب که یاغی هستند پنجاه هزار. و این ایالات جنوبی از طرف خود ایلچی به مملکت انگلیس و فرانسه روانه می سازند و پایتخت خود را در ریچمن (۳) قرار می دهند. قشون ایالات شمالی اگر چه از حیثیت عدد زیاده تر هستند، ولیکن آحاد و افراد این قشون که غالب تجار و کسبه هستند بی ربط از استعمال اسلحه می باشند. برخلاف عساکر جنوبی [که] استعداد توپخانه و

۱- Jefferson Davis

اعتماد السلطنه چون انگلیسی نمی دانسته، بر اساس تلفظ فرانسه، نام این شخص را «ژفرس - داویس» ذکر کرده در حالی که تلفظ نام وی به انگلیسی «جفرسون دیویس» است.

۲- Maryland = مریلند

۳- Richmond (متن: ریشمن)

قورخانه‌شان کامل و صاحب‌منصبان مجرب دارند. ابراهیم‌لنکلن از مجلس و کلا چهارصد هزار مرد و چهارصد کرور تومان ایران کمک می‌طلبد. ابتدای جنگ بین طرفین در حوالی رولرون (۴) در نزدیکی واشنگتن شکست عساکر جنوب. صدور حکم ابراهیم‌لنکلن [که] بنادری که متعلق به ایالات جنوب است می‌بایست بسته از خروج و دخول سفاین ملل روی زمین باشد. جنگهای سخت خونریز در اغلب نقاط. بی‌طرفی تمام دول فرنگ در این جنگ.

اسپانیا:

فوت دونفر از اولاد دن کارلوس در مدت کم و فوت زوجه‌اش بلافاصله. فوت یکی از صبايای ملکه در طفولیت. ورود سفیر کبیر مرقش به مادرید پایتخت. این سفیر برادر سلطان مرقش بود. ورود رئیس سابق مکزیك میرامن (۵) به مادرید. افتتاح راه آهن از مادرید به اسکوربال (۶).

آفریقا:

تئودوروس (۷) یاغی در حبشه نقوسیه پادشاه جوان را مقتول و خود به جای او به سلطنت حبشه جلوس کرد.

فوت ملکه خونخوار جزیره ماداگاسکار بعد از سی و سه سال سلطنت. جلوس پسرش راکت (۸) که بهراداما دوم موسوم گردید که دوست فرانسه‌ها و عیسویها بود.

در مرقش، پاشای تانژر، سید محمد الخبیت، که از طرف پادشاه مرقش مأمور به مرآوده بادل عیسوی مذهب بود و با فرانسه‌ها در سنه هزار و هشتصد و پنجاه و یک عیسوی مطابق هزار و دویست و شصت و هشت هجری عداوت ورزید و در سنه هزار و هشتصد و شصت عیسوی مطابق هزار و دویست و هفتاد و هفت هجری معزول شد.

آلمان:

فوت پادشاه پروس فردریک‌گیوم (۹) چهارم در سن شصت و پنج

۱- Rullrun (ستن: بولرون)

۵- Miramon

۶- Escurbal

۷- Théodoros (ستن: تادرس)

۸- Rakout = Radam II

۹- Frederik Guillaume (ستن: فردریکیم)

سالگی در زمستان. جلوس برادر او گیم (۱۰) اول. بعضی از وکلای ملت پروس در صدد اتحاد ممالك آلمان و سلطنت يك امپراطوری در آلمان هستند که به همه جهت از اهل آلمان باشد. یکی از طلاب (۱۱) لپزیک (۱۲) که طالب اتحاد آلمان بود، در مملکت باد، طپانچه‌ای به پادشاه پروس خالی می‌کند. چون گلوله به پادشاه نمی‌خورد عدالتخانه حکم به بیست سال حبس او صادر می‌کند. تاجگذاری پادشاه پروس در شهر کنیز - برک (۱۳).

اهالی مجارستان طالب براین هستند که امپراطور اطریش تاج سلطنت مجار را بر سر گذاشته به القاب خود پادشاهی مجارستان را الحاق نماید. دثاک (۱۴) نام از اهالی مجار راضی بر آن نیست که وکلای ملت مجارستان در پارلمنت وین جلوس نمایند.

شورش در پراگ. افتتاح مجلس پارلمنت در وین در بهار. صدو - چهل و چهار نفر از وکلای ایالات دیگر در افتتاح مجلس حضور به هم رسانیدند. اهالی مجار اصراری دارند که سلطنت مجار مجزی از امپراطوری اطریش باشد. عزل وزیر مجارستان وای و نصب بارون فرباس به جای او در بوهیم. اذیت به طایفه جهود علی‌الخصوص به معابد آنها. نفرستادن اهالی کروات (۱۵) وکلا به مجلس پارلمنت وین. ملاقات اعلیحضرت پادشاه پروس و پادشاه ساکس در باد با حضور برادر اعلیحضرت امپراطور اطریش، ماکسیمیلین. مجلس پارلمنت آلمان پانصد و بیست عراده توپ به قیمت یازده کروور فلرن ابتیاع نموده از برای حدود و ثغور مملکت آلمان لازم می‌دانند. قشون آلمان بر روی هم چهار صد و پنجاه و دوهزار خواهد بود.

فرستادن ایلچی از طرف اعلیحضرت پادشاه پروس به ایران. مقصود از فرستادن این ایلچی علاوه بر بعضی مأموریت‌های رسمی تحقیقات بعضی مسائل علمی است.

۱۰- Guillaume (متن: گیم)

۱۱- طلاب به همان معنای «طلبه» است یعنی طالبان و به تعبیر خاص طالب علمان و

این جا به معنای دانشجویان به کار رفته.

۱۲- Leipzig

۱۳- Koenigsberg

۱۴- Déak (متن: داک)

۱۵- Croates (متن: کرات)

انگلیس.

بی‌تابی و پیریشانی عمله‌جات کارخانه‌های ریسمان‌ریسی که به واسطه نیامدن پنبه از ینگ‌دنیا در تعطیل و بی‌اجرت مانده‌اند. روزنامه‌های انگلیس بعضی طرفدار رئیس جمهوری اتائونی و بعضی برضد او هستند. تهیه دیدن انگلیس از برای جنگ بحری. وزیر مالیه که در این سال گلاوستن است حساب دخل و خرج دولت را که به مجلس اظهار می‌نماید تنها مصارف عساکر بحری و بری انگلیس در سال پنجاه و شش کروور و دو بیست و هفتاد و پنج هزار لیره است و هر لیره معادل بیست و پنج قران ایران می‌باشد.

فوت لرد بزرگ کامبل در سن هشتاد سالگی که رئیس مجلس لردها بود.

فوت پرنس آلبرت شوهر اعلیحضرت پادشاه انگلستان در پائیز. تعداد نفوسی که در این سنه شده است تمام جمعیت جزایر انگلیس پنجاه و هشت کروور و سی و یک هزار و صد و شصت و چهار نفر است.

ایجاد نشان موسوم به ستاره هند. از راجه‌های هند به کسی که از این نشان داده شد نظام حیدرآباد، مهراجه گوالیر (۱۶)، مهراجه کشمیر، نواب رامپور.

گفتگوی سخت لرد پالمرستن در مجلس و کلا برضد دولت اسپانیا که خرید و فروش غلام و کنیز را در کوبا منع نکرده است. دولت انگلیس خطاب پادشاهی تمام مملکت ایتالیا را که به ویکتور امانوئل پادشاه پیمین داده بودند می‌شناسد. (اضطراب در مملکت انگلیس که مبدا جزیره ساردن را دولت فرانسه از پادشاه ایتالیا بگیرد.

ایتالیا:

حکومت پرنس کارینیان از اقوام سلطنت در ناپل به وزارت نیگرا. قصد تصرف گاریبالدی و مازنی ونیز را. محاصره گاث که پادشاه ناپل در او بود به توسط اعلیحضرت امپراطور فرانسه مدت شش روز به تعویق افتاد. چون پادشاه ناپل از آن شهر خارج نشد و تسلیم نگردید مجدداً

بعد از شش روز جنرال چپال دینی حکم به یورش داد. سفاین جنگی فرانسه که در سمت دریا به حمایت و رعایت پادشاه ناپل آمده بود، بعد از تمکین نمودن او به نصایح دولت فرانسه، شراع کشیده رفتند. امیرال پرسیانو (۱۷) امیر بحری ایتالیا با کشتیهای جنگی ایتالیا از سمت دریا نیز گائت را محاصره نمودند. زوجه پادشاه ناپل که خواهر ملکه اتریش است با وجود جوانی با شوهر خود در تنگنای محاصره گرفتار است. محصورین پانزده روز متار که خواستند قبول نشد. ناخوشی تیفوس (اسمی از مطبقة حاده است) در شهر گائت وبائیت دارد. بالاخره شهر گائت بعد از نود روز مقاومت تسلیم شد. قشونی که در این شهر بود و مرکب از پانزده هزار نفر بود تسلیم گردیدند. آذوقه و تدارک زیادی از هر قبیل آنجا موجود بود من جمله هفتصد توپ و شصت هزار تفنگ. پادشاه ناپل فراراً از گائت به رم پناه برد. قلعه مسین که یکی از قلاع مستحکمه بود نیز تسلیم شد و این آخر قلعه‌ای بود از قلاع پادشاه ناپل که به تصرف سرداران ایتالیا درآمد. اول دولتی که ترك مراوده با دولت ناپل کرد دولت انگلیس بود. افتتاح مجلس پارلمنت تمام ایالت ایتالیا در تورن با حضور اعلیحضرت پادشاه ایتالیا و یکتور امانوئل. وکلای ملت از طرف تمام اهالی ایتالیا اعلیحضرت و یکتور امانوئل را به خطاب پادشاهی تمام ممالك ایتالیا مخاطب و اولاد او را نسل بعد نسل به همین خطاب می‌شناسند. مسیو کاوور هیچ از صرافت تصرف رم نیفتاده است. لوسین مورا (۱۸) داعیه سلطنت ناپل که پدرش در زمان اعلیحضرت ناپلئون اول آنجا پادشاه بود می‌نماید. تفتین و اغتشاش سخت در ناپل و در بعضی ایالات مفتوحه. گاریبالدی که به جزیره کاپزرا (۱۹) رفته و میل به مداخله در کارهای دولت ندارد، پادشاه ایتالیا را به بی‌حقوقی نسبت به خود متهم می‌سازد.

فوت مسیو کاوور صدراعظم در تابستان. بعد از فوت کاوور، بارون دیکازلی که از معارف و متمولین ایتالیا بود به منصب صدارت برقرار می‌شود.

افتتاح راه‌آهن از میلان به پلزانس (۲۰). طغیان کوه آتشفشان وزوو در اوایل پائیز.

پرتوغال:

فوت پادشاه در سن بیست و چهار سالگی و جلوس برادرش لوئی اول به جای او.

بلژیک:

ملاقات پادشاه بلژیک با پادشاه هلاند در لیژ (۲۱). اهالی بلژیک در شناختن دولت ویکتور امانوئل را به پادشاهی ایتالیا شکایت دارند.

چین:

بعد از فرار از پکن، هنوز اعلیحضرت خاقان وارد پایتخت نشده است. تفویض وزارت خارجه به پرنس کنگ برادر خاقان. ورود سفرای کبار فرانسه و انگلیس به پکن در بهار. انگلیسها در صدد این هستند که از تبت راهی به هند باز کنند، لیکن تلاش اینها بی‌فایده می‌شود. فتوحات قشون دولتی در بعضی نقاطی که یاغیها بودند بخصوص در ایالت پچلی. شورش و یاغیگری در ایالت جنوبی چین زیاد است در حوالی تبت بخصوص. فوت خاقان در شهر ژهل (۲۲). جلوس پسر هفت ساله او بر تخت سلطنتی چین. به جهت طفولیت خاقان هشت نفر از اعیان و معتبرین چین متفقاً سلطنت چین می‌کنند. پرنس کنگ اگرچه جزء این هشت نفر نیست ولی مادر خاقان جدید او را به سمت مستشاری خود اختیار نموده باز اقوال او در امورات دولتی سند است.

دانمارک:

دولت به هیچوجه راضی نیست که قانون مملکت آلمان در اسلشویک و هلستن چنان که اهالی آلمان شایق براین هستند رواج بگیرد. دول فرانسه و انگلیس و روس به دولت دانمارک تکلیف می‌کنند که به اهالی ایالتین مهربانی کنند.

روس:

انقلاب واغتشاش سختی در ورشو لهستان. حاکم لهستان پرنس —

میشل گرچاکف عاجز از نظم مملکتی است. تغییر اعلیحضرت امپراطور نسبت به اهالی ورشو لهستان. فرستادن قشون به جهت نظم لهستان در ورشو. منازعه رعیت با قشون دولتی و قتل معدودی از طرفین. قشون مأمور ورشو به هشتاد و پنج هزار رسید و مخارج این قشون را مدت توقف مجبوراً اهالی ورشو باید متقبل شوند. مختصر شورش در ایالت قازان. فوت میشل گرچاکف حاکم ورشو و نصب جنرال سوخوزانت به جای او. حبس هزار و ششصد و هفتاد و هشت نفر از اشخاصی که مؤسس شورش بودند در لهستان. بعضی را به سبیر و بعضی را به قلاع دیگر به حبس فرستادند. افتتاح راه آهن از مسکو به ولادمیر (۲۳).

ژاپن:

قتل يك نفر هلاندى كه مترجم و واسطه انعقاد مصالحه مابین دولت ژاپن و ینگى دنیا و انگلیس و پروس بود به دست بعضی از اشرار در یدو (۲۴). بعضی اشرار در صدد قتل اجزاء سفارت انگلیس بودند.

عثمانی:

انقلاب و اغتشاش سخت خونریز در ایالت هرزگوین و کمک اهالی قرداغ آنها را. تهدید عمر پاشا سردار عثمانی یاغیان را. منازعه مابین اهالی قرداغ و عثمانی در کنار دریاچه اسکوتاری در سروستان. شورش مردم به دولت به واسطه سکنی دادن طایفه تاتار قرم در بلغارستان که نزدیک به آنهاست.

والی تونس سیدصادق ایجاد قانون جدید در مملکت نمود من جمله جز يك زن در حرم خود نخواهد داشت.

مأمورین دول فرنگ در بیروت بندر شام اجتماع کرده بودند و سعید بیک رئیس طایفه دروز را که حبس نموده بودند در محبس مرد. در دیرالقرم من بعد از این يك حاکم عیسوی از طرف عثمانی خواهد بود. حکومت داود افندی که از عیسویان کاتولیکی مذهب است به لییان. فوت اعلیحضرت سلطان عبدالمجید در سن سی و هشت سالگی در اوایل تابستان. جانشین سلطان مرحوم از سیزده اولادی که از او باقی

مانده بود که پسر ارشدش بیست ساله بود نیست. برادر سلطان مرحوم، عبدالعزیز که در هزار هشتصد و سی مسیحی مطابق هزار و دویست و چهل و شش هجری متولد شده سلطان مملکت عثمانی گردید. وزارت خارجه فؤاد پاشا. صدارت عالی پاشا. وزارت علمیه کیامیل پاشا.

در مصر تنبیه سرباز با چوب موقوف گردید. طغیان آب زیاد نیل و خراب نمودن اغلب ایالات.

فرانسه:

حکم اعلیحضرت ناپلئون امپراطور که يك دسته از قشون فرانسه به جهت حفظ حضرت پاپ می باید همیشه در شهر رم متوقف باشد.

نصب مسیو دومرنی به ریاست مجلس پارلمنت فرانسه.

شناختن اعلیحضرت ناپلئون امپراطور فرانسه اعلیحضرت ویکتور - امانوئل را به سلطنت ایتالیا.

معاهده تجارتی با دولت بلژیک.

به واسطه عمل نیامدن حاصل به قدر کفایت، مملکت فرانسه ابتیاع حبوبات از خارج می نماید.

ورود سفرای سیام به فرانسه و پذیرفتن اعلیحضرت امپراطور آنها را در عمارت فونتن بلو. تقریباً دویست سال بود که ایلچی سیام به مملکت فرانسه نیامده بود.

فوت مارشال بسکه در پنجاه سالگی.

فوت اسکریپ (۱) شاعر معروف.

تعداد نفوس در این سال شصت و چهار کرور و سیصد و هشتاد و دو هزار و دویست و بیست و پنج نفر که از این عدد ششصد و شصت و نه هزار و پنجاه و نه نفر اهالی نیس و ساووا هستند که تازه الحاق به مملکت فرانسه شده است. جمعیت پاریس به تنهائی سه کرور و صد و شصت و هفت هزار و هشتصد و چهل و یک نفر است.

انعقاد مجلس کنفرانس در پاریس. در آن مجلس مقرر شد که قشون

فرانسه از برای حفظ طایفه عیسویان شامات مدتی هم باید درشام توقف کنند.

اطریش و اسپانیا به دولت فرانسه تکلیف می‌کنند که قراری در استقلال جسمانی پاپ در مملکت رم و سایر متصرفات او گذارده شود. دولت فرانسه مضایقه از این تکلیف می‌کند.

اعلیحضرت پادشاه تازه سود شارل پانزدهم بابرادر خود اسکار و اعلیحضرت پادشاه پروس و پادشاه هلاند به دیدن اعلیحضرت ناپلئون امپراطور فرانسه به پاریس وارد شدند.

معاهده مابین انگلیس و فرانسه و اسپانیول و اینها معاً متفق براین شدند که برضد ژوارز (۲) رئیس جمهوری مکزیک قشونی مأمور نمایند [تا] بعضی مطالب تجارتی و پولتیکی که معوق مانده است به‌زور اسلحه قراری در آنها داده شود. و نیز در این معاهده قید می‌شود که جز حل و عقد بعضی مطالب لازمه دیگر در امور داخله مکزیک و جهاً من‌الوجوه مداخله نکرده اهالی آنجا را مجبور سازند و تغییری در وضع دولت خود بدهند یا قبول پادشاهی نکنند. قشونی که اسپانیول موافق این قرارنامه خواهند فرستاد سه هزار نفر فرانسه و دو هزار و پانصد نفر انگلیس تنها به‌همان کشتیهای جنگی اکتفا خواهند نمود.

ماچین:

جنگ سخت قشون فرانسه با عساکر دولت آنان. فتوحات بعضی از نقاط مملکت آنان علی‌الخصوص سیقون (۳). هنوز عدد قشون فرانسه و اسپانیول در این نقطه به‌درجه‌ای نرسیده است که به هوه (۴) پایتخت یورش برند.

مکزیک:

فرار رئیس سابق میرامن به‌سمت هاوان (۵) و نصب ژوارس به ریاست. طمع ژوارس رئیس تازه در موقوفات معابد و منع نمودن که مدت دو سال اهالی مکزیک منافع تنخواه استقراضی از دول فرنگ را ندهند.

در پایتخت مكزيك اشار در صدد قتل سفير فرانسه و بعضی از اعيان انگليس هستند. اخراج نمودن با کمال بی احترامی سفير اسپانيول را از مكزيك. چون در مملكت مكزيك جمعيت زيادی از تبعه فرانسه و اسپانيول هستند. اين حرکات بی ادبانه رئیس تازه مكزيك سبب انعقاد عهدنامه لندن مابين دول انگليس و فرانسه و اسپانيول برضد دولت مكزيك گرديد. تهديد جنگ نمودن فرانسه و انگليس به توسط سفرای خود به ژوارس. ورود قشون اسپانيول به سرداری جنرال پرين (۶) در وراکروز و تصرف شهر و قلعه سن ژان (۷).

یونان:

شورش بعضی از صاحب منصبان نظامی. یکی از طلاب قصد قتل ملکه نمود در زمانی که اعلیحضرت پادشاه به آلمان سفر کرده بود. اهالی کرفو و جزایر یونان مایل به ملحق شدن یونان هستند و با عساکر انگليس در جزیره زانت (۸) نزاع سخت خونخواری نمودند.

۱- Prim y Prats

۷- San Juan (سنت ژانت)

۸- Zante

شرح سال پانزدهم
سلطنت و شهر یاری اعلیحضرت قدر قدرت شاهنشاهی
صان الله تعالی ملکه عن التناهی مطابق هزار و دویست
و هفتاد و هشت هجری تخاقوی ثیل ترکی

در این سال خیر مآل، عموم خدام آستان معدلت بنیان و قاطبۀ رعایای دولت جاوید نشان مشمول عواطف و توجهات خاصۀ ملوکانه می باشند.

در دهۀ عاشورا چون موکب همایون به جهت شدت حرارت هوا تشریف فرمای شهرستانک است و اگر چه در حضور مبارک تعزیه خوانی شد ولی مثل سنوات سابق لوازم این رسم و کار بزرگ به عمل نیامد تا آن که موکب معلی به سلطنت آباد تشریف فرما شد. چون تکیۀ جدید نیز در این محل ساخته و ضمیمۀ سایر ابنیۀ سلطنتی نموده اند در عشر دویم ماه صفر در این تکیۀ جدید البنا با تزئینات مناسب تعزیه خوانی کردند. میرزا هاشم خان تحویلدار وجوه صرف جیب مبارک به لقب امین - خلوت ملقب گردید.

شب عید مولود مسعود همایون در تمام بلاد ممالک محروسه جشن گرفتند. روز عید در قصر سلطنت آباد سلام عام منعقد گردید.

حسب الامر مقرر شد راه سلطنت آباد را هر جا که سنگلاخ و ریگزار است مسطح و هموار نمایند که کالسکه به خوبی و سهولت از آن عبور کند و همچنین نمونه ای برای راه سازی سایر ولایات به دست آید و مسیو

کاستگر مهندس نمساوی ویک دونفر از شاگردان مدرسه مبارکه دارالفنون به دستورالعمل نواب والا اعتضادالسلطنه وزیر علوم به این کار پرداختند. چون عمل زراعت و تجارت تریاک در اصفهان به اهتمام آقا محمد مهدی ارباب اصفهانی رونقی گرفته مشارالیه را رئیس کمپانی تریاک اصفهان فرمودند که از تقلب مصون ماند و تریاکی که تجار به ولایات می فرستند به استحضار آقا محمد مهدی و مهر و نمره او را داشته باشد. نواب والا مؤیدالدوله حکمران فارس پل بسیار معتبری محکم بر روی رودخانه سیوند در هشت فرسخی شهر شیراز می کشند. حاجی محمد شریف خان سرتیپ به لقب مستشار لشکری سرافراز شد.

نواب والا احمد میرزای معینالدوله را به حکومت ولایت استرآباد سرافراز فرمودند که در اطاعت حضرت شاهنشاه زاده امجد کامکار یمینالدوله بوده باشد. در دارالخلافه ناخوشی وبا بروز نموده.

بعضی تراکمه که در نواحی خراسان شرارت می کردند نواب والا احسامالسلطنه حکمران خراسان، حیدرقلی خان ایلخانی شادلورا با سواره حاضر در مشهد و قوچانی و بجنوردی و دره جزی مأمور نموده تراکمه را تنبیه کرده اند.

میرزا سلطان محمدخان بهبهانی که خیال خودسری داشت نواب والا مؤیدالدوله حکمران فارس او را گرفتار نموده اند.

چون بعضی عمارات دیوانی فارس در ایام زلزله خرابی به هم رسانیده بود، شش هزار تومان به نواب مؤیدالدوله حکمران فارس مرحمت فرمودند که به مصرف تعمیر آن عمارات برساند.

بعد از انتقال مرحوم سلطان عبدالمجیدخان سلطان عثمانی در هفدهم ذیحجه سنه هزار و دویست و هفتاد و هفت و جلوس اعلیحضرت سلطان عبدالعزیزخان بر تخت سلطنت آن دولت، دو طغرانامه مودت ختامه از جانب اعلیحضرت سلطان عبدالعزیزخان یکی مشتمل به دو واقعه حزن آمیز و بهجت انگیز و دیگری مشعر بر تجدید ابقای مأموریت حیدر افندی وزیر مختار و ایلچی مخصوص آن دولت در دربار همایون اهدای

حضور باهرالنور ملوكانه نموده وزير مختار مشاراليه مراتب را رسماً به وزارت امور خارجه اعلام كرد. ميرزا هاشم خان امين خلوت همايون روز شنبه بيست و پنجم ربيع الاول به سفارتخانه دولت مشاراليها رفته بعد از اظهار تأسف از جانب سنی الجوانب ملوكانه، وزير مختار مشاراليه را دعوت به حضور مهر ظهور مبارك نمود. به اتفاق به دربار معدلت مدار همايون تشرف جسته وزير مختار معزی اليه مورد عواطف خسروانه گرديده شفاهاً به لفظ گوهر بار مبارك تعزيت رحلت سلطان مرحوم و جلوس اعلیحضرت سلطان عبدالعزيز خان را ادا فرمودند و برای اظهار تسليت از آن رحلت و تبريك و تهنيت از جلوس اعلیحضرت سلطان عبدالعزيز خان، محمدرحيم خان نسقچی باشی را که از چاکران معتمد دربار سپهر آثار و حامل تیل (؟) و تبرزين مرصع و صاحب نشان شیر و خورشيد از درجه دويم سرتیپی و از اجزاء و رؤسای مصلحتخانه مبارك و رئیس سواره نظام و ناظم اردوی همايون و ناظم دیوان مظالم حضور اقدس اعلی می باشند به رسم سفارت کبری مأمور به دربار دولت عثمانی نموده و به اعطای يك قبضه شمشیر مرصع و يك قطعه نشان شیر و خورشيد از درجه اول سرتیپی و يك رشته حمایل سرخ و سفید از این درجه و لقب نبیل علاء الدولگی سرافراز فرمودند.

نواب والا احتشام الدوله خانلر ميرزا حکمران اصفهان يك نفر استاد قابل برای جستن زغال سنگ روانه جوشقان نموده معدن زغال سنگ و گوگرد و مس و زرنیخ پیدا کرده اند.

قورخانه و توپخانه محمره را چون در کنار شط ساخته بودند در بهار به واسطه مدآب به کلی خراب شده بود حسب الامر، ضیاء الملك حکمران عربستان والد مؤلف به خوبی مجدداً می سازد.

صحرای دوشان تپه که بسیار وسیع است و هیچوقت آب نداشته سه سال قبل حکم شده بود يك رشته قنات احداث شود. امسال آب آن قنات جاری شد.

يك لوله از توپهای شش پوند را مقرر شده بود در کارخانه خان بکشند. باین که اول کار استادان بود در کمال خوبی خان کشیدند.

تلگراف این ایام با جمیع ولایات عرض راه آذربایجان تا تبریز گفتگو می نماید.

ناخوشی وبا در تبریز بروز کرده و شدتی دارد.
يك نفر باغبان ماهر برای تربیت بعضی ریاحین و نباتات از پاریس
احضار فرمودند.

غله‌های خالصه‌جات دیوانی را حسب الامر به انبار دولتی می‌آورند
و جمعی رحمة الله خان غلام پیشخدمت خاصه است.

ناخوشی وبای بسیار جزئی در مشهد بروز کرده و بهزودی رفع
شده است.

جناب ناصرالملک را مأمور در اتمام ساختن راه گیلان فرموده و
به نواب والارکن الدوله اردشیر میرزا حکمران گیلان نیز در انجام این
خدمت تأکید فرمودند.

فی الجمله ناخوشی وبا در مازندران بروز نموده است.
همچنین در کرمانشهان ناخوشی مزبور جمعی کثیر را تلف کرده
است.

ضیاء الملك والد مؤلف حکمران عربستان و لرستان به شدت مریض
شده لهذا سلیمان خان سرتیپ افشار را مأمور این دو ایالت فرموده که
معاون ضیاء الملك باشد که در آن نواحی بی‌نظمی نشود و میرزا حسین
دکتر مأمور و روانه به معالجه ضیاء الملك شد.

روز شنبه نهم ربیع الثانی بندگان اعلی حضرت اقدس شاهنشاهی
تشریف فرمای مدرسه مبارکه دارالفنون گردیده امتحان کاملی از متعلمین
در حضور همایون به عمل آوردند و چون از هر جهت رونق و ترقی کامل
در مدرسه حاصل شده بود نواب والا اعتضاد السلطنه وزیر علوم به یک
قطعه نشان از مرتبه اول امیر تومانی بایک رشته حمایل مخصوص آن
مرتبه داخل نظام سرافراز شده مبلغ یک هزار تومان درباره نواب
معظم‌الیه مرحمت فرمودند. و نواب والا فرهاد میرزا نایب‌الایاله که در
امتحانات مدرسه حاضر بودند و کمال مواظبت نموده در این امتحان
به اعطای یک قطعه نشان طلا از مرتبه اول مدرسه و یک رشته حمایل
امیر تومانی خارج از نظام سرافراز گردیدند.

رضاقلی خان رئیس مدرسه به خلعت همایون و جعفرقلی خان ولد
رضاقلی خان به اعطای یک قطعه نشان سرهنگی و یک رشته حمایل از درجه

اول سرهنگی خارج از نظام و خلعت همایون و پنجاه تومان انعام سرافراز شد.

محمدحسین خان اصفهانی که تحصیل کاملی در مدرسه کرده بود به منصب آجودانی مدرسه و اعطای نشان طلا و هفتاد تومان اضافه موجب ویست تومان انعام مفتخر گردید. و سایر اجزاء مدرسه مبارکه از معلمین و متعلمین و غیرهم نیز هریک به قدر ترقی و استحقاق خود به انعام و نشان و خلعت همایون سرافراز شدند.

هزار نفر سواره تکه مروی به سرداری امان سعد و محمدشیخ از قراولخانه قلعه سرخ گذشته به تاخت فریمان و جلگه زاوه و با خرز آمده بودند، نواب والا حسام السلطنه که باقشون و استعداد مہیای حرکت به سرخس و سرحدات بودند و عازم تنبیه تراکمه، این خبر را استماع نموده با جمعی سوار شصت فرسنگ ایلغار کرده در آخر خاک زاوه بر سر ترکمانان رسیده جنگ صعبی کرده تمام هزار نفر ترکمانان را مقتول و اسیر نموده اند.

تفنگهائی که حسب الامر در فرانسه ابتیاع نموده اند پنج شش هزار آن رسیده.

قلعه شهر طهران را حسب الامر میرزا موسی وزیر دارالخلافه مشغول مرمت شده و یک سمت شهر را از بیرون و اندرون از برج و دیوار و خندق بسیار خوب تعمیر نموده بقیه را سال آینده خواهند ساخت. و با درمیان طایفه یموت شدت دارد.

هوا در بندر بوشهر امسال طوری گرم بود که هیچکس به خاطر ندارد و از شدت گرما چند نفر کسبه رعاف (۱) کرده هلاک شده اند. عباسقلی خان جوانشیر معتمدالدوله وزیر دیوانخانه عدلیه اعظم داعی حق را در ماه جمادی الاولی لبیک اجابت گفت و محمد ابراهیم خان برادر آن مرحوم به ریاست دیوانخانه مبارکه و لقب امیر دیوانی سرافراز گردید.

پاشا خان امین شوری به یک قطعه نشان تمثال همایون مفتخر گردید. امان الله خان والی حکمران کردستان به یک قطعه نشان شیر و —

خورشید از مرتبه اول سرتیپی و حمایل قرمز و سفید مخصوص آن رتبه نایل گردید.

جبه‌خانه بسیار عالی تازه در دارالخلافه بنا نموده‌اند و به اتمام رسیده. حسین‌خان حاکم همدان را احضار فرموده محمد حسن‌خان پیشخدمت خاصه به حکومت آن نواحی سرافراز شد.

میرزا علینقی طبیب پسر آقا اسماعیل پیشخدمت‌باشی سلام که برای تکمیل علوم خود به پاریس رفته بود کار خود را انجام داده معاودت نمود. يك لوله توپ خان‌دار جهت نمونه از فرانسه ابتیاع شده با تفنگهائی که ابتیاع شده بود به دارالخلافه می‌آورند که از روی همان توپ توپهای خان‌دار متعدد در دارالخلافه بسازند.

جبه‌خانه و قورخانه دارالخلافه رونقی دارد و مسیو روس به جهت تسهیل عمل کارگران راه آهنی از کوره توپ ریزی تا کارخانه توپ سوراخ‌کنی ساخته که لوله توپ از این کارخانه تا کارخانه دیگر در کمال سهولت حمل می‌شود و محتاج به حمل عراده و زحمت کارگرها نیست. نیز مسیوروس مشغول ساختن قپس (۱) است که با قاطر حمل می‌شود. این قپسها در سفرها و جنگها بسیار با فایده است.

در چاشنی سازخانه نیز مشغول ساختن چاشنی تفنگ هستند و قرار شده در کارخانه طهران سالی ده کروور چاشنی ساخته شود.

کارخانه ریسمان‌ریسی و شمعی و کاغذ سازی و بلور سازی و غیره به اتمام نواب والا اعتضاد السلطنه وزیر علوم نهایت رونق دارد و شکری که در کارخانه شکر ریزی مازندران ساخته‌اند نهایت خوب و قندهائی که عمل آورده‌اند تفاوتی با قند روسی ندارد.

نواب والا رکن‌الدوله حکمران گیلان به يك قطعه نشان تمثال همایون سرافراز و نواب معین‌الدوله حاکم استرآباد به يك قطعه نشان از درجه اول سرتیپی با حمایل مخصوص این رتبه مفتخر گردید.

چون جناب علاء‌الدوله به سفارت کبری در دربار عثمانی مأمور

۱- در کتب لغت کلمه قپس را نیافتم اما کلمه قپوس به معنای آلتی مربوط به موسیقی

آمده از آلات زهی (رک دهخدا، معین).

شده‌اند امورات نیابت و خدمات مرجوعه به جناب معزی‌الیه را به غلامعلی‌خان نایب نسقچی‌باشی رجوع و واگذار فرمودند.

چون از شهر رشت تا منجیل که چند منزل است راه همیشه به شدت گل و لجن است و در اوقات بارندگی آدم و مال زیاد تلف می‌شد ساختن آن راه را به عهده جناب دبیرالملک محول فرمودند.

بعد از آن که محمد شیخ وامان‌سعد از رؤسای تراکمه از قشون ظفرنمون در نواحی خراسان گریزان شده خود را به مأمونی رسانیدند در ثانی به خیال افتادند که بی‌الجه و غنیمتی معاودت نمایند. محمد شیخ بر خود مخمر کرد که با دویست نفر سوار زبده به تاخت و تاز جلگه مشهد مقدس آید. اگرچه امان‌سعد در صدد منع او برآمد، او نصیحت‌پذیر نشده پس از تصمیم این عزم خبر به محمد ولی‌خان سردار قشون خراسان رسیده به دفع شر او پرداخته برای جلوگیری او با جمعی سوار روانه شدند و یک‌دسته از عساکر منصوره به تراکمه برخوردند آنها را منهزم و پنج‌فرسخ تا رباط ماهی تعاقب کرده آخر الامر محمد شیخ که نهایت شرور بود به دست سواران شاهسون اینانلو مقتول و دو نفر دیگر از رؤسای تراکمه و سه نفر از برادر زادگان محمد شیخ با جماعتی از تراکمه همراهان آنها نیز کشته شده باقی راه هزیمت پیش گرفتند.

عیسی‌خان اعتمادالدوله حکمران یزد که به دربار معدلت مدار همایون آمده بود به جهت عارضه ناخوشی در ماه جمادی‌الثانیه این سال مرحوم شد و حسینقلی‌خان پسر بزرگ آن مرحوم که نایب‌الحکومه یزد بود به حکومت یزد مفتخر گردید.

بعد از فتح هرات، امیر عطاء‌الله خان تیموری با دوهزار نفر ایل خود کوچیده در کوه سرخ و ربع شامات از صفحات سبزوار من اعمال خراسان که از جانب اولیای دولت مشخص شده بود سکونت اختیار نموده و مشغول خدمتگزاری گردید. این اوقات امیر عطاء‌الله خان با چند نفر سوار جمعی خود به تقبیل رکاب‌اعلی مشرف و مورد مراجع شاهانه آمد.

چنان که در سایر دول رسم است این اوقات در دولت علیه نیز مقرر داشتند احکامی که شرف انفاذ می‌یابد و به امضای همایون مقرون می‌گردد کلیه از فرمان و ملفوفه فرمان و دستخط همایون و سایر احکام

و غیره روی ورقه دولتی نوشته شود و نشان مخصوص ورقه دولتی سپرده به امین شوری شد.

اصطبل توپخانه را به میرزا علی اکبر آجودان باشی توپخانه سپردند. کاغذ گرخانه دارالخلافه کاغذهای بسیار خوش قلم ممتاز می سازد. جناب آقامحمد مهدی پسر مرحوم حاجی محمد ابراهیم کرباسی که از اجله علمای اصفهان بود به جوار رحمت الهی پیوست.

پل شوشتر را که از طغیان آب خراب شده ضیاء الملك والد مؤلف حکمران عربستان و لرستان به خوبی تعمیر نموده است.

میرزا نصرالله لشکرنویس باشی آذربایجان به نیابت لشکرنویس باشی ممالک محروسه و خلعت همایون مفتخر شد.

نواب والا رکن الدوله حکمران گیلان حسب الامر مقرر داشته اند کارگزاران انزلی مناره سرحد (فانوس بحری) در آن محل بسازند.

جناب ناصرالملک نیز مراقبتی دارند که در گیلان نیشکر به عمل آورند.

قشون و سرداران که در تنبیه اشرار تراکمه خدمت کرده بودند مورد عواطف ملوکانه گشته از قرار ذیل به خلعت و منصب و انعام همایون سرافراز گردیدند:

محمودولی خان سردار انعام هزار تومان و جبه ترمه زنجیره دار پولک دوز ثوب.

زین العابدین خان سرتیپ سواره دویرن منصب سرتیپی اول و جبه ترمه.

صفرعلی خان سرتیپ سواره اینانلو نشان و حمایل سرتیپی اول. محمدتقی خان سرکرده سواره افشار شاهسون نشان از مرتبه دویم سرهنگی.

محمدخان سرکرده سواره چلبیانلو نشان از مرتبه سیم سرهنگی. معین الملك لشکرنویس باشی به اعطای یک قطعه نشان تمثال همایون از مرتبه سیم سرافراز شد.

محمدباقرخان پسر ظهیرالدوله به سرهنگی فوج عرب و عجم برقرار گردید.

مصطفی قلی خان معلم توپخانه به سرهنگی خارج توپخانه مفتخر گشت.

هشتاد نفر از فوج اصفهان حسب الامر سپرده به مسیو بنزک می باشد و همه روزه آنها را با بیست نفر از شاگردان خود که مسیو بنزک انتخاب کرده و در خارج شهر تعلیم و کاز (?) و قلعه سازی فوری می دهد و عن قریب هریک از این سربازان در این علم سمت معلمی خواهند داشت. راه گیلان، که در حکومت مجدالدوله ابتدا شده بود، این اوقات به اهتمام ناصرالملک مشیر حضور به اتمام رسیده.

میرزا محمدعلی کارگزار مهمام خارجه فارس به لقب خانی سرافراز گردید.

میرزا مهدی همدانی منشی مهمام خارجه به لقب خانی و ناظمی مهمام خارجه بندر بوشهر و سایر جزایر بحرالعجم (۱) و خلعت همایون نایل گشت.

زین العابدین خان حاکم گروس که با سرکردگی افواج گروس مأمور ساختن کلات بود مرحوم شد و علیرضاخان پسر آن مرحوم به حکومت گروس و خلعت همایون مباحی گردید.

آقا محمدحسن صندوقدار خاصه مبارکه به لقب اعتمادالملکی و خلعت همایون سرافراز آمد.

میرزا مصطفی لشکرنویس به لقب وکیل لشکری و خلعت همایون مفتخر شد.

آقا محمد مهدی رئیس کمپانی تریاک اصفهان عمل تریاک آن صفحه را کمال نظم داده است.

این اوقات محض مزید انتظام امور دیوانخانه عدلیه دستخطی مبارک خطاب به محمد ابراهیم خان امیر دیوان شرف صدور یافت که صورت آن تیمناً در ذیل نگاشته می شود:

صورت دستخط مبارك به افتخار محمد ابراهيم خان امين ديوان

چون استحکام مبانی و نصفت و پیشرفت قواعد دیوان عدالت پیوسته منظور نظر انور همایون است و اموراتی که محض دولتخواهی با کمال صدق و حق مرحوم معتمدالدوله گذرانیده و حکم داده است باید مجری و ممضی باشد و تغییر و تبدیلی نپذیرد، لهذا امر و مقرر می فرمائیم که اگر کسی بخواهد حالا تصرفی در احکام آن مرحوم نموده تغییری بدهد آن مقرب - الخاقان بالصراحه به عرض خاکپای همایون رسانده رفع تصرف و تغییر احکام صادره سابقه را بکند. همچنین اموراتی که راجع به آن مرحوم و مخصوص دیوان عدلیه بوده و تا به حال ناتمام مانده آن مقرب الخاقان بدون مداخله غیر به اتمام رسانده صورت انجام عمل را به خاکپای مبارك عرض نماید و در امورات حال و استقبال دیوانخانه که انجام آن رجوع به آن مقرب الخاقان است احدی نباید مداخله بکند و اگر کسی بنای دخل و تصرف داشته باشد و یا مساهله و مماطله در اجرای احکامی که حسب - الامر الاقدس الاعلی از دیوان عدلیه اعظم ابلاغ می شود بنماید هر کس باشد آن مقرب الخاقان مأذون است که فی الفور معروض و خاطر همایون را اطلاع دهد که نهایت مواظبت در احکام و احقاق حق عارضین بشود. شهر رجب المرجب سنه ۱۲۷۸.

جناب میرزا جعفر خان مشیرالدوله که دو سال قبل به سمت سفارت کبری مأمور دولت انگلیس گردید و در بین راه در خاک هردولتی کمال پذیرائی و اعزاز را کارگزاران آن دولت درباره مشارالیه به وجه اکمل به عمل آوردند و در اسلامبول به حضور سلطان عبدالمجیدخان مرحوم مشرف و مورد تملقات شایان گردید و او را به اعطای نشان مجیدیه از درجه اول قرین اختصاص داشتند. بعد از آن به لندن رفته به حضور

اعلیحضرت پادشاه انگلستان شرفیاب و بعد از ادای مأموریت نامه مهر علامه اعلیحضرت همایون را تسلیم نمود و از جانب اعلیحضرت پادشاه انگلستان شرایط تفقذات نسبت به آن سفیر کبیر مبذول شد و مدتی در آن پایتخت اقامت نمود و صنایع و بدایع و رسوم و آداب آن مملکت را به رأی العین دید. همچنین به تماشای شهر پاریس رفته به اتفاق جناب حسنعلیخان وزیر مختار دولت علیه مأمور اقامت پاریس به حضور اعلیحضرت ناپلئون امپراطور فرانسه مشرف شدند و از جانب اعلیحضرت ناپلئون اظهار مودت و یگانگی نسبت به اعلیحضرت شاهنشاهی دامملکه و بذل تملقات درباره سفیر کبیر مشارالیه شد و مجدداً به لندن مراجعت کردند. بعدها باز با تشریفات کامله معاودت به اسلامبول نموده و از آنجا قدری راه را منحرف کرده شهر آتن پایتخت یونان را نیز سیاحت نموده به حضور پادشاه یونان نیز تشریف جسته پس از آن از راه تفلیس عازم ایران شدند و در این اوان با احترام و اعزاز شایان به دربار معدلت مدار همایون مشرف و به اعطای یک قطعه نشان امیر نویانی باحمایل مخصوص آن رتبه جناب معزیالیه را مفتخر فرمودند.

علیخان نایب دویم سفارت کبری به منصب نیابت اول سفارت برقرار گردید.

میرزا اسحاقخان منشی به منصب کارپردازی مهام خارجه استرabad مأمور گشت.

حسنعلیخان سرتیپ افشار به منصب جنرال آجودانی حضور مبارک و خلعت همایون سرافراز شد.

راه پیوژن و راه شریف آباد به مشهد مقدس که هر دو به جهت کوه و کتل، سختی داشت و زوار در هنگام عبور در تعب بودند به اشاره علیه میرزا محمدحسین عضدالملک متولی باشی، حاجی مصطفی قلی بیك دربان باشی را به هموار نمودن این دو راه گماشته مشارالیه این خدمت را به خوبی انجام داد.

نواب والا فرهاد میرزا نایب الایاله به حکومت عربستان و لرستان مأمور گردیدند.

میر عطاءاللهخان تیموری به منصب سرتیپی سرافراز آمد.

محمدرحیم خان علاءالدوله ایلچی کبیر دولت علیه که برای ادای تعزیت انتقال مرحوم سلطان عبدالمجیدخان و جلوس اعلیحضرت سلطان عبدالعزیزخان مامور دربار دولت عثمانی بودند روز سه شنبه بیستم شهر جمادی الثانیه وارد لنگرگاه اسلامبول شده از جانب کارگزاران دولت عثمانی تمام تشریفات که درباره سفرای بزرگ دول معظمه رسم و معمول است از اول ورود جناب سفیر کبیر به خاک عثمانی تا وصول به پایتخت آن دولت درباره ایشان به وجه اکمل معمول داشتند و جناب علاءالدوله را با اعزاز تمام دو روز بعد به حضور اعلیحضرت سلطان عثمانی احضار نموده ابلاغ نامه مهر علامه اعلیحضرت همایون را نموده اعلیحضرت سلطان عبدالعزیزخان کمال بشاشت را از مودت اعلیحضرت شاهنشاهی دامملکه نموده و جناب ایلچی کبیر را به تملقات خاصه مخصوص نمودند و جناب معزی‌الیه بعد از انجام این سفارت کبری به طور شایستگی و کفایت معاودت نموده روز ششم رمضان المبارک وارد دارالخلافه شدند.

در ماه شعبان این سال موکب همایون تشریف فرمای شکارگاه جاجرود شده پلنگی بسیار بزرگ شکار شست مبارک شد.
قنبرعلی خان سعدالملک به منصب سرتیپی اول و خلعت همایون سرافراز گردید.

میرزا سیدتقی تفرشی سررشته دار سابق آذربایجان به منصب لشکر نویسی و خلعت همایون نایل آمد.

حاجی میرعلی اصغر شیخ الاسلام تبریز به رحمت ایزدی پیوسته میرزا ابوالقاسم ولد آن مرحوم به منصب شیخ الاسلامی منصوب و مخلع گردید.

میرزا اسحاق منشی که از اجزای سفارت کبری لندن بود و بعد از انجام مأموریت خود به منصب مباشری مهمام خارجه استرabad نایل گردید به اعطای یک قطعه نشان از درجه اول سرهنگی با حمایل مخصوص این رتبه و خلعت همایون سرافراز شده به محل مأموریت خود روانه گشت.

به جهت نظم ایصال اقساط صاحب جمعان دیوانی که از جانب وزیر مالیه معین می شود دستخطی مبارک خطاب به دوستعلی خان معیرالممالک شرف صدور یافت که صورت آن بعینه نگاشته می شود:

سواد دستخط جهان مطاع مبارك

معيرالممالك! قرار سنه جديدائيت ئيل كه درباب تنخواه ولايات مقرر فرموده ايم از اين قرار است كه حكم مي شود و بايد تخلف نشود:

هر صاحب جمعي خود بايد تنخواه ابواب جمعي خود را از اول سال الى آخر سال كه دوازده ماه تمام است وصول كند كه ديناري عقب نمانده به سال نو نرسد و قسط خود را در وقت و موقع وصول كرده به مخارج لازمه دولتي بدهد كه از آن جمله قسط ابواب جمعي خزانه است كه بايد اهتمام كرده هر قسمي كه خود صلاح بداند در پي انجام دادن و وصول كردن قسط خود باشد و به هيچوجه عذري از حكام و غيره نشود. اگر کوتاهی در وصول قسطهای خود نماید کمال مؤاخذة از تو خواهد شد. سواد اين دستخط را براي جميع حكام بفرستند و به وكلاي حكام كه در پايتخت حاضرند بنمايند. تحرير آفي شهر رمضان آخر تخاقوي ئيل.

جناب مسيو گوئينو كه به سمت وزير مختاري از جانب دولت فرانسه مأمور دربار دولت عليه بود و از راه گيلان عزيمت دارالخلافه نموده از اول ورود به خاك ايران تا وصول به دارالخلافه جميع شرايط معموله كه درباره سفرای بزرگ و وزراي مختار دول متحابه به عمل مي آمد درباره جناب مشاراليه به عمل آمده دعوت به حضور باهرالنور اعليحضرت شاهنشاهی شده ابلاغنامه اعليحضرت ناپلئون امپراطور فرانسه را نموده مورد نوازش و تلطفات خاص خسروانه گرديد.

ميرزا علي خان پسرديبر مهمام خارجه كه باحداثت سن در اكثر علوم از فرط ذكاوت با ربط شده بود و خط را در كمال خوشي و به طرز استادان كامل مي نويسد به خلعت همايون سرافراز و مقرر شد سفر آ حضرا

در رکاب اعلی ملتزم خدمت باشد (۱).

شب بیستم رمضان قریب شش ساعت از شب گذشته آفتاب جهان تاب از برج حوت به حمل تحویل نموده سلام خاص تحویل در پیشگاه حضور مهر ظهور خسروانه منعقد گردید.

حاجی میرزا محمد رضا مستوفی خراسان به منصب استیفای دیوان همایون سرافراز شد.

میرزا جعفرخان مشیرالدوله و رئیس دارالشوری را با ابقای ریاست دارالشوری به منصب متولی باشیگری حضرت رضوی سلام الله علیه سرافراز فرمودند.

نواب والا احتشام الدوله حکمران اصفهان که به دربار معدلت مدار آمده بود و مریض شده مرحوم گردید.

جناب ظهیرالدوله ایشیک آقاسی باشی به حکومت استرabad سرافراز شد.

میرزا عبدالوهاب خان نایب اول وزارت امور خارجه به لقب نایب – الوزارگی ملقب و اداره انتظام مهام خارجه آذربایجان را به ایشان تفویض و به خلعت همایون و نشان و حمایل سرافراز فرمودند.

میرزا هاشم خان امین خلوت به یک قطعه نشان سرتیپی اول مفتخر گردید.

نواب حاجی سیف الدوله میرزا به حکومت ترشیز برقرار گردید. محمد قاسم خان وزیر مختار سابق سنت پترزبورغ به حکومت گیلان و لقب والیگری ملقب و سرافراز گردید.

ساطور خان مسیحی سرهنگ و آجودان مهام خارجه به اعطای یک قطعه نشان طلا از درجه اول مدرسه سرافراز گردید.

۱- میرزا علی خان مذکور در متن جناب میرزا علی خان امین الملک وزیر رسائل خاصه

ولد جناب مجد الملک وزیر وظایف کل ممالک محروسه می باشد که از سنه مسطوره الی الآن پیوسته در معارج ترقی صعود نموده دارای لقب جنابی و نشان تمثال بی مثال همایون اند و الآن به سمت ایلچگیری دولت علیه در دربار ایتالیا مأمور ابلاغ تعزیت و تسلیت از انتقال اعلیحضرت ویکتورمانوئل مرحوم و جلوس اعلیحضرت هومبر پادشاه جدید ایتالیا می باشند (اع).

نصرالله میرزا ولد حاجی سیفالدوله میرزا که از تربیت یافتگان مدرسه مبارکه دارالفنون است به نیابت دویم وزارت علوم برقرار و به خلعت همایون سرافراز و به همراهی نواب والاحسام السلطنه حکمران خراسان مأمور آن مملکت گردید.

حاجی علی اکبر تاجر طهرانی که در کار معادن جدید و قدیم ممالک محروسه جد کافی به عمل آورده بود به لقب امین معادن ملقب گردید.

نواب والا شاهنشاهزاده اجل امجد سلطان حسین میرزا را به لقب جلالالدوله ملقب و به حکمرانی اصفهان منصوب فرمودند و قوامالدوله به وزارت و پیشکاری شاهنشاهزاده معظم‌الیه سرافراز شد.

علی‌خان قراگوزلو سرتیپ اول به لقب نصره‌الملکی مفتخر گردید. يك قطعه نشان تمثال بی‌مثال همایون برای حضرت شاهنشاهزاده اجل اعظم مظفرالدین میرزا حکمران آذربایجان انفاذ آن مملکت فرمودند.

شرحی در قواعد نشان شیروخورشید به اشاره علیه همایونی نگاشته شده و صورت آن از قرار ذیل است :

بسم الله تبارك وتعالى

قواعد نشان شیروخورشید دولت ابد مدت که به حکم و اراده سنیّه سرکار اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاه ظل‌الله ولی نعمت کل ممالک محروسه ایران خلدالله تعالی ملکه در این سال خجسته فال ایت‌ئیل ایجاد و برقرار شده است و قوانین محکمه آن از حالا الی الابد در این دولت علیه حسب الارادة الخاقانیه ان شاء الله تعالی به فرخندگی معمول خواهد شد مشتمل بر مقدمه و چهارباب و خاتمه است:

مقدمه:

نشان در دولتها موضوع است در ازاء يك امر معنوی که حاصل می‌شود برای اشخاص از مجاهدات بلیغه آنها در کسب مراتب لیاقت و

شرف و چون امور معنوی را جنبه شهود و عیان در نظرها نیست لهذا خواسته‌اند که به واسطه نصب علایم حسیه هریک از آن مراتب معنویه را در انظار محسوس نمایند تا از صورت به معنی پی برده شود و آن فخر و شرف که شخص در تحصیل آن عمری تلف کرده است در اسم و وجود او پاینده و باقی ماند. پس اراده علیه همایون براین قرار گرفت که این نشان همایون به کسی داده نشود مگر به استحقاق حقیقی و موجود بودن شرایط مقرر در این قانون و شرط اعطای این نشان مبارک و امتیازات مترتبه آن در ضمن خاتمه بیان خواهد شد.

باب اول:

اقسام و اسامی این نشان مبارک که منقسم به سه قسم است و موسوم است به اسامی محترمه مفصله: نشان اقدس، نشان قدس، نشان مقدس که اوصاف هریک از آنها ذکر می‌شود.

باب دوم:

نشان موسوم به اقدس وقتی که مکمل به الماس شد داده نخواهد شد مگر به سلاطین عظیم الشان که مابین اعلیحضرت شاهنشاهی و ایشان عهد مودت و یگانگی به درجه کمال و از طرفین شرایط یک رنگی به منصفه شهود و عیان رسیده باشد. در این صورت حمایل آن به رنگ آبی روشن خواهد بود که مخصوص شخص وجود همایون است و از برای عزت و احترام این قسم از نشان همایون همان قدر کافی است که بجز پادشاهان عظیم الشان احدی دسترس به مقام رفیع آن نخواهد داشت. و نیز همین نشان موسوم به اقدس داده نخواهد شد مگر به وزرای عظام که اولین مقام خدمت را فایض شده‌اند. حکمرانهای بزرگ ممالک عظیمه را نیز از خانواده سلطنت و سایر که ولایه و حکام بزرگ در زیر حکم آنها باشند راه اعطای آن مسدود نیست مشروط به این که در دولت به درجه وزارت عظمی مفتخر شده باشند. در خارجه نیز وزرای عظام دول دوست اهل و شایسته این مقام خواهند بود و حمایل این نشان عبارت از حریر سبز است که خط باریک آبی از طرفین او قرار داده باشند و فرقی میان قسمین این نشان اقدس ملاحظه نشده است مگر آن که مخصوص شخص وجود همایون و سلاطین عظیم الشان را مکمل به الماس بودن حتم و لازم است و حمایل آن آبی روشن به ضمیمه لزوم صورت تاج و جیقه در صدر آن.

نشان موسوم به قدس داده نخواهد شد مگر به اشخاصی که درجه منصب آنها تالی مرتبه وزارت عظمی باشد. سفرای کبار وایلچیان مخصوص و سرداران بزرگ نیز اهلیت اعطای این نشان را خواهند داشت. حمایل آن عبارت از حریر سبز است که خط باریک سرخی در طرفین آن قرار داده باشند.

نشان موسوم به مقدس داده نخواهد شد مگر به اشخاصی که یک درجه بیشتر فاصله میان مرتبه آنها و درجه وزارت عظمی نباشد. وزرای مقیم وامرای تومان و حکام ولایات درحالتی که به درجه امیرتومانی رسیده باشند نیز شایسته و سزاوار این موهبت عظمی خواهند بود. حمایل آن عبارت از حریر سرخی است که طرفین آن به خط باریک سبز معلم شده باشد.

باب سیم:

اداره نظم این نشانهای مقدس در کف کفایت رئیس واحد خواهد بود که اراده علیه همایون به انتخاب آن قرار گرفته باشد و هروقت یکی از آحاد محترمه طبقات مسطوره در مظنه اتحاف یا بذل یکی از این عواطف مقرر برآید محول به تصدیق و تشخیص آن رئیس خواهد بود که حالت او را بسجد و در مطابقت این عطایای عظیمه با اهلیت آن شخص غور و امعان بلیغ نماید تا چنین موهبت دولت به غیر اهل نرسیده باشد.

باب چهارم:

هرگاه یکی از اشخاص طبقات فوق دلایل استحقاق به نیل یکی از درجات نشانهای مقدسه را اقامه نمود از جانب سنی الجوانب اقدس همایون اشاره به یکی از وزارتخانه های درباری که مناسبت به حالت آن شخص داشته باشد خواهد شد و از آن وزارتخانه نیز ابلاغ مکتوبی مشتمل بر ادله استحقاق شخص رئیس مزبور خواهد گشت. بعد از آن که دلایل مزبور در نزد رئیس موجه و با شرایط مقرر مطابق افتاد بعد از امضای همایون فرمان همایون و نشان و حمایل را از آن تاریخ تایک هفته حاضر و به آن وزارتخانه که ابلاغ فرمایش کرده بود خواهد فرستاد.

خاتمه مشتمل بر چند مقاله:

اولی:

در بیان شرایط استحقاق دارندگان نشانهای مبارکه است و چون سلسله سلاطین با تمکین به واسطه عظم‌شان و جلالت قدر دخی به سایر ناس ندارند و ایشان خود مالک منع و اعطا هستند، کسی را نمی‌رسد که در حق ایشان سخن گوید. همین قدر که اراده یکی از ایشان به اهدای نشان خود به پادشاهی تاجدار قرار گرفت کافی خواهد بود. اما سائرین: پس شرط اعطای نشان اقدس در داخله دولت به یکی از وزرای عظام آن است که آن وزیر بعد از آن که به علاوه خدمات مختصی به واسطه یک تدبیر بزرگی نیز در دایره متعلقه به خود خدمت نمایانی به دولت نماید که از آن خدمت ترقی و فزایش شایسته نسبت به حالت دولت حاصل آید و در نظر اقدس همایون و امنای دولت محسوساً واضح و آشکار شود که این تدبیر وسعت و پیشرفت امور دولت را زیاده بر آنچه بود باعث افزونی شد. در این صورت آن وزیر استحقاق حقیقی برای اعطای آن نشان خواهد داشت و امتیازات آن در ضمن مقاله چهارم بیان خواهد شد. و در خارج آن است که آن وزیر دولت خارج نیز شرایط مقرر را ظاهر سازد اعم از آن که آن شرایط نسبت به دولت متبوعه او که دوست این دولت است باشد یا نسبت به این دولت علیه باشد به طوری که فواید عمده بر آن مترتب آید. در این صورت می‌توان این نشان جلیل‌الشأن را به تصدیق سفرای این دولت علیه بر آن وزیر نیکخواه عطا و عنایت نموده.

مقاله ثانیه:

شرط اعطای نشان قدس به یکی از سرداران بزرگ آن است که در مقام لشکرکشی و جنگ با دشمن منشأ فتح بزرگ فوق‌العاده برای دولت متبوعه خود باشد مشروط بر این که درجات نشانها را که در قانون نظام مقرر است مشروحاً بعد از فتوحات و خدمات نمایان حائز و نایل شده باشد. در این صورت نظر به ظهور فتح نمایان و طی مراتب نشانهای نظامی مستحق اعطای این نشان جلیل خواهد بود. در حق حکام و ولایه بزرگ آن است که به علاوه ادای تکالیف عادی حکومتی اعم از ادای منال دیوانی و سرپرستی آحاد و افراد ناس که به دست اختیار او سپرده

شده‌اند و رفع ظلم و بدعت و تأمین طرق و شوارع و استرضای خاطر عامه خلق به حکم تدبیر وافی و عقل کافی مصدر کار بزرگی شده‌باشند که بدان واسطه توفیر کلی در حالت مملکت و ازدیاد نفوس خلایق و مالیات دیوانی حاصل شود و این معنی در نظر اقدس همایون به دلایل موجهه ثابت و مبرهن آید. درچنین صورت آن شخص اهلیت واقعی به اعطای این نشان به هم خواهد رسانید و امتیازات مرتبه برآن در ضمن مقاله چهارم بیان خواهد شد. و در حق ایلچیان بزرگ و سفرای مخصوص آن است که علاوه تحصیل رضا و خشنودی خاطر اقدس همایون از طرز سلوک و مجاهده خودشان در حفظ و ازدیاد روابط دوستی و الفت میان دول علیه و دولت متبوعه خودشان و ابراز دلایل حسن نیت و بی غرضی مابین دولتین که لازمه تکلیف سفارتی ایشان است مصدر یک خیرخواهی شایسته در دوستی نسبت به دولت علیه شده باشد که فواید مخصوصه و محسوسه برآن مرتب شود. درچنین صورت مستحق دارائی این نشان خواهد بود.

مقاله ثالثه:

شرط اعطای نشان موسوم به مقدس در نظام و غیر نظام در داخله و خارجه همان شرایط مشروحه در ضمن مقاله دوم است به ملاحظه نسبت میان تکالیف ایشان و اشخاص رتبه سابقه الذکر.

مقاله رابعه:

امتیاز اول:

هریک از طبقات سابقه که خود را بعد از مجاهد موفوره و مساعی مشکوره به مقام دارائی یکی از نشانهای مبارکه مسطوره برساند و به این افتخار و عز نایل شود وقتاً من الاوقات از آن درجه نازل نخواهد شد و آن عزت مکتسبه را مفقود نخواهد کرد مگر العیاذ بالله در صورت ظهور خیانت ثابته غیر مشکوکه از او نسبت به دولت علیه در محضر چهل نفر از امرا و اعیان ورؤسای هریک از دستگاههای متنوعه درباری بعد از انعقاد سه مجلس متوالی. مراتب خیانت از این قرار است: مثلاً با دشمن دولت بسازد یا حق بزرگ یا ملک دولت را ضایع نماید و قس علی ذلک

نه هر خلاف که آنها هم در صورت ظهور وثبوت سزای دیگر خواهد داشت که دخل به این مراتب ندارد.

امتیاز دوم:

دارای نشانهای مبارکه را هر وقت از اوقات اجازه استعفا از خدمت ارزانی و قبول خاطر همایون استدعای او خواهد بود بی آن که از شأن و احترام او ذرهای کاسته شود.

امتیاز سیم:

اگر کسی برخلاف احترام سابق حرکتی با او نماید همان سزا که در صورت ظهور این حرکت نسبت به یکی از وزراء و چاکران مشغول خدمت در حق مرتکب جاری می شود اجرا خواهد شد.

امتیاز چهارم:

مواجه و مقرری که در حالت اشتغال داشته نصف آن در حالت اعتزال به او به وجه احسن مرحمت و اعطا خواهد گشت.

امتیاز پنجم:

هروقت میل خدمت نماید همان شغل سابق یا مرتبه آن بی تفاوت و با نبودن مانع موجه و جهت آشکار به او محول خواهد آمد.

امتیاز ششم:

جای او در سلام حضور همایون و روزهای رسمی از هم منصبان او برتر خواهد بود.

چنان که در ضمن باب سیم مذکور شد اداره نظم این نشانها محول به کف کفایت رئیس واحد خواهد بود تا به شرایط مقرر در طی این قواعد قیام و اقدام نماید.

اظهار و اعلام می شود که اراده علیه اقدس همایون اعلیحضرت شاهنشاه ولی نعمت کل ممالک محروسه ایران خلدالله ملکه و سلطانه بر این قرار گرفت که پاشا خان امین شوری که متصف به صفات کفایت و حاوی مراتب صدق و امانت و محل اعتماد خاطر اقدس همایون است به ضمیمه سایر خدمات محوله به عهده خود از امانت دارالشورای کبری و تقدیم خدمات مختصه حضور همایون به اداره و نظم این خدمت نیز به کمال

دقت و مواظبت اشتغال نموده به واسطه نظم کامل که در خدمات مزبوره از خود به منصفه ظهور خواهد رسانید مراتب الطاف خاطر مهر اتصاف همایون را زاید اعلی ماسبق در حق خود کامل و شامل دارد. بعد از این رجوع در مواد متعلقه به این کار به معزی الیه خواهد بود.

نواب والا عبدالصمد میرزا به لقب عزالدوله ملقب و به حکومت همدان منصوب گردیدند.

حاجی میرزا عبدالله خان که سابقاً در قزوین به وزارت نواب معظم برقرار بود مجدداً به وزارت و پیشکاری آن ولایت سرافراز شد.

نواب والا حاجی کیومرث میرزای ملک آرا در سلك اجزای دارالشوری منسلک و مخلع گردید.

نواب والا حشمةالدوله به حکمرانی یزد خلعت و همایون سرافراز شدند.

ضیاء الملك والد مؤلف که از عربستان به دربار معدلت مدار آمده و در سلك وزرای عظام و اجزای دارالشوری داخل و به خلعت همایون مباحی آمد و بعد از آن به وزارت عدلیه اعظم منصوب گردید.

محمد ابراهیم خان امیر دیوان به لقب معتمدالملکی سرافراز شد.

محمد مهدی خان کشیکچی باشی به یک قطعه نشان سرتیپی اول و خلعت همایون مفتخر گردید.

نواب والانصرهالدوله حکمران عراق و ملایر به سرداری افواج و قشون عراق برقرار گردید.

مرتضی قلی خان وکیل الملك سرهنگ فوج ملایری به یک قطعه نشان از مرتبه اول سرهنگی سرافراز شد.

بیوک خان پسر محمد خان امیر تومان به منصب سرهنگی فوج ششم تبریز سرافراز شد و فوج مزبور ملقب به فوج اقبال گردید.

میرزا محمد علی خان نایب آجودان باشی و کارپرداز اول مخصوص دولت علیه مقیم بمبئی به یک قطعه نشان شیروخورشید از درجه سیم سرتیپی و حمایل مخصوص آن مفتخر آمد.

میرزا پطروس مترجم وزارت خارجه به اعطای يك قطعه نشان
شیر و خورشید از درجه اول سرهنگی باحمایل مخصوص آن مفتخر گردید
و مأمور گیلان شد.

در این اوان سعادت اقتران که اواخر ماه ذیحجه الحرام است
حضرت مستطاب اجل اعظم شاهنشاهزاده کامکار مظفرالدین میرزا
حکمران آذربایجان و مضافات را به ولیعهدی این دولت جاوید شوکت
سرافراز و به يك قطعه نشان تمثال بی مثال اقدس نشانه ولایت عهد و يك
ثوب جبه ترمه کشمیری دور مروارید موشح به لثالی و جواهر گرانها
قرین افتخار و اختصاص فرمودند و وزارت مخصوصه حضرت مستطاب
معظم الیه را به عزیزخان سردار کل عساکر نظام و غیر نظام تفویض و
واگذار کردند. و یحیی خان آجودان مخصوص حضور مبارک حامل این
نشان و خلعت آفتاب طلعت گردیده روانه آذربایجان شد.

نواب والا فرهاد میرزای نایب الایاله حکمران عربستان و لرستان
به لقب جلیل معتمد الدوله سرافراز گردید.

وقایع و سوانحی که در این سال در تمام اقطار عالم و کره ارض واقع گردیده

اتانونی ینگ دنیا:

جنگ مابین ایالتین شمال و جنوب در کمال تشدد بود. در ایالات
کارولین و ورژینی علی الخصوص. بعضی از ایالاتی که داشتن برده در
آنها رسم بود لیکن نشوریده با ایالات جنوبی برضد ابراهیم لنکلن رئیس
نایستاده بودند رئیس مزبور غلامهای آنها را آزاد و يك مبلغی به اسم خسارت
به آنها عوض داد. جنگ سختی که معروف است به جنگ پرس بورگ در
حوالی شط میسی سیپی. فتح شمالی در این جنگ. فتوحات بعضی قلعه جات
شمالی به دست جنوبی. شکست یافتن عساکر شمالی در نول اورلان (۱).

نسبت به تبعهٔ هلاند و انگلیس و فرانسه کمال بی‌احترامی و صدمه از عساکر جنوبی وارد می‌آید و تا آن زمان که یک سال از ابتدای جنگ گذشته بود شمالی به‌تنها سیصد و پنجاه کروور تومان ایران مخارج کرده بود.

ایجاد راه آهن از سان‌فرانسیسکو به کالیفرنیا. املاک و اموال اشخاصی که اصلاً از ایالات شمال‌اند ولیکن در عساکر جنوبی مشغول خدمت‌اند ضبط می‌شود. تلاش بیهودهٔ دول فرانسه و انگلیس و روس که اقلان شش ماه بین‌الجانبین متارکه باشد. کشتی آلاباما که در انگلیس ساخته شده و از آن ایالات جنوب است به سواحل شمال کمال خسارت را وارد آورد.

وحشیهای سیوکس که از سکنهٔ اصلیهٔ ینگو دنیا هستند جنگ داخله را غنیمت شمرده عداوت دیرینه را با فرنگیها آشکارا ساخته در ایالات همجوار خودشان قتل و غارت نمودند.

در این وقت عساکر بری ابراهیم لنکلن به هشتصد هزار رسیده بود و سفایینی که تغییر وضع در آن داده بودند و از وضع تجارتی به حالت جنگی آورده از شراعی و بخاری به سیصد و بیست و سه فروند رسیده بود.

اسپانیا:

در مجلس شورای این دولت، وکلا رجال دولت را متهم بر این می‌کنند که در فقرهٔ مکزیك اتحادی که با دولت فرانسه داشتند به‌چه جهت به هم زدند.

آفریقا:

در سودان مرکزی حاجی عمر که در سنگال فرانسه‌ها او را دوانیده بودند مالک تبکتو کارتا (۱) و تمام سواحل رود نیژر (۲) گردید. جنگ سخت مابین پادشاه دهمه (۳) و پادشاه ابو کوتاه (۴).

آلمان:

عهدنامهٔ تجارتی پروس با فرانسه. شناختن دولت پروس ویکتور -

۱- Tombouctou, Timbukto

۲- Niger

۳- Dahomey

۴- Abeokuta

امانوئل را به سلطنت تمام ایتالیا. استقراض دولت از برای تهیه جنگ. وکلای ملت در این مسئله مساعد بادولت نیستند. تقارمابین پادشاه و وکلای ملت. ورود مسیو بیزمارک سفیر پروس [که] در این وقت مأمور فرانسه بود و قبل به همین سمت در سنت پترزبورغ بود در جرگه وزرای دولت. وزیر مالیه و وزیر خارجه هر دو بعد از ورود بیزمارک به مجمع وزرا استعفا از کار خود نمودند و در مدت چند روز مسیو بیزمارک به منصب صدارت برقرار گردید.

ایجاد وزیر بحری در مملکت اطریش. تمام سفاین جنگی اطریش از شرایی و بخاری مرکب از صدویست ونه کشتی است که دارای نهصد ونودوشش توپ وهجده هزار وصدوهشتاد وپنج عملة کشتی وقشون بحری است. ایجاد پلی در روی رودخانه رن(۵) در حوالی نانسی به جهت عبور راه آهن.

انگلیس:

در این سال، به همه جهات پارچه های پنبه که صدوهشتادوسه کرویر لیره قیمت داشت زیاده از مملکت انگلیس به خارج برده نشد در صورتی که سنوات سابقه معادل سیصد وپنجاه وشش کرویر لیره کارخانجات انگلیس پارچه پنبه ای به خارج می فروخت واین نبود مگر به واسطه جنگی که درینگی دنیا واقع شده بود که به قدر لزوم حمل پنبه ازینگی دنیا به انگلیس نمی شد. دولت انگلیس به شراکت دول فرانسه در خیال اصلاح مجاهدین ینگی دنیا بود. لیکن این وساطت ومیانجیگری بی فایده شد. در ایرلاند بعضی از ملاکین که نسبت به رعایای خود ظلم می کردند مقتول شدند به واسطه شورش رعایا.

اکسپوزیسیون عمومی در حوالی لندن.

در بعضی مجالس عمومی لندن که ازدحام کلی می شد اهالی لندن به گاریبالدی تمجید و تهنیت فرستادند. اهالی انگلیس به دیدن خوب حضور قشون فرانسه را در رم نمی نگرند. مخارج زیاد دولت در این سال به جهت اداره قشون.

لردالژن (۶) به فرمانفرمائی هند منصوب شد. عدد قشون هندوستان که در سال قبل سیصد و پنجاه هزار قشون بومی بود به صد و بیست و پنج هزار قراردادند و عدد قشون انگلیسی که از انگلیس فرستاده می شد و نود هزار بود به هفتاد هزار قرار دادند.

فوت پادشاه دهلی در رانگون.

مسافرت نواب ولیعهد انگلیس به اسلامبول و به یونان.
عروسی دختر دویم اعلیحضرت پادشاه انگلستان شاهزاده خانم آلیس (۷) با شاهزاده حس (۸).

فوت سرچمرز (۹) مسافری که در قطب شمال چندین دفعه سفر کرده بود.

ایتالیا:

اصلاح بیهوده دولت فرانسه مابین حضرت پاپ و اعلیحضرت پادشاه ایتالیا.

فوت پرنس کاپو (۱۰) یکی از اعمام پادشاه سابق ناپل.

ملاقات والی مصر با پادشاه ایتالیا در ناپل. ایجاد بندر تازه در ناپل با حضور اعلیحضرت پادشاه. خیال راه آهن به ناپل. استقراض دولت مبلغی به جهت مخارج این کار از صرافان رچل (۱۱).

شورش در بعضی نقاط به جهت هواخواهان گاریبالدی. نقار گاریبالدی با اعلیحضرت پادشاه. خطبه حضرت پاپ برضد اعلیحضرت پادشاه ایتالیا. شناختن دولت روس اعلیحضرت ویکتور امانوئل را به سلطنت تمام ایتالیا. گاریبالدی آشکارا می گوید یا مرگ یا رم! و این کلام گاریبالدی برضد دولت فرانسه و برضد پادشاه جدید ایتالیا است که اولی محارست رم را در عهده گرفته و ثانی عهده کرده است که در رم مداخله ننماید. زخمی شدن گاریبالدی در یکی از جنگها که با قشون پادشاه ایتالیا کرد و حبس و اسر در اسپزیا (۱۲). مدت چهار ماه

۶- Elgin

۷- Alice

۸- Hesse

۹- Sir James Ross

۱۰- Capou

۱۱- Rothchild

۱۲- Spezia

گلوله که برپای او خورده بود بیرون نیامد. بالاخره به سعی فلائن جراح فرانسوی آن گلوله خارج شد و بعد از بهبودی یافتن او را به جزیره کاپرا فرستادند. این رفتاری که نسبت به گاریبالدی شد از جوانمردی پادشاه ایتالیا در انظار اهالی ایتالیا کاسته شد.

عروسی دختر دویم اعلیحضرت پادشاه ایتالیا با پادشاه پرتوغال. افتتاح راه آهن از ناپل به رم.

پرتوغال:

شورش در بعضی نقاط به جهت گرانی حبوبات.

برزیل (بنگی دنیای جنوبی):

نقار با دولت انگلیس که بعد مبدل به صلح می شود.

چین:

در حوالی شانگای جنگ سخت مابین یاغیهای تای پنگ و عساکر فرانسه و انگلیس. شکست یاغیها. زخمی شدن امیرالپرتر سردار فرانسه که به همان زخم هلاک گردید و عقب نشاندن یاغیها را تقریباً سی فرسخ.

دانمارک:

دولت دانمارک مسلح شده تهیه جنگ می بیند. وحشتی دارد از بعضی ادعاهای پروس به ایالتین اسلشویک و هلستن و به دول فرانسه و انگلیس و روس و سود شکایت می نماید از وضع و طرزی که دولت پروس پیش گرفته است.

روس:

فوت صدراعظم کنت نسلرود.

امتداد سیم تلگراف به سبیر (۱۲). در ظرف چهل و دو ساعت از سنت پترزبورغ به برلن پایتخت پروس به توسط راه آهن می شود رفت. تفویض حکومت لهستان به گراندوک قسطنطین برادر اعلیحضرت امپراطور.

در ظرف يك سال چهارده هزار و هشتصدوسی و سه نفر از متمردين لهستان محبوس شدند.
حکومت گراندوك ميشل برادر كهتر امپراطور به مملكت قفقاز.
ژاپن:

تعدی نسبت به انگلیسها. خروج سفرای خارجه از ید (۱۴) پایتخت و ورودشان به یکهاما (۱۵) و ترضیه خواستن از دولت ژاپن.

سود:

ملاقات سلاطین سود و دانمارك.

عثمانی:

صدارت فؤاد پاشا. وزارت خارجه عالی پاشا. شورش در حلب.
رئیس طایفه دروز در حران خالديك از ادای مالیات مضایقه دارد و دزدی و شرارت را تابه دروازه امتداد می دهد.

افتتاح مجلس ایالتین ملداوی و والاشی به دست پرنس کوزای والی.
جنگ عمر پاشا با اهالی قراداغ. كمك بعضی از اتباع دولت اطریش به قراداغ. شكست سخت قشون قراداغ و متاركه خواستن والی آنجا.
دولت روس میانجی صلح است.

در بلغراد پایتخت سروستان، به جهت نقاری که مابین عساکر عثمانی و اهالی شهر روی داده بود، عساکر عثمانی در ارگ متحصن شده شهر را گلوله باران کردند. از شش قلعه که عثمانی در سروستان داشت دو قلعه را دول فرنگ به سروی واگذار کردند و چهار قلعه را عثمانی خود متصرف است. مجلس کنفرانس از دول در اسلامبول تشکیل می شود و اصلاح میان عثمانی و سروی می کند.

معاهده تجارتی عثمانی با روس و با اغلب دول فرنگ.

والی مصر سعید پاشا به سیاحت فرنگ می رود. در حفر نهر مجمع البحرین اهتمامی کامل به عمل می آورند و عمله جات جداً مشغول کار هستند.

فرانسه:

موجب جنرال منتبان سردار فرانسه که در چین فتوحات کرده بود به پنج هزار تومان مقرر شد که نسلا بعد نسل به اولاد ذکور او داده شود.

ایجاد مالیات جدید علاوه بر معمول بر کالسکه واسب و نمک. و کلاهی اکید به وزراء که علاوه بر موجب و مرسوم می که هنگام وزارت مقرر است خرج نکنند.

در مجلس و کلا از قشون کشی به سمت مکزیك گفتگو شد. و کلاهی دولت جواب دادند که مقصود از فرستادن قشون بقای نام و حفظ آبروی فرانسه است و قراری در تنخواهی که اهالی مکزیك استقراض از فرانسه نمودند.

ملقب شدن مسیودمرنی به لقب دوک (۱۶). نصب دروان دلویس به وزارت خارجه.

شیخ عثمان از طایفه طوارق بادونفر از مشایخ دیگر به شهر الجر (۱۷) آمده قبول تبعیت فرانسه نموده بعد به پاریس سفر نمودند. این مشایخ متعهد براین شدند که مال التجاره فرانسه را از داخله صحرای لمیزرع آفریقا عبور داده به سودان برسانند.

کارخانجات پنبه ریزی فرانسه به واسطه نرسیدن پنبه از ینگ دنیا معطل و صاحبان کارخانه متضرر گردیدند.

آزادی نانوایان در فروش نان لیکن به یک حد معین.

مکزیك:

عساکر انگلیس و اسپانیا و فرانسه که باهم متفق بودند در مسئله تغییر وضع دولت مکزیك تباینی مابین سردارهای دول ثلاثه پیدا شد. با این که ژوارز رئیس جمهوری مکزیك در همان وقتی که قشون اسپانیولی در خاک مکزیك آمده بودند بالنسبه به رعایای اسپانیولی کمال تعدی را نموده دو کرور تومان از او جریمه گرفته جمعی از آنها را

به اتهام جزئی به قتل رساند، با وجود این، سردار اسپانیولی جنرال پیرین اتفاق با فرانسه‌ها را مصلحت ندیده تنها قشون فرانسه را در مخمصه انداخته دچار مجادله با ژوارز به تنهایی نموده سرداران اسپانیول وانگلیس به کشتی نشسته به اوطان خود مراجعت نمودند و از آن به بعد دولت فرانسه مصمم بر این شد که جمهوری مکزیک را دولت امپراطوری نموده ماکسیمیلیان برادر امپراطور اتریش را بر تخت سلطنت مکزیک جلوس دهد. جنگ سخت قشون فرانسه که زیاده از هفت هزار نبودند با قشون ژوارز در حوالی پوآبلا (۱۸). ورود قشون فرانسه به سرداری جنرال دوا به بندر وراکروز مکزیک. تلف شدن بیشتر از قشون فرانسه از تب زرد. عدد قشون فرانسه به بیست و پنج هزار مرد و پنج هزار اسب رسید.

یونان:

شورش درنپلی (۱۹) که قورخانه دولت آنجا واقع شده است. جنگ قشون دولتی بایاگیان. شورش در اغلب نقاط مملکت بر ضد سلطنت. شورش سخت بر ضد خانواده سلطنت. اجماع مردم در عزل پادشاه که از شاهزاده‌های باویر بود. اتحاد قشون با شورشیان. استعفای پادشاه اتھن (۲۰) از سلطنت. ایجاد دولت موقتی. تردید در انتخاب پادشاه جدید. پرنس الفرت (۲۱) پسر دویم اعلیحضرت پادشاه انگلستان داعیه سلطنت دارد که قبول نمی‌شود. دوک دولشتبرگ (۲۲) از شاهزاده‌های روس که داعیه سلطنت دارد او هم رد می‌شود. پدر پادشاه پرتوغال فردیناند که به او نیز تکلیف سلطنت می‌نمایند او نیز قبول نمی‌نماید. خزانه دولت خالی است.

انقلاب و اغتشاش در جمیع نقاط قشون بی‌نظم و بی‌سردار.



مرآة البلدان ناله لکات الی

تألیف

محمد حسن خان اعتماد السلطنه

۳۲۶۱ ق. لمث

جلد سوم

۲۳۲۶ ق. لمث

با تصحیحات و حواشی و فهارس

به کوشش

میرهاشم محدث

و

دکتر عبدالحسین نوائی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اتشارات و انكشاف تهران

شماره ۱۹۲۳

شماره مسلسل ۲۶۴۶

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بر مطالعه کنندگان پوشیده نیست که قصد مؤلف در ابتدای سنه ماضیه اودئیل این بود که جلد دوم کتاب مرآة البلدان ناصری حاوی تاریخ يك قرن سلطنت معدلت آیت اعلی حضرت اقدس همایون شهریار صاحبقران و نگارش محامد و مآثر وجود مسعود خسرو کسری نشان شاهنشاه کل ممالك محروسه ایران ناصرالدین شاه قاجار ادام الله ملکه وسنین سلطنته و شرح حال شاهنشاه زادگان عظام و صدور صاحب مقام ووزراء و رجال واعیان و برآوردگان این آستان آسمان جاه و مطیفین این درگاه خلایق پناه و سایر وجوه اهل مملکت باشد. ولی از آنجا که در بیشتر از شهور آن سال خیر مآل در جمع آوری اسباب و اسناد صحیحه لازم از قبیل کتب و دفاتر مصنفین این عهد فرخنده مهد و روزنامجات و اوراق یادداشتهای نویسندگان و ارقام و فرامین قضائین، بذل مساعی و جهد می نمود، بعد از اقدام، ضیق مجال انجام مرام را در خاتمه سنه مسعوده در حیز محال گذاشت. و چون در اوایل سال فیروزی مثال بارسئیل موکب اعلی عازم سفر خجسته اثر فرنگستان بود و چاکر آستان مقدس را به شرف التزام رکاب معلی امر و اشارت رفت جلد دوم کتاب مرآة البلدان به شرح سال پانزدهم سلطنت با سعادت همایون که مطابق سنه هزار و دویست و هفتاد و هشت باشد ختم و به طالبین و راغبین تقسیم شد عرفت الله بفسخ العزایم و نقض الهمم گویان از مطالعه کنندگان

عذر خواستم و به امتثال مثال قدر تمثال پادشاهی، دیباچه خلوص چاکری را به عنوانی شایسته آراستم. بعد از آن که بمن الله وعونه آن مسافرت صورت اختتام یافت و معاودت داعی، اهتمام به نیل بقیه مرام آمد مجدداً شروع به مقصود نمود و جلد سیم کتاب مرآة البلدان ناصری را ابتدا به شرح سال شانزدهم سلطنت با میمنت شاهنشاهی صان الله تعالی ملکه - عن التناهی که مطابق با سنه هزار و دویست و هفتاد و نه هجری می باشد کرد و بعینه چون سال گذشته در خاتمه هرسنه وقایع معظمه حادثه در تمام روی زمین را به عبارتی وافی و مختصر مذیل داشت و منتهی ساخت به نگارش وقایع سال خیرا شتمال بارس ئیل سنه هزار و دویست و نود و پنج هجری.

و در حصول این مقصد مستطاب و شمول کتاب بر فواید کثیره و منافع عظیمه واجتناب از مواقع زلزله و احتراز از موارد خطر، رجاء و اتق به مظاهرت خالق بی چون و چند و حضرت قیوم بی مثل و مانند است. حسبنا الله و نعم الوکیل و توکلت علیه و هو خیر الدلیل فی کل سبیل.

شرح سال شانزدهم

سلطنت اعلیٰ حضرت اقدس همایون شاهنشاه صاحبقران
ادام الله تعالی ایام ملکه و دولته مطابق سنه هزار-
ودویست و هفتاد و نه هجری ایت ئیل ترکی

از بدو این سال خیرمآل، وجهه همت خسروانه انتظام ممالك و امور
و توجه مصالح حال جمهور رعیت و ترفیه عباد و تمشیت بلاد بود.
تعزیه خوانی دولتی در تکیه مبارکه سلطنت آباد دایر است.
بنا بر خدمات صادقانه جناب میرزا سعیدخان وزیر امور خارجه
به اعطای يك رشته شرابه مرصع به جواهر ثمینة جناب معزی الیه را مفتخر
فرمودند.

خالصجات و رامین و نظم و نسق آن بلوك به رحمۃ الله ساری اصلا
و گذار شد.

حاجی میرزا بزرگ تاجر شیرازی چون تقریباً يك صد باب کارخانه
شال بافی در شیراز دایر کرده که شالهای بسیار ممتاز در آن بافته می شود
به توسط نواب والا اعتضاد السلطنه وزیر علوم و صنایع و تجارت به منصب
ملك التجاری شیراز سرافراز شد. مشهدی افراسیاب تاجر زنجان ساکن
یزد نیز در این بلد شصت باب کارخانه شال بافی دایر کرده است.

بنا بر اهتمامات نواب والا اعتضاد السلطنه در مشاغل و خدمات مرجوعه
به يك حلقه انگشتی الماس بسیار ممتاز نواب معظم الیه را مفتخر فرمودند.

ضیاء الملك والد مؤلف چون در امور وزارت عدلیه مساعی جمیله نموده بود به لقب جنابی سربلند گردید.

جناب ظهیر الدوله محمدناصر خان ایشیک آقاسی باشی حاکم استرآباد و شاهرود و بسطام و غیره به یک قبضه قمه مرصع مباہی آمد. حکومت بندر بوشهر به احمدخان نوائی مفوض شد.

میرزا حسین وزیر سابق دارالخلافه به منصب استیفای دیوان همایون و میرزا علی برادر معزی‌الیه به منصب لشکرنویسی برقرار گردیدند.

بعضی از ریش سفیدان تراکمه ساروق و سالور، به ارض اقدس، خدمت نواب و الاحسام السلطنه حکمران خراسان آمده بر حسب استدعای آنها اسامی ایشان را در ذیل سواره خراسانی ثبت و اسبهای آنها را داغ کردند.

محمد قاسم خان والی حکمران گیلان در امور آن سامان مساعی جمیله می‌نماید. دیوان تحقیق در گیلان برقرار است.

موکب همایون روز چهاردهم محرم از قصر سلطنت آباد تشریف فرمای شهرستانک گردیده بعد از ده روز توقف در اینجا به کجور عزیمت فرموده از کجور به سیاحت کنار دریای مازندران روانه شدند و پس از بازدید آن صفحات از راه بلد نورولار معاودت به قصبه نیاوران فرمودند.

جناب حاجی میرزا حسین خان وزیر مختار و سفیر مخصوص دولت علیه ایران مقیم دربار دولت عثمانی به یک قطعه نشان تمثال بی‌مثال مبارک مکمل به الماس مفتخر گردید.

ضیاء الملك والد مؤلف وزیر عدلیه عظمی به لقب نبیل «اعتماد – السلطنه» ملقب آمد.

حاجی میرزا محمدخان دبیر مهمام خارجه به وزارت وظایف و اوقاف کل ممالک محروسه سرافراز شد و میرزا علی‌خان ولد معزی‌الیه (جناب امین‌الملک) به نیابت اول وزارت امور خارجه برقرار گردید. خط تلگرافی از دارالخلافه باهره به اهتمام نواب والا اعتضاد السلطنه تا گیلان امتداد یافت و نواب معظم‌الیه را به اعطای یک قطعه گل کمر مرصع مفتخر فرمودند.

اردوی بزرگی در چمن اوجان زده‌اند. این اوقات، حضرت شاهنشاهزاده اعظم‌والا ولیعهد دولت ایران، سلطان مظفرالدین میرزا، با عزیزخان سردار کل به سرکشی اردو رفته‌اند.

روزیست و یکم محرم در استراباد از سمت قبله ابری ظاهر شده به زمین می‌آید بعد به هوا صعود می‌کند و در بین صعود صداهاى مهیب از او به سمعها می‌رسد و پس از يك ساعت از هم‌پاشیده آتشی از او نمایان می‌گردد و آن روز هوای استراباد به‌طوری گرم می‌شود که اغلب از گرما بی‌حال می‌شوند.

جشن مولود همایون را شب ششم ماه صفر در تمام بلاد ممالك محروسه باشکوهی تمام گرفتند.

جناب مسیو جروتی وزیرمختار دولت ایتالیا، حامل نامه مودت- علامه اعلیحضرت پادشاه ایتالیا با نشان درجه اول سلطنتی آن دولت، این اوقات وارد دارالخلافه شده روز بیست و سیم ربیع‌الاول باهمراهان خود به‌حضور مهرظهور مبارك مشرف گردید و هریک به‌قدر مرتبه خود مورد تفقادات خسروانه گردیدند.

میرزا قهرمان مستوفی نظام آذربایجان به يك قطعه نشان از درجه سیم سرتیپی و ریاست دفتر لشکر آذربایجان سرافراز شد.

موکب همایون روز بیست و پنجم ربیع‌الاول بنا بر اعتدال هوا از بیلاق شمیران تشریف‌فرمای شهر گردید.

فوج فراهانی مأمور ساخلوی فارس را به‌نصرالله‌خان سرتیپ سپردند.

محمد رحیم‌خان سرتیپ سواره ایلات قزوین به‌منصب سرتیپی اول سرافراز شد.

آب‌قنات دوشان‌تپه جاری و دریاچه بسیار بزرگی در برابر دوشان-تپه بنا می‌کنند.

حاجی قوام‌الملک شیرازی به يك قطعه نشان از مرتبه اول امیر - تومانی باحمایل مخصوص آن سرافراز شد.

آقا محمد ابراهیم معمارباشی به يك قبضه کارد مرصع و لقب خانی نایل گردید.

محمد اسماعیل خان وکیل‌الملک، در معابر کرمان و شهر و بلوک، رباط و حمامهای خوب و کاروانسرا و بازار می‌سازد و در آبادی آن ولایت نهایت سعی است.

این اوقات ایام هفته را تقسیم کرده در هر روزی ذات ملکوتی صفات مقدس به‌عرایض یکی از وزرا رسیدگی می‌فرمایند و مطلب‌فوری که پیدا شود همان وقت به‌عرض می‌رسد؛ و روز دوشنبه که روز تعطیل است، محض این که هیچ امری معوق نماند، احکام و بروات و فرامین به‌صحۀ همایون می‌رسد.

میرزا هدایت پسر مرحوم نصیرالملک به‌منصب مستوفی‌گری سرافراز شد.

محمد اسماعیل خان وکیل‌الملک به‌اعطای یک قطعه نشان تمثال بی‌مثال همایون مفتخر گردید.

حاجی میرزا علی پیشخدمت به‌لقب مشکوة‌الملک ملقب شد. جهانگیرخان سرتیپ و جنرال آجودان مخصوص به‌ریاست قورخانه مبارکه سرافراز گردید.

علیقلی خان نایب‌اول آجودان‌باشی به‌یک قطعه نشان از مرتبۀ سرتیپی و حمایل مخصوص آن مفتخر گردید. علی‌آقا نایب دوم آجودان‌باشی به‌نایب‌اول نایل آمد.

علیقلی خان سرهنگ تلگرافخانه (جناب مخبرالدوله) که در امتداد سیم تلگراف گیلان خدمت کرده به‌منصب سرتیپی سیم و دویت تومان اضافه موجب سرافراز شد.

حاجی کاظم تاجر تبریزی به‌منصب ملک‌التجاری آذربایجان منصوب گشت.

میرزا هادی کارگزار خارجۀ کرمانشهان به‌نشان از درجۀ اول سرهنگی و حمایل آن نایل آمد.

نواب والا حاجی محمد ولی میرزا به‌منصب وزارت دارالشورای کبری سرافراز گردید.

شاهزاده سام میرزا به‌سرهنگی سوارۀ کرد و ترک برقرار و یک‌صد نفر سوارۀ عبدالملکی را نیز به‌معزی‌الیه سپردند.

بندۀ مؤلف به منصب جنرال آجودانی و تشریف همایون سربلند آمد.
جناب ناصرالملک محمودخان مشیرخاص حضور همایون که از
اجزای شورای وزارت است به رسم وزیر مختاری مأمور به اقامت دربار
دولت انگلیس شد. امان الله خان سرتیپ به مستشاری سفارت مزبوره و
به اعطای یک قطعه نشان از درجۀ سیم سرتیپی با حمایل مخصوص آن
قرین افتخار آمد. محمدعلی آقا نایب اول آجودان باشی و مترجم اول
وزارت خارجه به لقب خانی و نیابت اول سفارت مزبور مباحی گردید.

محمد مهدی خان سرکشیکچی باشی (۱) به یک قطعه نشان تمثال
بی مثال همایون مفتخر گردید.

عبدالعلی خان ادیب الملک (۲) پیشخدمت خاصه به حکومت قم
سرافراز شد.

میرزا مهدی منشی مهمام خارجه مازندران به یک قطعه نشان سرهنگی
از درجۀ اول با حمایل مخصوص آن سرافراز آمد.

چون آغا بشیر سرهنگ سربازان حبشی و کوچک وفات نمود فوج
مزبور را به ابوالفتح خان ولد مرحوم خانابان خان سپردند.

سوارۀ مقدم مراغه سپرده به حسام الدوله شدند.
ابوالفتح خان پسر مرحوم عبدالحسین خان جوانشیر به منصب
سرهنگی فوج اول خاصه سرافراز گردید.

تراب خان سرهنگ سابق سواره نظام به منصب نیابت اول آجودان باشی
مفتخر گردید.

چون ابوالفتح خان سرتیپ فوج شقاقی مأمور ساخلو فارس مرحوم
شد، باقرخان خوئی - که منصب سرهنگی خارج از فوج داشت -
به سرهنگی فوج مزبور سرافراز و مأمور فارس گردید.

باقرخان که در کارخانۀ شماعی خدمات کرده بود به منصب سرهنگی
مفتخر گردید.

آقامحمدحسن خواهرزاده مرحوم آقا علی اصغر معین التجار به لقب
«معین التجاری» نایل گردید.

۱ - پسر محمدخان سپهسالار سرکشیکچی باشی و داماد ناصرالدین شاه.

۲ - برادر محمدحسن خان اعتماد السلطنه.

نواب علیقلی میرزا ولد نواب والاعمالالدوله (۳) ملقب به صارم -
الدوله گشت و ریاست کل قشون کرمانشهان را نیز به نواب معزی‌الیه
واگذار فرموده به اعطای یک قبضه شمشیر گل مرصع او را مفتخر
فرمودند.

جناب میرزا فتحعلی خان صاحب دیوان به یک قطعه نشان امیرتومانی
ویک رشته حمایل مخصوص آن سرافراز شدند.

میرزا احمدخان ساعدالملک ولد مرحوم امیراتابیک اعظم (۴) به
اعطای یک قطعه نشان تمثال بی‌مثال همایون مکمل به الماس سرافراز
گردید.

حاجی اسماعیل خان سرتیپ ماکوئی به یک قطعه نشان و حمایل
سرتیپی سرافراز گردید.

ابوالفتح خان سرهنگ سربندی مرحوم شده مصطفی خان ولد او
به منصب سرهنگی فوج مزبور برقرار گردید.

جعفرخان یاورکل به منصب سرهنگی خارج از فوج برقرار گردید.
محمدکاظم خان سرکرده بکشلو به اعطای یک قطعه نشان سرهنگی
مفتخر آمد.

فوج جدید کرمان به لقب «شوکت» سرافراز آمد.
در کارخانه شمعی دارالخلافة چندقسم شمع در کمال خوبی به سبک
شمعهای فرنگی می‌ریزند.

حاجی محمدصادق تاجر طهرانی ساکن یزد به منصب ناظم‌التجاری
سرافراز شد.

۳ - عمادالدوله امامقلی میرزا پسر ششم محمدعلی میرزا دولتشاه و پدر زن ناصرالدین
شاه. این زن تنها ۳۸ ماه در حرم شاه قاجار بود و در جوانی درگذشت.

۴ - منظور میرزا تقی خان امیرکبیر است. وی از ازدواج نخستین خود پسری داشت به
نام «احمد» که لقب ساعدالملک یافت و دو دختر. و از بطن زن دوم خود عزةالدوله تنها دو
دختر داشت یکی به نام همدالملوک ملقب به همدالسلطنه و دیگری به نام تاج‌الملوک.
مهدعلیا مادر ناصرالدین شاه این دو نوه دختری را به دو نوه پسری خود داد: همدالملوک
خانم زن سلطان مسعود میرزا ظل‌السلطان شد و تاج‌الملوک خانم زن مظفرالدین میرزا. این
زن که بعدها لقب «ام‌الخاقان» یافت مادر محمدعلی شاه است.

این اوقات کتابچه دستورالعمل به حکم همایون برای دیوانخانه عدلیه عظمی نوشته و صدر آن موشح به دستخط همایون شده.

صورت کتابچه از قرار ذیل است:

«از آنجا که نشر عدل و انصاف و رفع ظلم و اعتساف همواره منظور نظر معدلت اتصاف همایون است که دست ظالم از تعدی بر مظلوم کوتاه گردد و اساس ظلم و فساد تباه شود و حصول این مأمول خجسته در نظر انور همایون به استحکام عمل دیوان عدلیه اعظم منوط و مربوط آمد، لهذا حکم همایون بدین منوال به شرف نفاذ مقرون گردید که چون احکام دیوان عدلیه اعظم عموماً از لحاظ نظر انور همایون می گذرد یا به حکم همایون صادر می شود، علی هذا می باید کافه مردم، از حکام و اعالی وادانی احکام دیوان عدلیه اعظم را که در طی دعاوی عارضین صادر می شود، اعم از دارالخلافه و سایر ممالك محروسه، معتبر و تالی فرامین مبارکه بدانند و از آن عدول و انحراف نورزند و حکام عموماً اجرای آن را فرض شمارند و همچنین تمسکات (۵) و حجج (۶) را که در معاملات و دادوستد به یکدیگر می دهند به مهر دیوان عدالت برسانند و در هر وزارتخانه که فی مابین ابواب جمعی آنها گفتگوئی به هم برسد هر يك سند و تمسک به مهر دیوانخانه عدالت داشته باشند معتبر شمارند و مرجع دارند و اگر چه در نفس الامر وضع دیوانخانه که به جهت رفع ظلم و جور است حدی نباید بر آن مقرر شود لکن برای این که در وزارتخانه ها و ممالك محروسه کار به اشکال نکشد برای دیوانخانه عدلیه حدی به این نحو امر و مقرر فرمودند که در ضمن دو فصل مرقوم می شود:

فصل اول:

در تکلیف سایر وزارتخانه ها با دیوان عدلیه اعظم

وزارت امور خارجه نظر به این که يك طرف مدعی یا مدعی الیه از

۵ - تمسک به معنای قبض، سند، نوشته و حجت مکتوب (آندراج).

۶ - حجج جمع حجت به معنای سند و مدرک (فرهنگ معین).

تبعه خارجه خواهد بود باید کاری که فی‌مابین تبعه این دولت و اتباع خارجه اتفاق می‌افتد بگذرد به‌این جهت از وزارت عدلیه مداخله در آن جایز نیست مگر این که تبعه خارجه نیز به‌اطلاع سفارت آن دولت و وزیر امور خارجه خود رجوع به‌دیوان عدالت نمایند. البته باید رسیدگی و احقاق حق به‌عمل آید.

توضیح آن‌که اگر از متداعیین یکی از تبعه خارجه باشد این خالی از دو صورت نیست: یا عارض اعم از داخله و خارجه به‌صرافت طبع خود به‌وزارت عدلیه رجوع خواهد کرد، وزارت خارجه کاری که در این میانه خواهد داشت فرستادن و کیلی است به‌وزارت عدلیه که از بدو تا ختم گفتگو مستحضر شده مراتب را به‌وزارت خود اطلاع دهد و اگر به‌عکس باشد، از وزارت عدلیه همین‌وکیل دروزارت خارجه لابد حاضر خواهد شد برای ختم کار و کسب استحضار. این دو وزارت در این دو قسم محاکمات که یکی خارجه باشد و دیگری داخله حتماً از ختم گفتگو باید یکدیگر را اطلاع دهند و به‌استحضار هم قطع و فصل گفتگو را نمایند. سایر وزارتخانه‌ها نظر به‌این که لفظ عارض مخصوص است به‌این که در دیوانخانه عدالت رسیدگی و احقاق حق شود ابدأ احدی از متعلقات سایر وزارتخانه‌ها را از عرض به‌دیوان عدلیه اعظم نباید ممانعت کنند. فرضاً اگر دونفر تاجر یا دونفر از اهل نظام یا از دفتر استیفا و غیر اینها رجوع به‌دیوانخانه عدالت نمایند به‌دقت غوررسی نموده احقاق حق به‌عمل خواهند آورد و اگر مدعی یکی از وزارتخانه [هائی] باشد که مدعی علیه او هم از ابواب جمعی آن وزارتخانه باشد مثل تاجر از تاجر یا سرتیپ از سرهنگ و بالعکس و كذلك که مدعی علیه حضور نداشته باشد از دیوانخانه عدالت آدمی به‌همراهی آن مدعی به‌آن وزارتخانه خواهند فرستاد که در همانجا رئیس آن وزارتخانه به‌اطلاع آن مأمور دیوان عدالت رسیدگی و احقاق حق نماید و کیفیت قطع و فصل مابین مدعی و مدعی علیه را از آن وزارتخانه به‌دیوان عدالت خواهد فرستاد که به‌عرض حضور همایون برسد و اگر مدعی از یک وزارتخانه و مدعی علیه از وزارتخانه دیگر باشد که مدعی به‌دیوان عدالت آمده عارض شود، وزیر دیوان عدلیه می‌باید طرفین را حاضر نموده غوررسی و احقاق حق را به‌عمل آورده مثلاً یا تاجر یا بزاز و بقال و کاسبی از یک نفر

صاحب منصب یا تاین قشون ادعای طلبی یا اظهار تظلمی نماید یا به عکس به دیوان عدالت عارض شود وزیر دیوانخانه عدالت می باید بانوشته در کمال ادب معروض عنه را از وزارتخانه متعلقه به آن مطالبه نماید که در دیوانخانه عدلیه حاضر شود از وزارتخانه که مدعی علیه ابوابجمع آن است می باید فوراً بلا تأمل هر کس باشد روانه دیوانخانه عدلیه نموده آدمی هم از خود همراه نماید که به اطلاع آدم آن وزارتخانه امنای دیوان عدالت با کمال دقت رسیدگی نموده و تفکیک عمل و تحقیقات لازم نموده احقاق حق نمایند و الا اگر مدعی علیه در حاضر شدن استتکاف و تعلل و تأمل نماید وزیر دیوان عدالت حق خواهد داشت که به عرض خاکپای مبارک رسانیده محصل مأمور شده حکماً مدعی علیه را در دیوان عدالت حاضر سازد و هیچیک از وزارتخانه ها حق نخواهد داشت که غیر از ابوابجمعی خود مداخله در ابوابجمعی دیگری نماید مگر وزارت عدلیه که حق دارد در هر وزارتخانه و هر جا و هر کس عارضی به هم رسد غوری نموده احقاق حق به عمل آورده به شرایط معلومه معینه که مرقوم شد و در هر دایره وزارتت گفتگوئی که منتهی به رجوع شرع باشد رسیدگی و اجرای آن بالانحصار مخصوص وزارت عدلیه اعظم خواهد بود.

فصل دوم:

در تکالیف دیوان عدلیه اعظم به احکام ممالک محروسه:

شق اول:

در تکالیف مابین وزیر عدلیه اعظم با حاکم دارالخلافه است

ساکنین و متوطنین و متوقفین دارالخلافه اعم از غریبه یا بومی به اقسام مختلفه می باشند: نوکر، تاجر، تبعه خارجه، کسبه، خوش نشین، رعیت، زارع.

آنچه متعلق به سایر وزارتخانه ها باشند از قبیل نوکر و تاجر و تبعه خارجه و غیره حکم آنها به نحوی است که در فوق مرقوم شد.

آنچه کسبه و رعیت و زارع است موافق قاعده کلیه که دیوان عدالت ذی حق است در رسیدگی عرایض و احقاق حق کافه ناس همین حق را

در رسیدگی عموم اهالی دارالخلافه و توابع نیز دارد. لکن محض ملاحظه تقویت حاکم دارالخلافه از جانب سنی الجوانب همایون امر و مقرر می شود که اهالی دارالخلافه و توابع مختار هستند در این که عرض خود را به دیوان عدالت بیاورند یا نزد حاکم و وزیر دارالخلافه ببرند. حاکم و وزیر دارالخلافه طهران نباید احدی را ممانعت از عرایض دیوان عدالت نماید و در دیوان عدالت هم اگر عارضی از اهالی و نواحی عرض کند آن هم بر دو قسم است: اگر عرض عارض از دست گماشتگان حاکم و وزیر و مباشرین دارالخلافه و توابع باشد، بر ذمه امنای دیوان عدالت فرض است که عرض عارض را به خاکپای همایون رسانیده به نحوی که از جانب سنی الجوانب همایون امر و مقرر می شود معروض عندها حاضر نموده با کمال دقت و غوررسی رسیدگی نمایند و بعد از عرض حضور ساطع النور همایون احقاق حق نمایند. در این صورت اگر از جانب امنای دیوان عدلیه معروض عنه را احضار نمایند اگر چه شخص حاکم یا وزیر باشد باید در دیوان عدالت بدون عذر حاضر گردد و از عهده جواب مدعی به طور حساب برآید و هیچ کاری را بر این مقدم ندارد والا اگر مدعی از کسان و بستگان حاکم دارالخلافه باشد از جانب امنای دیوان عدالت آدمی همراه مدعی مأمور شده نزد حاکم و وزیر دارالخلافه ببرد حاکم نیز مدعی علیه را حاضر نموده در حضور مأمور دیوان عدالت با کمال دقت و بی غرضی غوررسی و احقاق حق نماید و مأمور دیوان عدالت کیفیت را نوشته به وزیر دیوان عدلیه اعظم بدهد تا به نظر انور اقدس همایون برساند و اگر حاکم و وزیر دارالخلافه در رسیدگی عرض عارض طرف و غرضی منظور کنند که مدعی غرض و طرفداری آنها را در دیوان عدالت برساند، یا حاکم و وزیر به بی اعتنائی و اهمال و طفره بگذرانند و به عرض عارض رسیدگی ننمایند و آدمی که از دیوان عدلیه مأمور می شود معطل دارند که از پنج روز بگذرد در این صورت وزیر دیوان عدالت حق خواهد داشت که مدعی علیه را در هر جا و هر کس باشد در دیوانخانه عدلیه با مدعی حکما حاضر ساخته رسیدگی نموده و احقاق حق نماید و به عرض خاکپای همایون برسانند و نیز اگر مدعی مزبور به سبب موجهی که در دیوان عدالت نماید انکار از ترافع و تحاکم در نزد حاکم و وزیر دارالخلافه نموده به سببی موجه دهشت نماید، از

دیوان عدالت به حاکم و وزیر دارالخلافه می‌نویسند که مدعی علیه را با آدمی از خود به دیوان عدلیه بفرستید تا به اطلاع آدم حاکم و وزیر طی دعوی طرفین بحق بشود و حاکم و وزیر دارالخلافه نیز مدعی علیه بلا تأمل باید بفرستند. بدیهی است محض تقویت حاکم و وزیر دارالخلافه وزیر دیوان عدلیه اعظم رجوع محاکمات و گفتگوی فی‌مابین اهالی دارالخلافه را که در تحت حکومت مندرج هستند مهیا ممکن به خودشان خواهند نمود. لکن حاکم و وزیر دارالخلافه می‌باید در اجرای اوامر و نواهی احکام دیوان عدلیه اعظم به هیچوجه مسامحه و اهمال جایز ندارند و هیچ حکمی را از دیوان عدالت مهمل و متروک نگذارند و امر عارض را به هر جا منتهی کردند به وزارتخانه عدلیه اطلاع دهند که به واسطه وزارتخانه مزبور مراتب را به عرض حضور همایون برسانند. زیرا که احکام دیوان عدلیه اعظم راجع به وجود مسعود همایون و با عرض خاکپای مبارک است و تخلف از آن خلاف رأی معدلت آرای همایون است.

شق ثانی:

در تکالیف دیوان عدلیه اعظم است با حکام ولایات ممالک محروسه نظر به این که اجرای حقوق ذوی الحقوق و رفع ظلم و دفع جور پیوسته مرکوز ضمیر منیر همایون است لازم بود مانند دارالخلافه در هر ولایتی نیز دیوانخانه با اجزاء و اسباب آن از جانب دیوان عدلیه اعظم مقرر گردد که طی دعاوی مردم بالتمام در آنجا بشود و همیشه روزنامه کل به دیوان عدلیه اعظم برسد که امنای دیوان عدالت ثبت و ضبط کنند تا پس از این دعاوی گذشته را در هر جا که باشد دوباره نتوانند از سر بگیرند و مزاحمت به اولیای دولت یا به طرف منازع برسانند. لکن چون حکام ممالک محروسه متمسک به این هستند که برقرار نمودن دیوانخانه یا اجزاء و لوازم آن مایه اختلال امر حکومت می‌شود، لهذا به ملاحظه تقویت حکام عجاله از این منظور بزرگ خجسته صرف نظر فرموده، امر و مقرر داشتند که از دیوان عدلیه اعظم به هر ولایتی یک نفر آدم عاقل آرام بی‌داعیه با عرض خاکپای مبارک مأمور گردد محض از

جهت این که اشخاصی که به‌دربار همایون آمده به‌دیوان عدلیهٔ اعظم عارض می‌شوند برای اجرای هر حکمی محصلی مخصوص مأمور نشود و احکامی که از دیوان عدالت به‌حکام صادر می‌شود آن شخصی که از جانب دیوان عدلیه مأمور است ناظر اجرای آن حکم باشد که حاکم آن ولایت چگونه با عارض رفتار نمود به‌هرنوع در اجرای حکم دیوان عدالت رفتار نمود مراتب را کماهو حقه به‌دیوان عدالت نوشته عرض نماید. اگر حکام اجرای احکام دیوان عدلیه را از روی بی‌غرضی و درستی جاری نمودند که در خاکپای مبارک ممدوح و مستحسن خواهد بود والا که بی‌اعتنائی کردند یا به‌عرض و طمع حق ذی حق را پایمال کردند بدیهی است چنین حاکمی ظالم خواهد بود و رفع ظلم بر ذمت همت ملوکانه فرض است. در آن صورت واجب می‌شود که از دیوان عدالت مأمورین بزرگ مأمور شوند و رسیدگی به‌عرض و داد مردم مخصوص به‌آنها شود و برای حاکم هم آن اعتبار و اعتماد در حضور مهر ظهور همایون نخواهد بود و نیز مأموری که از جانب دیوان عدلیه به‌جائی منصوب می‌گردد، اگر از مظلومین رعایا کسی از بستگان و گماشتگان حکام شکایت و غرضی داشته باشد که به‌حاکم عرض کرده و حاکم به‌جهت طمع یا طرف - گیری مدعی علیه اعتنا به‌عرض مدعی ننموده غوررسی و احقاق حق نکرده باشد مأذون خواهد بود که عرض عارض را مخفیاً به‌دیوان عدالت برساند که از دیوان عدلیه معروض خاکپای مبارک افتد به‌هرچه اقتضای رأی جهان‌آرای همایون باشد حکم محکم جهان مطاع از مصدر خلافت کبری صادر خواهد گردید. و اگر مأموری که از جانب دیوان عدلیه به‌جائی منصوب می‌شود دروغ و افترا در حق کسی از حاکم و غیره بنویسد یا به‌خلاف واقع عرض کند و در وقت غوررسی و تحقیق نتواند از عهدهٔ اجرای عرض خود برآید هم مورد تنبیه خواهد شد و هم معزول از شغل و منصب و موجب می‌گردد و ابداً دیگر در این دولت به‌هیچ خدمتی مأمور و منصوب نخواهد شد و در هیچ وزارتخانه‌ای او رانباید به‌خدمت دیگر وادارند.

این است دستورالعمل تکالیف دیوان عدلیهٔ اعظم که بر حسب امر و ارادهٔ رأی بیضاضیای همایون اقدس مرقوم گردید:

سواد دستخط مبارك

چون خدمت و نظم عارضین دیوان عدلیه را از شخص اعتمادالسلطنه وزیر عدلیه خواسته‌ایم و باید در این فقرات کمال سعی را بکند، لهذا این کتابچه دستورالعمل دیوانخانه عدلیه اعظم بروفق حکم و فرمایش ما نوشته شده و صحیح است. امنای دیوانخانه و سایر وزراء و حکام و غیره نباید از این تخلف نمایند. بیست و دوم جمادی‌الثانیه ایت‌ئیل ۱۳۷۹.

میرزا غفارخان صدیق‌الملک که چندی مأمور به اقامت سنت پترز - بورغ بود این اوقات معاودت به دارالخلافه نموده با کمال احترام او را وارد نمودند.

کتاب «سرالحکمه» در تشریح و تجزیه اجزاء صلبه و اجزاء سیاله بدن انسان و کتاب «زینة‌الابدان» در امراض جلدیه از مصنفات حکیم شلیمرفلمنکی معلم قدیم علم طب مدرسه طبع شده به فروش می‌رسد.

حاجی آقا بابای حکیمباشی به لقب ملک‌الاطبائی و یک قطعه‌نشان از درجه دویم سرتیپی با حمایل مخصوص آن سرافراز گردید.

میرزا ابوالحسن‌خان صنیع‌الملک به اعطای یک قطعه نشان سرتیپی و حمایل آن مباهی آمد.

معدن فیروزی در زرند و ساوه (۱) به اهتمام حاجی علی اکبر - امین معادن پیدا شده که فیروزه آن در کمال صفاست.

در شیراز ده روز زلزله‌های متوالی شده است.

کلیه عمارات مبارکات دولتی را به حاجی محمدخان حاجب‌الدوله سپردند.

محض مزید نظم و انتظام امر قشون دستخطی مبارک به افتخار جناب سپهسالار (۲) شرف صدور یافت که صورت آن از قرار ذیل است:

سواد دستخط مبارک

اولاً اطمینان کامل به اعمال و افعال سپهسالار داشته و داریم. درباب عزل و نصب و جرح و تعدیل و تصدیق و تکذیب احکام و اوامر در کل عمل قشون، مابدون صوابدید و صلاح سپهسالار به هیچوجه حکمی نخواهیم فرمود و آنچه سپهسالار عرض بکند همان را ممضی و مجری خواهیم داشت. درباب موجب و تدارک نوکر که به خرج ولایات می آید باید سپهسالار شرحی بنویسد، هرطوری که صلاح می داند، که موجب و جیره درست و بی عیب در وقت و موقع به نوکر برسد به عرض برساند و از آن قرار حکم صادر شود. بایدطوری باشد که موجب سربازی یا سواری را که در اقصی بلاد ایران است مثل موجب و جیره افواج و نوکر طهران که حاضر رکاب هستند برسانند بدون کم و زیاد. درباب این که هر ولایت رئیسی از وزارت جنگ بر سر قشون آنجا باشد از همه بهتر دیوانخانه نظامی است. اما منتظم به این طوری که شفاهاً به سپهسالار فرموده ایم. اگر غیر منتظم باشد بی مصرف است. باید سپهسالار همیشه یک نوع مواظبت خاصی در فقره دیوانخانه ها داشته باشد و از التفات ظاهری و باطنی ما بالمره خاطر جمع باشد.

جناب سپهسالار را به اعطای یک قطعه گل کمز مکلل به الماس مفتخر فرمودند.

صبح شنبه غره شهر شوال المکرم نیم ساعت به طلوع آفتاب مانده نیراعظم از برج حوت به حمل تحویل نمود و سلام خاص در پیشگاه حضور مبارک منعقد گردید. روز یکشنبه دویم سلام عام در تالار

۲ - محمدخان سپهسالار سرکشچی باشی پسر امیرخان سردار. این امیرخان در جنگ با قوای مددوف روسی کشته شد. وی دائی عباس میرزا بود و پسر فتحعلی خان قاجار دولو.

تخت مرمر به مبارکی اتفاق افتاد.

پاشا خان امین شوری به يك قطعه نشان از درجه امیر تومانی مفتخر گردید.

حاجی میرزا عبدالله خان مستوفی به يك قطعه نشان سرتیپی سرافراز شده و حکومت همدان را نیز به معزی الیه واگذار فرمودند.

بعضی از طوایف تراکمه که دم از خودسری می زدند، ظهیرالدوله حکمران استرabad آنها را تنبیه کاملی نمود. همچنین حیدرقلی خان حاکم بجنورد نیز طوایف دیگر تراکمه را که مصدر شرارت بودند تأدیب و منقاد کرده است.

کلب حسین خان امین نظام به ریاست قشون خراسان و منصب سرتیپی اول سرافراز شد.

محمد باقر خان سرهنگ به منصب سرتیپی سیم نایل گردید.
کارخانه بلورسازی از حسن مراقبت نواب والا اعتضاد السلطنه رونق کاملی دارد.

میرزا عبدالرحیم خان کارپرداز اول و مخصوص دولت علیه مقیم تغلیس به منصب شارژ دافری و اقامت دربار دولت روس مفتخر گردید.
برای مراکب بحریه تبعه دولت علیه وضع علم مخصوصی نمودند که اسباب امتیاز و تشخیص آنها باشد.

حکومت استرabad و مازندران را به عهده کفایت عین الملك خوانسار واگذار فرمودند و محمدعلی خان برادر معزی الیه به نیابت حکومت و میرزا مصطفی خان بهاء الملك به مباشری امور مازندران سرافراز شد.
دوستعلی خان معیر الممالک را به اعطای يك قطعه نشان از درجه امیر تومانی قرین مفاخرت فرمودند.

میرزا رضای مستوفی خاصه پسر معین الملك به يك قطعه نشان سرتیپی باحمایل مخصوص آن سربلند آمد.

عمارات دیوانی سبزه میدان گیلان را حسب الامر مرمت می نمایند.
نواب والا حسام السلطنه حکمران خراسان که به جهت بعضی عرایض لازمه به دارالخلافه آمده به محل حکمرانی خود معاودت نمودند.

حضرت شاهنشاهزاده امجد والايمين الدوله (ظل السلطان) دام اقباله به حکمرانی مملکت فارس منصوب و ظهير الدوله به وزارت حضرت معظم اليه مفتخر گردید.

حیدرقلی خان ایلخانی و حکمران بجنورد به يك قطعه نشان تمثال همایون مکمل به الماس سرافراز آمد.

امیر حسین خان ایلخانی زعفرانلو که در غیاب نواب والا حسام السلطنه در خراسان مأمور سرحداری بود و اشار تراکمه را به خوبی تدمیر و تنبیه نموده به توسط نواب معظم اليه به يك قطعه شمشیر گل و کرمک مرصع مباهی شد.

محمدعلی خان ایلخانی فارس به يك قطعه نشان تمثال بی مثال همایون مکمل به الماس سربلند گشت.

حاجی قوام الملك به منصب متولی باشیگری آستان حضرت ثامن الائمه علیه السلام و لقب جنابی مفتخر گردید.

زین العابدین خان سرتیپ سواره شاهسون دویرن که در خراسان خدمت کرده بود به اعطای نشان و حمایل از درجه اول سرتیپی اختصاص یافت.

سیدعلی خان سرتیپ فیروزکوهی نیز چون در خراسان خدمت کرده بود به يك قطعه نشان از درجه دوم سرتیپی نایل آمد.

میرزا جعفرخان سرهنگ توپخانه که در عربستان خدمت کرده بود به نشان و حمایل سرهنگی درجه امتیاز حاصل نمود.

میرزا عبدالله خان مستوفی حاکم همدان ملقب به علاء الملك شد. آقا حسن نایب فراشخانه مبارکه به نشان و حمایل سرهنگی سرافراز گشت.

نواب والا معتمد الدوله حکمران عربستان و لرستان به يك قطعه نشان تمثال بی مثال همایون مباهی گردیدند. و سلطان اويس میرزا ولد نواب معظم اليه رئیس دیوان نظامی لرستان به يك قطعه نشان از درجه اول سرهنگی نایل آمد.

ولایات ملایر و توپسرکان را به نواب والا اعتضاد السلطنه وزیر علوم و اگذار فرمودند که آنچه مخارج مدرسه مبارکه دارالفنون است از

مالیات این ولایات اخذ و فاضل را به دیوان همایون موصول دارند.
چراغعلی خان سراج‌الملک به منصب بیگلربیگی و ریاست دیوان
نظامی اصفهان برقرار گردید.

وقایع و سوانحی که در این سال در تمام روی زمین واقطار کره ارض واقع و سانج گردیده

اتائونی ینگ دنیا:

جنگ ایالات جنوبی و شمالی در کمال سختی است. اگر چه فتح
غالباً با عساکر شمالی است لکن هنوز نتیجه‌ای که فایده‌ای از آن بردارند
حاصل نشده. جنرال گران (۱) سردار شمالی دوسه قلعه معتبر از جنوبیها
به زور اسلحه گرفته و متصرف شده است. لکن رئیس جمهوری اتائونی
که حالا به واسطه این اختلاف که در میان شمالی و جنوبی است فقط
ریاست ایالات شمالی را دارد، حکم به احضار صدویست هزار قشون علاوه
بر قشون معمولی خود می‌کند. دولت فرانسه در صدد میانجیگری است که
در میان ایالات جنوبی و شمالی اصلاح نماید. لکن وساطت این دولت
بی فایده می‌ماند. کمک باطنی انگلیس به ایالات جنوبی.

شورش سخت در نویرک (۳) که سبب چندین قتل و حرق عظیم
می‌شود.

تقریباً معادل چهارصد کرور تومان پول ایران، ایالات جنوبی تا
این وقت استقراض نموده و به مصارف جنگ رسانیده‌اند.
عدد کشتیهای جنگی طرفین به پانصد و هشتاد و هشت رسیده با سی -
و چهار هزار عساکر بحری.

اسپانیا:

ژان پسردن کارلس (۳) ایزابل ملکه اسپانیول را به سلطنت اسپانیا
شناخته و حقوقی که پدرش و طایفه‌اش در سلطنت اسپانیا داشته ژان

دست از آن حقوق می‌کشد.

زلزله سخت مانیل که مورث خرابی زیاد شد.

نزاع مابین سیاهها و سفیدها در هائیتی. یاغیها پرتیلاتا (۴) را در هائیتی سوزاندند.

افریقا - ماداگاسکار:

شورش اهالی برضد وزرا و خواص پادشاه و بعد از چندی قتل پادشاه و نصب زوجه‌اش به‌جای او.

افغانستان:

فوت امیر دوست محمدخان در بهار و نصب امیر شیرعلی‌خان ولد آن مرحوم به‌جای پدر.

نقارمابین امیر شیرعلی‌خان و برادر او محمد شریف‌خان. جنگ داخلی و شورش در هرات و کابل.

آلمان:

اتفاق آراء در ایجاد مجلس پارلمان واحد در تمام مملکت. ملاقات اعلیحضرت امپراطور اطریش و اعلیحضرت پادشاه پروس در گاستن در سرحد اطریش و تکلیف کردن امپراطور اطریش به پادشاه پروس که يك مجلس شورائی مرکب از سلاطین و ولایة آلمان در فرانکفور منعقد شود که در این مجلس حل و عقد امورات کلیه آلمان بشود. پادشاه پروس قبول حضور آن مجلس را نمی‌کند. لیکن مجلس مزبور در اواخر تابستان این سال منعقد شده سلاطین جزء باوزرای خارجه که دارند حضور بهم می‌رسانند. این مجلس آن‌طوری که مقصود بود فایده نبخشید.

افتتاح مجلس پارلمان پروس که در تابستان این سال شد و از مضمون خطبه‌ای که در افتتاح این مجلس مسیو بیسمارک صدراعظم قرائت کرد معنی صلح و سلامت مفهوم نمی‌گردد. در پروس، به واسطه تباین رائی که مابین مسیو بیسمارک و وزراء و وکلای ملت است، مجلس و کلاء عزل شده و وکلای جدید منصوب می‌شوند. افتتاح مجلس جدید را اعلیحضرت پادشاه پروس بشخصه نمودند. استقراض وجه معتدبه برای تهیه جنگ

۴- این شهر اکنون مرکز هائیتی است به نام پورت دوپرنس Port de Prince

در مملکت پروس برضد دانمارك.

در اطريش شخصی كسوت (۵) نام از اهالی مجارستان آزادی مجارستان را از تحت سلطنت اطريش طالب است و جمعی را به دور خود جمع می کند. مجلس پارلمان اطريش هم مساعد است از برای این که دولت با دانمارك جنگ کند.

فوت فیلسوف معروف ژاكب گریم (۶).

شروع گفتگو مابین دول اطريش و پروس از يك طرف و دولت دانمارك از طرف دیگر راجع به مسئله ایالتین اسلشویك و هلستن که این دو دولت معظمه، ایالتین مذکوره را جزء ممالك آلمان دانسته و تصرف دانمارك را در این دو ایالت بی حق می دانند و استرداد ایالتین را به ممالك آلمان طلب می کنند و در صورت مضایقه در استرداد ایالتین مذکوره به توسط دانمارك در تهیه جنگ هستند که به زور اسلحه بگیرند.

انگلیس:

از مخارج وزارت جنگ ده کرور لیره کسر می شود.
توپ جدیدی که آرمسترنگ (۷) نام اختراع کرده بود دولت قبول می کند.

جنگ در نول زلاند (۸) باطایفه ماوری (۹).

مالیات دولت در هندوستان به واسطه تریاك و نمك زیاده از سال قبل است. در هندوستان نیشكر و پنبه را آفت ملخ خوارگی ضرر زیاد رسانیده است. این ملخها از سمت سند آمده و بیشتر از زراعات سواحل رودخانه گنگ را خراب کرده اند. جنگ دولت باطایفه کوهستان لاهور. نصب سیرژان لاورانس (۱۰) به فرمانفرمائی هندوستان و فوت حاکم سابق لرد الزن (۱۱).

ایجاد راه آهن زیرزمینی در شهر لندن.

• - Kossuth این نام در متن مرآة البلدان به صورت «سكوت» آمده است.

۶ - Jacob Louis Grimm (۱۷۸۵ - ۱۸۶۳)

۷ - Armstrong

۸ - Nouvelle zélande

۹ - Maori

۱۰ - Sir John Lawrence

۱۱ - Lord Elgin

بقیه منازعه مابین برزیل و انگلیس به واسطه ندادن ترضیه دولت برزیل انگلیس را در قتل و نهب اهالی کشتی موسوم به پرنس دگال (۱۲) که در سواحل برزیل طوفانی شده بود. قطع مراوده مابین برزیل و انگلیس و حکم قراردادن دولتین مذکور پادشاه بلجیک را و حق دادن پادشاه بلجیک به دولت برزیل.

برزیل:

بروز وبای سخت در اغلب ممالك برزیل.

پرتوغال:

ترك قتل مقصرین؛ یعنی دولت از این به بعد اشخاصی را که واجب القتل هستند به قتل نمی رساند بلکه به جای کشتن، حبس مؤبد می کند.

چین:

شانپائو سردار چینی که با یاغیها در جنگ بود متهم به این شد که شکستی که یافته است از راه خیانت بوده و با وجود خدمات چندین ساله که به دولت کرده بود او را محبوس نمودند و حکمی به او صادر شد که در حبس خود را بکشد. بعد از صدور این حکم او خود را به دست خود کشت.

بنیاد يك کلیسای کاتولیکی در شهر کانتون.

دانمارك:

در دانمارك ولیعهد آن دولت فردريك فردیناند، عموی پادشاه، بدون وارث فوت می کند و به فاصله چندی پادشاه دانمارك فردريك هفتم، به سن پنجاه و پنج سالگی، نیز وفات می نماید. کریستیان نهم (۱۳) که از اقوام دو پادشاه مزبور بود به جای او جلوس می کند. پادشاه تازه چهل و پنج سال داشت. یکی از صبیای ایشان زوجه نواب ولیعهد دولت انگلیس است و پسر بزرگ ایشان ژرژ اول پادشاه یونان می شود.

شورشی در ایالت هلستن که مجزا از دانمارك بشود. دولتین پروس و اطریش هفت روز به دانمارك مهلت می دهند که عساکری که به جهت

تنبیه یاغیان هلستن (۱۴) فرستاده است احضار نماید والا شروع به جنگ خواهد شد. دول اطریش و پروس و ساکس و هانور در جنگ بادانمارک متفق اند. دولت انگلیس به سایر دول تکلیف می کند که یک مجلس کنگره تشکیل بیابد که در آن مجلس دعاوی دول آلمان بادانمارک مرتفع بشود.

روس:

شورش در لهستان نه تنها در ورشو بلکه در سایر شهرهای دیگر نیز قطع سیم تلگراف و خط راه آهن. شورشیان ریاست خود را به می میرالفسکی واگذار می کنند. دولتین پروس و روس معاهده می کنند که یاغیهای لهستانی اگر به خاک پروس پناه بجویند عساکر روس تخطی نموده در خاک پروس آنها را تعاقب نمایند. نوشتجات سختی که دولت فرانسه به دولتین پروس و روس در این فقره می نویسد بی فایده می ماند. صدور فرمان اعلیحضرت امپراطور روس که هر کس در ظرف بیست روز از یاغیان اسلحه خود را زمین گذاشته قبول خدمت کند دولت روس از جرمه و جرم او خواهد گذشت. فراریهای لهستان که به ایتالیا و فرانسه رفته بودند به وطن مراجعت نموده با یاغیان شریک و همدست می شوند. فی الواقع جمیع لهستان در شورش است. ژنرال برگ (۱۵) سردار روس مأمور تنبیه اشرار است و همچنین ژنرال مراویف (۱۶) و جمعیت زیادی از نجبا و کشیشها و کسبه و غیره که در زمره یاغیان بودند و سرداران مزبور آنها را به چنگ آوردند یافای المجلس کشتند یا به سبیری به حبس فرستادند. بنای شورش در ایالت اسملنسک (۱۷). بالاخره دول فرانسه و انگلیس و اطریش متفق شده یادداشتی که شش تکلیف در او مرقوم بود و راجع به مملکت لهستان به دولت روس می فرستند و آن شش تکلیف این بود:

اولا: اعلیحضرت امپراطور روس تقصیرات یاغیان را کلیه معفو دارد.

ثانیاً: چنان که در گالیسی - که یکی از قسمتهای ثلاثه لهستان و سهم دولت اطریش است - مجلس شورای ملتی برپاست در ورشو نیز برقرار باشد.

ثالثاً: قبول نمودن اهالی لهستان را در خدمات دیوان.

رابعاً: آزادی عقاید. به این معنی که هرملتی که در لهستان سهم روس است هر مذهبی را که دارد آشکارا بتواند به سبک آن مذهب عبادت کند علی الخصوص رعایت زیاد به اهالی که طریقه کاتولیکی دارند.

خامساً: زبانی که در عدالتخانه و محاکمات تکلم می شود زبان لهستانی باشد نه روسی.

سادساً: وضع گرفتن قشون از اهالی لهستان از روی عدل و انصاف باشد.

دولت روس قبول هیچیک از این تکالیف را نمی کند و عقیده اش این است که ابتدا باید رفع شورش و شرارت را کرد و یاغیان و اشرار را تنبیه نمود بعد به میل و رضایت خود قرارهائی که لازم است برای رفاهیت اهالی لهستان خواهد داد. حکم امپراطور روس به احضار قشون زیاد که تقریباً سیصد هزار باشد برای رفع یاغیان. زمستان قطع جنگ نکرد. گراندوک قسطنطین — برادر اعلیحضرت امپراطور روس — که نیابت سلطنت لهستان او را بود خود را از این خدمت معاف می دارد. ژنرال — برگ مستقلاً از طرف اعلیحضرت امپراطور روس فرمانفرمای لهستان می گردد.

در قفقاز مختصر شورشی در میان طایفه لزگی. سفاین جنگی روس در این سال صد و بیست و دوفروند است که در آن کشتیها دوهزار و دویست و چهل و شش توپ و بیست هزار و پانصد نفر قشون بحری بودند.

ژاپن:

تهدیدنامه انگلیس به این دولت به جهت استرضای قتل جمعی از انگلیسیها در ژاپن بی فایده می ماند. امیرال انگلیس کیپر یکی از شهرهای ساحل کاکزیم (۱۸) را به ضرب گلوله توپ منهدم می سازد.

عثماني:

اعلیحضرت سلطان از وزرای خود در مسائلی که راجع به سروستان

و قرا باغ (۱۹) بود نارضائی حاصل نموده تغییر و تبدیل کلی در دایرهٔ وزراء داده شد. فؤادپاشا از صدارت عزل و رئیس مجلس شورا و وزیر مالیه گردید و لیکن بعد از دوماه باز به صدارت منصوب شد.

فوت سعیدپاشا والی مصر در زمستان و نصب اسماعیل پاشا برادرش به جای او. سفر سلطان به مصر در بهار.

اول تحریر کتابچهٔ جمع و خرج دولت در این سال که مالیات دولت را غیر از فروعات شصت و نه کروار و صد هزار تومان معین کرده اند و مخارج را شصت و هشت کروار و دویست و شصت هزار تومان.

فرانسه:

ورود سفرای آنام ماچین به پاریس. افتتاح مجلس دارالشورای فرانسه.

در خطبه‌ای که اعلیحضرت ناپلئون خود قرائت می‌نماید اظهار تأسف از بیچارگی اهالی لهستان و مظلومی آنها می‌کند و ضمناً از دول فرنگ انعقاد مجلس کنگره در یکی از نقاط اروپا را طالب است که در این مجلس کنگره مسائل لاینحلی که در تعیین حدود دول و بعضی مطالب عمده که از چند سال قبل تا به حال باقی مانده حل شود. لیکن جمیع دول رد این خواهش را نموده‌اند.

دولت فرانسه برای مصارف جنگ مکزیك و ماچین معادل شصت کروار تومان وجه استقراض می‌خواهد.

فوت نقاش معروف هراس ورنه (۲۰).

جنگ عساکر فرانسه در حوالی شهر فوبلای (۲۱) مکزیك با هواخواهان ژوآرز (۲۲) رئیس جمهوری مکزیك و فتح این شهر به دست ژنرال بازن. ورود سردار فرانسه به مکزیكو پایتخت مکزیك و فرار ژوآرز با شش هزار قشون به سالوی. مجلس شورای مکزیك که تازه در مکزیك پایتخت تشکیل یافته است بالاتفاق آرشیدوك ماكسیمیلین

۱۹ - منظور سرستان (Serbie) است و منتنگرو (Montenegro). کلمه

قرا باغ ظاهراً ترجمهٔ منتنگرو است.

برادر اعلیحضرت امپراطور اطریش را بهامپراطوری خود منتخب می‌نمایند و در این مجلس ذکر می‌شود که چنانچه مشارالیه قبول سلطنت ایشان را ننماید هر که را که اعلیحضرت امپراطور فرانسه ناپلئون سیم انتخاب کند، آنها به اتفاق او را قبول خواهند نمود.

چین:

وبای سخت در هوئه (۲۳).

یونان:

دول فرنگ در صدد تعیین پادشاهی از برای یونان هستند و به چند نفر از شاهزادگان آلمان که تکلیف نمودند آنها رد کردند. بالاخره ژرژ پسر ولیعهد دانمارک که در این وقت هفده ساله بود قبول نمود و سلطنت یونان به اسم ژرژ اول برقرار شد مشروط که خود و اولادش بعد از این طریقه و مذهب یونانی را اختیار کنند. باوجود تعیین پادشاه، باز در آتن فرق مختلفه در شورش و باهم مشغول منازعه می‌باشند. در این مورد دولت انگلیس وعده می‌دهد که بعضی جزایر یونان را که در تصرف داشت به دولت جدید یونان رد کند. پادشاه تازه یونان به لندن و از آنجا به پاریس و از آنجا به وینه بعد به آتن پایتخت یونان ورود می‌کند.

وقایع سال هفدهم

سلطنت و تاجداری اعلیحضرت اقدس خسرو صاحبقران
ادام الله تعالی ایام ملکه مطابق سنه
هزار و دویست و هشتاد هجری
تنگوزئیل ترکی

در این سال خیرمال، امور کشور و لشکر و مهام ملکی به توجهات
خاطر خطیر همایون و اهتمامات اولیای دولت قوی شوکت روزافزون
اعلی درجه نظم و انتظام را دارد.

تعزیه دولتی را در تکیه مبارکه سلطنت آباد می خوانند.
حکومت لرستان را ضمیمه حکمرانی کرمانشهان و نهاوند و
سرحداری عراقین فرموده به نواب عمادالدوله واگذار فرمودند.
حکمرانی عربستان را به نواب حشمةالدوله تفویض داشتند.

عبدالعلی خان ادیب الملک پیشخدمت خاصه حاکم قم چون در
حکومت خود کمال کفایت را به کار برده بود به اعطای یک قطعه نشان
از درجه سیم سرتیپی باحمایل مخصوص آن سرافراز شد.

محمدیوسف خان سرتیپ به منصب سرتیپی اول سرافراز گردید.
دوفوج مراغه را به آقاخان سرتیپ اول سپردند.
فوج پانزدهم شقاقی را علاوه بر فوج مخبران شقاقی به محمد -
قاسم خان سرتیپ ابواب جمع فرمودند.

آقاخان پسر مرحوم عبدالصمدخان افشار به منصب سرتیپی سیم نایل گردید و ریاست دیوانخانه نظامی مازندران را نیز به مشارالیه مفوض فرمودند.

نظر به حسن سلوك عسکرخان سرهنگ در سرپرستی ارامنه ارومی و سلماس و مهمانداری سفرای دول متحابه مشارالیه را به منصب سرتیپی سیم سرافراز فرمودند.

نظر به اتحاد دولتین علیتین ایران و عثمانی از جانب دولت علیه به اسماعیل افندی نایب اول سفارت عثمانی نشان از درجه دویم و به ناظم افندی نایب دویم سفارت عثمانی نشان از درجه سیم نیز به مخلص افندی حکیم سفارت مزبوره نشان از درجه سیم مرحمت شد.

سیصد نفر سوار تراکمه سالور و ساروق که به تاخت نواحی خراسان آمده بودند، قشون ظفرنمون خراسان که به سرداری مظفرالدوله در آن سامان می باشند آنها را تنبیه و تدمیر نمودند و چون باباخان پسر یوسفخان سرتیپ هزاره ای در این موقع خدمت کرده بود به توسط نواب والا حسام السلطنه حکمران خراسان به اعطای یک قبضه شمشیر یراق طلا مفتخر گردید و سایرین به نشان طلا سربلند گردیدند.

موکب همایون در ماه صفرالمظفر تشریف فرمای نوروکجور است. میرزا هاشم خان امین خلوت به اعطای یک قطعه نشان تمثال همایون مکمل به الماس سرافراز و میرزا محمدخان پسر مشارالیه به منصب نیابت ریاست خلوت برقرار آمد.

ریاست امور نظامی عربستان به عهده عبدالله میرزا جنرال آجودان واگذار شد.

خاجی محمدبیک قهوه چی باشی به اعطای یک قطعه نشان شیر – و خورشید از درجه سرهنگی سرافراز آمد.

حبیب الله خان تنکابنی به منصب سرتیپی اول مفتخر گردید. فوج اردبیل و مشکین ابواب جمعی حسنعلی خان افشار شد. ده هزار تفنگ خان دار که جناب حسنعلی خان وزیر مختار در پاریس تمام کرده اند متدرجاً وارد طرابوزان و تبریز می شود. عمارات مبارکات سلطنتی دارالخلافه را حسب الامر مرمت نموده

برفسخت و نزهت آنها می‌افزایند.

میرزا احمدخان ساعدالملک (۱) سرتیپ اول به‌رتبه امیرتومانی سرافراز گردید.

آقاخان سرتیپ اول به‌سرتیپی دوفوج مراغه مباحی گردید.

محمدحسین‌خان صدرالدوله ایشیک آقاسی‌باشی حضرت مستطاب اعظم‌والا ولیعهد دولت علیه ایران سلطان مظفرالدین میرزا به‌یک قطعه نشان وحمایل سرتیپی مفتخر گردید.

میرزا اسدالله نوائی که در اداره وزارت علوم پیوسته مصدر خدمات بوده این اوقات که حکومت ملایر و توپسرکان را به‌نواب والااعتضادالسلطنه وزیر علوم واگذار فرمودند مشارالیه به‌لقب‌خانی و نیابت حکومت ملایر و توپسرکان سرافراز شد.

حاجی غلامعلی‌خان خوئی به‌منصب قوریساول باشیگری حضرت اجل‌اعظم‌والا ولیعهد دولت علیه ایران مفتخر و عسکرخان ولد مشارالیه به‌منصب نیابت سیم آجودان‌باشی نایل آمد.

محمدعلی‌خان برادر عین‌الملک به‌منصب بیگلربیگی‌گری استراباد قرین افتخار گردید.

حضرت امجداکرم والانایب السلطنة‌العلیة‌العالیة چون در قواعد نظامی درجه کمال را یافته‌اند در نظام دارای منصب سرهنگی از درجه اول گردیدند.

محمدمهدی‌خان کشیکچی‌باشی به‌اعطای یک قطعه نشان امیر تومانی ویک‌رشته حمایل مخصوص آن مفتخر گردید.

امیرزاده انوشیروان میرزای جنرال آجودان خاصه به‌سرتیپی‌فوج سربند عراق سرافراز شد.

والی‌خان پیشخدمت (۲) پسر مرحوم سهراب‌خان به‌اعطای یک قطعه نشان از درجه سیم سرتیپی باحمایل مخصوص آن مباحی آمد.

شاگردان ایرانی که در مدارس پاریس مشغول تحصیل علوم

۱ - پسر میرزاتقی‌خان امیرکبیر.

۲ - مؤلف «رساله فجوریه».

متنوعه بودند به موجب راپورتهای مسیو وردو معلم که به جناب حسنعلی - خان وزیر مختار دولت علیه مقیم پاریس نوشته ترقی کامل کرده اند. نواب والا معتمدالدوله را در جزء اجزای محترم دارالشورای کبری منسلک فرمودند.

محمد قلی خان شاطرباشی به یک قطعه نشان از درجه سرتیپی و حمایل مخصوص آن سرافراز آمد.

محمد ابراهیم خان معمارباشی به یک قطعه نشان از درجه اول سرهنگی باحمایل آن نایل آمد.

امیر الامراء العظام محمد قاسم خان والی گیلان به اعطای یک قطعه نشان تمثال بی مثال همایون قرین افتخار کامل آمد.

جعفر قلی خان سرتیپ اول به منصب امیر تومانی نایل گشت. میرزا نصرالله نایب لشکر نویس باشی مدیر گمرکخانه های ممالک محروسه به یک قطعه نشان از مرتبه اول سرتیپی باحمایل مخصوص آن سرافراز گردید.

محمد اسماعیل خان وکیل الملک در کرمان و توابع رباطات و حمامها و ابنیه بسیار خوب بنا نموده. از جمله بازار جدیدی است که در شهر کرمان در آخر بازار گنجعلی خان که متصل می شود به میدان خیابان ساخته و مسجد جامع بسیار خوبی نیز در کمال وسعت بنا می کند و قریب به اتمام است.

در دارالخلافه باهره در خارج دروازه دولت در جنب میدان مشق، جبهه خانه بسیار خوبی بنا می نمایند.

میرزا طاهر سر رشته دار کاشانی به منصب استیفای دفتر خانه مبارکه از درجه چهارم نایل گردید.

از ولایات ممالک محروسه به اشاره علیه سواره ردیف اخذ و انتخاب می شود و در این اوان، امیر الامراء العظام محمد قاسم خان والی گیلان دویست نفر سواره ردیف به سرکردگی علی خان نایب الحکومه پسر خود به رکاب مبارک فرستاده است. فوج خوئی که ابواب جمع جمشیدخان سرتیپ بود حسب الامر به جهت قراولی مخصوص به علی قلی خان آجودان - باشی سپرده شد و جمشیدخان را به منصب سرتیپی توپخانه مبارکه سرافراز فرمودند.

سیم تلگراف آذربایجان را حسب الامر تا سرحد ارس امتداد دادند. نیز مقرر است که سیم تلگرافی از دارالخلافه تا بندر بوشهر بکشند و صاحب منصبان مأمور و مشغول این خدمت اند.

حاجی محسن خان سرهنگ مستشار سفارت دولت علیه مقیم پاریس به امضای جناب حسنعلی خان وزیر مختار به منصب سرتیپی از درجه سیم و نشان و حمایل این رتبه سرافراز شد و روز دهم جمادی الثانیه این سال، به اتفاق بنده مؤلف، که در این وقت به نیابت دویم سفارت برقرار شده بود روانه پاریس گردیدیم.

میرزا موسی مأمور کارپردازی مصر به نشان از درجه سیم سرهنگی سرافراز گردید.

بعد از آن که حکومت لرستان نیز ضمیمه حکمرانی کرمانشهان و واگذار به نواب والا عمادالدوله گردید چون امیرزاده صارم الدوله ولد نواب معظم الیه در تدمیر و تنبیه طایفه شریر سگوند لرستان - که تقریباً چهار هزار خانوار می باشند - مجاهدات نموده بود به اعطای يك قبضه شمشیر یراق مرصع مفتخر گردید و نواب والا عمادالدوله را نیز به يك ثوب جبّه ترمه شمسّه مرصع درجه اختصاص مرحمت فرمودند.

آقارضای پیشخدمت حضور همایون چون در فن عکاسی به درجه کمال رسیده به لقب «عکاسباشی» سرافراز گردید.

پوشیده نماید که یکی از صنایع جدیده متعلق و منشعب از علوم طبیعی که در زمان سلطنت این شاهنشاه رواج گرفته و ترقی حاصل کرده عکاسی است. هر چند بسیاری از مردم می دانند که به آلات و ادویه عکس تمام اشیاء موجوده در کره ارض برداشته می شود و کمتر کسی است که معاینه ندیده باشد و باوجود این از اسرار حکمتی و تاریخ این صنعت بسیاری غافلند. اکنون بر سبیل اجمال شرحی تاریخ مانند از این صنعت جدیده الاحداث ذکر می کنیم:

باید دانست که اجسام بر دو قسم اند: یا مادی هستند یعنی دارای وزنی اند مانند جامدات و مایعات و بخارات یا غیر مادی و بی وزن هستند مانند حرارت و نور و الکتریسیته و مقناطیس و هریک از این دو جسم دارای دو رشته خواص اند که یکی را خواص ظاهری یا فیزیکی گویند و دیگری

را خواص باطنی یا شیمیائی مانند نور که یکی از اجسام غیرمادی است نیز دارای خواص ظاهری از قبیل انعکاس و انکسار و انتشار می‌باشد و این معنی را حکمای سلف مصر و یونان در کتب خویش به اجمال یا تفصیل ذکر کرده‌اند و کتب متعدده در مناظر و مرایانوشته‌اند. ولی خواص باطنی نور یا معروف حکمای سلف نبوده یا در کتب خود مندرج نسلخته‌اند و نمی‌توان گفت اهل مصر که در علوم طبیعی مهارت داشته‌اند از اثر باطنی نور و دخالت آن در تنمیه و تغذیه آنها بی‌اطلاع بوده‌اند. بلکه بعضی از یونانیان در کتب خود ذکر و ثبت کرده‌اند اختلاف لونی را که بعضی احجار و جواهرآلات از مجاورت متمادی آفتاب پیدا می‌کنند و معماران رومه قدیم عمارات منقوشه را در سمت شمال می‌ساخته‌اند تا از اثر اشعه آفتاب فاسد نشود. ولی [در] قرون متوالیه گذشته که حقیقه کسی از خواص باطنی نور مستحضر نبود، بعضی از کیمیاگران سیصد سال قبل از این ملتفت شدند که نقره راسب بانمک طعام به مجاورت اشعه شمس اختلاف لون پیدا می‌کند. صدسال قبل شل (۱) نام حکیم طبیعی ثابت نمود که پرتو آبی و بنفش آفتاب آن نقره را زودتر سیاه می‌کند. در آن ایام بسیاری از علما و عمال در تکمیل تحصیل آثار نور در اجسام ادویه برآمده به خیال گرفتن عکس اشیاء برآمدند. ولی اول کسی که توانست عکس صورتی را بردارد نیپس (۲) نام فرانسوی بود و او قیرجده (۳) و جوهر اسطوخودوس را در صفحه مس مفضض می‌کشید و هشت ساعت آن صفحه را در حجره مظلم مجاور نور عدسی اسبابی می‌کرد و بعد با مخلوطی دیگر آن را مثبت و می‌خشکانید هر جای روشن صورت صفحه پرده حساس را می‌خورد و جای سیاه و سایه به حالت خود باقی می‌ماند. پس از تجارب متکثره نیپس به اشتراك دیگر (۴) نام در

۱ - ظاهراً منظور دانشمند سوئدی شیل (Scheele) است.

۲ - در متن «نیپس» آمده ولی مسلماً منظور دانشمند فرانسوی است به نام نیپس (Joseph Nicéphore Niepce)

۳ - قیرجده همان Betume de Judée است و مترجم ژوده (یهودیه) را با جده

(بندیرمکه) اشتباه کرده و منظور از جوهر اسطوخودوس هم Essence de lavande است.

از صفحه مس هم استفاده نمی‌شده بلکه از صفحه قلع سود می‌جستند.

۴ - Daguerre

سنه ۱۸۲۹ مسیحی اشکال را در صفحه نقره نمودار کرد و شعبه‌ای تازه در علوم طبیعی احداث شد و سی و هفت سال قبل از این در لندن عکس در روی کاغذ انداختند و تلبو (۵) نام مخترع این کاغذ با این عمل صور معکوسه را به دست می‌آورد. یعنی مواضع نورانی در کاغذ مظلم می‌شدند و مواضع مظلمه روشن می‌نمود و این کاغذ را «منفی» (۶) می‌نامیدند و از روی این کاغذ عکسهای صحیح بر می‌داشت و آنها را «موجب» (۷) نامید. در همین ایام، حکما و ارباب صنایع در تکمیل این قاعده برآمدند و ادویه مناسب این اعمال از قبیل قلیائیان و املاح فضی و ذهبی و جوهریات مأخوذه از مازو و سرکه و لیمو مکشوف ساخته‌اند و عدد نسخه‌ها و عاملین و قواعد زیاد شد و رفته رفته هشت ساعت زمان عکاسی به چند ثانیه رسید و بیست و نه سال قبل برادرزاده نیپس مذکور داشت، در مجلس علماء، که اگر پرده‌ای از سفید تخم مرغ که ممزوج با ادویه عکاسی باشد در صفحه شیشه بکشند و مجاور روشنائی نمایند صورتهای عکاسی بهتر از کاغذ برداشته می‌شود بیست و شش سال قبل لگری (۸) نام ثابت نمود که استعمال کلدیون (۹) در عکاسی مناسب است هم سرعت عمل بیشتر می‌شود و هم صورت کاملتر و دقیق‌تر منعکس می‌شود.

بالجمله آغاز ترقی عکاسی، زمان کشف کلدیون است و اکنون این قاعده معمول عکاسان جمیع روی زمین است و تقریباً سایر قواعد متروک‌اند و این گونه عکاسی فواید کلیه برای عامه ناس پیدا کرده بلکه در علوم طبیعی و جغرافیا و سیاحت و نجوم و رصدخانه‌ها خدمات کلیه کرد و موجب ترقی آنها و سبب منطبعه فتگرافی (۱۰) از ابنیه و اشخاص تاریخی حقیقی و یادگاری ابدی به جا گذاشت که غالب خلق به اشکال ملحوظه عکس از دوری یا مرگ خویشان و دوستان خود را تسلی می‌توانند داد.

۵ - مقصود تالبو Talbot از پایه‌گذاران فن عکاسی است. در متن «تلبو» آمده.

۶- Negative

۷- Positive

۸ - Le Grey (متن : لگری)

۹- Collodion

۱۰- Photographie

در اواخر عهد شاهنشاه مبرور محمد شاه غازی، البسه‌الله‌ثوب - النور، مسیو ریشارخان سرتیپ معلم که اکنون زبان انگلیسی و غیره مدرسه دارالفنون را معلم است بازحات زیاد بر روی صفحه نقره عکس می‌انداخت و در اوایل سلطنت شاهنشاه روحانفاده که بنای مدرسه دارالفنون شد، مسیو کریشش نمساوی معلم توپخانه قدری در روی کاغذ امتحانات عکاسی نمود. مسیو فکتی معلم طبیعی اول کسی است که در مدرسه طهران، کلدیون استعمال نمود و مسیو کارلیان که برای انتشار علم و عمل عکاسی بافرخ‌خان امین‌الدوله از پاریس به طهران آمد عکس کلدیون را شایع کرد و چون خاطر خطیر همایون به‌رواج و ترقی این علم تعلق گرفت، خود ذات ملکوتی صفات شاهنشاهی براین علم اطلاع تمام یافته برآن شدند که یکی از چاکران دربار حضرت شاهنشاهی و خاصان خلوت همایون نیز دراین فن مهارتی تمام یابد که سفرأ و حضراً به‌موجب امر قدر قدر ملوکانه، آشنا و غریبه و ابنیه و آثار قدیمه را عکس بردارد و خاطر مبارک همایون را در اوقات فراغت بدان مشغول سازد. پس آقارضا پیشخدمت خاصه که امروز آجودان مخصوص حضور همایون و خازن صرف جیب مبارک اعلیحضرت شاهنشاهی و محل وثوق و اعتماد ذات کامل‌الصفات خسروانی و از خانزادان حقیقی و تربیت یافتگان این دولت قوی شوکت است به‌آموختن این علم شریف برحسب امر همایون مأمور گشت. چندی برنیامد که از یمن توجهات ملوکانه در این علم تکمیل یافت و شناسائی کامل حاصل نمود. خاطر مبارک خسروانی از این معنی خرسند گشته مشارالیه را به‌عواطف ملوکانه مفتخر ساخته از برای انتشار این علم و وسعت در این عمل یکی از عمارات مخصوص پادشاهی را مخصوصاً عکاسخانه مبارک فرموده که گاهی که از کارها فراغت حاصل می‌فرمودند برای تماشا و ترقی این عمل به‌آنجا تشریف می‌بردند. در اسفار بزرگ مثل سفر خراسان و مازندران و کربلای معلی، جمیع اماکن و ابنیه قدیم و آثار بعیده را عکس برداشته مرقع (۱۱) ساخته به‌حضور مبارک تقدیم می‌نمودند که الآن هم در حضور همایون است.

هم دراین سال، بعد از آن که نریمان‌خان مستشار سفارت به‌عنوان شارژدافری در اسلامبول ماند و میرزا ملکم‌خان (ناظم‌الملک) به‌سمت

قونسول جنرالی به مصرفت، در بیستم جمادی الثانیه جناب حاجی - میرزا حسین خان وزیر مختار دولت علیه مقیم دربار دولت عثمانی با میرزا حسن نایب دویم سفارت از اسلامبول عازم دارالخلافه باهره شده در بیست و یکم رجب وارد طهران و مورد مرحام خاصه ملوکانه گردیده در سلك اجزای دارالشورای کبری منسلک گردید و میرزا حسن نایب دویم سفارت به یک قطعه نشان شیر و خورشید از درجه سیم و لقب خانی و نیابت اول سفارت و خلعت همایون سرافراز شد و دویست تومان برسیصد تومان مواجب سابق مشارالیه افزودند و میرزا حسین کارپرداز طرابزان به لقب خانی ملقب و به جنرال قونسولی سرافراز آمد.

هم در این اوان، نظر به کمال مودت و اتحاد بین دولتین علیتین ایران و عثمانی از جانب اعلیحضرت همایون شاهنشاهی، یک قطعه نشان شیر و خورشید مکمل به الماس گرانها با حمایل آبی که از علایم اولیه خاصه سلطنتی و امتیازات مخصوصه این دولت جاوید شوکت است محض اظهار تودد و دوستی کامل، برای اعلیحضرت سلطان عبدالعزیز خان سلطان عثمانی هدیه و انفاذ فرمودند و برای جناب فؤاد پاشا وزیر جنگ و صدراعظم دولت عثمانی و جناب عالی پاشا وزیر امور خارجه آن دولت نیز نشان تمثال همایون مکمل به الماس ارسال داشتند و در هشتم ذیقعه جناب حاجی میرزا حسین خان وزیر مختار مجدداً با اجزای سفارت کبری از راه بغداد و دیار بکر روانه اسلامبول شدند.

میرزا محمد علی خان سر رشته دار توپخانه به منصب لشکر نویسی سرافراز گردید.

میرزا قاسم خان فیروز کوهی به منصب ریاست دیوانخانه نظامی کرمان برقرار آمد.

موکب همایون اعلی حضرت شاهنشاهی روز هشتم شعبان عزیمت شکارگاه مسیله فرمود.

میرزا نصرالله مستوفی پیشکار اصفهان به اعطای یک قطعه نشان از مرتبه اول سرتیپی و یک رشته حمایل مخصوص آن مفتخر گردید. میرزا مصطفی خان بهاء الملك وزیر مازندران و استراباد به یک قطعه نشان تمثال همایون سرافراز آمد.

عبدالحسین خان غلام پیشخدمت تحویلدار و تحصیلدار کل مالیات اصفهان به نشان و حمایل از مرتبه اول سرهنگی نایل گشت. در اواخر رجب زلزله‌های شدید در ترشیز و تربت و کوه سرخ شده است.

در ماه رمضان این سال، وزارت مالیه را مستقلاً به عهده جناب اجل آقای مستوفی‌الممالک واگذار و ایشان را مخاطب به «وزیر مالیه» فرموده در سه‌شنبه هشتم این ماه در مجلس شورای دولتی قلمدانی که محبره آن مکمل به الماس بود از جانب سنی‌الجوانب همایون به جناب معظم‌الیه مرحمت شد و دستخط همایون در این باب شرف‌صدور یافت:

سواد دستخط همایون

از قدیم‌الایام یعنی از ابتدای دولت قاجاریه الی شش سال قبل از این که در امورات وزارتخانه‌های درباری تغییرات عمده قرار فرمودیم اداره عمل مالیات و جمع و خرج دولتی در دست یک نفر از پیشکاران معتبر درباری بود که او را «وزیر مالیه» خطاب می‌کردند. در آن وقت که نظر ملاحظه و دقت در امورات دولتی می‌افکندیم از همه امور بی‌نظم‌تر، امر معامله مالیات و جمع و خرج دولتی را ملاحظه فرمودیم و یقین حاصل شد که هیچ نظامی به کارهای دولتی داده نخواهد شد مگر این که در ابتدا مالیات و جمع و خرج به حالت نظم درآید. این بود که به نفس خودمان در این مدت خواستیم نظم کاملی در این کار بدهیم و بحمدالله تعالی آن طوری که مقصود و منظور ما بود این کار منظم شد. در این اوقات چون کارهای عمده‌تر از این برای فواید دولت ایران در نظر داشتیم دیگر لازم نبود اوقات شریف خود را مشغول این کارها کنیم و این کار هم مختص وزیر مالیه بود، لهذا به موجب این دستخط، جمیع نظم امور مالیات و جمع و خرج دولت را کلیه به عهده میرزا یوسف — مستوفی‌الممالک که از نوکران معتبر بزرگ صادق‌درباری است محول و موکول فرمودیم که بیشتر از پیشتر منظم دارد. به تاریخ سال تنگوزئیل شهر رمضان المبارک سنه ۱۲۸۰.

هم در ماه رمضان این سال، انوشیروان خان عین‌الملک خوانسالار و حکمران مازندران و استرآباد به‌منصب ایلخانی گری و ریاست ایل - جلیل‌قاجار سرافراز گردید.

چون در اوایل این سال، حسب‌الامر مقرر شد که سیم تلگرافی از دارالخلافه تابندربوشهر امتداد یابد و بعدها نیز قرار دادند که خطی هم از خانقین و کرمانشهان کشیده و به‌سیم تلگراف دارالخلافه وصل شود تا بلاواسطه با دول خارجه مخابره نمایند، لهذا این اوقات از سه نقطه که بندر بوشهر و اصفهان و کرمانشهان باشد شروع نموده مشغول انجام این خدمت می‌باشند و نظر به‌مودت دولت انگلیس با این دولت ابدآیت گماشتگان آن دولت نیز در تقدیم این امر مهم معاونت و مظاهرت تمام دارند.

نصرالله‌خان سرهنک‌فوج شوکت کرمان به‌یک قطعه نشان و یک رشته حمایل از مرتبهٔ سرهنگی سرافراز آمد.

غلامحسین‌خان پسر علیقلی‌خان نایب اول آجودان‌باشی به‌منصب نیابت آجودان‌باشی سرافراز شد.

سرهنگی فوج‌خوی را به‌شیخ‌علی‌خان ماکوئی مرحمت فرمودند. جناب فرخ‌خان امین‌الدوله به‌یک قطعه نشان امیرنویانی قرین مفاخرت کامل گردید.

جناب میرزا زین‌العابدین ولد مرحوم میرزا ابوالقاسم امام جمعهٔ دارالخلافه که بعد از فوت معزی‌الیه‌اعلی‌الله مقامه‌الی‌الآن مشغول تحصیل علوم دینی بود - چون در این اوان به‌درجهٔ رشد ولیاقت رسیده و از ناصیهٔ او آثار زهد و ورع آشکارا می‌باشد - به‌منصب امام‌جمعه‌گی (۱) دارالخلافه برقرار گردیده به‌اعطای یک قبضه عصای مرصع قرین مباحثات آمد و جناب میرزا مرتضی عموی جناب معزی‌الیه ملقب به‌صدرالعلماء گردید.

میرزا علی‌اکبر منشی به‌لقب ناظم مهمای خارجهٔ بندرعباسی و یک قطعه نشان سرهنگی از درجهٔ سیم سرافراز و روانهٔ محل مأموریت خود گردید.

شب بیست و یکم شعبان این سال، زلزله شدیدی در شیراز شده ولی بحمدالله آسیبی به جائی نرسانیده است.
دیوان اشعار و منشآت مرحوم قایم مقام به طبع رسیده و می -
فروشند (۲).

چون جناب محمد ناصر خان ظهیرالدوله ایشیک آقاسی باشی اغلب در ایالات ممالک محروسه مشغول انجام خدمتی بزرگ می باشد ایشیک -
آقاسی باشیگری را به امیر الامراء العظام امیر اعلان خان مجدالدوله مرحمت و به یک قبضه عصای مرصع و خلعت همایون ایشان را سربلند فرمودند.

سیم تلگراف آذربایجان به سرحدارس واصل و فی مابین جانشین مملکت قفقاز و اعلیحضرت همایون شاهنشاهی و فی مابین اعلیحضرت امپراطور روس و اعلیحضرت همایون شاهنشاه مخابرات تهنیت آمیز شد.
نیز جناب مسیو گیرس (۳) که به سمت وزیر مختاری وایلچیگری مخصوص از جانب دولت روس مأمور اقامت دربار ایران شده بود از روز ورود به سرحد ایران همه جا با تقدیم شرایط کامله معموله و مهماندار مخصوص مسافرت نموده روز چهاردهم رجب وارد دارالخلافه گردیدند و شرایط پذیرائی دربارۀ جناب معزی الیه به وجه اکمل به عمل آمد.
میرزا محمد علی خان کارگزار خارجه فارس به اعطای یک قطعه نشان شیروخورشید از درجه اول سرهنگی باحمایل مخصوص آن مباحی گردید.

پانصد نفر سوار تراکمه یموت آتابای و جعفربای استراباد که بنای خودسری گذاشته بودند به اهتمام محمدعلی خان بیگلربیگی و حاکم

۲ - فرهاد میرزا معتمدالدوله اقدام به چاپ منتخبی از اشعار و منشآت قائم مقام نمود.
میرزا احمد دیوان یکی در تذکره حدیقه الشعرا در ذیل عنوان ثنائی که تخلص قائم مقام ثانی بوده می نویسد «ارباب تواریخ پرده بر فضایل و محامدش کشیده اند.... چندی قبل بعضی از منظومات و مکاتبات ایشان را بزرگی جمع کرده چاپ نمود و به قول دیگری از بزرگان، جامع را مقصود کسرشان قائم مقام بود که بیشتر اشعارش که چندان تعریف ندارد و مکاتبات کم مضمون را در آن جا درج نموده » (حدیقه الشعراء، جلد اول ص ۳۶۱-۳۶۴ تصحیح و تحشیه دکتر عبدالحسین نوائی).

استرabad تنبيه شده مشاراليه بهيك قطعه نشان از درجۀ اول سرهنگی سرافراز شد و چون عباسقلی خان سرتیپ لاریجانی نیز در این مورد خدمت کرده بود بهيك قبضه شمشیر سروته غلاف طلا مفتخر گردید و بعدها جعفرقلی خان امیرتومان مأمور شد که بهوجه اکمل طوایف طاغیه را تدمیر نماید.

نواب والاحشمةالدوله حکمران عربستان و بختیاری بهيك طوق کمر مکمل به الماس بسیار ممتاز قرین مفاخرت آمد. اعتمادالسلطنه حاجی علی خان چون در امورات وزارت عدلیۀ عظمی مساعی جمیله نموده بود، بهيك قبضه عصای مرصع سربلند شد.

حاجی رحیم خان پیشخدمت خاصه به منصب جلیل صندوقداری که جواهرداری و رختداری ملبوس تن پوش مبارك باشد برقرار و بهيك قطعه گل کمر الماس و يك ثوب جبۀ ترمه سرافراز گشت.

آقا علی پیشخدمت خاصه حاکم ولایات ساوه و ایل شاهسون بغدادی بهيك طوق کمر مکمل به الماس مباهی گردید.

شب هفتم ماه شعبان يك ساعت به طلوع فجر مانده در کرمان زلزله بسیار شدیدی شد و تا چند روز بعد زلزله های خفیف نیز متواتر بود. در ماه ذیحجه الحرام هوای شهر دارالخلافه به اقتضای فصل گرم شده موکب همایون تشریف فرمای بیلاق شمیران و قصر نیاوران گردید. امیرالامراء العظام مجدالدوله به پیشکاری اصفهان و میرزا محمد - قوامالدوله به پیشکاری فارس مأمور شدند.

حاجی محمد حسین تاجر کاشانی به توسط نواب والاعتضادالسلطنه وزیر علوم به منصب ملك التجاری کاشان سرافراز شد.

میرزا صادق خان کارگزار خارجه سابق گیلان به کارگزاری خارجه استرabad مأمور شد. چون نظم کلیۀ سرحدات استرabad منظور نظر همایون بود، اردوئی به سرکردگی جناب میرزا محمدخان سپهسالار کل عساکر منصورۀ نظام و غیرنظام مأمور آن سامان گردید. هنگام روانگی (۴) جناب سپهسالار به اعطای يك رأس اسب از اسبهای خاصۀ اصطبل مبارك بازین ویراق مرصع مفتخر و مباهی شد و جعفرقلی خان امیرتومان که

مأمور تدمیر تراکمۀ طاغیۀ آن صفحات بود تنبیه کاملی از اشرار آن نواحی نموده مورد مراحم کاملۀ شاهانه آمد. قشون ظفرنمون که می‌بایست به‌اردوی جناب سپهسالار ملحق شوند متدرجاً روانه می‌گردند. در غیاب جناب سپهسالار، پاشاخان امین‌شوری و محمدخان امیرتومان به‌امور قشون رسیدگی می‌نمایند.

میرزا محمدحسین دبیرالملک به‌اعطای یک‌رشته شرابه بند کاغذ مرصع سرافراز گردید.

چون اقرب طرق از دارالخلافه به‌بحر خزر خطی است که از کوه البرز درمقابل دارالخلافه می‌گذرد و از بیلاقات آن صفحات عبور نموده از کجور به‌کنار دریا می‌رود و سی‌ودو فرسخ مسافت آن است، ولی به‌جهت قلل صعب‌المسالك موجب خطر عابرين است، لهذا مسیو کاستگر مهندس نمساوی که در خدمت این دولت جاوید شوکت است مأمور شد که راه مزبور را در کمال خوبی بسازد که از طرق سهل‌المسلك گردد. صادق‌خان یوزباشی برادر شهاب‌الملک به‌اعطای منصب‌سرتیپی از درجۀ سیم سرافراز شد.

وقایع عمده و سوانح معظمه که در این سال در تمام روی زمین و اقطار کرۀ ارض اتفاق افتاده

اتانونی ینگ‌دنیا:

رئیس جمهوری لنکلن یک کرور قشون از برای جنگ با ایالات جنوبی حاضر می‌نماید. جنگ سخت مابین ایالات شمالی و جنوبی. جنگ بزرگ شش روزه که طرفین دویست و بیست‌هزار قشون در مقابل هم داشتند. سردار شمالی ژنرال گراند (۵) و سردار جنوبی ژنرال لی (۶) با یکدیگر مخاصمه نمودند و جمعیت زیادی به‌کشتن دادند بدون این‌که ثمری ببخشند مگر در سواحل رودخانهٔ جمس (۷) مختصر شکستی به‌عساکر جنوبی داده شد. چون موعد پنج سال ریاست لنکلن منقضی شده بود،

• - Grant (ulysses)

۱- Lee (Robert Edward)

James - رودخانه‌ای در ناحیۀ ویرجینیا.

در انتخاب رئیس تازه مجدداً او را برقرار کردند. مخارج ایالات شمالی از برای این جنگ هزار ودویست کرور تومان پول ایران شده است. تا به حال ایالات شمالی ینگی دنیا از سلطنت ماکسیمیلین برادر اعلیحضرت امپراطور اتریش در مکزیك رضایت ندارند.

فوت ژن آدامس در سن نود و سه سالگی. این شخص یکی از آن اشخاص بود که منتهای جدوجهد را در آزادی اتائونی نمود و از تبعیت انگلیس و دول دیگر این ایالات را خارج و مجزی نموده دولت مستقلی کرد.

اسپانیا:

چهل و چهار هزار ذرع راه آهن که وصل می کند راه آهن اسپانیا را به راه آهن فرانسه از دره های کوه پیرنه امسال به اتمام رسید و مسافر می تواند از پاریس به مادرید پایتخت اسپانیا مستقیماً سفر نماید.

آلمان:

فوت پادشاه باویر ماکسیمیلین دوم در سن پنجاه و دو سالگی و جلوس پسرش لوئی دوم در سن هجده سالگی.

فوت پادشاه وورتن برگ (۸) گیم (۹) اول و جلوس پسرش شارل به جای او.

ایجاد تفنگ سوزنی جدید در مملکت پروس معروف به تفنگ دریز (۱۰) که به واسطه اختراع این تفنگ اول امید به فتح و غلبه بر دشمن می دهد.

شورش و بی نظمی در مجارستان و در اغلب ممالک اتریش. مسافرت اعلیحضرت امپراطور اتریش و شاهزاده های خانواده سلطنت به مجار و نظم دادن آنجا را بشخصه. وکلای ملت اتریش به دولت بی وفائی دولت پروس را اثبات می کنند که چون خیال دولت پروس بزرگ شدن است لهذا به دوستی او نباید اعتماد نمود. اما در فقره ایالتین اسلشویک و هلستن که مقدمات آن در ذیل سال قبل ذکر شد، بعضی از دول معظمه آلمان از قبیل باویر و ساکس مایل براین بودند که از سلطنت دانمارک مجزی شده به پرنس اگوست بورگ که ادعای بر ملکیت ایالتین داشت داده شود. اما جزء دولتین پروس و اتریش نشود. دولتین اتریش

وپروس، بدون مشاوره با سایر دول آلمان و بدون قبول وساطت دولت انگلیس، قشون خود را به سرداری پرنس فردریک شارل برادرزادهٔ اعلیحضرت پادشاه پروس و ولیعهد پروس وارد ایالتین مزبورین نموده هفتاد هزار قشون مسلح دولتین که به بهترین اسلحه مسلح بودند با چهل هزار قشون دانمارکی که اسلحه ممتازی نداشتند مقابلی نموده در ظرف هشت روز ایالتین مزبورین را متصرف شدند و هر قدر دولت دانمارک به دول انگلیس و روس و فرانسه ملتجی شد فایده نبخشید و قشون پروس و اطریش متصلاً قلعه جاتی را که دولت دانمارک در ایالتین داشت متصرف شدند. دولت دانمارک که به همه جهت پنج کرور رعیت داشت دو کرور از رعایای او از او مجزی شدند. اعلیحضرت پادشاه پروس با مسیو — بیژمارک صدراعظم خود به جهت ملاقات اعلیحضرت امپراطور اطریش به وینه واز آنجا به منیک (۱۱) پایتخت باویر (۱۲) سفر می نمایند. مسیو — بیژمارک به جهت اظهار خصوصیت با اعلیحضرت ناپلئون امپراطور فرانسه دومرتبه به فرانسه سفر کرده در پاریس و در بیاریتس (۱۳) با اعلیحضرت ناپلئون ملاقات می کند و آخر الامر تمام بلاد و اراضی که در سمت جنوب ژوتلند (۱۴) و واقع شده بعد از این جنگ از دانمارک مجزی شده به پروس و اطریش واگذار می شود و بعد از امضای عهدنامه دولت پروس بدون شراکت اطریش — که بدو با اتمع بود — در صدد تصرف ایالتین مذکورین است.

انگلیس:

تولد پسر نواب ولیعهد در زمستان.

ورود گاریبالدی به مملکت انگلیس با تشریفات کاملی که برای او فراهم آوردند به طوری که نواب ولیعهد انگلیس به منزل او رفته او را ملاقات نمود. ملت انگلیس ایرادهای سخت بهوزرا گرفته اند که چرا در فقره دانمارک به سکوت گذرانیده اند؟

۱۱ - امروز ما بدین شهر، مونیخ می گوئیم و آلمانها آن را München می خوانند

و فرانسویها Munich.

۱۲- Bavière

۱۳- Biarritz

۱۴- Jutland

صد و پنجاه هزار نفر از عملجات انگلیس به واسطه نرسیدن پنبه از ینگی دنیا بیکار مانده‌اند.

از مهاجرین انگلیس در ظرف این سال تنها نود و چهار هزار و صد و چهل و هفت نفر به اتائونی ینگی دنیا رفته‌اند.

در حوالی شهر شفیلد (۱۵) از بلاد انگلیس سدی که جلو رودخانه بسته بودند خراب شده دویست و پنجاه نفر آدم به واسطه طغیان آب هلاک گردیده و زیاده از سه‌کرور به رعیت خسارت وارد آمده.

در نول‌زلاند (۱۶) شرارت یاغیان و متمردين به منتهی درجه است. در هندوستان یعنی در کلکته به واسطه طغیان آب، به درجه‌ای که سالها بود به آن درجه دیده نشده، پنجاه هزار نفر آدم و معادل هشتاد کرور تومان پول ایران مکنت مردم تلف می‌شود. انعقاد مجلس دربار در لاهور به توسط سیر لورنس فرمانفرمای هند که ششصد نفر از سلاطین راجه و نواب و ولایه هند و افغانستان حتی از خوقند حضور به هم رسانیدند. افتتاح راه آهن از بمبئی به داخله هند.

ابتدای تلگراف بحری از خلیج فارس که سواحل هندوستان و عربستان را به هم وصل می‌کند.

حیت و پنبه که از کارخانجات انگلیس در ظرف این سال به خارج برده‌اند معادل نود و یک کرور و دویست و شصت هزار لیره انگلیسی است و هر لیره معادل دو تومان و پنج هزار ایران می‌باشد.

ایتالیا:

مسافرت گاریبالدی با دوپسر خود به انگلیس.

خیال تغییر پایتخت و نقل آن از تورن به فلورانس. نقار آشکار فی مابین پاپ و دولت. معاهده مابین اعلیحضرت پادشاه ایتالیا و اعلیحضرت امپراطور فرانسه که دولت فرانسه عساکر خود را که به جهت حفظ سلطنت ظاهری پاپ در رومه گذاشته بود از آن تاریخ بعد از انقضای دو سال بردارد و پادشاه ایتالیا متعهد است که به هیچ وجه در صد تصرف

رومه و حدود معینه سلطنت ظاهری پاپ برنیاید. شورش و تغییر اهالی تورن (۱۷) که چرا باید پایتخت از آنجا عوض شود؟ دو روز و دوشب قتل و غارت و جنگ در تورن.

تغییر اغلبی از وکلای ملت ایتالیا به دولت فرانسه که به چه جهت مانع است که رومه جزء ایتالیا بشود.

بلژیک:

معادل يك كرور تومان پول ايران دولت بلژيك از اهالی مملکت خود مأخوذ داشته که بندر آنورس را محکم نموده قلعه‌جات در آنجا بنا نماید.

چین:

قدغن سخت در بنادر چین که کشتیهای اتائونی ینگى دنیا عبور نکنند. چینی‌ها به عساکر فرانسه ملتجی شده یاغیهای تاي پنگ راشکست دادند. شهر نانکن را که مرکز یاغیها بود قشون زیاد چینی فتح کرد.

دانمارک:

نامزد نمودن پرنسس داگمار (۱۸) دختر پادشاه دانمارک را برای گراندوک نیکلا پسر اعلیحضرت امپراطور روس و ولیعهد این دولت.

روس:

شورش سخت و خونریزی زیاد در لهستان. پناه ندادن دول‌پروس و اطیش یاغیهای لهستان را. کدورت مابین دول روس و فرانسه که اهالی فرانسه یاغیهای لهستان را اغوا می‌کنند. جلادادن (۱۹) اغلب یاغیهای لهستان را به سبیری و سیاست سخت به آنها نمودن. پاپ در خطبه‌ها و موعظه‌ها نسبت به دولت روس بسیار بدمی‌گوید به واسطه

۱۷- Tourin = Torino

۱۸ - این دختر که برای گراندوک نیکولا پسر الکساندر دوم نامزد شده بود، به حکم تقدیر، زن الکساندر برادر نیکولا شد. الکساندر بعد با عنوان الکساندر سوم تزار روسیه شد و زن او به آئین ارتدوکسی درآمد و بر طبق سنت روسی، ماری فتودوروونا نامیده شد. پیش از این نامش ماری سوفی بود. وی مادر تزار نیکولای دوم آخرین تزار روسیه است.

۱۹ - جلا دادن به معنای نفی بلد کردن و تبعید است.

بی‌رحمی که به لهستانیها می‌شود. رعایای لهستان کمال رضایت را از اعمال روس دارند که دفع شر ملاکین و نجبا و بی‌اعتدالی که به آنها می‌شد شده.

در ایالت قازان بعضی طلاب مدارس نسبت به دولت بنای شورش را گذاشته مقصرین قتل و تنبیه شدند.

طبقه نیهیلیست (۲۰) که طبقه تازه‌ای هستند و برضد دین و دولت و نظم عقیده دارند سبب حرق شهر سامبریسک شدند.

طایفه چراکسه به واسطه قحط و غلائی که میان آنها بروز کرده و روی داده هزار هزار دسته شده با ایل والوس به خاک عثمانی پناه می‌برند و دربین راه جمعیت زیادی از آنها تلف می‌شود.

فتوحات قشون روس درخوقند و فتح شهر تجن از شهرهای خوقند. نامزد نمودن دختر پادشاه دانمارک را برای نواب ولیعهد دولت روس. اعانت باطنی دولت روس به دولت دانمارک.

ژاپن:

عهدنامه‌های دوستی و تجارتی این دولت با دول فرانک و ینگ دنیا به امضای میکادو که پادشاه روحانی است و حقیقت سلطنت بااوست. اما مرئی نمی‌شود و طیقون پادشاه جسمانی که فی‌الواقع صدراعظم مستقلی است و بدون امضای میکادو نمی‌تواند عهدنامه‌را امضاء نماید. رفتن اغلبی از اعیان مملکت و رجال دولت به شهر کیتو (۲۱) که مسکن میکادو بود. مجبور شدن طیقون که او نیز از پایتخت که یدو (۲۲) باشد مهاجرت کرده به آنجا رود و به این واسطه هرج و مرج در امور دولت و مخصوصاً در کار تجارت.

منازعه سفاین جنگی انگلیس و فرانسه در جزیره نیفن که متعلق به ژاپن است و بعد از جنگ و شکست دادن شاهزاده که والی آن جزیره بود.

دول متحده معادل سه کرو و سیصد هزار تومان پول ایران به‌طور ترضیه و خسارت از دولت ژاپن مطالبه می‌کند.

سویس:

ایجاد مجلس معظمی در ژنو و حضور مأمورین اغلب دول فرانک

در آن مجلس. مقصود از انعقاد این مجلس ایجاد بعضی از قوانین و قواعد لازمه است به جهت پرستاری و رعایت زخم‌داران و مرضای قشون دول فرنگ که از هر طایفه و ملتی باشند که با هم در صدد مخاصمه و مقاتله برمی‌آیند.

عثمانی:

در افلاق بغداد (۲۳) علاوه بر حق معمول که دولت عثمانی قرار داده والی آنجا قشون می‌گیرد.

شورش و انقلاب در ایالت تونس. نارضائی رعیت از والی به واسطه ایجاد بعضی مالیات فوق‌العاده. برقرار داشتن دوازده هزار قشون همیشه زیر بیرق و به جهت نرسیدن مواجب یاغی‌گری همین دوازده هزار قشون برضد والی. شورش و انقلاب به حدی است که کشتیهای جنگی انگلیس و فرانسه و ایتالیا به جهت حفظ تبعه خود از شر اعراب در سواحل تونس لنگر انداخته‌اند.

طغیان رود نیل در مصر و خسارت زیاد به زراعت.

امتداد خط تلگراف از مصر به بیروت. نیز امتداد خط تلگراف از بغداد به بمبئی و از بغداد به اسلامبول.

تغییر اهالی بلغارستان از ورود طوایف چراکسه به ایالت آنها و سکنی دادن دولت عثمانی این طوایف را در این ایالت.

شورش اعراب در بغداد و شامات. قحطی پول در اسلامبول.

فرانسه:

حبس چهار نفر از اهالی ایتالیا که قصد قتل اعلیحضرت امپراطور فرانسه را داشتند.

در فقره فرستادن قشون به مکزیك، در مجلس پارلمان فرانسه، ایرادات سختی به دولت وارد آورده‌اند.

ملاقات ولیعهد هلاند و ولیعهد بلژیک با اعلیحضرت امپراطور

فرانسه در قصر فونتنبل و ملاقات پادشاه بلژیک درویشی (۲۴). آمدن وزیر جنگ پروسرون در اردوی شالن (۲۵) نزد اعلیحضرت امپراطور فرانسه.

حکومت مارشال ماك ماهون به الجزایر. شورش ویاغی گری بعضی شهرهای الجزایر بخصوص در میان قبایل عرب.
قحطی و گاوگیری سخت در ماچین (۲۶) متصرفی فرانسه. ورود سفرای ژاپن به پاریس.

فوت مارشال پلی سیه ملقب به دوك دمالاکف. برقرار شدن ژنرال بازن سردار فرانسه که در مکزیك بوده به منصب مارشالی. فوت ممیربر معلم معروف علم موسیقی و فوت هاس فیلسوف.

جنگ مابین عساکر فرانسه و ملت مکزیك بانهایت تشدد برقرار است. ارشیدوك ماکسیمیلین برادر اعلیحضرت امپراطور اطریش بعد از رفتن به انگلیس و فرانسه و بلژیک مراجعت به قصر میرامار مسکن خود می نماید. و در آنجا قبول سلطنت و امپراطوری مکزیك را نموده احکام صادر می نماید که معادل شصت کرور و یکصد و شصت هزار تومان پول ایران از قرار صدشش منفعت در سال وزیر مالیه برای مخارج لازمه مکزیك استقراض نماید. در اواخر بهار همان سال به وراکروز (۲۷) بندر مکزیك وارد می شود. ژوآرز رئیس جمهوری مکزیك فرار برقرار اختیار می کند و بعد از ورود، به فاصله قلیلی حکم به ایجاد مدارس در اغلب شهرهای مکزیك شده و میزان و مقادیر را به سبک فرانسه می نمایند.
ملاقات اعلیحضرت امپراطور فرانسه با اعلیحضرت امپراطور روس در شهر نیس از بنادر فرانسه.

مرقس (۲۸):

قتل و نهب طایفه بنی اسرائیل در اغلب شهرهای مرقش. مراده

۲۴- Vichy

۲۵- Chalon

۲۶ - ماچین (سهاچین-چین بزرگ) همان است که به نام هند و چین خوانده

می شود.

۲۷- Veracruz

۲۸ - یعنی مراکش.

تجارتی این دولت با تمام دول فرنگ.

هاند:

در جزایر سوماترا و برنئو زراعت تنباکو و نیشکر و قهوه زاید –
الوصف بد شده است.

بروز وبای شدید در بتاویه.

ینگینای جنوبی:

در مملکت شیلی شهر کپیپ (؟) به واسطه زلزله سختی معدوم
می شود.

بروز کوه آتشفشان جدید مابین بولیوی و شیلی.
منازعه مابین دولت برزیل و اروگای (۲۹).

یونان:

شورش در اغلب شهرها علی الخصوص در پایتخت. نافرمانی اغلب
افواج قشون به صاحب منصبان که در بعضی شهرها ساخلو بودند. انهدام
قلعه جزیره کرفو (۳۰). رفتن عساکر انگلیس از آنجا و ورود عساکر
یونان و تصرف نمودن آن جزیره. دول پروس و اطریش دولت جدید
یونان را به سلطنت ژرژ اول شناختند. راهزنی و شرارت قاطعان طریق
در اغلب نقاط. بی پولی خزانه.

شرح وقایع سال هیجدهم سلطنت اعلیحضرت اقدس
شاهنشاه جم‌جاه خسرو صاحبقران شیدالله تعالی دعایم
ملکه مطابق سنه هزار و دویست و هشتاد و یک هجری
سیچقان نیل ترکی

در تمام این سال خیرمآل، خاطر خطیر همایون متوجه کلیه امور
ورعایت حال جمهور و ترقی و آبادی ممالک محروسه و ولایات معموره و
ترفيه رعایا و ترضیه برآیا بود.

تعزیه و روضه دولتی در تکیه مبارکه سلطنت آباد خوانده می‌شود.
محمودلی‌خان سردار که مأمور سرداری قشون خراسان بود
به حکمرانی استرآباد سرافراز گردید.

میرزا علی محمدخان وکیل فارس پسر حاجی قوام‌الملک به یک
قطعه نشان از درجه دویم سرتیپی به انضمام یک رشته حمایل مخصوص
آن مباہی آمد.

میرزا علی اکبر مشرف کارخانه مبارکه به استدعای عین‌الملک -
خوان سالار به نیابت نظارتخانه سرافراز گردید.

چون سهام‌الدوله حیدرقلی‌خان ایلخانی زعفرانلو با سواره و
جمعیت بجنوردی و خراسانی حسب‌الامر به اردوی استرآباد و گرگان
آمده بود، امیرحسین‌خان ایلخانی را با چند عراده توپ و جمعیتی شایسته
مقرر فرمودند به نواحی بجنورد رفته به حراست آن سامان مشغول باشد.
قلعه ایرافشان از قلاع بلوچستان چون استحکامی داشت اهالی

به سبب اعتمادی که به حصانت آن داشتند همیشه دم از خود سری می زدند، تاچندی قبل که وکیل الملك ابراهیم خان سرهنگ بلوچ را با میرزا - مهدی خان مهندس وقشون مأمور کرده قلعه مزبوره را تصرف و خراب نمودند. در بندر طیس کرمان حسب الامر آبادیها نموده اند. محمد اسماعیل خان وکیل الملك وزیر کرمان به لقب جنابی مفتخر گردید.

پاشا خان امین شوری ملقب به امین الملك شد. موکب همایون در این اوان که ابتدای گرمای دارالخلافه است تشریف فرمای بیلاق شهرستانک و شکرآب می باشد. شب ششم شهر صفر عید مولود مسعود همایون را در تمام بلاد ممالك محروسه باشکوهی تمام گرفتند.

جناب سپهسالار که باقشون ظفرنمون مأمور تنبیه تراکمه کوکلان ویموت بودند چون به چمن کالپوش رسیدند، تراکمه کوکلان که دوسه سال بود دم از خود سری می زدند مضطرب شده پنجاه وشش نفر از رؤسای آنها به اردو خدمت جناب معزی الیه آمده اظهار عجز وطلب عفو نمودند ومنتقبل شدند که آنچه مالیات ایشان عقب افتاده با آنچه در راه خراسان از اموال عابرین به سرقت رفته تقدیم نمایند.

حکومت یزد را به دوستعلی خان معیر الممالك واگذار فرمودند و معزی الیه محمدخان پسر قاسم خان والی گیلان را به حکومت و میرزا - محمد حسین خان تفرشی را به وزارت آنجا معین نمود.

محمدخان امیر تومان به یک قطعه نشان تمثال همایون سرافراز گردید.

عبدالعلی خان ادیب الملك پیشخدمت خاصه و حاکم قم بنابر خدمات او به یک قطعه نشان از درجه دویم سرتیپی مفتخر گشت.

صندوق عدالت حسب الامر وضع و درمیدان ارگ آن را قراردادند که هرکس عریضه ای به حضور همایون دارد در آن صندوق بیندازد.

خانعلی خان سرتیپ به حکومت درجزین و سرتیپی فوج مخبران قراگوزلو سرافراز شد.

امیرزاده انوشیروان میرزا به سرتیپی سواره باجلان و بختیاری و فوج سیلاخوری نایل آمد.

عزیز خان سردار کل پیشکار آذربایجان، بقعه عین علی و زین علی را حسب الامر می سازد. بقعه شیخ شبستر را نیز مرمت می کنند.

چون جناب ناصرالملک مشیر خاص حضور همایون، وزیر مختار وایلچی خاص دولت علیه مقیم دربار دولت انگلیس، سابقاً محمدعلی خان نایب اول سفارت را روانه دارالخلافه کرده و از حسن خدمات مشارالیه اظهار رضامندی نموده بود، لهذا معزی الیه به اعطای منصب سرتیپی از درجه سیم مفتخر گردید.

میرزا محمدخان کارگزار خارجه سابق استرabad به کارگزاری خارجه گیلان سرافراز شد.

محمدحسن خان پیشخدمت خاصه به حکومت گلپایگان و خوانسار برقرار آمد.

جناب سپهسالار و سردارانی که با ایشان همراهند چنان که ذکر شد متوجه نظم صفحات گرگان و تنبیه طوایف تراکمه یموت و کولان که دم از خودسری می زنند می باشند. این اوقات حیدرقلی خان - سهام الدوله ایلخانی و سلیمان خان افشار سرتیپ اول و مصطفی قلی خان - قراگوزلو سرتیپ اول و حبیب الله خان تنکابنی (ساعداالدوله) سرتیپ اول و صفرعلی خان سرتیپ شاهسون اینانلو را از اردوی بزرگ خود، جناب سپهسالار مأمور تدمیر بعضی طوایف نموده در سنگر غائی که بسیار جای سختی است فتح نمایان کرده اند و طایفه غائی را تنبیه کامل نموده طوایف دیگر را نیز سرداران دیگر مغلوب ساختند. خود جناب سپهسالار نیز بعضی از طوایف یموت را مخدول کرده اند. سیصد سوار ترکمن نیز به سرداری پسر محمد شیخ و دوسه نفر سردار دیگر به تاخت محال باخرز به خراسان آمده بودند آنها نیز منکوب قشون ظفرنمون ساخلوی خراسان و منهزم شده اند.

آقا رجب به منصب رخت داری البسه خاصه سرافراز گردید.
عبدالعلی خان ادیب الملک پیشخدمت خاصه به نیابت وزارت عدلیه عظمی مفتخر آمد.

حسینقلی آقا به نشان از درجه اول سرهنگی مباحی گشت.

راه مازندران را که مسیو کاستگر مهندس نمساوی مشغول ساختن آن بود به اتمام رسیده و از طرق سهل المسالك وسیعه گردیده است.

مؤکب همایون در ماه ربیع الثانی تشریف فرمای صفحات کجور و سواحل بحر خزر شدند و در مراجعت از راه کلاردشت که راه مسیو کاستگر به آنجا تقاطع می نماید از کناره رودخانه چالوس قطع منازل فرموده هشتم ماه جمادی الاولی قصر سلطنت آباد محل نزول اجلال خسروانه گردید.

دریاچه ای در میدان توپخانه قدیم حسب الامر ساختند و آب قناتی که به توجه خاطر خطیر مبارک احداث شده و از عمارات سلطنتی می گذرد تماماً به حوض مزبور داخل می شود و از اینجا به محلات شهر و حوض سبزه میدان می رود و بعدها در تمام فضای این میدان، به استثنای راه عبور و مرور، باغچه ها طرح و اشجار غرس و گل کاری می شود.

چون جناب میرزا محمدخان سپهسالار در سرحد گرگان چنان که ذکر نمودیم خدمات شایان کرده بود یک حلقه انگشتی الماس برلیان بسیار گرانبها برای جناب معزی الیه انفاذ فرمودند.

میرزا مصطفی خان بهاء الملك به وزارت دیوان عدالت منصوب گردید.

میرزا مصطفی وکیل لشکر به یک قطعه نشان از درجه سرتیپی سرافراز شد.

حسین خان سرتیپ فوج منصور قراگوزلو به یک قطعه نشان از درجه سیم سرتیپی و حمایل مخصوص آن مفتخر گردید.

میرزا غفارخان صدیق الملك - که بعد از مراجعت جنرال منکوئیس از جانب سنی الجوانب همایون به جهت ادای تهنیت و تبریک تفویض منصب جانشینی ممالک قفقاز به نواب جانشین مأمور تغلیس شده بود - خدمات خود را در محل مأموریت انجام داده مراجعت به دارالخلافه نمود.

جناب محمودخان ناصرالملک وزیر مختار دولت علیه مقیم لندن موقه اجازه شرفیابی به دربار همایون حاصل نموده و میرزا سلیمانخان مستشار سفارت پاریس به رسم شارژ دافری مقیم پاریس و لندن و مؤلف به سمت نیابت دوم سفارتخانه دولت علیه مقیم دربار دولت فرانسه خواهد بود.

سیم تلگراف که باید از بندر بوشهر الی خانقین امتداد یابد به دارالخلافه وصل شده واز دارالخلافه با صفهان و شیراز و بوشهر و بمبئی

مخابره دایر است. همچنین سیم تلگراف که از طهران به استراباد می کشیدند به محل مقصود یعنی به استراباد رسیده است.

نواب والاملك آرا به حكومت بر جرد برقرار و هوشنگ میرزا پسر نواب معزی‌الیه به نیابت حكومت رفت.

میرزا یوسف‌خان که در مأموریت کارپردازی حاجی ترخان و شارژدافری پترزبورگ و جنرال قونسولگری (۱) تفلیس خدمات لایقه کرده بود به يك قطعه نشان از درجهٔ دویم سرتیپی و حمایل مخصوص آن سرافراز شد.

حاجی محمدبن آدم ساکن میناب بندرعباسی به لقب ناظم‌التجاری بندرعباسی و نشان از درجهٔ چهارم شیر و خورشید سرافراز گردید. عزیزخان سردارکل پیشکار آذربایجان درچمن گاوکان - که از بلوکات مراغه است - اردوئی مرکب از شش هفت هزار نفر سرباز منعقد نموده حضرت اجل اکرم شاهنشاه‌زادهٔ والا ولیعهد دولت علیهٔ ایران سلطان مظفرالدین میرزا حکمران آذربایجان با کارگزاران قلمی و نظامی آن مملکت به اردوی مزبور تشریف‌فرما گردیده قریب يك ماه در آن اردو به تعلیم و مشق مشغول بودند، لهذا يك ثوب قبای نظامی سر و دست و یقه مروارید از ملابس تن‌پوش مبارك به افتخار سردارکل از جانب سنی‌الجوانب همایون انفاذ گاوکان شد و بعد از انقضای اردو و مرخصی افواج، حضرت مستطاب شاهنشاه‌زادهٔ معظم ادام‌الله اقباله‌العالی به شهر تبریز مراجعت فرمودند.

شب ششم جمادی الاولی، در رشت بادی سخت وزیدن گرفت و رعد و برق شدید بعضی ابنیهٔ کهنه را خراب و اشجار قویمه را از پا در انداخت بلکه موجب حدوث امراض غریبه نیز گردید.

سردارانی که در اردوی جناب سپهسالار بودند و مأمور به تدمیر طوایف یاغیهٔ تراکمه به‌اترك رسیده جمعی از اشرار قراقچی و پانصد ششصد خانوار طوایف اترک‌نشین که سابقاً از در اطاعت درنیامده بودند سربه‌ربقهٔ مطاوعت و تمکین نهاده و سائرین که در مقام مقابله و مقاتله

بودند به‌سزای خود رسیده‌اند. مدرسه بسیار بزرگ مستحکمی که در اترك و مأمن طاغیان بود خراب کرده هشت هزار قشون زنده نیز مأمور گمش تپه شده کار آنجا را نیز منظم و مدرسه گمش تپه را که به‌طور قلعه محکمی بنا شده بود یکسان نموده و اهل گمش تپه به‌راه فرار رفتند. بعد از آن که تمام آن حدود مصفی گردید جناب سپهسالار به‌دارالخلافه باهره معاودت نموده شرف اندوز خاکپای مبارك گشته به‌اعطای يك قطعه نشان اقدس مكلل به‌الماس باحمایل آن رتبه سربلندی و اختصاص یافتند و مخاطب به‌خطاب سپهسالار اعظم گردیدند.

مسیوجان داودخان سرتیپ و مترجم اول دولت علیه به‌يك قطعه نشان از درجه اول سرتیپی با حمایل مخصوص آن سرافراز و پسرهای اودشیر (؟) و اناپول (؟) به‌لقب خانی نایل گردیدند.

چون از خدمات میرزا معصوم منشی مهام خارجه آذربایجان، میرزا عبدالوهاب خان نایب‌الوزارة (جناب نصیرالدوله) اظهار رضامندی نمودند به‌اعطای يك قطعه نشان سرهنگی از درجه دویم سرافراز گردید. میرزا آقای منشی و امین تذکره کردستان به‌يك قطعه نشان از درجه سیم سرهنگی مفتخر آمد.

چون اغلب خطوط تلگرافی ممتده از بندر بوشهر الی سرحد خانیقین به‌معیت و استادی میجر شامپین و سایر صاحب‌منصبان انگلیس به‌اتمام رسیده و به‌هم وصل شده قرار نامه‌ای مشتمل به‌چهار فصل به‌تاریخ شهر جمادی‌الثانی به‌امضای وزارت علوم و سفارت انگلیس بین‌الطرفین مبادله شده که صورت آن از قرار ذیل است:

صورت قرارنامه مابین وزارت امور خارجه و سفارت دولت انگلیس

قرارداد برای تکمیل فصل چهارم قرارنامه مورخه ماه دسامبر ۱۸۶۲ مطابق شهر جمادی‌الثانی ۱۲۷۹.

فصل اول:

عالی‌جاه مجدت همراه میجر شامپین بابیست و هشت نفر از اجزای حاضره خود یا کمتر از روز افتتاح تلگراف ایران تا مدت پنج ماه

به صوابدید نواب مستطاب اعتضادالسلطنه وزیر علوم یا کسی که به جای ایشان باشد مشغول نظم و تعلیم تلگراف دولت ایران از خانقین الی دارالخلافه و از دارالخلافه الی بوشهر خواهد بود.

فصل دوم:

بعد از انقضای مدت پنج ماه، عالی‌جاه مجدت همراه میجرشامپین واجزای او تلگراف مابین بوشهر و خانقین را به صاحب‌منصبان دولت ایران واگذار و به کلی تخلیه خواهند کرد.

فصل سیم:

یک نفر صاحب‌منصب انگلیس، بعد از مراجعت اجزای مزبوره از سر تلگراف ایران، با دونفر از اتباع خود، تامت ده ماه در دارالخلافه طهران متوقف و مواظب حفظ نظم تلگراف که در مدت پنج ماه به سعی و اهتمام عالی‌جاه میجرشامپین و اجزای او حاصل شده بود خواهد شد و عنداللزوم، به اطلاع نواب مستطاب اعتضادالسلطنه وزیر علوم، از اتباع مزبور با احکام لازمه دولت ایران برای سرکشی تلگراف به طول امتداد آن هر جا که ضرورت نظم اقتضا نماید مأمور خواهند کرد و باز مراجعت به دارالخلافه خواهند نمود و اگر دولت انگلیس قبل از تکمیل ده ماه مزبور صلاح بداند که آن صاحب‌منصب را با دونفر اتباع خود از ایران بردارد مختار خواهد بود.

فصل چهارم:

شرایطی که برای اختیار عالی‌جاه میجر شامپین در مدت پنج ماه مزبور معین می‌شود از قرار فصول آتیه خواهد بود:

اولاً: نواب مستطاب اعتضادالسلطنه وزیر علوم یا هر کس را که به حکم همایون به جای ایشان باشد باید رئیس کل تلگرافهای دولت ایران دانست و امر مزبور را سپرده به ایشان.

ثانیاً: به جهت این که رشته سیم تلگراف بندر ابوشهر و دارالخلافه طهران و خانقین درست به کار بیفتد به سرکاری و صوابدید عالی‌جاه نجدت و مجدت همراه میجر شامپین مهندس خاصه اعلیحضرت پادشاه انگلستان واگذار شده است.

ثالثاً: هر حکم که نواب مستطاب اعتضادالسلطنه وزیر علوم در باب حفظ سیم واستعمال آن و مأمورین ایرانی آن صادر می نماید به توسط و صوابدید عالی جاه میجر شامپین صادر خواهند کرد.

رابعاً: در باب حفظ سیم باید تمام مسافت از سرحد دولت عثمانی الی بندر بوشهر شهر به شهر بدین موجب به شش قسمت تقسیم شود: از سرحد دولت عثمانی الی همدان، از همدان الی دارالخلافه، از دارالخلافه الی کاشان، از کاشان الی اصفهان، از اصفهان الی شیراز، از شیراز الی بندر بوشهر. نواب مستطاب اعتضادالسلطنه برای هر قسمی یک صاحب منصب ایرانی مأمور خواهند فرمود و او باید از عهده حفظ آن قدر سیمی که در قسمت او واقع شده است در خدمت نواب مستطاب اعتضادالسلطنه برآید و به جهت این که صاحب منصب ایرانی مذکور یا یاور درست از عهده خدمات خود برآید عدد معینی از سوار که در حکم او باشند در عرض راه مقیم خواهند شد و یاور مذکور البته صوابدید آن صاحب منصب انگلیس مباشر نظم را که درباره محافظت سیم اظهار نماید قبول خواهد نمود و مبنای کار در این موارد بامکان و عادت ایران خواهد بود.

خامساً: نظم و تعلیم تلگرافخانه ها فقط سپرده به صاحب منصبان مباشر انگلیس خواهد بود و کار کردن تلگرافخانه ها یعنی نظم و تعلیم در عهده آنها خواهد بود و به تلگرافچیان ایرانی باید قدغن شود که به دستورالعمل صاحب منصبان مباشر انگلیس که در آن خصوص می دهند اطاعت تمام نمایند و چون بعد از باز شدن سیم دستورالعملی برای انتظام کار و تعیین تکالیف تلگرافی عموماً لازم خواهد بود لهذا مادام که عهدنامه تلگرافی مابین دولتین ایران و انگلیس مبادله نشده است موقتاً رجوع خواهد شد به قواعدی که دولت ایران با دولتهای دیگر از روی قرارنامه بروکیل امضا کرده در همه دولتها معمول است به استثنای قیمت تحریرات دایره بین الدولتین که برای هریست کلمه یا کمتر از خانقین الی بوشهر و از بوشهر الی خانقین یک تومان و پنج هزار و چهارصد دینار ایرانی یا چهارده شلنگ انگلیسی حساب خواهد شد و به شهرهای واقعه در مسافت مزبوره نیز به همین نسبت قسمت خواهد شد و دولت علیه ایران عجله تا انعقاد معاهده تلگرافی مابین خود و دولت انگلیس در

قیمت تحریرات از بوشهر تا هندوستان و از خانقین تا اسلامبول و اروپا فقط در تحریرات دایرهٔ مابین این دو دولت همین قرارداد اخیراً تعرفه را که فی‌مابین دولتین انگلیس و عثمانی عهداً برقرار شده است امضا خواهند نمود و در مدت این پنج ماه رواج پوند از قرار بیست و دوهزار دینار و ده پول رایج ایران خواهد بود.

سادساً: مأمورین ایرانی تلگرافخانه‌ها در صورتی که متابعت ننمایند و مصدر خلافی شوند نواب مستطاب اعتضادالسلطنه - چنان که در فصل پنجم مقرر است - برعهده می‌گیرند که حقاً در حمایت اختیار صاحب - منصبان مباشر انگلیس نهایت کوشش را فرمایند و از آن طرف عالی‌جاه میجر شامپین برعهده می‌گیرد که به هیچ وجه از اندازهٔ آن اختیار تجاوزی نشود.

سابعاً: صاحب‌منصبان انگلیس به هیچ وجه در اخذ رسومات کاری ندارند. يك نفر میرزا در هر تلگرافخانه بدون واسطه به نواب مستطاب - اعتضادالسلطنه حساب رسومات را خواهد داد.

در دارالخلافة طهران به تاریخ پانزدهم شهر رجب‌المرجب سنه ۱۲۸۱ مطابق پانزدهم ماه دسامبر سنه ۱۸۶۳.

حضرت شاهنشاهزاده اعظم‌والایمین‌الدوله حکمران فارس به يك قطعه گل کمر مرصع به الماس برلیان مفتخر و در نظام به منصب و نشان سرهنگی مخصوص و میرزا محمد قوام‌الدوله پیشکار حضرت معظم‌الیه - والادام اقباله‌العالی به لقب و خطاب جنابی سرافراز گردید.

میرزا عبدالوهاب مستوفی گیلان به منصب استیفای دیوان همایون برقرار آمد.

میرزا مسیح وزیر مازندران به اعطای يك قطعه نشان سرتیپی با حمایل آن مباحی گشت.

قنات سابق بهبهان که شهر را مشروب می‌داشت و چندی بود به واسطهٔ خرابی آب آن به شهر نمی‌آمد، تنخواه نقدی به امیرزاده سلطان اویس میرزا حاکم بهبهان و کوه‌گیلویه مرحمت شد که آن قنات را تنقیه نموده مجدداً جاری کنند.

به تاریخ بیست و چهارم شهر شوال رای صواب نمای ملوکانه بعضی

تغییرات در امور دولتی داده دستخط آفتاب نمط حاوی آن مطالب شرف صدور یافت که صورت آن تیمناً دراین محل درج می‌شود:

صورت دستخط جهان مطاع مبارک

اصل مهمام دولتی عبارت از وزارتخانه‌های سه گانه عسکریه و مالییه و خارجه است که اگر انتظام آنها بوجه کمال باشد باقی شعبه‌های امور دولت بروفق صواب خواهد بود و امروز اداره مهمام وزارت‌های ثلاثه هریک در دست یکی از چاکران بزرگ دربار شوکت‌مدار همایون ماست که به حسن کفایت و دولتخواهی هر کدام از آنها، به فضل‌الله تعالی، کمال وثوق و اعتماد را داریم و مراتب عقل و دانش آنها را به تجربت رسانیده‌ایم و اکنون بحمدالله از نظم و پیشرفت مهمام مزبوره کمال اطمینان برای خاطر همایون ما حاصل است و چون با این همه باز واری هریک از امور وزارتخانه‌ها و غیره را از چند سال تا به حال نظر به مصالح ملکیه به نفس نفیس همایون خود می‌فرمودیم دیگر برای ما فرصت آن باقی نبود که افکار عالیّه ملوکانه را در مهمام خطیره دیگر که خاصه قشون سلطنتی است مصروف داریم به این جهت بسیاری از خیالات بزرگ عالی برحالت تعطیل می‌ماند و الحق دریغ دانستیم که اوقات گرانبهای مازیده براینها در اشتغال به آن امور که بعون‌الله در حوزه توانائی چاکران بزرگ نیز قرار می‌تواند یافت صرف شود، لهذا در ابتدای این سال خجسته فال اودئیل اراده فرمودیم که وقت همایون خود را بیشتر از آن که بود برای خصایص شئون سلطنتی که تنها در تحت اقتدار سلطنت متصور است خالص داریم. به طوری که ملاحظه فرمودیم اصول این معنی در ضمن دو قرار جدید مضر بود: یکی آن که برشان و استقلال این سه وزارت عمده که دارای مهمات امور دولت است بیفزائیم و آنها را در کفالت امور دولت و اجرای خدمات ملک و ملت متفق و معین یکدیگر قرار دهیم به طوری که از نهایت اتفاق

به منزله شخص واحد باشند. دیگر باوجود دادن امتیاز مزبور به هریک از آنها آن قسمتی را که موقه درید اقتدار خودمان گرفته بودیم به یکی از آنها محول فرمائیم که آن يك نفر علاوه بر ادای تکالیف مختصه خود، با داشتن آن امتیاز بزرگ مخصوص، محل امید و بیم و مرجع تمکین و تسلیم خلائق نیز تواند بود و مردم در موارد رجوع به او تکلیف خودشان را از هر جهت معلوم توانند نمود و به هیچ وجه من الوجوه نقضی در انتظام کلیه امور دولت و تعطیلی در قاطبه مهام ملك و ملت باقی نماند و از طرف دیگر از میان توجّهات ملوکانه که آنّا فنا بعون عنایت خداوندی جل شأنه در کلیات امور دولت مبذول خواهیم فرمود روز بروز برشکوه و اقتدار و ترقیات دولت و امیدواری کافه نوکرهای بزرگ و کوچک از هر سلك و درجه بیفزاید و ان شاء الله تعالی به جائی برسد که در این مدت همیشه مرکوز طبع منیر و پیشنهاد خاطر همایون ما بوده است. بناء علیه به هریک از وزراء مشارالیه به موجب صدور این دستخط همایون کمال استقلال و تسلط را در مشاغل مرجوعه مقرر و مرحمت می فرمائیم به طوری که صوابدید رأی آنها را بیش از پیش موقع قبول ارزانی خواهیم فرمود. مع هذا شخص وجود سپهسالار اعظم را به تفویض شعبه اموری که ما خود موقه و ارسی و توجه همایون بر آنها داشتیم مخصوص و مباهی فرموده از تاریخ صدور این دستخط همایون امر و مقرر می فرمائیم که در کمال استظهار به مراحم ملوکانه و عواطف شامله مامشغول و ارسی امور و مهام ملکیه شده حسن ارادت و بندگی و کمال کفالت و برازندگی خود را در نظر مظاهر سازد و در آبادی مملکت و انتظام امور سپاهی و رعیت و اصلاح احوال حاکم و محکوم و بالجمله در ترویج آنچه عقل و شرع بر آنها داعی و دلیل اند مجاهد موفوره به تقدیم رساند و اغماض از سزای هیچ نیک و بد جایز نداند. می باید شاهزادگان عظام و وزراء کرام و عموم چاکران درباری به مدلول این دستخط مبارک که متضمن صلاح دولت و مملکت است و اراده همایون ما بر آن

تعلق گرفته است عمل نمایند و در عهده شناسند. فی ۲۵ شهر شوال سنه ۱۲۸۱.

بعد از آن که امر وزارتخانه‌های ثلاثه استحکام یافت و آنچه را از مشاغل دولتی به نفس نفیس همایون متوجه بودند به عهده کفالت جناب سپهسالار اعظم واگذار فرمودند يك ثوب جبۀ ترمه دور مروارید شمشه مرصع به جناب سپهسالار اعظم مرحمت فرمودند و جناب مستوفی - الممالك و جناب وزیر امور خارجه نیز هریک به اعطای يك ثوب جبۀ ترمه شمشه مرصع و يك رشته شرابه مكلل به الماس اختصاص یافتند.

حضرت شاهنشاه زاده اجل والاحلال الدوله را از حکومت اصفهان احضار و به حکمرانی مملکت خراسان برقرار فرمودند و نواب والا - مؤید الدوله به کارگزاری و سرپرستی آن سرحد و ثغور و انتظام مهام حضرت شاهنشاه زاده معظم مأمور گردیدند.

حاجی رحیم خان صندوقدار به اعطای يك قطعه نشان تمثال همایون سرافراز گردید.

میرزا فتحعلی خان صاحب دیوان که از اجله چاکران این دولت ابد اقتران است به حکومت عربستان برقرار گردید.

چراغعلی خان سراج المملك به ریاست احتساب دارالخلافه مأمور آمد. میرزا حسن لشکر نویس به مستوفیگری نظام سرافراز شد.

معابر و کوچه‌های دارالخلافه را سراج المملك رئیس احتساب، به دستور العمل جناب سپهسالار اعظم، تنظیف می نماید.

سر رشته داری کل معاملات خراسان را به عهده کفایت حاجی - میرزا محمدرضای مستوفی دیوان اعلی واگذار فرمودند.

**وقایع و سوانحی که در این سال در تمام ممالك
روی زمین و اقطار عالم سانح و واقع شده است**

اتانونی ینگ دنیا:

برقرار بودن جنگ مابین ایالتین جنوبی و شمالی. بیم نقار و جنگ با دولت انگلیس. فتوحات جنرال گراند سردار ایالات شمال و تسخیر اغلب از ایالات و قلمه جات جنوبی. لنکن رئیس جمهوری در روز

چهاردهم ماه آوریل که تقریباً بیست و دو روز از عید نوروز گذشته باشد در یکی از تماشاخانه‌های واشنگتن به دست يك نفر از بازیگرهای سابق تماشاخانه کشته شد. همدستهای او نیز می‌بایست در همین حین جنرال گراند سردار کل را به قتل رسانند ولی مجال نکردند. تآلم و افسوس جمیع مردمان آبرومند، چه درینگی دنیا چه در فرنگستان از این فقره. ژنسن (۱) که در عنفوان جوانی به صنعت خیاطت مشهور بود رئیس جدید شد. جنگ سخت بین‌الطرفین. به دست آوردن ژفرسن دیویس (۲) رئیس ایالات جنوبی که یاغی برای ایالات شمالی شده بودند. نشاختن دولت اتائونی ماکسیمیلین برادر اعلیحضرت امپراطور اطریش را به امپراطوری مکزیك. اتمام جنگ بین ایالات جنوبی و شمالی. مرخص کردن لشکربری و بحری. ایالات شمالی در این مدت جنگ چه از صدمه جنگ و چه از امراض مختلفه سیصد و بیست و پنج هزار نفر آدم به کشتن داده بودند. منازعه مابین سیاه‌ها و سفیدها در اغلب نقاط به اغوای بعضی اشرار. حبس و قید شدید ژفرسن دیویس (۲) رئیس ایالات جنوبی. نقار دولت اتائونی بانگلیس به واسطه اعانت‌هایی که به ایالات جنوبی شده است. قشونی که در اوایل این سال به دو کرور نفس می‌رسید در اواسط سال زیاده از دویست هزار نفر نبود و هشتاد و پنج هزار از این عدد سیاه بودند. نیز در اوایل سال، پانصد و سی کشتی جنگی بود که در آنها سه هزار توپ و پنجاه هزار قشون بحری بود و در اواسط سال این عده رسیده بود به صد و هفتاد کشتی جنگی و هشتصد و سی توپ و دوازده هزار قشون بحری. قروض اتائونی به واسطه این جنگ تقریباً دو هزار و هفتصد کرور ایران است.

افتتاح مجلس پارلمان اتائونی در زمستان و اول مسئله‌ای که طرح شد قبول نکردن مداخله یکی از دول فرنگ در نقطه‌ای از نقاط ینگ دنیا بود و مقصود از این مسئله قشون فرستادن فرانسه در مکزیك و تقویت از سلطنت ماکسیمیلین امپراطور مکزیك می‌بود.

۱- Andrew Johnson اندریو جانسون

۲- درستن: «ژفرسن دیویس». تلفظ صحیح این نام جفرسون دیویس Jefferson Davis

اسپانیا:

بی‌پولی دولت در نهایت شدت. استقراض اجباری از رعیت که سبب کدورت رعایا شده است. ملکه سه‌قسمت از چهار قسمت املاک خالصه خود را به‌ملت واگذار می‌کند که به‌فروش برسانند و حاصل آن‌را به‌قرض عمومی بدهند. شورش در مادرید و درایالت والانس. جلای وطن دادن ژنرال پریم (۳) و دوباره او را احضار کردن. مسافرت ملکه در ایالات شمالی و خوب نپذیرفتن رعیت او را.

وبای سخت در جزیره مادرید.

آفریقا:

صدمه و اذیت نسبت به‌طایفه یهود در مملکت مرقش. شورش سخت در جزیره ماداگاسکار.

تادرس (۴) پادشاه حبشه کاپیتن کامرون قنصل انگلیس و جمعی از تبعه انگلیس را که در حبشه بودند محبوس و مغلول می‌نماید.

آلمان:

دولتین اطریش و پروس به‌واسطه تصرف ایالتین اسلشویک و هلستن که تازه از دانمارک به‌زور گرفته‌اند با یکدیگر در مقام منازعه هستند. پروس خیال دارد که تماماً خود متصرف شود. اطریش به‌واسطه بعد مسافت از مملکت خود چون نمی‌تواند تصرف کند به‌این خیال است که ایالتین مذکورتن را یکی از دول متعلقه آلمان محسوب دارد. پرنس فردریک شارل و ژنرال ملکو از طرف دولت پروس برای قرار و مدار این فقره به‌وین پایتخت اطریش می‌روند. کیل که یکی از بنادر ایالتین مذکورتن است بندر نظامی پروس می‌شود. مسیو بیژمارک و ژنرال رون در مجلس شورای پروس به‌طور صراحت می‌گویند باید کیل در تصرف دولت پروس باشد و حفظ حدود و ثغور آلمان را دولت پروس از این سمت بنماید و دولت پروس را قصد این است حاصلی که از دانمارک بالشراکه با اطریش برده بتمامه خود متصرف شود و چون دولت اطریش تمکین به‌این مسئله نمی‌کند، پروس تهیه می‌بیند که با او جنگ کند. بعد

۳ - متن : «پرین». نام صحیح وی پریم prim است.

از وساطت و میانجی گری دول ساکس و باویر و غیرهما عهدنامه گاستن (۵) منعقد می شود و در سالس بورگ سلاطین اطریش و پروس بایکدیگر ملاقات نموده مقرر داشتند که ایالتین را به این قسم تقسیم کنند: ایالت اسلشویک تمام از پروس و هلستن از اطریش باشد. فی الواقع بعد از این تقسیم منافع کلیه را دولت پروس برد. مسیو بیزمارک ملقب به «کنت» (۶) شد و به فرانسه سفر کرده با اعلیحضرت ناپلیون سیم ملاقات نمود. وزیر جنگ پروس عدد قشون را به دو بیست و دوازده هزار نفر رسانید. بنای ساختن کشتیهای جنگی در کیل (۷) به توسط پروس. دولت اطریش به جهت وحشتی که از پروس دارد اهالی مجارستان و بعضی ایالات دیگر را که آلمانی نیستند و در تحت سلطنت اطریش می باشند از آنها جذب قلوب می نماید. پسر دویم اعلیحضرت پادشاه انگلستان پرنس آلفرد که بیست و یک سال از سنش رفته است به سمت ولیعهدی ایالت ساکس کبورگ که عمویش در آنجا والی است و اولادی ندارد منصوب می گردد.

دکتر بارت که از مسافرین (۸) آلمان است که به مراکز آفریقه رفته بود در برلن فوت می کند.

انگلیس:

در مجلس پارلمان به دولت تکلیف می کنند که مداخله در امور فرنگ وینگی دنیا به هیچ وجه نکند. ازدیاد عدد سفاین جنگی انگلیس. مختصر شورش در ایرلند. مال مرگی در انگلیس به طور سخت که از سمت روسیه و مجارستان سرایت کرده است. بدی زراعت در اغلب نقاط. بروز طایفه فنیان در ایرلند که به منزله کمونیستها و بایبها باشد. حبس اکثری از ایشان و قتل بعضی.

•- Gastein

۶- کنت به منزله خان است (اع).

v- Kiel

۸- «مسافرین» ترجمه نادرستی است و بهتر آن بود که کاشفین نوشته می شد. دکتر هانری بارت از کسانی است که برای کشف مناطق مجهول مانده آفریقای مرکزی سالها رنج برده (۱۸۲۱ تا ۱۸۶۵).

فوت لردپالمرستون صدراعظم در سن هشتادسالگی. صدارت لرد روسل به سن هفتادوسه سالگی. وزارت امور خارجه لرد کلارندن. وحشت دولت انگلیس که مبدا کانادا که از متصرفات اوست در ینگى دنیا براو بشورند. شورش سیاهپوستان در ژامائیک متصرفی انگلیس. حبس و قتل اغلب از سیاهها.

ایجاد چراغ گاز در کوچه‌های بمبئی. جنگ در ایالت بوتان هند. شورش مردم در نول زلاند. اما ملکه جزایر ساندویچ مسافرت به انگلیس می‌نماید.

ایتالیا:

تغییر پایتخت و نقل آن از تورن (۹) به فلورانس خیلی سبب کدورت اهالی تورن شده است. افتتاح راه آهن که از تورن مستقیماً به بندر برندیزی می‌روند.

بروز وبا در طرف شرقی و جنوبی ایتالیا.

پرتغال:

ایجاد اکسپوزیسیون عمومی در اپرت یکی از شهرها.

برزیل (ینگى دنیای جنوبی):

اتحاد دولت برزیل و جمهوری اوروگای برضد لوپز رئیس‌جمهوری پاراگای (۱۰) که این ضدیت ابتدای جنگ پنج ساله است. جنگ سخت بین‌الطرفین امپراطور برزیل داماد خود کنت دو (۱۱)، نوه لوئی فیلیپ پادشاه سابق فرانسه را سردار کل می‌نماید. شورش اهالی مملکت پرو بررئیس خود و عزل او. جنگ این دولت با اسپانیا. اتحاد اغلبی از اهالی ینگى دنیای جنوبی برضد اسپانیول.

بلژیک:

مابین وزیر جنگ و یکی از وکلا برسر مسئله‌ای اختلاف شده کار به جنگ طیانچه رسیده و دولت هر دو را به حبس وقید و جریمه تنبیه می‌نماید.

ناخوشی سخت لاوپلت (۱۲) پادشاه وفوت او در سن هفتاد و پنج سالگی. جلوس لاوپلت دویم پسرش در سن سی سالگی. بروز ناخوشی طیفوس به‌طور وبائی و شیوع (۱۳) در این مملکت و سرایتش از هلاند.

چین:

پرنس کنگ از اقوام سلطنت که سمت صدارت داشت در مدت شش ماه مغضوب می‌گردد. یاغیگری سخت در سمت شمال چین. قلعهٔ تاکو را که عساکر انگلیس و فرانسه گرو خسارت جنگ نگاه داشته بودند تخلیه می‌کنند.

دانمارک:

ملاقات سلاطین دانمارک و سوئد با یکدیگر. اهالی دانمارک به پادشاه سوئد آن‌طور که باید و شاید مهربانی نمی‌کنند و جهت کمک نکردن در جنگ اطریش و پروس است.

روس:

شورش لهستان مبدل به نظم گردیده و از آن به بعد جمیع امورات که راجع به لهستان است از مالیه و غیره، به جای این که مثل سابق در ورشو مجلس معینی از برای تحقیق و اجرای آن مطالب باشد، در پترز - بورخ مرکز دولت روس خواهد بود.

مسافرت اعلیحضرت امپراطریس به نیس بندر فرانسه و فوت گراندوک نیکلا پسر اعلیحضرت امپراطور که سمت ولیعهدی دولت را داشت در سن بیست و سه سالگی در این بندر.

فتوحات عساکر روس در سمت خوقند که جز پایتخت خان خوقند سایر ایالات او را به حیطة تصرف درآورده‌اند. فتح تاشکند و سمرقند. منازعهٔ عساکر روس با امیر بخارا.

مراودهٔ تلگرافی از تفلیس به ایروان و نخجوان و ایران.

بروز تبی به هیئت وبائی در سمت سبیر (۱۴) و بروز وبا در سمت جنوب قفقاز.

ژاپن:

سفرای انگلیس و فرانسه و هلاند و اتائونی به طیقون اصرار می نمایند که امضای عهدنامه ای که ده سال قبل از این دول مذکوره با ژاپن بسته اند از میکادو پادشاه حقیقی روحانی مطالبه نماید و چون تهدید ثمری نبخشید سفرای مذکوره با کشتیهای جنگی خودشان بندر ازاکا را معسکر قرار داده به زور اسلحه امضای عهدنامه مزبوره را مطالبه نمودند. طیقون جمعی از نجبای اهل بلد را که از محارم میکادو و مانع امضای عهدنامه بودند گرفته حبس نمود تا امضای عهدنامه مذکوره را گرفت و بعد از گرفتن آن سفرای دول مراجعت به سفارتخانه های خود نمودند.

عثمانی:

شورای خاصی از وزراء که در هر هفته يك بار اجزای این شورا در حضور اعلیحضرت سلطان حاضر شوند.

بروز وبا به واسطه ورود زوار مکه در تمام ممالک عثمانی و سرایتش از راه بغداد به ایران. فقط در اسلامبول در ظرف هفتاد روز سی و پنج هزار نفر تلف می شوند و به واسطه یانقین (۱۵) دوهزار و پانصد خانه طعمه آتش می شود.

والی منتگرو بهوین سفر نموده دوستی دولت اطیش را برای خود می طلبد.

فرانسه:

طبع جلد اول تاریخ ژول سزار قیصر روم از تألیفات اعلیحضرت ناپلئون امپراطور فرانسه.

امیل اولیویه که یکی از وکلای دست چپ و برضد دولت بود مایل

به طرفداری دولت می‌شود. گفتگوی سخت مسیو طیر (۱۶) در مجلس پارلمان برضد دولت که چرا حمایت از ایتالیا نمود. فروش قسمت زیادی از جنگلهای فرانسه که متعلق به دولت بود. خیال دولت در ایجاد يك اكسپوزیسیونی برای دو سال بعد. مسافرت اعلیحضرت امپراطور به الجزایر و نیابت سلطنت امپراطریس زوجة او. ورود امیر عبدالقادر والی سابق الجزایر که در شامات مسکن داشت به مملکت فرانسه. مسافرت اعلیحضرت امپراطور به الجزایر چهل روز طول کشید.

مسافرت اعلیحضرت امپراطور و امپراطریس به سویس. ملاقات خانواده سلاطین فرانسه و اسپانیا در سنت سباستین. ملاقات پادشاه پرتوغال و اعلیحضرت امپراطور در بیاریتس.

بروز وبا در مارسیل بعد به پاریس که از اسکندریه مصر آمده بود. در ظرف يك ماه در پاریس شش هزار و چهارصد نفر مردند. دولت فرانسه دول فرنگ را دعوت می‌کند که در اسلامبول مجلس شورای تشکیل دهند برای حفظ صحت. به این معنی که چون بروز وبا در این سنوات غالباً از سمت حجاز می‌شد و به واسطه زوار سرایت کرده به اغلب بلاد ربع مسکون می‌رسید قراری برای تنظیف و آنچه به جهت عدم سرایت و بروز این مرض لازم است در این مجلس داده شود.

در الجزایر طغیان سیل در بعضی از نقاط خرابی کلی رسانید. فوت مارشال مانیان (۱۷) از سردارهای فرانسه.

مکزیک (از ینگینیا):

ایجاد نشانی موسوم به «عقاب مکزیك».

ایجاد يك دسته قشون داوطلب اطریش و يك دسته قشون داوطلب بلژیکی در مکزیك. جنگ هواخواهان ژوارس رئیس جمهوری سابق مکزیك با امپراطور مکزیك در اغلب نقاط. ژوارس اعلان رسمی می‌کند و خود را همیشه رئیس جمهوری می‌داند و وضع سلطنتی مکزیك را قبول ندارد تا آن که تمام ملت بدون استثناء تصدیق وضع سلطنتی او را بنمایند.

مالیات مکزیك در این سال صد و دوازده ملیان فرانك که معادل بیست و دو کرویر و دویست هزار تومان ایران باشد بود و مخارج دویست و بیست و پنج ملیان که معادل چهل و پنج کرویر تومان ایران باشد. دولت اتائونی وساطت فرانسه را به هیچ وجه قبول نمی کند که وضع سلطنتی را در مکزیك بشناسد.

یئگی دنیای مرکزی:

شورش سخت در سانسال وادر (۱۸) و هندوراس (۱۹).

یونان:

یکی از اعمام پادشاه، پرنس ژول، به واسطه بد رفتاری که به ملت کرده بود، دولت او را از پایتخت جلالی وطن می دهد. تغییر و تبدیل وزراء به حدی که دول فرنگ، یونان را تهدید کردند که اگر این فقره را ترك نکنند در امور داخله او مداخله خواهند کرد.

ایجاد اول کلیسای کاتولیکی در پایتخت.

وقایع سال نوزدهم سلطنت و شهریارى اعلیحضرت
اقدس شاهنشاه جم‌جاه خسرو صاحبقران خلدالله
ملکه و سلطانہ مطابق سنہ هزار و دویست و هشتاد و دو
هجری اودئیل ترکی

در این سال فرخنده فال کلیه امور سلطنت و ترفیه حال رعیت
به اصابت رای مملکت آرای شاهانه زیور کمال داشت.
تعزیه خوانی دولتی در تکیه مبارکه سلطنت آباد شد.
چون بازار اکسپوزیسیونی دربندر بمبئی افتتاح می‌یابد از دولت
علیه در این باب استمداد می‌نمایند.

و لیعهد دولت روس انتقال نموده به واسطه تلگراف اعلیحضرت
همایون اعلیحضرت امپراطور روس را تسلیت گفته و از جانب اعلیحضرت
امپراطوری جوابهای مودت‌آمیز اظهار می‌شود.

علینقی‌خان سرتیپ فوج سیم کزازی به منصب سرتیپی دویم
سرافراز گردید.

افواج گروسی مقرر شد منحصر به یک فوج تمام باشد که عبارت
از یک هزار و صد نفر است و آنچه علاوه بر این عده است معاف باشند.
بر قفسهای طیور و وحوش که برای تعلیم و تعلم علوم طبیعی
در باغ لاله‌زار ساخته بودند افزوده و رونقی دارد.

پانصد سوار از تراکمه مروی به عزم تاخت صفحات خراسان آمده
بودند و یکی از قرای قاین را تاخته سردار عبدالباقی‌خان که شهاب -
الملک او را با سیصد نفر سوار به حراست سرحدات جام فرستاده بود خبر
شده آنها را تا کنار رود هرات تعاقب کرده آنها آنچه را به غارت برده

با اموال خود به کنار رودخانه گذاشته خود به آب زدند و چون آب رودخانه طغیان کلی داشته غرق و روانه دیار عدم گردیدند و متروکات آنها به تصرف عساکر منصوره درآمد. سواران شاهیسون اینانلو و خراسانی نیز تراکمه قریاب و سایر اشرار آن صفحات را تدمیری به سزا نموده اند.

در قریه قراکول کردستان از قرار مذکور مرغابی عظیم الجثه ای با گلوله زده اند که پنجمین آرد در پوست سر آن و هجده من در پوست بدن آن جای داده اند.

در نصرت آباد کرمان زلزله شدید شده و قلعه قدیم آنجا را منهدم ساخته ولی قلعه جدید بنا بر رزانتی که دارد محفوظ مانده است. موکب همایون روز بیست و پنجم محرم چون هوای این صفحات گرم شده بود به طرف لار و فیروزکوه انتهاز فرمود.

نواب والاعضدالدوله را به حکومت قزوین مأمور فرمودند. میرزا موسی وزیردارالخلافه که هشتاد و چهار سال عمر کرده بود شب نوزدهم محرم مرحوم شد.

این اوقات دستخطی به افتخار جناب سپهسالار اعظم میرزا - محمدخان شرف صدور یافت که سواد آن از قرار ذیل است:

صورت دستخط جهان مطاع مبارک

«نظم دارالخلافه طهران و توابع آن از عمل خالصه جات دیوانی و غیره را از تاریخ بیست و سیم محرم الحرام سنه ۱۲۸۲ اودئیل و مابعدا به سپهسالار اعظم محول و موکول فرمودیم و نیک و بد کل امور دارالخلافه را از ایشان می خواهیم».

چون حاجی قوام الملك متولی باشی سرکار فیض آثار امام ثامن - علیه السلام در شانزدهم محرم داعی حق را لبیک اجابت گفت میرزا - محمد حسین عضد الملك که به این خدمت مسبوق بود به منصب متولی باشیگری آن آستان مفتخر گردید.

جناب میرزا حسین خان وزیر مختار وایلچی مخصوص دولت

علیه مقیم دربار عثمانی را به لقب نبیل مشیرالدوله ملقب فرمودند.
پاشا خان امین‌الملک و میرزا هاشم خان امین‌خلوت را از خلوت
خاص خارج فرمودند.

تحویلداری وجوه خاص صرف جیب مبارک به یحیی خان آجودان
مخصوص حضور همایون مرحمت شد.

تفنگداری وریش سفیدی و ریاست خلوت خاص به علاوه منصب
مهرداری مهر مبارک به اعتماد‌الملک آقامحمدحسن صندوقدار سابق
اختصاص یافت.

اسلحه‌خانه و کتابخانه مبارک به حاجی رحیم خان صندوقدار حالیه
سپرده شد.

تحویلداری ورقه دولتی مخصوص آقا علی امین حضور پیشخدمت
خاصه گردید.

سرتیپی سواره ایلات قزوین که سابقاً به عهد محمد رحیم خان
سرتیپ‌زند محول بود و چندی از این منصب عاطل، در ثانی به مشارالیه
محول گردید.

راه گیلان به عراق و پلهای عرض راه و چاپارخانه‌های جدید را
که حسب الامر می‌ساختند به اتمام رسیده.

موکب همایون که تشریف فرمای لارو فیروز کوه بود پانزدهم
ربیع‌الاول عود به نیاوران فرمود.

نواب والا اعتضاد السلطنه وزیر علوم به یک قبضه شمشیر مرصع
مفتخر گردید.

حکومت خوی را به اسکندر خان سردار مرحمت فرمودند.

هزار و هشتصد نفر سوار از تراکمه مرو و ساروق به عزم تاخت
سرحدات خراسان آمده بودند ولی از استعداد سپاه منصور که در آن
حدود ساخلو می‌باشند خبر شده بی‌نیل مقصود باز گردیدند.

چند دستگاه اسباب ساختن کالسکه که جعفرقلی بیک نایب
کالسکه‌خانه دولتی از مملکت روس خریداری نموده وارد سرحد ایران
کرده است.

جناب علاء الدوله در امور حکمرانی ولایات خمه ساعی‌اند و

نسق خالصه آنجا را در کمال خوبی و دقت می نمایند.
نواب والاحسام السلطنه مأمور حکمرانی مملکت فارس گردید و
حضرت اجل افخم شاهنشاهزاده والایمین الدوله به جهت عروسی وانجام
امر خیر ایشان احضار به دار الخلافه شده اند.

امیرالامراء العظام حاجی محمدقلی خان قاجار به ندیمی حضور
همایون مباهی گردید.

ریش سفیدی عمله خلوت خاص همایون به حاجی محمدخان -
حاجب الدوله فراشباشی اختصاص یافت.

منصب امام جمعگی مشهد مقدس را به میرزا هدایه الله ولد مرحوم
حاجی میرزا عسکری امام جمعه مرحمت فرمودند و میرزا اسدالله برادر
کوچکتر معزی الیه به نیابت او برقرار گردید.

امیرزاده بدیع الملک میرزا ولد نواب والاعمال الدوله از جانب
نواب معظم الیه به حکومت لرستان رفت.

کتاب «گنجینه» مرحوم میرزا عبدالوهاب معتمد الدوله طبع شده
به فروش می رسد.

کتابچه قانونی برای انتظام نظام ظفر فرجام حسب الامر جناب
سپهسالار اعظم وضع و ترتیب داده مقرر فرمودند که طبع شود و از همان
قرار رفتار کنند.

موکب همایون روز ششم شهر ربیع الثانی به جهت حدت گرمای
شمیران تشریف فرمای بیلاق شهرستانک شده روز بیست ونهم این ماه
معاودت به سلطنت فرمودند.

حکومت ارومی را به نواب شاهزاده معین الدوله واگذار نمودند.
محمد اسماعیل خان وکیل الملک وزیر کرمان به لقب جلیل سرداری
ملقب گردید.

یحیی خان آجودان مخصوص حضور همایون به اعطای یک قطعه
نشان از درجه اول سرتیپی سرافراز آمد.

میرزا قهرمان مستوفی نظام آذربایجان به لقب مشیر لشکری مفتخر
گردید.

میرزا اسدالله خان نایب الحکومه ملایر و نویسرکان به منصب نیابت

دوم وزیر علوم و لقب مقرب‌الخاقانی مباحی آمد.

نور ویردی‌خان ترکمان با سه‌چهار هزار نفر جمعیت قصد تاخت و تاز دره‌جز و آن حدود را نموده بود ولی استعداد قشون ظفرنمون مانع نیل مرام آنها شده متفرق گردیدند.

ملخ زیادی به کرمان آمده اوراق اشجار را به کلی خوردند ولی عجایب آن که درختهای عریان دوباره برگ و شکوفه آوردند.

موکب همایون روز سیم شهر جمادی‌الآخرة از بیلاق شمیران تشریف‌فرمای دارالخلافة گردید.

بعد از وضع میدان ارگ و طرح حوضی وسیع در آن و غرس دوباغ در دو طرف حوض و نصب ستونهای سنگی به فاصله چهار ذرع جلو باغها و محجر چوبی در فواصل ستونها، محض این که ساحت چنین میدانی از آمد و شد دواب که حمل اجناس می‌کنند مصون باشد، حکم شد در جانب شرقی ارگ همایون دروازه‌ای از خارج صحرا به شهر قرار دهند و خندق شرقی شهر را انباشته با سطح زمین برابر کنند و خیابانی عریض تا دهنه بازار تشکیل دهند و این اوقات این جمله صورت انجام یافته است.

جناب خیرالله افندی وزیر مختار و ایلچی مخصوص دولت عثمانی که در این اوان مأمور اقامت دربار همایون است از اول ورود به سرحد پذیرائیهای کامله معموله از جناب معزی‌الیه نموده باتشریفات لایقه وارد دارالخلافة باهره گردید.

یحیی‌خان آجودان مخصوص حضور همایون به اعطای يك قطعه گل کمر مرصع مفتخر گردید.

راه هزارچم مازندران که از مسالك صعبه بود و در سال گذشته کاستگرخان مهندس نمساوی به ساختن آن راه مأمور شده بود، این اوقات این خدمت را به انجام رسانیده و نهایت مایه آسایش عابرین گردیده. حاجی میرزا یحیی‌خان نایب بلده نور و کجور نیز در امداد کاستگرخان به انجام خدمت مزبوره مساعی وافیه نموده است.

مصطفی‌خان سرتیپ اول که در سفر گرگان خدمت کرده بود به منصب جلیل امیرتومانی سرافراز شد.

نواب شاهزاده عضدالدوله حکمران قزوین به يك قطعه نشان از درجهٔ دویم سرتیپی نایل گردید.

محمد صالح خان سرتیپ سیم چون در مأموریت سیستان خدمت نموده به منصب سرتیپی دویم سواره برقرار آمد.

علی خان پسر نظام الدوله به منصب سرتیپی سیم مفتخر گردید.

چون سابقاً آب جاری در شهر رشت نبود و اهالی بدین جهت گرفتار عسرت بودند، این اوقات امیرالامراء العظام محمد قاسم خان والی گیلان برای عمارت مبارکهٔ ناصری نهری حفر نموده محض آسایش و رفاه حال اهالی نهر را به چند شعبه منشعب ساخته هریک شعبه را به محله‌ای جاری ساخته است.

میرزا بزرگ خان به کارپردازی بغداد مأمور گردید.

اعتماد السلطنه حاجی علی خان را به وزارت موقوفات و وظایف ممالك محروسه سرافراز و منصوب فرمودند.

محمد ابراهیم خان سهام الملك به منصب سرتیپی اول مفتخر گردید. یوسف خان سرتیپ اول که در سفر گرگان خدمت کرده بود ملقب به شجاع الدوله شده به اعطای نشان و حمایل سرتیپی اول مباهی گردید.

محمد حسن خان سرهنگ فوج کلهر به منصب سرتیپی سیم نایل آمد.

احمد میرزا پسر امیر تیمور میرزا به منصب نایب آجودانی مرتبهٔ دویم مفتخر گشت.

رستم خان پسر مرحوم میرزا گرگین خان نیز به همین منصب سرافراز شد.

علی اکبر خان پسر حسین خان سرتیپ فوج منصور به منصب نایب آجودانی از درجهٔ سیم برقرار گردید.

در طوایف اکراد در عراق زنی مولودی آورده که دوسر دارد یکی به جای خود و دیگری از بازوی چپ درآمده. همه چیز هر دو سر به جا و زیاده از قاعده مو دارد و عندالتولد هر دو سر دندان داشته و علاوه بر دو دستی که در پیش داشت يك دست نیز بر بازوی مولود

بود و این دست از ساعد به‌پائین دو دست شده که در واقع چهار دست می‌باشد و هر دو صورت زیاده شبیه به یکدیگر، مگر آن که یکی سرو گوشش بزرگتر است.

در مکران و جالق و طبس و بای شدیدی بروز کرده است. . . . جناب مسیو لکونت دماسینیاک (۱) که به‌رسم وزیر مختاری وایلچی‌گری مخصوص از جانب دولت فرانسه مأمور اقامت دربار همایون شده بود از اول وصول به‌سرحد تا ورود دارالخلافه همه‌جا مراسم اعزاز و تشریفات معموله لایقه درباره جناب معزی‌الیه به‌عمل آمده روز غره شهر رجب وارد دارالخلافه گردید.

مجلس تحقیق دیوان نظام برقرار و نواب‌والا معزالدوله بهرام‌میرزا به‌ریاست این مجلس منتخب گردیده که مطابق فقرات کتابچه قانون نظامی به‌امور نظامی رسیدگی نمایند و اشخاص مفصله ذیل از اجزای عمده این مجلس می‌باشند:

حاجی شریف‌خان مستشار لشکر، میرزا عباس‌خان معاون‌الملک، میرزا حبیب‌الله لشکرنویس، میرزا فضل‌الله‌خان نوائی، جهانگیرخان - سرتیپ، میرزا ابوالقاسم‌خان علی‌آبادی.

میرزا بزرگ‌خان که در ایام مأموریت به‌کارپردازی سابق ارزنة الروم و بغداد مصدر خدمات شده به‌اعطای نشان سرتیپی اول با حمایل مخصوص آن سرافراز شد.

عسکرخان که در لوازم مهمانداری سفرای دول مراقبت نموده و حسن رفتار او مشهود گردیده به‌اعطای يك قطعه نشان سرتیپی از درجه سیم باحمایل آن سرافراز شد.

میرزا صادق‌خان کارگزار خارجه استرآباد به‌يك قطعه نشان از درجه سیم سرتیپی وحمایل آن نایل گردید.

حسین‌خان پسر جناب سپهسالار اعظم به‌نیابت جناب معظم‌به‌ریاست توپخانه مبارکه مفتخر و برقرار آمد.

نصرالله‌خان سرتیپ سیم به‌منصب سرتیپی دویم سرافراز گشت.

حاجی میرزا یحیی خان نایب‌الحکومهٔ بلدۀ نورو کجور به اعطای یک قطعه نشان از درجۀ سیم سرتیپی مباحی گردید.

منصب سرهنگی فوج ششم شقاقی را به علیقلی خان جوانشیر مرحمت فرمودند.

میرزا علی خان پسر مرحوم میرزا حسن خان به منصب سرهنگی توپخانهٔ مبارکه برقرار آمد.

در ماه شعبان، از متعلمین مدرسهٔ مبارکهٔ دارالفنون امتحانی مفصل نموده مدارج ترقیات شاگردان و اهتمامات نواب والا اعتضادالسلطنه وزیر علوم درجۀ استحسان فوق‌العاده یافت و بهر یک از قرار تفصیل ذیل بذل مراجع فرمودند:

میرزا رضای مستوفی پسر معین‌الملک نشان سرتیپی اول.
جعفرقلی خان رئیس مدرسه نشان و حمایل سرتیپی سیم و خلعت همایون.

محمدحسین خان ناظم مدرسه نشان و حمایل سرهنگی و خلعت همایون و پنجاه تومان انعام.

مسیو بنزک ناظم علوم مدرسه نشان از درجۀ دویم خارجه.
میرزا عبدالغفار معلم ریاضی نشان سرهنگی و پنجاه تومان اضافه مواجب و خلعت همایون.

ذوالفقارخان سرهنگ مهندس نشان و حمایل سرهنگی.
میرزا نصرالله خان نشان و حمایل سرهنگی.

میرزا عباس ولد حاجی میرزا جبار نشان و حمایل سرهنگی و لقب‌خانی.

مصطفی قلی خان سرهنگ توپخانه نشان و حمایل سرهنگی.
محمدتقی میرزا ولد شاهزاده شیردل میرزا آجودانی مدرسه و نشان طلا و بیست تومان اضافه مواجب.

مسیو کارلیان معلم درس زبان نشان از درجۀ سیم خارجه.
میرزا کاظم معلم طبیعی خلعت همایون و بیست تومان انعام.

سایر نیز هر یک به قدر ترقی و فراخور مرتبۀ خود به مواجب و نشان و انعام و مراجع ملوکانه مفتخر گردیدند.

عین‌الملک خوان‌سالار به‌منصب سرداری قشون مازندران و گیلان سرافراز شد.

حسین‌خان شهاب‌الملک به‌منصب جلیل‌امیرتومانی قرین افتخار آمد.

میرزا عبدالله منشی اول و نایب‌دویم سفارت پاریس به اعطای یک قطعه نشان سرهنگی از درجه دویم نایل آمد.

میرزا ابوالقاسم پسر میرزا مهدی مستوفی به‌منصب استیفای دیوان اعلی سرافراز گردید.

مصطفی قلی‌خان عرب غلام پیشخدمت به‌نیابت اردستان برقرار گشت.

رباطات عرض راه کرمان را حسب‌الامر تعمیر می‌نمایند و مقرر است که هر جا رباط جدیدی لازم باشد از نو بنا کنند.

حاجی شهاب‌الملک امیرتومان به‌ریاست قشون خراسان مأمور گردید.

در همدان حسب‌الامر متدرجاً تعمیرات کلی از مساجد و مدارس و سایر ابنیه نموده‌اند. همچنین در شوشتر و دزفول و سایر صفحات عربستان تعمیرات نموده و ابنیه جدید بنا کرده‌اند.

نواب والا عبدالصمد میرزا عزالدوله را به‌حکومت همدان منصوب فرمودند و میرزا زکی مستوفی به‌وزارت این ولایت برقرار گردید.

جناب حسنعلی‌خان وزیر مختار وایلچی مخصوص دولت علیه که برای اصغای اوامر ملوکانه احضار به‌دربار معدلت‌مدار شده بود اجازه انصراف به‌محل مأموریت خود حاصل نموده که در آخر ماه شوال روانه گردد و به‌اعطای یک قبضه قمه مرصع قرین افتخار آمد.

نصرالله‌خان زنبورکچی‌باشی به‌منصب سرتیپی سیم سرافراز شد.

میرزا تقی لشکرنویس تفرشی به‌منصب لشکرنویس‌باشی خراسان مأمور گشت.

الله‌وردی‌خان سرتیپ توپخانه مبارکه به‌منصب سرتیپی اول و اعطای نشان و حمایل از درجه مزبوره مباحی گردید.

محمدخان حاکم یزد به یک قطعه نشان از درجه سرتیپی باحمایل مخصوص آن مفتخر آمد.

اکبرخان سرهنگ فوج نهاوندی به منصب سرتیپی از درجه سیم سرافراز شد.

میرزا علی تفرشی به منصب لشکرنویسی نایل گشت.

دارالحکومه سنندج و سایر ابنیه معتبره شهر را حسب الامر مرمت کرده اند.

شب چهارشنبه سیم ذیقعد الحرام پنج ساعت از شب گذشته آفتاب جهان تاب از برج حوت به حمل تحویل نموده سلام خاص در پیشگاه حضور همایون منعقد گردید و رو زدویم عید نوروز در تالار تخت مرمر سلام عام انعقاد یافت.

چون حضرت اجل افخم شاهنشاه زاده والایب السلطنه در فنون نظامی مرتبت و استدرافی به کمال حاصل نموده اند، به امضای جناب میرزا محمدخان سپهسالار اعظم، به یک قطعه نشان از درجه سرتیپی اول وحمایل مخصوص آن درجه مرتبه اختصاص یافتند و نیز به موجب استدعای جناب سپهسالار اعظم منصب جلیل کشیکچی باشیگری دیوان همایون را به محمد میرزا پسر محمد مهدی خان مفوض نمودند و مصطفی - خان امیرتومان برادر جناب سپهسالار اعظم به نیابت محمد میرزا به امور متعلقه به کشیکخانه مبارکه رسیدگی می نماید.

محمد حسن خان پیشخدمت به منصب تحویل داری جنس دیوانی کل ولایات ممالک محروسه برقرار گردید.

میرزا تقی پسر میرزا مصطفی وکیل لشکر به منصب لشکرنویسی دیوان همایون سرافراز شد.

رحیم دلخان پسرخان زاده مرحوم جعفرقلی خان امیرتومان به سرهنگی فوج ایلات قراجه داغ برقرار آمد.

ایوان طلای ناصری که در روضه مقدسه رضوی حسب الامر بنا کرده اند به اهتمام عضدالملک متولی باشی زیور اتمام یافته و معزی الیه را به ازای این خدمت بزرگ به اعطای یک قبضه عصای مرصع مکلل به جواهر نفیسه مفتخر فرمودند.

محمودخان پسر میرزا فضل‌الله‌خان وزیر نظام به‌منصب سرتیپی از درجهٔ سیم سرافراز شد.

جان محمدخان سرتیپ سیم فوج خلیج درازای خدماتی که در کلات کرده بود به‌منصب سرتیپی دویم نایل آمد.

حسینقلی‌خان سرتیپ سوارهٔ قورت بیگلو در ازای خدمات گرگان به‌نشان و حمایل سرتیپی دویم سرافراز گردید.

موکب همایون، اواخر شهر ذیقعدةالحرام، تصمیم سفر خیریت اثر مازندران داده از دارالخلافة باهره انتهاض وروز عیداضحی را در شهر ساری نزول اجلال فرمودند وروز سیزدهم شهرذیحجه تشریف‌فرمای بلدۀ اشرف گردیدند و باغ شاه که از بناهای شاه‌عباس و بسیار بنای معتبری می‌باشد منزلگاه موکب معلی گردید. دو روز بعد به‌تماشای صفی‌آباد که شاه‌صفی در بالای کوه مرتفعی ساخته و عبارت از عمارت محکم خوبی که براشرف و جمیع صفحات مازندران مشرف است تشریف بردند.

ابراهیم‌خان پسر مرحوم صدر اصفهانی را به‌منصب بیگلربیگی گری اصفهان سرافراز فرمودند.

آقا میرزا محمود ولد مرحوم حاجی میرزا علی‌اصغر شیخ‌الاسلام آذربایجان به‌منصب شیخ‌الاسلامی آن مملکت برقرار آمد.

روز شانزدهم ذیحجةالحرام موکب همایون به‌تماشای عباس‌آباد که در چهارفرسخی اشرف واقع است تشریف‌فرما گردید. عباس‌آباد عبارت از سدی است که شاه‌عباس در میان درهٔ بزرگی بسته که دریاچه‌ای بزرگ مملو از آب است و این آب سه قریه را مشروب می‌نماید و اطراف آن همه جنگل است. رؤسای طوایف ترکمان یموت و کوکلان و غیره در اشرف به‌خاکپای مبارک مشرف و هریک علی‌قدر مرتبتهم به‌خلع و مراحم ملوکانه سرافراز گردیدند. بعد از آن موکب معلی از اشرف به ناصرآباد نهضت‌فرما گردید و از ناصرآباد به‌مقیمی که در وسط میانکاله (۱) می‌باشد تشریف بردند.

۱ - میانکاله همان آبسکون معروف است و ما شرح آن را در جلد اول کتاب مرآة - البلدان ذکر نموده‌ایم (اع).

روز بیست و یکم ذیحجه موکب همایون تشریف فرمای فرح آباد گردیده در کنار دریا نزول اجلال فرمودند و چهار فروند کشتی دولت روس که مخصوصاً به جهت تشریفات قدوم بهجت لزوم مقدس از جانب دولت روس به این ساحت آمده بودند در محاذات اردوی همایون لنگر انداخته به شرایط تعظیفات مقدم مبارك اقدام نمودند. ادیب الملک پیشخدمت خاصه از جانب سنی الجوانب خسروانه به ابلاغ مراحم پادشاهی نسبت به پرنس اوربلیانف فرستاده جناب جانشین قفقازیه و سایر صاحب منصبان و معارف مأمورین دولت روس مأمور گردید. روز بعد مشارالیه با شرایط اعزاز و پذیرائی به حضور همایون تشریف جستند. عصر این روز، سرکار اعلیحضرت همایون و ملتزمین ركب معلی در قایقها نشسته به تماشای سفاین و جهازات روسی تشریف فرما گردیدند و یکی از چهار فروند جهاز موسوم به جهاز «حاجی طرخان» بود. و چون اعلیحضرت همایون مخصوصاً به این جهاز تشریف ورود ارزانی فرمودند، بعدها از جانب دولت روس اسم آن جهاز را تغییر داده و به نام مبارك همایون نامیدند.

بالجمله روز بیست و سیم ذیحجه از طرف قرین الشرف ملوکانه نشانها برای مأمورین دولت روس مرحمت شد و یحیی خان آجودان مخصوص آن نشانها را با فرامین و احکام به میان سفاین برده ابلاغ نمود و همان روز پنج ساعت به غروب مانده جمیع مأمورین و صاحب منصبان دولت روس را اعتماد السلطنة العلیه از جانب دولت ابدایت دعوت کرده مهمانی بسیار شایانی از آنها نمود و تا غروب در مجلس مهمانی بودند آن وقت به سفاین خود معاودت نمودند.

روز بیست و چهارم ذیحجه موکب معلی از فرح آباد به مشک آباد و روز بعد نهضت فرمای بندر مشهد سرشدند. چون بارهای تجارتی تجار که از دریا با سفاین بدانجا آورده اند محل محفوظی ندارد به میرزا مسیح وزیر مازندران حکم شد انبار دولتی محکمی در مشهد سر بسازد.

روز بیست و ششم تشریف فرمای بار فروش شدند.

روز بیست و هشتم آمل محل نزول اجلال اردوی همایون گردید

وروز غره محرم به سوله ده که سپرده به حاجی میرزا یحیی خان نوری است تشریف بردند.

وقایعی که در این سال در تمام کره ارض واقطار عالم اتفاق افتاده و واقع شده است

اتائونی ینگی دنیا:

تفویض سپهسالاری کل عساکر این دولت به ژنرال گران. برقراری ژنرال شرمان به منصب سرداری کل. این دونفر سردار در جنگ شمالی و جنوبی خدمات نمایان کردند.

رئیس ایالات جنوبی ژفرسن دوویس (۱) که عدالتخانه حکم قتل او را صادر کرده رئیس جمهوری اتائونی از حبس و قتل او گذشته فقط به حبس نظر و بیرون رفتن او از شهر مونروئه اکتفا نمودند.

قرض دولت در این سال معادل دوهزار و ششصد و چهل کرور پول ایران است.

مراوده و دوستی این دولت با انگلیس نیز با فرانسه نهایت متزلزل است برخلاف اتحاد اتائونی با دولت روس.
طغیان سیلها و رودخانهها.

اسپانیا:

شورش در اغلب افواج نظامی علی الخصوص در افواج سواره ساخلو آران ژواز. پناه بردن ژنرال پریم که محرك شورشیان است فراراً به مملکت پرتوغال. شورش سخت در مادرید پایتخت این دولت در تابستان. زخم برداشتن نارواژ از رجال دولت که در مقام اطفای نایره شرارت اشرار بود.

شورش و انقلاب بعضی نقاط جزیره کوبا.

افتتاح راه آهن از شهر مادرید به شهر کردو و امتداد خط راه آهن

از مادریذ بهلیزبن پایتخت پرتوغال.
حبس مارشال سرانو.

آلمان.

بنابر عهدنامه گاستن، دولت پروس حکمرانی ایالت اسلشویک و دولت اتریش حکمرانی ایالت هلستن را برعهده می گیرد. ابتدای نقار مابین دولتین اتریش و پروس. در همین فقره در شورای خاصه مملکت پروس حکم بهتدارك و تهیه جنگ می شود. بالاخره دولت پروس بالصراحه میل خود را در تصرف ایالتین بدون شراکت اتریش آشکار می سازد. دولت اتریش هم آشکارا تهیه جنگ می بیند. دولتین باویر و ساکس نمی خواهند طرف دولت پروس را منظور دارند.

اتحاد مخفی دولت ایتالیا با دولت پروس برضد اتریش. شورش و انقلاب در ونیز که آن وقت متعلق به دولت اتریش بود. میل اهالی ونیز این است که جزء ایتالیا شوند. دولت ایتالیا نیز معجلاً تهیه جنگ می بیند.

ورود ژنرال مانتوفل (۲) سردار پروس با عساکر آن دولت به ایالت هلستن که متعلق به اتریش بود. ابتدای جنگ دولت پروس با دول ساکس و هانور و دولت اتریش. ورود قشون پروس به پایتخت هانور و ساکس در تابستان. دولت اتریش به سرداری بندك (۳) سیصد و شصت هزار قشون در مقابل پروس دارد.

دول باویر و وورتمبرگ که متعهد کمک به اتریش شده بودند از جای خود حرکت نمی کنند. ورود قشون پروس به سرداری نواب ولیعهد و پرنس فردریک شارل برادرزاده پادشاه پروس به بوهم خاک اتریش. سرداری کل قشون را اعلیحضرت پادشاه پروس گلیوم بشخصه قبول می نماید.

از طرف دیگر دولت ایتالیا به سرداری خود اعلیحضرت پادشاه ایتالیا در سرحدات شمالی شرقی ایتالیا اردوئی می زنند. منازعه

قشون ایتالیا با ارشدوك البرت سردار اتریش وشكست قشون ایتالیا. لیکن سردار اتریش، بعد از این فتح به واسطه جنگی که پروس در بوهیم می‌کند، جرئت ورود به خاک ایتالیا را نمی‌نمایند.

جنگ سخت مابین عساکر پروس و اتریش در بوهیم. مقتول شدن جمعیت زیادی از قشون اتریش به واسطه تفنگ سوزنی جدیدی که عساکر پروس بدان مسلح و در استعمال آن مسلط بودند. فتح نمایان قشون پروس بعد از جنگ سخت در سادوا (۴). در این جنگ، از طرفین دویست هزار نفر مقتول می‌شوند.

قشون اتریش فراراً به طرف وینه پایتخت می‌رود. در این بین، به توسط اعلیحضرت ناپلئون سیم امپراطور فرانسه، ایالت ونیز را اتریش از خود مجزا نموده جزء دولت ایتالیا می‌شناسد و دولت فرانسه مابین دولتین پروس و اتریش میانجی می‌شود.

حاصل این جنگ این شد که دولت پروس ایالتین هلستن و اسلشویک را متصرف و مملکت هانور را نیز ضمیمه نمود و اقتدار سابق دولت اتریش را در تمام ممالك آلمان پست نمود و کنفدراسیون شمالی [را] که عبارت از ایالات و دول واقعه در آلمان باشد فی الحقیقه به ریاست خود برقرار ساخت و از ایالات جنوبی خسارت کلی مطالبه نمود و دولت اتریش فی الواقع از ممالك وسیع آلمان خارج و غریب محسوب شد. در این بین وبای سخت در بوهیم و در مراوی (۵) خاک اتریش بروز کرد و همین فقره سبب شد که قشون پروس آنجاها را خالی نموده به اوطان خود مراجعت نمودند. اسرای جنگی که در این جنگ پروس از اتریش گرفته بود پنج هزار صاحب منصب و سی و پنج هزار تاییین بود.

پناه جستن پادشاه هانور به خاک اتریش. جمعیت ایتالیا بعد از الحاق ونیز و بعضی قطعات دیگر که تازه از اتریش متصرف شده بودند در این سال به پنجاه کرور رسید. عدد قشونی که پروس به جهت جنگ با اتریش حاضر کرده بود ششصد و پنجاه هزار قشون نظامی و هفتاد و چهار هزار چریک و هزار عراده توپ متحرك اردوئی بود.

مراجعت پادشاه ساکس از وینه به مملکت خود بعد از شروطی که تماماً به جهت پروس مفید بود.
تعیین مسیوبست صدراعظم سابق مملکت ساکس به وزارت امور -
خارجۀ اطیش.

انگلیس:

اشتداد مال میری در مملکت انگلیس به درجه ای که در ظرف مدت
یک ماه صدویست هزار وهفتصد وچهل رأس گاو وگوسفند تلف می شود.
شورش و انقلاب طایفه فنیان (۶) در ایرلند.
افتتاح مجلس پارلمان انگلیس.

بعد از فوت پرنس آلبرت شوهر اعلیحضرت پادشاه انگلیس، پادشاه
معظم الیها تا افتتاح این مجلس در افتتاح این مجالس بشخصه حضور
به هم رسانیده بودند.

صدارت و وزارت طایفه توری و ریاست لرد دربی. تفویض وزارت
امور خارجه لرد استانلنی پسر لرد دربی.

شورش و انقلاب در شهر لندن و اغلب از نقاط .
ابتیاع صدوپنجاه هزار قبضه تفنگ ته پر معروف به تفنگ شنیدر .
وبای سخت در لیورپول و در لندن.

شورش اهالی فنیان در ایرلند سبب حبس چندین هزار نفر می شود.
مراوده تلگرافی بحری که سال گذشته ممکن نشده بود امسال
مستقیماً از ایرلند مملکت انگلیس به ترنو (۷) و مملکت ینگ دنیا مکالمه
شد.

در هندوستان به واسطه نباریدن باران در اغلب نقاط قحطی سخت
شده و در ایالت اریسا (۸) که شش کرور جمعیت داشت به واسطه قحطی
هفتصد و پنجاه هزار نفر تلف شدند.

در حبشه به تبعه و مأمورین انگلیس، ته ادرس (۹) پادشاه این مملکت
نهایت ظلم و تعدی را می نماید.

ایطالیا و رومه:

قرارداد دولت فرانسه با ایطالیا درباب وجود دو دولت مستقله در آن مملکت که یکی سلطنت پاپ در رومه باشد با حدود معینه و دیگری سلطنت ایطالیا. معاهده مخفی ایطالیا باپروس به جهت جنگ با اطریش. جنگ در کوستزا با اطریش و شکست ایطالیا در این جنگ.

جنگ بحری دیگر ایضاً با دولت اطریش درلیسا که دراین جنگ نیز برای عساکر ایطالیا پیشرفتی نمی باشد و به همین جهت باوجود فتوحات پروس درسادوا دولت اطریش مضایقه دارد که ونیز را به تصرف ایطالیا دهد.

عهدنامه وینه مابین پروس وایطالیا و اطریش در پائیز این سال منعقد شده. به موجب این عهدنامه ونیز باجمیع قلاع آن واگذار به ایطالیا می شود به مال المصالحه دویست و پنجاه ملیان فرانک که معادل پنجاه کروور تومان ایران باشد.

مخارج ایطالیا در جنگ با اطریش به هفتصد و چهارده کروور فرانک که معادل هفتاد کروور و دویست هزار تومان ایران باشد رسیده است. عده لشکر پاپ تقریباً دوازده هزار نفر است که بعضی از آنها اهالی خارجه می باشند.

بروز وبای شدید در ناپل و سرایت به پالرم (۱۰) به واسطه مراوده قشون.

بلژیک.

اهالی بلژیک کمال وحشت را از عظمت و شوکت پروس دارند و از این می ترسند که فرانسه نیز به واسطه همچشمی با پروس در مقام توسعه مملکت خود برآید و بلژیک را ملحق به مملکت خود نماید.

چین:

جنگ سخت با یاغیان ینان فئی.

عزل فرمانفرمای نانکن که با فرنگیان عداوت داشت.
بنای معبد کاتولیکی به توسط فرانسه ها در پکن پایتخت.

دانمارک:

ازدواج پرنسس داگمار شاهزاده خانم این مملکت بانواب ولیعهد دولت روس در پائیز این سال.

روس:

تأدیب کردن دولت روس کشیشهای کاتولیکی را در لهستان و حرفهای سخت پاپ در این موقع نسبت به وزیر مختار دولت روس و قطع نمودن وزیر مختار مراوده را با پاپ و عزیمت او از رومه.

یکی از نجیبزادگان روسی موسوم به کاراکزف به سن بیست و پنج – سالگی در شهر سنت پترزبورغ در بهار قصد قتل اعلیحضرت امپراطور را می نماید. ولی به مقصود خود نرسید. مجلسی برای تحقیق این عمل به ریاست ژنرال موراویف منعقد و گفتگوهای طولانی می شود و حدس کلی می زنند در شراکت لهستانیها در این عمل. اما همدستان و رفقای بسیار از این مقصر به دست می آیند که همه کمونیستهای روسی می باشند. پرنس گاگاریم (۱۱) به ریاست مجلس آخری این تحقیق برقرار شده حکم قتل این مقصر را صادر و در پانزدهم ماه سپتامبر به قتل می رسد.

حرکت ناگهانی چراکسه و تصرف نمودن آنها سخوم قلعه را. جنگ روس با امیر بخارا به بهانه این که یکی از سفرای این دولت را نگاه داشته و غلبه دولت روس. به واسطه از دست دادن خجند، بخارا از خوقند جدا می شود.

فوت ژنرال موراویف سردار معروف.

مزاوجت نواب ولیعهد دولت روس با پرنسس داگمار دانمارکی و از آنجا که پرنسس مشارالیه نامزد ولیعهد مرحوم برادر مهتر ولیعهد حالیه بود که سال قبل وفات نمود، محض این که این مزاوجت باشگون باشد، صدقات بسیار از قبیل بخشیدن مقصرین و گذشتن از بقایای ولایات بذل نمودند.

دادن لقب سپهسالاری به کنت برگ (۱۲).

افتتاح چراغ گاز در شهر مسکو در قلعه ارك کرملین و تقدیم تشریفات مذهبی.

ژاپن:

باز شدن بنادر اساکا (۱۳) و هیگ برای اهالی خارجه به موجب عهدنامه‌ها از قرار نرخنامه حالیه.

مأمورین دولت فرانسه رادرید (۱۴) پایتخت در کمال احترام پذیرفتند.

قرارنامه این دولت بادل انگلیس و فرانسه واتائونی و پی با (۱۵) درباب دریافت صدی پنج از قیمت اجناس وارده آنها به ژاپن و درباب تعیین نرخ مسکوکات دول مزبوره و تعیین حقوق اهالی ژاپن در دول خارجه.

معاهده تجارتي با ایتالیا.

جنگ داخله و نقار مابین دایموسها که عبارت از اعیان و نجای مملکت باشد.

جنگ مابین طیقون پادشاه جسمانی و شاهزاده شواچو.

فوت طیقون و برقرار شدن شاهزاده متبانی به جای او.

زلزله ویانقین در یوکوهوما.

سویس:

در ژنو از جانب یکصد و شصت هزار نفر عمه مجلسی از وکلا برای بعضی مذاکرات منعقد شده و اغلب اجزای این مجلس فرانسه و انگلیس هستند و کمتر آلمانی و ایتالیائی. این وکلا شکایت از زنها از بابت کارگر شدن آنها در کارخانه‌ها و مدعی‌گری آنها بامردها در این باب دارند.

عثمانی:

شورش طایفه مارنیت در محال ادهن در سمت جنوب شرقی

تریپولی (۱۶) به سرداری یوسف کارام. داود پاشا حاکم عیسوی لیبان لشکر امدادی زیاد از بیروت گرفته باوجود این نمی‌تواند این طغیان را رفع نماید. یوسف کارام فرار می‌نماید ولی باز طغیان را محرك است و امتداد می‌دهد. ابتدا پناه به حاکم شام که با داود پاشا عداوت دارد می‌برد. ولی بی‌ثمر است. بعد ملتجی به قونسولهای اروپائی می‌شود. آن هم مفید فایده نمی‌گردد. آخر الامر به الجزایر می‌رود و مدتی در آنجا اقامت می‌کند. در تونس (۱۷) علی بن غداهم رئیس شورش و طغیان آخری گرفتار و محبوس می‌شود و مالیات پس‌افتاده را به‌زور اسلحه دریافت می‌کنند.

خدیو مصر از اعلیحضرت سلطان عثمانی اجازه حاصل می‌نماید که بعد از او پسر او مستقیماً وارث و جانشین او باشد. چون که در دولت عثمانی و خانواده ولایه مصر سلطنت و ولایت به ارشد طایفه می‌رسد نه مستقیماً به اولاد.

برقرار شدن مجلس و کلای ملت در مصر.

تصدیق اعلیحضرت سلطان عثمانی قرارداد آخری خدیو مصر را با کمپانی نهر مجمع البحرین سوز (۱۸).

سرکشی و طغیان مجلس شورای سمنان در افلاق بغداد برضد پرنس کوزای والی و معزولی وزراء.

میل و خواهش اغلب امناء و ملت به اتحاد مملکتین افلاق و بغداد. برقراری و کلای ملت.

دولی که عهدنامه سنه هزار و هشتصد و پنجاه و هشت پاریس را امضاء کرده بودند، از دهم ماه مارس، و کلاء به مجلس منعقد در پاریس می‌فرستند و همه - سوای دولت روس - مصر به قبول و برقرار شدن اتحاد افلاق و بغداد می‌باشند.

۱۶- Tripoli (طرابلس)

۱۷- متن : تونس. ظاهراً اعتماد السلطنه تلفظ فرانسه را بازگو کرده. زیرافرانسویها

به کشور تونس می‌گویند Tunisie و به پایتخت آن Tunis.

۱۸- Suez

در ژاسی اهالی بلغارستان و ارامنه و روس برخلاف این اتحاد حرکت می‌کنند ولی متمر ثمری نمی‌شود و لشکر مخصوص ملداوی آنها را مطیع می‌سازد.

پرنس شارل ههن‌زلرن (۱۹) به سن بیست و هفت سالگی که سلطان فوجی از افواج پروس و یکی از اقوام نزدیک اعلیحضرت پادشاه پروس است محل وثوق مملکتین افلاق و بغداد و به‌والیگری منتخب می‌شود. در بهار این سال پرنس شارل وارد بوخارست پایتخت افلاق بغداد می‌شود. برقرار شدن وکلای ملتی و رسم تنظیمات به مشارکت دولت در افلاق بغداد و سوگند پرنس شارل به باقی و برقرار داشتن این رسم و قانون.

مسافرت پرنس شارل در ممالک افلاق بغداد و توسط پرنس - استیرییک (۲۰) در باب عالی از پرنس شارل و رفتن پرنس شارل به باب عالی و دریافت نمودن از دست اعلیحضرت سلطان عثمانی امضای والیگری خود را و پذیرائی قونسول روس از پرنس شارل هنگام مراجعت او در کمال احترام و افتتاح وزارتخانه‌ها و نطق پرنس شارل به زبان فرانسه مبنی بر میل و محبت جمیع دول نسبت به او.

امضای قرارنامه مابین دولت اطریش و روس در باب آمد و شد سفاین در رودخانه پروت.

اغتشاش در بلغارستان به خیال آزادی.

واگذاشتن دولت عثمانی به اهالی قرا داغ مرا تعی را که از سنه هزار و هشتصد و پنجاه و نه متنازع فیه بود.

اغتشاش در جزیره کرت (۲۱) در میان طوایف کوهستانی در سمت شمال کانه (۳۲) به جهت افزودن مالیات و عوارض. انعقاد مجالس عدیده در ولایات غربی به جهت تشکی از دولت عثمانی و ابرام در وصول به مقاصد منظوره خودشان و عریضه دادن مجلس مرکزی به باب عالی از جانب طایفه یونان. در این عریضه چند فقره عرض مندرج است:
اول: زیادی مالیات.

۱۹- Hohenzollern

۲۰- Barbou Stribei

۲۱- Crète

۲۲- Canée

ثانی: تعدی عدالتخانه‌های عثمانی.
 ثالث: عدم مساوات مذاهب و رجحان بعضی بر بعضی.
 رابع: تظلم از نداشتن آزادی شخصی و انتخاب اجزای حکومتی.
 اعلان اهالی کرت به قونسولهای اروپائی در باب مسلح شدن خود
 وافراشتن علمهای یونانی و اظهار میل به رعیتی یونان. اهالی اسفاکیا
 اظهار میل به اتحاد و الحاق به دولت یونان می‌نمایند.
 انعقاد مجالس متعدده در کل ممالک یونان به جهت معاونت
 به هموطنان و برادران دینی خود که تبعه عثمانی هستند.
 تکلیف نمودن به ژنرال کالرژیس که درکرت متولد شده است
 ریاست قشون را و منع کردن پادشاه یونان او را از قبول این ریاست.
 به چنگ آوردن یاغیان اسلحه متفرقه از راه شامات.
 جزایر قبرس و شیو (۲۳) و مملکت پیره (۲۴) در تزلزل و اضطراب
 است. دولت عثمانی قشون زیادی که اغلب آنها مصری می‌باشند جمع-
 آوری می‌نماید. نقار سردار سهیم پاشای مصری با اسماعیل پاشا حکمران
 جزیره. سفارت بی‌ثمر مصطفی پاشا حاکم قدیم کاندی از اسلامبول
 به جهت دلالت یاغیان به صلح و مأمور شدن همین سفیر به سرکردگی
 قشون. حمایت سفرای مختار فرانسه و انگلیس از سفیر عثمانی در آتن
 پایتخت یونان. وزیر مختار روس مقیم آتن فی‌الجمله از سفیر مزبور
 حمایت می‌نماید. سفیر فرانسه موسوم به مارکی دموستیه (۲۵) مقیم در
 اسلامبول که بعدها وزیر امور خارجه شد مانع اتفاق یونانیهاست و از
 اول ماه سپتامبر همه روز در بالادستهای کانه جنگها و خونریزیها می‌شود.
 چندین هزار از خانواده‌های یونانی به واسطه سفاین روسی و
 انگلیسی از اوطان خود که خاک عثمانی است مهاجرت کرده به جزایر
 و بلاد یونان می‌روند و در آنجاها با کمال عسرت تحصیل معاش خود را
 می‌نمایند. بسیاری نیز به انتظار کشتیها متحمل گرسنگی و سرمای سخت
 می‌شوند.

جنگ مابین امیر یونانیهای کرت با عثمانی. دول انگلیس و فرانسه مایل به حرکات و رفتار یاغیان نیستند بلکه برضد آنها می‌باشند. کشتی بخار یونانی موسوم به پان‌هلنین (۲۶) دفعه هفتم است که از میان سفاین عثمانی که دور جزیره را گرفته گذشته آذوقه و مأكولات به یونانیها می‌رساند.

اتفاق دولت فرانسه و دولت روس در تعمیر و برپانمودن گنبد موسوم به مقبره حضرت عیسی در اورشلیم.

بی‌پولی خزانه عثمانی که بدین واسطه منافع قروض شش ماهه را که باید در ماه ژوئیه ادا کنند از عهده برنیامدند.

صدارت محمد رشدی پاشا به جای فؤادپاشا.

منعقد شدن مجلس حفظ‌الصحه در اسلامبول که اجزای این مجلس از دول خارجه می‌باشند. یکی از تدابیر و قراردادهای این مجلس این است که حاج در صورتی که وبا در میان آنها باشد مراجعت از راه دریا ننمایند.

بروز وبا در آسیای عثمانی و سرایت آن به اروپا در تمام مرکز و شمال این اقلیم تا هالاند و بلژیک و فرانسه و انگلیس و رسیدن به اتائونی و جزایر آنتیل.

فرانسه:

در افتتاح مجلس شورا، امپراطور وعده می‌دهد که به جهت رفع مغایرت مابین فرانسه و اتائونی عساکر خود را از مکزیك کلیه احضار نماید.

در مجلس وکلای دولت، پرسنی که یکی از وزراء است بالصراحه تکلیف می‌کند از طرف اعلیحضرت امپراطور که از برای نظم و آسودگی ملت، اقتدار کامل رئیس دولت لازم است.

اشتهار اتحاد باطنی پروس و ایتالیا با فرانسه برضد دولت اطریش که در عوض دولت پروس از سرحدات آلمان که طرف رودخانه رن است به تصرف دولت فرانسه دهد یا اگر دولت فرانسه بلژیک را بخواهد متصرف گردد دولت پروس و ایتالیا بی‌طرف بوده سکوت کنند.

نطق معروف مسیو طیر در این موقع که با کمال سختی مذمت پروس و اطریش را می‌کند که این دو دولت قوی به‌چه حق به‌دولت دانمارک که ضعیف‌ترین دول فرانک است حمله بردند؟ و تکلیف به‌دولت فرانسه می‌کند که، وجهاً من‌الوجوه، نه‌ظاهرأ و نه باطنا در منازعه مابین پروس و اطریش مداخله ننماید. بعضی روزنامه‌ها که تمجید مسیو طیر را در این موقع نموده‌اند حکم به‌منع انتشار آنها صادر گردید. رقیمة اعلیحضرت امپراطور ناپلئون به‌وزیر امور خارجه فرانسه در این مورد معروف است و خلاصه آن این است که ما مستقیماً در صدد الحاق بعضی ایالات سرحدی به‌مملکت خود نیستیم. لیکن اگر تغییرات در نقشه اروپا رود و در همسایگی مایک دولت معظمی ایجاد شود مامجبور به‌این هستیم که امتدادی در حدود و ثغور خود دهیم. علی‌الخصوص اگر شهرهائی که منظور است جزء فرانسه شوند اهالی آنجا به‌طیب‌خاطر تبعیت ما را کنند. در این موقع طیر جوابی خواست بدهد که او را منع کردند و قدغن سختی از طرف دولت به‌روزنامه‌های مملکت شد که در این جنگی که اعلان شده مابین پروس و ایتالیا و اطریش از یک طرف و ایتالیا و اطریش از سمت دیگر اظهار رأی نکرده به‌همان وقایع‌نگاری اکتفا کنند تا این که بعد از شکست سادوا - که در اوایل تابستان روداد - دولت اطریش بالطبع دخالت و وساطت دولت فرانسه را طالب گردید و به‌تلافی این وساطت، ایالت ونیز را که آن زمان جزء دولت اطریش بود و هنوز ضمیمه دولت ایتالیا نگردیده بود اعلیحضرت امپراطور اطریش به‌دولت فرانسه واگذار کند که بعد دولت فرانسه به‌میل خاطر به‌دولت ایتالیا ببخشد.

انتشار این خبر اسباب خوشحالی و شغف در تمام مملکت فرانسه گردید. لیکن این خوشحالی و شغف را دوامی نبود. بعد از چند روزی که خیال دولت پروس واضح شد و دانستند که مقصودش خارج کردن دولت اطریش از مجمع دول آلمان و بزرگ نمودن خود از طرف شمال رود رن و هیچ ندادن به‌فرانسه است آن وقت دولت فرانسه ملتفت شد که کاری از دست رفته و علاج ندارد. نتیجه خطبه‌های مسیو طیر و همراهان او آن وقت معلوم شد.

بنهدتی (۲۷) که سفیر کبیر فرانسه است در برلن بامسیو بیزمارک صدراعظم ملاقات نموده برای دولت فرانسه حقی مطالبه می کند و جواب یأس به او می دهند.

استعفای دروان دلوئیس از وزارت خارجه و نصب مارکی دموستیه سفیر کبیر دولت فرانسه در اسلامبول به وزارت امور خارجه.

ناخوشی سخت اعلیحضرت امپراطور که سه ماه متوالیاً بستری بود. مسلح نمودن قشون فرانسه را به تفنگ جدید که مسمی به تفنگ شاسپو (۲۸) است. عدد قشون فرانسه را اسماً آنچه اعلان نموده اند دو کرو و دو بیست و سی و دو هزار و دو بیست و پنجاه نفر بود.

در جنگ مکزیک غیر از قورخانه موجودی که دولت در جبهه — خانه های متعدد داشت وجه نقدی که به مصارف این قشون رسید معادل شش کرو و تومان پول ایران بود.

جمعیت فرانسه به موجب تعداد نفوس این سال هفتاد و شش کرو و شصت و هفت هزار و نود و چهار نفر بود.

بروز وبای سخت در پاریس و در نقاط دیگر. طغیان اغلب رودخانه ها در داخله مملکت و خرابی رسانیدن آنها. ورود سفرای مارک (۲۹) به پاریس.

شورش سید لؤلؤ در الجزایر. ملخ خوارگی سخت در الجزایر. فوت ماری آملی (۳۰)، زوجه لوئی فیلیپ پادشاه سابق فرانسه در انگلیس. فوت توونل (۳۱) از معارف رجال دولت.

صدور فرمان به واسطه فرانسه و انگلیس در باب علایم مخصوصه از الوان بیرقها به جهت تکلم در دریا و قبول فوری دول آن را.

سیم تلگراف بحری خط مخابره مابین ایرلند و ترنورا معتبر می نماید. بنابراین، افتتاح سیم تلگرافی بحری از دنیای عتیق به دنیای جدید که از نیویورک پایتخت اتائونی در ظرف هشت ساعت مخابره به پاریس می رسد.

۲۷- Benedetti

۲۸- Chaspot

۲۹- Maroc (مراکش، کشور مغرب)

۳۰- Marie Amélie

۳۱- Thouvenel (متن : تونل)

مکزیک (از ینگ دنیا):

در ریکران (۳۲) که سرحد اتائونی و مکزیک است سرداران جمهوری طلب که هواخواهان ژوارس رئیس جمهوری سابق مکزیک می باشند اجماعی کرده از عساکر اتائونی با خود شریک نموده برضد ماکسیمیلین امپراطور جدید اردوئی دارند. وزیر خارجه فرانسه در وین، به توسط سفیر اتائونی از دولت مشارالیه تمنا می کند که دولت اتائونی بی طرف بماند و مداخله در امور مکزیک نکند. این تمنا بی جواب مانده دولت اتائونی تمکین نمی کند. بنابراین نوشته ای رسمی از طرف وزارت امور خارجه فرانسه به سفیر فرانسه متوقف در مکزیک فرستاده می شود که از این به بعد وجهاً من الوجوه صرفه خودمان را در حمایت ظاهری دولت مکزیک نمی دانیم و مجبوریم که عساکری را که به کمک امپراطور ماکسیمیلین فرستاده بودیم احضار کنیم. بعد از انتشار این خبر در مکزیک، سردارهای جمهوری طلب قوی دل شده بیشتر از پیشتر درصدد به هم زدن دولت امپراطور ماکسیمیلین می باشند و ایالات شمال بلکه بعضی از ایالات مرکزی را به تصرف در می آورند. ژنرال دو سردار فرانسه نیز در سمت شمال حمله به آنها می آورد. دولت اتائونی یادداشت رسمی به پاریس می فرستد که اگر فرانسه عساکر خود را کلیه از مکزیک احضار نماید او نیز بی طرف خواهد بود و کمک ظاهری به جمهوری - طلبان مکزیک نخواهد نمود. قشون شخصی ماکسیمیلین - که مرکب از اهالی بلژیک و اطریش بودند و عدداً چندان زیاد نشده - در این مدت خواستند که بعد از رفتن قشون فرانسه بلکه کاری از پیش ببرند. اما جنگ و حملات ایشان بی نتیجه وفایده ماند. امپراطور ماکسیمیلین از هر جهت خود را بدبخت دیده چنان که دوستان و هواخواهان او را می کشند و کمک فرانسه به امپراطور مکزیک از هر جهت بی ثمر بود. در تمام مکزیک یک مرتبه بنای شورش و بی نظمی شد. حتی از محارم و نوکرهای شخصی امپراطور به او شوریدند. زوجه امپراطور مزبور، امپراطریس شارلت (۳۳) که در فرنگستان بود به جهت استعانت به دربار

۳۲ - در این کتاب (مرآة البلدان) و بعد در منتظم ناصری به همین صورت آمده و

ظاهر آ کلمه «تکزاس» است که به صورت غلط «ریگران» درآمده.

جميع دول فرنگ سفر نموده هيچ كس او را يارى نكرد. بعد از بيچارگي ويأس، به رومه سفر كرد و در آنجا ناخوشي صرع عارض او گرديد. ژنرال كاستلنه (۳۴)، از طرف اعليحضرت امپراطور فرانسه، به مأموريت مخفي به سمت مكزيك حركت نمود و نصايح اعليحضرت امپراطور ناپلئون سيم را به امپراطور مكزيك رسانيد كه در اين وقت جز استعفاي از سلطنت چاره ندارد، ولي او قبول نكرد.

دولت اتائوني بالصراحه در روزنامه هاي رسمي و غير رسمي اعلان مي كند كه ماجز دولت جمهوري در مكزيك آن هم به رياست ژوارز وضع ديگر در دولت مكزيك نمي شناسيم.

منافع گمرک وراکروز (۳۵) را كه دولت فرانسه در عوض مخارج و طلب سابق خود از دولت مكزيك مطالبه مي كند سبب كدورت مجددی است ميانه فرانسه و مكزيك.

هالاند:

شورش اهالی شهر آمستردام نسبت به اجزای حكومتي در اوقات شيوع ناخوشي وبا. مال ميري شديد در مركز اروپا و هالاند و سويس.

هائيتي (۳۶) (از ينگي دنيا):

دولت جمهوري سنت دمينيك (۳۷) كه سابقاً جزء هائيتي بود و در سنه هزار و هشتصد و بيست و چهار از هائيتي جدا شده و دولت اتائوني تا كنون او را نشناخته در اين سال شناخت.

يك قسمت از شهر گنايو (۳۸) را ياغيان آتش زدند. يانقين هاي شديد در پرت پرنس.

ينگي دنياي جنوبي (برزيل):

جنگ مابين برزيل و لوپز رئيس جمهوري پاراگاي با كمال شدت است. با وجود زيادي قشون برزيل، ژنرال لوپز با نهايت رشادت جنگ

کرده جمعیت زیادی از آنها را هلاک می‌سازد.
 در ریودوژنیرو پایتخت برزیل افتتاح اکسپوزیسیون صنایع.
 اتحاد شیلی با پرو بر ضد اسپانیا و میانجی شدن دول فرانسه و
 انگلیس در این فقره .

یونان:

اجتماع قشون یونان در سرحداث ایپروتسالی سرحداث دولت
 عثمانی و پرتست دولت عثمانی این مطلب را.

شرح وقایع سال بیستم سلطنت اعلیحضرت همایون خسرو صاحبقران اعز نصره و دام ملکہ مطابق سنہ ہزار و دویست و ہشتادوسہ ہجری پارسئیل ترکی

در ابتدای این سال خیر مآل موکب مسعود همایون — چنان کہ در ذیل سال قبل مسطور شد — تشریف فرمای صفحات مازندران بود و در آن ساحت پرتو ایمنی و استراحت بر فرق اہالی و نواحی مملکت می انداخت چنان کہ در پنجم محرم تشریف فرمای چالوس شدند و از آن راہ بہ کلاردشت و مرزین آباد و آشان کہ راہ ہزار چم است انتہاض فرمودند.

از توجہات خاطر خطیر اقدس در اول این سال نسبت بہ چاکران این کہ چون ادارۂ تلگراف ممالک محروسہ از حسن مجاہدت نواب والا اعتضاد السلطنہ وزیر علوم نظم و انتظام و ترقی کلی بہ ہم رسانیدہ و صاحب منصبان ادارۂ مزبورہ ہر یک با کمال کفایت بہ خدمت مرجوعہ مشغول اند، این سبک مراقبت و مواظبت مشہود خاطر مهر مآثر همایون گردیدہ نواب معظم الیہ را بہ مراحم کاملۂ شاملہ قرین اختصاص فرمودہ بہ ہر یک از صاحب منصبان از قرار مسطور در ذیل بذل عنایت فرمودند:

علیقلی خان سرتیپ تلگراف منصب و نشان و حمایل سرتیپی اول.

میرزا جعفر خان منصب سرہنگی و نشان و حمایل از این درجہ.

میرزا جواد خان نشان و حمایل سرہنگی.

میرزا حیدر علی یاور تلگراف منصب و نشان و حمایل سرہنگی.

میرزا فضل‌الله‌خان یاور منصب و نشان و حمایل سرهنگی.
میرزا حسن حکیم سامانی ولد مرحوم حکیم قآانی نشان و حمایل
و منصب سرهنگی .

نصرالله‌خان یاور منصب و نشان و حمایل سرهنگی.
محمد ابراهیم‌خان ناظم تلگراف منصب و نشان و حمایل سرهنگی.
بعضی از اشار در صفحات اورامان شرارت می‌کردند. امان‌الله‌خان
والی کردستان دفع‌شر آنها را نموده است.
موکب همایون که از سفر خیراثر مازندران معاودت می‌فرمود
روز بیست و هشتم محرم از منزل اوشان تشریف فرمای سلطنت‌آباد
گردید.

چون رای صواب نمای مبارک پیوسته در کلیات امور دولتی
توجهات می‌فرماید، لهذا به‌اراده سنیۀ همایون، در هذه‌السنه پارس ثیل
سعادت‌دلیل، قرار تقسیم کارها و طرز اداره مهام دولتی را به وزارتخانه‌های
متعدده داده و کفالت هر شعبه از امور را به ملاحظه لیاقت اشخاص به
عهده یکی از چاکران مجرب درباری محول و مرجوع فرمودند که
خلاصه آن نوشته می‌شود و خود به‌نفس نفیس همایون به‌طوری که لزوم
کارها اقتضا نماید مواظبت در نظم و پیشرفت خدمات منقسمه مقرر
خواهند فرمود و وزراء و چاکران درباری کلیۀ امور و مطالب متعلقه
به خود را در روزهای مخصوصی که در ذیل مرقوم است به‌عرض حضور
همایون خواهند رساند و احکام آن را به‌نحوی که رأی بیضاضیای همایون
تعلق یابد امر و مقرر خواهند فرمود. هر یک از وزراء در خدمات دولتی
و مهمات مملکتی که راجع به آنهاست باید نهایت استقلال را داشته باشند
به‌نحوی که نوشتجات و احکام آنها را حکام و مباشرین امور و ولایت سپرده
به آن وزیر سند خود دانسته و در حضور مبارک به امضا و قبول مقرون
دانند بلکه اگر فرمان و ملفوفۀ فرمان و برات به مهر مبارک را بی اطلاع و امضای
وزیری که آن ولایت در تحت اداره اوست به ولایات ببرند حکام ولایات در
اجرای آن مجبور نیستند و چون حساب هر ولایتی در حضور همایون از
وزیر آنجا خواسته می‌شود، فرمان و دستخط و برات به مهر مبارک سند
آن وزیر است لا غیر. نیک و بد و حسن و قبح امور و افعال مباشرین و عمال
سپرده به مهر و وزیری از او دیده می‌شود لا غیر. از وزارتخانه‌ها نباید هیچ

يك مداخله در كار وزارتخانه ديگري نمايد. از هيچ وزارتخانه تعيين محصل و صدور حكم به ولايت متعلقه به وزير ديگر نخواهد بود بلكه پسنديده تر در خاكپاي مبارك آن است كه مهما امكن محصل به ولايات متعلقه به خود نفرستند و به حكام هم قدغن اكيد نموده مراقب باشند كه محصل به قراء و بلوكات ابواب جمعي خود مأمور ننمايند الا در صورتی كه كمال ضرورت هريك از وزراء در ولاياتی كه در تحت اداره آنهاست قرارى بدهند كه بدون تعيين محصل خدمات دولتی و مملکتی انجام بگيرد كه در حضور همایون پسندیده و مورد تحسین خواهد شد. اسم محصل در كل ايران موقوف باشد. اگر کسی جائی مأمور شود برای انجام خدمتی اسم او را مأمور بگویند و بنویسند. همچنین وزرای درباری را در باب قشون یا مالیات یا امور خارجه یا وظائف و گمرک و غیره اگر ضرورت و کاری دست دهد با نوشته ای به آن وزارتخانه اعلام خواهند کرد؛ پس از حصول جواب به عرض حضور همایون خواهند رسانید. حكام ولايات و مباشرين و متصدیان خدمات و مهمات مملکتی هر كس در تحت اداره هروزی مقرر شده باید خود را سپرده به آن وزیر بداند و در حل و عقد و نظم و نسق كارها و داد و ستد مالیات تابع رأی و اراده آن وزیر باشد لاغیر به حدی كه آن وزیر را قادر بر عزل و نصب خود بداند. وزراء مطالب جزئیة را كه قابل عرض حضور همایون ندانند خود جواب خواهند نوشت و هر چه را لازم باشد به عرض حضور همایون خواهند رساند و جواب از مصدر خلافت كبری صادر گردیده به حكام می نویسند و با چاپار غره و نیمه می فرستند. وزراء مطالب نوشتجات حكام متعلقه به خود را در روزی كه از ایام هفته برای آنها مقرر است به عرض برسانند مگر مطالب فوری و فوتی كه هروقت برسد مأذون به عرض آن خواهند بود.

تقسیم وزارتخانه ها و خدمات و ولايات از این قرار است

وزارت جنگ و ریاست قشون كمافی السابق : اداره والیگری و حكومت این ولايات: خراسان، سیستان، استراباد، شاهرود، بسطام، دماوند، فیروزكوه، كمره، جاجرم، نردین، حكومت ولايات مفصله خوار، سمنان، دامغان. خدمات مرقومه به عهده سپهسالار اعظم میرزا محمدخان

محول و مفوض است و باید خود را به نحوی که در فوق ترقیم یافته مستقلاً دارای خدمات مسطوره دانسته و در انتظام و انتساق امور مزبوره مواظبت نماید و کاملاً علی‌مایل از عهده انجام این خدمت‌های بزرگ برآید.

وزارتخانه مالیات و رتق و فتق محاسبات و معاملات دیوانی: اداره امور آذربایجان و کردستان و قم و ساوه و زرند، حساب ورقه دولتی، اداره صندوقخانه و رخت‌دارخانه و اصطبل خانه و قاطرخانه و شترخانه و فراش‌خانه و زین‌خانه و شترکلائی و مادیان ایلخی. انتظام خدمات و مهمات مفصله مسطوره به عهده جناب مستوفی الممالک میرزا یوسف است می‌باید کمال مراقبت به عمل آورده به نحوی که مرضی طبع مبارک باشد منظم سازد.

وزارت علوم و صنایع، تجارت، مدرسه دارالفنون، تلگرافخانه‌ها، معادن، روزنامه دولتی و علمی، باسمه‌خانه‌های دارالخلافه و ولایات، کارخانجات، حکومت ملایر و تویسرکان. وزارت امور مفصله که از امور مهمه دولت است بر عهده اعتضاد السلطنه علیقلی میرزا مفوض و موکول خواهد بود می‌باید معزی‌الیه انتظام امور مزبوره را بر ذمت خود فرض بداند و اهتمام لازم را معمول دارد.

وزارت امور خارجه: اداره حکومت ولایات مفصله کرمانشاهان لرستان، نهاوند، خرقان، تذکره سرحدات، راه‌سازی، حفظ و آسایش ملل مختلفه که در ایران در جزء رعایای این دولت علیه هستند. وزارت امور خارجه کماکان و اداره امور ولایات و مهمات مرقومه فوق به عهده وزیر دول خارجه میرزا سعیدخان است می‌باید در انتظام و انضباط سایر مهمات امور مرقومه نیز شرایط کفایت و کفالت را مرعی دارد.

وزارت حضور همایون: حکومت کاشان، اداره حکومت ولایات مفصله اصفهان، فارس، نطنز، اداره گمرکخانه‌های ولایات ممالک محروسه. اداره امور مسطوره فوق محول به امین‌الدوله فرخ‌خان خواهد بود می‌باید در انتظام خدمات مرجوعه لازم اهتمام را مبذول دارد.

وزارت عدلیه به عهده حاجی محمدقلی‌خان محول و مفوض خواهد بود. می‌باید با اجزاء و اشخاصی که مقرر است رسیدگی به امور عارضین و ملهوفین نماید و عرایض صندوق عدالت را به نحوی که معمول است رسیدگی نموده در هفته یک روز که مخصوصاً اوقات همایون را برای

اصغای عرایض دیوان عدالت مصروف می‌فرمایند در آن روز معین عرایضی که در آن هفته به هم رسیده است به اتفاق صدر دیوانخانه به حضور آورده به عرض برسانند و جواب حاصل و از آن قرار حکم صادر نموده به وزیر هر ولایتی برسانند. بر ذمه وزراء است که اتمام عمل را به دیوانخانه عدلیه اظهار سازند تا به عرض حضور همایون برسد.

وزارت دربار به علاوه منصب ایشیک آقاسی باشیگری: شاهزادگان درباری و ولایات، علما و سادات دارالخلافه و ولایات، اعیان و اشراف دارالخلافه و ولایات، غربا و مهمانان ولایات در دربار، انتظام امور خادمان حرم و خواجه‌سرایان، عمل بنائی، چاپارخانه‌ها، مواظبت رساندن غله دیوانی دارالخلافه، حکومت جوشقان، حکومت گلپایگان و خوانسار. وزارت دربار و انجام خدمات مرقومه به عهده محمد - ناصر خان ظهیرالدوله خواهد بود. می‌باید در انتظام خدمات مزبوره کمال مواظبت را به عمل آورده از این امور هرکاری به هر وزارتخانه راجع است به همان وزیر اعلام نموده اتمام عمل و مطالبه جواب آن را از آن وزیر نماید.

ایلخانی‌گری خوانین و آقایان قاجار: دارالنظاره، حکومت و سرداری قشون مازندران، اداره حکومت قزوین و عربستان، حکومت محلات. خدمات مرقومه فوق به عهده اعتضاد الدوله انوشیروان خان خواهد بود که در انتظام حکومت‌های مسطوره و خدمات مزبوره نهایت سعی و جهد مبذول داشته به نحوی که مرضی خاطر مهر مظاهر همایون است در انتظام امور مزبور مراقبت تامه به عمل آورده جاهد وساعی باشد.

طهران و توابع و خالصجات و ایلات و اجارات و غیره، اداره حکومت عراق و درجزین، اداره حکومت کرمان، چاپارخانه‌های راه آذربایجان. خدمات مرقومه را به علاوه وزارت دارالانشاء به عهده دبیرالملک میرزا محمدحسین محول و مفوض فرموده که با کمال نظم راه ببرد و به نحوی که در اول مرقوم شد رفتار نماید.

وزارت وظایف، وزارت اوقاف، اداره حکومت همدان. انجام خدمات مسطوره بر عهده اعتمادالسلطنه حاجی علی‌خان است. می‌باید

در انتظام و انتساق خدمات مرجوعه ساعی و جاهد باشد.

نظم خزانه و مالیات عایدی خزانه، جمع‌آوری وجوه مخصوص خزانه اندرون، وصول مالیات و اقساط، رساندن وجوه برات داران از قرار حواله دیوان، ضرابخانه‌های ممالك محروسه، کالسکه‌خانه، زنبورک‌خانه، حکومت گیلان و یزد که جزء وجوه مخصوص است، بعضی بنائی فرمایشی مخصوص، خدمات مرقومه به‌عهده دوستعلی‌خان - معیرالممالك محول است می‌باید کمال اهتمام در انتظام خدمات مزبوره به‌عمل آورد.

مهرداری مهر مبارک، اداره حکومت بروجرد، اداره حکومت خمسه. خدمات مفصله به‌علاوه احضار وزراء و رساندن اخبار از جانب سنی‌الجوانب همایون به‌عهده امین‌الملک پاشا خان محول است می‌باید در خدمات مرجوعه ساعی باشد و بعد از این بروات و فرامین را بدون صحیح دستخط مبارک به‌مهر نرساند.

ریش‌سفیدی خلوت، ریاست تفنگداران سرکاری. چون خدمات مزبوره سابقاً نیز به‌عهده میرزا هاشم‌خان امین خلوت بود کماکان به او مرحمت و مرجوع گردید.

برای انتظام امور وزارتخانه‌های مفصله که هیچ یک موجب تعطیل امر دیگری در عرض عرایض متعلقه به‌خود نشوند ایام هفته را برای عرض مطالب آنها منقسم به‌تقسیم مفصله ذیل فرمودند که هر یک در روز معلوم شرفیاب حضور همایون گردیده مطالب و عرایض متعلق به‌خود را معروض داشته جواب حاصل سازند.

دبیرالملک و معیرالممالك به‌جهت این که انتظام امور دارالخلافه و خزانه سپرده به‌آنهاست تعیین وقت برای آنها مناسب نیست. در وقت ضرورت عرایض خود را خواهند رسانید و كذلك سایر وزراء هم هر یک عرض و مطلبی فوتی و فوری داشته باشند در هر وقت مأذون به‌عرض خواهند بود البته بدون تخلف می‌باید همگی از همین قرار رفتار نمایند.

شنبه وزیر جنگ.

یک‌شنبه وزیر عدلیه.

دوشنبه وزیر مالیه.

سه‌شنبه وزیر دولّ خارجه و وزیر وظایف.

چهارشنبه امین‌الدوله و ظهیرالدوله.

پنج‌شنبه اعتضادالسلطنه و اعتضادالدوله.

جمعه تعطیل خواهد بود. حرره فی‌شهر صفرالمظفر سنه ۱۲۸۳.

اوان توقف موکب همایون در مازندران، عمارات و باغ شهریار خلدآشیان آقامحمدشاه طاب‌ثراه را که واقع در بلدۀ ساری است مقرر فرمودند میرزا مسیح وزیر مازندران مرمت نماید و درغرس اشجار و تنظیف آنها مراقبت کامل داشته باشد.

چون عین‌الملک خوان‌سالار و ایلخانی ایل‌جلیل‌قاجار در ساختن راههای سخت و صعب مازندران اهتمامات کافیه نموده بود و در تقدیم تشریفات موکب همایون نیز در منازل سفر مازندران زحمات کشیده به لقب جلیل «اعتضادالدوله» ملقب گردید و محمدعلی‌خان برادر معزی‌الیه که نیز در اوان تشریف‌فرمائی موکب همایون به آن صفحات خدمات کرده بود به منصب بیگلربیگی گری و میرزا مسیح به منصب استیفا از درجۀ چهارم و خلعت همایون نایل گردید.

حبیب‌الله‌خان سرتیپ که در کجور و کلاردشت و در بعضی منازل دیگر که متعلق به او بود واقع در عرض راه سفر خیریت اثر مازندران خدمات نمایان نموده به نشان و حمایل از مرتبۀ اول سرتیپی مفتخر گردید.

نجفقلی آقا آجودان وزارت امور خارجه که به سمت کارگزاری مهم خارجۀ گیلان مأمور شده بود و به‌خوبی از عهدۀ خدمت مرجوعه برآمده به اعطای نشان سرهنگی از درجۀ اول و حمایل مخصوص آن سرافراز گردید.

محمدقلی‌خان شاطرباشی به‌نشان و حمایل از درجۀ دوم سرتیپی مفتخر آمد.

چون جمعی کثیر از طوایف تراکمۀ تکه در رومه و هنه و آقچه – قلعه و اطراف آن که مساحت آن اراضی تقریباً شانزده فرسخ و آخرش متصل به‌رود طژن می‌شود سکنی گرفته و زراعت نموده بودند و به‌واسطۀ قرب به کلات‌مأمنی برای ترکمانان الامان که به‌تاخت و تاز می‌رفتند شده و به‌سبب وفور جمعیت از برای کلات این معنی خالی از آسیبی نبود،

شهاب‌الملک امیرتومان باجمعی از قشون ظفرنمون و توپخانه از ارض اقدس مأمور شده آن جماعت را مخدول و متفرق نمود و چهار محکمۀ آنها را خراب و منهدم ساخت.

مؤکب همایون بهسبب گرمی هوا اواخر ربیع‌الاول تشریف فرمای شکراب واز آنجا بهشهرستانک نزول اجلال فرمودند.

نواب والاحشمةالدوله حمزه میرزا را بهحکمرانی بروجرد و عربستان منصوب فرمودند.

عزیزخان سردارکل بهسرداری کل قشون ظفرنمون وزارت جنگ برقرار گردید و دستخط آفتاب نمط دراین باب شرف‌صدور یافت که صورت آن تیمناً در ذیل نگاشته می‌شود:

صورت دستخط جهان مطاع مبارک

چون همواره میل خاطر ما این است که قشون و نظام وقورخانه دولت ایران منتظم بوده روزبروز در ترقی باشد، لهذا ریاست کلیۀ عمل قشون نظام و غیرنظام و توپخانه وقورخانه و جباخانه کل ایران را بهعزیزخان سردار کل محول فرمودیم. باید کمال مراقبت را انشاءالله تعالی در نظم قشون و غیره بهعمل آورد. اصلبنیان نظم قشون را که از کاردانی او می‌خواهیم و باید بهعمل آورد از این قرار است که مختصراً دراین دستخط نوشته می‌شود:

هرکس خیانت و تقصیری در قشون بکند، از صاحب‌منصبان الی آحاد و افراد قشون، یا تهاون از خدمت دولت نماید فی‌الفور تنبیه و سیاست شود. ابدأ گذشت و اغماض از تقصیر او نباید کرد.

عمل قورخانه و جباخانه باید خیلی مضبوط باشد انشاءالله تعالی.

مواجب و مرسوم وجیره کل سوار و پیاده که از دیوان همه ساله داده می‌شود تمام و کمال بدون عیب و نقص در وقت و موقع برساند.

لباس و اسلحه قشون همیشه پاک و تمیز باشد و بهاقتضای تابستان وزمستان لباس بهقشون بدهد که در هر فصلی لباس معینی داشته باشد و بههمه جهت آراسته باشد.

التفات و منصب و ازدیادشان و مواجب درقشون بهفراخور خدمت و لیاقت شخص باشد نه بهواسطه و راههای دیگر. ششم شهر ربیع الاول سنه ۱۲۸۳.

محمد مهدی خان کشیکچی باشی که قبل از سفر مازندران در عمل کشیکخانه بی دخل شده بود مجدداً منصب مزبور را مستقلاً به مشارالیه واگذار فرمودند.

حفظ ثغور و سرحدات مملکت خراسان چون درجه اهمیت دارد، لهذا این خدمت را به علاوه حکمرانی خوار و سمنان و دامغان و شاهرود و یسّطام و استرآباد و سیستان به عهده کفایت جناب سپهسالار موکول فرمودند و بعد از چند روزی جناب معزی‌الیه روانه به محل مأموریت خود گردیدند.

بعضی معادن خوب در پائین قریه ولی‌آباد کلارستاق و دونای نور پیدا شده. میرزا کاظم محلاتی معلم علم فیزیک و شیمی مأمور و مشغول تحقیق و انکشاف آنها می‌باشد.

در تبریز ناخوشی وبا بروز کرده و چند روز شدت داشته است. به همین جهت حضرت مستطاب اجل اعظم مظفرالدین میرزا ولیعهد دولت علیه به اردبیل تشریف برده‌اند.

روز دهم جمادی الثانیه موکب همایون از بیلاق شمیران تشریف – فرمای دارالخلافه باهره گردیدند.

مراقبت کلیه امور دارالخلافه را برعهده جناب آقای مستوفی – الممالك مفوض و موکول فرمودند. و به صوابدید جناب معظم، جناب علاءالدوله محمدرحیم خان را به بیگلربیگی طهران و میرزا عیسی پسر مرحوم میرزا موسی را به متصدی گری کل خالصجات طهران انتخاب نمودند.

بسیاری از اجناس که گمرک بر آنها بسته می‌شد و سالی چندین هزار تومان گمرک داشت محض رفاه خلق، گمرک آنها را معاف کردند. نظر به اتحاد دولتین ایران و روس، این اوقات بعضی نشانها از جانب دولت روس به رجال و بزرگان و اکابر این دولت موهبت شد و

به اجازه اعلیحضرت همایون قبول و زیور پیکر خود نمودند که تفصیل آن از قرار ذیل است:

جناب علاء الدوله سنت استانیسلاس از درجه اول.

میرزا عبدالوهاب خان نایب‌الوزاره سنت استانیسلاس از درجه اول.

محمد مهدی خان سرکشیکچی باشی سنت استانیسلاس از درجه اول.

علیقلی خان رئیس تلگرافخانه ممالک محروسه سنت‌آنا از درجه دوم با تاج امپراطوری.

جعفرقلی خان رئیس مدرسه دارالفنون سنت استانیسلاس از درجه دوم.

میرزا جوادخان مباشر امور تجار روس در طهران سنت استانیسلاس از درجه دوم.

میرزا صادق خان مباشر امور خارجه در استرabad سنت استانیسلاس از درجه دوم.

میرزا اسدالله منشی اول وزارت امور خارجه سنت استانیسلاس از درجه دوم.

میرزا عبدالغفار معلم علم هندسه سنت آنا از درجه سیم.

میرزا کاظم معلم علم طبیعی سنت استانیسلاس از درجه سیم.

محمد اسماعیل خان وکیل‌الملک سردار به اعطای عصای مرصع به جواهر سرافراز و مستقلا به حکومت کرمان و بلوچستان مفتخر آمد و مرتضی قلی خان سرهنگ فوج ملایر ولد معزی‌الیه به سرتیپی دوفوج کرمان نایل گردید.

حاجی رشیدخان که در وزارتخانه خزانه خدمت کرده بود به منصب استیفا از درجه سیم قرین مفاخرت گشت.

بعد از اتصال سیم تلگراف دولت علیه، چون مخابرات داخله و خارجه زیاد شده، به نواب والا اعتضاد السلطنه وزیر علوم حکم فرمودند یک رشته سیم دیگر از سر حد بوشهر الی سر حد جلفا بر همان تیرهای سابق امتداد دهند.

چون یک صد و پنجاه نفر سربازی که حسب الامر نواب والا اعتضاد – السلطنه وزیر علوم از ملایر گرفته‌اند به مشاقی و تعلیم ذوالفقارخان

سرهنگ مهندس در تعلیمات و فنون جدید از قبیل قلعه سازی و نقابی و قلعه فوری و غیره خاصه در ساختن فکاز - که عبارت از خمپاره زمینی است - و آتش زدن آن با قوه الکتریسیته نهایت ماهر شده اند مجدداً حکم شد یک صد نفر دیگر از ملایر سرباز گرفته که مشغول دریافت فنون و تعلیمات مسطورہ باشند.

در این ایام سیم تلگراف دولت علیه با سیم تلگرافی دولت انگلیس اتصال یافت.

نظربه اتحاد دولتین علیتین ایران و عثمانی اعلیحضرت سلطان عثمانی این اوقات نشان سلطنتی دولت خودشان را که مکمل به الماس می باشد به رسم هدیه مصحوب حاجی عصمت افندی مین باشی برای اعلیحضرت شاهنشاهی یادگار فرستادند.

این اوقات سیم تلگراف دولت علیه با سیم تلگراف دولت روس (۱) اتصال یافت.

بنده مؤلف که سه سال بود به سمت نیابت دویم سفارت در پاریس و مشغول تحصیل بود در ماه رمضان این سال معاودت به دارالخلافه نموده به سمت پیشخدمتی حضور همایون سرافراز شد.

حکمرانی استرآباد را به نواب والا حاجی کیومرث میرزای ملک آرا مرحمت فرمودند.

بعضی از تراکمه تکه مروی که در سرحدات خراسان شرارت می کردند اللهیارخان سرتیپ دره جزی باقشون ظفرنمون آنها را تنبیه و تدمیر نمودند.

چون میرزا ابراهیم خان مظفرالدوله سرتیپ اول در سیستان خدمت کرده بود او را به منصب امیرتومانی مفتخر فرمودند.

لطف الله میرزا پسر مرحوم عبدالله میرزا به منصب سرهنگی فوج ششم خمسه سرافراز گردید.

علیقلی خان برادر مرحوم خاناباخان سردار به منصب سرهنگی فوج سمنان برقرار آمد.

شب پنج‌شنبه چهاردهم ذیقعدة الحرام ده ساعت و پنجاه و سه دقیقه ویست و هشت ثانیه از شب گذشته آفتاب عالم‌تاب از برج حوت به حمل تحویل کرد و سلام خاص در حضور باهرالنور مبارك منعقد شد. روز جمعه پانزدهم نیز سلام عام در تالار تخت مرمر انعقاد یافت.

خشتهای طلا که برای گنبد امامین همایین عسکرین علیهما السلام حسب الامر همایون ساخته‌اند و از هدایا و نذری است که مخصوصاً ذات ملکوتی صفات مقدس فرموده در ماه ذیقعدة با مأموریت علیرضاخان پیشخدمت خاصه (جناب عضدالملک) حمل به عراق شد.

نواب والا محمدتقی میرزا حکمران ولایت خمسه را به لقب رکن‌الدوله ملقب فرمودند.

میرزا زکی مستوفی وزیر سابق همدان به پیشکاری خمسه سرافراز شد.

روز پانزدهم ذیحجة الحرام موکب همایون به عزم سفر سعادت اثر خراسان و زیارت ارض اقدس و سرکشی آن مملکت از دارالخلافه باهره به قصر دوشان‌تپه نقل مکان فرموده روز بیست و سیم روانه مقصد شدند و شرح این سفر خیریت اثر در نگارش وقایع سال بعد بیاید.

میرزا محمد قوام‌الدوله به اعطای منصب وزارت گمرخانه‌های پیشکاری مخصوص حضرت اجل افخم والا نایب السلطنه دام‌اقباله‌العالی مفتخر گردید.

میرزا محمد قوام‌الدوله به اعطای منصب وزارت گمرخانه‌های ممالک محروسه سرافراز آمد.

علیقلی‌خان نایب اول آجودانباشی به منصب سرتیپی دویم مباحی شد.

غلامعلی‌خان سربندی به نشان و حمایل سرتیپی قرین افتخار گشت. حاجی حسین‌خان شهاب‌الملک امیرتومان به یک قطعه نشان امیر - تومانی و حمایل مخصوص آن سربلند گردید.

میرزا ابراهیم‌خان نایب دویم وزارت خارجه به اعطای درجه نیابت اول و نشان و حمایل سرتیپی دویم و کفالت مهمام خارجه آذربایجان سرفراز و مأمور شد.

میرزا محمدعلی خان (۱) کارپرداز اول دولت علیه مقیم بندر بمبئی به اعطای منصب سرتیپی دویم و نشان و حمایل مخصوص این رتبه قرین مباحات آمد.

میرزا معصوم خان کارپرداز مخصوص دولت علیه مقیم حاجی - طرخان به اعطای نشان سرتیپی سیم و حمایل مخصوص آن مفتخر گشت. قلی خان سرهنگ و آجودان وزارت خارجه به نشان از درجه اول سرهنگی و حمایل مخصوص آن نایل شد.

سیدسلطان محمد ملقب به «شاهزاده جهان» برادر حکمران جزیره کمرو که جزیره‌ای است نزدیک به ماداگاسکر واقع در جنوب افریقه به دربار همایون آمده مقارن انتهاض موکب همایون به سفر خراسان شرفیاب حضور مبارک و مورد تفقادات ملوکانه گردیده از جانب دولت علیه برای مشارالیه منزل و مخارج منزل معین شد.

چون اقامت حسنعلی خان وزیر مختار و ایلچی مخصوص دولت علیه مقیم در پاریس و میرزا سلیمان خان شارژدافر و نظر آقانايب اول وسایر صاحب منصبان سفارت در آن مملکت طول کشیده بود احضار به دربار همایون شده میرزا یوسف خان سرتیپ که مادام مأموریت حاجی طرخان و تغلیس و پترزبورغ مراسم کفایت خود را مشهود نموده بود به منصب شارژدافری مأمور سفارت پاریس گردید و علی خان سرتیپ پسر مرحوم حسین خان نظام الدوله که پیشتر به رسم نیابت سفارت در لندن و بعدها در سفارت پاریس مشغول خدمت بود به رسم کارپردازی اول مأمور اقامت تغلیس گردید.

حاجی محسن خان سرتیپ اول (۲) که به رسم نیابت و مستشاری در سفارت کبری مأمور پترزبورغ و نیز در سفارت مخصوصه پاریس بعدها مستشار سفارت بود به رسم شارژدافری مأمور سفارت لندن شد. در اوان غیبت موکب همایون و امتداد مدت سفر خراسان نیابت شخص اعلیحضرت شاهنشاهی دامملکه مخصوص حضرت اجل افخم

۱ - بعدها علاءالسلطنه لقب یافت و در دوره مشروطه به وزارت خارجه و صدارت

عظمی رسید.

۲ - بعدها مشیرالدوله لقب یافت و به مقام وزارت خارجه نائل گردید.

شاهنشامزاده والا نایب السلطنة العلیه (۳) می باشد.

وقایع معظمه که در این سال در تمام روی زمین
واقطار عالم واقع و سانح گردیده است

اتائونی ینگ دنیا:

ابتیاع دولت اتائونی بعضی اراضی را که در حوالی این مملکت
دولت روس متصرف بود (۴).
کسر عدد قشون بری و بحری.
نقار و کدورت ظاهری و باطنی با انگلیس به واسطه حمایت از ایالات
جنوبی که یاغی بودند.
امتداد سیم تلگراف بحری از فلوریدا به جزیره کوبا.

اسپانیا:

شورش ایالت کاتالن (۵) و ساراکن (۶).
ملاقات پادشاه پرتوغال با ملکه.

اطریش:

ملاقات اعلیحضرت امپراطور فرانسه با اعلیحضرت امپراطور
اطریش در سالس بورگ که نتیجه ملاقات اسباب خیال و سوء ظن غریب
برای دولت پروس گردید.
صدارت مسیو بست (۷).

شنیدن اعلیحضرت امپراطور در اوایل تابستان خبر فوت برادر
خود ماکسیمیلین امپراطور مکزیک را که به دست جمهوریان در کرتر
مکزیک به قتل رسید.

ملاقات اعلیحضرت امپراطور با پادشاه باویر.
ملاقات اعلیحضرت امپراطور با اعلیحضرت پادشاه پروس در
مملکت باویر و مسافرتش به پاریس و لندن.

۳ - یعنی کامران میرزا.

۴ - منظور ایالت آلاسکا می باشد که دولت امریکا از روسیه تزاری خرید.

۵ - Catalogne

۶ - Saragosse

۷ - Beust

آلمان:

دول جنوبی خصوصاً باویر مایل براین اند که وضع قشون خود را به سبک عساکر پروس نمایند و اتحاد مادی و معنوی با او پیدا کنند. ساکس و وورتبرگ هم با باویر در این مسئله متحدند و اعلیحضرت پادشاه پروس را به سمت سردار اعظمی کل عساکر آلمان اعم از دول شمالی و جنوبی می شناسند.

ملاقات اعلیحضرت پادشاه پروس با پادشاه ساکس در درزد (۸) پایتخت پادشاه ساکس.

افتتاح مجلس پارلمان کنفدراسیون شمالی به دست اعلیحضرت پادشاه پروس بشخصه با حضور جمیع شاهزادگان و بعضی سلاطین و وزرای تمام آلمان. قرنهای بود که چنین تجملی از برای هیچیک از سلاطین آلمان دست نداده بود.

دول آلمان به وحشت این که مبادا لوکسانبورگ به دست فرانسه بیفتد بالاتفاق با پروس سازش باطنی نمودند و این دوستی و سازش باطنی که سالها مخفی بود آشکار گردید برای جنگ آتیه با فرانسه که قریب الظهور می دیدند، مدیر و مدبر عساکر پروس ژنرال ملک (۹) و ژنرال رون (۱۰) وزیر جنگ بعضی قواعد و قوانین جدیدی ایجاد می کنند. عدد نفوس دول شمالی که خود را در تحت سلطنت اعلیحضرت پادشاه پروس قرار داده بودند به شصت کرور رسیده است و در هنگام صلح این شصت کرور نفس باید سیصد هزار نفر قشون مستعد و آماده داشته باشند.

اعلیحضرت پادشاه پروس و ولیعهد و مسیو بیژمارک صدراعظم به تماشای اکسپوزیسیون و ملاقات اعلیحضرت ناپلئون امپراطور فرانسه به پاریس می آیند.

اعلیحضرت امپراطور روس هنگام مراجعت از پاریس که از برلن عبور نمودند با اعلیحضرت پادشاه پروس ملاقاتی کردند. تفویض صدارت کل دول شمالی به مسیو بیژمارک.

مخترع تفنگ سوزنی معروف دریزنام که تفنگ او در جنگ سادوا چنان که مذکور شد سبب غلبه قشون پروس بر عساکر اطریش شد در این سال فوت نمود.

انگلیس:

بروز قحط و غلا در شهرهای این مملکت. بی‌تابی و اضطراب اهالی لندن در این فقره.

تدارک جنگ دیدن دولت انگلیس برضد پادشاه حبشه تادروس که باوجود شورش داخله آن مملکت مصمم مقاتله با عساکر انگلیس است. برای تدارک این جنگ معادل ده کروور تومان ایران دولت استقراض می‌کند. سیرروبرنیپر (۱۱) سپهسالار این قشون است. تدارکات این جنگ از هر حیثیت کمال اشکال را دارد. زیرا که حمل و نقل آذوقه و قورخانه را به واسطه چهارپایان باید به داخله حبشه نمود.

ورود اعلیحضرت عبدالعزیزخان سلطان عثمانی و والی مصر به انگلیس در تابستان.

ایتالیا:

عروسی دوک داوست (۱۲) پسر دویم اعلیحضرت پادشاه در سن بیست و دو سالگی و ازدواج او با یکی از نجبای اهل مملکت.

چین:

باوجود ضدیت علمای مذهبی ایجاد مدرسه به جهت تعلیم و تعلم السنه فرنگ در پکن پایتخت.

روس:

استعفای پرنس دادیان از والیگری ایالت منگرلی و دادن حقوق خود را به اعلیحضرت امپراطور روس.

پرنس گرچاکف به لقب صدارت عظمی ملقب گردید.
ازدواج دختر گراندوک قسطنطین، الگا، به پادشاه یونان.
بعضی فتوحات در بخارا.

ژاپن:

فرستادن برادر طیقون به سن پانزده سالگی با جمعی از معارف به سمت سفارت در دربار دول فرنگ.
انعقاد مجلس شورا در آن مملکت.

عثماني:

بعضی جوانها که از نجبای مملکت بودند در خیال آزادی افتادند که اغلب آنها را دولت حبس کرد و جلای وطن داد.
صدارت عالی پاشا. وزارت خارجه فؤادپاشا.
مدت غیبت اعلیحضرت سلطان که به فرنگستان رفته بود چهل روز شد.

شورش سخت اهالی قندی و حمایت آشکارای دولت یونان از آنها.
مسافرت عالی پاشای صدراعظم به قندی برای استمالت یاغیان. سرداری عمرپاشا به جهت تدمیر یاغیان.
تفویض لقب خدیوی به والی مصر. عبور سفاین تجارتي از نهر سوز.
شورش اهالی بلغارستان و آرام گردیدن آنها.
برداشتن دولت عثمانی قشون خود را از قلعه بلغراد سروستان.

فرانسه:

اعلیحضرت امپراطور ناپلئون، از برای جذب قلوب اهالی فرانسه، به واسطه خطبی که از رجال دولت در مسئله مکزیك به ظهور رسیده بود، مسیو امیل الیویه (۱۳) را که یکی از وکلای دست چپی بود به سمت خود استمالت داده وعده وزارت به او می دهد. آزادی روزنامه ها.
در افتتاح مجلس پارلمان، اعلیحضرت امپراطور در خطبه خود استعداد قشون از وکلای ملت برای حفظ و حراست حدود و ثغور مملکت فرانسه می طلبد به احتیاط این که مبدا دولت مجبور به منازعه با پروس شود. هفتاد هزار قشون علاوه بر معمول حاضر نمودند و بعد از چندی که اطمینانی حاصل شد مرخص خانه شدند.
نقار وضدیت کلی رعیت ووکلای ملت با دولت در فقره مکزیك.

در مدت شش سال که دولت قشون به مکزیك فرستاد سصد و شصت ملیان فرانك که معادل هفتاد و دو کرویر تومان ایران است مخارج بی فایده برای دولت به هم رسید. مسیو طیر مخصوصاً با کمال تشدد قباحات اعمال دولت را آشکار می نماید.

افتتاح اکسپوزیسیون عمومی صنایع در پاریس.

ورود اغلب از سلاطین اروپ حتی اعلیحضرت سلطان عثمانی به پاریس از برای تماشای اکسپوزیسیون. از سلاطین که به پاریس و به تماشای این اکسپوزیسیون نیامدند اعلیحضرت پادشاه انگلستان و پادشاه اسپانیا و پادشاه ایتالیا بودند.

هنگام بودن اعلیحضرت امپراطور روس در پاریس، در سان قشون که اعلیحضرت ناپلئون امپراطور فرانسه به جهت تشریفات سلاطین حاضر در پاریس که از جمله اعلیحضرت پادشاه پروس بود، در حوالی پاریس می داد، قبل از وصول به میدان مشق، شخصی از اهل لهستان طپانچه به طرف اعلیحضرت امپراطور روس خالی می کند بدون این که گلوله به اعلیحضرت معظم بخورد.

رفتن اعلیحضرت امپراطور ناپلئون به تعزیت به مملکت اطیش. علت مزاج اعلیحضرت امپراطور ناپلئون و رفتن ایشان به بیاریتس یکی از بنادر فرانسه به معالجه.

شهرت اتحاد باطنی دولت ایتالیا با پروس.

غلا و تسعیر نان در پاریس و سایر بلاد دیگر و شکایت و نارضائی مردم از دولت در اغلب نقاط.

دولت فرانسه به واسطه عظمت پروس کمال تحسر را دارد و در صدد این است که ایالت لوکسانبورگ را که جزء ایالات آلمان محسوب شده و لیکن سلطنت آنجا با پادشاه هلاند است متصرف گردد و اجرای این عمل را به رضایت پادشاه هلاند طالب است. پادشاه هلاند به حسب ظاهر تمکین نموده اما باطناً اعلیحضرت پادشاه پروس را از این ماجرا اطلاع می دهد. تغیر سخت اعلیحضرت پادشاه پروس از این مقدمه و اتحاد دول جنوبی و شمالی آلمان به یکدیگر بر ضد فرانسه. تهیه جنگ چه از طرف دولت فرانسه و چه از طرف دول آلمان علی الخصوص پروس. بالاخره به وساطت

دولت انگلیس و به واسطه انعقاد مجلس مشاوره در لندن که از جمیع دولّ فرنگ به استثنای اسپانیا مأمور در آنجا حضور به هم رسانید، قرار بر این شد که ایالت لوکسانبورگ بی طرف بوده نه جزء فرانسه باشد و نه جزء پروس همان قسم که در تحت سلطنت پادشاه هلاند است به حال خود بماند لیکن قلعه مستحکم آنجا که تهدید به سرحد فرانسه می نماید با زمین مساوی گردد و به همین نحو مقرر شده بین دولتین کار به مصالحه انجامید.

احضار تمام قشون فرانسه از مکزیك.

مارشال بازن (۱) که از طرف اعلیحضرت امپراطور فرانسه مأمور بود که بلکه بتواند ماکسیمیلین امپراطور مکزیك را برآن بدارد که از سلطنت استعفا و مراجعت به فرنگ نماید از عهده مأموریت خود برنیامده قشون ژوآرز از اطراف ماکسیمیلین را محصور نموده تا در تابستان او را به دست آورده مقتول می سازند. ژوآرز بعد از چهار سال و چهل و پنج روز غیبت، با فتح و فیروزی، وارد پایتخت گردیده مستقلاً به ریاست مشغول می گردد.

هلاند:

وبای سخت در اغلب بلاد.

یونان:

تحريك دولت مخفیاً و آشکارا اهالی جزیره قندی را به شورش نسبت به دولت عثمانی.

مسافرت اعلیحضرت پادشاه به فرنگ و ازدواجش با یکی از شاهزاده خانمهای روس.

وقایع سال بیست و یکم
سلطنت و تاجداری اعلیحضرت شاهنشاه
صاحبقران شیدالله تعالی - دعایم ملکه و
سلطنته مطابق هزار و دویست و هشتاد و
چهار هجری توشقان نیل ترکی

ابتدای این سال خیرمآل - چنان که در شرح خاتمه سنه ماضیه مسطور
شد - موکب فرخنده کوکب همایون به عزم زیارت ارض اقدس و مشهد
مقدس و بازدید مملکت و سیه خراسان و حدود و ثغور آن سامان
انتهاض فرموده بود. توضیح آن که در پانزدهم ماه ذیحجه سال قبل
موکب اعلی از شهر دارالخلافه به قصر دوشان تپه نقل مکان کرده روز
بیست و سیم از دوشان تپه به منزل خاتون آباد تشریف فرما شدند.

حضرت شاهنشاه زاده امجد اکرم والا نایب السلطنة العلیه حکمران
دارالخلافه را در غیاب موکب همایون به نیابت سلطنت کبری مخصوص
فرموده جناب آقای مستوفی الممالک به وزارت مالیه و انتظام خزانه و
وصول و ایصال مالیات برقرارند.

وزارت علمیه و تجار و تلگرافخانه های ممالک محروسه مخصوص
نواب والا اعتضاد السلطنة وزیر علوم است.

وزارت جنگ و انتظام عمل نظام بالتمام به عهده عزیزخان سردار -
کل است.

اداره امور خارجه سپرده به میرزا سعیدخان مؤتمن الملك وزیر
امور خارجه می باشد.

حاجی محمد قلی خان وزیر عدلیه است.
اما صورت همراهان و ملتزمین رکاب معلى از قرار ذیل است:
نواب مستطاب مهد علیا و تمام خدمه.
خادمان حرم جلالت و شاهزادگان عظام که شصت کالسکه شش اسبه محمل ایشان بود و هزار و چهار صد مال از برای بنه ایشان معین شده بود.

نواب علیه عزةالدوله با تمام خانهزادان و عیال و خدام.
نواب علیه عصمةالدوله عروس معیرالممالک با والدۀ امیر دوست-محمدخان و خدام ایشان.
حاجی آغا یوسف خواجهباشی و تمام خواجههای حرم از سیاه و سفید.

مهدیقلی خان غلام بچهباشی و تمام خانهشاگردان و غلام بچهها..
شاهزادگان عظام: ملک منصور میرزا، سلطان احمد میرزای - عضدالدوله (۲)، تیمور میرزا پسر مرحوم فرمانفرما، محمدکریم خان پسر مرحوم مهدی [قلی] میرزا.

وزرای عظام: فرخ خان امینالدوله وزیر دربار و رئیس ملتزمین رکاب نصرت انتساب همایون. انوشیروان خان اعتضادالدوله خوانسالار و ایلخانی قاجار و حکمران و سردار مازندران و استراباد و غیره .
حاجی علی خان اعتمادالسلطنه وزیر وظایف. محمدناصرخان ظهیرالدوله ایشیک آقاسی باشی. میرزا محمدحسین دبیرالملک. پاشاخان امینالملک وکیل مملکت خراسان و غیره.

اعیان و مستوفیان و غیره: حاجی میرزا محمدخان دبیر مهمام خارجه و وزیر وظایف سابقه (۳). میرزا نصرالله مستوفی گرکانی. میرزا مصطفی وکیل لشکر. قاسم خان جارچی باشی. محمدقلی خان شاطرباشی. عبدالله خان پسر نسقچی باشی. محمد رحیم خان سرتیپ زند. محمدعلی خان صاحب جمع و پیشخدمت خاصه. محمد نظرخان. ابوالحسن خان موسی خان و صاف. محمدتقی خان نایب وزیر امور خارجه. رضاقلی خان

۲ - ملک منصور میرزا و سلطان احمد میرزا پسران فتحعلی شاه بودند.

۳ - مجدالملک سینکی پدر میرزا علی خان امین الدوله و میرزا تقی خان مجدالملک.

نایب ایشیک آقاسی. میرزا طاهر مستوفی. علی خان نایب اول شاطر خانۀ مبارکه. محمد هاشم خان نایب جارچی باشی. محمد حسن خان پسر جارچی باشی. محمد حسین خان ولد ایضاً. میرزا اسدالله منشی رسایل. حاجی میرزا عبدالله منشی ایضاً. میرزا اسماعیل منشی ایضاً. میرزا محمد حسین رئیس الکتاب. اسماعیل خان بشیرالدوله. میرزا سید کاظم مستوفی اصطبل.

سرکردگان: مصطفی قلی خان امیرتومان و کشیکچی باشی. علیقلی خان آجودان باشی کل افواج قاهره. محمدقلی خان سرتیپ حسامالدوله. رحمة الله خان ساری اصلان. حاجی حسین خان شهاب الملك امیرتومان. حاجی قنبرعلی خان سعد الملك. کاظم خان سرتیپ. الهیارخان سرتیپ. جان محمد خان سرتیپ. کلب حسین خان سرتیپ امین نظام. زین العابدین خان سرتیپ. صفرعلی خان سرتیپ. محمد صادق خان سرتیپ. مصطفی قلی خان سرهنگ توپخانه. عبدالقادرخان. محمد آقای سرهنگ. حسینقلی خان سرتیپ برادر ساری اصلان.

یوزباشیان: علیقلی خان. حیدرقلی خان. صادق خان. ابراهیم خان. جلیل خان. نصرالله خان. مصطفی قلی خان. کلبعلی خان. هاشم خان. محمد حسین خان. رضاقلی خان.

افواج قاهره: فوج خاصه. فوج دوم نصرت. فوج خلج. نصفه فوج سوادکوه. فوج امیریه. موزکانچیان مخصوص.

غلام پیشخدمتان: میرزا عبدالله خان خوئی، حاجی فتحعلی خان، ابراهیم خان، زین العابدین خان، محمدقلی خان خمسہ، حاجی ابوالفتح خان، آقایان قاجار هشت نفر، فتح الله خان، محمدقلی خان، محمد حسن خان ایضاً، طهماسبعلی خان، حاجی زال خان، میرشب.

توپخانۀ مبارکه با پانزده عراده توپ و غیره: طهماسبقلی خان، علی محمدخان، علی آقا، میرزا جوادخان شیرازی.

سواره: غلامان کشیکخانۀ مبارکه ششصد نفر، غلام نصرت چهارصد نفر، غلام زرین کمر دویست نفر، سواره نظام دویست نفر، غلام اینانلو چهارصد نفر، سوارۀ شاهسون دویرن ششصد نفر، سوارۀ شاهسون اینانلو ششصد نفر، سوارۀ ایلات قزوین چهارصد نفر. عیسی خان سرکردۀ سوار نصرت، بیوک خان، علیقلی خان، ابراهیم آقا، میرزا حسن سررشته دار.

خزانه مبارکه وزنبورکخانه و کالسکهخانه و سایر: ابواب جمعی
خزانه دار همایون.

امیر دوست محمد خان داماد اعلی حضرت شاهنشاهی، دوست علی خان -
معیر الممالک حاکم یزد و گیلان، نصر الله خان سرتیپ زنبورکخانه
بایکصد و بیست نفر زنبورکچی، حاجی عبدالرشید خان مستوفی خزانه
مبارکه، اهالی خزانه از صراف و تحویلدار و غیره، عمله کالسکهخانه
مبارکه با هشتاد کالسکه، عمله تختخانه مبارکه با بیست تخت، عمله
نقاره خانه همایونی، آقا مهدی ساعت ساز.

صندوقخانه مبارکه: حاجی رحیم خان صندوقدار، آقا حسن -
رختدار باشی، احمد خان تحویلدار صندوقخانه، استاد عبدالله خیاط باشی
و خیاطان، عمله جات صندوقخانه مبارکه.

پیشخدمتان: میرزا هاشم خان امین خلوت و رئیس تفنگداران خاصه،
یحیی خان آجودان مخصوص و تحویلدار صرف جیب همایون، آقا علی -
امین حضور و حاکم ساوه و شاهسون بغدادی و غیره، عبدالعلی خان -
ادیب الملک، محمد تقی خان افشار، میرزا علی خان نایب اول وزیر امور
خارج و منشی حضور همایون، محمد تقی خان طهرانی، میرزا مهدی -
خوئی، الله قلی خان پسر مرحوم اعتماد الدوله، آقا رضای عکاس باشی،
محمد حسن خان محقق، حاجی محمد حسن خان، علی خان گرجی،
اسد الله خان، محمد علی خان، غلامحسین خان مشهور به موچول خان،
حسین خان پسر سهراب خان، نصر الله خان پسر امین الدوله، محمد حسن -
خان پسر ایضاً، میرزا محمد خان پسر امین خلوت، نور محمد خان محصل
امور دیوانخانه مبارکه، رحیم خان پسر مرحوم بهاء الملک، احمد خان،
وجیه الله میرزا، ابراهیم خان محلاتی، محمد خان، محمد باقر خان پسر
ادیب الملک، آقا یعقوب حافظ شمایل و دستخط مبارک حضرت ولایت مآب -
علیه السلام، حسن آقا، آقا محمد حسن، حاجی علینقی فراش خلوت، آقا محمد -
علی نقیب باشی، آغامحراب، حاجی میرزا بیک فراش خلوت، غلامعلی خان -
دربان خاص همایونی، پاشایک فراش خلوت.

اطباء: حکیم باشی خاص دکتر طولوزان فرانسوی، حاجی آقا -
بابای ملک الاطباء، میرزا حسین دکتر، آقامیرزا سید علی، میرزا -

عبدالعلی، میرزا حسینعلی، میرزا مسیح، میرزا سیدحسین، میرزا حسین دواساز.

نظارتخانه مبارکه: نورالدهر میرزای نایبناظر (ع)، میرزا علی - اکبر مشرف کارخانه، حاجی قاسم شربت دار و ناظمالبکاء، حاجی - حسین آشپزباشی، شربت دار و طبابخ.

آبدارخانه مبارکه: آقا ابراهیم آبدارباشی جناب امینالسلطان و ایل بیگی عرب و غیره، آقاییوسف سقاباشی، آقا محمدتقی باشماقچی باشی که دوشان تپه و بعضی از عمارات همایونی سپرده به اوست، آقا رضای - دهباشی یساول عملۀ خلوت، آقا حسینعلی، حاجی حسن، حاجی مهدی، آبداران و سقایان.

قهوه خانه مبارکه: حاجی محمدخان قهوهچی باشی و تحویلدار کشیکخانه مبارکه، آقا حسن نایب، قهوهچیان.

تفنگداران خاصه: آقا کشی خان، قهرمان خان، حاجی فرج خان، محمد حسن خان، رضاقلی خان، مصطفی قلی بیگ، حبیب الله بیگ، ابوالقاسم خان، محمد زمان بیگ کلهر، محمد حسن بیگ، سایر هفتاد نفر. اصحاب شکار: مصطفی قلی خان میرشکار، حبیب الله خان برادر ایضاً، ولی بیگ، سایر شکارچیان چهل نفر.

اصطبل خانه: محمدحسین میرزا پسر میرآخور نایب کل، ابراهیم - خان نایب، حاجی محمدقلی نایب، نایبان جزء دوازده نفر، جلودار صد نفر، مهتر و غیره سیصد نفر.

فراشخانه مبارکه: حاجی محمدخان حاجب الدوله، محمدحسین خان پسر حاجب الدوله و نایب کل، باقرخان، مشهدی آقای نایب، شیر - محمد بیگ نایب، یوزباشیان و دهباشیان صد نفر، کربلائی رمضان نایب قاپوچی باشی، نایبان جزء ده نفر، فراشباشیان هفتصد نفر.

بنده مؤلف که در این وقت منصب پیشخدمتی خاصه داشت نیز به التزام رکاب ظفر انتساب همایون سرافراز بود.

روز بیست و پنجم ذیحجه به شریف آباد بالیمن والسعادة والاقبال تشریف فرما گردیدند. از خاتون آباد تا شریف آباد دوفرسنگ ونیم است.

روز بیست و ششم به ایوان کیف که انتهای خاک ورامین است نزول اجلال فرمودند. از شریف آباد به ایوان کیف پنج فرسنگ است.

روز بیست و هفتم قشلاق از قرای خوار مضرب خیام گردون احتشام معلی گردید. از ایوان کیف به قشلاق شش فرسخ است.

روز بیست و هشتم پاده منزلگاه اردوی همایون بود. از قشلاق به پاده سه فرسنگ است و پاده نیز از قرای معتبر خوار است. در این منزل میرزا علینقی طبیب و پیشخدمت خاصه ملقب به حکیم الممالک گردید. در بین راه قشلاق و پاده، باباییک و قربان بیک طوقمش و ساری بهادر اتمش و بعضی کدخدایان و ریش سفیدان دیگر از طایفه تراکمه مروی با عریضه چاکری و پیشکشی به خاکپای مبارک مشرف و به قدر مرتبه مورد عواطف ملو کانه شدند.

روز بیست و نهم به ده نمک نزول اجلال فرمودند. از پاده تا ده نمک سه فرسنگ است.

دوشنبه غره محرم الحرام این سال موکب منصور خسروی تشریف - فرمای لاسجرد گردید. از پاده تا لاسجرد هفت فرسنگ است. از پاده گذشته اول خاک سمنان می باشد و محدود است به چند یارلغان (۵) عمیق که مانند خندق طبیعی در میان خاک خوار و سمنان واقع است. قصبه لاسجرد قریب سیصد و پنجاه خانوار رعیت دارد.

روز دوم محرم موکب مسعود شاهنشاهی به شهر سمنان شرف ورود ارزانی فرمود. از لاسجرد تا سمنان شش فرسخ است. شهر سمنان از بلاد قدیمه ایران و جمعیت آن بیست هزار نفر و هوای آن طرب افزا و سردتر از دارالخلافه است. خاقان خلدآشیان فتحعلی شاه طاب الله ثراه مسجد شاهی در این شهر بنا فرموده اند که از ابنیه بسیار عالیّه محسوب می شود. در این وقت حسین خان پسر جناب سپهسالار حاکم سمنان است و ان شاء الله تعالی در حرف سین به تفصیل، شرح جغرافیای این بلد نگاشته خواهد شد.

روز سیم و چهارم محرم نیز اردوی همایون در سمنان متوقف بود.

• - یارلغان لغت ترکی می باشد و عبارت از نه‌های عمیق و عریض است که به تدریج

از آب سیل و غیره پدیدار شده باشد (اع).

روز پنجم از سمنان انتهاض فرموده تشریف فرمای آهوان گردیدند. از سمنان به آهوان شش فرسنگ است.

روز ششم محرم از آهوان نهضت فرموده به قوشه نزول اجلال فرمودند. از آهوان به قوشه هفت فرسنگ می باشد. در بعضی تواریخ مسطور است که شهر قومس در صحرای قوشه بوده.

روز هفتم امیرآباد منزلگاه موکب همایون گردید. از قوشه تا امیرآباد دو فرسخ است.

روز هشتم شهر دامغان به مقدم بهجت شیم مبارک مزین گردید. از امیرآباد به دامغان چهار فرسنگ است.

روز نهم و دهم و یازدهم را در دامغان توقف فرموده کلیه اردوی کیوان شکوه مشغول تعزیه داری و مقتضیات روز تاسوعا و عاشورا بودند. روز یازدهم را ذات ملکوتی صفات همایون به تماشای چشمه علی دامغان که مسافت آن تا شهر دامغان چهار فرسنگ می باشد تشریف فرما گردیدند. چشمه علی مابین مغرب و جنوب و در این فصل که اواخر بهار است زیاده از بیست سنگ آب دارد. خاقان مغفور البسه الله حلل النور (فتح علی شاه) عمارت و بنائی عالی در چشمه علی باقی گذاشته اند و تاریخ بنا در سنه یک هزار و دویست و هفده می باشد و چندی قبل جناب سپهسالار میرزا محمدخان به حکم همایون این ابنیه عالی را مرمت نموده حالا چنان به نظر می آید که بنای جدیدی است و چون این عمارت وقف حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه می باشد صورت وقفنامه آن را نیز در این محل می نگارد و هی هذا:

صورت وقفنامه و بنای عمارت

در حینی که رایات ظفر آیات والویه نصرت علامات پادشاه عدالت پناه و شاهنشاه گردون بارگاه قهرمان الماء والطين – ظل الله فی الارضین المؤید بتاییدات ملک الجبار ابوالنصر – فتح علی شاه قاجار خلد الله ملکه به عزم تسخیر و تدمیر فرقه اوزبکیه ماوراء النهر از دارالخلافت طهران شقه گشا گردیده

این مکان دل افروز مخیم خیام ظفر انجام پادشاهی شد، رای صواب نمای پادشاهی تعلق‌پذیر گردید که در این منزل ارم-مماثل عمارتی ساخته‌آید که راه روان را از تاب آفتاب پناه و از رنج راه آرامگاه باشد و وقف صحیح شرعی نمودند این عمارت دلگشا را به سرکار فیض آثار حضرت صاحب الامر صلوات - الله علیه و علی آبائه الطاهرین فی سنة هزار و دویست و هفده.

بالجمله شهر دامغان از شهرهای قدیم ایران است و قلعه بزرگ عالی داشته و شرح جغرافیائی آن در حرف دال ان شاء الله تعالی نگاشته خواهد شد. روز دوازدهم محرم تشریف‌فرمای قریه مهمان دوست گردیدند. از دامغان تا مهمان دوست پنج فرسنگ است.

روز سیزدهم قریه ده ملامضرب خیام سلطنتی گردید. از مهمان‌دوست تا ده ملا چهار فرسخ می‌باشد.

روز چهاردهم ساحت بسطام منزلگاه موکب همایون آمد. از ده‌ملا به‌شاهرود چهار فرسنگ و از شاهرود به‌بسطام از نیم فرسنگ قدری بیشتر است و شرح جغرافیائی بسطام و شاهرود در حرف باء در جلد اول مرآة‌البلدان مسطور شد. در این وقت نواب جهانسوز میرزا به‌حکومت شاهرود و بسطام منصوب است. دربین راه ده‌ملا و بسطام، نواب ملک‌آرا حاکم استرآباد و عباسقلی‌خان سرتیپ‌لاریجانی شرفیاب خاکپای مبارک شدند. روز پانزدهم و شانزدهم موکب معلی در بسطام متوقف بود. میرزا سیدکاظم مشرف اصطل‌خانه در بسطام به‌منصب مستوفی‌گری سرافراز شد. حیدرقلی‌خان سهام‌الدوله ایلخانی طایفه شادلو و حاکم بجنورد و توابع با پانصد سوار در بسطام به‌زیارت خاکپای همایون مشرف گردید.

روز هفدهم از بسطام به خیرآباد تشریف فرما گردیدند. دربین راه نواب ملک‌آرا را مرخص فرموده به‌محل حکمرانی خود بازگشت. عباسقلی‌خان لاریجانی نیز به‌اجازه همایون با نواب معزی‌الیه همراه شد. از بسطام تا خیرآباد سه فرسنگ است. از اینجا به ملاحظه کم آبی میان دشت، نصف اهالی اردو را مقرر فرمودند به‌ریاست حاجی شهاب‌الملک - امیرتومان یک‌روز پیشتر از موکب مسعود از راه معمول بروند و از میان

دشت بگذرند و نصف دیگر با اردوی همایون که از راه ارمیا عازم است همراه باشند.

روز هیجدهم قریه ارمیا منزلگاه موکب اعلی بود. از خیرآباد تا ارمیا پنج فرسنگ است. چناری در این قریه است و عقیده اهالی دهکده این که حضرت ارمیای پیغمبر در وسط این چنار مدفون است. لهذا آن را محترم دارند و از شاخ و برگ آن نبرند و عظمت و کهنگی این چنار محل نظر و جای تعجب می باشد. میانه این چنار در قدیم الایام سوخته و از اصل ساقه درخت جز پوست سطبری نمانده است. در اینجا پنجاه نفر از خوانین و ریش سفیدان طایفه کوکلان به توسط سهام الدوله شرفیاب خاکپای مبارک شدند.

روز نوزدهم تشریف فرمای منزل میامی گردیدند. از ارمیا تا میامی پنج فرسخ است. در میامی برادران و برادر زادگان ایلخانی چون سبحان قلی خان و شیرمحمدخان و غیره به خلاع همایونی مفتخر شدند. سایر سرکردگان شادلو، همچنین ده نفر از خوانین ترکمان، به خلعت های درخور و انعامات شاهانه نایل گردیدند. روز بیستم منزل میان دشت مضرب خیام معلی گردید. از میامی به میان دشت زیاده از شش فرسنگ است. در میان راه حاج مصطفی قلی خان حاکم کلات که از ارض قدس با عریضه جناب سپهسالار به استقبال موکب همایون می آمد به خاکپای مبارک مشرف شد. سقایان دیوانی زیاده از پنجاه بار آب و راویه های پرداختند که در بین راه به عموم اهالی اردو و زوار و مسافرین و پیادگان آب می دادند و حکم همایون شد که در منزل میان دشت قنوات عدیده احداث نمایند که عابرین از آب تنگدستی نداشته باشند.

روز بیست و یکم از میان دشت به عباس آباد تشریف فرما شدند. سه فرسخ به عباس آباد مانده قریه الهاک واقع است. بنای این قلعه نیز در عهد خاقان مغفور شده است. در بین راه هر قسم شکار خاصه گور فراوان است. از میان دشت به عباس آباد شش فرسنگ است.

روز بیست و دویم استرید مضرب خیام اردوی همایون شد و در بین راه ذات معدلت صفات همایون به قلعه صدر آباد که در میان راه واقع است رانده بعد از آنجا به استرید تشریف فرما شدند. از عباس آباد به استرید به خط مستقیم پنج فرسنگ است ولی از راه صدر آباد زیاده از هفت فرسنگ

می‌باشد. استربد جزء نیشابور است و پنجاه خانوار رعیت و مزارع متعدد دارد.

روز بیست و سیم به منزل داورزن نزول اجلال فرمودند. از استربد به داورزن از راهی که موکب مسعود حرکت فرمود شش فرسنگ است. داورزن اول خاک سبزوار است. شاهزاده پرویز میرزا حاکم سبزوار با سوار سبزواری بین راه به خاکپای مبارک مشرف شد.

روز بیست و چهارم در داورزن اطراق و به جواب عرایض وزراء مشغول بودند.

روز بیست و پنجم از داور زن به منزل مهر توجه فرمودند. از داورزن تا مهرشش فرسنگ است.

روز بیست و ششم قریهٔ ربید منزلگاه موکب همایون گردید. از مهرتاریید سه فرسنگ است.

روز بیست و هفتم سبزوار به یمن قدوم ملوکانه مزین گردید. نرسیده به شهر جناب سپهسالار حکمران مملکت خراسان و امیرحسین - خان ایلخانی زعفرانلو و اللهیارخان حاکم دره جز و یوسف خان هزاره باسرکردگان و سرداران خراسانی و ترکمانان ساروق و تکه و غیره که زیاده از سه هزار نفر بودند موکب معلی را استقبال کرده به زیارت رکاب اعلی مباحی گردیدند. از ربید تا سبزوار پنج فرسنگ است و شرح جغرافیائی سبزوار در جلد اول کتاب در حرف باء در لغت بیهقی مسطور شد.

بالجمله روز بیست و هشتم و بیست و نهم دربلدهٔ سبزوار اقامت و با علمای این دیار خاصه جناب حاجی ملاهادی سبزواری که از اجلهٔ حکمای متالیهین است ملاقات و مذاکرات فرمودند و آقارضای عکاس - باشی پیشخدمت خاصه (آجودان مخصوص و خازن صرف جیب همایون) حسب الامر عکسی از جناب حاجی ملاهادی برداشت و چون جناب حاجی تا این وقت عمل عکاسی را ندیده بلکه آن را مخالف قانون و براهین علمیّه حکمای سلف می‌دیدند نهایت متعجب شدند. و چون ارگ شهر سبزوار به مرور دهور خرابی به هم رسانیده بود به جناب سپهسالار امر فرمودند که آن را مرمت نماید.

روز غرهٔ شهر صفر موکب همایون از سبزوار به رباط زعفرانی

تشریف فرما گردید. از سبزوار تا رباط زعفرانی شش فرسنگ است و رباط قدیم منهدم و آنچه الآن آباد است رباطی است که به حکم محکم شاهنشاهی، حاجی مصطفی قلی خان نوری در ایام حکومت سبزوار بنا نموده و نواب والاحسام السلطنه سلطان مراد میرزا حکمران خراسان نیز به امر اعلیٰ چاپارخانه دولتی و مهمانخانه و آب انبار و یخچالی در جنب آن ساخته اند.

روز دوم صفر از زعفرانی به زمان آباد توجه فرمودند. در بین راه حاجی سلیمان خان قاجار حاکم نیشابور به خاکپای مبارک مشرف شد. از زعفرانی تا زمان آباد شش فرسنگ است.

روز سیم صفر نیشابور به ورود موکب منصور مزین گردید و در غربی شهر در باغ رضوان که از بناهای امام ویردی خان نیشابوری است نزول اجلال فرمودند. از زمان آباد به نیشابور چهار فرسنگ است. شرح جغرافیائی شهر نیشابور در حرف نون بیاید.

روز چهارم و پنجم و ششم و هفتم ماه را در نیشابور توقف فرمودند. علمای این بلد به زیارت جمال مهر مثال مبارک فایز گردیدند. مسجد علی کرخی که از ابنیه عالیّه نیشابور است و محتاج به مرمت شده امر اعلیٰ به تعمیر آن شرف صدور یافت.

روز هشتم صفر از نیشابور موکب منصور به قدمگاه تشریف فرما گردیده سه روز در اینجا اطراق شد. از نیشابور به قدمگاه پنج فرسنگ است. چون قدمگاه را گنبدی است مزین به کاشی معرق از بناهای سلاطین صفویه و باغی است متصل به گنبد بسیار باصفا با خیابانی مطول که بعضی اشجار آن را به مرور کننده و بریده اند حکم به تعمیر این آثار بزرگ فرمودند. از قدمگاه به شهر مشهد مقدس دوراه است: یکی از راه در رود که از میانه درّه در رود و گلستان و ترقبه می رود و راه بیلاق و سایه دار است اما کالسکه رون نیست. دیگری راه معمول طرق و دیز آباد است که دورتر و گرمسیر است ولی چون راه را ساخته اند و مخصوصاً امسال جناب سپهسالار تعمیر کرده کالسکه از آن عبور می نماید و معبر دائمی قوافل زوار است.

خلاصه روز یازدهم صفر تشریف فرمای دیز آباد شدند. از قدمگاه

تادیزآباد چهار فرسخ است.

روز دوازدهم به شریفآباد نزول اجلال فرمودند. از دیزآباد تا شریفآباد چهار فرسنگ است.

روز سیزدهم به جانب طرق نهضت فرما شدند. در بین راه در محل موسوم به تپه سلام حضرت شاهنشاه زادهٔ اجل والاجلال الدوله فرمانفرمای مملکت خراسان و حاجی بهاءالدوله و حاجی شریف خان بیگلربیگی و حاجی میرزا محمدرضای مستوفی با سواره شاهیسون افشار و غیره به رسم استقبال به تقبیل رکاب اعلی نایل گردیدند و اجازهٔ مراجعت به شهر یافتند که پذیرای مقدم مبارک باشند. از شریفآباد تا طرق چهار فرسنگ است.

روز چهاردهم صفر موکب مسعود به مشهد مقدس ورود فرمود. از طرق تا شهر مشهد یک فرسنگ و نیم است و راه به نهایت صاف و مسطح و کالسکه رو می باشد. از هنگام انتهاز موکب از طرق تا شهر علی الاتصال در خارج خیابان توپچیان به شلیک توپ مشغول گشتند. مستقبلین همه جا از پیاده و سواره صف کشیده بودند. همه جا جمعیت و ازدحام زیاده از حد و صداهای شادی و ذکر صلوات بلند بود. از ابتدای خیابان خارج شهر تا درب دروازه سربازان ملتزم رکاب از دو سمت ایستاده از دروازه تا درب صحن مقدس افواج متوقف ارض اقدس حاضر شده بودند. دکانین و اطراف خیابان را اصناف و کسبه زینت بسته بودند. نقاره خانهٔ حضرت فیض آثار را می نواختند. ناظر و عمال و خدام حضرت رضوی با علمها و بیدقهای زرنگار موکب همایون را استقبال کردند. در وقت ورود به صحن مطهر، محض احترام امام همام و حرمت به عترت سیدانام، اعلی حضرت همایون جیقۀ مکمل به الماس را که از علایم خاصهٔ سلطنت است از تارک مبارک برداشته به رسم پیشکش در آستان حضرت رضوی - سلام الله علیه تقدیم فرمودند و با کمال ادب و خضوع از صحن شریف گذشته داخل روضهٔ منوره شدند و بارقت قلب، زیارت خواندند. بعد از لوازم زیارت و دعا به تفرج مسجد گوهرشاد تشریف برده و به سر مقبرهٔ مرحوم مغفور ولیعهد مبرور عباس میرزا طاب الله ثراه فاتحه خوانده از در بالا خیابان بیرون آمده سوار شده از باغات محلهٔ سراب گذشته به ارگ همایونی تشریف ورود ارزانی داشتند و اردوی معلی در خارج ارگ سکنی

گرفت و وزرا و اعیان داخل شهر منزل نمودند.

شهر مشهد را چندان قدمتی نیست و از هنگامی که مضجع حضرت - مقدس رضوی شده روبه حلیه آبادی نهاده و پیش از آن طوس - که مسافت آن تا این شهر چهار فرسنگ است - آباد بوده و چون شرح جغرافیائی مشهد مقدس و سایر بلاد و قصبات و قرای خراسان به ترتیب حروف تهجی هر یک به جای خود ایراد می شود در این محل فقط به ذکر ابنیه مطهره متعلقه به حرم و صحن و روضه منوره می پردازیم و آن از قرار ذیل است:

صحنهای مبارکه

صحن بزرگ که در طرف شمال و پشت سر حضرت واقع است معروف به صحن عتیق. نصف آن که در سمت گنبد طلاست از بناهای امیر علی شیر وزیر شاه سلطان حسین بایقراست و نصف دیگر که سمت ایوان شاه عباسی است سابقاً مدارس اهل سنت بوده و مرحوم شاه عباس ثانی بر صحن افزوده. این صحن را چند در است: دری به خیابان بالا و دری به پائین خیابان و دری به بازار بزرگ و دری به بازار بزازان که از ابنیه میرزا - فضل الله وزیر نظام است و دری به سمت قتلگاه که به در بازار آقاچه معروف است. حجرات واقعه در این صحن فوقانی و تحتانی است و آنچه از بناهای آن که به اسم و رسم است از این قرار است:

ایوان طلای نادری که بنای آن از امیر علی شیر است و طلای آن از نادر شاه. از این ایوان دری به دارالسیاده و دری به توحیدخانه می رود و کتابخانه مبارکه در این ایوان است. در جنب این ایوان دو کفشکن است: یکی کفشکن بالا که به سقاخانه و دارالسیاده می رود و راهی به گلدسته طلای عباسی دارد و دیگری کفشکن پائین به گنبد الله و یردی خانی که در بدو امر به جای کرباس روضه مطهره بوده است منتهی می شود.

ایوان شاه عباس مقابل ایوان طلاست که کاشیکاری آن نهایت امتیاز دارد. در پشت سر آن محل مدرسه ملاتاج است که در آن مدرسه جز گلدسته طلای نادری آثاری باقی نیست. تعمیر این گلدسته را، بعد از نادر شاه، والدۀ خاقان خلد آشیان کرده است.

مدرسه میرزا جعفر که از بناهای بسیار عالیهِ و در عهد اوزبکیان ساخته شده است و در کتیبه ایوان قبلی آن اسم شاه سلطان حسین ضبط است. ولی معلوم نیست که مرحوم شاه سلطان حسین معمر یابانی این بنا بوده.

حجره میرزای ناظر، شامخانه حضرت، کشیکخانه مؤذنان، مکتبخانه ایتام، کشیکخانه دربانان، مجلسخانه حضرت، حجره میرزا - حسینعلی وزیر، عمارت وزیر نظام، دارالتولیه عضدالملکی.

سمت خیابان پائین بالای درپائین خیابان نقارهخانه حضرت است که مرحوم حاجی قوام‌الملک تمام نموده.

سقاخانه وسط صحن موسوم به سقاخانه طلا که سنگ آب آن را در عهد نادر شاه آورده‌اند و اصل عمارت وطلای آن را اسماعیل خان طلائی در عهد خاقان خلدآشیان ساخته است.

صحن جدید که صحن شرقی باشد معروف به صحن خاقان که در پائین پای حضرت واقع است واصل آن از بناهای خاقان خلدآشیان فتحعلی شاه است. کاشیکاری آن که در کمال امتیاز است از مرحوم - حاجی میرزا موسی خان وازاره سنگ آن قدری از مرحوم معزی‌الیه و قدری از میرزا عبدالباقی منجم‌باشی و اتمام آن از میرزا فضل‌الله وزیر نظام شده. حوض وسط نیز از مشارالیه است. آن صحن را چند دراست: دری مقابل ایوان موسوم به در ضرابخانه، در خیابان پائین، دری به بازار زرگران، دری به طرف مقبره مرحوم شیخ بهائی.

عمارات واقعه در صحن علاوه بر عمارات تحتانی و فوقانی که محل توطن طلاب است از این قرار است:

ایوان طلای مبارکه ناصری: اصل بنای آن از خاقان مغفور - فتحعلی شاه وطلای آن را بر حسب امر شاهنشاه حم‌جاه، مرحوم میرزا - محمد حسین عضدالملک در ایام حکومت نواب والاحسام السلطنه از منافع ملکی حضرت فیض آثار ساخته است و از این ایوان دری به دارالسعاده است و در جنبین آن دو کفشکن است که به خود ایوان منتهی می‌شود. کارخانه و شربت‌خانه خدام، سقاخانه کاشیکاری وسط از بناهای حاجی - میرزا محمد رضای مستوفی است.

صحن جنوبی که در مقابل حضرت واقع است مسجد گوهرشاد است که یکی از بناهای بسیار عالی و معروف است. خاصه کاشیهای معرق و غیر معرق آن که باچینیهای بسیار ممتاز می تواند برابری کند. بانی این بنای عالی گوهرشاد عروس امیر تیمور گورکان است و در این صحن چهار ایوان و شبستان است و دروب آن از این قرار است: دری به بازار بزرگ، دری به محوطه معروف به پائین پا که مقبره مرحوم شیخ بهائی است، دری به سمت خانه حاجی میرزا موسی خان است و دری قبلی که به معبر عام می رود. اسامی ایوانها بدین موجب است: ایوان مقصوره با گنبدی بسیار عالی و دو گلدسته بلند کاشی. دهنه این ایوان دوازده ذرع و ارتفاع آن بیست و پنج ذرع و نیم و طول آن سی و چهار ذرع است و ارتفاع گنبدی که در وسط آن واقع است چهل و یک ذرع و قطر پی های ایوان پنج ذرع و ارتفاع هریک از گلدسته ها چهل و یک ذرع است. نیز از محسنات این ایوان آن که از سنه ششصد و بیست که بنای آن شده الی حال به هیچ وجه محتاج به تعمیر نگشته.

ایوان سمت حضرت معروف به ایوان دارالسیاده که دری مقابل حضرت دارد و در جنبین آن دو کفشکن است.
ایوان شرقی، ایوان غربی، شبستانهای اطراف، محوطه مسجد معروف به مسجد پیرزن.

عمارات رواق مطهر

سمت غربی که به طول واقع شده دارالسیاده است که از سمتی به مسجد گوهرشاد و از سمتی به سقاخانه و ایوان طلای نادری منتهی می شود و از بناهای گوهرشاد است.

سمت شرقی دارالسعاده است که از بناهای اصفالدوله است و پائین پای حضرت واقع است. بالای آن محوطه پائین پاست و سمت پائین آن ایوان طلای ناصری است.

سمت شمالی توحیدخانه.

میانه غرب و شمال سقاخانه و راهرو گلدسته طلای شاه عباسی است.

سمت جنوبی دارالحفاظ که سمت بالای آن حرم مطهر است و سمت پائین ایوان مسجد گوهرشاد. این بنای عالی نیز از گوهرشاد است و آیینہ کاری آن را نواب والاحسام السلطنه کرده است.

میانه شمال و شرق کتابخانه حضرت و گنبدالله ویردی خان است. این گنبدقوی‌الاساس که سابقاً کریاس حرم مطهر بوده از ابنیه‌الله ویردی خان بیگلربیگی فارس است که در زمان سلاطین صفویه ساخته شده و کاشیکاری آن در کمال امتیاز است.

میانه مشرق و جنوب مدرسه علینقی میرزا که در او میرزا - علیرضای مستوفی مهمانخانه محقری ساخته است و در حقیقت این مدرسه حال حیاط کشیکخانه است و در پهلوی این کشیکخانه خدام و قهوه‌خانه و راهرو کشیکخانه معروف به گنبد کیک میرزا و خزانه مبارکه که در آن از دارالحفاظ است. سمت میان جنوب و مغرب تحویل‌خانه منقولات و تحویل‌خانه فراشان که در هر دو از دارالحفاظ است.

حرم مطهر حضرت امام هشتم علی بن موسی الرضا علیه‌الاف‌التحیه - والثناء محلی است مربع که در وسط اعلائی آن ضریح منور حضرت - امام علیه‌السلام است. چهار دیوار این بنای عالی مقدار از قرار معروف از بناهای اسکندر است. گویا روزی از این زمین بهشت آئین عبور کرده و واقعه خارق‌عادتی مشاهده فرموده سبب آن را از برهمنی دانا جويا گشته از اخبار معلوم نموده که این مکان مدفن یکی از اولاد خاتم - پیغمبران خواهد شد. پس نذری به‌خاطر گذرانده و بعد از وصول به‌مطالب، چهار دیواری محکم در آن محل برپا نموده که تاکنون به‌همان اسم باقی است. هارون‌الرشید، در زمان خلافت که غالباً خراسان و ماوراءالنهر را مقرر سلطنت می‌داشت و مرو و سرخس دارالخلافه بود، هوای طوس را ملایم حالت و مناسب اقامت دیده روزی از طوس به‌آن محل رفیع آمده و این بنای منیع را مشاهده نموده از حقیقت آن جويا گشته حکایت گذشته باز شنید. گفت اینک منم آن شخص که از خانواده رسالت و خلیفه پیغمبرانم و این مکان از برای مدفن من معین شده. پس امر نمود که برآن چهار دیوار گنبدی عالی بنا کردند و چون به‌عالم دیگر رفت جسم او را در این محل دفن نمودند. از آن پس در زمان خلافت مأمون، روح پاک و گوهر تابناک امام علیه‌السلام در قریه سناباد

که هنوز بعضی از محلات شهر مشهد به آب قنات آن مشروب است به عالم قدس و مرکز اصلی خرامید به اشارت مأمون الرشید جسد مطهر را در این گنبد به جائی که بالای سر هارون است به خاک سپردند و غبار آن مکان را توتیای دیده رضوان کردند و چون مقبره هارون در وسط واقع بود لابد می بایستی مرقد مطهر منور بالاتر از آن باشد، پس صندوق مبارک به قسمی واقع شد که وسعت سمت بالاسر بسیار کم و نزدیک به دیوار گشت. مرحوم مغفور شاه عباس صفوی رحمة الله علیه بالای این گنبد مطهر را طلا نموده و داخل گنبد مبارک را در عهد این شاهنشاه جم جاه عالمیان پناه میرزا - صادق قائم مقام آئینه کاری کرده است. کاشی از اره وسط گنبد که سرکوب چینی فغفور است دو قسم ساخته شده: قسمی در کتیبه که خطوط رقاع واسلمی برجسته دارد و می توان دعوی کرد که تا امروز چینی به این صفا و صنعتی به این دقت نشده است. دیگر خشتهای مسدس سفید است که با خطوط طلا به آیات و احادیث تزئین یافته. آنچه به تحقیق پیوست خمیره این کاشی اعلی از معدنی که بالفعل در نواحی مشهد موجود است حاصل می شود. حرم مطهر را از دو سمت یکی از سمت پشت سر و دیگری از سمت بالای سر دو فضای شاه نشین مانند است که اولی به مسجد زنانه و ثانی را که مرحوم نواب محمد ولی میرزا ساخته است به مسجد ایشان موسوم و معروف است. از این دو مسجد به یکدیگر راهی است که آئینه کاری آن را عباسقلی خان میرپنجه پسیان نموده اکنون محل نشستن قراء کلام الله است. ضریح مطهر مربع طولانی است و سطح آن از خشتهای بلور مفروش است و آن را سه ضریح است: ضریح اول طلا است که مرحوم شاه عباس جنت مکان در سفری که پیاده به آستان ملایک پاسبان آمده بر حسب نذر به مبلغ هفت هزار تومان انجام داده و ناصر قلی میرزا نواده نادر شاه آنها را دزدیده و بعد به حکم نادر میرزا به محل خود عود داده اند ولی طلای یک سمت آن در حمل و نقل مفقود شده است و حال یک سمت آن نقره و سه سمت طلا است. ضریح دوم فولاد مرصع است که از قرار معروف نادر شاه برای قبر خود ساخته بوده است و چون چنین ضریحی جز لایق امام نبود، بعد از فوت نادر شاه، به سعادت مصرف سرکار فیض آثار رسیده است. ضریح سوم فولاد است. روی شیروانی ضریح فولاد صفحه نقره و بر روی آن صفحه طلا استوار کرده اند. حرم مطهر را سه در است: دری

به دارالحفاظ و دری به پائین پا و دری به توحیدخانه.

دروب طلا و نقره رواق و روضه مطهره

در طلا دوباب، دروب نقره هفت باب، در ضریح طلای مرصع که خاقان مغفور خلدآشیان ساخته بودند و سالار طلای آن را دزدیده بعد بر حسب امر خسروانه نواب سلطان مراد میرزا حسام السلطنه دوباره طلا و مرصع کرده است. در دارالحفاظ که مرحوم عضدالملک بر حسب امر قدر قدر همایون طلا کرده است. ایوان نادر شاهی یک باب. سایر سه باب. در کتابخانه. دری که از دارالسیاده به دارالحفاظ می آید نواب والاحسام السلطنه سلطان مراد میرزا ساخته است. دور چهار چوب آن را مرحوم عضدالملک طلا کرده. در کفشکن اول. در توحیدخانه. در دارالسیاده از سمت ایوان طلا. در دارالسیاده از ایوان نادری که مرحوم عضدالملک ساخته است. در پائین پا که طلا و مرصع بوده و در زمان طغیان سالار طلای آن را برده اند و حال نقره زیر آن باقی است.

مقابر اشخاص معروف که در خدمت حضرت فیض آثار مدفون شده اند

خلیفه هارون الرشید. مرحوم شاه طهماسب. شیخ بهائی علیه الرحمه بیرون رواق در محوطه معروف به پائین پا است. حضرت نایب السلطنه مرحوم عباس میرزا در دارالحفاظ. حاجی محمد ولی میرزا در مسجد خودش. محمد تقی میرزای حسام السلطنه. حاجی قوام الملک. فرمانفرما. آقای حاجی میرزا عسکری امام جمعه. حاجی میرزا موسی خان. ولی خان از جمله قبور قدیمه است. مرحوم آقا میرزا احمد. میرزا جعفرخان. مشیرالدوله. میرزا محمد حسین عضدالملک. میرزا محمدخان سپهسالار اعظم. نجفقلی خان قوچانی. امیرگونه خان قوچانی. شاهزاده ملک قاسم. خان افغان. شاهزاده ملک حسین میرزا. عباسقلی خان میرپنج پسیان. میرزا. محمد علی متولی باشی. میرزا ابوطالب.

دارالشفاء و مهمانخانه

دارالشفاء در خیابان واقع است. مهمانخانه زوار در خیابان بالا. مهمانخانه اعیان در پائین.

روز پانزدهم صفر که روز دوم اقامت موكب همایون در ارض اقدس بود، ابتدا به مطالعه عرایض وزراء که از دارالخلافة رسیده بود پرداخته حکم به جواب هریک فرمودند. بعدها میرزا مینای شاعر ملك الشعراى حضرت رضوی سلام الله علیه که قصیده در مدح حضرت و ورود موكب معلى به ارض فیض قرین انشاد کرده بود به توسط محمد حسن خان محقق پیشخدمت خاصه به عرض رسانید و به انعام ملوكانه نایل گردید و ما از آن قصیده به مطلع آن اکتفا می‌نمائیم و هوهذا:

ای خراسان يك جهان جان بایدت بهر نثار
در ورود موكب مسعود کیهان شهریار

روز شانزدهم خوانین و صاحب منصبان و سرکردگان خراسانی به توسط جناب سپهسالار شرفیاب خاکپای فرقدسا گردیدند. نیز میرزا - مسیح و سایر صاحب منصبان و سرکردگان مازندرانی به توسط اعتضادالدوله شرفیابی حاصل نمودند.

روز هفدهم وقت نماز صبح جناب سپهسالار داعی حق را لبیک اجابت گفت و خاطر مهر مظاهر از این جهت متألم شد. نظر به پاس خدمات و حقوق آن مرحوم، مقرر فرمودند جمیع وزراء و اعیان که ملتزم رکاب مبارك بودند نعلش او را تشییع نمایند و به احترام هرچه تمامتر در محلی که در صحن مقدس خود آن مرحوم انتخاب کرده دفن کنند و مواظب باشند که چیزی از اموال او تفریط نشود.

روز هیجدهم در دیوانخانه مبارکه به صدور احکام و امور ملکی اشتغال داشتند. محمد صالح خان کرد بچه سرتیپ که از سیستان به عزم تقبیل آستان مبارك آمده بود به توسط جناب دبیر الملک به خاکپای مبارك مشرف گردید و حکم به تعمیر مدرسه میرزا جعفر و مرمت اسواق و تنظیف معابر فرمودند و مقرر شد که درهای خانه‌ها را که به وضع پستی

بود تغییر دهند و به سبک درب خانه‌های شهرهای معتبر بسازند.
 مسیو بوناتال فرانسوی چهلچراغی از مفرغ با نهایت امتیاز مثل
 نقره ریخته بود به حضور همایون آورده به انعامی شایان نایل گردید و
 مقرر شد آن چهلچراغ را بالاله‌های کار مشهد که کمال امتیاز را داشت
 تقدیم چراغخانه مبارکه حضرت نمایند.

روز نوزدهم، ابتدا بعضی علما به زیارت جمال مهرمثال مقدس
 مسرور و مباهی شدند و بعدها رؤسای تراکمه‌یموت و کوکلان و غیره که
 به عزم تقییل عتبه علیه آمده بودند به واسطه جناب ظهیرالدوله به این فیض
 عظیم نایل شدند. چون دو ساعت به غروب مانده شد، ذات معدلت صفات
 همایون متوجه زیارت و روضه منوره شدند و ابتدا به کتابخانه مبارکه
 حضرت ورود فرموده کتابهای خطی ممتاز و قرآنهای گرانها را مطالعه
 و ملاحظه فرمودند.

روز بیستم که روز اربعین بود به روضه خوانی گذشت.

روز بیست و یکم پسر وکیل طبس و امیرحسینعلی خان خافی و
 برادرش که مدتی بود از خراسان فراری و در صفحات هرات به سر
 می بردند به توسط جناب ظهیرالدوله شرفیاب خاکپای مبارک و مورد
 تفقدات شاهانه گردیدند. چون هوا گرم شده بود، رای مبارک چنین
 اقتضا فرمود که با معدودی از خواص خدم به ییلاق گلستان تشریف فرما
 گردند. اعظم ملتزمین رکاب اعلی چون امین الدوله و دبیرالملک و
 معیرالممالک و امینالملک و سرکردگان افواج و غیره از این سفر معاف
 شدند و مقرر شد عکاسباشی عکس حرم محترم و صحنها و ابنیه مقدسه
 را بردارد.

روز بیست و دویم تشریف فرمای ییلاق گلستان شدند. از شهر تا
 ییلاق گلستان سه فرسخ است. این قریه چهل خانوار رعیت و رودخانه
 آبی و باغات مشجر باصفائی دارد و آب و هوای آن نهایت خوب است.
 روز بیست و ششم از گلستان به شهر مشهد مقدس معاودت فرمودند.

روز بیست و هفتم محمدحسین خان مأمور کلات شد و در انتظام
 امور سواره هزاره و اسفراین احکام محکمه شرف صدور یافت و
 یوسف خان هزاره و پسر او که مصدر بی حسابی و بی نظمی شده در انتظام

امور سوار و رساندن مواجب و مرسوم آنها بی مبالغاتی کرده بودند معزول شدند و محمدخان هزاره به ایل بیگیگری ایل هزاره منصوب شد. بعد از آن به زیارت روضه منوره پرداختند.

بیست و هشتم عرایض وزرا را که از دارالخلافه رسیده بود مطالعه فرمودند.

روز بیست و نهم چاپاری از استراباد رسیده از جمله اخبار این بود که مرادنامی از افغانه در میان طایفه جعفربای آمده و به شعبده خود را پیغمبر قلم داده و به لقب ایشانی که از القاب پیشوایان تراکمه است ملقب گردیده و مصدر شرارت شده است. نیز از سرحد مکر و لاهیجان معروض افتاد که حمزه آقای منگور بلباس که از اشار است غفله به ایل قراپایاق تاخته بسیاری را کشته و یک دوقریه را غارت کرده و به خاک روم گریخته. وهم از عربستان و خوزستان به عرض رسانیدند که مرضی شبیه به طاعون در بصره و محمره و سواحل نهر هندیه بروز نموده اسباب وحشت و اتلاف مردم شده است. دفع این آفات را احکام مفیده حاصل گردید.

روز سلخ، به مزار خواجه ربیع تشریف فرما شدند (۱). چون مرحوم سلطان فتحعلی خان جد امجد شاهنشاهی نیز در خواجه ربیع مدفون است فاتحه خوانده و به تعمیر بقعه حکم فرمودند و وقت عصر مراجعت به ارگ شد. در این وقت اعتضادالدوله معروض داشت که مراد ملقب به «ایشان» با ترکمانان به سمت آن قلعه تاخته و بانواب ملک آرا جنگ در انداخته و جناب حاجی ملارضای رئیس العلماء در این جنگ به درجه شهادت فایز گردیده و خود ملک آرا با معدودی در خانه آدینه خان که از خدمتگزاران دولت است متحصن گردیده محمد میرزا پسر نواب معزی الیه زخم گلوله و شمشیر برداشته و چون جمعیت نواب ملک آرا کم و تراکمه چندین هزار نفرند پیشرفتی برای او نشده. خاطر مهر مظاهر

۱ - خواجه ربیع از اخلاص کیشان مولای متقیان و از اقران اویس قرنی و هرم بن حیان

و طاهر بن عبدقیس بوده و از جانب آن حضرت در ری و عراق ریاست لشکر عرب داشته و در جنگ صفین با چهار هزار نفر از ری به کوفه به امداد حضرت رفته و کمال جانفشانی را نموده.

قبر شریفش در کنار رودخانه طوس است (اع).

از استماع این خبر آشفته و متوجه رفع غایله بود که دو ساعت از شب رفته چاپاری از دارالخلافة رسیده مژده داد که نواب ملک آرا غالب و تراکمه منهزم و «ایشان» به تیر خود نواب معظم کشته شده است. این خبر موجب مسرت گردیده مع ذلک احکام اکیده در نظم صفحات استرآباد و حدود بحر خزر و تنبیه کامل از طایفه مطروده شرف صدور یافت.

روز غرة ربیع الاول به سان خدام آستان مبارک حضرت رضوی - سلام الله علیه و تعدیل جمع و خرج موقوفه آستانه متبرکه و بازدید بقیه کتابخانه پرداختند و اوراق قرآن کریم که به خط میرزا بایسنقر است به نظر مبارک رسیده مقرر فرمودند به همه جا بسپارند که اگر بقیه اوراق این قرآن را بیابند به کتابخانه مبارکه موصول دارند و به وصول انعام سرافراز گردند.

روز دوم و سیم ربیع الاول اوقات مبارک مصروف مهمان ملکی بود. روز چهارم محمد ابراهیم خان مظفرالدوله که مدت زمانی مأمور خدمت سیستان بود و از شهر جدید ناصری که در آن سامان بنا کرده اند با سواره و پیاده ابواب جمعی خود به تقبیل عتبه علیه آمده به خاکپای مبارک مشرف خود او و پسرش نیز مورد مراحم ملوکانه شدند.

امیر شاهنواز خان پسر مرحوم سلطان احمد خان حاکم هرات با عبدالله خان برادرش و چند نفر از رؤسای علیکزائی و خزرائی و دیگر طوایف افغان که از راه سیستان به همراهی مظفرالدوله به جهت شرفیابی آستان همایون آمده بودند نیز به تفقدات خسروانه مباهی گردیدند. و مبلغی در این روز به اهل استحقاق مشهد سرکار اعلیحضرت شاهنشاهی بذل و انعام فرمودند و جمعی را به وظیفه و مستمری داخل در جرگه دعاگویان و آسوده نمودند. و عزم سیاحت و تفرج بیلاقات شاندیز را تصمیم دادند.

روز پنجم ماه به مطالعه نوشتجات مرحوم سپهسالار مشغول بودند و میرزا علی خان منشی حضور همایون (جناب امین الملک) مختصر روزنامه اردوی کیوان شکوه معلی را که از بدو حرکت موکب منصور در دارالطباعه اردو طبع می شد به عرض حضور مهر ظهور رسانیده مقبول خاطر اقدس افتاد.

روز ششم ماه به بیلاقات شاندیز تشریف فرما شدند. از شهر مشهد

به‌شاندیز پنج فرسنگ و اکثر آباد و معموره است و قصبه شاندیز يك صد خانوار رعیت و باغات و عمارات عالیه دارد و قلعه قدیم شاندیز که بالای تپه واقع است خندق و بارو و حصار محکم داشته و چون حصانت آن گاهی موجب شرارت اهالی می‌شد، نواب والاحسام السلطنه در ایام حکمرانی خود آن را خراب نموده‌اند.

روز جمعه نهم به‌قصبه اسجیل نزول اجلال فرمودند. از شاندیز تا کاهودو فرسنگ ونیم است. دوفرسنگ صحرا و مسطح و بقیه آن باغات و ابتدای دره است. و این دره و باغات تا قصبه دولت آباد و اسجیل که چهار فرسنگ است امتداد دارد و همچنین ممتد است تا قصبه گل مکان که در نیم فرسخی اسجیل واقع است. دولت آباد و اسجیل هر دو دو قصبه بزرگ و سیصد الی چهارصد خانوار رعیت دارد.

روز دهم ماه وارد چشمه سبز شدند. چشمه سبز عبارت است از فضائی در دره که در سمت شمال شرقی نیشابور است و از آنجا تا نیشابور هفت فرسنگ است. دور این محوطه تقریباً پنج هزار قدم و در وسط آن دریاچه‌ای است که هزار قدم دور اوست و آب چند چشمه کوچک از اطراف در او جمع شده و هم در وسط دریاچه چشمه‌های متعدده دارد که آب از آنها غلیان و فوران می‌کند ولی نه به‌قسمی که در ظاهر معلوم شود و زیاده از چهار سنگ آب از این دریاچه به سمت گل مکان جاری است که این قریه و مزارع آن را مشروب می‌نماید.

روز یازدهم ماه در شاندیز مشغول جواب عرایض وزراء بودند. دوازدهم به‌شهر مشهد معاودت فرمودند.

سیزدهم سردار یعقوب خان والی هرات پسر سردار امیر شیرعلی خان که به عزم شرفیابی آستان مبارک آمده بود با تمام بزرگان و اعیان هرات و افغانستان به‌توسط ظهیرالدوله بارحضور همایون یافت و عرض پیشکشها نمود.

چهاردهم و پانزدهم فقط مشغول مهام ملکی و رسیدن به‌عرایض متظلمین بودند. حاجی میرزا رضای مستوفی خراسان به‌لقب مستشارالملکی سرافراز شد. حاجی محمدباقر خان وکیل طبس «عمادالملک» لقب یافت و محمدحسین خان ولد مشارالیه به‌منصب سرهنگی نایل گردید.

روز شانزدهم به کارهای خراسان وامور این مملکت رسیدگی فرموده ارباب صنایع و غیره را به عواطف و تشویقات زایداً ماکان امیدوار فرمودند.

روز هفدهم که عید مولود مسعود حضرت ختمی مآب صلی الله علیه و آله بود سلام عید را در حرم مطهر برابر مرقد امام همام علیه السلام انعقاد دادند و ذات مقدس شاهانه باتمام اعیان ادای تهنیت فرمودند. در این روز سردار یعقوب خان و اعظم هرات و افغانستان به خلایع همایون سرافرازی حاصل نمودند.

روز هیجدهم آستان عرش نشان حضرت رضوی را وداع فرموده موکب معلی تشریف فرمای چمن قهقهه گردید و سردار یعقوب خان و همراهان او نیز اجازه انصراف حاصل کرده روانه هرات شدند. چمن قهقهه در شمال مشهد و در چهار فرسنگی واقع و به اسم قریه قهقهه که از توابع ارض اقدس و قریب به طوس است موسوم می باشد.

روز نوزدهم به چشمه گیلان نزول اجلال فرمودند. از چمن قهقهه به چشمه گیلان پنج فرسخ است. چشمه گیلان در فضای دامنه کوه واقع و قریب ده سنگ آب غلیظ ناگواری دارد که در نواحی شهر مشهد مقدس ضمیمه آب سد گلستان شده از خیابان داخل صحن مقدس می گذرد. نواب پرویز میرزا حاکم سبزواری ملقب به نیرالدوله شده از خاکپای مبارک اجازه انصراف به محل حکومت خود یافت.

روز بیستم چمن کوباغ منزلگاه موکب معلی گردید. از چشمه گیلان تا چمن کوباغ چهار فرسنگ است و همه جا صحرا مسطح و سبز و خرم و مرتع و موقوف ایلات کیوانلو است که زیاده از پنج هزار خانوار می باشند.

روز بیست و یکم به بلده رادکان تشریف فرما گردیدند. از کوباغ به رادکان یک فرسنگ است. قصبه رادکان قلعه بزرگ و محکمی دارد که هزار خانوار در آن مسکن دارند.

روز بیست و دویم به ملاحظه مطالعه عرایض وزراء در رادکان اطراق شد.

بیست و سیم از رادکان به منزل سوهان نزول اجلال فرمودند. از

رادکان تا سوهان سه فرسنگ و راه شمال مغربی و در جلگه واقع است که از یمین و یسار آن رشته کوهی امتداد دارد. کوه سمت راست آن نیم فرسنگ زیادتراً از راه دور نیست و قلعه کلات در سمت مشرقی و انتهای شعبه این کوه واقع است.

روز بیست و چهارم به علی آباد که اول خاک قوچان است تشریف فرما گردیدند و امیر حسین خان ایلخانی زعفران لو در بین راه با پانصد سوار زعفران لو و سران سپاه و خوانین زعفران لو به تقبیل رکاب اعلی مفتخر گردید. از سوهان تا علی آباد هفت فرسنگ است.

روز بیست و پنجم قوچان به ورود مسعود خسروانه مزین گردید. از علی آباد به قوچان (خوشان) سه فرسنگ است و شرح جغرافی آن در موقع خود بیاید.

روز بیست و ششم و بیست و هفتم و بیست و هشتم در قوچان توقف و به مهمام ملکی توقف داشتند. امیر حسین خان ایلخانی را شجاع الدوله لقب دادند و به ابوالحسن خان پسر مشارالیه شمشیری گل مرصع مرحمت شد و سایر کسان او به خلایع ملوکانه سرافراز شدند.

روز بیست و نهم موکب همایون تشریف فرمای چمن لیلی گردید و قراخان برادر اللهیارخان حاکم دره جز که به اردوی همایون احضار شده بود با دویست نفر سوار دره جزی در راه به ملتزمین رکاب اعلی و دیگر سواران پیوست. مقصود از احضار سواران خراسانی تنبیه طایغان طایفه یموت و کوکلان بود. ولی احدی از قصد و نیت اعلی حضرت همایون خبری نداشت. از قوچان به چمن لیلی دو فرسنگ و نیم راه است و این چمن بسیار وسیع و سبز و خرم و از هر سمت چشمه ها و نهرهای آب گوارا دارد.

روز غره ربیع الثانی به منزل فیض آباد نزول اجلال فرمودند. از چمن لیلی تا فیض آباد سه فرسنگ است. قریه فیض آباد قلعه محکم بزرگی دارد که قریب سیصد خانوار در آن سکنی دارند.

روز دوم ربیع الثانی شهر شیروان به ورود مسعود شاهانه مزین گردید. امیرگونه خان برادر شجاع الدوله حاکم شیروان با علماء و اعیان بلده در بین راه به زیارت جمال مهر مثال مبارک فایض گردیدند. از

فیض آباد به شیروان چهار فرسنگ است. بلدۀ شیروان شهر دوم قوچان است. ولی به حسب بنا شهر اول است و هزار و پانصد خانوار دارد و شرح جغرافیائی آن بیاید.

روز سیم ماه منزل عبدآباد مضرب خیام معلی گردید. از شیروان به عبدآباد سه فرسنگ است.

روز چهارم به قریۀ نوده تشریف فرما شدند. در بین راه محمدخان بیگلربیگی و خان سوارخان سرکرده هزاره با هفتصد و پنجاه نفر سوار بهاردوی همایون پیوست. یک فرسنگ به نوده مانده حیدرقلی خان — سهام الدولۀ ایلخانی حاکم بجنورد و جاجرم و جوین و هزاره با هزار سوار شادلو که در نهایت رشادت بودند به تقبیل رکاب اعلیٰ مفتخر گردیده مورد تفقدات شاهانه شدند. در این روز وقت عصر، سهام الدوله را طلبیدند و از مکنونات ضمیر منیر که مبنی بر تدمیر طاغیان طایفۀ کوکلان ویموت بود او را آگاهی دادند و مقرر شد که قصد ملوکانه را مخفی دارد و در تهیه این امر سعی باشد. از عبدآباد به نوده چهار فرسنگ است و نوده اول خاک بجنورد است.

روز پنجم ربیع الثانی بلدۀ بجنورد به مقدم مبارک مزین آمد. از نوده الی بجنورد پنج فرسنگ است، شرح جغرافیایی بجنورد که در تواریخ «بزنجر» ضبط شده در جلد اول کتاب ثبت گردیده است.

روز ششم و هفتم ربیع الثانی در بجنورد اقامت فرمودند و سهام الدوله را رئیس قشونی که باید به تدمیر تراکمۀ طایفۀ یموت و کوکلان روانه شوند نموده و صاحب منصبان مفصلۀ ذیل را مقرر داشتند که در این خدمت از صواب دید سهام الدوله و اوامر او نگذرند و شب هشتم وقت سحر از صحرای شوغان به سمت مقصود روانه گردند. اسامی رؤسا و سرکردگان و صاحب منصبان از این قرار است: سهام الدوله حیدرقلی خان ایلخانی سردار قشون مأمور، شجاع الدوله امیر حسین خان ایلخانی، کلب حسین — خان امین نظام و سرکردگان نصرت، حسینقلی خان سرکرده سواره مخصوص، صفرعلی خان سرتیپ، زین العابدین خان سرتیپ، صادق خان — سرتیپ، عبادالله خان غلام پیشخدمت، حسنعلی خان سرتیپ قورت بیگلو، سبحانقلی خان برادر سهام الدوله، شیر محمدخان برادر ایضاً، علیقلی —

خان یوزباشی غلامان مخصوص، قراخان سرکرده سواره دره جزی، محمدخان بیگلربیگی هزاره، خان سوارخان سرکرده هزاره.

سواره مأمور: از ملتزمین رکاب همایون: غلامان مخصوص، غلامان نصرت، سواره مهاجر، سواره دویرن، سواره اینانلو، سواره قورت بیگلو، از سواره خراسانی: شادلو، زعفرانلو، دره جزی، هزاره، جوینی، جاجرمی. علیخان گرجی پیشخدمت خاصه را نیز با مأمورین حکم به همراهی فرمودند.

روز هشتم موکب فیروز از بجنورد تشریف فرمای فیروزه گردید. از بجنورد به فیروزه دو فرسنگ است.

روز نهم از فیروزه به چهاربید نزل اجلال فرمودند. از فیروزه تا چهاربید چهار فرسنگ می باشد.

روز دهم چهارده سنخا مضرب خیام معلی گردید. از چهاربید تا چهارده پنج فرسنگ است. چون یکی از معابر حقیقی تراکمه که به سمت عباس آباد و بسطام و غیره می رود از دهنه سنخا و از این بیابان فاصله جاجرم و اسفراین است که منتهی به کبابها و کلاتها کشته از دهنه زیدر به سمت بیارجمند می رود و یا از دهنه ایازدوکلن به میان دشت و عباس آباد و یا از شیخ مرتضی علی میدان عبور نموده به مغز و کیلان واز آنجا به خیرآباد و دهات زیرستاق می رود حکم همایون شد در تمام آن گذرها قراولخانه ها و قلعه جات بنا نمایند خاصه در سد بند و گذر معروف که به صحرای شوغان می آیند و یکی موسوم به دشت و یکی به رباط عشق و یکی به ارمدلو موسوم است در هذالسنه قلاع بنا کنند و قراولخانه های معتبر بسازند و چند خانواری در آن قلاع ساکن نمایند تا راه از شوایب خطر مصون ماند.

روز یازدهم موکب معلی به جاجرم تشریف فرما گردید. از چارده به جاجرم هشت فرسنگ است و شرح جغرافیائی آن در حرف جیم بیاید. دربین راه میرزا رحیم سرکرده سواره جاجرمی و میرزا فتحعلی نایب الحکومه جاجرم و یک صد نفر سوار جاجرمی به تقبیل رکاب اعلی سربلند گردیدند. نواب جهانسوز میرزا حاکم شاهرود که در این اوان در نردین بود به زیارت آستان همایون مبادرت نموده به توسط اعتماد السلطنه حاجی علی خان که وکالت ایالت شاهرود و بسطام و نردین و جاجرم

داشت به خاکپای همایون مشرف شد.

روز دوازدهم در جاجرم اقامت فرمودند و به مطالعه عرایض که از دارالخلافه و سایر بلاد رسیده بود مشغول گردیدند و در ضمن جواب جناب آقای مستوفی الممالک معلوم فرمودند که طریق معاودت موکب همایون از راه چشمه علی دامغان و فیروزکوه است تا از جانب حکومت دارالخلافه به هر جا لازم باشد قبل از وقت تهیه و سیورسات برسانند و حاضر نمایند.

روز سیزدهم از جاجرم به قریه ایور و دره تشریف فرما شدند. از جاجرم به دره دو فرسخ می باشد و به فاصله دو فرسنگ اندک کمتر یا زیاده تر سلسله کوهی است بلند و سخت که به سمت مغرب امتداد یافته. در این سمت چند مزرعه و دو قریه است که یکی از آن دو که قریب به اردوی همایون است موسوم به ایور است.

روز چهاردهم نردین به مقدم مبارک مزین گردید. از دره به نردین هشت فرسنگ است و شرح جغرافیائی نردین در حرف نون بیاید. در میانه راه دره و نردین چون راه گردنه و کالسکه رو نیست مقرر داشتند کالسکه ها را از راه کبابها به کلاته خیج برده منتظر حکم باشند و در نردین مژده فتح و غلبه سپاه منصور که مأمور تدمیر تراکمه یموت و کوکلان بودند رسید و معلوم شد مأمورین شب اول به شوغان که در نه فرسنگی بجنورد است رفته روز دویم به رباط عشق که شش فرسنگی شوغان است شب سیم به ارمودلی که هم شش فرسنگ است شب چهارم هفت فرسنگ طی نموده به کالپوش رسیدند شب پنجم نیز هفت فرسنگ طی کرده و از مقابل فرنک و فارسیان گذشته در دهنه گرگان منزل کرده اند. شب دیگر بعد از نماز مغرب و عشاء سوار شده هم در آن تاریکی شب از چهار فرسنگ جنگل گذشته وارد صحرای گرگان گشته از محاذی گنبد قابوس (۱) عبور نموده هنگام نماز صبح به اوبه های ترکمان نزدیک شده اند. خلاصه بعد از نماز صبح، قشون ظفرنمون به آلاچیقهای تراکمه تاخته مشغول نهب و جدال شدند و تا چهار ساعت ونیم

۱ - گنبد قابوس در کنار رود گرگان و هشت فرسنگی استراباد واقع و از ابنیه قدیمه

است و بنا بر قول معروف قبر قابوس شمس المعالی حکمران استراباد و مازندران بوده است (اع).

از طلوع آفتاب گذشته نایرهٔ حرب اشتعال داشت تابه کلی آن ملابیر (؟) مخدول و سپاه منصور غلبهٔ کلی یافتند و زیاده از هزار اسیر و دویست نیزه سر والجه را که از چند طایفهٔ قوچوق و تاتار و قان یخمز و چاروا و چمور نصیب سواران جلادت نشان شده از دربند گذرانده و به نوده رسیده اند.

روز پانزدهم موکب همایون در نردین توقف کرده به سیاحت چمن کالپوش که چمنی است بی نظیر توجه فرمودند. از کالپوش تا نردین دو فرسنگ است و در شمال نردین واقع. صفای این چمن معروف و روح آن موصوف. هر سو چشمه ساری نمایان و نهری چون سلسبیل جاری و عیان. آواز طیور و خروش وحوش و تماشای اصناف ریاحین و گلهای رنگارنگ طبع را نشاطی خاص و طربی مخصوص می بخشد. در این چمن دو رود عظیم است که از کوه جاری می شود علاوه بر آب چشمه سارها.

روز شانزدهم موکب معلی از نردین به کاشی دار نهضت فرما گردیدند. در بین راه سهام الدوله و شجاع الدوله و سایر سرکردگان به رکاب معلی پیوستند و هر دسته سواری اسرائی که به دست آورده بودند در معبر ملوکانه حاضر ساخته همگی به عواطف خاصهٔ خسروانه سربلند گردیدند. خلاصه در این منزل مقرر شد که اعتضاد الدوله را به حکومت استرabad سرافراز فرمایند و نواب جهانسوز میرزا به نیابت جناب ایشان معجلا به استرabad رود و خود اعتضاد الدوله از منزل خوش بیلاق از اردوی همایون هجرت گزیده با فوج خاصه و یک صد غلام و یک صد نفر از آقایان قاجار و یک صد نفر سواره نظام به مقرر حکومت روان شوند.

روز هفدهم تیلاور منزلگاه اردوی همایون گردید. از کاشی دار به تیلاور سه فرسنگ است.

روز هیجدهم از تیلاور به خوش بیلاق انتهاض فرمودند. از تیلاور به خوش بیلاق چهار فرسنگ است. ولی موکب همایون از راه زردابه که زیاده برده فرسنگ است راه پیموده و در بین راه شکار جرگه فرمودند. امیر حسین خان شجاع الدوله به خلعت همایون سرافراز و اجازهٔ انصراف به محل حکومت خود یافت.

روز نوزدهم از خوش بیلاق به کلاته خیج بسطام تشریف فرما شدند.

از خوش بیلاق به کلاته خیج چهار فرسنگ است. در این محل حیدر - قلی خان سهام الدوله به خلعت همایون و نشان امیرتومانی سرافراز و رخصت معاودت به بنجورد یافت.

روز بیستم از کلاته خیج به کرمه و قلعه نو نهضت فرما گردیدند. از کلاته خیج به کرمه و قلعه نو چهار فرسنگ است.

روز بیست و یکم و بیست و دویم در کرمه اقامت فرمودند. در اینجا مقرر شد که اردوی همایونی قسمت شده قسمتی که در اسفار کوچک و شکارگاهها همواره در رکاب اعلی بوده اند باز در موبک همایون باشند. قسمت دیگر از قرار شرح ذیل در ملازمت حضرت مهدعلیا از راه شاهرود و سمنان و دامغان به دارالخلافت روانه شوند. قسمت دیگر که مأمور استرabadند با اعتضادالدوله به محل مأموریت خود روانه شوند. ملتزمین خدمت حضرت مهد علیا از قرار ذیل است: شاهزاده ملک منصور میرزا، حاجی رحیم خان صندوقدار و اهالی صندوقخانه مبارکه، حاجب الدوله با جزء اعظم از فراشان و سراپرده چیان و فراشخانه و غیره، مظفرالدوله افواج خمسه، توپخانه، کالسکه خانه، زنبورکخانه و نقاره خانه. محمد - قلی خان حسامالدوله که در تمام مدت سفر ملتزم رکاب اعلی بود از اینجا مرخص و روانه دارالخلافت شد.

روز بیست و سیم به قریه ابرسیج بسطام نزول اجلال فرمودند. از کرمه به ابرسیج سه فرسخ است.

روز بیست و چهارم به تاش تشریف فرما شدند. از ابرسیج به تاش پنج فرسنگ است.

روز بیست و پنجم شاه کوه مضرب خیام معلی گردید. از تاش به شاه کوه چهار فرسخ است و شاه کوه دوقریه است که یکی را شاه کوه علیا و دیگری را شاه کوه سفلی می نامند و فاصله میانه دوقریه نیم فرسخ است.

روز بیست و ششم چهارده کلاته منزلگاه اردوی همایون بود. از شاه کوه به چهارده کلاته شش فرسنگ است. در اینجا درباغ شاه که از باغاتی است که به امر خاقان مغفور فتحعلی شاه طاب الله ثراه احداث شده منزل فرمودند. این باغ نهایت با روح و صفا و درختهای صنوبر عظیم الجثه و بلند دارد.

روز بیست و هفتم در اینجا اطراق شد. زین العابدین خان سرتیپ و صفر علی خان سرتیپ شاهسون و عبدالقادر خان سرتیپ مهاجر با سواران خود از اینجا مرخص و روانه دارالخلافه شدند.

روز بیست و هشتم به چشمه علی دامغان تشریف فرما گردیدند و در بین راه به تماشای چشمه بادخان دامغان توجه فرمودند. این چشمه در وسط حصاری واقع و آبی قلیل و بدرنگ و با عفونت دو ذرع پائین تر از سطح زمین از آن چشمه جریان دارد. چنین می نماید که این آب آلوده به گوگرد باشد. عقیده مردم این است که اگر چیز نا تمیزی در این چشمه اندازند طوفان شدید در هوا پیدا شود و تادرکنار چشمه قربانی نکنند آن طوفان آرام نگیرد. چشمه بادخان به واسطه مجاورت و ارتباط با بحر خزر اغلب طوفان می نماید و در صدمرتبه طوفان بیست مرتبه مقارن وقتی بوده که آلوده به قدر گردیده و این را عوام مأخذ پنداشته ملتفت و متوجه هشتاد مرتبه دیگر نشده اند و شهرت داده اند که هر وقت چیز ناپاکی در این چشمه افتد طوفان می نماید. از چهارده کلاته تا چشمه علی سه فرسنگ است. تختی که بر حسب اراده علیه در هنگام تشریف فرمائی اردوی همایون به خراسان مقرر شده در وسط حوض چشمه ساخته شود به اتمام حسین خان حاکم ساخته شده است.

روز بیست و نهم و سلخ در چشمه علی اطراق شد. در اینجا دستخطی به امین الدوله شرف صدور یافت که چون تافولاد محله مسافتی بعید است پیشخانه مبارکه را قدغن نمایند به سرخه ده و یک شبه در آنجا سیورسات مهیا سازند و بنده مؤلف حامل آن دستخط مبارک بود.

غره جمادی الاولی تشریف فرمای سرخه ده شدند. از چشمه علی تا سرخه ده سه فرسنگ است.

روز دویم فولاد محله مضرب خیام مبارکه گردید. از سرخه ده تا فولاد محله دو فرسنگ و نیم است و فولاد محله از هزار جریب و قریه معتبری است.

روز سیم به منزل خرنه توجه فرمودند. از فولاد محله به خرنه بر حسب قول معروف چهار فرسنگ است. ولی زیاده از شش ساعت راه است.

روز چهارم تشریف فرمای آسران شدند. در این منزل، عریضه

جناب آقای مستوفی الممالک رسید. از جمله معروض داشته که مرض وبا که در دارالخلافه بروز کرده بود در ماه ربیع الثانی هفتصد نفر را هلاک نموده و در اواخر ماه مزبور اشتداد مرض تمام و رو به انحطاط نهاده است. خاطر مبارک متألم شده به دکتر طولوزان حکیمباشی مخصوص اعلیحضرت همایون و حکیم الممالک فرمودند پس از مراجعت موکب اعلی با استحضار و صواب دید جناب آقای مستوفی الممالک و میرزا عیسی وزیر دارالخلافه اسباب حفظ صحت شهر را فراهم آورند. از خرنده به آسران سه فرسنگ می باشد.

روز پنجم به چمن کورسفید نزول اجلال فرمودند. در اینجا ناخوشی وبا در اردو بروز کرد و علت آن از قراری که معلوم شد آمدن افواج از سمت سمنان و دارالخلافه بوده. از آسران به کورسفید پنج فرسنگ و نیم راه است.

روز ششم اردوی همایون به سمت شاورستان و جلگه فیروزکوه انتهاز فرمود. حاجی قنبرعلی خان سعدالملک میرپنج و جان محمدخان سرتیپ فوج خلیج از رکاب اعلی مرخص و روانه دارالخلافه شدند. به واسطه تلگراف فیروزکوه معلوم شد مرض وبا هنوز در دارالخلافه باقی است و اسماعیل خان خزانه دار نظام به این مرض در گذشته است. از کورسفید به شاورستان چهار فرسنگ است.

روز هفتم تنگه واشی مقرر اردوی معلی گردید.

روز هشتم و نهم و دهم در تنگه واشی اطراق شده طامسن صاحب نایب اول سفارت انگلیس که از ابتدای این سفر خیریت اثر ملتزم رکاب اعلی بود از اینجا اجازت یافته به دارالخلافه رفت. یحیی خان ژنرال - آجودان مخصوص حضور همایون به یک قطعه نشان و حمایل از درجه امیرتومانی سرافراز گردید. آقا علی آشتیانی پیشخدمت خاصه به لقب امین حضور ملقب گردید. علیرضا خان قاجار پیشخدمت خاصه شریفه که حامل خشتهای طلای گنبد مطهر امامین همامین عسکرین علیهما السلام بود بعد از انجام این مأموریت بزرگ مراجعت کرده و در این محل به خاکپای مبارک مشرف و مورد مراحم خاصه ملوکانه گردید.

روز یازدهم به قریه لزور تشریف فرما گردیدند و دوازدهم به منزل ارجمند. در این منزل میرزا علی خان پیشخدمت و منشی حضور

همایون و نایب اول وزارت خارجه که بر حسب امر اعلی مشغول نگارش احکام و روزنامجات و غیره بود به خلعت همایون مفتخر گشته مرخص و روانه دارالخلافه شد.

روز سیزدهم به وزنا تشریف فرما شدند.

روز چهاردهم به سرچشمه انگمار. در اینجا یکی از بنات سلطنت کبری به مرض وبا مبتلا گردید ولی بحمدالله تا روز دیگر بهبودی و شفا یافت.

روز پانزدهم به خاک لاریجان توجه فرمودند.

روز شانزدهم چشمه لای دماوند به قدوم مبارک مزین گردید.

روز هفدهم و هیجدهم در دماوند اطراق شد. در اینجا باز یکی از بنات سلطنت به ناخوشی وبا دچار شد ولی بحمدالله او نیز شفا یافت.

روز نوزدهم به سمت مبارک آباد دماوند حرکت فرمودند. در این روز، چاپاری از دارالخلافه رسیده جناب آقای مستوفی الممالک عرایض محمد اسماعیل خان وکیل الملك و میرعلم خان حشمة الملك امیر قاین و سیستان را به حضور مبارک فرستاده از آن عرایض معلوم شد که قلعه نادعلی که آن سمت رود هیرمند و از قلاع محکمه است قشون ظفر نمون بعد از چهار ساعت محاصره و محاربه به قهر و غلبه از ابراهیم خان بلوچ انتزاع نموده و متصرف شده اند.

روز بیستم به رستان من محال لواسان نزول اجلال فرمودند.

روز بیست و یکم لتیان و کنار رود جاجرود محل اردوی همایون بود.

یک شنبه بیست و دویم جمادی الاول بالیمن والسعاده وارد سلطنت آباد گردیده در بین راه بسیاری از شاهزادگان و رجال و اعیان به زیارت جمال مهر مثال مقدس فایز شدند و از روز ورود موکب همایون بحمدالله روز به روز وبا رو به تمامی گذاشت و تا دهم جمادی الثانیه دیگر به هیچوجه آثاری از آن نماند.

روز دهم جمادی الثانیه تشریف فرمای قصر دوشان تپه گردیدند.

روز پانزدهم شهر مزبور شهر دارالخلاقه به مقدم بهجت شیم مقدس

مزمین گردید. جناب آقای مستوفی الممالک در این روز به ریاست وزراء سرافراز و به اعطای قلمدان مرصع و جبهه شمس الماس که از علامات این منصب جلیل است مفتخر گردید. حضرت شاهنشاه زاده اعظم ولیعهد (۱) دولت علیه ایران فرمانفرمای آذربایجان را احضار به دارالخلافه فرمودند. همچنین حضرت شاهنشاه زاده اعظم یمین الدوله (۲) حکمران اصفهان را به دربار همایون احضار فرمودند.

هم از وقایع این سال آن که روز دوم جمادی الثانیه سیلی در دارالخلافه آمده بعضی از خانه های بیرون دروازه محمدیه و چند باب خانه نیز در گود زنبورکخانه خراب کرد. در شاهزاده عبدالعظیم هم خرابی کمی نمود. در سرحد جلفا نیز سیلی عظیم آمده است.

میرزا قهرمان مشیر لشکر لقب امین لشکری یافت و به نشان سرتیپی از درجه اول و حمایل مخصوص آن سرافراز آمد.

میرزا علی اکبرخان آجودان باشی توپخانه مبارکه به نشان و حمایل از درجه سرهنگی مفتخر گردید.

میرزا حبیب الله لشکر نویس ملقب به مشیر لشکر شد.

چون در عراق عرب ناخوشی طاعون بروز کرده حکم شد در سرحدات، قرانتین بگذارند که سرایت به ممالک محروسه ننماید.

وزارت خراسان را به عهده جناب ظهیرالدوله واگذار و وکالت آن ایالت را به امین الملك (پاشاخان) مفوض فرمودند.

حاجی میرزا محمدخان به لقب مجدالملکی ملقب و به منصب جلیل متولی باشیگری حضرت امام ثامن علیه السلام سرافراز گردید.

حکومت بلوک خوار به جناب دبیرالملک و مهمام فیروزکوه و دماوند به امین خلوت (میرزا هاشم خان) واگذار شد.

پیشکاری حضرت شاهنشاه زاده اعظم ولیعهد دولت علیه و کارگزاری مملکت آذربایجان را به نواب والا نصرالدوله مقرر فرمودند.

امین لشکر به جهت رتق و فتق امور مالیاتی و رسیدگی به کارهای نظام مأمور آذربایجان گردید.

۱ - مظفرالدین میرزا که بعدها مظفرالدین شاه شد.

۲ - سلطان مسعود میرزا که بعد لقب ظل المظفر یافت.

محمد رضاخان قراگوزلو پسر مرحوم بهرام‌خان در افواج توپچیان همدانی منصب سرهنگی یافت .

حاجی میرزا نجفقلی منشی به یک قطعه نشان از درجهٔ اول سرهنگی با حمایل آن مفتخر گردید.

در ماه جمادی الآخره دستخطی به افتخار جناب دبیرالملک شرف صدور یافت که صورت آن از قرار ذیل است:

«چون انتظام دارالانشاء دولتی که سپرده به دبیرالملک است همواره منظور نظر است والحق انتظام این عمل باعث نظم احکام صادرهٔ دیوانی است، لهذا حکم می‌شود از تاریخ غرهٔ جمادی‌الثانیه و مابعدا احکامی که صادر می‌شود از قبیل فرمان لقب و فرمان منصب و فرمان حکومت و فرمان نشان و مواجب و مستمری و غیره و احکام رسیدگی به عرایض و دعاوی مردم سوای آنچه در دیوانخانهٔ عدلیه صادر می‌شود همه را دبیرالملک باید بنویسد و به نظر برساند و به صحنه برسد و بعد از آن به هریک از وزارتخانه‌ها آن احکام که متعلق است برساند . البته همین دستخط را به همهٔ وزارتخانه‌ها داده و اطلاع از این حکم بدهد. تحریر آ فی شهر جمادی‌الآخری سنه ۱۲۸۴».

روز چهارم جمادی‌الآخره در تبریز ابتدا به جشن عروسی حضرت شاهنشاه زادهٔ اجل اعظم ولیعهد دولت علیه نمودند که با صبیّهٔ مرحوم میرزا تقی‌خان اتابیک اعظم از نواب علیهٔ عالیّه عزهٔ الدوله دامت شوکتها می‌بود (۳). تا هفت روز متوالی جشن بود.

محمد اسماعیل‌خان وکیل‌الملک حکمران کرمان و بلوچستان در اجرای قنوات و احیای اراضی موات مساعی جمیله دارد و در باغ نظر کرمان عمارتی در کمال خوبی و استحکام بنا نموده است.

میرزا عیسی وزیر دارالخلافه به اعطای یک قطعه نشان تمثال همایون سرافراز آمد.

محاسبه دارالخلافه طهران و توابع را به عهده میرزا عباس خان - معاون الملك واگذار فرمودند.

مدرسه دارالفنون از حسن اهتمام نواب والا اعتضادالسلطنه آناً فآناً رو به ترقی است و کتابها که معلمین ترجمه و تألیف کرده اند از قسار ذیل است:

کتبی که میرزا عبدالغفار نجم الملك معلم کل علوم هندسه و ریاضی ترجمه و تألیف کرده: رساله در علم حساب، علم حساب کامل، اصول هندسه، علم مثلثات، علم نقشه کشی، علم هیئت جدید، علم جغرافی، علم جبر و مقابله، علم جراثقال، علم تیوگرافی، رساله ابعاد بلاد، رساله در استخراج خط نصف النهار و انحراف، علم تسطیح.

کتبی که میرزا کاظم معلم شیمی ترجمه و تألیف کرده: شیمی مطلق و صنعتی و زراعتی و تجزیه جلد اول، فیزیک، دوا سازی و غیره، عکاسی.

کتبی که محمود آقا معلم علم پیاده نظام ترجمه و تألیف نموده: مشق سرباز و مخبران، مشق باطالیان، کتاب تیراندازی، کتاب تکالیف سفر جنگ، کتاب قراول، کتاب خدمات داخله، کتاب جغرافی.

میرزا علی و میرزا رضای دکتر نیز چند کتاب در علم طب ترجمه و تألیف کرده اند.

روز شانزدهم جمادی الاخره محمد اسماعیل خان وکیل الملك حکمران کرمان و بلوچستان داعی حق را لبیک اجابت گفت و حسین خان - شهاب الملك امیر تومان به حکومت کرمان منصوب گردید.

جناب مسیو دوبونیر که از جانب دولت فرانسه به سمت وزیر مختاری مأمور دربار دولت علیه بود، از ابتدای ورود به خاک ایران، جمیع شرایط احترامات درباره جناب معزی الیه معمول و روز بیست و یکم جمادی - الثانیه به دارالخلافه باهره عز وصول یافت.

نصرالله خان سرتیپ زنبورکخانه به اعطای یک قطعه نشان سرتیپی و حمایل مخصوص آن سرافراز آمد.

نواب والا حشمةالدوله را به حکومت عربستان و بروجرد منصوب فرمودند.

میرزا سید حسین سر رشته دار چاپارخانه مبارکه به پیشکاری شهاب‌الملک حکمران کرمان برقرار گردید.

چون جمعیت و آبادی دارالخلافة نهایت روبه‌ازدیاد نهاده و شهر گنجایش جمعیت حالیه را ندارد، رای صواب نمای ملوکانه اقتضا فرمود که وسعت مکانی برای اهالی حاصل آید. لهذا مقرر فرمودند که شهر طهران را از سمت دروازه شمیران یک هزار و هشتصد ذرع و از سه‌جانب دیگر از هر طرف یک هزار ذرع وسعت دهند و کفالت این امر را به‌عهده جناب آقای مستوفی‌الممالک و میرزا عیسی وزیر دارالخلافة موکول فرمودند و چند نفر از مهندسین را نیز مأمور تعیین حدود و طول و عرض خندق آن فرموده مقرر شد که قسمی خندق را حفر کنند که از برای مترددین معبر نباشد و شهر از آفت سیل مصون ماند. روز یک‌شنبه یازدهم شعبان، در بیرون شهر در محاذی دروازه دولت، سراپرده مخصوص ذات مقدس همایون را برپا نموده وزراء و شاهزادگان حتی وزرای دول خارجه مقیم دربار معدلت مدار در این محل در زیر چادرها جمع آمده سلام عام منعقد گردید. بعد در موضعی که طرح خندق را ریخته بودند، با کلنگی که از نقره و در کمال امتیاز ساخته شده بود، بندگان سرکار اعلیحضرت شاهنشاهی کلنگی به‌دست مبارک بر زمین زده و حضرت امجد شاهنشاهزاده والا نایب‌السلطنه (ع) نیز اقتدا به‌وجود مسعود مبارک کرده ایشان هم کلنگی به‌زمین زدند. از آن پس مأمورین به‌حفر خندق مشغول گردیدند و وزیر دارالخلافة متعهد شد که سه ساله حفر خندق تمام شود. دور این شهر تخمیناً سه فرسنگ‌ونیم خواهد شد و دوازده دروازه مقرر است که ساخته شود و از این روز شهر طهران موسوم به «دارالخلافة ناصری» گردید و میرزا محرم خلیفه درس زبان مدرسه مبارکه دارالفنون که در فن ماده تاریخ یدی طولی دارد تاریخ این بنا را چنین سرود:

طبع محرم بادل شاد از پی تاریخ گفت

«جاودان با فرزندان باد شهر ناصری»

و مقصود از دل شاد الف است که اضافه به‌عدد مصرع ثانی می‌شود

و با هزار و دویست و هشتاد و چهار هجری که تاریخ بنا است مطابق می‌گردد.

صورت کلیه خشتهای طلا و سایر لوازم زینت گنبد امامین همامین عسکریین که به امر ملوکانه ساخته شده و بیشتر آن به همراهی علیرضاخان قاجار و پیشخدمت خاصه انفاذ آستان امامین همامین - علیهما السلام گردید از قرار ذیل است:

خشت بیست و هفت هزار و هفتصد و چهل و هشت عدد، کتیبه صد و شصت عدد، حاشیه سیصد و بیست عدد، سرطوق گنبد مطهر عدد، دایره ترنجی که اسم مبارک اعلیحضرت شاهنشاهی در آن نوشته شده هشت عدد. در این اوان نیز قدری از این خشتها به همراهی گماشته معیر الممالک فرستاده شد و بقیه که عبارت از هشت هزار خشت و یک عدد سرطوق و هشت عدد ترنجی است تا عید نوروز انفاذ می‌شود.

حضرت شاهنشاهزاده اعظم یمین الدوله حکمران اصفهان روز پنجم شعبان به دارالخلافت باهره وارد و شرفیاب حضور مبارک گردیدند. آقاخان محلاتی که چندین سال است که در صفحات هندوستان متوقف می‌باشد سه زنجیر فیل و یک کرگدن به دربار معدلت مدار فرستاده این اوقات به وصول موصول گردید.

هم در این سال، بنای عمارت مبارکه شمس العماره که از یک سمت محدود به ابتدای خیابان ناصریه است و بر حسب امر اقدس اعلی به پنج طبقه و مرتبه ساخته شده و نظیر بناهای عالی فرنگستان است صورت اتمام یافت. این بنای رفیع به مواظبت و اهتمام دوستعلی خان معیر - الممالک ساخته شده و تالار و حجرات آن همه مزین به پرده‌های مفتول دوز و چهلچراغهای بسیار نفیس گرانها و پرده‌های نقاشی قیمتی ممتاز اعلی و سایر اسباب و اشیاء ثمینه است و صورت آن از قراری است که در صفحه مقابل ساخته شده است.

دروازه مبارکه ناصری در انتهای خیابان ناصریه نیز زیور اتمام یافت.

روز هفدهم شعبان حضرت شاهنشاهزاده اجل اعظم ولیعهد دولت علیه ایران ادام الله اقباله العالی وارد دارالخلافت باهره گردیدند و میرزا محمد صادق قائم مقام به پیشکاری حضرت امجد اجل معظم الیه و

وزارت آذربایجان برقرار گردید که حین مراجعت حضرت شاهنشاه زاده اعظم والا در ملازمت ایشان به آذربایجان روانه گردد و نواب والا نصره - الدوله را به حکمرانی قزوین منصوب فرمودند.

در این اوان، ایام هفته به اشاره علیه به نحو مسطور در ذیل تقسیم شده است:

شنبه:

چون اول ایام هفته است برای عامه چاکران حقی در شرفیابی حضور مبارک خواهد بود. در صورت اقتضای رای صواب نمای ملوکانه مجلس سلام و بارعام منعقد شده چاکران درباری شرف اندوز می شوند و الا مخصوص احضار بعضی از شاهزادگان و وزراء و امراء و سایر طبقات اصناف خدم از مستوفیان و صاحب منصبان نظام و لشکر نویسان و غیره و اوامر شفاهیه خواهد بود.

یکشنبه:

به قانونی که سابقاً مقرر بود دیوان مظالم و خاص ملاحظه عرایض دیوانخانه عدالت است. عرایض صندوق عدالت نیز در این روز به شرف ملاحظه همایونی می رسد. بالمناسبه عرایض متعلقه به وظایف و اوقاف هم به توسط وزارتخانه وظایف در این روز به عرض خواهد رسید.

دوشنبه:

روز تعطیل است و بعضی از دوشنبه ها را به میدان مشق و قورخانه و ملاحظه احوال متعلمین مدرسه دارالفنون و غیره اشتغال خواهند فرمود.

سه شنبه:

بروات و فرامین و احکام و ارقام دولتی به ملاحظه و تصحیح همایونی خواهد رسید. از هر وزارتخانه برات و فرمان و حکمی باشد روز مزبور به حضور مبارک خواهند فرستاد لا غیر. عرایض و فهرست و مستدعیات متفرقه نیز خارج از حوزه دیوانخانه در این روز به عرض می رسد. عرایض و نوشتجات نواب و الا اعتضاد السلطنه و امین الدوله و سایر مطالب و عرایض از هر مقوله نیز در این روز تقدیم حضور مبارک خواهد شد.

چهارشنبه:

به امور مالیه از قبیل محاسبات خزائن عامره و کتابچه های دستورالعمل ولایات و محاسبات گذشته و مهام متعلقه به حکام ممالك محروسه رسیدگی می شود و کلیه امور متعلقه به وزارتخانه استیفا مخصوص این روز است.

پنجشنبه:

مخصوص عرایض وزارت جنگ و خارجه است. عرایض و مطالب این دو وزارتخانه در این روز به حضور مبارك رسیده جواب صدور می یابد بجز بروات و فرامین که باید روز سه شنبه به حضور بفرستند.

جمعه:

نیز تعطیل است و روز فراغت.

و این ترتیب در اوقاتی است که دارالخلافه باهره مقر سلطنت عظمی باشد. اما هنگامی که موکب منصور همایون تشریف فرمای شکارگاه یایکی از بیلاقیات است وزراء عظام هریک عرایض و مطالب متعلقه به خود را به طوری روانه حضرت ملوکانه خواهند داشت که روز مقرر به موقف همایون موصول و از عرض حضور مبارك بگذرد.

محمود آقای سرهنگ و معلم پیاده نظام به سرهنگی فوج خلیج قم سرافراز گردید.

حکم همایون شد که مریضخانه ای به جهت مرضای مسلمین ساخته شود و مهندسین مشغول طرح و نقشه آن می باشند.

روز چهارم شوال موکب همایون عزیمت شکارگاه مسیله و زیارت بقعه منوره حضرت معصومه فرمود.

حضرت شاهنشاه زاده اجل اعظم ولیعهد دولت علیه ایران را اجازه معاودت به محل حکمرانی خود داده روانه آذربایجان شدند و قائم مقام که به ریاست و پیشکاری آذربایجان منصوب شده بود در خدمت حضرت معظم الیه روانه گردید.

میرزا غفارخان صدیق الملک به ریش سفیدی درب خانه حضرت شاهنشاه زاده اعظم برقرار گردید و نواب والامعتمدالدوله را به حکمرانی کردستان منصوب و مأمور فرمودند.

در بهبهان این اوقات تگرگی باریده که دانه‌های آن به‌بزرگی نارنج بوده.

روز بیست و دوم شوال موکب همایون از شکارگاه مسیله و قم معاودت فرمود.

میرزا فتح‌علی‌خان صاحب‌دیوان به‌وزارت حضرت امجد شاهنشاه - زاده‌ و الا‌یمن‌الدوله برقرار گردید که در خدمت حضرت معظم‌الیه روانه‌ اصفهان شود.

اعتضادالدوله حکمران و سردار استرآباد بعد از نظم آن حدود و سرکشی به‌مازندران به‌خاکپای مبارک مشرف شده به‌نشان امیرتومانی سرافراز آمد.

میرزا اسدالله‌خان نایب دویم وزیر علوم و نایب‌الحکومه‌ توپسرکان و ملایر به‌نیابت اول وزیر علوم سرافراز شد.

حاجی میرزا علی مشکوة‌الملک مأمور رسیدگی امور همدان گردید. حاجی محمدخان پسر مرحوم وکیل‌الملک به‌منصب پیشخدمتی سرافراز آمد.

میرزا سید کاظم سررشته‌دار صندوقخانه‌ مبارکه به‌منصب استیفا مفتخر گشت.

علیقلی میرزای صارم‌الدوله ولد نواب والا عمادالدوله به‌نشان و حمایل امیر تومانی سرافراز گردید.

علیقلی‌خان نایب اول آجودان‌باشی به‌یک قطعه نشان از درجه‌ دویم سرتیپی و حمایل مخصوص آن مباحی آمد.

فرج‌الله‌بیک یاور توپخانه‌ مبارکه به‌منصب سرهنگی توپخانه مفتخر گشت.

رضا قلی‌خان آجودان حضور حضرت شاهنشاه‌زاده اعظم ولیعهد دولت علیه به‌یک قطعه نشان از درجه‌ دویم سرهنگی سربلند گردید.

روز بیست و پنجم ذیقعدة‌الحرام چهار ساعت و چهل و دودقیقه از طلوع آفتاب گذشته مهر جهانتاب از برج حوت به حمل تحویل کرد و سلام خاص در تالار جدید شمس‌العماره درپیشگاه حضور همایون منعقد گردید. روز بیست و ششم سلام عام در تالار تخت مرمر انعقاد یافت و

یحیی خان آجودان مخصوص حضور همایون به لقب نبیل معتمدالملکی ملقب گردید.

میرزا زمان به منصب کلانتری شهر دارالخلافه سرافراز شد. انتظام امر خیام خانه مبارکه به عهده میرزا احمدخان خیامباشی و میرزا علیرضای سررشته دار دفترخانه مبارکه موکول آمد. عبدالرزاق خان سرهنگ فوج خرقان به منصب سرتیپی فوج مزبور نایل گردید.

چون میرزا ابراهیم خان مظفرالدوله مرحوم شد، منصب سرتیپی فوج خمه را به آقاخان سرهنگ پسر آن مرحوم مرحمت فرمودند. اسبان اصطبل توپخانه مبارکه را به مراقبت محمدتقی خان افشار واگذار نمودند.

کتاب قراپادین صالحی طبع شده و به فروش می رسد.

در اواخر ماه ذیحجه الحرام يك ثوب جبۀ ترمۀ کشمیری شمسۀ دار مکمل به یاقوت و الماس که مخصوص وزیر اعظم و شخص اول است به جناب اجل آقای مستوفی الممالک مرحمت فرمودند.

پاشا خان شجاع الملک ملقب به مظفرالدوله گردید.

دو فوج خمه و پانصد نفر سواره آنجا را ابواب جمع حاجی مهر— علی خان شجاع الملک فرمودند.

استراباد و مازندران و شاهرود و بسطام که به حکمرانی اعتضادالدوله مقرر است از قرار ذیل نواب برای آن ولایات تعیین شد:

حکومت مازندران به اعتمادالدوله پسر اعتضادالدوله به پیشکاری حاجی میرزا یحیی خان سرتیپ نوری، نیابت حکومت استراباد به محمد— علی خان بیگلربیگی و نیابت حکومت شاهرود و بسطام به محمدحسن خان پسر شریف خان واگذار آمد.

وقایع عظیمه‌ای که در این سال در تمام نقاط روی زمین واقطار کره ارض اتفاق افتاده

اسپانیا:

شورش در ایالت گرنادا. نارضائی مردم از دولت. اخراج بلدنمودن ایزابل ملکه همشیره خود وشوهر او را به اتهام سازش با یاغیان. ضدیت سردارهای قشون با ملکه. بروز کینه و عداوت تمام اهالی اسپانیا بدون استثناء باملکه. ایجاد و تشکیل دولت موقتی به ریاست سررانه. اهالی اسپانیا در صدد این هستند که وضع دولت را جمهوری قرار بدهند. خروج دون کارلس که یکی از اقوام ملکه سابق بود. جمعی از اهالی اسپانیا در خیال این هستند که پادشاهی از خارج برای خود انتخاب کنند و وضع جمهوری را قبول ندارند شناختن دولت اتائونی جمهوری اسپانیول را و بعد از آن شناختن تمام دول متدرجاً این جمهوری را. بروز شورش در جزیره کوبا متعلق به اسپانیا و همین شورش مقدمه یک جنگ طولانی سخت و خونریزی شد که در آتیه ذکر خواهیم نمود. فرار ملکه ایزابل به مملکت فرانسه و پناه یافتن در آن مملکت.

اطریش:

عدد قشون تمام ممالك اطریش در حالت صلح به ششصد هزار مقرر شد.

آفریقا مرغش (۱):

بی اقتداری سلطان سید مولا محمد. یاغیگری بعضی ایلات عرب خاصه طایفه ظهیر و غارت اطراف شهرها. بروز وبای سخت در میان این طایفه و پراکنده کردن این طایفه را.

افغانستان:

منازعه بخارا با امیر شیرعلی خان امیر افغانستان و فتح بلخ به دست امیر شیرعلی خان.

۱ - منظور از مرغش کشور مراکش است که در زبانهای اروپایی بدان ماروک گفته می شود.

آلمان:

کوشش اعلیحضرت پادشاه پروس و مسیو بیژمارک صدراعظم در اتحاد و اتفاق دول آلمان و شناختن آنها اعلیحضرت پادشاه پروس را به ریاست خود.

افراشتن مجسمه لوتر رئیس مذهب پروتستانی آلمان در حس (۲) با حضور اعلیحضرت پادشاه پروس.

تهیه جنگ پروس با فرانسه با کمال دقت و سختی در آلمان دیده شده است. خیال میانجیگری دولت انگلیس را مابین پروس و فرانسه که بلکه احترازی از این جنگ قریب الظهور بشود اغلب روزنامه‌های آلمان نمی‌پسندند.

انگلیس:

صدارت دیسرایلی. شورش و انقلاب سخت در ایرلاند. استعفا دیسرایلی بعد از چند ماه و صدارت گلادستن رئیس طایفه ویگ.

فتوحات قشون انگلیس به سرداری نپیه در حبشه با وجود مخاطرات و موانع طبیعی در این نقطه. جنگ سخت در حوالی ماگتلا پایتخت حبشه. بیشتر عساکر انگلیس از بدی هوا و امراض مختلفه تلف شدند تا بالاخره در اواسط حمل یورش به پایتخت برده آنجا را تصرف نموده تئودرس (۳) پادشاه دربین جنگ خود را به دست خود کشت. نپیه (۴) سردار بعد از این فتح به لقب لردی نامیده شد.

اختراع تفنگ مارتینی و توپ‌هانی در مملکت انگلیس و قبول کردن دولت این اسلحه را و تقسیم نمودن آن را به قشون خود.

ایتالیا:

ازدواج ولیعهد با صبیّه دوک دژن (۵) موسوم به مارگریت. طغیان کوه آتشفشان اتنا.

پرتوغال:

ضدیت مردم با یکدیگر در مسئله اتحاد اسپانیول و پرتوغال و

تفویض سلطنت اسپانیا به پادشاه پرتوغال.

چین:

فرستادن يك دسته از رجال دولت به سمت سفارت به اغلب بلاد
فرنگ به ریاست شخصی ینگی دنیائی.

دانمارک:

ازدواج ولیعهد این دولت با دختر پادشاه سوئد.

روس:

دچار شدن ایالات شمالی به قحط و غلا و بروز ناخوشی طیفوس
در فلاند (۶). تقسیم تفنگ ته پر به عساکر روس. فتوحات در ترکستان
بخارا. فتح سمرقند به دست ژنرال کفمان (۷).

ژاپن:

جنگ و شورش در داخله. خیال عامه این است که میکادو که
پادشاه حقیقی است بدون مداخله طیقون مستقلاً به امور سلطنت برسد.
دو دسته شدن دیموسها (۸). غلبه هواخواهان میکادو (۹) بر هواخواهان
طیقون.

سویس:

طغیان رودخانه‌ها که از کوه آلپ جریان دارند. طغیان آب
دریاچه‌ها. خرابی اغلب آبادیها. اتلاف مال و آدم زیاد و رسیدن خسارت
به مردم زیاد از سه کرور.

عثمانی:

قتل والی سربمیشل در گردشگاه خارج شهر بلگراد و نصب میلان
برادر زاده او به سن چهارده سالگی.
شورش سخت در جزیره قندی. حرکت یونانیها برضد عثمانی.
دخالت دول فرنگ در کار یونان و عثمانی.

صدور فرمان اعلیحضرت سلطان که ولایت عهد حق پسر خدیو (۱۰) است برخلاف قانونی که رسم بوده که ارشد اولاد به خلافت می‌رسیده است.

فرانسه:

شورش آشکار بعضی از شهرها به دولت بعد از پانزده سال امنیت و آسودگی. اغوانمودن شورشیان مردم را به واسطه روزنامه و غیره. نطقهای سخت و خطبه‌های خشن در مجلس و کلا از جانب مسیو طیر (۱۱) و ژول فاور (۱۲). تقسیم تفنگ موسوم به شاسپو به قشون فرانسه با کمال عجله. فوت والفسکی (۱۳) از معارف. درگذشتن رسینی (۱۴) معلم معروف علم موسیقی. فوت بارون میررچل (۱۵) در سن هفتاد و شش سالگی در حالی که اول شخص با مکنت مردم دنیا بود.

مکزیک (از ینگى دنیا):

شناختن دولت اتائونی دولت جمهوری مکزیک را به ریاست ژوارز.

ینگى دنیای جنوبی:

بروز وبای سخت در این مملکت. منازعه سخت برزیل با پاراگای (۱۶).

بروز حمای (۱۷) زرد در مملکت پرو.

زلزله سخت در پائیز این سال در اغلب نقاط روی زمین و به واسطه این زلزله در حوالی کالیفرنیا و شیلی طغیان آب دریا سبب خرابی اغلب آبادیها و هلاکت مردم گردید.

۱۰ - خدیو عنوان اولاد محمدعلی پاشا بود که بر مصر حکومت داشتند.

۱۱- Thiers

۱۲- Jules Favre

۱۳- Walewski

۱۴- Rossini

۱۵- Baron Mayer Rothschild

۱۶- Paraguay پاراگوئه

۱۷ - حمای زرد همان تب زرد است.

وقایع سال بیست و دویم

سلطنت اعلیحضرت اقدس شاهنشاه جم‌جاه خسرو
صاحبقران خلدالله تعالیٰ ملکه و دولته مطابق سنه
هزار و دویست و هشتاد و پنج هجری لوی ثیل ترکی

از ابتدای این سال فرخنده فال ذات بی‌همال و مثال اعلیحضرت
همایون به‌تعمیم مکارم و مراحم شاهانه دربارهٔ خاص و عام و رعایا و
خدام با احتشام متوجه بود.

علیرضاخان پیشخدمت خاصهٔ حضور همایون ملقب به
عضدالملک (۱۸) گردید.

نواب والا مؤیدالدوله به پیشکاری و کارگزاری مملکت آذربایجان
مأمور و به‌اعطای جبههٔ شمس‌دار مفتخر گردیدند.

سردار کل عزیزخان وزیر جنگ به‌اعطای یک رشته حمایل آبی
از درجه اول امیر نویانی سرافراز آمد.

نواب شاهزاده محمدامین میرزا (۱۹) برحسب استدعای نواب –
والا اعتضادالسلطنه وزیر علوم به‌نیابت ملایر و تویسرکان نایل آمد.

جناب رضابیک وزیر مختار دولت عثمانی مأمور اقامت دربار علیه

۱۸ - همان‌کسی که در زمان مشروطیت، در دوران کودکی احمدشاه، عنوان و

سمت نایب‌الملطنه یافت.

۱۹ - پسر فتح‌علی شاه و برادر صلیبی اعتضادالسلطنه.

از اول ورود به خاک‌ایران مراسم اعزاز و شرایط پذیرائی و احترام در حق جناب معزی‌الیه به وجه اکمل به عمل آمده روز غره ماه صفر شرفیاب حضور مبارک گردید.

روز بیست و یکم ماه صفر موکب همایون از قصر سلطنت آباد عزیمت بیلاق لار فرمود.

نواب والا حسام السلطنه فرمانفرمای فارس به يك رأس اسب خاصه بایراق مرصع جواهر نشان مفتخر گردیدند.

کاظم خان سرتیپ به منصب فراشباشیگری سرافراز آمد. مرتضی قلی خان قوللر آقاسی‌باشی به تفویض منصب کشیکچی-باشیگری مباحی شد.

حیدر قلی خان پسر مرحوم محمد ولی خان قاجار از اجزای دیوانخانه گردیده و به خلعت همایون سرافراز گشت.

حاجی بهاء الدوله به بیگلربیگی گری تبریز برقرار گردید.

روز دوازدهم ربیع‌الثانی به شکراب شهرستانک تشریف فرما گردیده روز چهاردهم به سمت دونا انتهاز کرده روز بیست و یکم از دونا به سیاه‌بیشه که اول خاک کلارستاق است نزول اجلال فرمودند. روز بیست و دویم دامنه گردنه هزارچم مضرب خیام معلی گردید. راه هزارچم را که از مسالك صعبه بود حسب الامر چنان که در شرح سنوات سابقه ذکر شد مسیو کاستگر مهندس نمساوی در کمال خوبی ساخته و دروازه‌ای از سنگ احداث کرده که از غرایب مستحدثات است و به عطایای وافر شاهانه و لقب‌خانی سرافراز آمده بالجمله موکب همایون به کلاردشت نزول اجلال فرمود. روز بیست و هشتم ربیع‌الثانی از کلاردشت به دامنه گردنه هزارچم معاودت نمودند. روز بیست و نهم تشریف فرمای چمن سیاه‌بیشه گردیدند. نواب والا اعتضاد السلطنه وزیر علوم قطعه ماده تاریخی برای دروازه سنگی مزبور به نظم آوردند که در نظر انور ملوکانه نهایت مستحسن افتاد و آن قطعه بعینها در ذیل ثبت می‌شود:

قطعه تاریخ دروازه سنگی

من کلام نواب والا اعتضاد السلطنه وزیر علوم متخلص به فخری

خسرو عادل شهنشاه کریم
کز نظیرش مادر گیتی عقیم
بر جنبش حشمت و شوکت مقیم
رای او تابنده چون دست کلیم
سالکان از خوف چون مرد غریم
مسلمی تاریک چون طبع لثیم
صد چو خود افتاده با عظم رمیم
دروهادش کی رسد فکر حکیم؟
همچو از آیات شیطان رجیم
خویش را دیدند چون مرد سلیم (۱)
کودکانی چند زین معبر یتیم
انخفاض دره را الله علیم
شارعش فرخنده چون شرع قویم
آن که سنگ و خاک پیشش زروسیم
هیچکس نشنیده ز آثار قدیم
بس سواره بسپرد بی باک و بیم
ز امر خسرو این جحیم آمد نعیم
خسرو اعظم کند کاری عظیم
گفت فخری (شد صراط المستقیم) = ۱۲۸۵
زد رقم کلک من از طبع سلیم
هم در این اوقات حضرت شاهنشاه زاده معظم جلال الدوله حکمران
خراسان در آن مملکت داعی حق را لبیک اجابت گفتند (۲).

در همایون عهد دارای سترگ
بوالمظفر ناصرالدین شاه راد
در رکابش فتح و نصرت ملتزم
امر او جان بخش چون امر مسیح
دید راهی سخت همچون وام خواه
معبری باریک چون طبع حسود
رهروان دیدند با چشم عیان
بر جبالش کی پرد مرغ خیال؟
دور مردم زین طریق پر خطر
قاطعان راه در طی طریق
کاروانی چند زین مسلک گدا
ارتفاع قله را دانا خداست
شد بزرگ این راه از فرمان شاه
مسلمی محکم نهاد از سنگ و خاک
کس ندیده است این چنین بنیاد سخت
بس قوافل بگذرد بی خوف و ترس
گلخنی را حکم شه گلشن نمود
این چنین کاری کند عزم ملک
جست پیر عقل تاریخش زمن
در هزار و دوصد و هشتاد و پنج

۱- سلیم به معنای مارگزیده.

۲- شاهزاده حسین میرزا جلال الدوله برادر بزرگتر سلطان مسعود میرزا بمین الدوله ظل السلطان

بود. ظل السلطان از بس به این برادر وابستگی داشت، نخستین فرزند خود را سلطان حسین-

میرزا جلال الدوله خواند.

غره جمادی الاولی کندوان دونا که از توابع نور است منزلگاه موکب همایون بود. روز دویم به میدانک تشریف فرما شدند از اینجا به گله گیله که از توابع شهرستانک است نزول اجلال خواهند فرمود.

از مجلدات ناسخ التواریخ که از مصنفات مؤتمن السلطان لسان الملك مستوفی دیوان اعلی است جلدی که در احوال حضرت رسول صلی الله علیه و آله می باشد طبع شده و به فروش می رسد. دیوان یغما را نیز طبع نموده اند.

روز یازدهم جمادی الاولی موکب معلی قصر سلطنت آباد را به مقدم مبارک مزین فرمود. ناخوشی وبا که چندی قبل به جهت زوار مشهد در دارالخلافت بروز کرده و بعد تخفیف یافته بود، چون مجدداً در بعضی محلات شدت نموده، موکب همایون بیست و چهارم ماه به سمت لواسان حرکت فرمود که بعد از چهارشب توقف در گلندوک به قریه امامه تشریف فرما گردند.

شب یازدهم جمادی الاولی تقریباً پنج ساعت از شب گذشته زلزله شدیدی در طهران و کاشان و قم و فیروزکوه شد و روز دهم به همین جهت سیم تلگراف با همه جا به صعوبت حرف می زده. زیرا که به تجربه رسیده که هر وقت زلزله می شود یک روز پیشتر قوه الکتریسیته زمین مغشوش می گردد و در رصدخانه های فرنگستان به واسطه اسباب مخصوصه ده ساعت پیش از وقوع، حکم به زلزله می نمایند و در شب مزبور قبل از حرکت ارض و مقارن زلزله، حیوانات از دواب و طیور یک مرتبه به صدا آمده و بوی متعفنی مثل بوی کبریت به مشام اغلب مردم می رسید که مایه تهوع بود. گویند چون قوه شامه حیوانات زیادتراً از انسان است یحتمل سبب فریاد حیوانات همان بوشده باشد که از ابخره محتبسه در جوف کره ارض است که به سبب زلزله از خلل و فرج زمین بیرون می آید.

اعتماد السلطنه والد مؤلف در سلخ ربیع الاول داعی حق رالبیک اجابت گفت. چون وقت وفات اعتماد السلطنه، بنده مؤلف در رکاب نصرت انتساب همایون بودم و برادر بزرگ مؤلف - ادیب الملك - پرستار پدر بود و در هر مقام از احوال او باخبر، بدین واسطه خود چیزی ننکاشته و موقوف به اطلاعات ادیب الملك داشته ام و تفصیل احوالات او از قراری است که ادیب الملك نوشته و در ذیل ثبت است:

نگارش ادیب‌الملک [در شرح حال حاجی‌علی‌خان اعتمادالسلطنه]

«تاریخ رحلت مرحوم حاجی‌علی‌خان اعتمادالسلطنه غفرالله له یوم—
جمعه سلخ ربیع‌الاول سنه ۱۲۸۵ مطابق سال لوی‌ئیل دوساعت از دسته
گذشته است که در قریه جماران شمیران در خانه جناب آقاسید محمدباقر—
جمارانی به عالم باقی پیوسته و از سن ایشان شصت و سه سال گذشته بود.
سلسلهٔ احفاد آن مرحوم علی‌بن‌حسین بن محمد رسول بن عبدالله
ابن جعفر است که جعفر از هفت پشت واسطه به بردی بگ بن اوزبک‌خان
ابن جوجی‌خان مغول می‌رسد و تفصیل احوالات جوجی‌خان از قراری
است که در کتاب روضه‌الصفا و حبیب‌السیر و غیره مسطور است.
اما این که چگونه شد که در مراغه متوطن گردیده و معروف به مراغه‌ای
هستند: در سنه هفتصد و پنجاه و هشت بردی‌بیک که مردی مسلمان و موحد
بود به حکومت تبریز نایل و در همان سال نیز پدرش که به حکومت قبیچاق
برقرار بود از این عالم رحلت نموده رو به عالم باقی آورده بردی‌بیک
به مقام پدر مراجعت کرده و در همانجا بساط حکمرانی گسترد و همین
حکومت بردی‌بیک در تبریز اسباب این شد که علاقه در آنجا به هم بسته
و اولادش در آن ولایت متوقف گشتند و تا زمان جعفرخان که هفت‌پشت
واسطه به بردی‌بیک می‌رسد در تبریز متوطن بودند. اوقاتی که سلطان سلیم
سلطان عثمانی لشکر به حدود آذربایجان کشید و شاه اسماعیل صفوی نیز
در اواجق و چالدران به محاربهٔ او رسید و شکستی عظیم خورده بر گردید،
از آن شکست چالدران، وحشتی بی‌پایان در حال اهالی آذربایجان به هم
رسید. هر کس را قدرت حرکت بود به جانب عراق فرار نمود و آن کس که
قدرت نداشت در کمال ترلز بماند، از جمله جعفرخان راه دارالسلطنه
قزوین پیموده در همانجا توطن اختیار نموده تا در اوایل جلوس نادرشاه
در آن سامان قحط و غلائی بی‌پایان به هم رسید. محمدخان پسر جعفرخان
را طاقت زیست نماند، با کمال استیصال خود را به مراغه کشاند و در آن
حدود آرمید. چندی نگذشت که فقر و استیصال به غنی و کثرت مال مبدل
گردید.

جهت نوکری و سبب ترقیات آن مرحوم در دولت قاجاریه: بعد از آن که خبر شهادت آقامحمدخان شاه شهید در شوشی به خاقان مغفور فتحعلی شاه طاب الله ثراه رسید از شیراز لشکر کشیده و به مقابلی صادق - خان شقاقی رسیدند. در آن بین، احمدآقای شیخ شرفی حاکم مراغه - که پسر حاجی علی محمد بود و مدار حاجی علی محمد پدرش از حمل و نقل بارتجارتی می گذشت و هنگام رفتن شاه شهید به قلعه شوشی که حمل بارهای سلطنتی را نموده و به لقب خانی سرافراز گشته بود - بدین خیال افتاد که در این اغتشاش که امر جهانبانی با صادق خان در کشاکش و خاطرها مشوش است هرگاه فرستاده و پیشکشی به رزمگاهشان روانه ندارم خلاف کار حکومت و حکمت است. پس دو عریضه به یک مضمون به اسم آن دو جنگجو نگارش نموده و با پیشکشی نقد و موجود مصحوب آقا حسین پسر محمد رسول بیگ که شخص کاردان و با کفایت و با استعداد و قابلیت بود به محل مشاجرت ایشان فرستاد و به او یاد داد که در حول و حوش دو اردو ملتفت باشد هر یک را روزگار برگشت و شکست خورد به حال خود گذارد و آن دیگری را که نصرت و جنود فتح و ظفر رسید به خاک بوسی مصمم و عریضه را تسلیم نما و پیشکش را تقدیم و جواب گرفته به مراغه مراجعه کن. هنوز آن دو عسکر اسب در میدان مشاجرت ندوانیده که آقا حسین به حکم دولتخواهی خود را به اردوی خاقان مغفور رسانیده و مراتب دولتخواهی حاکم مراغه را به رشتۀ عرض اخلاص کشانیده و عریضه و پیشکش را تسلیم نمود و معروض داشت که اهالی آذربایجان خود را رعیت خاقان شهید می دانند و خطبه خاقانی به نام جهانبانی می خوانند. از این تقریر و صداقت باب عنایت خسروانی بر چهره امیدواری خود گشوده کفایت و صداقت این فرستاده مقتضی استحکام حکومت احمدخان گردید و کما فی السابق او را به حکومت سرافراز گردانید و شخص آقا حسین را به عنایات ممتاز و به چاکری برگزیدند و جواب عریضه احمدخان را مرقوم داشتند و علی الظاهر خیال باطنی او را ندانسته انگاشتند و در این بین دولشکر بنای محاربه گذاشتند و چیزی نگذشت که اردوی صادق خاق شکست خورده و آقا حسین خدمت خود را انجام داده بانیل مرام به مقام خود مراجعت کرد و جواب عریضه احمدخان را رسانید و همان عرض و خدمت صادقانه آقا حسین اسباب

نوکری جاودانه او به این دولت ابدایت گردید، چنان که هنگام مأموریت ولیعهد مغفور عباس میرزا حضرت نایب السلطنه طاب الله ثراه به حکومت آذربایجان، مخصوصاً آقا حسین را به خاقان مغفور سپرد که به مشارالیه رعایت و عنایت فرماید. بعد از ورود حضرت نایب السلطنه به آذربایجان، ولیعهد مبرور آقا حسین را احضار نمود و عنایتها فرمود. از شدت خدمت و دیانت کار آقا حسین به جایی رسید که محل وثوق حضرت نایب السلطنه گردید و در آن حضرت سمت ملازمت یافت و از کثرت صداقت و امانت، اموال موروئی والدۀ محمدشاه مبرور البسه الله حلل النور - که صبیۀ میرزا محمدخان قاجار بیگلربیگی طهران بود - به آقا حسین سپرده گشت و روزگارش به دیانت و آسودگی و فراغت می گذشت و چندی بدین منوال به سر می برد تا آن که شهریار مبرور ماضی محمدشاه طاب ثراه به حکومت مراغه برقرار گردید. حضرت ولیعهد مبرور، آقا حسین را به مقتضای دیانت و امانت به خدمات شاه مرحوم مأمور فرمودند و روانه به مراغه کردند. آن اوقات حاجی علی خان اعتماد السلطنه ده ساله بود به غلام بچگی مخصوص شاه مبرور سرافرازی حاصل نمود. بعد از تمیز ورشد به منصب پیشخدمتی مفتخر گشت. بعد از مصالحه با دولت روس، حضرت نایب السلطنه به تبریز آقا حسین را به ازای خدمات به پیشخدمت باشیگری شاه مبرور محمدشاه مفتخر گردانیده و اعتماد السلطنه در آن حضرت به نیابت پدر مخصوص گشت و بعد از دو سال در مراجعت از سفر کرمان و خراسان اعتماد السلطنه به منصب صندوقداری رسید و در سفر اول شاهنشاه مبرور به هرات کارش از صندوقداری بالاتر کشید و اغلب خدمات و انتظامات اردوی کیوان شکوه به او محول گردید. تا آن که بعد از فوت و رحلت حضرت نایب السلطنۀ مغفور در ارض اقدس، شاهنشاه مبرور از هرات به مشهد آمده و بعد از ادای رسوم تعزیت به حکم خاقان مغفور به دارالخلافه احضار و به جای پدر به ولیعهدی برقرار شدند و از طهران به آذربایجان تشریف فرما گردیدند و چندی نگذشت که خبر فوت خاقان مغفور فتحعلی شاه از اصفهان به آذربایجان رسید و روزگار طور دیگر گردید. در آن وقت، نواب ولیعهد محمدشاه رخت از آن مملکت بیرون کشیدند و به مناسبت امور متعلقه به سلطنت بنای تغییر و تبدیل مناصب شد و خواستند امر نظارت و خوانسالاری را به شخصی رجوع

فرمایند که قابل و مستعد و صادق و معتمد باشد. لهذا شاه مبرور این منصب و خدمت را منحصر به امانت و صداقت اعتماد السلطنه دانسته، محض حفظ وجود مسعود، خدمت خوانسالاری به او مفوض گشت. پس از قراردادهای و دستورالعملهای ملوکانه از آذربایجان تشریف فرمای طهران گردیدند و به مقر سلطنت رسیدند و تاج و تخت رازینت بخشیدند. در آن وقت اعتماد السلطنه از مراحم سلطانی به لقب خانی سرافرازی حاصل نمود و به علاوه حکومت کاشان، بلوکات و وجوهات دارالخلافه طهران را نیز به عوض مخارج کارخانه مبارکه به او مفوض فرمودند و همان اوقات آقا حسین به حکومت کاشان رفت. چندی بعد از خدمت نظارت معاف شد و بانواب سترکبری والده شاه مرحوم به مکّه معظمه شرفیابی حاصل نموده و در مراجعت از آنجا در آذربایجان سربرآستان نواب مستطاب ولیعهد گردون مهد ناصرالدین میرزا نهاد و در رکاب مهدعلیا به دارالخلافه آمده شرفیاب حضور همایون گردیده به مراحم خسروانی سرافراز شد. تا این که شاهنشاه مبرور از این دوران درگذشت و از آفتاب وجود مسعود اعلیحضرت قدر قدرت شاهنشاه جم جاه گیتی - پناه ناصرالدین شاه خلدالله ملکه و سلطانه مملکت ایران ضیاء افزا گشت و نظر به ایام فترت، امور گیلان و رشت منجر به بی نظمی گشت. نواب علیه عالیّه مهدعلیا طاب الله ثراها - که در آن وقت به رنق و فتق امور مملکت می پرداختند - اعتماد السلطنه را به جهت حکومت و انتظام آن ولایات مأمور فرمودند. به اندک زمانی امور آنجا را به رشته انتظام کشانیده و مالیات را به وصول رسانیده پس از تشریف فرمائی موکب مسعود به مقر سلطنت با انجام خدمت از گیلان مراجعت کرده شرفیابی حاصل نمود و به مراحم خسروانی سرافراز آمده و تا آن زمان مسمی به حاجی علی خان بود. از عنایات شاهانه به لقب جلیل حاجب الدولگی مفتخر و ممتاز گردید و فراشخانه مبارکه و سرایدارخانه و خیامخانه و مهمانخانه و معمارخانه و باغات و خالصه جاتی که در او عمارات و ابنیه دولتی بود سپرده به او گشت. امور تشریفات سفرای دول خارجه و محصلی وجوهاتی که سال به سال به خزانه اندرون برده می شد و عمارات و بساتین دولتی جمیع ممالک محروسه و حکومت خوار نیز به او واگذار شد. در تشریف فرمائی موکب همایون به اصفهان، در دارالسلطنه قزوین حکم حکومت اردو و اردو

بازار به علاوه حکومت هرولایت تا مادام توقف موکب همایون در آن صفحات به اعتمادالسلطنه مرحمت شد و در سنه ۱۲۶۸ که ملا شیخعلی نامی که یکی از خلفای میرزا علی محمد باب ملعون بود با جمعی از مریدهای آن مردود درخانه حاجی سلیمان خان پسریحیی خان تبریزی مجلسی آراسته آسیب وجود همایون را بایکدیگر پیمان بستند تا روز یکشنبه بیست و هشتم شهر شوال همان سال چنان که در جلد دوم کتاب مرآة البلدان مسطور شد سانحه هایلره رو داد و اعتمادالسلطنه تنبیه آن طایفه مطروده را در پیشگاه اقدس متعهد شده قریب هشتاد نفر از آن سلسله خبیثه را به حکم دین و دولت به سزای خود رسانید.

در سنه هزار و دو بیست و هفتاد و پنج از حاجب الدولگی معزول گشت. اما زمانی نگذشت که عرض حسابش که زیاده از سه کروار بود از حضور مهرظهور شهریار درگذشت و حساب صادقانه اش مزید اعتبار دیگر گشت. تاهنگام حرکت موکب همایون به سفر میمنت اثر سلطانیه امر و مقرر شد که ملتزم رکاب ظفر انتساب گردد. روز پانزدهم شهر ذیحجه الحرام همان سنه به لقب ضیاءالملکی و حکمرانی خوزستان سرافراز گردید و به محض فرمایش، خود را به مقرر حکمرانی کشید. چندی نگذشت که آفتاب عنایت خسروی به سرش سایه افکن گردید و لرستان و بختیاری را ضمیمه ایالت عربستان فرموده و به مراتب عالییه رسید و علاوه ایالت آن سهولایت به منصب امیرتومانی سرافراز گردید و به نشان و حمایل مخصوص آن قرین افتخار آمد. چندی براین منوال در آن حدود مشغول خدمت بود تا آن که به جهت لزوم، احضار به دربار معدلت مدار شد و به منصب وزارت جلیله عدلیه اعظم و لقب اعتمادالسلطنه و خطاب جنابی و در جرگه وزرای دارالشورای کبری درسنه ۱۲۸۱ برقرار گردید و در کمال اقتدار دراین شغل جلیل حکمرانی نمود و پس از چندی به جهت مصالح دولتی از این شغل بی کار و به حکومت گلپایگان و خوانسار مأمور شد و چندی نگذشت که احضار به دارالخلافه گشت و از این شغل نیز معاف و به وزارت و ظایف و اوقاف او را سرافراز فرمودند و به علاوه حکومت شاهرود و بسطام و سمنان و دامغان و نردین نیز در اداره او بود و دراین منصب وزارت و ظایف و اوقاف باقی بودند تا جهان فانی را وداع کرده و روبه عالم باقی آوردند.

امتیازاتی که در این مدت از دولت ابدآیت داشت: نشان تمثال همایون، نشان وحمایل از درجهٔ اول امیرتومانی، انگشتری خاص نگین الماس، قمهٔ مرصع، گل کمر مرصع، عصای مرصع.

بناهایی که به حکم همایون به سلیقه و سعی و اهتمام ایشان به انجام و اتمام رسیده از این قرار است:

زراندود و تذهیب گنبد حضرت عبدالعظیم علیه التحیه والتعظیم است، دیگر کارخانجات صنایع ریسمان ریزی و کاغذسازی طهران و شکرریزی مازندران است، دیگر بنای سبزه میدان در حوالی ارگ همایون است، دیگر عمارت جدیدالبنای بهشت آئین اندرون است که نمونه‌ای از خلدبرین می‌باشد، دیگر افزایش باغ عمارت گلستان است، دیگر عمارت بادگیر است، دیگر عمارت خروجی است که الحال موزهٔ مبارکه است، دیگر دریاچهٔ مصفای باغ گلستان است، دیگر حمام چهارحوض اندرون است، دیگر خیابان ارگ مبارک است که حالا تغییر کرده است، دیگر عمارت مبارکهٔ سلطنت آباد است، دیگر عمارت نیاوران که محل ییلاق سلطنت است، دیگر قصر دوشان‌تپه است، دیگر تعمیرات و تغییرات در کلیهٔ عمارت اندرون است، دیگر سربازخانه‌های دارالخلافه و سایر ممالک محروسهٔ ایران و سربازخانه‌های دم هر دروازه است، دیگر تعمیر عمارت الاقاپوی دارالسلطنهٔ اصفهان است.

امتیاز فراشهای دولتی از فراشهای آحادناس از تصرفات اوست که نشان از برای کلاه و اسلحه و لباس به یک قاعده به جهت آنها ترتیب داد و همچنین فراش‌سواره به این قاعده که الآن هست از مخترعات اوست.

چهارنفر اولاد داشت، سه ذکور و یک اناث هریک از یک زوجه: اولاد بزرگتر عبدالعلی خان ادیب‌الملک است که مادرش صبیئه ملا احمد از علمای مراغه که به مستجاب‌الدعوه معروف بود، پسر میانی عبدالحسین — خان سرهنگ فوج خلخال که مادرش از سادات مرند بود، پسر کوچک محمدحسن خان صنیع‌الدوله است که مادرش صبیئه رضاقلی خان قجر که از اولاد مصطفی خان قاجار قوئل و برادر شاه شهید آقامحمد شاه قاجار است.

شرح احوال ادیب‌الملک

تاریخ تولدش در پنجم شهر شعبان‌المعظم سنه ۱۲۴۳. در سال اول جلوس شاهنشاه مبرور محمدشاه طاب‌الله‌تراه، اعتمادالسلطنه او را از مراغه به دارالخلافه احضار نمود و در خدمت پدر مشغول تحصیل ادب از فنون عجم و عرب بود. در اعیاد دراندرون به حضور مبارک شاهنشاه مبرور شرفیاب و به الطاف و اعطاف ملوکانه کامیاب می‌شد تا به غلام‌بچگی سرافراز گردید. دو سال دراندرون می‌بود و در حضور مبارک خدمات می‌نمود تا حد غلام بچگی سرآمده و از اندرون بیرون آمده به منصب پیشخدمتی سرافراز گشت. بعد در سنه ۱۲۵۸ به نیابت نظارت پدرقرین امتیاز آمد. و هم در آن اوقات آقا حسین چون از اهل بیلاق بود به جهت ناسازگاری هوای کاشان به مزاجش از حکومت آن سامان استعفا نموده استعفای او مقبول شده ادیب‌الملک را به جای او مأمور فرمودند. بعد از رفتن اعتمادالسلطنه به مکّه معظمه، حسب الامر شاهنشاه مبرور، موافق فرمان مبارک، در سنه ۱۲۶۱ به پیشخدمت باشیگری حضرت ولیعهد گردون مهد مفتخر شد و همه جا ملتزم رکاب و از هر جهت معتبر بود. بعد از آن که حضرت ولیعهد به تخت سلطنت مستقر شد از پیشخدمتهای محرم مخصوص بود و چون میل او را با ارباب کمال دیدند در سنه ۱۲۷۰ او را به لقب ادیب‌الملکی برگزیدند که عرایض جمیع ادبا و شعرا با مشارالیه باشد.

بالجمله اعتمادالسلطنه در هر شغل و منصب و حکومت بود ادیب - الملک او را وکالت و معاونت و نیابت می‌نمود و در آن اوقات که وزرای مختار تشریفاتشان با اعتمادالسلطنه می‌بود ادیب‌الملک همیشه از جانب سنی‌الجوانب به احوال‌پرسی می‌رفت و فرمایشات حضرت اقدس را می‌گفت بعد هم مدت‌ها این شغل با خودش بود و در زمان فراش‌باشیگری اعتمادالسلطنه، ادیب‌الملک به جهت وصول صد هزار تومان باقی میرزا - صادق‌قا ئم مقام مأمور آذربایجان گردید و در آن سفر خدمات بزرگ به انجام رسانیده و در حکومت عربستان و بختیاری و لرستان از جانب پدر وکالت آن سامان داشت و اوقاتی که اعتمادالسلطنه وزیر عدلیه بود،

در سنه ۱۲۸۱، موافق دستخط آفتاب نقطه، نیابت وزارت عدلیه می نمود و جمیع مطالب را به عرض می رساند و جواب می گرفت و کمال اقتدار را در این شغل و کار داشت و در سنه ۱۲۸۴ به حکومت قم سرافراز شد و در آن سفر همه قسم امتیاز به او عنایت گردید. پس از فوت اعتماد - السلطنه، اعلیحضرت اقدس همایون محض استعداد و قابلیت خودش و ملاحظه حقوق خدمات پدرش در سنه ۱۲۸۵ به وزارت وظایف و اوقات برقرار و خدمات و وضع انتظامش در حضرت شهریار پسندیده آمد و بعد از چندی به ملاحظه مصالح امور مملکتی از وزارت وظایف و اوقاف معاف شده و در سنه ۱۲۸۷ به حکومت گلپایگان و خوانسار برقرار گردید و چندی نگذشت که از این شغل استعفا نموده در سنه ۱۲۸۹ به حکومت سمنان و دامغان مفتخر گردیده و در آن سال گرانی، آن ولایت را چنان بهرشته انتظام کشید که موجب خشنودی خاطر مهر مظاهر مبارك گردید و در سنه ۱۲۹۳ به حکومت قم و ساوه و زرنده فرمان داده و بعد از چندی احضار به دربار معدلت مدار شد و چندی نگذشت که در دیوانخانه عدلیه جمعی از وزرای عظام مجلس محترمی تشکیل یافت و ادیب الملك در آن مجلس از جانب سنی الجوانب مدیر و در جمیع امور دیوانخانه مشار و مشیر و تمام عرایض و مطالب به توسط او به عرض همایون می رسید و کلیه احکام به دست او صادر می گردید. پس از انقضای آن مجلس، حال باز در رکاب مشغول خدمات حضور آفتاب ظهور است و سمت اختصاص دارد. امتیازاتی که در این مدت از دولت ابدایت به او مرحمت شده علاوه بر خلعت و تن پوشهای بدن مبارك، نشان مرتبه اول سرتیپی با حمایل مخصوص آن، نشان مرتبه سیم سرتیپی با حمایل آن، گل کمر مرصع، قمه مرصع، ساعت قاب طلا، نشان مدال قرن سلطنت، خطاب عمدة الامراء العظامی.

پسر وسطی عبدالحسین خان سرهنگ فوج خلخال تفصیل احوال او در جلد دوم کتاب مرآة البلدان ذکر شده است.

پسر کوچکتر مرحوم اعتماد السلطنه، محمد حسن خان صنیع الدوله است که تفصیل احوالات او در کتاب مرآة البلدان کما هو حقّه ذکر شده است». انتهى.

امیر الامراء العظام مجدالدوله که چندی قبل به يك قطعه نشان

امیر تومانی مفتخر گردید به حکمرانی گیلان منصوب آمد.
ناصر قلی خان نایب الحکومهٔ خمه به لقب عمیدالملکی سرافراز شد.
میرزا شفیع شیرازی منشی وزارت خارجه به اعطای یک قطعه نشان
سرهنگی از درجهٔ اول با حمایل آن قرین مفاخرت آمد.
موکب همایون روز دویم رجب چون هوای دارالخلافه روبه اعتدال
نهاده از بیلاق تشریف فرمای شهر ناصری گردیدند.

نظر به مراتب ترقیات و مراسم قابلیت حضرت شاهنشاهزادهٔ اعظم –
امجد والانايب السلطنه دام اقباله العالی ایشان را به منصب جلیل و لقب
نبیل سرداری کل قشون سرافراز و به اعطای یک ثوب سرداری دور
مروارید شمه مرصع و یک قبضه شمشیر مکمل به الماس و قبای زری
مباهی فرمودند.

نواب والا حشمةالدوله به نیابت اول وزارت جنگ و مراقبت در
انتساق وانتظام امور لشکرآمور و به یک ثوب سرداری شمه مرصع مفتخر
گردیدند.

امارت و ریاست توپخانهٔ مبارکه را مزید سایر مشاغل انوشیروان –
خان اعتضادالدوله فرموده به یک ثوب سرداری شمه مرصع معزی الیه
قرین افتخار آمد و خان خانان پسر اعتضادالدوله به منصب نظارت و
خوانسالاری و خلعت همایون درجهٔ اختصاص یافت.

جناب میرزا محمدحسین دبیرالملک به منصب متولی باشیگری
حضرت رضوی سلام الله علیه سرافراز آمد.
علیرضاخان عضدالملک به منصب خازنی مهر مهرآثار درجهٔ افتخار
یافت.

عبدالعلی خان ادیبالملک پیشخدمت خاصه به منصب جلیل وزارت
وظایف و اوقاف مفتخر گردید.
حاجب الدوله حاجی محمدخان به حکومت خرقانین و خلعت
همایون سرافراز شد.

مسجد ملک در بلدة کرمان که از بناهای قاوردبن جغری بک بن –
میکائیل بن سلجوق است حسب الامر به اهتمام حاجی شهابالملک حکمران

کرمان تعمیر شده است. همچنین حوض خان را که آب انباری است واقع در راه خراسان از طرف کرمان مرمت کرده‌اند. مدرسه‌ای نیز به امر اعلی در کرمان به جهت تلامذۀ جناب حاجی سید جواد مجتهد کرمانی از نو ساخته‌اند.

میرزا سیدحسین وزیر کرمان به منصب استیفا و خلعت همایون نایل شد.

روز هشتم رجب شاگردان مدرسۀ مبارکۀ دارالفنون را امتحان فرموده مراتب ترقیات هریک مشهود و به انعامات شاهانه سرافراز گردیدند.

این اوقات قرار جدیدی در امر قشون ظفرنمون دادند که مبنی بر دو فقره است و شرح آن از قرار ذیل می‌باشد:

فقره اول:

رای ممالك آرای اقدس همایون اعلی حضرت شاهنشاهی ادام‌الله سلطانه از آنجا که همیشه بر اصلاح احوال کشور و لشکر و برقراری قواعد و رسومی متعلق و مصروف است که همه روزه باعث بهتری و ترقیات این مقصود عمده و بزرگ باشد، لهذا در این اوقات که استعفای سردار کل سابق عزیزخان را از خدمات نظامیه در پیشگاه اقدس ملوکانه خودشان به عز قبول مقرون فرمودند خواستند قرارهای تازه شایسته در کلیۀ امور عساکر نصرت مآثر دولت ابد آیت مقرر فرموده باشند که بدان واسطه منظورات علیۀ خسروانه به طور اکمل و طرز اجمل صورت ظهور به هم رساند ریاست و اختیار کل قشون و موقع نبیل و جلیل سرداری کل را به شاهنشاه زاده اعظم کامران میرزا نایب السلطنه و مقام بلند و منبع نیابت کلیه و کارگزاری بالاستقلال ایشان را به حشمة الدوله حمزه میرزا و امارت توپخانه مبارکه و رتق و فتق امور و مهمات عظیمۀ آن را کاملاً به اعتضاد الدوله و مهمات قورخانه و جباخانه مبارکه را عموماً به علاء الدوله و امر ملبوس را به علیقلی خان آجودان باشی و خزانه داری وجوه نظام را جمیعاً به میرزا هاشم امین خلوت مرجوع و محول فرمودند و احکام و اوامر علیۀ پادشاهی در تفویض هریک از مشاغل خطیرۀ عظیمه به عهده هریک از ایشان شرف صدور یافت. علاوه بر قرارهای مزبوره رای انور اقدس همایون اقتضای آن فرمود که عساکر منصورۀ دولت

علیه منقسم به شش اردو شوند که هر يك از اردوها در محل مقرر که بر حسب اقتضای اراده سنیّه همایون مقرر شده با شرایط و لوازمی که از جانب دولت مشخص است توقف کرده مشغول مشق و نظم و تهیّه لوازم خدمت به جهت انتظام داخله مستعد و آماده باشند که به هر چه از طرف قرین الشرف دولت علیه امر و اشارت رود و به هر طور که حکم و دستور العمل صادر می شود معمول و مرتب دارند و محل اردوها و معسکرهاى نظامی دولت علیه و اسامی سرکردگان و ابواب جمعی آنها علی سبیل الاجمال از قراری است که در ذیل اشارت شده است:

اردوی دارالخلافة ناصره:

افواج ابواب جمعی نصره الدوله با افواج ابواب جمعی علیقلی خان آجودان باشی.

اردوی آذربایجان:

افواج ابواب جمعی ضیاء الدوله محمد رحیم میرزا و جهانسوز- میرزا ویوسف خان شجاع الدوله وحسام الدوله و مظفر الدوله و آقاخان و علینقی خان.

اردوی عراق:

افواج ابواب جمعی حشمة الدوله با افواج ابواب جمعی ملک آرا و افواج و سواره ابواب جمعی عماد الدوله و افواج ابواب جمعی ناصر الملك و مصطفی قلی خان و حاجی قنبر علی خان سعد الملك و افواج و سواره خمسه و گروس و کردستان و غیره و غیره.

اردوی خراسان و سیستان:

افواج ابواب جمعی مصطفی خان و سواره ابواب جمعی شجاع- الدوله و سواره ابواب جمعی حیدر قلی خان سهام الدوله و افواج و سواره ابواب جمعی میر علم خان حشمة الملك و غیره و غیره.

اردوی گرگان:

به سرداری اعتضاد الدوله افواج ابواب جمعی حبیب الله خان با افواج ابواب جمعی عباسقلی خان و افواج ابواب جمعی محمد علی خان- بیگلربیگی و فوج ابواب جمعی میرزا کریم خان و فوج ابواب جمعی محمد باقر خان.

اردوی فارس و کرمان و اصفهان:

افواج ابواب جمعی حاجی شهاب الملك با افواج ابواب جمعی میرزا ابراهیم خان سهام الملك و افواج و سواره ابواب جمعی ایلخانی فارس و افواج ابواب جمعی رضا قلی خان عرب.

رؤسا و سرکردگان جزء نظامی هم که اسامی آنها در فوق سمت تحریر یافته الحق از چاکران مجرب و مهذب و تربیت شده دولت علیه و به زیور صدق و ارادت و جانفشانی هریک علی قدر مراتبهم آراسته می باشند.

فقره دوم:

فقره دوم نیز از قرار تفصیل است:

اشخاصی که به منصب و خدمت نظامی بر قرارند اعم از ابناء ملوک غیره، داخل سلك نوکری هستند در سلامها و مجالس رسمیه که بالباس نظام و نشان و حمایل هستند نمی توانند از جا و مقام نوکری خود تجاوز نمایند. بزرگ و کوچکی و شاهزادگی و غیر شاهزادگی ابدأ نباید ملاحظه شود، در قشون، مگر از اندازه و درجه و منصب. بی حکم همایون، از صاحب منصب گرفته الی پایین، سرکرده اذن ندارد يك نفر را اخراج کند. وقت جنگ حکم علی حده دارد. سرکرده اذن ندارد احدی از تا بین را به خدمت مخصوص خودش از فراشی و مهتری و غیره وا دارد مگر یاور که دو نفر و سلطان يك نفر حق دارند به خدمت خودشان وا دارند. اسلحه سرباز باید پاک و تمیز باشد. دولت اسلحه را به سرکرده کل داده از او سند می گیرد. اگر تفریط شود غرامت و قیمت آن را از سرکرده کل خواهد گرفت. مواجب و سیورسات و چادر و ملبوس و کل لوازم قشون را تمام و کمال بی نقص از دیوان بگیرند و بعینها به نوکر برسانند. هرگاه دیده شود سربازی با لباس سربازی مشغول فعلگی است البته از رئیس او مؤاخذه می شود.

تکلیف صاحب منصبان این است که سرتیپ اول نوکر و مال زیاده از تفصیل ذیل نگاه ندارد:

نوکر: پیشخدمت دونفر، قهوهچی يك نفر، فراش چهارنفر، آبدار دونفر، فراش خلوت يك نفر، جلودار دو نفر، آشپز يك نفر، مهتر دونفر، قاطرچی دونفر، ساربان دونفر، ناظر يك نفر.

مال: اسب دوازده رأس، قاطر چهارده راس، شتر چهارده نفر.
چادر: پوش قلندری يك باب، چادر جزء پنج باب.

تکلیف سرتیپ دوم در کل این مراتب نصف تکلیف سرتیپ اول است و تکلیف سرهنگ نصف تکلیف سرتیپ دویم است. در سوار هم آن که دو هزار سوار دارد رتبه سرتیپی اول و آن که هزار سوار دارد رتبه سرتیپی دوم و آن که پانصد نفر سوار دارد رتبه سرهنگی دارد. سرتیپی که يك فوج دارد اسم سرتیپی از او برداشته نمی شود و موجب سرتیپی هم به او داده می شود. اما آن فوج دیگر سرهنگ لازم ندارد اگر سرهنگ داشته باشد از صاحب منصبان خارج از فوج محسوب خواهند شد. صاحب منصبان خارج از فوج کلاً موجب شش ماهه خواهند گرفت تا وقتی که به خدمتی مأمور شوند آن وقت سالیانه موجب داده می شود. هر قسمی از قشون که این اشخاص مفصله را لازم دارند به آنها داده می شود: نایب آجودان سه نفر، مهندس يك نفر، مشاق دونفر، طبیب و جراح سه نفر. اگر صاحب منصبی بمیرد هرگاه اولاد قابل دارد که کفایت آن منصب را بکند به جای پدرش برقرار می شود و اگر طفل است ثلث موجب پدرش به او داده می شود تا در مدرسه مبارکه دارالفنون تربیت شود. اگر در جنگ کشته شود امتیازی به اولاد او داده می شود که در همه مجالس و محافل سرافراز باشد.

منصب نظامی به رشوه و تعارف به احدی داده نمی شود و صاحب منصب نظام و غیر نظام بی خیانت و تقصیر ثابت از شغل و عمل معزول نمی شود. قوانین اردوها و تنبیهات نظامی از قرار کتابچه های علی حده است که بعد از این طبع خواهد شد. انتهی.

مناسبات اسلامی و کثرت روابط از هر مقوله مابین دولتین علیتین اسلام در پیشگاه نظر همایون اعلیحضرت شاهنشاهی اقتضای آن نمود که نسبت به دولت علیه عثمانی و شخص اعلیحضرت سلطانی دلیل دوستی و احترام گذاری تازه اقامه فرمایند لهذا در این موقع جناب مشیرالدوله حاجی میرزا حسین خان را که موقه اجازه کسب شرف حضور اقدس همایون یافته و در مدت اقامت دربار آن دولت از حسن مراودات سفیرانه خود بر تشیید مبانی و داد بین الدولتین افزوده و آثار و علایم آن را در نزد اولیای فخام هر دو دولت به منصفه شهود آورده بود از درجه وزیر -

مختاری و ایلچیگری مخصوص ارتقاء و به تفویض رتبه سفارت کبری مزید عز و اعتلاء داده برودوش او را به تشریف ثمین جبه ترمه و شمسه مرصع به الماس محلی فرمودند.

روز سه شنبه دویم شهر شعبان المعظم موبک فیروزی کوکب همایون تشریف فرمای قورخانه و جباخانه مبارکه گشته جناب علاء الدوله در انتظام و ترقیات صنایع جباخانه و قورخانه و راه انداختن چرخ امالاسباب کمال سعی و اهتمام را به عمل آورده پسند خاطر خطیر همایون شده معزی الیه را به اعطای نشان تمثال بی مثال همایونی سرافراز و قرین هزار گونه مفاخرت و اعزاز فرمودند. از این موهبت عظمی و عطیه کبری که در حق معزی الیه مبذول افتاد سرمفاخرت و مباهات براوج سماوات سائید.

چندی قبل که حیدرقلی خان ایلخانی سهام الدوله به مشهد مقدس رفته بود بعضی از تراکمه فرصت غنیمت شمرده به قلعه حیدرآباد که در حد سمنقان واقع است تاختی برده بعد از مراجعت، ایلخانی با جمعی از قشون ظفرنمون به قلعه راز که سرحد است رفته و از راز به قاری-قلعه که مسکن و محکمه کل طوایف ترکمان است و سی فرسنگ مسافت دارد یک شبانه روز ایلغار کرده در آنجا بعد از جنگی سخت تدمیری به سزا از طوایف طاغیه نموده است.

نواب والامؤیدالدوله پیشکار مملکت آذربایجان به یک قطعه نشان ذی شان امیرتومانی قرین افتخار آمدند.

غلامحسین خان پسر مرحوم علیقلی خان نایب آجودان باشی به همین منصب سرافراز گردید.

کتاب تحفه الناصریه مشتمل اشعار منتخبه عرب طبع شده و به فروش می رسد. ایضاً کتاب اندرز قابوس را حاجی محمدخان حاجب الدوله به طبع رسانیده است.

روز پنجم رمضان در شکارگاه دوشان تپه پلنگی شکارشست مبارک شد.

این اوقات اعتضادالدوله داعی حق را لبیک اجابت گفته حکومت استرآباد را به عهده اعتمادالدوله پسر آن مرحوم واگذار فرمودند و

محمد علی خان بیگلربیگی به نیابت حکومت استرabad برقرار گردید و عین الملوك پسر دیگر مرحوم اعتضادالدوله به منصب نظارت و خوانسالاری و لقب عین الملکی سرافراز شد و حاجی میرزا یحیی خان کما فی السابق به نیابت حکومت مازندران مباحی می باشد.

نواب والا بهرام میرزا معزالدوله به حکمرانی ولایت عربستان و بروجرد و اعطای یک ثوب جبۀ شمسه مرصع سربلند آمدند و میرزا - زکی مستوفی به وزارت نواب معزی الیه و خلعت همایون نایل آمد. انتظام افواج و سواره و نوکر مازندران و استرabad را نیز مخصوصاً برعهده کفالت نواب والا حشمةالدوله نایب سردار کل و وزیر جنگ و اگذار فرمودند.

نواب والا فرهاد میرزا معتمدالدوله حکمران کردستان به یک قطعه نشان امیر تومانی مکمل به الماس قرین اختصاص گردیدند. علی خان پیشخدمت خاصه به منصب تحویل داری و جوه نظام سرافراز آمد.

محمد مهدی خان که به منصب کشیکچی باشیگری مسبوق بود مجدداً به این منصب مفتخر گشت.

این اوقات، مجدداً شجاع الدوله امیر حسین خان ایلخانی شادلو و حیدرقلی خان سهام الدوله ایلخانی زعفرانلو در صحرای اتک آخال برطایفه تکه مروی آخال نشین تاخته به کلی این طایفه طاغیه را مقهور بلکه نابود نمودند.

احتشام الملك پسر مرحوم احتشام الدوله به حکومت کاشان برقرار آمد.

این بنده مؤلف که در این وقت به منصب پیشخدمتی خاصه و جنرال آجودانی حضور مبارک سرافراز بود در ترجمۀ کتب تواریخ و جغرافیا و انکشاف ینگی دنیا مساعی موفوره نموده حکم همایون شد که بعد از این روزنامه های دولتی به ترجمه های فدوی مذیل باشد. سلیمان خان سرتیپ اول افشار به حکومت و سرداری استرabad سرافراز گردید.

میرزا علی اکبر خان از اداره وزارت علوم به نیابت حکومت ملایر

و تویسرکان و لقب مقرب الخاقانی مفتخر گشت.
نواب والا حشمةالدوله نایب وزیر جنگ به لقب جلیل امیر-
جنگی درجهٔ اختصاص یافتند.

انتظام تمامی اطبا و جراحان نظام به عهده کفایت نواب والا
اعتضاد السلطنه وزیر علوم موکول آمد.
میرزا عبد الرحیم خان وزیر مختار دولت علیه که مقیم پترزبورغ
بود ملقب به ساعد الملك شد.

حاجی میرزا علی مشکوة الملك به حکومت همدان منصوب گردید.
محمد تقی خان افشار پیشخدمت خاصه و امیر آخور اصطبل
توپخانه به يك قطعه نشان از درجهٔ دویم سرتیپی و حمایل مخصوص
آن سرافراز آمد.

روز شنبه ششم ماه ذیحجه ده ساعت و سی دقیقه و چهل و سه
ثانیه از روز گذشته نیر اعظم از برج حوت به حمل تحویل نمود و
سلام خاص در تالار شمس العماره انعقاد یافت و روز يك شنبه هفتم سلام
عام در تالار تخت مرمر منعقد گشت.

حضرت شاهنشاه زادهٔ افخم اکرم والانایب السلطنه دام اقباله العالی
را به منصب جلیل و لقب نبیل «امیر کبیر» درجهٔ امتیاز عنایت فرمودند
و به اعطای يك ثوب سرداری شمس مرصع و يك قطعه گل کمر مکمل
به الماس حضرت اشرف امجد معظم الیه مباهی گردیدند.

نواب والا حشمةالدوله به حکمرانی مملکت خراسان منصوب
و عزیز خان سردار کل کما فی السابق به سرداری کل نظام و غیرنظام
سرافراز گردید.

میرزا محمد رئیس دفترخانه و نایب اول وزارت امور خارجه به
اعطای يك قطعه نشان شیر و خورشید از درجهٔ اول سرتیپی با حمایل
مخصوص آن مفتخر گردید.

محمد آقای سرهنگ نایب اول سفارت دولت علیه مقیم در دربار
دولت انگلیس به اعطای منصب سرتیپی از درجهٔ سیم و حمایل مخصوص
آن سر بلند آمده که به محل مأموریت خود روانه گردد.

میرزا محمد علی خان اصفهانی شمس الشعراء مرحوم شد.

وقایع عظیمه و سوانح عمده که در این سال در تمام روی زمین و اقطار عالم سانح و واقع گردید

اتائونی ینگ دنیا:

انتخاب رعیت ژنرال گران را به ریاست.

اسپانیا:

نیابت سلطنت و اختیار کل دولت را رعیت به مارشال سرانه گذاشتند.
شورش اهالی جزیره کوبا با کمال شدت. وبا و تب زرد نیز در این
جزیره شایع است.

انگلیس:

مخارج جنگ حبشه که به مجلس و کلاهی ملت عرضه داشتند به هجده
کرور لیره که هر لیره عبارت از بیست و پنج هزار است رسیده است.
فوت لرد دربی رئیس طایفه توریها در سن هفتاد سالگی.

ایتالیا:

تولد پسر ولیعهد در شهر ناپل و ملقب نمودن او را به شاهزاده ناپل.

بلژیک:

فوت ولیعهد پسر واحد پادشاه در سن نه سالگی.

روس:

شورش طایفه قالموق و قرقیز و تصرف نمودن آنها شهر اولارکس
را در حوالی دشت و بعد از تعاقب نمودن قشون روس آنها را پناه بردن
آنها به خان خیوه.

فرستادن امیر بخارا سفیر و پسر خود را به طور گروی به پترزبورغ
و کاستن شوکت امیر بخارا به واسطه تصرف روس تقریباً نصف مملکت او
را و هر سال نیز مجبور است به جهت مخارج جنگ مبلغی به کارگزاران
روس تسلیم نماید و پسر بزرگش نیز به او یاغی است.
بخشش اعلیحضرت امپراطور تقصیرات شمیل را.

ژاپن:

اجرای قواعد و قوانین جدید.

اجازة دخول فرنگیها در اغلب بنادر.
قرار دادن شهر ید (۱) را رسماً پایتخت دولت.
سفرای فرانسه و انگلیس و ایتالیا و هلند و پروس و اتائونی
در این پایتخت من بعد سفارتخانه خواهند داشت.
ایجاد مجلس شورای دولتی که اجزای آن تمام دیموسها (یعنی
نجبا و اعیان) هستند.

شرح وقایع سال بیست و سیم
سلطنت و تاجداری اعلیحضرت اقدس خسرو صاحبقران
دام ملکه و عز نصره مطابق با سنه هزار و دویست
وهشتاد و شش هجری ئیلان ئیل ترکی

در این سال فرخنده فال عموم رعایا و برایا و صنوف خدم و حشم
از ارباب سیف و قلم مشمول توجهات خاطر خطیر ملوکانه بودند.

حکومت اصفهان را مستقلا به میرزا فتحعلی خان صاحب دیوان
مفوض و معزی الیه را به لقب جنابی مفتخر و به اعطای يك ثوب جبۀ ترمه
پولك دوز شمسه مرصع سرافراز فرمودند.

نظر به خدمات مرحوم محمد اسماعیل خان وکیل الملك، مرتضی-
قلی خان پسر آن مرحوم را به لقب وکیل الملکی و حکمرانی کرمان و
بلوچستان سرافراز فرمودند.

میرزا خانلر منشی وزارت امور خارجه که در مأموریت لندن و
تحریرات وزارت خارجه به طور شایستگی از عهده برآمده به منصب
کارگزاری مهم خارجه گیلان و نشان و حمایل از درجه سرهنگی
سرافراز شد.

میرزا نظام مهندس معدن شناس مأمور پیدا نمودن معدن شده و
بعضی معادن هم پیدا نمود.

روز ششم شهر صفر المظفر که عید مولود مسعود همایون است در
تالار تخت مرمر سلام عام منعقد و شاهزاده سام میرزا که از مدحت

سرایان خاص این دولت جاوید اختصاص است به لقب شمس الشعرائی سرافراز گردید.

نواب والا نصره الدوله که به انتظام امور توپخانه برقرار بودند به منصب نیابت وزارت جنگ سرافراز گردیدند.

سواره و ایل کرد و ترک مازندران را به کریم خان سرتیپ ابواب جمع فرمودند.

میرزا جهان معدنچی نیز مأمور انکشاف معادن گردیده و بعضی معدنها پیدا نمود.

محمد رحیم میرزای ضیاالدوله که از شاهزادگان کافی است به نظم و تنسیق امور شمیران مأمور گردید.

لقب و منصب معیر الممالکی را بر حسب استدعای امیر دوستعلی خان معیر الممالک به امیر دوست محمد خان ولد مشارالیه مرحمت فرمودند.

علی خان پیشخدمت خاصه ملقب به امین صره گردید.

آقاخان سرتیپ را ملقب به صمصام الدوله فرمودند.

حبیب الله خان سرتیپ اول تنکابنی به لقب ساعدالدوله سرافراز آمد.

علیقلی خان سرتیپ و رئیس کل تلگرافخانه های ممالک محروسه ملقب به مخبرالدوله گردید.

میرزا حسین خان پسر مرحوم حاجی میرزا مسعود وزیر دول خارجه سابق نیابت وزیر امور خارجه یافت.

موکب همایون تشریف فرمای شهرستانک و قریه دونا و گچسر می باشد.

میرزا زکی خان سرهنگ قورخانه مبارکه به منصب سرتیپی

قورخانه سرافراز شد.

فوج سیلاخوری بروجرد که سه سال قبل اخراج شدند مجدداً آنها

را در مأخذ هزار نفر بر قرار کرده و سرتیپی فوج مزبور را به محمد کریم خان سرتیپ مرحمت فرمودند.

تلگراف استراباد که مقرر شده بود از راه سمنان و شاهرود و بسطام

کشیده شود از سمنان گذشته است.

علی‌خان سرتیپ کارپرداز اول دولت علیه مقیم تغلیس به‌نشان و حمایل سرتیپی سرافراز گردید.

میرزا مهدی‌خان منشی وزارت امور خارجه به اعطای يك قطعه نشان شیروخورشید از درجه سرتیپی با حمایل مخصوص آن مباحی آمد.

میرزا احمدخان منشی که در وزارت امور خارجه متصدی کارهای عمده بود به اعطای يك قطعه نشان شیروخورشید از درجه سرهنگی و حمایل مخصوص آن سرفرازی حاصل نمود.

موکب همایون روز هشتم جمادی‌الثانیه از شهرستانک به سلطنت‌آباد نزول اجلال فرمودند.

جناب مسیوب‌کر که به سمت وزیر مختاری از جانب دولت روس مأمور اقامت دربار دولت علیه بود از اول ورود به سرحد شرایط اعزاز و احترام سفرای بزرگ و وزرای مختار در باره جناب معزی‌الیه به وجه اکمل به عمل آمده بعد از ورود به دارالخلافه در سیم رجب به حضورمهر ظهور مبارک مشرف شد.

آقاابراهیم آبدارباشی خاصه به لقب امین‌السلطانی و خلعت همایون سرافراز گردید.

علینقی‌خان پسر کاظم‌خان فراشباشی به سرهنگی فوج قهرمانیه شقاقی برقرار آمد.

چندی قبل فتحی در اورامان اتفاق افتاده تفصیل آن این اوقات به دارالخلافه رسید و از قرار ذیل است:

تفصیل فتح اورامان کردستان

بلوک اورامان که از طرف کردستان سرحد دولتین ایران و عثمانی و در جبال شامخه سخت واقع است سکنه و رؤسای آن بلوک چنان که عادت ایلات و احشام اغلب دول است همیشه باطناً یاغی و راهزن بوده ولی به ظاهر گاهی اطاعت ولایه کردستان را کرده و گاهی قدم از جاده اطاعت بیرون نهاده تا آن که نواب والا معتمدالدوله فرهاد میرزا که شاهزاده

کافی‌ذی‌شان بود به حکمرانی کردستان مأمور شد. در سال قبل که به حدود اورامان رفت حسن سلطان را که یکی از قطاع‌الطریق بود و در آنجا اقتدار و اختیار پیدا کرده به سزای عمل خود رسانیده نظم درستی در کار اورامان داده بود و چون به حکم خسرو اسکندرشان بنای قلعه مریوان که سد محکم به جهت آن طایفه یا جوج صفت بود بنانهاد و خود به سرکشی قلعه و نظم اورامان باجمعی معدود رفته بود آن طایفه بی‌تربیت علی‌الغفله بر شاهزاده و کسان او شبیخون و صدمه به همراهان او وارد آورده بعضی اسباب معتمدالدوله را به غارت برده جمعی از نوکرهای معزی‌الیه مقتول شده و خود باجمعی به سنج مراجعت کرده تفصیل را به عرض اولیای دولت رسانید. این حرکت ناشایسته از آن طایفه یاغی طاعی براولیای دولت گران آمده حاجی قنبر علی‌خان سعدالملک را به ریاست عسکر مأمور فرموده و از طرفی مصطفی قلی‌خان اعتمادالسلطنه با فوج قراگوزلو و فوج خمسه مأمور شدند که به صوابدید معتمدالدوله با فوج کردستان و سواره سقز و بانه دفع شر این فرقه را نموده اگرچه مکان سخت و جبال صعب‌المسلك بود به‌طوری که رؤسای آنها مثل سعیدسلطان و غیره می‌گفتند اگر چندین هزار لشکر بیاید بر ما غلبه نخواهد کرد و اگر دولتین ایران و عثمانی هم اتفاق کنند از عهده سختی مکان ما بر نخواهند آمد، معتمدالدوله اعتنائی به آنها نکرده سه فوج و دو عراده توپ و قوپوز از طرف یمین به شامیان و کلوبن مأمور ساخت. در اواسط ماه صفر با تفنگچی بانه و سقز که به اردو ملحق شده بود در تپه شیخ سلیمان که محاذی در بند کلوبن است رحل اقامت انداختند و در غرة ربیع‌الثانی جنگی در آن در بند اتفاق افتاد. چون مکان سخت و پر خار و درخت بود لشکر منصور چندان صرفه نبردند. باوجود این از صدمه توپ مخدول و منکوب برگشته شب بیست و هشتم ربیع‌الثانی به عون‌یزدانی و اقبال سلطانی حاجی سعدالملک و آقاخان سرتیپ پسر مظفرالدوله مرحوم با افواج خمسه و سوار ایلات و سواره خمسه و توپچی و توپخانه از راه ویسه و مرین بر آن جبال عروج کردند و بر در بند دزلی داخل شدند. اهالی دزلی از صدای شیپور از خواب غفلت بیدار شدند. چون به جهت عبور قشون اردوی اعتمادالسلطنه از آب سیروان، اغلب تفنگچیهای اورامانی سعید سلطان به طرف لهون رفته بودند، وقتی که از تسخیر

دزلی خبر شدند به هیئت اجماع به عزم قتال آمدند. نایره حرب اشتعال یافت و رؤس از اعناق افتاد و چند نفر از رؤسای آن قوم مقتول شدند و به اقبال شاهنشاهی شکست فاحش خورده و تاحول وحوش بدرانی قشون ظفرنمون آنها را تعاقب کردند و آنجا را تصاحب نمودند و پس از این شکست زیست را در آنجا محال دانسته تا شهرزور شتافتند و افواج سه گانه و تفنگچی سقزی و مریوانی و بانه دادمردی دادند. دوفوج و سه عراده قوپوزاز طرف یسار به رفع فتنه نوسودمأمور شد. محمد — سعید سلطان پل چوبین را کشیده و سنگرها را بسته به عزم جدال نشسته بودند. لشکر منصور روز ورود به یورش چشمه آب را که در دست آنها بود گرفتند. شب بیست و یکم جمادی الثانیه اعتمادالسلطنه بی خبر مارپیچ و سنگر را تا کنار رودخانه مریوان برد. صبح يك فوج افشار به سرکردگی بیوک خان سرتیپ هم سنگری دیگر بسته و شناوران هر دو فوج از موج احتیاط نکرده از آب لاشا گذشته سنگرهای آنها را گرفتند. روز بیست و چهارم تفنگچی هردو اورامان به عزم رزم پیش آمدند و مغلوب شده برگشتند. روز دویم جمادی الاولی با شیپور و بالابان به نوسود روانه شدند. در عرض راه رحمن و عثمان پسران سعید سلطان به جنگ آمدند و شکست خورده برگشتند و پرچم ماه چم در نوسود که پایتخت لهون است افراشته شد. الحق سران و سرکردگان و آحاد و افراد قشون ظفرنمون کمال خدمت را کرده و هریک مورد مراحم همایون شدند.

مرتضی قلی خان و کیل الملك حکمران کرمان و بلوچستان به اعطای يك قطعه نشان شیر و خورشید با حمایل مخصوص آن از درجه اول سرتیپی قرین مفاخرت آمد.

نظر به کفایات جناب حاجی میرزا حسین خان مشیرالدوله سفیر کبیر دولت علیه ایران مقیم اسلامبول به اعطای يك رشته حمایل آبی و يك رشته بند کاغذ مرصع جناب معزی الیه را قرین اختصاص فرمودند. نواب ضیاءالدوله به اعطای يك قطعه تمثال بی مثال همایون سرافراز گردید.

حاجی میرزا یحیی خان نایب الحکومه مازندران به يك قطعه نشان شیر و خورشید و يك رشته حمایل از درجه سرتیپی قرین افتخار آمد. روز بیست و سیم رجب متعلمین مدرسه مبارکه دارالفنون را امتحان

فرموده مراتب ترقیات آنها و اهتمامات نواب والا اعتضاد السلطنه وزیر علوم معلوم رأی صواب نمای ملوكانه گردیده يك ثوب سرداری شمسۀ مرصع به نواب معظم‌الیه مرحمت فرمودند.

چون محمد ابراهیم خان معمار باشی عمارتی جدید حسب الامر در جاجرود بنا نموده که پسند خاطر اقدس ملوكانه افتاد مشارالیه به اعطای يك قطعه گل کمر و نشان و حمایل از درجۀ سرتیپی سرافراز شد.

نصرالله خان سرتیپ فوج فراهانی به لقب نصرالملکی مفتخر گردید. میرزا محمدعلی مستوفی ولد مرحوم میرزا محمدحسین عضدالملک ملقب به صدر دیوانخانه گردید.

حاجی شریف خان مستشار لشکر حاکم ترشیز و تربت بر حسب استدعای نواب والا حشمةالدوله حکمران خراسان به لقب مستشارالدوله مباحی آمد.

حاجی محسن خان شارژدافر دولت علیۀ ایران مقیم لندن به اعطای منصب وزیر مقیمی دربار دولت انگلیس برقرار گردید.

محمد آقای سرتیپ که نایب اول سفارت دولت علیه و مقیم لندن بود و به دارالخلافت باهره احضار شده به منصب مستشاری سفارت و خلعت همایون سرافراز و روانۀ محل مأموریت خود گردید.

نواب والا عمادالدوله حکمران کرمانشاهان و لرستان و نهاوند را احضار به دارالخلافت نمودند و روزعید فطر نواب معظم‌الیه را به نشان از درجۀ سیم امیرنویانی سرافراز فرمودند.

کاظم خان فراشباشی ملقب به حاجب الدوله گردید و حسینقلی خان ولد معزی‌الیه به سرکردگی یکصد نفر از سوارۀ نصرت ابواب جمعی حسینقلی خان سرتیپ سرافراز آمد.

حاجی میرزا علی مشکوةالملک به منصب وکیل‌الرعیائی کل ممالک محروسه برقرار گشت.

دکتر طولوزان حکیمباشی مخصوص حضور همایون به اعطای يك قطعه تمثال بی‌مثال مبارك قرین افتخار گردید.

امین حضور پیشخدمت خاصۀ شریفه را مأمور تنظیفات و انتظامات شهردارالخلافت و حوالی آن فرمودند.

نواب والا حشمة الدوله حکمران خراسان در تدمیر طوایف تراکمه اهتمامات نموده وقاری قلعه و طژن و قلعه موسوم به قوشه را که از قلاع بزرگ طایفه طایفه است فتح نموده اند.

غلامحسین خان سپهدار به وزارت عدلیه برقرار و منصوب گردید. چون به جهت برخی مواد سرحدیه دایره مابین دولتین علیتین ایران و عثمانی باید کمیسیونی از سران نیز مأمور و روانه سرحد شود، میرزا محبعلی ناظم دفترخانه مبارکه که در جزء سفارت کبرای لندن و سفارت اسلامبول و غیره خدمات کرده بود به اعطای خلعت همایون سرافراز و به جهت مقصود مزبور مأمور سرحد شد.

نظر آقا که در سفارت این دولت در مأموریت پطرزبورغ و پاریس و در وزارت خارجه خدمات کرده بود به منصب شارژ دافری واقامت دربار دولت فرانسه و خلعت همایون و نشان شیر و خورشید از درجه سیم سرتیپی و حمایل مخصوص آن سرافراز شده که روانه محل مأموریت خود گردد.

میرزا عبدالله نایب اول سفارت به لقب خانی و مستشاری سفارت برقرار گردید.

میرزا احمدخان نایب دوم سفارت به نیابت اول نایل گردید. بعضی بنائیها حسب الامر در استرabad کرده اند از جمله آق قلعه را مشغول تعمیر می باشند و پل حاجی قرا که مقرر بود که به اتمام آن اهتمام شود این اوقات بیست و چهار چشمه پل که یک صدویست ذرع طول و شش ذرع و نیم عرض دارد در کمال استحکام ساخته شده.

میرزا زکی پیشکار عربستان و بروجرد ملقب به ضیاء الملک گردید. نواب شعاع السلطنه فتح الله میرز ابن خاقان مغفور در ماه رمضان در دار الخلافه داعی حق را لبیک اجابت گفت.

جناب شیخ عبدالحسین مجتهد نیز در همین ماه در عتبات عالیات به جوار رحمت الهی پیوست.

موکب همایون روز یکشنبه بیستم شهر شوال از دار الخلافه باهره به عزم سفر خیریت اثر گیلان انتهاض فرمود. درغیاب موکب مسعود شاهانه، حضرت شاهنشاه زاده امجد اکرم نایب السلطنه امیرکبیر و جناب

اجل آقای مستوفی الممالك به مهمام ملکی می پردازند. از وزرای عظام نواب والا اعتضاد السلطنه وزیر علوم و وزیر امور خارجه و ظهیرالدوله ملتزم رکاب اعلی می باشند و تفصیل این سفر خیریت اثر از قرار ذیل است:

موکب مقدس دو روز در کن و دو روز در عبارت سلطانی کرج اقامت فرمود.

روز بیست و پنجم شوال سنقرآباد مضرب خیام جلال گردید.
روز بیست و هشتم به قشلاق که انتهای خاک ساوجبلاغ و ابتدای خاک قزوین است تشریف ورود ارزانی فرمودند.

روز بیست و هشتم به عبدالآباد و روز بیست و نهم ساحت هزاره جریب به ورود مسعود شاهانه مزین گردید. جناب علاءالدوله حکمران این مملکت در تشریفات مقدم مبارک مساعی جمیله نموده بود.
سلخ شوال به قزوین و غره ذیقعه از قزوین به قریه آقابابا تشریف فرما شدند.

روز دوم قریه بکندی از توابع قزوین منزلگاه اردوی همایون گشته يك روز در اینجا اطراق شد.

روز چهارم به دره ملاعلی که از خاک طارم سفلی است توجه فرمودند. در اینجا نیز يك روز اطراق شد و چون طارم سپرده به نواب والا اعتضاد السلطنه وزیر علوم است در عبور از خاک طارم لوازم تشریفات مقدم مبارک را در کمال خوبی فراهم آوردند. امیرالامراء العظام مجدالدوله حکمران گیلان که در بکندی به خاکپای مبارک مشرف آمد از ملاعلی حسب الامر به محل حکمرانی خود معاودت نمود. روز ششم پل لوشان که اول خاک گیلان است محل اردوی همایون بود.

روز هفتم تشریف فرمای منجیل گردیده در حربه ویل که نیم فرسنگ بالای منجیل و مکانی نهایت باصفا و خوش هواست نزول اجلال فرمودند و يك روز در این محل اطراق شد و سروحرزویل که بیست و يك ذرع بلندی آن است و هفت ذرع قطر دارد معروف است. درخت زیتون نیز در اینجا بسیار است.

روز نهم ماه به رستم آباد تشریف ورود ارزانی فرمودند و حین عبور از پل منجیل، جناب حاجی ملارفع مجتهد که از اجله علماست

وحسب الامر همایون در تعمیر این پل مواظبت نموده به حضور مبارک مشرف گردید و چون چشمه های جدید البناى پل بسیار خوب و مستحکم ساخته شده برتوقیر و اعزاز جناب مشارالیه افزودند. هم در کنار پل اسباب چرخ سکه که برای ضرابخانه دولت علیه حسب الامر از فرنگستان ابتیاع و حمل نموده اند از لحاظ نظر انور ملوكانه گذشته مقرر فرمودند نواب والا اعتضاد السلطنه وزیر علوم اسباب مذکور را روانه دارالخلافه کنند و محمدحسین خان ریش سفید قاجار قوانلو با پانزده نفر از قاجاریه مأمور شدند که آن اسباب را با عراده و بارکش به دارالخلافه ببرند.

روز دهم ماه، جنگل امامزاده هاشم و کنار رودخانه سفیدرود به ورود مسعود شاهانه زینت یافت. ساعدالدوله در اینجا شرف اندوز خاکپای مبارک شد.

روز يك شنبه یازدهم ماه ذیقعه باليمن والسعادة شهر دارالمرز رشت را به قدم بهجت لزوم مبارک آراستند و علما و اعیان و عموم اهل بلد در پذیرائی مقدم خسروانه حد شادمانی و جانفشانی را به عمل آوردند.

از روزی که موكب اقدس از حرزه ویل بدین سمت نهضت و عزیمت فرمود نهایت بر ملتزمین ركاب مقدس خوش گذشت و راهی که در سوابق، اصعب مسالك بود طوری خوب ساخته شده که تمام این شانزده فرسنگ خیابانی مسطح بود و به جای جهنم دره معروف بهشتی مصفا و بهر گونه صفا موصوف می نمود. در سمت راست همه جا رودخانه سفیدرود و جنگلها و کوههای سبز بلوك رحمت آباد و در سمت چپ جنگلهای عظیم و کوههای اخضر و بنفشه زار و بساتین زیتون بلوك رودبار مایه بهجت خاطر خطیر ملوكانه می گردید.

روزیازدهم ماه که روز دویم ورود مسعود همایون به رشت بود ژنرال قولی بکین حاکم بادکوبه و توابع که از جانب اعلیحضرت امپراطور روس با جمعی از حکام و صاحب منصبان قفقاز به تهنیت ورود موكب اقدس آمده بود بار حضور مهر ظهور مقدس یافت و در همین روز قونسولهای دول متحابه فرانسه و انگلیس که متوقف رشت بودند شرفیابی حاصل نمودند. روز دوازدهم ابتدا علمای گیلان و لاهیجان و قومون به زیارت جمال مهر مثال شاهانه فایز گردیدند. بعد از آن تمام اعیان و ارکان و

مستوفیان و عمال و تجار گیلان و سرکردگان و خوانین طوالتش متعلق به گیلان شرفاندوز خاکپای مبارک شدند. روز سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم در رشت اقامت و به مهمام ملکی توجه فرمودند و در این سه روز علی التوالی برف می آمد. روز شانزدهم ماه، به عزم انزلی، از رشت انتهاض فرمودند و حسب الامر، جناب ظهیرالدوله در غیاب موکب همایون در رشت مشغول انتظام امور بود و جناب علاءالدوله به پیربازار رفته که مراقب نظم کرجی و کمی ایاب و ذهاب ملتزمین باشد. راه پیربازار با آن که زیاده از یک فرسنگ نیست به قدری سابق بر این بدبود که دو روز عابری را معطل می کرد ولی این اوقات به حکم همایون آن را ساخته اند و قریب به اتمام و نهایت آسان و به راحت آمد و شد می شود. در ابتدای رودخانه پیربازار، سرکار اعلیحضرت شهرباری دام ملکه در نوید ممتازی که مجدالدوله مخصوص وجود مبارک ساخته بود نشسته و نواب والا اعتضاد السلطنه وزیر علوم و جناب مؤتمن الملک و وزیر امور خارجه و مجدالدوله و عضدالملک و معتمدالملک و امین الملک و امین خاوت و امین حضور و حاجب الدوله و حکیم الممالک و میرزا عبدالوهاب خان نایب الوزاره (جناب نصیرالدوله) و محمدعلی خان پیشخدمت خاصه وزیندارباشی و مهدیقلی خان پیشخدمت و امین السلطان و قهوه چی باشی و آقارضای دهباشی و این بنده درگاه در آن نوید به شرف التزام حضور همایون مشرف بودیم.

بالجمله در امتداد رودخانه مزبور که قریب دو فرسنگ می باشد ذات کامل الصفات شاهانه تفرج فرموده در اول دهنه مرداب انزلی ژنرال قولی بکین با کشتی کوچک بخار موسوم به پرکاس به استقبال آمده اعلیحضرت شاهنشاهی با ملتزمین حضور به آن کشتی نقل فرمودند و ژنرال معزی الیه و سایر صاحب منصبان بحری را که با او همراه بودند به عواطف ملوکانه سرافراز فرمودند. از اول مرداب تا بندر انزلی که تقریباً پنج فرسنگ است روی مرداب کرجیهای بسیار بود که حمل بار و بنه اهالی اردوی معلی می نمود. نزدیک به اسکله انزلی، کشتیهای بخار که محض اتحاد دولتین ایران و روس از جانب دولت روس برای سواری و خدمت سرکار اقدس اعلی آمده بودند صداها به هورا بلند کرده اظهار شغف و شادی نمودند و اسامی آن کشتیها از این قرار است:

کمی پرکاس کوچک بخار، کمی بزرگ بخار مخصوص سواری همایون موسوم به «شاه»، کمی آتشی «کاسپین»، کمی آتشی موسوم به «میخائیل» . خلاصه دوساعت به غروب مانده به عمارت دولتی واقعه در قصبه انزلی تشریف فرما گردیدند.

روز هفدهم که روز دوم ورود موکب همایون به انزلی بود با جمعی از خواص ملتزمین رکاب اعلی به کشتی بزرگ بخار سوار و به سیر بحر خزر توجه فرمودند. صاحب منصبان بحری از مقدم بهجت شیم خسروانه پذیرائی شایانی به عمل آوردند و دو کشتی بزرگ دیگر که حامل صاحب منصبان روس و بعضی از چاکران آستان مقدس بود در دو طرف کشتی همایون به مسافت کمی در کمال سرعت سیر می نمود و هر آن صاحب منصبان روس از روی شغف آواز به هورا بلند می نمودند و مدت سیر شاهنشاهی در دریای خزر دو ساعت بود.

روز هیجدهم ماه علمای انزلی شرف زیارت جمال بی مثال شاهانه را استدراک نمودند. بزرگان و اعیان انزلی نیز شرفیاب خاکپای مبارک گردیدند. هم در این روز پنج ساعت به غروب مانده با کشتی بخار کوچک به تماشای صید ماهی و شیل تشریف فرما شدند و در این روز زیاده از چهار هزار ماهی صید شد.

روز نوزدهم حسب الامر نواب والا اعتضاد السلطنه و جناب مؤتمن - الملك و معتمد الملك در چادر دیوانخانه نشسته به عرایض مردم از طوالتش و غیره رسیدگی نمودند و ذات ملکوتی صفات مقدس در درشکه نشسته با چند نفر از خواص خدام درسمتی که از ساحل دریای بزرگ به طالبش دولا ب می رود تشریف فرما شدند.

روز بیستم فقط خاطر مبارک متوجه امور دولتی بود. روز بیست و یکم حاجی محمد تقی خان حاکم اردبیل به تقبیل رکاب اعلی نایل گردید و چون دریا آرام بود، اعلی حضرت شاهنشاهی در کشتی بزرگ بخار نشسته قدری به سیر بحر خزر پرداختند.

روز بیست و دوم مجدالدوله از حکمرانی گیلان استعفا نمود و زمام این امر بزرگ را به کف کفایت جناب مؤتمن الملك وزیر امور خارجه داده جناب معزی الیه را به حکومت گیلان سرافراز فرمودند. روز بیست و سیم با درشکه به کنار دریای بزرگ تشریف بردند و

در این شب عملۀ قورخانۀ مبارکه در روی دریا آتش بازی و چراغان بسیار ممتازی نمودند.

روز بیست و چهارم نواب والا اعتضاد السلطنه و جناب مؤتمن الملک و امین الملک به حکم همایون به بازدید باستانهای قاضیان و انزلی رفتند و مقرر شد که لوازم تعمیر و اسباب انتظام آنها را فراهم آورند.

روز بیست و پنجم علما و اعیان انزلی و اردبیل و غیره به خلاع همایون سرافراز گردیدند. از آنجا که ژنرال قولی بکین و سایر صاحب منصبان دولت روس در مدت تشریف فرمائی موکب همایون بدین ساحت کمال خدمتگزاری را به عمل آوردند ژنرال معزی الیه به نشان تمثال بی مثال همایون مکمل به الماس سرافراز و سایر صاحب منصبان نیز هریک به نشان و حمایل از درجه ای که درخور بود مفتخر گردیده مرخص شدند که به اوطان خود معاودت نمایند. سیف الملک حاکم طوالش به نشان شیر - و خورشید و حمایل و خلعت همایون مباحی آمد. میر علی اکبر خان - دریاییگی به نشان سرهنگی و خلعت همایون نایل گردید. لطف الله میرزا سرهنگ توپخانه به نشان و حمایل سرهنگی سرافراز شد. نصر الله خان سرهنگ خارج از فوج به نشان و حمایل سرهنگی و شمشیر گل و ته طلا و حکومت کرگان رود مفتخر گشت. امان الله خان به حکومت طالش دولا و غیره و اعطای شمشیر ته طلا سربلند شد. رحیم خان به حکومت شاندرمین و شمشیر ته طلا سرافراز آمد. سایر اعیان و بزرگان و صاحب منصبان نظام و غیره نیز به عوارف شاهنشاهی مباحی گردیدند.

روز بیست و ششم از راه منکوده که کنار رودخانۀ مبارک آباد واقع است و به راه پیربازار وصل می شود موکب همایون عازم رشت گردید. این راه را در ایام حکومت مجدالدوله حسب الامر با مخارج گزافی ساخته اند و رودخانۀ مبارک آباد را از اشجار و احجار طوری پاک کرده که کرجی از آن به سهولت عبور می نماید. بالجمله دو ساعت از روز بیست و ششم گذشته بندگان اعلی حضرت همایون در کشتی بخار کوچک نشسته و خواص رجال آستان معلی به شرف التزام رکاب اعلی مشرف گردیده ژنرال قولی بکین هم در کشتی ملتزم حضور مبارک آمده تا دهنۀ رود مبارک - آباد طی مسافت نمودند در اینجا از کشتی فرود آمده به قایق سوار شده ژنرال معزی الیه را بعد از بذل مراسم خاصه مرخص فرمودند. شش ساعت

به غروب مانده قایق همایون در کنار منکوده ایستاده از قایق به درشکه نقل و تشریف فرمای شهر رشت گردیدند. روز بیست و هفتم علما و اعیان دارالمرز را به عواطف و خلاع ملوکانه قرین اختصاص و مباحثات فرمودند و انعامات شایسته به سادات و طلاب دادند.

روز بیست و هشتم به قصر ناصریه تشریف فرما شده تا وقت عصر آن نواحی به مقدم مبارک مزین بود. روز بیست و نهم به تفرج اصطخرعینک که در نیم فرسنگی شهر و در طرف شمال و سرراه فومن و طولم واقع است تشریف فرما گردیدند.

روز سلخ ذیقعد که روز آخر توقف موکب مسعود به رشت بود، تمام اعیان و عمال گیلان و مأمورین متوقف آن سامان به خلاع همایون و عواطف خسروانه سربلند شدند و کارگزاران دول متحابه مقیم رشت را نیز به خلاع فاخره و اشیاء نفیسه قرین مفاخرت فرمودند و مقرر شد جناب مؤتمن‌الملک وزیر امور خارجه و حکمران گیلان چند روزی در گیلان توقف نموده مهم این ولایت را چنان که باید درحیز انتظام گذارد.

روز غره شهر ذیحجه بالیمن والسعاده از شهر دارالمرز انتهاز فرموده تشریف فرمای امامزاده هاشم شدند.

روز دوم در این محل اطراق شد.

روز سیم رستم آباد مضرب خیام با احتشام گردید.

روز چهارم به حرزه ویل نزول اجلال فرمودند.

روز پنجم کنار پل لوشان به مقدم مبارک مزین شد. آقاخان - مظفرالدوله و علینقی خان سرتیپ که از خصه به زیارت خاکپای فرقدسا آمده بودند در این منزل به تقبیل رکاب اعلی فایز گردیدند.

روز ششم بالای گردنه خرزان منزلگاه اردوی معلی گشت.

روز هفتم به منزل آقا بابا و روز هشتم به ظاهر قزوین شرف وروه ارزانی فرمودند.

روز نهم در قزوین اطراق شد و علما و اعیان و شاهزادگان این بلد به عواطف و خلاع مبارکه درجه اختصاص یافتند.

روز دهم که عیداضحی بود بعد از تقدیم شرایط عید سعید به قریه خاک علی تشریف فرما شدند.

روز پانزدهم شهر ذیحجه مقر سلطنت کبری یعنی دارالخلافه ناصری به فرقدوم بهجت لزوم اعلیحضرت شاهنشاهی دامملکه مزین گردید.

شب دوشنبه هیجدهم که شب عید غدیر بود، بعد از گذشتن چهار ساعت ویست دقیقه وسی ثانیه به محاسبه زیج جدید محمدشاه هندی، نیراعظم از برج حوت به حمل تحویل نمود و سلام خاص در پیشگاه حضور اقدس انعقاد یافت. روز نوزدهم سلام عام منعقد و میرزا فضل الله وزیر- نظام به خطابات ملوکانه سرافراز آمد.

تذیل:

هم در این سال حضرت اجل اکرم شاهنشاهزاده کامکار یمین الدوله حکمران فارس به لقب جلیل «ظل السلطان» ملقب گردیدند.

میرزا رضا پسر مرحوم میرزا زین العابدین البرز به منصب مستوفیگری مباحی گشت.

میرزا شفیع منشی وزارت خارجه به لقب خانی سرافراز آمد.
محمدصادق خان سرتیپ برادر شهاب الملک که به مکّه معظمه مشرف شده بود در عرض راه به رحمت ایزدی پیوست.
آقا سید محمدباقر مجتهد قزوینی داعی حق را لبیک اجابت گفت.
کتاب صراح اللغة را طبع نمودند.

وقایع و سوانح عمده‌ای که در این سال در تمام روی زمین و اقطار عالم سانح و واقع گردید

اطریش:

مسافرت اعلیحضرت امپراطور اطریش به سمت مشرق زمین که از راه رسحق و وارنا به اسلامبول و از آنجا به یونان و از یونان به ژافا و از اینجا به بیت المقدس و از این شهر به مصر آمده و در افتتاح نهر مجمع -

البحرین سوئز (۱) حضور به هم رسانیده بعد مراجعت به فرنگ نمودند. انعقاد معاهده تجارتی با پادشاه سیام و اعلیحضرت خاقان چین.

عثمانی:

خشنودی اعلیحضرت سلطان از این که دول فرنگ رفع مخاصمه او را با یونان نمودند.

فوت فؤاد پاشا وزیر امور خارجه درنيس (۲) از بنادر فرانسه. تفویض وزارت جنگ به حسین عونی پاشا که حاکم جزیره قندی (۳) بود به توسط عالی پاشا صدراعظم.

مسافرت والی مونتنگرو بدون اجازه اعلیحضرت سلطان به تمام فرنگستان و به روسیه و مراجعت نمودن به ولایت خود با پرنس دالکروکی که یکی از آجودانهای خاصه اعلیحضرت امپراطور روس است.

مسافرت والی افلاق بغداد نیز به فرنگستان و مزاجت با پرنس الیزابت در سویس.

خدیو مصر که مغرور به الطاف اعلیحضرت سلطان شده بدون اجازه و اذن باب عالی در قاهره افتتاح مجلس شورای می نماید. نیز بی رخصت اعلیحضرت سلطان به فرنگستان سفر نموده سلاطین عظیم الشان را دعوت به افتتاح نهر مجمع البحرین سوئز می کند. هشتاد کروار و دویست هزار و هفتصد و هشتاد تومان و دو قران مخارج این بوغاز شده و طول بوغاز بیست و هشت فرسخ و یک صد ذرع عرض و هشت ذرع عمق دارد. در این مورد حلیم پاشا عموی خدیو و مصطفی پاشا برادرش که از خواص اعلیحضرت سلطان هستند سعایت از خدیو می کنند. بنابر این صدراعظم عثمانی تهدید نامه ای به خدیو مصر می نویسد که اولاً عدد قشون خود را کم کند ثانیاً بر عدد سفاین جنگی نیفزاید ثالثاً هر سال کتابچه دخل و خرج خود را به باب عالی اسلامبول انفاذ دارد رابعاً بدون اجازه اعلیحضرت سلطان نه مراوده تجارتی نه پولیتیکی با هیچ دولتی

۱ - غرض از نهر مجمع البحرین سوئز همان کانال سوئز است که مدیترانه را به بحر احم

متصل می کند.

۲- Nice

۳ - یعنی جزیره کرت Candi = Crète

از دول فرنگ نداشتنه باشد خامساً بدون اذن اعلیحضرت سلطان استقراضی ننماید.

بالجمله بعد از ده سال کار به ریاست فردیناند دلس پس (۴) فرانسوی در هفدهم نوامبر این سال افتتاح نهر مجمع البحرین سوئز گردید. حضور اغلب از سلاطین و شاهزاده‌های بزرگ فرنگ در جشن افتتاح نهر مذکور بجز شاهزاده‌های خانواده انگلیس.

فرانسه:

فوت لامارتین شاعر معروف در اواسط زمستان. فوت مارشال نیل. وزارت جنگ ژنرال لوبوف.

چون این سال سال صدم تولد ناپلئون اول بود برای تبرک و جشن در این خانواده علیاحضرت ملکه و نواب ولیعهد به جزیره کرس که موطن و مولد اعلیحضرت امپراطور ناپلئون اول می‌باشد سفر می‌کند. شدت مرض اعلیحضرت امپراطور ناپلئون سیم و به این واسطه هرج و مرج امورات. خطبه‌های شورش انگیز خواندن پرنس ناپلئون ابن عم اعلیحضرت ناپلئون.

بروز وبا در کمال شدت در متصرفات فرانسه در ماچین. مسافرت علیاحضرت امپراطریس به مشرق زمین و حضور ایشان در مصر به موقع افتتاح نهر مجمع البحرین.

یونان:

مخاصمه مابین این دولت و دولت عثمانی که بدو از ابتدای شورش اهالی قندی بود و تا این زمان امتداد داشت و به واسطه یک مجلس کنفرانس که در پاریس منعقد گردید مأمورین دول فرنگ که در آن مجلس جلوس نمودند رفع مخاصمه شد. معدوم شدن شهر سنت مور به واسطه زلزله.

وقایع سال بیست و چهارم

سلطنت ابدآیت اعلیحضرت قوی شوکت اقدس شاهنشاه
جم‌جاه خسرو صاحبقران خلدالله ملکه و دولته مطابق سنه
هزار و دویست و هشتاد و هفت هجری یونت‌ئیل

در این سال فرخنده مآل کلیه رعایا و برایا به عواطف ملوکانه
سربلند و مستمال بودند.

جناب مؤتمن‌الملک که حسب الامر چند روزی در گیلان اقامت
داشت زمام انتظام آن ولایت را بر عهده میرزا عبدالوهاب خان نایب
الوزارة (جناب نصیر الدوله) واگذار نموده خود به خاکپای مبارک
مشرف آمد.

حکمرانی دارالعباده یزد را به نواب والاحسام السلطنه تفویض
فرمودند و امیر زاده ابوالفتح میرزا ولد نواب معظم‌الیه به وزارت
میرزا محمد حسین مستوفی به نیابت حکومت آن ولایت رفت.

عزیزخان سردار کل به وزارت و پیشکاری آذربایجان سرافراز گشت.
میرزا ابوالقاسم معین‌الملک به منصب متولی‌باشیگری حضرت
رضوی علیه‌السلام سربلند آمد.

محمد قلی‌خان شاطرباشی ملقب به صارم‌الملک شد.
سرایدار باشی به درجه سرتیپی سیم و نشان و حمایل مخصوص
آن نایل گردید.

فوج فراهان را که یکی از افواج ابواب جمعی نصرالملک است
ملقب به فوج کامران نمودند.

نقشه اراضی شهر جدید دارالخلافة ناصری را جعفر قلی‌خان
رئیس مدرسه مبارکه دارالفنون و میرزا عبدالغفار معلم کل علوم ریاضی

با بیست نفر مهندسین کشیده به توسط نواب والا اعتضاد السلطنه وزیر علوم به حضور مبارک برده به سه هزار تومان انعام سرافراز شدند. یکی از طوایف نورعلی جعفربای از طوایف تراکمه چون به راه شرارت می‌رفتند سلیمان‌خان صاحب اختیار حکمران استرآباد آنها را تنبیه نمود.

محمد حسن‌خان سرتیپ توپخانه پسر مرحوم حاجی بیژن‌خان مرحوم شد.

حاجی آغایوسف خواجه‌باشی در عتبات عالیات به رحمت ایزدی پیوست.

میرزا فضل‌الله خان نوائی نیز در گذشت.

«تاریخ مختصر ناپلئون بزرگ» امپراطور فرانسه را مسیو ریشارخان فرانسوی معلم ترجمه کرده و طبع نموده‌اند.

نیز رساله «زبدۃ الحکمه ناصری» در ماهیت و خواص گنه‌گنه و رساله «بدایع الحکمه ناصری» که هردو از مصنفات دکتر طولوزان حکیم‌باشی مخصوص حضور همایون است به طبع رسیده.

روز پنجم شهر صفر در شکارگاه دوشان تپه پلنگی شکار شست مبارک شد.

امیر الامراء العظام مجدالدوله به منصب امیر آخوری اصطلب مبارکه سرافراز گردید.

علیرضاخان عضدالملک به اعطای نشان تمثال بی‌مثال همایون درجه اختصاص یافت.

حکومت همدان را ضمیمه حکومت کردستان فرموده به نواب والامعتمد الدوله واگذار فرمودند و امیرزاده سلطان اویس میرزا ولد نواب معظم‌الیه از جانب ایشان به حکومت همدان رفت.

آقا مهدی ملک التجار مرحوم شد و آقا محمدکاظم ولد آن مرحوم به منصب ملک التجاری ایشان مفتخر گشت.

علینقی‌خان سرتیپ فوج کزازی ملقب به صمصام‌الملک شد. محمد حسین‌خان قراگوزلو پسر مرحوم علی‌خان نصره‌الملک به لقب حسام‌الملکی مهابه گردید.

میرزا محمدحسین خان نایب‌الحکومه اصفهان ولد صاحب دیوان به نشان و حمایل سرتیپی سرافراز آمد.

حاجی محمدقلی خان آصف‌الدوله وزیر فارس به یک قطعه نشان تمثال بی‌مثال همایون قرین مفاخرت و اعزاز گشت.

بعضی از متمردين بلوچستان را ابراهیم خان به دستورالعمل وکیل-الملك حکمران کرمان و بلوچستان تنبیه نموده است.

امیرزاده اسماعیل میرزا ولد نواب والا معزالدوله که درانتظام فوج سیلاخوری اهتمام نموده بود به نشان و حمایل سرتیپی سرافرازی حاصل نمود.

میرزا ابوطالب خان نایب‌الحکومه لرستان مرحوم شد.
محمدحسین خان حاکم سمنان و دامغان به لقب اعتضادالملکی سرافراز شد.

یوسف خان شجاع‌الدوله حاکم خوی و سلماس و ارومی و سرحدات که به دربار معدلت مدار احضار شده بود به اعطای یک قطعه نشان از درجه اول امیرتومانی و یک رشته حمایل مخصوص آن قرین مفاخرت گردید و فوج خوی را نیز علاوه سه فوج افشار ابواب جمع مشارالیه فرمودند.

نواب والا اعتضادالسلطنه وزیر علوم به یک قطعه نشان ذی‌شان از درجه سیم امیرنویانی مکمل به الماس با یک رشته حمایل مخصوص آن درجه اختصاص یافتند.

میرزا سید احمد مستوفی به حکومت ولایت عراق منصوب آمد.
میرزا علی‌خان منشی حضور و نایب اول وزارت خارجه (جناب امین‌الملك) به نشان از درجه ثانیه خارجه مباحی گردید.

بندۀ مؤلف به اعطای یک قطعه گل کمر مکمل به الماس سربلند شد.
میرزا سید ابراهیم سررشته‌دار مالیات خراسان به منصب استیفا از درجه چهارم برقرار آمد.

میرزا محمد حسین پیشکار خمسه نیز به همین منصب سرافراز گشت.

امان‌الله خان سرتیپ، «بهاء‌الملك» لقب یافت.
علی‌خان پسر سلیمان خان صاحب اختیار حکمران استرآباد به منصب

سرهنگی فوج اخلاص افشار اسدآباد مباحی گردید.
 میرزا حسن خان پسر ارشد مرحوم میرزا مسعود وزیر امور خارجه سابق به نیابت اول وزارت خارجه نایل آمد.
 میرزا اسدالله خان نایب اول سفارت علیه مقیم پترزبورغ به کار -
 پردازی اول تغلیس مأمور شد.

میرزا عبدالله که در مأموریت بندرعباس و مسقط خدمت کرده بود به مأموریت مخصوص بندرعباس سرافراز و به نشان و حمایل از درجه اول سرهنگی نایل گشت.

جناب صاحب دیوان حکمران اصفهان به یک رشته حمایل آبی سیر قرین امتیاز آمد.

جلد پنجم «ناسخ التواریخ» به طبع رسیده. نیز کتاب «مجموعه الرسائل» در علم طب از تألیفات حاجی آقا بابای ملک الاطباء طبع شده است.

از وقایع معظمه این سال میل خاطر مهر مظاهر مبارک به زیارت عتبات عالیات و بازدید و سیاحت ساحت عراق عرب است و اگرچه شرح هریک از اسفار سعادت آثار همایون در کتابی مخصوص به قلم معجز رقم مبارک نوشته شده و به طبع رسیده ولی محض تیمن و تتمیم مطالب این کتاب باز خلاصه ای از وقایع آن اسفار من البدو الی الختم در موارد خود ذکر می شود.

پوشیده نباشد که از سلاطین عظیم الشان و خسروان با حشمت و توان ممالک ایران وجود مبارک اعلیحضرت شاهنشاهی دام ملکه اول شهریاری است که در عالم سلم و صفا بی اندیشه حرب و غزا از ثغور ممالک خود تجاوز فرموده و در ممالک خارجه بی دغدغه خاطر مسافرت و گردش نموده اند و سفر زیارت عتبات عالیات و عراق عرب اول سفر اعلیحضرت همایون به ممالک خارجه می باشد و ابتدای این سفر سعادت اثر روز جمعه بیستم شهر جمادی الثانیه این سال خیریت مآل بود که از مقر خلافت عظمی به قصر دوشان تپه نقل مکان فرمودند و شرح روز به روز این مسافرت خیریت آیت از قرار ذیل است:

شرح مسافرت اعلیحضرت همایون روحنا فداه به عتبات عالیات و عراق عرب

روز بیستم ماه جمادی‌الثانیه چنان‌که ذکر شد نقل مکان به قصر دوشان‌تپه فرمودند و محض این‌که ملتزمین رکاب اعلی از تهیه راه فراغت حاصل نمایند پنج روز در این محل توقف شد.

روز بیست و پنجم چشمه علی‌که در نزدیکی زاویه مقدسه حضرت عبدالعظیم است مضرب خیام با احتشام معلی گردید و ذات ملکوتی صفات مقدس ابتدا به زیارت امامزاده واجب‌التعظیم توجه فرمودند بعدها اردوی کیوان شکوه به‌مقدم مبارک مزین گردید. در اینجا نیز سه روز اطراق شد. ریاست و حراست اردوی معلی را به نواب والا حسام‌السلطنه واگذار فرمودند. در غیاب موکب همایون حضرت اجل اعظم شاهنشاه زاده والا نایب السلطنه و جناب اجل آقای مستوفی‌الممالک وزیر اول به مهمان‌ملکی رسیدگی می‌نمایند. اغلب از رجال دولت و خواص عمله خلوت ملتزم رکاب اعلی می‌باشند و اسم هریک در جای خود ذکر می‌شود. خدام حرم جلالت نیز به این سعادت مستعدند (۱). بنده مؤلف نیز غالباً خاطر مهر مآثر مبارک را به ترجمه روزنامه‌های خارجه خاصه اخبار متعلقه به‌جنگ فرانسه و پروس مشغول می‌دارد.

خلاصه روز بیست و هشتم، قاسم‌آباد خالصه منزلگاه اردوی همایون است.

روز بیست و نهم به‌رباط کریم تشریف‌فرما گردیدند.

روز دو شنبه سلخ، در رباط کریم اطراق شد.

روز سه شنبه غره رجب، به رحیم‌آباد زرند ملکی محمد مرادخان سرتیپ زرندی نزول اجلال فرمودند. راه شش فرسنگ بود. در بین راه جان محمدخان سرتیپ خلیج و محمدصادق خان حاکم زرند و فتح‌علی خان سرکرده شاهیسون بغدادی به‌تقبیل رکاب اعلی فایز آمدند. ناظم افندی شارژدافر عثمانی و مسیو کربل نایب اول سفارت روس همراه است.

روز دوم ماه، به امیرآباد تشریف ورود ارزانی فرمودند. راه دو فرسخ و نیم بود. از امیر آباد تا خانی آباد زرند که منزلگاه قوافل است زیاده از يك میدان نیست.

روز سیم، عبدل آباد ساوه مضرب خیام با احتشام همایون گردید. راه شش فرسخ است.

روز چهارم، در عبدل آباد اطراق شد. در اینجا علمای ساوه به حضور مبارك تشریف جستند.

روز پنجم، به شاهیسون کندی تشریف فرما شدند. راه چهار فرسخ سخت سنگین بود.

روز ششم، نوبران که آخر خاك ساوه و اول خاك همدان است منزلگاه اردوی کیوان شکوه شد. راه زیاده از پنج فرسخ و خودنوبران قلمرو ساوه است. در نوبران چون تلگرافخانه هست جناب معتمدالمملك حسب الامر به توسط تلگراف از حضرت امجد افخم شاهنشاهزاده والا - نایب السلطنه و جناب اجل آقای مستوفی الممالك و سایر وزرا احوال پرسی نمودند و بعضی احکام به توسط تلگراف شرف صدور یافت. روز هفتم ماه، در نوبران اطراق شد.

روز هشتم ماه، به قریه قرادای ملکی حسین خان حسام الملك نزول اجلال فرمودند. راه شش فرسنگ بود.

روز نهم، نزدیکی خوش آباد از محال درجزین اردوی معلی منزل نمود. قریه زره که منزلگاه کاروان است سرراه بود.

روز دهم، تشریف فرمای بوبوك آباد شدند. نواب والا معتمدالدوله حکمران کردستان و همدان شرف اندوز خاکپای مبارك شدند. راه چهار فرسخ بود.

روز یازدهم در بوبوك آباد اقامت فرمودند.

روز دوازدهم، به سرخ آباد شرف ورود بخشیدند. راه پنج فرسنگ بود.

روز سیزدهم رجب - که عید مولود محمود حضرت امیرالمؤمنین - علی بن ابی طالب علیه السلام بود - شهر همدان به قدوم بهجت لزوم مبارك مزین آمد. جناب حسنعلی خان وزیر مختار از گروس آمده امروز به تقییل رکاب اعلی فایز شد. راه سه فرسنگ بود. علما و اعیان و بزرگان

همدانی دراستقبال و شکرگزاری ورود موكب همایون جانفشانیها کردند. روز چهاردهم، در همدان اقامت شد. تیمور پاشا خان و بهلول پاشا خان ماکوئی که از آذربایجان به طهران و از طهران به همدان آمده به خاکپای مبارك مشرف شدند.

روز پانزدهم علما واعیان همدان و خوانین ملایر و تویسرکان به زیارت جمال مهرمثال مقدس تشریف جستند. هنگام معرفی از علما، چون قاضی را معرفی کردند ذات ملکوتی صفات مبارك ملاطفت و مطایبت را فرمودند: «قاضی همدان است» (۲) علما و خود قاضی نیز با حفظ مراتب ادب خندیدند. لطف این عبارت برارباب ذوق معلوم است. امیرزاده سلطان اويس میرزا حاکم همدان ملقب به احتشام الدوله گردید. روز شانزدهم به تفرج و سیردره عباس آباد که نهایت باصفا و از دره های مشهور ظاهر همدان است تشریف فرما شدند و از آنجا به راه گردنه شهرستانه که به تویسرکان می رود توجه فرمودند. در بالای گردنه، سلطان سلیم میرزا اسامی دهات تویسرکان را که نمودار بود به عرض می رسانید.

روز هفدهم، مشغول مهم دولتی بودند.

روز هجدهم، از همدان انتهاز فرموده به مزرعه زاغه که سه فرسنگی همدان است نزول اجلال فرمودند.

روز نوزدهم، قصبه اسدآباد منزلگاه اردوی همایون شد. خانباخان پسر سلیمان خان صاحب اختیار با خوانین و ریش سفیدان افشار در راه به تقبیل رکاب مبارك سرافراز شدند.

روز بیستم، در این منزل اطراق شد.

روز بیست و یکم تشریف فرمای قصبه کنگور شدند. راه پنج فرسخ سنگین بود. غلامعلی خان برادر ساری اصلا نایب الحکومه کنگور با جمعی از خوانین افشار به تقبیل رکاب معلی مفتخر گشتند.

روز بیست و دویم، در کنگور اقامت نمودند.

روز بیست و سیم، از کنگور نهضت فرما گردیده ابتدا به تماشای

۲ - اشاره به حکایتی است که شیخ سعدی علیه الرحمة در گلستان ذکر نموده و ابتدای

آن این است که قاضی همدان را شنیدم که با نعل بند پسری سرخوش داشت (اع).

بنائی که اعراب آن را قصرالصوص (۳) می‌نامند توجه فرمودند. از این قصرش ستون زیاده باقی نمانده و شرح جغرافی آن در حرف قاف بیاید.

پس از بازدید این بنا به طرف صحنه راندند. در بین راه در پائین گردنه بید سرخ، نواب والاعمال الدوله و امیرزادگان اولاد نواب معظم‌الیه و حسینقلی خان والی پشتکوه لرستان و محمدحسن خان سرتیپ کلهر و محمد رضا خان سرتیپ زنک و برخوردار خان سرکرده فوج امرائی برادر فتح‌الله خان امرائی و سایر بزرگان کرمانشاهان و کلهر و غیره به خاکپای مبارک مشرف گردیدند. راه پنج‌فرسنگ سنگین است.

روز بیست و چهارم، در صحنه اطراق شد.

روز بیست و پنجم، تشریف‌فرمای برناج که در جلوتنگ دینور واقع است شدند. راه زیاده از شش فرسخ است.

روز بیست و ششم و بیست و هفتم در برناج اطراق است.

روز بیست و هشتم بیستون محل اردوی همایون شد. راه سه فرسنگ

بود.

روز بیست و نهم به حاجی آباد نزول اجلال فرمودند و راه باز سه

فرسخ بود.

روز غره شعبان، عمارت عمادیه واقع در کنار رود قراسو به قدم مبارک‌مزمین گردید. از حاجی آباد به عمادیه کمتر از چهار فرسنگ و از عمادیه تا شهر کرمانشاه کمتر از یک فرسخ است.

روز دوم و سیم و چهارم در عمادیه اقامت داشتند و در این روز، جناب حاجی میرزا حسین خان مشیرالدوله سفیر کبیر و وزیر مختار دولت علیه مقیم اسلامبول که از راه حلب و دیار بکر و بغداد آمده‌اند شرفیاب خاکپای مبارک شدند. علما و اعیان کرمانشهان نیز در این روز به زیارت جمال مهر تمثال شاهانه فایز گردیدند.

روز پنجم، به تماشای طاق و سطام تشریف‌فرما گردیدند. شرح جغرافیائی طاق و سطام و بیستون در جلد اول مرآة البلدان ثبت شده است.

روز ششم نیز در عمادیه توقف فرمودند.

روز هفتم به تماشای کنشت و پیرخیبر توجه فرمودند.
 روز هشتم و نهم، اردوی کیوان شکوه در عمادیه متوقف بود.
 روز دهم، از عمادیه انتهاز و به طرف کرمانشهان توجه فرموده
 در بالای تپه مشهور به تپه فتحعلی خان تماشای شهر را که در کمال خوبی
 نمایان است نموده بعد هاتشریف فرمای ماهی دشت شدند. شرح جغرافیائی
 کرمانشهان و توابع در محل خود بیاید ان شاء الله تعالی. از عمادیه به
 ماهی دشت پنج فرسخ و از شهر کرمانشاه تا ماهی دشت چهار فرسخ می باشد.
 روز یازدهم، هارون آباد منزلگاه اردوی معلی گردید. راه شش
 فرسخ بود. فوج و سواره کلهر نزدیکی هارون آباد سر راه ایستاده
 بودند. روز دوازدهم در هارون آباد اتراق شد. روز سیزدهم تشریف فرمای
 کردند شدند. راه پنج فرسنگ بود. روز چهاردهم در کرد اطراق شد.
 روز پانزدهم پای طاق به مقدم مبارک مزین آمد. راه شش فرسنگ بود.
 روز شانزدهم در قرا بلاغ که نیم فرسخ بالاتر از پل ذهاب است
 نزول اجلال فرمودند.

روز هفدهم، در این محل اطراق شد.
 روز هیجدهم، تشریف فرمای قصر شیرین گردیدند. مظفر الدوله -
 پاشا خان که با صد سوار مکرری از آذربایجان آمده در این محل به خاکپای
 مبارک مشرف گردید. نواب اقبال الدوله هندی که در بغداد سکنی گرفته
 به استقبال موکب همایون آمده در این روز به اردوی معلی پیوست.
 روز نوزدهم و بیستم، در قصر شیرین اطراق شد. از قرا بلاغ تا
 قصر شیرین پنج فرسخ است.

روز بیست و یکم، تشریف فرمای خانقین شدند. طبقات نوکر در
 این روز عموماً در لباس رسمی بودند. در بین راه، در محله موسوم
 به مردآزما، اردوئی که از جانب دولت عثمانی با هرگونه تشریفات شایان
 مأمور به استقبال و پذیرائی موکب همایون بود نمودار شد. این اردو
 مرکب بود از یک دسته سواره نظام که چفیه (ع) و عقال عربی به سر

۴ - چفیه صورت عوامانه دگرفیه است به معنای چارقدی رنگین از گتان یا ابریشم
 که مردان بر سر می نهند به طوری که دو گوشه آن بردوش افتد و دو گوشه بر پهلوانی و پس
 عقال (سر بند) را روی آن می اندازند. این رسم بیشتر در میان و هایان و قبایل بدوی معمول
 است. رجوع شود به لغت نامه دهخدا ذیل «کوفیه». در مورد عقال هم در فرهنگ معین آمده
 است. رشته ای که تازیان دور سر بندند.

داشتند و يك دسته سربازهای سوار كه هريك قاطری داشتند و تفنگ سربازها شاسپو بود و يك دسته سواره چركسی و يك دسته موزيكانچی سواره و چندین رأس یدك همه بازین و برگ عثمانی كه آنها را جلودارها پیاده می‌كشیدند و رؤسای اردو جناب مدحت‌پاشا والی بغداد و جناب كمال‌پاشا مأمور مخصوص اعلیحضرت سلطان عثمانی و حامل نامه مودت - علامه‌ای كه سلطان در تبریک تشریف فرمائی موكب مقدس به نواحی عراق عرب نوشته بودند و رؤف پاشا مأمور مهم سرحدیه عثمانی و ایران كه در این وقت مأمور حكومت جزیره كريت شده و علی‌بیک تشریفاتچی و آجودانهای سلطان و غیرهم بودند و این جمله تا اردوی همایون كه در مسافتی دور از آبادی زده شده بود با تقدیم شرایط اكرام و تكريم همراه بودند. وقت شب در این منزل، چند مجموعه شام از خورشهای عثمانی در ظروفی مركب از طرز ایرانی و فرنگی از جانب اعلیحضرت سلطان عثمانی ضمیمه شام اعلیحضرت شاهنشاه ایران شد. از قصر شیرین به خانقین شش فرسنگ است.

روز بیست و دویم، در خانقین اطراق شد. مدحت‌پاشا و كمال‌پاشا و رؤف‌پاشا و ناظم افندی شارژدافر دولت عثمانی متوقف دارالخلافة طهران و حمدی‌بیک كارگزار خارجه بغداد به حضور مبارك مشرف شده كمال‌پاشا نطق خوبی در تهنیت ورود موكب خسروانه و مأموریت خود نمود. این كمال‌پاشا در سی و پنج سال قبل از این در زمان شهیار مبرور ماضی‌انارالله برهانه به سمت سفارت به دارالخلافة آمده است. روز بیست و سیم، قزل رباط مضرب خیام گردون احتشام معلی گردید. راه پنج فرسخ بود.

روز بیست و چهارم، شهروان منزلگاه اردوی همایون شد. قائم - مقام یعقوبیه (ه) و اجزای دیوانی آنجا با سواره نظام و سواره هایطه امروز به استقبال آمدند. راه پنج فرسخ است.

روز بیست و پنجم، تشریف‌فرمای یعقوبیه گردیدند. در بین

• - یعقوبیه مصطلح اهالی محم است. صحیح این اسم یعقوبه است چنان‌كه اعراب

تکلم می‌نمایند (اع).

صورت صحیح این کلمه «یعقوبه» است. رجوع شود به نزهة القلوب حمدالله مستوفی

(به تصحیح دکتر محمد دبیرسیاقی، تهران، ۱۳۳۶) صفحات ۲۷، ۲۸، ۲۹ و سرزینهای

هلافت شرقی تالیف لوسترنج و ترجمه محمود عرفان (بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۳۷) صفحه ۶۷.

راه به قبرمقداد رضی الله عنه رسیده چون مقبره خرابی داشت مقرر فرمودند به توسط جناب مشیرالدوله تعمیر شود. راه هشت فرسنگ بود. روز بیست و ششم، در یعقوبیه اطراق شد. روز بیست و هفتم، در محل موسوم به مشیریه که به مسافت سه فرسخ و نیم از یعقوبیه است نزول اجلال فرمودند. روز بیست و هشتم شعبان، درحالتی که طبقات ملتزمین رکاب اعلی به البسه رسمیه حاضر شده بودند، به دارالسلام بغداد نهضت فرما شدند. مدحت پاشا که از یعقوبیه یکسر به بغداد رفته بود مجدداً به استقبال مقدم مبارک شتافته و بعد از ساعتی به جهت انتظام امور پذیرائی و تشریفات باز جلو افتاده به بغداد رفت. اهالی بغداد و مأمورین دولت عثمانی در این روز الحق جمیع دقایق مراسم خدمتگزاری و اعزاز را منظور نموده بودند. از اهالی شهر جمعیت زیادی بیرون آمده و از دو طرف جاده صف کشیده بودند. از جلو مستقبلین به فاصله کم یک قراول از عساکر عثمانی ایستاده بود. بعد از آن افواج سواره نظام صف کشیده پیش روی مردم را گرفته بودند. دسته های موزیکانچی متعدد در فاصله افواج و سوار قرار داشتند. در بین راه سایبانی سلطنتی از اطلس زرد و زری باریشه ها و طرازهای گلابتون برای توقف و صرف قهوه و تعرفه وجوه و معارف مستقبلین زده بودند و به فرش ابریشم زردوزی مفروش نموده وجوه عسکریه و ملکیه و قاضی و مفتی و سایر معارف ایستاده بودند. سرکار اعلیحضرت شاهنشاهی دامملکه در این سایبان قهوه میل فرموده و مستقبلین را به عواطف و تفقادات شاهانه سربلند کردند. در این وقت، پاشا و سایرین آلائی (۶) جلو را ترتیب دادند و پاشاها و اعیان مزبوره کلیه پیش افتادند. حضرت همایون پادشاهی نیز سواره حرکت فرموده تا به طاق نصرتی که محض تشریفات ورود مسعود اقدس بنا کرده بودند رسیدند. این طاق را فرنگیها «آرک تریونف» (۷) می گویند. خلاصه طاق مزبور با علمها و بیدقها و پرده های مختلف آراسته شده بود و وضع و ترتیب باشکوهی داشت. ارامنه و کشیشها و یک دسته اطفال ارمنی که لباسهای حریر نازک و حمایلهای کبود منقح داشتند سمت راست صف

۶ - آلاکه در کلمه آلاچیق امروز معمول و زنده است به معنای سراپرده و سایبان است

و نوعی خیمه از پارچه سبزه و ضخیم.

کشیده به آهنگی خوب تغنی می کردند. سمت دیگر علمای یهود و یک دسته اطفال یهودی به همین ترتیب و آداب ایستاده دعا به وجود مسعود همایون می نمودند. اینام مسلمین - که از مآثر مدحت پاشا تربیت می شوند - با ملبوس سفید نظیف ایستاده بودند. پشت سر آنها از هر قسم و هر مذهب اهالی شهر ازدحام و جمعیت داشتند. در ابتدای طاق نصرت، پاشاها و اعیان پیاده شده جلو مرکب و در رکاب اعلی افتادند. از طاق نصرت تا درباغی که برای نزول اجلال اعلیحضرت شاهنشاهی عزنصره معین شده بود، افواج ایران از قشون ظفرنمون ایستاده وصف زده بودند. این باغ در کنار شط از بناهای نجیب پاشا است که در سابق ازمنه والی بغداد بود. اما مدحت پاشا آن را به خیابانها و ابنیه عالیهمزین کرده و برحسب حکم اعلیحضرت سلطان عثمانی عمارتی ممتاز در انتهای این باغ که مشرف به شط است مخصوص نزول ورود مسعود اعلیحضرت شاهنشاهی بنا و به قصر ناصری موسوم داشته و طاقهای آن را به انواع و اقسام اسباب چراغ و میز و صندلی و پرده های خوب و اشیاء نفیسه زینت داده. خلاصه باليمن والسعادة سه ساعت به غروب مانده قصر مذکور به مقدم موهبت ظهور شاهانه آراسته گردید. مدحت پاشا وجوه عسکریه و ملکیه و سایر را معرفی کرد و اسامی آنها از قرار ذیل است:

امرا و ضابطان عسکریه:

فریق نافذپاشا، میرلواحمدی پاشا، میرلواصالح پاشا، میرلواعبدالله پاشا، مفتش میرلوا حسین پاشا، سرعسکریاوری قائم مقام فیضی بک، میرالای حاجی مصطفی پاشا، میرالای حاجی فیض الله بک برای ملاحظه محاسبه عسکریه از اسامبول آمده، میرالای حسن بک، میرالای صالح بک، متقاعد میرالای حسین پاشا، میرالای عبدالرحمن بک، قائم مقام ارکان حربیه حسن بک، قائم مقام حسین بک، قائم مقام محمد بک، قائم مقام احمد بک، محاسبه چی حافظ افندی، قائم مقام حاجی مصطفی بک، قائم مقام حسین بک، قائم مقام مصطفی بک، مین باشی حاجی عمر آغا، مین باشی حاجی بهاءالدین - افندی، مین باشی عمر افندی، مین باشی اطباء فانوا افندی، اجزای صحیه شاکر افندی، اجزای صحیه حسن افندی.

متصرف بغداد شاکر بک، دفتر داری عبدی بک، مفتی محمد زهابی - افندی، کاتب اسرار صائب افندی، مدیر اوقاف درویش افندی، شیخ

سابق منتفیج منصور افندی، معاون متصرفی بغداد احمد بك، رئیس ادارهٔ بلدیهٔ بغداد ابراهیم افندی، نایب بغداد مظهر افندی، رئیس مجلس جنایت نظامی ابراهیم افندی، اعضای ادارهٔ نظامی محمود افندی، معاون والی بغداد رائف افندی، حاکم کربلا مظهرپاشا، مفتش حکام زین العابدین افندی، نقیب علی افندی، مدیر مهم خارجہ حمدي بك، شیخ عشیره شمر فرحان، مدیر تلگراف دیمت راکی افندی، مدیر قرنطین مصطفی-افندی، اعضای مجلس ادارهٔ ولایات سعید افندی، متولی امام اعظم مصطفی افندی.

روز بیست و نهم شعبان، عزیمت زیارت کاظمین علیهما السلام فرمودند. اهالی کاظمین و خدام امامین همامین از موکب منصور استقبالی با بهجت و سرور نمودند. در سفرنامهٔ عتبات که به قلم معجز رقم مبارک نوشته شده ورود به روضهٔ مقدسه را چنین نگاشته‌اند.

«وارد روضه شدیم از بهشت جزئی و از رحمت آیتی است. از این موهبت و سعادت شکرها کردم».

از خشتهای طلا که به امر اعلی برای گنبد مظهر عسکرین علیهما السلام ساخته شده زیاد آمده و ایوانهای کاظمین سلام الله علیهما را طلا می کردند. بعد از تقدیم آداب زیارت و دعا چون فرشهای رواق و روضه چندان خوب نبود حکم فرمودند اندازه بگیرند که فرش بسزا برای این محل منیف ترتیب داده شود. در مراجعت، بقعهٔ امام اعظم را هم تماشا نموده و فاتحه قرائت فرمودند. هم در این روز چون حلول ماه رمضان سبب تعویق می شد به استدعای مدحت پاشا به اردوی نظامی که در خارج بغداد تشکیل یافته بود تشریف فرما شده مشق و حرکات و اعمال عسکریه و نظامی عثمانی را ملاحظه فرمودند و به مدحت پاشا و کمال پاشا و سایرین حمایل و نشانهای در خور اعطا شد. شب این روز به شکرانهٔ قدوم بهجت لزوم مبارک در بغداد آتش بازی ممتازی کردند و در کشتیها و سربازخانهها موسیکان به انواع الحان مسرت بخش زده می شد.

روز سلخ شعبان، با جمعی از ملتزمین رکاب اعلی در کشتی بخار بزرگ نشسته عزم مداین و زیارت حضرت سلمان رضی الله عنه فرمودند. گزارش این روز در جلد اول کتاب در لغت ایوان مفصلا مسطور است.

روز غرهٔ رمضان المبارک، قونسولها و مأمورین خارجہ متوقف

بغداد به اتفاق جناب مشیر الدوله به حضور مهر ظهور مبارك مشرف شدند. بعد از آن به زیارت کاظمین علیهما السلام انتهاز فرمودند. درب نقره را که حسب الامر، امیرزاده محسن میرزای میر آخور ساخته این اوقات در رواق مطهر نصب کرده اند.

روز دوم رمضان، به قصد مزار شیخ عبدالقادر گیلانی و مرقد شیخ شهاب الدین عمر سهروردی و اردوی نظامی عثمانی سوار شدند. هم در این روز ده هزار تومان به فوج و سواره ملتزم رکاب انعام مرحمت فرمودند و هشت هزار تومان به مدارس ایتام و مریضخانه و افواج عثمانی اعطا شد. نیز در این روز به واسطه تلگراف از دارالخلافه جناب مستوفی الممالک خبر دادند که حیدرقلی خان ایلخانی در سمت تکه فتحی کرده و تراکمه آن حدود را تنبیه نموده است.

روز سیم رمضان، از بغداد انتهاز فرمودند و خارج قصبه کاظمین مضرب خیام معلی گردید. روز چهارم، منزلگاه اردوی همایون محلی است موسوم به حویزه. در این روز ذات ملکوتی صفات مقدس به زیارت کاظمین علیهما السلام مشرف شده بعد از زیارت در ایوان مطهر جناب آقا سید صادق علمای کاظمین کثرالله امثالهم را به حضور مبارك آورده معرفی نمودند و به توسط جناب معزی الیه جناب مشیرالدوله خلایع را که از جانب سنی الجوانب همایون مرحمت شده بود انفاذ داشت و خدام حضرت از کلیددار و صاحب منصب و غیره همه به عواطف ملوکانه مباهی شدند. بعدها عزیمت راه فرمودند و در بین راه به ملاحظه بنای عرقوف پرداختند. تفصیل عرقوف در جلد اول کتاب مرآة البلدان ناصری مسطور است.

بالجملة يك ساعت از شب گذشته به منزلگاه شرف ورود ارزانی فرمودند. روز پنجم ماه تشریف فرمای مسیب شدند. اردوی همایون را در کنار شط فرات زده و وضع با صفائی داشت. راه نه فرسخ بود. سواره نظام متوقف مسیب با مصطفی افندی قائم مقام مسیب به استقبال مقدم مبارك مبادرت نمودند. روز ششم، در مسیب اطراق شد. جناب حاجی میرزا علینقی و جناب شیخ زین العابدین مجتهد مازندرانی و بعضی علمای دیگر و آقا سید حسین کلیددار حضرت عباس سلام الله علیه از کربلای معلی به استقبال موکب اعلی آمده در این روز به حضور مبارك تشریف

جستند. جناب مشیرالدوله و جناب مدحت پاشا از پیش به کربلا رفتند و رؤوف پاشا که از راه شط فرات عازم اسلامبول بود به حضور مهر ظهور مشرف و روانه شد. وقت عصر اعلیحضرت همایون به زیارت طفلان مسلم رفتند و چون صحن و گنبد و ایوان و غیره خرابی داشت به معیر الممالک حکم فرمودند تعمیر و مرمت نماید. روز هفتم رمضان، روانه به مقصد اعلی یعنی کربلای معلی شدند و در یک فرسنگی شهر در مقبره عون بن - زینب علیه و علیها السلام پیاده شده زیارت خواندند. این راه راه معمولی زوار نیست و کمتر کسی از زیارت عون بهره مند می شود. از اینجا که گذشتند، میرزا حسن کلیددار حضرت سیدالشهداء علیه آلاف التحية والثناء با خدمه آن حضرت به استقبال آمده به موکب همایون پیوستند. چون قدری دیگر راه طی شد به قدر ربع ساعت باران شدید و تگرگ بارید و مردم تر شدند و در سفرنامه عتبات که به بنان معجز بیان مبارک نگاشته شده می فرمایند:

«آسمان، زوار این آستان را از لوٹ معاصی پاک خواست که پاک شاول و پس دیده بر آن پاک انداز»

نزدیکی باغات شهر باران ایستاده جناب مدحت پاشا و جناب مشیرالدوله هم به رکاب اعلی پیوسته بودند. از پل سفید که بر روی پل حسینیّه ساخته شده عبور فرمودند. از اینجا به شهر سابقاً راه به واسطه کثرت نهرها و تنگی کوچه اسباب زحمت زوار بود اما مدحت پاشا محض تشریفات مقدم مبارک اعلیحضرت شاهنشاهی دام ملکه این راه را ساخته و وسعت داده و مجرای نهرها را در زیر بنا کرده. همه جا خیابان و کوچه زیاده از ده ذرع عرض دارد. خلاصه در تمام این راه از دو طرف معبر آدم و تماشاچی ایستاده و اکثر ایرانی و عجم بودند. خدمه حضرت عباس علیه السلام هم پیاده در خیابان استقبال نمودند و علمهای آن حضرت را تیمناً از جلو می کشیدند.

خلاصه از دروازه موسوم به دروازه نجف وارد و در ب صحن مقدس پیاده شدند و با قلبی خاضع و خاشع و حالتی نهایت متواضع به روضه مقدسه تقرب و تشرف جستند و در تحت قبه مبارکه به آداب زیارت و دعا پرداختند و از تذکر مظلومیت شهدا و مصایب وارده در آن سرزمین، قلب مبارک قرین

رقت گردیده قطرات عبرات گونه مهر نمونه پادشاهی را چون گلبرگ ممتور و پر از لؤلؤ منشور داشت. بعد از زیارت مرقد منور حضرت سیدالشهداء صلوات الله و سلامه علیه به صحن و روضه مقدسه حضرت عباس علیه السلام مشرف شده آنجا زیارت خواندند. آنگاه به خیام مهر احتشام که نزدیک دروازه نجف برپا شده نزول اجلال فرمودند.

روز هشتم رمضان، چهار ساعت به غروب مانده به زیارت روضه مقدسه حضرت سیدالشهداء مشرف شده بعد از زیارت، رواق عرش نطق مبارک را گردش فرموده و فرمایشات در تعمیرات رواق که خرابی داشت و تجدید فرش تحت گنبد مطهر نمودند و حجرات صحن را که مرحوم شیخ عبدالحسین (۸) از جانب سنی الجوانب همایون مرمت کرده و ساخته بازدید کردند.

روز نهم، به قصد زیارت حر ریاحی انتهاض فرمودند.

روز دهم، علمای کربلا به توسط جناب آقا سید صادق به حضور مبارک تشریف جستند بعدها به زیارت روضه مبارکه رقیه بیاض خط حضرت امیرالمؤمنین سلام الله علیه به دست مبارک روی صندوق مطهر گذاشتند و قرآن خط حضرت امام زین العابدین را که کوچک و کم حجم و روی ضریح حضرت علیه السلام بود زیارت کردند.

روز یازدهم، طرف عصر باز به زیارت روضه منور مبادرت جستند و با میرزا حسن کلیددار داخل ضریح شده و زیارت و دعا خواندند و قدری تربت صحیح از روی قبر مطهر برداشتند. عبای سفیدی میرزا حسن از جانب حضرت، زیب پیکر فرخنده اثر شاهانه نمود.

روز دوازدهم رمضان، به عزم نجف اشرف به خان شور که زیاده از شش فرسنگ راه است تشریف فرما شدند.

۸ - شیخ عبدالحسین تهرانی معروف به شیخ العراقین از مجتهدین زاهد و متقی بود.

وی مورد توجه کامل امیر کبیر میرزا تقی خان قرار داشت تا جایی که وی را وصی خویش قرار داد و او نیز از مال امیر مدرسه و مسجدی عالی در تهران بنا کرد که اکنون به مسجد شیخ - عبدالحسین یا مسجد ترکها (آذربایجانیها) شهرت دارد. ناصرالدین شاه نیز او را مأمور به تعمیر بقاع مبرکه عتبات عالیات کرد و او نیز با کفایت و امانت مأموریت خویش را انجام داد. وی در سال ۱۲۸۶ در عراق درگذشت.

روز سیزدهم، برای تلتیم در گاه عرش اشتباه حضرت امیرالمؤمنین و یعسوب الدین صلوات الله و سلامه علیه مصمم شدند. در دو فرسخی شهر که مناره‌های روضه مقدسه نمایان شد ادای شکر باری تعالی را از نیل منتهای مقصد و درك این فوز عظیم نمودند. مدحت پاشا و مستقبیلین نیز بهر کاب اعلی پیوستند. هم در این روز، قبل از سواری، علمای نجف که به استقبال قدوم سعادت لزوم شاهانه آمده بودند از فیض حضور مبارک بهره‌یاب گردیدند. شرح ورود موکب مسعود بدین ساحت خلد نزهت در سفرنامه همایونی بدین عبارت فرخنده براعت مسطور است:

«نزدیک دروازه از کالسه پیاده شدم با همه نوکرها و پاشاها پیاده رفتیم تا وارد شهر شدیم. گوش جانم انک بالوادی - المقدس طوی (۹) می‌شنید. زبان دلم رب ادخلنی مدخل صدق (۱۰) می‌گفت. این خاک پاک و ارض مقدس را باید از عرش خدا جزئی و از جنت آیتی گرفت که وطن جان و منزل دل است. روح و راحتی مشاهده کردم که در طاقت بیان نیست».

خلاصه شهریار آسمان جاه در ورود به روضه مقدسه تقبیل آستان و درگاه امیر مؤمنان و سرور انس و جان را نموده آنچه اقتضای عقیدت پاک و گوهر تابناک همایون است در آن روضه عرش حوزه به منصه ظهور رسانیدند و بعد از فراغت از زیارت حضرت مولای متقیان به سر مقبره شاه رضوان جایگاه شهید آقامحمدشاه طاب الله ثراه توجه فرموده ادای فاتحه نمودند. نیز بر سر مقبره والده خاقان مغفور - فتحعلی‌شاه - و مقبره حسینقلی‌خان برادر خاقان مبرور و مقبره جد اعلی حضرت همایون فاتحه خواندند و پیاده تا دم دروازه طی مسافت فرموده آنجا سوار شدند و از وادی السلام عبور کردند و به اردو که در طرف غربی شهر نزدیک وادی السلام زده شده بود تشریف‌فرما شدند.

روز چهاردهم، محل اردو را به جهت احترام قبور مسلمین تغییر داده در محلی نزدیک به دریا قرار دادند. بعد به زیارت پرداختند و در سر

۹ - سوره طه از آیه ۱۲.

۱۰ - سوره اسراء از آیه ۸۰.

مقبره مرحوم شیخ مرتضی (۱۱) فاتحه قرائت نمودند. روز پانزدهم، [به] مسجد کوفه و مسجد سهله زیارت قبر مسلم بن عقیل و هانی بن عروه و سیر آثار شهر کوفه توجه فرمودند و در تعمیرات اماکن مسجد و مقبره مسلم و هانی به امین‌الملک فرمایشات کردند. روز شانزدهم، بعد از ملاقات بعضی از علما به زیارت روضه مطهره فایز شدند. حقیقه الماس برلیان که به تارک مبارک داشتند پیشکش آستان ملایک پاسبان حضرت کردند. هم در این روز به حکم همایون درب خزانه حضرت را که قریب هفتاد سال بود باز نشده بود و اسباب موجود را از جواهر و طلا و سایر ثبت نموده دوباره از جانب دولتین ایران و عثمانی مهر کردند که حیف و میل در آن نشود.

روز هفدهم و هیجدهم، مشغول زیارت بودند و در این روز آخری درب ضریح مطهر را باز کردند و به شرایط تلثیم و تبرک پرداختند. روز نوزدهم، بعد از تقدیم و تکمیل زیارت با کمال تأسف به طرف کربلا معاودت فرمودند. در این روز با جناب آقامیرزا حسن شیرازی (۱۲) که از اجله علماست ملاقات اتفاق افتاد. خلاصه منزل امروز قدری از خان‌شور بالاتر و به طرف کربلاست. روز بیستم معاودت به کربلای معلی نموده مقرر شد سه روز اقامت و بعد کوچ شود. این سه روز اغلب به زیارت و دعا می‌گذشت.

۱۱ - غرض شیخ مرتضی انصاری است از بزرگان علمای عصر قاجار و از مفاخر تشیع بلکه جهان اسلام. وی در سال ۱۲۱۴ قمری متولد شد و ابتدا در نزد عموی خود شیخ حسن دزفولی درس خواند و سپس به عراق رفت و در محضر بزرگان و دانشمندانی چون شیخ علی‌کاشف الغطا و ملا احمد نراقی و شریف العلمای آملی تلمذ نمود و در ۱۲۶۶ به ریاست مطلقه علمیه نایل گردید. کتب مهمی از او به یادگار مانده من جمله کتاب المکاسب و فرائد الاصول. مرگ وی در سال ۱۲۸۱ قمری در شهر نجف روی داد. اعلی الله مقامه.

۱۲ - حاجی میرزا حسن معروف به «میرزای شیرازی» از مراجع تقلید شیعه که در حدود سال ۱۲۳۰ در شیراز چشم به جهان گشود. تحصیلات اولیه وی در شیراز و اصفهان و سپس در بین‌النهرین انجام گرفت و پس از مرگ شیخ مرتضی انصاری به مقام مرجعیت رسید. وی همان است که در قضیه الغاء امتیاز انحصار توتون و تنباکو فتوی به تحریم تنباکو و توتون داد یا به قولی فتوایی را که به نام او منتشر شده بود تکذیب نکرد و همین فتوی موجب قیام مردم و لغو امتیاز رژی گردید. وی در ۱۳۱۲ درگذشت.

روز بیست و چهارم رمضان تشریف فرمای مسیب شدند. مدحت پاشا و سایر پاشاها در موکب همایون بودند.
روز بیست و پنجم، در مسیب اتراق شد.
روز بیست و ششم، قصر ناصری بغداد به قدم بهجت لزوم مبارک آراسته شد.

روز بیست و هفتم، به زیارت کاظمین علیهما السلام پرداختند.
روز بیست و هشتم، به ملاحظه طاق کسری و زیارت حضرت سلمان انتهاز فرمودند شب در آنجا اقامت و فردا بعد از ملاحظه طاق کسری و زیارت حضرت سلمان به مقبره حذیفه یمانی و عبدالله انصاری رضی الله عنهما رفتند و از آنجا تشریف فرمای بغداد و قصر ناصری گردیدند.

روز شنبه غره شوال - که عید رمضان بود - در قصر ناصری سلام عید انعقاد یافت. اجزای این سلام وزراء و رجال این دولت جاوید شوکت و پاشاها و سایر وجوه و اعیان ملکیه و عسکریه عثمانی و افواج و توپخانه ایران و عثمانی بود. الحق سلام ملمع با شکوهی منعقد گردید. هم در این روز انعامات بسیار به خدام و غیره بذل فرمودند و جناب مشیرالدوله به وزارت عدلیه اعظم و وزارت وظایف و اوقاف منصوب گردید.

روز دویم شوال، به عزم سر من رای انتهاز فرموده در منزل دخاله در حوالی شط سراپرده معلی افراشته شد. راه زیاده از شش فرسنگ بود.
روز سیم، به غازانیه تشریف فرما گردیدند. راه چهار فرسخ و نیم بود.

روز چهارم، خان نجار منزلگاه اردوی همایون است و راه شش فرسنگ می باشد.

روز پنجم به صوب سامره توجه فرمودند. راه از خشکی شش فرسنگ است. اما چون از روی شط تشریف فرما می شدند و کشتی در محلی که جزیره حادث و راه دو شعبه شده بود راه را غلط کرده و کشتی به گل نشست و معطلیها رخ نمود، لهذا هشت ساعت از شب گذشته به اردوی معلی که بیرون شهر در ساحل دجله بود رسیدند. این يك شبه سامره و منزل خان نجار به مردم خیلی سخت گذشت. گاه را خرواری بیست تومان و بیشتر می خریدند و به دست نمی آمد و سایر چیزها هم به همین قیاس بود.

روز ششم، وارد شهر شده و به زیارت پرداختند. گنبد عسکریین-
 علیهما السلام که به امر اعلی طلا شده شکوه و اعتلائی تمام داشت. خدام
 با علمها و آدابی که دارند به استقبال آمدند. بعد از زیارت حضرت عسکریین
 سلام الله علیهما از مقام غیبت حضرت امام عصر عجل الله تعالی فرجه کسب
 میامن فرمودند. بعد از آن به بازدید تعمیرات و وضع طلا شدن گنبد و غیره
 که همه به امر همایون زیور انجام یافته بود پرداختند. آنگاه تماشای
 ابنیه‌ای که منصوب به خلیفه متوکل عباسی است و از جمله مناره ضخیم
 بلندی می‌باشد توجه فرمودند.

روز هفتم، به تماشا و بازدید خرابه و آثار کهنه سامره که بیشتر در
 شمال و مغرب سامره است مشغول بودند.

روز هشتم شوال، از سامره عزیمت دارالخلافت باهره را تصمیم دادند
 و بعد از زیارت و دعا روبه‌راه نهادند. منزل خان نجار تقریباً شش فرسخ
 راه است.

روز نهم، غازانیه منزلگاه اردوی همایون است.
 روز دهم، تشریف فرمای یعقوبیه (بعقوبه) گردیدند. محمدرحیم خان
 سرتیپ زند و مصطفی قلی خان میرشکار و بعضی دیگر مرخص شدند که
 به‌محکمه معظمه مشرف شوند.

یازدهم، در یعقوبیه اتراق شد.
 روز دوازدهم، از یعقوبیه به شهر روان توجه نمودند.
 روز سیزدهم در شهر روان اتراق شد.
 روز چهاردهم قزل رباط مضرب خیام سپهر احتشام گردید.
 روز پانزدهم به خانقین نزول اجلال فرمودند.

روز شانزدهم در خانقین توقف شد. در این روز برای پاشایان و
 مأمورین که از طرف اعلیحضرت سلطان عثمانی آمده بودند و متصدی
 خدمات شده انقیه‌دان مرصع و انگشتی و شال ووجه نقد به قدری که
 شایسته بود ارسال داشتند و مدحت‌پاشا و کمال‌پاشا و ناظم‌افندی را
 به حضور طلبیده در باب مهمام سرحدی فرمایشات فرمودند.

روز هفدهم، قصر شیرین محل اردوی خسروانی گردید. پاشاها
 که تاب‌سیاری از راه را التزام رکاب اعلی داشتند، بعد از ادای تشرکات
 وافیه و وداع، مرخص شده معاودت کردند و در نزدیکی تپه قصر شیرین

امر به طرح باغی فرمودند.

روز هیجدهم، قرا بلاغ جایگاه اردوی همایون بود.

روز نوزدهم، تشریف فرمای پای طاق شدند.

روز بیستم، در پای طاق اتراق شد. در اینجا به واسطه تلگراف خبر

دادند که شب چهارشنبه هیجدهم شوال عزیزخان سردار کل در تبریز مرحوم شده است.

روز بیست و یکم، به کردن نزول اجلال فرمودند.

روز بیست و دویم، در کردن اتراق شد. نواب والا عمادالدوله در

این منزل به حضور مهر ظهور مبارک مشرف آمد.

روز بیست و سیم، هارون آباد و روز بیست و چهارم ماهی دشت

مضرب خیام گردون احتشام گردید.

روز بیست و پنجم در ماهی دشت اتراق شد.

روز بیست و ششم عمادیه به مقدم مبارک مزین گردیده چند روز

در اینجا به جهت رسیدگی به امور و بعضی عرایض مردم توقف فرمودند

و فوج دویم نصرت را با سواره شاهیسون از اینجا مرخص کردند که از

راه همدان به آذربایجان بروند.

روز بیست و نهم نواب مستطاب مهدعلیا — که در خانه های صارم —

الدوله منزل داشتند — ذات ملکوتی صفات مقدس را دعوت نمودند.

روز غره ذیقعه، به تفرج طاق و سظام اشتغال داشتند.

روز دویم، تشریف فرمای بیستون گردیدند. خبر وفات اسکندر خان

سردار که اغلب در آذربایجان و حاکم خوی و مراغه بود در این منزل

رسید.

روز سیم ماه، صحنه منزلگاه اردوی معلی بود.

روز چهارم، کنگاور به شرف ورود مسعود شاهانه مزین شد.

روز پنجم، ولاشجرد از خاک تويسرکان منزلگاه موکب همایون

بود. نواب والا اعتضاد السلطنه وزیر علوم که از دارالخلافه عزم شرف —

اندوزی از خاکپای مبارک نموده بودند در اینجا به رکاب اعلی پیوستند.

روز ششم ماه، تشریف فرمای فرسیج شدند. در میان راه نواب والا

عمادالدوله را مرخص فرمودند که به محل حکمرانی خود معاودت نماید.

روز هفتم، در فرسیح اتراق شد.
روز هشتم، جمیل آباد محل اردوی همایون بود. دربین راه نواب –
والامعتمدالدوله حکمران کردستان را مرخص فرمودند که به محل
حکمرانی خود روانه گردد. راه دوفرسخ ونیم بود.

روز نهم حسین آباد مضرب خیام معلی گردید. راه دو فرسنگ بود.
روز دهم به دولت آباد ملایر نزول اجلال فرمودند. راه چهار فرسخ
بود. جناب صاحب دیوان که از اصفهان آمده بود به خاکپای مبارک
مشرف شد و شرحی از گرانی اصفهان معروض داشت. مقرر شد از ولایات
حول وحوش به قدر کفایت جنس به اصفهان حمل نمایند.

روز یازدهم، در دولت آباد اتراق شد.

روز دوازدهم به منزل پری شرف نزول ارزانی فرمودند. پری انتهای
خاک ملایر و اول خاک عراق است. راه چهار فرسنگ بود. قبل از سواری
جناب میرزا فخرالدین بروجردی و امام جمعه و علمای ملایر به زیارت
جمال مهر مثال مبارک فایز شدند. دربین راه، میرزا سیداحمد نایب الحکومه
عراق و علینقی خان سرتیپ ملقب به صمصام الملك به تقبیل رکاب اعلی
سرافراز گردیدند.

روز سیزدهم به منزل قره حصار تشریف فرما شدند. راه پنج فرسنگ
بود.

روز چهاردهم، قریه نمک کور منزلگاه موکب منصور شد. راه سه
فرسنگ بود.

روز پانزدهم، سلطان آباد که مرکز حکومت عراق است به مقدم
شاهنشاهی مزین آمد. راه سه فرسخ بود. علمای عراق و طبقات ناس
به استقبال مبادرت نمودند.

روز شانزدهم و هفدهم، در سلطان آباد اتراق شده در مهمانملکی
توجه می فرمودند.

روز هیجدهم ذیقعه تشریف فرمای مصلح آباد شدند. راه چهار
فرسنگ بود.

روز نوزدهم به آشتیان نزول اجلال فرمودند. راه چهار فرسخ ونیم
بود.

روز بیستم در آشتیان اتراق شد و به تماشای قصبه آشتیان و اطراف آن پرداختند.

روز بیست و یکم به منزل دستجرد شرف ورود ارزانی فرمودند. راه سه فرسنگ و نیم بود. قبل از حرکت، علما و اعیان آشتیان به حضور مبارک تشریف جستند.

روز بیست و دویم، قریه قاضی جایگاه اردوی همایون و راه چهار فرسخ بود.

روز بیست و سیم، شهر قم به مقدم مبارک مزین آمد و علما و اعیان و متولی باشی و اهالی شهر با شغفی کامل به استقبال موکب همایون آمده بودند.

روز بیست و چهارم، در قم اتراق و به زیارت روضه طاهره حضرت معصومه سلام الله علیها پرداختند و در مقبره خاقان مغفور فتحعلی شاه البسه الله حلل النور و مقبره شهریار مبرور محمد شاه ادامه الله فی ریاض – السرور فاتحه قرائت نمودند.

روز بیست و پنجم، در قم توقف داشتند و چون کمی غله در اغلب بلاد مزاحم حال عباد است و فقرای زیاد به قم آمده مقرر فرمودند به توسط آقا حسین مجتهد از غله دیوانی تدارک نان کرده تا پنجاه روز فقرا را که به شماره هزار نفر می شوند اطعام کنند. عباسقلی خان پسر مرحوم محمدولی خان قاجار به نیابت حکومت قم سرافراز شد.

روز بیست و ششم، به منزل پل دلاک و روز بیست و هفتم، به حوض – سلطان تشریف فرما گردیدند.

روز بیست و هشتم کناره کرد منزلگاه اردوی همایون بود.

روز بیست و نهم حضرت عبدالعظیم و به زیارت زاویه مقدسه مبادرت نمودند.

روز سه شنبه غره ذیحجه بامیامن سعادت و اقبال به دارالخلافه باهره و مقر خلافت عظمی نزول اجلال فرمودند و عموم وزراء و خدام آستان همایون و علما و اعیان دارالخلافه به زیارت جمال آفتاب مثال شاهانه قرین شغف و مسرت موفور شده به دعای وجود مبارک رطب اللسان گردیدند و این سفر خیریت اثر به سعادت اختتام یافت.

تذییل:

در روز ورود موکب مسعود به دارالسلام بغداد از جانب سنی الجوانب همایونی به اعلیحضرت سلطان عبدالعزیز خان به اسلامبول تلگراف شد.

سواد تلگراف همایون:

به مجرد وصول بغداد واجبتر از همه دیدم که وداد صمیمی خود را به واسطه تلگراف به خاطر شاهانه معلوم کنم و نیز اظهار خشنودی از مدحت پاشا و کمال پاشا و مأمورین باغیرت آن اعلیحضرت و اجزای آنها نمایم. در خاک آن اعلیحضرت بحمدالله به وجود ما و همه خدم خاصه در ورود بغداد بسیار خوش گذشت. نظم و کفایت مدحت پاشا جای خشنودی است. امیدواریم احوال و مزاج ملوکانه نیز بسیار خوب بوده باشد. مخابرات یک جهتی آیات تلگرافی را زیاد مشتاقیم. بیست و هشتم شهر شعبان المعظم ناصرالدین شاه.

ترجمه جواب تلگراف از جانب اعلیحضرت سلطان

تلگرافنامه والا که بحمدالله تعالی ورود بغداد را به کمال صحت و عافیت مبشر و حرکات و معاملات بعض مأمورین را متضمن و مودتهای صمیمه را در حق خالصانه مامؤکد بود واصل دست خلوص شد. تحسین فرمودن ذات همایون به طرف ما از مساعی مدحت پاشا و کمال پاشا در مدت تشریف فرمائی ممالک دولت علیه ما به حصول استراحت و سهولت سیاحت سنیه که اقدام افکار و نتیجه آرزوست موجب ممنونیت تازه و اسباب و علت ازدیاد توجه ما در حق آنها شد. تمنیات علیه اظهاریه که محض تأکید وفاق و اتفاق دولتین علیتین اسلام آرزوی طرفین و بقای عزت و عافیت شاهانه و دعای آن تکرار و تبریک قدوم شاهانه ابتدار می شود.

غره شهر رمضان ۱۲۹۷ عبدالعزیز خان

بعد از آن که موکب فیروزی کوکب همایونی به دارالسلام بغداد رسید و در هنگامی که به سلامتی و اجلال و ابهت و اقبال از دروازه قصر

ناصری تشریف‌فرمای قصر می‌شدند، در سردروازه مزبوره این مصراع را نگاشته بودند:

«قدومت شهریارا باد مسعود»

محمدامین منشی بغدادی در وصف قصرناصری و تشریف‌فرمائی خدیوهمایون فرخسرو عدالت گستر در آن قصر که از قدوم میمنت لزومش رشک روضه رضوان بود این دوبیت عربی را عرض و انشاد نمود:

لناصرالدین قصر قدعلا وسما بلاقصور فحاکی قبةالفلک
تری المصایح فیه کالنجوم بدت لیلا وکالشمس فیه طلعةالملک

محمد زهابی افندی مفتی بغدادنیز قصیده‌ای فارسی به‌شکرانه ورود موکب مسعود واتحاد دولتین علیتین عرض و درحضور ساطع‌النور خسروانی انشاد نموده امر و مقرر شد که آن قصیده سمت انطباع یابد و قصیده مزبور بعینها حدواً بحذو دراین ورقه ثبت و مندرج شد:

هزاران شکر کز فضل و عطای ایزدمنان
شد از تشریف شه بغداد رشک جمله بلدان
فلک جدی و حمل آماده کرد از بهر بریانی
چو آمد شاه ایران پادشاه روم را مهمان
از آن تشریف شد اکنون تمام اهل دین ممنون
نمانده هیچکس محزون در این عالم بجز شیطان
از این رو این همه عالم از این تشریف شد خرم
که می‌باشد دلیل اتحاد شاه با سلطان
صلاح ملت است و دین که این دو شاه‌عدل آئین
بدارشان خدا [۱] همیشه یک دل و یک جان
به‌حدی یک دل‌اندو متحد با هم که می‌باشد
رضای آن رضای این رضای این رضای آن
زفخر اسلام را شاید که سر بر آسمان ساید
که از شه نصر دین آید زسلطان عزت ایمان

سرایت کرده در اتباعشان هم سر بی‌فرقی
 که این دو فرقه با هم بی‌غل و غش اند چون اخوان
 چرا با هم نباشند این چنین يك دل که می‌باشد
 جهات وحدت ایشان نبی و قبله و قرآن
 جهانی را به تشریفش مشرف ساخت تا یابد
 تشرف از امامان هدی و حکمت و عرفان
 درود بی‌حد و بی‌مر، زهرچه هست افزون‌تر
 مدام از خالق اکبر پیایی باد بر ایشان
 در روز عید سعید فطر از جانب اعلیحضرت اقدس ظل‌اللهی به
 اعلیحضرت سلطان والاحاء عثمانی تلگراف شد:

الحمد لله به زیارت اماکن مقدسه در اعلی درجه خوبی
 نایل شدیم و در ثوابات آن ذات همایون شاهانه شما را سهمیم
 بزرگ می‌دانیم. چرا که اعظم مستدعیات از درگاه خداوندی
 ازدیاد شوکت اسلام و بقای استحکام و داد و اتحاد و سلامت
 وجود همایون ملوکانه بود. در مراجعت بغداد که مصادف با
 چنین عید بزرگ اسلام شد، ورود خودمان را و تبریک این
 عید عظیم را با اظهار خوشوقتی از خدمات و زحمات مدحت-
 پاشا و کمال پاشا لازمتر از همه دانستیم که به اطلاع خاطر
 شاهانه برسانیم امیدواریم آرزوهای صمیمی ما در دوام و استقرار
 دوستی و يك جهتی در آینده به درجه حصول مقرون شود.
 ناصرالدین شاه

صورت ترجمه جواب تلگراف از جانب اعلیحضرت

سلطان عبدالعزیز خان

به جهت تبریک و تهنیت عید سعید مسعدت بخش فطر، در
 شرف مودت نامه فرستادن بودم که ذات معالی صفات شاهانه
 شما سبقت فرمودند. الفضل للمتقدم و به این وسیله جلیله که
 تلگراف نامه خاقانی به عنوان اخلاص شعار ارسال فرموده‌اید و
 بشارت صحت و عافیت وجود شاهانه را حاوی بود به درجه‌ای

ممنون ومنت دار شدم که تعریف و بیان نمی‌توانم کرد. حق – تعالی ذات عالی شاهانه را نیز به‌درك چندین اعیاد شریفه و مسرات عدیده مستسعد و در سریر عزت و جلالت برقرار فرمودن را از درگاه الهی مکرراً تمنی می‌نمایم. از این که مدحت‌پاشا و کمال پاشا در تحصیل اراده خدمت شاهانه موفق شده‌اند و حسن‌نظر همایونی درباره ایشان توجهات خالصانه مراتب درجه دیگر در حق آنها تزیید و تأیید نمود چون که اصل آرزوی محبانه ما در مدت سیاحت مبارکه شما در ممالك ما تسهیل و در میان تعبهای سفریه وجود همایون شما را به‌قدر امکان ترویج نمودن است هر کس در تحصیل این مقصود اهتمام و غیرت نماید مثل این است که مخصوصاً به‌ذات و شخص خود من خدمت نموده است.

عبدالعزیز خان

چون جناب مشیرالدوله سفیر کبیر دولت علیه ایران که سالها مقیم اسلامبول بود در این سفر خیریت اثر منتهای خدمتگزاری و جان نثاری را به‌عمل آورد محض ظهور مرحمت و وفور مکرمت و پاس خدمات سابقه و لاحقۀ معزی‌الیه و نظر به‌برتری مقام و درجه که در حق او منظور نظر معدلت گستر همایون است این اوقات وزارت عدلیه اعظم و وزارت اوقاف و وظایف را به‌عهده کفایت و کفالت معزی‌الیه مفوض و مرحمت فرمودند و به‌این موهبت بین‌الامثال والاقران مباهی و ارجمند و مقرون هزار گونه مفاخرت و اعزاز گشته به‌اعطای یک ثوب جبۀ شمس‌دار و یک حلقه انگشتری الماس اعتبار و اختصاص یافت که حامل آن بنده مؤلف بود.

سواد دستخط همایون به افتخار مشیرالدوله

بنابر خدمات عدیده که در ممالك خارجه، خاصه در دربار دولت علیه عثمانیه بخصوص در آمدن ما به‌سفر عراق عرب و زیارت قبور مطهره منوره ائمه هدی علیهم‌السلام، از میرزا – حسین خان مشیرالدوله سمت ظهور یافته است و بنابر التفات

مخصوصی که نسبت به شخص او داریم لازم شد يك التفات خاصی نسبت به او بفرمائیم که جوهر کاردانی خود را در آن روز به روز به منصب ظهور برساند و لیاقت خود را عاقل و باطل نگذارد. لهذا از تاریخ بیست و نهم رمضان سنه ۱۲۸۷ یونتئیل او را به منصب وزارت عدلیه اعظم کل ممالك ایران به علاوه وزارت وظایف و موقوفات ایران هم ضمیمه وزارت عدلیه کرده سرافراز فرمودیم باید ان شاء الله به عمل این سه وزارتخانه کمال نظم را بدهد. از بغداد نوشته شد.

هم در این سال، نواب والا معتمدالدوله فرهاد میرزا حکمران کردستان را به اعطای يك قبضه شمشیر مرصع مکلل به الماس قرین مفاخرت و اختصاص فرمودند.

حاجی رحیم خان صندوقدار خاصه ملقب به خازن الملك گردید. جان محمدخان سرتیپ فوج خلجستان که در جنگهای قاری قلعه و سایر مواضع خدمت کرده به لقب سیف السلطنه سرافراز آمد.

هم در این سال، شاهنشاهزاده امجد اعظم ظل السلطان دام اقباله العالی را عنایت باری تعالی ولدی ذکور عطا فرموده به لقب جلیل جلال الدوله و اسم گرامی سلطان محمود موسوم و ملقب گردید. سلیمان خان صاحب اختیار به نشان و حمایل امیرتومانی مفتخر گشت.

میرزا محمد حسین که در خدمت امیرزاده ابوالفتح میرزا حکمران یزد وزارت این ولایت دارد، بر حسب استدعای نواب والا حسام السلطنه به لقب ناظم الملکی مباحی آمد.

میرزا جعفر نایب الحکومه ملایر و میرزا ابوالقاسم نایب الحکومه تویسرکان به لقب خانی و خطاب مقرب الخاقانی سرافراز آمدند. میرزا عبدالوهاب خان ولد مرحوم میرزا محمد علی خان وزیر امور خارجه سابق نیابت اول وزیر علوم یافت. جناب مؤتمن الملك میرزا سعیدخان وزیر امور خارجه به يك قطعه دوات مرصع به الماس درجه اختصاص یافت.

میرزا عبدالوهاب خان نایب الوزاره و نایب الحکومه گیلان (جناب

نصیرالدوله) به اعطای يك قطعه نشان تمثال همایون مكلل به الماس مفتخر گردید.

میرزا عبدالوهاب مستوفی گیلان به نشان سرتیپی دویم با حمایل آن مباهی آمد.

نعمت‌الله خان حاکم و سرکرده نوکر شفت و رحیم‌خان حاکم و سرکرده نوکر شاندرمین و جوادخان حاکم و سرکرده نوکر ماسال و معاف هریک به نشان سرهنگی نایل گردیدند.

میرزا زکی ضیاعالمک به نشان و حمایل از درجه سرتیپی دویم سرافراز و روانه عربستان شد و میرزا زین‌العابدین پسر مشارالیه به منصب لشکر نویسی قاجاریه برقرار گردید.

سر رشته داری غلات خالصه جات ولایات ممالك محروسه را به عهده حاجی رشیدخان مستوفی واگذار فرمودند.

میرزا هدایت پسر بزرگ لسان‌الملک به منصب استیفا سرافراز و میرزا عباسقلی پسر دیگر مشارالیه به منصب انشای مخصوص مباهی گشت. میرزا عبدالباقی منجم‌باشی گیلانی در ماه شعبان درگذشت. نصرالله‌خان پسر امین‌الدوله مرحوم شد.

میرزا اسدالله مستوفی پسر مرحوم میرزا موسی نایب به مرض سگته وفات کرد.

لطف‌الله میرزا حاکم سبزوار به استدعای نواب والا حشمة‌الدوله حکمران خراسان ملقب به شعاع‌الدوله گردید.

قنات نه‌گنبد راه یزد را که مرحوم حسین‌خان نظام‌الدوله احداث کرده بود به واسطه عدم تعمیر و تنقیه خشک شده ناظم‌الملک به امر اولیای دولت به اجراء و تنقیه آن پرداخته است.

حکومت کمره را به نواب والا محمدامین میرزا مرحمت فرمودند. هادی‌خان پسر مرحوم حاجی محمدولی میرزا و ابوالقاسم میرزا ولد مرحوم کیقباد میرزا مرحوم شدند.

از علامات خیریه که در این سال خیر مآل ضمیمه سایر مآثر سنیه این شهریار تاجدار دام‌ملکه گردید یکی این است که راههای صعبه از دارالخلافه تا خانقین را قبل از عزیمت عراق عرب مقرر فرمودند مسیو کاستگرخان مهندس نمساوی که در خدمت این دولت جاوید مدت

است بسازد و مسطح و هموار و کالسکه‌رو نماید و مشارالیه در انجام این خدمت بذل مجهود نموده و الحق این آثار ابدالدهر موجب استراحت و سهولت تردد قوافل و زوار و بهترین وسیله و اسباب دعاگوئی وجود مبارك است.

وقایع معظمه که در این سال در تمام عالم و اقطار کرهٔ ارض سانح و واقع شده است

اتائونی ینگی دنیا:

تعداد نفوس اهالی اتائونی هفتاد و هفت کرور و چهل و شش هزار نفر می‌باشد. چهارده شهر در اتائونی هست که هر شهری علاوه بر صد هزار سکنه دارد.

اسپانیا:

استعفای ملکه ایزابل از حقوق سلطنتی خود به اسم پسرش دن الفنس (۱) در پاریس.

شاهزاده هوهن‌زلرن (۲) به واسطهٔ ضدیت فرانسه که نتیجهٔ جنگ پروس و فرانسه شد به سلطنت نرسید. بروز هواخواهان دن کارلوس که داعیهٔ سلطنت داشت در ایالت نوار (۳). داوطلب شدن دوک داوست (۴) پسر دویم اعلیحضرت پادشاه ایتالیا برای سلطنت اسپانیا. تصدیق نمودن دولت اطریش و پروس این خیال او را و پادشاه شدن او به این مملکت. قبل از ورود به پایتخت، ژنرال پریم که دوک داوست به حمایت او پادشاه شده بود به دست چند نفر اجنبی مقتول می‌گردد و بعد از ورود به پایتخت و گذاشتن تاج سلطنت بر سر موسوم به آمده دویم (۵) می‌گردد.

اطریش

تعداد نفوس تمام ممالك اطریش در این سال به هفتاد و یک کرور و چهارصد و چهل و سه هزار و پانصد و نود و نود نفر رسیده است.

۱- Don Alfonso

۲- Hohenzollern

۳- Navarre

۴- Duc d'Aoste

۵- Amedée II (متن: امد)

آلمان و فرانسه:

اضطراب دولت فرانسه از انتخاب ملت اسپانیا پرنس لئوپلِت — هوهن زلرن (۱) بنی عم اعلیحضرت پادشاه پروس را به سلطنت خود با وجود يك نسبتی که مابین خانواده سلطنت فرانسه و این شاهزاده برقرار است به خیال این که مبادا از يك سمت هم با یکی از شاهزاده های خانواده سلطنت پروس هم سرحد بشوند که بالمآل از برای فرانسه مضر است، دولت فرانسه با کمال سختی و تشدد به دولت پروس تکلیف می کند که شاهزاده مزبور را مانع از قبول این سلطنت شود. از ابتدای گفتگو معلوم بود که کاربین دولتین پروس و فرانسه به منازعه خواهد کشید. در این موقع انگلیس و ایتالیا و اطریش میانجیگری می کنند. ولی بی ثمر می شود. با وجودی که شاهزاده مزبور به طیب خاطر استعفا از این عمل می نماید، مسیو بنه دتی سفیر کبیر فرانسه مقیم دربار پروس در شهر امس (۲) در گردشگاه خاصه اعلیحضرت پادشاه پروس را ملاقات نموده مستقیماً به ایشان تکلیف می کند که اولاً به خط خودشان عذرخواهی از دولت فرانسه بکنند و ثانیاً ضمانت که شاهزاده هوهن زلرن نه حال و نه در آتیه وجه امن الوجوه به خیال سلطنت اسپانیا نباشد. اعلیحضرت پادشاه پروس اعتنائی به سفیر فرانسه نکرده بلکه او را قدغن می کنند که به حضور پادشاه نیاید و مطالب خود را مستقیماً معروض ندارد. بعد از فرستادن این خبر به پاریس، چه در دربار و چه در مجالس دولتی و ملتی، جز گفتگوی جنگ نیست. و کلای سمت چپ خاصه مسیو طیر هر قدر به دولت فرانسه تکلیف می کنند که اسناد صحیح که سبب این جنگ است به ما بنمائید بعد اقدام به جنگ کنید دولت اعتنا به این حرفها نکرده قشون بری و بحری خود را حاضر می کند و بعضی جهال پاریس به خیال رفتن به سفارتخانه پروس و غارت نمودن آنجا هستند و به مسیو طیر که برضد این جنگ است بد می گویند. ده کروور وجه مسکوک برای مخارج قشون بری و سه کروور و صد هزار تومان به جهت خرج عساکر بحری در ظرف سه روز برای دولت حاضر می شود و از آن طرف اعلیحضرت پادشاه پروس به سلاطین دول شمالی و جنوبی آلمان مقاصد و منظورات دولت

فرانسه را تلقین می‌کند که غرض این دولت این است که بی‌حق و جهت بهانه از ما بگیرد و با ما جنگ کند و تفرقه در میان جمعیت ما بیندازد و شوکت و قدرت ما را بکاهد. بنابراین دول جنوبی، از قبیل باویرو وورتنبرگ و باد که تا آن زمان اتحادی با پروس نداشتند، با این دولت متفق شده فی‌الواقع یک آلمان به تمامی برضد فرانسه برخواستند و تمام دول بدون استثناء سرداری قشون خود را به اعلیحضرت پادشاه پروس واگذار کردند. دولت انگلیس مجدداً وساطت و میانجیگری کرده ولی مثمر نشد و از آن طرف اعلیحضرت ناپلئون امپراطور فرانسه سرداری عساکر فرانسه را قبول نموده با پسر خود نواب ولیعهد و لوبوف (۱) وزیر جنگ به سرحد پروس حرکت می‌کند. دول فرنگ تماماً بدون استثناء بی‌طرفی اختیار می‌کنند. اعلیحضرت ناپلئون امپراطور فرانسه چنین تصور می‌نماید که اگر با یک دسته قشون منتخب زبده، خود را معجلاً به سرحد رسانیده همین قدر تخطی نموده دو سه شهر کوچکی از ممالک آلمان متصرف شود و از طرف دیگر دولت انگلیس و سایر دول معظمه را میانجی قرار دهد هم شکستی به آلمان علی‌الخصوص به پروس وارد آورده هم اعتبار دولت فرانسه را زیاد کرده است. ولی غافل از این که در مقابل سیصد و پنجاه هزار نفر قشون فرانسه یک مرتبه دولت پروس پانصد و هفتاد هزار لشکر و هزار و پانصد عراده توپ حاضر کرده است با سردارهای معتبر از قبیل فردریک شارل بنی‌عم اعلیحضرت پادشاه پروس و نواب ولیعهد خود پروس و سایر سردارهای مجرب از قبیل استن‌متس (۲) و ملک (۳) و غیرهم. علاوه بر قشون معمول، پنجاه هزار سواره اوهلان جلو قشون آلمان به طرز پیشقراولی حرکت می‌کردند. ساربروک از شهرهای پروس در اول حمله با حضور اعلیحضرت امپراطور به تصرف قشون فرانسه در آمد و از آن طرف در ویسانبورک یک دسته قشون عمده فرانسه به سرداری مارشال ماك ماهون شکست خورده معدوم و متفرق شد. سرداری قشون پروس بانواب ولیعهد پروس بود و روز دیگر مارشال ماك ماهون با مختصر قشونی که داشت و زیاده از سی و پنج هزار نمی‌شد با یک صد هزار قشون پروس به سرداری

۱- Leboeuf

۲- Steinmetz^۱

۳- Moltké

نواب ولیعهد پروس مقابلی کرده و تفصیل جنگ و خونریزی ورت (۱) چون زیاد معروف است ما به نگارش آن نمی‌پردازیم.

مجملاً بعد از این شکست، راه مملکت فرانسه برای قشون پروس باز شد. اعلیحضرت پادشاه پروس که تا آن وقت ورود به خاک فرانسه نکرده بود وارد شد و شهر استرازبورگ را که از قلعه‌جات سرحدی معظمه فرانسه است قشون باد محاصره نمود و بعد از چندی شهر متس (۲) که یکی از قلعه‌جات معظمه است به‌سرداری فردریک شارل محصور شد. مارشال بازن (۳) سردار فرانسه با صد و بیست هزار قشون در متس متحصن شد و اغلب قلاع فرانسه نیز محصور گردید. اعلیحضرت امپراطور ناپلئون از حوالی متس به طرف شالن (۴) به عقب نشست و عساکر پروس اعلیحضرت امپراطور را تعاقب می‌کنند. از ابتدای جنگ تا این وقت از قشون آلمان صد و پنجاه هزار نفر مقتول شده و از کار افتاده است. لیکن علی‌ال اتصال از مملکت آلمان کمک می‌رسد. تعاقب نواب ولیعهد پروس اردوی مارشال ماك ماهون و اعلیحضرت ناپلئون را و از طرف دیگر مأمور کردن يك دسته از قشون پروس به محاصره پاریس. مارشال ماك ماهون هر قدر می‌خواهد به مارشال بازن وصل شده کاری از پیش ببرند نمی‌شود. عقب نشستن يك دسته قشون فرانسه با اعلیحضرت ناپلئون به طرف سدان (۵). در مقابل این قشون که اعلیحضرت امپراطور ناپلئون در آن است شخصاً اعلیحضرت پادشاه پروس حرکت می‌کند. جنگ سخت و خونریزی زیاد در حوالی سدان. زخم منکر برداشتن مارشال ماك ماهون. قشون فرانسه تسلیم و زیاده از پنجاه هزار نفر اسیر شدند. اعلیحضرت ناپلئون نیز تسلیم گردید. با قشون متوقف قلعه سدان هشتاد و پنج هزار قشون و چهارصد عراده توپ اردویی و صد و پنجاه توپ قلعه و ده هزار اسب به جنگ اعلیحضرت پادشاه پروس افتاد. حبس و اسر اعلیحضرت ناپلئون سیم امپراطور فرانسه و فرستادن او به یکی از قلعه‌جات واقعه در حوالی کاسل (۶) فرار نواب ولیعهد پسر ناپلئون به خاک بلژیک. حرکت دو اردوی معتبر از قشون پروس به محاصره پاریس. خلع اهالی پاریس ناپلئون و خانواده او را از سلطنت و ایجاد دولت موقتی نمودن. فرار

۱- Woerth

۲- Metz

۳- Bazin

۴- Chalon

۵- Sedan

۶- Kassel

ملکه امپراطریس از پاریس و اعلان دولت جمهوری در پاریس به ریاست جنرال تروشو (۱). عزل وزرای سابق و نصب وزرای جمهوری طلب. مسافرت مسیوطیر به لندن و وینه و پطرزبورغ و ملتجی شدن به دول مذکوره به جهت میانجیگری میانه فرانسه و پروس و مراجعت اوبی نیل مقصد. شهر ورسایل (۲) که در حوالی پاریس است معسکر مخصوص اعلیحضرت پادشاه پروس گردید. محاصره پاریس از هر سمت. تغییر دادن فرانسه ها مرکز دولت را از پاریس به شهر تور (۳). آتش گرفتن عمارت سلطنتی سن کلو (۴) در حوالی پاریس (۵). تسلیم شدن مارشال بازن با تمام قشون و قورخانه خود و واگذاشتن قلعه متس را به پروسها. تصرف قشون پروس اغلب قلاع و شهرهای شمالی فرانسه را. کمال سختی زمستان و سخت گذشتن به محصورین و نبودن آذوقه در پاریس. تاجگذاری اعلیحضرت پادشاه پروس در ورسایل که امپراطوری تمام مملکت آلمان باشد و اتمام این سال در حالتی که پاریس هنوز در بند محاصره است. دولت روس میل باطنی خود را در فتوحات پروس ظاهر می سازد و نشان سنت ژرژ که نشان جنگی مخصوص دولت روس است از برای سردارهای قشون پروس انفاذ می دارد و بارضایت و اتفاق پروس بعضی از فصول عهدنامه هزار و هشتصد و پنجاه و شش را که در مجلس کنگره پاریس منعقد نمودند به هم می زنند. دیگر فرانسه نیست که حامی و حارس عثمانی و ضامن آن عهدنامه باشد و در نقاطی که در سواحل قرادنکیز ممنوع بود قلعه بسازد بعد از این خواهد ساخت و مستحکم خواهد نمود. چون دولت پروس واطریش تمکین این خیال روس را کردند دولت انگلیس هم لابد تمکین نمود.

مراوده رجال دولت جمهوری که در شهر تور متوقف بودند با اهالی پاریس به وسیله بالن و کبوتر جلد. کار از کمی آذوقه طوری به محصورین پاریس سخت شده بود که زیاده از سه سیر گوشت یا نان دریک شبانه روز قسمت یک نفر نمی شد. رفتن اجزای دولت جمهوری موقتی از شهرتور

۱- Trochu

۲- Versailles

۳- Tours

۴- St. cloud

۵- آلمانها در سال ۱۸۷۱ این عمارت را که قبلا اقامتگاه سلطنتی بود آتش زدند.

به شهر بردو (۱). مصمم شدن اهالی فرانسه برای جهاد.

انگلیس:

فوت لرد کلاراندن وزیر امور خارجه در سن هفتاد سالگی و نصب لرد گرانویل به جای او.

دولت انگلیس جد کامل برای منع منازعه مابین فرانسه و پروس نموده ولی مثمر ثمری نشد.

یکی از کشتیهای دولتی در سمت غربی اسپانیا با پانصد نفر آدم که در آن بود غرق شد.

ایتالیا:

به محض این که اعلان جنگ مابین فرانسه و پروس می شود، با وجود این که پاپ در مجلس شورای بزرگ و کشیشها و قسيسین اثبات معصومیت خود را نمود چون از تحت حفظ و حمایت سلطنت فرانسه خارج شد و این دولت به واسطه جنگ با پروس به خود مشغول گردید و عساکر خود را از رومه طلبید، اعلیحضرت پادشاه ایتالیا رومه را بدون مخاصمه زیادی از طرف عساکر پاپ متصرف گردید. کوه معروف به منسینی (۲) که حد و سد مابین فرانسه و مملکت ایتالیاست و سیزده سال تمام بود که آن کوه را سوراخ می کردند در اوایل زمستان این سال به اتمام رسیده کالسکه های راه آهن از دو مملکت از این سوراخ کوه عبور و مرور می کند.

دانمارک:

تعداد نفوس تمام این مملکت در این سال به سه کرور و دویست و هشتاد و سه هزار و پانصد و شصت و پنج نفر رسیده است.

عثمانی:

اجازه دادن اعلیحضرت سلطان که هنگام شب کشتی از هر دولتی که باشد بدون ممانعت وارد بغاز بسفر و داردانل شود. یانقین سخت در اسلامبول در محله آرامنه و فرنگیها که هزار –

ودویست نفر تلف شدند و شصت هزار نفر بی خانه ماندند.
شورش اعراب در حوالی نجد.

یونان:

تعداد نفوس این مملکت در این سال دو کروار و چهارصد و پنجاه و هفت هزار و هشتصد و نود و چهار نفر می باشد.

شرح وقایع سال بیست و پنجم
سلطنت ابدآیت اعلی حضرت اقدس خسرو صاحبقران
شاهنشاه جم‌جاه روح‌افداه مطابق سنه هزار و دویست
وهشتاد و هشت هجری قوی ئیل ترکی

در اوایل این سال خیرمآل، رای صواب‌نمای ملوکانه برآن علاقه یافت که شاهزادگان عظام و وزرای کرام که اسامی آنها در ذیل مسطور است هفته‌ای دوروز - که روز شنبه و سه‌شنبه باشد - در دارالشورای کبری حضور به هم رسانند و در مهمام‌ملکی مشاوره نمایند و گذشته از این دو روز هم اگر امر مهمی روی نماید، به موجب اخبار جناب معتمد‌الملک که ناظم امر مشورتخانه مبارکه است، در دارالشوری حاضر شوند و فرمایشات ملوکانه را اجرا نمایند. اسامی شاهزادگان و وزرای معظم‌الیه از این قرار است: نواب‌والا مؤیدالدوله، نواب‌والا ملک‌آرا (۱)، نواب‌والا اعتضادالسلطنه وزیر علوم، نواب‌والانصره‌الدوله وزیر جنگ، مجدالدوله (۲)، جناب مؤتمن‌الملک میرزا سعیدخان وزیر امور خارجه، جناب میرزا حسین‌خان مشیرالدوله وزیر عدلیه و وظایف و اوقاف، نظام‌الملک (۳)، قوام‌الدوله (۴)، غلامحسین خان سپهدار، جناب

۱- کیوسرث میرزا پسر فتحعلی شاه.

۲- امیر اعلان‌خان مجدالدوله.

۳- میرزا کاظم‌خان نظام‌الملک.

۴- میرزا عباس‌خان تفرشی.

دبیرالملک (۱)، دوستعلی خان معیرالممالک، جناب علاء الدوله (۲)، پاشا خان امین الملک، جناب ناصرالملک (۳)، جناب حسنعلی خان وزیر مختار.

اداره روزنامجات دولت علیه و دارالطباعه های ممالک محروسه و دارالترجمه دولتی را به بنده مؤلف واگذار و روزنامه دولتی را به اسم «ایران» موسوم فرمودند.

جناب علاء الدوله نسقچی باشی به منصب جلیل فراشباشی گری سرافراز شد.

حکمرانی خراسان را علاوه بر حکومت یزد بر عهده کفایت نواب – والاحسام السلطنه موکول داشتند و حاجی سیف الدوله به نیابت نواب معظم الیه روانه خراسان شد.

امیرزاده محسن میرزا مجدداً به منصب میرآخوری سرافراز گردید. غلامحسین خان سپهدار حکومت قزوین یافت. حکومت مازندران را به جناب عضدالملک علیرضاخان قاجار مرحمت فرمودند.

حکومت عراق و کمره به جناب معتمدالملک تفویض شد. حکومت شاهرود و بسطام و نردین را به امین خلوت میرزا هاشم خان واگذار نمودند.

پاشا خان امین الملک به منصب وزارت حضرت شاهنشاه زاده اجل اعظم نایب السلطنه و پیشکاری دارالخلافه برقرار گردید. اداره چاپارخانه های کل ممالک محروسه را به میرزا علی خان منشی حضور (جناب امین الملک) سپردند.

دفتر لشکر که مجزا از اداره وزارت جنگ بود به این اداره ملحق گردید.

جناب میرزا یوسف مستوفی الممالک از وزارت اول و وزارت مالیه استعفا نمود.

۱- محمدحسین دبیرالملک.

۲- محمدرحیم خان قاجار دولونسقچی باشی.

۳- میرزا محمودخان قراگوزلو.

این اوقات دستخطی به افتخار شاهنشاه زاده اعظم نایب السلطنه امیرکبیر شرف صدور یافت که صورت آن از قرار ذیل است:

سواد دستخط جهان مطاع مبارك

«نایب السلطنه این فقره را بالمشافهه به نصره الدوله قدغن کردیم به آن فرزندهم مرقوم می شود. ترقی ارباب مناصب عساکر در نزد همایون ما زیاده از حد تصور مطلوب است و لکن تا ترقی و ترفع رتبه و منصب و امتیازات قشونی مبنی بر صدور خدمت عمده نباشد ارباب مناصب نظامیه در صدد ابراز خدمت کمایلیق بر نمی آیند. لهذا به آن فرزند امر و مقرر می فرمائیم که در آتیه در عرض و تقدم و ترفع رتبه و منصب ارباب مناصب نظامیه خدمت صادره و درجه استحقاق باید دقت شده باشد. آن فرزند نیز جمیع رؤسای اهل قشون را از نظام و غیر نظام از این حکم اطلاع بدهد.»

محاسبات کل ممالك محروسه را به عهده جناب نظام الملك میرزا - کاظم خان موکول فرمودند و میرزا داودخان برادر جناب معزی الیه به نیابت ایشان برقرار گردید.

حکیم الممالك پیش خدمت خاصه همایون ناظم دفترخانه مبارکه شده مأمور گذراندن محاسبات کل و معاملات دیوانی گردید.

جناب دبیر الملك به وزارت رسائل مخصوصه همایونی که مسبوق به آن بود سرافراز شد.

عمل جنس ممالك محروسه را به کفالت حاجی میرزا محمدخان مجد الملك واگذار فرمودند.

مملکت آذربایجان را بعد از فوت عزیزخان سردار کل به همان حکمرانی حضرت اجل اعظم ولیعهد دولت علیه ایران مظفرالدین میرزا ادام الله اقباله العالی و پیشکاری امین لشکر میرزا قهرمان ابقا فرمودند.

امیرزاده عبدالحمید میرزا (۱) مأمور خدمات نظامی آذربایجان شد.

جمع و خرج غله دیوانی آذربایجان را علاوه بر ریاست احتساب به امین حضور پیشخدمت خاصه محول فرمودند.

محمد علی خان زین دار باشی به لقب امین السلطنه سرافراز شد.

جناب حاجی میرزا جواد مجتهد تبریزی که چندی در نجف اشرف متوقف بود از قرار دستخط همایون امام جمعه آذربایجان گردیده احضار به دارالخلافه باهره گردید که از اینجا روانه تبریز شود.

محمد قاسم خان والی به وزارت حضرت شاهنشاه زاده اکرم افخم ظل السلطان حکمران فارس سرافراز آمد.

میرزا هاشم خان امین خلوت از اجزای دارالشورای کبری گردید. جناب حسنعلی خان وزیر مختار سابق فرانسه مأمور به وزیر مختاری اسلامبول گردید.

منصب خوانسالاری که از اجله مناصب است به عهده کفایت عضدالملک مهرداد و حکمران مازندران واگذار گردید و دستخط مبارک در این باب شرف صدور یافت که صورت آن از قرار ذیل است:

سواد دستخط جهان مطاع مبارک

منصب نظارت که از عمده شغلای دولت و شخص ماست و انتظام آن از همه کارها واجبتر و مقدمتر است چون نوکری که اعتماد ما را شاید باید در سر این کار باشد لهذا از ابتدای سنه قوی ثیل و مابعدا این شغل خطیر را به عضدالملک علیرضاخان علاوه بر حکومت مازندران و مهرداری التفات فرمودیم که در نظم کار زیاده از حد بکوشد. ۱۲۸۸ هـ.

امین السلطان به منصب صاحب جمعی سرافراز شد.
میرزا علی خان سرهنگ به حمایل و نشان از درجه سیم سرتیپی نایل گردید.

چرخ آبی و چرخ بخار جدیداً احداث در دستگاه باروط کوبی مهران نهایت خوب کار می کند.

حکومت کاشان را علاوه مشاغل و مناصب میرزا هاشم خان امین خلوت فرمودند.

مجلس شورای نظامی مجدداً برقرار گردید.

میرزا مهدی خان ولد مرحوم میرزا محمدخان سپهسالار اعظم به لقب اعتضادالدوله ملقب و بر حسب استدعای معزی الیه منصب کشیکچی-باشیگری را به محمد میرزا ولد اعتضادالدوله مرحمت فرمودند.

امیرزاده بدیع الملک میرزا ولد نواب والا عمادالدوله به حکومت لرستان و نشان و حمایل از درجه دویم سرتیپی سرافراز شد.

میرزا محمدخان پیشخدمت خاصه ولد امین خلوت به منصب تفنگدار باشیگری برقرار گردید.

روز دوشنبه سیم ماه صفر امیراصلان خان مجدالدوله به جوار رحمت الهی رفت.

حکومت عربستان و بروجرد را علاوه بر عراق و کمره به جناب معتمدالملک مرحمت فرمودند.

حاجی میرزا محمدخان مجدالملک در سلك وزرای دارالشوری منسلک گردید.

عبدالعلی خان ادیب الملک پیشخدمت خاصه به حکومت گلپایگان و خوانسار سرافراز شد.

حکومت اصفهان را علاوه بر حکمرانی خراسان به نواب والا حسام السلطنه واگذار فرمودند و امیرزاده ابوالفتح میرزا به نیابت معظم الیه با پیشکاری میرزا محمدحسین ناظم الملک روانه اصفهان گردید.

حاجی میرزا رضای کدخدا منصب وکیل الرعایائی یافت.

بعد از فوت مرحوم فرخ خان، میرزا هاشم خان امین خلوت ملقب به امین الدوله گردید و میرزا محمدخان تفنگدارباشی ولد میرزا هاشم خان

امین خلوت لقب یافت.

حکومت یزد را به امیر دوست محمدخان ولد معیرالممالک واگذار فرمودند.

میرزا محمدعلی خان سرتیپ که مدتی کارپرداز بمبئی بود به لقب معین‌الوزاره و نیابت حکومت گیلان سرافراز شد.

میرزا هاشم خان امین‌الدوله منصب وزارت حضور یافت.

دری از چدن برای دروازه خیابان باب همایون ریخته‌اند که کمال امتیاز و تعریف را دارد و این اول نتیجه چرخ بخاری است که در کارخانه دارالخلافه دایر گردیده.

ناخوشی وبا در دارالخلافه و اطراف بروز کرده ولی چندان شدتی ندارد.

مؤکب همایون هیجدهم ربیع‌الاول عزیمت بیلاق لار نمود.

میرزا اسدالله خان کارپرداز تفلیس به یک قطعه نشان شیروخورشید از درجه سرتیپی دویم با حمایل مخصوص آن سرافراز شد.

میرزا اسحق کارپرداز سابق ارزنة‌الروم به منصب کارپردازی اول مأمور اقامت بغداد گردیده و به اعطای یک قطعه نشان و حمایل از درجه دویم سرتیپی سرافراز شد.

هفتصد سوار از ترکمانان خیوه به سرداری «ایشان» که از سردارهای نامی ترکمانان است در حوالی جاجرم قصد تاخت و تاز داشتند. حیدر-قلی خان سهام‌الدوله ایلخانی و سردار کل خراسان خبر شده با سواران شادلو بر سر ایشان تاخته جنگ درگرفت. ایشان سردار و بسیاری از سواران تراکمه را به دیار عدم فرستادند و بقیة‌السیفی از آنها منهزم و متفرق شدند.

نواب صارم‌الدوله علیقلی میرزا که به دربار معدلت مدار همایون احضار شده بود به حکومت نهاوند و مضافات برقرار گردیده از خاکپای فرقدسا اجازه انصراف یافت.

محمدعلی خان سرتیپ ژنرال آجودان که سابق به شارژدافری دولت علیه در لندن اقامت داشت به سرتیپی فوج نظمیه دارالخلافه که به منزله پلیس است سرافراز شد.

نواب والا ملک آرا به منصب کشیکچی باشیگری برقرار آمد.
 جناب معتمد الملک به منصب وزارت مخصوص مفتخر گردید.
 سرافرازخان بلوچ که جمعی از اشرار را دور خود جمع کرده دم
 از خود سری میزد امیر سعدخان سرحدی او را دستگیر کرده يك صد و
 پنجاه نفر از متابعین او را روانه دیار عدم نمود و به ازای این خدمت يك
 قطعه نشان یاوری به او مرحمت شد.
 در خراسان کار تسعیر جنس و غلا بالا گرفته است.
 در ماه ربیع الثانی این سال چون خدمات و صدق چاکری بنده درگاه
 یعنی مولف مشهود و مقبول پیشگاه اقدس اعلی گردید چاکر به لقب
 صنیع الدوله و دستخط همایون فرق مباحات به فرقدان سود و سواد دستخط
 مبارک از قرار ذیل است:

سواد دستخط جهان مطاع مبارک

چون ترقیات حاصله دارالطباعة همایونی از حسن
 مراقبت و اهتمامات کامله محمد حسن خان پیشخدمت و مترجم
 مخصوص و رئیس دارالطباعة کل ممالك ایران مشهود افتاده
 و خاطر ما را کاملاً خشنود داشته است او را به لقب جلیل
 «صنیع الدوله» مخاطب فرمودیم که موجب امتیاز و افتخار
 او شده به شمول الطاف علیه بیشتر در خدمت محوله به خود
 اهتمام نماید. فی شهر ربیع الثانی قوی ثیل ۱۲۸۸.

میرزا زکی ضیاء الملک به حکومت عربستان و بختیاری سرافراز
 گردید.

رضاقلی خان لله باشی امیرالشعرا متخلص به هدایت که از اجله
 بزرگان و امرای این دولت قویم الارکان و از فحول مصنفین معتبر و از
 اکثر علوم و سیر به وجه اکمل با خبر و صاحب مصنفات عدیده کثیره بود
 گذشته از این که در مراتب و مقامات عالیّه عرفان و درجات و شئون رفیعّه
 سلوک و ایقان مقامی منبع و محلی رفیع و مشربی صافی و مسلکی جید

داشت در اواسط ماه ربیع الثانی این سال طایر روحش سدره نشین گردید. میرزا زمان نوری مستوفی به درجهٔ اول از منصب استیفا مفتخر آمد.

طور و طرز و اجرای احکام عادلانه و قطع و فصل کارها و احقاق حقوق در دیوانخانهٔ عدلیهٔ عظمی از توجهات کاملهٔ اعلیحضرت همایون شاهنشاهی دام ملکه و اهتمامات جناب حاجی میرزا حسین خان مشیرالدوله وزیر عدلیه چنان است که هرگز نظیر آن دیده نشده و در این اوان محض بسط بساط معدلت در تمام ممالک محروسه و بلاد دور و نزدیک فرامین قضا آئین به جمیع حکام بلاد و ایالات و ولایات انفاذ شده و ما به سواد یکی از آنها که خطاب به حضرت شاهنشاه زادهٔ اجل اعظم ولیعهد دولت علیه است اقتصار می‌نمائیم :

سواد ملفوفهٔ فرمان همایون

مصباح مشکوة روح و مفتاح ابواب فتوح فرزند اسعد ارشد کامکار ولیعهد دولت ابد اتصال و صاحب اختیار مملکت آذربایجان به وفور مراحم و عنایات بی‌نهایت ملوکانه مفتخر و سرافراز بوده بداند از آنجا که تمامت همت ملوکانه مصروف آرامش بلاد و حصول آرایش عباد است که در ناحیت و مملکت کافه رعیت که حضرت باری تعالی و تقدس را ودیعت اند از هرگونه تهدید و اضطراب و مثله و عذاب که در غیر ضرورت و وجوب خارج از قانون شرع مستطاب است فارغ و آسوده باشند و پس از این در هر ولایت رسمی که معمول حکام پیش بوده که به اندک تقصیر و حرکت خلاف که از رعایای نادان ناشی می‌شد و مباشرین ایالت و حکومت در اجرای حدود به مکافات و مجازات بی‌اندازه می‌پرداختند و گاهی مقصر واقعی بی‌سیاست رها می‌شد و زمانی مردم بی‌تقصیر گرفتار بودند خواستیم کلیهٔ این رسوم مرتفع شده اختیار مجازات هر یک از مقصرین عباد در هر بلدی از بلاد فقط با ذات کامل الصفات — اقدس همایون سلطانی متعلق باشد. لهذا از هذه السنه مسعوده

قوی ٹیل و مابعدھا معدلت ملو کانه چنان اقتضا فرمود که به هر يك از حکام ممالك امر و مقرر داریم که در سیاست و قصاص مقصر از هر طبقه که باشد خواه مباشر قتل نفوس یا متعرض مال و ناموس که به اقتضای شرارت فطریه نادراً اقدام به جنایت و خیانت می نمایند نفس ایالت و حکومت قبل از ثبوت و وضوح قطعیه ابداً مجاز و مأذون در سیاست و قصاص نباشد و از این تاریخ هر مجرمی که به دست افتاد و هر مقصودی که در ولایت به هم رسید فوراً محبوس نموده به جز حبس حکم دیگر به هیچوجه نکنند و مراتب را با امارات و اسباب ایضاح و اثبات به توسط جناب جلالت مآب قواماً للوجد والاقبال مشیرالدوله – العالیة که وزارت عدلیة اعظم به علاوه امور و ظایف و اوقاف به عهده او مرجوع و خاطر معدلت مظاهر را به محاسن تدابیر وافیہ و استقصای او در کلیة امور اعتماد حاصل است به خاکپای مبارک معلوم دارند تا بعد از غوررسی کامل آنچه در حضور همایون قرین اثبات افتاد و حکم مجازات از مصدر خلافت شرف صدور یافت جناب معزی الیہ مدلول حکم همایون را انها نموده از آن قرار اجرا دارند. آن فرزند سعادت مند به نحوی که مقرر رفته معمول داشته از این دستور العمل تخلف و انحراف نوزد و در عهده شناسد. شهر ربیع الثانی ۱۲۸۸.

ابوالحسن ولد امیر حسین خان شجاع الدوله زعفران لو حاکم قوچان تدمیری از تراکمه که قصد تاخت و تاز ایزبان و آن حدود داشته اند نموده عوض مرادخان سردار را باهیجده نفر از متابعین او دستگیر کرده و شجاع الدوله سردار مزبور را به سزای خود رسانید.

میرزا عبدالوهاب خان نایب الوزاره که در مأموریت خارجه آذربایجان و حکومت گیلان خدمات نمایان نموده و کمال کفایت و کردانی خود را مشهود خاطر خطیر خسروانی داشته به لقب جلیل نصیرالدوله ملقب گردید.

دارالترجمه مرکب از مترجمین السنه خارجه و دانندگان علوم غریبه و فضلا و ادبا برقرار و بنده مؤلف به ریاست این مجلس مأمور و

مباهی آمد و دستخط همایون در این باب شرف صدور یافت که سواد آن از قرار ذیل است :

سواد دستخط جهان مطاع مبارک

نتایج تربیت دولت روزافزون که جمعی برآوردگان عهد همایون دارای علوم ودانای السنه و مصطلحات غریبه شده‌اند تا امروز موافق منظورات ملوکانه حاصل نشده است این اوقات اراده‌ی علیّه ما اقتضا کرده است که به انعقاد دارالترجمه دولتی فواید مترقبه این امر حاصل شود و چنان که در سایر دول این کار در تحت قاعده معتبره است در این ملک محروس نیز فایده آن از انتشار علوم مفیده و کسب اطلاعات لازمه شایع فرمائیم محمدحسن خان صنیع الدوله مترجم مخصوص حضور همایون را در این تاریخ فرخنده به ریاست دارالترجمه دولتی اختصاص دادیم که مترجمین از هر زبان و هرفن در عمارتی که مخصوص این کار معین شده است مجتمع داشته به طوری که بالمشافهه العلیه فرمایش شده است همه آنها را به خدمات مقرر باز دارد.

مقرر آن که عموم مترجمین و دانندگان السنه خارجه از تبعه دولت علیّه ایران بلا استثناء خود را جزء مجلس مزبور دانسته و از دستورالعمل صنیع الدوله خود را خارج ندانند، فی شهر ربیع الثانی سنه ۱۲۸۸.

امیرخان ولد محمد صالح خان کردبچه سرتیپ به سرکردگی سواره کردبچه برقرار گردید.

حاجی محمدحسین امین الرعایای قزوین به حمایل از درجه سرتیپی و حاجی موسی ولد معزی الیه به نشان و حمایل سرهنگی سرافراز شد.

روز پانزدهم جمادی الاولی موکب اقدس اعلی که از بیلاق لار معاودت می فرمود به قصر سلطنت آباد نزول اجلال نمود.

حکومت همدان را ضمیمه سایر مشاغل و مناصب جناب علاءالدوله فرمودند.

بعد از فوت مرحوم میرزا محمدحسین ناظم‌الملک پیشکار اصفهان، حسینقلی‌خان مافی به‌پیشکاری اصفهان سرافراز شد.

میرزا حبیب‌الله ولد مرحوم میرزا شکرالله لشکرنویس به‌منصب لشکرنویسی مفتخر گردید.

جناب میرزا فتحعلی‌خان صاحب دیوان به‌پیشکاری آذربایجان و وزارت حضرت شاهنشاه‌زاده اعظم ولیعهد دولت علیه ایران مباحی گردید.

امیرزاده ابراهیم میرزا حاکم بروجرد احتشام‌السلطنه لقب یافت. محمدباقرخان سرتیپ ملقب به‌شجاع‌السلطنه شد.

مرتضی‌قلی‌خان وکیل‌الملک حکمران کرمان و بلوچستان به‌اعطای نشان تمثال بی‌مثال همایون مفتخر گردید.

چون اعلیحضرت امپراطور روس به‌سمت تفلیس تصمیم عزم داده‌اند اعلیحضرت شاهنشاهی دام‌ملکه برای تبریک وصول اعلیحضرت امپراطوری به‌آن حدود مقرر فرمودند نواب والاحشمةالدوله امیرجنگ با جمعی از صاحب‌منصبان بزرگ از راه گیلان روانه تفلیس شوند و نواب معظم حامل نامه مهرعلامه دوستانه مأمور به‌ابلاغ حضور اعلیحضرت امپراطور روس گردید. اسامی صاحب‌منصبان مزبور از قرار ذیل است: شاهزاده عبدالله میرزا رئیس سابق قشون خراسان، علی‌خان سرتیپ اول جنرال قنسول مأمور سابق تفلیس پسر مرحوم نظام‌الدوله، میرزا مهدی‌خان سرتیپ کارپرداز اول سابق بغداد، میرزا مهدی‌خان مهندس مخصوص، میرزا پطروس‌خان مترجم مخصوص وزارت خارجه که چندی هم در سفارت پترزبورگ مأمور بود، میرزا اتقی طبیب که در مدرسه دارالفنون و به‌استادی حکیم‌باشی مخصوص حضرت شاهنشاهی دکتر طولوزان در علم طبابت و لسان خارج مهارت به‌هم رسانیده.

این اوان دو مرتبه در تبریز سیل آمده است.

مبلغ چهارهزار تومان نقدویک صد و پنجاه خروار جنس در هذّه – السنه به‌رعیت و فقرای قم تخفیف دادند. همچنین شش هزار و هفت صد

تومان به بعضی از منالهای دارالخلافه تخفیف مبذول فرمودند.
میرزا فتح‌الله‌خان سرهنگ که در مدرسه دارالفنون تحصیل علم هندسه و توپخانه نموده به معلمی کل افواج توپخانه قاهره برقرار گردید و دویست نفر توپچی خلخالی نیز به او سپرده شد.

میرزا یوسف‌خان مستشار وزارت عدلیه اعظم بر حسب استدعای جناب مشیرالدوله وزیر عدلیه اعظم به رتبه سرتیپی اول خارج از قشون و حمایل و نشان شیروخورشید از آن رتبه سرافراز آمد.

ناخوشی وبا که در تبریز بروز یافته بود روبه تخفیف نهاده درخوی نیز ناخوشی مزبور بروز کرده ولی کم شده است.

شاهنوازخان خارانی به کرمان آمده که قرار نوکری خود را بگذارد.

هزار و ششصد نفر سواره و پیاده ترکمان در حوالی سرخس نمودار شده و عازم تاخت و تاز آن حدود بوده‌اند سهام‌الدوله ایلخانی به حکم نواب والاحسام السلطنه بر آنها تاختن نموده بسیاری از آنها را مقتول و بقیه را متفرق ساخت. همچنین از کلات خبر دادند که دو هزار سواره و پیاده از حوالی چهلچله عبور کرده به قلعه رستم سرکوب قلعه قراتیکان و به تپه‌های سرکوب آنجا مستولی شده و اطراف قلعه قراتیکان را محاصره نموده و بنای جنگ نهاده سربازان رشید ترشیزی و پیادگان دلیر چولائی و اهل قلعه سیصد نفر از آنها را به ضرب گلوله از پادراورده باقی فرار کردند و در هر دو واقعه جمعی از تراکمه اسیر شدند.

روز سیزدهم رجب که عید مولود مسعود حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام است سلام عام منعقد و ذات ملکوتی صفات همایون در تالار تخت مرمر به سریر خسروانی جلوس فرموده نطق مسطور در ذیل را بیان فرمودند:

نطق همایون در سلام مخصوص روز عید مبارک

البتّه امروز خیال می‌کنید که چرا من ملبس به لباس اهل نظام شده‌ام؟ علت آن است که چون امروز روز عید مولود امیرالمؤمنین علیه السلام است و روز فرخنده مبارکی است

ریاست کلیه قشون را به عهده خود گرفته ایم و از امروز به بعد داخل خدمت قشون محسوب خواهیم بود و سبب این را البته می دانید که در این سنوات گذشته آن طوری که باید و شایسته دولت ایران است و آن قسمی که منظور نظر ما بود ترقیات در شعبات نظامی و غیر نظامی حاصل نشده بخصوص آن ترقیاتی که در اسلحه جدید یورپ و در قواعد مشق و درس علم نظامی که آنّا فانا در تزايد است سرایت به ایران نکرده و سرکردگان و صاحب منصبان از بزرگ و کوچک تکالیف حدود خدمات خود را گم کرده شأن و احترام نظامی از میان رفته بود و سرکردگان ورؤسا و کسانی که داخل در خدمات عسکریه بودند و به بعضی اعمال ناشایسته عادت کرده قوانین نظامیه را فراموش نموده بودند و اردوهای که دائم در مشق و حرکت باید باشند چه در سرحدات چه در داخله و نقاط معینه بی حرکت مانده کم کم فراموش شده بود و همچنین بعضی معایب دیگر که رفع آنها الزام امور دولتی است این است که ریاست نظامی را به نفس نفیس لازم دانستیم و کار قشون و انتظام آن را به عهده خود گرفتیم چون يك نفر نوکر دولتخواه صدیق قاعده دادن لازم است که واسطه میان ما و امور قشون باشد لهذا حاجی میرزا حسین خان - مشیرالدوله را که حاضر حضور است از جانب خود نایب کرده ملقب به سپهسالار اعظم و وزیر اعظم عسکریه می فرمائیم و این دو کتاب قانون نظام را که سابقاً نوشته شده و هنوز اجرا نیافته بود به دست خودمان به او می دهیم که ان شاء الله تعالی الی نقطه آخر مجری دارد و نکته ای فرو نگذارد و از این روز به بعد القاب و مناصب نظامیه به استحقاق باید باشد نه به واسطه و وراثت و از امروز به بعد هر خدمت را پاداشی نیک خواهیم داد و هر خیانت را تنبیه و سیاست، و گذشت و اغماض به هیچ وجه نخواهد شد. خادم محروم نخواهد ماند و مقصر آزاد نخواهد گردید.

عرض مشیرالدوله در جواب فرمایش ملوکانه

نهایت مفاخرت و کمال مباهات افراد و آحاد قشون ایران را حاصل است که از امروز به بعد به احترامات لایقه و اکرامات مستحقه خود واصل و نایل خواهند گشت. مقدار عنایت در تقدیم خدمت دانسته و اندازه سیاست را در ظهور خیانت شناخته اند تکالیف شخصیه و امور معینه هر یک محدود و محدود گشت ان شاء الله به همین وسیله ترقیات منظوره خاطر مبارک عن قریب سمت ظهور و بروز خواهد یافت.

بعد از اتمام نطق همایون همه وزراء و شاهزادگان و امراء و صاحب منصبان نظام و غیر نظام مرخص شده با سپهسالار اعظم به اطاق نظام رفتند. معیرالممالک در اطاق نظام ابلاغ دستخط مبارک را نمود.

سواد دستخط همایون

چون میل خاطر ما در ترقی دولت خاصه قشون و نظام است و حالا می خواهیم که یک قرار و انتظام تازه در این امر بدهیم که هیچ دخل و شباهتی به سابق نداشته باشد ان شاء الله - تعالی جزئی و کلیه امور عسکریه موافق دستورالعمل باید در تحت قاعده و قانون باشد لهذا در اواسط سنه قوی ثیل خیریت دلیل مشیرالدوله میرزا حسین خان را که یکی از وزرای خاص دولت و از دولتخواهان این دولت است به وزارت اعظم عساکر منصوره نظام و غیر نظام و به لقب سپهسالاری اعظم ملقب فرمودیم که در اجرای قوانین مستحسنه عسکریه مختار کل باشد از جانب ما آنچه صلاح دانسته حکم بکند همان حکم ماست بی تخلف. سنه ۱۲۸۸.

و هم در این روز مبارک فیروز نظر به حسن خدمت و ظهور صداقت و وفور لیاقت معیرالممالک وزیر خزانه عامره معظم الیه را به لقب نظام - الدوله و به منصب وزارت مالیه ممالک محروسه ایران سرافراز فرمودند

و دستخط همایون در اطاق موسوم به نقاشخانه با حضور جمیع ارکان دولت قرائت شد:

سواد دستخط همایون

معیر الممالک دوستعلی خان چون در خدمات خود کمال اهتمام را کرده است و خاطر ما را از طرز خدمتگزاری خود خشنود دارد در این وقت که اواسط هذه السنه قوی ثیل خیریت دلیل است او را به لقب نظام الدوله و وزارت مالیه که از اعظم مناصب درباری است سرافراز فرمودیم که در نهایت امیدواری مشغول خدمت خود باشد.

حضرت شاهنشاه زاده اجل اعظم ظل السلطان حکمران فارس که احضار به دربار همایون شده بودند روز پانزدهم رجب وارد دارالخلافه شدند.

در دهات کرمانشهان ناخوشی وبا بروز کرده.
در راه عربستان حسب الامر بعضی قلعه ها می سازند.
مسیو بل شارژ دافر فرانسه که تازه مأمور اقامت دربار دولت علیه شده سه شنبه هیجدهم رجب به حضور مهر ظهور همایون مشرف شد.
کتاب فرهنگ انجمن آرای ناصری از مؤلفات مرحوم رضاقلی خان —
لله باشی روح الله روحه طبع شده و به فروش می رسد.
حاجی ظهیر الدوله ایشیک آقاسی باشی به وزارت عدلیه سرافراز گردید.

چون به واسطه خشکسالی سنواتی فقر و ضعفای اطراف ممالک محروسه به دربار همایون رونموده جناب سپهسالار اعظم محض دولتخواهی قرار دادند که محمدعلی خان سرتیپ رئیس نظمیه، ضعفا و فقرای ولایت را از غریب و بومی جمع آوری کند و در قلعه نصرت آباد ملکی میرزا — عیسی وزیر سکنی دهد. مشارالیه حسب الامر آنها را در آن مکان مجتمع کرده به وجه مقرر دو وعده نان و گوشت می دهند. همچنین اطفال فقرا که بی معین و پرستار بودند به جهت هریک لباس نظامی ترتیب داده و در

مدرسه مخصوص به جهت ایشان اخراجات معین کرده به ریاست و مراقبت حاجی میرزا حسین خان کارپرداز مشغول تحصیل آداب و علوم هستند. از روز چهارشنبه دهم شعبان جشن عروسی حضرت اجل اعظم نایب السلطنه امیرکبیر را شروع نمودند و صبیۀ نواب والاحسام السلطنه به مزاجت حضرت اجل معظم قرین اعزاز آمد.

وزارت تجارت به اهتمام نواب والا اعتضاد السلطنه وزیر علوم و تجارت و صناعت و معادن انتظام و رونق تمامی دارد.

روز پانزدهم شهر شعبان که عید ولادت حضرت صاحب الزمان – عجل الله تعالی فرجه می باشد یک قبضه شمشیر مکمل به الماس که ده هزار تومان قیمت داشت و از شمشیرهای خاصه ملوکانه بود و غالباً در هنگام سواری و در شکارگاهها بر میان مبارک می بستند محض مزید مرحمت مخصوص نسبت به جناب سپهسالار اعظم به جناب معظم مبذول و مرحمت فرمودند.

حاجی سعدالدوله قنبر علی خان به منصب امیرتومانی سرافراز گردید. روز بیست ونهم شعبان این سال، جناب جلالت مآب حاجی میرزا – حسین خان سپهسالار اعظم را به منصب بزرگ صدراعظمی دولت علیه برقرار و منصوب فرمودند و عصر همین روز با حضور جمیع شاهزادگان عظام و رجال دولت و اعیان و اشراف مملکت جناب معتمدالملک وزیر مخصوص جبۀ ترمه شمس مرصع که از لباسهای خاص همایون بود با دستخط مبارک مسطور در ذیل را در وزارت اعظم عسکریه از طرف قرین الشرف ملوکانه ابلاغ نمود:

سواد دستخط مبارک

چون در هر دولت رسم و قرار این است که یک نفر از نوکران کافی و رجال دولت را مسئول امور دولت می نمایند و نظم جمیع امور از لشکر و کشور و مالیات و جمع و خرج و آسودگی حال رعایا را از او می خواهند و چون این امر دولت ایران متروک و مهمل مانده بود و بدین واسطه بعضی اختلالات در امور دولت پیدا شده لهذا در این وقت که سنۀ ۱۲۸۸

قوی‌ئیل خیریت دلیل است چنانچه مصلحت دانستیم که قاعده متداوله سابق را مجری داشته شخص کافی دولتخواهی را مسئول کرده امور دولت را کلیه به او بسپاریم میرزا حسین خان - سپهسالار اعظم را که از چاکران آزموده دولت است به لقب صدارت اعظم سرافراز و نیک و بد جمیع امور دولت را از قشون و مالیات و حکام و ولایات و کل رتق و فتق دولت را از او خواهیم خواست امیدوار هستیم که ان شاء الله تعالی قصد تازه ملوکانه ما را امداد نمایند. بندگان اقدس همایون شاهنشاهی خلد الله - ملکه و سلطانہ دستور العمل نظم امور دولتی و مهام مملکتی را به دستخط مبارک از این قرار مرقوم فرموده اند که جناب - مستطاب صدراعظم از همین قرار مجری دارند. کلیه درامورات دولت خواه کشور خواه لشکر خواه داخله خواه خارجه باید صدراعظم بشخصه خود رسیدگی نمایند و امور دولتی را از این قرار مجری دارند:

اولا:

امر ارسال و مرسل نوشتجات ولایات است که از مهام عمده دولت است جناب صدراعظم از روی دقت دستور العمل به میرزا علی خان منشی حضور ورئیس چاپارخانه‌ها بدهند که نتیجه آن این باشد که چاپاران در غره و نیمه ماه بدون خلاف و تأخیر از طهران روانه ولایات شوند و از ولایات نیز عازم دربار گردند.

تانی:

حکام ولایات ممالك محروسه عرایض و مطالب خود را به جناب صدراعظم بنویسند و از جانب معزی‌الیه جواب بخواهند نه مثل سابق که از هر جا برای هر جزئی عرض و مطلب به آستان همایون عریضه نگار شده مزاحم خاطر مبارک می‌شدند. جناب صدراعظم بعد از مطالعه نوشتجات ولایات و اطلاع از مطالب آنها چیزی را که به عرض ما باید برسد خلاصه کرده به حضور فرستند و هر طور جواب مرحمت می‌شود از آن قرار از صدارت عظمی احکام لازمه صادر نمایند ولی در همان عرایض

که باید نزد ما فرستاده شود جناب صدراعظم باید رأی خودشان را در حاشیه آن مطلب اظهار کنند و این در صورتی است که جناب مستطاب صدراعظم در رکاب مبارك باشند. وقتی که دور از حضور مبارك باشند جواب نوشتجات نباید دقیقه‌ای تأخیر بیفتد. بعد از ارسال جواب، سواد آنها را در هر جا که اردوی همایون متوقف است ارسال دارند.

تثانی:

مقصود از مطلب ثانی که ذکر شد این است که جمیع آحاد و افراد چاکران درباری از خدم و حشم از قشون و غیرقشون از حکام و رعیت و جهاً من الوجوه عریضه به خاکپای مبارك نباید بنویسند. هر عرض و مطلب که دارند باید به جناب صدراعظم اظهار کنند و جواب را از جناب مستطاب معظم‌الیه بخواهند.

رابعاً:

آنچه فرمان و برات و احکام نظامی و احکام دیوانخانه و اسناد خرج و غیره که می‌بایست به‌صحۀ مبارك که برسد از تاریخ حال به‌بعد به‌هیچوجه خاطر مبارك خود را به‌زحمت نوشتن صحه مشغول نمی‌فرمائیم. آنچه متعلق به دفترخانه مبارك است قوام‌الدوله وزیر محاسبات بعد از آن که خودشان کمال مواظبت را در تصحیح آن برات یا آن فرمان کردند و مهر نمودند باید به‌مهر جناب مستطاب صدراعظم برسانند. مهر صدراعظم در عوض صحۀ همایون است. بعد محض این که خاطر مبارك هم اطلاعی از صدور فرامین و بروات به‌هم رسانند خلاصۀ آنها را به‌طور فهرست بنویسند و جناب مستطاب صدراعظم مهر نمایند به‌حضور فرستاده شود.

خامساً:

وزیر امور خارجه مطالب اداره خود را به اطلاع صدراعظم برساند. به این معنی جواب و سؤالی که باسفرای خارجه مقیم طهران می‌شود و نوشتجاتی که رد و بدل می‌گردد در ابتدا وزیر امور خارجه باید به اطلاع صدراعظم برساند بعد به‌حضور بفرستد و همچنین مطالب و نوشتجاتی که از سفرا و مأمورین

دولت علیه ایران که در صفحات خارجه مقیم هستند یا در سرحدات می‌باشند وزیر امور خارجه اول به‌نظر صدراعظم برساند بعد به حضور بفرستد. اما اگر مطالب فوری و فوتی باشد وزیر امور خارجه فهرست کرده مثل این که سابق به حضور مبارك می‌فرستاد نزد صدراعظم بفرستد. ایشان ملاحظه کرده حکمی که لازم است بنویسند و تکلیف وزیر امور خارجه اجرای آن حکم است بعد وزیر امور خارجه آن مطلب را به جهت اطلاع خاطر مبارك به حضور بفرستد.

سادسا:

در باب امور لشکر امضای لقب و منصب صدارت عظمی به جناب صدراعظم در حقیقت تقویت به عمل قشون است. هر قدر رئیس قشون معتبر باشد البته پیشرفتش در امور زیادتر است و جناب مستطاب صدراعظم بیش از پیش باید مراقبت در عمل قشون نمایند و عمل لشکر را از کارهای عمده مخصوص خود بدانند و هفته‌ای دو مرتبه فهرست خلاصه امور قشون را بخصوصه نوشته‌ای که راپورت نظامی باشد و یک نفر آجودان وزارت اعظم عسکریه قرار بدهند که هفته‌ای دو مرتبه آن راپورت را به حضور بیاورد و جواب بگیرد و آنچه از ولایات نوشتجات و مطالب نظامی می‌رسد چون خاطر مبارك زیاده مایل به نظم اداره عسکریه است هفته‌ای دو مرتبه جناب مستطاب صدراعظم اصل خلاصه همان مطلب را به توسط همان آجودان بفرستند که به نظر مبارك برسد.

سابعا:

امور وزارت عدلیه دوشق است: یکی عرایض مختصر است که خود حاجی ظهیرالدوله می‌گذرانند. دیگر عرایض عمده مهمه است که باید حاجی ظهیرالدوله خلاصه کرده به توسط نور محمدخان امین‌دیوان نزد صدراعظم ارسال دارد. جواب را صدراعظم بنویسند. مجدداً نورمحمدخان به لحاظ مبارك برساند. از آن قرار که صدراعظم نوشته است مجری بدارند.

ثامن:

مطالبی که متعلق به وزارت علوم است از مدرسه دارالفنون و تلگرافخانه‌ها و تجار همان طوری که اعتضادالسلطنه سابقاً به عرض ما می‌رساند و جواب می‌گرفت به عرض صدراعظم برساند و احکام صدراعظم را مجری بدارد.

تاسع:

در وجوهات مالیاتی، جناب مستطاب صدراعظم باید خیلی مراقبت نماید که اقساط از ولایات به‌زودی و به‌خوبی و به‌موقع وارد دارالخلافه شود. بعد از وصول به‌خرانه عامره به اطلاع نظام‌الدوله وزیر مالیه به‌مخارج دولتی برساند. بعد از وصول قسط و رساندن به‌مخارج لازمه صورت اصل تنخواه و مخارج را باید به‌نظر همایون ما برساند.

عاشرا:

مطالب متفرقه ذیل از قبیل حرمخانه مبارکه به‌توسط میرزا زکی‌نایب وزیر درب حرم نظارتخانه تفنگداران دیوانی، اصطبل‌خانه، صندوق‌خانه: رخت‌دارخانه، وجوه صرف جیب تحویلی امین‌حضور، فراش‌خانه، زین‌خانه، اصطبل‌توپخانه، دارالطباعة خاصه، دارالترجمه، قاطرخانه، شترخانه، بناخانه، سرایدارخانه، باغات دیوانی، قنوات دیوانی و غیره، اتباع میرشکار و غیره کلاً باید به‌عرض جناب مستطاب صدراعظم برسد و از صدراعظم جواب گرفته شود. حکومت طهران باید روزنامه شهر و حومه راهفته‌ای دو مرتبه به‌نظر جناب صدراعظم برساند که بعد از ملاحظه ایشان به‌عرض حضور مبارک برسد.

در انتهای این دستورالعمل به‌دستخط مبارک مرقوم شده بود:

دستخط همایون

عجالة دستورالعملی است که در امور دولتی به جناب –
صدراعظم نوشته شد از این قرار معمول دارند. ان شاء الله تعالی
سنه ۱۲۸۸.

محمد مهدی خان اعتضادالدوله به ایلخانگیری ایل جلیل قاجار
سرافراز شد.

امین حضور پیشخدمت خاصه شریفه، خازن صرف جیب همایون
گردید.

حکومت سمنان و دامغان را به عهده کفایت عبدالعلی خان
پیشخدمت خاصه شریفه واگذار فرمودند.

جناب مسیو الیسون وزیر مختار دولت انگلیس روز ششم رمضان –
المبارک به اتفاق جناب وزیر امور خارجه شرفیاب حضور باهرالنور
مبارک گردیده مسیوانبله را که از طرف دولت انگلیس به سمت قنصلگری
مأمور توقف دربار همایون است معرفی نمود.

رضاقلی خان نایب اول نسقچی باشی به مستشاری دیوان عدلیه
برقرار آمد.

عبدالحسین خان سرهنگ پسر مرحوم اعتمادالسلطنه در سن سی –
وهفت سالگی در شب سه شنبه سلخ شعبان به مرض مطبقه (۱) و
محرقة (۲) به رحمت ایزدی پیوست.

نواب والاحشمةالدوله امیر جنگ که به جهت تهنیت مقدم اعلیحضرت
امپراطور روس روانه تغلیس شده بود سلخ شعبان مراجعت به دارالخلافه
کرده نامه مهر علامه محبانه اعلیحضرت معظم الیه را که در جواب نامه
محبت ختامه اعلیحضرت شاهنشاهی مرقوم داشته بودند ابلاغ نمود.
حاجی محسن خان وزیر مقیم دولت علیه مأمور اقامت دربار دولت

۱- Typhus

۲- Typhoïde

انگلیس به اعطای لقب و منصب وزیر مختاری سربلند گردید. این اوقات امتحانی از متعلمین مدرسه مبارکه دارالفنون نموده هر يك از معلمین و متعلمین و مباشرین را به اعطای منصب و اضافه مواجب و انعام و خلعتی که سزاوار بودند مورد عواطف ملوكانه فرمودند. در این امتحان، میرزا علی اکبر کاشانی به لقب نقاشباشی ملقب گردید و میرزا جعفر خلیفه شاگردان نقاشی به اعطای لقب خانی سرافراز شد و مسیوریشار معلم زبان انگلیسی و غیره را نیز به لقب خانی درجه اختصاص دادند. جعفرقلی خان رئیس مدرسه مبارکه به اعطای نشان و حمایل سرتیپی اول مباحی و مفتخر گشت. نواب والا اعتضادالسلطنه وزیر علوم که مساعی جمیله در کلیه امور مدرسه مبارکه مبذول نموده بودند خاطر مهر مظاهر همایون از مجاهدات ایشان زایدأ ماکان قرین خرسندی گردیده نواب معظم‌الیه را به يك قطعه گل کمرمکمل به الماس گرانبها و عواطف ملوكانه مورد مرحمت فرمودند.

حاجی محمدکریم خان کرمانی از اجله علمای شیخیه در راه عتبات عالیات به جوار رحمت‌الهی رفت.

این اوقات مجلس شورای نظامی برقرار گردید.

چون امیرزاده محسن میرزا امیرآخور، به واسطه بروز مرض نقرس، توانائی التزام رکاب مبارک را نداشت، برحسب استدعای معزی‌الیه، محمدحسین میرزا ولدایشان به منصب جلیل‌میرآخوری برقرار گردید.

این اوقات که به واسطه خشکسالی آذوقه در بعضی از ممالک محروسه کمیاب است و مردم بی‌بضاعت از اوطان خود به امید مراحم ملوكانه روبه دارالخلافه آورده، هر ماهی چندین هزار تومان نفس نفیس مبارک وجه‌الاعانه به فقرا و ضعفا و ارامل و ایتام مرحمت می‌فرمایند و شاهزادگان و امراء و وزراء و رجال و بزرگان دولت جاوید شوکت‌علیه از شخص جناب مستطاب مشیرالدوله صدراعظم تاسایر وزراء و امراء و غیرهم اقتدا به سجیه سنیه شاهانه نموده هرگونه اعانتی به محتاجین می‌نمایند و غربای از فقرا را در اماکن معینه جا داده و به توسط مباشرین مخصوص به آنها آذوقه می‌رسانند و از برای اصلاح این غایله مجلسی معین برقرار است.

فوج نظمیه را به‌اللهیارخان سرتیپ فوج سواره خرقان واگذار فرمودند که فوج خرقان به‌قراولی ارگ مبارک و فوج نظمیه به‌رسیدگی نظم شهر دارالخلافه بپردازند.

میرزا حسن‌خان منشی تبریزی که از اجزای سابق سفارت کبرای اسلامبول و در آن صفحات مصدر خدمات گردیده و صاحب یک قطعه نشان افتخار از جانب دولت تونس گردیده و در سال هزار و دویست و هشتاد و چهار به‌کارپردازی ارزنة‌الروم برقرار بود و یک سال بعد از آن به‌یک قطعه نشان و حمایل از درجه دویم سرتیپی و دویست تومان اضافه موجب سرافراز شد و یک سال قبل از هذه‌السنه ریاست مجلس اجزای حقوق یافت، در این سال به‌منصب منشی اسراری جناب جلالت‌مآب صدراعظم نایل آمد.

حکمرانی دارالخلافه طهران و توابع را مستقلاً به‌عهده کفایت حضرت شاه‌نشاہ زاده اعظم نایب‌السلطنة‌العلیه امیرکبیر دام‌اقباله — العالی‌مفوض فرمودند و پیشکاری حضرت معظم و وزارت مستقلة شهر دارالخلافه و توابع موکول و محول به‌میرزا عیسی وزیر گردید. حکومت سوادکوه را ضمیمه حکومت مازندران نموده به‌جناب عضد‌الملک مرحمت فرمودند.

ریاست قراولی وجود مسعود مخصوص همایون که با فوج سواد کوهی است خاص جناب مستطاب صدراعظم گردید و ایشان از جانب خود جناب عضد‌الملک را به‌رسیدگی امور فوج سوادکوهی و قراولی همایونی گماشتند.

محمودخان سرتیپ فومنی به‌اعطای یک قطعه نشان شیر و خورشید از درجه ثالثه خارج سرافراز و به‌مهمانداری سفرای دول متحابه که از سمت گیلان به‌دربار معدلت مدار می‌آیند برقرار گردید. میرزا ابوالقاسم معین‌الملک متولی‌باشی حضرت رضوی سلام‌الله‌علیه در رمضان این سال مرحوم شد.

علیمرادخان سرتیپ فوج قلعه زنجیری درگذشت.

ریاست دستجات سواره افشار ارومی و سواره چهاردولی و سواره چلبیانلو و سواره ایلات قراجه‌داغ و سواره شقاقی و سواره اردبیل و

مشگین را به محمد تقی خان افشار میرآخور اصطبل توپخانه مرحمت فرمودند.

حاجی سلطان محمد میرزای سیفالدوله به تولیت آستانه مقدسه حضرت رضوی علیه السلام سرافراز گردید.

در دارالخلافه و اکثر ممالك محروسه بارندگیهای کامل نافع شده و امیدواری حاصل شده که در بهار آینده مردم از زحمت چند ساله خشکسالی فارغ شوند.

آسیای بخاری که به واسطه اسباببخار در قورخانه مبارکه دارالخلافه ساخته شده و به اهتمام جهانگیرخان سرتیپ اول آجودان باشی دایر گردیده مورد تحسین و موجب مراحم مخصوصه اعلیحضرت همایون نسبت به جهانگیرخان است.

بعضی عمارات دیوانی به توسط واهتمام جناب علاءالدوله ساخته شده که نهایت امتیاز را از هر جهت دارد و از آن جمله یکی خیابان و دروازه دولت و دری است که موسوم به «باب همایون» است که نهایت عالی و ممتاز و بسیار با شکوه ساخته شده است.

اداره باغات مبارکات سلطنتی بیلاقات و عمارت مبارکه دوشان تپه را به امین حضور پیشخدمت خاصه شریفه واگذار فرمودند.

این ایام تعلیقه جناب مستطاب صدراعظم منهی از مکنونات خاطر خطیر خسروانه را به حکام ولایات ممالك محروسه مرقوم نمودند که سواد آن از قرار ذیل است:

سواد تعلیقه جناب جلالت مآب مشیرالدوله صدراعظم

از جمله بدیهیات است که اعتبار و عظم هر دولت منوط و بسته به دو چیز است: انتظام در امورات درباری و سایر رشته های کار دولت و ثروت رعیت. همین که این دو فقره درست و مستحکم نیست یا در یکی از اجزای او اختلال به هم رسید، از عظم و اعتبار دولت کاهیده می شود. وقوع اختلال هم از طمع یا غرض که در حقیقت غرض هم از بابت طمع است به ظهور می رسد. پس به ادله عقلی و نقلی بدترین و بالاترین بلیه

به جهت تخریب دولت، طمع است و تا دولت به طور جد و یقین ریشه و بیخ این مرض مهلك مسرى را نکند نمی‌تواند از ابقای‌شان و عظم خود مطمئن و آسوده شود (۱). سرکار اقدس همایون شاهنشاه عادل و ظل‌الله فی‌الارضین خلدالله ملکه و سلطنته درست و به نحو اتم و اکمل ملتفت این فقره شده‌اند. وقتی که شغل و منصب جلیل صدارت عظمی را به این بنده درگاه آسمان جاه مرحمت و عنایت می‌فرمودند اول فرمایش و اوامر ملوکانه در قلع و اتمام این مرض مهلك - که در ایران عالمگیر شده است - فرمودند و بحمدالله از تفضلات الهی و توجهات اعلی درجات شاهنشاهی در این مدت بسیار قلیل در دربار همایون کار سهل شده است که می‌توان گفت وادعا نمود از رشوه و تعارف و هدیه و پیشکش که به اسامی مختلفه نتیجه واحده دارند اسمی باقی نمانده. مناصب و مأموریت‌های دولت علیه به لیاقت و استحقاق داده می‌شود و مال خزانه دولت که در نفس الامر اموال بیت‌المال مسلمین است به یغما و غارت نمی‌رود و تنخواهی که از ملت از بابت مالیات دریافت می‌شود صرف حفظ خود آنها و حفظ ثغور مملکت و بیضه اسلام کرده چیزی که عجاله باقی مانده است تحدید حدود فی مابین حکام و رعیت است و تحصیل رفاهیت آن بیچاره‌ها که و دیعه الهی می‌باشند. یک شبهه به جهت حکام عارض شده که ان شاء الله بعد از رفع آن شبهه امیدوارم این فقره هم در تحت انتظام و قاعده بیاید و آن شبهه این است که هنوز به معنی الملك عقیم ملتفت نشده‌اند (۲) و درست خاطر نشان آنها نگردیده است که سلطنت با اولاد و اقرباء و دوست خصوصیتی ندارد بلکه درستکاری و معقولیت و صدق در خدمات دولت و بی‌طمعی وسیله التفات پادشاهی می‌تواند بشود و اولاد واقعی سلطنت قشون است و رعیت و هر که با آنها به طریقه ظلم و تعدی رفتار نمود غضب و سخط ملوکانه را به دست خود از برای خودش دعوت کرده است. چنانچه در سلام عام روز یکشنبه بیست و پنجم شهر شوال، سرکار

۱- متن: «شد»

۲- در این قسمت، روی سخن میرزا حسین خان باعموهای مقتدر شاه مانند حسام السلطنه و معتمدالدوله و حشمة‌الدوله و احتشام‌الدوله و فرزندان شاه چون ظل السلطان و کاسران میرزا است که به اعتبار قرابت باشاه، هر چه می‌خواستند با مردم بیچاره می‌کردند و کسی را یارای اعتراض نبود.

اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی روحانفاده بهلفظ مبارک فرمودند و بهصیغهٔ جلاله بوجود مبارک خودشان مخمر نموده‌اند که در آتیه هریک از حکام که علاوه بر مالیات دیوانی یا بهوسیله‌ای دیگر بهجهت نفع خود تعدی بهرعیت نماید اگر چه بسیار قلیل باشد ابقابر مال و جان و ملک و اعتبار او نفرمایند و بهبدترین عقوبات او را معاقب نمایند. از راه اخلاص و مهربانی که بهشما دارم لازم دانستم که قبل از وقت از نیت پاک همایونی شما را اطلاع بدهم و بنویسم که دولت از مال حلال خود و از عین مالیات بهرسم موجب و استصوابی و غیره بهقدری که گذران شما با آبرو بشود مرحمت فرموده است. علاوه محض تفضل و وسعت معیشت راه حلّالی نیز که موجب آبادی ولایت است برای شما معین فرموده‌اند که بههرقدر کفایت و هنر دارید برتحصیل منفعت وزیادی ثروت خود بیفزائید و آن آبادی خالصجات و دایر کردن معادن و احداث قنوات جدید در زمین بلامالک ولایت تحت حکومت خود است. هرقدر کفایت دارید دراین امور به کار برده بهثروت خود بیفزائید. دیگر دولت ضامن این که شما میل دارید چهار دست یراق تیپ طلا داشته باشید یا در مجلس شما قاب و قدح صورتی چیده شود یا فوراً چند پارچه ملک شش‌دانگ اتباع نمائید یا تجملات دیگر بهجهت خودتان حاضر کنید نیست. اگر بههمان موجب و استصوابی مرحمتی قناعت دارید و طمع و تعدی را می‌توانید از خودتان دور نمائید نعم‌المطلوب والا اصلح در امور خلع خودتان از حکومت است. زیرا که گرفتار خواهید شد و بدهم گرفتار می‌شوید.

یک فقرهٔ دیگر هم هست که جهال می‌توانند اسباب تسلیهٔ خودشان قرار بدهند و آن این است که بگویند خیلی از این قبیل حرفها سابقاً شنیده‌ایم. تحقیق کننده کیست و مجازات دهنده که؟ لهذا از بابت اتمامحجت می‌نویسم که در همه‌جا و همه‌موقع چشم دولت باشماست و از رفتار واطوار شما از روی حقیقت و بی‌غرضانه مطلع است. اگر ذره‌ای برخلاف آنچه در این ورقه نوشته شد از شما به‌صدور و وقوع برسد نمک پادشاه اسلامیان پناه را به‌حرامی خورده و به‌دین و شریعت محمدیه صلوات‌الله و سلامه علیه خیانت نموده باشم که اگر به‌قدر خردلی اغماض یا سکوت نمایم مگر این که فوراً به‌عرض خاکپای مبارک همایونی

رسانیده و مجازات شما را به‌طور اشد با اصرار مستدعی خواهم گردید
حالا تقدیرات آتیۀ شما بعد از وصول این تحریرات در دست خودتان
خواهد بود.

جناب الله‌قلی‌خان ایلخانی که سالها در خارجه به‌سر می‌برد
برحسب استدعای جناب مستطاب صدراعظم احضار به‌دارالخلافة شده
در ماه ذیقعدة به‌آستان مبارك آمد.
روز هیجدهم ذیقعدة در شکارگاه دوشان‌تپه پلنگی شکار شست
مبارك گردید.

عبدالرسول‌خان سرتیپ به‌حکومت ملایر و تویسرکان سرافراز شد.
محمدحسن‌خان پیشخدمت خاصه، تحویلدار نظام شد.
جناب معتمدالملک به‌منصب جلیل سرکشیکچی‌باشیگری مباحی آمد.
نواب جهانسوز میرزا سرتیپ اول به‌حکومت شاهرود و بسطام
مفتخرگشت.

پاشاخان امین‌الملک به‌وزارت جلیله عدلیه عظمی منصوب گردید.
حاجی میرزا علی مشکوة‌الملک به‌حکومت همدان سرافراز شد.

سوانح عظیمه‌ای که در این سال در تمام کره ارض و اطراف عالم واقع شده

اتائونی ینگی‌دنیا:

شهر شیکاگو که سیصد و ده‌هزار سکنه‌داشت در مدت پنج‌شنبه‌روز
علی‌الاتصال مشتعل و به‌واسطه یانقین سختی محترق می‌شود. پانصد نفر
آدم تلف شده و زیاده از صد کرویر تومان ایران خسارت به‌مردم وارد
می‌آید.

اطرش

تفویض وزارت امور خارجه به‌کنت اندراسی (۱) که یکی از اهالی
مجارستان است.

آلمان و فرانسه:

پذیرائی رسمی اعلیحضرت پادشاه پروس در قصر سلطنتی ورسایل حوالی پاریس در اول عید فرنگیان که مقارن اواسط زمستان است. محاصره پاریس و قلعه‌جات اطراف آن با کمال شدت. بیست و یک روز تمام نارنجک توپخانه پروس به شهر پاریس می‌بارید. تفویض امپراطوری تمام ممالک آلمان به میل اهالی آن مملکت به اعلیحضرت پادشاه پروس و تاجگذاری ایشان. اهالی شهر پاریس یعنی جمهوری طلبان سخت در صدد انهدام و حرق دارالحکومه شهر پاریس هستند. مراوده مسیو ژول‌فاور با مسیو بیزمارک در ورسایل و خواهش متارکه نمودن از مسیو بیزمارک و قبول او به شرط این که اهالی فرانسه وضع دولت معینی اختیار کنند. انتخاب وکلای ملت در ولایات فرانسه. یراق‌چینی (۲) قشون در پاریس به توسط عساکر آلمان و جریمه نمودن امپراطور آلمان اهالی شهر پاریس را به چهل کرور تومان ایران. عده عساکری که در این وقت دول آلمان در خاک فرانسه حاضر کرده بودند به نهصد و شصت هزار مرد و دویست هزار اسب رسیده بود و از ابتدای جنگ تاکنون صد و هفده هزار و بیست و نه نفر از قشون آلمان تلف شده بودند. هفتاد و نه بیرق و پنج هزار و هشتصد و هفده توپ و صد و هفتاد و یک عراده توپ میتراپیز (۳) و چهارصد هزار اسیر از قشون فرانسه به تصرف قشون آلمان درآمده بود. تعیین وضع دولت جمهوری در مملکت فرانسه به ریاست مسیو طیر. نصب مسیو ژول‌فاور به وزارت خارجه و گفتگوی او با مسیو بیزمارک به جهت عمل مصالحه.

بالاخره در بیست و ششم فوریه امضای عهد مصالحه از طرفین در ورسایل شد به شروط مفصله ذیل:

اولاً: واگذاشتن ایالتین الساس ولرن (۴) به اعلیحضرت امپراطور آلمان.

ثانیاً: معادل هزار کرور تومان ایران خسارت جنگ دادن.

۲- یراق چینی به معنای خلع سلاح کردن است.

۳- منظور از توپ میتراپیز Mitrailleur همان است که ما «سلسل» می‌گوئیم.

۴- اسروز ما آلزاس Alsace می‌گوئیم ولورن Lorraine می‌نویسیم.

ثالثاً: قلعه‌جات متس واسترازبورگ را ملك طلق دولت آلمان دانستن. بعد از انعقاد مصالحه جميع سلاطين كوچك آلمان از خاك فرانسه معاودت به‌اوطان خود نمودند.

اعلیحضرت امپراطور آلمان نیز در بهار بعد از این همه فتوحات نمایان به‌برلن پایتخت خود وارد گردید و ناپلئون سیم امپراطور سابق فرانسه را از حبس خلاصی داده به‌سمت انگلس روانه‌گردید و در قصر اسلیش‌هورن حوالی لندن اقامت جست.

افتتاح مجلس پارلمان آلمان به‌توسط اعلیحضرت امپراطور بشخصه. دادن لقب شاهزادگی به‌مسیو بیژمارك از طرف اعلیحضرت امپراطور آلمان. واگذاشتن دول آلمان اختیار عساكر بری و بحری خود را به اعلیحضرت امپراطور جدید گلیوم پادشاه پروس.

جمعیت تمام ممالك آلمان در این سال هشتاد و دو كرور و صد و هفت هزار و هشتصد و چهل و نه نفر است.

انگلیس:

در مجلس وکلای دولت لرد گرانویل وزیر امور خارجه چندان اهمیتی برای خیالات دولت روس در این‌که دریای سیاه برای عبور و مرور کشتیه‌های او آزاد شود قرار نداده که فی‌الواقع یکی از فصول عهدنامه موسوم به‌پاریس که بعد از جنگ قرم (۵) منعقد شده بود دولت روس باطل می‌سازد.

ناخوشی سخت نواب ولیعهد دولت انگلیس در زمستان این سال. تعداد نفوس سه جزیره انگلیس در این سال به‌شصت و سه كرور و سیصد و هفده هزار و صد و هشت نفر رسیده است.

ایتالیا:

ورود نواب ولیعهد این دولت و زوجه او به‌شهر رومه (۶) و توطن نمودن در این شهر. تعهد نمودن اعلیحضرت پادشاه ایتالیا که مداخله

۵- جنگهای کریمه منظور است بین انگلیس و ایتالیا و فرانسه با دولت تزاری روس، ظاهراً به منظور حمایت از عثمانی و باطناً به قصد جلوگیری از توسعه روزافزون روسیه.

۶- Roma = Rome

در اقتدار روحانی پاپ ننماید و در سال سیصد و بیست و دو هزار و پانصد تومان از خزانه دولت موجب در حق پاپ برقرار گردید، لیکن پاپ قبول ننمود. ورود اعلیحضرت پادشاه ایتالیا به شهر رومه در تابستان و این شهر را پایتخت دولت ایتالیا نمودن و در قصر کیرینال (۷) که از پاپها بود منزل نمودن.

افتتاح راه آهن منسینی که یک شعبه از کوه آلپ را سوراخ نموده به طور دالان و راه آهن مملکت فرانسه را به راه آهن مملکت ایتالیا اتصال دادند. طول دالان مزبور دوازده هزار و دویست و بیست متر است و عرض آن به قدری که یک کالسکه می رود و یکی می آید.

ینگیدنیای جنوبی (برزیل):

مسافرت اعلیحضرت امپراطور و امپراطریس به ممالک فرنگ و تفویض نیابت سلطنت در زمان غیبت ایشان به دختر امپراطور.

چین:

معاهده مابین چین و ژاپن در الفت و دوستی.

روس:

مراوده تلگرافی این دولت با ژاپن. از ژاپن تا پترزبورغ یازده هزار هزار ذرع مسافت است و اول مخابره که از ژاپن به پترزبورغ رسید در مدت ده ساعت و پنج دقیقه بود.

جمعیت مملکت روس در این سال به صد و شصت و چهار کروار نفس رسیده است.

ژاپن:

ایجاد مدرسه دارالفنون برای تعلیمات علوم فرنگی در پایتخت.

عثمانی:

فوت عمرپاشا سردار اکرم. فوت عالی پاشای صدراعظم. اقتدار کامل سفیر روس ژنرال اگناتیف (۸) در اسلامبول. اعلیحضرت سلطان عبدالعزیز خان خیال دارد که برخلاف قانونی که در سلسله جلیله سلاطین عثمانی است که ولایت عهد به ارشد اولاد

می‌رسد مراد افندی ولد عبدالمجید خان مرحوم را که ولایت عهد دارد خلع نماید و پسر سیزده ساله خود عزالدین افندی را ولیعهد سازد.

فرانسه:

بعد از معاودت قشون آلمان از طرف پاریس و ورود وکلای ملت ورئیس جمهوری جدید به ورسایل، جمعی از جمهوری طلبان سخت در پاریس اسم خود را کمونیست گذاشته برضد این دولت جمهوری به ریاست مسیو طیر که در ورسایل است مردم شهر پاریس را اغوا نموده اغلب ابنیه عالیه شهر را مثل عمارت سلطنتی تویلری دارالحکومه و عمارت وزارت مالیه و دارالشورای خاصه و عمارت وزارت عدلیه و غیرها را آتش زده و چند نفر از معارف را که یکی از آنها کشیش بزرگ پاریس بود به قتل رسانیدند. تفویض سپهسالاری کل عساکر فرانسه به مارشال-ماک ماهون. خراب کردن کمونیستها خانه مسیو طیر را در شهر. جنگ سخت کمونیستهای شهری با قشون دولتی. غلبه قشون دولتی بریغیان و گرفتن سی هزار نفر اسیر از آنها.

وکیل نمودن جمعی از رعایا دونفر از شاهزاده‌های اولاد لوئی-فیلیپ پادشاه سابق فرانسه را.

فوت الکساندر دوما نویسنده و شاعر معروف در سن شصت و هشت سالگی.

زمستان سخت این سال در پاریس که نود سال بود زمستانی به این سختی ندیده بودند. نود و دوهزار نفر از اهالی فرانسه در جنگ پروس کشته شدند و تقریباً همین قدر در ایام اسیری از گرسنگی و بیچارگی تلف شدند. علاوه بر یک هزار کرور وجه نقدی که دولت فرانسه متقبل شد که به دولت آلمان تسلیم کند، معادل هزار کرور تومان ایران نیز مخارج جنگ و خسارات دیگر برآورده شد. سه کرور و نود و هفت هزار و دویست و بیست و هشت نفر سکنه الساس و لرن از تبعیت فرانسه خارج شده جزء دولت آلمان شدند.

ینگیدنیای جنوبی:

در مملکت پرو، یک شهری موسوم به هوپ به واسطه طغیان آب معدوم گردید.

مصالحه مابین پرو و اسپانیا به وساطت دولت برزیل.

شرح سال بیست و ششم
سلطنت و شهریاری اعلیحضرت اقدس خسرو صاحبقران
شاهنشاه جم جاه ادامالله تعالی ایام ملکه
مطابق سنه هزار و دویست و هشتاد و نه هجری
پیچی ٹیل ترکی

از بدو این سال خیر مآل به میامن اقبال مصون از زوال اعلیحضرت
همایون شاهنشا هی دام ملکه کلیه امور ملکی و دولتی زایدأ ماکان رو به
ترقی و انتظام دارد.
حکومت خمسہ را بنواب والا محمد تقی میرزا رکن الدوله مرحمت
فرمودند.

حکومت قزوین را به نواب الله قلی میرزا ایلخانی مفوض داشتند.
پل حاجی واقع مابین استرآباد و آق قلعه را حسب الامر، سلیمان خان
صاحب اختیار در کمال استحکام ساخته است.
اداره ورقه دولتی را به این چاکر سپرده و به اعطای یک قطعه گل
کمر سرافراز فرمودند و دستخطی در این باب خطاب به جناب مستطاب
مشیرالدوله صدر اعظم شرف صدور یافت که سواد آن از قرار ذیل است:

سواد دستخط جهان مطاع مبارک

جناب صدر اعظم! در این یک سال گذشته که خدمت طبع و
انتشار روزنامه دولتی به عهده محمد حسن خان صنیع الدوله
محول شد موافق تعهدات خود فقرات قرارنامه این امر را اجرا
کرده خوب از عهده برآمده است این اوقات که اداره اوراق

دولتی به او مرجوع شده برای تشویق خاطر او و علامت عنایت ملوکانه يك قطعه گل کمر مرصع به او عطا و مرحمت شود که در انجام خدمت بیشتر سعی شده امیدواری و سرافرازی حاصل نماید. شهر محرم ۱۲۸۹.

قاسم خان والی حکمران فارس شب یازدهم محرم به مرض حصبه درگذشت.

جلال‌الدین میرزا ولد خاقان مغفور فتحعلی شاه (۱) مرحوم شد. علیقلی میرزا صارم‌الدوله ولد نواب والا عمادالدوله وفات نمود. جناب آقا عبدالله مجتهد کرمانشاهی به رحمت الهی پیوست. کلب حسین خان امین نظام داعی حق را لبیک اجابت گفت. حکومت کرمانشهان وتوابع را به عهدۀ کفایت نواب والا مؤیدالدوله واگذار فرمودند.

حکمرانی خوزستان و لرستان را به نواب والا حشمةالدوله حمزه — میرزا امیر جنگ مرحمت فرمودند.

چون در موقع عید مولود همایون که روز ششم ماه صفر المظفر است جناب مستطاب مشیرالدوله صدراعظم دولت علیه جشن مولود همایون را در دو شب و يك روز زاید ا ماکان، با جلوه و شکوه گرفتند و مبلغ پانزده هزار تومان به مخارج این جشن سعید رسانیدند، پاس خدمات جناب معظم را يك عدد قلمدان طلا مکمل به الماس برلیان از جانب سنی الجوانب همایون برای جناب مستطاب صدر اعظم انفاذ و مرحمت فرمودند.

حکومت بروجرد و توابع به عهدۀ نواب والا اعتضادالسلطنه وزیر علوم و تجارت مرحمت شد.

حکومت ایالت گیلان را به دوستعلی خان نظام‌الدوله وزیر مالیه تفویض فرمودند.

۱- وی همان شاهزاده‌ای است که بر اثر حشرو نشر با اروپائیان، مبانی مذهبی را به کنار نهاد. وی از مخالفین عرب و زبان عربی و از پیشروان مبارزه با کلمات عربی در نگارش زبان فارسی و از طرفداران تند و آتشین فارسی سره نویسی بود. کتاب تاریخ او به نام «نامه خسروان» به فارسی سره نوشته شده.

قوجه سردار ترکمان که با دو هزار سوار تراکمه به عزم تاخت و تاز به سرحدات خراسان آمده بود، سپاه منصور به دستورالعمل نواب والا حسام السلطنه حکمران خراسان برسر آنها تاخته قوجه سردار را با سیصد نفر از همراهان او به راه عدم فرستاده باقی منهزم و متفرق شدند. امر رکیب خانۀ مبارکه را به عهده غلامحسین خان پیشخدمت خاصۀ شریفه واگذار فرمودند و دستخط مبارک در این باب شرف صدور یافت:

سواد دستخط مبارک

امر رکیب خانۀ مبارکه از این که غالباً موبک همایون در حرکت است و نفایس جواهر و جلال ذخایر دولتی در آن مکنون و مدخر شده از اموری است که مزید انتظام آن در حضرت سپهر بسطت ملکانه کاملاً مرعی است غلامحسین خان پیشخدمت خاصه را که از مبادی سن و اوایل حال در آستان اعلی تربیت یافته و از کمال امانت و حسن درایت و کفایت خود خاطر ما را قرین اطمینان و مسرت داشته است در هذه السنه پیچی ٹیل ۱۲۸۹ به رجوع این خدمت امتیاز و افتخار دادیم که موافق منظورات علیه باتنظیمات لازمه این امر را متصدی باشد مقرر آن که جناب اجل اکرم صدراعظم ملزومات رکیب خانۀ را از اسباب موجوده و وجوه عایدۀ و محل و متعلقات کلیه قدغن نماید به غلامحسین خان تحویل شده دستورالعمل لازم در حفظ نظم امر و تکالیف تصدی این خدمت به او بدهد و مشغول خدمت مرجوعه شود.

فی شهر صفر المظفر ۱۲۸۹

مستر الیسون وزیر مختار دولت انگلیس که سالها در دربار دولت علیه متوقف بود شب سه شنبه بیست و یکم شهر صفر وفات نمود و در تشییع جنازه او لازمه احترام به عمل آمد. کریم خان سرتیپ فوج سیلاخوری که از عربستان به دارالخلافه احضار شده بود در بین راه مرحوم شد.

امر کشیکخانه مبارکه و منصب جلیل کشیچی باشیگری را به جناب علاء الدوله واگذار فرمودند و دستخط مبارک در این باب شرف صدور یافت:

سواد دستخط مبارک

کشیکخانه مبارکه که از معظمت امور دولت و محل اعتبار و اعتماد شخص سلطنت است و همیشه طرف رجوع این خدمت اشخاصی بوده اند که خاطر ما به کفایت و دولتخواهی آنها مطمئن بوده است این اوقات که معتمدالملک (۱) وزیر مخصوص از تصدی این خدمت استعفا کرده چاکر دولتخواه علاءالدوله نسقچی باشی را که از هر جهت در پیشگاه مبارک محل وثوق و طرف مرحمت است برای شغل جلیل کشیچی باشیگری انتخاب و به رجوع این خدمت اختصاص دادیم و به علامت الطاف علیه یک قبضه شمشیر مرصع از اسلحه خاصه اعطا و مرحمت فرمودیم که با کمال مباهات و دلگرمی به موجبات نظم و نسق این خدمت اشتغال نماید. مقرر آن که جناب جلالت مآب اجل اکرم صدراعظم لوازم منصب مزبور را به معزی الیه رجوع و محمول داشته مراتب الطاف علیه شاهانه را به معزی الیه ابلاغ و او را به شمول این مراسم قرین افتخار دارند. فی شهر ربیع الاول سنه ۱۲۸۹.

میرزا صادق قائم مقام که چند سال بود به ناخوشی فلج و امراض دیگر مبتلا بود در این اوان به رحمت الهی پیوست. در ماه ربیع الاول این سال راپورتی جناب مستطاب مشیرالدوله صدراعظم به جهت بعضی تغییرات و ابداع رسوم جدید نوشته به نظر انور اقدس اعلی رسانیدند و ذات ملکوتی صفات همایون به قلم معجز رقم در صدر آن راپورت مرقوم فرمودند:

۱- یحیی خان پسر میرزا نبی خان امیر دیوان ویرادر میرزا حسین خان سپهسالار قزوینی.

«بسیار صحیح است ان شاء الله همین طور مجری شود». ما سواد آن راپورت را بعینه در این محل می‌نگاریم:

سواد راپورت جناب مستنطاب صدراعظم

خداوند عالم جمیع نعمات را به‌خاک و به‌اهل ایران عطا فرموده است ولیکن به‌چندین سبب نه‌قدر این نعمات را چنان که باید دانسته‌ایم و نه‌از هزار يك فواید آنها بهره برده‌ایم. معادن و منافع ثروت و خزاین ارضی و استعداد شخصی و هنرهای ذاتی خود را اکثر مجهول و مردود و معطل گذاشته‌ایم. نعمتی که در ایران از جمیع نعمات الهی بیشتر ضایع و پایمال شده است وقت و عمر است. از سوء تربیت و بدبختی در عموم ممالك مشرق، وقت هیچ‌قدر و قیمتی نداشته است و حال این که اولین سرمایه زندگی وقت و عمر است. چنان که مکرر ذات اقدس ملوکانه شفاهاً به‌این غلام امر و اراده فرموده که وقت را نباید ضایع کرد و قدر این نعمت را بالاتر و زیادتر از قدر سایر نعمات خداوندی دانست. اوضاع حکمرانی در این ممالك از قدیم چنان ترتیب یافته است که لابد هیچ امری نباید بگذرد مگر پس از طول زمان و تضييع وقت زیاد. عامه اهل ایران به هزار زبان می‌توانند معروض بدارند که از این عیب بزرگ چه قدر ضرر و چه قدر خرابیها دیده‌اند. از طرف دیگر محقق می‌دانیم که یکی از اسباب انتظام و رونق ممالك خارجه این است که معنی و قدر وقت را چنان که باید یافته‌اند و به‌واسطه تدابیر دقیق چنان وضعی ترتیب داده‌اند که از سرمایه گرانبهای وقت مثل سایر نعمات طبیعت هزار نوع فیض و فواید برمی‌دارند. چون اعلیحضرت همایون همیشه بردقایق این ملاحظات توجه تام داشته‌اند، دراین اوقات که رای جهان آرای شاهنشاهی تعلق براین یافته است که اوضاع ایران بر منازم جدید و آبادی مملکت بر تدابیر محکم ترتیب یابد امور دربخانه به‌موجب يك قرار می‌معین شود. تا امروز بعضی حالات اداره سابق و بخصوص این بلیه هایلۀ قحطی که وقت و حواس اولیای دولت را منحصرأ مصروف نقطه واحد داشته مجال آن نبود که به کلیه امور و به‌اساس تنظیم و توجه اقدامی بشود. اما این روزها که از فضل الهی و از قدرت همت اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی مصایب اطراف روبه انحطاط و امید و چشمداشت خلق

مثل این بهار حیرت بخش روبه خرمی و قلوب عامه خلق تشنه آسایش مادی و معنوی است، دیگر به هیچ ملاحظه در اجرای منظورتعالیه همایونی دقیقه‌ای تأخیر روا نخواهد بود. لهذا به جهت شروع به این اقدامات تازه که ان شاء الله تعالی از میامن بخت بلند شاهنشاهی باید وضعی از نو و شوکتی محکمتر از گذشته احداث نماید اوقات خدمات دربخانه را برطبق دستورالعمل و اشاره شاهنشاهی تقسیم و معین نموده معروض خاکپای اقدس همایون می‌دارد. هرگاه قرار مزبور پسند رای مبارک و به شرف امضای همایون موشح شود، اجرای آن برعهده عموم بندگان واجب خواهد بود:

قرار اوقات در بخانه

در دایره صدارت عظمی ایام و ساعات اجرای امور براین ترتیب معین شده: هر روز به غیر از جمعه سه ساعت از روز گذشته تا دو ساعت به غروب مانده صدراعظم به جهت انجام امور دولت در دایره رسمی خود حاضر خواهد بود. تخصیص روزها از برای امور دولت از این قرار است:

- شنبه: شورای وزراء .
- یکشنبه: امور عسکریه .
- دوشنبه: امور مالی و دفتر .
- سهشنبه: خارجه و عدلیه .
- چهارشنبه: خلوت و بیوتات .
- پنجشنبه: بارعام .

از برای مطالبی که خارج از این امورات معینه باشد و هر کس بخواهد مطلبی یا حاجتی مکتوباً یا شفاهاً اظهار دارد مقدور باشد. هر شخصی که کار خود را خارج از روز مخصوص آن به عرض برساند مطلب او مسموع نخواهد بود و شخص او تکریر خواهد شد.

کسانی که به جهت کار در روز مناسب در دایره صدارت حاضر می‌شوند محترماً در اطاق بزرگ نشسته ایشان را یک به یک به اطاق مخصوص به خود خواهد خواست تا هر کس حرف خود را بدون خجالت

از غیر، واضح و بی‌پرده بگوید و جواب شافی و مسکت بشنود. ولکن برآن شخص لازم است که بعد از ادای مطلب و شنیدن جواب فوراً برخیزد تا نوبت به دیگری تواند رسید.

هرکس هر مطلب فوتی که داشته باشد می‌تواند هر وقت که باشد تحریراً به مقام صدارت عظمیٰ معروض بدارد. به جهت تشخیص مطلب لازم است که بر روی این نوع عرایض يك لفظ «فوتی» بنویسند. به جهت مطلبی که فوتی نباشد و بخواهند تحریراً معروض بدارند باید به عبارت روشن و بسیار مختصر بنویسند و در روزهای دوشنبه در دایرهٔ صدارت به‌اطاق عرایض برسانند. جواب این نوع تحریرات روز چهارشنبه صبح به صاحبان عرایض و مطالب خواهد رسید. هیچکس مأذون نیست که به جهت عرض خلوص یا محض ملاقات شخصی به دایرهٔ صدارت عظمیٰ برود. حضور اشخاص در این دایره باید محض کار معین و آن هم باید در روز معین باشد.

صبح هر پنج‌شنبه و شب‌هريك شنبه صدراعظم در منزل شخص خود به جهت ملاقات معتبرین که با ایشان ربط شخصی دارند حاضر خواهد بود. هرذی شعوری خواهد فهمید که رعایت این شرایط از برای عامهٔ ارباب رجوع متضمن چه قدر فواید خواهد بود. هرکس محسنات و لزوم این شرایط را درك نکند و برخلاف آنها حرکتی نماید کار او معوق و شخص او مردود خواهد بود. انتهى

نظم ایل جلیل قاجار را به عبارت اخری منصب ایلخانیگری این ایل لازم التبجیل را به نواب والا عزالدوله عبدالصمد میرزا مرحمت فرمودند و دستخط مبارك در این باب شرف‌صدور یافت:

سواد دستخط مبارك

ایل جلیل قاجار که منشأ سلطنت جاوید و اصل این شجرهٔ همایون است در نظر ما چندان مورد رعایت و طرف توجه و مرحمت است که غالباً ملاحظهٔ جزء و کل امور آنها را خود به نفس نفیس مبارك تعهد فرموده‌ایم و هريك از اعظم چاکران به‌ریاست و ایلخانیگری آنها مأمور شده فی‌الحقیقه از جانب

سنی الجوانب ما سمت نیابت یافته بودند . این اوقات که معتمدالملک وزیر مخصوص مصرانه از تصدی این شغل جلیل استعفا کرد و استعفای معزی‌الیه در خاکپای اعلیٰ مقبول افتاد ایلخانیگری قاجار را بالاستحقاق به‌نور چشم کامکار عزالدوله عبدالصمد میرزا (۱) مرجوع داشتیم که در نگاهداری و سرپرستی آقایان و ایصال مرسوم دیوانی آنها به‌وقت و موقع و حفظ موجبات توقیر این سلسله و نظم امور آنها جهد بلیغ ظاهر کند و همه روزه در منزل مخصوص خود به‌درخانه حاضر شده به‌رتق و فتق و نظم و نسق این خدمت اشتغال نماید و محض مزید افتخار نورچشم معزی‌الیه به‌یک قطعه نشان تمثال‌بی‌مثال مبارک به او اعطا فرمودیم . جناب اجل اکرم صدر اعظم شرح مراجع علیه را به او ابلاغ نمایند . شهر ربیع‌الاول ۱۲۸۹ .

محمدتقی‌خان افشار پیشخدمت خاصه که اصطبل توپخانه مبارکه نیز به‌عهده معزی‌الیه است به‌لقب حاجب‌الدوله و منصب فراشباشیگری برقرار و به‌اعطای یک قبضه عصای مرصع سرافراز گردید و دستخط مبارک در این باب شرف‌صدور یافت :

سواد دستخط مبارک

اداره و انتظام خدمت فراشخانه مبارکه که از مهم‌معهظمه دولتی است و احتساب و انتساق موقوف سلطنت کبری و سده سنیّه همایون به‌این منصب موکول و مربوط است در این وقت که علاءالدوله نسقچی‌باشی از تعهد این شغل معاف گردیده به‌رتبه جلیل کشیکچی‌باشیگری نایل شد محمدتقی‌خان پیشخدمت خاصه همایونی را که در حضور ما به کمال صدق و امانت معروف و حسن کفایت و کاردانی او در پیشگاه مبارک معلوم است به حاجب‌الدوله ملقب و به فراشباشیگری سرافراز فرمودیم که موافق حسن ظن ملوکانه در اداره این خدمت و انتظام آن مراتب

امانت و کفایت خود را ظاهر سازد و محض مزید اعتبار و افتخار او يك قبضه عصای مرصع به‌مشار اليه اعطا و مرحمت گردید. جناب اجل اکرم صدراعظم شرح عنایات علیّه شاهانه را به‌مشار اليه ابلاغ کرده ملزومات خدمت مزبور را حسب‌المقرر به‌او مرجوع دارند. ربیع‌الاول ۱۲۸۹.

ملك آرا ولد خاقان مغفور فتح‌علی‌شاه به‌رحمت الهی رفت. حضرت شاهنشاه زاده‌اجل اعظم ظل‌السلطان حکمران فارس که احضار به‌دربار معدلت مدار شده بودند به‌اعطای يك قطعه نشان امیرنویانی از درجه‌اول مباهی گردیده عازم محل حکمرانی خود شدند و حامل این نشان ذی شان بنده مؤلف بود.

روز بیستم ربیع‌الاول چون هوای دارالخلافه گرم و موقع بیلاق در رسیده بود موکب همایون از دارالخلافه انتهاض و در قصر سلطنت-آباد نزول اجلال فرمود.

محمد صالح‌خان سرتیپ کردبچه مرحوم شد. میرزا مصطفی‌قلی‌خان مستوفی نوری درگذشت. میرزا سید اسماعیل کلانتر سابق که زیاده از هفتاد سال داشت وفات نمود.

جناب ناصرالملك محمودخان رئیس مجلس شورای عسکریه به‌منصب امیرتومانی سرافراز شد.

کتاب «بازنامه ناصری» که در علم شکار و از مؤلفات شاهزاده تیمور میرزا است به‌طبع رسیده. میرزا فضل‌الله نوری وزیر نظام سابق که تقریباً هشتاد سال داشت مرحوم شد.

میرزا رضای نجم‌الملك نیز به‌رحمت الهی پیوست. مرحومین این سال اغلب به مرض حصه که بعد از غلا بروز کرده بود مبتلا بوده‌اند.

حکومت اردبیل را به محمد رحیم‌خان سرتیپ شامبیاتی محول فرمودند.

جناب اشرف پاشا وزیرمختار دولت عثمانی مأمور توقف دربار دولت

علیه که از اول ورود به خاک ایران شرایط اعزاز و احترامات معموله در باره و زرای مختار درباره معزی الیه به عمل آمده در عشر آخر ربیع- الثانی به حضور مبارک تشریف جست.

روز غره جمادی الاولی موکب همایون عزیمت بیلاق لار فرمود. جناب آخوند ملا زین العابدین مجتهد گلپایگانی که تقریباً هشتاد سال از سنشان گذشته به مرض استسفا بدروود زندگانی نموده به جوار رحمت الهی پیوستند.

حاجی میرزا رحیم پیشخدمت خاصه و ناظم دفتر خانه مبارکه مرحوم شد.

امسال برخلاف سال گذشته، که به سبب خشک سالی عمومی تمام اهل عالم جز معدودی گرفتار غلا و تنگی و مصیبت بودند، الحمدلله تعالی نعمای الهی وافر و شدت مبدل به فرج گردیده است.

بعضی تراکمه به خیال تاخت و تاز به سرحدات خراسان آمده بودند نواب والا حسام السلطنه چند روز به طریق ایلغار بر اثر ترکمانان تاخته بسیاری از آنها را دچار هلاکت نموده باقی به راه فرار رفتند.

جناب جلالت مآب مشیرالدوله صدراعظم، روز بیست و یکم جمادی- الاولی به جهت بعضی عرایض و مطالب دولتی در لار در یورت چهل چشمه، به حضور مهر ظهور مبارک مشرف شدند.

عباسقلی خان سردار لاریجانی با کاستگرخان مهندس نمساوی مأمور و مشغول ساختن راه آمل به دارالخلافه می باشند.

یارمحمدخان حاکم بجنورد نیز بعضی اشرار تراکمه را تنبیه و تدمیری به سزا نموده است.

میرزا ملکم خان «ناظم الملك» لقب یافت. بشیرخان آغا باشی مرحوم شد و حاجی آغا جوهر به منصب خواجه- باشیگری سرافراز شد.

موکب همایون از لار عزیمت ساحت نور و کجور و کناره و ساحل دریای خزر فرموده و از کنار دریا، از راهی که به امر اعلی کاستگرخان مهندس ساخته یعنی از راه گچه سر، تشریف فرمای شهرستانک گردیدند. محمدحسین خان ولد محمد تقی خان حاجب الدوله به منصب

پیشخدمتی حضور همایون سرافراز و محمدخان ولد دیگر حاجبالدوله به نیابت معزی الیه به ریاست اصطلب توپخانه مبارکه برقرار آمد.

بیوک خان سرتیپ اول افشار به لقب اقبال الملکی ملقب آمد.

نواب نیرالدوله مجدداً به حکمرانی ولایت ترشیز برقرار گردید.

عبدالباقی خان افشار مجدداً به حکومت جام و باخرز نایل آمد.

عبدالله خان ولد جناب علاعالدوله به منصب قوللر آقاسی باشیگری مفتخر گشت.

محمدحسن خان ولد کهتر جناب علاعالدوله به منصب نسقچی-باشیگری سرافراز شد.

میرزا کاظم گیلانی که از فحول حکما و حذاق اطباء عصر است به لقب نبیل «ملک الاطبا»ئی سربلند آمد.

حضرت شاهنشاه زاده اجل اعظم ولیعهد دولت علیه ایران سلطان مظفرالدین میرزا ادام الله اقباله العالی که احضار به دار خلافت شده بودند روز هشتم شهر شعبان وارد شهر ناصری شدند.

موکب همایون، روز چهاردهم شعبان از بیلاق سلطنت آباد، تشریف فرمای عمارات سلطنتی دارالخلافة گردید و در این روز یک ثوب جبۀ ترمه دورمروارید شمسه مرصع به جناب مستطاب اشرف مشیرالدوله صدراعظم مرحمت و اعطا فرمودند.

میرزا ملکم خان ناظم الملک مستشار صدارت عظمی به نشان تمثال همایون درجه افتخار یافت.

مکتب مجانی از برای تحصیل السنه خارجه و علوم متنوعه به اهتمام مؤلف دایر است.

در غره رمضان المبارک این سال چون یک سال تمام بود که منصب صدارت عظمی به جناب مستطاب حاجی میرزا حسین خان صدراعظم تفویض شده جناب معظم الیه راپورتی حاوی شرح خدمات یک ساله نوشته ملحوظ نظر انور مهر اثر شاهانه داشتند و دستخطی مبارک از جانب سنی الجوانب همایون خطاب به جناب مستطاب صدراعظم شرف صدور یافت که سواد آن از قرار ذیل است:

سواد دستخط جهان مطاع مبارك

جناب صدراعظم! کتابچهٔ راپورت يك سالهٔ صدارت خودتان را که نوشته بودید به دقت ملاحظه کردم. مکرر هم خواندم. اشهد بالله تماماً خدمات عمده بود که بدون يك نقطه زیاد و اغراق که با کمال صداقت و درستی و کفایت و عقل به عمل آورده انجام داده‌اید و می‌توانم بگویم که هزار خدمت و کارهای دیگر را که کرده‌اید نوشته ملتفت نشده‌اید که من خودم می‌دانم که هريك از آنها را هم سایر وزراء بسیار بسیار عمده می‌شمرده‌اند و شما قابل نوشتن و مذاکره ندانسته‌اید و از همهٔ خدمات بالاتر آسودگی خیال شخص مابوده است. خلاصه همان‌طور که نوشته‌اید از خداوند عالم مسئلت می‌نمایم که عمری بدهد و ما و شما را موفق کند که آنچه از خدمات و اصلاحات و خیالات عمده که برای ترقی ملت و دولت در نظر است کاملاً به انجام و اتمام برسد.

این که نوشته‌اید اگر خبطی یا خطائی یا رفتاری کرده باشید که مایهٔ دلخوری ما شده باشد و به‌یاد شما بیاورم که در آتیه ترك آن بشود خدا شاهد است بجز خدمت و صداقت و دولتخواهی مفرط و عشق به خدمات دولت و درستکاری چیزی از شما نه‌تنها در این يك سال بلکه از اول نوکری شما الی حال که صدارت اعظم دارید نه‌دیدهام و نه‌شنیده‌ام. الحمدلله بجز خوبی چیزی نیست که نوشته شود. زیاده فرمایشی نبود.

سنهٔ ۱۲۸۹ چهارم شهر رمضان پیچی‌ئیل

چون در سنهٔ آتیه موکب همایون عزیمت سفر خیراثر فرنگستان خواهند فرمود ناظم‌الملک میرزا ملکم‌خان که علاوه بر وزارت مختار و مأموریت به اقامت لندن برای اعلان عزیمت موکب اعلی به فرنگستان به‌دربار سلاطین فرنگ سمت مأموریت مخصوص دارد در نیمهٔ رمضان روانهٔ فرنگستان شد.

دکتر طولوزان فرانسوی حکیمباشی مخصوص اعلیحضرت همایون که موقه از دربار معدلت مدار مرخص شده بود و به فرانسه رفته این اوقات معاودت کرده به خاکپای فرقدسا مشرف و به یک قوطی انفیهدان مرصع به الماس سرافرازی حاصل نمود.

جناب حسنعلی خان که سابقاً از جانب دولت علیه در فرانسه و بعد در اسلامبول وزیر مختار بودند به وزارت فواید عامه که از وزارتخانه‌هایی است که تازه در این دولت ابدایت برقرار شده منصوب گردیدند.

حضرت شاهنشاه زاده اجل اعظم کامکار ولیعهد دولت ابد آیت علیه سلطان مظفرالدین میرزا ادام الله اقباله العالی را به یک قطعه نشان از درجه اول امیرنویانی مکمل به الماس برلیان قرین اعزاز فرمودند.

جناب اشرف پاشا وزیر مختار دولت عثمانی به باب عالی احضار و جناب منیف افندی به جای او برقرار گردید و حین روانگی اشرف پاشا، جناب معزی‌الیه را به نشان اول شیر و خورشید و حمایل سبز و اعطای یک قطعه قوطی انفیهدان مکمل به الماس با طغرای ملوکانه مباهی فرمودند و قوطی مزبور صله قصیده غرائی بود که در مدح اعلیحضرت همایون انشاد کرده بودند.

حضرت مستطاب اسعد ولیعهد گردون مهد به اجازه اعلیحضرت همایون روانه محل فرمانفرمائی و حکمرانی خود یعنی مملکت آذربایجان گردیدند.

حاجی شهاب الملك امیر توپخانه مبارکه به حکومت خراسان سرافرازی حاصل نمود.

در اوایل ماه ذیقعدة الحرام این سال ، لایحه جناب مستطاب مشیرالدوله صدراعظم در باب تشکیل دربار اعظم نوشته به عرض حضور مهر ظهور همایون رسانیدند. صدر آن لایحه به دستخط جهان مطاع مبارک موشح گردید و ما تیمناً ابتدا صورت دستخط مبارک را نگاشته بعد سواد لایحه را ثبت می‌نمائیم:

سواد دستخط جهان مطاع مبارك

جناب صدراعظم! این تفصیل وزراء و دربار را که نوشته‌اید بسیار بسیار پسندیدیم و ان شاء الله قرارش را به‌زودی بدهید و معمول بدارید که هر قدر به تعویق افتد باعث ضرر دولت است. تحریراً فی ۲۰ شعبان سنه ۱۲۸۹.

سواد لایحه مبارکه

محسّنات تشکیل دربار اعظم را مکرر بندگان اقدس همایون شاهنشاهی خلدالله ملکه و دولته بیان و تصدیق فرموده‌اند. به اقتضای همان فرمایشات ملوکانه، این دولت ابد مدت باید حکماً يك هیئت رسمی داشته باشد. فواید چنان هیئت رسمی با منظورات جدید شاهانه از برای دولت علیه ایران محسوس است بخصوص از برای این عهد که بندگان اقدس شاهنشاهی عازم مسافرت فرنگستان هستند. در غیاب همایون زیاده از حد لازم است که دولت ایران يك هیئت رسمی و يك صورت با عظم با شکوهی داشته باشد.

خلاصه اصول دربار اعظم را عرض کرده‌ام. چون این معانی در این صفحات چندان بروز و ظهوری نداشته‌اند به نظر خیلی ساده و سهل و بی نتیجه خواهد آمد. همین قدر عرض می‌کنم که انتظام کل امور دولت بسته به این چند فقره مطالب ساده است. نتایج این مطالب را باید در امتحانات سایر دول مشاهده کرد. امیدوارم که از یمن تربیت و تقویت همت شاهنشاهی بر این اساس ساده يك بنائی ساخته شود که نام نامی شاهنشاهی را تا انقراض تواریخ مایه تشکر ملت ایران و موجب تمجید کل آیندگان بسازد.

تشکیل دربار اعظم

سرکار اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی کل امور دولت را در میان نه وزارت و يك صدارت تقسیم خواهند فرمود. اسامی نه وزارت

از این قرار است: وزارت داخله، وزارت خارجه، وزارت جنگ، وزارت مالیات، وزارت عدلیه، وزارت علوم، وزارت فواید، وزارت تجارت و زراعت، وزارت دربار، صدارت عظمی. اجرای جمیع اوامر پادشاهی و اداره کل امور دولت ایران برعهده این نه وزارت است. اداره این نه وزارت محول به صدارت عظمی است. دربار اعظم عبارت است از هیئت اجتماع این ده وزارت. صدر اعظم شخص اول دولت و رئیس دربار اعظم است. عزل و نصب صدر اعظم منحصر و موقوف به اراده اقدس همایون شاهنشاهی است. عزل و نصب سایر وزراء به حکم اقدس همایون شاهنشاهی موقوف به تعیین صدر اعظم است.

در باب مجلس وزراء

کلیات امور دولت راجع به مجلس وزراء و حضور صدر اعظم است. صدراعظم شخص اول دولت و رئیس مجلس وزراء است. مسئولیت کل ادارات دولتی برعهده صدراعظم است به این معنی که ارجاع خدمات و صدور فرمایشات علیه بلاواسطه به شخص صدر اعظم خواهد شد و صدراعظم هرکدامی که منوط به هر اداره است راجع خواهند داشت. سایر وزراء هرکدامی مخصوصاً در محضر صدارت عظمی مسئول امور وزارت خود می باشند. هر وزیری در امور وزارت خود کاملاً مسلط است. هیچ وزیری عملاً حق مداخله به امور وزارت دیگر ندارد و اما کل وزراء در شور کلیه امورات دولتی شریک اعمال همدیگر و عموماً مسئول امور دولت هستند.

در باب شرایط مشورت وزراء

عموم وزراء هرروز يك شنبه و پنج شنبه دريك اداره درجنب اداره صدارت عظمی چهار ساعت به ظهر مانده جمع خواهند شد. مطالب مشورت قبل از انعقاد مجلس معین خواهد بود که در آن روز از چه قبیل گفتگو خواهد شد و چه مواد موقع مذاکره گذارده خواهد شد. محل مشورت دريك محل مخصوص همیشه ثابت خواهد بود و خارج از آن دایره مشورت جایز نخواهد بود. در دایره مشورت بجز امور مشورت به هیچ

کار دیگر اقدام نخواهد شد. بجز وزراء هيچکس داخل دایره مشورت نخواهد شد. در دایره مشورت مشغولیت خارجه به هيچوجه جایز نخواهد بود.

درباب اصول ترتیب وزارتخانه‌ها

هروزارت باید يك وزارتخانه مخصوص داشته باشد. اجزاء هريك از وزارت از روی راپورت آن وزیر به صدارت عظمی و به تصدیق صدر اعظم و به امضای اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی خواهد بود. عدد ومواجب و مناصب و تکالیف جمیع عمال وزارتخانه‌ها به حکم مشورت وزراء معین خواهد بود.

هیچ وزیری مأذون نیست که عدد اجزاء وزارت خود را بدون اجازه صدر اعظم در مجلس مشورت زیادو کم نماید. هیچ وزیری نمی‌تواند بدون اجازه مجلس منصب تازه اختراع نماید.

هیچ وزیری نمی‌تواند مواجب مناصب را تغییر دهد.

هیچ وزیری نمی‌تواند بدون اجازه صدر اعظم یکی از اجزاء وزارت خود را از نوکری اخراج نماید. مواجب، مربوط و مخصوص منصب است هیچ ربطی به اشخاص نخواهد داشت. مواجب، حق و اجرت تکالیف نوکری است و به اصل منصب مخصوص است و وجود اشخاص به مواجب و حقوق دولتی ارتباط و بستگی ندارد تنها اجرت خدمتی است که به اشخاص رجوع شده است.

ترقی مناصب اجزاء از روی يك قاعده معین خواهد بود. اسم و رسم مواجب از هم جدا نیست و هرچه به ازای هر منصب داده می‌شود بی‌زیاده و نقصان همان می‌رسد. مواجبی که حق شخصی اجزای وزارتخانه‌هاست بعد از این اسم مواجب ندارد «مستمری» و «مقرری» گفته می‌شود. عطای این مستمری موافق يك قاعده مخصوصی خواهد بود. مستمری هرکس با مواجب مخلوط نخواهد شد.

درباب ترتیب وزارتخانه‌ها

به جهت ترتیب هريك از این نه وزارتخانه يك قاعده جداگانه وضع

خواهد شد. چون وضع این قواعد موقوف به مشورت وزراست باید اول مشورت وزراء را برقرار کرد. روح دربار اعظم همین مجلس مشورت وزراء است. هر وقت مجلس وزراء موافق این اصولی که وضع شده قرار یافت دربار اعظم نیز برقرار شده است. این اساس اصلی هرگاه درست منظم بشود، سایر امور دولت بالطبع به تدریج انتظام خواهد یافت. چیزی که حال بر ما واجب است این است که این اصول موضوعه را که هیئت اجتماع آن را دربار اعظم می گوئیم درست و محکم نگاه بداریم و آن هم موقوف به عزم همایون شاهنشاهی است که اطاعت و محافظت این اصول را بر عهدهٔ جمیع وزراء مؤکداً واجب بسازد.

صدراعظم باید مسئول کل باشد در حضور مبارک همایونی و جمیع وزراء و شعبات سپرده به خودشان مسئولند در نزد صدراعظم. واسطهٔ مراودات امور دولت در خاکپای مبارک شخص صدراعظم است به این معنی که سایر وزراء مطالب و مستدعیات و راپورت کارهای وزارتخانهٔ خودشان را باید به صدر اعظم اظهار نمایند و صدر اعظم امورات لازمهٔ مهمه را به خاکپای مبارک عرضه داشته تحصیل جواب نموده به هریک از وزراء که تعلق دارد مکتوباً اخبار نماید.

این است قاعدهٔ هیئت وزراء که به اصطلاح فرنگیها «کابینه» (۱) می نامند. حالا رد یا قبول کل یا بعضی از فقرات معروضه موقوف به رای صواب نمای سرکار اقدس شاهنشاهی روحنا فداه است. الامر الاقدس - الاعلی مطاع مطاع.

معروضهٔ دوازدهم شهر شعبان المعظم ۱۲۸۹. صدراعظم.

نواب والا معزالدوله به حکمرانی ولایت مازندران منصوب گردیدند. ایجاد سالنامه در دولت علیه به امر همایون و صوابدید جناب مستطاب مشیرالدوله صدراعظم در ماه ذیقعدۀ این سال شد. همچنین ایجاد چراغهای پایه چدن برای خیابان ناصریه و غیره از مخترعات این سال است.

جناب کنت دوبسکی وزیر مختار دولت آستریه که علاوه بر مأموریت

اقامت دربار همایون مأمور به دعوت اعلیحضرت قوی شوکت شاهنشاهی به مملکت آستریه و تماشای بازار اکسپوزیسیون (۲) وینه بود از ابتدای ورود به سرحد شرایط تشریفات معموله درباره سفرای دول متحابه درباره جناب مشارالیه به وجه اکمل به عمل آمده روز بیستم ذیقعد و ارد دارالخلافة شد و چهار روز بعد به حضور مهر ظهور مبارک مشرف و نامه مودت خامه اعلیحضرت امپراطور دولت متبوعه خود را با بعضی هدایا تبلیغ کرده مورد تفقدات بلانهایت اعلیحضرت همایون گردید و نطقی که در پیشگاه سریر معلی نمود صورت آن از قرار ذیل است و ترجمه مؤلف می باشد.

ترجمه نطق کنت دوبسکی:

شاهنشاه! اعلیحضرت امپراطور نمسه و پادشاه مجارستان که آقا و ولی نعمت من است محض ظهور و بروز میل باطنی خویش براستحکام رشته مودت و توسعه رابطه محبت و مراودت مابین دولتین نمسه و ایران این بنده را مفتخر ساخته مأمور خدمت اعلیحضرت شاهنشاه ایران داشته اند که عقاید آن اعلیحضرت را معروض دارم:

اعلیحضرتا! این بنده به نهایت به این مأموریت معزز و خشنودم، زیرا به وسیلت این مأموریت اکنون در محاذات تختی قیام دارم که الحال سه هزار سال است برپا و استوار است و در میان ملتی هستم که در شهرت و نام معروف آفاق و ایام است. مستدعی از پایه همین سریر سه هزار ساله هستم که مرحمتی شامل فرمایند تا از عهده تکلیف خود به طریق شایسته توانم برآمد.

پادشاه! امپراطور نمسه و پادشاه مجارستان چون از قصد همایون شما به مسافرت فرنگستان و سیاحت و بازدید بعضی ولایات معتبره و پایتختهای ممالک آن اقلیم مستحضر گشتند مخصوصاً سفارش فرمودند که خدمت اعلیحضرت همایون شما معروض و مکشوف دارم که باکمال شغف و خشنودی هنگام افتتاح اکسپوزیسیون از موکب اعلیحضرت شما در ویانه [= وینه] پذیرائی خواهند نمود و علاوه بر پذیرائی مهرآمیزی که از موکب همایون شما خواهند نمود اعلیحضرت شما به رای العین

ملاحظه خواهید فرمود که در عالم ترقی درجه کسب و صنعت که اسباب فخر و مباهات بنی نوع انسان است به چه پایه و اندازه رسیده است.

اعلیحضرتا! اینک نوشتجاتی که دلالت بر مأموریت این بنده دارد و هدایائی که حاصل کسب و صنعت ویانه است و اعلیحضرت امپراطور نمسه محض اظهار محبت مخصوص خود به خدمت اعلیحضرت شما انفاذ داشته‌اند از لحاظ مبارک و نظرانور همایون شما می‌گذرانم.

مضمون جواب اعلیحضرت همایون که بنده مؤلف به زبان فرانسه ترجمه کرده

ما به نهایت مشعوفیم که به تازہ سفارت دائمی از طرف اعلیحضرت امپراطور آستریه و پادشاه مجارستان در دربار مابقرار شده و مخصوصاً از آن اعلیحضرت امتنان داریم که شخص شما را به سفارت خود منتخب نموده‌اند و امیدواریم که به واسطه قابلیت شخصی شما رشته محبت حقیقی ما را با اعلیحضرت امپراطور بیش از پیش استحکام و انتظام حاصل آید. چه صرفه دولتین بدین استحکام منوط و مربوط است. پیوسته مایل ملاقات با امپراطور و راغب ملاحظه ویانه بوده‌ایم که در متون تواریخ معروف و مشهور است. اکنون که اعلیحضرت امپراطور به توسط شما به مسکن سلطنت خود ما را دعوت نموده‌اند ما نیز با نهایت میل قبول می‌نمائیم و امیدواریم که ان شاء الله به ویانه رفته با امپراطور ملاقات نمائیم. هدایائی را که از جانب بهترین دوستان ما آورده‌اید قبول کرده مانند یادگار عزیزی حفظ خواهیم نمود. اما شما به التفات بلانهایات ما نسبت به خودتان مطمئن و متیقن باشید. به وزرای خود امر فرموده‌ایم که تکلیفات شما را که مطابق عدل و موافق دوستی باشد بپذیرند.

میرزا یوسف خان مستشار سابق دیوان عدالت به نیابت وزارت خارجه و مباشرت مهام خارجه آذربایجان برقرار گردید.

میرزا نصرالله خان منشی خاصه وزارت خارجه به نیابت وزارت خارجه نایل آمد.

میرزا محمود وکیل به کارپردازی حاجی ترخان مأمور گردید.
چون نزدیک آخر این سال خیر مال، حقوق دیوانی عموم طبقات

نوکر از جیره و مواجب و علیق الدواب پرداخته شده و این از خدمات عمده و اصابت رأی جناب مستطاب صدر اعظم می باشد دستخطی مبارک به افتخار جناب معظم شرف صدور یافت که صورت آن از قرار ذیل می باشد:

سواد دستخط مبارک

جناب صدراعظم معتمدالملک کل اسانید رؤسای دربخانه و صاحب جمعان دیوانی را به نظر رسانید که در هذه السنه پیچی ٹیل تماماً دوماه به آخر سال مانده به آنها رسانیده اید. این فقره واضح است که شما اوقات خود را تماماً از روی صداقت و امانت و دولتخواهی وقف خدمات کلی و جزئی دولت نموده اید و دقیقه ای آسودگی و فراغت نداشته و ندارید. و مثل وزرای سابق به خیالات شخصی نپرداخته کمال غیرت است. در هیچ سنه ای نه تنها در دولت خودمان بلکه در ازمنه سابقه نیز هرگز دیده نشده که تمام حقوق دیوانی طبقات از قشون و غیره به این زودی و خوبی رسیده باشد. این نیست مگر از کمال کفایت شما و ان شاء الله امید است که در کل شعبات دولت روز به روز ترقی حاصل شود. خاطر ما از خدمات شما کمال خرسندی و رضامندی دارد.

سنه پیچی ٹیل ۱۲۸۹

در ماه ذیحجه این سال امتحانی از متعلمین مکتب مجانی که به اهتمام بنده مؤلف دایر است به عمل آمده حسن و محاسن این مکتب که در آن السنه مختلفه و جغرافی و غیره تدریس می شود مشهود جناب مستطاب صدراعظم و سایر اولیای دولت علیه گردیده بعد از تمجیدات شایسته جناب معظم، مکتب مزبور را به لقب جلیل خود موسوم و «مکتب مشیری» نامیدند و بسیاری از متعلمین را به مدال و نشان نقره و مس مفتخر فرمودند و در حق مراقبین انعامات مبذول داشتند.

روز هفدهم ذیحجه يك قطعه نشان اقدس که اول نشان این دولت

ابدایت است از جانب سنی الجوانب همایون به جناب مستطاب صدراعظم اعطا و مرحمت شد.

پاشا خان امین‌الملک وزیر عدلیه در بین راه شاهزاده عبدالعظیم‌روز هیجدهم ذیحجه از درشکه پرت شده و به همان صدمه روز نوزدهم مرحوم شد.

نواب والا معتمدالدوله حکمران کردستان را موقتاً از محل حکمرانی خود به دارالخلافه احضار فرمودند که در غیاب موکب همایون و اوان تشریف‌فرمائی به فرنگستان به معاونت حضرت اجل اعظم شاهنشاه زاده والا نایب‌السلطنه امیرکبیر به مهمام کشوری و لشکری رسیدگی نمایند و نواب معظم در ماه ذیحجه وارد دارالخلافه شدند.

وقایع و سوانح عمده‌ای که در این سال در تمام کره ارض و اقطار عالم واقع و سانح گردید

اتائونی ینگ‌دنیا:

در ظرف مدت سیزده سال نهصد و ده هزار و چهارصد و بیست و پنج نفر از اهالی آلمان و یک کرور و شصت هزار و هشتصد و سی و یک نفر از مردم ایرلند و هفتصد و پنجاه و یک هزار و هفتصد و شصت و نه نفر انگلیسی به خاک اتائونی مهاجرت نموده در آنجا سکنی و جای گرفتند. خشکسالی و بارندگی نشدن در ایالات نیویورک. هلاک شدن جمع کثیری از حدت حرارت آفتاب.

در این سال شصت هزار و هشتصد و پنجاه و دومیل امتداد راههای آهن اتائونی است.

اسپانیا:

در ایالات بیسکای و ناوارن، کارلوس نامی از شاهزاده‌های اسپانیا ادعای سلطنت نموده جمعی را به دور خود جمع می‌نماید.

در یکی از شبهای تابستانی جمعی قصد قتل اعلیحضرت پادشاه و ملکه را می‌نمایند ولی صدمه و آسیبی به آنها وارد نمی‌آید.

آلمان:

در دویم ماه مارس که مقارن باروز امضای عهدنامه صلح مابین آلمان و فرانسه منعقدہ در سال قبل بود جشنی در برلن و سایر ممالک و بلاد آلمان گرفتند. بهیست نفر از سرداران بزرگ که در آن معرکه جلادت و رشادتی بروز داده بودند از طرف اعلیحضرت امپراطور علیقدر مراتبهم انعامات بذل واعطا شد. از جمله بهپرنس فردریک شارل وکنت دملک (۱) و ژنرال رون وژنرال منتفل معادل چهارصد هزار تومان ایران که هر نفری صد هزار تومان باشد انعام داده شد.

مسافرت اعلیحضرت امپراطور آلمان به ممالک جنوبی آلمان به جهت سرکشی قشون آن ممالک.

ملاقات اعلیحضرت امپراطور روس و اعلیحضرت امپراطور اطریش با اعلیحضرت امپراطور آلمان در برلن و مستحکم نمودن مبانی دوستی فی مابین را.

انگلیس:

نزاع عساکر هندوستان با طوایف یاغی در طرف شمال شرقی آن مملکت. قتل لردمایو فرمانفرمای هند به دست شخصی از مسلمانان. نصب لرد نرت بروک به فرمانفرمائی هند.

جشن اهالی انگلیس به جهت سلامتی مزاج نواب ولیعهد. طپانچه انداختن شخصی به سمت اعلیحضرت پادشاه انگلستان و محفوظ ماندن اعلیحضرت معظم‌الیه‌ها از آن.

ابتیاع نمودن دولت انگلیس بعضی متصرفات هلاند را در افریقا. مراجعت استتلی و خبر دادن از سلامتی لونگستن مسافر معروف (۲). دولت انگلیس شش کرور و دو یست و پنجاه هزار لیره به دولت اتائونی ینگینی دنیا خسارت کشتی موسوم به آلاباما که در بنادر انگلیس

۱- Moltké

۲- چون مدتها از لیونگستن، کشیش مبلغ و کاشف انگلیسی که به افریقا رفته بود، خبری نرسیده بود و اروپا در نگرانی به سر می‌برد، استانی از طرف روزنامه نیویورک هرالده به افریقا گسیل شد و او در این سفر کشیش انگلیسی را پیدا کرد و هم این سفر موجب شد که استانی، رود کنگورا از آغاز تا مصب دنبال کند و به عبارت دیگر موفق به کشف کنگو شود.

ساخته شده و در جنگ مابین ایالتین شمال و جنوب اتائونی اهالی جنوبی آن کشتی را ابتیاع نموده و به معاونت آن خسارات کلی به ایالات شمال رسانیدند می دهد.

ایطالیا:

فوت مازینی از معارف.
طغیان کوه آتشفشان وزوو.

روس:

افتتاح راه آهن تفلیس به بندر پوطی.
انعقاد عهدالفت و دوستی باخان کاشغر. تزلزل واندیشه خان خیه
از عساکر روس.
بروز وبا در ایالات جنوب و مرکز مملکت.

ژاپن:

یانقین سخت در شهرید (۳) پایتخت. فوت سیصد و پنجاه نفر
وبی مسکن و مأوی نمودن سی هزار نفر.
اقتدار سلطنت جسمانی و روحانی میکادو و فرستادن جمعی از
جوانان به ممالک فرنگ به جهت تحصیل.

سوئد و نروژ (۴):

فوت شارل پانزدهم پادشاه آن مملکت و نصب اسکار دویم برادر
او به جای او.

عثمانی:

عزل و نصب کلی در این مملکت. تغییر صدور و وزاری جنگ
به تواتر. صدارت مدحت پاشا. اتهام محمود پاشا صدراعظم سابق به اخذ
پول زیاد از صرافان فرنگ.

فتح عساکر عثمانی قلعه سخت صنعا را در عربستان.

اختیار تام دادن در جمیع امور از طرف اعلیحضرت سلطان
به خدیو مصر.
منازعۀ عساکر مصری با امپراطور حبشه.

فرانسه:

فوت مارشال وایان از سرداران.
خیالات رئیس جمهوری در انتظامات داخله و دادن وجه مقررۀ
خسارت جنگ را به دولت آلمان که زودتر ممالك فرانسه را تخلیه نمایند.

مکزیک:

فوت ژوارز رئیس جمهوری و نصب لرد تراژا به جای او.

شرح وقایع سال بیست و هفتم
سلطنت و شهریاری اعلیحضرت اقدس شاهنشاه
جمجاه خسرو صاحبقران ادامالله تعالی سنین سلطنته
وایام ملکه مطابق سنه هزار و دویست و نود هجری
تخاقوی ثیل ترکی

کلیه امور دولتی در این سال خیر مآل به توجهات خاطر خطیر
همایون منظم و اهالی ممالک محروسه جمیعاً در خصب راحت و مهد
ایمنی و استراحت اند.

حاجی محمدقلی خان آصف الدوله به وزارت عدلیه عظمی منصوب
گردید.

میرزا محمد قوام الدوله وزیر محاسبات مرحوم شد و جناب
میرزا هدایه الله وزیر لشکر سابق به وزارت دفتر برقرار آمد.

جناب میرزا محمد حسین دبیرالملک علاوه بر وزارت رسایل به
وزارت داخله مباحی و نایل گشت.

امور چاپارخانه های ممالک محروسه را به امیرزاده مهدیقلی میرزا
ولد مرحوم حاجی محمد ولی میرزا واگذار فرمودند.

جناب مسیو طامسن وزیرمختار دولت انگلیس مأمور اقامت دربار
دولت علیه با تشریفات معموله وارد دارالخلافه گردید.

جشن عید مولود مسعود اعلیحضرت شاهنشاهی را جناب مستطاب
صدر اعظم با کمال شکوه مانند سال قبل گرفتند.

بندۀ مؤلف به اعطای يك قطعه نشان از درجۀ ثانيۀ شیر و خورشید سرافراز شد.

جناب میرزا کاظم خان نظام الملك به حکومت یزد منصوب گردید. دوستعلی خان نظام الدوله در سن پنجاه و چهار سالگی به مرض محرقه مرحوم شد.

محمد قاسم خان پسر مرحوم فتحعلی خان ملك الشعراء به رحمت ایزدی پیوست.

این اوقات که زمان عزیمت سفر فرنگستان نزدیک شده، قشون ظفرنمون حاضر رکاب اعلی تماماً يك روز به امر همایون در بیرون دروازه دولت حاضر شده و ذات ملکوتی صفات مقدس به بازدید عساکر منصوره تشریف فرما گردیده ملفوفۀ فرمان همایون خطاب به آحاد و افراد سپاه ظفر همراه شرف صدور یافته بود. جناب مستطاب مشیرالدوله صدراعظم به آواز بلند قرائت نموده همه را از مضمون موهبت مشحون آن با خبر داشتند و سواد ملفوفۀ فرمان مبارك از قرار ذیل است:

سواد ملفوفۀ فرمان همایون

عموم صاحب منصبان و آحاد و افراد سربازان اردوی دارالخلافه بدانند که عزیمت موکب همایونی به ساحت فرنگستان و ملاقات با سلاطین و تاجداران با عز و تمکین که دوست متحد ما هستند نزدیک شده و امروز که چهاردهم شهر صفر سنۀ ۱۲۹۰ است محض دیدن و مشاهدۀ حالت شماها به این موقع آمده ایم. منتها آرزو و میل همایون ما ترقی امور عسکریه و انتظام کارهای این رشته معظمه و رفاه و آسودگی شماها بوده و خواهد بود. چنان که دیده اید حقوق عسکریه چه قسم در وقت و موقع خود بدون تأخیر عاید به شماها شده است و در آتیه نیز بدین منوال بلکه ان شاء الله خیلی منظم تر و بهتر درباره شماها معمول خواهد شد. از خدمات و مواظبت شماها در وظایف نوکری، خاطر همایون ما راضی و خشنود است و حالا هم به اطمینان صداقت تامه و مواظبت کامله که از قاطبۀ عساکر منصوره سراغ داریم که در غیاب همایون ما زایدأ علی ما سبق برمدارج خدمت و صداقت خود خواهند افزود و نظم مملکت را

در تحت اوامر رؤسای خود حفظ خواهند نمود. این مسافرت را به جهت قلیل مدت اختیار فرمودیم. خاصه شماها که اصول اردوی دارالخلافه هستید باید کمال افتخار و مباهات را داشته باشید که ذات اقدس همایون ما پایتخت و جمیع ملزومات عسکریه دولتی را به شما سپرده و به اطمینان شما گذارده حرکت می فرمائیم و از این سفر خیریت اثر باز جمیع افکار و خیالات همایونی خودمان را صرف تکمیل لوازم عسکریه دولت از قبیل اسلحه و معلمین و غیره و غیره خواهیم فرمود و از فکر شماها خاطر مبارک خودمان را فارغ نخواهیم گذاشت. در غیاب همایون ما فرزند عزیز خود نایب السلطنه را به نیابت خودمان و ریاست کلیه و چون صدراعظم به شرف التزام رکاب مبارک مامشرف است عم اکرم معتمدالدوله را با اختیار تامه در نزد فرزند معزی الیه می گذاریم. ناصرالملک (۱) هم از جانب جناب صدراعظم به ریاست شما معین است همان اختیار و اقتدار که از جانب همایون ما در امورات عسکریه به جناب صدراعظم مرحمت شده است ایشان در غیبت خود به ناصرالملک داده اند. اطاعت او بر جمیع صاحبان مناصب نظام و نفرات عسکریه واجب و لازم است و هرگونه اختیار از عزل و نصب و سایر تبدیلات به او داده شده است. تصدیق و تکذیب او به اطلاع و تصدیق معتمدالدوله در باره هریک از شماها در حضور همایون ما موقع قبول خواهد یافت. مواجب و جیره همه آحاد و افراد قشون را ناصرالملک خواهد رساند. این فرمایشات و اوامر ملوکانه را درست اصفا نموده تخلف نورزند و در کمال مرحمت شما را وداع می کنیم حسب المقرر معمول و درعهده شناسند.

تحریراً فی چهاردهم شهر صفرالمظفر سنه ۱۲۹۰

حاجی شهابالملک والی خراسان بعضی از اشارات تراکمه را تنبیه نموده است.

میرزا رضاخان آجودان صدارت عظمی به منصب سرتیپی سیم مفتخر گردید.

محمد آقای سرتیپ شارژدافر سابق دولت علیه مقیم لندن که

به‌دربار معدلت مدار احضار شده به‌نیابت اول وزارت فواید برقرار گردید.

از وقایع معظمه این سال سفر خیریت اثر اعلیحضرت همایون است به‌فرنگستان که سابقاً نیز بدان اشاره نموده‌ایم و اگر چه شرح این سفر نیز چون سایر اسفار ملوکانه به‌قلم معجز رقم خسروانه مرقوم و بعدها به کرات در ممالك به‌فارسی والسنة مختلفه طبع و منتشر گردیده و از نتایج و فواید عظیمه آن بسیاری از ارباب خبرت و درایت بهره‌مند و مستفید شده‌اند، ولی ما باز خلاصه وقایع این سفر عظیم و اثر کریم‌را زیور و زینت این کتاب و آرایش دانش و هوش اولوالالباب قرار داده به‌طور اختصار در این اوراق درج می‌نمائیم:

شرح سفر خیریت اثر اعلیحضرت همایون شاهنشاهی دام‌ملکه به‌فرنگستان در سال ۱۲۹۰ هجری

چون موکب فرخنده کوکب همایون بامیامن اقبال بی‌زوال روزافزون عازم سفر فرنگ شد دستخطی به‌افتخار نواب والامعتمدالدوله شرف‌صدور یافت که سواد آن از قرار ذیل است و این دستخط مبارک از بین راه مرقوم و مرحمت شد :

سواد دستخط جهان مطاع مبارک

معتمدالدوله ! از بابت کمال اطمینانی که به‌دولتخواهی و کفایت و کاردانی آن عم کامکار داریم زاید می‌شماریم که امورات را جزء به‌جزء و فقره به‌فقره مرقوم و انتظام و انضباط کارها را سفارش و تأکید فرمائیم. آن عم کامکار را مبسوط‌الید فرمودیم. ان شاء الله تعالی از قرار حکم فرمان مبارک که به‌کل ممالك محروسه و به‌افتخار حکام ولایات مرقوم و ارسال شده است و دستورالعمل مکتوبی و شفاهی مرحمت و عنایت شده است با کمال قوت قلب مشغول رتق و فتق امورات دولتی و مملکتی بوده وقایع اتفاقیه راهمه روزه به‌ما تلگراف نماید. هر کس از اوامر و نواهی شما تخلف کند - اعم از حکام ولایات

و مأمورین دولتی و چاکران درباری و سایر — قطعاً به مؤاخذه و سخط پادشاهی گرفتار خواهد شد. چون عریضه آن عم کامکار در عرض راه رسید این دستخط مبارک را محض افتخار آن عم کامکار مرقوم فرمودیم.

سیم ربیع الاول سنه ۱۲۹۰

روز شنبه بیست و یکم صفر المظفر این سال خیرمآل با بدرقه عون و عنایت قادر متعال علی الصباح از دارالخلافة باهره و مقر خلافت عظمی انتهای فرموده تشریف فرمای قریه کن گردیدند. جناب منیف افندی ایلچی دولت عثمانی که تازه وارد دارالخلافة شده در کن شرفیاب حضور مبارک شد.

روز شنبه بیست و هشتم از کن به تنگه سولقان تشریف ورود بخشیدند.

سه شنبه غره ربیع اول کرج مضرب خیام معلی بود.

چهارشنبه دویم قاسم آباد

پنجشنبه سیم کازران سنگ،

جمعه چهارم عبدالله آباد،

شنبه پنجم قزوین،

یکشنبه ششم آقابابا،

دوشنبه هفتم خرزان،

سهشنبه هشتم لوشان.

چهارشنبه نهم منجیل،

پنجشنبه دهم رستم آباد،

جمعه یازدهم امامزاده هاشم،

شنبه دوازدهم رشت به ورود مسعود همایون مزین گردید.

امروز پرنس منچیکوف که از جانب دولت روس مأمور مهمانداری موکب معلی است و از پترزبورغ با میرزا عبدالرحیم خان ساعدالملک سفیر دولت علیه مأمور اقامت سنت پترزبورغ قبل از ورود به رشت بهاردوی همایون پیوستند. حکیم الممالک مأمور پذیرائی مهمانداران دولت روس است. پرنس منچیکوف جنرال آجودان مخصوص اعلیحضرت

امپراطور روس است و کلنل بیزاک آجودان مخصوص اعلیحضرت امپراطور نیز با او همراه ومهماندار است.

روز يكشنبه سیزدهم به عزم انزلی انتهاز فرموده از پیر بازار بهلته نشستہ قدری دورتر از رودخانه سه فروند کشتی بخار کوچک ایستاده بود کہ یک فروند آن تازه به حکم همایون ساخته شده و نہایت ممتاز و مزین است و ساعتی سه فرسنگ راه طی می نماید و دو فروند از دولت روس می باشد. ذات معدلت صفات مقدس در کشتی بخار کہ به امر اعلی ساخته اند نشستند. در یکی از کشتیهای روسی جناب وزیر مختار روس و امیرال سیونیکین و دکتر طولوزان حکیم باشی مخصوص اعلیحضرت همایون جای داشتند. در کشتی دیگر موزیکانچیان روسی بودند. وزیر مختار روس، دریاییگی را به حضور مهرظهور مشرف ساخت و معرفی نمود. خلاصه چهار ساعت به غروب مانده وارد انزلی شدند.

دوشنبه چهاردهم ربیع الاول، بعد از آن کہ جناب حاجی ملارفع مجتهد دعای سفر خواند، با بدرقه حراست و حفظ حضرت باری تعالی، در کشتی بخاری دولت علیه نشستہ راندند تا به کشتی قسطنطین کہ مخصوص مسافرت همایونی دولت روس حاضر نموده بود رسیدند و بدان کشتی نقل فرموده پنج ساعت به غروب مانده لنگر کشیده کشتی به راه افتاد. چند فروند کشتی جنگی روس کہ در اینجا حاضر بود متصل شلیک می کردند. کشتی قسطنطین اطاقهای خوب دارد همه مزین و ممتاز. پیشخدمتهای اعلیحضرت امپراطور روس با اسباب قهوه خانه و غیره از پطرزبورغ آمده بودند. اسامی ملتزمین رکاب اعلی در سفر خیراثر فرنگستان از این قرار است:

اشخاصی کہ در کشتی اول موسوم به قسطنطین کہ مخصوص اعلیحضرت همایون است بودند:

جناب مستطاب صدراعظم حاجی میرزا حسین خان، جناب معتمدالملک، جناب عضدالملک، منشی حضور (۱)، امین السلطان، امین - السلطنه، مهدیقلی خان پیشخدمت خاصه، دکتر طولوزان حکیم باشی مخصوص، عکاس باشی، غلامحسین خان زین دارباشی، محمدحسن خان -

محقق، امین خلوت، فرخ خان، امیرزاده وجیه‌الله میرزا، جعفرقلی خان، حاجی محمدخان قهوه‌چی‌باشی، آقارضای ده‌باشی، میرزا عبدالله فراش - خلوت، میرزا عبدالرحیم خان ساعدالملک، سلطان حسین میرزا، آقا - محمدعلی، آقا حسنعلی آبدار، آقا باقر، جبار قهوه‌چی، نوکرهای جناب مستطاب صدراعظم سه‌نفر، بنده مؤلف نیز در این کشتی به شرف‌التزام رکاب اعلی مباحی بود.

اشخاصی که در کشتی براتینسکی بودند: نواب والا عزالدوله - عبدالصمد میرزا، نواب والا اعتضادالسلطنه وزیر علوم، نواب والا حسام - السلطنه، نواب والا نصرالدوله، نواب والا عمادالدوله، جناب علاءالدوله، جناب حسنعلی خان وزیر فواید، جناب الله‌قلی خان ایلخانی، میرزا - قهرمان امین‌لشکر، حکیم‌الممالک (۲)، امیرزاده احتشام‌الدوله سلطان - اویس میرزا، نصرالملک سرتیپ اول، جناب مخبرالدوله، محمدباقرخان - شجاع‌السلطنه، حسنعلی خان ژنرال آجودان، میرزا رضاخان سرتیپ آجودان صدارت، ابراهیم خان نایب، میرزا احمدخان ولدجناب علاء - الدوله، جلودار دونفر، مهتر یک نفر، نوکر ملتزمین هشت نفر.

از فرنگیها که در کشتی براتینسکی بودند:

جناب مسیو دبسکی وزیرمختار نمسه، جناب مسیو طامسن نایب سفارت انگلیس، مسیو دیکسن حکیم انگلیسی.

سه‌شنبه پانزدهم ربیع‌الاول اول طلوع آفتاب ابتدا به دماغه آبشاران رسیدند. از دو ساعت به ظهر مانده دریا منقلب و طوفان شد و تا مدتی این انقلاب دوام داشت. یک ساعت ونیم از شب گذشته کشتیها به جائی رسید که معروف به قرانتین است و کشتی بزرگ داخل آنجا نمی‌تواند شد و باید به کشتی کوچک نشست و به حاجی طرخان رفت. ساعتی بعد مسیو پی‌پین حاکم حاجی طرخان به حضور مبارک مشرف شد و اجازت حاصل نمود که شبانه به حاجی طرخان رود و مہیای پذیرائی مقدم مبارک باشد. خلاصه از دریا وارد رود ولگا شده و تا چهار ساعت ونیم به غروب روز

چهارشنبه شانزدهم ربیع الاول مانده کشتیها در روی رود مزبور در حرکت بود. در ساعت مسطور حاجی طرخان به ورود مسعود خسروی مزین آمد.

صبح شانزدهم میرزا ملکم خان و نریمان خان و میرزا اسدالله خان قونسول و میرزا میکائیل برادر میرزا ملکم خان از حاجی طرخان به کشتی آمدند. پذیرائی کارگزاران دولت روس در حاجی طرخان از مقدم مبارك به اعلی درجه کمال بود. طاق نصرت خوبی ساخته بودند. کلانتر شهر چنان که در ممالك روس رسم است که هنگام ورود امپراطور و پادشاهان لاغیرهم در شهری معمول می دارند نان و نمک جلو آورد و بر آن نمکدان طلا و دوری نقره مطلا که نان در آن نهاده تاریخ ورود مسعود اعلی حضرت همایون را به شهر حاجی طرخان نقش کرده بودند. دارالحکومه این شهر که برای منزل معین شده محض تشریفات قدوم سعادت لزوم مقدس زایدالوصف زینت یافته. بالجمله پرنس منچیکوف و کلنل بیزاك به اتفاق جناب مستطاب صدراعظم از حاجی طرخان به اجازه همایون از جلو به مسکو رفتند. تلمبه چیهای این شهر مشق خوبی در حضور مبارك کردند.

روز پنجشنبه هفدهم ابتدا به مسجد مخصوص مسلمانان شیعه بعدها به مسجد تاتارها که متعلق به اهل سنت است تشریف بردند. پس از آن به عمارتی که بعضی از اسباب پطرکبیر در آنجا ضبط است توجه فرمودند. دو قایق بزرگ در اینجا به نظر انور رسید که پطرکبیر به دست خود ساخته مخصوصاً یکی از آنها را بسیار خوب منبت کرده است. صورت پطرکبیر و کاترین امپراطریس را هم آنجا نقش کرده اند. بعضی از اسباب نجاری پطرکبیر از قبیل اره و کلنگ و غیره در این عمارت به دیوارها آویخته. پس از بازدید این اماکن، بعد از ظهر این روز، تشریف فرمای اسکله شده به عزم ساریتسین (۳) در کشتی بخار موسوم به الکسندر که از کمپانی است نشسته کشتی مزبور در روی رود ولگا به راه افتاد. این کشتی بسیار مزین و وسیع و تندرو است.

روز هیجدهم سه ساعت و ربع به غروب مانده به شهر ساریتسین نزول اجلال فرمودند. این شهر در بلندی در کناره رود ولگا واقع شده

۳- Tsaritsin این شهر که تساریتسین نام داشت در جنگ جهانی دوم استالین

گرا د خوانده شد. سپس از بزرگ استالین، نام آن را ولگا گراد نهادند.

و از اینجا ابتدای راه آهن است. حاکم ساراطوف که شهر ساریتسین جزء حکومت اوست با جمعی به حضور مبارك آمد. اسمش گاوکین و ارافسکی (۴) است. در اینجا هم طاق نصرت خوبی ساخته بودند.

بعد از ملاقات مستقبلین مجدداً به کشتی معاودت فرموده يك ساعت از شب رفته به راه آهن نزول فرمودند. کالسکه‌های راه آهن از کالسکه‌های مخصوص اعلیحضرت امپراطور بود وسیع و مزین با اطاقهای متعدد از سفره‌خانه و خوابگاه و اطاق پذیرائی همه به هم وصل با چراغ و میز و صندلی و تخت و نیم‌تخت.

خلاصه عبور از ایالت تامبوف (۵) شد. پرنس دالقوریکی (۶) حاکم شهر مسکو به استقبال موکب همایون آمد و مسیو کامازف (۷) مترجم اعلیحضرت امپراطور که از جانب اعلیحضرت امپراطور آمده بود به حضور مبارك مشرف شد.

بعد از آن به شهر مسکو ورود فرمودند و شرح تشریفات را اگر بخواهیم در هر جا بتمامه بنگاریم آن خود از نو کتابی مبسوط شود و برخی از آن در سفرنامه مبارکه همایون مسطور است. لهذا ما به وقایع اهم در این مسافرت اقتصار می‌نمائیم.

منزل اعلیحضرت همایون و ملتزمین رکاب اعلی در مسکو عمارت کرملین است که از عمارات سلطنتی معروف دنیا می‌باشد. یورتهای زیاد این عمارت که هریک به وضعی موصوف و بهزینتی مزین است ملحوظ نظرانور گردید. از جمله در پائین عمارت کرملین جواهر آلات و تاجهای قدیم پادشاهان و غیره را چیده و از چینیه‌های قدیم و طلا و نقره آلات و اسباب تحفه و غنایمی که در جنگها گرفته‌اند در این محل بسیار است. مدرسه لازارف و تماشاخانه و موزه این شهر نیز ملحوظ نظر شاهانه گردید. صاحب‌منصبان و جنرالهای نظامی متوقف مسکو با سردار کل قشون مسکو به حضور مبارك آمدند و مورد تفقد گردیدند. يك شب هم در خانه پرنس دالقوریکی به بال تشریف‌فرما شدند.

روزیست وسیم ربیع‌الاول به گارنیکلا که سرراه آهن پترزبورغ

۴- Gavkin varavski

۵- Tambov

۶- Dalgrouki

۷- Camasov

است توجه فرموده بعد از اعطای نشان تمثال همایون به حاکم مسکو از این شهر انتهای فرمودند.

روز بیست و چهارم به شهر سنت پترزبورغ بالیمن والاقبال نزول فرمودند. اعلیحضرت امپراطور کل ممالک روس - الکسندر دویم - بانواب ولیعهد و پسرهای دیگر اعلیحضرت معظم ونواب گزاندوک نیکلا سپهسالار کل عساکر روس ونواب گراندوک قسطنطین نیکلایویچ برادران اعلیحضرت امپراطور در گار به استقبال حاضر بودند و اعلیحضرت شاهنشاه ایران را با کمال گرمی پذیرفتند. صاحب منصب زیادی با لباسهای رسمی سر راه بودند. خلاصه با شرایط اعزازی خارج از حیز بیان وارد عمارت سلطنتی شدند. بعد از تشریف فرمائی به اطاق مخصوص منزلگاه همایون به فاصله لمحهای کنت آلدبرگ وزیر دربار از جانب اعلیحضرت امپراطور نشان سنت آندره که اعظم نشانهای دولت روس و مکمل به الماس است با حمایل آبی آورده و به اعلیحضرت شاهنشاه ایران تقدیم نمود. بعد از دقیقه ای اعلیحضرت شاهنشاهی به بازدید اعلیحضرت امپراطور تشریف بردند. ساعتی بعد عازم بازدید نواب ولیعهد شدند. وقت غروب اعلیحضرت امپراطور به منزل اعلیحضرت شاهنشاه تشریف آورده متفقاً به تماشاخانه توجه نمودند.

صبح روز بیست و پنجم پرنس گرچاکف صدراعظم دولت روس به حضور همایون آمد و بعد از معاودت پرنس، اعلیحضرت امپراطور به منزل اعلیحضرت شاهنشاه تشریف آورده به اتفاق تشریف فرمای میدان شاندمارس یعنی میدان مشق شدند و سان خوبی داده شد. زیاده از بیست هزار قشون سواره و پیاده در این میدان بود. بعد چون ناهار را به خانه پرنس اولدنبورغ مهمان بودند روانه آن ساخت شدند. مقارن نصف شب امشب به مجلس بالنجبا تشریف فرما گردیدند. اعلیحضرت امپراطور هم در این مجلس تشریف داشتند.

روز بیست و ششم ابتدا سفرای خارجه به حضور مبارک مشرف آمدند بعد به تماشای موزۀ ارمی تاج (۸) توجه فرمودند. تلمبه چیان (۹)

شهر نیز در این روز مشقی خوب نمودند و مشق آنها ملحوظ نظر انور گردید. عصر این روز در منزل اعلیحضرت امپراطور به شام موعود بودند و در این شام صد و هفتاد نفر دعوت شده صرف غذا کردند. هم در این روز از پاریس خبر دادند که مسیو طیر رئیس جمهوری از این شغل استعفا کرده و مارشال ماك ماهون سردار را رئیس کرده‌اند.

روز بیست و هفتم از نواب گراندوك قسطنطین برادر اعلیحضرت امپراطور و نواب گراندوك نیکلا برادر دیگر اعلیحضرت معظم و پرنس گرچاکف صدراعظم و باری نیوتیسیکی که دوست اعلیحضرت امپراطور و مرد بسیار پیرمحرمتی است دیدن فرمودند. این شخص يك وقتی حاکم قفقاز بوده است.

روز بیست و هشتم ابتدا با اعلیحضرت امپراطور در کالسکه نشسته به میدان مشق رفته تماشای مشق سواره نظام و غیره را نموده بعد به قلعه وبانك دولتی تشریف فرما گردیدند و ضرابخانه را که در همین قلعه می باشد بازدید فرمودند. در اینجا يك مدال طلای بزرگی که يك طرف آن صورت اعلیحضرت امپراطور و طرف دیگر به خط فارسی تاریخ ورود و اسم مبارك اعلیحضرت همایون را نگاشته و رسم شده ضرب نمودند. شب را از پسر دویم اعلیحضرت امپراطور دیدن فرمودند و در منزل ایشان با اعلیحضرت امپراطور و نواب ولیعهد و جمعی دیگر از رجال و اعیان شام صرف نمودند.

روز بیست و نهم به گردش و تماشای پترهوف (۱۰) و کرنستاد (۱۱) گذشت.

روز غرة شهر ربیع الثانی با پرنس گرچاکوف محاورات فرموده شب را در شهر سارسکوسلو (۱۲) که عمارت و باغ مخصوص اعلیحضرت امپراطور در آن است و چهار فرسنگ کمتر با شهر مسافت دارد و با راه آهن در نیم ساعت آن راه طی می شود به شام موعود بودند و در این شب، اعلیحضرت امپراطور به ملتزمین رکاب اعلی به تفاوت شئونات، نشان و انگشتی و ساعت و غیره دادند و اعلیحضرت همایون اسب موسوم به

«جافی» را به‌اعلیحضرت امپراطور و اسب «جلفه» را به‌زوجه نواب ولیعهد هدیه دادند.

روز دوم بعد از وداع با‌اعلیحضرت امپراطور از راه ویلناکه‌شهر روس و‌کونیگس‌بورگ که شهر پروس است عزیمت آلمان و پروس فرمودند.

روز سیم عمارت سلطنتی شهر کونیگس‌بورگ (۱۳) منزلگاه اعلیحضرت همایون و ملتزمین رکاب‌اعلی است. از اول خاک‌پروس شرایط تشریفات مقدم مبارک کاملاً معمول می‌بود. رئیس مهمانداران که دولت پروس فرستاده ژنرال آجودانی معتبر و اسمش بوین (۱۴) است.

روز چهارم عازم برلن گردیده از شهر ماریان‌بورگ عبور فرمودند. در اواخر این روز وارد گاربرلن شدند. اعلیحضرت امپراطور گلیوم و نواب ولیعهد پسر ایشان و نواب پرنس شارل برادر ایشان و فردریک-شارل پسر برادر اعلیحضرت امپراطور که فاتح متز (۱۵) است و شاهزاده‌های دیگر از خانواده سلطنت مثل پرنس ههن‌زلرن (۱۶) که شاهزاده‌ای جوان است و جنگ آلمان و فرانسه در سرهمین شاهزاده شده که فرانسویها راضی نبودند پادشاه اسپانیا شود و پرنس بیژمارک صدراعظم دولت آلمان و مارشال رون وزیر جنگ و صدراعظم پروس با سایر جنرالها و صاحب‌منصبان و فوج خاصه موزیکانچی و فوج سواره-نظام و غیره و جمعیت زیاده از حد همه سر راه آهن بودند و پذیرائی بسیار خوب شایانی کردند. آنگاه اعلیحضرت همایون با اعلیحضرت امپراطور در کالسکه سربازی نشسته به‌قصر سلطنتی که برای منزلگاه موكب معلی معین شده بود تشریف‌فرما گردیدند و بعد از گردش در این عمارت و صحبت اعلیحضرت امپراطور به‌منزل خود عود نمودند. دقیقه‌ای بعد اعلیحضرت شاهنشاه به‌خانه اعلیحضرت امپراطور رفتند و ایشان تا پای پله استقبال کردند. بعد از دیدن و چند دقیقه صحبت معاودت فرمودند.

۱۳- Koenigsberg

۱۴- Boyen

۱۵- Metz

۱۶- Hohenzollern

روز پنجم به سیاحت شهر پتسدام (۱۷) که خارج برلن است نهضت فرما شده در این شهر از ملکه قدیم یعنی زوجه پادشاه سابق پروس که برادر اعلیحضرت امپراطور حالیه بود دیدن فرمودند و از زوجه پرنس شارل که خواهر اعلیحضرت امپراطریس آلمان و مادر فردریک شارل است در عمارت بیلاقی دیدن کردند بعد مراجعت به برلن فرموده شب را در عمارت منزل اعلیحضرت همایون، اعلیحضرت امپراطور شام مخصوص بسیار ممتازی دادند.

روز ششم به سیاحت باغ وحش برلن و بعضی اماکن دیگر شهر گذشت. روز هفتم به سیر آکواریوم یعنی جائی که حیوانات و نباتات دریائی را به جهت تماشا نگاه می دارند توجه فرمودند. هم در این روز از امپراطریس و زوجه نواب ولیعهد که دختر اعلیحضرت پادشاه انگلستان است دیدن فرمودند. شب را اعلیحضرت همایون باشاهزادگان ایران و جمعی از شاهزاده ها و شاهزاده خانمهای پروس در عمارت فوقانی منزل اعلیحضرت شاهنشاه مهمان اعلیحضرت امپراطور بودند.

روز هشتم به بازدید میدان مشق و تماشای مشق افواج و سوار و بازدید جبه خانه مشغول بودند و شب امروز امپراطریس اعلیحضرت همایون و ملتزمین رکاب مبارک را به شام دعوت نمودند.

روز نهم نشان اگلنوار (۱۸) مکمل به الماس باحمایل زرد از جانب اعلیحضرت امپراطور به اعلیحضرت شاهنشاه تقدیم شد آنگاه با کالسکه بخارتشریف فرمای شهر پتسدام شدند و شب را برای دعوت شام اعلیحضرت امپراطور به قصر بابل برگ (۱۹) تشریف بردند و برای خواب به منزل معاودت کردند.

روز دهم به پارلمنت یعنی دارالشورای آلمان ورود فرمودند بعد به بازدید پرنس بیسمارک بعد به موزه که مقابل عمارت سلطنتی منزل اعلیحضرت همایون بود توجه نموده و هم در این روز با اعلیحضرت امپراطور وداع فرمودند.

روزیاز دهم عازم شهر کلون (۲۰) و ویسباد شدند. میرزا ملکم خان-

۱۷- Potsdam

۱۸- Aigle noire = عقاب سیاه

۱۹- Babelbrig

۲۰- Cologne = koln

ناظم الملك به جهت قرارنامه خرید تفنگ در برلن ماند. در بین راه حکام بلاد وقلاع به حضور مبارك تشریف می جستند. از شهر هانور وقلمرو وستفالی گذشتند. يك ساعت به غروب مانده به کارخانه کروپ رسیدند. مسیو کروپ صاحب کارخانه يك عراده توپ پر شش پوند بسیار اعلا پیشکش مقدم مبارك نمود. شب شهر کلون منزل موکب همایون بود. روز دوازدهم بعد از تماشای باغ نباتات و باغ وحش وماهی خانه کلون حرکت فرموده تا به شهر بن رسیدند. از آن گذشته به شهر کوبلنس واز آنجا عبور کرده بعد از طی مسافت زیاد به شهر ویسباد ورود فرمودند. روز سیزدهم قصبه شی ارس تین (۲۱) و قصبه بیریش (۲۲) به مقدم همایون مزین آمد.

روز چهاردهم عزیمت شهر فرانکفور فرمودند و بعد از بازدید و سیاحت آن شهر به ویسباد مراجعت نموده شب را در این شهر به سربردند. روز پانزدهم به عزم بادن باد انتهاز فرمودند و از شهر میانس و فرانکفور و دارمستاد (۲۳) عبور شد و در اینجا با اعلیحضرت امپراطور روس و نواب ولیعهد روس و زوجة ایشان ملاقات کردند. معظم الیهم از شهر وینه به آب گرم امس (۲۴) می رفتند. از اینجا گذشته به شهر هیدلبرگ (۲۵) که اول خاک گراندوک دباد است رسیدند پس از آن به شهر کارلسروه (۲۶) که پایتخت گراندوک دباد است ورود فرمودند. گراندوک با جمیع بزرگان مملکت در گار حاضر بودند. در اینجا صرف غذا و قدری گردش فرموده آنگاه با راه آهن روانه بادن باد شدند. این گراندوک آزادی و استقلال دارد. دختر اعلیحضرت امپراطور آلمان زوجة اوست. خلاصه شب را در بادن باد به سر بردند.

روز شانزدهم گراندوک به بادن باد آمده در اینجا مهمانی بسیار خوبی نمود و آخر الامر به ویسباد معاودت فرمودند.

روز هفدهم در کشتی بخار نشسته از روی رود رن عازم شهر اسپا (۲۷) که اول خاک بلژیک است شدند. بعد از طی مسافتی به شهر

۲۱- Schierstein

۲۲- Biebrich (در متن ابریش)

۲۳- Darmstadt

۲۴- Ems

۲۵- تصحیح بر اساس سفرنامه ناصرالدین شاه Heidelberg. در متن هیدلغ.

۲۶- Carlsruh

۲۷- Spa

گوبلانز رسیدند. از اینجا گذشته به شهر بون (۲۸) ورود فرموده از کشتی بیرون آمده تا به شهر کولن راندند و از آنجا رو به سرحد بلژیک نموده از شهر دورن (۲۹) که از شهرهای پروس است عبور کرده بعدها از شهر اکسلاشاپل (۳۰) که باز از شهرهای آلمان است گذشته رسیدند به رودخانه کوچکی که سرحد بلژیک و آلمان است. از آنجا نیز تجاوز نموده بدون حالت رسمیت وارد شهر اسپا گردیدند. مع ذلك حاکم شهر و بزرگان آنجا و سواره نظام و جمعیت زیادی سر راه بودند.

روز هیجدهم و نوزدهم به سیاحت اسپا و حوالی آن گذشت.

روز بیستم عزیمت بروکسل پایتخت بلژیک فرمودند و بعد از وصول به گار در کالسکه‌های بخاری اعلیحضرت پادشاه بلژیک لئوپولد دوم که برای سواری اعلیحضرت همایون و ملتزمین رکاب اعلی حاضر کرده بودند نشسته روانه شدند. بعد از ساعتی به شهر لیژ (۳۱) که کارخانه‌های تفنگ‌سازی و کالسکه بخارسازی معتبر دارد رسیدند. از آنجا گذشته بعد از دو سه ساعت به شهر بروکسل ورود فرمودند. اعلیحضرت پادشاه و برادر ایشان کنت دفلاندر و همه صاحب منصبان نظامی و قلمی و غیره در گار حاضر بودند. بعد از تقدیم تشریفات کامله، اعلیحضرت همایون با اعلیحضرت لئوپولد در کالسکه روبازی نشسته به عمارت دولتی رفته در اطاقهای مرتبه دوم اعلیحضرت پادشاه، منازل اعلیحضرت همایون را نشان داده به منزل خودشان که اطاقهای آخر همین عمارت بود رفتند. اعلیحضرت همایون ابتدا نشان صورت خسروانه را برای آن پادشاه ذی‌جاه فرستاده بعد به بازدید ایشان رفتند. اعلیحضرت لئوپولد نوۀ دختری لوئی فیلیپ پادشاه سابق فرانسه و پسر دائی اعلیحضرت پادشاه حالیه انگلیس است. سه دختر دارد و پسر ندارد. کنت دفلاندر برادر ایشان عجاله ولیعهد است. لارنس صاحب و کامبل صاحب و طامسون صاحب و چند نفر دیگر از اعیان انگلیس که برای مهمانداری آمده بودند در بروکسل به حضور مبارک مشرف شدند.

روزیست و یکم به سیاحت بعضی ابنیه و مواضع شهر و قصر لاکن (۳۲) که عمارت بیلاقی پادشاه و ملکه است توجه فرموده و در این عمارت نشان آفتاب را باحمایل آن به ملکه اهدا فرمودند. شام امشب را مهمان اعلیحضرت پادشاه بودند.

روز بیست و دوم بعد از وداع اعلیحضرت پادشاه به گار تشریف فرما شده در کالسکه نشسته از راه بندر استاند عازم انگلیس شدند و از مملکت فلاندر گذشته به بندر مزبور که تجارتگاه معتبری است رسیدند. در اینجا از کالسکه پیاده شده از اسکله داخل کشتی اعلیحضرت پادشاه انگلستان گردیدند. این کشتی موسوم به ویزیلان (۳۳) بود. امیرال معتبر سفاین انگلیس که موسوم به ماک کلن تک (۳۴) است و چند دفعه به سیاحت جزایر قطب شمالی رفته به استقبال موب همایون آمد. صاحب منصبان بحری بسیار نیز آمده بودند. از بندر استاندتا دوور (۳۵) که اول خاک انگلیس است پنج ساعت راه می باشد. دریای مانس که به طوفان و موج زیاد معروف است در این وقت نهایت آرام بود. در عقب کشتی ویزیلان سه کشتی به ردیف و دو کشتی بزرگ زره پوش جنگی از دو طرف دست راست و چپ محض احترام حرکت می کرد. سفاین بسیار آمد و شد می نمود. چون به سواحل انگلیس رسیدند کشتی جنگی زیاد به استقبال آمد. کشتیهای بخار و قایقها و سفاین که نجبای انگلیس و اعیان در آنها نشسته به تماشا آمده بودند به شماره در نمی آمد. خلاصه به بندر دوور ورود فرمودند. پسرهای اعلیحضرت پادشاه انگلستان با وزیر دول خارجه انگلیس لرد گرانویل و اعیان و اشراف لندن به استقبال آمده بودند. افواج و سوار بسیار و تماشاچی زیاد نیز در اینجا دیده می شد. پسر وسطی اعلیحضرت پادشاه دوک دادیمبورغ (۳۶) و پسر سیمی پرنس آرتور نام داشت. ایشیک آقاسی باشی اعلیحضرت پادشاه موسوم به لرد سیدنی (۳۷) که مردی معتبر و نیز منصب پیشخدمت باشی دارد بامستقبلین همراه بود. بعد از انجام تشریفات لایقه، از اسکله بالا رفته سوار کالسکه

۲۲- Laken

۲۲- Vigilant ۲۴- Mac-Clintock

۲۵- Ostand - Douvre

۲۶- Duc d'Edimbourg

۲۷- Lord Sidney

بخار شدند. بعد از طی چند قدمی به عمارتی رسیدند که در آنجا ناهار حاضر شده بود. پس از صرف ناهار باز در کالسکه بخار نشسته عزیمت لندن فرمودند. بین راه از قصبه و آبادی اشلسهورست (۳۸) که مقر ناپلئون سیم بوده و همانجا وفات کرده گذشتند تا رسیدند به اول شهر لندن. نواب ولیعهد دولت انگلیس پرنس دو گال (۳۹) با سواره زرّه پوش خاصه نواب معظم و همه وزراء و اعیان و جمعیتی زیاده از حد از اهل نظام و غیره حاضر بودند. اعلیحضرت همایون پیاده شده با نواب ولیعهد دولت انگلیس و جناب جلالت مآب صدر اعظم و لرد مرلئی (۴۰) مهماندار در کالسکه رو بازی نشسته روانه عمارت بوکنگام (۴۱) که منزل شهری اعلیحضرت پادشاه است و برای منزلگاه اعلیحضرت همایون و ملتزمین رکاب اعلی معین شده بود گردیدند. عموم اهالی لندن اظهار مسرت کامل از ورود مسعودشاهانه می کردند. هنگامه غریبی بود. اعلیحضرت پادشاه انگلستان و امپراطریس هندوستان در قصر ویندزور (۴۲) که درشش فرسنگی شهر است و با راه آهن در نیم ساعت طی مسافت مزبوره می شود بودند.

روز بیست و سیم ربیع الثانی به بازدید نواب ولیعهد تشریف بردند. نواب ولیعهد دولت روس و زوجه ایشان که خواهر زوجه نواب ولیعهد دولت انگلیس و هر دو دختر پادشاه دانمارک اند آنجا بودند. بعد به منزل پرنس آلفرد که ملقب به دوک دادیمبورگ است رفتند. از آنجا به خانه دوک دکامبریدج پسر عموی اعلیحضرت پادشاه که سپهسالار کل قشون انگلیس است بعد به خانه خواهر همین دوک از آنجا تشریف فرمای منزل گردیده سفرای خارجه و وزرای انگلیس که در این وقت از دسته ویگ می باشند با لرد گلاستون صدراعظم و لرد گرانویل وزیر خارجه به حضور مبارک تشریف جستند و شب را در منزل نواب ولیعهد با شاهزادگان و جناب مستطاب صدراعظم و غیره موعود بودند. بعد از شام نیز به خانه دوک دسوترلند که از نجبای انگلیس است و سالی یک کرور مداخل دارد به شب نشینی دعوت شدند.

۳۸- Sheshhurst

۳۹- Prince de Galles

۴۰- Lord Morley

۴۱- Buckingham

۴۲- Windsor (متن: ویندور)

روز بیست و چهارم با جمیع ملتزمین رکاب اعلی به قصر ویندزور به دیدن اعلیحضرت پادشاه انگلستان تشریف بردند. چون دریای پله قصر پیاده شدند، تا پای پله اعلیحضرت همایون را استقبال کردند و جمیع شرایط مودت و اعزاز ملحوظ شد. بعدها لرد زامبرلاند (۴۳) وزیردربار پادشاهی نشان ژارتیر (۴۴) مکمل به الماس را که به «زانوبند» معروف و از نشانهای معتبر انگلیس و سوای اعلیحضرت پادشاه انگلستان که رئیس اداره این نشان‌اند و شاهزادگان انگلیس و سلاطین خارجه کسی دارای آن نیست برای اعلیحضرت شاهنشاهی آورده اعلیحضرت پادشاه انگلستان و امپراطریس هندوستان برخاسته به دست خود آن نشان را به پیکر انور ملوکانه زدند و حمایلش را انداختند. جوراب بند را هم دادند. نشان ژارتیر را ادوارد سیم پادشاه انگلستان در سنه هزار و سیصد و چهل و نه عیسوی در قصر ویندزور اختراع نموده بعضی گویند آن را به یادگارفتح کرسی (۴۵) که فیلیپ چهارم پادشاه فرانسه را شکست داد این نشان را اختیار کرد. برخی براین‌اند که در یکی از مجالس بال جوراب بند کنتس دسالیسبوری معشوقه ادوارد افتاده اسباب خنده حضار شده پادشاه از کمال غیرت و علاقه‌ای که به او داشت جوراب بند را برداشت و گفت مفتضح باد کسی که خیال بد کند و همین عبارت در تسمه نشان زانوبند نقش است و گفت همین بند جوراب را به قدری محترم خواهم کرد که همه برای تحصیل آن منت بکشید. این شد که آن را نشان اول دولت قرار داد. اعلیحضرت همایون هم نشان و حمایل آفتاب مکمل به الماس را با نشان تصویربی نظیر مقدس همایون به اعلیحضرت پادشاه انگلستان دادند. بعد در این محل صرف ناهار فرمودند. پس از آن قدری در آن نواحی گردش کرده و مراجعت به شهر شد. شب را در خانه لرد مر (۴۶) حاکم شهر لندن مهمان به شب نشینی و سوپه (۴۷) که شام بعد از نصف شب است بودند. سه هزار نفر امشب دعوت شده بودند.

روز بیست و پنجم به تماشای کارخانجات ولویچ (۴۸) که جبه‌خانه

۴۳- L. Chamberland

۴۵- Greay

۴۷- Souper

۴۴- Jarretiére

۴۶- Lord Maire

۴۸- Woolwitch

و توپخانه و آهنگرخانه دولت انگلیس است تشریف فرما شدند. ولویچ در حقیقت شهری است و چون وصل به آبادی لندن است یکی از محلات لندن می باشد. بعد از تماشای کارخانجات و بازدید مشق توپخانه مراجعت به منزل فرمودند و در محل مشق توپی نه پوند پیشکش حضور مبارك کردند.

روز بیست و ششم به سیاحت باغ وحش گذشت.

روز بیست و هفتم برای سان کشتیهای جنگی عزیمت بندر پرتسموت (۴۹) که یکی از بنادر معتبر جنگی انگلیس است فرمودند و از مشق جنگ دریائی و کارخانجات که اسباب کشتی بخار و بحری می سازند تماشای کامل به عمل آمد و شب را به مجلس کنسر (۵۰) یعنی ساز و آواز که در عمارت آلبرهال (۵۱) است تشریف برده در بین راه اغلب کارخانجات صنایع متفرقه ملحوظ نظر انور همایون گردید. مجلس ساز مزبور طوری بود که از اول عالم تا آن زمان کسی نظیر آن را ندیده و در این مجلس دوازده هزار نفر مستمع در کمال سکوت و آرامی به استماع نغمات بسیار خوش مشغول و ملحوظ بودند.

روز بیست و هشتم وزیر هند با اجزای خود به حضور مبارك تشریف جستند. اهالی شهرهای انگلیس نیز با عریضه تهنیت شرفیاب شدند. دو ساعت بعد از ظهر به جهت سان قشون که اعلیحضرت پادشاه انگلستان خواستند بدهند عازم قصر ویندزور شدند. در میدان مشق که چمن وسیعی بود هفت هشت هزار نفر سواره و پیاده در کمال خوبی مشق کردند و پس از وداع با اعلیحضرت پادشاه انگلستان به شهر مراجعت شد.

روز بیست و نهم به گرنویچ (۵۲) که نه متصل به شهر و نه خارج و در کنار رود طمس (۵۳) واقع و در حقیقت از محلات دور دست شهر است تشریف بردند. مدرسه بحری انگلیس که در اینجاست ملحوظ نظر انور اقدس گردید بعد به رصدخانه تشریف برده آنجا را نیز بازدید فرمودند.

۴۹- Portsmouth

۵۰- Concert

۵۱- Albert - Hall

۵۲- Greenwich

۵۳- Tamise - Thames

در سلخ ربیع الثانی به سیاحت شهر لیورپول و قصر ترنتام که مال دوک دوسوترلاند است گذشت.

روز جمعه غرة جمادی الاولی عازم شهر منچستر شدند و بعد از تماشای کارخانجات پارچه بافی و ریسمان ریزی این شهر که نهایت معروف است به قصر ترنتام معاودت فرمودند.

روز دوم تشریف فرمای لندن شدند و عصر در شیزیک (۵۴) برای گردش و صحبت و عصرانه مهمان نواب ولیعهد دولت انگلیس بودند. اعلیحضرت پادشاه انگلستان هم به این محل آمدند. این عمارت و باغ مال دوک دودونشیر (۵۵) است که از متمولین انگلیس می باشد و امانت به نواب ولیعهد داده که بیلاق ایشان باشد. در باغچه اینجا درخت کاجی اعلیحضرت همایون به یادگار به دست مبارک غرس فرمودند. این عمل در فرنگستان یک نوع احترام بزرگی است نسبت به اشخاص بزرگ.

روز سیم به گردش در بعضی مواضع شهر گذشت.

روز چهارم به صحبت بعضی وزراء و تماشای مشق تلمبه چیان و بوکس (مشت زدن به هم) مشغول بودند. شب را در عمارت بلور که اول اکسپوزیسیون فرنگستان در هجده نوزده سال قبل در آن برپا شده موعود به شام بودند. باغ عمارت بلور بهترین باغهای انگلیس است. بعد از شام آتش بازی ممتازی شد.

روز پنجم به تماشای بانک و برج سینته لندن و کلیسای سنت پول و وست منستر و پارلمنت و خانه گلاستون صدراعظم تشریف فرما گردیدند. روز ششم برای وداع با اعلیحضرت پادشاه انگلستان به ویندزور تشریف بردند و بعد از تقدیم رسوم تشریف و اعزاز، عکس جمال مهر مثال همایون را به یادگار به اعلیحضرت پادشاه انگلستان دادند. اعلیحضرت پادشاه انگلستان نیز عکس خود را با عکس پرنس لئوپولد که پسر کوچک ایشان است به اعلیحضرت همایون دادند. از آنجا به خانه پرنس هلنا دختر اعلیحضرت پادشاه انگلستان که زوجه پرنس کریستیان از شاهزادگان هولستن (۵۶) آلمان است رفتند. بعد عزیمت مقبره پرنس آلبرت شوهر

اعلیحضرت پادشاه فرمودند. در مراجعت دربین راه درخت سروی کوهی بهیادگار بهدست مبارک در محلی غرس فرمودند.

روز هفتم به عمارت بلور تشریف فرما شده به خریدن بعضی اسبابها پرداختند. بعد به تماشای عمارتی که از روی قصر الحمراء که اعراب هنگام تسلط خودشان در اندلس و تغلب در اسپانیول بنا کردند ساخته اند توجه فرمودند. از آنجا به ماهی خانه رفتند و بعضی سیاحت های دیگر نیز شد.

روز هشتم ابتدا به دیدن نواب ولیعهد انگلیس تشریف بردند بعد به مریضخانه سنت توماس که در مقابل پارلمنت واقع است و از آنجا به خانه لرد دارکیل وزیر هندوپس از آن بازقدری به سیاحت اماکن و ابنیه و تماشاخانه گذراندند. مهربانی و اعزاز و احترام و تشریفات در دولت انگلیس از شخص اعلیحضرت پادشاه انگلستان تا وزیر و اعیان و آحاد و افراد ناس نسبت به وجود مسعود اعلیحضرت همایون و ملتزمین رکاب به درجه ای بود که به حیز تقریر نیاید.

روز نهم جمادی الاولی عزیمت بندر شربورغ فرانسه نموده در گارویکتوریا بانواب ولیعهد وداع کرده با کالسکه بخار حرکت فرمودند و بعد از سه ساعت وارد بندر پورتموت شدند و از اینجا در کشتی فرانسه که سابقاً موسوم به اگل (۵۷) و از ناپلئون سیم بوده که برای سواری خودشان ساخته بودند و حال «رایپد» نام دارد داخل گردیدند. وقت غروب آفتاب در بندر شربورغ کشتی اقامت کرد.

روز دهم وقت صبح سوار قایق شده به طرف ساحل توجه فرمودند. بعد در کالسکه بخار نشسته از مملکت نورماندی عبور شد و نیم ساعت در شهر کان پایتخت نورماندی توقف کردند. از شربورغ تا پاریس از راه آهن هشت ساعت راه ونود فرسنگ مسافت دارد. يك ساعت به غروب مانده به حوالی پاریس رسیده از پل رودخانه سن که در خارج شهر واقع است گذشته داخل شهر پاریس شدند. در محلی که موسوم به پاسی است همه رجال و اعیان دولت فرانسه حاضر بودند. دم گاربا مارشال کما هون

۵۷- سفرنامه: این کشتی اسمش «اگل» و از ناپلئون سیم بوده است که به جهت سواری

خودش ساخته بوده است. حال که جمهوری شده اسمش را عوض کرده «رایپد» Rapide گذاشته اند.

رئیس دولت جمهوری و دوک دوبروگلی (۵۸) که تازه وزیر امور خارجه شده تعارف فرمودند. عمارت کرلژیسلا تیف (۵۹) منزلگاه اعلی حضرت همایون است. امروز و امشب بعضی خیابانها و ابنیه معتبره پاریس را سیاحت فرمودند و با مسیو بوفه (۶۰) رئیس دارالشورای ملتی و بعضی دیگر از بزرگان ملاقات اتفاق افتاد.

روز یازدهم بعضی از باغات و مواضع که از جمله باغات وحوش و طیور و ماهی خانه بود ملحوظ نظر انور گردید. شب را هم به گردش بازار سرپوشیده تشریف فرما شدند. خلاصه تا روز بیست و سیم موکب معلی در پاریس اقامت داشت و به بازدید اماکن معتبره و کارخانجات و مدارس و غیره می پرداخت. از جمله روزی به تماشای عمارت و باغ ورسایل تشریف فرما شدند و شب در آنجا مهمانی بزرگ و چراغانی و آتش بازی ممتازی بود. روزی عزیمت انوالید (۶۱) که مقبره ناپلئون اول و سایر سرداران و برادران ناپلئون و سرداران قدیم ایام لوئی چهاردهم و غیره در آنجاست فرمودند. روزی به لونشان (۶۲) که چمن وسیعی است برای سان قشون تشریف بردند و قریب صدویست فوج پیاده نظام که هر فوجی چهارصد پانصد نفر بودند و سیصد عراده توپ از لحاظ نظر مهر اثر همایون گذشت. روزی نیز برای اسبدوانی به لونشان توجه فرمودند و شب این روز چراغانی و آتش بازی بود. شب به تماشای سیرک رفتند و از آنجا به عمارت لوور (۶۳) که جمیع حکما و دانشمندان پاریس آنجا بودند تشریف فرما گردیدند. روزی به جائی که پانوراما (۶۴) یعنی دورنما نام دارد به سیاحت مشغول شدند و در اینجا حالت جنگ فرانسه با پروس و محاصره پاریس چنان نمودار بود که گویا الآن صورت وقوع دارد. روزی به کلیسای نتردام و مدرسه معادن و روزی به گردش عمارت لوکسامبورگ که در این وقت دارالحکومه شهر پاریس می باشد و بعضی باغات و عمارات دیگر و کلیساها تشریف بردند. شبی به باله —

۵۸- Duc de Broglie

۵۹- Corps Législatif

۶۰- Buffet (بوفه : مستن)

۶۱- Invalides

۶۲- Longchamps

۶۳- Louvre

۶۴- Panorama

روایال (۶۵) که جائی است وسیع و دور آن چهارصد پانصد دکان دارد که همه چیز از جواهر اصل بسیار خوب و بدل و اسباب خرازی و بلور و چینی و غیره می فروشدند تشریف فرما شده بعضی چیزها خریده شد. روزی به تماشای ضرابخانه روزی به کارخانه قالی بافی و چاپخانه و عمارت لوور و روزی مجدداً به ورسایل و کارخانه چینی سازی ورسایل و دارالشوری و روزی به باغ وحش و نباتات و شبی در عمارت وزارت خارجه به دعوت مسیو دو بروگلی وزیر امور خارجه تشریف بردند. روزی به ونسن (۶۶) که سمت جنوب پاریس و خارج از شهر است و صحرائی بوده چمن و جنگل و ناپلئون سیم در آنجا خیابانها و دریاچه باصفا ساخته توجه کردند. و همین روز مدرسه خواهران ترحم دینی را بازدید فرمودند و شب این روز به تماشای سیرک گذشت.

خلاصه بعد از بازدید و سیاحت کامل روز بیست و سیم شهر جمادی-الاولی از پاریس عازم دیژن که یکی از شهرهای فرانسه است شده در کالسکه بخار نشسته وقت غروب به این شهر ورود فرمودند. دیژن پایتخت مملکت بورگن (۶۷) است.

روز بیست و چهارم از دیژن حرکت فرموده غروبى به شهر ژنو (۶۸) رسیدند. مهمانداران فرانسه که ژنرال پاژال (۶۹) و ژنرال-آرتور وکلنل شورن (۷۰) و مسیوبی برستن (۷۱) بودند از اینجا که آخر خاک فرانسه است مرخص شده رفتند. ژنو از شهرهای سویس و کارخانه-های ساعت سازی و موزیک سازی آن معروف است.

روز بیست و پنجم به سیر دور دریاچه ژنو گذشت و ناهار را مهمان مسیو سرزل پریزیدان که وطنش شهر ووئی (۷۲) است بودند. شب چراغانی و آتش بازی خوبی کنار دریا و توی کشتی کردند. روز بیست و ششم نیز به سیاحت همان حدود گذشت.

روز بیست و هفتم در مهمانخانه هوتل دلایه (۷۳) به ناهار موعود

۶۵- Palais Royal

۶۸- Geneve

۷۰- Chevron

۷۲- Vevay

۶۶- Vincennes ۶۷- Dijon, Bourgogne

۶۹- Gen. Pageal

۷۱- Biberstin

۷۳- Hôtel de la paix

دولت سویس بودند و بعضی اماکن و موزه و غیره ملحوظ نظر آفتاب‌اثر شاهانه گردید. عصرانه را نیز در باغ و بیلاق مسیو فاور (۷۴) که یکی از متمولین و نجبای سویس است و آن باغ و بیلاق کنار دریاچه ژنو سمت خاک سویس واقع است مهمان بودند.

روز بیست و هشتم از ژنو به شهر تورن پایتخت قدیم مملکت ساردن و پیه‌مون تشریف‌فرما گردیدند. در بین راه از شهر شامبری که می‌گذشتند تشریفات به‌عمل آمد. بعد از غروب آفتاب به گار شهر تورن رسیده اعلیحضرت ویکتورامانوئل ثانی پادشاه ایتالیا و نواب پرنس-هومبر ولیعهد و نواب پرنس آمده (۷۵) پسر دویم پادشاه که دو سال در اسپانیا سلطنت نموده بعد استعفا کرده و مسیو من‌گتی (۷۶) صدراعظم و بعضی دیگر از رجال دولت ایتالیا دم‌گار موکب معلی را پذیرفتند و اعلیحضرت همایون با اعلیحضرت پادشاه ایتالیا در کالسکه روبازی نشسته به‌عمارت دولتی که برای منزلگاه اعلیحضرت همایون است و اعلیحضرت پادشاه ایتالیا نیز در همین عمارت منزل دارند تشریف برده وقت شب بود و کوچه‌ها را چراغان کرده بودند. بعد از چند دقیقه به‌بازدید اعلیحضرت پادشاه رفتند.

روز بیست و نهم در تورن اقامت شد و به‌بازدید اسلحه‌خانه و بعضی اماکن دیگر گذشت. شام را مهمان اعلیحضرت پادشاه ایتالیا بودند و بعضی اسباب گرانبها در این روز اعلیحضرت معظم به‌اعلیحضرت شاهنشاه هدیه نمودند.

روز سلخ جمادی‌الاولی به‌تماشای انبیه و کتابخانه اعلیحضرت پادشاه ایتالیا و باغ وحوش و طیور و گردش شهر و میدان مشق مشغول بودند. شب چراغانی و آتش‌بازی خوبی کردند.

روز غرة جمادی‌الثانیه از تورن، بعد از وداع اعلیحضرت پادشاه ایتالیا و بدرقه ایشان، تا دم‌گار عازم شهر میلان شدند و دوساعت به‌غروب مانده به‌این شهر ورود فرمودند و در همین روز کلیسای این شهر را که نظیر آن در تمام عالم نیست و چهارهزار مجسمه مرمر به

ترکیبهای مختلف دارد تماشا نمودند و اگرچه این کلیسا شایسته است که شرح داده شود، اما چون وصف آن بهوجه اکمل در کتاب مستطاب سفرنامه همایون با قلم معجزرقم مبارک نگاشته و مسطور شده ما از آن گذشته فقط بهوقایع تاریخی میپردازیم.

بالجمله نواب ولیعهد دولت ایتالیا که از روز قبل بهمیلان برای پذیرائی مقدم مبارک آمده پذیرائی کامل نمود و شب را مهمان او بودند. روز دویم عزیمت شهر سالس بورغ که جزء مملکت اطریش است فرمودند واز شهرهای متعدد عبور شده تشریفات کامله همهجا بهعمل آمد. در آستاسیون آلا که سرحد دولتین ایتالیا و آستریه است کالسکهها ایستاده مأمورین و مهمانداران اطریش بهحضور مبارک آمدند. رئیس مهمانداران کنت دوگرنویل (۷۷) شخصی معتبر و پیشخدمتباشی اعلیحضرت امپراطور آستریه است. منصب نظامی هم دارد. از اینجا گذشته شبراهم در راه بودند فردا بهشهر سالسبورغ نزول فرمودند.

روز سیم بهقصد وینه موکب مسعود خسروانه انتهاز نمود. دربین راه از شهرهای متعدد عبور کرده تشریفات لایقه بهعمل آمد. نزدیک غروب بهآستاسیون بانزنک (۷۸) رسیده کالسکه ایستاد. اعلیحضرت امپراطور نمسه فرانسوا ژوزف دم کالسکه ایستاده منتظر بودند با نواب ولیعهد و شاهزادگان آن مملکت که دو فرسنگی شهر بهاستقبال آمده بودند پائین آمده با اعلیحضرت امپراطور شرایط مودت و اتحاد را ظاهر ساختند و با کالسکه بخار روانه منزل که قصر لاکسانبورغ است شدند. این قصر تاشهر وینه پنجفرسنگ مسافت دارد. منزل اعلیحضرت امپراطور قصر شونبرون است که بهشهر نزدیکتر می باشد.

روز چهارم بهقصر شونبرون بهبازدید اعلیحضرت امپراطور تشریف بردند.

روز پنجم بهملاقات نواب ولیعهد و گردش در همین اماکن گذشت. روز ششم بعضی از شاهزادگان و کنت اندرآسی صدراعظم و بعضی سفرای خارجه بهحضور مبارک تشریف جستند بعد از آن با کالسکه بخار بهقصر شونبرون تشریف برده شام را مهمان رسمی اعلیحضرت امپراطور

هستند. شونبرون قصبه‌ای است و خانه‌های آن وصل به خانه‌های بیرونی شهر ونیه است و چندان از شهر دور نیست. در این روز اعلیحضرت همایون نشان تمثال مبارک خود را که مکمل به الماس بود به نواب ولیعهد دادند.

روز هفتم به تماشای شهر وینده و بازار اکسپوزیسیون پرداختند و بسیاری از مواضع را از اکسپوزیسیون و غیره که بازدید می‌فرمودند اعلیحضرت امپراطور همراه بودند. از دولت ایران هم متاع و اجناس به این اکسپوزیسیون آورده و به امر همایون اعلیحضرت شاهنشاهی دام‌ملکه عمارتی نیز به سبک ایران در کمال امتیاز ساخته‌اند.

روز هشتم به گردش باغ و دریاچه گذشت.

روز نهم اعلیحضرت امپراطور اعلیحضرت همایون را به شکار دعوت کرده شکار بسیار خوبی شد. هم در این روز باغ وحش و طیور ملحوظ گردید و در همین روز کور دیپلماتیک (۷۹) وینده به حضور مبارک تشریف جستند.

روز دهم به گردش و عکس و غیره گذشت و شب را در تماشاخانه به تماشاهای غریب که حالات دیو و پری و اجنه و جنگلهای سبز و بهار و بعد حالت قطب شمال و کوههای یخ و اوضاع آنجا را می‌نمود مشغول بودند.

روز یازدهم برای سان قشون به شونبرون تشریف فرما شدند و اعلیحضرت امپراطور پانزده هزار قشون در این روز از سان نظر مهرآثر همایون گذرانیدند.

روز دوازدهم شب این روز چون علیاحضرت امپراطریس که به جهت علت مزاج به بیلاق رفته بودند مراجعت به شونبرون کرده در این محل مهمانی بسیار خوبی نموده ذات ملکوتی صفات مقدس تشریف فرمای شونبرون شدند. چراغانی و آتش‌بازی بسیار خوبی هم شد.

روز سیزدهم بعد از وداع با اعلیحضرت امپراطور به شهر سالسبورغ تشریف فرما گردیدند.

روز چهاردهم شهر انسبروک (۸۰) به ورود مسعود شاهانه مزین شد. روز پانزدهم عزیمت شهر بولون ایتالیا فرمودند. در این شهر تلگرافی مبنی بر اظهار مسرت و امتنان از این که مجدداً اعلیحضرت همایون به خاک ایتالیا ورود نموده‌اند از اعلیحضرت پادشاه ایتالیا که در شکارگاه کوه آلپ می‌باشند رسید.

روز شانزدهم در بولون توقف شد و به گردش این شهر و نواحی پرداختند.

روز هفدهم عازم برندیژی که آخر بندر ایتالیاست و آنجا کشتیهای دولت عثمانی حاضر شده که موکب اعلی را به اسلامبول ببرد شدند و فردای این روز که روز هیجدهم باشد به بندر مزبور ورود فرمودند. دو کشتی از دولت عثمانی یکی موسوم به «سلطانیه» مخصوص سواری اعلیحضرت سلطان عبدالعزیز خان سلطان عثمانی و یکی موسوم به «طلیعه» در اینجا حاضر و اشرف پاشا که سابقاً به سمت وزیر مختاری در دارالخلافه اقامت داشت با این کشتیها بود. دو ساعت به غروب مانده اعلیحضرت همایونی با بعضی خواص در کشتی سلطانی نشسته و سایرین داخل کشتی طلیعه شدند.

روز نوزدهم عازم اسلامبول گردیدند. شام و ناهار را آشپز اعلیحضرت سلطان در کمال امتیاز طبخ می‌کند.

روز بیستم از سواحل یونان عبور فرموده، روز بیست و یکم از خلیج آتن پایتخت یونان گذشته شش ساعت و نیم از شب گذشته نزدیک بغاز داردانل شدند.

روز بیست و دویم بعد از ناهار به بغاز داردانل رسیدند. محمد رشیدی پاشا صدراعظم مشهور به شیروانی زاده با رجال و صاحب منصبان بزرگ دولت عثمانی از اسلامبول از جانب اعلیحضرت سلطان به چناق قلع به استقبال موکب همایون آمده بود. کشتی سلطانیه مقابل قلعه سلطانیه لنگر انداخت. محمد رشیدی پاشا و همراهان او به حضور مبارک تشریف جستند. از اینجا تا اسلامبول ده ساعت راه است. یک ساعت و نیم به غروب مانده لنگر کشیده به طرف اسلامبول روانه شدند.

روز بیست و سیم سه هزار نفر از تبعه ایران که در اسلامبول بودند در کشتیها نشسته به استقبال موکب معلى آمدند. ایلچیهای خارجه نیز در کشتی بخار نشسته به استقبال آمده بودند. خلاصه کشتی آمد تامحاذی عمارت مشهور به «بیگلربیگی» که برای منزل اعلیحضرت همایون تعیین شده. این عمارت طرف آناتولی لب بغاز واقع است و از عمارات بسیار ممتاز دولتی می باشد و چون در محله بیگلربیگی ساخته شده به این اسم می نامند. از آنجا که جریان آب بغاز از بحر قرادنگیز به مارماراست (۸۱) و بسیار تند می رود کشتی ممکن نشد که محاذی عمارت لنگر بیندازد. از عمارت گذشته هزار قدم بالاتر ایستاد. بعد از چند دقیقه اعلیحضرت سلطان که در عمارت بیگلربیگی بودند سوار قایق مخصوص که برای اعلیحضرت همایون حاضر کرده بودند شده به کشتی سلطانیه آمده از اعلیحضرت شاهنشاهی پذیرائی شایان نموده پس از قدری صحبت از کشتی پائین آمده اعلیحضرت شاهنشاه ایران و اعلیحضرت سلطان عثمانی متفقاً در قایق نشسته به اسکله تشریف فرما شدند و اعلیحضرت سلطان، اعلیحضرت همایون را به عمارت برده اطاقهای منزل و عمارات را نشان داده به عمارت خودشان مراجعت نمودند. امروز در ورود موکب مسعود هر گونه تشریفات به وجه اکمل به عمل آمد. بعد از نیم ساعت اعلیحضرت شاهنشاهی با جناب مشیرالدوله صدراعظم و جناب معتمدالملک و علی بیگ تشریفاتچی باشی به عمارت طولمه باغچه به بازدید اعلیحضرت سلطان رفتند و اعلیحضرت سلطان تا پای پله به استقبال آمدند و اظهار کمال مودت و اتحاد را نمودند و بعد از قدری صحبت به منزل معاودت فرمودند.

روز بیست و چهارم سفرای خارجه مقیم اسلامبول و وکلای دولت عثمانی به حضور مبارک تشریف جستند. فریدپاشا از جانب والدۀ اعلیحضرت سلطان به احوالپرسی و تهنیت ورود مسعود مبارک آمد. قدری از روز را هم به گردش و سیاحت گذراندند.

روز بیست و پنجم در عمارت یالی چراغان ناهار را مهمان اعلیحضرت سلطان بودند.

۸۱- قرادنگیز= دریای سیاه و مارمارا (سرمره) دریای کوچکی بین شبه جزیره بالکان و

ناحیه آناتولی .

روز بیست و ششم به شهر اسلامبول به تماشای مسجد ایاصوفیا و سفارتخانه ایران تشریف فرما شدند. نواب یوسف عزالدین افندی پسر اعلیحضرت سلطان که شانزده ساله می‌باشد در این روز بدیدن اعلیحضرت همایون آمد. امشب شام را در عمارت بشکطاش دعوت رسمی بود.

روز بیست و هفتم به سیاحت جزایر و کشتی عزیزیه و غیره گذشت. روز بیست و هشتم در باغ والدۀ اعلیحضرت سلطان به اتفاق اعلیحضرت معظم به ناهار (۸۲) موعود بودند. در این روز باغ وحش و طیور هم ملحوظ نظر انور گردید. شب این روز حقه بازی در حضور همایون کارهای غریب عجیب کرد.

روز بیست و نهم کامل پاشا رئیس دارالشورای دولت به حضور مبارک مشرف شد. عصر این روز به یالی صدراعظم تشریف فرما شدند.

روز غرۀ رجب بعد از وداع با اعلیحضرت سلطان در کشتی سلطانیه نشسته عزیمت پوتی نمودند و چون کشتی طلیعه که وقت آمدن با کشتی سلطانیه بود چندان امتیازی نداشت کشتی موسوم به عسیر (۸۳) به جای آن برای ملتزمین رکاب اعلی معین شد.

روز چهارم به بندر پوتی رسیدند و پرنس منچیکوف و کلنل بیزاک مهمانداران سابق دولت روس که ابتدا به انزلی آمده بودند باز به اینجا آمده مشغول پذیرائی مقدم مبارک شدند و از کشتی سلطانیه به کشتی بخار کوچکی که از طرف پوتی آمده بود نقل مکان کرده و در رودخانه داخل و جائی که از این کشتی خارج می‌شدند لب رودخانه اطاق کوچکی موجود کرده بودند و نواب گراندوک میشل برادر اعلیحضرت امپراطور روس که جانشین و فرمانفرمای قفقاز است با صاحب منصبان و ژنرالها دم اسکله حاضر بودند. بعد از تقدیم تعارفات و تشریفات با کالسکه بخار به راه افتادند و فردا صبح به تغلیس رسیدند. در اینجا نیز تشریفات کامله به عمل آمد و در این روز از نواب گراندوک میشل دیدن کردند. نواب معظم نیز با زوجه خود به بازدید اعلیحضرت همایون آمدند و بعدها

۸۲- درستن همه جا: «نهار».

۸۳- سفرنامه: «کشتی موسوم به عسیر که کشتی جنگی است».

بعضی مواضع در این روز و در شب این روز ملحوظ نظر مهر اثر شاهانه گردید.

روز سه‌شنبه ششم شاهزاده بهمن میرزا (۸۴) که از قرا باغ آمده بود با پسرهای خود به حضور مهر ظهور مبارک مشرف شد. شب این روز در خانه جانشین به شام موعود بود. چراغانی و آتش‌بازی بسیار خوبی هم کردند.

روز هفتم از تغلیس عزیمت بادکوبه فرمودند.

روز هشتم تشریف فرمای گنجه گردیدند.

روز نهم به طرف توریان چای که از محال شکی است توجه شد.

شب یازدهم دو ساعت از شب رفته شهر شماخی به ورود مسعود همایون مزین گردید. همه جا را چراغانی کرده بودند.

روز یازدهم نیز دو ساعت از شب گذشته به شهر بادکوبه ورود فرمودند و بعد از صرف شام به کشتی قسطنطین که در ابتدای سفر خیریت‌اثر در آن نشسته بودند داخل شده و بعضی ملتزمین رکاب ظفر نصاب همایون نیز در کشتی موسوم به «شاه» نشسته به راه افتادند. روز دوازدهم اگرچه نزدیک به‌انزلی شدند ولی طوفان و انقلاب دریا مانع بود که وارد اسکله انزلی شوند.

روز چهاردهم رجب به‌انزلی شرف ورود ارزانی فرموده عموم اهالی ممالک محروسه از سلامت و معاودت اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی قرین تشکر کامل و مسرت وافر گردیدند و سفرخیر اثر فرنگستان به سعادت اختتام یافت.

تذیل:

بعضی سوار تراکمه قریه بیار را تاخته نواب جهانسوز میرزا سواره نردینی را مأمور کرده سواره مزبور تراکمه را تنبیه کرده آنچه نهب نموده بودند از ایشان مسترد ساختند.

از وقایع حزن‌انگیز این سال رحلت نواب علیه‌عالیه خدر عظمی و

ستر کبری مهدعلیا والدۀ محترمة اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی است که روز ششم ربیع الثانی در دارالخلافت طهران به جوار رحمت الهی پیوستند و در بلدۀ طیبۀ قم در بقعۀ مبارکۀ حضرت معصومه سلام الله علیها در مقبرۀ شهریار مبرور ماضی مدفون گردیدند.

عباسقلی خان سردار لاریجانی بیست و هفتم ربیع الاول مرحوم شد. نواب فخرالدوله عمۀ محترمة اعلیحضرت همایون شب بیستم شهر جمادی الاولی به رحمت ایزدی پیوست.

جناب حاجی سید اسدالله مجتهد اصفهانی ولد مرحوم حاجی سید محمد باقر از اجلۀ علمای اصفهان در بین راه عتبات عالیات در منزل کردند شب سلخ جمادی الاخری داعی حق را لبیک اجابت گفت.

جناب حاجی میرزا حسین خان مشیرالدوله صدراعظم، بعد از ورود موکب مسعود به خاک ایران، از این منصب جلیل استعفا کرده در رشت متوقف گردیدند.

روز سلخ رجب المرجب موکب اقدس اعلی که از سفر خیر اثر فرنگستان معاودت می فرمود دارالخلافت باهره را به مقدم بهجت شیم مبارک مزین نمود.

وزارت جنگ و امارت توپخانۀ مبارکه و قورخانه و کلیۀ امور متعلقه به اداره عسکریه کمافی السابق به عهده کفایت نواب والا نصره الدوله موکول آمد.

مجلس دربار با اجزای مسطور در ذیل تشکیل یافت:
جناب اجل میرزا یوسف مستوفی الممالک وزیر داخله و رئیس کل دفاتر و محاسبات و خزانه و غیره و رئیس دارالشوری و ناظم دارالخلافت و خالصه جات.

نواب والا نصره الدوله وزیر جنگ.

نواب والا اعتضاد السلطنه وزیر علوم.

نواب والا عماد الدوله وزیر عدلیۀ اعظم.

جناب میرزا سعید خان مؤتمن الملك وزیر امور خارجه.

جناب نصیرالدوله وزیر تجارت.

جناب مجدالملک وزیر وظایف.

جناب میرزا علی خان منشی حضور وزیر رسایل.

جناب اجل آقای مستوفی الممالک به اعطای قلمدانی مرصع به جواهر مباحی گردیده دستخط جهان مطاع به افتخار جناب معظم شرف صدور یافت که سواد آن از قرار ذیل است:

وجود جناب آقا در دربخانه دولت لازم است و از آمدن جناب ایشان کمال خرمی و خوشحالی به ما دست داد. ان شاء الله تعالی امور متعلقه و سپرده به خود را مجدداً به تحت قاعده و نظم خواهد آورد. از امروز که روز غره شعبان المعظم است به خواست خداوند متعال امور مخصوصه معینه را به جناب ایشان محول و موکول می فرمائیم که آنچه در قوه دارد به انتظام آنها بکوشد و در این امورات اولاً خدای تعالی امداد فرموده ثانیاً ما کمال تقویت را ان شاء الله تعالی خواهیم نمود. سنه ۱۲۹۰ تخاقوی ثیل در مراجعت از فرنگستان نوشته شد.

وزارت داخله که حدود معینه دارد و تفصیل داده خواهد شد: ریاست دارالشورای دولتی، رسیدگی به محاسبات دولت و مملکت و ریاست دفترخانه استیفا و جمع و خرج، نظم خزانه و بیوتات دولت کلیه، رسیدگی به امور دارالخلافه باهره و خالصه جات مخصوص طهران و بلوکات آن.

جناب علاء الدوله که علاوه بر منصب کشیکچی باشیگری در سفر خیریت اثر فرنگستان موقه به سمت ایشیک آقاسی باشیگری معرفی شدند، در این اوان اداره فراشخانه مبارکه و باغات و عمارات دیوانی دارالخلافه باهره و سایر بلاد ممالک محروسه را مزید سایر مشاغل جناب معزی الیه نموده به ایشان واگذار و به اعطای یک قبضه عصای مکمل به الماس برلیان مباحی آمدند.

آقا رضای عکاس باشی و پیشخدمت مخصوص، خازن صرف جیب و آجودان مخصوص حضور همایون گردید و دستخط ملوکانه در این باب شرف صدور یافت که سواد آن از قرار ذیل است:

آقا رضای عکاس‌باشی پیشخدمت خاصه از عهدصبی و اوایل حال درآستان اعلی تربیت شده و در رجوع هر خدمت قابلیت خود را ظاهر کرده خاطر ما را راضی داشته است این اوقات به منصب تحویل‌داری وجوه صرف جیب مبارک و جنسی را به عهده او محول فرموده محض مرحمت خاطر مهر مآثر او را به سمت آجودانی مخصوص حضور مبارک اختصاص دادیم که به این موهبت قرین کمال مباهات و سرافرازی بوده در خدمت محوله شرایط امانت و صداقت مرعی دارد.

فی شهر شعبان المعظم سنه ۱۲۹۰ .

چون نواب والاعمال الدوله به وزارت عدلیه اعظم برقرار آمد دستخط جهان مطاع مبارک از قرار مضمون مسطور در ذیل شرف صدور یافت:

چون نظم امور رعایا و عرض عارضین و ملهوفین همیشه منظور نظر ما بوده و هست و لازم است که شخصی امین و نوکری دولتخواه در انتظام این شغل و امر بزرگ بگماریم که به عدالت تمام رفع ظلم را از مظلوم کرده بر مراتب دعاگوئی و آسودگی عموم رعایا بیفزاید لهذا عمادالدوله را که دارای صفات حسنه است منتخب فرموده این شغل بزرگ را به عهده کفایت و درایت اومی گذاریم و امیدواریم آنچه منظور نظر ماست از قوه به فعل آورد. در این ماده از طرف ما کمال تقویت در انتظام این شغل به او خواهد شد ان شاء الله تعالی.

سنه ۱۲۹۰ تخاقوی ثیل.

بنده مؤلف به منصب معاونت دیوانخانه عدلیه اعظم مفتخر و سرافراز آمد و دستخط مبارک شرف صدور یافت که سواد آن از قرار ذیل است:

عمادالدوله ! برای ابلاغ احکام همایونی به دیوان عدالت عظمی و عرض مطالب این وزارتخانه به حضور مبارک و گرفتن

عرایض عارضین در سواری محمدحسن خان صنیعالدوله را معین فرمودیم که در سفر و حضر مواظب این خدمت بوده خاطر آن عم اکرم را از این فقرات آسوده دارد و به موجب این دستخط به سمت معاونی دیوانخانه عدلیه اعظم برقرار و به انجام و اجرای تکالیف مقرر مأمور است.

فی شعبان سنه ۱۲۹۰.

برای هریک از ولایات ممالک محروسه نیز مقرر شد عدالتخانه موضوع و برقرار شود و رئیس آن از طرف وزارت عدلیه دارالخلافه معین گردد.

روز هیجدهم شعبان موکب معلی تشریف فرمای مدرسه مبارکه دارالفنون و مریضخانه دولتی شده وضع انتظام این دودایره جلیله زایدالوصف پسند خاطر مهر مظاهر شاهانه گردیده دستخطی به افتخار نواب والا اعتضادالسلطنه وزیر علوم شرف صدور یافت که سواد آن از قرار ذیل است:

اعتضادالسلطنه ! مواظبت شما در خدمات دولت همیشه ممدوح و مطبوع ما بوده و این که در غیاب خود هم به حسن اداره و کفایت خود طوری امر مدرسه و سایر خدمات مقرر را نگاه داشته اید که امروز کار مدرسه و مریضخانه را به این خوبی مشاهده کردیم دیگر بیشتر خاطر ما راضی شد. به علامت این رضا و مسرت خودمان یک ثوب سرداری از ملبوس مخصوص فرستادیم که به مرحمت کامله شامله ما زیاد امیدوار باشید. زیاده فرمایشی نیست.

حکمرانی عراق را به جناب دبیرالملک واگذار فرمودند.
جناب میرزا علی خان وزیر رسایل به لقب جلیل الامین الملک ملقب گردید.

حسنعلی خان ژنرال آجودان را به حکومت ولایات اردبیل و مشگین و ایلات شاهیسون این دو ولایت سرافراز فرموده این شغل را علاوه بر ریاست افواج سپرده به او فرمودند.

جناب عضدالملک را علاوه بر منصب جلیل خوانسالاری و خازنی مهر مهرآثار به منصب ایلخانگیری ایل جلیل قاجار سرافراز فرمودند و دستخط همایون از قرار شرح زیر شرف صدور یافت:

چون انتظام امور قاجاریه همیشه منظور نظر ما بوده و هست لهذا در هذہ السنہ تخاقوی ٹیل و مابعدہا ایلخانگیری کل قاجاریہ را علاوه بر نظارت و مہر داری بہ عہدہ عضدالملک واگذار می فرمائیم کہ در آراستگی نوکرایل و نظم امورشان مساعی جمیلہ بہ کار برده کوتاہی نکند.

فی شہر شعبان المعظم سنہ ۱۲۹۰ .

جناب کنت دبسکی وزیر مختار دولت نمسہ مقیم دربار دولت علیہ ایران کہ چندی قبل بہ جہت پذیرائی مقدم مبارک اعلیحضرت همایون بہوینہ معاودت کردہ بود، کمرہ بعد اولی بہ موجب مأموریت سابق و لاحق خود، بہ دربار دولت علیہ عود کردہ روز پنجم رمضان با شرایط تشریفات وارد دارالخلافہ گردیدہ و روز ہشتم بہ حضور مہرظہور تشریف جست. محض مرحمت مخصوص از جانب سنی الجوانب همایون دربارہ حضرت مستطاب اجل شاہنشاه زادہ معظم ولیعهد دولت علیہ ایران سلطان مظفرالدین میرزا ادام اللہ اقبالہ العالی یک قبضہ شمشیر مرصع مکمل بہ الماس بسیار گرانبہا بہ افتخار نواب مستطاب معظم مرحمت فرمودند و این بندہ آن عطیہ مبارکہ را بہ جناب صاحب دیوان وزیر مملکت آذربایجان ابلاغ داشت کہ ایشان خدمت شاہنشاه زادہ اجل اعظم تبلیغ نمایند و جناب صاحب دیوان بہ منصب نبیل ولقب جلیل وزیر نظامی ویک ثوب جبہ شمسہ مرصع خلعت آفتاب طلعت همایون سرافراز گردیدہ دستخط همایون بہ شرح ذیل بہ افتخار جناب معزی الیہ شرف صدور یافت:

چون صاحب دیوان در خدمات محولہ بہ خود در آذربایجان کمال سعی را کردہ است بخصوص در امر قشون، در این اوقات کہ از رکاب مرخص شدہ بہ آذربایجان می رود او را بہ منصب جلیل وزیر نظامی مفتخر نمودیم کہ با کمال دلگرمی مشغول خدمات محولہ بہ خود باشد.

سنہ ۱۲۹۰ تخاقوی ٹیل

ابلاغ اوامر علیه به مجلس شورای کبری و عرض عرایض وزرای فخام به خاکپای مبارک بر عهده امین السلطنه پیشخدمت خاصه مقرر آمد. دستخط همایون از قرار شرح ذیل شرف صدور یافت:

اعلام و اخبار وزرای دارالشورای کبری به عهده محمد علی خان امین السلطنه است که سمت ایشیک آقاسی باشیگری وزراء خواهد داشت در ایام شنبه و سه شنبه دائماً و مستمراً و در اوقات دیگر حسب الاتفاق که مطلبی باشد و حضور وزراء لازم افتد همه را در مجلس دربار اعظم حاضر خواهد کرد و موافق فرمایش ما صورت مشورت و مسئله مقرر را به آنها ابلاغ خواهد نمود و حاصل مشورت را به حضور خواهد رسانید.

شهر شعبان سنه ۱۲۹۰.

جناب مسیو ملینه که از جانب دولت فرانسه به سمت وزیر مختاری مأمور دربار دولت علیه بود در اواسط رمضان با شرایط تشریفات معموله وارد دارالخلافه گردیده روز سیم ورود به حضور باهرالنور اقدس تشریف جست.

نواب شعاع الدوله به حکومت همدان سرافراز آمد.

نواب محمد امین میرزا به حکومت گلپایگان و خوانسار مباحی گردید.

انجام خدمات مسطوره در ذیل به عهده میرزا قهرمان امین لشکر موکول گردید: وصول وجوه نظام از ولایات ممالک محروسه، تصدی امر ملبوس کل قشون، رسیدگی به امور خیام خانه نظام، محاسبات نظامی و رسیدگی به امور محاسبه قورخانه ممالک محروسه.

حاجی میرزا یحیی خان نایب نور را یکی از نوکرهای او به زخم چارپاره از پا در آورد.

امیر علم خان حشمة الملك امیر تومان که در سیستان خدمت کرده بود به یک قبضه شمشیر مرصع مکمل به الماس مفتخر گردید.

فوج بهادران تبریز را علاوه بر فوج ششم اقبال جمعی محمدباقر-
 خان شجاع السلطنه به معزی‌الیه ابواب جمع فرمودند.
 وزارت عسکریه به اهتمام حضرت اجل اعظم شاهنشاه زاده والا
 نایب السلطنه امیر کبیر ادام‌الله اقباله العالی و نواب والا حسام السلطنه
 ونواب والا معین الدوله و جناب ناصرالملک و میرزا موسی رئیس دفتر-
 لشکر نهایت منظم است.
 وزارت امور خارجه را برعهده کفایت جناب حاجی میرزا حسین-
 خان مشیرالدوله مفوض فرمودند و دستخط مبارک در این باب از قرار
 شرح ذیل شرف صدور یافت:

چون وزارت امور خارجه اعظم امور دولت است انتظام
 آن پیوسته منظور نظر است لهذا در این اوقات اداره و منصب
 وزارت امور خارجه را برعهده کفایت جناب میرزا حسین خان
 مشیرالدوله واگذار فرمودیم که آنچه در قوه خود داشته باشد
 صرف انتظام این کار نماید.
 سنه ۱۳۹۰. تخاقوی‌ئیل.

امیرزاده هوشنگ میرزا ولد مرحوم ملک‌آرا را به ایلخانگیری
 یک هزار سوار افشار و دویرن و غیره و لقب ایلخانی سرافراز فرمودند.
 نصرالله خان حاکم کرگان رود به منصب سرتیپی سیم واللهیارخان
 حاکم اسالم به منصب سرهنگی مباحی آمد.
 خدمت تولیت آستان ملایک پاسبان حضرت رضوی سلام‌الله علیه
 را به جناب میرزا سعید خان مؤتمن‌الملک رجوع فرمودند.
 عباسقلی خان سرکرده نوکر اشرفی به یک قطعه نشان سرهنگی از
 درجه اول با حمایل آن سرافراز آمد.
 وزارت تجارت برعهده جناب نصیرالدوله میرزا عبدالوهاب خان
 مقرر است.
 حکومت بروجرد به کفایت نواب والا عزالدوله عبدالصمد میرزا
 موکول است.

ابراهیم میرزا پسر مرحوم حاجی ابوالفتح میرزا به نیابت حکومت بختیاری و غلامحسین میرزا پسر مرحوم احتشامالدوله به نیابت جاپلق برقرار گردید.

میرزا عبدالغفار معلم کل علوم ریاضی که مخصوصاً در علم نجوم و هیئت و هندسه تبحری دارد به منصب منجم باشیگری اعلیحضرت همایون و لقب نجمالملکی و خلعت مهر طلعت همایون سرافراز شد.

عبدالحسین خان ولد مرحوم خانباخان سردار به لقب و منصب ژنرال آجودانی و اعطای یک قطعه نشان و حمایل از درجهٔ دویم سرتیپی مباحی گردید.

بندۀ مؤلف به لقب و منصب مقدمالسفرائی سرافراز آمد.

ادارهٔ عمارات عالیات و باغات مبارکات را با عملهٔ احتساب نیز به چاکر واگذار فرمودند و دستخط جهان مطاع مبارک از قرار شرح ذیل شرف صدور یافت:

محمد حسن خان صنیعالدوله که برآورده تربیت و عنایت ماست و در مدت خدمات حضور همایون کفایت و صداقت او را آزموده ایم، در هذالسنه تخاقوی ثیل و مابعدا علاوہ بر خدمات سابقه از قرار تفصیل خدمات ادارهٔ باغات دیوانی را به عهدهٔ کفایت او مرجوع فرمودیم: عمارت و باغ نگارستان، عمارت و باغ لاله زار، باغ وحش و طیور، عمارت و باغ ایلخانی، عمارات و باغ سلطنت آباد، عمارات و باغ اقدسیه، عمارات و باغات نیاوران، باغ مرحومهٔ مهدعلیا طاب ثراها در نیاوران، خیابان بزرگ نیاوران، عمارت ناهارخوری دربند، خیابان باب همایون، خیابان ناصریه، کوچه های اطراف عمارت، خیابان باغ ایلخانی، خیابانهای سمت دروازه شمیران و جلو خانهٔ اعتضادالدوله، عمارات و باغ کن، باغ و عمارات دولت آباد، عمارت قدیم و جدید جاجرود، عمارت و باغ قصر قاجار، عملهٔ احتساب تماماً، قنوات متعلقه به باغات که در مواظبت و شروط این خدمت چنان که منظور نظر همایون است کوشیده

تماماً را قرین انتظام و آباد نگاه دارد و حسن خدمت خود را در این مأموریت ظاهر سازد.
فی شهر ذیحجة الحرام سنه ۱۲۹۰.

حاجی میرزا محسن خان وزیر مختار اسلامبول به لقب نبیل معین-الملکی سرافراز شد.

سوانح عمده و وقایع عظیمه‌ای که در ظرف این سال در تمام روی زمین و اقطار عالم اتفاق افتاد

اسپانیا:

شورش هواخواهان دن کارلوس قوت و امتدادی به هم رسانده و دولت تهیه زیادی به جهت دفع یاغیان می‌بیند، همچنین شورش اهالی جزیره کوبا. استعفای آمده دویم پادشاه جدید از سلطنت و رفتن پادشاه با خانواده خود به پرتوغال. تجدید وضع جمهوری نمودن. فتوحات دن کارلوس در اغلب نقاط.

اطریش

فوت امپراطریس کارولین اگوستا از اقوام امپراطور. مقرر داشتن قشون دولت اطریش را به هشتصد هزار.

افتتاح اکسپوزیسیون صنایع در اول ماه مه در وین. ورود اعلیحضرت امپراطور روس و نواب ولیعهد این دولت به تماشای اکسپوزیسیون در اول ماه ژوئن و ورود اعلیحضرت امپراطریس آلمان در اواخر همین ماه. ورود اعلیحضرت شاهنشاه ایران به وین در سی و یکم ژوئیه. ملاقات اعلیحضرت امپراطور ایتالیا و اعلیحضرت امپراطور-اطریش در وین. اختتام اکسپوزیسیون در دویم نوامبر.

جشن سال بیست و پنجم جلوس اعلیحضرت امپراطور را در اغلب نقاط گرفتند.

آلمان:

ورود سفرای ژاپن در برلن.
شورش در فرانکفور که استعمال حربه برای دفع شورشیان لازم شد.

مسافرت اعلیحضرت امپراطور به پترزبورغ.
ازدواج شاهزاده لئوپولد باویر با پرنسس ژیزل دختر اعلیحضرت-امپراطور اتریش.

ورود اعلیحضرت پادشاه ایران در برلن در سلخ ماه مه.
چون قسط آخر خسارت جنگ فرانسه داده شد قلعه بلفر (۱) را که آخر نقاط متصرفی بود و به طور گروگان نگاه داشته بودند عساکر پروس خالی کرده رفتند.

ملاقات اعلیحضرت پادشاه ایتالیا و اعلیحضرت امپراطور آلمان در برلن و ملاقات اعلیحضرت امپراطور آلمان با اعلیحضرت امپراطور اتریش دروین.

فوت ژان پادشاه ساکس.

انگلیس:

بعضی از رجال دولت از ترقیات و پیشرفت قشون روس و فتوحات آنها در سمت خیوق متغیرند بنابر این دولت روس ژنرال شوالف آجودان مخصوص اعلیحضرت امپراطور را به جهت اطمینان دولت انگلیس به لندن می‌فرستد.

فوت ناپلئون سیم امپراطور سابق فرانسه در قصر اشلسهورست من توابع لندن در نهم ژانویه يك ساعت ونیم قبل از ظهر.

در افتتاح مجلس پارلمان، لرد گرانویل وزیر امور خارجه وکلای ملت را اطمینان می‌دهد که دولت روس به هیچوجه در خیال نگاه داشتن خیوق نیست.

اعلیحضرت پادشاه انگلستان به تعزیت و تسلیت به قصر اشلسهورست به دیدن امپراطریس اوژنی رفتند.

ابتدای منازعه مابین پادشاه آشانتی که یکی از سلاطین افریقاست با دولت انگلیس. ژنرال ولسنی مأمور به منازعه با پادشاه آشانتی است. فتوحات سردار مذکور در آن مملکت.

ایتالیا:

طغیان رودخانه پو و خرابی رسانیدن به اغلب نقاط. تأسف اغلب مردم از فوت ناپلئون سیم. توجه کردن مردم در میان خود تنخواهی برای ساختن مجسمه ناپلئون سیم. ورود اعلیحضرت شهریار ایران در بیست و پنجم ژوئیه به ایتالیا.

چین:

خاقان چین که طفل بود به سن بلوغ رسیده خود کفیل امور سلطنت می‌شود.

روس:

فوت عمه اعلیحضرت امپراطور گران دوشس هلن. ورود جمعی از معارف قرقیز به پترزبورغ و تظلم نمودن از تعدیات خان خیوق. بنابراین ژنرال کفمان با دوازده هزار قشون به تنبیه خان خیوق مأمور شد.

ورود اعلیحضرت شاهنشاه ایران در شانزدهم ماه مه به حاجی طرخان. نیز ورود اعلیحضرت شاهنشاه معظم در بیست و یکم همین ماه به پترزبورغ. عساکر روس در اول تابستان از دو نقطه وارد خیوق شده شهر خیوه را متصرف گردیدند. بعد از تصرف شهر خیوق در بیست و پنجم ژوئیه انعقاد مصالحه مابین سردار روس و خان خیوه شد مشروط براین که یک قسمت از مملکت خود را به تصرف سردار روس و یک قسمت را به تصرف سردار بخارا دهد و خود رامثل سایر خوانین ترکستان در تحت سلطنت روس شناسد. بعد از انعقاد این صلح طایفه یموت خیوقی به خان خیوق شوریدند و خان مجبور شد که از سرداران روس استعانت جوید. انعقاد عهدنامه مابین دولت روس و امیر بخارا. کشتیرانی در رود آمو آزاد خواهد بود. کاروان تجار روس با کمال آزادی در تمام

خاك بخارا می‌تواند تجارت کند. غرباً بدون این که دارای باش‌برت (۱) از روس باشند حق توقف در بخارا را ندارند. خرید و فروش بنده و برده ممنوع است.

ژاپن:

مسافرت نواب گراندوک آلکسی پسر اعلیحضرت امپراطور روس به‌این مملکت. میکادو عید نوروز فرنگیها راجشن گرفته سفرائی را که در دربار او هستند پذیرائی می‌کند.

سوئیس:

فوت دوک دبرونزوئیک در شهر ژنو و بخشیدن معادل چهار کرویر ایران از املاک خود را به اهالی شهر.

عثمانی:

نصب اسعد پاشا به صدارت و عزل محمد رشدی پاشا. ورود اعلیحضرت شاهنشاه ایران در هیجدهم ماه اد به اسلامبول.

فرانسه:

ایجاد مجلس وکلای دولت که در زمان سلطنت رسم بوده موسوم به مجلس سنا.

استعفای مسیو طیر از ریاست جمهوری و وزرائی که تبعه او بودند در اواخر آوریل و نصب مارشال ماک ماهون به ریاست.

ورود اعلیحضرت پادشاه ایران در دهم ماه ژوئیه به پاریس. مدت ریاست مارشال ماک ماهون به هفت سال مقرر شد.

مارشال بازن که در قلعه متس محصور بود و آن قلعه را به تصرف عساکر پروس داده بود حکم عزل او از سرداری باحکم قتل او از شورای عسکریه صادر شد. مارشال ماک ماهون به واسطه حق عفوی که دارد از قتل او در گذشت لیکن مقرر شد مدت بیست سال تمام در جزیره سن مارگریت که نزدیک به سواحل فرانسه است محبوس باشد.

مکزيک:

لردتژادا رئیس جمهوری در افتتاح مجلس در صدد این است که بلکه بتواند رشته الفت و دوستی را که سابقاً با فرانسه داشتند محکم کند. اهالی ملت روز فوت ژوآرز رئیس سابق را روز عزا و روز تولد او را مقرر داشتند روز عیش برای تمام ملت باشد و برای اولاد و اقربای او وظیفه قرار دادند.

هالاند:

ابتدای منازعه مابین این دولت و سلطان اتچین که در يك قسمت از جزایر سوماترا سلطنت دارد. اهالی مذهب اسلام دارند. شکست قشون هالاندی از قشون اتچین به واسطه زخم خوردن ژنرال کلهر سردار قشون هالاندی.

شرح وقایع سال بیست و هشتم

سلطنت اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاه جم‌جاه
خسرو صاحبقران شیدالله تعالی دعایم ملکه مطابق
سنه هزار و دویست و نود و یک هجری تخاقوی
تیل ترکی که بعد از یک ماه تقریباً ایت‌تیل می‌شود

کلیه امور و مهام دولتی و ملکی در این سال خیر مآل به توجهات
خاصه اعلیحضرت همایون مخصوص و با انتظام تمام و ترقیات کامله
مقرون است.

میرزا ابراهیم خان سهام‌الملک ملقب به سهام‌الدوله گردید.
میرزا سید رضی برادر مرحوم میرزا سید عبدالله ناظم میزان به
منصب استیفا از درجه سیم نایل آمد.

حکمرانی دارالعباد یزد را به جناب معتمد‌الملک وزیر مخصوص
مرحمت فرمودند و حسینقلی خان مافی وزیر سابق اصفهان از جانب جناب
معظم به نیابت حکومت رفت.

حاجی حسین خان شهاب‌الملک والی خراسان به لقب جلیل‌نظام‌الدوله
و خطاب جنابی سرافراز آمد.

میرزا جوادخان سرهنگ و رئیس تلگرافخانه آذربایجان به منصب
سرتیپی مفتخر گشت.

والیگری ایالت کردستان را ضمیمه حکمرانی کرمانشاهان فرموده
به نواب والا مویدالدوله مرحمت کردند.

حکمرانی عراق و بروجرد را به عهده کفالت نواب والا نصره الدوله واگذار فرمودند.

مهام امور دولتی راجع به وزرای سته گردید و دستخط مبارك از قرار شرح مسطور در ذیل شرف صدور یافت.

سواد دستخط مبارك

از اعضای دولت و اعضای مملکت شش نفر رؤسای ادارات مهمه دولتی را که جناب مستوفی الممالك و جناب مشیرالدوله و نواب اعتضاد السلطنه وزیر علوم و نواب عماد الدوله وزیر عدلیه و جناب علاء الدوله وزیر جنگ و جناب عضدالملک ایلخانی و خازن مهر مبارك است انتخاب فرموده وزرای مختار دربار اعظم لقب دادیم و کلیات امورملکیه را که منفرداً به عهده هریک از آنهاست مستقلاً به ذمه این مجلس و مجمع گذاشتیم. به این معنی که هیئت مجتمعه مزبوره که وزارت مختار دربار اعظم نامیده شده است از این تاریخ که شهر ربیع الاول ایت ثیل سنه هزار و دویست و نود و یک هجری است از جزء و کل امور مملکت ایران مسئولیت تکالیف این مجمع و مجلس را که تطبیق جمع و خرج و انتظام قشون و رفع هرگونه اختلال داخله و تعدی حکام ولایات و مباشرین دیوانی، وصول وجوه حواله و انتقال بروات اجرای بعضی مقاصد عالیّه همایونی است جداگانه در ضمن اوراقی چند به دستخط خود مرقوم و مقرر داشته ایم که من بعد فقط مهراین مجلس که به لفظ صحیح «وزرای دربار اعظم» است برای اتمام و نفاذ احکام کافی خواهد بود و در حواله بروات مهر دیگر که مشعر به ادای وجه نقد وضع شده است در محل حواله زده می شود. تغییر و تبدیل متصدیان امور را با دلایل عیب و رجحان مختار هستند و به اختیارات وافیّه خود که بلا استثنا در امور دولت دارند در هیچ مورد و مقام وسیله عذری نخواهند داشت. این اعضای شش گانه کنفس واحده هیئت متحده دارند و دررای و رویت آنها ذرمای اختلاف نخواهد بود.

وزارت مختار دربار معنی يك قدرت و يك اثر قوی ظاهر خواهد نمود که هیچکس تعدد وزرا را به تصور نیاورده که صورت متحده و منفرده ببینند و این وزرا که به این مقام اختصاص یافته اند به مواحدت و معاضدت و اتفاق با یکدیگر قدرتی را که به آنها افاضه فرموده ایم حفظ کنند و اشکالات امور را به این وسیله تسهیل نمایند. رثوس مسائل و امور مهمه را به ما عرض کنند. سایر کارها را که خود قطع و فصل می کنند، لدی-الاقتضا به طور روزنامه معروض خواهند داشت. رجوع ولایات کلیه به این مجلس خواهد بود و جواب از مجلس صادر می شود. سایر وزرای دربار که به لفظ مختار اختصاص ندارند اعضای مجلس عمومی خواهند بود. خلاصه این حکم این است که از این تاریخ به بعد کل امور دولت راجع به وزرای مختار سته است لا غیر و اینها نفس واحده هستند و از جانب ما کمال تقویت در انتظام عمل آنها به عمل خواهد آمد و آنچه در امور دولت صلاح بدانند فوراً مجری می داریم و احکامی که در ترقی مملکت از طرف ما می شود فوراً باید مجری دارند و از این تاریخ به بعد مسئولیت کل امور دولت به عهده وزرای سته مختار است.

شهر ربیع الاول ایت ثیل ۱۲۹۱

رسم تنظیمات حسنه معمول و اجرای آن به عهده نواب و الاعضا – السلطنه موکول آمده دستخط مبارک شرف صدور یافت که سواد آن عیناً در این محل درج می شود:

اعتضاد السلطنه! کتابچه ای که در دربار اعظم نوشته شده است از امروز به بعد شما محصل اجرای تمام فقرات و قانون آن کتابچه هستید که در ولایات معین فقرات کتابچه قانون حسنه را مجری نمائید و نگذارید احدی تخلف نماید. هرگاه از شما و اهل مجلس و مأمورین ولایات اهمالی ظاهر شود مؤاخذه سخت خواهد شد.

فی شهر صفر ۱۲۹۱

جناب علاء الدوله محمدرحیم خان به وزارت جنگ سرافراز و دستخط مبارک به شرح ذیل شرف صدور یافت:

محمدرحیم خان علاء الدوله از بدایت نوکری خود مرجع هر خدمت شده به خوبی از عهده برآمد و در هر موقع و مورد به کمال کفایت و قابلیت امور محوله را آن طور انجام داد که میل خاطر ما بود. چندی ریاست قشون عراق به عهده معزی الیه محول بود. از امروز قسمت قشون آذربایجان را هم ضمیمه اداره او فرموده و به موجب این دستخط او را ریاست مستقلة و اختیار تامه می دهیم. در عزل و نصب ورد و قبول ارباب منصب مجاز و مختار و وزیر جنگ دولت ایران است و باید خود را مستقلا به این خدمت مکلف و مأمور دانسته در انتظام امور قشون اهتمامات مفیده مبذول دارد.

شهر صفر المظفر ایت ثیل ۱۲۹۱

نواب تیمور میرزا حسام الدوله که زیاده از هشتاد سال زندگانی کرده بود به رحمت الهی پیوست.

تراکمه مرو و سالور و ساروق و آخالی را که عزیمت تاخت و تاز خراسان داشتند شجاع الدوله امیر حسین خان حاکم قوچان واللهیارخان حاکم دره جز به دستور العمل نظام الدوله والی خراسان تنبیهی به سزا نموده اند.

موکب همایون در ماه جمادی الاولی عزیمت لار فرموده در روز هشتم جمادی الثانیه از لار معاودت و به قصر نیاوران تشریف ورود ارزانی فرمودند. آقارضا آجودان مخصوص به یک قطعه نشان شیر و خورشید از درجه دویم و پانصد تومان اضافه مواجب سرافراز آمد.

اعلی حضرت پادشاه انگلستان یک قطعه عکس شمایل خود را که بسیار خوب و شبیه انداخته بودند و در چهار چوب عالی نصب کرده به رسم یادگاری برای اعلی حضرت شاهنشاهی دام ملکه فرستادند. مرتضی خان قاجار ملقب به شهاب الدوله شد.

میرزا موسی خان سرهنگ فوج سوادکوهی بهیك قطعہ نشان شیر و خورشید با حمایل سرهنگی سرافراز آمد.

از جانب دولت بیرمان سفارت بانامہ و ہدایا بہ دربار معدلت مدارآمد. نواب محمد مہدی میرزا ولد نواب والا مؤیدالدولہ از جانب نواب معظمالیہ نایب الحکومتہ کردستان گردید.

روز ہیجدهم رجب حکمرانی کرمانشہان و کردستان را بہ نواب والا عمادالدولہ مرحمت فرمودند.

جناب میرزا کاظم خان نظامالملک بہ وزارت عدلیہ اعظم منصوب و مباہی شدہ دستخط مبارک از قرار شرح ذیل شرف صدور یافت.

نظامالملک ! وزارت عدلیہ اعظم از مهام جلیل دولت و محل توجہ ملاحظہ خاطر خطیر است و از آنجا کہ آن دولتخواہ را در موقع خدمت کافی و صادق می دانیم و بہ اقتضای تربیت و مرحمتی کہ از ما دیدہ است و اقدامات خود را تابع میل و ارادہ عادلانہ ما نمودہ است این مهم خطیر را بہ عہدہ آن دولتخواہ مرجوع می داریم کہ از روی کمال جہد و سعی اوقات شبانہ روز خود را صرف احقاق حقوق متظلمین و حصول موجبات دعاگوئی دولت روزافزون نماید. در امر صندوقهای عدالت موضوعہ در ولایات محروسہ موافق ترتیبات چند کہ فرمودہ ایم مراقبت کردہ ہیچیک از شرایط این خدمت بزرگ را ترک نکند و بہ مزید توجهات و مراحم ما بہ شکوہ و شوکت این امر بیفزاید.

فی شہر رجب المرجب ایت ثیل ۱۲۹۱

جناب میرزا علی خان امینالملک وزیر رسایل خاصہ شریفہ بہ اعطای نشان تمثال بی مثال ہمایون مکمل بہ الماس سرافراز شد. میرزا موسی رئیس دفتر لشکر بہ منصب جلیل وزیر لشکری مفتخر آمد.

حسینقلی خان سرتیپ سوارہ شاہیسون قورت بیگلو بہ منصب سرتیپی اول مباہی گشت.

نواب بدیع‌الملک میرزا ولد نواب والا عمادالدوله به لقب جلیل
حشمة السلطنه ملقب و از جانب نواب معظم‌الیه والا به حکومت کردستان
منصوب و سرافراز شد.
جناب آقای میر سید محمد امام جمعه اصفهان ملقب به سلطان العلماء
مرحوم شد.
اداره تلگرافخانه را بلا واسطه به مخبرالدوله واگذار فرمودند و
دستخط مبارک به شرح زیر شرف صدور یافت:

مخبرالدوله! امر تلگراف امروز در داخله ایران مرجعیت
کلیه دارد و غالب مخبرات دولتی و مخفیات امور مملکت منوط
به مکالمات تلگرافی است و باین حال امر مزبور قابل خیلی ملاحظه
و محل اهمیت و دقت کامل است. محض رعایت جلالت و اهمیت
این کار، از این تاریخ اداره تلگرافی دولت علیه را به مراقبت
نفس نفیس و شخص خودمان گرفته از امور مختصه دایره سلطنت
قرار دادیم و باید وجهاً من الوجوه احدی مداخله به جزء و کل
آن نکرده آن چاکر از طرف قرین الشرف ما مستقلاً مشغول ترتیب
و انتظام این امر باشد و آن طوره که مقصود خاطر ماست
شرایط انتظام این امر خطیر را حفظ کند.

فی شهر رجب المرجب ۱۲۹۱

عبدالرسول خان نایب الحکومه گیلان نواده مرحوم صدر اصفهانی
به منصب سرتیپی اول سرافراز آمد.

حسینقلی خان مافی وزیر یزد به لقب سعدالملکی مباہی آمد.
آقا رضای دهباشی به لقب ناظم خلوتی و به اعطای یک قطعه نشان
شیر و خورشید از درجه سیم سرافراز گردید.

منجمین از دولت آلمان برای دیدن گذشتن زهره از مقابل آفتاب
به دار الخلافه آمده روانه اصفهان شدند.

حاجی میرزا صفا از اجله عرفا در دار الخلافه مرحوم و نزدیکی
چشمه علی میانه راه شاهزاده عبدالعظیم مدفون شد و بقعه‌ای برای او
ساختند.

پنجاه هزار قبضه تفنگ ابتیاعی از دولت آلمان به مرور به دارالخلافه می‌رسد.

مجلس تنظیمات حسنه در اغلب ولایات برقرار است.

در ماه شوال این سال دو دستخط جهان مطاع یکی به افتخار جناب اجل آقای مستوفی الممالك و دیگری به افتخار جناب اشرف حاجی - میرزا حسین خان مشیرالدوله شرف صدور یافت که سواد هردو از قرار ذیل است:

سواد دستخط همایون به افتخار جناب اجل آقای مستوفی الممالك

چون نظم امور ملک و رعیت ایران و خزانه و حکام از لوازم است و شخص کافی دولتخواهی لازم است که متصدی این اعمال باشد لهذا حال که نصف از سنه ایت‌ئیل است کل امور حکام و کل ولایات ایران را بلااستثناء و امور خزانه و حواله‌جات دیوانی و غیره و غیره را به عهده کفایت جناب آقا موکول فرمودیم که ان شاء الله تعالی روز بروز برنظم جمیع شعبات خزانه و رعیت بیفزاید و خاطر ما را خرسند و آسوده دارد.

سواد دستخط همایون به افتخار جناب اشرف حاجی میرزا حسین خان مشیرالدوله

برای انتظام کلیه امور قشون لازم شد که یک قرار مجددی داده شود. در این اوقات که اواسط سنه خیریت دلیل ایت‌ئیل است کل امور قشون ایران را بدون استثنای احدی از هر طبقه سواره و پیاده توپخانه و قورخانه و جبه‌خانه و ملبوس نظامی و چادر و تدارک نظام به علاوه منصب وزارت امور خارجه به عهده جناب حاجی میرزا حسین خان موکول فرموده او را ملقب به سپهسالار اعظم فرمودیم که از این دقیقه به بعد دقیقه‌ای

از نظم امور قشون و غیره خود را معاف ندارد و حسن ظن ما را درباره خود بیفزاید.

روز بیست و هشتم شوال این سال، چون طرح باغ عشرت آباد ریخته شده و دیوار دور ساخته بنای مشجر نمودن آن است بندگان اعلیحضرت همایون شاهنشاهی دام ملکه تشریف فرمای این باغ که در میان قصر قاجار و نگارستان واقع است شدند و چهار اصله درخت به دست مبارك خسروانه در این باغ غرس فرمودند. میرزا محمد حسین ادیب اصفهانی که منشی روزنامه دولتی و در صحبت مؤلف است قطعه‌ای در تاریخ این درختکاری عرض کرده به انعامات و مراحم ملوکانه سرافراز شد و سواد آن قطعه که عیناً در ذیل ثبت می‌شود به امر همایون کتیبه شده به دیوار قصر عشرت آباد نصب کردند.

تاریخ غرس همایونی

با دست خویش خسرو در قصر عشرت آباد
فرمود از عنایت رأی درختکاری
ای باغبان فردوس نام خوش تو رضوان
کوثر بیار کاینک شد وقت آبیاری
اصلش بود عدالت فرعش بود کرامت
شاخی که شه نشاند با دست شهریاری
تا بر فلك کشد سراین شاخ عدل امسال
يك چند زود تر باش ای ابر نو بهاری
شاخ ملك نشان را صدبار به توان گفت
از دوحه بهشتی از سرو جویباری
از این شجر ثمرها بینند اهل عالم
برتر ز بختیاری بهتر ز کامکاری
زودا که عشرت آباد همچون سپهر گردد
هم مشرق کواکب هم مطلع دراری
برجای میوه خورشید آرند این درختان
از فر شهریاری از فرط بختیاری

تا اصله کرامت بار آورد فتوت
 دست ملك نشاند شاخ بزرگواری
 اصل است ذات اقدس فرعاند جمله عالم
 از اصل فرع را باد پیوسته استواری
 در باغ عشرت آباد از یمن دست خسرو
 بادا شکفته دایم گل‌های تاجداری
 شعر ادیب باشد در مدح شاه شاهان
 چون آفتاب روشن مانند آب جاری
 «شاخ‌نشاط‌کی» گشت تاریخ غرس خسرو
 کی‌خسروانشاندی شاخ امیـدواری
 سعی صنیع دولت، امر خدیو اعظم
 بخشید این بنا را آذین استواری

دارالشورای کبری در دربار اعظم برقرار است.

میرزا محمد حسین ادیب اصفهانی راملقب به فروغی فرمودند.
 حضرت اجل اعظم والاضل السلطان حکمران اصفهان و مضافات
 به عزم تقبیل آستان معلی به دارالخلافه آمدند.

اداره صندوقهای عدالت ولایات را به جناب عضدالملک تفویض
 فرموده دستخط جهان مطاع همایون به شرح ذیل شرف صدور یافت:

سواد دستخط همایون

عضدالملک! از وضع صندوق عدالت و این همه مراقبت که
 به شخص همایون خود در احقاق حق و اجرای عدل می‌نمائیم
 هنوز قلب خود را آسوده و مطمئن نتوانسته‌ایم فرمود که نتایج
 حسن‌نیت ما در آسایش خلق و دفع ظلم و جور صورت وقوع
 و وجود خارج داشته باشد. چرا که تاکنون برای وصول
 عرایض متظلمین و اجرای احکام همایونی ترتیب صحیحی
 نبوده. [لذا چون] آن چاکر را به امانت و دین داری و

دولتخواهی شناخته‌ایم، اداره این خدمت بزرگ را که متضمن رضای حق تعالی و آسایش خاطر عدالت مظاهر ما و راه راحت بندگان خداست به عهده مراقبت و اهتمام آن چاکر محول می‌فرمائیم [تا] آن طور که به سلیقه و مقصود خاطر ما آگاهی دارد این امر را محل خیلی اهتمام و مراقبت قرار داده حسن انتظام و ترتیب آن را موجب کمال رضا و مرحمت ما بداند. تکالیف آن چاکر آنچه در نظر بود این است که شرح داده می‌شود و البته خود نیز شرایط لازمه کار را بی حاجت شرح و تفسیر می‌داند.

حاجی میرزا حسین خان واجزای مجلس صندوق عدالت را نزد خود آورده مأموریت خود را به آنها معلوم دارد و ترتیباتی که در این امر بود با تغییرات مستحسنه برقرار کند و اسباب و اصحاب این خدمت را در تکالیف خودشان دستور العمل کافی بدهد.

عرایضی که از بدو استقرار صندوقهای ولایات رسیده و بر طبق آنها احکام صادر شده و مأمورین رفته و اتمام عملها فرستادند غالب فقرات آنها صورت حتمی و قطعی ندارد و نمی‌توان آنها را فیصل یافته دانست. عضدالملک از روی ثبت دفاتر این مجلس مراجعه نظر کرده عرایض را با احکام صادره و اتمام عملها مطابق نماید. هر چه ناقص و غیر مجری است ثانیاً بیرون نویسد و به عرض ما برساند و اجرا و اهتمام آنها را به عهده مأمورین ولایات گذاشته انجام قطعی هر فقره را معروض دارد.

سابقاً مأمورین موقت از عمل خلوت و تفنگداران و اهالی کشیکخانه به ولایات رفته بود که بعضی معاودت و بعضی در کار مراجعت اند عضدالملک باید به اعمال آنها رسیدگی و غور کند که هر يك در مأموریت خود چه قسم سلوك کرده خوب از عهده برآمده‌اند یا به خلاف تکالیف خود بد رفتاری و طمع کاری و خاطرخواهی کرده‌اند و نگذارد خوب و بدانها بی مجازات بگذرند. از جمله میرمهدی خان مأمور خمسه و يك نفر دیگر آنچه

به عرض رسیده خوب حرکت نکرده‌اند. باید با تحقیقات بی‌غرضانه خود حقایق حالات آنها را معلوم کنند. مأموران جدید که به حکم يك ساله اقامت ولایات رفته‌اند آنچه به نظر می‌رسد غالباً قابل رجوع این نوع خدمت نبوده‌اند. عضدالملک ملاحظه کند و موافق لیاقت این مهم خطیر مأمورین را جرح و تعدیل نماید و اشخاصی منتخب و مأمور کند که حقیقت شایسته تعهد این خدمت باشند.

در مراکز معینه هر مملکت و نقاط اصلی ولایات صندوق فرستاده شده است و به قواعد مقرر باید دونوبت از هر محل کیف عرایض بسته برسد. حکام ولایات در فرستادن کیفها تقاعد دارند و مباشرین چاپارخانه‌ها مراقب نیستند. باید عضدالملک قرار بدهد مأمورین ولایات هر ماه دومرتبه کیف عرایض را به چاپار بدهند و نگذارند کیفها در محل خود آن قدر بماند که يك دفعه عرایض چند ماهه خاطر ما را خسته کند و آنچه در ولایات خارج از خطوط چاپارخانه‌هاست موافق احکام سابقه مأموران بلد محصل باشند مصحوب قاصد و وسایل ممکنه کیف را مرتباً به خط چاپارخانه برسانند. از این طرف هم عضدالملک کیفهای خالی شده را بی‌معطلی به محل خود اعادت دهد که موقع آن خالی و معطل نماند و اگر کیف عریضه به قدر کفایت حاضر نباشد از نو به قدر لزوم کیف عریضه ساخته آماده داشته باشد. کیفهای عریضه را بعد از ورود، عضدالملک سربسته به حضور خواهد آورد. در حضور، مهر آن برداشته شده اجمالاً ملاحظه می‌شود. هر چه عرایضی است که فقط به ملاحظه ما مخصوص است در حضور ضبط می‌شود. سایر عرایض را عضدالملک به دفترخانه عریضه‌جات خواهد برد. اولاً در پشت عریضه خلاصه عرض را طوری که از مقصود عارض خارج نباشد یادداشت می‌کند که در عرض حضور ما کار مشکل نشود. بعد احکام صادر و عرایض مرتب به عضدالملک داده می‌شود که به موقع اجرا و ثبت و ترتیب بگذارد. آنچه از عرایض راجع به ادارات و وزراتخانه‌های درباری یا اشخاصی است که در دارالخلافه حاضرند عضدالملک بامنتهی

درجه همت و مراقبت نخواهد گذاشت که دقیقه‌ای تأخیر شده در ترتیب امر خللی راه یابد. احکامی که برطبق مستدعیات عارضین صادر می‌شود از هرگونه رسوم و خواهش معاف خواهد بود.

مأمورین مختلف که برای انجام و اجرای بعضی فقرات و مواد مخصوصه فرستاده می‌شوند یابد اشخاص درست امین بی‌طمع باشند و تنها انجام مأموریت را در نظر بگیرند نه فواید و عواید مأموریت را و عضدالملک در این نوع مأمورین هم خیلی دقیق شود و در عیب آنها خود را مسئول بداند.

عرایض صندوقها غالباً طمع انعام و وظیفه و شرح دعاوی کهنه‌بود و می‌توان تصور کرد که آن نوع آزادی برای صندوقها نیست که توانند از ظلم و ستم که مقصود بالذات بود اظهاری کنند. مأمورین ولایات در عین این که باید معارض نظم حکومت نباشند در آزادی صندوقها مراقبت نمایند.

این فقراتی است که در نظر بود و در این دستخط مندرج شد. عضدالملک سایر شرایط و لوازم پیشرفت منظورات عادلانه ما را ملاحظه کرده مجری و مرعی دارد و این حکم را در عداد فرایض و واجبات دینیّه معدود داشته از حسن مراقبت و اهتمامات کافیّه خود خاطر ما را خرسند دارد و در عهده شناسد.

فی ۸ شهر ذیحجه الحرام ۱۲۹۱.

**وقایع عظیمه و سوانح عمده که در این سال در تمام
روی زمین و اقطار کره ارض اتفاق افتاد**

اتانونی ینگ دنیا:

عدد قشون دولت را به همه جهت به بیست هزار نفر مقرر داشتند.

اسپانیا:

تفویض ریاست دولت جمهوری اسپانیا را به مارشال سرانه. فتوحات

کارلوس در بیلپائو. قتل مارشال کنشا یکی از سرداران معتبر که به دفع دن کارلوس رفته بود به ضرب گلوله. قبول نمودن مارشال سرانه رئیس-جمهوری سرداری قشون را به جهت دفع دن کارلوس. جمعی از معارف و بزرگان مملکت طالب سلطنت دن آلفونس پسر ایزابل ملکه سابق می باشند. تغییر وضع جمهوری و مسافرت مارشال سرانه به فرانسه. تمام قشون بدون استثناء دن آلفونس را به پادشاهی می خواهند.

اطریش

مسافرت اعلیحضرت امپراطور اطریش به پترزبورگ و ملاقات ایشان با اعلیحضرت امپراطور روس.

آلمان:

آمدن نواب ولیعهد دولت انگلیس و زوجه ایشان به برلن. خطبه پرنس بیژمارک در افتتاح مجلس و برضد جمعی از وکلای ملت، حرف زدن و ختم کردن نطق خود را به این مطلب که یکی از شرافات من این است که اول شخصی که طرف نفرت تمام اهالی اروپا هست منم به واسطه حب وطن و خدمتگزاری به دولت خود.

مسافرت علیاحضرت امپراطریس اطریش به پایتخت باویر. مسافرت اعلیحضرت امپراطور اطریش نیز به باویر به ملاقات صبیئه خود.

عدد قشون آلمان در وقت صلح از صاحب منصب و تایین به چهارصد و یک هزار و ششصد و پنجاه و نه نفر مقرر گردید.

مارشال ملك (۱) در مجلس اظهار می کند که فتوحات ما در مملکت فرانسه اسباب جذب قلوب سایر دول نسبت به ما نشده بلکه کینه و عداوت آنها زیادتیر گردید. اولاً پنجاه سال دیگر آنچه را حالا به زور اسلحه تحصیل کردیم باید به اعانت اسلحه حفظ کنیم.

اعلیحضرت امپراطور روس که به مملکت انگلیس سفر می کردند در برلن با اعلیحضرت امپراطور آلمان ملاقات نمودند. ایضاً ملاقات دو امپراطور در شهر امس.

شخصی موسوم به کولمان به سمت مسیو بیزمارک طپانچه خالی کرد که جزئی تألمی به دست او وارد آمد.

ملاقات اعلیحضرت امپراطور آلمان و اعلیحضرت امپراطور اطریش در ایشل. حبس کنت دارنیم سفیر سابق دولت آلمان در پاریس به اتهام این که بعضی نوشتجات دولتی رسمی که در سفارتخانه پاریس بوده مخفی داشته است.

استعفای موقتی پرنس بیزمارک و قبول نشدن آن.

انگلیس:

حرکت عساکر انگلیس به سمت کوماسی پایتخت طایفه آشانتی که پادشاه آنجا اعلان جنگ با انگلیس کرده بود در آفریقا. ازدواج نواب-دوک دادینبورگ پسر دویم اعلیحضرت پادشاه انگلستان با گران دوشس-ماری صبیّه اعلیحضرت امپراطور روس.

قحط و غلای سخت در بنگاله هند و فوت چندین کروور نفس.

سردار قشون انگلیس شهر کوماسی را که پایتخت آشانتی بود فتح نموده قسمتی از آن شهر را آتش زد که کار به مصالحه انجامید.

عزل وزرای ویک و نصب وزرای توری به ریاست مسیو دیسراولی.

ورود اعلیحضرت امپراطور روس به لندن.

در ایالت بنگاله سی کروور نفس که دچار قحط بودند به اعانت دولت انگلیس از هلاکت خلاص شدند.

یادداشت فرستادن دولت عثمانی به دول آلمان و اطریش و روس که وجهاً من الوجوه حق انعقاد عهد تجارتی با ایالاتی که در تصرف عثمانی است از قبیل افلاق بغداد و صربی و منتتگرو ندارند.

فتح دارفور (۲) از ممالک آفریق به دست قشون مصری. جمعیت دارفور که به تصرف قشون مصری آمده ده کروور نفس است.

ایتالیا:

جشن بزرگ گرفتن مردم به جهت سال بیست و پنجم جلوس اعلیحضرت پادشاه.

بلژیک :

پذیرائی نمودن اعلیحضرت پادشاه بلژیک از اعلیحضرت امپراطور روس با تشریفات لازمه وقتی که امپراطور معظم از انگلیس مراجعت می کردند.

چین:

نقار و کدورت سخت ما بین این دولت و ژاپن به جهت فرستادن ژاپنیها چندفروند کشتی به تسخیر جزیره فرمز (۳). به واسطه طوفانهای سخت که در دریا واقع شده بود در اوایل پائیز این سال در سواحل جنوبی چین و سواحل ژاپن انبیه زیاد و کشتی زیاد حتی کشتیهای آتشی زره دار غرق شد. در مسئله جزیره فرمز بین دولتین چین و ژاپن کار به مصالحه و صلح انجامید و قشون ژاپنی جزیره را تخلیه کرده رفتند.

دانمارک :

استعفاى تمام وزرای این دولت. مسافرت پادشاه به جزیره ایزلند (۴) که جشن سال هزارم الحاق این جزیره به مملکت دانمارک گرفته شد.

روس :

ایجاد قانون نظامی ممالك اروپا را در وضع گرفتن آحاد قشون و اجبار خدمت نظامی به تمام رعیت بدون استثنا در این مملکت. ورود نواب ولیعهد انگلیس و زوجه ایشان به پترزبورغ. فوت کنت دبرگ (۵) سردار و حاکم لهستان.

ملاقات اعلیحضرت امپراطور اطریش و اعلیحضرت امپراطور روس در پترزبورغ. مسافرت اعلیحضرت امپراطور به آلمان و بعد به انگلیس. یکی از برادرهای خان خیوه در جزء قشون روس قبول خدمت می کند.

ژاپن :

پذیرائی امپراطریس زوجات سفرای کبار را که در این دولت بودند. فرستادن يك دسته قشون به سرداری سائی گو و تصرف جزیره فرمز که جزء مملکت چین است.

عثمانی:

عزل رشدی پاشای صدراعظم و نصب حسین عونى پاشا وزیر جنگ به جای او.

ورود پرنس میلان والی سرب (۶) به اسلامبول.

فرانسه:

مدت ریاست مارشال ماك ماهون بدون تردید به هفت سال مقرر شد. فرار مارشال بازن از جزیره سن مارگریٹ.

هلاند:

فتح کراتن یکی از قلعه‌جات اتچین به دست سردار هلاندی. جشن اهالی هلاند در موقع سال بیست و پنجم جلوس اعلیحضرت پادشاه.

ینگى دنیای جنوبی:

برزیل:

صلح حقیقی دائمی مابین این دولت و پاراگای.

وقایع سال بیست و نهم

سلطنت و تاجداری اعلیحضرت اقدس شاهنشاه جم‌جاه
خسرو صاحبقران خلدالله ملکه و دولته مطابق
هزار و دویست و نود و دو هجری ایت‌ئیل
ترکی که بعد از دو ماه تنگوزئیل می‌شود

کلیه امور دولتی و مهمام ملکی در این سال خیر مآل به توجهات
کامله بندگان اعلیحضرت قدر قدرت همایون قرین انتظامات کامله می‌باشد.
جناب حاجی ظهیرالدوله محمد ناصر خان مأمور حکمرانی و
والیگری خراسان و سیستان گردید.
حاجی سلیمان خان نایب ایشیک آقاسی‌باشی مأمور حکومت
قراجه‌داغ شد.

بعضی ولایات که سیم تلگراف ندارد، امر اعلی شرف نفاذ یافت که به
آنها نیز سیم تلگراف کشیده شود.

احتشام الملك به منصب سرتیپی سیم سرافراز شد.

حیدر خان ولد حاجی آصف‌الدوله به منصب سرتیپی سیم سرافراز شد.

ریاست مدرسه جدید نظامی و صاحب منصبان ااتا مآثر به عهده
میرزا عباس خان سرتیپ و مهندس واگذار گردید.

حکمرانی دارالخلافة ناصری را مخصوص حضرت اجل اعظم

شاهنشاه زاده والا نایب السلطنة العلیه امیر کبیر ادام‌الله اقباله العالی
فرمودند و دستخط مبارک به شرح ذیل شرف صدور یافت:

صورت دستخط جهان مطاع مبارك

دارالخلافة طهران که مرکز سلطنت ومقر خلافت است
حاکمی عدل ومقتدر می خواست که تالی شخص همایون ما باشد
و با آن درجه وثوق واطمینان که شایسته این امر خطیر است
شرایط این خدمت را واگذار و رعایت فرمائیم فرزند کامکار
نایب السلطنه امیر کبیر که به این خدمت مسبوق ومحاسن
مراقبتش در این امر محل وثوق است به مصداق لقب سزاوار
نیابت سلطنت و حکمرانی بیت خلافت بود در این سال فرخنده فال
و مابعدها حکمرانی دارالخلافة را در ضمن مشاغل سایره
به عهده فرزند معزی الیه موکول ومحول فرمودیم که به
اهتمامات خود خاطر ما را کماکان آسوده و خشنود دارد.

شهر صفر المظفر ایت ثیل ۱۲۹۲

حاجی حسین خان نظام الدوله روز بیست وسیم محرم مرحوم شد.
حضرت اجل اعظم شاهنشاه زاده والا ظل السلطان حکمران اصفهان
و توابع ادام الله تعالی اقباله العالی به یک قطعه نشان اقدس مکمل به
الماس درجه اختصاص یافته از آستان همایون به محل حکمرانی خود
معاودت فرمودند.

وزارت دربار همایون را که از اجله خدمات دولت روز افزون
است به عهده جناب علاء الدوله موکول فرمودند.

وزارت عدلیه اعظم را به جناب عضدالملک مفوض و مزید سایر
مشاغل جناب معظم فرمودند.

حکمرانی عربستان و لرستان را به نواب والا معزالدوله بهرام
میرزا واگذار فرمودند.

حکمرانی فارس را به عهده کفایت جناب معتمدالملک موکول داشتند.

حکمرانی گیلان بر عهده جناب ناصرالملک مقرر آمد.

والیگری یزد را به محمدخان والی سرتیپ اول مرحمت فرمودند.

موکب همایون تشریف فرمای شکراب و شهرستانک گردید.
روز بیست و یکم جمادی الثانیه موکب معلی از قصر نیاوران
به اردوی نظامی تشریف فرما شده چون انتظام اردو را به درجه کمال
دیدند روز دیگر به واسطه تلگراف، دستخطی خطاب به جناب مستطاب
اشرف سپهسالار اعظم از قصر نیاوران شرف صدور یافت که صورت
آن از قرار ذیل است:

صورت دستخط جهان مطاع همایون

دیروز که به اردوی نظامی آمدیم به سبب تنگی وقت
و گرمی هوا مقدور نشد رضامندی و مسرت خاطر خودمان را از
مشاهده چنان ترتیب و حسن انتظام اردو و کمال جهد و اهتمام
شما و صاحب منصبان و افراد قشون بیان کنیم. حالا به واسطه
تلگراف خشنودی قلب خود را می گوئیم که شما خود مستحضر
شده عموم ارباب مناصب و نفرات قشون دولتی را اطلاع بدهید.
خاطر ما بی اندازه از ملاحظه این اردو و آن نوع نظم و ترتیب
و آرامی و سلامت که دیدیم مسرور است. رضامندی و انبساط
قلبی خاطر خودمان را از اهتمامات حسنه و غیرت و دولخواهی
شما شرح می دهیم که حقیقتاً در امور دولت با یک جذبۀ شوق—
طبع فطری حرکت می کنید. ثانیاً از صاحب منصبان که حاضر
اردو هستند و مراقب انتظام امور قشون هستند خیلی رضامندی
داریم. دیگر از نفرات قشون که با تحمل چنین گرما و حرارت
فوق طاقت جز حفظ تکلیف و تبعیت دقایق نظم از آنها امری
صادر نشده است. مرحمت ما را به بیانات واضح به همه القا و
ابلاغ کنید.

نواب والاعمال الدوله در نیمه رجب داعی حق را لیک اجابت
گفت و نواب حشمة السلطنه بدیع الملک میرزا ولد آن مرحوم به حکومت
کرمانشهان و کردستان سرافراز شد.
وزارت گمرکخانه ممالک محروسه را به میرزا قهرمان امین لشکر
مفوض فرمودند.

روز هفدهم شهر شعبان به جهت امتحان قشون ظفر نمون و ترقیات اداره جنگ در صحرای دوشان تپه در حضور مبارك مشق بزرگ عمده شد. چون نهایت کامل و مطبوع بود فی الفور يك قبضه شمشیر مرصع از شمشیرهای مخصوص همایون به جناب مستطاب اشرف سپهسالار اعظم مرحمت فرمودند و دستخط مبارك حاوی شرح رضامندی شرف صدور یافت که صورت آن از قرار ذیل است:

صورت دستخط جهان مطاع مبارك

جناب سپهسالار اعظم! الحمد لله تعالی از روزی که خدمات نظامی و قشونی را به عهده کفایت شما واگذار و مرحمت فرموده ایم روز بروز در ترقی و انتظام است و از این جهت خاطر ما کمال مسرت را دارد. بخصوص در انعقاد اردوی تابستانی طهران کمال مراقبت در نظم و مشق و حرکات قشون دیده شد و ان شاء الله امید کلی هست که در اندک زمان کلیه قشون به حالت اردوی طهران برسند. برای آن که علامتی از رضایت خودمان لازم بود به ظهور برسانیم لهذا يك قبضه شمشیر که از شمشیرهای مخصوص است برای شما فرستادیم و این التفات را نشانه کمال مرحمت ما دانسته بیش از پیش در نظم امورات محوله به خود ساعی باشید.

سنه ۱۲۹۲ تگوزئیل

میرزا قهرمان امین لشکر به اعطای نشان تمثال همایون و لقب جلیل جنابی سرافراز آمده دستخط همایون به شرح ذیل شرف صدور یافت:

صورت دستخط مبارك

از اوایل این عهد همایون، میرزا قهرمان امین لشکر در سلك خدام دولت بوده و بانظر تربیت و مرحمت ما به مرجوعات دیوانی امتحان شده قابلیت جبلی و صداقت مفطور خود را

وسیله کسب سعادات ونیل درجات کرده مراحم ملوکانه را بیشتر به خود متوجه داشت تا دراین اوقات که به منصب وزارت گمرک دولت علیه منصوب شده برای اختصاص وافتخار معزی الیه یک قطعه نشان صورت همایون که از امتیازات جلیل این دولت است اعطا و عنایت فرموده او را به لقب نبیل جنابی مخاطب داشتیم که به این مواهب و عنایات ملوکانه قرین امیدواری و سرافرازی بوده به مدارج خدمتگزاری خود بیفزاید.

شهر شعبان تنگوزئیل ۱۲۹۲.

موکب فرخنده موکب همایون عزیمت سفر خیریت اثر مازندران فرموده روز بیست و چهارم شعبان از اقدسیه به قریه اوشان تشریف فرما شدند.

شرح سفر خیریت اثر مازندران

دوشنبه بیست و ششم شعبان، موکب فیروزی کوکب معلی از اوشان روانه شهرستانک گردید.

سه شنبه بیست و هفتم در اینجا اتراق شد. بیست و هشتم، گچه سر و بیست و نهم، نیز در همین منزل اقامت فرمودند.

جمعه سلخ، از گردنه کندوان که سرحد خاک عراق و مازندران است عبور فرموده به منزل دونا تشریف فرما شدند. شنبه غره رمضان، منزل پول که از دهات توابع نور است مضرب خیام گردون احتشام گردید.

روز دویم، همین جا اقامت شد. روز سیم، از گردنه معروف به زانوس گذشته یورتی که نزدیک قریه زانوس است مخیم موکب اعلی گردید و دوروز در اینجا اتراق شد.

روز ششم، به منزل پل که از توابع کجور است تشریف فرما شدند.

هفتم، جلگه کجور نزدیک قریه هزارخال محط رحال اردوی همایون گردید و تا یازدهم در اینجا توقف شد.

روز دوازدهم به منزل پل معاودت فرمودند.
چهاردهم، تشریف فرمای دشت نظیر شدند.

پانزدهم، به مرزن آباد که کنار رودخانه چالوس است تشریف بردند و در این روز دریاچه واقع در نزدیکی قریه میرم را که در قلعه کوهی است و دور آن از سه الی چهار هزار ذرع و آب آن فقط از چند چشمه است که از زیر می جوشد سیاحت فرمودند.

شانزدهم، به عزم پل کلارک از راه معروف به هزارچم که چند سال قبل ساخته شده و از شهرستانک الی کنار دریا امتداد دارد عبور فرمودند.

هفدهم، منزل امروز کنار دریا نزدیک دهنه چالوس بود که داخل دریا می شود.

هیجدهم، همین جا اقامت شد.

روز نوزدهم، به منزل خیرود کنار حرکت فرمودند.

بیستم، به صلاح الدین کلا تشریف فرما شدند.

بیست و یکم، در این منزل اقامت شد.

روز بیست و دویم، به سوله ده و بیست و سیم، به عزت ده و بیست و چهارم، به محمود آباد تلکيه سرکه جزء اهلم رستاق است تشریف فرما گردیدند.

بیست و پنجم، اتراق شد.

بیست و ششم، فری کنار منزلگاه اردوی همایون گردید.

بیست و هفتم، به مشهد سرنزول اجلال فرمودند و تا بیست و نهم اتراق شد.

بیست و نهم عزیمت لارین فرمودند.

سلخ شهر رمضان از لارین به فرح آباد تشریف فرما گردیدند. غره شوال، در اینجا اقامت شد.

دویم، به منزل نوذر آباد و سیم، قلعه پلنگان که در ابتدای شبه جزیره میانکاله واقع است توقف گاه اردوی مبارک آمد.

روز چهارم، یورت مقیمی که در وسط شبه جزیره مزبوره می باشد
مضرب خیام معلی گردید و دو روز در اینجا اقامت فرمودند.

روز هفتم، به قلعه پلنگان معاودت فرمودند.

روز هشتم، به منزل چهارامام ونهم، به شهر اشرف تشریف فرما
گردیدند و در روز در این شهر موکب اعلی توقف داشت.

روز دوازدهم، منزل پلنکا (۱) به مقدم مبارک مزین آمد.

روز سیزدهم، به شهرساری عز وصول ارزانی فرمودند و در باغ

مرحوم ملك آرا جایگاه موکب معلی معین گردید و ملتزمین رکاب اعلی
در حوالی باغ چادر زدند.

موکب همایون تا روز هیجدهم شهر شوال در شهر ساری متوقف

بود. در این روز، کوچ کرده منزل علی آباد مضرب خیام گردون احتشام
گردید.

روز نوزدهم، به شهر بارفروش نزول اجلال فرموده عمارت بحرارم

مقر حضرت گردون بسطت خسروانه گردید و هریک از این بلاد که

به مقدم مبارک مزین می گردید اهالی واعیان و علماء تشریفات و

تعظیمات ذات ملکوتی صفات مقدس را به اعلی درجه منظور نموده اظهار

تشکرات وافیه از توجه موکب اعلی بدان ساحت می نمودند. خلاصه

تا روز بیست ودویم، در بارفروش اقامت شد.

روز بیست ودویم به منزل کاظم بیگی تشریف ورود بخشیدند.

روز بیست وسیم، شهر آمل به ورود مسعود مزین آمد.

روز بیست وچهارم، در آمل توقف شد.

روز بیست وپنجم از آمل به منزل پرس تشریف بردند.

روز بیست وششم، به منزل کهرود ورود و روز بیست وهفتم در حوالی

قریه وینه که از بلوک لاریجان است نزول اجلال فرمودند.

روز بیست وهشتم، در اینجا اتراق شد. جناب عضدالملک حکمران

مازندران که در موجبات آسایش ملتزمین رکاب اعلی واستراحت وجود

مسعود همایون وانتظام امور حکمرانی خود کمال خدمتگزاری ومراقبت

را به عمل آورده بود به یک ثوب سرداری ترمه شمشه مرصع مفتخر آمد.

دوشنبه بیست ونهم، به چشمه لای دماوند تشریف فرما گردیدند.

سه‌شنبه غره ذیقعه، در چشمه لای اتراق شد.
چهارشنبه دویم، به‌بومهن (بوم‌هند) تشریف ورود عنایت فرمودند.

پنج‌شنبه سیم، اردو در زیرپل حاجی میرزا بیک قرار داشت. جمعه چهارم، به‌قصر دوشان تپه و شنبه پنجم مقر خلافت عظمی را به‌مقدم بهجت شیم مبارک آراستند.
مقارن این ایام، در دارالخلافه درب جدیدی در خیابان ناصریه برای مدرسه مبارکه دارالفنون ساخته شد.
دارالشورای کبری و مجلس وزرا مجدداً افتتاح شده و به‌نفس نفیس همایون در مجلس افتتاح تشریف فرما گردیده و نطقی فرمودند که از قرار ذیل است:

صورت نطق همایون

«امروز خودمان به‌این مجلس آمدیم که افتتاح مشورتخانه دولت را خودمان کرده باشیم. باین که فی‌الحقیقه در این مدت هم مجلس وزرا ترك نشده بود، لیکن با آن ترتیب نتیجه‌منظوره به‌نظر نمی‌رسید و البته تا این مجلس مستقلاً در مقام مخصوص و حدود محفوظ نباشد و هیچ‌کار خارج و شخص بیرونی وارد نشود فایده نمی‌توان گرفت. در این اطاق که از سابق به‌مجلس وزرا و دارالشوری اختصاص داشت هفته‌ای دو روز شنبه و سه‌شنبه مستمراً بدون تعطیل باید مجلس شورا منعقد شود و اگر گاهی کار لازم و فوری پیش آید در سایر ایام نیز موقتاً این مجلس منعقد می‌شود. امین‌الملک به‌نظم و ترتیب مجلس مراقبت کند. احکام ما را در مجلس تقریر نماید. رأی مجلس را به‌عرض مابرساند. در سایر دول، این مجالس در کمال قوت و دوام برقرار است و باید علاوه بر تکلیف دولتی به‌حکم مذهب و تأکیدات شرع شریف مشاوره در امور و حفظ مجلس شورا را نظیر واجبات بدانیم. البته فکرها و عقول و تصویب آراء در هر جزء کار چیزها می‌بیند که هرگز از یک عقل کامل آن

درجه بینائی متصور نیست. این همان مجلس است که درهرجا به اصطلاحات مختلفه تسمیه کرده اند و ما دارالشوری و مجلس وزراء می گوئیم. این مجلس هیچ کار جزئی و کلی را ترك نخواهد کرد و آنچه را که حکم می دهیم باید تا نقطه آخر وحد اجرا برساند و هروقت که مقررات و فرمایشهای ما به مجلس فرصت و مهلت بدهد باید خودشان در آنچه مقتضی صلاح دولت و اصلاح امور مملکت است گفتگو کنند و آراء و عقاید خود را به عرض ما برسانند. امین الملک مأمور است حدود مجلس را بروفق فرمایش ما حفظ کند و نگذارد ساعتی امر مجلس معطل شود. روزهای معین از صبح تا غروب مجلس با حضور تمام اعضاء برقرار خواهد بود و امین الملک از هیچیک عذر تأخیر یا ترك حضور قبول نکند. اجزاء از این که حاضر است کمتر نخواهد شد و لدی الاقتضاء بر عدد اجزاء خواهیم افزود. اساس مجلس به کمال راستی و دولتخواهی و ترك هر قسم ملاحظات لغو است و باید این مجلس را دائمی و مستحکم و دارای حقوق و حدود معتبر دانست».

نیز دستخطی مبارک مشعر به حدود و حقوق این مجلس خطاب به جناب امین الملک وزیر رسایل خاصه شرف صدور یافت که صورت آن از قرار ذیل است:

صورت دستخط مبارک

امین الملک! انعقاد این مجلس چنان که مکرر شفاهاً و به نوشته حکم و مقرر شد از لوازم امور حالیه دولت است و کمال میل را به ترقی و انتظام آن داریم و کمال تقویت را در هر باب حاضر هستیم به عمل بیاوریم. بعضی فرمایشات تازه به نظر آمد که لازم شد مجدداً حکم بشود در مجلس قرائت شده جزء تنظیمات و قرارداد مجلس بشود.

اولاً چون فرمایشات زیاد و مطالب دولتی روز بروز در ازدیاد است هفته ای دو مرتبه انعقاد مجلس را کافی نمی دانیم.

باید هفته‌ای سه‌روز مجلس بشود: شنبه، سه‌شنبه، پنج‌شنبه. ثانیاً اهالی مجلس در گفتگو و حرف آزاد هستند هر چیزی را باید بدون شایعه هیچ غرضی یا بدون هیچ ترس و واهمه‌ای تقریر نمایند. فی‌المثل از صف نعال اگر شخصی برخیزد و بر وزرای بزرگ ایرادی وارد بیاورد و بگوید توفلان کار را نفهمیده کرده‌ای به این دلیل، نباید آن وزیر کدورتی حاصل کند. بلکه هیچ حق ندارد. باید کاری که می‌کند جواب آن شخص را موافق قاعده یا رد نماید یا اذعان نماید و هریک از اجزای مجلس آنچه در شب و روزهای تعطیل در خیر دولت به خاطرشان بیاید یادداشت کرده در مجلس مذاکره نماید. ثالثاً آنچه آرای مجلس به یک امری از جزئی و کلی قرار گرفت باید به نوشته و مهر تمامی اهل مجلس باشد. این نوع امور به پیغام یا عرض شفاهی هیچ پذیرفته نیست. حتی حکامی که بعد از این به ولایات تعیین می‌شود یا یک نفر ممیز به جائی می‌رود یا یک حکمی فوق‌العاده و غیره صادر می‌شود باید به تصدیق و رأی اهل مجلس باشد.

پستخانه ممالك محروسه ایران در این سال به وضع پستخانه‌های فرنگستان گردید. خوجه‌قه سردار تراکمه که با جمعیت زیاد به تاخت سرحدات خراسان آمده بود خود با جمعی از همراهان او به دست سپاه منصور مقتول و بقیه السیف متفرق شدند. جناب اللهقلى خان ایلخانی را به حکومت همدان سربلند فرمودند.

وقایع و سوانح عمده‌ای که در این سال در تمام روی زمین و اقطار کره ارض روی نمود

اتائونی (ینگى دنیا):

فوت ژن سن رئیس سابق.

اسپانیا :

در جزیره کوبا، ژنرال کوزا مردم را دعوت به تبعیت پادشاه جدید آلفونس می‌نماید. ورود اعلیحضرت پادشاه جدید درنهم ژانویه به بندر

بارسلن ازبنادر اسپانیا. منازعه سخت هواخواهان دن کارلوس باعساکر پادشاه. نفاق مابین کارلیستها و تفرقه میان آنها. فتوحات عساکر پادشاه در ممالکی که کارلیستها متصرف بودند.

اطریش:

مسافرت اعلیحضرت امپراطور به مملکت دالماسی.
ملاقات اعلیحضرت امپراطور با اعلیحضرت پادشاه ایتالیا در شهر ونیز.

ملاقات والی منتگرو با اعلیحضرت امپراطور در کاتارو.
افتتاح کشتیرانی در شعبه‌ای ازدانوب که به حکم امپراطور تازه حفر نموده از وسط شهر وینه عبور داده‌اند.
ملاقات اعلیحضرت امپراطور اتریش و اعلیحضرت امپراطور روس در اژر.

فوت امپراطور فردیناند عمومی اعلیحضرت امپراطور حالیه که از سلطنت استعفا نموده و سلطنت را به این امپراطور تفویض کرده در بیست و نهم ژون در شهر پراگ.

پناه جستن یاغیان مملکت عثمانی به خاک اتریش.

آلمان :

مخالفت آشکار پاپ برضد این دولت. صدور احکام از رم به کیشهای کاتولیلی مذهب که تمکین و اطاعت قوانین جدید که دولت می‌خواهد در قوانین مذهب ایجاد نماید ننمایند. قدغن دولت در بیرون نبردن اسب از مملکت. پرنس بیزمارک بالصراحه در مجلس شورا می‌گوید که در مسئله مذهب بهتر این است که شخص به خالق معتقد باشد نه به مخلوق و مقصود از این حرف کنایه به پاپ است.

ملاقات نواب ولیعهد آلمان و پادشاه ایتالیا در شهر ناپل.

در هفتم ماه مه کشتی موسوم به سیلر (۱) که از هامبورگ عاده به‌ینگی— دنیا می‌رفته و مراجعت می‌کرده است و سیصد و پنجاه نفر را حامل بوده غرق می‌شود و از این جمعیت سیصد و دوازده نفر هلاک می‌شوند.

ملاقات اعلیحضرت امپراطور آلمان و اعلیحضرت امپراطور روس در برلن.

ملاقات اعلیحضرت پادشاه سود و ملکه این مملکت با اعلیحضرت امپراطور آلمان در برلن.

ملاقات آرشیدوک آلبرت سپهسالار عساکر اطریش با اعلیحضرت امپراطور آلمان در امس.

مسافرت نواب ولیعهد دولت آلمان به مملکت اطریش.

ملاقات اعلیحضرت امپراطور آلمان با اعلیحضرت امپراطور اطریش در ایشل.

کشیش شهر کلن که برخلاف حکم دولت رفتار نموده بود اخراج بلد می شود.

ملاقات اعلیحضرت امپراطور آلمان با اعلیحضرت پادشاه ایتالیا در میلان.

انگلیس :

صد و بیست هزار نفر عمله جاتی که در معدن ذغال سنگ مملکت گال کار می کردند يك مرتبه شورش نموده تعطیل از کار می کنند. الحاق جزایر فیجی به مملکت انگلیس.

وزیر امور خارجه در مجلس به وکلا اطلاع می دهد که دول روس و آلمان و اطریش با هم متحد شده اند که با ایالات سروی و افلاق بغداد (۲) که جزء مملکت عثمانی هستند بدون استیذان و اطلاع دولت عثمانی معاهده تجارتی ببندند.

مأموریت يك دسته از علما به ریاست کلنل بدون برای تحقیق و انکشاف علمی به مملکت چین مغربی و به مقصود نرسیدن و دراویل ورود به خاک چین صدمه کلی دیدن و کشته شدن جمعی از آنها و مراجعت نمودن به خاک بیرمان.

نقار مابین دولت انگلیس و دولت بیرمان.

عزل والی بارودا از ایالات هند به حکم دولت انگلیس.

ریاست نواب ولیعهد انگلیس به مجمع فراموشخانه های آن دولت.

مسافرت جمعی از علما و دانشمندان به قطب شمالی. در هیجدهم

ماه‌اد، کشتی موسوم به آلبرتا که اعلیحضرت پادشاه انگلستان در آن کشتی بود واز ازبرن به پرتسموت می‌آمد در عرض راه علی‌الغفله به کشتی میتس‌لتو برخوردی قسمتی از آن کشتی را شکسته سه نفر را غرق می‌کند. کاپیتان وب ازبندر دوور انگلیس به بندر کاله فرانسه با شنا از دریا عبور کرده بیست و چهار ساعت تمام در روی آب می‌ماند.

دریازدهم اکتبر نواب ولیعهد انگلیس به قصد مسافرت هندوستان از بندر دوور حرکت کرده در هشتم نوامبر وارد بندر بمبئی می‌شود. ابتیاع دولت انگلیس سهامی را که خدیو مصر در نهر مجمع‌البحرین سوز داشت به هشت کرور لیره انگلیسی.

در اول دسامبر نواب ولیعهد انگلیس به سیلان می‌رسد و در پانزدهم همین ماه به مدرس و در بیست و سیم به کلکته.

ایتالیا :

گاریبالدی در مجلس وکلا به دولت تکلیف می‌کند که رودخانه تیبر را که از وسط شهر رم گذشته مصبش دریاست قابل کشتیرانی نمایند. بروز طبقه‌ای از فراموشخانه‌ها در رم.

چین :

فوت خاقان چین در دوازدهم ژانویه.

روس :

نقار دولت باخان خوقند. ورود عساکر روس به سرداری جنرال کفمان (۳) به خوقند. ناصرالدین خان والی خوقند مطیع می‌گردد لیکن عبدالرحمن نامی برضد روسها برخاسته حکم به جهاد می‌کند. ژنرال اسکلف (۴) مأمور به تدمیر عبدالرحمن شده تمام خوقند را متصرف می‌شود.

اگرچه روزنامه‌ها طرف صلح را دارند و از جنگ حرف نمی‌زنند ولیکن دولت روس شورش بعضی ایالات عثمانی را به دیده حقاتر نمی‌نگرد و سهل نگرفته مخفیاً به تدارك و تهیه جنگ می‌پردازد و آشکارا اعانت و رعایت زیادی به یایان عثمانی می‌نمایند.

عثمانی :

یایغیهای هرزگوین جداً باقشون دولت در مجادله هستند. اهالی

ایالات منتگرو و سروی به آنها اعانت می کنند. یاغیان، شهر تربنژ (۵) را محاصره کرده اند.

استعفای اسعد پاشا از صدارت و نصب محمود پاشا.
 ماهوریت کمیسیونی از طرف دولت عثمانی بامعیت قنسولهای دول
 فرنگ نزدیکان هرزگوین برای تحقیق شکایات آنها از دولت. مأمورین
 بعد از ورود به شهر مستار (۶) هر قدر رؤسای یاغیان رامی طلبند که حاضر
 شده گفتگو نمایند ولی مأمورین بی نیل مقصود مراجعت می نمایند.
 در سروی و کلای ملت به والی تکلیف می کنند که باید رعایت و
 اعانت یاغیهای سروی را کرده به آنها حمایت نمود.
 دولت عثمانی اعلان به طبکاران خود می نماید که نصف طلبی که
 از دولت عثمانی دارند از بابت فرع تنخواه دولت نخواهد داد.
 ازدواج والی سرب با پرنسس ناتالی کوشک (۷).
 ورود عساکر مصری به حبشه و شکست یافتن از حبشه و مراجعت
 کردن آنها به مصر.
 شورش اهالی هرزگوین و بسنی به نهایت است و روز بروز روبه
 تزايد می باشد. عزل حسین عونی پاشای صدراعظم و نصب اسعد پاشا
 به جای او.
 زلزله سخت در ازبیر و حوالی آنجا در دوازدهم ماه مه که بیشتر
 از دوهزار نفر به هلاکت می رسند.

فرانسه :

فوت کنت دونوزا ازوزرا و از رجال معتبر فرانسه.
 طغیان آب رودخانه های جنوب فرانسه و خرابی رسانیدن به اغلب
 اماکن. دویست هزار تومان دولت از خزانه به اشخاصی که اموال و
 املاکشان تلف شده است مجاناً بخشش می کند.

هلاند :

فتوحات قشون این دولت در اتچین.

ینگ دنیای جنوبی:

شهر آلبانه به واسطه زلزله کلیه خراب می شود.

شرح سال سیام

سلطنت و تاجداری اعلیحضرت اقدس شاهنشاه
جم جاه خسرو صاحبقران خلدالله ملکه و دولته
مطابق سنه هزار و دویست و نود و سه هجری
تنگوزئیل ترکی که تقریباً بعد از دو ماه سیچقان ئیل
می شود

کلیه مهمام ملکی و امور دولتی در این سال فرخنده فال به توجهات
اعلیحضرت همایون و اهتمامات اولیای دولت روزافزون قرین نظم و
انتظام است.

امور مملکت خراسان را از هر جهت به جناب مستطاب اشرف مشیر -
الدوله سپهسالار اعظم واگذار فرمودند و دستخط مبارک به شرح ذیل
شرف صدور یافت:

سواد دستخط جهان مطاع مبارک

چون جناب سپهسالار اعظم در هر فرمایشی و خدمتی که
از جانب ما رجوع شد و می شود کمال اهتمام را در نظم آن کار
و دولتخواهی خود را به ظهور رسانیده از تاریخ اواخر سنه
تنگوزئیل و مابعداً امور مملکت خراسان و استرآباد را از هر جهت
به ایشان واگذار می فرمائیم که آنچه لازمه کفایت و دولتخواهی
است در انتظام امور سرحدات و رعیت و قشون آنجا به عمل آورده
خاطر ما را آسوده دارد.

جناب حاجی ظهیرالدوله به امر اعلیٰ عمارتی بسیار عالی به جهت محل سکناى ولایة و حکمرانان خراسان در شهر مقدس بنا نموده اند.

جشن میلاد سعادت بنیاد همایون را جناب اشرف امجد سپهسالار اعظم به اعلیٰ درجه کمال گرفتند. در تمام ممالک محروسه نیز شرایط این جشن و عید مبارک به خوبی منظور و تقدیم شد. تلگرافهای دوستانه از روی کمال و داد و اتحاد از سلاطین عظیم الشان فرنگ مبنی بر تهنیت عید میلاد خسروانه به حضور همایون تبلیغ شد و اعلیحضرت شاهنشاه نیز به اجوبه مودت آمیز تلگرافی باهریک از سلاطین معظم اظهار مودت و مخالفت فرمودند.

چون در نوزدهم ربیع الثانی هزار و دویست و نود و دو جناب آگوستین محترم ارشوک هراکله از طرف حضرت پاپ باهدایا و نامه به حضور مبارک تشرف جست، جواب آن نامه از جانب اعلیحضرت شاهنشاهی بدین صورت که عیناً در ذیل مسطور می شود تبلیغ شد:

صورت جوابی که از جانب سنی الجوانب ملوکانه به حضرت پاپ مرقوم شده

حضرت مسیحا خصلت ملکوتی مرتبت پاپ محترم بسیار مفخم به عنایات خداوندی مؤید باشند. نامه مودت علامت آن حضرت ملک خصلت که از کثرت محبت نگاشته و باتحف و هدایای خیلی عزیز و گراهی که ودایع و یادگارهای معزز و ملاحظه آنها همواره موجب ازدیاد حالت مودت باطنی است مصحوب جناب آگوستین محترم ارشوک هراکله فرستاده خود ارسال داشته بودید به حضور مخالفت موفور ما واصل گردیده برای مزید احترام و اعتبار، آگوستین ارشوک و نامه و هدایای آن حضرت مخصوصاً همه را به حضور ملوکانه خود پذیرفته و از حالت مخالفت و دوستی خالصانه شما به طور شایسته خصوصاً یاد نموده لازم شمردیم به صدور این ملفوفه محبت مألوفه مسرتهای قلبیه و شفعهای باطنیه خودمان را از این که اظهار مودت و صفای بی ریبی شما ظاهر ساخته خاطر دوستی اثر

شمارا مطمئن سازیم که چنان که مرضی طبع و خواهش نیت خالصه شما است کما فی السابق مأمورین ملت محترمه کاتولیک و آحاد و افراد این ملت در نظر شفقت اثرما عزیز و در نزد اولیای دولت علیه ماممتاز و برگزیده و محل هرگونه رعایت و مورد اعلی درجه حمایت بوده و خواهند بود. علاوه بر رعایت های سابقه، بعد از ظهور این مراوده مطلوبه، احکام اکیده در رعایت و حمایت و آزادی کاتولیکها در عقاید خودشان به سرافرازی حکام صادر نمودیم. ما در حقیقت آحاد ملت مزبوره رعایای دولت ایران را و دیعه آن حضرت می دانیم و معلوم است و دایع شما را کاملاً محبوب می داریم. چرا که شخص شما را بزرگترین مریدهای حضرت مسیح علیه السلام و به آن درجه لازم الاحترام می شماریم و خواهش داریم که از صفای قلب خودتان ما را در مقام استجابت دعوات از خاطر خود فراموش ننموده پیوسته مراوده آن حضرت پاینده بماند.

در قصر ملو کانه دار الخلافه طهران. شهر ربیع الثانی.
مجدداً حضرت پاپ جوابی به حضور همایون انفاذ داشتند که ترجمه آن از قرار ذیل است:

جواب نامه ای که حضرت پاپ نگاشته اند

به حضور اعلی حضرت پادشاه و امپراطور بسیار نامور با اقتدار! به احترامات و ارادتی که می خواهیم به موجب هدایائی که انفاذ حضور مبارک می شود به اعلی حضرت همایون ظاهر سازیم این نامه را الحاق نموده تا به این وسیله محبت و خلوص قلبی خودمان را مشهود خاطر مبارک نمائیم. این هدایا نه به واسطه ارزش معززانند بلکه شأن آنها به واسطه محبتی است که به موجب آن آنها را تقدیم حضور همایون می سازیم.

برما واضح است که شما پادشاه خیلی نامور و بسیار مقتدر الطاف مخصوصه و مراحم ملو کانه خودتان راهمواره شامل حال مأمورین کاتولیک و مریدهای حضرت مسیح که در ممالک

متوقف‌اند می‌فرمائید. این مراحم خاص نسبت به‌ایشان سبب گردیده که در کمال آزادی و به‌منتهای شغف دین کاتولیک را که به‌آن علاقه دارند پیروی نموده مراسم آن را مجری دارند. البته بدیهی است که هیچ چیز جز این فقره بیشتر موجب سرور و نشاط قلب ما نمی‌گردد، بخصوصه در این اوان نامساعد که این همه صدمات ما را گرفتار ساخته و نیز هیچ چیز نمی‌تواند بهتر از صفات حقیقی همایونی شخصی شما را که با نهایت میل مشاهده می‌نمائیم آشکار سازد. به این لحاظ در کمال شغف و سرور، خلوص امتنانی که از جهت الطاف همایونی ایشان داریم مشهود نظر مبارک اعلیحضرت همایونی شما می‌سازیم. به سهولت مقام خلوص و ارادت ما معلوم خواهد گشت بخصوص وقتی که تصور فرمائید که جمیع نیکی و التفاتی که به اهل کاتولیک ممالک شما خواه از جانب همایونی یابه واسطه اشخاصی که به اجرای فرمایشات اعلی اشتغال دارند بذل شده گویا درباره خود ما بوده است. علاوه بر این، اعلیحضرت همایون شما خوب مستحضرنده که مأمورین مذهب کاتولیک و اهل کاتولیکی مذهب که آن قدر از مراحم ملوکانه شما به خود بالیده و در این باب در کمال تعریف به ما اظهار داشته‌اند روز بروز آنچه لازمه جد و جهد است به عمل آورده تا به واسطه اطاعت و انقیاد که به شخص همایونی شما لازم است خود را بیشتر لایق آن مراحم سازند و بخصوصه دینی که ایشان پیروی دارند بر آنها تکلیف گذارده که به سلاطین روی زمین درهربابی که برخلاف عظمت خداوندی نباشد اطاعت و انقیاد داشته باشند و چیزی که از برای ایشان فایده‌اش بیشتر است آن است که درازای مراحم و الطاف ملوکانه شما وفا و ارادت خود را ظاهر سازد.

اجرای تکلیف ریاست مذهبی خود می‌دانم که جسارت ورزیده. به‌طور تأکید جمیع کاتولیکهائی [را] که در ممالک محروسه توقف دارند به شما سپرده و استدعا نمائیم که در بذل حمایت همایونی خودشان نسبت به‌ایشان اعاده فرمایند. به‌علاوه از

این گونه رفتار مستوجب مراحم حق تعالی گردیده ایزد تعالی وجود همایونی شما را محفوظ و ممالك و سیعتان را حراست خواهد فرمود. به‌اگوستین محترم ارشوك هراكله که مأمور به دربار همایونی شماست فرموده‌ایم که به‌وضع اکمل جمیع خلوص و ارادت مارا به‌اعلیحضرت همایون شما به‌مقام عرض درآورد. میل مفرط این است که او مستوجب مراحم ملوکانه شما گردیده و در آنچه تعلق به حق تعالی و سلامتی نفوس دارد در اجرای مأموریت خود اعلیحضرت همایون شما اوراحامی باشند. حینی که خلوص و ارادت خودمان را به‌اعلیحضرت همایونی اظهار می‌داریم از خدای رحمن استغاثه می‌نمائیم که مراحم خود را شامل حال شما و جمیع خانواده سلطنت‌تان داشته طول عمر به شما کرامت کرده و ممالك شما را محافظت فرماید و به‌علاوه دعا‌های گرمانه ما آن است که شما باما در رشته محبت خداوندی متفق باشید.

در شهر رومه در حضور سنیر (۱) مورخه ۱۹ سپتامبر سنه ۱۸۷۳ در سال ۲۹ سلطنت مذهبی ما مرقوم گشت.

حضرت اجل شاهنشاه زاده والاولیعه‌گردون مهد دولت علیه ایران ادام‌الله‌اقباله‌العالی احضار به‌دارالخلافه شده روز بیست و دویم صفر وارد دارالخلافه گردیده در باغ دولتی موسوم به باغ ایلخانی (۲) منزل برای حضرت اجل معظم معین گردید.

علیقلی‌خان مخبرالدوله رئیس اداره تلگرافخانه به وزارت تلگراف و اعطای لقب جنابی سرافراز شده دستخط مبارك به شرح ذیل شرف صدور یافت:

سواد دستخط مبارك

مخبرالدوله علیقلی‌خان سرتیپ اول که به‌دولتخواهی و صداقت امتحانات شایسته داده و به‌خدمتگزاری طی درجات

۱- Seigneur

۲- محل بانک ملی کنونی در خیابان فردوسی جنوبی.

بلند نموده این اوقات که در سلك وزرای دولت و از اعضای مجلس دارالشورای اعظم برقرار شد او را به لقب جنابی ملقب و به وزارت تلگرافی دولت علیه مخاطب فرمودیم. مقرر آن که عموم چاکران دولت روزافزون، معزی‌الیه را به این سمت شناخته درجه و مقام او را رعایت نمایند.

۱۵ صفر ۱۲۹۳

روز دوشنبه بیست و سیم شهر صفر سه ساعت و سی و هشت دقیقه و چهل ثانیه از روز گذشته موافق زیج جدید فرنگی آفتاب عالمتاب از برج حوت به حمل تحویل نمود.

حکیم‌الممالک پیشخدمت باشی سلام به حکومت بروجرد منصوب گردید.

نواب والارکن‌الدوله به حکمرانی ایالات خراسان و سیستان مفتخر گردید.

ادیب‌الملک پیشخدمت خاصه شریفه به حکومت قم و ساوه و زرند سرافراز آمد.

حاجی میرزا تقی وکیل‌الرعا که سابق به کدخدائی محله عودلاجان برقرار بود به منصب کلانتری دارالخلافه برقرار گردید و میرزا محمدحسین پسر معزی‌الیه به کدخدائی محله مسطوره مباحی شد.

محض ظهور عواطف خاصه خسروانه، درباره حضرت اجل اعظم شاهنشاه زاده امجد اکرم و لיעهد دولت علیه ایران ادام‌الله اقباله‌العالی، یک قبضه شمشیر مرصع به جواهر ثمینه و فیروزه از شمشیرهای خاصه سلطنتی به دست مبارک همایونی به حضرت مستطاب معظم مرحمت فرمودند.

حکمرانی ایالت عربستان و لرستان را به نواب والاحشمة‌الدوله مفوض داشتند.

امین‌حضور پیشخدمت خاصه شریفه به حکومت کاشان سرافراز شد. میرزا اسدالله مستوفی اول به پیشکاری مازندران مفتخر آمد.

نواب والا معتمدالدوله فرهاد میرزا که به مکه معظمه مشرف شده بودند غره ربیع‌الثانی به دارالخلافه ورود نموده به خاکپای مبارک شرفیاب و مورد مرحمت مخصوص گردیدند.

حاجی میرزا محمد رضای مستشارالملک پیشکار خراسان به یک قلمدان و دوات مرصع و خلعت همایون سرافراز آمد.

حاجی میرزا عبدالله خان علاء الملک به یک قطعه نشان تمثال بی مثال مبارک مفتخر آمد.

جمعیتی از تراکمه با عاشور لنگ که یکی از سرداران تراکمه است و ادنه نفس که آن نیز از رؤسای ترکمانان می باشد به تاخت و تاز سرحدات خراسان آمده مصطفی قلی خان میرپنج رئیس اردوی خراسان باقشون ظفرنمون سرراه بر آنها گرفته جمعی را مقتول و عاشور لنگ را کشته و ادنه نفس را باده نفر سوار دستگیر کرده باقی متفرق گردیدند. بعضی طوایف دیگر تراکمه را نیز سپاه نصرت همراه تنبیه کرده اند.

حکمرانی و فرمانفرمائی مملکت فارس را مزید سایر مشاغل جناب مستطاب اشرف سپهسالاراعظم فرمودند و دستخط مبارک از قرار شرح ذیل شرف صدور یافت:

سواد دستخط جهان مطاع مبارک

نظر به بعضی مقتضیات ملکیه و رعایت ازدیاد امنیت و آبادی مملکت فارس چنان صلاح می دانیم که انتظام آن مملکت را کلیه از جناب سپهسالاراعظم بخواهیم و موافق این دستخط حکم می شود که از امروز قرارهائی که لازم است برای انتظام آن مملکت و رفاهیت و آسودگی رعایای آن و نظم سرحدات

و تنبیه اشرار ایلات و غیره بدهد و اقدامات سریعانه نماید و آن مملکت را آباد و دایر کرده به هر جهت در نظم آن نواحی خودداری ننماید و کل حکام جزء و مباشرین آن مملکت را از اشخاص کاردان با نظم عادل عاقل معین نماید و رعایت حقوق رعیت و انتظام امور دولتی را به هر چیز مقدم دارد. از این تاریخ به بعد انتظام کل فارس را به هر جهت از اومی خواهیم و مسئول خواهد بود.

سیچقان ثیل ۱۲۹۳

وزارت معادن ممالک محروسه را مجدداً بر عهده نواب والا اعتضاد السلطنه وزیر علوم موکول فرمودند.

حضرت اجل اعظم شاهنشاه زاده والا ولیعهد دولت علیه ایران ادام-
الله اقباله العالی روز چهارشنبه هفتم جمادی الاولی به اجازه همایون
عزیمت محل حکمرانی خود که مملکت آذربایجان باشد نمودند.
ریاست اصطلح توپخانه مبارکه را به نواب جهانسوز میرزا مرحمت
فرمودند.

یار محمدخان ایلخانی شادلو تنبیهی در سرحدات بجنورد از تراکمه
نموده است.

محمدخان والی حکمران یزد به خطاب جنابی سرافراز آمد.
میرزا حسینعلی طبیب از اطبای حضور همایون به لقب شیخ -
الاطبائی ملقب گردید.

موکب همایون در ماه جمادی الثانیه عزیمت بیلاق لار فرمود.
حکومت و فرمانفرمائی فارس را به نواب والا معتمدالدوله واگذار
فرمودند.

محمد حسن خان ولد جناب علاءالدوله وزیر دربار اعظم به منصب
فراشباشیگری سرافراز شد.

سیم تلگراف خراسان به مشهد مقدس وصل آمد.
اداره ملبوس و خیام خانه نظام را به عهده مراقبت حاجی میرزا -
عبدالله خان علاءالملک موکول داشتند.

در ماه شعبان این سال نظر به خدمات جناب اشرف امجد سپهسالار -
اعظم یک ثوب سرداری مفتول دوز نظامی شمس مرصع از ملابس خاص
تن پوش مبارک به ایشان مرحمت فرموده دستخط جهان مطاع مبارک
شرف صدور یافت:

سواد دستخط جهان مطاع مبارک

جناب سپهسالار اعظم! چون در این سال از کلیه خدماتی
که به شما محول شد خاطر ما کمال خوشوقتی را دارد و در اجرای
اوامر و احکام ما دقیقه ای خودداری نکرده است. خاصه در نظم
و انعقاد اردوی نظامی بیلاقی امسال و فرستادن اردوهای
متعدد به گریان و سایر سرحدات و به وقت و موقع رساندن آنها
به محل های مأموریت، لهذا یک سرداری مفتول دوز نظامی شمس
مرصع از ملابس خاصه همایونی برای نشانه التفات برای شما
فرستادیم. ۱۲۹۳.

مجلس تحقیق علاوه بر مجلس شورای کبری و مجلس خاص وزراء برقرار و دایر گردیده و اجزای این مجلس ازقرار ذیل می باشد:

اعضاء مجلس تحقیق دولتی

نواب والا اعتضاد السلطنة وزیر علوم،
 نواب والا حسام السلطنة،
 نواب والا نصره الدوله،
 جناب حاجی ظهیر الدوله،
 جناب ناصر الملک،
 جناب حاجی دبیر الملک،
 جناب حسنعلی خان،
 جناب نصیر الدوله،
 جناب امین لشکر،
 جناب مخبر الدوله،
 جناب امین الملک وزیر رسائل خاصه و مدیر مجلس،
 میرزا محمودخان منشی اسرار و کاتب مجلس.
 بعضی بناهای بدیع رفیع بر ابنیه سلطنتی دارالخلافة افزوده شد.

نواب والا نصره الدوله به حکومت ایالت مرکزی که عبارت از عراق و همدان و ملایر و تویسرکان و گلپایگان و خوانسار و نهاوند و بروجرد باشد منصوب و به لقب فرمانفرمائی ملقب گردیدند و دستخط مبارک دراین باب به شرح ذیل شرف صدور یافت:

سواد دستخط جهان مطاع مبارک

عم اکرم نصره الدوله که در رجوع هرکار و تصدی هر خدمت، رضا جوئی خاطر ما و رفاه خلق و صلاح مملکت را پیشنهاد کرده در خیرخواهی این دولت روزافزون آن طور اقدامات صادقانه دارد که مقصود خاطر معدلت مظاهر ماست

و به این وسیله طی درجات و کسب مقامات نموده در هر قدم مرتبتی تازه یافته است این اوقات که حکمرانی ایالات مرکزی عراق به عهده عم معزی‌الیه محول است به اقتضای رای مرحمت نمای همایون او را به لقب جلیل فرمانفرمائی ملقب و مخاطب فرمودیم که این عاطفت جزیره را سرمایه مزید اعتبارات و ترتیبات برتری خود دانسته خدمات دولتی را به وجوه مستحسنة به تقدیم برساند و مورد شمول مراحم دیگر آید.

۱۲۹۳.

حکمرانی ایالتین کرمانشهان و کردستان را به عهده نواب والاحسام السلطنه مفوض داشتند.

روز نوزدهم شهر شوال این سال جناب منیف افندی وزیر مختار وایلچی مخصوص دولت عثمانی که حامل اعلان نامه رسمی جلوس اعلیحضرت سلطان عبدالحمیدخان بر تخت سلطنت عثمانی بود به حضور مهر ظهور مبارک مشرف شد.

ایالات قم و کاشان و ساوه و زرندر اضمیمه و مزید مشاغل و حکمرانی حضرت اجل اعظم شاهنشاه زاده والا امیرکبیر نایب السلطنه دولت علیه حکمران دارالخلافة ادام الله اقباله العالی فرمودند.

وزارت عدلیه اعظم را به جناب میرزا کاظم خان نظام‌الملک که مسبوق به این امر بود تفویض فرمودند.

بنده مؤلف به یک رشته حمایل سرخ و نشان سرتیپی سرافراز آمد. پست خط راه فارس نیز الی بندر بوشهر منسق گردید. مجلس حافظ الصحه در دارالخلافة به ریاست نواب والا اعتضاد السلطنه وزیر علوم و معادن در کمال نظم دایر است.

روز بیست و سیم ذیقعدة الحرام موکب همایون عزیمت شکارگاه مسیله فرمود.

چون اوایل عشر سیم ذیقعدة الحرام این سال، اول سال سیام سلطنت و شهریاری اعلیحضرت شاهنشاه جم‌جاه بود و این قرن سعید باقرن صدساله سلطنت سلسله ابدپیوند قاجاریه اقتران داشت جناب اشرف امجد سپهسالار اعظم جشن قرن همایون را در چند روز و چند شب به وجه اکمل گرفته از بیستم ذیحجة الحرام شروع به ضیافتها و چراغانیها

و مجالس عیش و سرور و آتش بازی و غیره نمودند و سلاطین عظیم الشان
فرنگ به واسطه تلگراف تهنیتها گفته اجوبه مودت آمیز از جانب اعلیحضرت
همایون به واسطه تلگراف به هریک تبلیغ شد.

جناب مسیوزینویف وزیر مختار وایلچی مخصوص دولت روس
مأمور به اقامت دربار دولت علیه که از اول ورود به خاک ایران شرایط
اعزاز و تشریفات معموله درباره سفرای بزرگ دول متحابه درباره جناب
معزی الیه به وجه اکمل به عمل آمد روز شانزدهم ذیحجه وارد دارالخلافه
گردیده روز هجدهم به حضور مهر ظهور تشریف جست.

وقایع و سوانح عمده ای که در این سال در تمام روی زمین و اقطار کره ارض سانح گردیده است

اتائونی (ینگى دنیا):

در چهارم ژوئیه که سه شنبه دوازدهم جمادى الثانیه باشد جشن سال
صدم آزادی اتائونی را در تمام آن مملکت گرفتند. (مخفی نماند که قبل
از صدسال ممالك فسیح المسالك اتائونی جزء مملکت انگلیس بوده و از آن
تاریخ به بعد آزاد شده، دولت مستقل بزرگی گردیده است).

ورود امپراطور برزیل در بهار این سال به نیویورک پایتخت. مخارجی
که به شخص رئیس اتائونی می دادند از طرف دولت، آن مخارج را ژنرال-
گران رئیس تنصیف نمود.

افتتاح اکسپوزیسیون صنایع عمومی برای جمیع دول و ملل روی
زمین در شهر فیلادلفی در اواخر بهار.

اسپانیا :

تمام نقاطی که عساکر یاغی دن کارلوس گرفته بودند قشون دولتی
به حیطة تصرف در آورد. شانزده هزار از قشون یاغی کارلیست اسلحه خود را
زمین گذاشته مطیع اعلیحضرت پادشاه اسپانیا شدند. فرار دن کارلوس
به مملکت فرانسه. ورود اعلیحضرت پادشاه اسپانیا یا فتح و نصرت
به مادرید.

اطریش

مسافرت علیاحضرت امپراطریس به انگلیس. ملاقات اعلیحضرت

پادشاه یونان و ملکه این مملکت با اعلیحضرت امپراطور دروینه. ملاقات اعلیحضرت امپراطور روس با اعلیحضرت امپراطور اتریش در رشتار در حالتی که صدراعظم دولت روس و صدراعظم دولت اتریش کنت اندرآسی حضور داشتند. ملاقات اعلیحضرت امپراطور اتریش دروینه با اعلیحضرت پادشاه ساکس. ورود اعلیحضرت پادشاه یونان به وینه. آلمان :

منع دولت فرو ش اسب را به کسانی که می خواهند آنها را به خارج ببرند.

فوت ژنرال پوکر از معارف در برلن.

طغیان آب اغلب رودخانه ها علی الخصوص در شهر فرانکفورت و درزد (۱).

مسافرت اعلیحضرت پادشاه انگلستان به شهر باد.

ملاقات اعلیحضرت پادشاه انگلستان و اعلیحضرت امپراطور آلمان در شهر کوبورک.

ملاقات اعلیحضرت امپراطور روس و اعلیحضرت امپراطور آلمان در برلن.

ملاقات وزرای دول ثلاثه روس و آلمان و اتریش (پرنس گرچاکف، پرنس بیژمارک، کنت اندرآسی).

ملاقات ارشیدوک آلبرت سپهسالار اعظم دولت اتریش با اعلیحضرت امپراطور آلمان و اعلیحضرت امپراطور اتریش در شهر امس.

مسافرت نواب ولیعهد دولت ایتالیا با زوجه خود به برلن.

ملاقات اعلیحضرت امپراطور اتریش و اعلیحضرت امپراطور آلمان در سالزبورگ.

ورود اعلیحضرت امپراطور برزیل و امپراطریس برزیل به آلمان.

انگلیس :

لرد دربی وزیر امور خارجه مذمت از وضع سلطنت و حکمرانی دولت عثمانی می کند.

ملقب شدن دیسرایلی صدراعظم به لقب کنت دبو کونس فلد (۲).

تعدی و ظلم عثمانیها نسبت به اهالی بلغارستان با کمال نفرت در انگلیس دیده می شود.

مسیو گلا دستون کتابچه‌ای در مذمت دولت عثمانی انشاء می کند. سان دادن قشون هند در دهلی با حضور نواب ولیعهد. افتتاح پارلمنت با حضور شخص اعلیحضرت پادشاه انگلستان. تکلیف دیسرایلی صدراعظم به وکلا که به القاب اعلیحضرت پادشاه انگلستان امپراطریس هندوستان افزوده شود. ابتیاع بقیه سهام خدیو مصر از شرکت حفر نهر مجمع البحرین سوئز به واسطه دولت انگلیس. مسافرت اعلیحضرت پادشاه انگلستان به آلمان و مراجعت به انگلیس.

معاودت کامرون سیاح معروف از آفریقا به انگلیس. مراجعت نواب ولیعهد از هندوستان به انگلیس. فرستادن کشتیهای جنگی انگلیسی به اسلامبول به جهت رعایت دولت عثمانی.

ایطالیا :

مسافرت نواب ولیعهد بازو جه خود به پترزبورغ. ورود سفرای مرغش به تورن و به حضور اعلیحضرت پادشاه رفتن. اهالی ایطالیا از صدماتی که از طرف دولت عثمانی به اهالی بلغارستان می رسد متألم می باشند.

فوت کاردینال آن تونلی معروف صدراعظم پاپ و برقراری کاردینال سیمونی به جای او.

زوجه دوک داوست پسر دوم اعلیحضرت پادشاه ایطالیا فوت می نماید.

مسافرت اژنی امپراطریس سابق فرانسه به شهر رم.

برزیل (از ینگی دنیا):

مسافرت اعلیحضرت امپراطور به ینگی دنیای شمالی.

بلژیک :

ورود اعلیحضرت پادشاه یونان و ملکه دراین مملکت، نیز ورود اعلیحضرت امپراطور برزیل و امپراطریس به بلژیک.

ملاقات اعلیحضرت پادشاه بلژیک و ملکه در شهر ویسباد.
شورش مردم در شهر بروکسل پایتخت و در آنورس.

چین :

فتوحات عساکر چینی در کاشغر. گرفتن شهر ارمتسی را از
یعقوب بیک امیر کاشغر.

دانمارک :

مسافرت اعلیحضرت پادشاه با زوجۀ خود به پترزبورغ.

روس :

در دهم نوامبر این سال که مطابق است با جمعه بیست و دوم شوال،
خطبه‌ای اعلیحضرت امپراطور در مسکو با حضور رجال دولت و اعیان
و اشراف مملکت قرائت کرده آشکارا بیان می‌نماید که اگر اجماع دول
فرنگ نتوانستند قراری در رفاهیت عیسویان رعیت عثمانی بدهند من
مسلماً بشخصه حاضر هستم که کمال رعایت را به آنها بنمایم و سه روز بعد
عساکر اردوهای جنوبی مأمور توقف در ایالت ادسا گردیدند. نواب
گراندوک نیکلا برادر اعلیحضرت امپراطور سردار این اردو گردید.
اردوی مذکور عبارت از دویست و شانزده هزار پیاده و چهل و نه هزار
و دویست نفر سواره و ششصد و چهل و هشت عراده توپ. دویست کروور
منات عجالتاً از برای تدارک جنگ دولت از داخلۀ مملکت استقراض
نموده‌اند و مقرر شد که از آن به بعد وجه گمرک، زر مسکوک باشد نه پول
دیگر. تمام اهالی روس از هر مملکت و هر منطقه عریضه‌ها به اعلیحضرت
امپراطور روس نوشته دعای خیر به اعلیحضرت معظم می‌نمایند که به خیال
آزادی عیسویهای عثمانی است. در اول دسامبر که مطابق با جمعه چهارم
ذیقعدة الحرام است نواب گراندوک نیکلای سپهسالار برادر اعلیحضرت
امپراطور که سردار عساکر جنوب بود به سمت کشین یف که معسکر اردوی
روس بود حرکت کرد.

فوت امیرال کراب وزیر بحریه در زمستان.

فوت گرانددوشس ماری خواهر اعلیحضرت امپراطور.

الحاق مملکت خوقند به متصرفات روس در ترکستان و موسوم—
نمودن این ایالت را به ایالت فرغانه. فتوحات و غلبه ژنرال اسکوبلف سردار
برطایفه قراقریز.

ژاپن :

مسافرت میکادو پادشاه این مملکت با سفاین جنگی به اطراف
جزیره خود.
موقوف داشتن شکنجه را نسبت به مقصرین در این مملکت.
شورش ایالات مغربی. قتل یاغیان.

سودونروج:

فوت مادر اعلیحضرت پادشاه در تابستان.

سویس :

دخل این مملکت در این سال هشت کروور و دو بیست و چهل و یک هزار
و پانصد و پنجاه و دو تومان و شش هزار دینار است و خرج هشت کروور و
چهار صد و بیست و هفت هزار و شصت تومان.

شیلی (ینگیدنیای جنوبی):

به نسوان حق داده شد که مثل رجال آنها نیز در مجلس پارلمنت
حق تعیین وکیل دارند.

عثمانی :

جنگ سخت دولت با یاغیان هرزگوین و بسنی (۱). کنت اندرآسی
صدراعظم اطیش دستورالعمل و یادداشتی برای استمالت یاغیان هرزگوین
و بسنی که به امضای دول روس و آلمان و انگلیس رسیده است به اسلامبول
روانه می سازد و اصول این دستورالعمل و یادداشت مبنی بر این بود:

آزادی تام و تمام اهالی در مذهبی که پیروی می کنند.

قانونی در وضع اخذ مالیات که تعدی به آنها نشود.

تشویق زارعین و ملاحان.

یک قسمتی از مالیات معینه که این دوايالت یاغیه به دولت عثمانی
می دهند همه ساله خرج خود آن ایالت شود یعنی به مصرف ساختن مدارس

و راهها و مریضخانه‌ها و غیره برسد.

ایجاد مجلسی در این دو ایالت مرکب از عیسوی و مسلمان که معاً در آن مجلس نشسته و قرارهای لازم برای رفاهیت رعیت بدهند.

دولت عثمانی قبول این تکالیف را می‌نماید و چهار هفته به‌یادگان مهلت می‌دهد که اگر در ظرف این مدت اسلحه بر زمین گذاشته ایلیت اختیار کنند آنها را عفو کرده نیز سلطان برای خرابی که به‌اهالی رسیده مقرر می‌دارد که در ظرف دو سال تخفیف کلی در مالیات آنها داده شود.

ملاقات ژنرال بردیچ حاکم دالماسی من ایالات اطریش با عالی‌پاشا و مختار پاشا سرداران عثمانی در شهر راگوز.

یاغیهای بسنی بانهایت شدت برضد دولت هستند. مختار پاشا با هفده هزار قشون با یاغیهای هرزگوین و بسنی در جنگ است. ابتدای شورش در بلغارستان.

استعفای محمود پاشای صدراعظم و نصب محمد رشدی پاشا به‌جای او. به‌دست آوردن قاتلین قنسولهای فرانسه و آلمان که در سالونیک بندر عثمانی مقتول شده بودند و به‌قتل رسانیدن آنها را در اسلامبول.

خلع سلطان عبدالعزیز خان از سلطنت درسی‌ام ماه‌مه که سه‌شنبه ششم شهر جمادی‌الاولی باشد و نصب سلطان مراد پنجم به‌جای او.

در چهارم ماه ژوئن که یک‌شنبه یازدهم جمادی‌الاولی باشد عبدالعزیز خان شریان خود را با مقراض دریده خود راه‌لاک می‌سازد.

در شانزدهم ژوئن که شنبه بیست و چهارم جمادی‌الاولی باشد حسین عون‌ی پاشای وزیر جنگ را ورشید پاشای وزیر امور خارجه را حسن-نام چرکس در خانه مدحت پاشای صدراعظم به‌قتل رسانید.

در حینی که در بلغارستان و هرزگوین و بسنی قشون دولتی به‌اطفای نایره شرارت یاغیان مشغول بودند و آن ایالات را منظم کرده ایالت سروی به‌بهانه این که می‌خواهند حدود و سنور خود را محفوظ از دستبرد و تخطی یاغیان یا قشون منظم دولت عثمانی نمایند عساکر زیادی حاضر می‌کنند و پرنس میلان والی سروی سرداری این قشون را بشخصه قبول می‌کند. در اول ژوئیه که شنبه نهم جمادی‌الآخر باشد منتتگرو و سروی به‌عثمانی اعلان جنگ می‌کنند. سردار عساکر سروی ژنرال چرنایف (۲) می‌باشد.

فتوحات مختار پاشا در منتتگرو و از طرف دیگر شکست دادن قشون منتتگر و عساکر عثمانی را و حبس کردن عثمان پاشا. عساکر عثمانی به سرداری سردار اکرم عبدالکریم پاشا ورود به خاک سروستان می‌نمایند. فتوحات عبدالکریم پاشا در سروی. میانجیگری دولت انگلیس که اسباب اصلاح میان سروی و عثمانی را فراهم آورد.

درسی و یکم ماه او (۳) که دوشنبه نهم رجب باشد، به فتوای شیخ الاسلام که سلطان مرادخان پنجم مریض و مجنون است و قابل سلطنت و فرمانفرمائی نیست از سلطنت خلع شده، برادر کهتر او عبدالحمیدخان به جای او منصوب گردید. در هفتم سپتامبر که پنجشنبه هیجدهم شعبان باشد سلطان عبدالحمیدخان رسماً جلوس به تخت سلطنت می‌کند. تکلیف صلح نمودن دولت انگلیس دولت عثمانی را با سروی و منتتگرو با شراکت سایر دول فرنگ و جواب مبهم دادن دولت عثمانی.

ورود اعلیحضرت امپراطور برزیل به اسلامبول.

ایجاد پارلمنت عثمانی مرکب از صد و بیست نفر.

فتوحات عبدالکریم پاشا در سروی و استمداد نمودن سروی از دولت روس. ورود صاحب منصب و سرباز زیادی به اسم داوطلب به مملکت سروی. بی طرفی اختیار کردن افلاق بغداد. قبول کردن دولت عثمانی یک مجلس کنفرانسی را که اجزاء این مجلس سفرای کبار دولت فرنگ باشند به جهت قراردادهای جدید در داخله عثمانی.

استعفای ژنرال جرنایف از سرداری عساکر سروی.

دولت روس به تنهائی مطالبه یک ضمانتی از طرف دولت عثمانی می‌کند که به وعده تنها اکتفا ننموده باید ضامن شود که قرارهای جدیدی که مأمورین دول فرنگ خواهند گذاشت از عهده برآید و مأمور با وجود این که این مجلس برای او منعقد است حق حضور در این مجلس را نداشته باشد. دولت عثمانی جداً مدحت پاشا و ادهم پاشا را از طرف خود مأمور نموده به این مجلس می‌فرستند. افتتاح مجلس کنفرانس در دوازدهم دسامبر که سهشنبه بیست و پنجم ذیقعدة الحرام باشد بدون قبول حضور مأمورین عثمانی به ریاست ژنرال اگناتیف سفیر کبیر روس.

عزل رشدی پاشای صدراعظم و نصب مدحت پاشا به جای او. دولت عثمانی پنج تکلیف از تکالیف مجالس کنفرانس را قبول نمی کند. فرانسه :

ریاست مسیو گروی (۴) به مجلس پارلمان. ورود اعلیحضرت پادشاه انگلستان به بندر شربورگ و ورود به پاریس و ملاقات بامارشال ماکماهون. ورود سفرای مرغش (۵) به پاریس. مکزیك :

شورش اهالی ریوگرانده به تحریک ژنرال دیاز و شکست یافتن یایغان از قشون دولت. هلاند :

آزاد کردن غلام و کینز را دولت هلاندی در جزیره سوماترا. ینگیدنیای جنوبی:

ژنرال پرادو به ریاست جمهور منتخب گردید.

یونان :

ورود اعلیحضرت امپراطور برزیل در این مملکت. مراجعت اعلیحضرت پادشاه یونان بعد از گردش و سیاحت تمام فرنگستان به مملکت خود. استقراض دولت برای تدارك قشون. فرستادن چند کشتی جنگی به بندر سالونیک.

شرح وقایع سال سی و یکم
سلطنت و تاجداری اعلیحضرت قوی شوکت
شاهنشاه جم‌جاه خسرو صاحبقران زادالله تعالی
شوکت و دولته مطابق سنه هزار و دویست و نود
و چهار هجری سیچقان ئیل ترکی که تقریباً بعد از
دوماه اودئیل می‌شود

ابتدای این سال خیرمآل محض مزید نظم و انتظام امور دولت و رفاه
و آسایش حال رعیت، جناب اشرف امجد سپهسالار اعظم به‌اشارة علیّه ملوکانه
قانونی برای تعیین حدود و تکالیف حکام و رؤسای قشون که در ولایات
ممالک محروسه هستند نوشته به‌امضای ملوکانه موشح و صورت آن از قرار
شرحی که در ذیل مسطور شود به ولایات انفاذ شد:

صورت قرارداد و قانونی که جناب اشرف امجد سپهسالار اعظم نوشته‌اند

«اولاً فی‌مابین دونفر که هر دو به‌جهت انجام خدمت دولت معین
می‌شوند باید کمال اتفاق و اتحاد بوده بوجه من‌الوجه بایکدیگر مخالفت
نداشته باشند.

ثانیاً حاکم هر ولایتی حق تقدم بر رئیس نظام خواهد داشت.
ثالثاً در موقعی که خدمت دولت اقتضا نماید و حاکم به‌جهت دفع
متمردین و یا امنیت ولایت، سوق عسکر را به یکی از نقاط ولایات صلاح
بیند باید مکتوباً به رئیس نظام تکلیف و معلوم نماید و رئیس نظام باید اطاعت
حاکم را در این مرحله بدون سؤال نماید و اگر این حرکت بدون موقع
واقع شده مسئول در نزد دولت حاکم خواهد بود.

رابعاً رشته این دو اداره کلیه از یکدیگر موضوع جدا است به این معنی که رئیس نظام به هیج وسیله و بهانه به امورات ولایتی از قبیل مالیات و تعیین ضباط و نواب و سایر کارهائی که بر عهده حاکم است نباید مداخله نماید و همچنین حاکم به هیج وسیله به امورات قشونی نباید مداخله نماید. جمیع امورات متعلقه به قشون بانفراده تعلق به رئیس نظام آن ولایت دارد.

خامساً تنخواه نقد و جنسی که در کتابچه دستور العمل به خرج آن ولایت آمده است تمام اورا باید بدون هیچ قسم مداخله به مأموری که از جانب وزارت عسکریه معین می شود تسلیم نموده و قبض آن مأمور را سند خرج خود بداند لا غیر و اگر مداخله جزء نماید و خود بخواهد به تنخواه نقد و جنس قشونی دخل و تصرفی نماید و قبض جزء را سند خرج خود قرار بدهد در دیوان و دفتر محاسبات ابداً مقبول و مسموع نگشته و آن قدری که خود مداخله جزء نموده است حتماً بدون عذر از او استرداد خواهد شد.

سادساً حاکم ولایات باید تنخواهی را که در کتابچه دستور العمل دیوانی نوشته می شود به اسم قشون و سایر مخارج و مصارف مقدم داشته و از آن قدر وجوه جمعی خود اولاً تنخواه قشون را برساند و به هیج عذری از قبیل فاضل کتابچه دستور العمل یا کسر لا وصول ولایت یا استدعای تخفیف، تنخواه قشونی را نباید معوق و معطل بگذارد بلکه تنخواه متعلق به قشون را مقدم داشته و از برای معاذیر مستدعیات خود سایر مصارف و مخارج ولایتی را محل قرار بدهد و تنخواه قشونی را واجب الادا دانسته تخلف جایز ندارند.

سابعاً چنان که در فصل چهارم ذکر شد - که این دو رشته حکومت و نظام از یکدیگر کلیه موضوع و جداست - بدیهی است که اجزاء و اسباب کار این دو رشته خدمت دولت هم مختلف و جدا خواهد بود. ممکن است که دولت به جهت مصالح خود ریاست این دو رشته را به شخص واحد مفوض فرماید و انتظام این هر دو کار را از آن شخص بخواهد لیکن آن حاکم که هر دو عمل به او رجوع شده است باید این دو کار را از یکدیگر موضوع و جدا دانسته و این قانون نامه را در مدنظر خود داشته و خدمت هر یک از دو شعبه را به اجزای خود رجوع نموده و رؤوس مسایل را به مرجع هر یک از دو کار رجوع و اظهار نماید.

ثامناً اگر از بابت بشریت اختلافی فی مابین حاکم و رئیس نظام به وقوع برسد این اختلاف را به هیچوجه اسباب نقاضت و عداوت فی مابین خودشان قرار نداده در کمال ادب و انسانیت و معقولیت بایکدیگر رفتار کرده مایهٔ اختلاف را به رؤسا و مرجعهای خود نوشته هر قسم حکم رسید رفع اختلاف نمایند.

تاسعاً اگر امری فی مابین اهل نظام و قشونی با اهل ولایت و رعیت اختلاف و محاجه واقع شود حاکم و رئیس نظام متفقاً و مشترکاً باید رسیدگی و غوررسی نموده احقاق حق کنند.

عاشراً چنان که در فصل پنجم و ششم ذکر شده و تأکید در ایصال وجوه متعلقه به قشون گردیده است این فقره هم واضح و بدیهی است مالیاتی که افراد و صاحب منصب نظامی باید در جزء مالیات کل ولایات به حاکم بدهد به قدری که تعلق به آنها دارد حاکم باید به رئیس نظام محل داده و تتمهٔ وجه متعلقه به قشون را مطابق مدلول و مندرجات در فصل پنجم و ششم کارسازی دارد».

میرزا سنگلاخ که تقریباً يك صدوده سال عمر کرده شب جمعه هفدهم صفر در تبریز داعی حق را لبیک اجابت گفت.

عید مولود مسعود اعلیحضرت شاهنشاهی دام ملکه را جناب اشرف— امجد سپهسالار اعظم به اعلی درجهٔ کمال باشکوه و زینتی تمام گرفتند. در تمام بلاد ممالک محروسه نیز این عید سعید با تشریفات کامله گرفته شد. بعضی استخوانهای ماموت (۱) را در اصفهان میرزاتقی خان— حکیم باشی حضرت اجل اعظم شاهنشاه زادهٔ والا ظل السلطان حکمران اصفهان و مضافات انکشاف کرده است.

روز شانزدهم صفر در شکارگاه جاجرود پلنگی عظیم الجثه شکار شست مبارک شد.

روز سه شنبه چهارم شهر ربیع الاول بعد از نه ساعت و بیست و هفت دقیقه و سی و شش ثانیه به حساب زیج جدید فرنگی از روز گذشته، نیر اعظم از

۱- باسوت حیوانی است که قبل از طوفان آخری در کرهٔ ارض وجود داشته شبیه به فیل

ولی بزرگتر اما بعد از طوفان دیگر از این جنس حیوان وجود نیافته است (اع).

برج حوت به حمل تحویل کرد. سلام خاص در عمارت عاج در پیشگاه حضور همایون منعقد گردید و روز چهارشنبه که روز عید نوروز است سلام عام در تالار تخت مرمر انعقاد یافت.

حکمرانی مازندران را به عهده کفایت جناب معتمد الملك وزیر مخصوص موکول داشتند. مجلسی برای تحقیق اشیاء معدنی و فلزات به ریاست نواب والا اعتضاد السلطنه وزیر علوم و معادن دایر و برقرار گردید. میرزا علی دکتر بعد از مراجعت از سفر فرنگ که برای تحصیل رفته بود از طبای حضور همایون و به منصب معلمی طب مدرسه مبارکه دارالفنون سرافراز آمد.

رسیدگی به امور عربستان و لرستان را به عهده کفالت جناب علاءالدوله وزیر مالیه و دربار اعظم موکول داشتند. نیز اداره گیلان را مزید سایر مشاغل جناب معظم فرمودند و ضیاء الملك به حکومت گیلان منصوب شد.

حکمرانی خمسه را به نواب والا عزالدوله عبدالصمد میرزا واگذار فرمودند.

میرزا محمد حسین پسر میرزا جعفر وقایع نگار به منصب استیفا سرافراز آمد.

موکب همایون پانزدهم جمادی الاولی تشریف فرمای بیلاق لار گردیده ولی به زودی مراجعت فرمودند.

چرخ سکه و ضرابخانه دولتی در محلی که مشهور به کارخانه ریسمان ریزی است به ریاست جناب میرزا علی خان امین الملك وزیر رسایل خاصه و مباشرت مسیونچن نمساوی تکمیل و دایر می شود.

آقا محمد ابراهیم امین السلطان به لقب جنابی ملقب و از اجزای دارالشورای کبری گردید.

مهام و امور دولتی را در تحت دو وزارتخانه قرار داده جناب اجل آقای مستوفی الممالک را «وزیر امور کشور» و جناب اشرف سپهسالار اعظم را «وزیر امور لشکر» خواندند.

اوایل شهر رجب موکب همایون مجدداً عازم لار و نمارستاق شد. میرزا زکی رشتی وزیر درب حرم جلالت به خطاب جنابی مفتخر آمد.

درسلخ شهر رجب، شهرستانك مضرب خیام معلی گردید.
بعد از معاودت سفرای بیرمان از دارالخلافه به آن مملکت، میرزا فضل الله خان کارپرداز بمبئی را مأمور به ایلچیگری و سفیر بیرمان قرار دادند. مشارالیه این مأموریت را از روی کفایت به انجام رسانیده معاودت کرده این اوقات عریضه‌ای از مسافرت و شرح سفارت خود به خاکپای همایون ارسال داشت

میرزا شفیع خان برادر مرحوم میرزا جعفر خان به منصب سرهنگی توپخانه نایل گردید.

میرزا هاشم خان امین الدوله مرحوم شد.

میرزا محمد خان امین خلوت ولد مرحوم میرزا هاشم خان علاوهر ریاست تفنگداران خاصه به ریاست خلوت همایون سرافراز گردید.

مسیو نیکلا سمینو از جانب مسیو ریدرر رئیس کل پستخانه‌های ممالک محروسه درجه نیابت کل یافته داخل این اداره گردید.

مجلسی از اجزای محترمه مسطوره ذیل برای رسیدگی امور دیوانخانه عدلیه اعظم به امر همایون تشکیل یافت: نواب والا اعتضاد السلطنه، جناب نظام الملک، جناب نصیر الدوله، مستشار الدوله، میرزا کی نایب، ادیب الملک مدیر مجلس، میرزا محمود وزیر طهران، حاجی میرزا حسین خان صدر دیوانخانه، اعتماد الملک، حیدرقلی خان، بعضی اجزای دیگر.

در ماه رمضان این سال، تکیه دولتی محل و جایگاه تعزیه داری و استماع مواعظ است و در غرفات آن جواهر فروشان دارالخلافه و تجار و ارباب صناعت و محترفه منزل نموده به کسب و حرفه خود مشغولند.
نصر الله خان نصر الملک سرتیپ اول به یک قطعه نشان تمثال همایون سرافراز گردید.

میرزا شیخعلی جناب منصب نیابت نظام العلماء یافت.

نواب والا جهانسوز میرزای امیر تومان حکمران استرabad به اعطای نشان تمثال بی مثال همایون سرافراز آمد.

حسینعلی خان ولد جناب علاء الدوله به منصب غلام پیشخدمت — باشیگری مباحی گردید.

کمیسیون به ریاست نواب والا اعتضاد السلطنه وزیر علوم و معادن برقرار گردید که اجزای آن امتعه واقمشه واجناس لایقۀ ایران را به جهت اکسپوزیسیونی که در سال آینده در دارالملک پاریس افتتاح می‌یابد جمع‌آوری و حاضر نمایند و میرزا جوادخان که مأمور حمل این امتعه به پاریس می‌باشد به منصب سرتیپی دویم مفتخر گردید.

میرزا محمدعلی ناظم پستخانه به اعطای یک رشته حمایل و نشان از درجۀ سرهنگی نایل آمد.

بعضی از تراکمۀ ساروق که به خاک خراسان به تاخت و تاز آمده بودند مصطفی قلی خان میرپنج رئیس نظام خراسان آنها را تدمیری بسزا نموده است.

مهام حکمرانی خراسان و سیستان و استرabad را مزید مشاغل جناب مستطاب اشرف سپهسالار اعظم فرمودند.

محمدعلی خان امین السلطنه جامه دار خاص به اعطای یک قطعه نشان و حمایل سرخ از درجۀ دوم سرتیپی سرافراز آمد.

میرزا اسدالله خان جنرال قنصول دولت علیه مقیم تغلیس به اعطای نشان و حمایل سرتیپی اول مباحی گشت.

سوانح و وقایع عمده‌ای که در این سال در تمام روی زمین واقطار کرۀ ارض واقع گردیده است

اتائونی (ینگى دنیا و ینگى دنیای شمالی):

در بهار این سال، ریشاردهای (۱) به ریاست جمهوری برقرار و ژنرال گران از این عمل خلع گردید. سالی پنجاه هزار دلار به رئیس جدید موجب و مرسوم داده می‌شود (هریک دلار معادل است با پنج قران پول ایران).

پیغمبر طایفۀ مرمن (۲) که مذهبی است جدیداً احداث و ژهن نام پیغمبر مزبور است (۳) به حکم دولت به قتل می‌رسد.

۱- Hayes (Rutherford Birchard)

۲- Mormon (از فرق مسیحی در آمریکا)

۳- پیغمبر مورمونها ژوزف اسمیت Joseph smith بوده.

تمام قشون اتائونی بری و بحری بیست و پنج هزار است.
 مسافرت رئیس سابق ژنرال گران به سمت فرنگ و ورود او به
 لیورپول بندرانگلیس.
 شکست عساكر دولتی از طایفه سیو کس که از وحشیهای قدیم ینگى-
 دنیا می باشند.

اسپانیا :

هواخواهان دن کارلوس که به خارجه فرار کرده بودند به حکم
 اعلیحضرت پادشاه به اوطان خود برمی گردد.
 تمام یاغیهای جزیره کوبا مطیع و منقاد دولت شدند.

اطریش

ملاقات پرنس بیزمارك صدراعظم آلمان و كنت اندرآسی صدراعظم
 اطریش در شهر سالسبورگ.

آلمان :

گرفتن اعلیحضرت امپراطور جشنی در موقع سال هفتادم داخل
 شدن ایشان به خدمت قشونی و سال هشتادم عمر اعلیحضرت معظم.
 پرنس بیزمارك به واسطه علت مزاج موقه چندی از کار کناره
 می جوید.
 ملاقات اعلیحضرت امپراطور آلمان با اعلیحضرت امپراطور اطریش
 در شهر ایشل.

انگلیس :

ورود سفرای چین به لندن.
 گفتگوی سخت در مجلس پارلمان در مسائلی که راجع به عثمانی
 است. الحاق جمهوری ترانس وال (۴) افریق قریب به رأس امید به
 متصرفات انگلیس در آن ناحیه.
 سفاین جنگی انگلیس ورود به خلیج بزیکا نزدیکی اسلامبول
 می کنند.

ایتالیا :

پنجمین سال جشن پنجاهم سلطنت روحانی و جسمانی خود را می گیرد.

برزیل (از ینگی دنیای جنوبی):

به واسطه خشکسالی و نیامدن باران در ایالات شمال مردم به بلیه قحطی مبتلا می شوند.

پرتغال :

بی طرفی این دولت در جنگ روس و عثمانی.

چین:

فوت ولیعهد در سن بیست و هشت سالگی.

روس :

صدراعظم این دولت پرنس گرچاکف به دول آلمان و اطیش و فرانسه و ایتالیا یادداشتی می فرستد که دولت عثمانی به هیچوجه تکالیف دولت روس را در مسائلی که راجع به رفاهیت عیسویان آن مملکت است قبول ننموده و به این جهت دولت روس در تهیه قشون است. آمدن اعلیحضرت امپراطور به کشینو (۵) به اتفاق نواب ولیعهد و سان دیدن قشون و در آنجا اعلان جنگ کردن به عثمانی. شارژدافر عثمانی باتمام اجزای سفارت خود از پتر به سمت مملکت خود حرکت می کنند. اعلیحضرت امپراطور بانواب ولیعهد بشخصه در عساکر روس که به خاک عثمانی ورود می کنند حاضر هستند.

ژاپن :

ایجاد راه آهن جدید و افتتاح آن با حضور پادشاه از ازا کابه- کیتو (۶).

عثمانی :

سرداری سلیمان پاشا به جای مختار پاشا در هرزگوین. صفوت پاشا در مجلس وکلا از طرف سلطان اظهار می دارد که تکالیف مجلس کنفرانس دول را که در اسلامبول منعقد شده بود چون به شأن و

شوکت عثمانی خللی وارد می‌آورد اعلیحضرت سلطان قبول نکرده رد نموده‌اند. مجلس و کلای دولت عثمانی تماماً تکالیف مجلس کنفرانس دول فرنگ را رد کردند. رفتن مأمورین دول که در مجلس کنفرانس حاضر شده بودند از اسلامبول.

عزل مدحت‌پاشا از صدارت و نصب ادهم‌پاشا به‌جای او.

انعقاد مصالحه مابین سروستان و عثمانی. سرداری کل سفاین جنگی عثمانی به‌هبرپاشا (۷) نام که اصلاً انگلیسی است تفویض شد.

شارژ دافر روس با اتباع سفارت بیرق خوابانیده از اسلامبول خارج شدند. دربیست و چهارم آوریل مطابق سه‌شنبه دهم ربیع‌الثانی عساکر روس ورود به سرحد عثمانی نمودند. ایالت افلاق بغداد به‌قشون روس اجازه می‌دهد که از مملکت او عبور نموده به‌خاک عثمانی بروند. والی افلاق بغداد پرنس شارل سرداری عساکر خود را قبول کرده برضد عثمانی برمی‌خیزد. تصرف عساکر عثمانی، سخم (۸) قلعه را از بنادر روس در هفدهم مه مطابق پنج‌شنبه سیم جمادی‌الاولی. شهر اردهان را روس متصرف شد. شیخ‌الاسلام فتوای جهاد می‌دهد. در چهارم ژوئن مطابق دوشنبه بیست و یکم جمادی‌الاولی عساکر روس شهر قارص را محاصره می‌کنند. دربیست و دوم همان ماه عساکر روس از رود دانوب عبور می‌نمایند. ورود عساکر روس در سمت اروپ به‌پترنوا خاک عثمانی. پیشقراول قشون روس به‌سرداری ژنرال گورکو (۹) از کوه بالخان عبور می‌کند. شهر نیکپلی (۱۰) به‌تصرف عساکر روس درمی‌آید. شکست اردوی نهم روس به‌دست عثمان پاشا سردار عثمانی. محمد علی پاشا به‌جای عبدالکریم پاشا سپهسالار کل عساکر عثمانی در سمت اروپ می‌شود. عثمان پاشا در پلونا (۱۱) محصور شده در حمله اول عساکر روس به آن نقطه ده‌هزار نفر قشون روس کشته می‌شود. شکستی به‌ژنرال گورکو در حالی قازان لقرو می‌دهد. سلیمان پاشا در یک حمله با روسها به‌جهت به‌چنگ آوردن دره شیکا دوهزار نفر به‌کشتن می‌دهد. عساکر افلاق بغداد با عساکر روس متحد شده در محاصره پلونا جداً مشغولند و سرداری

۷- Hubert

۸- Sokhom

۹- Gourko

۱۰- Nicopoli

۱۱- Plevna

این دسته قشون باپرنس شارل حاکم افلاق بغداد است. لفچا به تصرف روس درآمد. در حملهٔ دویم عساکر روس وافلاق بغداد به پلونا بیست هزار نفر از عساکر روس کشته می‌شود. شکست مختار پاشا درالشکرد و خود را به قلعهٔ قارص انداختن

در هیجدهم نوامبر مطابق یکشنبه یازدهم ذیقعدة الحرام قلعهٔ قارص به تصرف قشون روس درآمد و عساکر روس به سمت ارزنة الروم حرکت کردند. در دهم دسامبر مطابق دوشنبه چهارم ذیحجة الحرام عثمان پاشا با قشون ابواب جمعی خود در پلونا تسلیم عساکر روس می‌شود. و در همان وقت ایالت سرب با وجود عقد مصالحه با دولت عثمانی نقض عهد نموده با قشون روس متفق می‌شود.

با وجود سرمای سخت و برف زیاد عساکر روس از چند نقطهٔ کوه بالخان عبور می‌کند.

فرانسه :

ریاست مسیو گروی به مجلس وکلای ملت.
فوت ژنرال شان گارنیه از سردارهای معروف.
در سیم سپتامبر که دوشنبه بیست و چهارم شعبان باشد مسیو طیر رئیس سابق دولت جمهوری فرانسه وفات می‌کند.

مکزیک :

ریاست دیاز نام در مکزیک.

هولاند :

فتوحات عساکر دولت در اتچین. فوت ملکهٔ این مملکت در تابستان.

یونان :

با کمال عجله دولت در تهیهٔ حاضر کردن قشون است و کارخانجات اسلحه سازی ایجاد می‌شود. بیست هزار قشون علاوه بر قشون معمول حاضر می‌کنند.

ورود نواب ولیعهد دولت انگلیس به آتن پایتخت یونان.

شرح وقایع سال سی و دویم

سلطنت و تاجداری اعلیحضرت اقدس شاهنشاه
جم‌جاه خسرو صاحبقران عز‌نصره و دام ملکه مطابق
سنه هزار و دو بیست و نود و پنج هجری اودئیل
ترکی که تقریباً بعد از دوماه ونیم بارسئیل
می‌شود

کلیه امور دولتی در این سال فرخنده فال از توجهات کامله بندگان
اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی صان‌الله تعالی ملکه عن‌التناهی زایدأ ماکان
قرین نظم و انتظام است.

جشن میلاد سعادت بنیاد همایون راجناب اشرف امجد سپهسالار اعظم
به وجه اکمل و طرز شایان گرفتند.

کتاب مستطاب «منتخب مثنوی» که به قلم معجز رقم مبارک انتخاب
شده به اهتمام محمد حسن خان محقق به طبع رسیده است.
حکومت کرمان و بلوچستان را به حاجی غلامرضا خان شهاب‌الملک
مفوض فرمودند.

میرزا محمد مستوفی ولد حاجی میرزا بابا ی حکیمباشی به منصب
استیفای نظام سرافراز شد.

شب پنج‌شنبه شانزدهم ربیع‌الاول بعد از گذشتن سه ساعت و پانزده
دقیقه و دو ثانیه از شب به محاسبه زیج جدید فرنگی آفتاب عالم‌تاب از
برج حوت به حمل تحویل نموده سلام خاص در عمارت عاج منعقد گردید و چون
روز هفدهم نیز عید مولود مسعود حضرت سید المرسلین و خاتم‌النبین

می‌باشد سلام عام عید نوروز رابه‌این روز قرارداد داده و درتالار تخت مرمر انعقاد یافت.

اداره وزارت امور بنائی دارالخلافت باهره و سایر ممالك محروسه را برعهده نواب والا اعتضادالسلطنه وزیر علوم و معادن موکول فرمودند. حکمرانی بروجرد و گلپایگان و خونسار را ضمیمه حکمرانی اصفهان نموده به حضرت اجل اعظم شاهنشاه زاده والا ظل السلطان حکمران اصفهان ادام الله اقباله العالی واگذار فرمودند.

نواب والا عباس میرزا (۱) که چندین سال در عتبات عالیات و عراق عرب، بسر می‌بردند عواطف و مراحم ملوکانه ایشان رابه‌دربار همایون احضار فرموده و مشمول تفقدات بلانهایات نموده مبلغ شش هزار تومان وجه نقد از خزانه عامره به رسم سیورغال و مواجب درحق نواب معظم و یک هزار و پانصد تومان درحق نواب محمد میرزا ولد ایشان مقرر و برقرار فرمودند. علاوه براین موهبت نواب والا عباس میرزا به لقب جلیل ملک آرائی و حکومت خمسه و زنجان مباهی شدند. نواب والا معزالدوله بهرام میرزا رابه وزارت عدلیه عظمی مفتخر و منصوب فرمودند.

حکمرانی ملایر و توپسرکان و نهاوند را برعهده کفالت نواب والا - مؤیدالدوله موکول داشتند.

جناب الله‌قلی‌خان ایلخانی به حکومت همدان منصوب و مباهی گشت.

حاجی محمد رحیم‌خان قاجار شامبیاتی به ریاست مجلس مظالم عامه کل ممالك محروسه برقرار آمد. امیر دوست محمدخان معیر الممالك به اعطای

۱- منظور عباس میرزا برادر ناصرالدین شاه است و پسر محمد شاه از بطن خدیجه خانم

کرد چهریقی. وی در آغاز جلوس ناصرالدین شاه چیزی نمانده بود که کشته شود یا چشمان خود را از دست بدهد اما به پایمردی قهراد میرزا معتمدالدوله و دخالت سفارت انگلیس، وی به عراق عرب تبعید شد و پس از یک دوره بیست و هفت ساله تبعید، به سعی میرزا حسین خان سپهسالار وی از ناصرالدین شاه اجازه یافت که به ایران بازگردد. عباس میرزا شرح حال خود را در کتابی شیرین نوشته و آن کتاب را نگارنده در سال ۱۳۲۵ شمسی منتشر کرده و بعدها چند بار مجدداً چاپ شده.

نشان تمثال بی‌مثال همایون سرافراز گردید.
 میرزا حسن نوری ولد میرزا ابراهیم به منصب استیفا از درجهٔ سیم
 نایل آمد.
 حاجی میرزا علینقی منشی باشی نظام به لقب مشیر لشکری سرافراز
 آمد.

حاجی آغا جوهر خواجه باشی به لقب معتمد الحرم مفتخر آمد.
 کل قراولخانه‌های دارالخلافة را به عهدهٔ کفایت امیرزاده وجیه‌الله
 میرزا پیشخدمت خاصه و خزانه‌دار کل وجوه نظام واگذار فرمودند.
 آقا رضای آجودان مخصوص حضور همایون و خازن وجوه صرف
 جیب مبارک به اعطای یک قطعه نشان از درجهٔ اول شیر و خورشید با
 حمایل سبز مفتخر آمد.
 اسفندیار خان سرتیپ به یک قطعه نشان شیر و خورشید و یک رشته
 حمایل مخصوص آن مباحی آمد.

از وقایع عمدهٔ این سال خیرمآل، مسافرت بندگان اعلیحضرت قوی
 شوکت همایون است به فرنگستان که شرح آن در سفرنامهٔ مبارکه مرقوم
 قلم معجز رقم شاهنشاهی مفصل و مبسوط مسطور شده و انطباع یافته
 است و مامحض تتمیم و تیمن این کتاب خلاصهٔ آن را زیور این اوراق قرار
 می‌دهیم و مقدمهٔ اظهار می‌داریم که چون مقصود و خیال حقایق تمثال
 خسروانه از این سفر خیر اثر استدراک دقایق و نکات عمدهٔ علوم و فنون و
 صنایع و بدایع اقلیم اروپا می‌بود این سفر مبارک را بدون سمت رسمیت
 قرار دادند تا تشریفات و تعظیمات سلاطین و وزرا و بزرگان دول و رؤسای
 ملل مانع نیل مقصد اعلی و مطلب و منظور اهم نگردد.

شرح سفر خیر اثر اعلیحضرت همایون به فرنگستان

چون موکب مسعود مقدس عزیمت این سفر خیر اثر فرمود نیابت مخصوص
 وجود موهبت نمود شاهانه را در مدت غیبت ذات ملکوتی صفات اقدس
 به حضرت اجل اعظم شاهنشاه زادهٔ افخم و الانایب السلطنة العلیه امیر کبیر
 ادام‌الله اقباله العالی مفوض فرمودند و جناب اجل آقای مستوفی الممالک
 را در کلیهٔ کارهای کشوری مشارک رأی و خیالات حضرت اشرف معظم

قرار دادند و جناب معتمدالملک وزیر مخصوص نیز از جانب جناب اشرف امجد سپهسالار اعظم مشغول رسیدگی به کار لشکری و نظامی و امور دایره وزارت خارجه گردید.

بعد از وضع این ترتیبات، روز پنجشنبه سلخ ربیع الاول که پانزده روز از عید نوروز گذشته بود، موکب همایون از دارالخلافه باهره انتهاز فرموده تشریف فرمای قریه حسین آباد حاجی سلیمان خان شدند. جمعه غره ربیع الثانی، به قریه کرج و شنبه دویم به سنقر آباد و یکشنبه سیم به کازران سنگ و دوشنبه چهارم به ظاهر قزوین در هزار جریب نزول اجلال فرمودند.

روزی پنجم و ششم، در اینجا اطراق شد و بعد از ظهر روز ششم، شهر قزوین به مقدم مبارک مزین گردید. روز هفتم، قریه سیاه دهن که آخر خاک قزوین است مضرب خیام گردون احتشام آمد.

جمعه هشتم به قصبه ابهر تشریف فرما شدند.

روزی نهم در اینجا اطراق شد.

دهم، به صاین قلعه خالصه که تیول اصطبل توپخانه است شرف ورود ارزانی فرمودند و در این روز ضیاء الملک حکمران گیلان به نشان تمثال همایون مقتخر آمد.

روز یازدهم، به سلطانیه نزول اجلال فرمودند. شرح جغرافی سلطانیه در حرف سین ان شاء الله بیاید.

روز دوازدهم، ظاهر شهر زنجان مضرب خیام معلی گردید.

سیزدهم، نیز در اینجا اقامت شد.

روز چهاردهم به قریه نیک پی تشریف فرما گردیدند.

پانزدهم به قریه آق مزار ملکی مظفرالملک شرف ورود بخشیدند.

شانزدهم قریه سرچم و هفدهم جمال آباد که خاک آذربایجان و شقاقی است و هیجدهم میانج مضرب اردوی کیوان شکوه گردید. بین راه حضرت اجل اعظم شاهنشاه زاده والا ولیعهد دولت علیه ایران صاحب اختیار و حکمران مملکت آذربایجان و جناب صاحب دیوان وزیر نظام و پیشکار آذربایجان و صدرالدوله و عمله جات حضرت معظم به خاک پای مبارک مشرف شدند.

نوزدهم قریه صومعه علیا ملکی جناب صاحب دیوان اقامتگاه اردوی معلی گردید.

بیستم به تر کمانچای ویست و یکم به قراچمن نزول اجلال فرمودند. بیست و دویم، تکمه داش جزء محال عباس ویست و سیم، قریه حاجی آقا منزلگاه موکب مقدس بود. علما و اعیان تبریز که به استقبال آمده بودند در اینجابه حضور مبارک تشریف جستند.

بیست و چهارم، به منزل با سمنج تشریف فرما گردیدند.

روزشنبه بیست و پنجم، شهر تبریز به ورود مسعود خسروانه مزین گردیده در باغ شمال نزول اجلال فرمودند. مأمورین خارجه و جمعیت بی شمار وافواج و سوار بسیار موکب معلی را استقبال کرده همگی به همراه اعلیحضرت شاهنشاهی دام ملکه سربلند گردیدند. پس از ورود مسعود سلام عام منعقد گردید. نواب والا حسنعلی میرزا خلف ارجمند حضرت مستطاب اجل اعظم ولیعهد دولت علیه ادام الله اقباله العالی که تا این روز به حضور مهر ظهور مبارک مشرف نشده از تقبیل آستان اعلی مستعد و مباحی آمد.

بیست و هشتم، جناب فخری بیک سفیر کبیر عثمانی که از راه حلب و دیار بکر و وان به تبریز آمده و سه روز پیشتر به این شهر رسیده به حضور باهرالنور مقدس مشرف گردید.

روزیست و هشتم، برای صرف ناهار به عمارت حضرت اجل اعظم ولیعهد ادام الله اقباله العالی که در شهر است تشریف فرما گردیدند و از آنجا به دیوانخانه قدیم حضرت نایب السلطنه مغفور عباس میرزا طاب الله ثراه شرف ورود ارزانی فرموده در اینجا شاگردان مدرسه جدید البنای تبریز که به ریاست میرزا عباس خان سرتیپ پسر مرحوم حاجی میرزا جبار - ناظم المهام دایراست به خاکپای مبارک مشرف گردیده امتحان شدند. هم در این روز تجار و کدخدایان شهر و علمای مراغه و خوی و ارومی به حضور مهر ظهور مقدس تشریف جستند و علمای تبریز را نیز این روز بازدید فرمودند.

روز بیست و نهم، از شهر تبریز انتهاض فرموده قریه صوفیان به مقدم مبارک مزین آمد.

روزشنبه غره جمادی الاولی، عزیمت مرنند فرمودند. شرح جغرافیائی درند ان شاء الله در حرف میم بیاید.

روز دویم، به گلین قیا وسیم به کنار رود ارس تشریف فرما گردیدند. روز سه‌شنبه چهارم با بدرقه حفظ خداوند از رود ارس عبور فرموده عازم قفقاز شدند. پرنس منچیکوف که از جانب دولت روس موکب مقدس را مهماندار بود با صاحب منصب زیادی لب رودخانه ایستاده بودند. پرنس مشارالیه و پسر ژنرال میلوتین وزیر جنگ دولت روس که آجودان خاصه اعلیحضرت امپراطور است و حاکم ایروان رسلولف و صاحب منصب کل قشون سمت ایروان پرنس آمیلا خوارف باسواره و غیره که سر راه ایستاده بودند به عواطف شاهانه مشمول گردیدند. حضرت اجل اعظم شاهنشاه زاده افخم والا ولیعهد دولت علیه و جناب صاحب دیوان امروز از رکاب اعلیٰ مرخص شده به محل حکمرانی خود معاودت فرمودند. شب این روز از جانب دولت روس آتش بازی بسیار خوبی نمودند.

روز پنجم نخجوان به مقدم مبارک مزین گردید. حاکم این شهر با فوج ساخلو نخجوان تعظیمات مقدم خسروانه را به عمل آوردند.

اسامی ملتزمین رکاب اعلیٰ در این فرنگستان از قرار ذیل است:

جناب اشرف امجد سپهسالار اعظم، جناب عضدالملک، جناب ناصر-الملک، جناب امین‌السلطان، دکتر طولوزان حکیمباشی مخصوص اعلیحضرت همایون، حکیم‌الممالک، مهدیقلی خان پیشخدمت خاصه شریفه، آقارضا آجودان مخصوص و خازن صرف جیب همایون، محمدعلی خان امین‌السلطنه، امیرزاده سلطان حسین میرزا، غلامحسین خان زیندارباشی، محمدحسن خان محقق، فرخ‌خان پیشخدمت خاصه شریفه، جعفرقلی خان غلام بچه‌باشی، آقارضای ناظم خلوت، آقامحمدعلی آبدارباشی، آقامیرزا محمد، حاجی حسن آبدار، حاجی حیدر. بنده مؤلف نیز به شرف التزام رکاب مبارک سرافراز بود.

پنج‌شنبه ششم باش نوراشین که یکی از دهات محال شرور ایروان است منزلگاه اردوی همایون شد.

جمعه هفتم عزیمت ایروان فرمودند. حاکم این شهر و سرکرده قشون

ساخلوی ایروان پذیرائی کامل از موکب معلی نمودند.

روز هشتم در ایروان توقف شد و در این روز به بازدید مسجد جامع ایروان و بعضی مواضع دیگر واوچ کلیسا تشریف فرما گردیدند.

روز نهم بعد از آن که به جمیع صاحب منصبان نظامی و قلمی حاکم شهر ایروان علی قدر مراتبهم نشانها مرحمت فرمودند و همگی مشمول عواطف ملوکانه گردیدند از این شهر عازم دلیجان گردیدند.

دوشنبه دهم، آل کست منزلگاه موکب همایون شد. پرنس گارین حاکم قلمی (۱) شهر تغلیس که به استقبال آمده بود امروز در بین راه به رکاب اعلی پیوست.

سه شنبه یازدهم، عزیمت تغلیس نمودند. در بین راه جناب امین الملک که چند ماه قبل مأمور فرنگستان شده بود با ژنرال قنصل ایران میرزا محمودخان مقیم تغلیس به تقبیل رکاب اعلی فایز گردیدند. در کنار شهر سر راه فرش انداخته و طاق نصرت زده بودند و تشریفات زیاد در ورود مسعود شاهانه به شهر تغلیس به عمل آوردند. پرنس میرملکی نایب جانشین جمیع صاحب منصبان نظامی و قلمی قفقاز را در حضور باهرالنور اقدس معرفی کرد. نواب گراندوک میشل جانشین قفقاز اینجا نبودند. ولی دوپسر ایشان که در این شهر توقف داشتند به حضور مهر ظهور مقدس تشریف جستند. شب چراغانی و آتش بازی خوبی شد. کارگزاران دولت روس نهایت خدمتگزاری را به عمل آوردند.

دوازدهم، در تغلیس اقامت شد و از شاهزادگان پسرهای جانشین بازدید فرمودند و موزه و بعضی جاهای دیگر تغلیس را سیاحت نمودند. امشب نیز چراغانی بود.

روز سیزدهم، بعد از آن که به شاهزادگان پسرهای جانشین نشان و حمایل ایران عطا فرمودند و سایر اعیان و صاحب منصبان را نیز به قدر مرتبه مشمول مکارم ملوکانه داشتند از تغلیس انتهاز فرموده به منزل ملیت تشریف فرما گردیدند.

۱- ظاهراً «قلمی» اینجا به معنای غیر نظامی است. زیرا نظامیان را صاحب سیف

می شناختند و غیر نظامیان را صاحب قلم.

روز چهاردهم، تشریف‌فرمای شهر ولاد قفقاز شده از وسط شهر با کالسکه گذشته، دم‌گار پیاده گردیدند. فوجی با موزیکان صف کشیده حاکم و صاحب منصب بسیار و جمعیت زیادی از زن و مرد فرنگی و ارمنی و غیره سر راه ایستاده بودند. نظر آقاوزیرمختار ایران مقیم پاریس هم از پاریس آمده به حضور مبارك مشرف شد. خلاصه داخل کالسکه بخار شده تاشش ساعت از شب گذشته در این محل توقف شد. آنگاه کالسکه راه افتاد و تا سه شبانه‌روز از کالسکه بیرون نیامده متصل در حرکت بودند.

روز دوشنبه هفدهم جمادی‌الاولی، دوساعت و نیم به غروب مانده به شهر مسکو ورود فرمودند. در این روز قازوف مترجم خاص اعلیحضرت امپراطور که از پطر مأمور شده بود و میرزا ملکم خان ناظم‌الملک ایلچی مقیم لندن به حضور همایون مشرف شدند. در ورود به گار، پرنس‌الدقور کی حاکم مسکو با همه صاحب‌منصبان و جنرالها به استقبال آمده بودند. منزلگاه همایون در مسکو قصر کرملین است.

سه‌شنبه هیجدهم، در مسکو اقامت شد و به بازدید موزه این شهر و بعضی اماکن دیگر گذشت.

چهارشنبه نوزدهم، تا غروب در مسکو توقف فرموده بعد از صرف شام به راه‌آهن تشریف‌فرما شده عازم پطرزبورغ گردیدند و فردا چون به شهر پطرزبورغ نزدیک شدند لباس رسمی دربر کرده نشان دولت روس را به پیکر مبارك زده در آستاسیون آخری که آبادی لوبان بود کالسکه ایستاده مأمورین اداره شرقیه وزارت خارجه به حضور مهرظهور مبارك تشرف جستند. چون به گار ورود فرمودند اعلیحضرت امپراطور با لباس رسمی و نشان ایران و همه شاهزادگان خانواده سلطنت و جمیع صاحب‌منصبان با نشانهای ایران تا گار به استقبال آمده بودند. در این محل، بعد از اقدام و انجام رسم مودت و مخالصت، اعلیحضرت امپراطور اولاً تمام شاهزادگان خانواده خودشان را معرفی کردند. آنگاه با اعلیحضرت شاهنشاهی در يك درشگه سربازی نشسته به عمارت زمستانی ارمی‌تاج که منزل اعلیحضرت همایون است ورود فرمودند و زیاده از آنچه به تصور بیاید امپراطور اسباب احترام و تشریفات و پذیرائی موکب همایون را فراهم آوردند.

جمعه بیست و یکم، در پطر اقامت شد. میرزا ملکم خان ناظم الملک بر حسب مأموریتی که داشت امروز از مسکو روانه برلن شد. در این روز از اعلیحضرت امپراطور و نوابان برادران اعلیحضرت معظم بازدید فرمودند. شام را اهشب مخصوصاً در منزل اعلیحضرت امپراطور موعود بودند.

شنبه بیست و دویم، در میدان شان دومارس سان بسیار خوبی از قشون متوقف در پطرزبورغ داده شد و در این سان جمیع فرمان را خود اعلیحضرت امپراطور می دادند. امشب را نیز در منزل مخصوص اعلیحضرت امپراطور به شام رسمی دعوت شدند.

یکشنبه بیست و سیم، یک زوج گلدان چینی بسیار ممتاز اعلیحضرت امپراطور برای اعلیحضرت همایون فرستادند. شب این روز در خانه نواب ولیعهد دولت روس به شام رسمی مهمان بودند و در این شب نشان تمثال بی مثال همایون مکمل به الماس را برای نواب گراندوک الکسی اهدا فرمودند.

دوشنبه بیست و چهارم، تشریف فرمای پطرهوف شدند. با کالسکه بخار سه ربع ساعت راه است. شرح صفای پطرهوف در سفر سابق فرنگستان مسطور است. روز بیست و پنجم، بعد از وداع با اعلیحضرت امپراطور و جمیع نوابان خانواده امپراطوری و اظهار مخالفتهای کامله از جانبین، با کالسکه بخار عزیمت ورشاو فرمودند.

روز بیست و هفتم، یک ساعت و نیم به غروب مانده وارد شهر شدند. منزل اعلیحضرت همایون در این شهر قصر لازنسکی است. حاکم و صاحب منصبان متوقف این بلد و اعیان در پذیرائی موکب اعلی کمال اهتمام را به عمل آوردند. شب چهارشنبه بیست و ششم و پنجشنبه بیست و هفتم، در ورشاو اقامت شد و موزه و سیرک و بعضی مواضع دیگر این شهر را تماشا فرمودند.

جمعه بیست و هشتم، عازم برلن شدند و شب یکشنبه سلخ جمادی - الاولی، وارد برلن گردیدند و تشریفات کامله از مقدم مبارک به عمل آمد. روز سلخ، اعلیحضرت امپراطور گلیوم (۱) به دیدن اعلیحضرت

همایون آمدند و اظهار مخالفت و وداد کامل از جانبین شد. منزل اعلیحضرت همایون همان عمارت دولتی است که در سفر سابق فرنگستان در آن منزل داشتند. خلاصه بعد از نیم ساعت اعلیحضرت همایون به بازدید اعلیحضرت امپراطور تشریف بردند. عصر این روز در حالتی که اعلیحضرت امپراطور برای گردش قبل از شام در کالسکهٔ روبازی نشسته گردش می کردند، شخصی دکتر شارل نبلنگ (۲) نام از خاندان معروفی از طبقهٔ موسوم به سوسیالیست دمکرات با تفنگی که با چهارپارهٔ زیادی پر کرده بود دو تیر به طرف اعلیحضرت معظم خالی نموده چون کلاه خود به سر داشتند سرایشان محفوظ مانده ولی حوالی شانه و گردن ایشان مجروح گردید و این سانحه زیاد مایهٔ تألم اعلیحضرت همایون و جمیع ناس گردید. سه هفته پیش از این هم یک نفر از طبقهٔ مذکوره طپانچهٔ شش لوله به اعلیحضرت امپراطور انداخته اما آسیبی به ایشان نرسانده.

شنبهٔ غرهٔ جمادی الثانیه، دو ساعت به غروب مانده، به عزم بادن باد انتهاز فرمودند و روز دوم به این شهر وارد گردیدند.

روز سیم، به تماشای بعضی قصبات و آبادیهای آن نواحی گذشت. روز چهارم، و پنجم، در همین ساحت به شکار و تفرج مشغول بودند. روز ششم نیز به بازدید اماکن همین نواحی گذشت.

روز یکشنبه هفتم، یک ساعت به ظهر مانده با کالسکهٔ بخار عازم پاریس شدند و در بین راه شهر استرازبورغ را تماشا و بازدید فرمودند. دوشنبه هشتم، صبح بسیار زود وارد دارالملک پاریس گردیدند. در گراند هتل یعنی مهمانخانهٔ بزرگ منازل و اطاقهای خوب برای اعلیحضرت همایون و ملتزمین رکاب اعلی اجاره و معین شده بود. همهٔ پادشاهان که به پاریس می آیند در همین مهمانخانه منزل می کنند. جناب مارشال ماک-ماهون رئیس جمهوری به دیدن اعلیحضرت همایون آمد. بعد از آن به بازدید اکسپوزیسیون تشریف فرما شدند.

روز دوم ورود مسعود به عمارت الیزه، به بازدید جناب مارشال ماک-ماهون رفتند. بعد رسماً به اکسپوزیسیون تشریف ورود بخشیدند و همه جا را گردش و بازدید فرموده از جمله بنائی که به حکم همایون

به سبك ايران در نهايت خوبى ساخته اند ملحوظ نظر انور اقدس گرديد و امتنع ممتاز ايران را كه در اين عمارت به معرض ظهور گذارده بودند ملاحظه فرمودند. بالجمله يك روز به بوادبولن (۳) و يك روز به اكسپوزيسيون و روزى به بوت دشومون (۴) كه تفرجگاه بسيار خوبى است و روزى به آن گن (۵) كه قصبه بزرگى است تشریف فرما گرديدند. از سوانح اين ايام آن كه پادشاه سابق هانور كه مملكت آن را دولت آلمان تصرف کرده و عموى تنى اعليحضرت پادشاه انگلستان است و مدتى در پاریس بوده غفلتاً وفات مى نمايد.

روز شنبه سيزدهم، نواب وليعهد دولت انگليس از اعليحضرت همایون ديدن نمود. مسيو ملينه وزير مختار فرانسه كه مقيم طهران بود و قبل از موكب اعلى به پاریس آمده امروز به حضور مبارك تشریف جست. بعضى ديگر نيز شرفياب شدند، آنگاه موكب همایون به بازديد بعضى اماكن پرداخت.

روز چهاردهم، در لن شان اسبدوانى بود و اعليحضرت همایون با جناب مارشال ماك ماهون به تماشای اسبدوانى تشریف فرما گرديدند.

روز پانزدهم، از درى كه داخل محل ماشينها مى شود به اكسپوزيسيون داخل شده ماشينهاى فرانسه وانگليس و روس و بلژيك و غيره را بازديد فرمودند و شب را براى شام مهمان جناب مارشال ماك ماهون بودند.

روز شانزدهم، به قلعه مون والرين وجهه خانه پوتو تشریف بردند. يك روز نيز در لونهاى بواد بولون سان قشون بزرگى كه قريب پنجاه هزار نفر بودند در حضور مبارك داده شد. يك شب در خانه و قصر بازى - ليسكى كه مال ملكه اسپانياست موعود به شام بودند.

روز جمعه نوزدهم، عزيمت فونتن بلو فرمودند. شنبه بيستم، به مدرسه توپخانه تشریف بردند. بعد به تماشای عمارت قديم دولتى پرداختند. يك روز هم باغ وحش را بازديد فرمودند. روزى به تماشای هتل ديو (۶) كه مريضخانه بزرگى است تشریف فرما شدند و از آنجا به مدرسه كورها رفتند. روزى به سن ژرمن كه با راه آهن كمتر از

۲- Bois de Boulogne

۴- Buttes de chaumont

۵- Enghien

۶- Hotel Dieu

يك ساعت راه است تشریف بردند. نیز روزی به سن ژرمن و روزی به سفارتخانه ایران و روزی به ماگازن دولوور (۷) که چندین طبقه و چندین دالان است و هزاران پیچ و خم و اطاقها و تالارها دارد که همه پراز امتعه و اجناس است تشریف فرما شدند و چون روز آخر ماه ژوئن شد و عید جدید الابداع فرانسویها در رسید و اسباب جشن و عیش و چراغان و آتش بازی فراهم آمد، شبی که چراغان و آتش بازی بود، با جناب مارشال ماگماهون بالای آرک دتریونف (۸) که وسط شهر است و از بالای آن همه شهر چراغان و آتشبازیهای اطراف شهر و مردم پیدا هستند تشریف بردند.

روز دوشنبه بیست و نهم جمادی الثانیه، تشریف فرمای الیزه شده جناب مارشال ماگماهون را وداع فرمودند. بعد از آن به اکسپوزیسیون توجه فرموده قدری گردش کردند.

روز سه شنبه غره رجب، از پاریس بالیمن والسعاده عازم ایران شدند. مارشال ماگماهون و اعظم آن مملکت موکب اعلی را بدرقه کردند، وقت شب از استرازابورغ عبور شد. فردا عصر به شهر سالس بورغ ورود فرمودند. نواب آرشیدوک ویکتور برادر اعلیحضرت امپراطور اطریش که از جانب اعلیحضرت امپراطور به استقبال آمده بود در اینجا به حضور مبارک تشریف جست و تشریفات کامله از قدوم بهجت لزوم مقدس به عمل آمد.

روز سیم، در اینجا توقف شد. امشب در عمارت ییلاقی خارج از شهر مهمان نواب آرشیدوک ویکتور بودند.

روز جمعه چهارم، عزیمت وینه فرمودند و چون به گاروینه رسیدند، اعلیحضرت امپراطور و همه صاحب منصبان و غیره دم گار بالباس رسمی حاضر بودند. اعلیحضرت همایون با اعلیحضرت امپراطور با کمال خصوصیت و مهربانی و مودت دست دادند و بعد از تقدیم رسوم و تشریفات با اعلیحضرت امپراطور در کالسکه روبازی نشسته به عمارت دولتی موسوم به پاله دبورق (۹) تشریف فرما شدند. منزل اعلیحضرت امپراطور هم در همین

۷- Magasins de Louvre

۸- Arc de Triomphe

۹- Palais de Bourg

عمارت است. بعد از دقیقه‌ای اعلیحضرت همایون به بازدید اعلیحضرت امپراطور تشریف بردند.

روز پنجم، به تماشای همین عمارت از خزانه و موزه و غیره گذشت و شام را مهمان اعلیحضرت امپراطور بودند. همه شاهزادگان و بزرگان و وزرای آن دولت و ملتزمین رکاب اعلی سرشام حاضر بودند.

روز ششم، به تماشای بعضی ابنیه و عکس پرده‌های نقاشی و غیره مشغول گردیدند.

روز هفتم، بعضی از وزرای مختار و بزرگان وینه به حضور مهر ظهور مشرف شدند.

روز هشتم، به جبه‌خانه و توپخانه و مدرسه شرقیه تشریف بردند و شب را در قصر شونبرون مهمان اعلیحضرت امپراطور بودند.

روز نهم، باراه آهن به قصر لوکسامبورغ تشریف فرما شدند و در آن نواحی گردش فرمودند.

روز دهم، با کشتی در روی رودخانه دانوب مشغول گردش شدند و ناهار هم در کشتی خورده شد.

روز یازدهم، به سیاحت کالمبرق انتهای فرمودند. روز دوازدهم، اعلیحضرت امپراطور را وداع فرمودند بعد به قصر شونبرون تشریف فرما گردیدند. باغ وحشی که در این قصر هست ملحوظ نظر انور شاهانه گردید. بعضی مواضع و ابنیه دیگر نیز از لحاظ همایون گذشت.

روز سیزدهم رجب، که عید مولود مسعود حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام است، از وینه به طرف ایران حرکت فرمودند و اعلیحضرت امپراطور به منزل اعلیحضرت همایون آمده بعد از قدری صحبت، در حالتی که همه صاحب منصبان و بزرگان دولت آستریه حاضر بودند، با اعلیحضرت امپراطور در کالسکه نشسته به طرف گارمشرق راندند و در گار مجدداً اعلیحضرت امپراطور را وداع کرده روانه شدند و فردا قبل از ظهر وارد سرحد روس شدند. از آنجا گذشته چون به رادری ویلوف که آستاسیون روسها بود رسیدند صاحب منصبان روس در اینجا حاضر بودند و از آنجا به کالسکه‌ها و ترن مخصوص اعلیحضرت امپراطور روس داخل گردیدند و از آنجا که پرنس منچیکوف ناخوش بود ژنرال آجودان موسوم به کوشلوف به جای او از جانب اعلیحضرت امپراطور به مهمانداری موکب

اعلی مأمور شده بود و همان خدمه و پیشخدمتهای سابق و غیره و میلوتین پسر وزیر جنگ هم در اینجا حاضر بودند.

خلاصه روز پنجشنبه هفدهم رجب، به ولاد قفقاز شرف ورود ارزانی داشتند. قبل از ورود به ولاد قفقاز محمدعلی میرزا ولد بهمن میرزا به حضور مبارک مشرف گردید. دوشب در ولاد قفقاز توقف شد و تشریفات کامله از چراغانی و غیره به عمل آمد.

شنبه نوزدهم، از ولاد قفقاز حرکت فرمودند. بیستم، به گروزنوای و بیست و یکم از اینجا انتهاز فرموده با کالسکه تا بندر پتروفسکی طی راه شد. از اینجا در کشتی موسوم به الکسندر سزارویویچ ورود فرمودند. روز چهارشنبه بیست و پنجم رجب، انزلی به مقدم فرخنده شیم مبارک مزین آمد و این سفر خیر اثر به میان اقبال بی زوال خسروانه به سعادت اختتام یافت.

روز نهم شهر شعبان المعظم، به دارالخلافت باهره و مقرر خلافت عظمی نزول اجلال فرمودند و عموم اهالی به زیارت جمال مهر مثال مقدس سربلند و سه شب در دارالخلافت چراغانی و جشن بود.

تذیل :

میرزا عباس خان سرهنگ و رئیس تلگرافخانه آذربایجان به منصب سرتیپی سرافراز شد.

حاجی آغا جوهر معتمد الحرم به منصب سرتیپی دویم و نشان و حمایل مخصوص آن مباهی گردید.

توپچیان همدانی و نهاوندی و شراهی و کرمانشاهانی را به میرزا علی اکبر خان آجودان باشی توپخانه مبارکه ابواب جمع نمودند.

چون خط تلگراف عربستان کشیده شد جناب مخبرالدوله وزیر تلگراف را به اعطای يك قطعه نشان شیر و خورشید از درجه اول با حمایل سبز که مخصوص آن است مفتخر فرمودند و حسینقلی خان سرهنگ و رئیس تلگرافخانه ولد جناب معزی الیه به منصب سرتیپی سیم و نشان و حمایل آن مباهی گردید.

روز پنجشنبه چهارم جمادی الثانیه، جناب فخری بیک سفیر کبیر عثمانی مأمور اقامت دربار دولت علیه با شرایط تشریفات معموله وارد دارالخلافت گردید.

امیرزاده وجیه‌الله میرزا سرتیپ اول به اعطای نشان تمثال همایون سرافراز گردید.

الله‌ویردی خان سرتیپ اول توپخانه به اعطای نشان تمثال همایون مفتخر آمد.

موسی خان سرهنگ فوج سوادکوهی به منصب سرتیپی سیم مباهی گشت.

باقرخان سرهنگ افشار قراول مخصوص به منصب سرتیپی سیم نایل شد.

اسماعیل خان سرهنگ فوج فیروزکوهی را به منصب سرتیپی سیم سربلند فرمودند.

هنگام اقامت موکب همایون در پترزبورغ، یک قطعه نشان سنت استانیسلاس از درجه دویم با ستاره و پلاک از جانب دولت روس به بنده مؤلف اعطا شد.

عباس میرزا که از طفولیتش در بغداد متمکن و دائماً مشمول نعمات و مراحم ملوکانه بود و چند سال قبل برخلاف شان بی اجازه همایون به اسلامبول فرار کرد بعد عریضه استغفار به دربار اعلیحضرت شاهنشاهی عرض کرده معفو گردید و به دربار همایون احضار و مورد عنایات خاصه شده و هفت هزار و پانصد تومان موجب در حق او برقرار فرمودند و ملقب به ملک آرا گردیده حکومت ولایات خمسه را نیز به او تفویض داشتند این اوقات از محل حکمرانی خود از راه ناسپاسی و سفاهت فرار به طرف قفقاز نمود.

دو قطعه نشان طغرای غرای نام نامی مبارک مکمل به الماس که از بزرگترین نشانهای این دولت جاوید شوکت است به جناب اشرف امجد سپهسالار اعظم مرحمت فرمودند و دستخط مبارک به شرح ذیل صدور یافت:

سواد دستخط مبارک

جناب سپهسالار اعظم! اختصاص شخص شما به مقامات خدمت ما و این طور روابط معنویه که به حسن صداقت و دولتخواهی خود در نزد ما حاصل کرده اید سزاوار علایم مخصوصه است که بالانحصار مایه امتیاز آن جناب باشد دو قطعه

طغرای مکلل به الماس که به اسم همایون ماست برای وضع آن در روی شانه و تزئین لباس نیم رسمی خود را به آن طغراها مرحمت کردیم که این نشانه لطف و عنایت ما منحصرأ مایه امتیاز و افتخار آن جناب بوده همیشه توجهات ما را نسبت به خود یادآوری کند.

شهر رمضان المبارك بارس ئیل ۱۳۹۵.

مهدیقلی خان پیشخدمت خاصه شریفه به نشان تمثال بی مثال همایون سرافراز شد.

عمیدالملک ولد مرحوم مجدالدوله به حکومت خمه سرافراز آمد. یک قطعه نشان قدس مکلل به الماس که از برترین نشانهای دولت علیه است به جناب اجل آقای مستوفی الممالک مرحمت فرمودند و دستخط مبارک در شمول این عنایت شرف صدور یافت که عیناً در ذیل ثبت می نماید:

سواد دستخط جهان مطاع مبارک

جناب آقا! مقتضیات مقام شما و معتقدات ما در حق آن جناب سزاوار علامت مرحمتی است که بالاخص از وجود اقدس ما صادر شده باشد. نشان قدس از ابداعات شخص همایون ما و احترام آن تالی احترامات علایم خاصه سلطنتی است. آن جناب را به اعطای یک قطعه نشان مزبور مکلل به الماس مخصوص می فرمائیم که از الطاف خفیه ما آیتی ظاهر و علامتی باهر بوده همان طور که شخص آن جناب به صدق و دولتخواهی ممتاز است به نیل این مرحمت نیز قرین امتیاز باشد.

غره شوال بارس ئیل ۱۳۹۵.

عمارت سلطنتی که دریلاق شهرستانک نهایت عالی و مزین به امر همایون جناب امین السلطان بنامی نماید زیور اتمام یافته است.

حضرت اجل اعظم شاهنشاه زاده والایب السلطنة علیه امیر کبیر ادام الله اقباله العالی به یک قبضه شمشیر مکلل به الماس از شمشیرهای خاصه سلطنتی مباحی گردیدند.

میرزا محمود مستوفی وزیر دارالخلافه به لقب جنابی سرافراز شد. محمدحسین خان رئیس عملجات حکومت دارالخلافه به نشان سرتیپی از درجه سیم نایل آمد.

این اوقات اراده علیه همایونی اقتضا فرمود که ترتیبات سابقه ادارات دولتی را تکمیل فرمایند و تکالیف هر دایره مستقلا محدود باشد و در این حسن ترتیب نتایج و فوایدی که همیشه مقصود خاطر خطیر همایون است به سهلترین وجه حاصل شود. نواب اشرف والا امیر کبیر نایب السلطنه دولت علیه ادام الله اقباله العالی و جناب اجل آقای مستوفی الممالک و جناب اشرف سپهسالار اعظم به حضور مهر ظهور خسروانه احضار و بدین گونه خطاب فرمودند که:

«انتظام مهمام مملکت اگر چه به مراقبت و دولتخواهی وزراء و کارگزاران دولت قصوری ندارد لیکن هنوز خاطر ما قانع و راضی نیست که معاذیر و بطیء اقدامات شما اصلاحات فوریه امور را تأخیر کرده و منظورات بلند ما را به مقام انجام نیاورده است. چون نایب السلطنه را در مبادی عمر و شوق و شور جوانی به رجوع خدمات امتحان کرده ایم و می بینیم به غیرت و دانش فطری چه قدر به خدمت دولت مایل است در رتبه شاهدادگی پایه وزارت هم داده و در این خطاب باشما شریک می کنیم و اداره امور مملکت را چنان که بود با چندین مراتب استیلا و استقلال به شما تفویض می شود به شرایط و حدودی که خواهیم نوشت و شما سه نفر را به اجرای این تکالیف مأمور و مسئول قرار می دهیم. باید و زرای ما متفق و متحد باشند. باید در کارها به طرز واسلوب کهنه قانع نشوند. باید از دستگاه وزراء اسباب تفرقه حواس و مفسده و سواس منسوخ شود. كذلك در حضور ما وسایل و وسایط مختلف انتظام احکام و عرایض را مختل نکنند. تمام نوشتجات از هر قبیل و هر قسم به امین الملك برسد و او به حضور آورده عرض کند و جواب هر اداره را او بفرستد. دستور العمل و تکالیف شما را می نویسم و باید خود را به تمام آنچه معین و مقرر کرده ایم مکلف بدانید».

پس از رخصت و زرای فخام جناب امین الملك را به حضور همایون

خواسته و از روی یادداشتی که مشروحاً به دستخط همایون مرقوم شده بود - حدود و تکالیف ادارات مستقله را تقریر فرمودند. جناب معزی‌الیه منصوصات اوامر علیه راثبت و بهامضای ملوکانه توشیح داد و خطاب به هریک از وزرای مسئول سه گانه دستخط مخصوص دایر به شرح اداره و توضیح تکالیف معظم‌الیه صادر نمود و مقرر گردید که روز دیگر تمام چاکران و رجال دولت و شاهزادگان و اعظم درتالار تخت مرمر حاضر شده دستورالعمل و تکالیف وزراء مسئول در مجمع عام قرائت و دستخطهای مطاعه که به افتخار هریک شرف صدور یافته در همان مجلس ابلاغ شود.

روز سه‌شنبه هفدهم شوال، حسب‌الامر الاعلی مجلسی مشحون به تمام شاهزادگان و وزراء و رجال و اعظم ترتیب شده دستورالعمل ادارات مستقله را با شرح زیر لسان‌الملک قرائت نمود:

دولت علیه ایران برای انتظام امور و تحدید تکالیف و تحصیل نتایج صحیح که منشأ آن نظم داخله و استحکام اوضاع اساسیه است به تاریخ پانزدهم شهر شوال بارس‌ئیل هزار و دویست و نود و پنج قرار کارها و دوایر مهم مملکت را به این‌طور معین و مرتب می‌فرماید:

مرجعیت وزارتخانه‌ها و ادارات و حکام و طبقات نوکر و صنوف اهالی در این قرارداد معلوم و حدود هر کار به درجه‌ای محفوظ خواهد بود که تعدی و تجاوز از آن نظیر خطیئات کبیره و مستوجب مجازات سخت است و به این قاعده هر کس تکلیف خود را خواهد دانست و طرف مسئولیت دولت هم در نیک و بد معلوم است.

نواب اشرف‌والا امیر کبیر نایب‌السلطنه دولت علیه دام‌اقباله العالی ولایات و امور مشروحه ذیل را اداره خواهند کرد: حکمرانی و انتظام طهران کما فی السابق، مازندران و گیلان، دماوند و فیروزکوه، قم و کاشان و ساوه و زرند، ملایر و تویسرکان و نهاوند.

عرایض و حوائج سادات و علما و محترمین به توسط ایشان به حضور مبارک می‌رسد. شاهزادگان و منتسبین خانواده سلطنت اناثاً ذکوراً هر نوع حاجت و استدعائی دارند به ایشان اظهار کرده به واسطه ایشان به حضور همایون عرض می‌شود و جواب به ایشان رسیده ابلاغ خواهند نمود. امور تجار و محاکمات این طبقه به اطلاع و صوابدید ایشان خواهد بود.

جناب اجل آقا بالاستقلال ولایات و امور مشروحه را اداره خواهند

کرد: فارس و کرمان و بلوچستان، اصفهان و یزد، کرمانشاهان و کردستان، عربستان و لرستان، عراق و بروجرد و گنپایگان و خونسار، کمره و نطنز و جوشقان و محلات، همدان و اسدآباد و کنگاور. نظم دفتر استیفا و محاسبات دیوان عدالت عظمی، وزارت وظایف و اوقاف به شرح قواعد موضوعه جدید، ایشیکخانه و انتظامات دربخانه، تلگرافخانه، گمرک، بیوتات دولتی از قبیل صندوقخانه و رختدار خانه و زینخانه و غیره و غیره و قنوت و باغات و عمارات دولتی، امور خزانه و نظم و ترتیب حواله جات، عمل خلو، تفنگداران، جارچیان، شاطران، کالسه خانه، اصطلخانه، چاپارخانه.

جناب اشرف سپهسالار اعظم بدین تفصیل کفایت مهام ملکیه خواهند نمود: امور قشونی کلا و مستقلا بدون استثنای جزئی با شرایط و لوازم آن که از شرح و تفصیل مستغنی است، امور خارجه با آنچه شرط و حق این وزارت است، آذربایجان، خراسان و سیستان، استرآباد و گرگان و ترکمان، قزوین و خمسه، سمنان و دامغان، شاهرود و بسطام، گروس، خرقانین، امور سرحدیه، و تذکره یهود و مسیحی و گبر.

فقط نواب والا اعتضاد السلطنه وزیر علوم و جناب علاء الدوله و جناب عضدالملک و جناب امین السلطان و میرشکار حق دارند که در خدمات مرجوعه و امور شخصیه خود تا آنجا که به ادارات مستقله راجع نیست مستقیماً به حضور همایون عرض مطلب کنند.

در موجبات استقلال و رعایت حدود ادارات ثلاثه از طرف قرین- الشرف همایون توجه مخصوص مبذول خواهد بود. و بالصراحه مقرر است که هر حکم به هر جا و هر کس باشد بالمناسبه به عنوان ادارات مستقله ثلاثه صادر فرموده و از ادارات مزبوره جواب خواهند خواست.

صاحبان ادارات در جزء و کل امور محوله مسئولند. حکام ولایات باید رجوعشان بالانحصار به اداره متبوعه خودشان باشد و به خفیه و آشکار حتی به خوانیات هم مکاتبه و تحریرات متفرقه را ترک خواهند کرد.

از امور قشونی و سرحدی و آنچه به معاملات خارجه مربوط است ادارات مزبوره به جناب اشرف سپهسالار اعظم اطلاع داده به صوابدید ایشان جواب خواهند نوشت.

گذشته از تکالیف مخصوصه ادارات مستقله هفته ای دو روز دوشنبه

و پنج‌شنبه وزرای ثلاثه در مجلس خاص دولتی نشسته چند نفر از وزراء و رجال دولت را حاضر و در اصول مهم و اصلاحات امور ملکیه و ترقیات هر شعبه از قشون و غیر گفتگو کرده حاصل مذاکرات و قرارداد خود را به عرض برسانند.

عرایض و تحریرات ادارات به وسایل مختلفه به حضور همایون فرستاده نخواهد شد فقط به توسط جناب امین‌الملک به عرض رسیده احکام علیه را منحصر آ جناب معزی‌الیه به ادارات ابلاغ خواهند کرد و جواب خواهند گرفت. اصول مطالب و خلاصه تحریرات اطراف را بدون حشو و زواید و نوشتجاتی را که شرح آن قابل ملاحظه و حاوی مطالب لازمه است عیناً نزد جناب امین‌الملک خواهند فرستاد. جناب امین‌الملک در اجرای تکالیف ادارات از طرف قرین‌الشرف همایون مواظب مخصوص دارد و باید همیشه انجام و اجرای اوامر علیه و تکالیف هر دایره را مطالبه کند.

باید وزرای مسئول خود را کنفس واحده فرض کرده در نیک و بد هر کار خود را شریک و سهیم بدانند. در مواقع امور اگر برای احدی از ایشان مشکلی رود دهنه دیگر به او امداد کرده تا آن جزء کار به اصلاح نیاید آرام نگیرند. هیچ مفسد و نمام در نزد این وزراء راه نخواهد داشت. احیاناً اگر از احدی روایت فتنه‌آمیز ببینند علاوه بر رد وضع تنبیه سخت کنند و این رسم را به کلی از میان بردارند. حدود کارهای خود را همیشه ملاحظه کرده تکالیف مقرر را بی هیچ نوع تخطی و تجاوز محفوظ خواهند داشت و دخالت به کار و تکلیف یکدیگر را حرام خواهند داشت و بالفرض اگر سهواً کاری متعلق به ادارات به جای دیگر رجوع شده باشد مرتکب را ملتفت نموده مسئله را به جای خود راجع نمایند. در مخارج ولایات و سایر وجوهات فقط اسناد احکامی را محل اعتنا دانند که به صحت و امضای همایون موشح است لا غیر. در آخر هر سال حساب ولایات و وجوه جمعی خود را بلا عذر در دفتر بگذارند. به اعمال هر حاکم و مباشر حتی کدخدا و بلوکباشیها مراقب باشند و از رفتار آنها روزنامه صحیح داشته باشند که به احدی از رعایا و زبردستان تعدی نشود. اوامر و احکام دولت را فوری‌الاجرا بدانند. پاداش بی‌نظمی و فساد را به تأخیر نگذارند.

معنی اداره و مقصود از این ترتیب حفظ مال دیوان است و نگاهداری حکام و منع تعدی آنها به رعیت و ایجاد قوانین و قواعد جدید که متضمن

آبادی ولایت باشد و حفظ رعیت و انتشار صنایع و رواج تجارت و انکشاف معادن و ساختن راهها و پلها و نگاهداری ابنیه و عمارات، گذاشتن نظم درست که مردم از مال و جان خود ایمن و ناموس خلق محفوظ باشد، نظم طرق و شوارع، تأدیب و قمع اشرار، نتراشیدن خرج بی معنی برای دولت، رسانیدن حقوق خزانه دولت، برقرار کردن دیوانخانههای مظالم در هر شهر که به کمال استقلال و بی غرضی به عرایض مظلومین آن ناحیه رسیدگی شود، فرستادن اطباء حاذق به هر جا و تشکیل مجالس حفظ صحت و تکمیل و تصحیح دواخانهها در هر شهر و آبادی و رسیدن روزنامجات صحیحه به مجلس حافظ الصحة طهران، اهتمام زیاد در اجرای قانون آبله کوبی حتی در میان طوایف صحرائشین هم این رسم ترك نشود، رعایت تنظیفات شهرها و آبادیها به طوری که در هیچ جا اسباب فساد هوا جمع نشود.

معنی مسئولیت این است که مکرر در ضمن قراردادهای دولت لفظ مسئولیت گفته شده است و چون معنی و تفسیر آن را ندانسته اند به نظر سهل ملاحظه کرده اهمیت آن را منظور نداشته اند. در وقوع خلاف تعهد مرجع خدمت و مدیر امر مسئول است به این معنی که قصور غیرت و عدم کفایت خود را ظاهر کرده وقت دولت راضایع و کار مملکت را معطل نموده است. به ازای این تقصیر مورد پرسش و مؤاخذه گردیده از تمام اعتبارات و امتیازات محروم خواهد شد.

بعد از قرائت شرح مزبور ناظم خلوت وارد مجلس شده دستخطهای مبارک را که به عنوان وزرای ثلاثه صادر شده بود و به زیارت آنها که خلاصه دستورالعمل و متضمن حدود تکلیفات هر یک بود افتخار حاصل نمودند. در ختام مجلس جناب امین الملک قسمنامه ای که مابین دول منتظمه برای متصدیان مهم خطیره دولتی رسم است به ایشان تکلیف نموده به راستی و درستی قبول خدمات محوله و حفظ مقرر را سوگند یاد کردند. صورت قسمنامه که به مهر وزرای مسئول در دفتر مخصوص همایونی ضبط است به شرحی است که در ذیل ایراد می شود:

خداوند خالق منتقم را به صدق خود شاهد خواسته به تاج و تخت همایون و حق نعمت این دولت روز افزون قسم یاد می کنم که قصد و همت و غرض و خیال خود را به خیرخواهی شاهنشاه

و صلاح دولت و مملکت و آسایش و امنیت رعیت منحصر کرده جزاین خیالی به خاطر خود راه ندهم و از طمع و غرض شخصی کلیة پرهیز نمایم و اگر غیر از این عهد و شرط از من صادر شود در پیش خدا و خلق شرمسار و در حضور شاهنشاه معاقب و مؤاخذ باشم.

چون بعضی از تألیفات بنده مؤلف درپاریس به مطالعه جناب مسیو شفر مترجم‌باشی دولت جمهوری فرانسه و رئیس مدرسه السنه شرقیه و سایر علما و دانشمندان خبیر و بصیر آن مملکت که وقوفی کامل و مهارتی تام به زبان فارسی و عربی دارند رسیده زایدالوصف تمجید نمودند و جناب امیرال لارونسیه دنوری (۱) رئیس مجلس جغرافیای فرانسه این بنده را جزء اجزاء آن مجلس محترم شمرد. جناب مسیو باردو وزیر علوم و صنایع و مذاهب آن دولت فخیمه پس از اظهار به رجال دولت جمهوری فرانسه نشانی از مرتبه اول مجمع‌العلوم (۲) که بالاترین علایم و نشان فضل و دانش است با فرمان مخصوص آن از طرف وزارت علوم دولت جمهوری فرانسه برای این بنده ایصال داشتند و از خاکپای همایون اجازه استعمال آن را یافت.

کاغذی که جناب مسیو شفر در این موقع نوشته‌اند از قرار شرح ذیل است:

سواد کاغذ جناب مسیو شفر

از پاریس به تاریخ پانزدهم ژوئیه ۱۸۷۸ به جناب محمد حسن خان صنیع‌الدوله منشی و مترجم‌باشی مخصوص اعلیحضرت قوی شوکت شاهنشاه ایران و رئیس دارالطباعة و دارالترجمه آن مملکت محروسه.

آقای من رئیس! شرف دارم که رسماً نشان و فرمان که وزیر علوم و صنایع و ادیان به جهت جناب شما به تاریخ اول

۱- Laronciere de Noury

۲- به معنای آکادمی.

ژوئیه امضا نموده است برای آن جناب ارسال دارم و باکمال افتخار قبول این مأموریت را که از طرف وزیر علوم دارم می‌نمایم و مخصوصاً به من مأموریت داده‌اند که از طرف وزارت علوم از شما اظهار امتنان نمایم که ترجمه‌های شما کلیه یقین سبب آگاهی و اطلاع اهالی ایران که هموطنان شما هستند شده است بر مراتب علم و دانش علما و دانشمندان فرانسه و مخصوصاً جناب وزیر علوم نهایت امتنان و رضایت را از شما دارند که کتب مؤلفه خودتان را که راجع به تسهیل تعلیم و تعلم زبان فرانسه و غیره است منطبق و مشتهر ساخته‌اید و ماها نیز کلیه در علوم و السنه شرقیه ممارست می‌کنیم. امیدوار هستیم که در این راه راست و جاده مستقیمی که جناب شما با این همه اهتمام و مراقبت پیش گرفته‌اید و منتج این همه افتخار و ترقی و فایده است مکث و سستی نکنید و نتایج افکار ابکار خودتان را کاملاً اظهار ساخته به خاتمت برسانید و این تألیف شریف را به پایان برید که فواید آن تام و منافع آن عام است.

مخلص حقیقی شما رئیس مدرسه السنه شرقیه شفر

محمد علی خان امین السلطنه جامه دار خاصه شریفه و خازن مخزن تدارکات عسکریه به منصب صندوقداری صندوقخانه مبارکه سرافراز شد.

وقایع و سوانح عمده که در این سال در تمام روی زمین
واقطار کرده ارض روی داده است

اتائونی (ینگی دنیا):

بروز تب زرد بانهایت شدت در بعضی ایالات اتائونی.

اسپانیا:

عروسی اعلیحضرت پادشاه با پرنس مرسته دختر دوک دمونت-پانسیه که خاله زاده اعلیحضرت معظم بود.

شورش اهالی کوبا برضد این دولت رفع شده آن جزیره به کلی مطیع می‌شود.

فوت ملکه جدید زوجه اعلیحضرت پادشاه در بیست و ششم ژوئن مطابق با چهارشنبه بیست و چهارم جمادی الاخری. این ملکه که پنج ماه و اندی بود عروسی کرده در هزار و هشتصد و شصت مسیحی متولد شده بود.

جمعه بیست و هفتم شوال شخص چلیک سازی طپانچه به طرف اعلیحضرت پادشاه خالی کرده ولی به ایشان نخورد.

اطریش

کنت اندرآسی وزیر اعظم اطریش به دول آلمان و انگلیس و فرانسه و ایتالیا اعلان رسمی می فرستد که مأمورین در مجلس کنگره که از برای قرار مسائل شرقیه منعقد خواهد شد به وینه پایتخت اطریش روانه دارند و دولت آلمان تکلیف می کند که محل انعقاد این مجلس در برلن باشد. فصول عهدنامه سان استفانو مابین روس و عثمانی را کنت اندرآسی قبول نمی کند.

ورود عساکر اطریش به هرزگوین و بسنی ایالات عثمانی به جهت تصرف نمودن این دو ایالت و راضی نبودن اهالی. در هشتم رمضان این سال عساکر اطریش شهر تربین را در هرزگوین و بسنی تصرف نمود و به این واسطه دولت اطریش از تصرف کردن این دو ایالت و جنگ با اهالی آسوده گردید.

سفارت کبرای مسیو دبست (۱) از طرف دولت اطریش به فرانسه. آتش گرفتن کشتی موسوم به اسفنکس (۲) در محیط (۳) و تلف شدن پانصد نفر.

استقراض دولت معادل دوازده کرویر ایران به جهت مخارج لازمه قشون. تصرف نمودن عساکر اطریش شهر سراجو (۴) را که شورشیان هرزگوین و بسنی در آنجا جمع بودند.

آلمان :

در افتتاح مجلس پارلمان اعلیحضرت امپراطور بشخصه خطبه

۱- Beust

۲- Sphinx

۳- محیط به معنای اوتیانوس.

۴- Serajevo

خوانده و کوشش خود را در انعقاد مصالحه بین روس و عثمانی و حفظ صلح در تمام دول فرنگ اظهار می‌دارند. در شب هفتم جمادی‌الاولی این سال، در کوچه برلن معروف به تیل، اعلیحضرت امپراطور با صبیۀ خود والیۀ - باد در کالسکۀ روبازی از گردش مراجعت می‌کرده هدل نام دوتیر طپانچه به سمت اعلیحضرت معظم خالی می‌کند ولی هیچکدام به ایشان نمی‌خورد.

کشتی جنگی زره‌دار بزرگ آلمان موسوم به گرس کور فورست در حوالی انگلیس به کشتی جنگی موسوم به کینگ ویلهلم برخورد با سیصد نفر عمله که در آن کشتی بودند غرق می‌شود.

در سلخ جمادی‌الاولی، نیز در کوچۀ تیل برلن، هنگام رفتن اعلیحضرت امپراطور به گردش دوتیر تفنگ به سمت اعلیحضرت معظم خالی می‌شود و چند چارپاره به بازو و شانه‌های اعلیحضرت امپراطور می‌خورد. ضارب که موسوم به نبلنگ است با طپانچه قصد هلاکت خود را دارد لیکن زخم شدیدی به او نرسیده و نمی‌میرد. دویم جمادی‌الثانیۀ بد واسطۀ جراحات سختی که به بدن اعلیحضرت امپراطور رسیده زمام اختیار سلطنت را موقتاً به نواب ولیعهد می‌دهند.

یازدهم جمادی‌الآخری مجلس کنگرۀ دول در برلن افتتاح شده و مأمورین دول آلمان و اطریش و فرانسه و انگلیس و روس و ایتالیا و عثمانی در مجلس جلوس کرده و ریاست مجلس به پرنس بیژمارک داده می‌شود. شبۀ دوازدهم رجب مأمورین دول عهدنامۀ برلن را امضا می‌نمایند. اختتام مجلس کنگره.

پنج‌شنبه دهم ماه ذیحجه اعلیحضرت امپراطور از بیلاقات و شهرهای آبهای معدنی که چندی در آنجاها سفر کرده بودند به برلن مراجعت و ورود نموده بشخصه مشغول رسیدگی به امور سلطنت شدند.

فوت ژرژ پادشاه هانور در چهارشنبه دهم شهر جمادی‌الثانیۀ در پاریس.

افغانستان :

قبول نکردن امیر شیرعلی‌خان امیر افغانستان مأمورین انگلیس را در ماه رمضان و قبول نمودن مأمورین روس را در کابل که انتشار این خبر در لندن سبب اضطراب گردید. رفتن امیر شیرعلی‌خان از کابل

به سمت ترکستان وزمام اختیار سلطنت را به پسر خود سردار یعقوب خان دادن در دوازدهم ذیحجه.

انگلیس :

مابین این دولت و دولت روس آثار کدورت پدیدار است. در اغلب بلاد انگلیس اهالی با دولت موافق در جنگ بروس نیستند. ورود عساکر روس در حوالی اسلامبول اسباب کمال وحشت رجال دولت انگلیس است و به این جهت کشتیهای جنگی انگلیس از سمت دریا به حوالی اسلامبول می آید. استعفای لرد دربی از وزارت خارجه که به تهیه قشون انگلیس راضی نبود. از خطبه ای که اعلیحضرت پادشاه انگلستان در افتتاح مجلس پارلمان می خوانند و نوشتجات که لرد سالیسبوری که تازه به وزارت امور خارجه انگلیس منصوب شده چنین معلوم می شود که دولت انگلیس به هیچوجه راضی به فصول عهدنامه سان استافانو منعقد مابین دولت روس و عثمانی نیست و با کمال شدت دولت انگلیس تهیه جنگ می بیند. استقراض دولت دوازده کرور لیره برای حاضر کردن عساکر بری و بحری. وزرای عثمانی اظهار کمال امتنان را از رعایت و حمایت انگلیس دارند.

نامزد نمودن نواب پرنس آرتور پسر اعلیحضرت پادشاه انگلستان پرنس مارگریت صبیۀ پرنس فردریک شارل بنی عم اعلیحضرت امپراطور آلمان را.

در مجلس کنگره برلن کنت بوکنست فلد صدر اعظم انگلستان اظهار می دارد که بنابر عهدنامه مخفی مخصوصی که مابین دولت انگلیس و دولت عثمانی منعقد شده عساکر انگلیس جزیره قبرس من جزایر عثمانی را متصرف می گردند. لرد سالیسبوری بعد از مراجعت از مجلس کنگره برلن تمجیدات زیاد از نتایج این مجلس می کند به جهت این که عهدنامه سان استافانو را به هم زد. مرخص نمودن دولت انگلیس عساکری را که تازه جمع کرده بود.

کشتی موسوم به پرنس الیس در چهارم رمضان با کشتی دیگر روی رود طمس که از وسط شهر لندن می گذرد برخورد کرده کشتی پرنس الیس در آن واحد غرق شده ششصد نفر مسافر هلاک می شوند.

احضار هفت هزار قشون از هندوستان.

مابین دول انگلیس و روس قرارهای مساعد داده می شود.

فرستادن تهدیدنامه از طرف فرمانفرمای هند به امیر شیرعلی خان

امیر کابل در ماه ذیقعدہ. ہم در این ماه صدراعظم انگلیس در یکی از مجالس خطبه می خواند و اظهار می کند که فرستادن عساکر هندوستان به سرحد افغانستان به واسطه بعضی رفتار خصمانه امیر شیرعلی خان نسبت به این دولت واجب گردید. پنجشنبه بیست و پنجم ذیقعدہ عساکر انگلیس از چند نقطه وارد به خاک افغانستان شده و فردای آن روز قلعه علی مسجد را که در دهنه تنگه خیبر است متصرف شدند. فتح قلعه و دره پیوار افغانستان به دست ژنرال ربر سردار انگلیس در دوشنبه هفتم ذیحجه. فوت کنت روسل از معارف.

ایتالیا :

فوت اعلیحضرت ویکتور امانوئل دویم پادشاه این مملکت در ماه محرم و جلوس هو مبراول (۵) ولد ارشد آن پادشاه به تخت سلطنت ایتالیا. فوت پی نهم پاپ اعظم در چهارم شهر صفر. انعقاد مجلس کنکلاو (۶) یعنی شورای بزرگ کشیشان به جهت انتخاب پاپ تازه در پانزدهم صفر و انتخاب نمودن کشیشان کاردینال پچی (۷) را به پاپی و پانزدهم صفر و انتخاب نمودن کشیشان کاردینال پچی (۷) را به پاپی و صدارت مسیو گیولی در مملکت ایتالیا.

در بیست و یکم ذیقعدہ شخصی پاسبان نام در شهر ناپل با کارد حمله به اعلیحضرت پادشاه کرده ولی به ایشان نمی خورد اما گیولی صدر اعظم که در صندلی جلو کالسه نشسته بود رانش از آن ضربت مجروح می گردد. بعد از این مقدمه در چند شهر از بلاد ایتالیا مردم شورش می کنند.

بلژیک :

سه شنبه بیستم شعبان این سال اهالی بلژیک جشن سال بیست و پنجم عروسی اعلیحضرت پادشاه و علیا حضرت ملکه را گرفتند.

روس :

دولت روس اعلان می کند که اگر کشتیهای جنگی انگلیس در حوالی اسلامبول بماند او نیز شهر اسلامبول را متصرف می گردد. لهذا

قسمتی از سفاین جنگی انگلیس به حوالی گالی پولی رفتند.

غرّه محرم شهر صوفیا از ممالک اروپائی عثمانی به تصرف عساکر روس درآمد. سرمای شدید را که بلانهایت بود قشون روس ممد خود ساخته از تنگه شیپکای کوه بالخان که قسمت عمدۀ قشون عثمانی به واسطهٔ برودت هوا تخلیه کرده بودند گذشتند. مراجعت اعلیحضرت امپراطور بعد از فتوحات نمایان در خاک عثمانی به پترزبورغ. ورود عساکر روس به شهر ادرنه. بیست و یکم صفر نواب گراندوک نیکلا سردار عساکر روس در قریهٔ سان استغانو نیم فرسخی اسلامبول اردوزد. بیستم ربیع الاول نواب گراندوک نیکلا به شهر اسلامبول رفته وبا اعلیحضرت سلطان ملاقات می نماید. ژنرال اگناتیف که از طرف دولت روس مأمور به بعضی گفتگوها مابین روس و اطیش بود به وینه رفته بی نیل مقصود مراجعت می کند. معاودت نواب گراندوک نیکلا از خاک عثمانی و تعیین نمودن ژنرال تتلبن را در بیست و پنجم ربیع الثانی به جای خود. تصرف نمودن عساکر روس بندر و شهر باطوم را در جمعه هفتم رمضان. تصرف قشون روس شهر عثمان بازار و رسحق و ارزنة الروم را. رفتن قشون روس از سان استغانو حوالی اسلامبول سه شنبه هیجدهم رمضان.

مجروح ساختن ژنرال تریوف حاکم شهر پترزبورغ را شخصی از طایفهٔ نیهیلیست. در شانزدهم شعبان ژنرال مزنت زور رئیس احتساب مخفی روس را در یکی از کوچه های پترزبورغ در روز روشن به قتل رسانیدند و قاتل مخفی گردید.

سان دادن قشون در پترزبورغ با حضور اعلیحضرت شاهنشاه ایران.

عثمانی :

اضطراب اهالی اسلامبول و عریضه دادن به اعلیحضرت سلطان در انعقاد مصالحه. قرارداد دادن بعضی از اصول مصالحه را در شهر ادرنه. فتوحات منتگرو و عساکر سربی در نیش. فتح شهر فلیپ پولی (۸). قشون افلاق بغدانی و دین (۹) را متصرف می گردد. انعقاد مصالحه بین عثمانی و روس در سان استغانو در بیست و هشتم صفر و این عهدنامه مبنی بر بیست و نه فصل است.

۸- Philippopoli (شهری در بلغارستان بر کنار رود ماریتزا).

۹- Vidin (شهری در بلغارستان بر روی دانوب).

موقوف داشتن منصب صدارت در مملکت عثمانی.
 سفرای عثمانی در لندن و وینه به دول انگلیس و اطیش رسماً اطلاع می‌دهند که اصول عهدنامه صلح بین عثمانی و روس ممضی شد.
 سفاین جنگی عثمانی در محاذی پیره بندریونان لنگر انداخته دولت یونان را تهدید می‌کند که اگر عساکر خود را که در خاک عثمانی تخطی نموده‌اند نطلبند آن بندر را به ضرب گلوله معدوم سازند.
 جمیع دول انعقاد مجلس کنگره را به جهت حل مسائل شرقیه قبول می‌نمایند مگر دولت روس و آلمان که در محل انعقاد این مجلس گفتگو دارند و راضی نیستند که این مجلس در وینه منعقد شود.
 تعیین خسارت جنگی که دولت عثمانی بر عهده گرفته که موافق عهدنامه سان استفانو به دولت روس بدهد دوهزار و هشتصد و بیست کرومرنات است. ایالات بلغارستان و دبرچای را از مملکت اروپ خود مجزا دانسته و در سمت آسیا قارص و باطوم و اردهان را ملک طلق دولت روس می‌داند.

دوشنبه هفدهم جمادی الاولی جمعی از معارف اسلامبول در خیال این هستند که سلطان مراد را مجدداً بر تخت سلطنت جلوس داده اعلیحضرت سلطان عبدالحمید خان را خلع نمایند. حتی جرأت نموده خواستند این قصد را به موقع اجرا رسانند. مقصرین گرفتار شده مورد تنبیهات سخت شدند. مسلمانهای یاغی روملی در ظرف دوماه و نیم چهارده جنگ سخت با عساکر روس نموده در اغلب فتح و ظفر با یاغیان بود. دوثلث بلغارستان که به موجب عهدنامه سان استفانو از خاک عثمانی مجزا شده بود به این دولت برگشت. قراردنگیز از برای عبور و مرور سفاین جمیع دول آزاد شد و بایزید به دولت عثمانی مسترد شد و به این جهت راه تجارت با ایران آزاد و باز شد.

یانقین سخت در باب عالی.

ایجاد منصب صدارت نمودن مجدداً به شخص رشدی پاشا و بعد از شش روز عزل نمودن آن صدراعظم را و نصب نمودن صفوت پاشا به جای او.

فرانسه:

افتتاح اکسپوزیسیون عمومی صنایع با تشریفات زیاد در اول ماه مه

مطابق چهارشنبه بیست و هفتم ربیع الثانی.
در تمام ممالك فرانسه علی‌الخصوص درپاریس درسیام ماه ژوئن
به اسم عید و جشن جمهوری جشن بزرگی گرفتند.
قیمت مخابرات تلگرافی در فرانسه کلمه‌ای پنج سانتیم مقرر
شد (۱۰).

دربست و ششم صفر، ادارات تلگراف و چاپخانه را در فرانسه یکی
نموده در تحت وزارت مالیه قرار دادند.

شورش اهالی نول کالدونی استرالی در دهم رجب برضد دولت
فرانسه و کشتن جمعی از اهالی فرانسه رادراً ن جزیره.
دربست و سیم شوال، رئیس جمهوری فرانسه به مأمورین و ارباب
حرف و صنایع که امتعه از هر دولت به اکسپوزیسیون آورده‌اند نشان و
مدال می‌دهد.

سفارت کبرای مسیو فورینه از طرف دولت فرانسه به اقامت اسلامبول.
انتخاب وکلای ملت در دولت فرانسه مساعد وضع جمهوری بود.
اغلب وکلای ملت جمهوری طلب‌اند نه سلطنت طلب.

هلاند:

مزاوجت ولیعهد این دولت بایکی از شاهزاده خانمهای پروس.

یونان:

یاغیهای ایالت مقدونیه که برضد عثمانی هستند میل به تبعیت
یونان دارند. دولت یونان به دولت عثمانی اطلاع می‌دهد که الجاء عساکر
خود را به ایالات اپیر (۱۱) و تسالی (۱۲) و مقدونیه من ایالات عثمانی
خواهد فرستاد.

صورت ترجمه عهدنامه منعقد در مجلس کنگره برلن

که در این کتاب مبارك ثبت و درج شده است بعینها
بدون نقطه‌ای جرح و تعدیل و کسر و تکثیر از روی ورقه

۱- یک فرانک صد سانتیم است (ع).

شماره بیست و نه از روزنامه موسومه به اختر منطبعة دارالخلافة اسلامبول نقل واستساخ شده است ومسئولیت نيك وبد ترجمه وغث وسمین عبارات واصطلاحات راجع به همان جریده است نه به نگارنده این کتاب مبارك.

عهدنامه برلین

روزنامه‌های این هفته خلاصه عهدنامه برلین را از روی اخبار- نامه‌های وین ترجمه ونقل کرده بودند. ولی ناقص ومجمل وغیرمعتبر بود. پریروز اخبارنامه معتبر «وقت» اصل عهدنامه را از روی نسخه‌ای که از جانب مرخصهای (۱۳) دولت علیه عثمانیه امضا شده است نقل کرده ماهم چون او را متعهد می‌دانیم به ترجمه‌اش پرداختیم.

اعلیحضرت شوکت مآب سلطانی واعلیحضرت ایمپراتور آلمان و اعلیحضرت ایمپراتور اوستریا وجناب رئیس‌الجمهور فرانسه وعلیاحضرت ملکه انگلستان وایمپراتریس هندوستان واعلیحضرت پادشاهایتالی واعلیحضرت ایمپراتور روس، به ملاحظه نگاهداری انتظام وضع اروپ موافق احکام عهدنامه پاریس مورخ ۳ مارس ۱۸۵۶، خواستند مطالبی را که از اوضاع سالهای پیش واز عهدنامه اولیه ایاستفانوس واز جنگ ختام یافته حاصل شده بود انجام وقراری بدهند وانعقاد کونگره را برای آسان کردن این مهم بهترین وسیله دانسته متفق‌الرأی شدند. بنابراین اعلیحضرت پادشاهان مشارالیه و رئیس‌الجمهور فرانسه مرخصها (۱۴) تعیین فرمودند یعنی از جانب اعلیحضرت شوکت مآب سلطانی الکساندر قهره‌تو دری پاشا وزیر فواید ومحمدعلی پاشای مشیر وسعدالله بیك سفیرکبیر برلین واز جانب اعلیحضرت ایمپراتور آلمان پرنس بیسمارک رئیس وزرا ووزیر خارجه ومسیو ارنست بولوف معاون وزارت خارجه وپرنس هوهن لوهه (۱۵) ایلچی پاریس واز جانب اعلیحضرت ایمپراتور اوستریاکنت اندرآسی وزیر خارجه وکنت کارولی (۱۶) ایلچی برلین و

۱۳- یعنی نمایندگان دولت عثمانی که اجازه داشتند قرارداد را امضا کنند.

۱۴- نمایندگان مختار.

بارون هیمرله (۱۷) ایلچی رؤسا وازجانب رئیس‌الجمهور فرانسه مسیو وادینگتون (۱۸) وزیر خارجه وکنت سن والیه (۱۹) ایلچی برلین و مسیوده‌پره (۲۰) مدیرپولتیک در وزارت خارجه وازجانب علیا حضرت ملکه انگلستان وایمپراتریس هندوستان کنت بیکو نسفیلد (۲۱) رئیس‌وزرا ومارکی دوسالس‌بری (۲۲) وزیر خارجه ولورادودوروسل (۲۳) ایلچی برلین وازجانب اعلیحضرت پادشاه ایتالی کنت کورتی (۲۴) وزیر خارجه وکنت دولونه (۲۵) ایلچی برلین وازجانب اعلیحضرت ایمپراتور روس پرنس غورچاقوف وزیر خارجه وکنت شوالوف (۲۶) ایلچی لندن و مسیو دوبریل (۲۷) ایلچی برلین به‌مرخصی معین و به‌موجب خواهش دولت اوستریا و دعوت دولت آلمان دربرلن اجتماع کرده اعتمادنامه‌های خودشان را به‌قاعدۀ مقررۀ مبادله ودرمیان ایشان به‌قرارداد آتی‌الذکر اتفاق افکار حاصل و تیمناً بدان‌گونه قرار دادند:

ماده اول :

بلغارستان درزیر حقوق حکمرانی سلطنت سنیۀ عثمانیه به‌ادارۀ مختارۀ مانند یک امارت مالیات بدهی تشکیل شده است. حکومت بلغارستان یک حکومت عیسویه بوده عساکر ملیه نیز خواهد داشت.

ماده دوم:

امارت بلغارستان عبارت از اراضی مفصلۀ ذیل خواهد بود: حدود آن شمالاً از حدود صربستان قدیم ابتدا شده از ساحل راست رودخانۀ طونه می‌رود تا به یک قطعۀ که در سمت شرقی سلستره از جانب کومیسین اروپ معین خواهد شد و از آنجا به طرف دریای سیاه از جنوب منقالبه که به اراضی رومانیاء ملحق می‌شود خواهد گذشت. حد جنوبی آن از مصب حدود بالاتر به مجرای رودخانه بالا رفته از حوالی دهات هوجه کوی

۱۷- Baron Haymerlé

۱۸- Waddington

۱۹- Saintvallier

۲۰- Desprez

۲۱- Beaconsfield

۲۲- Salisbury

۲۳- Odo Russel

۲۴- Corti

۲۵- Launay

۲۶- Chouvalov

۲۷- Oubril

وسلامکوی وایواجق و قولبه و صوجیلق خواهد گذشت. خط حدود از محاذی صحرای قامچق گذشته از جنوب بلیه و کمخالق و از قامچق که در دو کیلومتر و نیم آن طرف چنگه است و از شمال حاجی محله مرور خواهد کرد و به نقطه تپه که در میان تکنلک و ایدوس و بره سا است رفته از بالکان قرین آباد و بالکان پره دیویف و از شمال کوتل از بالکان قره غال گذشته به تیمور قپو خواهد رسید و از سلسله اصلی بالکان بزرگ گذشته در حالتی که بر روی همه مساحت آن ممتد خواهد بود به تپه قوزیقه خواهد رسید از آنجا در و به بالکلها را ترک نموده به سمت جنوب میان قریه های پیرتوپ و دوزنجی رفته پیرتوپ در قسمت بلغارستان و دوزنجی در قسمت روم ایلی شرقی خواهد ماند و از آنجا به رودخانه طوزلی دره و به مجرای این نهر تا مصب آن به نهر طورپولینچه رفته و از آنجا تا نهر اسموسکبودره که در حوالی قریه پتريچوه به این نهر می ریزد خواهد گذشت و به قدر دو کیلومتر اراضی در آنجا و در بالای دره مذکور به روم ایلی شرقی ترک نموده به خط تقسیم آبها در میان نهرهای اسموسکبودره و قامنیقه رفته و از تپه دوجاق به سمت جنوب غربی برگشته و مستقیماً به نقطه ۸۷۵ نقشه هیئت ارکان حرب اوستریا منتهی خواهد شد. خط حدود سمت بالای دره اهتمان را به خط مستقیم بریده از میان بوغدینه و قره ولی گذشته به خط تقسیم آبهای که مبداهای نهر مریچ را در میان اسقر و قمرلی و حاجبلر جدا می سازد خواهد رسید و از تپه های وولیناموخیلا به خط مذکور رفته به گذرگاهی که در نقطه ۵۳۱ نقشه است و به مایلیقادره و سومناتیقه رفته از میان سیوری طاش و قادرتیه گذشته به حدود اداره سنجاق یعنی محال صوفیه خواهد رسید. خط حدود از قارتیه به سمت جنوب غربی رفته از میان مبداهای آبهای سنه قره مو و استروماقره به خط تقسیم آبها مرور و به سمت تپه های کوهستان اردب که موسوم به بالکانهای تیمور قپو و اسقوئیه و قاضیمسار است گذشته به حدود قدیم سنجاق صوفیه متصل خواهد شد.

خط حدود بلغارستان از بالکان قاتنیق و میان صحرای ریلسقارقا و بسقار تا به خط تقسیم آبها رفته از تپه و دینچه پلانینا به محل یکی شدن

نهر استروما باب رلسقراقا به صحرای استروما رسیده قریهٔ براقلی رابه دولت عثمانیه واگذار خواهد کرد. از آنجا از سمت جنوب قریهٔ پلشینقه به بالارفته به کوتاهترین خطی به سلسلهٔ غولماپلانینا و تپه غیقه خواهد رسید و در آنجا به حدود سنجاق صوفیهٔ قدیم منتهی و منبع صوهارفارا تماماً به دولت عثمانیه ترك خواهد کرد. خط حدود از کوه ژنیقا به سمت غرب و کوه قره‌نی وره و از کوه‌های قارونا یا بوقه و از حدود سنجاق صوفیهٔ قدیم برگشته از سمت بالای مجراهای اکری صوواپنیقه گذشته به تپه‌های بابناپولانا بالارفته به کوه قره‌نی وره منتهی خواهد شد. خط حدود از این کوه به تپه‌های استرزرو و یله غوصو و مسیدپلانینا گذشته از میان اسروما و موراوه به خط تقسیم آبها رفته از روی غاسینا و قرنه طراوه و دبارقوسقه و درانیقه پلان و پس از آن دوشانی قلاوانق و مستقیماً از خط تقسیم آبهای صوقوه و موراوه بالای باستول رفته از آنجا پائین آمده از راهی که از صوفیه به پیروت (یعنی شهرکوی) می‌رود در شمال غرب قریهٔ سنوسه هزار کیلومتر مسافت قطع کرده از ویدلیه پلانینا به خط مستقیم به کوه رادوچینا در سلسلهٔ بالکان بزرگ بالارفته قریهٔ دوبقپتجی را به صربستان و قریهٔ سناقوس را به بلغارستان خواهد داد و پس از تپهٔ رادوچینا به سمت غرب از بالکان سپروق و از استاره پلانیاتیه‌های بالکان را گشته به حدود شرقیهٔ قدیمهٔ صربستان در حوالی تولاسمیلوه قوقه متصل شده از آنجا به همان حدود تانهر طونه رفته در راقویچه به نهر طونه منتهی خواهد شد.

این خط حدود به معرفت کومیسئون اروپ که مرکب از مأمورین دولتهای امضاکننده خواهد بود و در مجلس تعیین و تخطیط خواهد شد متفق علیه است که اولاً این کومیسئون ایجابات محافظت و مدافعت سلطنت سنیة عثمانیه را در حدود روم ایلی شرقی به نظر اعتنا خواهند دید و ثانیاً در اطراف صماقو تا قطر یک کیلومتر زمین استحکامات ساخته نخواهد شد.

مادهٔ سوم:

پرنس یعنی حکمران بلغارستان از جانب اهالی به طور آزادی منتخب شده به موافقت دولتها از جانب باب عالی تصدیق خواهد شد. از اجزای خانواده‌های دولتهای اروپ که الان اجرای حکمرانی می‌کنند کسی حکمران بلغارستان نتواند شد. چون مقام حکمرانی منحل بشود امر

انتخاب پرنس دیگر بعینه مانند شروط و عملیات سابقه به عمل آورده خواهد شد.

ماده چهارم:

پیش از آن که حکمران بلغارستان معین بشود معتبرین بلغارستان در شهر طرنوی مجلسی منعقد کرده نظامنامه اساسی امارت بلغارستان را ترتیب خواهند داد. در جاهائی که در میان بلغارها ترك و رومانیائی و روم و سایر جنسها بوده باشد چه در امر انتخابات و چه در تنظیم نظامنامه اساسی حقوق و منافع اهالی مرقومه نیز مرعی شده داخل حساب خواهد بود.

ماده پنجم:

فقرات آتی الذکر اساس حقوق عمومی بلغارستان خواهد بود برای بهره مندی از حقوق مدنی و سیاسی، فرق مذهب و آئین هیچکس را در هرجائی که باشد وسیله استثناء و عدم قابلیت نشده این چیزها مانع از دخول در خدمات عمومی و رسیدن به مناصب و اجرای صنایع نتواند شد. آئین خارجی و حریت مذاهب مختلفه را که در بلغارستان موجود هستند و همچنین تبعه خارجه را از این دو جهت امنیت داده شده است تشکیلات مذهبی و مناسبات با رؤسای روحانیه را به وجهی ممانعت نتواند شد.

ماده ششم:

تا وقت تمام شدن نظامنامه اساسی بلغارستان اداره آنجا به واسطه يك كومیسری از جانب دولت روس موقتاً اجرا خواهد شد. يك كومیسر عثمانی و کونسلهائی که از طرف امضا کنندگان این عهدنامه مخصوصاً تعیین و توکیل خواهند شد مأمور به رسیدگی و تفتیش اداره موقتۀ كومیسر روس بوده معاونت او را خواهند کرد. در صورتی که در میان کونسلهای وکیل شده اختلافی حادث شود به اکثریت آراء قرار داده خواهد شد و هرگاه در میان اکثریت و كومیسر روس یا كومیسر عثمانی اختلاف پیدا بشود ایلچیهای دولتهای امضا کننده در اسلامبول مجلس مذاکره منعقد کرده قرار خواهند داد.

ماده هفتم:

اداره موقتۀ بلغارستان زیاده از مدت نه ماه از تاریخ تصدیق و مبادله

همین عهدنامه امتداد نخواهد یافت پس از آنکه پرنس انتخاب و درجای خود نشانده شد تشکیلات و قراردادهای تازه مرعی‌الاجرا شده امارت مختاری اداره را مالک خواهد بود.

ماده هشتم :

احکام معاهدات و مقاولاتی که در میان باب عالی و دولتهای خارج در خصوص تجارت و تردد کشتیها منعقد شده والان معمول و معتبر هستند در امارت بلغارستان نیز کماکان جاری و برقرار خواهد بود و احکام آن به هر دولتی که تعلق دارد مادامی که از جانب آن دولت موافقت نشده است به وجهی تغییر نخواهد پذیرفت. متاعهائی را که در داخله بلغارستان به جاهای دیگر حمل و نقل بشود به وجهی رسم ترانزیت یعنی حق مرور از آنها مطالبه و دریافت نخواهد شد. درباره تبعه و تجارت همه دولتها در بلغارستان به قاعده مساوات کامله رفتار خواهد شد. حقوق و امتیازات تبعه خارجه و کاپیتولاسیون کونسوها (یعنی حقوق محاکمات و حقوق حمایت آنها که به موجب معاهدات و معاملات جاریه دارند) مادامی که از جانب دولتهائی که علاقه دارند موافقت کرده نشود تعدیل و تغییر داده نخواهد شد.

ماده نهم :

امارت بلغارستان سال به سال مالیاتی به دولت متبوعه خود خواهد داد. این مالیات به بانکی که در ثانی از جانب باب عالی معین خواهد شد باید داده شود و مقدار آن در آخر سال اول اجرای تشکیلات تازه به معرفت دولتهای امضاکننده این عهدنامه معین خواهد شد. و این مالیات از روی واردات متوسط امارت قرار داده خواهد شد. چون بلغارستان قسمی از دیون عمومی عثمانیه را در عهده دارد در آن اثنا که دولتها مقدار مالیات را معین می کنند به یک قسمت نسبت عادلانه حصه دیوانی را که به قسمت بلغارستان خواهد افتاد به نظر اعتنا خواهند دید.

ماده دهم :

از تاریخ مبادله همین عهدنامه حقوق و وظایفی که دولت عثمانیه در مقابل کومپانی راه آهن رو سجق و وارنه داشت به امارت بلغارستان راجع می باشد. محاسبات گذشته منحصرأ به اتفاق باب عالی و امارت بلغارستان و کومپانی محول کرده شده است. از تعهداتی که باب عالی با دولت

اوستریا یا مجارستان و با خود کومپانی کارکنی راه آهن روم ایلی بسته است آنچه را از بابت تمام کردن خطوط راه آهن یا راه انداختن شمن دو-فرحصه بلغارستان بوده باشد امارت بلغارستان برعهده خود خواهد گرفت برای انجام و قرارداد این مطالب پس از انعقاد عهدنامه هرگونه مقاوله که لازم باشد بلا تأخیر در میان دولت اوستریا یا مجارستان و باب عالی و امارتهای صربستان و بلغارستان ترتیب و تنظیم خواهد یافت.

ماده یازدهم :

دیگر عساکر عثمانیه در بلغارستان اقامت نخواهد کرد. قلعه های قدیم همه به خرج امارت در مدت یک سال و اگر ممکن باشد زودتر خراب خواهد شد. حکومت محلیه در خصوص خراب کردن این قلعه ها تدابیر لازمه به کار برده استحکامی هم از نو نمی تواند ساخت. آلات جنگ و غیر آنها را که مال دولت علیه عثمانی بوده و به موجب احکام متارکه ۳۱ ژانویه سال ۱۸۷۸ میلادی (۹ محرم ۱۲۹۵) در قلعه های طونه یا شهرهای شمنی و وارونه مانده است باب عالی می تواند حمل و نقل نماید یا این که بفروشد.

ماده دوازدهم :

در صورتی که مسلمانان یا دیگر صاحبان املاک اقامتگاه شخصی خودشان را در بیرون امارت بلغارستان قرار بدهند املاک خودشان را در بلغارستان نگاهداری می توانند کرد می خواهند به اجاره می دهند و یا آن که به واسطه وکیل اداره ای می نمایند یک کومیسسیون عثمانی و بلغاری و امور خواهند بود که در عرض دو سال املاک امیریه و وقفیه را بفروشد و مطالبی را که متعلق به اصول اداره و استعمال آن است و کارهایی را که تعلق به منافع آحادناس که در این چیزها علاقه دارند صورت و انجام بدهند. اهالی بلغارستان که در دیگر ممالک عثمانیه سیاحت یا اقامت کنند تابع حکومت و نظامات عثمانیه خواهند بود.

ماده سیزدهم :

ایالتی در جنوب بالکانها به نام روم ایلی شرقی تشکیل خواهد یافت و این ایالت به شرط مختاری اداره ای مستقیماً در زیر حکومت سیاسی و عسکریه دولت عثمانیه بوده، والی این ولایت عیسوی خواهد بود.

هاده چهاردهم :

حدود روم ایلی شرقی از جهت شمال و غرب شمالی محدود به بلغارستان بوده در داخل دائره آتی الذکر دارای اراضی خواهد بود. حدود روم ایلی شرقی از دریای سیاه آغاز کرده از بالای مصب رودخانه که در نزدیکی دهات هوجه کوی و سلامکوی و ایواجق و قولبه و سوجلیق می باشد به مجرای نهر بالا رفته از محاذی صحرای دلی قامچق گذشته به سمت جنوب دهات بلیبه و کمخالق و سمت شمال حاجی محله به فاصله دو کیلومتر و نیم از بالای چنکه خواهد گذشت از آنجا به یک تپه که در میان تیکنک و ایدوس برسا است بالا رفته از بالکان قرین آباد و بالکان پره زیو بیچه و از بالکان قزغان در شمال قوتنک به تیمورقپو خواهد رسید و از آنجا سلسله اصلی بالکان بزرگ را تماماً گشته به تپه قوزیقه منتهی خواهد شد. در این نقطه حدود غربیه روم ایلی از دروه بالکان جدا شده از میان قریه های بیتروب بلغارستان و دورانس روم ایلی به سمت جنوب پائین آمده به طوزلی دره می رسد تا آنجائی که به رودخانه طوپولیفای یکی می شود به طول آنجا ممتد شده در حوالی قریه پتریسووا به جای یکی شدن این آب با سمو و سقیو دره می رود و بدین طریق به قدر دو کیلومتر زمین به روم ایلی شرقی ترك می کند به اقتضای خطوط فاصله آنها به طول رودهای سمو و سقیو دره و قامینقا بالا رفته در تپه وانثاق به جنوب غربی میل کرده به نقطه ای که در نقشه ارکان حرب اوستریا به نمره ۸۷ نشان داده شده است می رسد.

خط حدود مذکوره بالای مجرای رودخانه ایچمان دره را به طور عمودی قطع کرده از میان بوغدینا و قارولا می گذرد و به خط فاصل دره های اسفر و ماریقا در میان کورلی و حاجی لر متصل می شود. آن تپه های دولیناموژیلای و جائی که در نقشه به شماره ۵۳۰ نموده شده است و ژمابلیقادره و سومناتیقا به طول خط گذشته در میان سوری طاش و قادر تپه به حدود اداره سنجاقت صوفیه می رسد. حدود روم ایلی شرقی از حدود بلغارستان در کوه قادر تپه سوا شده از یک طرف به حدود فاصله مجرای ماریقا و توابع آن و از طرف دیگر مجراهای متاقره صو و توابع آن را پیروی کرده از تپه های دسپوط طاغی به سمت کوه کروشووا رفته به جنوب شرقی و جنوب میل می کند که این کوه ابتدای خط حدود بود که در

عهدنامه ایاستفانوس معین شده بود. از کوه کروشووابه همان خطی که در عهدنامه مذکوره معین بود تابع می شود یعنی از سلسله های بالکان سیاه و تپه های کوهستانهای قولاقلی طاغ واشک چپلی و قره قولاسی و ایشقلر گذشته از این تپه آخری تا سمت جنوب شرقی منتهی به نهر اردا می شود و به طول مجرای آن رفته به نقطه ای که در نزدیک آطه قلعه است می رسد. آطه قلعه یعنی قلعه جزیره مستقیماً در دست اداره دولت عثمانیه خواهد بود. خط حدود از این نقطه به تپه طاغی بالا رفته از آنجا سرازیر شده به فاصله پنج کیلومتر از پل مصطفی پاشا بالاتر رفته نهر مریچ را گذشته از میان تیمورخانلی دره و دره های کوچکی که به رودخانه مریچ می ریزد به چراگاه کودلر و به خط تقسیم آبها روبه شمال خواهد گذشت و از آنجا چراگاه به طرف مشرق برگشته به چمن صقار واز آنجا به صحرای طونجه و به سمت دربند بزرگ ممتد خواهد شد و دربند بزرگ با صوجاق در شمال خط حدود خواهد ماند.

خط حدود از دربند بزرگ از میان رودخانه هایی که شمالاً به طونجه و جنوباً به مریچ می ریزد به خط تقسیم آبها رفته به تپه قبیلر بالا می رود و قبیلر شرقی در سمت رومایلی خواهد ماند. پس از آن حدود به سمت جنوب رفته از میان آبهایی که جنوباً در میان دره مریچ و دهات بلورن والتلی مستقیماً به دریای سیاه می ریزد و از جنوب قریه المالی خواهد گذشت از آنجا از سمت شمالی قراناق تپه های و وسنه وزواق را گشته به خطی که آبهای دوقه را از آب قره آغاج جدا می سازد رفته در میان نهرهای دوقه و قره آغاج به دریای سیاه منتهی خواهد شد.

ماده پانزدهم :

سلطنت سنیّه عثمانیه حقوق محافظت و مدافعت این ایالات را برأ و بحراً مالک بوده در حدود مذکوره استحکامات ساخته لشکر خود را اقامت خواهد داد. آسایش داخلی را در رومایلی شرقی به معاونت عساکر ملیه و عساکر ضبطیه محلیه نگاهداری خواهد شد. صاحب منصبان این دو فرقه از جانب سلطنت سنیّه عثمانیه نصب و معین خواهد شد و در هنگام ترتیب و تشکیل عساکر محلیه مرقومه مذهب اهالی نیز به اقتضای موقع به حساب آورده خواهد شد. سلطنت سنیّه عثمانیه تعهد می کند که در آن حدود به نام عساکر محافظه لشکر غیر نظامی از چرکس و غیر آنها نگاه

ندارد. عساکر نظامیه که برای محافظت حدود است در هیچ حالی در خانه‌های اهالی اقامت نتوانند کرد. در هنگام عبور از داخله ایالت نیز درجائی اقامت نخواهند نمود.

ماده شانزدهم :

در صورتی که آسایش ایالت داخلی یا خارجاً در موقع بیم و خطری باشد عساکر عثمانیه از جانب والی دعوت خواهند شد، در این حال باب عالی قرارداد خود را و دلایل این قرارداد را به سفرای دول متحابه اطلاع خواهد داد.

ماده هفدهم :

والی روم ایلی شرقی از جانب باب عالی به موافقت دولتها پنج ساله معین و نصب خواهد شد.

ماده هجدهم :

پس از مبادله تصدیق نامه‌های همین عهدنامه بلا تأخیر به موافقت باب عالی کومیسسیون اروپا تشکیل خواهد شد که نظامات اساسیه روم ایلی شرقی را تنظیم نمایند. این کومیسسیون در ظرف سه ماه حقوق و وظایف والی را و اصول اداره و محکمه‌ها و مالیات را معین خواهد کرد. برای این نظامات نظامنامه‌های متعدد ولایات و تکالیفی که در مجلس هشتم کنفرانس اسلامبول کرده شده بود تکیه گاه خواهد بود. نظاماتی که برای روم ایلی شرقی قرارداده خواهد شد در ضمن یک فرمان همایون پادشاهی درج شده و این فرمان از جانب باب عالی اعلان و به دولتها تبلیغ خواهد شد.

ماده نوزدهم :

تا تمام شدن قراردادهای تازه، امور مالیه ایالت را کومیسسیون اروپا به اتفاق باب عالی اداره خواهد کرد.

ماده بیستم :

هرگونه معاهدات و مقاولات و تعهدات دولیه که در میان باب عالی و دول خارجه منعقد شده است یا بعد از این خواهد شد احکام آنها مانند دیگر ممالک عثمانیه در روم ایلی شرقی نیز مرعی الاجرا خواهد بود. در ایالت مذکوره حقوق و امتیازات تبعه اجنبیه را به همه حالی رعایت

خواهد شد. باب عالی تعهد می کند که احکام نظامات عمومی دولت عثمانیه را که در خصوص آزادی مذاهب و ادیان و اجرای آئین هاست مرعی الاجرا بدارد.

ماده بیست و یکم :

حقوق و وظایف باب عالی از جهت راههای آهن که از روم ایلی شرقی می گذرد تماماً باقی و برقرار خواهد بود.

ماده بیست و دوم :

قشون روس که در بلغارستان و روم ایلی شرقی اقامت خواهد کرد عبارت از دو فرقه پیاده و دو فرقه سواره بوده از پنجاه هزار نفر بیشتر نخواهد بود و مصرف آنها از جانب مملکتی که اقامت دارند داده خواهد شد. این قشون روس راه مخابرات خودشان را موافق مقاولاتی که در میان دولتین خواهد شد از راه رومانیا و از لنگرگاههای بحر سیاه و وارنه و برغوس نگهداری خواهد کرد. لشکر روس برای اقامت خودشان در لنگرگاههای بحر سیاه انبارهای لازم را خواهند داشت. مدت اقامت لشکر روس در روم ایلی شرقی و بلغارستان نه ماه از تاریخ مبادله این عهدنامه قرار داده شده است. دولت روس پس از تمام شدن آن مدت در ظرف مدت سه ماه از رومانیا گذشته امارت رومانیارا هم تماماً تخلیه خواهد کرد.

ماده بیست و سوم :

باب عالی تعهد می کند که تمامی احکام نظامنامه اساسی جزیره کرید را که در سال ۱۸۶۸ نوشته شده است به انضمام اصلاح و تعدیلاتی که موافق حقانیت بوده باشد مجری نماید برای دیگر ممالک روم ایلی که به موجب این عهدنامه صورت اداره مخصوصیه معین نشده است موافق احتیاجات محلیه و به استثنای امتیازات مالیاتی که به جزیره کرید داده شده است نیز نظامنامه ها نوشته خواهد شد. باب عالی در هر ولایتی برای قرارداد متفرعات نظامات اساسیه مذکوره کومیسئونها تشکیل خواهد کرد و قسم اعظم این کومیسئون را از اهالی همان محل اعضا خواهد بود. یادداشت هایی که این کومیسئونها خواهند نوشت به باب عالی داده شده باب عالی پیش از اجرای احکام آنها رای و صوابدید کومیسئون اروپ روم ایلی را استفسار خواهد نمود.

ماده بیست و چهارم :

هرگاه در خصوص فقره تصحیح حدود یونانستان در میان باب عالی و دولت یونان ائتلاف و اتفاقی حاصل نشود موافق احکام ضبط نامه مجلس سیزدهم کنگره دولتهای آلمان و اوستریا و مجارستان و فرانسه و ایتالیا و روس برای آسان کردن مذاکرات حق توسط را منحصر به خودشان می سازند.

ماده بیست و پنجم :

ایالتهای بوسنه و هرصک (۱) از جانب دولت اوستریا و مجارستان اداره خواهند شد و دولت مشارالیهها به این دو ایالت لشکر خواهد فرستاد. ایالت سنجا (یگی بازار) (۲) را که از میان صربستان و قره طاغ از جهت جنوب شرقی تابه آن طرف مترو ویتسیا منتهی می شود دولت اوستریا نخواست به عهده خود بگیرد. لهذا این سنجا در زیر اداره دولت عثمانیه خواهد ماند. ولی به اقتضای وضع حاضر سیاسی و محافظات طرق و معابر در این سنجا، دولت اوستریا حق داشتن قراول و ساختن مواردات عسکریه و تجاریه خواهد داشت. در خصوص متفرعات این مطلب دولت عثمانیه و دولت اوستریا و مجارستان حق مذاکره و اتفاق را باقی می دارند.

ماده بیست و ششم :

استقلال قره طاغ را چنان که از جانب باب عالی تصدیق شده است دولتهای متعاهده که تا حال استقلال آن را نشناخته اند نیز تصدیق می کنند.

ماده بیست و هفتم :

دول معظمه متعاهده شرایط آتی الذکر را متفقاً قراردادند برای بهره مندی از حقوق مدنی و سیاسی فرق و مغایرت مذهب مابین هیچکس را در هرجائی که می خواهد بوده باشد وسیله استثنا و عدم قابلیت نتواند شد و این چیزها مانع از قبول در خدمات عمومیه و مأموریتها و مناصب و اجرای صنایع نتواند بود. اهالی مذاهب مختلفه و تبعه خارجه را در قره طاغ از جهت آزادی آئین و مذاهب خارجه امنیت داده می شود. تشکیلات مذهبی ملل مختلفه و مناسبات آنها را با رؤسای روحانیه

به وجهی ممانعت نباید بشود.

مادة بیست و هشتم :

حدود تازه قره طاغ بدین قرار معین شده است: خط حدود از ایلنیو-برودو آغاز کرده به سمت شمال قلوبوق و از روی تره بینجه نیز به غرانیقارو خواهد گذشت. غرانیقارو در داخل هر سک خواهد ماند. خط مذکور از نهر قرانقارو به بالا رفته به نقطه ای که یک کیلومتر بالاتر از رودخانه که به سیلیقه می ریزد می رسد از آنجا به پیلاتوه رفته این قریه در سمت قره طاغ خواهد ماند و از تپه ها به جانب شمال و از راه بیلکه (غوریتو) و غاچقه به قدر امکان به فاصله شش کیلومتر گذشته به گذرگاهی که در میان سونیای پلانینا و کوه قوریله است و از آنجا شرقاً قریه وارتقوسیچی را به هر سک گذاشته به کوه اورلین ممتد خواهد شد، از آنجا روانه را به قره طاغ گذاشته مستقیماً به شمال شرقی خواهد گذشت و به کوتاه ترین خطی به نهر بیوه رسیده نهر را گذشته در میان قرقویقه و ندوینه به تاره خواهد رسید. از این نقطه تا مورقواق بالا رفته تا بسفوز زروبه رسیده به قریه صوقولار و در آنجا به حدود قدیمه منتهی خواهد شد.

خط حدود تازه از آنجا به تپه های مقراپلانینا رفته قریه مقره در سمت قره طاغ خواهد ماند و از آنجا از سلسله اصلیه تا گذرگاهی که در نقشه ارکان حرب اوستریا به شماره ۶۱۶۶ معین است و از طرف دیگر از روی خط تقسیم آنها که در میان مسیونه واقع است ممتد خواهد شد. پس از آن خط از میان قبیله قالوبچی از یک طرف و قوسقاقرائنه و قله منتی و عرووی از طرف دیگر گذشته با حدود حالائی یکی شده به صحرای بودغوریچه می آید و قبیله های قله منتی و غرودی و هورا در سمت ارناودستان گذاشته به یلانیقه خواهد رفت از حوالی جزیره کوچک غویقه طوپال نام دریاچه اشقودره را گذشته از غوریه طوپال مستقیماً به پنه ها ممتد خواهد شد و در میان مسفورد و قالیمد به خط مستقیم آنها رفته میرقویقی را به قره طاغ ترک نموده در قریه قروچی به دریای وندیک منتهی خواهد شد. خط حدود قره طاغ در شمال غربی از میان قریه های سوسانه و زوبسی از ساحل گذشته در بالای پلانینا به منتهی نقطه جنوب شرقی حدود حالیه متصل خواهد شد.

ماده بیست و نهم :

بلدۀ بار و اراضی متفرعۀ آن به شروط آتیه به قره طاغ واگذار خواهد شد بدین طریق که اراضی جنوبیۀ بار موافق حدودی که در بالا معین شد به علاوۀ دولسنجو تا بویانه به دولت عثمانیه خواهد ماند به طوری که در بیان نامۀ مفصل حدود معین شده است. اسبقا تا اراضی شمالیه حدود دالماجیا افزوده خواهد شد. درنهر بویانا قره طاغ را از جهت تردد کشتیها آزادی کامل خواهد بود. بجز استحکاماتی که برای محافظت شهر اشقودره لازم است در اطراف شهر مذکور استحکاماتی ساخته نخواهد شد و استحکامات شهر مذکور بیش از شش کیلومتر بیشتر نخواهد بود. قره طاغ کشتی جنگی و بیرق کشتی جنگی نتواند داشت. کشتی هیچ دولتی به لنگرگاه بار و عموم نهرهائی که گذرگاه قره طاغ است داخل نخواهد شد. هرچه استحکامات در میان دریاچۀ اشقودره و سواحل آن و جاهائی که الآن خاک قره طاغ شمرده می شود هست همه خراب و هدم شده به جای آنها استحکامات دیگر هم ساخته نخواهد شد، دولت اوستریا دربار و سواحل قره طاغ به واسطۀ کشتیهای سبک مخصوص سواحل محافظت ضابطۀ بحریه و صحنه را خواهد کرد. قره طاغ قوانین بحریه را که در دالماجیا معمول است قبول و پیروی خواهد کرد. دولت اوستریا و مجارستان تعهد می کنند که منافع تجارت بحریۀ قره طاغ را به واسطه کونسلهای خود نگاه دارد. در خصوص ساختن راه شوسه و راه آهن و نگاه داشتن آنها در اراضی جدیدۀ قره طاغ امارت مذکوره با دولت اوستریا و مجارستان اتفاق خواهد کرد. مواردات و تردد دراین راهها به قاعدۀ آزادی کامل خواهد بود.

ماده سیام :

مسلمانان و سایرین که در اراضی جدیدۀ قره طاغ هستند هرگاه بخواهند در جای دیگر سکنی نمایند آنچه عقار و املاک دارند می توانند آنها را به کس دیگر اجاره بدهند یا به واسطۀ وکیلها اداره نمایند، هیچکس بجز وسایلی که قانون برای منافع عامه معین کرده است از حق تصرف املاک و عقار خود ممنوع و محروم نخواهد بود مگر آن که بدل آنها نقد داده شده و برعهده گرفته شود. يك کومیسونی مرکب از مأمورین

عثمانی و قره‌طاغ معین خواهد شد که در عرض سه سال اراضی امیریۀ وقفیه را به حساب باب عالی بفروشد و قرارادارۀ آنها را بدهد یا به کسی ایجار نماید و همچنین آنچه را از حقوق شخصیه که از این فقرات متولد بشود قطع و فصل نماید.

ماده سی و یکم:

در خصوص قرار تعیین آجنت و وکیلهای قره‌طاغ در اسلامبول و جاهائی که از ممالك عثمانیه لازم باشد در میان باب عالی و امارت قره‌طاغ مستقیماً اتفاق خواهد شد. اهالی قره‌طاغ که در ممالك عثمانیه سیاحت یا اقامت کنند موافق احکام حقوق عمومیه دولیه و عاداتی که در حق قره‌طاغیها جاری است تابع قوانین عثمانیه خواهند بود.

ماده سی و دوم:

قشون قره‌طاغ به فاصله بیست روز بل زودتر اگر ممکن باشد از تاریخ مبادله این عهدنامه جاهائی را که در خارج حدود امارت مذکوره است خالی خواهند کرد. عساکر عثمانیه نیز جاهائی را که به قره‌طاغ واگذار شده است در مدت بیست روز مذکور خالی خواهند نمود. مع ذلك برای ترك نمودن مواقع مستحکمه و حمل و نقل آذوقه که در آنجاهاست و حرکت دادن آلات جنگ و ثبت دفتر کردن اشیاء و ادواتی که فوراً نمیتوان برداشت پانزده روز برمدت مذکور افزوده خواهد شد.

ماده سی و سوم:

مقداری از دیون عثمانیه به واسطه واگذار شدن اراضی که به قره‌طاغ واگذار شده است بر عهده امارت مذکوره راجع خواهد بود و مقدار آن به حقانیت از جانب سفرای خارجه در اسلامبول به اتفاق باب عالی معین خواهد شد.

ماده سی و چهارم:

دولتهای معظم متعاهد استقلال صربستان را تصدیق و به شروط مفصله در فصل آتی مربوط کردند.

ماده سی و پنجم:

برای بهره‌مندی از حقوق مدنی و سیاسیه اختلاف و فرق مذهب و آئین هیچکس را و در هرجائی که بوده باشد وسیله استثنا و عدم قابلیت

نشده این چیزها مانع از دخول در خدمات عمومیه و مأموریتها و مناصب و اجرای صنایع نخواهد بود.

ماده سی و ششم :

امارت صربستان اراضی مضیه را که در داخل حدود مفصله ذیل است مالک خواهد بود: حدود تازه صربستان به طول خط حالائی حدود رفته از جائی که نهر درینا به نهر ساوا می ریزد به مجرای آب مستقیماً ممتد و مالی و ازو ورنیق و زخار را در سمت امارت خواهد گذاشت و تا قاپونیک به خط حدود قدیمه صربستان خواهد رفت در ذروه کوه قاپونیک از آن خط جدا شده از سمت جنوب قاپونیک به طول حدود شرقیه سنجاک نیش کشیده از تپه های کوه های مارتیا و مردار پلانینا خواهد گذشت. این تپه در میان مجراهای نهر های ایلباروسینیکا از یک طرف و نهر طویلینا از طرف دیگر خط فاصل آنها را تشکیل خواهد کرد پره پولاد به دولت عثمانی خواهد ماند از آنجا در میان پرونیقا و مدودجا به پیروی خط فاصل آنها مستقیماً به سمت جنوب رفته دره مدودجا را تماماً در سمت صربستان گذاشته راست به تپه قولزق پلانینا می رود و از طرف دیگر خط فاصل آب نهر های بولزانیکا و وترنیقا و موراوا را تشکیل می کند. از آنجا روبروی قارنیا پلانینا تا جای اتصال نهر های قوانقا و موراوا رفته در آنجا نهر هارا گذشته در حوالی نره دوس به خط طول فاصل آبی که به نهر موراوا می ریزد ممتد می شود و در سمت بالای ترغویست به پلانیینای آب گرم متصل می گردد. از این نقطه از ذروه کوه آب گرم تا ذروه کوه قلتروق امتداد یافته از جاهائی که در نقشه به شماره ۱۵۱۶ و ۱۵۱۷ نموده شده است و از بابنیا غوره گذشته به کوه غارنهوره منتهی می شود. حدود تازه صربستان از کوه قزلی و ره گرفته با حدود تازه بلغارستان یکی می شود یعنی از تپه های استره سیرو و ویلوغلو و مسید پلانینا گذشته به خط مستقیم میاه که در میان استروما و موراوه است می رود به غاسینا و و غرقه تراوه و دارقوسقوه و درانیکه پلان منتهی می شود و پس از آن از روی وشائی قلاونق به خط تقسیم میاه صوقوه و موراوه مستقیماً به استول خواهد رفت و از آنجا پائین آمده در شمال غربی قریه سفوزه راه پیروت را هزار کیلومتر از صوفیه قطع خواهد کرد از آنجا به خط مستقیم به ویدلیتی پلانینا بالا رفته و در سلسله بالکان بزرگ از روی کوه رادوچینا گذشته قریه دوقنجی را به صربستان و قریه سناقوس

را به بلغارستان خواهد داد. پس از دروۀ کوه رادوچینا به سمت شمال غربی گذشته از بالکان سیروق و استارا پلانینا به دروۀ های بالکان بالا رفته در حوالی اولاسمیلژوه قوقه به حدود قدیمۀ شرقیۀ امارت صربستان متصل شده به خط حدود قدیمه تانهر طونه رفته در راقویچه به نهر طونه متصل خواهد شد.

مادۀ سی و هفتم :

مادامی که مقاولات جدیده منعقد نشود مناسبات تجارتی امارت صربستان با دول سائره تغییر نخواهد یافت و از متاعهائی که از صربستان می گذرد رسم مروریه و ترانسیت گرفته نخواهد شد. حقوق و امتیازات تبعۀ خارجه و حقوق محاکمه که الان کونسوها دارند مادامی که به اتفاق امارت و دولتهائی که علاقۀ دارند تغییر و تبدیل داده نشده است به طور سابق تماماً در صربستان مرعی الاجرا خواهد ماند.

مادۀ سی و هشتم :

باب عالی که با دولت اوستریا و مجارستان و کومپانی کارشمن دو-فرروم ایلی در خصوص تمام کردن راههای آهن و متصل کردن آنها به خط اوستریا و درباب کار انداختن راههای آهنی که در جاهای واگذار شده به صربستان تعهدات و حقوق دارد هر چه از این بابتها به حصۀ صربستان بیفتد به امارت مذکوره راجع خواهد بود. برای قرارداد این مطالب پس از امضاشدن این عهدنامه بلا تأخیر در میان دولت اوستریا و مجارستان و باب عالی و صربستان و بلغارستان از جهت حصه ای که به بلغارستان راجع است مقاولاتی که لازم است تنظیم و ترتیب داده خواهد شد.

مادۀ سی و نهم :

مسلمانانی که در اراضی افزوده شده به خاک صربستان املاک دارند هر گاه بخواهند اقامتگاه خودشان را در خارج صربستان قرار بدهند می توانند املاک خودشان را به اجاره بدهند یا به واسطۀ وکیل اداره نمایند. کومیسونی مرکب از مأمورین عثمانی و صرب در عرض سه سال مطالبی را که متعلق به فروش و استعمال املاک امیریۀ وقفیه است و کارهای متعلق به منافع کسانی که علاقۀ به این مصالح دارند انجام خواهد داد.

مادهٔ چهارم :

در حق تبعهٔ صربستان که در ممالك عثمانیه سیاحت یا اقامت کنند تا بسته شدن معاهده در میان دولت عثمانیه و صربستان موافق قواعد کلیهٔ حقوق دولیه رفتار خواهد شد.

مادهٔ چهارم و یکم :

جاهائی را که در داخل حدود تازهٔ امارت صربستان نیست قشور عرب در ظرف مدت پانزده روز از تاریخ مبادلهٔ تصدیق نامه این معاهده، ناچار باید خالی کنند و نیز در ظرف همین مهلت عساکر عثمانیه جاهائی را که به صربستان واگذار شده است خالی خواهند کرد ولی برای خالی کردن مواقع مستحکم و حمل و نقل مهمات و اشیاء و ثبت دفتر کردن چیزهائی که فوراً حمل و نقل نمی‌تواند بشود علاوه مهلتی به عساکر عثمانیه داده خواهد شد.

مادهٔ چهارم و دوم :

چون صربستان از جهت اراضی تازه‌ای که بر صربستان افزوده شده است متحمل قسمی از دیون عثمانیه به قدر حصهٔ خود خواهد بود لهذا این حصه را سفرای اسلامبول به اتفاق باب عالی از روی يك اساس عادلانه معین خواهند کرد.

مادهٔ چهارم و سوم :

دولتهای بزرگ متعاهد استقلال رومانی را به شروط مندرجه در دومادهٔ آتی‌الذکر تصدیق می‌کنند برای این که هرکس در رومانی از حقوق مدنی و سیاسیه بهره‌مند شوند مقرر است که فرق مذهب و آئین هیچکس را و در هر جا که باشد وسیلهٔ استثناء و عدم لیاقت در خدمات عمومیه و مأموریت و منصب و اجرای صنعت نبوده مانع از قبول آنها نخواهند بود.

مادهٔ چهارم و چهارم :

آئین خارجی مذاهب و آزادی مذهب را برای اهالی مذاهب مختلفهٔ مردم خود رومانی و تبعهٔ خارجه امنیت داده می‌شود. تشکیلات مذهبیّه ملل مختلفه و مناسبات رؤسای روحانیّه را به وجهی ممانعت نتواند شد. در رومانی در حق تبعهٔ همهٔ دولتها خواه تجار و خواه غیر آنها باشند بلا استثناء به طور مساوات کامله رفتار خواهد شد.

مادهٔ چهل و پنجم :

امارت رومانیای پارچه اراضی بساراییا را که به موجب عهدنامهٔ ۱۸۵۱ پاریس از ممالک روسیه جدا شده به رومانیای داده شده بود به اعلیحضرت ایمبراطور روس رد و اعاده می نماید. حدود قطعۀ مذکور غرباً مجرای نهر پروت و جنوباً شعبۀ کیلیای طونه و مصب استاری اسلامبول است.

مادهٔ چهل و ششم :

جزیره ها که مصبهای طونه است و جزیره های مار و محلات و سنجاقهای کیلیا و سنه و محمودیه و ایساقچی طولچی و ماچین و باباطاگی و خرسوه و کوستینجه و مجیدیه به امارت رومانیای واگذار کرده شده است. خط حدود به معرفت کومیسئون اروپ که برای تعیین حدود معین خواهد شد تنظیم و تعیین خواهد گردید.

مادهٔ چهل و هفتم :

فقرۀ تقسیم میاه و فقرۀ جاهائی که شکار ماهی کرده می شود به کومیسئون طونه که از جانب دولتهای اروپ هست محول خواهد شد.

مادهٔ چهل و هشتم :

متاعهائی که از خاک رومانیای خواهد گذشت رسم مروریه و ترانسیت نخواهد داشت.

مادهٔ چهل و نهم :

در خصوص تعیین امتیازات حق حمایت کونسلهای در داخل امارت رومانیای ووظایف ایشان مقاوله نامه ها منعقد تواند شد. حقوقی که الان هست مادامی که در میان امارت به اتفاق دولتهائی که علاقه دارند تغییر نیافته است کماکان مرعی الاجرا خواهد بود.

مادهٔ پنجاهم :

مادامی که در میان دولت عثمانیه و رومانیای در خصوص تعیین امتیازات کونسلهای معاهده نشده است تبعۀ رومانیای که در ممالک عثمانیه سیاحت و اقامت می کنند و تبعۀ عثمانیه که در رومانیای سیاحت و اقامت داشته باشند از حقوق که تبعۀ اروپ را داده شده است بهره مند خواهند بود.

مادهٔ پنجاه و یکم :

حکومت رومانیای در جاهائی که به رومانیای واگذار شده است حقوق

ووظایف باب عالی را که از جهت انشئات عمومی و اقدامات به اعمال نافع دارد در عهده خود خواهد داشت.

ماده پنجاه و دوم :

برای این که بر امنیت آزادی تردد کشتیها در طونه که از منافع اروپ بودن آن تصدیق شده است افزوده شود دول مفخمه متعاهده قرار دادند براین که قلعه ها و استحکاماتی که از تیمورقپو تا مصبهای نهر طونه است همه خراب شده بعد از این نیز قلعه و استحکام تازه ساخته نشود. کشتیهای جنگی در نهر طونه در پائین تر از تیمورقپوها تردد نخواهد کرد ولی کشتیهای کوچک که برای انضباط نهر و گمرکها لازم است از این حکم مستثنی خواهد بود و کشتیهای قراول دولتها که در مصبهای طونه می باشند تنها تا قلاص توانند رفت.

ماده پنجاه و سوم :

در کمیسیون طونه از جانب حکومت رومانی نیز اعضاء خواهد بود. این کمیسیون در مأموریت خود برقرار می باشد. کمیسیون پس از این به طور استقلال از حکومت های آن حوالی تا قلاص اجرای مأموریت خواهد کرد. آنچه مقاولات و معاهدات و قرارنامه هایی که به اسنادها در خصوص حقوق و امتیازات و وظایف کمیسیون طونه هست همه برقرار و مرعی-الحکم خواهد بود.

ماده پنجاه و چهارم :

یک سال پیش از آن که مدت مأموریت کمیسیون طونه منقضی بشود دولتها در خصوص زیاد کردن مدت مأموریت کمیسیون و اجرای تعدیلاتی که لازم باشد در میان خودشان قرار خواهند داد.

ماده پنجاه و پنجم :

نظاماتی که در خصوص تردد کشتیها از تیمورقپوها تا قلاص و در باب انضباط امر لازم باشد به معرفت کمیسیون تنظیم خواهد یافت و وکلای ساحلیه در این باب به کمیسیون معاونت خواهند کرد. نظامات مذکوره با نظاماتی که برای جاهای پائین تر از قلاص گذاشته خواهد شد تطبیق خواهد داشت.

ماده پنجاه و ششم :

کمیسیون طونه برای اداره فناری که در جزیره بیلان آطه سی هست

با کسانی که لازم باشد رای خود را یکی خواهد کرد.

مادة پنجاه و هفتم :

وظیفه اجرای عملیات برای رفع موانع سیرسغاین در تیمورقپوها و شلاله‌ها به دولت اوستریا و هجارتان تودیع شده است. حکومت ساحله که در آن قسمت نهر هستند برای اجرای این اعمال تسهیلات لازمه به کار خواهند برد. احکام ماده ششم عهدنامه لندن که در ۱۳ ماه مارس ۱۸۷۱ در خصوص استیفای رسم موقتی برای مصارف اعمال مذکوره قرار داده شده بود به ملاحظه منفعت دولت اوستریا ابقا خواهد شد.

مادة پنجاه و هشتم :

باب عالی در آسیا اردهان و قارص و اراضی باطوم را با لنگرگاه آن و اراضی که در میان حدود قدیمه روس و جاهائی که در ذیل بیان می شود به دولت روس واگذار کرده است چنان که حدود تازه موافق خطی که در عهدنامه ایاستفانوس معین شده بود از دریای سیاه و از یک نقطه‌ای که در شمال غربی قوروده و جنوب ارتونیک واقع است ابتدا کرده به خط مستقیم به نهر چوروک ممتد خواهد شد و نهر مذکور از مشرق اشنش گذشته باز به خط مستقیم به سمت جنوب خواهد رفت و با حدود روسیه که در عهدنامه ایاستفانوس معین شده است به یک نقطه که در جنوب نریمان واقع است خواهد رسید و قصبه اولتی را به دولت روس واگذار خواهد کرد. خط حدود از آن نقطه به شرق برگشته به سمت تبره نیک رفته محل مذکور در طرف روس مانده منتهی به رودخانه پنیگ خواهد شد. از آنجا به مجرای نهر تابادیز رفته از آنجا به سمت جنوب خواهد گذشت و با دیزویکی کوی در طرف روس خواهد ماند و از سمت غرب قریه اورقان راست به هم جنیکرد رفته به خط مستقیم به دروه قصبه طاغ بالا رفته در میان آبهای که شمالاً به نهر ارس و جنوباً به نهر مراد می ریزد به خط تقسیم میاه تا حدود قدیمه روس منتهی خواهد شد.

مادة پنجاه و نهم :

اعلیحضرت ایمپراطور روس اعلان می کند که باطوم را برای آن که اساساً لنگرگاه تجارتی بشود در صدد این هستند که آنجا را لنگرگاه آزاد (پورفران) قرار بدهند.

ماده شصتم :

صحرای الشکرد و شهر بایزید که به موجب فصل ۱۹ عهدنامه ایاستفانوس به دولت روس واگذار شده بود به دولت عثمانیه پس داده خواهد شد. باب عالی شهر قطور و اراضی آن را موافق تصدیق کومیسرهای انگلیس و روس که مأمور به تعیین حدود عثمانی و ایران بودند به دولت ایران واگذار می کند.

ماده شصت و یکم :

باب عالی تعهد می کند که در ایالت های مسکونه آرامنه اصلاحات و تنظیماتی را که احتیاجات محلیه مقتضی است بلا تأخیر اجرا و امنیت آرامنه را از اکراد و چرکسها نگاهداری نماید. باب عالی از تدابیری که در این باب به کار خواهد برد وقت به وقت به دولت ها اطلاع داده و دولت ها نیز اجرای آن تدابیر را نظارت خواهند کرد.

ماده شصت و دوم :

باب عالی نیت خود را در خصوص زیاد وسعت دادن به آزادی مذهب و وقایع این آزادی را بیان کرده دول متعاهده این بیان اختیاری را به نظر اعتبار دیدند. در هیچ قسمتی از ممالک عثمانیه برای استعمال حقوق مدنی و سیاسیه و خدمات عمومیه و مأموریت و مناصب و اجرای صنعتها فرق مذهب هیچکس را وسیله استثناء و عدم قابلیت نتواند شد. بدون استثناء هر کسی در حضور محکمه ها اجرای شهادت تواند کرد. از جهت آزادی همه آئینها و اجرائات خارجی آنها همگنان را امنیت داده شده است است بنابراین تشکیلات روحانیه ملل مختلفه و مناسبات با رؤسای روحانیه آنها هیچ مانعی نتواند بود. راهبان و زوار و کشیشان هرملتی که در ممالک اروپائی یا آسیائی عثمانیه سیاحت نمایند از حقوق و فواید و امتیازات مذکوره بهره مند خواهند بود. حق حمایت رسمیه کونسله ها و مأمورین دول اروپ دربارۀ اشخاص مذکوره و برای مؤسسات مذهبیّه و اماکن خیریه تصدیق کرده شده است. حقوق موجودۀ فرانسه به طور مخصوص تصدیق شده وضع حاضری که در مواقع مقدسه یعنی در قدس شریف هست به وجهی نخواهد شد (؟) راهبان (انیوروز) از هر مملکتی باشند املاک و امتیازات سابقۀ آنها برقرار و بدون استثناء از جهت حقوق و امتیازات مظهر مساوات خواهند بود.

مادة شصت و سوم :

احكام عهدنامه پاریس که در ۱۳ مارس ۱۸۷۱ منعقد شده است بجز آنچه به موجب مواد و شروط این عهدنامه فسخ و تغییر شده است کماکان باقی و برقرار می باشد.

مادة شصت و چهارم :

این عهدنامه تصدیق شده. تصدیق نامه های آن در ظرف مدت سه هفته و اگر ممکن باشد زودتر در برلین مبادله خواهد گردید. این عهدنامه را برای این که تصدیق کرده شود مرخصهای دول متعاهده امضاء و مهر نمودند. این معاهده در برلین در تاریخ ۱۳ ماه ژوئیه ۱۸۷۸ میلادی منعقد شد.

مرخصهای دول متعاهده به تفصیلی که در عنوان عهدنامه نام ایشان ذکر شد یکان یکان ذیل عهدنامه را امضاء کرده اند.

قدتم بالخیر والعافیة فی ثامن شهر ربیع الثانی.

کتابه العبد الاقل الجانی ابن مرحوم میرزا سید محمدرضا

احمد الطباطبائی الاردستانی سنة ست و تسعین وماتین بعدالالف

سنة ۱۲۹۶

قربان خاکپای فرقدسای اقدس همایونت کردم! کتابی که به نظر انور اعلی می‌رسد حاوی جمیع گذارش و مآثر عهد معدلت مهد ملوکانه است که از بدو جلوس ابد مانوس همایون تا اول سنه یک هزار و دویست و نود و شش به درجه ظهور رسیده یعنی تاریخ سی و دو سال سلطنت جاوید شوکت اعلی حضرت شاهنشاه صاحبقران عزنصره می‌باشد و در ذیل هر سال وقایع مهمه‌ای که در آن سنه در تمام اقطار عالم و کره ارض واقع گردیده از روی اسناد معتبره نگاشته و ثبت شده است. آنچه گزارش و تاریخ سی و دو سال سلطنت همایون است تقریباً وقایع روز بروز است مگر روزهایی که امر عمده‌ای رونداشته باشد در این صورت هفته تمام نشده که یکی از امور مهمه که واقع شده درج و ثبت این اوراق گردیده است.

در این کتاب شرح حالات مخصوصه وجود مسعود مبارك و اسفار بزرگ و كوچك داخله و خارجه موكب اعلی و احكام و فرامین قضا آئین و امتیازات و شئونات و القاب و مناصب عالیّه و غیره که به رجال دولت علیه و چاکران درباری و خدمتگزاران نظامی و قلمی و غیرهم اعطا شده و تغییر و تبدیل ادارات و طرح و تشکیل دوایر جلیله دولتی و ابداع اوضاع و قوانین جدیده نتیجه خیالات بلند ملوکانه و ابنیه عالیّه سلطنتی و عمارات مبارکات و مبانی خیریه که به امر همایون در دارالخلافة ناصری و سایر ممالك محروسه بنا شده ضبط است و فی الحقیقه تاریخی است که دقایق و حقایق ایام مستدام را از جزئی و کلی فروگذار نکرده و به منزله آئینه‌ای است که عکس جمیع مآثر سی و دو ساله سلطنت معدلت آیت شاهانه را جداً دربر گرفته ابدالدهر بی‌شائبه تملق به صاحبان بصیرت می‌نماید و هواخواهان صمیمی آستان مقدس را از تأسف محو و فراموش شدن مآثر بزرگ خسروانه که حاصل زحماتی است که محض آسایش و رفاه حال ملت و ترقی و تربیت اهالی ممالك محروسه با وجود تنعم و قدرت کامله سلطنت به نفس نفیس مبارك داده‌اند آسوده و ایمن می‌نماید و مخصوصاً طبع و انتشار آن از بقا و خلود نام نیک همایون متوالیه - که چون سنین سلطنت خسروانه روز افزون باد - حکایت می‌کند.

آنچه در این کتاب مسطور شده مستند است به نوشتجات و فرامین و احکام دولتی و مرقومات کلك در رسلك مقدس و کتب مؤلفه مورخین و فضلاى معاصرین و یادداشت‌های دیگر از قبیل روزنامجات دولتی و غیره که در صحت هیچیک ربیبی نیست علاوه بر اقوال مسموعه از والد که سالیان درآستان مبارک به جان نثاری التزام داشت و آنچه خود خانه‌زاد در مدت چهارده سال شرف و افتخار پیشخدمتی در خلوت‌شاهانه صادرات روز بروز را به رأی‌العین دیده و ثبت کرده و آنچه را قبل از این چهارده سال در خدمات نظامی و اداره امور خارجه و غیره فهم نموده و در لوحه خاطر و اوراق دفاتر نگاشته است.

جمع و ترتیب این وقایع و گزارش چنان که مکشوف خاطر مهر-مظاهر همایون است کار سهل الحصولی نیست. خاصه برای این خانه‌زاد که سفر آ و حضرا بلکه اغلب لیلا و نهارا به التزام رکاب اعلی مشرف بوده و هیچوقت از خدمات مرجوعه آنی غفلت ننموده تلاقی و اجر این زحمات و مقاسات در گذشته زیارت خاکپای فرقدسای مقدس است که بحمدالله و منه همه روزه دیده بدان روشن نموده و امید این است که این تاریخ که دو جلد از کتاب مرآة البلدان ناصری است و این چاکر به شرافت و امتیاز آن انتساب به گزارش زمان معدلت اقتران اعلیحضرت شهریار از آن موضوع کرده «مآثر السلطان» نامیده است به عین عنایت نگریسته قبول فرمایند. بعد از تجلی این کتاب به حلیه قبول سرکار اعلیحضرت قوی شوکت شاهنشاهی خلدالله تعالی ملکه و سلطانه یقین است که مقبول اولواالباب و مطبوع طبع دانشمندان حقایق نصاب خواهد شد و این وقایع و گزارش سلطنت سی و دو ساله خسروانه را به نظر تدبیر و استقصاء ملاحظه کرده علاوه بر جلب منافع و کسب فواید از مجاهدات و اهتمامات ملوکانه در راه رفاه و ترقی و تکمیل و تربیت ملت ایران باخبر خواهند شد و در عالم انصاف ذکر خیری نیز از خانه‌زاد خواهند نمود.

متمم کتاب مرآة البلدان ناصری که به ترتیب حروف تهجی باید در مجلدات دیگر نگاشته شود از اول سنه میمونه توشقان‌نیل خیریت دلیل به نیروی بخت بلند اعلیحضرت اقدس شاهنشاه جم‌جاه روحانفاده شروع و نوشته و تألیف خواهد شد. ان شاء الله تعالی.

الامر الاقدس الاعلی مطاع.

اقل چاکران و خانه‌زادان محمدحسن